اسناد
سیاسی

کتاب آبی

گزارشهای محرمانهٔ
وزارت امورخارجهٔ انگلیس
دربارهٔ انقلاب مشروطه ایران

جلد هشتم

ازتاریخ ۹ مارس ۱۹۱۲ تا ۱۵ فوریهٔ ۱۹۱۳

آخرین جلد

بکوشش احمد بشیری

نشرنو

کتاب آبی

گزارشهای محرمانهٔ وزارت امور خارجهٔ انگلیس
دربارهٔ انقلاب مشروطه ایران

به کوشش و ویراستاری
احمد بشیری

www.adabestanekave.com

جلد هشتم
۹ مارس ۱۹۱۲ تا ۱۵ فوریهٔ ۱۹۱۳
۱۹ اسفند ۱۲۹۰ تا ۲۶ بهمن ۱۲۹۱
۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۰ تا ۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۱

نشر نو
تهران، ۱۳۶۹

چاپ اول: ۱۳۶۹
تعداد: ۲۵۰۰ نسخه
حق چاپ محفوظ است.

www.adabestanekave.com

چاپ و صحافی: چاپخانهٔ گوته

www.adabestanekave.com

درخواست از خوانندگان کتاب

در این کتاب گزارش رویدادهای گوناگون یکی از پرآشوب‌ترین و آموزنده‌ترین دوران‌های تاریخ میهن ما یعنی چگونگی پا گرفتن و پیروز شدن جنبش مشروطه‌خواهی در ایران را می‌خوانید.

چنانکه در پیش‌گفتار نیز یادآور شده‌ایم گردآورندگان مطالب کتاب، به‌دلایل و انگیزه‌های ویژه خودشان بسیاری از حوادث را چنان به‌کوتاهی و اختصار برگزار کرده‌اند که جز با موشکافی و کاوش بسیار نمی‌توان از آنها سر درآورد و بدتر ازاین، در بیشتر جاها از آفرینندگان و قهرمانان ماجراها به‌درستی نام نبرده و یا سربسته و رمزگونه از آنها یاد کرده‌اند که بهر روی خواننده را بیشتر گیج و درمانده و دریافت مطلب را برایش بسی دشوار می‌کند.

ما برآنیم که در پایان کار چاپ کتاب، پیرامون اینگونه مطالب و رخدادها بررسی تازه‌ئی کنیم و تا جائیکه بشود گوشه و کنار آنها را روشن گردانیده، نارسائی‌ها را از میان برداشته و مردان و زنان ناشناس مانده در کتاب را به‌خوانندگان بشناسانیم.

برای کامیابی در کاری که قصد انجامش را داریم به‌کمك و یاری خوانندگان آگاه و بیداردل کتاب به‌فراوانی نیازمندیم و آنها می‌توانند با روشنگریها و توضیحات تازهٔ خودشان درباره مطالب کتاب و یا بدست دادن عکسها، نوشته‌ها و مدارك دیگری در این زمینه به پیشبرد کار ما یاری دهند.

مطالب، عکسها و مدارکی که خوانندگان برای ما بفرستند اگر بخواهند بنام‌خودشان در کتاب توضیحات چاپ خواهد شد و اگر مایل به‌پس گرفتن مدارك خود باشند ما، پس از رفع نیاز هر آنچه را که از آنها گرفته‌ایم بخودشان پس خواهیم داد.

باز هم یادآور می‌شویم که کار روشنگرانه‌ئی که در پیش داریم جز بـا کمـــك اندیشمندان و آگاهان این دیار بویژه آنان که خود در حوادث دوران مشروطه زیسته و یا در آنها از نزدیك یا دور دستی داشته‌اند انجام‌پذیر نخواهد بود. بزرگواری کنید و هرچه از حوادث و قهرمانان مشروطه می‌دانید در دسترس ما بگذارید باشد که این گوشهٔ شگرف تاریخ ما با همت و همیاری خودتان روشن شود.

لطفاً چنانچه مایل به‌همکاری با ما بودید نامه‌ها و مطالب خودتان را به صندوق پستی شماره ۳۱۴ـ۱۱۳۶۵ تهران بنام احمد بشیری بفرستید و یا با تلفن شمارهٔ ۹۸۰۸۱۴ آنچه را می‌خواهید با ما در میان بگذارید.

با سپاس فراوان از توجهی که به‌درخواست ما و روشنتر گردانیدن تاریخ این مرز و بوم خواهید فرمود و در انتظار مهرورزی‌های شما.

احمد بشیری

www.adabestanekave.com

کوشش خود را در کار چاپ این دوره کتاب به
همهٔ مردان و زنان آزاده و جانبازی که انقلاب مشروطهٔ ایران
را پدید آوردند
همهٔ روانهای پاکی که در راه بزرگداشت ایران کوشیدند و جان باختند
شادروانان حاجی علیقلی‌خان سردار اسعد و همکاران او که
پیشگامان ما در این راه بودند
نیاز می‌کنم.

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

کتاب آبی انگلیسی نمرهٔ یك (۱۹۱۲)[1]

که مجموعهٔ مخابرات و مراسلات نمایندگان انگلیس در سال ۱۳۳۰ [۲] [۱۲۹۱ ش] می‌باشد و به بهترین ترتیبی حوادث و وقایع تاریخی سال مذکور را بیان می‌نماید، برحسب دستور حضرت مستطاب اشرف امیر معارف‌پرور حاجی علیقلی‌خان سردار اسعد مدظله اینجانب میرزا حسن‌خان اصفهانی دیپلمهٔ مدرسهٔ عالی امریکایی از انگلیسی به فارسی ترجمه نمود. امید است سایر بزرگان هم به معارف‌پروری حضرت مستطاب اشرف معظم تأسی نموده به ترجمه و تألیف کتب مفیده اقدام فرمایند.

---

۱) اصل: ۱۹۱۳ ـ م.

۲) اصل: ۱۳۳۱ ـ م.

www.adabestanekave.com

ایران نمرهٔ ۱ (۱۹۱۲)[1]

مراسلات و مکاتبات راجع به‌امور ایران در تعقیب ایران نمرهٔ ۵ (۱۹۱۲)

نمره ـ ۱

تلگراف سر جارج بارکلی (وزیرمختار دولت انگلیس)
به سر ادوارد گری (وزیر امور خارجهٔ دولت انگلیس)

طهران ۹ مارس ۱۹۱۲ (مطابق ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۰) [۱۹ اسفند ۱۲۹۰]

آقا

رجوع به تلگراف ۵ مارس من در خصوص محل تأمین قرضه به دولت ایران:

افتخار دارم سواد مراسله‌ای[را]که کفیل خزانه‌داری‌کل برای من فرستاده و مبلغ وجوهاتی که در آن تلگراف ذکر نموده‌ام مبنی‌بر آن است، لفاً ایفاد دارم.

چنانچه ملاحظه خواهید نمود علاوه‌بر عایدات مالیاتی دولت ایران فعلا یك عایدی معین سالیانه به مبلغ ۴،۰۰۰،۰۰۰ تومان دارند که ۲،۸۳۱،۰۰۰ تومان آن برای مصارف معینهٔ قروض خارجی موجوده و سایر مصارف صرف‌نظر نکردنی دولت تعیین شده.

---

۱) اصل: ۱۹۱۳ ـ م.

به موجب نقشهٔ قرضه البته قروض تثبیت‌شدهٔ دولت به بانك روس منتقل خواهد شد و نفع و استهلاك‌آن سالیانه به ۶۵۰،۰۰۰ تومان خواهد رسید. علی‌هذا از مصارف معینه که بدان اشاره رفت مبلغ مذکور کسر خواهد شد و عایدات یقینی که محل تأمین قرضهٔ مذکور باشد ۱،۸۱۹،۰۰۰ تومان خواهد بود.

به عقیدهٔ مسیو مرنارد در مقابل این تأمین یك قرضهٔ ۳۳،۰۰۰،۰۰۰ تومانی از قرار نفع صدی پنج می‌توان بدست آورد و برفرض هم که قیمت خرید آن از قرار صدی هشتاد و پنج باشد مبلغ ۲۸،۰۵۰،۰۰۰ تومان به دولت ایران عاید خواهد گردید که ۶،۰۰۰،۰۰۰ تومان آن برای پرداخت قرضهٔ بانك روس لازم خواهد بود.

مسیو مرنارد بعلاوه صورت قروض جاریهٔ دولت ایران را به انضمام قرضهٔ کمپانی اشنیدر داده است و مبلغ اینها به ۱،۹۳۲،۰۰۰ تومان می‌رسد.

به‌اضافهٔ این مبلغ کفیل خزانه‌داری کل در جزو جدول خود مبلغ ۷۰۰،۰۰۰ تومان از بابت دعاوی دولت انگلیس و ۱،۸۰۰،۰۰۰ تومان از بابت دعاوی دولت روس محسوب داشته است. سفیرین برای رفع حاجت و برحسب لزوم این مبلغها را شفاهاً به مسیو مرنارد اظهار داشتند و بنابراین تخمینی است که از روی دقت زده نشده.

جمع کل قروض جاریه بنابراین ۴،۴۳۲،۰۰۰ تومان می‌باشد که به اضافهٔ مبلغ ۶،۰۰۰،۰۰۰ تومانی که برای پرداخت قسمتی از قروض بانك روس به مصرف خواهد رسید ممکن است از وجوهات قرضه منها شده و بقیه مبلغ ۱۷،۶۰۰،۰۰۰ تومان برای دولت ایران باقی خواهد بود. به استثنای ادعای کمپانی اشنیدر از بابت دعاوی خارجه غیر از آنچه راجع به انگلیس و روس می‌باشد ذکری نرفته. من از دعاوی سنارت عثمانی اطلاعی ندارم ولی دعاوی سفارتخانه‌های دیگر رویهم‌رفته یحتمل به ۵۰۰،۰۰۰ تومان می‌رسد.

(امضاء) جارج بارکلی

ترجمهٔ ملفوف اول نمرهٔ ۱

خزانهٔ طهران ۴ مارس ۱۹۱۲ [۱۴ اسفند ۱۲۹۰؛۱۴ ع ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقای وزیر

بنابر خواهشی که در ضمن صحبت اخیر فیمابین از من نمودید، افتخار دارم که بعضی‌اطلاعات‌کتبی‌که از روی‌آن شما می‌توانید قیمت‌و اعتبار وثیقه‌هایی[را]که‌دولت ایران در صورت تصمیم ارائهٔ نقشه برای قرضهٔ خارجی می‌توانند بدهند ملتفت شوید لفاً ایفاد دارم.

من این مسأله را تأکید می‌کنم که تخمین‌عایدات ([اگر]سالیانه۴۰،۰۰۰،۰۰۰ قران باشد) بلاشك کمتر از مبلغی است که خیلی احتمال می‌رود وصول شود. چنانچه ملاحظه خواهید فرمود این مبلغ ۴۰،۰۰۰،۰۰۰ قران مبلغ حد وسط عایداتی است که در عرض پنج‌سالهٔ اخیر وصول شده و چنانچه می‌دانید در این ۵ ساله حوادث مهمه پلتیکی و اغتشاشات در هریك از ایالات و ولایات غالباً رخ نموده است.

گمان می‌کنم با نهایت‌یقین بتوانم اظهار نمایم‌که بمجرد آنکه انتظامات‌مملکت اعاده گردید از منابع مختلفهٔ مالیات در هریك از ایالات و ولایات مملکت بیش از این عایدات وصول خواهد شد.

لازم نیست ذکر شود که طریقهٔ جدید وصول مالیات مبلغ زیادی بر عایدات دولت خواهد افزود و قرض‌دهندگان را از هر خطر تأمین خواهد نمود.

(امضاء) مرنارد خزانه‌دار کل

ترجمهٔ ملفوف دو نمرهٔ ۱

اطلاعاتی که در جدولهای ذیل مندرج است می‌نمایاند:

۱) دولت حالیه از عایدات گمرکات و ضرابخانه و تلگرافخانه و تذکره و خالصه‌جات و تحدید تریاك و باندرل مسکرات مبلغ ۴۰،۰۰۰،۰۰۰ قران بدست می‌آورد.

۲) قسمتی از این عایدات (که ۲۸،۳۱۰،۰۰۰ قران باشد) برای محل تأمین قروض خارجه و بعضی از مصارف لازمه دولت تخصیص شده.

۳) در صورتی که دولت ایران قرضهٔ ۶۰،۰۰۰،۰۰۰ قران از قرار صدی هفت را که در سال ۱۹۱۰ تثبیت شده به بانك دسکونت ایران مسترد دارند اضافه وجوهات عایدات دولت که بدست می‌آمد مبلغ ۴۰،۰۰۰،۰۰۰ قران منهای ۲۱،۸۱۰،۰۰۰ یا ۱۸،۱۹۰،۰۰۰ قران خواهد بود.

۴) این اضافه عایدات یك وثیقهٔ درجه اول برای قرضه‌ای معادل ۳۳۰،۰۰۰،۰۰۰ قران از قرار نفع صدی پنج خواهد بود که قیمت اقل اسهام آن از قرار صدی هشتاد و پنج بوده باشد و وجه خالص آن ۲۸۰،۵۰۰،۰۰۰ قران خواهد بود.

۵) پس از پرداخت قرضهٔ ۶۰،۰۰۰،۰۰۰ قران از قرار صدی هفت و قروض جاریه (۴۴،۰۰۰،۰۰۰ قران) بقیه ۱۷۶،۰۰۰،۰۰۰ قران برای دولت‌ایران باقی خواهد ماند.

(امضاء) مرنارد خزانه‌دار کل

طهران ۴ مارس ۱۹۱۲

عایدات دولت که وصول آن حتمی است

گمرکات (حد وسط پنجساله)		۳۲،۰۰۰،۰۰۰ قران
تلگرافخانه (حداقل تخمینی)		۱،۰۰۰،۰۰۰ قران
ضرابخانه (حداقل تخمینی)		۳،۰۰۰،۰۰۰ قران
تذکره (حداقل تخمینی)		۱،۶۰۰،۰۰۰ قران
خالصجات (حداقل تخمینی)		۱،۰۰۰،۰۰۰ قران
تریاك و مسکرات و غیره		۱،۴۰۰،۰۰۰ قران
	جمع	۴۰،۰۰۰،۰۰۰ قران
گمرکات	جنوبی	۸،۰۰۰،۰۰۰ قران
گمرکات	شمالی	۲۴،۰۰۰،۰۰۰ قران

تحمیلات بر عایدات گمرکات و ضرابخانه و تلگراف

قروض یا مصارف	محل تأمین یا وثیقه	ترتیب تحمیل	مبلغ سالیانه
۱) قرضهٔ سال ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ از بانك دسکونت	عایدات گمرکات شمالی	تحمیل اول	۹،۶۰۰،۰۰۰ قران
۲) قرضهٔ سال ۱۹۱۰ از بانك دسکونت از قرار صدی هفت	(۱) عایدات گمرکات شمالی	تحمیل سوم	۶،۵۰۰،۰۰۰ قران
	(۲) ضرابخانه	تحمیل اول	
۳) قرضهٔ ۱۹۰۴ از بانك شاهنشاهی از قرار صدی پنج	(۱) تلگرافخانه	تحمیل اول	۴،۴۰۰،۰۰۰ قران
	(۲) گمرکات جنوبی	تحمیل دوم	
۴) قرضهٔ ۱۹۱۰ از بانك شاهنشاهی ازقرار صدی پنج	عایدات گمرکات جنوبی	تحمیل اول	۵،۳۱۰،۰۰۰ قران
	(۱) عایدات گمرکات شمالی	تحمیل دوم	
۵) مصارف معینهٔ دولت	(۲) عایدات گمرکات جنوبی	تحمیل دوم	۲،۵۰۰،۰۰۰ قران
			۲۸،۴۱۰،۰۰۰ قران
منها شود به انتظار تبدیل قرضهٔ نمرهٔ ۲			۶،۵۰۰،۰۰۰ قران
			۲۱،۸۱۰،۰۰۰ قران

صورت قروض جاریه که بایستی فوراً داده شود

طلب کمپانی اشنیدر پاریس	۱۲،۰۰۰،۰۰۰ قران
اضافهٔ برات بر بانك شاهنشاهی	۳،۳۰۰،۰۰۰ قران
اضافهٔ برات بر بانك دسکونت	۱،۱۲۰،۰۰۰ قران
جریمهٔ خسارت از بابت سرقتهای پستی	۲،۰۰۰،۰۰۰ قران
طلب تومانیانس	۵۰۰،۰۰۰ قران
طلب جمشیدیان	۴۰۰،۰۰۰ قران
جمع	۱۹،۳۲۰،۰۰۰ قران
جبران خسارات وارد به اتباع خارجه:	
اتباع انگلیس	۷،۰۰۰،۰۰۰ قران
اتباع روس	۱۸،۰۰۰،۰۰۰ قران
جمع	۴۴،۳۲۰،۰۰۰ قران
تبدیل قروض تثبیت‌شده	۶۰،۰۰۰،۰۰۰ قران
جمع	۱۰۴،۳۲۰،۰۰۰ قران

این دو فقره را سفرای دولتین انگلیس و روس شفاهاً اظهار داشته‌اند.

نمره ـ ۲

مکتوب ادارهٔ بحریه به وزارت خارجه

ادارهٔ بحریه ۲ آوریل ۱۹۱۲ [۱۳ فروردین ۱۲۹۱، ۱۳ ع ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقا

از طرف لرد کمیسیونرهای ادارهٔ بحریه مأمورم که برای استحضار خاطر وزیر

امور خارجه سواد تلگراف امروز را که از طرف فرمانده کل قشونی جزایر هند شرقی واصل شده لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) گراهم گرین

ملفوف نمره ۲

تلگراف فرمانده کل جزایر هند شرقی به ادارهٔ بحریه

جاشك ۲ آوریل ۱۹۱۲ [۱۳ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۳ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

صاحبمنصب بحری درجهٔ اول خلیج فارس امروز بطریق ذیل راپورت می‌دهد:

غیرمحتمل است کـه هجوم بـر لنگه واقـع شود چرا کـه حالا راپورت داده شده ایلیاتی‌هایی که آنجا را تهدید می‌نمودند از قرار معلوم متدرجاً متفرق می‌شوند. تنبیه شیخ چیرو و پیاده‌شدن مستحفظین قنسولخانه علت عمدهٔ آن است.

برای حالا پیشنهاد می‌کنم که بر عدهٔ مستحفظین لنگه افزوده شود.

نمره ـ ۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ آوریل ۱۹۱۲ [۱۳ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۳ ع ۲ ـ ۱۳۳۰]

کفیل قنسولگری شیراز راپورت می‌دهد که نصرالدوله پسر قوام‌الملك رضاقلی‌خان [را] که یکی از رؤسای مقتدر اعراب است بقتل رسانیده است. هرگونه حادثه‌ای‌که در این موقع حرکت ایلات و عدم فیصلهٔ مسألهٔ صولة‌الدوله به وقوع برسد ممکن است باعث تزیید اغتشاشات گردد.

قوام‌الملك تصور می‌کند که با کمك سایر ایلات عرب او می‌تواند ایلی را که متملق به رضاقلی‌خان می‌باشد تخویف نماید.

نمره ـ ۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ آوریل ۱۹۱۲ [۱۳ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۳ ع ۲ ـ ۱۳۳۰]

کفیل قنسولگری رشت راپورت ورود عساکر جدید را از روسیه می‌دهد. حرکات این قشون را نمی‌توان مواظب بود ولی سفیر روس به من اظهار می‌دارد که عساکر جدید فقط به‌جای عساکر سابق آمده‌اند و کم و کیف حـرکات آنها بموجب شرحی است که در تلگراف هشتم مارس خود رجوع به آن نموده‌ام.

نمره ـ ۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۳ آوریل ۱۹۱۲ [۱۴ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۴ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

سپهدار به فرمانفرمایی آذربایجان منصوب گردیده و شجاع‌الدوله را تا ورود خود

به نیابت ایالت در تبریز برقرار نموده و او هم این مقام را قبول نموده است.

نمره ـ ۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۳ آوریل ۱۹۱۲ [۱۴ فروردین ۱۲۹۱: ۱۴ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز من

شما نیز بایستی از دولت ایران بخواهید که از تندروهای طهران و جاهای دیگر جلوگیری نمایند و علمای نجف و کربلا را ترغیب کنند که دست از تحریکات اخیرهٔ خود برداشته نفوذ خود را طوری بکار برند که وضع سلوك و رویهٔ دوستانهٔ رؤسای ایلات را جلب نمایند.

نمره ـ ۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۳ آوریل ۱۹۱۲ [۱۴ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۴ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲ آوریل شما:

آیا به‌عقیدهٔ شما حالا می‌توان عساکر روس را از قزوین عودت داد یا آنکه هنوز تصور می‌کنید پس از متفرق‌ساختن فدائیان اغتشاشات به وقوع خواهد رسید؟

نمره ـ ۸

مکتوب وزارت خارجه به ادارهٔ هند

وزارت خارجه ۳ آوریل ۱۹۱۲ [۱۴ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۴ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

آقا

از طرف سر ادوارد گری مأمورم برای استحضار خاطر مارکس اف کرو اظهار نمایم که به وصول مراسلهٔ ۲۰ ماه گذشتهٔ شما در باب نقشه‌ای که کلنل یالمارسن برای تشکیل ژاندارمری ملی در ایران طرح نموده، او از سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران بموجب تلگرافی که سواد آن در جوف است خواهش نمود که عقاید خود و جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر را در خصوص مسائلی که در آن مراسله مذکور است ارائه نماید.

بعلاوه تعلیم دارم که سواد جواب سر جارج بارکلی را لفاً ایفاد دارم و از مفاد آن بر لرد کرو معلوم خواهد گردید که سر پی‌کاکس با عقیدهٔ سر ادوارد گری شریك است که لازم است ترتیب تمام راه از بوشهر الی شیراز از همان اول کار داده شده و در تحت نظارت صاحبمنصبان سوئدی وجوهات مصارف آن بمصرف رسیده و قراولی شود.

بعلاوه عقیدهٔ او بر این است که هرگونه بهبودی در اوضاع راه بوشهر الی شیراز لزوماً متعاقب آن بر عدم انتظام راه کرمان الی بندرعباس نخواهد افزود.

جناب عالی بعلاوه ملاحظه خواهید فرمود که کلنل سوئدی خودش اصلا در نظر داشت که تمام راه بوشهر الی شیراز را در نقشهٔ خود شامل نماید ولی از ترس اینکه مبادا این اقدام اسباب تزیید خصومت‌کاری قشقاییها شود از آن صرف‌نظر نمود.

سر ادوارد گری تصور می‌کند که برقرار داشتن پستی در ۱۲ میلی شمال شیراز محتمل نیست اسباب تقلیل دشمنی آنها شود و او در صورتی‌که لرد کرو قبول نمایند پیشنهاد می‌کند که به سر ادوارد گری تعلیم داده شود به کلنل اصرار نمایند که نقشهٔ خود را تجدید نماید به اینطور که همان قصد اول خود را که محافظت و قراولی تمام راه از شیراز تا ساحل باشد به انجام رساند حتی در صورتی‌که چنین‌اقدامی باعث لزوم صرف‌نظر نمودن از پست شمال آن شهر بوده باشد. به عقیدهٔ سر ادوارد گری لازم است که فوراً برای تجارت انگلیس و هند بین بوشهر و شیراز تا یك اندازه امنیت برقرار گردد بطوری که بعد از این تمام راههای شیراز و ایزدخواست و بندرعباس الی کرمان بطور مکفی امکان داشته باشد.

سر ادوارد گری نیز پیشنهاد می‌کند به سر جارج بارکلی تعلیم داده شود که دولت ایران را متنبه سازند که اگر خان برازجان مانع اجرای نقشهٔ ژاندارمری باشد شاید لازم شود که دولت اعلیحضرتی نظر به بدرفتاری سابق وی برضد او اقدامات سخت بنمایند.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره ـ ۹

تلگراف لرد گیلمارناك به سر ادوارد گری

استخهلم [استکهلم] ۴ آوریل ۱۹۱۲ [۱۵ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۵ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به مراسلهٔ ۱۹ مارس سر اسپرینگ رایس در باب ژاندارمری ایران:

دولت سوئد اظهار می‌دارند که خواهش کلنل سوئدی را حالا قبول نموده‌اند و او پنج نفر (نه دو نفر) افسر و یك نفر بیطار و یك مباشر آذوقه و غیره خواسته است. دولت مشارالیها از سنت پطرزبورغ اطلاع یافته‌اند که دولت روس اعتراضی ندارند و استفسار می‌کنند که آیا دولت اعلیحضرتی با این امر موافقت دارند؟ صاحبمنصبان اضافی به‌جای صاحبمنصبان امریکایی ژاندارمری خواهند بود.

نمره ـ ۱۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۵ آوریل ۱۹۱۲ [۱۶ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۶ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

عساکر روس در قزوین

راجع به تلگراف ۳ آوریل شما

به عقیدهٔ من چندان فایده نخواهد داشت که در این موقع اصرار برای تخلیهٔ عساکر شود. من یقین دارم که سفیر روس برعلیه [=علیه] آن اصرار خواهد نمود و گمان

می‌کنم حق داشته باشد.

بله قبول دارم که می‌توان بدلاً ظهور اغتشاشات فدائیان را متفرق نمود ولی حضور قشون روس در قزوین کمکی خواهد بود که به مناسبت این مسئله استقرار انتظامات را ضمانت نماید.

گذشته از مسئلهٔ فدائیان گمان می‌کنم از قشون قزوین نباید زیاده بر این کاسته شود تا آنکه عمل سالارالدوله تمام شده و همراهان وی دست از تهدید همدان و سایر نقاط بردارند.

اقدام اخیر دولت روس در مورد شاه مخلوع یکی از اعتراضات عمدهٔ مرا برعلیه [=علیه] حضور قشون روس در قزوین رفع نموده. اعتراض سابق من برعلیه [=علیه] آنها این بود که حضور آنها باعث تشویق ارتجاعیون می‌گردید که بتقویت او تولید حوادث جدیده بنمایند ولی بواسطهٔ اقدام دولت روس برعلیه [=علیه] او از حرارت ارتجاعیون کاسته شده. اعتراض دیگر من این بود که حضور آنها در قزوین باعث تقلیل اهمیت مقام دولت ایران خواهد شد ولی دولت مشارالیها حالیه بکلی مترصد تقویت دولتین مخصوصاً دولت روس برای هرگونه نفوذی می‌باشد.

عودت عساکر باعث تشویق تندروهایی‌که حالا از ترس خود را نشان نمی‌دهند خواهد شد. من در اظهار میلی که ایالت برای عودت آنها کرده اعتقادی ندارم.

نمره ـ ۱۱

تلگراف سر ادوارد گری به لرد گیلمارناك

وزارت خارجه ۶ آوریل ۱۹۱۲ [۱۷ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۷ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

ما اعتراضی برعلیه [=علیه] تزیید عدهٔ صاحبمنصبان سوئدی برای ژاندارمری ایران نداریم (رجوع به تلگراف ۴ آوریل خود نمایید).

نمره ـ ۱۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ آوریل ۱۹۱۲ [۱۸ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۸ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

همراهان سالارالدوله همدان را تهدید نموده‌اند و یکصد نفر از عساکر روس به آنجا وارد شده‌اند.

امیدوارم ورود آنها همدان را از اغتشاشاتی‌که کرمانشاه دوچار آن بوده است مستخلص خواهد ساخت. این اقدام بنابر تصویب وزیر امور خارجه بعمل آمده است و گمان می‌کنم که صلاح باشد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۸ آوریل ۱۹۱۲ [۱۹ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۹ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

خزانه‌دار کل

وزیر مالیه اتصالا مشغول اقدامات متوالی برای بی‌اثر ساختن مشاغل خزانه‌دار کل می‌باشد. بعلت آن مسیو مرنارد در این باب به کابینه رجوع نموده و به آنها اصرار کرده است که اقدامات نموده خزانه‌دار کل را مجاز نمایند با عجله و با کمال اقتدار شروع به تشکیل و تنظیم ادارهٔ مالیه که موقتاً در تحت امر او قرار داده شده بنمایند و از وضع رفتار وزیر مالیه شکایت نموده است.

سواد این مراسله نزد سفارتین فرستاده شده است.

مسیو مرنارد مرا اطلاع می‌دهد که در نظر دارد که نقشهٔ تنظیمات ادارهٔ مالیه را هم در ضمن دنبال کند و برای این کار تقویت سفارتین را هم لازم خواهد داشت. این نقشه متضمن استخدام قریب سی نفر اروپایی دیگر می‌باشد و اکثر آنها بلاشك از بلجیك [بلژیك] خواهند بود.

واضح است که بهمین زودیها ما را دعوت خواهند نمود که در باب مسئلهٔ تعیین قطعی مرنارد به مقام خزانه‌داری کل تصمیمی بنماییم. شما البته سر والتر تنلی را از نظریات خود در این موضوع مستحضر داشته‌اید. از زمان ارسال راپورت آخری خود در عقیدهٔ من نسبت به مسیو مرنارد تغییری حاصل نشده است.

نمره ـ ۱۴

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مارس ۱۹۱۲ [۲۸ اسفند ۱۲۹۰: ۲۸ ع۱ ـ ۱۳۳۰]

آقا

از زمان ارسال مکتوب ۱۷ فوریه یکی از حوادث مهمه، حرکت شاه مخلوع در ۱۰ مارس از ایران و قبضهٔ کرمانشاه از طرف سالارالدوله و اظهاری‌که قنسولهای دولتین انگلیس و روس تعلیم دارند به وی بنمایند می‌باشد.

چنانچه تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت داده شده نتیجهٔ مذاکراتی که دولت ایران توسط قنسول روس مقیم استراباد بنابر صوابدید دولتین با محمدعلی نمود این بود که شاه مخلوع همینکه پس از رجوع به امپراطور دریافت که تصمیم دولت روس قطعی بوده و او نمی‌تواند امیدوار به شرایطی بهتر از تعیین حقوق در حق خود و اعطای عفو عمومی به اتباعش باشد، اظهار میل به خارج‌شدن از ایران نموده است و درخواست نموده است که حقوق سابقش مجدداً برقرار گردیده و یکصد هزار تومان یا کمتر برای پرداخت حقوق اتباعش به او داده شود. با این اوضاع همکار روسی و من تصمیم نموده‌ایم که به دولت ایران توصیه نماییم که کار را بیك طوری اصلاح نمایند و یك حقوق ۷۵،۰۰۰ تومانی برای او مقرر داشته و مبلغی هم که در حقیقت

لازم است. برای پرداخت حقوق اتباع وی و جلوگیری از خرابکاریهای او داده شود.

ما با قدری اشکال دولت ایران را ترغیب به قبول این شرایط نمودیم. مبلغی را که قنسول روس راپورت داده بود برای پرداخت حقوق اتباع شاه مخلوع لازم است ۷۰،۰۰۰ تومان می‌باشد و این طور قرار شد که شاه مخلوع این وجه را بواسطهٔ کسر گذاردن هر سالی ۱۰،۰۰۰ تومان از حقوق او، به دولت ایران مسترد دارد. با این اوضاع سخت مالی برای دولت ایران امکان نداشت که این مبلغ کلی را بپردازند و دولتین انگلیس و روس بالتساوی این مبلغ را داده‌اند که از قرضهٔ مشترك ۲۰۰،۰۰۰ لیرا ۱ که مذاکرهٔ آن به انجام نرسیده مسترد شود.

شاه مخلوع در اواخر ماه گذشته از استراباد برای مقامات بحری روس در عاشوراده [=آشوراده] رفت و از آنوقت تا به بعد در ۱۰مارس با کشتی جنگی روس که برای او تهیه شده بود بطرف روسیه حرکت کرده است. شجاع‌السلطنه در استراباد مانده است که قنسول روس را در فیصلهٔ امر اتباع برادرش همراهی نماید.

از قرار اخبار اخیره که از قنسول روس مقیم استراباد واصل گردیده است پرداخت حقوق آنها به آرامی بعمل آمده و قفقازیهایی‌که در استراباد بوده‌اند از آنجا حالا خارج شده‌اند.

از بابت اوضاع کرمانشاه فقط بعضی اطلاعات جزئی بدست می‌باشد. مخابرات تلگرافی بین همدان و کرمانشاه بکلی مقطوع گردیده و عبور و مرور پسته بواسطهٔ اغتشاشات آن نقطه خیلی غیرمنظم شده ولی از قرار کاغذ شخصی که از طرف قنسول اعلیحضرتی برای من رسیده معلوم می‌گردد که سالارالدوله به همراهی داودخان رئیس ایل کلهر در ۲۲ ماه گذشته دوباره به کرمانشاه وارد شده.

از قراری‌که راپورت داده شده اکثر نقاط شهر بغارت رفته است. از قرار مذکور بسیاری از عساکر دولت بقتل رسیده‌اند و بسیاری از مأمورین دولتی که اعظم‌الدوله نایب‌الحکومهٔ سابق هم جزو آنها باشد و قبلا در قنسولخانهٔ اعلیحضرتی بست اختیار نموده بود، از قراری که راپورت داده شده، بدار زده شده‌اند.

در غرهٔ شهر جاری همکار روسی و من به دو قنسولها تعلیم دادیم که به سالارالدوله اصرار نمایند شرایطی را که دولت ایران مقرر داشته بودند قبول نموده و از مملکت خارج شود. ما تاکنون از بابت اقداماتی که برحسب دستور ما باید بعمل آید راپورتی در دست نداریم (سواد تعلیمات ما در جوف است).

اوضاع مشهد هنوز باعث تشویش است و از قراری که معلوم است مأمورین محلی بکلی نمی‌توانند با عناصر۲ شاه‌پرست که عدهٔ کثیری از آنها در مقامات متبرکه هنوز بست اختیار نموده‌اند قرار و مداری بدهند. سفیر روس همراهی عساکر روس را برای رفع این هیجان تقدیم نموده‌اند و گمان می‌کنم برای دولت ایران صلاح باشد

---

۱) لیرا=لیره. و در این مجلد همه‌جا لیرا آمده است. ـ م.

۲) اصل: عنصر. ـ م.

که تقدیم دولت مشارالیهما را بپذیرند.

اخطارهای شجاع‌الدوله در تبریز از قراری کـه معلوم است بالاخره باعث ظهور اثری گردیده است زیرا که اوامر داده است بعضی نمایشات منسوب به مقاصد شاه مخلوع که در اوایل این ماه به ظهور رسید موقوف بـاشد و از آنوقت تاکنون دست شخصی موسوم به محمدخان را از کار کوتاه کرده است و این شخص اخیراً با عده‌ای سوار زنجان را قبضه نموده بود، اگرچـه بدبختانه این راهزن شهر مزبـور را در تصرف خود دارد و از وقتی که دستش از کار کوتاه شده آنجا را به اسم سالارالدوله در تصرف خود داشته است.

تقلیل یا ازدیاد این شورش بیشتر بسته به نتیجهٔ اظهاریهٔ مشترك دو قنسول به سالارالدوله در کرمانشاه می‌باشد.

(امضاء) جارج بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۱۴

مکتوب سر جارج بارکلی به قنسول ملك‌دول

طهران غرهٔ مارس ۱۹۱۲ [۱۱ اسفند ۱۲۹۰؛ ۱۱ ع۱ ـ ۱۳۳۰]

شما باید با همکار روسی خود مشورت نموده به سالارالدوله متفقاً اطلاع دهید که محض خاتمه‌دادن به این شورشی که باعث آنقدر خسارات بیحساب به ایران شده دولت اعلیحضرتی و دولت روس به دولت ایران ارائهٔ طریق نموده‌اند که دولت مشارالیهما بایستی با شاه مخلوع برای خارج شدن او از مملکت باب مذاکرات مفتوح نماید به شرط آنکه حقوقی در حق او برقرار گردیده و عفو عمومی کامل در حق همراهان او داده شود.

دولت ایران ارائهٔ طریق مذکور را قبول نموده‌اند و توسط قنسول روس مقیم استراباد مشغول مذاکرات با شاه مخلوع شده‌اند.

شاه مخلوع در شرف حرکت است و فقط مسئلهٔ حقوق او است که بایستی فیصله شود.

دولت ایران حاضر هستند حقوق شش هزار تومانی در حق سالارالدوله برقرار کرده و شش هزار تومان هم به خانوادهٔ او بدهند و املاك او را که ضبط نموده‌اند به او مسترد دارند بشرط آنکه در کرمانشاه و جاهای دیگری[1] کـه اشغال نموده نظم برقرار داشته و آن‌جاها را به حکمرانی که دولت ایران تعیین نموده واگذار کند و تعهدی بنماید که پس از حرکت از خاك ایران بدون رضایت دولت ایران دیگر به‌آن مملکت مراجعت ننماید.

سفارتین با کمال سختی به سالارالدوله نصیحت می‌نمایند که پیشنهاد دولت ایران را قبول نموده و بنابر شرایط فوق‌الذکر از مملکت خارج گردد.

---

۱) اصل: دیگری را ـ م.

نمره ـ ۱۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مارس ۱۹۱۲ [۲۸ اسفند ۱۲۹۰؛ ۲۸ ع۱ ـ ۱۳۳۰]

آقا

در ۱۶ شهر جاری برحسب تعلیمات دولتین متبوعتین خود همکار روسی و من وزیر امور خارجه را شفاهاً اطلاع دادیم که دولتین مخالف استخدام صاحبمنصبان قشونی از اتباع دول صغار نبوده‌اند و در باب اظهاراتی که سفیر ایران مقیم سنت پطرزبورغ به دولت روس نموده و از طرف دولت ایران اظهار بیم و وحشت نموده بود از اینکه مبادا دولتین در صدد محدود ساختن قوهٔ قشون جدید باشند ما او را اطلاع دادیم که دولتین چنین قصدی نداشته[اند] و به عقیدهٔ آنها دولت ایران یك قشونی زیادتر از آنچه مالیهٔ آن دولت اجازهٔ تشکیل آن را می‌دهـد لازم است تشکیل نموده و برقرار داشته باشند. اگرچه در تعلیمات من چیزی بطور واضح مذکور نگردیده که من بتوانم در خصوص قسمت اخیر این اظهاریه چیزی گفته باشم ولی در اقدام به این امر اعتراضی ندارم. این را بایستی راپورت دهم که پس از عنوان این اظهاریه مشترك مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] بعلاوه اظهار داشت که اظهار راجع به استخدام صاحبمنصبان قشونی از دول صغار ربطی به بریگاد قزاق ندارد [و] در صورتی‌که بر عدهٔ آن افزوده شود طریقهٔ تشکیلات آن به‌نحو سابق باقی خواهد بود.

(امضاء) جارج بارکلی

نمره ـ ۱۶

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مارس ۱۹۱۲ [۲۸ اسفند ۱۲۹۰؛ ۲۸ ع۱ ـ ۱۳۳۰]

افتخار دارم خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ اخیر ایـران را بطریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) جارج بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۱۶

خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ ایران لغایت ۱۸ مارس

طهران

مراسلهٔ ۱۸ فوریهٔ انگلیس و روس در خصوص جوابیهٔ دولت ایـران به مراسلهٔ مشترك در عرض چهار هفتهٔ گذشتهٔ بین دولت ایران و سفارتین مذاکرات در میان بوده است.

کابینه ـ صمصام‌السلطنه هنوز به صدارت برقرار است و اگرچه وثوق‌الدوله وزیر امور خارجه در ۱۱ مارس استعفای خود را تقدیم به نایب‌السلطنه نمود و صدراعظم هم روز بعد استعفاء کرد کمی بعد از آن هر دو استعفای خود را بازگرفتند.

اوضاع عمومی ـ اوضاع طهران بحال آرامی دوام داره ولی ایالات، چنانچه از قسمت راجع به ایالات این خلاصه مشهود می‌گردد حتی از حالات معمولی مغشوشتر شده‌اند.

حرکت شاه مخلوع در شمال ایران باعث آرامی زیادی شده ولی اقدامات متوالی سالارالدوله اسباب اضطراب شدید دولت ایران شده است.

شاهزاده فرمانفرما که چند ماهی در حدود قزوین بسر می‌برد، همینکه دریافت نمی‌تواند در کرمانشاه به مقام خود رسد، به طهران مراجعت نموده و قصد دولت ایران این است کـه او را بـا استعدادی از قزاقان ایرانـی به مقام حکومت خودش بفرستد.

سپهدار هنوز قطعاً برای ایالت آذربایجان نامزد نشده است ولی معلوم است که سفارت روس تعیین وی را مناسب می‌دانند. برای تغییر کابینه سعی و کوشش‌می‌شود که سپهدار را به ریاست آن برقرار نمایند. عموم مردم اینطور تصور می‌کنند که شهرت این مسئله باعث استعفای کابینه که راپورت آن در فوق داده شده است گردید.

تبریز

در ۵ مارس بواسطهٔ برافراشته‌شدن چندین بیرق که بر روی‌آنها «زنده‌باد محمدعلی شاه» منقوش بود، قدری هیجان در شهر پیدا شد ولی همینکه مأمورین محلی دولتین انگلیس و روس در این باب به شجاع‌الدوله اظهاراتی نمودند، روز بعد بیرق‌های مذکوره برداشته شدند.

از زمان وقوع حادثهٔ فوق دیگر نمایشاتی به تقویت شاه مخلوع داده نشده است.

در اوایل مارس ۱۵۰۰ نفر از عساکر روس از تبریز حرکت کرده ۱۰۰۰ نفر وارد شدند. از قراری که جنرال‌قنسول خبر می‌دهد در تبریز حالیه ۳۰۰۰ نفر قشون موجود می‌باشند و قریب ۵۰۰ نفر در راه جلفا الی تبریز می‌باشند.

اصفهان

سردار ظفر حکمران جدید در ۲۵ فوریه وارد گردید.

نایب‌حسین که از مدت‌زمانی باینطرف در ناحیهٔ کاشان مشغول اغتشاشکاری بود آخرالامر با دولت ایران از در صلح درآمده و به حکومت نطنز منصوب گردیده‌است.

در تحت تعلیمات دولت مرکزی میرزا اسدالله‌خان پیشکار مالیهٔ سابق دولت‌ایران که مشغول نقشه‌ریزی برضد مستر هیکاك بود، در ۲۹ فوریـه تحت‌الحفظ به طهران فرستاده شد.

مستر مایر ویس‌قنسول انگلیس و رئیس کمپانی ذیقلر [=زیگلر] در سلطان‌آباد را بختیاریها در ۱۸ مارس در موقعی که بطرف مقام خود مراجعت می‌نمود در حسن‌آباد غارت نمودند.

شیراز

در ۲۸ فوریه به اسکادرن [=اسکادران] سوارهٔ دستهٔ ۳۹ هندوستان در موقعی‌که قریب شش میلی شیراز مشغول مشق‌کردن بودند شلیك شد. جواب شلیك داده نشد و

صاحبمنصب فرمانده اسکادرن توانست بـا تفنگچیان مذاکره نماید و آنها اظهار داشتند تصور کرده بودند سوارها دزد بوده‌اند و از سهو خود اظهار تأسف نمودند.

همینکه باز هم تحقیقات بعمل آمد قنسول اعلیحضرتی اقناع شد به اینکه این حادثه نتیجهٔ سهوی بوده.

مستر ناکس کفیل قنسولگری در ۲۹ فوریه حرکت نمود.

در دوم مارس دستهٔ ۱۳۰ نفری ژاندارم در تحت سه نفر صاحبمنصبان سوئدی از طهران برای شیراز حرکت کردند. این ژاندارمها قسمت مرکزی باطالیان فارس خواهند بود که برای حفظ راه بوشهر الی شیراز و ایزدخواست تشکیل خواهد شد.

سیستان

اغتشاشات پلتیکی در اینجاها بوقوع نرسیده و باستثنای هجوم بلوچها در قائنات در این ایالت آرامی حکمفرما بوده است.

کرمان

امیر اعظم در پلتیك خود که عدم ترغیب و تشویق نمایشات ضد خارجه باشد ادامه داده است. رفعت‌الدوله به حکومت بم تعیین شده است. بعلت خساراتی که به ادارات تجارتی وارد آمده در مراکز تجارتی اضطراب فوق‌العاده دارند.

کرمانشاه

در ۸ فوریه یك دسته از عساکر دولتی در تحت امر یارمحمدخان وارد شده شهر را قبضه نمود. سالارالدوله رو به فرار گذارده و اعظم‌الدوله از قنسولخانه که از ۱۵ دسامبر در آنجا پناهنده گردیده بود خارج شد و زمام حکمرانی شهر را به دست گرفت.

در ۲۲ فوریه سالارالدوله دوباره کرمانشاه را قبضه نمود، اعظم‌الدوله را محبوس نموده او را بقتل رسانیـده و شهر را بـه دست اتباع خود داد که غـارت نماینـد. یارمحمدخان سرکردهٔ قشون دولتی موفق به فرار گردید.

یکی از همراهان سالارالدوله یك نفر از مستحفظین سوارهٔ قنسولخانـه را عمداً مجروح نمود و سالارالدوله همینکه این را شنید از این کار عذرخواهی نموده براتی به مبلغ دویست تومان برای سوار فرستاد ولی قنسول اعلیحضرتی امر نمود برات را پس‌فرستاده به سالارالدوله اطلاع داده که مسألهٔ آنقدر مهم است که او نمی‌تواند به این طور آن را اصلاح نماید.

بعلت شکست یارمحمدخان، فرمانفرما که تازگی به حکمرانی منصوب شده و رو به کرمانشاه می‌رفت به طهران مراجعت نمود. وزیر امور خارجه اظهار می‌دارد که فرمانفرما با عده‌ای قزاق ایرانی بهمین زودیها بطرف کرمانشاه حرکت خواهدکرد.

زنجان

در ۱۳ مارس محمدخان که یکی از راهزنان می‌باشد با عده‌ای سوار داخل شهر شده وعدهٔ اطاعت حکومت را داد. حکمران به طهران تلگرافاً [= تلگرافی] از مطیع شدن محمدخان اظهار مسرت نموده و وزیر داخله از نایب‌السلطنه درخواست نمود لقبی به او اعطاء نماید. کمی بعد از آن راهزن مزبور [که] باطناً با یکی از اعاظم

شهر همدست بود حکمران را گرفته و محبوس نمود و از شجاع‌الدوله استفسار نمود چطور با او عمل نماید؟ شجاع‌الدوله به او در جواب گفت که او را از حبس بدر آورد و او هم همین‌طور عمل نمود ولی محمدخان در شهر که به نام سالارالدوله در قبضهٔ او است توقف دارد.

لنگه

در ماه فوریه ایلات ناحیهٔ تراکمه که بواسطهٔ قبضهٔ مقدار زیادی اسلحه که‌برای‌آنها وارد شده بود شروع به جمع‌آوری استعدادی نمودند که به گمرك و قنسولگری انگلیس در لنگه حمله نمایند.

از قراری که راپورت داده شد استعدادی تخمیناً بعدهٔ ۲،۴۰۰ نفر ایلیاتیها در ۶۰ میلی لنگه در ۱۲ مارس بودند.

از آنجایی‌که ظاهراً پیشقدمی آنها به شهر احتمال نزدیك به یقین داشت و مأمورین محلی نمی‌توانستند از آنها جلوگیری نمایند ۱۵۰ نفـر از دستهٔ هفتم راجپوتها از جاشك آورده شده و در ۱۲ مارس برای حفظ جان و مال اتباع انگلیسها وارد لنگه شدند.

نمره ـ ۱۷

مکتوب ادارهٔ هند به وزارت خارجه

ادارهٔ هند ۶ آوریل ۱۹۱۲ [۱۷ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۷ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

آقا

از طرف وزیر هند تعلیم دارم که وصول مکتوب ۳ شهر جاری شما را در موضوع نقشهٔ کلنل یالمارسن برای تشکیل ژاندارمری ملی برای ایران اطلاع داده و در جواب اظهار نمایم که او موافقت دارد بر اینکه تعلیماتی که وزیر امور خارجه پیشنهاد می‌نماید برای سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران ارسال گردد و جناب معزی‌الیه مبادرت ورزیده ارائهٔ طریق می‌نماید (درحالیکه بخوبی می‌دانند در این موقع باریك اصرار برای انجام اقدامات حفظ راه بندرعباس الی کرمان نتیجه ندارد) که بایستی اتصالا لزوم اعادهٔ نظم را در آن نقطه به دولت ایران اصرار نمایند. چنانچه سر ادوارد گری مستحضر می‌باشند ادارات تجارتی هندی در این باب مکـرراً اظهارات نموده و از آنجایی‌که راه کرمان (نه مثل راه شیراز) جزو منطقهٔ نفوذ انگلیس می‌باشد از قرار معلوم لازم است دولت اعلیحضرتی عطف توجه مخصوص نسبت بآن بنمایند.

(امضاء) لینل ابراهمر [ابراهامز؟]

نمره ـ ۱۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ آوریل ۱۹۱۲ [۲۰ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۰ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

اخیراً نایب‌السلطنه از عدم صحت خود شکایت نموده است.

همکار روسی و من امروز بعد از ظهر والاحضرت را برای مذاکـرهٔ این مسئله ملاقات نمودیم.

والاحضرت اظهار داشت که در عرض این چند روزه دو فقره حملهٔ اختناق قلب داشته و بی‌خوابی او را صدمه زده و بواسطهٔ شدت کار به اعصاب وی صدمهٔ زیاد وارد آمده و دکتر دستورالعمل به او داده است راحت کند. ما نظر به اوضاع مغشوش حاضره از عواقب مفارقت وی اظهار عدم اعتماد نمودیم ولی او اظهار داشت کـه معالجه برای وی لازم حتمی بوده و قصد دارد در اواسط ماه مه حرکت کرده در ماه سپتامبر مراجعت نماید و امیدوار بود که پس از معالجه بتواند با شما و وزیر امور خارجهٔ روس دید و بازدید نماید و اظهار داشت که کلیهٔ اختیارات خود را به کابینه واگذار نموده و حق امضاءکردن فرامین را برای خود باقی خواهد گذارد که در صورت لزوم بوسیلهٔ تلگراف آنها را به امضاء برساند و تصور می‌کرد که کابینه نصایح او را بفوریت پذیرفته و غیاب موقتی او باعث رفع آنتریگهای برضد او خواهد گردید و بزودی قادر تواند بود که با نفوذ جدید مراجعت نماید.

والاحضرت اطمینان داد که مراجعت خواهد نمود و مادامی‌که در خارجـه اقامت داشته باشد دائماً با دولتین مذاکره و مخابره خواهد داشت.

نظر به مراتب فوق ما گمان می‌کنیم صلاح نباشد بیش‌از این به نایب‌السلطنه اصرار نماییم بیش از این‌مدت تعطیل و راحت خود را که بنابر اظهار خود او کابینه به‌آن رضا داده از دست بدهد.

نمره ـ ۱۹

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۰ آوریل ۱۹۱۲ [۲۱ فروردین ۱۲۹۱: ۲۱ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز سر جارج بارکلی:

چون مسیو سازانف از قصد نایب‌السلطنه در باب حرکت از ایران چیزی نشنیده بود مضمون تلگراف فوق شما را به او ابلاغ نمودم.

جناب معزی‌الیه اظهار داشت نایب‌السلطنه خیلی احتمال می‌رود اگر یك دفعه از ایران خارج شود دیگر بهیچوجه مراجعت ننماید. او نمی‌دانست ما چطور می‌توانیم او را از رفتن منع نماییم اگرچه رفتن او باعث تأسف زیاد می‌باشد چرا که ما در شرف انجام مذاکرات مهمه در موضوع راه‌آهن ایران و قرضه و قشون و سایر مسائل می‌باشیم.

طریقهٔ صحبت مسیو سازانف از بابت این اوضاع تا اندازه‌ای یأس‌آمیز بود و با وجود آنکه عمل شاه مخلوع تمام شده بود در اوضاع هنوز بهبودی حاصل نگردیده و مخصوصاً در کرمانشاه کمال اهمیت را پیدا کرده بود.

مسیو سازانف اظهار داشت‌که بواسطهٔ اغتشاشاتی‌که بطورغیرمستقیم مربوط به مسألهٔ سالارالدوله‌می‌باشد، دولت‌روس یك ستینه‌قزاق ازقزوین به‌همدان‌خواهندفرستاد.

نمره ـ ۲۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۱ آوریل ۱۹۱۲ [۲۲ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۲ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

سه نفر صاحبمنصب سوئدی در ۵ آوریل به شیراز ورود نمودند.

نمره ـ ۲۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۱۱ آوریل ۱۹۱۲ [۲۲ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۲ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳۰ مارس شما ـ ژاندارمری ـ دولت اعلیحضرتی با دقت تمام در این مسأله غوررسی نموده و اینطور نتیجه گرفته‌اند که لازم‌ترین احتیاج یك قسم تأمینی برای تجارت انگلیس در راه بین شیراز و بوشهر می‌باشد.

بنابراین خوب است که کلنل به عقیدهٔ سابق خود عطف نظر نموده تمام این راه را محافظت نماید و شما باید به او اصرار نمایید که نقشهٔ اخیر خود را تا این اندازه تجدید نماید، حتی اگر هم لازم شود که بجهة آن از برقرار داشتن پستی در شمال شیراز موقتاً صرف‌نظر نماید.

اگر خان برازجان در راه اجرای بطور صحیح نقشهٔ ژاندارمری موانع و عوایق فراهم آورد دولت اعلیحضرت ممکن است خود را مجبور بدانند که برعلیه [=علیه] او اقدامات قهریه نمایند. شما باید دولت ایران را از این مسئله متنبه ساخته و آنها را به سوء اعمال سابق این خان متذکر سازید.

ما بخوبی می‌دانیم که حالیه موقع مناسبی نیست به دولت‌ایران اصرار شود اقدامات برای حفظ راه بندرعباس و کرمان بنمایند. ما مجبوریم که بذل توجه مخصوص به این راه که در منطقهٔ ما واقع است نموده و اعادهٔ نظم آنجا را هرچه زودتر بخواهیم و شما باید مراقب باشید و نگذارید این مسئله از تحت نظر دولت ایران خارج‌گردد.

نمره ـ ۲۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ مارس ۱۹۱۲ [۵ فروردین ۱۲۹۱؛ ۵ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم صورت وقایع یومیه را که قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه ضبط نموده و بطور اختصار اوضاع امورات آنجا را از ۱۶ فوریه الی آخر ماه می‌نمایاند لفاً ایفاد دارم. (امضاء) جارج بارکلی

www.adabestanekave.com

ملفوف نمره ۲۲

صورت وقایع یومیه که از طرف قنسولگری کرمانشاه از ۱۶ الی ۲۹ فوریه ۱۹۱۲ [۲۶ بهمن تا ۱۰ اسفند ۱۲۹۰؛ ۲۷ صفر تا ۱۰ ع۱ ـ ۱۳۳۰] [گزارش شده‌است].

۱) سالارالدوله در موقع حرکت از کرمانشاه بـه ماهیدشت رفته و دو روز آنجا توقف نمود. سپس زن خود را به ولایت ایل کلهر فرستاده و به اتفاق سردار مظفر و خانهای آنجا بطرف خالصه‌جات که از ۷ الی ۱۵ میلی شمال غربی آن شهر واقع است حرکت نمود و تمام دهات دور و حوالی آنجا را غارت نموده قاصد برای احضار عساکر به اطراف فرستاد. شهر در حال کمال نظم بود و فرمانده قشونی دولت با مأمورین دیگر مشغول تصفیهٔ امورات و سنگربندی شهر بودند.

۲) روز ۱۷ کاغذی توسط قنسول روس از طرف سالارالدوله رسید مشعر بر این که در صدد محاصرهٔ شهر بوده و قنسولها و اتباع خارجه بایستی به دهات بروند تا آنکه او مجازات متمردین را به انجام رساند. شخصی متعلق به اردوی او بطور حتم اظهار می‌داشت که متمردین شکست خود را حمل بـه حضور مأمورین دولتی در قنسولخانهٔ انگلیس نموده و اظهار می‌دارند که اگر بگذارند قنسولخانـه را منهدم نمایند می‌تـوانند شهر را قبضه نمایند. او نیز اظهار داشت کـه شاهزاده به آنها وعدهٔ غارت قنسولخانه و بانك را داده است. راه کنگاور را ایل کاکاوند اشغال‌نموده و قاصدها بهیچوجه نمی‌توانستند ایاب و ذهاب نمایند. دو نفر از قنسولخانه بحال مجروح مراجعت نموده یکی از آنها فوت کرد.

۳) اعتلاءالدوله رئیس محکمهٔ نظامی و رئیس قشون شد، بهمین طور به ریاست کمیسیون مخصوص انتخاب گردید. در چندین نقاط دروازه‌ها بنا شده و قاصدهای متعدد نزد فرمانفرما ارسال شد که قشون امدادی بفرستد. رؤسای مختلفه که سردار اکرم هم جزو آنها بود به مأمورین محلی مکتوبات نوشته اظهار اطاعت و انقیاد نسبت به دولت نمودند.

از انتظار ورود فرمانفرما آثار بهبودی در اوضاع ظاهر بود ولی چون خبری از او نرسید همراهان سالارالدوله گمان کردند او دیگر نخواهد آمد و فقط قشون کمی حاضر داشتند و آنهایی‌که قبول خدمت دولت را نمودند مهیای ترك آنها یا همراهی با متمردین شدند.

۴) مجلل‌السلطان از طرف محمدعلی‌میرزا با پنجاه سوار و بسیاری از کردستانیها (جاف‌ـجوانرودی‌ها) که بسیار مایل انتقام‌کشیدن از رئیس خود شرف‌الملك بودند و با ایلیاتیهای محلی آن نقطه که در تحت امر سردار مظفر متفق شدند روز ۱۸ در خارج شهر جنگ و گریزی به وقوع پیوسته یکی از داوطلبان محلی مقتول و چند نفر از یاغیان مجروح گردیدند.

۵) در شب ۲۱ در طرف مغرب شهر در جایی که داوطلبان شهری با عدهٔ کمی از مجاهدین چند سنگر را متصرف بودند قدری شلیك به وقوع رسید. در موقع طلوع آفتاب داوطلبان با یاغیان متحد شده و آنوقت یاغیان چیاسرخ را که یکی از کوههای

حدود کرمانشاه است در تصرف داشتند. سپس از آنجا رو به جلو رفته یك ثلث بازار را قبضه نموده آنوقت دستهٔ پنجاه نفری مجاهدین پس از تلفاتی چند بر آنها حمله نموده و آنها را بعقب نشاندند (مجاهدین تا فردا صبح آن روز یك سنگر در تصرف داشتند).

مأمورین دولتی و یارمحمدخان آنوقت عمارت حکومتی را تخلیه نموده و با چندین بار اسلحه و مهمات جنگی بطرف دینور[1] فرار نمودند. اقلا از طرفین ۴۰۰ نفر مقتول گردیده‌اند.

۶) بعد از ظهر بعضی از سوارهای کاکاوند در درهٔ عقب قنسولخانه بودند ولی همینکه دریافتند قنسولخانه در جلو آنها است از آنجا رفتند. ۵ نفر از ایلاتیهای کلهر از آنجا عبور نموده و همینکه به آنها گفتند اینجا قنسولخانه است سرکردهٔ آنها اظهار داشت که از سردار مظفر امر دارند به قنسولخانه احترام نمایند و نباید بیم و وحشتی داشته باشیم و آنوقت یکی از آنها که خود را جزو مجاهدین می‌دانست با تفنگ خود بر یکی از سواران مستحفظ هندی شلیك نموده گلوله از بازوی او عبور نمود. بعد از این مقدمه رفتند.

۷) روز ۲۳ سالارالدوله و سردار مظفر به عمارت حکومتی رفتند. از قراری که مذکور است به سردار مظفر اجازه داده شده است بطور آزادی عمل نماید. همینکه ایلیاتیهای کلهر که در جنگ شرکت کمی نموده بودند وارد شدند فوری شروع به غارت نمودند. یکی از اولین خانه‌هایی‌را که غارت‌نمودند متعلق به ترجمان قنسولخانهٔ روس بود و بر بالای خانهٔ او بیرق دولت روس نصب بود. یکی از فراشهای هندی این قنسولخانه نیز تمام اسبابهایش بغارت رفت. در روی خانهٔ او هم بیرق نصب بود. دو نفر از سوارهای مستحفظ قنسولخانهٔ عثمانی را هم در کوچه لخت نمودند و بعد از آن غارت عمومی شد. فقط اجناسی‌که در کاروانسرای وکیل‌الدوله متعلق‌به انگلیسها بود بغارت نرفت و بزازخانه هم غارت نشد ولی در آنجـا چندان اجناس نبود چرا که بسیاری از دکان‌داران اجناس خود را به خانه‌های خود برده بودند. تمام کاروانسراهای خارج شهر بانضمام اجناس متعلق به تجار منچستر که منتظر حمل به همدان بود بغارت رفتند. جزئیات این غارت هنوز معلوم نیست.

سپس اینها در تجسس مجاهدین برآمده و چند نفر را دستگیر نمودند. روز ۲۵ ایلخانی (سالار همایون سرکردهٔ کلهرهای شهری) با پسرش فتح‌الایاله برای جلوگیری غارت با کمال جدیت مشغول اقدامات بوده و ادارهٔ ذیقلر [زیگلر] و بسیاری از دیگران را از غارت رهانیدند. مجلل‌السلطان به سردار مظفر فحاشی نموده و به آنها اظهار داشت که این غارت اصلا باعث تخریب و عدم پیشرفت مقاصد آنها شده و تهدید به حرکت نمود ولی سالارالدوله او را ترغیب به توقف نمود.

۸) روز ۲۳ اعتلاءالدوله بـا دو نفر مجاهد مکشوف گردید و روز بعـد به قتل

---

۱) اصل: دنیاور ـ م.

رسیدند. نعش‌های آنها را با وحشی‌گری تمام در معرض نظر عامه گذاردند. چندین نفر از مجاهدین نیز به قتل رسیدند.

روز ۲۵ راپورت داده شد که اعظم‌الدوله گرفتار گردیده و سه قنسولخانه‌ها منشی‌های خود را فرستادند که برای جان او شفاعت نمایند. سالارالدوله اظهار داشت نجات‌دادن او از قوه‌اش خارج است. از قراری که بعد معلوم شد او گرفتار نگردیده بود بلکه ۳۴ نفر دیگری که متعلق به قراولخانه‌ها بوده‌اند و فرار نموده بودند گرفتار گردیده و ۲۰ نفر آنها را به قتل رسانیده‌اند. سایرین که مقتول گردیدند سه یا چهار نفر از سرکرده‌های مجاهدین بودند.

روز ۲۷ اعظم‌الدوله را با پسرش و دو نفر دیگر به قتل رسانیدند. اینها را در نزدیکی کندوله (قریه‌ای‌است در سه‌فرسخی کرمانشاه، ملکی اعظم‌الدوله) در ناحیهٔ دنیاور [=دینور] دستگیر نموده بودند. از بابت یارمحمدخان و بقیهٔ قشون او خبری در دست نیست.

۹) سالارالدوله قشونی برای قبضهٔ صحنه و کنگاور فرستاده، شهرت داده است که پس از چند روزی به طرف همدان حرکت خواهد کرد.

(امضاء) مک‌دول

نمره ـ ۲۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ مارس ۱۹۱۲ [۹ فروردین ۱۲۹۱؛ ۹ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف ۲۵ شهر جاری من، افتخار دارم اینک سواد مراسلهٔ قنسول اعلیحضرتی کرمانشاه را در خصوص امتناع‌ورزیدن سالارالدوله از قبول شرایط دولت ایران که توسط قنسولهای دولتین روس و انگلیس به او ارائه شده لفاً ایفاد دارم.

همکار روسی و من امروز در کار فرستادن تعلیمات به دو قنسول مذکور می‌باشیم که اظهار سخت‌تر دیگری به شاهزاده بنمایند. سواد مکتوب بعنوان قنسول در جوف است.

(امضاء) جارج بارکلی

ملفوف اول نمره ۲۳

مکتوب مک‌دول قنسول به سر جارج بارکلی

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که من به اتفاق همکار روسی خود از سالارالدوله ملاقات نموده و ترجمهٔ تلگراف متحدالمآل دوم مارس سفارتین را برای او قرائت نموده و به او اشعار نمودیم که سفارتین با کمال سختی او را نصیحت به قبول می‌نمایند ـ او

آن را قبول ننموده در کاغذ دیگری که اصل آن را بـا ترجمه‌اش لفاً ایفاد داشته‌ام شرایط دیگری پیشنهاد نموده است. این مراسلهٔ او تا ۱۴ واصل نگردید. به مجرد وصول آن همکار روسی نزد من آمده و ما پیغامی برای او فرستاده و او را نصیحت نمودیم پیشنهاد مناسب‌تری بنماید. او در جواب گفت البته در طهران در آن تغییرات خواهند داد و لذا آن را فعلا اینجا تغییر نخواهد داد.

امیر جنگ والی پشتکوه می‌باشد. اظهاری که شده است مشعر بر اینکه او و سایر رؤساء در تهیهٔ حرکتی هستند، بعقیدهٔ من خیالی است و یحتمل مقصود از آن این است که شاهزادهٔ مذکور از آنها درخواست نموده است چنین کاری بکنند.

شاهزاده فعلا فقط ۵۰۰ نفر در کرمانشاه دارد.

(امضاء) مك‌دول

ملفوف دوم نمره ۲۳

ترجمهٔ مکتوب سالارالدوله به مك‌دول قنسول

دیروز شما باتفاق مسیو نیکلسکی قنسول روس مطالب تلگراف طهران را برای من ذکر نمودید. اگرچه در همان وقت من شفاهاً جواب لازم را دادم با وجود آن این‌مختصر را می‌نویسم که شما تلگراف کنید. اولا شما اظهار نمودید که اعلیحضرت محمدعلی‌شاه اعظم سلطان بالاستحقاق قبول نموده است از ایـران خارج شود اگرچه در این باب برای من حکمی صادر نشده برای من لازم است این را بنویسم. پس از آنکه تا مدت چهار سال متحمل انواع و اقسام بدبختیها و صدمات و خسارات و حبس و تبعید از وطن شده با نهایت سختی دو سال و نیم در خارجه گذرانیدم اتصالا شرح‌حال خود را به استحضار دولت ایران رسانیده جوابی به من داده نشد و حتی مبلغی را که توسط دولت روس برای من مقرر داشته بودند نپرداختند. برای تصفیهٔ این امر به لندن رفته و در سفارت ایران توقف نموده و شرح‌حال خود را به عضدالملك نایب‌السلطنهٔ سابق اظهار داشتم. او در جواب گفت ترتیبات لازمه برای کار شما در اروپا داده خواهد شد. ولی هیچ اقدامی نکردند. این مسأله چیزی نیست. آنها تمام مایملك مرا بدون جهة و سبب ضبط نموده و تمام املاك من در رهن بانك دسکونت است بـرای مبلغ ۱۵۰،۰۰۰ تومان و منافع آن که توسط ارباب جمشید قرض نموده‌ام و قبض من هم آنجا است. آنها املاکی را که از طرف اعلیحضرت پدر من به ارث رسیده ضبط کرده عشرت‌آباد را به اجاره داده و مردآباد را غارت نموده و آنچه بـه من دادنی هستند نداده‌اند. عایدات املاك مرا هم ضبط کرده‌اند و کار برای خانوادهٔ من بطوری سخت شده بود که مجبور به فروش خانه و اسباب خانـهٔ خود شده بودنـد. این مسأله از هیچ‌کس پنهان نیست. تلگرافی از ستارخان و باقرخان رسید مشعر بر اینکه لازم است من به ایران آمده و به این اغتشاشات خاتمه دهم و به این لسان بـرای من مخابره نموده:

www.adabestanekave.com

«اهالی آمدن شما را تصویب کرده آن را موهبتی از طرف شما می‌دانند»[۱]
سپس من به رشت آمده و تا دو روز مرا در آنجا حبس نمودند و با آنکه هرقدر توانستم به آنها التماس نمودم که مرا در همان حالت به طهران برده و بگذارند دو روز در آنجا توقف نموده پس از تهیهٔ مایلزم خانوادهٔ خود از ایران خارج شوم قبول ننمودند.

پس از مراجعت از ایران من به اعلیحضرت محمدعلی‌شاه وعده دادم و قسم یاد نمودم که تا زمانی‌که آن اعلیحضرت حقوق اجداد خود را نخواهد از دست دهد من از خدمت او تا نفس آخرین مضایقه نخواهم داشت. در صورتی‌که محمدعلی‌شاه در ایران باشد عقیدهٔ من مناط اعتبار نخواهدبود، من و سه‌ملیون [=میلیون] اهالی‌این‌ایالات و ولایات‌درانجام فرمایشات او تاآخرین‌قطره‌خون خودحاضرخواهیم‌بود. تمام‌مطالب‌باید به عرض او برسد: من نسبت به او رعیت ناقابلی هستم ولی اگر اعلیحضرت محمدعلی شاه مایل به ترك حقوق شخصی خود بوده باشند وعده‌هایی که به ایشان داده‌ام از درجهٔ اعتبار ساقط بوده و من خود را محق به بازگرفتن حقوق اجداد خود خواهم دانست. اما در باب اینکه اظهار داشته‌اید دولت ایران پیشنهاد نموده‌اند مبلغ شش هزار تومان برای شخصی من و شش هزار تومان برای خانوادهٔ من اعطاء نمایند که من در ازای این مبلغ دست از قبور اجداد خود بردارم و اینکه املاك‌من از ضبط و توقیف بیرون خواهد آمد با این اوضاع این‌طور جواب می‌نویسم که تمام عالم بدانند من شخصاً کینه نداشته و محض آن متحمل این زحمات گردیدم که به این اختلالات و اغتشاشات چهارسالهٔ اخیره که از عدم کفایت دولت ایران به ظهور رسیده خاتمه دهم.

اولا اگر هفتمین پادشاهی که فعلا حیات دارد گدا شود خود می‌تواند بیش از اینها پول بدست آورد. ثانیاً هنگامی که در اروپا اقامت داشتم به‌رفقای‌خود توصیه می‌نمودم که اگر در اروپا مردم جسد مرا برده و در وطن محبوبم دفن نمایید. خدا نخواهد که زنده از این خاك بدر روم.

چنانچه قبلا ذکر نمودم اگر محمدعلی‌شاه از حقوق خود صرف‌نظر کند من خود را محق بازگرفتن آنها می‌دانم ولی امروز به بعضی علل و اسباب برای اینکه آخرین پرده این (درابا)[۲] تیاتر [=دراماتیاتر؟] غم‌انگیز را به عالمیان نشان دهم از بازگرفتن حقوق اجداد خود صرف‌نظر می‌نمایم.

بنابراین برای اینکه کسی در حق من سوءظن نبرد که باعث استدامهٔ این جنگ‌داخلی و انهدام یك مملکت شش‌هزار ساله و اضمحلال ایران شده‌ام از جنگ دست کشیده مطیع و منقاد می‌شوم بشرط آنکه دولت ایران شرایط ذیل را که توسط سفرای دولتین پیشنهاد می‌شود قبول نمایند:

شرایط از این قرار است که قطعاتی‌که ذیلا اسم برده می‌شود در تحت حکمفرمایی

---

۱) گیومه را ویراستار افزوده است. ـ م.
۲) چنین است در اصل. ـ م.

من بوده و علی‌العجاله اقتدار سلطنتی سلسلهٔ قاجاریه بـر آذربایجان و کردستان و گروس و معادن طارم علیا و سفلی[1] که برحسب امتیاز مظفرالدین‌شاه به‌آسانیانس[2] مسیحی داده شده و وزارت خارجه و اتابك اعظم آنها را به من منتقل نمود به انضمام دهات آذرپاد و انگوران واقعه در زنجان که در آنجا من صاحب املاك می‌باشم (همدان و کرمانشاه و حوالی آن و کنگاور و اسدآباد و بروجرد و لرستان و عربستان و کمره و گلپایگان و خوانسار و ملایر و سلطان‌آباد و عراق) نواحی فوق‌الذکر که در تصرف من بوده و می‌باشد خانه و وطن من بوده و تمام زنهای من از دختران رؤسای این قطعات بوده املاك شخصی من در آنها واقع می‌باشند و لازم است که بعضی از این قطعات برای استقرار نظم نقاط دیگر بدست من باشد.

بر تمام عالم عموماً و دولت انگلیس خصوصاً معلوم است که دولت ایران از عهدهٔ انتظامات این نقاط نمی‌تواند برآید مخصوصاً در بروجرد و لرستان و کرمانشاه، و هیچکس غیر از من قادر بر نگاهداری این نقاط و وصول عایدات و دفع اشرار آن نمی‌باشد. اگر اینها را قبول نمایند من وعده می‌دهم اوامر دولت ایران را تا اندازه‌ای که با مسألهٔ انتظامات نقاطی که در تحت تصرف من می‌باشد مداخله نشده باشد اطاعت نمایم.

پس از انجام این قرارداد و پرداخته وجه مصارف قشون که من برای حفظ این نقاط جمع‌آوری بتوانم کرد و پرداخت مصارف حکومتی بقیهٔ عایدات و سایر واردات را سالیانه در دو قسط به خزانهٔ شاهی خواهم پرداخت و فقط اعلیحضرت پادشاهی بایستی بر من اوامر صادر نماید و دولت ایران بر وفق سیاهه‌ای که بعد خواهم داد باید خسارات واردهٔ چهارساله به من و اتباع مرا داده اشخاصی را نیز که باعث این خسارات شده و اموال مرا ضبط نمودند به من تسلیم نمایند.

هیچیك از مأمورین دولت نباید بدون رضایت و موافقت من به این نقاط پا بگذارد و آنها نباید اوامری بدهند مگر مطلبی راجع به شخص من بوده باشد.

در تمام مسائل حکومتی و نظامی راجع به این قطعات بدون استثناء من شخصاً به اعلیحضرت پادشاهی مسئول می‌باشم.

از تاریخ امضای این قرارداد اگر دولت ایران با دول اروپا در باب این قطعات قراردادی بنمایند بایستی به اطلاع و رضایت من به انجام برسد وگرنه اهالی این نقاط حق قبول یا رد آن را خواهند داشت و در صورت رد از طرف اهالی آنها مسوول هرگونه ضرر یا خسارت به آن دولت نخواهند بود.

برای تـرمیم خسارات واردهٔ چهارسالـه و تعمیر خرابیهای این مـدت و بنای قراولخانه‌ها در راههای قافله‌رو و تشکیل ژاندارمری و تعمیر عمارات حکومتی این قطعات که مخروبه شده‌اند و برای کمك رعیت املاك خراب‌شده ـ که شایـد امروز آثاری از آنها باقی نمانده است ـ دولت ایران پس از قبول‌نمودن باید یا از خزانه یا

---

۱) اصل: ... معادن طارم و علیا و سفلا. ـ م.

۲) چنین است در اصل. [= ترمانیانس؟] ـ م.

بواسطهٔ استقراض از دولتین به شرایطی که دولت ایران تصویب نماید پول بدهند و هر زمان که پولی لازم شود باید ترتیب آن بطریق فوق داده شود.

من هرقدر اسلحه که برای حفظ این قطعات مکفی باشد خواهم خرید زیرا که امروز اسلحهٔ دولت وجود نداشته و نمی‌توان قطعات مملکت را بقوهٔ اسلحهٔ ایلات حفظ نمود و مالیات وصول نخواهد شد و ترتیبات نظم و آسایش فراهم نیامده اوضاع به حال خود باقی خواهد ماند. و به رضایت دولتین معلمین بـرای علم فلاحت و تجارت و دارالفنون و قشون از خارجه استخدام خواهند شد و من شخصاً آنها را خواسته و با آنها قرار و مدار خواهم داد.

این است کار شخصی و ارادهٔ من که پس از آنکه به استحضار شاه رسانیده شد به انجام برسانم و فقط هنگامی‌که قرارداد مذکور را دولتین امضاء و ضمانت نمایند قانع خواهم شد و اگر یك وقتی دولت ایران بحیله اسباب اغتشاشات در این نقاط فراهم آورند دولتین حکم خواهند بود. اگر این شرایط مورد قبول گـردد من تعهد می‌نمایم پادشاه خود سلطان احمدشاه را اطاعت نمایم و بعلاوه اگر مترصد خدمتی از من بطور موقت در نقطهٔ دیگری باشد من حاضر انجام آن خواهم بود که اطاعت پادشاه امری واجب است.

پس از امضای قرارداد دولت ایران بایستی بلاتأخیر اجازهٔ رسمی و اختیار کامل دهند که با دولت عثمانی از بابت اراضی بانه تا قطور که بدون حق آنها ضبط و اشغال نموده‌اند قرار و مداری بدهم و با اطلاع دولت ایران اقدامات لازمه برای تخلیهٔ عساکر از آنجاها بنمایم.

در صورتی‌که دولت ایران این قرارداد را ننمایند دولتین با همان محبت و مکرمتی که همواره نسبت به ایران ابراز داشته و مخصوصاً در موقع ورود محمدعلی و من به ایران تصمیم بیطرفی اختیارنمودن کرده و دولت ایران را رسماً از آن مستحضر داشتند در این موقع که من نیز با تمام قوا حاضر استرداد حقوق خود هستم اگر بیطرفی اختیار نمایند من و این مردم محترم خشنود خواهیم گردید.

انجام تمام این مطالب در صورتی است که محمدعلی‌شاه در ایران نبوده و یا آنکه دست از حقوق خود برداشته باشد. من فقط یکی از رعایای مطیع آن اعلیحضرت بوده و از خود عقیده ندارم. استدعا دارم بدون تأخیر و تعلل جواب مثبت یا منفی از طرف دولت ایران تحصیل گردد چرا که امیرجنگ و تمام رؤسای این نقاط حاضرنـد با استعداد خود حرکت نمایند و خود من هم تا پنجم ماه دیگر اگر شرایط مذکوره قبول نشود مجبور هستم حرکت کرده قشونی بفرستم که اگر باید در جنگ مداومت شود کار خود را یکسره نمایم.

www.adabestanekave.com

ملفوف سوم نمره ۲۳

تلگراف سر جارج بارکلی به ملک‌دول قنسول

طهران ۳۰ مارچ ۱۹۱۲ [۱۰ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۰ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

شما باید با همکار روسی خود متفقاً با شدت تمام به سالارالدوله اصرار نمایید ایالات و ولایاتی را که متصرف شده است به فرمانفرما که به فرمانفرمایی آن قسمت ایران تعیین شده است واگذار نموده خود از ایران خارج شود. شما باید او را اطلاع دهید که پیشنهادات او قابل قبول نبوده و طول توقف او در ایران باعث انعدام نظم و آسایش و مخالف منافع دولتین می‌باشد.

علی‌هذا دولت‌ایران در اقدام‌برضد او[انتظار]همدردی‌کامل‌و حمایت‌از ما داشته‌اند. دولت ایران در تهیهٔ قشون زیادی هستند که در مقابل او فرستاده شود و وسایل اعزام آن را دارند چرا که مبلغ زیادی اخیراً از دولتین دریافت نموده‌اند.

اگر سالارالدوله از موافقت با این نصایح سخت امتناع ورزد، بایستی به او اظهار نمایید که کمك دولتین را در تحصیل حقوقی برای خویش و حفظ شخص او، در آتیه بکلی از دست خواهد داد.

نمره ـ ۲۴

تلگراف مستر نیك به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ آوریل ۱۹۱۲ [۲۳ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۳ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

کرمانشاه و سالارالدوله

راجع به تلگراف ۲۸ مارس شما

تلگراف ذیل مورخهٔ ۶ آوریل همین تازگی از قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز رسیده است:

همکار روسی و من امروز سالارالدوله را ملاقات نموده و بنا بر تعلیمات تلگرافی ۳۰ مارس شما، به او اصرار نمودیم شرایطی را که پیشنهاد شده است قبول نماید. او از قبول آنها امتناع ورزیده و اظهار داشت که این جوابی که به تلگرافش داده شده، او را وادار می‌نماید که اعلان پادشاهی خود را بدهد و از آنجایی‌که خود را وطن‌پرست و یکی از قائدین مسلمانان می‌داند، مقصود او این است که نظم و مذهب را در مملکت اعاده نموده و ایجاد حکومت مقتدری بنماید.

من عرض ملاحظات و عقاید خود را به تأخیر می‌اندازم تا آنکه جواب سفیر روس از قنسول او برسد و آنوقت متفقاً عرض خواهیم نمود.

قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه نیز در تاریخ ۷ آوریل بطریق ذیل تلگراف می‌کند:

شاهزاده سالارالدوله برای ملاقات رؤسای کلهر و جمع‌آوری قشون از کرمانشاه حرکت کرده است. گمان او این است [که] والی هم خواهد آمد ولی از این مسأله من

شك دارم در صورتی‌که دولت ایران در انجام اقدامات خود کوتاهی نمایند، بـر عدهٔ قشون او هر روزه افزوده خواهد شد.

من رئیس ایل سنجابی را از مضمون مخابرهٔ سفارت به سالارالدوله مستحضر داشتم. او اظهار داشت که در صورتی‌که فرمانفرما شخصاً [و] فوراً با ۳۰۰ نفر و دو عراده توپ بیاید، تقبل دفع ایل کلهر را خواهد نمود وگرنه ایلات مجبور خواهند شد بـه قشون سالارالدوله متفق شوند.

فرمانفرما تا قزوین رسیده است من دولت ایران را فشار خواهم آورد که حرکت او را تسریع نموده و بر عدهٔ عساکر وی بیفزایند. خود او اعتماد دارد که می‌تواند با قشونی که حالیه دارد و به وسیلهٔ مذاکرات با سنجابیها به‌دفع سالارالدوله از کرمانشاه بپردازد.

نمره ـ ۲۵

تلگراف سر ادوارد گری به مستر نیك

وزارت خارجه ۱۲ آوریل ۱۹۱۲ [۲۳ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۳ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف نمرهٔ ۲۱۶ ـ ۲۸ مارس سر جارج بارکلی

مساعدهٔ مشترك

من ارائهٔ طریقی را که در قسمت آخری شده تصویب می‌کنم. تصور می‌کنم از بابت ۳۵،۰۰۰ تومانی که در دوم مارس به دولت ایران مساعده داده شد برای مدت لغایت تاریخ مسترد داشتن آن بایستی مطالبهٔ نفع بشود و محاسبهٔ این مساعده باید از حساب قرضهٔ انگلیس و هند ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ مجزا باشد.

نمره ـ ۲۶

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۳ آوریل ۱۹۱۲ [۲۴ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۴ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

پیشنهاد دولت ایران برای حرکت از ایران

مسیو سازانف تصور می‌کند که والاحضرت نایب‌السلطنه میل دارد بکلی از ایران خارج شود درحالی‌که قبول دارم نمی‌توان کاری کرد که مانع از حرکت او شود. مسیو سازانف برای مسیو پوکلیوسکی [پاکلوسکی] تعلیمات فرستاده است که علل صلاح نبودن حرکت او را حالیه از ایران به وی ابلاغ نماید.

اخباری که همین حالا از کرمانشاه واصل گردید مشعر بر اینکه سالارالدوله قصد اعلان پادشاهی خود را دارد، خیلی اسباب اختلال حواس والاحضرت گردیده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۳ آوریل ۱۹۱۲ [۲۴ فروردین ۱۲۹۱: ۲۴ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز طهران

از مسیو سازانف خواهش نمایید مسیو پوکلیوسکی [پـاکلوسکی] را تعلیم دهـد که اظهاراتی را که شارژدافر اعلیحضرتی از بابت سالارالدوله می‌نماید، تقویت نماید.

نمره ـ ۲۸

تلگراف مستر نیك به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ آوریل ۱۹۱۲ [۲۵ فروردین ۱۲۹۱: ۲۵ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ آوریل من

قنسول روس مقیم کرمانشاه حالا جوابی به همین مضمون از طـرف سالارالدوله مخابره نموده است. سفیر روس و من موافقت داریم در اینکه حالیه کار دیگری نباید کرد مگر آنکه به دولت ایران اطلاع دهیم هر قدر می‌توانند حرکت فرمانفرما را تسریع نمایند.

نمره ـ ۲۹

تلگراف مستر نیك به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ آوریل ۱۹۱۲ [۲۵ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۵ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

مساعده به دولت ایران

راجع به تلگراف ۱۲ آوریل شما

شما بایستی در موقع تعلیم دادن به بانك مقصود و معنی اضافه گمرکات جنوبی را مشخص نمایید.

بعضی مصارف جزو است که برای حسن ادارهٔ مملکت لازم است کـه علاوه بر مصارفی است که برای قرضهٔ انگلیس و هند و قرضهٔ سال گذشتهٔ بانك تعیین شده اگرچه هنوز این مصارف جزو جداول رسمی نشده من تصور می‌کنم شما میل ندارید کسی در آن مداخله نماید.

اضافهٔ عایدات گمرك فقط وجهی است که خزانه‌دار کل می‌تواند بر آن اتکاء نماید و البته او نمی‌تواند بدون آن پیشرفتی نماید و اگر وجوهات قرضهٔ جدید تماماً [به] مصرف پرداخت فوری مساعده برسد دیگر قرضهٔ مزبور چندان مفیدفایده نخواهد بـود.[۱] بنابـراین احتمال می‌رود[۲] خزانـه‌دار کل از مـا استدعا نماید کـه[۳]

---

۱) اصل: داشت. ـ م.
۲) اصل: احتمال می‌رود که. ـ م.
۳) اصل: یا آنکه ـ م.

مسترد داشتن وجه مزبور را تا مدت معینی یا تا زمانی‌که قرضهٔ جدیدی بشود به تأخیر اندازیم.

بعلاوه او مرا اطلاع می‌دهد که به‌همین‌زودیها برای قرضهٔ‌دیگری از ما درخواست خواهد نمود چرا که وجه مساعدهٔ جدید بکلی تمام شده است (و از این پول حقوق سه ماه و نیم ژاندارمری تحصیل شده است).

مسیو مرنارد در این هفته مشغول ترتیب نقشه‌ای است که بدان واسطه، تعیین وی به مقام خزانه‌داری کل تصدیق گردد: این فقط یکی از چندین نقشه‌ای است که در تلگراف ۸ آوریل سر جارج بارکلی رجوع به آن شده است.

نمره ـ ۳۰

تلگراف مستر نیك به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ آوریل ۱۹۱۲ [۲۶ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۶ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ آوریل من:

فرمانفرما از قزوین به‌طرف همدان حرکت نموده، صاحبمنصب کل روسی فرماندهٔ عساکر قزوین از کم و کیف عساکر او تلگراف مساعدی مخابره نموده است.

نمره ـ ۳۱

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۵ آوریل ۱۹۱۲ [۲۶ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۶ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

امروز بعد از ظهر مسیو سازانف را ملاقات نمودم. جناب معظم‌له به‌من اظهار داشت می‌ترسد از آنکه قشون فرمانفرما آنقدر قوه ندارد که سالارالدوله را شکست دهد ولی به مسیو پوکلیوسکی [پاکلوسکی] دستورالعمل رسیده است که اظهارات همکار انگلیسی خود را تقویت نماید (رجوع به تلگراف ۱۳ شهر جاری خود کنید).

وزیر امور خارجه بعد، در باب اوضاع تبریز صحبت نموده و با ناامیدی در آن خصوص سخن راند.

پس از اعلان تعیین سپهدار قریب ۹۰۰ نفر فدائی فوراً وارد شدند. شجاع‌الدوله فقط شخصی بود که می‌توانست از عهدهٔ انتظامات آنجا برآید و جناب معظم‌له خود را ملامت می‌کرد از اینکه از آنجایی‌که میل داشت با دولت ایران اصلاح نماید، راضی به عزل او شده بود و حالا که شاه مخلوع از ایران خارج‌شده او با دولت‌ایران همراهی نموده است، اگرچه سابقاً او را طرفدار محمدعلی می‌دانستند.

اگر اغتشاشات مثل آنچه در ماه دسامبر گذشته واقع گردید از طرف طرفداران سپهدار تولید گردید (که فدائیان باشند) فقط راهی که برای مشی اقدامات دولت امپراطوری باز است این است که ادارهٔ امور آذربایجان شمالی را به‌عهدهٔ خود گیرند.[۱]

---

۱) چنین است در متن. عبارت آشفته و گنگ است. ـ م.

من به مسیو سازانف اشعار نمودم که لازم است عساکر روس به اندازهٔ کفایت در تبریز باشند که وقوع هرگونه اغتشاشات را غیرممکن بدارد و از جناب معظم‌له استدعا نمودم که حتی تصور عهده‌گرفتن رتق و فتق امورات آنجاها را ننماید.

مسیو سازانف در جواب گفت که در صورتی‌که وقوع این‌قبیل اغتشاشات تکرار شود، حتی خود او این اقدام را تصویب خواهد نمود و شك‌داشت از اینکه عساکر روس بطور کفایت قوی باشند که بتوانند رفع اغتشاشات مذکوره را بنمایند و به نظر جناب معظم‌له، فقط شق دیگری که می‌توان اختیار نمود این است که به دولت ایران اصرار شود سپهدار را در پای‌تخت نگاه داشته بگذارند شجاع‌الدوله در تبریز به وظایف فرمانفرمایی آنجا مشغول شود حتی اگرچه وظایف مذکوره اسماً متعلق به سپهدار بوده باشد.

وزیر امور خارجه اظهار داشت صبر خواهد نمود تا آنکه اخبار ثانوی از کفیل قنسولگری روس مقیم تبریز برسد، و اگر لازم دانست از دولت ایران خواهش نماید شجاع‌الدوله را آنجا نگاه دارند او به کنت بنکندورف تعلیم خواهد داد از شما استدعا نماید اظهارات مسیو پوکلیوسکی [پاکلوسکی] را تقویت نمایید.

نمره ـ ۳۲

تلگراف سر ادوارد گری به مستر نیك

وزارت خارجه ۱۵ آوریل ۱۹۱۲ [۲۶ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۶ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

من خیلی مسرور خواهم شد که نایب‌السلطنه در طهران توقف نمایند تا آنکه دولت ایران مسألهٔ سالارالدوله را تسویه نمایند.

من نمی‌خواهم ارائهٔ طریقی نموده باشم که به نظر تکلیف شاقی بیاید و اگر حرکت فوری والاحضرت به علت کسالت مزاجش لزوم حتمی پیدا کرده باشد، من دیگر نمی‌توانم به او اصرار نمایم.

شما باید با مسیو پوکلیوسکی [پاکلوسکی] در باب اظهاری که ممکن است به نایب‌السلطنه بشود مشورت نمایید.

نمره ـ ۳۳

تلگراف مستر نیك به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ آوریل ۱۹۱۲ [۲۷ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۷ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

عایدات گمرکات ایران در این سالی که به آخر رسیده، افزوده شده و گمرکات شمالی از قرار صدی ده و نیم و گمرکات جنوبی از قرار صدی بیست، گمرکات بوشهر صدی چهل و پنج زیاد شده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۴

تلگراف مستر نیك به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ آوریل ۱۹۱۲ [۲۷ فروردین ۱۲۹۱: ۲۷ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

صاحبمنصب کل فرماندهٔ عساکر روس و اجزاء او قبل از مراجعت بـه روسیه به حضور شاه و نایب‌السلطنه مشرف گردیدند و نشانهای عالی به آنها مرحمت شد. از حرکت آنها معلوم نمی‌شود که از عدهٔ عساکر دیگر چیزی کسر شود.

سفیر روس از احساسات حسنه‌ای که از طرف اولیاء امور و اهالی نسبت به آنها ابراز شده و پذیرفتن دولت ایران، فرستادن چند دسته قشون بـرای اعادهٔ انتظامات آنجا، (قبل از آنکه خبر مظفریت عساکر آنها در زنجان برسد) خشنود می‌باشند.

نمره ـ ۳۵

تلگراف سر ادوارد گری به مستر نیك

وزارت خارجه ۱۶ آوریل ۱۹۱۲ [۲۷ فروردین ۱۲۹۱: ۲۷ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

از کفیل جنرال‌قنسولگری تبریز استفسار نمایید که آیا می‌تواند اطلاعات مسیو سازانف را در باب محتمل بودن وقوع اغتشاشات در آذربایجان چنانچه در تلگراف ۱۵ آوریل سر جارج بارکلی راپورت داده شده، تصدیق نماید؟

نمره ـ ۳۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۶ آوریل ۱۹۱۲ [۲۷ فروردین ۱۲۹۱: ۲۷ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۵ آوریل شما:

من مشغول تحقیق هستم ببینم که آیـا جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز عقایـد مأیوسانهٔ مسیو سازانف را در باب اوضاع آذربایجان شمالی تصدیق می‌کند یا نه. شما باید مسیو سازانف را اطلاع دهید که صمیمانه اعتماد دارم او بتواند اسباب عدم تقبل ادارهٔ امور را از طرف دولت روس که تولید اثرات بد در اینجا خواهد نمود فراهم نماید.

نمره ـ ۳۷

تلگراف مستر نیك به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ آوریل[1] ۱۹۱۲ [۲۸ فروردین ۱۲۹۱: ۲۸ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل مورخهٔ دیروز از کفیل قنسولگری انگلیس مقیم تبریز رسیده است:

۲۰۰ نفر پیاده و ۳۰۰ نفر قزاق روسی به تبریز وارد شده‌اند. بر عساکر روس که در خوی هستند و عدهٔ آنها قریب پنج هزار است، ۱،۴۰۰ نفر پیاده اضافه شده‌اند

---

۱) اصل: ۲۷ آوریل. ـ م.

و همین تازگی از سرحد عبور نموده[اند] و در راه می‌باشند.

نمره ـ ۳۸

تلگراف مستر نیك به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ آوریل ۱۹۱۲ [۲۸ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۸ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

تبریز

راجع به تلگراف دیروز شما:

چنین اخباری از طرف کفیل قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من نرسیده و او را تعلیم داده‌ام که مطالب را تلگرافاً [تلگرافی] بطور مشروح راپورت دهد.

هیچ علائم و آثاری نیست که بنمایاند سپهدار به این زودیها مقام خود را اشغال نماید ولی امروز بعد از ظهر من باز هم تحقیقات می‌کنم.

سفیر روس چند روز قبل از این به من اظهار داشت که شجاع‌الدوله حالیه از مقام خود اظهار نارضایتی نموده اگرچه قبلا اینطور مقرر بود که او از ترتیبی کـه در تلگراف ۳ آوریل سر جارج بارکلی راپورت داده شده بود رضایت داشت.

نمره ـ ۳۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۵ آوریل ۱۹۱۲ [۱۶ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۶ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

آقا

راجع به تلگراف دوم شهر جاری شما:

افتخار دارم که سواد مکتوبی را که دیروز برای دولت ایران نوشتم لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) جارج بارکلی

ملفوف نمره ۳۹

مکتوب سر جارج بارکلی به دولت ایران

طهران ۴ آوریل ۱۹۱۲ [۱۵ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۵ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

آقای وزیر

افتخار دارم وصول مکتوب ۱۰ ماه گذشتهٔ جنابعالی را اطلاع داده از اطمیناناتی که داده بودید بر اینکه مبلغ ۴،۷۴۴ لیرا از اولین قرضه مسترد خواهد شد، مطلع شدم.

اینك تعلیم یافته‌ام که مطالب ذیل را به عرض دولت ایران برسانم:

دولت اعلیحضرتی با کمال دقت اوضاع جنوب ایران را در تحت ملاحظه آورده و مخصوصاً حملات اخیره بر عساکر هندی که از شیراز و بوشهر برای حفاظت مستر اسمارت قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز فرستاده شده بودند، جلب دقت آنها را نموده است.

دولت اعلیحضرتی لازم می‌دانند اشخاصی که اهل محل آنها را خوب می‌شناسند [و] مقصر این حملات بوده‌اند، برای تنبیه به دولت ایران تسلیم شوند. اگر این اقدام به عمل آید دولت اعلیحضرتی فوراً دستهٔ قشونی را که اخیراً به بوشهر فرستاده‌اند عودت خواهند داد و در صورتی‌که رؤسای ایلات و کلانتران آنها لااقل تا دو ماه ابراز احساسات دوستانه و وضع سلوك و روش مسالمت‌آمیز نمودند و در ظرف مدت مذکور دیگر حملاتی به وقوع نرسید، عودت قشون سوارهٔ هندی از شیراز و اصفهان متعاقب آن صورت وقوع خواهد یافت.

من باید به دولت ایران بفهمانم که ادامهٔ این رویه و سلوك دوستانه و آزادانه از طرف دولت اعلیحضرتی بسته به تشکیل ژاندارمری صحیح در تحت صاحبمنصبان سوئدی است و بنابراین دولت ایران باید قبل از عودت قطعی عساکر مذکور به هر وسیله که از قوه‌شان برمی‌آید از صاحبمنصبان سوئدی تقویت نمایند. و بطور اقدام مقدماتی و لازم، محض جلب سلوك دوستانهٔ رؤسای محلی که عودت عساکر فوق‌الذکر بسته به آن است، من باید از دولت ایران استدعا نمایم که از اشخاصی که در طهران و سایر نقاط ایران هستند و تلگرافات مهیجهٔ آنها تا اندازهٔ زیادی مسئول حمله‌های بر عساکر ما بوده، جلوگیری نمایند.

و نیز واجب است که دولت ایران علمای نجف و کربلا را ترغیب نمایند دست از تحریکات و تهییج علماء و بزرگان فارس برداشته و به‌این اشخاص تلگرافاً [تلگرافی] عقیدهٔ خود را از بابت عدم رضایت انگلستان به مداخله در جنوب ایران اظهار دارند.

علماء نیز باید به رؤسای ایلات و بزرگان آنها لزوم این مسأله را اصرار نمایند که به وسیلهٔ تزیید و پیشرفت دادن منافع انگلیس از راه سلوك دوستانه با اتباع انگلیس و تجارت آن، طوری کنند که دولت مشارالیها از سوء اعمال آنها صرف‌نظر کند.

در خاتمه بایستی جداً تأکید نمایم لزوم فرستادن فرمانفرمای جدید را هرقدر زودتر که امکان دارد، به شیراز و تقویت‌کردن از او و تهیهٔ وجوهات لازمه برای او.

(امضاء) جارج بارکلی

نمره ـ ۴۰

تلگراف مستر نیك به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ آوریل ۱۹۱۲ [۲۹ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۹ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

تبریز

راجع به تلگراف دیروز من:

تلگراف ذیل از کفیل قنسولگری اعلیحضرت مقیم تبریز رسیده است:

از قراری که ظاهر می‌گردد، به دولت روس بکلی اشتباهاً اطلاع رسیده است چند نفر فدائی که مخفی بودند چندی قبل بیرون آمدند ولی هیچ‌کدام وارد نشده‌اند.

به غیر از چهار یا پنج نفر از سرکرده‌هایی که در جنرال‌قنسولگری عثمانی بست

اختیار نموده بودند، از لیدرها، دیگرکسی اینجا نیست.

به عقیدهٔ من عقاید مأیوسانــه و وحشت دولت روس بکلی بی‌اساس [می]باشد. هیچکس اینجا جرأت حرکت ندارد. پس از واقعات اخیره البته تولید اغتشاشات جدیده امکان ندارد مخصوصاً در موقعی که شخصی مثل شجاع‌الدوله اینجا حضور دارد.

شجاع‌الدوله از تعیین سپهدار به مقام فرمانفرمایی آذربایجان متغیر است و او را به رولسیونرهای قفقازی تشبیه می‌کند و از این می‌ترسد که رؤسای ایلات دیگر از او تقویت ننموده و همدردی دولت روس از او سلب شده و بالاتر از همه مقام پردخلی را از دست بدهد.

همین که به او اظهار شد دولت روس تعیین سپهدار را تصویب نموده‌اند، اظهار میل نمود که به مراغه رفته و دست از کار بکشد. او مجبور به قبول پیشنهادات روس می‌باشد.

سفیر روس از بابت نهصد نفر فدائی اطلاعی ندارد. آنچه کفیل قنسولگری روس راپورت داده با آنچه مستر استونز خبر داده مطابق می‌باشد. سفیر روس اظهار می‌دارد که عساکر روس که فعلا در تبریز هستند می‌توانند در هر دقیقه از این چیزها جلوگیری نمایند. دولت ایران هم از بابت نهصد نفر فدائی هیچ نمی‌دانند.

کفیل قنسولگری روس، عدم رضایت شجاع‌الدوله را که بعضی نسبتهای دروغی هم به سپهدار راپورت داده است، در جواب از طرف سفیر روس همین حالا دستورالعمل یافته است که با شجاع‌الدوله بطور سخت مذاکره نموده و بــه او اظهار دارد باید اوامر دولت ایران را که بوسیلهٔ دولت روس با شرایط مساعد با آن اصلاح نموده اطاعت نماید؛ اگر نتواند مطیع دولت ایران باشد، باید از ایران خارج شود و دولت روس دیگر با او سروکاری نخواهد داشت.

هنگامی که سپهدار به فرمانفرمایی تعیین گشت، او خواست حکومت مراغه و جاهای دیگر را به شجاع‌الدوله واگذار نماید.

این مسأله واضح است که شجاع‌الدوله با دولت مرکزی همراهی نداشته و بی‌میل بوده است از اینکه راپورت برای سپهدار به طهران بفرستد.

نمره ــ ۴۱

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۸ آوریل ۱۹۱۲ [۲۹ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۹ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف ۱۶ آوریل خود نمایید:

امروز صبح وزیر امور خارجه را ملاقات نمودم و جناب معظم‌له در باب تلگراف فوق‌الذکر شما مذاکره نمودند. مضمون همان تلگراف را، دیروز در طی کاغذ خصوصی برای او نوشته بودم.

مسیو سازانف اظهار داشت که در صورتی‌که فدائیان مثل وقعهٔ دسامبر گذشته حملات خائنانه بر عساکر روس بنمایند، دولت روس مجبور خواهد گردید برای دفاع

از خود حکومت آذربایجان شمالی را به دست خود گیرند. او فقط این مسئله را به من اظهار داشت که من شما را متنبه نمایم و تاکنون در این باب با هیچیك از همکاران خود مذاکره ننموده است.

اگر دولت ایران شجاع‌الدوله را بگذارند در تبریز به مقام نیابت ایالت برقرار باشد، شاید امکان داشته باشد به هیچ وجه اقدامی چنین بعمل نیاید و جناب معظم‌له مرا اطمینان داد که این اقدام را فقط در آخرین وهله خواهند نمود و از من استدعا نمود به شما اظهار نمایم که اگر شما با او در ترغیب دولت ایران به عدم تغییر مقام شجاع‌الدوله همراهی نمایید، بسیار متشکر و ممنون خواهد گردید.

نمره ـ ۴۲

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۸ آوریل ۱۹۱۲ [۲۹ فروردین ۱۲۹۱: ۲۹ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

امروز در باب حرکات قشون روس که راپورت آن در تلگراف ۱۷ شهر جاری از طهران داده شده، از مسیو سازانف تحقیق نمودم.

جناب معظم‌له اظهار داشت که عساکر جدید به جای آنهایی‌که موعد توقفشان منقضی شده، آورده خواهد شد و بعلاوه مذکور داشت که اظهاری که کفیل قنسولگری انگلیس مقیم تبریز نموده مشعر بر اینکه فعلا ۵،۰۰۰ نفر قشون در خوی می‌باشد، بکلی اغراق است.

نمره ـ ۴۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۸ آوریل ۱۹۱۲ [۲۹ فروردین ۱۲۹۱: ۲۹ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

مضمون تلگرافی را که از طهران رسیده، به مسیو سازانف ابلاغ نمایید و اظهار دارید که به قرار اطلاعاتی که برای ما رسیده، اوضاع آذربایجان شمالی آنقدر مهم نیست که مورث اضطراب و تشویش گردد.

نمره ـ ۴۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ آوریل ۱۹۱۲ [۳۰ فروردین ۱۲۹۱؛ یکم ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

تبریز

راجع به تلگراف دیروز مستر نیك:

شجاع‌الدوله در جواب تعرضات کفیل قنسولگری روس جواب مساعدی فرستاده است و اظهار می‌دارد حاضر است نصیحت سفیر روس را قبول نموده و فرمان‌بردار دولت مرکزی باشد و امیدوار است که سپهدار ورود خود را تسریع نماید و راضی است به اینکه تا ورود او به مقام نیابت ایالت، برقرار باشد.

کفیل قنسولگری روس نیز راپورت می‌دهد که شجاع‌الدوله تلگراف رضایت‌بخشی هم به سپهدار مخابره نموده است.

نمره ـ ۴۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۴ آوریل مستر نیك

تصور می‌شود امکان دارد سالارالدوله اعلان شاه بودن خود را بدهد. قنسولهای انگلیس و روس استفسار می‌نمایند که آیا رویهٔ آنها نسبت به این مسئله از چه قرار بایستی باشد؟

همکار روسی من ارائهٔ طریق می‌نماید که ما بایستی آنها را اینطور تعلیم دهیم که اگر سالارالدوله این اقدام را بعمل آورد، آنها بایستی مثل حالا با او رفتار کنند ولی تا حدی که ممکن است بایستی از هرگونه دید و بازدید با او احتراز نمایند.

نمره ـ ۴۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

مساعده به دولت ایران

راجع به تلگراف ۱۴ آوریل مستر نیك

کفیل خزانه‌داری اظهار می‌دارد که به استثنای آن قسمت ۲۰۰،۰۰۰ لیرا که دو ماه قبل مساعده داده شده و برای مقاصد معینه از قبیل خرید اسلحه و مهمات جنگی در اروپا و نگاهداری ژاندارمری تا چهار یا پنج ماه و پلیس طهران تا سه ماه تخصیص [داده] شده. مبلغی که پرداخته‌شده تا اواخر ماه جاری به‌اتمام خواهدرسید. بنابراین، او رسماً از سفارتین خواهش نموده است که دولتین انگلیس و روس یا بانك‌شاهنشاهی یا بانك روس مبلغ ۵۰،۰۰۰ لیرای دیگر به دولت ایران مساعده بدهند.

سفیر روس اینطور ارائهٔ طریق می‌نماید که اگر دولتین راضی شوند مساعدهٔ‌دیگری بدهند، بایستی قرار و مدار از برای ۱۰۰،۰۰۰ لیرا داده شود و او تصور می‌کند که مبلغی که مسیو مرنارد اظهار داشته است خیلی کمتر از وجه مصارفی است که لزوماً بایستی برای اعزام قشون برضد سالارالدوله و مقاصد دیگر بشود و تصور می‌کند که اگر فقط مبلغ کمتر داده شود خواهش دیگری ناچار باید برای پول بشود و ارائهٔ طریق می‌نماید که نباید دولت ایران را مستحضر داشت از اینکه مبلغ بزرگتر به اختیار آنها گذارده شده است.

ممکن است که مذاکرات قرضه تا اول پاییز به اتمام برسد و تصور می‌کند که مبلغ بزرگتر مکفی خواهد بود که دولت ایران بتوانند تا آنوقت اشکالات مالی حالیهٔ خود را رفع نمایند.

نمره ـ ۴۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

تبریز

راجع به تلگراف ۱۸ آوریل مستر نیك:

همکار روسی، مرا اطلاع می‌دهد که اخبار جدید که از بابت اوضاع تبریز برای او رسیده بسیار رضایت‌بخش می‌باشد. شجاع‌الدوله به وعدهٔ خود که با سپهدار مشغول مذاکره و مخابره شود، وفا نموده و سپهدار هفتهٔ دیگر بطرف تبریز حرکت خواهد کرد، و مقامی هم به او تفویض نموده و او هم قبول کرده است.

نمره ـ ۴۸

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۸ آوریل شما:

وزیر امور خارجه که تلگرافات ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ شهر جاری سفارت اعلیحضرتی را برایش ابلاغ نمودم، اظهار عقیده نمود که خیلی بهتر است شجاع‌الدوله در تبریز توقف نماید.

دولت روس می‌تواند متکی به وضع رفتار دوستانهٔ سپهدار باشد ولی اوضاع حالیه شخص مقتدرتری مثل شجاع‌الدوله را لازم دارد که باعث اطمینان و اعتماد شود.

مسیو سازانف اظهار داشت که قصد ندارد به دولت ایران اصرار نماید حرکت سپهدار را از طهران به تعویق اندازند.

نمره ـ ۴۹

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ آوریل طهران:

کرمانشاه

وزیر امور خارجهٔ روس تصور می‌کند که قنسولها نباید رابطهٔ رسمی با سالارالدوله داشته باشند و فقط در صورتی‌که او سمت رسمیت داشته باشد با او امورات لازمه را تسویه نمایند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۰

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱: ۲ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

سفیر روس هنوز از بابت مساعدهٔ‌دیگری‌که بنابر ارائه طریقی که شده، قرار است به دولت ایران داده شود، خبری به وزیر امور خارجهٔ روس نداده است و لذا من مضمون تلگراف ۲۰ آوریل سر والتر تنلی را به او ابلاغ نمودم.

جناب معظم‌له خود را شخصاً با عقاید سفیر روس که در آن تلگراف مذکور گردیده بود، مساعد و موافق ابراز داشته ولی قبل از آنکه تصمیمی بنماید، بایستی با وزیر مالیه مشورت نماید.

نمره ـ ۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ آوریل شما:

اگـر دولت روس پیشنهاد مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] را راجع به مسألهٔ سالارالدوله تصویب نمایند، شما، چنانچه در تلگراف به قنسول اعلیحضرتی ارائهٔ طریق شده، تعلیمات بدهید.

نمره ـ ۵۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۱ آوریل ۱۹۱۲ [یکم اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۳ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل مورخهٔ ۱۹ آوریل از کفیل ویس‌قنسولگری اعلیحضرتـی رشت رسیده است:

در ۱۶ آوریل در کرگان‌رود، بین قزاقهای روس و اهالی جنگ واقع‌شده، دو نفر روسی مجروح و ۸ نفر ایرانی مقتول گردیدند. اگرچه درست معلوم نیست کدام طرف اول شروع به جنگ نمود ولی علت و سبب آن از قرار معلوم این بوده که اهالی طالش از قبول سردار امجد به حکومت امتناع ورزیده‌اند. قنسول روس تعیین او را به این مقام حمایت می‌نموده‌اند.

در عرض جنگ، کشتی جنگی روس که چند روز قبل از انزلی حرکت کرده بود، ساحل طالش را که بازار آلام در نزدیکی آن واقع است، بمبارده نمود.

روسها فقط ۱۵۰ نفر قزاق در کرگان‌رود دارند. بقیه هنوز در انزلی می‌باشند و از اردبیل و آستارا تلگرافاً [=تلگرافی] قشون امدادی طلب نموده‌اند.

من در این موضوع با همکار روسی خود مذاکره نموده‌ام. جناب معظم‌له اظهار می‌دارد که دستجات سارقین بر اتباع روس خسارات زیاد وارد آورده‌اند و مقصود از اعزام قشون سرکوبی آنها و برقرار داشتن حکم و اقتدار دولت ایران در آن نقطه

می‌باشد.
قنسول رشت روس به محل اقدامات قشونی رفته ولی نشنیده است که قشون امدادی احضار شده باشند و از قرار اظهار او عدهٔ تلفات دولت ایران به بیست می‌رسد.

نمره ـ ۵۳

مکتوب ادارهٔ بحریه به وزارت خارجه

ادارهٔ بحریه ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

از طرف لرد کمیسیونرهای ادارهٔ بحریه مأمورم که برای استحضار خاطر وزیر امور خارجه، سواد تلگرافی را که امروز از فرمانده کل قشونی ایست ایندیز رسیده لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) گراهم گرین

ملفوف نمره ۵۳

سواد تلگراف فرمانده کل قشونی ایست ایندیز به ادارهٔ بحریه

۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف دویم شهر جاری من نمایید:
بایستی راپورت دهم که عده‌ای که بر مستحفظین قنسولخانهٔ لنگه اضافه شده بود، به جاشك عودت داده شدند.

نمره ـ ۵۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ آوریل ۱۹۱۲ [۳اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۵ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

تبریز

راجع به تلگراف ۱۸ آوریل سر جارج بیوکانان:
سپهدار در تهیه است که تا دو هفتهٔ دیگر از طهران حرکت نموده و مقام خود را اشغال نماید.
سپهدار شخصاً به هیچ وجه مایل حرکت به طرف تبریز نمی‌باشد.
عقیدهٔ همکار روسی من این است که حالا برای او اشکال دارد ارائهٔ طریق برای نرفتن او بدانجا بنماید و به من اظهار می‌دارد که فشاری که به شجاع‌الدوله وارد آورده مؤثر واقع گردیده که او را براه آورد [طوری] که وضع و رویهٔ او نسبت به سپهدار حالیه از روی اطاعت و صحت است.
اگر سپهدار قبول مقام ایالت را بنماید، اینجا، تقبل او را حمل به تجدید حکمفرمایی و اقتدار دولت ایران بر آذربایجان خواهند نمود.
سفارت انگلیس تاکنون اظهار عقیده به تقویت، یا بر علیه [علیه] سپهدار یا شجاع‌الدوله ننموده‌اند.

نمره ـ ۵۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ آوریل ۱۹۱۲ [۳اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۵ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

کرمان

تلگراف ذیل مورخهٔ دیروز از قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمان رسیده است:

در امورات این ایالت اختلال کلی فعلا وجود دارد. ایالت میرزا حسین‌خان را برای وصول مالیات به بعضی نقاط فرستاده است و استعداد زیادی با چند عراده توپ همراه او می‌باشد. او هم با خوانین عمدهٔ محلی جیرفت و رودبار که از پرداخت مالیات امتناع ورزیده بودند همدست شده است.

فراشباشی ایالت که مشغول وصول مالیات بود، اموالش به غارت رفته و خودش هم محبوس گردید و از قراری‌که راپورت داده شده، خوانین در کار حرکت به سمت کرمان بوده و مقصود آنها این است که ایالت را اخراج نموده و شهر را غارت نمایند.

از قراری که راپورت داده شده افشاریها و بلوچها با مقاصد آنها شرکت کرده‌اند. من امیدوارم که این جماعت که از چندین قسم مردم تشکیل شده قبل از ورود به کرمان با همدیگر نزاع خواهند کرد و شخصاً شك دارم از اینکه به هیچ وجه جرأت حمله به شهر بکنند. ولی اهالی اینجا که بی‌اندازه ترسیده‌اند، با این عقیده شریك نمی‌باشند.

بسیاری از قشون منظم به علت عدم وصول حقوق خود، از هم متفرق شده‌اند و کارآمدترین آنها نزد میرزا حسین‌خان رفته‌اند بطوری که برای ایالت قشونی باقی نمانده است که در صورتی‌که حمله بشود، مقاومت نماید.

گمان نمی‌کنم که یاغیان اسباب زحمتی برای ما فراهم آورند[1] ولی ممکن است که اموال اروپاییانی که نزدیك شهر هستند، به غارت رفته و یا آنکه به آنها مزاحمت شود.

من‌بایستی فردا وزیر امور خارجه را ملاقات نمایم و در این موضوع با جناب معظم[له] صحبت خواهم نمود.

نمره ـ ۵۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ آوریل ۱۹۱۲ [۳ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۵ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

نایب‌السلطنه

راجع به تلگراف پانزدهم آوریل شما:

سفیر روس مرا اطلاع می‌دهد که دولت متبوع او در موضوع اظهارات به نایب‌السلطنه راجع به حرکت او از ایران بطور مرخصی، تعلیماتی نداده‌اند.

---

۱) اصل: آورد. ـ م.

عقیدهٔ او بر این است که نایب‌السلطنه یقیناً بایستی در مملکت توقف نماید تا آنکه مسألهٔ سالارالدوله به‌جایی ختم شود.

اگرچه دولت ایران ظاهراً مطمئن می‌باشند که در دفع سالارالدوله از کرمانشاه، چندان اشکالی نخواهند داشت و عساکر مطیع دولت ظاهراً دور فرمانفرما که حالا به همدان رسیده است بسرعت جمع می‌شوند، سفیر روس تصور می‌کند کـه مسأله از آنچه انتظار می‌رفت، ممکن است خیلی مهم‌تر بشود.

آیا می‌خواهید من بعضی اظهارات به نایب‌السلطنه بکنم؟ یحتمل تا چند روز دیگر والاحضرت را ببینم.

نمره ـ ۵۷

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۴ آوریل ۱۹۱۲ [۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۶ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ آوریل سر والتر تنلی:

مسیو سازانف تصور کـرد کـه از بابت اظهاریه بـه نایب‌السلطنه، بـرای مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] تعلیمات مخابره‌شده ولی حالا فهمیده است کـه تعلیمات قطعی هنوز فرستاده نشده [است].

جناب معظم[له] حالا به مسیو پوکلیوسکی تلگراف خواهد نمود که با همکار روسی خود، بالاتفاق برطبق تعلیماتی که به سر والتر تنلی داده شده، اظهاراتی به نایب‌السلطنه بنمایند.

نمره ـ ۵۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۴ آوریل ۱۹۱۲ [۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۶ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ آوریل شما:

ممکن است برطبق تلگراف ۱۵ آوریل من، اظهاری به نایب‌السلطنه بشود. با مسیو پوکلیوسکی [پاکلوسکی] در این باب مشورت نمایید.

نمره ـ ۵۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ آوریل ۱۹۱۲ [۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۷ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

بختیاریها و شیخ محمره

مأمورین قنسولگری انگلیس برای تعیین و تسویهٔ‌منافع‌متضاده شیخ و بختیاریها در شوشتر مشغول تحقیقات می‌باشند. قنسول محمرهٔ اعلیحضرتی [که] حالیه با قنسول مقیم بوشهر در اهواز است و اخیراً به شوشتر آمد، تلگرافاً [=تلگرافی] راپورت می‌دهد که بختیاریها آن محل را حمله نموده و نخواسته‌اند منتظر نتیجهٔ تحقیقات آنها

بشوند.

ماژور هاورت از آن می‌ترسد که این منازعات ممکن است منجر به جنگ شده بر منافع انگلیس خسارت فوق‌العاده وارد شود.

[وی] راپورت می‌دهد که‌رویه و سلوك شیخ در عرض تمام این گفتگوها کاملا از روی صحت بوده و اظهار می‌دارد که او محق به‌تقویت‌کامل دولت‌اعلیحضرتی می‌باشد.

این مسأله را به اطلاع وزیر امور خارجه و خوانین بختیاری که وضعیت آنها نسبت به حکومت مملکت مقام‌مهمی را دارد رسانیده‌ام. خوانین اظهار میل می‌کنند به اینکه منتظر حصول نتیجهٔ تحقیقات قنسول بشوند و اظهار می‌دارند صمیمانه مایل به اصلاح بوده و مصرند بر اینکه ایلیاتیهای آنها به شوشتر حمله نکرده[اند] و مرا مطمئن می‌دارند که تعلیمات تلگرافی برای آنها فرستاده شده که جنگ نکنند.

نمره ـ ۶۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ آوریل ۱۹۱۲ [۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۸ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

دو روز قبل در ناحیهٔ خلخال واقعه‌ای به ظهور رسیده که همکار روسی من آن را مهم می‌داند:

بعضی از ایلات شاهسون یك دستهٔ کوچك قزاق را در راه اردبیل حمله و محاصره نمودند. عدهٔ خصم خیلی زیادتر از قزاقان بوده ولی صاحبمنصب فرمانده آنها به مقاومت آنها موفق گردید تا آنکه قشون امدادی وارد گردید. سپس قشون روس به ایلیاتیهای مزبور حمله نمودند. یك‌نفر صاحب‌منصب و دو نفر مقتول و هشت نفر مجروح شدند. قریب یکصد یا دویست نفر از شاهسونها مقتول گردیدند.

نمره ـ ۶۱

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۷ آوریل ۱۹۱۲ [۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۹ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ آوریل من:

وزیر امور خارجهٔ روس به من اظهار می‌دارد که وزیر مالیه اظهار می‌دارد که نمی‌تواند راضی به دادن مساعدهٔ دیگر به دولت ایران بشود. مثل آنکه مساعدهٔ آخری که داده شده یك اقدام خلاف معمول و مستثنی بوده باشد و در حقیقت انجام آن از قوهٔ او خارج می‌باشد.

همینکه از وزیر امور خارجه استفسار نمودم که آیا در صورتی‌که ما بخواهیم خودمان به‌وسیلهٔ پول‌دادن، از دولت ایران کمك کنیم او اعتراضی خواهد داشت یا نه، جناب معظم[له] در جواب اظهار داشت که قبل از آنکه در این موضوع جواب قطعی بدهد، بایستی در این باب فکر نماید.

نمره ـ ۶۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۷ آوریل ۱۹۱۲ [۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۹ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

خیلی مسرور خواهم شد از اینکه بدانم آیا دولت ایران برای دستگیری مسؤولین حمله به مستر اسمارت اقدامی نموده‌اند یا نه؟ تاکنون سه هفته می‌گذرد که ما مقاصد خود را به آنها اظهار داشته‌ایم.

نمره ـ ۶۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ آوریل ۱۹۱۲ [۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۰ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

ژاندارمری و جنوب ایران

راجع به تلگراف ۱۱ آوریل شما:

کلنل سوئدی که بنا بر تلگراف شما او را نصیحت نمودم اظهار می‌دارد که حتی‌المقدور موافق میل دولت اعلیحضرتی عمل خواهد نمود و می‌گوید که از بابت نقشهٔ مذکور تاکنون تصمیم قطعی [گرفته] نشده‌است و به صاحب‌منصبان سوئدی شیراز تعلیم خواهد داد که راه را همانطوری که دولت اعلیحضرتی می‌خواهند محافظت نمایند. از قرار معلوم، نقشهٔ اولی با نظریات او مطابق است و از مذاکرات او بر من معلوم گردید که اجرای نقشهٔ مذکور برای وی اشکالی نخواهد داشت.

نمره ـ ۶۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ آوریل ۱۹۱۲ [۲ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۴ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

اشکالات مالی دولت ایران

راجع به تلگراف ۲۰ آوریل سر جارج بیوکانان:

مسیو مرنارد مکتوبی به عنوان همکار روسی و من نوشته و از ما استدعا می‌کند با او مساعدت در تحصیل مساعدهٔ دیگری توسط دو بانك بنماییم و توجه ما را جلب به این مسئله نموده: از آنجایی‌که خزانه خالی می‌باشد، او نمی‌تواند قسمت عمدهٔ حقوق ادارات مختلفهٔ اینجا را بدهد.

و نیز مسرور خواهم گردید از اینکه عقیدهٔ دولت اعلیحضرتی را در باب امکان تعویق انداختن مسترد داشتن مساعدهٔ اولی[۱] تا اتمام عمل قرضهٔ پیشنهادی یا تا یك مدت معینی بدانم (رجوع به تلگراف ۱۴ آوریل مستر نیك کنید). ممکن است که به همین زودیها به من اصرار نمایند که عقاید دولت اعلیحضرتی را در باب این مسئله اظهار نمایم.

---

۱) اصل: اولی را. ـ م.

نمره ـ ۶۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ آوریل ۱۹۱۲ [۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱، ۱۱ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

بختیاریها و شیخ محمره

راجع به تلگراف ۲۵ آوریل من:

در مجلس مشورت کابینه کـه از قرار اظهار نایب‌السلطنه دیـروز منعقد گردید، اوضاع شوشتر مطرح مذاکره گردید.

والاحضرت مرا اطلاع دادند که شیخ محمره بـه ایشان تلگرافاً [= تلگرافی] شکایت از طـریقهٔ رفتار بختیاریها نموده و اظهار داشته است مجبور شده است به حمایت رعایای خود که بختیاریها تهدیداً می‌خواستند املاك و اموال آنها را ضبط نمایند، زیر سلاح برود.

والاحضرت این مسأله را تصدیق داشتند که تلگراف شیخ حاکی بر اطاعت و انقیاد کامل او از دولت بوده است.

نایب‌السلطنه به من اظهار می‌دارند که دولت در جواب تلگراف مسالمت‌آمیزی مخابره نموده و به شیخ اظهار داشته‌اند که حرکت ایالت جدید برای عربستان تسریع خواهد شد.

صدراعظم نیز تلگراف مؤکدی به بختیاریها مخابره کرده و از آنها درخواست‌نموده که ترك منازعات و مناقشات فیمابین را بنمایند.

من در باب اهمیت حفظ انتظامات عربستان[1] با نایب‌السلطنه مؤکداً مذاکره نموده و والاحضرت را متذکر ساختم از اینکه دولت انگلیس منافع مهمه در آن ایالت داشته و مطلقاً لازم است که از بختیاریها که در راهها غارت می‌کنند ممانعت شود.

من نیز اظهار داشتم که مأمورین قنسولگری اعلیحضرتـی آن نقطه بختیاریها را تجاوزکار دانسته و در تمام راپورتهاییکه به سفارت اعلیحضرتی داده‌اند، از صبر و شکیبایی شیخ تحسین نموده‌اند.

من اظهار داشتم که آنها تصور می‌کنند اگر وقت زیادتری برای تحقیقات باشد کار اصلاح خواهد شد.

نمره ـ ۶۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ آوریل ۱۹۱۲ [۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۱ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

اوضاع طهران

ادارهٔ نظمیه نقشه‌ای را که برای برهم‌زدن اوضاع حاضره طرح شده بود کشف

---

۱) عربستان = خوزستان. ـ م.

کرده است. نایب‌السلطنه به من اظهار داشته‌اند کـه اگرچه مقصود از نقشهٔ حالیه برهم‌زدن طرز حکومت حاضره بوده ولی واضح نیست که آیا بانیان آن در خیال چـه بوده‌اند که به جای آن قرار دهند.

والاحضرت اظهار می‌دارند که بانیان این نقشه و تدبیر مرکب از ملیین تندرو و ارتجاعیون شدید و عنصر قـوی از علماء بوده و حرکـات آنها بطور قطع مبنی‌بـر احساسات ضد خارجه بوده [است]. علت آن تا اندازهٔ زیادی تغیر و تشددی است که از بمباردمان ضریح حضرت رضوی در مشهد حادث گردیده است.

بعضیها تصور می‌کنند که این تدبیر و نقشه بطوری با موفقیت تمام برهم خورد که موجب تقویت زیاد دولت حاضره گردید. ادارهٔ نظمیه هشت یا نه نفر از سلسله‌جنبانهای آنها را دستگیر و به مازندران و یزد تبعید نموده‌اند و اشخاص دیگر را نیز بـه انضمام وحیدالملك و سلیمان‌میرزا لیدر سابق حزب دموکـرات مجلس دستگیر کرده‌اند. این اشخاص و سایرین که از قرار مذکور در این امر شرکت داشته‌اند یا آنکه به اروپا فرستاده خواهند شد و یا آنکه به ایالات دیگر تبعید خواهند گردید.

نمره ـ ۶۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ آوریل ۱۹۱۲ [۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۱ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ آوریل من:

قنسول انگلیس مقیم کرمان راپورت می‌دهد که برای ایالت از طرف دولت ایران پول فرستاده نشده و از او تقویت نمی‌شود و صحبت بست اختیار نمودن در قنسولگری را می‌کند.

میرزا حسین‌خان و همدستان او از هم خارج شده و فعلا قریب ۳،۰۰۰ نفر با دو عراده توپ با خود دارند.

ایرانیان و وکلای‌دارالتجاره‌های‌قالی‌بافی انگلیس و امریکا در کرمان، خیلی وحشت دارند و قنسول انگلیس کمی اعتماد دارد از اینکه یاغیان از حمله به قنسولخانه تردید داشته باشند.

من مجدداً اهمیت موقع را خاطرنشان دولت نموده آنها را از عدم کفایت عساکر محلی و خطر خسارت به مال اتباع خارجه که قبول مسؤولیت آن را دولت مشارالیها باید بنمایند متذکر خواهم ساخت.

نمره ـ ۶۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ آوریل ۱۹۱۲ [۱۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۲ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

ویس‌قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت در ۲۹ آوریل به قرار ذیل تلگراف کرده‌است:

اهالی طالش در ۲۷ آوریل به حکومت رشت تلگرافاً [=تلگرافی] اطلاع دادند که

در صورتیکه هیچ یك از اعضای خانوادهٔ سردار امجد برای آنها به حکومت فرستاده نشود، تسلیم خواهند گردید وگرنه تا آخرین قطرهٔ خون خود جنگ خواهند نمود. حکومت پس از مشورت با همکار روسی من جواب داد که بایستی بدون هیچگونه شرطی تسلیم شوند.

یك کشتی جنگی روس، امروز برای بمباردمان ساحل طالش حرکت می‌کند. حالیه ۲۵۰ نفر قزاق در طالش می‌باشند. همکار روسی من اظهار می‌دارد که فقط مقصود آنها این است که عناصر اغتشاش‌طلب را از آن ناحیه برطرف نمایند.

نمره ـ ۶۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ آوریل ۱۹۱۲ [۱۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۲ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

اوضاع کرمان

راجع به تلگراف ۲۹ آوریل من:

دولت ایران اظهار می‌دارند که اعمال فسادآمیز ایالت کرمان اسباب اغتشاش آن ناحیه گردیده است. من از بابت صحت این اتهام با قنسول اعلیحضرتی مشاوره نمودم. کلنل هیگ در جواب اظهار می‌دارد که فساد ایالت لااقل کمتر از اسلاف او می‌باشد، اگرچه راست است که آنطوری که شاید و باید نیست. قبل از آنکه به ایالت کرمان تعیین شود، او در استراباد بود و در آنجا نام نیکی باقی گذارد. از قرار معلوم او لایق هرگونه تقویتی است که ما از او بنماییم. من همین مطلب را در جواب اتهامی که دولت ایران نسبت به او داده‌اند، به آنها اظهار می‌دارم.

آخرین خبری که از طرف کلنل هیگ رسیده است، این است که یاغیان در سه‌منزلی کرمان درحوالی‌راین [=رائین؟] مشغول‌جمع‌آوری لوازمات می‌باشند و درصورتی‌که ظاهر گردد، ناچار بر شهر حمله خواهد شد. او پیشنهاد می‌کند که به‌تمام اروپاییان اخطار نماید در خانهٔ او پناهنده شوند. او تصور نمی‌کند یاغیان به قنسولخانه حمله کنند ولی بعلاوه اظهار می‌دارد که بعضیها در این باب کمتر از او اعتماد دارند.

نمره ـ ۷۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۳۰ آوریل ۱۹۱۲ [۱۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۲ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

بطوریکه در تلگراف ۲۹ آوریل خود راپورت داده بودید، اقدام شما را در موضوع اوضاع شوشتر تصویب می‌کنم.

نمره ـ ۷۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۳۰ آوریل ۱۹۱۲ [۱۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۲ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۹ آوریل طهران و تلگراف ۲۷ آوریل شما:
ممکن است که اگر دولت روس از پرداخت مساعده امتناع ورزند، رشتهٔ امورات دولت ایران بکلی از هم گسیخته شود.
استفسار کنید که آیا دولت روس چه اقدامی در نظر دارنـد؟ ممکن است دولت مشارالیها مایل باشند برای تبدیل فوری قرضهٔ بانك روس ترتیبی داده یا آنکه در باب قرضهٔ فوری با صرافان که از قراری که فهمیده‌ام طرف مشورت آنها بوده‌اند، مذاکره بنمایند.

نمره ـ ۷۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران غرهٔ مه ۱۹۱۲ [۱۱ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۱۳ ج۱ ـ ۱۳۳۰]
سالارالدوله
از قرار راپورتی که همین حالا از همدان برای من رسیده، سالارالدوله تلگرافی به آنجا مخابره نموده است به این مضمون که والی پشتکوه و همراهان او، با وی همدست شده و به طرف کرمانشاه در حال مراجعت است که از آنجا به طرف همدان برود. در همان تلگراف، سالارالدوله اظهار می‌دارد که به امیر مفخم دستور داده‌است به طرف سلطان‌آباد [رهسپار شود] و مجلل‌السلطان به همدان برود۱.
از قرار اخباری که همین حالا از آژانس قنسولگری انگلیس از همدان رسیده است از قراری که مذکور است مجلل‌السلطان از کردستان برای همدان حرکت کرده است. او نیز حرکت عساکر دولتی را از همدان برای مقابله با آنان راپورت می‌دهد.

نمره ـ ۷۳

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری
سنت پطرزبورغ غرهٔ مه ۱۹۱۲ [۱۱ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۱۳ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۳۰ آوریل شما:
مسیو سازانف مرا اطلاع داده است که وزیر مالیهٔ روس را هنوز عقیده بر این است که شرکت دولت روس در مساعدهٔ دیگری که پیشنهاد شده است به دولت ایران داده شود، غیرممکن است. یکی از اعضاء معتبر دومـا هم که در این موضوع بـا او صحبت داشتم، وجود بعضی اعتراضات اساسی را در مقابل این اقدام تصدیق نمود.
مسیو سازانف اصلح چنان می‌داند که دولت اعلیحضرتی تنها این مساعده را ندهند و مشغول تحقیقات است بلکه بتواند مبلغی را که برای سهم دولت روس لازم است، از یکی از بانکهای پاریس تحصیل نماید . او حاضر است که فوراً برای ترتیب قرضهٔ بزرگی برای ایران، داخل مذاکرات شود و معلوم است تا عمل قرضهٔمذکور تمام نشود،

---

۱) اصل: بروند. ـ م.

برای تبدیل قرضهٔ بانك روس نمی‌توان کاری کرد.

جناب معظم[له] اینطور پیشنهاد نمود که تعلیمات برای نمایندگان دولتین به‌طهران فرستاده شود که پس از مشورت با دو بانك[1]، یادداشتی از بابت شرایط قرضه تهیه و حاضر نمایند و اگر دولتین انگلیس و روس شرایط مذکوره را قبول نمودند، از صرافخانه‌های سوسیته‌دتود، تحقیق می‌کنند ببینند آیا آنها حاضر پرداخت قرضهٔ به این شرایط می‌باشند یا نه.

چنانکه[2] مسیو سازانف تصور می‌کند، دولت ایران مبلغ ۳۶،۰۰۰،۰۰۰ لیرا لازم دارند و او را عقیده بر این است که مبلغ قسط اول بایستی خمس یا سدس این مبلغ بوده و در موقع مذاکرات با بانکها، دولتین تاریخی را که این پول به دولت ایران داده خواهد شد، بایستی تعیین نمایند.

نمره ـ ۷۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه، غرهٔ مه ۱۹۱۲ [۱۱ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۳ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

اوضاع کرمان

من پیشنهاد کلنل هیگ را که در تلگراف ۳۰ آوریل خود راپورت داده‌اید، تصویب می‌کنم.

نمره ـ ۷۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ مه ۱۹۱۲ [۱۲ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۴ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

ظاهراً اعلانی که برای افتتاح مجلس جدید اشاعه یافته است، تا اندازه‌ای علت و سبب دستگیری و تبعید اکثر از اعضای حزب دموکرات مجلس سابق را که در تلگراف ۲۹ آوریل خود راپورت داده بودم، واضح و آشکار می‌نماید.

وزیر امور خارجه دیروز به من اظهار داشت که دولت اعلان انعقاد مجلس را به فوریت اشاعه داده و قبل از حرکت نایب‌السلطنه به سمت اروپا، تمام ترتیبات مقدماتی انتخابات را به عمل خواهند آورد.

www.adabestanekave.com

---

۱) در اصل: دو بانکها. ـ م.

۲) متن: چنانچه. ـ م.

۳) چنین است در اصل: ۶۰۰۰،۰۰۰۰. ـ م.

نمره ـ ۷۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ مه ۱۹۱۲ [۱۲ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۴ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

کرمان

راجع به تلگراف غرهٔ مه شما:

دیروز بعد از ظهر با وزیر امور خارجه مفصلا در باب مسئولیت اوضاع مغشوش حالیهٔ ایالت کرمان مذاکره نمودم. در خاتمهٔ مذاکرات، جناب معظم‌له، در حالیکه تصدیق می‌نمود که ایالت بسیار سهوهای پلتیکی کرده، موافقت داشت بـر اینکه حسین‌خان سرکردهٔ یاغیان مقصر حقیقی می‌باشد و مرا اطمینان داد که تلگرافاً [=تلگرافی] از طرف وزارت داخله، به او مؤکداً امر شده که دست از اغتشاش‌کاری بردارد.

ممکن است که ایالت هم مورد سرزنش و ملامت باشد ولی واضح است که بواسطهٔ آنتریگهای برعلیه [=علیه] او، این اوضاع حادث گردیده است. امیدوارم که حالا دیگر در اوضاع امور بهبودی حاصل گردد.

نمره ـ ۷۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ مه ۱۹۱۲ [۱۲ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۴ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۷ آوریل شما:

وزیر امور خارجه دیـروز مرا اطمینان داد که دولت ایـران از مسألهٔ دستگیری اشخاصی که مسئول حمله به مستر اسمارت بوده‌اند، غفلت نکرده‌اند و مقصرین حالیه در اردوی صولة‌الدوله می‌باشند، و او هم با برادر خود که بجای وی به ایلخانی‌گری قشقائیها برقرار گردیده، آشکارا منازعه دارد و علی‌هذا دستگیری مقصرین، حالیه ممکن نیست.

جناب معظم‌له به علاوه اظهار داشت که شرایط دیگری که در مشروحهٔ ۴ آوریل سر جارج بارکلی مذکور گردیده، با دقت تمام ملحوظ گردیده و منتظر جواب مساعدی از طرف علمای نجف و کربلا، به همین زودیها می‌باشند.

نمره ـ ۷۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲ مه ۱۹۱۲ [۱۲ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۴ ج۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۴ آوریل من ـ نایب‌السلطنه ـ آیا شما اظهاری نموده‌اید؟ قصه حالیهٔ نایب‌السلطنه چیست؟

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۷۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳ مه ۱۹۱۲ [۱۳ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۵ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

حرکت نایب‌السلطنه

راجع به تلگراف دوم مه شما:

در ۲۸ آوریل با نایب‌السلطنه ملاقاتی نمودم. چون هنوز به همکار روسی من تعلیمی نرسیده بود که اظهاری به نایب‌السلطنه بنماید، در موقعی‌که از بابت حرکت اروپای او اشاره نمودم، اظهارات خود را محدود به ذکر عقاید دوستانه و نظریات مندرجهٔ تلگراف ۱۵ آوریل شما نمودم.

والاحضرت در جواب فرمودند قصدشان این است که در ۱۴ مه از طهران حرکت نمایند و اظهار داشتند که کسالت مزاج، ایشان را مجبور به حرکت بطرف‌اروپا نموده و اگر مسألهٔ سالارالدوله تا آنوقت فیصله نشود، یحتمل حرکت خود را به تأخیر خواهند انداخت ولی امیدوار بودند که قبل از آن تاریخ، سالارالدوله از ایران خارج گردد.

بر من اینطور معلوم گردید که نایب‌السلطنه که ناخوش و ضعیف بنظر می‌آمد، قطعاً تصمیم به حرکت نموده بود و از آنوقت تاکنون شیوع داده شده است که در تاریخی که مذکور داشت، حرکت خواهد نمود.

والاحضرت نیز اظهار داشتند که در موقع اقامت در خارجه هم، به نیابت سلطنت باقی خواهند ماند و مرا اطمینان دادند که قصد دارند حتماً پس از انقضای مدت مرخصی خود، به ایران مراجعت فرمایند.

تا دو روز قبل هیچ‌گونه تعلیمی برای همکار روسی من نرسیده بود که اظهاری بنماید.

نمره ـ ۸۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۳ مه ۱۹۱۲ [۱۳ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۵ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف غرهٔ مه سر جارج بیوکانان ـ قرضه به دولت ایران ـ شما باید در باب قرضه، چنانچه وزیر امور خارجهٔ روس ارائهٔ طریق نموده است، با همکار روسی خود و نمایندگان دو بانک[1]، مذاکره نمایید.

نمره ـ ۸۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۳ مه ۱۹۱۲ [۱۳ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۵ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف غرهٔ مه شما ـ مساعده به دولت ایران ـ جنابعالی اگر ممکن است

---

۱) در اصل: دو بانک‌ها. ـ م.

باید در فرستادن جواب وزیر امور خارجهٔ روس، در باب سهم مساعـده‌ای که توسط یکی از بانکهای پاریس داده شود، عجله نمایید. این مسأله خیلی مهم است.

نمره ـ ۸۲

تلگراف مستر ابرن به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۴ مه ۱۹۱۲ [۱۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۶ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳ مه شما ـ مساعده به دولت ایران ـ معاون وزارت امور خارجه وعده داد که در پاریس برای این مسأله اقدامات بشود.

نمره ـ ۸۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ مارس ۱۹۱۲ [۸ فروردین ۱۲۹۱؛ ۸ ع ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقا

در طی تلگراف ۲۱ شهر جاری خود، ترجمهٔ فرانسهٔ جوابیهٔ دولت ایران را بـه پیشنهادات متحدالمآل ۱۸ فوریه، مخابره نمودم. این ترجمه را در وزارت امور خارجه کرده و همراه مکتوب مذکور فرستاده بودند. این عیناً مطابق با فارسی آن است که فقط وزیر امور خارجه آن را امضاء نموده است.

از تلگرافی که در ۲۲ ماه جاری برای سر جارج بیوکانان مخابره نموده بودید، خیلی خوشوقت هستم که شما مواد مندرجهٔ این اظهاریه را رضایت‌بخش می‌دانید و امروز، من بنابر تعلیمات تلگرافی ۲۵ شهر جاری شما، سهم مساعدهٔ مشترك ۲۰۰،۰۰۰ لیرا را، به وسیلهٔ براتی برای مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ لیرا، که به عنوان خزانه‌داری کل در جزو پاکت فرستادم، به دولت ایران پرداختم.

اینك بـا کمال افتخار پروگرام مصارف مساعـدهٔ مشترك را لفاً ایفاد می‌دارم. خزانه‌داری کل این نقشه را به مشورت کابینه طرح نموده و سفارتین آن را تصویب نموده‌اند. چنانچه ملاحظه خواهید فرمود، مبلغی که برای ژاندارمری تخصیص شده، ۴۲۰،۰۰۰ تومان است که ۱۴۰،۰۰۰ تومان آن بایستی به مصرف خرید اسلحه برسد. از قراری که فهمیده‌ام، دستورالعمل خرید تفنگها و طپانچه‌ها در آلمان داده خواهد شد و آلات خارجه از سوئد ـ و دولت روس، در تحت تأمینات‌کافی، برای‌آنکه اسلحه‌های مزبوره به دست اشخاص ناباب نخواهد افتاد، خواهد گذارد که از خاك روسیه بدون پرداخت وجه گمرکی عبور نمایند.

به عقیدهٔ سفیر روس و خود من، سایر فقرات مصارفی که تعیین گردیده، بقاعده است و چنانچه ملاحظه خواهید نمود ۱۰۰،۰۰۰ تومان برای پرداخت حقوق تعیین شده است.

یکی از عناصر عمدهٔ انقلاب که بیش از چیزهای دیگر واضح است، عدم پرداخت حقوق ارباب حقوق می‌باشد و با مبلغی‌که مسیو مرنارد برای این کار تعیین نموده،

می‌تواند از روی زمینه، صدی ۳۳ با آنها کم و زیادی بنماید.

اینك نیز ترجمهٔ مشروحهٔ دولت ایران را که در آن، ترتیبات حقوق شاه مخلوع و خانوادهٔ او مرقوم گردیده، به همین طور ترجمهٔ مشروحه‌ای را که دولت ایران، به موجب آن اظهار شفاهی خود را در موضوع استخدام‌معلمین‌قشونی از اتباع دول صغار، سمت رسمیت داده‌اند، لفاً ایفاد می‌دارم.

دولت ایران می‌خواستند در جواب پیشنهادات مشترکه در فورمول راجع به مسألهٔ تشکیل قشون، اظهاری از بابت دول صغار بنمایند ولی همکار روسی و من، تصور کردیم بهتر است همان فورمولی که ما به وزیر امور خارجه اصرار نمودیم [در] مسودهٔ اولی ۷ شهر جاری خود بنویسد (رجوع به تلگراف همان روز من نمایید) و دولتین آن را تصویب نموده بودند، به دولت ایران بقبولانیم.

ملفوف یك نمرهٔ ۸۳

مکتوب مسیو مرنارد به سر جارج بارکلی

طهران ۲۷ مارس ۱۹۱۲ [۷ فروردین ۱۲۹۱؛ ۷ ع ۲ ـ ۱۳۳۰]

افتخار دارم شما را اطلاع دهم که دولت در مجلس مشاورهٔ وزراء که در ۲۲ شهر جاری منعقد گردید، پروگرام ذیل را که برای مصرف ۲۰۰،۰۰۰ لیرائی که دولتین انگلیس و روس مساعده داده‌اند طرح شده، تصویب نموده‌اند:

۱)	حقوق محمدعلی‌میرزا	۷۰،۰۰۰ تومان
۲)	برای خرید اسلحهٔ ژاندارمری	۱۴۰،۰۰۰ تومان
۳)	حقوق ماهانهٔ ژاندارمری	۲۸۰،۰۰۰ تومان
۴)	حقوق ادارهٔ نظمیه	۱۰۰،۰۰۰ تومان
۵)	بختیاریها	۱۲۵،۰۰۰ تومان
۶)	حقوق ارباب حقوق	۱۰۰،۰۰۰ تومان
۷)	برای ارسال به ولایات و ایالات و حکام	۱۰۰،۰۰۰ تومان
۸)	مصارف مهمهٔ لازمه	۸۵،۰۰۰ تومان
۹)	حقوق عقب‌افتادهٔ وزراء	۱۰۰،۰۰۰ تومان
	جمع	۱،۱۰۰،۰۰۰ تومان

(امضاء) مرنارد

ملفوف دوم نمرهٔ ۸۲

ترجمهٔ مکتوب وثوق‌الدوله به سر جارج بارکلی

طهران ۲۵ آوریل ۱۹۱۲ [۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۷ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

جنابا

بنابر صحبتی که از بابت اعطای حقوقی به محمدعلی‌میرزا با جنابعالی داشتم، نظر به مراسلهٔ ۲۰ شهر جاری خود که در آن اظهار داشتم که این مسأله موضوع مراسلهٔ

علی‌حده خواهد شد، با نهایت احترام جنابعالی را اطلاع می‌دهم که حسب‌الخواهش[1] سفارت اعلیحضرتی، دولت ایران حاضر خواهند بود که سالیانه ۷۵،۰۰۰ تومان به محمدعلی‌میرزا بدهند و این حقوق از ۳۱ مارس ۱۹۱۲ شروع گردیده به اقساط سه‌ماهه پرداخته خواهد شد و برای استهلاك ۷۰،۰۰۰ تومان که مساعده به محمدعلی‌میرزا داده شده که از استراباد حرکت کند، سالیانه مبلغ ده هزار تومان از ۷۵،۰۰۰ تومان حقوق وی، کسر خواهد شد به این معنی که از سال جاری که سیچقان ئیل[2] باشد، تا هفت سال، از قرار سالی ۶۵،۰۰۰ تومان و بعد از آن از قرار سالی ۷۵،۰۰۰ تومان پرداخته خواهد شد.

محمدعلی‌میرزا بایستی تمام مخارج خانواده و بچه‌هایش که با خود او هستند و به همین‌طور مخارج دختر خود را که در طهران است، بدهد. دولت ایران نیز مبلغ ۶،۰۰۰ [تومان] سالیانه، برای حضرت اقدس اعتضادالسلطنه که در طهران اقامت خواهند داشت، مقرر نموده و این مبلغ را برای مصارف وی خواهند داد.

در صورت فوت محمدعلی‌میرزا، ثلث حقوق او که سالیانه ۲۵،۰۰۰ تومان باشد، در حق اهل خانه‌اش مقرر و میان اعضای آن تقسیم خواهد شد و پس از فوت هریك از اعضاء، تأدیهٔ قسمت او، چه ذکور و چه اناث، موقوف خواهد شد.

در صورتی‌که محمدعلی‌میرزا مجدداً در صدد آنتریگ برعلیه [=علیه] دولت برآید[3] و اقدامی برای مراجعت به ایران و تکرار اعمال سابقهٔ خود نماید، دولت ایران برای هیچیك از شرایط مذکوره در این مشروحه مسؤول نخواهند بود.

از بابت املاك شعاع‌السلطنه که به علت سوء رفتار او ضبط شده بود، محترماً اظهار می‌دارم که اینك بر وفق صحبتی که با هم نمودیم، چون شاهزادهٔ مذکور از ایران خارج شده، املاك مذکوره از توقیف خارج شد. واضح‌است‌که ادامهٔ این حسن‌نیت از طرف دولت علیه تا وقتی است که حضرت والا شاهزاده، بدون اجازهٔ اولیاء امور ایران به‌ایران مراجعت‌ننموده و از تکرار سوءاعمال‌سابقهٔ‌خود اجتناب ورزیده‌باشد[4].

(امضاء) وثوق‌الدوله

ملفوف سوم نمرهٔ ۸۳

ترجمهٔ مکتوب وثوق‌الدوله به سر جارج بارکلی

طهران ۲۵ مارس ۱۹۱۲ [۵ فروردین ۱۲۹۱؛ ۵ ع ۲ ـ ۱۳۳۰]

جنابا

اظهارات‌رسمی‌را که مستر چرچیل و مسیو دوگیرز[=گیرس؟]، ترجمانهای‌سفارت دولتین‌انگلیس و روس، در ۱۴شهرجاری از طرف جنابعالی‌و سفیر روس به‌من‌نمودند، با کمال مسرت و رسماً مورد توجه و ملاحظهٔ خود قرار دادم. اظهارات مذکوره به‌قراری است که ذیلا مرقوم می‌شود:

---

۱) چنین است در متن. ـ م.
۲) سیچقان‌ئیل = سال موش. اولین سال از دورهٔ دوازده‌گانهٔ تقویم ترکی. ـ م.
۳) اصل: است. ـ م. ٤) اصل: است. ـ م.

سفیر ایران مقیم سنت پطرزبورغ، از بابت وضعیت دولتین انگلیس و روس نسبت به قشون ایران و معلمین نظامی خارجه، استفسار نموده و تحقیق می‌نمایند که آیا دولتین در نظر دارند قوهٔ قشون ایران را به یك عدهٔ معینی محدود سازند[1] و یا اعتراض دارند که صاحب‌منصبان قشونی، از اتباع دول صغار استخدام شوند.

به ما تعلیم داده شده است جواب این دو مسأله را به طریق ذیل اظهار نماییم:

اولا مسألهٔ اینکه دولتین انگلیس و روس میل داشته باشند قشون ایران را محدود سازند، نمی‌شود در میان باشد چرا که بنا به عقیدهٔ دولتین، دولت ایران بایستی زیاده بر آنچه وسایل ممکنهٔ آن دولت اجازه می‌دهد، قشونی تشکیل داده و آن را برقرار دارد.

ثانیاً دولتین در صورتی‌که دولت ایران معلمین نظامی از دول صغار استخدام‌نمایند، مخالفت نخواهند نمود.

(امضاء) وثوق‌الدوله

نمره ـ ۸۴

مکتوب مستر نیك به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ آوریل ۱۹۱۲ [۲۸ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۸ ع ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقا

اینك با نهایت افتخار خلاصهٔ وقایع ماهیانهٔ ایران را برای چهار هفتهٔ اخیر، لغایت ۱۷ آوریل لفاً ایفاد می‌دارم:

(امضاء) نیك

ملفوف نمرهٔ ۸۴
خلاصهٔ وقایع ایران برای چهار هفته، لغایت ۱۷ آوریل ۱۹۱۲

طهران

کابینه ـ در اوایل آوریل، وزیر امور خارجه استعفای خود را بـه نایب‌السلطنه تقدیم داشت ولی قبول نگردید و علی‌هذا، او آن را پس‌گرفت. الحال مقام وزیر پست و تلگراف و وزیر عدلیه خالی است و کابینه مرکب از اشخاص ذیل است:

صمصام‌السلطنه	رئیس‌الوزراء
وثوق‌الدوله	وزیر امور خارجه
قوام‌السلطنه	وزیر داخله
سردار محتشم	وزیر جنگ
محتشم‌السلطنه	وزیر مالیه

نایب‌السلطنه ـ والاحضرت در اوایل ماه، به علت آثار و علائم عدم رضایت عامه

---

۱) اصل: ساخته. ـ م.

و خوف نمایشاتی که ممکن بـود عاقبت برعلیه [=علیه] وی بشود. تا انـدازه‌ای مضطرب بود و از کسالت مزاج خود شکایت داشت و قصد خود را اعلام داشت که می‌خواهد تا مدت قلیلی به اروپا مسافرت نماید و در اول ماه مه حرکت کند.

کاغذی که سپهدار به حضرت معظم‌له نوشته و پلتیك ایشان را مذمت و ایشان را به سستی متهم ساخته بود، بر تکدر ایشان افزود.

تغییرات دیپلوماسی ــ سر جارج بارکلی در ۱۲ از طهران حرکت و سر والتر تنلی، روز ۱۳ به انزلی وارد گردید.

امین‌بیگ وزیرمختار جدید دولت عثمانی، روز ۱۹ مارس وارد طهران گردید.

مساعده به دولت ایران ــ دولت انگلیس روز ۲۸ مارس سهم مساعدهٔ خود را که ۱۰۰،۰۰۰ لیرا باشد، به دولت ایران پرداخت.

اقدامات برضد سالارالدوله ــ فرمانفرما روز ۶ آوریل با استعداد زیادی از طهران به‌طرف همدان حرکت نمود و مدت کمی در قزوین توقف نمود ولی آخرالامر، از آنجا حرکت کـرد. کمی پس از آن، قریب ۶۰۰ نفـر بختیاری در تحت شهاب‌السلطنه و ضیاءالسلطان به عقب آنها حرکت کرده و به آنها امر داده شد به زنجان بروند تا آنکه اوامر ثانوی برای حرکت به مقصد به آنها داده شود.

گیلان و مازندران

در عرض چهار هفتهٔ گذشته تقسیم عساکر روس در انزلی و رشت و قزوین از نو شروع شد و دستهٔ دوم و چهارم قشون قفقاز مرخص و یك باطالیان[1] از رژیمان[2] سالیانسکی روسیه، به جای آنها آمد و نیم باطری توپخانه که سابقاً در رشت بود، به قزوین فرستاده شده‌اند.

از قراری‌که سفیر روس اظهار می‌دارد، نتیجهٔ نقل و انتقال عساکر این است که ۱۳۰۰ نفر در رشت و انزلی و ۱۳۰۰ نفر در قزوین قرار داده شده‌اند.

شعاع‌السلطنه در ۱۸ مارس از استراباد برای روسیه حرکت کرد.

اصفهان

از زمان ورود سردار ظفر، در استقرار انتظامات این ولایت، قدری بهبودی حاصل شده ولی اوضاع خود شهر، کمافی‌السابق رضایت‌بخش نیست.

جنرال‌قنسول اعلیحضرتی راپورت می‌دهد که حکمران برای سلب اختیارات وکیل خزانه‌داری کل، مشغول آنتریگ است و به واسطهٔ گران‌کردن قیمت ارزاق سعی دارد که اهالی را به اغتشاشات تحریك نماید.

مسترناکس ویس‌قنسول و ماژر کاپر در ۲۲ مارس بدون اینکه حادثه‌ای به آنها روی دهد، از شیراز وارد شدند و مسترناکس در ۲۶ مارس به سمت طهران حرکت کـرد.

یـزد

از نقطه‌نظر تجارت، اوضاع یزد کمافی‌السابق به علت عـدم امنیت روزافزون راهها و کمیابی پـول، رضایت‌بخش نیست. گبرهـا و بعضی از ارباب حقوق، از

---

۱) bataillon = گردان نظامی ــ م. ۲) régiment = هنگ نظامی ــ م.

اجحافات مجدالممالك منشی اول حکمران شکایت کرده‌اند. دولت مرکزی به حکمران تعلیم داده‌اند که این مسأله را تحقیق نماید.

شیراز

یك دسته از ژاندارمری جدید دولتی که در اوایل مارس از طهران حرکت نمود، در ۱۵ آوریل وارد شیراز گردید.

در ۳۱ مارس در میان طوایف اعراب حادثه‌ای رخ نمود که ممکن است باعث‌اغتشاش گردد:

نصرالدوله پسر قوام‌الملك امر به دستگیری رضاقلی‌خان یکی از رؤسای اعراب شیبانی داد. این شخص از پرداخت قیمت اموالی که از بعضی از تجار جهرم به سرقت رفته بود، امتناع می‌ورزید. رضاقلی‌خان در مقام مقاومت برآمده و به اتاقی که نصرالدوله در آن بود، تیر خالی کرده و آن‌وقت قراولان نصرالدوله رضاقلی‌خان را به‌ضرب گلوله مقتول نمودند.

سیستان

از قرار راپورتی که واصل شده، ۲،۷۰۰ نفر از بلوچها بطرف بیرجند حرکت کرده‌اند.

کرمانشاه

سالارالدوله به علت پولهایی که جبراً از اهالی گرفته، خود را خیلی طرف بی‌میلی و تنفر آنها نموده است و از اینکه پیشنهادات دولتین انگلیس و روس را در مسألهٔ قبول حقوق و خروج از مملکت قبول نماید، امتناع ورزیده و از قرار راپورتی که به دولت ایران رسیده، به کلهر رفته است که ایلات آنجا را با خود همدرد نموده و آنها را ترغیب به کمك خویش در اردوکشی برضد دولت ایران بنماید.

مجلل‌السلطان یکی از رؤسای قشونی سالارالدوله، در حوالی همدان می‌باشد. امیرنظام حکمران آنجا، شهر را سنگربندی نموده است.

فرمانفرما [با] قشونی مرکب از قزاقان و سوارهای ایرانی، در اوایل آوریل از راه همدان به‌طرف کرمانشاه حرکت نمود.

زنجان

از قرار راپورتی‌که به حکومت مرکزی رسیده، دسته‌ای از بختیاریها، در اوایل آوریل، زنجان را قبضه نمودند و محمدخان دزد را که شهر را در ۱۳ مارس قبضه نموده بود، کشتند.۱

بوشهر

نظام‌السلطنه در ۱۸ مارس از بوشهر به طرف بمبئی حرکت نمود که به اروپا رهسپار شود.

در ۲۰ مارس نایب‌الحکومهٔ بندرعباس، در قنسولخانهٔ بوشهر اعلیحضرتی پناهنده

---

۱) اصل: مقتول داشته. ـ م.

گردید که حکمران بنادر خلیج فارس او را محبوس ننماید. قنسول مقیم از جانب شخص متحصن با حکمران مذاکره نموده و قرار [و] مداری داده شده و نتیجه این‌شد که نایب‌الحکومه در ۲۸ مارس از قنسولخانه خارج گردید.

اهواز

مسالهٔ مناقشهٔ بین شیخ محمره و بختیاریها در باب حکومت شوشتر، به واسطهٔ تعیین حکومت بیطرفی که وقارالملك باشد، که در ۵ آوریل بسمت نیابت حکومت وارد شهر گردید، فیصله شده است.

نمره ـ ۸۵

مکتوب مستر نیك به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ آوریل ۱۹۱۲ [۲۷ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۷ ع۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

در باب تلگراف امروز من، افتخار دارم سواد جدول عایدات و مصارف سه‌سالهٔ گذشتهٔ ادارهٔ گمرکات ایران را لفاً ایفاد دارم.

مدیرکل گمرکات مرا اطلاع می‌دهد که فقرات مصارفی که در این صورت مرقوم گردیده، فقط بطور موقتی است ولی هرگونه تغییراتی‌که در آن داده شود، قابل اهمیت نخواهد بود و به هیچ وجه اثر محسوسی بر صدی دوازده اضافهٔ عایدات سال گذشته نخواهد کرد.

من دقت شما را جلب به این مسأله می‌نمایم که به موجب این جدول بر عایدات گمرکات شمالی تخمیناً صدی ده و نیم و بر عایدات گمرکات جنوبی تقریباً صدی بیست اضافه شده است.

اگر عایدات بوشهر و توابع آن را فقط حساب کنیم، رویهم‌رفته اضافه عایدات آنجا صدی چهل و پنج خواهد بود.

تقلیل مصارف نسبت به عایدات ادارهٔ گمرکات، حسن خدمت و مراقبت مأمورین مسؤول بلجیکی[1] را نشان می‌دهد.

ملفوف نمرهٔ ۸۵

ترجمهٔ صورت عایدات و مصارف ادارهٔ کل گمرکات ایران

سال تخاقوی ئیل[2]

۲۱ مارس ۱۹۰۹ الی ۲۰ مارس ۱۹۱۰ [یکم فروردین ۱۲۸۸ تا ۳۰ اسفند ۱۲۸۸]

ایالت	اصل عایدات شاهی قران	مصارف اداری شاهی قران	خالص عایدات شاهی قران
آذربایجان	۶۱۷۷۸۵۲و۳۰	۷۲۷۰۶۶و۶۰	۵۴۵۰۷۸۵و۷۰
آستارا	۱۶۰۴۴۷۴و۸۰	۲۰۴۸۹۶و۵۰	۱۳۹۹۵۷۸و۳۰

---

۱) اصل: بلچیکی. ـ م.

۲) تخاقوی ئیل = سال مرغ. نیز، سال دهم از دورهٔ دوازده‌گانهٔ گاه‌شماری ترکی. ـ م.

گیلان	۸۰و۶۷۷۶۱۱۵	۹۰و۴۹۰۸۵۲	۹۰و۶۲۸۵۲۶۲
مازندران	۳۰و۲۵۴۳۹۴۰	۷۵و۱۲۴۴۹۲	۵۵و۲۴۱۹۴۴۷
استراباد	۶۰و۱۵۵۳۸۰۹	۱۵و۱۶۷۸۴۸	۴۵و۱۳۸۵۹۶۱
خراسان	۵۵و۲۹۸۹۹۲۳	۳۵و۶۷۸۱۰۳	۲۰،۲۳۱۱۸۲۰
کرمانشاه	۵۰و۵۷۱۳۲۳۸	۹۰و۴۰۵۰۰۱	۶۰و۵۳۰۸۲۳۶
طهران	۲۵و۱۰۰۰۶۸۵	۹۰و۴۰۰۳۹	۳۵و۹۶۰۶۴۵
جمع گمرکات شمالی	۱۰و۲۸۳۶۰۰۴۰	۰۵و۲۸۳۸۳۰۲	۰۵و۲۵۵۲۱۷۳۸
جنوب	۹۰و۴۱۱۱۰۸۴	۵۸۱۱۹۲	۹۰و۳۵۲۹۸۹۲
جنوب اقصی	۴۰و۱۶۷۰۳۵۵	۷۰و۲۲۷۷۰۸	۷۰و۱۴۴۲۶۴۶
عربستان[1]	۲۰۴۲۲۶۲	۳۵و۱۹۲۹۳۳	۶۵و۱۸۴۹۳۲۸
جمع گمرکات جنوب	۳۰و۷۸۲۳۷۰۲	۰۵و۱۰۰۱۸۳۴	۲۵و۶۸۲۱۸۶۸
جمع ایالات و ولایات	۴۰و۳۶۱۸۳۷۴۲	۱۰و۳۸۴۰۱۳۶	۳۰و۳۲۳۴۳۶۰۶
ادارهٔ مرکزی	۵۵و۱۵۶۵۸۰	۶۵و۶۴۸۵۶۸	۱۰و۴۹۱۹۸۸
جمع کل	۹۵و۳۶۳۴۰۳۲۲	۷۵و۴۴۸۸۷۰۴	۲۰و۳۱۸۵۱۶۱۸

سال ایت ئیل[2]

۲۱ مارس ۱۹۱۰ الی ۲۰ مارس ۱۹۱۱ [۳۰ اسفند ۱۲۸۸ تا ۲۹ اسفند ۱۲۸۹]

ایالت	اصل عایدات شاهی	اصل عایدات قران	مصارف اداری شاهی	مصارف اداری قران	خالص عایدات شاهی	خالص عایدات قران
آذربایجان	۹۰و۶۴۶۹۷۹۹		۹۰و۷۳۱۸۴۱		۵۷۳۷۹۵۸	
آستارا	۷۵و۱۶۷۰۰۰۵		۲۱۸۱۱۸		۷۵و۱۴۵۱۸۸۷	
گیلان	۷۵و۷۱۵۹۷۳۰		۶۰و۴۴۱۷۷۶		۱۵و۶۷۱۷۹۵۴	
مازندران	۸۰و۱۷۰۸۸۷۸		۲۰و۱۲۱۳۱۶		۶۰و۱۵۸۷۵۶۲	
استراباد	۵۰و۱۶۱۰۳۴۶		۸۰و۱۶۹۴۶۱		۷۰و۱۴۴۰۸۸۴	
خراسان	۹۵و۳۲۴۷۴۲۹		۶۵و۶۹۹۹۴۴		۳۰و۲۵۴۷۴۸۵	
کرمانشاه	۱۵و۵۸۱۵۴۸۸		۲۰و۴۷۲۷۷۰		۹۵و۵۳۴۲۷۱۷	
طهران	۴۵و۲۱۶۱۱۷۷		۳۰و۳۹۹۸۱		۱۵و۲۱۲۱۱۹۶	
جمع گمرکات شمالی	۲۵و۲۹۸۴۲۸۵۷		۶۵و۲۸۹۵۲۱۰		۶۰و۲۶۹۴۷۶۴۶	
جنوب	۷۰و۳۲۸۶۱۳۷		۴۵و۴۸۲۲۶۸		۲۵و۲۸۰۳۸۶۹	
جنوب اقصی	۷۰و۱۹۵۹۴۴۴		۸۰و۲۱۲۳۸۱		۹۰و۱۷۴۷۰۶۲	

---

۱) عربستان = خوزستان. ـ م.

۲) ایت ئیل = سال سگ. نیز، سال یازدهم از دورهٔ دوازده‌گانهٔ گاه‌شماری ترکی. ـ م.

عربستان	۳۰۷۴۸۲۹و۹۵	۲۴۳۴۷۴و۱۵	۲۸۳۱۳۵۵و۸۰
جمع گمرکات جنوب	۸۳۲۰۴۱۲و۳۵	۹۳۸۱۲۴و۴۰	۷۳۸۲۲۸۷و۹۵
جمع ایالات و ولایات	۳۸۱۶۳۲۶۹، ۶۰	۳۸۳۳۳۳۵و۰۵	۳۴۳۲۹۹۳۴و۵۵
ادارهٔ مرکزی	۵۶۹۱۴۲و۲۰	۶۷۸۵۴۷و۴۰	۱۰۹۴۰۵و۲۰
جمع کل	۳۸۷۳۲۴۱۱و۸۰	۴۵۱۱۸۸۲و۴۵	۳۴۲۲۰۵۲۹و۳۵

سال تنگوز ئیل[1]

۲۱ مارس ۱۹۱۱ الی ۲۰ مارس ۱۹۱۲ [۳۰ اسفند ۱۲۸۹ تا ۳۰ اسفند ۱۲۹۰]

ایالت	اصل عایدات		مصارف اداری تخمین‌موقتی		خالص عایدات تخمین‌موقتی	
	شاهی	قران	شاهی	قران	شاهی	قران
آذربایجان	۷۱۲۹۴۷۲		۷۲۷۴۷۹و۶۵		۶۴۰۱۹۹۲	
آستارا	۱۵۹۲۱۶۷و۱۵		۲۶۱۸۴۰و۶۵		۱۳۳۰۳۲۶و۵۰	
گیلان	۱۱۳۴۷۶۹۳و۰۵		۵۱۳۸۸۵و۵۵		۱۰۸۳۳۸۰۷و۵۰	
مازندران	۲۲۱۱۶۱۱و۹۰		۱۲۱۳۷۱		۲۰۹۰۲۴۰و۹۰	
استراباد	۱۲۲۷۳۷۶و۷۵		۱۹۳۱۳۲و۷۰		۱۰۳۴۲۴۴و۰۵	
خراسان	۳۸۱۳۸۶۰و۷۰		۷۴۱۹۳۶و۸۰		۳۰۷۱۹۲۳و۹۰	
کرمانشاه	۴۵۸۵۵۷۱و۵۰		۴۸۳۲۴۶		۴۱۰۲۳۲۵و۵۰	
طهران	۱۳۲۲۷۵۴و۶۰		۴۶۶۶۷و۷۵		۱۱۷۶۰۸۶و۸۵	
جمع گمرکات شمالی	۳۳۱۳۰۵۰۷و۶۵		۳۰۸۹۵۶۰و۱۰		۳۰۰۴۰۹۴۷و۵۵	
جنوب	۴۸۲۵۱۰۷و۱۵		۵۲۳۵۹۲و۷۵		۴۳۰۱۵۱۴و۴۰	
جنوب اقصی	۱۸۷۸۳۹۹و۵۵		۲۲۹۶۵۸و۳۰		۱۶۴۸۷۴۱و۲۵	
عربستان	۳۲۱۸۲۱۷و۷۵		۲۷۸۰۰۲و۹۵		۲۹۴۰۲۱۴و۳۰	
جمع گمرکات جنوب	۹۹۲۱۷۲۴و۴۵		۱۰۳۱۲۵۴		۸۸۹۰۴۷۰و۴۵	
جمع ایالات و ولایات	۴۳۰۵۲۲۳۲و۱۰		۴۱۲۰۸۱۴و۱۰		۳۸۹۳۱۴۱۸	
ادارهٔ مرکزی	۳۵۳۴۵۹و۷۵		۷۷۱۷۲۵و۹۵		۴۱۸۲۶۶و۲۰	
جمع کل	۴۳۴۰۵۶۹۱و۸۵		۴۸۹۲۵۴۰و۰۵		۳۸۵۱۳۱۵۱و۸۰	

ملاحظات ــ چنانچه ملاحظه شود بر اصل عایدات تنگوزئیل، از سال گذشته ایت ئیل، ۴۶۷،۳۲۸ تومان و یکشاهی یا ۱۲/۰۶ درصد اضافه شده است. اضافهٔ خالص‌عایدات

---

۱) تنگوز ئیل = سال خوك. نیز، سال دوازدهم از دورهٔ دوازده‌گانهٔ گاه‌شماری ترکی. ــ م.

۴۲۹،۲۶۲ تومان و دو قران و نه شاهی یا صدی ۱۲/۵۴ می‌باشد.
مصارف اداری که در تنگوز ئیل صدی ۱۲/۳۵ بود و در ایت ئیل به صدی ۱۱/۶۵ تخفیف یافته بود، سال گذشته به صدی ۱۱/۲۷ تنزل کرد.

نمره ـ ۸۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۶ مه ۱۹۱۲ [۱۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۸ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف غرهٔ مارس شما:

کلنل دوگلاس توسط کفیل قنسولگری شیراز، به طریق ذیل تلگراف می‌کند:

اگر دولت اعلیحضرتی قصد دارند قشون سواره را زمستان دیگری در شیراز نگاه دارند، لازم است که ما مسألهٔ تهیهٔ منزل صحیح را برای آنها در تحت ملاحظه داشته باشیم. مدت اجارهٔ منزل‌های حالیهٔ آنها در ماه اکتوبر منقضی خواهد شد و بایستی دوباره قرار و مدار اجارهٔ تازه بدهیم و محلها و منزلهای تازه بنا شود. تا زمانی‌که تعلیمات نرسیده، اتمام محل و منزل‌های ناتمام شده به عهدهٔ تعویق خواهد بود. خیلی خوشوقت خواهم بود از اینکه هرقدر زودتر که امکان داشته باشد تعلیمات فرستاده شود.

مستر اسمارت بعلاوه می‌گوید که هرقدر زودتر که امکان داشته باشد، بایستی قرار و مدار اجاره‌ها داده شود چرا که محتمل است[1] برای تجدید آنها اشکال زیاد در میان باشد.

عقیدهٔ شخصی من بر این است که حالیه زود باشد صحبتی از بابت محل و منزل زمستانی سوارها بشود، اگرچه بدبختانه فعلا صلاح نمی‌دانم هیچ‌گونه اطمیناناتی داده باشیم ولی از صمیم قلب امیدوارم که قبل از زمستان آینده دولت ایران از عهدهٔ جبرانی‌که برای حمله به اسمارت تقاضا شده، برآمده و در اوضاع عمومی طوری بهبودی حاصل گردد که دولت اعلیحضرتی بتوانند مستحفظین اضافی قنسولخانه را عودت دهند.

نمره ـ ۸۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۶ مه ۱۹۱۲ [۱۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۸ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

سالارالدوله

به دولت ایران اطلاع رسیده که یاغیان عساکر دولتی در تحت فرمانفرما را، در محلی قریب ۲۸ میلی همدان شکست داده‌اند. عساکر دولتی قبلا در جنگ مختصری در خارج همدان، بر دستهٔ پیش‌قراول قشون سالارالدوله سه روز قبل غالب آمدند.

---

۱) اصل: محتملا برای ... ـ م.

اخبار جدید این است که فرمانفرما عقب قشون امدادی فرستاده است و هنوز مشغول جنگ است؛ اگرچه بیش از یکصد و پنجاه نفر همراه خود ندارد.

قرار شده است که یفرم‌خان از اینجا فرستاده شود و هفتصد نفر بختیاریهایی که در زنجان می‌باشند، تعلیم داده شده است که به کمك فرمانفرما بروند.

از قرار معلوم یاغیان دسته‌ای می‌باشند که در تحت امر مجلل‌السلطان هستند (رجوع به تلگراف غرهٔ مه کنید).

نمره ـ ۸۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۶ مه ۱۹۱۲ [۱۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۱۸ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

کرمان

راجع به تلگراف ۲ مه من:

بنابر خواهش نمایندهٔ گبرهای اینجا، من به قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمان دستورالعمل می‌دهم که هر اندازه که برای او امکان داشته باشد، از گبرها محافظت نماید.

از قرار اخباری که از منابع گبرها امروز واصل گردیده، اوضاع آنجا به جای نازك رسیده و از قرار مذکور یاغیان تا دم دروازهٔ شهر خود را رسانیده و حکمران وسیلهٔ جلوگیری از ورود آنها را ندارد.

چنانچه رسماً به من اطلاع داده شده چندین مراسلات انتشار یافته، نسبت تقصیر را به حکمران داده‌اند و وزیر داخله تلگرافاتی[1] هم برای وی و هم برای یاغیان فرستاده و اطلاع داده است که مأمور مخصوصی تعیین شده که در این کار تحقیقات به عمل آورده و به یاغیان امر نماید وارد شهر نشوند و منتظر ورود مأمور مذکور شوند.

نمره ـ ۸۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۷ مه ۱۹۱۲ [۱۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۹ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

قرضه به دولت ایران

عقیدهٔ وزیر امور خارجهٔ روس بر این است که قرضه را بایستی بانك طهران روس یا بانك شاهنشاهی و بانکهایی‌که در سوسیته‌دتود نقشهٔ راه‌آهن ایران شرکت دارند، بدهند و از دولت ایران باید تقاضا شود که با شرایط خیلی معمول، امتیاز تعمیر راه‌آهن مذکور را ضمانت نمایند.

وزیر امور خارجه، بعلاوه تصور می‌کند که چنین خدمت بزرگی به دولت ایران،

---

۱) اصل: تلگرافات. ـ م.

دولتین انگلیس و روس را حق خواهد داد که برای کسب بعضی منافعی که حل بعضی مسائل بسیار معوقه را تأمین نماید، قرار و مداری بدهند.

برای نمونه، وزیر امور خارجه، از جملهٔ مسائلی که راجع بـه منافع دولت روس می‌باشد، فقرات ذیل را ذکر می‌نماید:

(۱) حق تحصیل املاك برای اتباع دولت روس و قبول آن برای تأمین قروض؛

(۲) ترویج و تزیید معاملات قضائی و اجرای احکام قضائی.

خیلی خوشوقت خواهم بود که شما ملاحظات خود را در باب این نظریات اطلاع دهید. شما اجازه دارید که در باب این مسأله با همکار روسی خود مذاکره نمایید.

نمره ـ ۹۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۸ مه ۱۹۱۲ [۱۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

بانك‌شاهنشاهی اصرار دارند بر اینکه تعلیمات به‌آنها داده‌شود که دولت‌اعلیحضرتی می‌خواهند به چه طریق سهم مساعدهٔ مشترك آنها مسترد گردد و توضیح [دربارهٔ] معنی اضافهٔ عایدات را می‌خواهند.

رجوع به تلگرافات ۱۴ و ۲۹ آوریل سفارت نمایید.

نمره ـ ۹۱

مکتوب وزارت خارجه به ادارهٔ هند

وزارت خارجه ۸ مه ۱۹۱۲ [۱۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه تعلیم دارم که برای استحضار خاطر لرد کرو، سواد تلگراف سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران را در باب لزوم احتمالی تهیهٔ منزل صحیح برای عساکر اعلیحضرتی در زمستان آینده، لفاً ایفاد دارم.

لرد کرو البته به‌خاطر دارند که در ۲ آوریل، به سر جارج بارکلی (که در آن وقت به مقام سفارت دولت اعلیحضرتی در طهران منصوب بود) تعلیم داده شد به دولت‌ایران اطلاع دهد اگر رؤسای ایلات و سرکردگان آنها، ابراز احساسات دوستانه و رویهٔ مسالمت‌آمیز لااقل تا دو ماه نموده و هیچ‌گونه حملاتی از آنها در راه سر نزد، عودت سوارها از شیراز و اصفهان شروع خواهد شد.

به این طریق غیرممکن نیست که سوارهایی‌که فعلا در آنجاها قرار داده شده‌اند در ماه ژون عودت داده شوند (یا آنکه در وقتی قبل از زمستان)؛ و بنابراین سر ادوارد گری در حالیکه مضرات تأخیر انداختن اقدامات را بخوبی درك می‌کند، عقیده‌اش بر این است که اصلح این خواهد بود که هیچ‌گونه اقدامی نشود تا آنکه دیده شود اوضاع جنوب ایران چه شکل خواهد شد.

من بایستی استفسار کنم که آیا جناب لرد معظم موافقت دارند که این مراتب به

سر والتر تنلی اطلاع داده شود؟

(امضاء) لوئیس ملته

نمره ـ ۹۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ مه ۱۹۱۲ [۱۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۱ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

اوضاع کرمان

کلنل هیگ دیروز تلگراف ذیل را مخابره نموده است:

امیر اعظم تصمیم نموده است از کرمان حرکت کند. من حتی‌المقدور سعی کرده‌ام او را از این‌اقدام بازدارم و حتی وعده‌داده‌ام که به‌وسیلهٔ حضور خود در عمارت ایالتی از او تقویت نمایم. او فردا صبح از شهر خارج و به اردو خواهد رفت. یحتمل یاغیان روز بعد از حرکت او وارد خواهند شد. در صورتی‌که لازم شود اروپاییان را به قنسولخانه حرکت دهند، این کار را فردا خواهند کرد. بانك خزانهٔ خود را امروز عصر بدانجا آورده است. باغهای اطراف قنسولخانه متعلق به خوانینی است که با ما نسبت دوستی دارند و آنجاها را در مقابل یاغیان حفظ خواهند نمود. به عقیدهٔ من، عثمانیها و هندوها و گبرها خیال دارند اینجا پناهنده شوند و بنابراین به استثنای قدری مزاحمت، محتمل نیست از راه دیگری به ما اذیتی وارد شود.

هنگامی‌که امیر اعظم حرکت کند، ممکن است به این ترتیبات بطور آرامی خاتمه داده شود ولی خود را مجبور می‌دانم که از آنجایی‌که سرکردهٔ یاغیان شخص دیوانه‌ای است و اکثر رؤساء و اتباع آنها دزد و راهزن می‌باشند، احتیاط‌های لازمه بنمایم.

نمره ـ ۹۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ مه ۱۹۱۲ [۱۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۱ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

سالارالدوله

راجع به تلگراف ۶ مه من:

از قرار اطلاعات رسمی اخیره، عساکر مجلل‌السلطان، قشون فرمانفرما را بکلی منهزم گردانیده و تمام توپها و مهمات او را که سه عراده توپ صحرائی شنیدر هم جزو آنها باشد، از دستش گرفته‌اند. (از قراری که راپورت داده، فرمانفرما به موقع توانسته است گلنگدن توپها را بردارد) قریب ۵۰۰ نفر از فدائیان از سلطان‌آباد برای کمك او حرکت کرده و به همدان رسیده‌اند که از آنجا به ده کوچکی که در خارج است و در آنجا فرمانفرما به انتظار ورود عساکر امدادی توقف نموده است، بروند. به علت اوامر متضاده که از طرف کمیتهٔ مرکزی ارامنه به فدائیان رسیده و نصایحی که از طرف دموکراتهای تبعیدشده رسیده و آنها را ترغیب به یاغیگری می‌نماید، از قرار مذکور تا اندازه‌ای در اطاعت و انقیاد آنها نسبت به دولت نقصانی حاصل شده

باشد.

قریب ۷۰۰ نفر بختیاری مأمورند از زنجان برای همدان حرکت‌کنند. تمام این‌قشون در تحت یفرم‌خان خواهند بود که دیروز از طهران حرکت نمود. یحتمل از ورود او، حسن اعتماد و اتحاد در میان فدائیان تولید گردد.

نمره ـ ۹۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۹ مه ۱۹۱۲ [۱۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۱ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۸ مه شما ـ مساعدهٔ مشترك ـ آیا پس از پرداخت استهلاك و منافع قروض و مصارف جزو، از بابت منافع و استهلاك آخرین مساعده، ۱۰۰،۰۰۰ لیرا وجه مکفی دیگر باقی می‌ماند؟

نمره ـ ۹۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ مه ۱۹۱۲ [۲۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۲ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۹ آوریل من:

تلگراف ذیل در ۹ مه از قنسول اعلیحضرتی مقیم محمره رسیده [است]. شیخ به طرف شوشتر حرکت نمود و بختیاریها آن شهر را تخلیه نمودند.

نمره ـ ۹۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ مه ۱۹۱۲ [۲۲ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۴ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

سالارالدوله

راجع به تلگراف ۹ مه من:

تلگراف ذیل مورخهٔ ۸ مه از طرف قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه در ۱۱ مه از همدان مخابره شده است:

افتخار دارم که راپورت دهم سالارالدوله روز سوم شهر جاری به کرمانشاه مراجعت نمود. به استثنای ۲۰۰ نفر از ایلات کلهر، دیگر هیچیك از ایلات محلی به او ملحق نشده‌اند و عدهٔ عساکر وی، فعلا کمتر از ۱۰۰۰ نفر می‌باشد و نصف آنها بیستون را در تصرف دارند. شاهزادهٔ مذکور اظهار می‌دارد که برای آنکه به آنهایی‌که داخل جنگ نیستند صدمه وارد نیاید، می‌خواهد با دولت ایران ترتیبی بدهد که جنگ در خارج شهر مثلا در دوازده میلی شهر به وقوع رسد و او این ترتیب را قبول خواهد نمود و می‌گوید اگر غیر از این بشود، او خود را مسؤول خسارت به اموال خارجه نخواهد دانست و از من خواهش می‌کند تلگرافاً [=تلگرافی] از سفارت درخواست نمایم دولت ایران را از این مسأله مستحضر دارند.

آخرین اطلاعی که رسیده این است که عساکر دولتی در همدان جمع می‌شوند و همین که عدهٔ آنها مکفی باشد، تصور می‌کنم برای مقابله با سالارالدوله حرکت خواهند کرد.

نمره ـ ۹۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ مه ۱۹۱۲ [۲۳ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۲۵ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

نظر به اوضاع همدان، حرکت نایب‌السلطنه به طرف اروپا تـا دو هفتهٔ دیگر به تأخیر انداخته شده است. بعضی اینطور تصور می‌کنند که تا چند روز دیگر، بین سالارالدوله و عساکر دولتی جنگی واقع شده و کار یکسره خواهد شد.

نمره ـ ۹۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۴ مه ۱۹۱۲ [۲۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۲۶ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ مـه شما ـ سالارالدوله ـ شما باید بـه قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه جداً تعلیم دهید سالارالدوله را متنبه ساخته به او بگوید بایستی اتباع خود را ممانعت نماید از این که به اموال خارجه خسارت وارد آورده و جان آنها را در خطر اندازند.

نمره ـ ۹۹

مکتوب ادارهٔ هند به وزارت خارجه

ادارهٔ هند ۱۳ مه ۱۹۱۲ [۲۳ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۲۵ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

از طرف وزیر هند مأمورم که وصول مکتوب ۸ شهر جـاری شما را در باب امکان لزوم تهیهٔ محل و منزل مناسب در شیراز، برای عساکر اعلیحضرتی در زمستان آینده، اطلاع داده اظهار دارم که او با تعلیماتی که وزیر امور خارجه پیشنهاد می‌کند در باب این مسأله برای سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران بفرستد، موافقت دارد.

ولی از آنجایی که نباید عساکر زیاده از حد لـزوم در آنجا توقف نمایند، و از آنطرف چون[1] مادامی‌که در آنجاها هستند، نباید در معرض مشقات غیرلازمه قرار داده شوند، مارکس اف کرو این‌طور ارائـهٔ طریق می‌نماید کـه سر والتر تنلی فوراً از کلنل دوگلاس تحقیق نماید که تاریخی که زیاده بر آن و بعد از آن دیگـر نمی‌توان تصمیمی را به تعویق انداخت چیست و آنوقت هرقدر زودتر که امکان داشته باشد به دولت ایران فشار آورده شود که اقدامات لازمه برای اصلاح امور تا آنوقت بنمایند.

---

۱) اصل: تا مادامی که. ـ م.

اگر به دولت ایران اظهار شود که تأخیر در اقدامات لزوماً باعث نگاهداشتن عساکر انگلیس در تمام زمستان می‌شود، یحتمل دولت مشارالیها را تحریك بـه تسریـع آن خواهد نمود.

(امضاء) ریچی

نمره ـ ۱۰۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ مه ۱۹۱۲ [۲۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۲۷ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۹ مه شما:

در احصائیه‌ای که کفیل خزانه‌داری کل فرستاده، تحمیلاتی را که بر گمرکات جنوبی شده به قرار ذیل می‌نویسد:

۱) برای استهلاك و منافع قروض ۴،۴۰۰،۰۰۰ قران (۸۸،۰۰۰ لیرا)؛

۲) برای مصارف معینه ۲،۵۰۰،۰۰۰ قران (۵۰،۰۰۰ لیرا)؛ و تخمین عایـدات ۸،۰۰۰،۰۰۰ قران می‌باشد (۱۶۰،۰۰۰ لیرا).

به موجب این حساب، ۱،۱۰۰،۰۰۰ قران یا ۲۰،۰۰۰ لیرا باقی می‌ماند. مبلغهایی که خزانه‌داری کل تعیین نموده صحیح نیست و به حساب من، سال آینده ۱۰،۰۰۰ لیرا برای استهلاك قرضهٔ انگلیس و هند لازم خواهد بود.

در موقعی که مذاکرات قرضهٔ بزرگ در میان می‌آید، بایستی در مسألهٔ مصارف معینه مداقه شده و آن را بر پایهٔ صحیحی استوار نمود ولی گمان می‌کنم اقدام به این کار فعلا نامناسب و بی‌موقع خواهد بود.

در تحت سیستم حالیه، بانك ماهیانه از گمرکات جنوبی از تمام وجوهات، بطور تناسب یك مبلغی برای استهلاك و منافع قروض موجوده برمی‌دارد.

آیا کفایت نمی‌کند که به بانك تعلیم داده شود که ماهیانه یك مبلغ کافی اضافه برای پرداخت منافع مساعده برداشته و برای دولت اعلیحضرتی بفرستد و تا دوازده ماه اضافهٔ عایدات را برای استرداد مساعدهٔ مذکور محسوب ننماید؟ (یعنی تا ۲۸ مارس سال آتیه).

اگر عمل قرضه تاکنون به انجام نرسیده می‌توان در این مسأله تجدید نظری نمود.

مسألهٔ مساعدهٔ دولت روس غیر از این است، چرا که برحسب قرارداد بانك روس، مصارف معینه مقدم بر استهلاك و منافع قروض تثبیت شده می‌باشد و اضافهٔ عایدات شش‌ماه به شش‌ماه، به دولت ایران داده می‌شود.

مسألهٔ اینکه آیا دولت روس استرداد فوری سهم مساعده خود را به تأخیر خواهند انداخت یا نه در ۱۴ ماه ژویت [ژوئیه] که در آن وقت، قریب ۸۰،۰۰۰ لیرا اضافهٔ عایدات به‌دست می‌آید، معلوم خواهد شد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۰۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ مه ۱۹۱۲ [۲۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۸ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

اوضاع بندرعباس

به علت نفاق‌های داخلی بندرعباس، یکی از اشرار مشهور که مایل به استفاده از این موقع می‌باشد، این‌جا را تهدید نموده و قریب ۴۰۰ نفر همراه خود دارد.

جهازات «پرسیس» و «آلرت» اعلیحضرتی در آن نقطه می‌باشند ولی موقع آنقدر مهم شده است که قنسول مقیم بوشهر، به حکومت هندوستان اصرار نموده است ۱۵۰ نفر سوار از جاشك حرکت دهند و اینها با آنهایی که از کشتیها پیاده می‌شوند، متفقا اقدام خواهند نمود.

علل این اوضاع تا اندازه‌ای مبهم و غیرمعلوم است. تاکنون مکرراً در این باب با دولت ایران مذاکره نموده‌ام که به این اغتشاشات خاتمه داده شود ولـــی تاکنون از اظهارات من نتیجه‌ای حاصل نگردیده است.

نمره ـ ۱۰۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ مه ۱۹۱۲ [۲۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۲۹ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز من:

صاحب‌منصب درجهٔاول بحری در ۱۶ مه راپورت داد که نظر به اوضاع بندرعباس، برای حفظ جان و مال اتباع انگلیس، ۱۱۰ نفر از جهازات پیاده خواهد کرد.

قنسول مقیم بوشهر، با موافقت حکومت هندوستان، از آدمیرال مذکور درخواست نموده است هر چند نفری که ممکن است به بندرعباس بفرستد.

نمره ـ ۱۰۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ مه ۱۹۱۲ [۲۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۲۹ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۹ مه من:

دیروز در اوضاع کرمان تغییری پیدا شده، آن را از بد بدتر نمود.

نزدیك‌شدن یاغیان تا اندازه‌ای ایالت را ترسانید که از عمارت ایالتی خارج شده و در قنسول‌خانهٔ اعلیحضرتی بست اختیار نمود. دیروز، همینکه از طرف کلنل هیگ بعضی ارائهٔطریقها برای تسکین اوضاع رسید، من با وزیر داخله مذاکراتی نمودم[1]. مذاکرات مزبور را چنان به طریق غیر مرضی پذیرفت که من صلاح دیدم کلیهٔ این

---

۱) اصل: نموده. ـ م.

مسأله را به اطلاع نایب‌السلطنه برسانم . والاحضرت مذاکرات مزبوره را پذیرفته و متعهد گردید هرگونه اقدام شدیدی را که من برای ایالت کرمان بنمایم تقویت کند. بنابراین به مستر چرچیل تعلیم دادم وزیر داخله را ملاقات نموده و به او اصرار نمایند فوراً تلگرافی به یاغیان نموده و به طوری آنها را متنبه سازد کـه انتظامات کرمان تأمین شده و اجرای اقداماتی را که قنسول اعلیحضرتی برای علاج کار پیشنهاد نموده تقاضا نماید. وزیر داخله قدری اظهار تردید نموده عاقبت قبول نمود.

در وسط شب، من به ادارهٔ تلگرافخانه رفته و با قنسول و ایالت مذاکرات مفصله نمودیم و موفق گردیدم به اینکه ایالت را ترغیب به ترك قنسولخانه و مشغول شدن به وظایف ایالتی نمایم.

نمره ـ ۱۰۴

تلگراف مستر اوبرن به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۷ مه ۱۹۱۲ [۲۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۹ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف ۴ شهر جاری فرمایید.

مسیو سازانف دیروز مرا اطلاع داد که از مسألهٔ پرداخت مساعده به دولت ایران توسط بانکهای پاریس صرف‌نظر نموده و عقیدهٔ وی بر این است که بانك روس در طهران این مساعده را بپردازد. پیشنهاد جدیدی که او به وزیر مالیه تقدیم نموده بود مبنی بود بر اینکه بگذارند دولت ایران تا حد معینی زیاده بر حساب خودشان به بانك استقراضی حواله دهند.

نمره ـ ۱۰۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۷ مه ۱۹۱۲ [۲۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۹ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۶ مه شما:

عساکر انگلیس را نمی‌توان از شیراز عودت داد تا آنکه اولین شرطی که در تلگراف ۲ آوریل مذکور گردیده، به انجام رسد. شما می‌توانید این مسأله را به دولت ایران بفهمانید.

ما بسیار مایل هستیم که عساکر را هر زمانی که امکان دارد عودت دهیم. و شما باید مراتب را برای کلنل دوگلاس توضیح نموده و به او تعلیم دهید راپورت دهد در چه تاریخ بایستی برای تهیهٔ منزل سوارها تصمیمی بشود.

نمره ـ ۱۰۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مه ۱۹۱۲ [۲۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۳۰ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۷ مه من ـ تهدید هجوم بر بندرعباس ـ تلگراف ذیل را کاکس

از مسقط مخابره نموده است:

صاحب‌منصب درجهٔاول بحری در ۱۷ مه راپورت داد که پیاده‌شدن عساکر، اسباب یأس غارتگران شده و از قراری که راپورت واصل گردیده، حرکت کرده‌اند و قصد مراجعت بدین‌جا را ندارند. اگر این خبر تصدیق بشود، او در خیال است آنهایی را که پیاده شده‌اند. دوباره به کشتی سوار نماید و مستحفظین اضافهٔ قنسولگری را تا چند روز دیگر به جای خود باقی گذارد.

نمره ـ ۱۰۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مه ۱۹۱۲ [۲۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۳۰ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

اوضاع کرمان

راجع به تلگراف ۱۷ مه من:

از قرار اطلاعات اخیره که از کرمان رسیده، یاغیان سیم‌های تلگراف به هند و طهران را قطع نموده‌اند. بیم از آن می‌رفت که یاغیان، دیشب، حمله‌ای به شهر و قنسولخانه بنمایند.

راست است که کلنل هیگ راپورت داده است که یکی از سرکردگان یاغیان شخص دیوانه‌ای است ولی نمی‌توانم باور کنم که اخبار حملهٔ آجلی بـر قنسولخانه صحیح باشد. من در این باب اظهارات سخت‌تری به وزیر امور خارجه، امروز می‌نمایم.

نمره ـ ۱۰۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مه ۱۹۱۲ [۲۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۳۰ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راه بختیاری

وکیل کمپانی لینچ اینجا، مرا اطلاع می‌دهد که نظر به عـدم محفوظیت ادارهٔ مذکور، حمل و نقل مال‌التجاره را در راه بختیاری و تعمیر پل گدار را به تعویق انداخته‌اند.

من در این موضوع با رؤسای بختیاری طهران مذاکره خواهم نمود.

نمره ـ ۱۰۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مه ۱۹۱۲ [۲۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۳۰ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

اوضاع کرمان

راجع به تلگراف امروز من:

وزیر امور خارجه امروز مرا اطمینان داد که دولت به موجب ارائهٔ طریقی که من پس از مشورت با قنسول به ایشان نمودم، اقدام نموده آن را از روی صحت و درستی

به انجام خواهند رسانید.

مخابرات تلگرافی با کرمان فعلا از راه هندوستان می‌شود. تاکنون جنگی واقع نشده ولی شهر در حقیقت در تحت محاصره است.

از قرار معلوم ایالت ایستادگی به خرج داده و تلگرافات دولت که فعلا مخابرهٔ آنها امکان دارد، باعث تقویت زیاد وی خواهد گردید.

نمره ـ ۱۱۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ مه ۱۹۱۲ [۲۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ یکم ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راه بختیاری

راجع به تلگراف ۱۸ مه من:

خوانین بختیاری دیروز مرا اطمینان دادند که اقدامات ممکنه برای تأمین راه بختیاری در این موسم خطرناك‌تر، به عمل آمده و خواهد آمد و اظهار داشتند بیم وقوع اغتشاشات تا دو ماه دیگر در راه بختیاری نمی‌رود.

از قراری که ظاهر می‌گردد، سردار اشجع به طهران خواهد آمد و او کسی است که وکیل لینچ مخصوصاً از او شکایت دارد.

یوسف‌خان برای محافظت و تأمین راه مذکور تعیین شده و از قراری که به من اطمینان داده شد، در صورتی‌که او نتواند از عهدهٔ این کار برآید، یکی از خوانین دیگر به جای او فرستاده خواهد شد.

نمره ـ ۱۱۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ مه ۱۹۱۲ [۳۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۸ مه من:

تلگراف ذیل را امروز کاکس از مسقط مخابره نموده است:

قنسول بندرعباس راپورت می‌دهد که عساکر در ۱۹ مه به کشتی سوار شده و جهازات جنگی حرکت نمودند.

نمره ـ ۱۱۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ مه ۱۹۱۲ [۳۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۴ مه شما ـ سالارالدوله ـ از قراری که از محل موثقی در همدان اطلاع یافتم، یفرم‌خان دیروز یاغیان را که در تحت امر مجلل‌السلطان بودند، بکلی منهزم گردانید.

بدبختانه پس از اتمام جنگ یفرم‌خان را به قتل رسانیدند.

نمره ـ ۱۱۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۱ مه ۱۹۱۲ [۳۱ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۳ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز من:

از قراری که فهمیده‌ام، یفرم‌خان در موقعی که با کمال شجاعت جنگ می‌کرد، گلوله بر سرش خورده و کشته شده است بدون آنکه بعد از جنگ او را کشته باشند (چنانچه در تلگراف دیروز خودم راپورت دادم).

پس از مرگ وی، ابتداء در میان عساکر دولتی قدری اغتشاش به ظهور رسیده ولی آخرالامر، آنها حمله و یورش برده تا دو ساعت جنگ کرده و عساکر یاغیان را به جلو راندند و در حرکت خود به طرف جلو مداومت نموده و امید می‌رود که خصم بالتمامه منهزم خواهد گردید.

مسألهٔ اینکه یفرم‌خان فقط سرکرده‌ای بود که دولت ایران می‌توانستند بر او اعتماد داشته باشند، مرگ او را از حوادث مهمه تشکیل می‌دهـد ولی وقتی که به خاطر آوریم که فقط کسی که در تحت اوضاع بسیار مشکل در این دو سالهٔ اخیره حفظ انتظامات طهران را نمود یفرم‌خان بود، مرحوم‌شدن او بیشتر اسباب بدبختی‌است.

نمره ـ ۱۱۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ مه ۱۹۱۲ [۲ خرداد ۱۲۹۱؛ ۵ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۷ مه من:

از قرار راپورت قنسول کرمان، در اوضاع بهبودی کامل حاصل گردیده و به تصور او، هیجان خصمانه را می‌توان خاتمه‌یافته تصور نمود.

او در این موقع سخت ابراز جرئت و عزم و فطانت زیاد نموده‌است و تصور می‌کنم که وضع رفتار او خیلی برای حفظ منافع انگلیس مفید بوده و به ایالت در حفظ و برقراری اهمیت مقام و اقتدار دولت ایران کمك نموده و خیلی لایق تمجید و تحسین است.

نمره ـ ۱۱۵

مکتوب وزارت خارجه به کمپانی حمل و نقل ایران

وزارت خارجه ۲۲ مه ۱۹۱۲ [یکم خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقایان

از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه تعلیم دارم به شما اطلاع دهم که برای جناب معزی‌الیه اخیراً از طرف سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران تلگرافی رسید مشعر بر اینکه ادارهٔ شما به علت اینکه اسباب محافظت کافی راه فراهم نبوده، حمل و نقل در

راه لینچ را که در خاك بختیاری است و تعمیر پل گدار را به‌تعویق‌انداخته‌اند. سر والتر تنلی بعلاوه اظهار داشته است که با خوانین طهران در این باب مشغول مذاکره بوده است.

در مقابل اظهارات سر والتر تنلی، خوانین بختیاری در ۱۸ شهر جاری، بـه او اطمینان داده‌اند که تا دو ماه دیگر نباید از هیچ‌گونه اغتشاشی در راه ترس داشت و خود آنها اقدامات ممکنه برای محافظت راه در موقع خطرناك‌تر به‌عمل خواهند آورد.

وکیل شما مخصوصاً از سردار اشجع شکایت نمود و از قراری که خوانین اظهار داشته‌اند، به طهران خواهد آمد و نیز وعده داده‌انـد که در صورتی‌کـه یوسف‌خان نتواند از عهدهٔ انتظامات راه برآید، شخص دیگری را برای این کار تعیین خواهند نمود.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره ـ ۱۱۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ آوریل ۱۹۱۲ [۱۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۲ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

راجع به مراسلهٔ ۱۴ فوریهٔ ۱۹۱۲ سر جارج بارکلی:

افتخار دارم راپورت دهم که کلنل یالمارسن نقشه‌ای برای من فرستاده [که] در آن، بعضی تغییرات در تشکیلات ژانـدارمری دولتی داده است به‌طوری کـه در عوض، باطالیانهای طهران و قزوین، به جای طهران و گیلان و خمسه مقرر خواهند شد.

این نقشه موقتی است چرا که در تحت تشکیلات جدید تخمین مصارف ۱۲ ماهه به ۱،۶۹۷،۴۹۰ قـران (۳۳،۹۴۹) لیرا می‌رسد در صورتی‌کـه به موجب نقشهٔ سابق ۱،۳۴۳،۹۳۵ قران (۲۶،۸۷۸) لیرا می‌باشد و حالیه ۳۵۳،۵۵۵ قران (تخمیناً ۷۰۷۱) لیرا اضافه شده است.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۱۱۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۱ مه ۱۹۱۲ [۲۱ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۳ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم سواد تلگرامی را [1] که کفیل قنسولگـری شیراز در خصوص شکست صولة‌الدوله مخابره نموده است، لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

---

۱) اصل: تلگرافی را. ـ م.

ملفوف نمرهٔ ۱۱۸

تلگراف اسمارت کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

شیراز ۹ مه ۱۹۱۲ [۱۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۲۱ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

عسکرخان و سایر رؤسای ایلات عرب و باصری در ۱۸ آوریل با همراهان شخصی خود وارد شهر شده و به علت عدم رضایت از حکمرانی نصرالدوله بر ایلات خمسه، مخصوصاً به مناسبت کشتن رضاقلی‌خان، اظهار بی‌میلی نسبت به همراهی با قوام نمودند. قوام‌الملك وعدهٔ تقبل حکمرانی بر ایلات خمسه را داده و اینطور آنها را راضی نمود.

بعد از آن که تفنگ‌چیان عرب و باصری وکوار وارد شدند و در تحت رؤسای خود با چند نفر سرباز و سوارهای ایالت شیراز و یك عراده توپ کوهستانی تپه‌های بالای قره‌باغ را متصرف شدند، در ۲۸ آوریل ایلخانی، با استعدادی یحتمل قریب ۱۰۰۰ نفر از تفنگ‌چیهای قشقائی در تحت رؤسای عمدهٔ خود بطرف صولة‌الدوله که آنوقت در میشون[1] بود، حرکت کردند.

در ۲۵ آوریل، قشون طرفین مصادمه نموده در این جنگ کار بر صولة‌الدوله سخت شد. قشقائیها در ریختن خون یکدیگر بسیار اظهار بی‌میلی نمودند و قشون طرفین تا مدت زمانی به فاصلهٔ یك فرسخ دور از هم نشسته و صولة‌الدوله برای صلح مذاکره می‌نمود.

در ۳۰ آوریل قشون قره‌باغ به ایلخانی ملحق گردیده و در جنگی که واقع شد، قشقائیها و اعراب، متفقاً با صولة‌الدوله جنگ نمودند.

قبل از طلوع آفتاب روز دوم مه، دره‌شولیها، چون ایلخانی را به وعدهٔ اطاعت او فریب داده بودند، شروع به حرکت به طرف شمال نموده و همینکه به محل ایلخانی نزدیك شدند، خائنانه به وی حمله نموده و پس از جنگی که تا غروب طول کشید، منهزم گردیدند. تعیین عدهٔ تلفات مشکل است، یحتمل قریب ۳۰ نفر مقتول گردیدند و عدهٔ زیاد آنها از طرف صولة‌الدوله بود. ایلخانی خود در جلو مشغول جنگ‌بود و از گلوله پوست پیشانیش قدری خراشیده شد.

بعد از این، همراهان صولة‌الدوله شروع به متفرق‌شدن نمودند تا آنکه او آنقدر ضعیف شد که ایلات خمسه[2]، اصرار به حمله نمودند ولی کشکولیها به علت اینکه مبادا بسیاری از اقوام آنها که در اردوی صولة‌الدوله بودند کشته شوند، از این کار امتناع ورزیدند.

در شب ششم یا هفتم مه، صولة‌الدوله با رئیس ایلات دره‌شولی که مسؤول خیانت دوم مه بود، با عدهٔ کمی سوار ناپدید گردید. ایلخانی اظهار می‌دارد که او به فیروزآباد رفته است و محمدبیگ کشکولی با چهارصد سوار به تعاقب او رفته‌است.

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

۲) در اصل: ایلات حمله. ـ م.

آنها زنها و بچه‌های خود را عقب گذاشتند. ایلخانی خبر می‌دهد که بقیهٔ ایلات نزد او آمده‌اند و زن و بچه‌های صولة‌الدوله با ایلخانی می‌باشند.

نمره ـ ۱۱۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۲ مه۱ ۱۹۱۲ [یکم خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ مه شما ـ کرمان ـ برای موفقیتی که قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمان، در مقابله با اوضاع خیلی صعب و سخت حاصل نموده است، از طرف من، از ایشان تمجید نمایید.

من با تمام اقدامات او، از اول تا آخر کار، موافقت داشته[ام] و دارم.

نمره ـ ۱۱۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ مه ۱۹۱۲ [۳ خرداد ۱۲۹۱؛ ۶ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

حرکت نایب‌السلطنه بطور مرخصی

دیروز بعد از ظهر کـه نایب‌السلطنه را ملاقـات نمودم همکار روسی و من به والاحضرت اصرار نمودیم که روز ۲۸ مه از ایران حرکت نکنند چنانچه عازم حرکت بودند، بلکه تا سه هفته، تا آنکه در اوضاع تا اندازه‌ای بهبودی حاصل گردد، حرکت خود را به تعویق اندازند.

از قراری که راپورت داده شده عساکر دولتی در کمال استقامت قشون سالارالدوله را به عقب می‌نشانند ولی الحال که یفرم مرحوم شده است، چندان بـه فرماندهان ایرانی نمی‌توان اعتماد کرد چرا که لیاقت نظامی آنها درست معلوم نیست. بنابراین، تا آنکه شکست قطعی به سالارالدوله داده نشود، نبایـد از بابت نتیجهٔ جنگ کمی اضطراب داشت.

قبل از آنکه نایب‌السلطنه از ایران خارج شود، او بایستی [به] بحران کابینه که حالیه ما را تهدید می‌کند، خاتمه دهد.

والاحضرت از قبول نصیحت بی‌میل بود ولی آخرالامر قبول نمود حرکت خود را به تعویق اندازد.

نمره ـ ۱۲۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ مه ۱۹۱۲ [۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۷ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۷ مه شما:

تلگراف ذیل دیروز از کفیل قنسولگری شیراز رسیده است:

---

۱) چنین است در اصل (۲٤ مه؟). ـ م.

دوگلاس از من خواهش می‌کند که این تلگراف را مخابره نمایم.
به عقیدهٔ اسمارت مسألهٔ اجاره‌ها را می‌توان مرتب نمود. بنابراین، هرگاه تعلیمات قطعی به وقت برای من برسد که بتوانم در اوایل اوت شروع به کار کنم، می‌توانم قرار و مدار آنها را بدهم بهمین‌طور می‌توان نقشه‌ها و تخمینها را تهیه و حاضر نمود.
اگر ممکن باشد، ما باید در اوایل ژویت [ژوئیه] برای تجدید اجاره‌ها شروع به مذاکرات نموده و شرایطی قید نماییم که مجاز به تعمیر عمارات در محلاتی که اجاره می‌شود، باشیم.

نمره ـ ۱۲۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۵ مه ۱۹۱۲ [۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۷ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]
خزانه‌دار کل

کفیل خزانه‌داری کل بـرای کابینه پیشنهادی بـرای تصدیق مقام و تعیین قوا و اختیارات خود تقدیم نموده است. پیشنهاد مزبور به‌قرار ذیل است:
نظر به لزوم تعیین قطعی شخصی به مقام خزانه‌داری کل، ما بنابر پیشنهاد شورای وزراء امر می‌نماییم:
۱) مسیو ژاك ژزف مرنارد مدیرکل گمرکات برای خزانه‌داری کل مملکت تعیین شده است.
۲) مسیو مرنارد در این مقام جدید دارای قوا و اختیاراتی خواهد بود که به موجب قانون ۲۳ جوزای سنهٔ تنگوزئیل[1] معین و مشخص شده و قوا و اختیارات مذکوره را در تحت امر وزیر مالیه بر وفق قانون و قوانین اداری که خزانه‌دار کل به مشورت وزیر مالیه و تصویب شورای وزراء تدوین نموده اعمال و اجراء خواهد نمود.
۳) خزانه‌داری کل ادارات و وظایف مختلفه‌ای را که وزیر مالیه مسؤول آن است، به انضمام ادارهٔ گمرك نظارت خواهد داشت. مسیو مرنارد قسمت عمده‌ای از این ادارات را از نو منظم و مرتب خواهد نمود.
۴) یکی از وظایف مخصوص خزانه‌داری کل این است کـه اجراء[2] و اتمام کلیهٔ تعهدات مالی دولت ایران را با ادارات خارجه تأمین نماید. نظر به انجام این مقصود، اختیار کامل دارد که در موقع خود اقدامات لازمه برای منع تأخیر در پرداخت منافع و استهلاك یا مسترد داشتن قروض خارجه و حقوق و مستمریات و خسارات یا هر قسم تخفیفاتی که قانوناً از طرف دولت اعطا می‌شود بنماید.
۵) مدت تعیین مسیو مرنارد به وسیلهٔ کنترات دو سال یك‌مرتبه که حقوق او هم در آنجا قید خواهد بود، معین خواهد شد.

---

۱) تنگوز ئیل=سال خوك (نیز نك صفحهٔ ۱۷٤٤). ـ م. ۲) اصل: اجر. ـ م.

نمره ـ ۱۲۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ مه ۱۹۱۲ [۶ خرداد ۱۲۹۱؛ ۹ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳۱ مه من:

راپورت مشعر بر دستگیری مجلل‌السلطان و قتل سالارالدوله به دولت رسیده‌است؛ گمان نمی‌کنم بتوان چندان به این اشتهارات اعتماد نمود ولی واضح است که عساکر دولتی روی‌هم‌رفته موفقیت حاصل نموده و به طرف کرمانشاه در حرکت می‌باشند.

آخرین اطلاعی کـه اینجا رسیده است، مشعر است بر اینکه اهالـی شهر صحنه دسته‌ای را که برای تصرف شهر مزبور اعزام گردیده بودند منهزم نموده‌اند ولی فعلا خبری که قابل اعتماد باشد، بدست نیست.

نمره ـ ۱۲۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۷ مه ۱۹۱۲ [۶ خرداد ۱۲۹۱؛ ۹ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۴ مه شما ـ نایب‌السلطنه ـ هرگاه برای همکار روسی شما هم این‌طور تعلیمات برسد، شما ممکن است بـه نایب‌السلطنه اطلاع دهید که خبر تصمیم والاحضرت بـرای توقف حالیه در طهران کـه حضور ایشان در ایـن موقع بـاریك صرف‌نظرشدنی نیست، خیلی رضایت‌بخش است.

نمره ـ ۱۲۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ مه ۱۹۱۲ [۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۰ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

کرمـان

راجع به تلگراف ۲۳ مه شما:

آخرین اخبار از کرمان مشعر است بر اینکه عساکر ایالت، روز ۲۶ به یاغیان حمله برده و آنها را مغلوب و متفرق نمود.

نمره ـ ۱۲۵

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ مه ۱۹۱۲ [۲۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۶ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم سوادهای مراسلاتی را کـه قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمـانشاه در موضوع اظهاراتی که او در تحت تعلیمات سفارت بـه اتفاق همکار روسی خود، به سالارالدوله نموده است که از خاك ایران خارج شود، لفاً ایفاد دارم.

چنانچه به‌خاطر دارید، بین سفیر سابق و سفیر روس در اینجا، این‌طور قرار بود که مسألهٔ این را که دو قنسول مذکور اظهارات فوق‌الذکر را به سالارالدوله نموده‌اند، هریك به عموم اشاعه دهند.

از ملاحظهٔ مراسلهٔ ۱۵ ماه گذشتهٔ مستر مك‌دول بر شما معلوم خواهد شد که همکار روسی وی این قرار را به انجام رسانیده و در میان طرفداران سالارالدوله برضد قنسولگری انگلیس احساسات خصمانه تولید گردیده و قنسول روس اظهار داشته است که برای او تعلیماتی نرسیده بوده که به این قسم عمل نماید.

من توجه مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] را به غفلت قنسول روس جلب‌نموده‌ام و او مرا اطمینان داده‌است که بایستی تعلیمات مرا درست نفهمیده باشد و در این موضوع به او خواهد نوشت.

از آنجایی‌که مخابرات تلگرافی بین کرمانشاه و طهران مقطوع گردیده، در عرض چند هفتهٔ گذشته حرکات سالارالدوله مبهم و غیرمعلوم است. نه این سفارت و نه سفیر روس، و نه هم دولت ایران از بابت عدهٔ همراهان وی و اهمیت آنهایی را که دور خود توانسته است جمع کند و استعداد و قوهٔ قشونی که او بتواند در میدان جنگ حاضر کند، اطلاع موثقی ندارند۱.

از قرار اخباری که واصل گردیده، راپورت داده شده است که او، اول با داودخان و سپس با والی پشتکوه بوده و دفعهٔ دیگر از قرار مذکور برای جنگ با بختیاریها، در تحت اتحاد با شیخ محمره و والی پشتکوه به طرف دزفول در حرکت بوده است.

از قرار اطلاعات اخیره، معلوم می‌گردد که او در مساعی خود بـه جلب همراهی رؤسای مقتدر موفق نگردیده و به سرکردگی استعدادی که بطور مختلف از ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر بوده‌اند، به کرمانشاه مراجعت نموده است. اکثر اینها از اکراد بوده‌اند که محتمل نیست تا مسافت زیادی همراه بروند و ایضاً معلوم می‌شود که ایلات، همراه او نبوده‌اند. ممکن است چنانچه از راپـورت مستر مك‌دول معلوم می‌گردد، اشاعه و انتشار خبر اقدام دولت اعلیحضرتی، بر بعضی از رؤسای ایلات اثر نموده و آنها را از حرکت بازداشته باشد.

سالارالدوله در ۸ مه توسط مستر مك‌دول پیغام تهدیدآمیزی برای‌من فرستاده از من درخواست می‌کند به دولت ایران نصیحت نمایم قشون خود را در خارج همدان برای مقابله با او بفرستند چرا که در صورتی‌که جنگ در نقطه‌ای نزدیك آنجا یا داخل شهر به وقوع رسد، او نمی‌تواند حفظ جان و مال اهالی را ضمانت نماید.

چنین اظهاری از طرف او به همکار روسی من نشده و من ایـن مسأله را بطور شوخی در موقع ملاقـات غیررسمی بـه نایب‌السلطنه عنوان کرده اظهار داشتم کـه سالارالدوله یا هنوز دارای حس مزاح و شوخی است و یا آنکه آن تکبر و حس جاه‌طلبی که او را وادار نمود خود را در چند دفعه پادشاه بخواند، از او سلب نشده‌است.

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

تلگراف فوق‌الذکر، قبل از آنکه اخبار جنگ فرمانفرما با مجلل‌السلطان در قریب سی میل خارج همدان به قراری که در تلگراف ۹ شهر جاری خود راپورت دادم، به سالارالدوله برسد، فرستاده شده بود و آن جنگ منجر به مغلوبیت عساکر دولتی و از دست دادن سه توپ اشنیدر کوهستانی و چند باطری کوهستانی با تمام مهمات جنگی گردید.

از قراری که رسماً مذکور شده، قبل از آنکه توپهای مذکور را از دست بدهند، کولاس آنها را برداشته بودند و از بابت قوهٔ قشون طرفین اقوال و حکایات مختلف است. خصم افتادهٔ[1] خود را تعقیب ننموده و گذارده‌اند فرمانفرما، پس از این شکست دوباره عساکر خود را جمع‌آوری نموده و عساکر امدادی از سلطان‌آباد و زنجان برای او بیاید.

از آنجایی که مابین قشون اولی کـه از فدائیان ارامنه و در تحت امر کـری‌خان هستند، ظاهراً کدورتی در میان است رفتار آنها قدری مشکوك است. یفرم‌خان که به او اعتماد دارند حالا به آنها ملحق گردیده و می‌توان اعتماد داشت که او به واسطهٔ نفوذ شخصیت خود و اهمیت مظفریتهای سابقه، بتواند آنها را ترغیب نماید با امانت و درستی جنگ کنند. قشون دیگری که به همدان رسیده، بختیاری هستند.

این‌طور تصور می‌شود که یفرم‌خان، فرماندهٔ عساکر دولتی خواهد بـود که یحتمل قبل از اینکه این مراسله به شما برسد، با سالارالدوله مشغول جنگ خواهند شد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف یك نمرهٔ ۱۲۵

مکتوب قنسول مك‌دول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۶ آوریل ۱۹۱۲ [۱۷ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۷ ع ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم راپورت دهم که تلگراف ۳۰ مارس را که توسط بانك همدان فرستاده بودید، بعد از ظهر پنجم آوریل به من رسید. من فـوراً از همکار روسی خود ملاقات نموده و قرار دادیم که سالارالدوله را صبح روز بعد ملاقات نماییم. همینکه او را ملاقات نمودیم، ما برای او ترجمهٔ قسمت اول آن تلگراف را قرائت نمودیم. او در جواب اظهار داشت که از آنجایی‌که سفارتین بطور واسطه عمل نموده‌انـد، او مجبور است به احترام آنها از بعضی اقدامات صرف‌نظر کند ولی حالیه اعلان پادشاهی خود را داده و اقدامات خواهد نمود که دول را از آن مستحضر دارد. ما سپس قسمت آخری آن تلگراف را برای وی قرائت نمودیم. او اظهار داشت برای تحصیل حقوق به ایران نیامده ولی از آنجایی که ایـرانی است، از مصیبتهایی کـه مملکت او در دست پادشاه جوان و نایب‌السلطنهٔ بی‌اقتدار و وزرائی که مقصود آنها کیسهٔ خود پرکردن است [به‌آنها] دوچار شده، قلبش رقت حاصل‌نموده و بی‌اندازه متأثر شده‌است[2]. من به

---

۱) اصل: استفادهٔ. ـ م.

۲) عبارت اندکی اصلاح شد. ـ م.

او اظهار داشتم که قبل از آنکه آخرالامر امتناع ورزیده و این پیشنهادات را رد نماید، خوب است در مسأله مداقه از روی احتیاط بنماید مخصوصاً در وقتی که دو دولتی مثل انگلیس و روس متحداً از او تقاضائی‌می‌نمایند که هیچ دولت معظمی حتی آن را سبك نشمرده و رد نمی‌نماید. همکار روسی من هم، به او اصرار نمود که از آنجایی‌که امتناع‌ورزیدن او خیلی اهمیت خواهد داشت، خوب است قبول نماید. او در جواب اظهار داشت که دولتین آنقدر بی‌انصاف نیستند که خود به او حمله نمایند و هرگاه هم خود آنها این کـار را بکنند تمام عـالم اسلامی یعنی ۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ مسلمانها از او حمایت و تقویت خواهند داشت و درخواست می‌نمود که سفارتین بایستی اوضاع ایالات و ولایاتی را که در تصرف او است، با طهران و جاهای دیگر تطبیق کنند.

من اظهار داشتم که تجارت کرمانشاه از زمان ورود او به حال سکون و تعطیل باقی بوده و او از قبول این مسأله سر باز زده و گفت خیر، آن راه امن است.

ما اشعار نمودیم که عساکر ایلیاتی او قادر بر مقاومت با قشون صحیحی که‌در کار حرکت بطرف او است نمی‌باشد. در جواب گفت هرچه زودتر برسند بهتر است و کار زودتر یکسره می‌شود. پس از آنکه باز هم به او اصرار نمودیم قبول نمایـد نتیجه نبخشید؛ ما از نزد او خارج شدیم.

حقیقت مسأله این است که خوابهایی که [سالارالدوله] برای تحصیل عظمت و اقتدار آتیهٔ خود می‌بیند، آنقدر زیاد است که ممکن نیست [او] مقام خود را درك نماید.

من سواد تلگراف [=تلگرام] مذکور را برای مستر سون فرستاده‌ام کـه به نظر هریك از خوانینی که با آنها مخابره و مراسله دارد، برساند و مفاد آن را به اشخاص مختلفهٔ آن محل ابلاغ نماید.

از قراری که در شهر مذکور شده که اظهاراتی که دو قنسول، دیروز نمودند تنها به علت اقدامات سفیر انگلیس و قنسول بوده است، منشی من مرا اطلاع می‌دهد که همراهان سالارالدوله به تصور اینکه ما دشمنان آنها هستیم، ممکن است سعی کنند به قنسولخانهٔ انگلیس و یا اتباع دولت مشارالیها صدمه برسانند. من شخصاً نمی‌توانم[1] تصور احتمال وقوع چنین امری را بنمایم ولی اگر در اعادهٔ برقراری حکومتی در اینجا تأخیری روی دهد ممکن است به وقوع رسد.

سالارالدوله به هارون‌آباد که محل سکونت داودخان است خواهد رفت که رؤسای محلی را ملاقات نموده و منازعات آن را اصلاح نماید.

(امضاء) مك‌دول

---

۱) اصل: می‌توانم. ـ م.

ملفوف دوم نمرهٔ ۱۲۵

مکتوب قنسول مك‌دول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۱۵ آوریل ۱۹۱۲ [۲۶ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۶ ع ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم راپورت دهم که بر وفق تعلیمات مندرجهٔ تلگراف سر جارج بارکلی که توسط رئیس بانك شاهنشاهی همدان مخابره شده بود، من اقدامات نمودم که اظهاراتی را که از جانب سفارتین به سالارالدوله شد، اشاعه و انتشار دهم. همکـار روسی من اظهار می‌دارد که دستورالعمل اشاعهٔ آنها برای وی نرسیده است.

ابتداء من صمصام‌الممالك رئیس ایل سنجابی را از آن مستحضر داشتم. او اظهار داشت کـه علی‌اکبر پسرش اتحادی برضد داودخان کلهر نموده ولـی از آنجایی که داودخان یکی از همراهان و حامیان بسیار معتمد سالارالدوله می‌باشد، قوت وی آنقدر نیست که در صورتی‌که داودخان تقویت نماید، او بتواند با سالارالدوله جنگ کند. اگر شخصی مثل فرمانفرما با فقط ۵۰۰ نفر و دو توپ وارد کرمانشاه شود، حضور او کفایت خواهد کرد و عساکر متحدهٔ او می‌توانند مؤثراً با داودخان جنگ کنند. چنین اقدامی را باید فوراً انجام داد وگرنه ایلات مجبوراً به سالارالدوله ملحق شده یا لااقل دسته‌جات کوچك قشونی برای او خواهند فرستاد.

من آقا محمد مهدی مجتهد را از آن تلگراف مستحضر داشته و اوفوراً بطرف ده خود حرکت نمود و هیچ یك از مجتهدین قابل اهمیت به غیر از آقارحیم، دیگر در اینجا دیده نمی‌شود.

روز هشتم سواد تلگراف [= تلگرام] مذکور را توسط قاصدی برای والی پشتکوه فرستاده نسخه‌ای را هم توسط پسته برای مستر ویس‌قنسول سون به قصر فرستادم.

شخصی را هم نزد ایلخانی که پسر فرخ‌خان مرحوم است و سرکردهٔ شعبهٔ حاجی‌زادهٔ ایل کلهر و ایلخانی بالاستحقاق می‌باشد، به شهر فرستادم و برای او پیغام دادم که چون در زمان غارت شهر او برای حفظ اتباع انگلیس قدری خدمت نموده بـود، من می‌خواستم او[1]، از آنچه به سالارالدوله و مجلل‌السلطان اظهار شده، مسبوق و مستحضر گردد، برای آنکه مقام خود را بشناسد. او در جواب گفت که مثل سایرین نبوده و از اهل شهر است و در خاکی که داودخان بزور تصرف نموده دارای حقوق و املاك می‌باشد و تصور می‌نماید که برای وی هیچ لزومی ندارد رویهٔ خود را تغییر دهد، ولی پس از یك ماه دیگر همینکه فرمانفرما پیش‌قدمی نماید، او می‌داند چه کند.

روز ۱۳ قریب یکصد نفر از همراهان شاهزاده در خانهٔ آقا رحیم باهم ملاقات‌نمودند. از رؤسای آنها یکی ایلخانی و سالارمظفر و مشهدی حسن برادر معین‌الرعایای مرحوم آنجا بودند. آقا رحیم از اخباراتی که از قنسولخانهٔ انگلیس اشاعه یـافته، ترسیده و خیال حرکت دارد و دیگران اظهار داشتند که از قنسولخانهٔ روس چنین اخباری شهرت

---

۱) اصل: او را. ـ م.

نیافته و آنچه واضح است این است که انگلیسها دشمن سالارالدوله می‌باشند.

آقا رحیم ارائهٔ طریق نمود که چیزی به طهران نوشته شده اظهار بدارند که آنها مردمان فقیر بی‌صدمه‌ای بوده و به هرکس که با قشونی بـرای آنها فرستاده شود، اطاعت خواهند نمود و درخواست عفو عمومی بنمایند. دیگران امتناع نمودند و بالاخره مراسله‌ای نوشته و نزد سالارالدوله فرستادند که از زمانی که او از قنسولخانهٔ انگلیس خارج شده، این طور اشاعت یافته که محمدعلی حرکت نموده و سالارالدولـه هم باید خارج شود و دولت مرکزی دارای اقتدار بوده و خیلی لازم است که او والی را با خود متحد نموده و با عساکر والی فوراً به طرف کرمانشاه مراجعت نماید وگرنه شهر از دستش خواهد رفت. اگر والی با او نیست و او نمی‌تواند کاری بکند، او بایستی آنها را اطلاع دهد که وسایل حفظ امنیت او را فراهم آورند.

اینکه قنسول روس چیزی اظهار نمی‌کند و قنسول عثمانی هم بنا بر میل شاهزاده رفتار می‌کند، سبب شده است که اهالی را عقیده بر این شده که فقط انگلیسها دشمن شاهزادهٔ مذکور می‌باشند و هرگاه قشونی پیدا کند، ممکن است برای اتباع انگلیس خوب نباشد.

سالارالدوله دوستان و همراهانی که از روی صداقت و دوستی با او عمل نمایند ندارد؛ اشخاصی که به وی ملحق می‌شوند، بعضی از روی پلتیك و بعضی از ترس و بعضی برای غارتگری و سایرین برای بستگی زیادی که به وی دارند، می‌باشند و بعضی دیگر هم برای آن است که می‌دانند در صورتی‌که دولت آنها را معفو بدارند، اهالی شهر برای بدرفتاری و بدسلوکی که از طرف آنها به ایشان شده به قتلشان خواهند رسانید. اقدام فوری لازم است از طرف دولت بشود که او را از جمع‌آوری قشون دیگر منع‌نماید.

اینطور اشاعت یافته که در طهران قشونی نیست و هیچ‌کس برای همدان حرکت‌نکرده و والی پشتکوه و شیخ محمره، با قشون خود به طرف سالارالدوله حرکت نموده‌اند.

از گیلان اخبار قابل‌اعتمادی نرسیده (که سالارالدوله در آنجا است). از قراری که مذکور است نظام‌السلطنه به وی ملحق گردیده و او دستورالعمل کتبی داده است که برای سوارهای پشتکوهی منزل تهیه نمایند ولی خیلی محتمل است که این یکی از جعلیاتی باشد که او برای تشویق همراهان خود برحسب عادت انتشار می‌دهد. از طرف دیگر اینطور شهرت دارد که والی امتناع از ملحق‌شدن به او نموده است و اخبار قطعی اخیره این است که والی برای شکار رفته است.

بهبودی یا عدم بهبودی این اوضاع بسته به والی است و او، مثل سردار اکرم، از قرار معلوم به واسطهٔ احترامات فوق‌العاده‌ای کـه نسبت به داودخان کـه از خانوادهٔ بی‌اهمیتی است به عمل آمده، مکدر شده است.

(امضاء) ملك‌دول

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۲۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ مه ۱۹۱۲ [۲۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۶ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۱۲۶

خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ ایران لغایت ۱۴ مه ۱۹۱۲

طهران

سفیر اعلیحضرتی ـ سر والتر تنلی در ۱۸ آوریل [۲۹ فروردیـن، ۲۹ ع ۲] به طهران ورود نموده اعتبارنامه‌های خود را روز بیستم به اعلیحضرت شاه تقدیم نمود.

دستگیریهای پلتیکی ـ در آخر ماه آوریل، چند فقره دستگیریهای پلتیکی به وقوع رسید و در جزو آنها سردار محیی و دو برادرش کریم‌خان و عمیدالسلطان و یمین‌نظام، ناصرالاسلام، سلیمان‌میرزا (سرکردهٔ حزب دموکـرات) و منتصرالسلطان و سیدجلیل اردبیلی و وحیدالملك بودند. روی‌هم‌رفته قریب بیست نفر دستگیر و از طهران نفی شدند. به حسین‌قلی‌خان نیز در همان وقت، پاسپورتی داده شد.

انتخابات برای مجلس ـ در اوایل مه، دستخطی به امضای نایب‌السلطنه مورخهٔ ۳۰ آوریل اشاعت یافت. دستخط مزبور حاکی بر قصد نایب‌السلطنه بـرای مسافرت به اروپا و لزوم شروع انتخابات برای مجلس جدید بود. ترجمهٔ ایـن دستخط در جوف مراسلهٔ علیحده فرستاده شده است.

اقدامات برعلیه [=علیه] سالارالدوله ـ در ۶ مه، خبر شکست عساکر فرمانفرما از طرف عساکر مجلل‌السلطان به طهران رسید. روز بعد یفرم‌خان برای همدان حرکت نمود که به داوطلبان ارمنی فرمان دهد هیأت ارامنهٔ طهران به علت اینکه ظاهراً افتتاح مجلس به عهدهٔ تعویق افتاده است، اعتراض نموده است که نباید داوطلبان ارمنی در استخدام دولت ایران داخل شونـد. بین رؤسای این هیأت و دولت، در ایـن موضوع مذاکرات در میان است.

نایب‌السلطنه ـ نایب‌السلطنه که تصمیم نموده بود در ۱۴ مه از طهران حرکت نماید، الحال حرکت خود را تا دو هفتهٔ دیگر به تعویق انداخته است. روز ۱۱ و ۱۲ مه نایب‌السلطنه هیأت‌های مختلفهٔ دیپلوماسی را برای خداحافظی پذیرفت.

تبریز

در عرض چهار هفتهٔ اخیره در اوضاع تبریز تغییری حاصل نشده است. قنسول اعلیحضرتی در ۱۵ آوریل [۲۶ فروردین، ۲۶ ع ۲] راپورت داد که بر عساکر روس در تبریز ۵۰۰ نفر اضافه شده و ۱۴۰۰ نفر پیاده‌نظام روس از سرحد برای خوی عبور نموده‌اند.

گیلان و مازندران و طالش

این ایالات و ولایات آرام بوده‌اند ولی در طالش قدری جنگ بین اهالی و عساکر روس به وقوع رسیده و علت این بود که اهالی رشت از قبول شخصی[1] که جنرال قنسول روس به ایالت نامزد نموده بودند امتناع ورزیدند.

در اوایل مه، عساکر روس از طالش، پس از آنکه در نصف آن ناحیه اعـادهٔ نظم نمودند، به آستارا عودت داده شدند. مأمورین روس تاکنون تصمیم نکرده‌اند که آیا برای اتمام آرام نمودن آن نقاط قشون دیگری اعزام خواهند نمود یا نه. ایالت که از روی پیش‌بینی همراه عساکر روس به آستارا رفته بود، حالا به آن ناحیهٔ آرام مراجعت نمود.

در ۲۵ آوریل [۵ اردی‌بهشت، ۷ ج ۱] ۲۰۰ نفر قزاق از روسیه و ۴۰۰ نفر پیاده‌نظام از قزوین وارد شدند. پیاده‌نظام مذکور همان روز برای بادکوبه حرکت‌نمود.

اصفهان

به علت تزیید متوالی قیمت ارزاق از قراری که راپورت داده شده، مصیبت اهالی حالا زیادتر از ماههای زمستان می‌باشد. در امنیت این ولایت چندان بهبودی حاصل نگردیده. در ۱۸آوریل [۲۹فروردین، ۲۹ ع۲]، ماژور پیترسن، یکی‌از صاحب‌منصبان سوئدی ژاندارمری، هنگامی که با دستهٔ کوچکی از شیراز به طرف طهران می‌آمد، در مورچه‌خورت بر او شلیك شده (۲۰ میلی شمال اصفهان) و یکی از ژاندارمهای او که برای تحصیل علیق رفته بود از طرف ایلیاتیها دستگیر شد. ماژور پیترسن توانست با بقیهٔ دستهٔ خود فرار کند و روز بعد ژاندارمی‌که دستگیر شده بـود، مستخلص گردید.

سردار ظفر حکمران، هنوز با مستر هیکاك وکیل خزانه‌داری کل مخالفت می‌ورزد. در ۱۷ آوریل [۲۸ فروردین، ۲۸ ع ۲] بین آنها ملاقاتی واقع شد که با یکدیگر قرار و مداری بدهند ولی پیشنهاداتی کـه جناب معظم کرده بودند، آنقدر زیـاده از اندازه اجحاف بود که محتمل نیست دولت مرکزی آنها را قبول نماید.

یـزد

به تحریك علماء و بعضی از اعیان یزد و اردستان، هیجانی برضد شهاب‌الـدوله حکمران اینجا برپا شده است.

در ۷ مه [۱۷ اردی‌بهشت، ۱۹ ج ۱] ۴۰۰ نفر از ایلات عرب از قراری که راپورت داده شد، از طرف جنوب غربی به طرف یزد در حرکت بودند و دستهٔ دیگری مرکب از ۱۵۰ نفر از بهارلوها به قراری که راپورت داده شده، شهر بابك را که در صد میلی یزد است، گرفتند.

شیراز

هیأتی از رؤسای اعراب در ۱۸ آوریل [۲۹ فروردین، ۲۹ ع ۲] داخل شیراز شدند که از حکومت نصرالدوله بر ایلات خمسه مخصوصاً به مناسبت قتل رضاقلی‌خان (خلاصهٔ وقایع مـاه گذشته را ملاحظه نمایید) اظهار عـدم رضایت نمایند. قوام‌الملك پـدر

---

۱) اصل: شخصی را. ـ م.

نصرالدوله به وسیلهٔ وعدهٔ حکومت خود، آنها را راضی نمود.

در ۲۳ آوریل [۳ اردی‌بهشت، ۵ ج ۱] ایلخانی بـا ۱۰۰۰ نفر از قشقائی‌ها از شیراز حرکت نمود که برضد صولةالدوله برادر او، که ایلخانی سابق قشقائی بود، حرکت کند. در ۳۰ آوریل [۱۰ اردی‌بهشت، ۱۲ ج ۱] استعدادی از ایلات عرب به وی ملحق شده و در ۶ مه [۱۶ اردی‌بهشت، ۱۸ ج ۱]، با استعداد متحدهٔ قشقائی و عرب به همراهان صولةالدوله حمله برده و آنها را شکست داد. صولةالدوله با چند نفر از همراهان خود، به اتفاق محمدبیگ یکی از رؤسای کشکولی و ۴۰۰ نفر به‌طرف کوهستان فرار کرد.

کرمان

در اوایل آوریل امیر اعظم ایالت کرمان، که از زمان ورودش به کرمان برایش پول نرسیده بود، میرزا حسین‌خان رئیس نظمیهٔ آنجا را با استعدادی برای وصول مالیات به اطراف فرستاد.

در ۲۲ آوریل [۲ اردی‌بهشت، ۴ ج ۱] به کرمان خبر رسید که میرزا حسین‌خان، با رفعت‌نظام حکمران بم و بعضی از خوانین محلی برای غارت شهر و خارج‌کردن حکمران به طرف کرمان حرکت کرده است.

از آنجایی‌که دولت مرکزی از ایالت تقویت ننموده‌بودند (بیشتر به‌واسطهٔ انتریگهای سردار نصرت) و از آنجایی‌که بسیاری از عساکر وی به علت نرسیدن حقوقشان او را ترك نموده بودند، با نهایت اشکال از او جلوگیری شد که از شهر خارج نشده و آنرا به حال خود وانگذارد.

همینکه به سفیر اعلیحضرتی اظهاراتی شد، حکومت مرکزی به امیر اعظم و یاغیان تلگرافی نمودند که مأمور مخصوص فرستاده خواهد شد که علت شکایات و تظلمات‌آنها را تحقیق نموده و آنها را متنبه سازد به شهر ورود ننمایند.

در ۱۱ مه [۲۱ اردی‌بهشت، ۲۳ ج ۱] استعداد یاغی‌ها در دومنزلی کرمان اردو زده و روز بعد بنا به خواهش ایالت، قنسول اعلیحضرتی، مجلسی از معتبرین شهر منعقد نموده و مسؤولیت‌عمده‌ای‌را که بر آنها وارد خواهدشد، در صورتی‌که بگذارند یاغیان به شهر وارد شوند، به آنها فهمانیدیم.

در موقع نوشتن این مراسله، بین ایالت و یاغیان مذاکراتی در میان است و چنانچه ظاهر می‌شود، اوضاع امیدبخش است.

کرمانشاه

فرمانفرما در ۵ آوریل [۱۶ فروردین، ۱۶ ع ۲] وارد همدان شده و در سوم مه [۱۳ اردی‌بهشت، ۱۵ ج ۱]، برای مقابله با مجلل‌السلطان حرکت نمود.

قشون مخالف در ۵ مه با این عساکر مصادف گردیده و قشون دولت مغلوب و مجبور به مراجعت به همدان شدند.

یفرم‌خان در ۱۱ مه [۲۱ اردی‌بهشت، ۲۳ ج ۱] با ۲۰۰ نفر به همدان وارد شده و همین که فرمانفرما دو باره به طرف خصم می‌رود، به او ملحق خواهند شد.

از قراری که راپورت داده شده، باز هم قشون امـــدادی دولت در راه برای همدان می‌باشند.

سالارالدوله پس از اقداماتی که برای همدست نمودن کلهرها و والی پشتکوه نمود (اگرچه موفقیت او در این موضوع غیرمعلوم است) با قریب ششصد نفر در ۱۲ مه به کرمانشاه مراجعت نمود.

ایلات سنجابی و سایرین اگرچه ظاهراً با سالارالدوله مخالفتی ننمودند، هنگامی که در گیلان بود، کسی را به ملاقات او نفرستادند.

بوشهر

به علت حضور دستجات سارقین در درهٔ کازرون، تجار شیراز به تجار بوشهر تلگراف کرده‌اند که مال‌التجاره حمل ننمایند.

در احمدی مرض طاعون پیدا شده و به همین‌طور، در دهات دور و حوالی نیمه‌راه بین بوشهر و برازجان، این مرض شیوع پیدا کرده [است].

بندرعباس

نایب‌الحکومه که از روز بیستم الی ۲۸ مارس [۸ فروردین، ۸ ع ۲] در قنسولخانه پناهنده شده بود، همینکه دریافت کشتی «پرس‌پلیس» با تفنگچی می‌رسد، از ترس اینکه مبادا دستگیر شود، مجدداً بست اختیار نمود.

در ۲۱ آوریل [یکم اردی‌بهشت، یکم ج ۱] بازارها مسدود گردید و قریب ۲۰۰ نفر از تجار و سایرین در قنسولخانه پناهنده شدند که از تمدیات حکمران بنادر خلیج تظلم نمایند.

در ۱۱ مه [۲۱ اردی‌بهشت، ۲۳ ج ۱] به واسطهٔ ورود دسته‌ای قریب ۲۰۰ نفـــر غارتگران در ۱۰ میلی شهر، اوضاع سخت‌تر گردید.

شوشتر

با وجود آنکه وقارالملك حکمران بیطرف، در ۵ آوریل [۱۶ فروردین، ۱۶ ع ۲] وارد شوشتر گردید، حکومت مرکزی به او امر داده بودند که در موضوع اختلافات بین شیخ محمره و بختیاری تحقیقات بعمل آورد. بختیاریها در غرهٔ مه [۱۱ اردی‌بهشت، ۱۳ ج ۱] شوشتر را به قوهٔ قهریه اشغال نموده بودند.

به وصول این خبر، شیخ قشونی قریب ۱۰۰۰ نفر از اهواز جمع‌آوری نموده و به طرف شوشتر حرکت نمود.

این اقدام شیخ، به انضمام اظهارات سفیر اعلیحضرتی به خوانین، که قشون خود را از آنجا خارج نمایند تا آنکه نتیجهٔ تحقیقات به‌عمل آید، اسباب این‌شد که بختیاریها در ۹ مه [۱۹ اردی‌بهشت، ۲۱ ج۱] شهر مذکور را تخلیه نمودند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۲۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ مه ۱۹۱۲ [۲۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۶ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

اوضاع دور و حوالی شوشتر در عرض چند هفتهٔ گذشته اسباب تشویش خیال بوده است. چون قنسولهای اعلیحضرتی مقیم محمره و اهواز، مرا مستحضر داشته بودند که بختیاریها عزم خود را جزم نموده بودند که برخلاف شیخ محمره و همراهان وی، در شوشتر دستی پیدا کنند، من اظهاراتی را که سر جارج بارکلی سابقاً به خوانین بختیاری طهران نموده بود، تجدید کرده دولت ایران را متنبه نمودم که هرگاه نزاع و جدالی در عربستان [=خوزستان] رخ دهد، اوضاع بسیار سختی بوجود خواهد آمد که نه فقط امنیت راه بختیاری را در خطر خواهد انداخت و بدان واسطه باعث منع تجارت انگلیس خواهد شد، بلکه ممکن است اثر خیلی مهمی بر اوضاع عمومی ایران داشته باشد.

خوانین در جواب اظهار داشتند که آنها در حدود نزدیك شوشتر دارای دهات بوده و ادعا می‌نمودند که خیلی زیادتر از شیخ محمره و همراهان عرب او در آن نقطه ارتباط و منافع داشته‌اند و وعده دادند که اوامر مؤکده برای خوانین محلی بفرستند که دست از مخاصمات برداشته و منتظر نتیجهٔ تحقیقات راجع بـه منافع متضاده که قنسولهای اعلیحضرتی در اهواز و محمره (که بعلاوه، نصایح سر پرسی‌کاکس هم کمك ذیقیمت به آنها می‌نماید) بعمل می‌آورند معلوم گردد.

من صورت دهاتی را که سردار اسعد و وزیر مالیه می‌گویند در حدود شوشتر است و متعلق به خودشان یا بستگان آنها است، برای ماژور هاورت فرستادم و او در جواب گفت که تمام این دهات در ناحیهٔ دزفول واقع‌اند مگر یك دسته دهات مهمی موسوم به عقیلی که آنها را نزدیك شوشتر می‌دانند.

در باب اینکه آیا اوامر صادرهٔ صمصام‌السلطنه صدراعظم و سردار اسعد خیلی دیر رسید یا نه، من نمی‌توانم چیزی بگویم ولی از اخبار متضاده که برای من رسیده، واضح می‌شود که بختیاریها حرکتی به طرف شوشتر نموده و آنجا را اشغال نمودند و ظاهراً به همین اندازه مشهود می‌باشد که آنها بعد از آن شهر مذکور را تخلیه نمودند، اگرچه من فعلا درست نمی‌دانم که علت تخلیهٔ آنها از اثر اوامر طهران بوده چنانچه خوانین اینجا و دولت ایران اظهار می‌دارند، یا آنکه بـه واسطهٔ حرکت‌دادن قشون از طرف شیخ بوده است چنانچه مخبرین غیررسمی اطلاع داده‌اند.

از قراری که نایب‌السلطنه مرا اطلاع داده است، شیخ اطمینانات بسیار صادقانه به دولت ایران داده و درحالتیکه از تجاوزات بختیاریها شکایت نموده اظهار میل کرده‌است که منتظر فیصلهٔ قطعی مسائل جاریه بوده و از روی یقین عنوان نموده است که به هیچ وجه میلی ندارد به ضرر بختیاریها مقام مهم عمده درعربستان برای خود تحصیل نماید و بطور پروتست اظهار میل نموده است که صادقانه با حکمران عربستان همراهی

خواهد کرد و او چنانچه به من وعده داده شده، بلاتأخیر به مقر خود خواهد رفت.

والاحضرت در این موقع به من اظهار داشت که رؤسای بختیاری کـه نسبت به حکومت مرکزی دارای چنین اهمیت مقامی می‌باشند، اوامر بسیار صریحه برای خوانین محلیّ فرستاده‌اند که دست از مخاصمه بردارند و او با نهایت اعتماد یقین داشت که کار اصلاح خواهد شد.

من مدتی است اخبار قطعی از آن نقطه ندارم و این مسأله مرا امیدوار می‌سازد که خطر در هر صورت حالیه برطرف شده است.

اخبار مجادلات در راه بین بختیاریها و کهکلوئیها [=کهگیلویه‌ای‌ها] هم رسیده و به وکیل ادارهٔ لینچ اطلاع داده‌شده‌است‌که تمام کاروانسراهای‌راه را از مال‌التجاره‌های جمع‌شده خالی سازند. این نیز به اطلاع رؤسای بختیاری رسانیده شده و آنها مرا اطلاع داده‌اند که احتیاطات لازمه برای حفظ راه به عمل خواهد آمد.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۱۲۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ مه ۱۹۱۲ [۲۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۶ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

چنانچه مفتخراً در تلگراف ۲۹ ماه گذشته خود راپورت دادم، نایب‌السلطنه در ضمن صحبتی که در ۲۸ آوریل با ایشان داشتم، به من اظهار داشتند کـه دستگیری بعضی اشخاص لازم شده است چرا که به سمع دولت رسیده است‌که نقشهٔ خطرناکی کشیده می‌شود و مقصود طرفین آن این است‌که ترتیبات و اوضاع موجوده را برهم زده و معدوم سازند. ناصرالملك به علاوه اظهار نمود که یکی از حوادث‌غیرمطبوع این هیجان وجود احساسات عموم برضد خارجه بوده که تا اندازهٔ زیادی به واسطهٔ هیجان مذهبی است که از بمباردمان مقامات متبرکهٔ مشهد تولید گردیده [است. همچنین] اظهار داشتند که چون اینْ احساسات چندان جلوه‌ای نداشته، نباید تصور شود کـه این حادثهٔ نامساعد باعث تولید تغیر و تکدر کمی بوده (چرا که در حقیقت اینطور نبوده است).

یکی از علمای یزد که لیدر این هیجان بود، اول کسی بود که مورد عقوبت واقع[1] گردید و شخص مزبور دستگیر و به مازندران تبعید شد.

در ابتدا اینطور مذکور گردید که دستگیری این شخص برای آرام‌نمودن اغتشاشی‌که [جامعه‌را] تهدید می‌نمود، کافی‌بود ولی [بعد] چند نفر از سایر شاکیان‌معروف نیز[2] که دارای عقاید مختلفهٔ پلتیکی بودند، از قبیل سردار محیی و دو برادرهای او و سلیمان میرزا لیدر حزب دموکرات و بسیاری دیگر از اعضای معتبر دموکـرات مجلس سابق

---

۱) اصل: وارد. ـ م.

۲) اصل: را. ـ م.

دستگیر شدند و به وحیدالملك و حسین‌قلی‌خان نواب نصیحت داده شد که بـه اروپا مسافرت نمایند.

ظاهراً دلیل صحیحی به دست نیست که تصور شود این اعضای حزب‌ترقی‌خواه مستقیماً در نقشه‌ای که باعث دستگیریهای اولی شد، شریك بوده‌اند، ولی آشکار می‌نماید کـه تصور شده است این موقع، موقع مناسب و مساعدی بوده‌است برای‌آنکه تلافی‌خصومت‌های سابقه شده، و از جولانگاه پلتیك، تمام اعضای رئیسه و معتبرهٔ آن حزبی را که به واسطهٔ پیروی و همراهی نقشهٔ شوستر و خصومت غیرقابل اصلاح با روسیه، خود را آنقدر معروف و قابل اهمیت ساخته بود، اخراج نمایند.

علاوه‌بر اینکه اشخاصی که دستگیر شده‌اند، به نقاط مختلفهٔ مملکت تبعید شده‌اند [و] شخصاً به آنها صدمه‌ای وارد نیامده، و در مورد آنهایی کـه محتاج کمك مالی بودند، دولت مقرری ماهیانه برایشان معین نموده است، این‌طور تصور می‌شود که اکثر آنها را می‌گذارند در صورتی‌که مجلس منعقد گردد، به طهران مراجعت نمایند (در مکتوب علیحده، در خصوص انتخابات شرحی مذکور شده است).

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۱۲۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ مه ۱۹۱۲ [۲۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم کـه ترجمهٔ دستخط ۳۰ آوریـل نایب‌السلطنه را کـه به موجب آن، والاحضرت وزراء را دعوت به شروع انتخابـات برای مجلس جدیـدی بر وفق قانون اساسی می‌نماید، ایفاد دارم. در این دستخط، به‌علاوه توضیح شده است که به واسطهٔ اوضاع مغشوش بسیاری از نقاط مملکت، ممکن است انتخابات در بعضی از نقاط به عمل آید ولی اهمیت تکمیل انتخابات طهران را هرقدر زودتر که امکان دارد، تأکید می‌نماید.

این دستخط تا چند روز پس از امضاء منتشر نگردید ولی در غرهٔ شهر جاری، وزیر امور خارجه با من در این موضوع صحبت نموده اظهار داشت که عقیدهٔ دولت بر این است [که] خیلی خوب است که انتخابات هرقدر زودتر که مناسب باشد، به انجام برسد و صحبت او عموماً مبنی‌بر مفاد دستخط مذکور بود.

جناب معظم‌له یك نکتهٔ دیگر قابل اهمیت ذکر نمود که در اعلان رسمی مذکور بدان اشاره نرفته بود و آن قصد دولت ایران بود که پس از انعقاد مجلس، هرقدر زودتر که مناسب باشد، مجلس سنا را تشکیل دهند.

وثوق‌الدوله اشعار نمود که مجلس سنا، بر وفق مواد قانـون اساسی از اعضائی تشکیل خواهد گردید که نصف آنها را قوهٔ مجریه و نصف دیگر را مجلس انتخاب خواهد نمود بطوری‌که، تا زمانی که مجلس جدید شروع به کارهای خود ننموده، آن مجلس هم

نمی‌تواند داخل در عملیات شود و ممکن است اوضاع طوری پیش آید که لازم شود تمام اعضای مجلس در طهران انتخاب شوند[1] و وکلای نقاط دیگر مملکت را هم، اهالی پایتخت انتخاب نمایند و اظهار عقیده نمود که ممکن خواهد بود یك نفر علاوه‌بر نصف عدهٔ وکلائی‌که برای مجلس لازم است، انتخاب نمود بطوری‌که آنها قانوناً حق اخذ رأی داشته باشند.

از اول واضح بود که این اظهار اشتیاق برای شروع به انتخابات، فقط برای آرام نمودن افکار عموم بود و از آنوقت تاکنون، چندان مساعی برای تهیهٔ کاندیداها یا اقدام در طریق تعیین روزی برای انتخابات بکاربرده نشده و این خود یك نوع بازی بود و خیلی شك می‌رود از اینکه بتوان عدهٔ مکفی بدست آورد که حق اخذ [رأی] بتوانند داشته‌باشند.

اگر در امورات همدان پیشرفتی حاصل نشود، ممکن است کار بر دولت سخت شود چرا که کمیتهٔ مرکزی ارامنه انتخابات سریع را یکی از شرایطی قرار داده است که در تحت آن، فدائیان که در تحت امر یفرم‌خان برای استقرار اوضاع حاضره آنقدر زحمت کشیده‌اند، راضی خواهند بود که با سالارالدوله جنگ کنند.

دولت اطمینان کتبی داده‌اند که انتخابات به عمل خواهد آمد ولی عبارت این نوشته بطوری از حیث‌تاریخ و شرایط مبهم و غیر معلوم‌است که کمیتهٔ‌مذکور از سابق بیشتر نسبت به مقاصد حقیقی دولت سوءظن برده‌اند و مایل نیستند این اطمینانات غیرمعلوم را بپذیرند.

(امضاء) والتر تنلی

ترجمهٔ ملفوف نمرهٔ ۱۲۹ دستخط نایب‌السلطنه

راجع به انتخابات

۳۰ آوریل ۱۹۱۲ [۱۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۲ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

خدمت کابینهٔ وزراء

شما آگاه هستید که بنابر احتیاجات قانونی، من، فرمان و دستخطی برای انتخابات جدیده در موقع اختتام دورهٔ تقنینیهٔ مجلس ملی صادر نموده توسط وزارت داخله آنها را منتشر نمودم. بدبختانه به علت بعضی حوادث و غیاب حکام بعضی از ایالات و ولایات و عدم نظم و آرامی کامل که در موقع انتخابات لازم است، تاکنون در اجرای آن تأخیری به وقوع رسیده است.

اگرچه واضح است که چنانچه در سایر ممالك مرسوم است، مقصود دولت ابتداء تهیهٔ‌زمینه و اساس و سپس[2] پس‌از مدت قلیلی شروع به‌انتخابات‌است، ولی از آنجائی که تأخیر در این امر جایز نمی‌باشد و چنانچه فعلا مذکور است بعضی‌ها از روی جهل و بعضی از روی ضدیت شخصی، این را حمل بـه غفلت و بی‌اعتنائی از طـرف دولت

---

۱) اصل: باید انتخاب شوند. ـ م.

۲) چنین است در اصل. ـ م.

می‌نمایند من توجه وزراء را به این نکته جداً جلب می‌نمایم و به آنها توصیه می‌کنم که با کمال مراقبت در این مسأله مداقه نموده و بدون تأخیر در نقاطی که امکان انتخاب آزاد می‌باشد و انتخابات در آنجاها امکان‌پذیر است، مخصوصاً در پایتخت که اهمیت آن نسبت به سایر نقاط زیادتر است، شروع به انتخابات نمایند.

اگر در بعضی جاها به علت اوضاع فوق‌الذکر، تا اندازه‌ای در انتخابات تأخیری روی دهد، البته در موقع انتخابات در سایر نقاط مساعی به عمل خواهد آمد که هرقدر زودتر که ممکن است اوضاع آن نقاط هم به همین‌طور، مساعد گردد.

چون آنچه لازم بود در این موضوع مذکور شود، در فرمان مرقوم و صادر گشته، من فقط در این یادداشت تکرار می‌کنم و تأکید می‌کنم که منافع و سعادت آتیهٔ مملکت تماماً بسته به نتیجهٔ انتخابات این دورهٔ تقنینیه می‌باشد.

من انتظار دارم که بلاتأخیر تصمیم قطعی شده و نتیجهٔ آن اعلان شود که قبل از حرکت برای مسافرتی که در نظر دارم، بر من معلوم شود که وزراء جداً و بطور واضح اهمیت این وظیفه را در نظر داشته و در این باب اقدام نموده‌انـد و در نقاطی که اوضاع مساعد بوده اقدامات مقدماتی شده و در جاهایی که نظم و آرامی اعاده خواهد شد اقدامات به موقع برای انجام انتخابات بعمل خواهد آمد.

از آنجایی‌که شرط اول برای سعادت و خشنودی اهالی و ترقی مملکت، انجام این وظیفهٔ مهم و اجرای صحیح آن است، وزرای کابینه به‌وسیلهٔ انجام آن، موجبات مسرت و آسودگی خیال مرا فراهم خواهند آورد و از آنجایی که این مسأله مستقیماً مربوط به وزارت داخله است، امیدوارم که ایشان نظر به اطلاعات خود، با جدیت و حدت مخصوص عمل نموده و این یادداشت را برای استحضار خاطر عموم مردم انتشار خواهند داد.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که وزراء را تأیید فرماید کـه از عهدهٔ این مسؤولیت مهم هرقدر زودتر که ممکن است برآمده بطوری که کمکی بـرای حصول سعادت و خشنودی اهالی مملکت بنمایند.

(امضاء) ابوالقاسم

نمره ـ ۱۳۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ مه ۱۹۱۲ [۲۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

اوضاع کرمان در عرض ماه گذشته بسیار نامساعد بوده و لازم شد اتصالا اظهارات به دولت ایران بشود. در ۲۲ آوریـل [۲ اردی‌بهشت، ۴ ج ۱] قنسول اعلیحضرتـی تلگرافاً [= تلگرافی] خبر داد که میرزا حسین‌خان، که با استعداد زیادی و چندین عراده توپ برای وصول مالیات به اطراف فرستاده شده بود به خوانین جیرفت و رودبار ملحق

گردیده‌و فراشباشی ایالت‌راکه‌نیز مشغول‌مالیات‌بوده[۱]، دستگیر و آنچه‌داشته‌است‌برده‌اند و به قصد اخراج ایالت و غارت شهر، به طرف کرمان حرکت کرده‌اند.

من، وزیر امور خارجه را از این اوضاع در ۲۴ آوریل مستحضر داشته و اهمیت زیاد نظم و آزامی کرمان را به مناسبت تجارت انگلیس، و استقرار نظم در راه کرمان الی بندرعباس را به ایشان خاطرنشان نمودم. وزیر امور خارجه اظهار داشت که در این موضوع چندان اطلاعی نداشته ولی وعده داد که تحقیقات فوری بنماید.

در ۲۸ آوریل من، به همین مضمون با نایب‌السلطنه مذاکره کرده و به علاوه اظهار داشتم که از قرار معلوم، کلنل هیگ رضایت دارد از اینکه امیر اعظم وظایف خود را به خوبی به انجام رسانیده و می‌رساند و من هم مجبور بوده‌ام که این عقیدهٔ مخالفی را که در طهران شیوع داشت تکذیب نمایم.

من بعلاوه اظهار داشتم که منشأ این آنتریگ‌ها چنانچه مکشوف گردیده، سردار نصرت نایب‌الایاله بوده که فعلا در طهران حضور دارد. من در باب اقدامات سردار نصرت تا اندازه‌ای به طور سخت مذاکره نموده اظهار داشتم از ورود گستاخانهٔ او به سفارت که سعی نموده است ما را برضد امیر اعظم برانگیزاند، بسیار متغیر هستم.

جناب معظم‌له در جواب اظهار داشت که راپورت‌های مشروح برای وی رسیده مشعر بر اینکه تمام اغتشاشات کرمان به واسطهٔ اجحاف و زیاده‌روی ایالت بوده است که از همه طرف مأموریتهای رسمی را در معرض بیع و شری درآورده و هرقدر توانسته از اهالی جبراً پول گرفته است.

ایشان از من درخواست نمودند که از کلنل هیگ تحقیق نمایم که آیا این حکایات و روایات اساس صحیحی دارد یا نه.

من جواب کلنل هیگ را در غرهٔ مه برای وزیر امور خارجه نوشتم. جواب مشارالیه مشعر بود بر اینکه اگرچه ایالت آدم کاملی که شاید و باید نیست ولی لااقل از اسلاف خویش بهتر است.

من موقعی بدست آورده به وزیر امور خارجه توضیح نمودم که تا زمانی که این سیستم نامساعد و غیرمستحسن فروش حکمرانی ایالات و ولایات به حکام، در کار باشد بایستی انتظار داشت که حکام مزبوره وجهی را که می‌دهند از حکام جزو دریافت نمایند.

این مطالب را با زبان دیپلوماسی به ایشان اظهار داشتم ولی طوری که به ایشان خوب فهمانیده شد که من مطلع بودم از اینکه امیر اعظم پول فوق‌العاده برای تعیین خویش به ایالت کرمان داده است.

این اشاره که من کردم، خیلی مؤثر واقع گردید و به جای نزدیکی برخورد، چرا که وزیر امور خارجه برادر وزیر داخله است که تعیین حکام ایالات و ولایات با او می‌باشد.

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

وزیر امور خارجه وعده داد که آنچه لازمهٔ اقدامات است برای منع پیش‌قدمی‌یاغیان به‌عمل خواهد آمد ولی اصرار به اظهارات خود در اینکه ایالت یکی از حکام فاسد است می‌نمود.

متعاقب آن، سواد مراسله‌ای را که از قرار مذکور یحتمل در موقعی که فراشباشی ایالت را میرزا حسین‌خان یاغی دستگیر نموده بود، نزد او یافت شده بود، برای من فرستاد. امیر اعظم در این مراسلات به او دستورالعمل داده بود که هرقدر می‌تواند از اهالی پول دریافت نماید.

وزیر امور خارجه به‌علاوه مرا اطلاع داد که دولت در نظر دارند مأمور بی‌طرفی برای تحقیق در آن محـل بفرستند و ایالت و سرکرده‌هـای یاغیان را از این اقدام مستحضر داشته و به آنها امر داده‌اند منتظر نتیجهٔ این تحقیق باشند.

اینکه دولت دعوی می‌نمود قادر است بر اینکه به یاغیان فشار مؤثری بیاورد، دلیل خوبی بود برای آنکه ثابت کند که خود دولت پیشرفت این هیجان را استقبال می‌نموده است.

قنسول اعلیحضرتی راپورت داده است که در عرض چند روزهٔ اخیر اتصالا بین شهر و یاغیان مذاکرات در میان بود و خود او برحسب خواهش ایالت اوضاع امور را برای اهالی توضیح نموده بود.

تا مدتی ظاهراً امید می‌رفت که بطور دوستانه قرار [و] مداری داده خواهد شد ولی اطلاعات اخیره ظاهراً معلوم می‌دارد که از مذاکرات نتیجه‌ای حاصل نگردیده و یاغیان بسرعت به طرف شهر می‌آیند و ایالت از دفع آنها عاجز است.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۱۳۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ مه ۱۹۱۲ [۲۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۸ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

در باب مراسلهٔ ۱۱ شهر جاری من، افتخار دارم سواد تلگرافی‌را [= تلگرامی‌را] که از کفیل قنسولگری شیراز انگلیس، در موضوع وضعیت ایلات داخل و نزدیك آن شهر رسیده، لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف یك نمرهٔ ۱۳۱

تلگراف کفیل قنسولگری مستر اسمارت به سر والتر تنلی

شیراز ۱۵ مه ۱۹۱۲ [۲۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۹ مه من:

در دهم مه ایلات خمسه با رؤسای خود با مظفریت تمام با اسراء و غارت‌هایی‌که از اردوی صولةالدوله آورده بودند، وارد شهر شدند. در ۱۱ مه ایلخانی با استعداد

خود، به چنار راهدار رسید. ۱۲ مه ایلخانی تمام کلانتران قشقائی را احضار نمود که آمده و به خدمت قوام مشرف گردند. قوام‌الملك آنها را در باغ خارج شهر خود ملاقات نمود و کلانتران یك‌یك آمده موجبات تعظیم و تکریم به او را به عمل آوردند. این اجتماع خیلی تازگی داشت و نظیر آن تاکنون دیده نشده بود چرا که کلانتران قشقائی تاکنون به هیأت اجتماع، به شیراز ورود ننموده بودند.

پس از انجام این مراسم و تشریفات، رؤسای ایلات خمسه و قشقائی که از آنجا بودند مشغول خوشگذرانی شدند.

عده‌ای از کلانتران قشقائی وارد شهر شدند و از چند روز به این طرف، شهر پر از قشقائیهای مسلح بود که از روی نظم و ترتیب حرکت می‌کردند.

عدهٔ کثیری از ایلات قشقائی که به واسطهٔ نزاع اخیر عقب مانده بودند، از چنار راهدار عبور می‌کرده‌اند و نقل‌مکان آنها به طرف ییلاق، بزودی به آخر خواهد رسید.

از قراری که راپورت داده شده ایاز، کیخای دره‌شولی که برای خیانت دوم مه مسئول بود، به اتفاق صولة‌الدوله با دستهٔ کوچکی از سواران خود به طرف شمال رفته است.

ایلخانی برای آنکه شاید اغتشاشی در قیوم باشد، به طرف آنجا حرکت کرده است.

اگر صولة‌الدوله به طرف شمال برود، ممکن است قصدش این باشد که دره‌شولیها و عناصر غیرقشقائی را، برای جنگ در بیضاء دور خود جمع‌آوری نماید.

زن صولة‌الدوله که از کشکولیها است، از قراری که راپورت داده شده است، در ۳۰ میلی جنوب شیراز با یکی از خوانین کشکولی توقف دارد ولی بچه‌هایش معلوم نیست کجا هستند.

نمره ـ ۱۳۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ مه ۱۹۱۲ [۲۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۸ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقا

راجع به مکتوب دیروز من:

افتخار دارم سواد مراسله‌ای را که در ۹ مه به دولت ایران نوشته و آنها را از مسؤولیت برای امنیت جان و مال اتباع انگلیس در کرمان مستحضر داشتم، لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۱۳۲

مکتوب سر والتر تنلی به دولت ایران

طهران ۹ مه ۱۹۱۲ [۱۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۱ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقای وزیر

افتخار دارم جنابعالی را مستحضر بدارم که تلگرافی از قنسول اعلیحضرتی مقیم

کرمان برای من رسیده مشعر بر اینکه یك دسته از یاغیان به طـرف شهر در حرکت بوده‌اند و ایالت در تهیهٔ فرار بوده است.

وظیفهٔ من این است کـه دولت ایران را بـا لسان بسیار سخت متذکـر سازیم از مسؤولیتی که برای امنیت جان و مال اتباع انگلیس در مقابل اغتشاشی‌که تهدید می‌نماید، برعهده دارند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۱۳۳

مکتوب کمپانی حمل و نقل ایران به وزارت خارجه

لندن ۲۸ مه ۱۹۱۲ [۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۰ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

از طرف هیأت رئیسه تعلیم دارم که وصول مکتوب ۲۲ شهر جاری شما را اطلاع داده و از شما استدعا نمایم از طرف آنها برای اقداماتی که سر والتر تنلی نموده و لزوم محافظت مکفی قوافل را که در راه اهواز الی اصفهان ایاب و ذهاب می‌نمایند بر خوانین تأکید نموده، اظهار تشکر و امتنان نمایید.

اما از بابت متارکهٔ تعمیرات پل گدار، من تعلیم دارم شما را اطلاع دهم که مستر ساتم مهندس ما، در ۱۴ شهر جاری تلگرافاً [= تلگرافی] خبر داد که تعمیرات لازمهٔ پل را به‌طوری‌که به عقیدهٔ وی، تا اقلا دوازده ماه دیگر آن را از خرابی[1] محفوظ خواهد داشت، بعمل آورده است و به علاوه، این‌طور تلگراف می‌کند:

از طرف بختیاریها به من تقویتی نشده است اگرچه خوانین طهران اوامر مؤکده فرستاده‌اند و خودشان در ولایت نیستند و اقتداری ندارند. مستحفظین کار را برای من خیلی مشکل کرده‌اند و برای آنکه تا چند ساعتی پل را مسدود نمایند، پول گزاف به آنها می‌دهم. به همراهان من حمله شده و جانم تهدید شده است. در پیش بردن کار خود اشکال زیاد داشته‌ام. انتظار می‌رود که کهکلوئیها [= کهگیلویه‌ای‌ها] به همین زودی هجوم بیاورند. راه هنوز ناامن است. دو قاصد[2] اهواز را در راه زده‌اند و آنچه داشته‌اند برده‌اند.

به علت غفلت رؤساء در عمل نمودن بر وفق نصایحی که مستر ساتم در ماه دسامبر گذشته به آنها داده بود که بایستی ایاب و ذهاب قوافل را از روی پل موقتاً موقوف دارند، خمیدگی پل آنقدر زیاد شده بود که به ورود او به آنجا در ماه مارس، در شرف خراب‌شدن بود و این خمیدگی را فقط به واسطهٔ از هم باز کردن پل می‌توان تعمیر کرد و در این‌صورت تا اقلا دو ماه، ایاب و ذهاب قوافل از روی آن موقوف خواهد بود.

میل صمیمی ما بر این بوده است که در این موقع تمام این کار را کاملا بـه انجام

---

۱) اصل: خرابی را. ـ م.

۲) اصل: قاصدهای. ـ م.

برسانیم و نظر به این مقصود، وکلای ما مکرراً از خوانین درخواست نموده‌اند که اقدامات برای محافظت آنجاها بنمایند بطوری‌که مهندس ما بتواند کار خود را به سرعت و بدون آنکه صدمه به او وارد آید، به انجام برساند. چون این اقدامات بعمل نیامده و هوا آنقدر گرم شده است که دیگر کارکردن غیر از شب و صبح زود مشکل است، ما مجبور شده‌ایم که مهندس و اجزاء او را باز بخواهیم.

(امضاء) پری معاون رئیس

نمره ـ ۱۳۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ مه ۱۹۱۲ [۲۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ یکم ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم ترجمهٔ دستخطی را که نایب‌السلطنه اخیراً به نام شاه صادر نموده و به امضای صدراعظم و وزیر مالیه و وزیر داخله رسیده و کفیل خزانه‌داری کل را مجاز می‌دارد که شروع به جمع‌آوری و انبار کردن غلهٔ دولتی در نواحی طهران و سایر نواحی مجاور که به نظر او مقرون به صرفه است بنماید، لفاً ایفاد دارم.

از اجرای این دستخط دو مقصود به عمل خواهد آمد: اولا مردم از سیستم معمول حالیه که به وسیلهٔ آن نرخ اولین لازمهٔ زندگی به این قیمت گـزاف می‌رسد، محفوظ خواهند شد، و ثانیاً به وسیلهٔ آن مقدار زیادی غله برای احتیاجات پایتخت فـراهم خواهد شد.

بنابر تخمین مسیو مرنارد، مقدار غله‌ای که از منابع فوق‌الـذکر در عرض سال گذشته که زراعت خوب بود، برای فروش وارد شهر شد، متجاوز از ۱۵،۰۰۰ خروار بود و حال آنکه بنابر تخمینی که او می‌زند، با سیستم صحیح جمع‌آوری‌غله، مقدار آن بایستی اقلا ۶۰،۰۰۰ خروار، یحتمل ۸۰،۰۰۰ خروار، باشد.

به علاوهٔ فواید مادی بسیاری که انتظار می‌رود اهالی طهران از این اقدام بدست آورند، صدور این دستخط ممکن است برای اجرای وظایف خزانه‌داری کل مؤثر و مستحسن باشد و تا اندازهٔ ممکن تصور شود که این‌اقدام در واقع از سیستمی جلوگیری نمود که به وسیلهٔ آن وزرای کابینه در صدد برمی‌آمدند که این‌گونه مشاغل پردخلی‌را از قبیل وصول و جمع‌آوری غلهٔ دولتی به دست خود گیرند که در سال گذشته آن را احتکار کرده و با کمال بی‌شرمی به آن وسیله به مقاصد شخصی خود نایل می‌گردیدند و این خود یکی از قبایح اعمالی بود که من در اول دفعه که از وزیر امور خارجه ملاقات نمودم دقت ایشان را به آن جلب کردم و این نیز علامتی است از این که دولت بخوبی درك می‌کنند که وظیفهٔ خزانه‌داری کل دارای کمال اهمیت بوده و سفارتین از صمیم قلب با هم متفق‌اند در این که خواهان پیشرفت مادی آن شوند.

برای قبولانیدن پیشنهاد، خوشبختانه هیچ فشاری لازم نبود ولی شکـی نیست که اطلاع اتفاق دولتین در این امر، اثر خیلی زیادی بر کابینه داشت.

عقیدهٔ مسیو مرنارد بر این است کـه این دستخط، بطور غیرمستقیم اختیارات خزانه‌داری کل را در تحت قانون ۲۳ جوزاء سنهٔ تنگوزئیل[1] تصدیق می‌نمایـد و یك سابقهٔ بسیار مفیدی خواهد بود برای توسعهٔ اختیارات اداری او در سایر نقاط مملکت و یحتمل مطلوب خواهد بود که به همین زودیها وظایف خزانه‌داری کل معین و مشخص شود و لازم نخواهد بود که به قانون فوق‌الذکر مجلس چندان اهمیتی داده شود مگر اینکه قانون مذکور دستخط مزبور را به موجب قوانین اساسی، قانوناً تصویب و تصدیق می‌نماید.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۱۳۴

ترجمهٔ دستخط نایب‌السلطنه

به نام اعلیحضرت اقدس شهریاری

برای آنکه به اهالی طهران مثل سال گذشته از کمی غله صدمه وارد نیاید، بر وفق تصمیم کابینه به قرار ذیل مقرر می‌داریم:

مادهٔ اول: خزانه‌داری کل بر وفق وظایف معینهٔ خود به موجب قانـون ۲۳ جوزای سنهٔ تنگوزئیل، از حالا اقدامات برای جمع‌آوری غلهٔ دولتی در ناحیهٔ طهران و نواحی مجاورهٔ آن یعنی در هر نقطه که مقرون به صرفه باشد، چه از املاك اربابی یا خالصه، به عمل آورده و آن را برای خوراك اهالی پایتخت در انبارهای دولتی انبار خواهدکرد.

مادهٔ دوم: مأمورین مالیاتی در اول موسم حصاد[2] مالیات نقدی و جنسی خالصه‌جات را جمع‌آوری خواهند نمود به طوری‌که در آخر میزان (۲۱ سپتامبر) تمام آن وصول شده باشد و مأمورین مذکور مواظب خواهند بود که بنابر معمول عمل نموده و اشخاصی که مالیات نقدی باید بدهند و به همین طور مستأجرین املاك خالصه نباید به هیچ عذر و بهانه پرداخت بدهی خود را که مأمورین مالیاتی مطالبه می‌نمایند به تأخیر انداخته یا امتناع ورزند.

مادهٔ سوم: صاحبان املاك اربابی و مستأجرین خالصه‌جات یا وکلای آنها، مباشرین به محلات خواهند فرستاد که غلهٔ دولت را به ضباط[3] تحویل دهند و اگر وکلای آنها حاضر نباشند، اخطار کتبی فرستاده خواهد شد و اگر این اخطاریه تا پانزده روز مورد توجه و اعتناء نگردید ضباط حق خواهند داشت که غلهٔ دولتی را از محصول آن محل بردارند.

مادهٔ چهارم: در صورتی‌که مالیات‌دهندگان یا مستأجرین املاك خالصه از مأمورین خزانه شکایاتی داشته باشند یا آنکه مقدار و مبلغی را کـه از آنها مطالبه می‌شود، خلاف‌قانون بدانند، شکایات‌خود را کتباً برای خزانه‌داری‌کل‌خواهندفرستاد. خزانه‌داری کل پس از دقت کامل اگر صلاح داند، عمل را به کمیسیونی که برای انجام این مقصود

---

۱) تنگوز ئیل = سال خوك. ـ م.
۲) حصاد (همچو کساد) = درو. ـ م.
۳) ضباط (همچو خفاش) = ضبط‌کنندگان؛ مأموران وصول مالیات و مانند آن. ـ م.

در طهران تشکیل خواهد گردید، رجوع خواهد کرد.

مادهٔ پنجم: اشخاصی که مقصر خیانت یا دزدی در اموال دولت باشند، دستگیر گردیده و مجبور به استرداد آن خواهند شد. خزانه‌داری کل پس از استرداد اموال دولت، مقصرین را مورد مؤاخذه قرار داده و در محکمهٔ صحیحی آنها را محاکمه نموده تقصیرات آنها را بر وفق قانون اشاعه خواهد داد.

مادهٔ ششم: اشخاصی که برخلاف قانون یا بدون اجازهٔ صحیح از طرف دولت، در امور عایدات دولتی مداخله نموده و یا در این کار برای خسارت وارد آوردن به دولت به اقدامات آنها کمك نمایند، خواه مالیات‌بده باشند یا نباشند، با آنها بر وفق مادهٔ پنجم عمل خواهد شد. هرگاه دستگیری این مقصرین ممکن نباشد خزانه‌داری کل از اموال [آنان]، آن‌قدری که جبران خسارت وارده به دولت را بنماید، ضبط خواهدکرد.

مادهٔ هفتم: وزیر داخله و مأمورین نظامی دولتی، ضباط را در انجام وظایف خود برای وصول مالیاتهای دولتی و حمل و نقل غلهٔ دولت به انبارهای دولتی، کمك خواهند کرد.

مادهٔ هشتم: وزرای داخله و مالیه موظف به اجرای این دستخط می‌باشند.

امضاء و مهر ناصرالملك نایب‌السلطنه

امضاء نجفقلی بختیاری صدراعظم

محتشم‌السلطنه وزیر مالیه

قوام‌السلطنه وزیر داخله

نمره ـ ۱۳۵

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ مه ۱۹۱۲ [۹ خرداد ۱۲۹۱: ۱۲ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۷ مه خود:

از منابع رسمی به من اطلاع رسیده که عساکر دولتی، یاغیان را در جنگهای‌متوالی در حدود کرمانشاه در ۲۸مه و دیروز، شکست‌داده تلفات‌زیاد به‌آنها وارد آورده[اند] به طوری‌که یاغیان سپس به‌طرف لرستان حرکت کرده‌اند و راه تا کرمانشاه فعلا باز است.

معلوم نیست که آیا سالارالدوله هنوز در کرمانشاه است یا آنکه به طرف لرستان فرار کرده است.

نمره ـ ۱۳۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۳۰ مه ۱۹۱۲ [۹ خرداد ۱۲۹۱: ۱۲ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲ و ۲۵ مه شما ـ شیراز ـ آیا برای دولت ایران جواب مساعدی از علماء رسیده است و در صدد چه اقدامی هستند؟

نمره ـ ۱۳۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۱ مه ۱۹۱۲ [۱۰ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۳ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳۰ مه خود:

قنسول روس مقیم کرمانشاه تلگرافاً [=تلگرافی] خبر می‌دهد کـه سالارالدوله مصمم دفاع از شهر است و مجلل‌السلطان هم نزد او آمده ۲۰۰۰ نفر از ایلات کلهر و ایلیاتی‌های والی پشتکوه به او ملحق شده‌اند.

من متمایل هستم در تخمینی که از بابت استعداد ایل کلهر زده شده، تردید داشته باشم و خیلی غریب است که والی پس از شکست، به او ملحق شده باشد در صورتی که اطلاعاتی‌که برای ما رسیده مشعر است بر اینکه در موقعی‌کـه ترتیبات کار او مقتضی و مناسب این اقدام بود، از این کار امتناع ورزید.

نمره ـ ۱۳۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۱ مه ۱۹۱۲ [۱۰ خرداد ۱۲۹۱: ۱۳ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

جنوب ایران

راجع به تلگراف دیروز شما:

یك هفته قبل وزیر امور خارجه مرا اطلاع داد که تلگرافی که علماء وعده داده بودند مخابره نمایند، به او نرسیده بود.

مأمورین محلی شیراز فقط کسانی هستند کـه می‌توانند مقصرین را گرفتار و تسلیم نمایند. برای این مقصود مساعی بکار برده می‌شود و مجدداً بـرای حرکت فرمانفرما تهیه دیده می‌شود.

تا یك یا دو روز دیگر، وزیر امور خارجه را ملاقات کرده و باز هم راپورت خواهم داد. چند روز است که به علت بحران کابینه نتوانستم جناب معظم‌له را ملاقات نمایم.

از قراری که معلوم شده بحران حالیه به اختتام رسیده است.

نمره ـ ۱۳۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۱ مه ۱۹۱۲ [۱۰ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۳ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف قبل از این:

بحران کابینه به انتها رسیده، فقط وزیر داخله استعفاء می‌کند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۴۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ ژون ۱۹۱۲ [۱۲ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۵ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳۱ مه من:

وزیر جنگ و سفارت روس به من اطلاع داده‌اند که عساکر دولتی بدون خالی‌کردن یك تیر تفنگ، به‌کرمانشاه وارد شده‌اند.

آخرین اخباری که از قنسول انگلیس رسیده، مورخه ۲۸ مه می‌باشد.

نمره ـ ۱۴۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ ژون ۱۹۱۲ [۱۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۷ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دوم ژون من:

هنوز از طرف قنسولخانه اخبار قبضهٔ کرمانشاه تصدیق نشده ولی واضح می‌نماید که شهر مذکور قبضه شده و سالارالدوله نزد والی پشتکوه پناهنده شده است. داودخان کلهر و پسرش هر دو مقتول گردیده‌اند.

نمره ـ ۱۴۲

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوبرن

وزارت خارجه ۴ ژون ۱۹۱۲ [۱۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۷ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۵ مه سر والتر تنلی ـ خزانه‌داری کل ـ من شرایط تعیین خزانه‌دار کل را غیرقابل‌اعتراض می‌دانم و خوش‌وقت خواهم شد که نظریات وزیر امور خارجهٔ روس را مخصوصاً از بابت مدت تعیین او بدانم.

نمره ـ ۱۴۳

مکتوب سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۴ ژون ۱۹۱۲ [۱۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۷ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقا

راجع به تلگرافات ۱۸ و ۱۹ شهر ماضی در باب راه اهواز الی اصفهان، اینك سواد مکتوبی [را] که از طرف کمپانی حمل و نقل ایران در جواب مکتوبی که من واداشتم به آنها نوشته شده مفاد تلگرافات فوق‌الذکر شما در آن مندرج گردد، برای من رسیده، لفاً ایفاد [می]دارم.

اوضاع راه، به طوری‌که در این مراسله شرح داده‌اند، تقریباً تحمل‌نشدنی است و من باید از شما خواهش کنم با نهایت سختی به خوانین بختیاری مقیم طهران اصرار بنمایید که به نمایندگان محلی خود در خاك بختیاری و عموم ایلات خود امر بدهند

بگذارند تعمیرات لازمه به انجام رسیده و بهر نحوی که امکان داشته باشد مهندس کمپانی را همراهی نمایند.

(امضاء) گری

نمره ـ ۱۴۴

تلگراف مستر اوبرن به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۵ ژون ۱۹۱۲[۱۵ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۸ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۴ ژون شما ـ خزانه‌دار ایران ـ وزیر امور خارجهٔ روس مرا اطلاع می‌دهد که برعلیه [=علیه] شرایطی که برای تعیین خزانه‌دار پیشنهاد شده، اعتراض نخواهد داشت.

اما از بابت مدت آن، گمان می‌کند پنج سال مناسب باشد.

نمره ـ ۱۴۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۵ ژون ۱۹۱۲ [۱۵ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۸ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۵ مه شما ـ مساعدهٔ مشترك ـ خزانه و ادارهٔ هند پیشنهاد قسمت پنجم تلگراف شما را تصویب می‌نماید. بنابراین، استرداد مساعده‌ای که دولت اعلیحضرتی و حکومت هندوستان داده‌اند، ممکن است به عهدهٔ تعویق انداخته شود.

نمره ـ ۱۴۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ ژون ۱۹۱۲ [۱۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل به تاریخ ۳۱ مه از قنسول کرمانشاه رسیده است:

در ۲۹ مه در نزدیکی صحنه جنگی به وقوع پیوست. داودخان و پسر ارشد او و بسیاری از دیگران به انضمام سرکردگان کلهر مقتول گردیدند. سالارالدوله و مجلل و همراهان آنها، همینکه این را شنیدند، به طرف لرستان فرار کردند. فرمانفرما ۳۰ مه وارد شد. شهر آرام است.

تلگراف فوق اولین راپورت رسمی است که از طرف قنسول کرمانشاه در موضوع شکست سالارالدوله برای من رسیده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۴۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ ژون ۱۹۱۲ [۱۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

نایب‌السلطنه و بحران کابینه

راجع به تلگراف ۲۷ مه شما:

سفیر روس و من دیروز نایب‌السلطنه را ملاقات نمودیم. از آنجایی‌که برای مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] در ایـن موضوع از طرف دولت متبوعـهٔ خود تعلیمی نرسیده بود، من از بابت رضایت و مسرت دولت اعلیحضرتی، از تأخیر مسافرت او به طرف اروپا، مخصوصاً اظهاری ننمودم.

نایب‌السلطنه با وجود آنکه بحران کابینه فقط بطور موقت به اتمام رسیده، مصمم است در ۱۱ ژون از طهران حرکت نماید. از آنجایی که محتمل نمی‌نماید که از حضور وی در ایران در امورات بهبودی حاصل گردد، ما به والاحضرت اصرار بـه توقف ننمودیم.

نمره ـ ۱۴۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ ژون ۱۹۱۲ [۱۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

رئیس کل نظمیهٔ طهران

همکار روسی و من دیروز از نایب‌السلطنه ملاقات نموده و والاحضرت ضمناً در موضوع قائم‌مقامی برای مرحوم یفرم‌خان صحبت نمود و به ما اصرار نمود نظریات دولتین متبوعتین خود را در این باب استفسار نماییم.

حضور یك رئیس نظمیهٔ مقتدری در موقعی که فدائیان و بختیاریهایی‌که از جنگ سالارالدوله به پایتخت مراجعت می‌نمایند و یحتمل آنوقت اوضاع سخت [می]شود، بسیار مطلوب است.

از قرار تقریر والاحضرت، دولت ایران مصمم شده‌اند که مقام مزبور را به یك نفر اجنبی واگذار نمایند و اظهار داشت که هنوز قرار نشده است که در این مسأله بطور رسمی مذاکره شود و اصرار داشت که ما قبل از آنکه مسأله صورت رسمیت حاصل کند بطور خصوصی نظریات دولتین متبوعتین خود را استفسار کنیم.

نمره ـ ۱۴۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه، ۷ ژون ۱۹۱۲ [۱۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۵ مه شما:

شرایطی که برای تعیین خزانه‌داری کل پیشنهاد شده، ظاهراً غیرقابل‌اعتراض‌است. گمان می‌کنم تعیین وی ممکن است برای مدت ۵ سال باشد. اگر تعیین وی رضایتبخش

شد، ممکن است این مدت را زیادتر کرد.
آیا مسیو مرنارد در نظر دارد که به علاوهٔ تقبل وظایف خزانه‌داری کل، کنترل ادارهٔ گمرك را هم به عهده گیرد؟
لطف نموده راپورت دهید که آیا به عقیدهٔ شما برای انجام این کارها شخص دیگری هم لازم است؟ آیا در باب این نکته با همکار روسی خود مذاکره نموده‌اید؟

نمره ـ ۱۵۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۹ ژون ۱۹۱۲ [۱۹ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۲ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]
جنگ سختی بین ۵۰۰ نفر از عساکر روس و عده‌ای‌از شاهسون‌های‌سیار در ۲۰میلی اردبیل به وقوع رسیده، از شاهسونها عدهٔ زیادی مقتول شدند. عدهٔ تلفات روسها ۳۰ نفر است به انضمام دو نفر صاحبمنصب که مقتول شده‌اند.
حسب‌الخواهش۱، برای قشون امدادی شش دستهٔ صدنفری از رشت فرستاده شده‌اند. بنابراین در رشت، حالیه دویست نفر پیاده‌نظام و ۳۰۰ نفر قزاق می‌باشند.

نمره ـ ۱۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۱۰ ژون ۱۹۱۲ [۲۰ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۷ ژون شما ـ رئیس کل نظمیه ـ آیا ممکن نخواهد بود که از میان صاحبمنصبان سوئدی شخص مناسبی را برای این کار تعیین کرد؟

نمره ـ ۱۵۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۱ ژون ۱۹۱۲ [۲۱ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۴ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]
نایب‌السلطنه امروز صبح به طرف اروپا حرکت نموده، روز ۱۳ ژون در کشتی جنگی روسی از انزلی حرکت خواهد کرد.

نمره ـ ۱۵۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۲ ژون ۱۹۱۲ [۲۲ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۵ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۷ ژون شما:
هیأت مأمورین بلجیکی که برای ادارهٔ گمرکات استخدام شده‌انـد، در تحت امر مرنارد می‌باشند. بنابراین مطلوب خواهد بود که او اسماً به مقام مدیرکل گمرکات و

---

۱) چنین است در اصل، که غلط است [=برحسب خواهش، به خواهش] ـ م.

خزانه‌داری منصوب باشد. یکی از اجزاء او (دوسوم به ویبیر) در تحت نظارت مرنارد به مقام مدیرکل گمرکات تعیین خواهد شد. او از چندی به این طرف این مقام را به عهده داشته‌است. همکار روسی و مرا عقیده بر این است که این بهترین ترتیبی است که امکان داشته است داده شود.

کنترات علیحده برای عهدهٔ خزانه‌داری کل مرنارد از طرف وزیر مالیه به امضاء خواهد رسید. مدتی که در کنترات تعیین خواهد شد پنج سال خواهد بود.

نایب‌السلطنه دیروز قبل از آنکه حرکت کند، دستخطی برای تعیین مرنارد به امضاء رسانید. از قراری که فهمیده‌ام در عبارت آن قبلا بعضی تغییرات غیرمهم داده شده است والا از حیث دیگر دستخط مذکور شبیه است با آنکه ما به دولتین متبوعتین خود ارائه نمودیم.

نمره ـ ۱۵۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ ژون ۱۹۱۲ [۲۲ خرداد ۱۲۹۱: ۲۵ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

رئیس کل نظمیهٔ طهران

راجع به تلگراف ۱۰ ژون شما:

هیچ یك از صاحبمنصبان سوئدی را نمی‌توان از مشاغل ژاندارمری معاف داشت و کسی دیگر هم که برای این کار مناسب باشد، نیست.

ممکن است دولت ایران ریاست نظمیه را به شخصی‌که بعد از یفرم لیاقت این کار را دارد بدهند.

نمره ـ ۱۵۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۵ ژون ۱۹۱۲ [۲۵ خرداد ۱۲۹۱: ۲۸ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

راجع به قسمت آخر تلگراف ۳۱ مه شما ـ سربازخانه‌های شیراز ـ لطف نموده راپورت دهید. ما باید در ظرف سه هفته از بابت سربازخانه‌های شیراز تصمیمی [اتخاذ] بنماییم. آیا دولت ایران اهمیت این مسأله را خوب می‌دانند؟

نمره ـ ۱۵۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ ژون ۱۹۱۲ [۲۷ خرداد ۱۲۹۱: یکم رجب ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۹ ژون من:

حرکت عساکر روس برضد ایلات شاهسون که تهدید شده است، زیاده اسباب توحش دولت ایران شده است و می‌ترسند که قصد دولت روس این باشد که این ایلات را بکلی معدوم سازند.

همکار روسی، مرا اطلاع می‌دهد که قرار شده قشون امدادی از تبریز به سراب فرستاده شود و صدراعظم روس از مأمورین محلی قفقاز درخواست اعـزام قشون کرده‌اند. این عساکر البته به اضافـهٔ دسته‌ای خواهد بود کـه از رشت فرستاده شده است. سفیر روس اظهار می‌دارد که مقامات نظامی ظاهراً مایل نیستند عساکر به ایران بفرستند و مایلند آنهایی را که تاکنون به آن مملکت فرستاده‌اند باز بخواهند.

نمره ـ ۱۵۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ ژون ۱۹۱۲ [۲۷ خرداد ۱۲۹۱؛ یکم رجب ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۵ ژون شما:

همینکه کابینه مجدداً تشکیل گردید، وزیر امور خارجه استعفاء نمود. بنابـراین حصول پیشرفتی در مسألهٔ جبران حمله بر عساکر ما امکان‌پذیر نیست.

علاءالسلطنه امروز بطور قطع به‌جای وثوق‌الدوله به وزارت امور خارجه تعیین شده است.

وزیر داخله امروز صبح به ملاقات من آمده اطمینان داد که این مسأله از سه‌هفتهٔ قبل از این که داخل کار شده است، جلب توجه دقیق وی را نموده و مکرراً به شیراز تلگراف کرده اصرار بر دستگیری مقصرین نموده است و بعلاوه اظهار امیدواری کرد که ممکن است پس از ورود مخبرالسلطنه فرمانفرمای جدید بـه آنجا، در امورات بهبودی حاصل گردد. از قرار تقریر وی، مخبرالسلطنه پس از چند روز دیگر به طرف شیراز حرکت خواهد کرد.

من شك دارم از اینکه حکومت حاضره آنقدر قدرت داشته باشد که بتواند اسباب دستگیری مقصرین را فراهم آورد. وزیر امور خارجهٔ سابق بطور یقین اظهار می‌داشت که مقصرین نزد صولة‌الدوله می‌باشند ولی از قرار معلوم این مسأله واقعیت ندارد.

عقیدهٔ من بر این است که دولت اهمیت اوضاع را خوب شناخته‌اند ولی بدبختانه نمی‌توانند اقدام مؤثری بنمایند و رویه و وضع سلوك دوستانهٔ دولت اعلیحضرتی را بسیار قدر می‌دانند.

نمره ـ ۱۵۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ ژون ۱۹۱۲ [۲۹ خرداد ۱۲۹۱: ۳ رجب ۱۳۳۰]

کرمان

راجع به تلگراف ۲۸ مه من:

یاغیان متفرق شده‌اند و دو سرکردهٔ آنها هم دستگیر و محبوس شده‌اند. کلنل هیگ راپورت می‌دهد که ایالت قصد کشتن دو نفر مذکور را دارد. اینها از مقصرین قدیمی هستند و در جنگ آشکارا برضد دولت مشروطه دستگیر شده‌اند و مسئول خیلی از

بدبختی‌ها و مصیبات این ایالت بوده‌اند. عقیدهٔ کلنل هیگ بـا ایالت موافق است و گمان می‌کند تعقیب طریق دیگری صلاح نخواهد بود.

اگرچه من خیلی بی میل به این اقدام هستم ولی مجبورم بـا این عقیده موافقت نمایم چرا که با این اوضاع درهم و مغشوش مملکت، چنین اقدامی برای عبرت‌سایرین به عقیدهٔ من لازم است.

چون ایالت عقیدهٔ مرا در این موضوع نخواسته است، من نصیحتی به او ننموده‌ام.

نمره ـ ۱۵۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۹ ژون ۱۹۱۲ [۲۹ خرداد ۱۲۹۱؛ ۳ رجب ۱۳۳۰]

از تلگراف ۱۷ ژون شما مشهود می‌گردد که ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که مقصرین حمله به عساکر انگلیس از این تاریخ تا سه هفتهٔ دیگر [دستگیر شوند]. چنانچه شما می‌دانید ما عودت دستهٔ قشون بوشهر را مشروط به تسلیم اینها نمودیم.

اگر بایـد قشون خود را در شیراز نگاه داریم، بایستی برای آنها منزل بسازیم مگر[1] آنکه دولت ایران تعهد بنمایند که قیمت عمارات و منزل‌های مذکوره را پس از تخلیهٔ آنها مسترد دارند.

ما نمی‌توانیم به آنها مهلت دهیم تا آنکه با تقاضای ما موافقت نمایند.

از قراری که فهمیده‌ام دولت ایران بکلی قادر بر دستگیری مقصرین نمی‌باشند ولی باید راپورت دهید که آیا آنها برای این مقصود بـا ایلات حقیقتاً در مقام مذاکره برآمده‌اند یا نه؟

لطف نموده نظریات خود را پس از مشورت با جنرال‌قنسول بوشهر و کلنل دوگلاس هرقدر زودتر که ممکن است تلگراف کنید.

نمره ـ ۱۶۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۰ ژون ۱۹۱۲ [۳۰ خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ رجب ۱۳۳۰]

راجع‌به مراسلهٔ ۴ ژون من و تلگراف ۱۹مه شما ـ راه لینچ ـ خوانین اشکال‌تراشی نموده‌اندو از لینچ درخواست نموده‌اند که برای اجرای لوازم حفظ راه، مبلغ ۸،۰۰۰ لیرا قرض بدهند.

شما باید سعی کرده خوانین بختیاری را وادارید قراردادهای خود را بـه انجام رسانیده و اختیارات زیاد به یوسف‌خان بدهند.

www.adabestanekave.com

---

۱) در اصل: و مکر. ـ م.

نمره ـ ۱۶۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ ژون ۱۹۱۲ [۲ تیر ۱۲۹۱؛ ۷ رجب ۱۳۳۰]

راه اهواز

راجع به تلگراف ۲۰ ژون شما:

امید زیاد دارم که به واسطهٔ قرار و مداری‌که از چند روز به این طرف در باب آن با خوانین مشغول مذاکره بوده‌ام، بطور دائم در اوضاع امنیت راه اهواز بهبودی حاصل گردد.

یوسف‌خان به انجام این کار موفق نشده و سردارجنگ به جای وی منصوب خواهد شد. وجوهات لازمه را خود خوانین تحصیل خواهند نمود. الحال که دیگر مسألهٔ تهدیدی در میان نیست، ادارهٔ لینچ ممکن است مایل[1] باشند که خودشان وجوهات لازمه را فراهم آورند و من اینطور فهمیده‌ام که در صورتی‌که اوضاع تغییر کند آنها حتی حاضر [به] دادن مبلغی بطور قرض باشند.

نمره ـ ۱۶۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ ژون ۱۹۱۲ [۲ تیر ۱۲۹۱؛ ۷ رجب ۱۳۳۰]

جنوب ایران

راجع به تلگراف ۱۹ ژون شما:

از آنجایی که حکومت مرکزی را در فارس نمی‌شناسند، آنها به هیچ وجه قادر بر دستگیری مقصرین حمله به عساکر ما نمی‌باشند حتی اگر واقعاً اقدامی برای این امر بنمایند. مشکل است بگوییم چنین اقدامی از طرف دولت شده است یا نه. صدراعظم که دیروز با وی مذاکره‌ای طولانی داشتم، مرا اطمینان داد که علماء نجف یقیناً تلگراف مذکور را مخابره نموده‌اند و به علاوه اظهار داشت در نظر دارد عالم بزرگ شیراز را که آدم بسیار مطلوبی است، از آنجا اخراج نماید و وعده داده است که فرمانفرمای جدید فارس به مجرد آنکه مشغول رتق و فتق امور گردید، باید مقصرین را دستگیر نماید و خزانه‌داری کل را ملامت می‌نمود از این که باعث تأخیر حرکت جناب معظم‌له گردیده است.

کفیل قنسولگری شیراز و کلنل دوگلاس، چنان می‌نماید تصور [می]کنند که عساکر بایستی در آنجا بمانند یا آنکه دولت اعلیحضرتی باید اقدامات برای سرکوبی اشرار بنمایند.

جنرال‌قنسول بوشهر فعلا حضور ندارد و به وسیلهٔ تلگراف هم نمی‌توان با او مخابره نمود. در غیاب او، مستر بیل ارائهٔ طریق می‌کند که ممکن است دولت

---

۱) در اصل: نایل. ـ م.

اعلیحضرتی مجبور شوند همینکه نتیجهٔ نقشهٔ ژاندارمری سوئدیها در فارس مشهود گردید، تجدیدنظری در پلتیك خود در جنوب ایران بنمایند و این مسأله، بنابراین، بیشتر بسته به موفقیت یا عدم پیشرفت نقشهٔ مذکور خواهد بود.

نمره ـ ۱۶۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ ژون ۱۹۱۲ [۵ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۰ رجب ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ ژون من:

وزیر داخله در این تازگی ارائهٔ طریق نمود که یکی از اهالی هلند به جای یفرم‌خان به مقام ریاست کل نظمیه منصوب شود. سفیر روس مرا اطلاع می‌دهد که دولت متبوعهٔ او این عقیده را تصویب می‌کنند.

نمره ـ ۱۶۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۷ ژون ۱۹۱۲ [۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۱ رجب ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۶ ژون شما:

در تعیین یکی از اتباع دولت هلند به ریاست نظمیه، از طرف ما اعتراضی نخواهد شد.

نمره ـ ۱۶۵

تلگراف مستر اوبرن به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۳۰ ژون ۱۹۱۲ [۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۴ رجب ۱۳۳۰]

مسیو سازانف دیروز تلگرافی را [= تلگرامی را] که کفیل قنسولگری روس مقیم تبریز، راجع به نصب سپهدار به مقام شجاع‌الدوله برایش فرستاده بود، به من داد بخوانم. کفیل قنسولگری بطور سخت این اقدام را تقبیح نموده و اظهار یقین نموده بود که این کار باعث تحریك اغتشاشات خواهد شد. او به علاوه راپورت داد که شجاع‌الدوله حالا اظهار می‌دارد دیگر میل ندارد مقام دیگری به وی تفویض شود.

جناب معظم‌له اظهار داشت که فعلا کاری نمی‌توان کرد و از قرار معلوم، او عقیدهٔ کفیل قنسولگری را ذی‌قیمت می‌دانست.

نمره ـ ۱۶۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ ژون ۱۹۱۲ [۲۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم اینك سوادهای مراسلاتی را که قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه

فرستاده و راپورت داده است وقایع نظامی اخیره را که به مظفریت عساکر دولتی و قبضهٔ کرمانشاه و شکست و فرار قشون سالارالدوله و مجلل‌السلطان خاتمه پذیرفت، لفاً ایفاد دارم.

چنانچه ملاحظه خواهید فرمود، مراسلهٔ اولی متضمن اطمیناناتی‌است‌که سالارالدوله از بابت احساسات دوستانهٔ خود۱ نسبت به دولت انگلیس به مستر مك‌دول داده‌است، با وجود آنکه اقدامات دولت انگلیس در ایام گذشته نسبت به خانوادهٔ او خصومت‌آمیز بوده است.

مستر مك‌دول این مطلب را تلگرافاً [=تلگرافی] به من خبر داد ولی جوابی برای او نفرستادم و جواب تلگراف دیگری را که سالارالدوله مستقیماً برای من فرستاده و از من درخواست نموده بود از دولت ایران درخواست نمایم عساکر خود را در ۱۶میلی همدان برای مقابلهٔ او بفرستند، مخابره ننمودم. سالارالدوله در این تلگراف اظهار داشته بود که هرگاه دولت غیر از این بکنند، او قادر نخواهد بود که امنیت جان و مال اهالی شهر را که داخل جنگ نبودند، ضمانت نماید.

پیشرفت حرکات نظامی را هر زمان که تازه‌ای بوده تلگرافاً [=تلگرافی] راپورت داده‌ام. حرکت عساکر فرمانفرما که در اوائل آوریل از طهران حرکت نمود، خیلی بطور تأنی بود و تقریباً تا آخر ماه به همدان نرسید [و] اول دفعه کـه با عساکر سالارالدوله در تحت امـر مجلل‌السلطان مقابله نمود، قشونش بطور سخت شکست خورده چند توپ از دست دادند.

وزیر امور خارجه سپس به من اظهار داشت که این جنگ، جنگ خائفانه بوده است. قشون طرفین همینکه با هم مقابل شدند، به یکدیگر شلیك نموده و بدون آنکه بتوانند از خود جلوگیری نمایند، فرار کردند و علت آنکه عساکر مجلل‌السلطان غالب آمدند این بود که او اول ملتفت شد که قشون طرف مقابل هم پس از شلیك رو به فرار گذارده‌اند.

اگرچه کاملا انتظار می‌رفت که فرمانفرما مغلوب گردد و اغلب شکست او را مورد سخریه و مزاح قرار داده بودند، وصول اخبار شکست او به طهران، خیلی اسباب تغیر و تشدد گردید. یفرم‌خان مشهور فوراً فرستاده شد که به سرکردگی فدائیان ارامنه، که با کمال عجله از همدان اعزام گردیده بودند، با خصم مقابل شود و به بختیاریهایی که از طرف زنجان رفته بودند، امر داده شد که با کمال عجله به محل جنگ بروند و خود یفرم در اتومبیلهایی که برحسب اتفاق از بادکوبه برای مسافرت نایب‌السلطنه تا انزلی جمع‌آوری شده بود، به طرف همدان حرکت نمود.

به ورود یفرم، امورات تا اندازه‌ای نظم و ترتیبی گرفت و فوراً بطرف مجلل که پس از وصول خبر نزدیك‌شدن او، تا مسافتی قشون خود را عقب کشیده بود و مقام دفاعی محکمی در بعضی کوهها بدست آورده بود، حرکت کـرد. جنگ در ساعت نه

---

۱) اصل: احساسات خوددوستانه. ـ م.

قبل از ظهر شروع شده در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر آن روز اینطور می‌نمود که عساکر دولت فتح قاطعی نموده‌باشند که یفرم با کمال بی‌باکی به برج خشت و گلی که در عرض جنگ یك عایق نامطبوعی برای او شده بود، نزدیك شد. ظاهراً این اقدام او هیچ سبب و جهتی‌نداشت چراکه مردان او بخوبی‌می‌توانستند این‌نشانه‌زنهای قابل برج مذکور را دستگیر و تنبیه نمایند. از قرار معلوم همین که یفرم نزدیك به آن برج رسید، یك دکتر ایرانی که اعمال حالیهٔ او نشانهٔ یك آتیهٔ خوبی بود پهلوی وی به ضرب گلوله مقتول گردید. پس از قتل او، یکی از همراهان یفرم فریاد برآورد و خواست یفرم را از جلورفتن منع نماید که یفرم سر خود را بالا کرده و از بالای برج، گلوله بر گوشهٔ دهان او خورده از پس گردنش عبور و مغزش را از هم متلاشی نمود و همان‌جا جان سپرد.

گفتگویی نیست در اینکه پیش رفتن یفرم، کار خوبی نبود چرا که به ضرب گلولهٔ دشمن فوراً جان سپرد.

ممکن‌است‌که خود او خواستگار مرگ بوده والا توضیح اینکه چرا او بدون هیچ‌گونه قصدی سوار شده بطرف برجی رفته است کـه از آنجا گلوله بـه او انداخته شود، مشکل است.

همین‌که یفرم به زمین افتاد، عساکر را وحشت فرا گرفته و اگر بواسطهٔ جرئت و عزم کری‌خان ارمنی که به جای یفرم به فرماندهی منصوب گردید نبود، ممکن بود مصیبت بزرگی آنها را فراگیرد چرا که مجلل‌السلطان عساکر امدادی خود را که به قصد حمله به یفرم ذخیره نگاه داشته بود که پس از خستگی یك روز جنگ، همراهی نمایند، احضار نمود.

کری به وسیلهٔ تیرباران‌کردن آنهایی‌کـه از جنگ فرار کرده بودنـد، از فرار سایرین جلوگیری کرده سپس ارامنه و بختیاریها با کمال شجاعت جنگ کرده و پس از سه ساعت جنگ سخت، به عقب‌نشانیدن کامل عساکر مجلل موفق گردیدند.

آفتاب طالع سالارالدوله رو به غروب نهاد و عساکر دولتی استفادهٔ خود را بـا عزمی ثابت برخلاف معمول جنگهای ایرانیان تعقیب نموده و مجلل‌السلطان را متدرجاً به عقب‌نشانیدند تا آنکه با هشتاد نفر از همراهان خود به طرف کرمانشاه فرار نمود. بعد از آن، دیگر چندان با عساکر دولتی مخالفتی به ظهور نرسید تا آنکه به دو منزلی آن شهر رسیدند. در این‌جا، ایلات کلهر و سایر ایلاتی که به سالارالدوله ملحق‌گردیده بودند، توقف داشتند ولی از قراری که حالا معلوم می‌شود، خود شاهزاده در هیچ یك از این جنگها حضور نداشته است. دوباره بخت با عساکر دولتی مساعدت نموده و عساکر مذکور [=عساکر سالارالدوله] شکست خورده داودخان کلهر و پسرش مقتول گردیدند.

راه کرمانشاه حالا مفتوح گردیده و عساکر دولتی با وجود تهدید توخالی سالار-الدوله، که تا آخرین دقیقه دست از دفاع برنداشته و دولت مسؤول هرگونه خساراتی که در موقع بمباردمان وارد آید خواهد بود، به شهر وارد گردیدند.

بخوبی معلوم نیست در مورد شخص سالارالدوله چه واقعه‌ای رخ داده است ولی بعضی را عقیده بر این است که او و مجلل‌السلطان فرار کرده و نزد والی پشتکوه رفته‌اند.

بختیاریها و فدائیان فعلا برای مراجعت به طهران داد و فریاد می‌کنند و این مسأله خود ظاهر می‌سازد که دیگر چیزی در کرمانشاه برای غارت نمانده است.

اهالی حضور بختیاریها را در طهران مایل نمی‌باشند و خیلی خطر دارد که هرگاه قبل از آنکه کار سالارالدوله به جایی ختم شود، قشون دولت آنجا را تخلیه نمایند. شاهزاده دوباره آنجا را در حیطهٔ تصرف خود در آورد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف یك نمرهٔ ۱۶۶

مکتوب قنسول مك‌دول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۱۵ مه ۱۹۱۲ [۲۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم راپورت دهم که سالارالدوله دیروز مکتوبی به من نوشته دعوت نمود از وی ملاقات نمایم. من دعوت او را قبول نموده و در موقع ملاقات، به من اظهار داشت [که] می‌خواهد برای شما توضیح بنمایم که او خود را وطن‌پرست دانسته و فقط مقصودی که دارد این است که در ایران انتظامات اعاده گردیده و حکومت مقتدری که آنهایی‌که فعلا زمامدار امور هستند به حصول آن به هیچ وجه موفق نخواهند گردید، در طهران قائم گردد و او می‌تواند بیشتر از سردار اسعد که مقید به وعده‌هایی است که در آخرین مسافرت خود به پاریس به مسیو ایسولسکی [=ایزوولسکی] وزیرمختار دولت روس مقیم پاریس داده، به دولت انگلیس فایده برساند و او (شاهزاده) شخصاً جهة و سببی برای دوست‌داشتن انگلیس‌ها ندارد که در موقعی‌که در قنسولخانهٔ اینجا پناهنده شده بود، او را تسلیم برادرش نمودند و باعث حبس و تبعید و از دست دادن املاکش گردیدند. ولی از آنجایی‌که خود را وطن‌پرست می‌داند، بخوبی درك نموده است که دولت انگلیس حقیقتاً مایل [به] حفظ تمامیت ایران بوده و گذشته از آن صرفهٔ دولت مشارالیها در این است که تمامیت و استقلال ایران محفوظ باشد. او بنا بر این بسیار مایل است که آنچه بتواند در راه تقویت و حمایت منافع دولت انگلیس به انجام رساند و از اول تاکنون اوامر برای حفظ اموال انگلیس‌ها داده است.

من اظهار داشتم که به موجب اخبار واصله از همدان، مجلل‌السلطان شهرت داده بود که وزرای طهران، ایران را به دولتین فروخته و علماء کردستان حکم جهاد برضد دولتین داده‌اند و اول اقدامی که خواهد شد غارت اموال اتباع خارجه خواهد بود.

او در جواب گفت که این نشریات نتیجهٔ حیله و تزویر دشمنان او بوده و مجلل بدون امر او نمی‌تواند چنین حکایات را اشاعه دهد.

من وعده دادم که اظهارات وی را برای شما مخابره نمایم. او، سپس به من اظهار

داشت که علی‌اکبرخان سنجابی با ۸۰۰ نفر به طرف اردوی مجلل حرکت کرده و عدهٔ دیگر به وی ملحق خواهند شد.

از قرار اطلاعاتی که به من رسیده، آنها هنوز حرکت نکرده‌اند.

(امضاء) مك‌دول

ملفوف دوم نمرهٔ ۱۶۶

مکتوب قنسول مك‌دول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۱۶ مه ۱۹۱۲ [۲۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۸ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم در تعقیب مراسلهٔ دیروز خود راپورت دهم که از قرار اطلاعات دیگری که بدست آمده، معلوم می‌شود که کاظم‌خـان سنجابی و سالار ارشد کردستانی که در موقع شکست‌خوردن فرمانفرما با مجلل‌السلطان بودنـد، همین که اخبار نـزاع بین ایلات مذکور را شنیدند، مراجعت کردند. این کار از روی کمال احتیاط بود چرا که عدهٔ قشون فرمانفرما خیلی کم بود. مجلل به سالارالدوله نوشت که عوض آنکه قشون امدادی برای وی برسد، عده‌ای از عساکر وی برای شرکت در جنگ ایلات کرمانشاه حرکت کردند و به او تأکید نموده بود که کارها را مرتب نموده و عساکر امدادی اعزام نماید.

سالارالدوله بعضی از علماء و سایرین را نزد سنجابیها فرستاده نتیجه این شد که صمصام‌الممالك نزد وی آمده، شاهزاده او را پدر خود خطاب‌کرده، درآغوشش‌گرفت و مبلغ سه هزار تومان به انضمام انعامات دیگر به او داد.

صمصام‌الممالك اظهار داشت که ایلات قبول این که در تحت حکمفرمایی کلهرها قرار داده شوند، نمی‌کنند و اگر آنها با ایلات کلهر تلاقی شوند، جنگ به وقوع خواهد رسید و در آن صورت غیرممکن است بتوانند به اتفاق کلهرها در قشون جنگ کنند. سالارالدوله وعده داد که در صورتی‌که آنها از وی تقویت نمایند، به هیچ وجه در تحت امر و حکمفرمایی سردار مظفر قرار داده نخواهند شد و خواهش نمود که ۸۰۰ نفر در تحت امر علی‌اکبرخان و کاظم‌خان به کردستان اعزام گردنـد که به عساکر مجلل مدد رسانند و سردار مظفر با قشون تحت امر خود به همراه آنها حرکت خواهد کرد. از قرار معلوم صمصام‌الممالك این ترتیب را قبول کرده و برای ملاقات پسرش علی‌اکبرخان که سرکردهٔ حقیقی این قشون متحده است، به ده خود رفته است ولی هنوز معلوم نشده که آیا او این کار را قبول خواهد نمود یا نه. یحتمل آنها منتظر وصول اخبار از طرف فرمانفرما می‌باشند و اگـر او قبل از حرکت آنها مجلل را شکست دهد، نخواهند رفت.

سردار مظفر مکتوبی به احتشام‌الممالك کرندی نوشته اقدام او را در تنبیه کلهرها برای سوء رفتارشان تصدیق کرده است و از قراری که مشهود گردیده، او از قوهٔ قشون متحده ترسیده و مگر آنکه به او حمله شود، با آنها جنگ نخواهد کرد. انتظار

می‌رود که در ظرف یکی دو روز دیگر به اینجا وارد شود که متفقاً به طـرف کنگاور پیش‌قدمی نمایند ولی حرکات وی غیرمعلوم بوده و هست.

ایلخانی که حالیه با ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر در سنندج توقف دارد، سالارالدوله را اطلاع [داد] که ایل قزل حدود خود را حفظ نموده و می‌نمایند و سالارالدوله او را تعلیم داد که حرکت نکرده و سنندج را حفظ نمایند.

(امضاء) مك‌دول

ملفوف سوم نمرهٔ ۱۶۶

مکتوب مك‌دول قنسول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۲۲ مه ۱۹۱۲ [یکم خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

در تعقیب مراسلهٔ ۱۶ مه خود، افتخار دارم شما را اطلاع دهم که رئیس ایل سنجابی در جواب توسط قاصد سالارالدوله، پیغام داده است که از آنجایی‌که با کلهرها نزاع دارد تا زمانی‌که دسته‌جاتی‌که آنها اعزام نموده‌اند از کرمانشاه جلوتر نرفته‌اند و چون که فعلا به واسطهٔ تحریك کلهرها اغتشاشی در سرحد به ظهور رسیده است، او به هیچ وجـه نمی‌تواند حتی یك نفر بـرای او بفرستد. هیچ‌یك از پسران او، به کردستان مراجعت نکرده‌اند.

علی‌اکبرخان سنجابی همین‌که از جنگ بین باجلان و شیخ نصرالدیـن مستحضر گردید، با سیصد نفر، برای‌همراهی‌با باجلان حرکت‌کرد. سردار مظفر به سالارالدوله اطلاع داده است که تا زمانی‌که دسته‌جات سنجابی از کرمانشاه حرکت ننموده‌اند، نمی‌تواند برود و به علاوه می‌گوید که تا زمانی که والی پشتکوه حرکت نکرده، او نخواهد رفت. والی پشتکوه در جواب اظهار داشته است که حرکت خواهد کرد ولی در هریك از مراسلات خود یك عذر و بهانه برای تأخیر حرکت خود ارائه می‌دهد.

از آنجایی‌که پیشرفت اقدامات سالارالدوله بسته به کمك ایلات است فعلا کار بر وی مشکل شده، مجلل‌السلطان اتصالا به سالارالدوله کاغذ نوشته و درخواست اعزام قشون امدادی و حرکت شخص او را می‌کند ولی شاهزاده کاری از دستش برنمی‌آید و پیغامات دروغی به سالارالدوله محض تشویق و ترغیب برای طرفداران و تقویت‌کنندگان خود فرستاده، راپورت ورود رؤسای ایلات مختلفه را می‌دهد.[۱]

من از روی دلیل عقیده‌ام بر این است که او در تهیهٔ فرار[۲] است.

(امضاء) مك‌دول

---

۱) چنین است در اصل، جمله نارسا است. ـ م.

۲) اصل: قرار. ـ م.

ملفوف ۴ نمرهٔ ۱۶۶

مکتوب مك‌دول قنسول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۳۱ مه ۱۹۱۲ [۱۰ خرداد ۱۲۹۱: ۱۳ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم راپورت دهم که در ۲۷ ماه، ایلخانی به سالارالدوله راپورت داد که دستهٔ پیش‌قراول عساکر دولتی را شکست داده و قشون امدادی طلب نمود.

داودخان کلهر (سردار مظفر) طرف عصر روز ۲۸ به وی ملحق گردیده، پس از جنگ مختصری. پیش‌قراولان مذکور به صحنه مراجعت نمودند. صبح آن روز عساکر دولتی با توپخانه و ماکزیمها، به قشون داودخان حمله برده و داودخان مجروح و پسر ارشدش علی‌اکبرخان با بسیاری دیگر به انضمام اشخاص معتبر از ایل کلهر، مقتول گردیده بقیه فرار اختیار نموده عساکر دولتی تا بیستون آنها را تعاقب نموده از آنجا بـه خاك خود فرار کردنـد. داودخان از زخمی کـه برداشته بـود جان سپرده حاجی‌زاده‌های ایلخانی بطرف کوهها فرار کردند.

سالارالدوله که گمان نمی‌کرد کسی جرأت حملهٔ به او را خواهد داشت مجلل‌السلطان را با یك عراده توپ و قشون امدادی می‌فرستاد که اخبار شکست و فرار قشونش به وی رسید. کاظم‌خان سنجابی نزد او بود ولی دفعتاً او هم با همراهان خود و بعضی از کردستانی‌ها بطرف دهات خود حرکت نمود.

سالارالدوله و مجلل با یك عراده توپ و آنچه که قشون همراه داشتند، به طرف لرستان فرار کردند ولی ممکن است به ولایت ایلات کلهر رفته باشند. عدهٔ قشون آنها کم است ولی نتوانسته‌ام تخمین عدهٔ آن را بدست بیاورم.

بعد از ظهر ۳۰ مه فرمانفرما با قشون‌خود به کرمانشاه وارد شده. شهر آرام‌است.

(امضاء) مك‌دول

نمره ـ ۱۶۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ ژون ۱۹۱۲ [۲۴ خرداد ۱۲۹۱: ۲۷ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

از حضور کاپیتان کری ویس‌قنسول اعلیحضرتی مقیم اهواز استفاده شده است که در تمام مسائلی که مربوط به خوانین بختیاری است، مداقه و تحقیقات کامل بنماید.

مهمترین این مسائل کدورتی است که بین بختیاریها و شیخ محمره موجود بوده و منجر به مخاصمات آشکارا گردیده است.

شما آگاه هستید که بهار سال گذشته به واسطهٔ فشاری کـه سفارت طهران به بختیاریها وارد کرده و نصایح قنسول اعلیحضرتی در محمره به شیخ که میانه‌روی و اعتدال را رویهٔ خود قرار دهد، نزاع بزرگی که ممکن بود بین آنها به وقوع رسد، برطرف گردید. بدبختانه نتیجهٔ تمام این وساطتها این بـوده است که طرفین تصور

کرده‌اند به واسطهٔ پذیرفتن نصایح مذکوره خسارات مادی بسیار به آنها وارد آمده است.

خوانین بختیاری ادعا می‌کنند که بنا بر تعلیماتی که از دولت ایران رسیده بود و به خواهش[1] سفارت، شوشتر را تخلیه نمودند و پس از انجام این کار، عساکر شیخ نه فقط شهر مذکور را اشغال نمودند بلکه تمام محصول و دهات عقیلی را آتش زده خسارت زیاد قریب ۱۰۰،۰۰۰ تومان (۲۰،۰۰۰ لیرا) به اموال سردار محتشم وزیر جنگ وارد آوردند و به علاوه اظهار می‌دارند که اعراب با بعضی از همراهان و بستگان آنها که در شوشتر مانده بودند بدرفتاری نموده و آنها را حبس کرده بودند.

خوانین، مخصوصاً سردار محتشم، از این اقدام که به تصور آنها تخلف از قرار وی بوده که در تحت سرپرستی دولت ایران فیمابین داده شده، خیلی خشمگین می‌باشند و از سفارت اعلیحضرتی هم متغیر هستند چرا که می‌گویند اگر به آنها اطمینان داده نشده بود که شیخ شرایط قرارداد مذکور را پای‌بند خواهد بود به هیچ وجه من‌الوجوه رویهٔ مصالحت‌آمیز نسبت به او اتخاذ نمی‌نمودند. سردار محتشم با کمال تأکید اظهار می‌دارد که اگر غرامت تمام برای خسارات وارده داده نشود، او قریب پنج هزار سوار در پاییز جمع‌آوری نموده عساکر شیخ را تا لب دریا خواهد راند.

از طرف شیخ بطور یقین اظهار شده است که بختیاریها شوشتر را تخلیه ننموده، بلکه همین‌که اعراب نزدیك شدند، فرار کرده مبلغ پنج هزار تومان (۱،۰۰۰ لیرا) که متعلق به همراهان شیخ مقیم آن شهر بود، بردند.

محقق است که قسمتی از اراضی عقیلی را اعراب خراب نموده‌اند ولی اینطور دعوی می‌شود که این اقدام برخلاف اوامر شیخ به عمل آمده و تصور می‌شود که محتملا چنانچه سابقاً در مواردی که اینگونه هجومها به وقوع می‌رسیده معمولش بوده است، شیخ تلافی این خسارات را خواهد کرد ولی برای این خسارات پنج هزار تومانی را که بختیاریها از شوشتر برده‌اند محسوب خواهد داشت. این طور ظاهر می‌گردد که شیخ از ناصحین انگلیسی خود ناراضی است چرا که اگر برای خاطر آنها نبود، او در موقعی که افراد اعراب حاضر برای انجام اوامرش بودند، آنها را برای مقابله با بختیاریها به آن نقاط می‌فرستاد.

اوضاع درهم برهم حالیه تا اندازه‌ای که توانسته‌ام به کسب اطلاعات موفق گردم، به قراری است که مذکور گردید و حتی با کمك بی‌طرف مأمورین قنسولخانهٔ اعلیحضرتی، پی‌بردن به حقایق امر چندان سهل نیست چرا که اطلاعات آنها طبعاً از منابع مبهمه است. از قراری که مفهوم ماژور هاورت شده است، بختیاریها شوشتر را تخلیه ننمودند تا آنکه همین‌که قشون اعراب که در عده زیادتر بودند نزدیك شده، آنها را مجبور به این‌کار نمودند و علی‌هذا بختیاریها چنانچه‌خودشان اظهار می‌دارند، به میل خود بر وفق شرایط قراردادی که در تحت سرپرستی دولت ایران بین آنها

---

۱) اصل: حسب‌الخواهش. ـ م.

منعقد گردید عمل ننمودند.

به کاپیتان کری اطمینان داده شده است که قسمت معظم استعداد بختیاریها، قبل‌از آمدن اعراب، از شوشتر حرکت نموده و فقط یك دستهٔ کوچکی برای نظم شهر در آنجا توقف نموده بودند.

ماژور هاورت تصور می‌کند که شیخ به واسطهٔ کثرت قشون خود می‌تواند بختیاریها را مغلوب سازد ولی کاپیتان کری را عقیده بر این است که بختیاریها به واسطهٔ مهارت خود در جنگ به قشون اعراب حمله برده و غلبه خواهند نمود.

حدس اینکه آیا کدام طرف غالب یا مغلوب خواهد شد مهمل و بی‌ثمر است چرا که مقصودی که ما در نظر داریم این است که از وقوع مصادمه که باعث تسویهٔ عمل شود جلوگیری کنیم و برای این مقصود، ما در موقع ملاقات کاپیتان کری به خوانین تأکید نموده‌ایم راضی شوند در پاییز اجلاسی در نقطه‌ای نزدیك شوشتر منعقد گردیده از طرف شیخ و بختیاریها وکیلی به آنجا فرستاده شود. ماژور هاورت و کاپیتان کری هم در آنجا حضور بهم رسانیده و مساعی جداً بکار برده خواهد شد کـه تمام مسائل معوقه به امید اینکه صلح بادوامی برقرار شود حل و تسویه شود.

خوانین اظهار میل نموده‌اند کـه وکیلی از طرف خود بفرستند ولـی می‌گویند نمی‌توانند به وکیل خود اختیارات تامه برای اتمام قراردادی در آن محل بدهند و شرایط چنین قراردادی که در مد نظر است، بایستی به طهران فرستاده شود که در آن مداقه نموده و آن را تصویب نمایند.

این‌طور پیشنهاد شده است که مجلسی در ماه دسامبر آینده منعقد گردد و تصور می‌شود که مذاکرهٔ تمام مسائل جاریه اقلا یك ماه طول خواهد کشید.

من از روی دلیل عقیده‌ام بر این است که قنسول جنرال مقیم بوشهر، انعقاد چنین مجلسی را کاملا تصویب خواهند نمود و یحتمل خودشان به مدت کمی آنجا حضور پیدا کنند.

من این ارائهٔ طریق را به اطلاع سر پی‌کـاکس رسانیده‌ام و در صورتی‌که شما تصویب بنمایید، پیشنهاد می‌کنم سعی کنیم خوانین را وادار[1] کتباً قبول فرستادن نماینده در آنجا بنمایند.

من خیلی امیدوارم که تبادل نظریات، نتایج مستحسنه خواهد داشت ولی عقیده‌ام بر این است که در صورتی‌که برای دولت ایران ممکن بـاشد حکمران بی‌طرفی به عربستان بفرستند که دائماً در شوشتر اقامت نماید. این اقدام مادأ ۱ برای برقـرار داشتن مناسبات حسنه فی‌مابین دو طرف مدد و کمکی خواهد بود. در این صورت اگر ممکن باشد حکمران قراولان و مستحفظین را که لازم دارد از هیچ‌یك از دو فرقهٔ متخاصم نخواهد گرفت و اگر انجام این کار امکان‌پذیر نشد، من ارائهٔ طریق می‌کنم که قراولان او باید نصف از اعراب و نصف از سواران بختیاری باشد و اعراب را

---

۱) چنین است در اصل. [=صورتاً؟] ـ م.

برای مأموریتهای راجع به اعراب و بختیاریها را برای مأموریتهای راجع به بختیاریها بفرستند.

البته این مسئله مسلم است که نه بستگان شیخ و نه بستگان بختیاریها نباید[1] در عمل حکومت شهر شوشتر و دزفول سرکشی داشته باشند.

بسیاری از منازعات سابقه، به علت فاصلهٔ طولانـــی بین عزل حکمران و تعیین حکمران دیگری بوده که در غیاب مأمورین صحیح دولتی، حکومت این نقاط به شیخ یا بختیاریها سپرده شده است.

من عقاید خود را به اطلاع سر پی‌کاکس و ماژور هاورت رسانیده و امیدوارم که در صورتی‌که شما تصویب بنمایید، به وسیلهٔ آنها بتوان این اوضاع امور را که متضمن بسیاری پیش‌آمدهای غیرمطبوع است خاتمه داد که از آن‌جمله مسدودگردیدن راه بختیاری که فقط راهی است که تجارت انگلیس از جنوب به شمال به وسیلهٔ آن ممکن است، خواهد بود.

چنانچه ملاحظه می‌شود [بین] تخمین مقدار خسارتی که سردار محتشم نموده با تخمینی که ماژور هاورت نموده است فرق کلی است. یحتمل مـــاژور هاورت فقط خساراتی را که وارد آمده تخمین نموده است و حال آنکه سردار محتشم اصرار دارد بر اینکه رعایای دهات او، از آنجا رانده شده[اند] و دیگر جرأت مراجعت ندارند و به این طریق تا چندین سال دیگر، زراعت در آن دهات نخواهد شد و این اراضی در ۱۹۱۲ به شانزده هزار تومان اجاره داده شده بود (۳،۲۰۰ لیرا).

خیلی غیرمحتمل است که سردار محتشم بتواند پنج هزار نفر بـــرای جنگ تهیه کند چرا که عدهٔ قوهٔ جنگی بختیاریها فقط به ۸۰،۰۰۰ نفر[2] تخمین شده که دو هزار نفر آنها خارج خاك بختیاری به طهران و اصفهان فرستاده شده‌اند.

اگر جنگی بین بختیاریها و شیخ به وقوع رسد، اثرات بسیار عمیق بر اوضاع پلتیکی ایران و تجارت انگلیس خواهد داشت.

یك مسأله مسلم است و آن این است که بختیاریها از اوضاع پلتیکی حالیه استفاده نموده، هر قدر بتوانند اسلحه و مهمات جنگی به خاك خود وارد می‌کنند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۱۶۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ ژون ۱۹۱۲ [۲۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـــا

مکتوب سابق من در باب امورات بختیاری، راجع به مسألهٔ مناسبات این ایل مقتدر و

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

۲) در اصل ۸۰۰۰ هزار نفر. ـ م.

متنفذ و شیخ محمره می‌باشد.

در این مکتوب سعی من در این خواهد بود که اوضاع راه اهواز الی اصفهان را که به راه بختیاری مشهور است، توضیح نمایم اگرچه به واسطهٔ اینکه کمپانی لینچ این راه را تعمیر نموده‌اند موسوم به راه لینچ می‌باشد.

از چندی به این طرف، غالباً شکایت می‌کردند که خوانین بختیاری که مسئول حفظ راه می‌باشند، اقدامات لازمه برای تأمین آن نمی‌نمایند و در این باب اتصالا به خوانین طهران اظهار می‌شد و آنها تعلیمات مکرره برای خوانین محلی می‌فرستادند که اقدامات لازمه برای حفظ قوافل راه بنمایند و به این مسأله خیلی اهمیت داده می‌شد که یوسف‌خان امیر مجاهد برای حکومت بهبهان تعیین شده و او می‌تواند از کهکلوئیها [=کهگیلویه‌ای‌ها] که در بعضی از مواقع سال هنگامی‌که‌برای بختیاریهای چادرنشین به محلات دیگر که دارای مراتع و آب فراوان باشد، نقل‌مکان می‌کنند، مشغول راه‌زنی می‌شوند، جلوگیری نماید.

در موقع باریکی که خیلی لازم بود اقدامات برای جلوگیری کهکلوئیها [=کهگیلویه‌ای‌ها] به عمل آید، خبر رسید که امیر مجاهد به‌طرف بهبهان حرکت نموده و به علت مخالفت سردار اشجع پسرعموی او که کنترل راه را به دست خود می‌دانست و با زرنگی مخصوصی که به هیچ وجه مقتضی و مناسب منافع راه نبود عمل می‌نمود، دست از مأموریت خود کشیده است.

سردار اشجع تا همین اواخر به حکمرانی اصفهان منصوب بود و عدم کفایت خود را در آنجا ثابت نمود. مقارن وصول اخبار بدرفتاری او نسبت به پسر عمویش، این طور راپورت داده شد که او از مفتشین راه که ادارهٔ لینچ فرستاده بود، جلوگیری کرده و آنها را به اصفهان مراجعت داده است. سفارت فوراً به خوانین پروتست نموده و سردار اشجع به پایتخت احضار شد که اعمال خود را توضیح نماید.

از قراری که مذکور است او فعلا در راه است ولی در عرض این مدت سارقین کهکلوئی [=کهگیلویه‌ای] راه را کاملا اشغال نموده[اند] و کمی شك می‌رود از اینکه تا چند هفتهٔ دیگر عبور و مرور قوافل در آن بکلی موقوف شود.

این مسأله فعلا جلب توجه مخصوص خوانین اینجا را نموده و موضوع مذاکرات موقع ملاقات کاپیتان کری شده است. پس از تفکرات بسیار، آنها به وکیل لینچ پیشنهاد کرده‌اند که ادارهٔ لینچ بایستی مبلغ (۴۰،۰۰۰ تومان) قریب (۷،۵۰۰ لیرا) به آنها قرض دهد که به اقساط در مدت پنج سال وجه مذکور را مسترد دارند و عذر آنها این است که پول برای محافظت راه موجود ندارند و اظهار می‌دارند که در صورتی‌که وجه مذکور داده شود، در نظر دارند سردارجنگ، یکی از برادران سردار اشجع را، برای حکومت بهبهان نامزد نموده اختیارات تامه در راه و در تمام خاك بختیاری به وی بدهند و چنانچه اظهار می‌دارند در تحت کنترل او انتظار اعادهٔ انتظامات را دارند. خوانین در نظر دارند که اقساط و منافع قرضهٔ مذکور را از باج

پلها بپردازند و حاضرند در صورتی که در پرداخت بدهی خود از بابت قرضهٔ تعویقی روی دهد، وصول باجها را به ادارهٔ لینچ واگذار نمایند و می‌گویند که در صورتی‌که وجه نرسد، نمی‌توانند خود را مسؤول امنیت راه قرار دهند، چرا که وجه برای انجام این مقصود ندارند.

سردارجنگ، در ۱۴ شهر جاری از من ملاقات نموده مرا اطمینان‌داد که آنچه بتواند برای ضمانت امنیت راه و اعادهٔ انتظامات در تمام خاك بختیاری اقدام خواهد کرد. او مشهور به فعالیت و داشتن خصوصیات زیاد نظامی و جدیت و عزم می‌باشد و ملاقات او بر من اثر خوبی نمود.

در جواب سؤال من که آیا باجهایی که امساله وصول شده چه‌شده‌است؟ سردارجنگ اظهار داشت که این پول برای خرید اسب و ملبوس لازمه برای بختیاریهایی‌که در اقدامات نظامی اخیره شرکت داشتند، به مصرف رسیده است.

من اهمیت زیادی را که دولت اعلیحضرتی به مفتوح‌بودن دائمی راه و خالی‌بودن آن از سارقین می‌دهند، به سردار جنگ تأکید کردم و او مرا اطمینان داد که اگر ادارهٔ لینچ پولی که لازم است بپردازند یك هزار نفر برای قراولی راه تعیین خواهد کرد. ولی غیر از قول، خوانین وثیقهٔ دیگری نمی‌توانند بدهند که آیا این پول در صورتی‌که داده شد برای مقصودی که در نظر است به مصرف خواهد رسید یا نه.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۱۶۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ ژون ۱۹۱۲ [۲۷ خرداد ۱۲۹۱؛ یکم رجب ۱۳۳۰]

آقـا

در جواب تحقیقاتی کـه صلاح دانستم از مأمورین قنسولگـری اعلیحضرتی مقیم بوشهر و شیراز در باب اوضاع امنیت راههای بزرگ جنوبی در عـرض چند هفتهٔ اخیر و احتمالات بهبودی در آتیه بنمایم، برای من تلگرافاتی رسیده که افتخار دارم اینك سواد آنها را جوفاً ایفاد دارم.

چنانچه ملاحظه خواهید فرمود اگرچه بیش از چند فقره سرقتهای مهم راپورت داده نشده ولی اشکالاتی‌که به واسطهٔ اجحافات سارقین و در خطر بودن جان و مال، قوافل و مسافرین را دوچار شده و می‌شود، ظاهراً رو به ازدیاد است و نه مستر بیل و نـه مستر اسمارت نمی‌توانند[1] آثار و علائم بهبودی نزدیکی را نشان دهند.

اما از بابت قسمت راه شیراز الی اصفهان، از غرهٔ آوریل الی هفتم ژون، مستر جنرال قنسولگری هم این‌طور تلگراف می‌کند:

روز ۲۸ مه قریب ۴۰۰ رأس حیوان محمول مال‌التجاره از شیراز به اصفهان وارد

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

شد و قریب ۴۰۰ رأس در ۷ ژون از اصفهان به طرف شیراز حرکت کردند. علاوه‌بر این، دیگر قافلـــه وارد و خارج نشده است. امنیت قسمت راه از اصفهان الـــی آباده بهتر شده است و از طرف ادارات تجارتی انگلیس، راپورت سرقتی داده نشده است.

مراتب فوق و لزوم مستحفظین زیاد، در هر موقعی که قافله‌ای حرکت می‌کند، وضع غیرمعمول راه را نشان می‌دهند. برخلاف معمول سابق قاطردارانی که از شیراز بـــه شهر وارد می‌شوند، از مراجعت به طرف جنوب امتناع می‌ورزند و ایاب و ذهاب در راههای دیگر را ترجیح می‌دهند و این مسأله قابل ملاحظه است.

از تلگرافات مستر بیل و مستر اسمارت ملاحظه می‌شود که محمدعلی‌خان و دو نفر دیگر که مسئول حمله بر مستر اسمارت و مستحفظین او می‌باشند، به اشتعال نایرهٔ این اعمال وحشت‌انگیز و دهشت‌آمیز در راه بوشهر الی شیراز دامن می‌زنند و قوام‌الملك، خود را از آنها مقتدرتـــر نمی‌داند کـــه این رؤساء را دستگیر یـــا از آنها جلوگیری نمایند. از بابت این مسأله تاکنون موقعی بدست نیاورده‌ام که زیادتر فشاری به حکومت مرکزی بیاورم چرا که بحران کابینه‌ای که در تلگراف ۳۱ مه خود رجوع به آن کردم، به واسطهٔ مساعی که برای ترغیب نمودن[1] وثوق‌الدوله به عدم استعفایش به کار برده می‌شود و تلون مزاج وزیر مذکور، هنوز امتداد دارد.

در باب وضعیت ایلات جنوب و کشمکش بین صولة‌الدوله و ایلخانی جدیدقشقائیها، افتخار دارم سواد مراسلهٔ اخیر را که مستر اسمارت کفیل قنسولگری در ۲۸ مه در این موضوع برای من فرستاده، لفاً ایفاد دارم. از این مراسله معلوم می‌گردد که عدهٔ قشون صولة‌الدوله خیلی کم شده و قابل اهمیت نمی‌باشند ولی مغلوب نمودن کامل او مشکل است.

اگرچه حرکت ایلات بدون وقوع حادثهٔ نامساعدی که وقتی انتظار آن می‌رفت، به اتمام رسیده ولی مدیر ادارهٔ تلگرافخانهٔ هند و انگلیس بطور سخت از خرابی که عمداً به خطوط تلگرافی ایالت فارس وارد شده و باعث قطع مخابـــرات و انفصال مذاکرات تجارتی گردیده است، شکایت می‌کند.

یك مسألهٔ رضایت‌بخش که در اوضاع فارس مشاهده می‌شود و مستر اسمارت کفیل قنسولگری راپورت آن را داده، بهبودی زیاد رویه و سلوك علماء نسبت به انگلیس و تبادل اظهار تهنیت و مبارکباد روز تولد پادشاه انگلستان از طرف امام‌جمعه بود.

(امضاء) والتر تنلی

مجدداً عرض می‌شود جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که قافله‌ای (قافلهٔ ۲۸ مه) از راه سرحد وارد اصفهان گردید.

www.adabestanekave.com

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

ملفوف یك نمرهٔ ۱۶۹

تلگراف مستر بیل کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

بوشهر ۸ ژون ۱۹۱۲ [۱۸ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۱ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

فقط شکایتی که از بابت سرقت اجناس انگلیس در اینجا شده از بـابت سرقت تریاك کمپانی وکسن [=ویکسون؟] است که قیمت آن معادل ۴۰ لیرا می‌شود که علی کمارجی متمرد، که یکی از مسؤولین حملهٔ دسامبر گذشته [آذر-دی، ذیحجه-محرم] است، آن را در کاروانسرای خواجه ابراهیم سرقت نموده است. ولی بعضی را عقیده بر این است که از کنار تخته در امتداد راه، خرده‌دزدیهای زیاد شده.

ثانیاً آثار و علائم بهبودی مشهود نیست و برخلاف اوضاع، راه از همیشه برای قوافل و مسافرین اروپایی بدتر شده است و برای اتباع انگلیس خطرناك می‌باشد. معاون رئیس بانك چون عدهٔ زیادی مستحفظ از شیراز همراه برده بود، توانست سالماً به مقصد برسد ولی اظهار می‌دارد که تفنگچیها برای هر قاطری ۷ تومان اخذ نمودند.

در دیریسن [=دریسی؟] به یکی از تجار آلمانی قرب همان تاریخ شلیك شد و تهدیداً تا تنگ ترکان برده شد و مجبور به پرداخت یکصد تومان گردید. به بعضی از تجار فرانسوی نیز در ماه آوریل [فروردین-اردی‌بهشت، ع ۲ ـ ج۱] شلیك شده و مجبور به دادن چهل تومان گردیدند. یکی دیگر از تجار آلمانی که چند روز قبل از این وارد شد مجبور به دادن ۱۵ تومان شده و به زن او در جعفر جن، بی‌احترامی‌شد.

اجزاء اردوی سوارهٔ هندی و شترداران بلوچ[1] که چند سال قبل در نزدیکی یزد غارت شده[2] بودند، دو هفتهٔ قبل مراجعت نموده و سرقتی را که در کاروانسرای خواجه ابراهیم بوقوع رسیده و یك مسلمانی که متهم شده بود هندو است، پس از آنکه به ده آورده شده و آنجا توقیف گردیده بود و مجبور به خوانـدن نمازش نموده بودند، راپورت دادند. سایر اشخاصی هم که متعلق به آن دسته بودند، در جعفر جن غارت شدند.

ثالثاً پولهایی که به عنوان راهداری نامشروع در اوایل آوریل ۱۹۱۱ [اواسط فروردین ۱۲۹۰، اوایل ع ۲ ـ ۱۳۲۹] گرفته شده، از ۱۵ قران الی ۷ تومان هر راس قاطری می‌رسد و در ماه سپتامبر ۱۹۱۱ [شهریور-مهر ۱۲۹۰، رمضان-شوال ۱۳۲۹] از ۱۷ قران الی نه تومان و نیم و در عرض دو ماه گذشته از ۲۱ قران الی ۲۷ قران بوده است. الحال تفنگچیان در متجاوز از ۳۰ محل به زور پول می‌گیرند و قند و چای زیادی برده‌اند. قاطرداران به طور سخت شکایت دارند.

رابعاً یکی از بدترین چیزهایی‌که از زمان اقتدار حاصل نمودن رؤسای کشکولی به‌ظهور رسیده فروختن قسمتهای راه به مزایده و به‌کاربردن آن برای منافع خویش می‌باشد و حق لخت‌کردن و اجحاف به قوافل و مسافرین را آشکارا خرید و فروش

---

۱) اصل: بلوچ را. ـ م.

۲) اصل: نموده. ـ م.

می‌نمایند. کشکولیها راه خود را به طرف درهٔ قادون منحرف نموده‌اند برای آنکه از کازرون عبور ننمایند، و کاروانسرای بدنام منزل اول را به محمدعلی که با خان کمارج دشمنی دارد، سپرده‌اند. در اواخر آوریل و اوایل مه [اواسط اردی‌بهشت ۱۲۹۰، اوایل ج ۱ ـ ۱۳۲۹] کاروانسراها به واسطهٔ جنگ ایلات نزدیك زینان [=زنیان؟] تعطیل شد.

خامساً در عرض ده هفتهٔ اخیر، فقط ۴،۰۲۴ رأس قاطر به موجب ثبت، وارد بوشهر شدند و فقط ۱،۰۷۰ رأس در ۱۸ روز گذشته وارد گردیدند. این عده روی‌هم رفته غیرمکفی است. قوافل مجدداً از راه شیف که راه تجارتی نیست و ایاب و ذهاب در آن اشکال دارد عبور و مرور می‌کنند. مظنهٔ کرایهٔ هر ۷۷۰ پوندی از بوشهر الی شیراز به ۳۴ تومان رسیده است.

سادساً کاروانسرا و ده جعفر جن، فعلا مغشوش‌ترین نقاط راه می‌باشند ولی اجحافات آزادانه به عمل می‌آید و مردان مسلح روز به روز جسورتر می‌شوند.

ملفوف دوم نمرهٔ ۱۶۹

تلگراف مستر اسمارت کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

شیراز ۹ ژون ۱۹۱۲ [۱۹ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۲ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

در عرض ده هفتهٔ اخیر، راه معظم از شیراز الی سرحد اصفهان برای عبور و مرور قوافل مسدود گردیده است. در اوایل آوریل، [اواسط فروردین ۱۲۹۰، اوایل ع ۲ ـ ۱۳۲۹] قوام الملك، به حرکت دادن دو نفر مسافرین فرانسوی از سرحد خاك یزد الی شیراز از راه ده‌بید، سالماً موفق گردید.

پس از مذاکرات بسیار با رؤسای ایلات خمسه و تأخیر زیاد و با مستحفظین زیاد که در بعضی از منازل عدهٔ آنها به ۲۰۰ نفر در تحت امر چهار رئیس می‌رسید، ما توانسته‌ایم مال‌التجاره را با گاری محمول مال‌التجارهٔ انگلیسی و اجناس اهل محل، در عرض سه هفته به آباده بفرستیم. این مال‌التجاره‌ها فعلا در آنجا معطل مانده و حکمران آباده تصور می‌کند عدهٔ کثیری مستحفظین کشکولی لازم است و من فعلا در این باب مشغول مذاکره می‌باشم.

در عرض ده هفتهٔ اخیره، قسمت راه از آباده الی اصفهان، خیلی امن‌تر شده است و مفتش ادارهٔ تلگراف انگلیس و هند می‌توانست با کمال امنیت برای تفتیش خط تلگراف در امتداد راه حرکت کند.

بهبودی راه یحتمل بیشتر به واسطهٔ این بود که چون در راه، قوافل عبور و مرور نمی‌نمودند راهزنان دیگر راه را ترك نموده بودند.

ورود قشقائیهایی‌که به طرف شمال نقل‌مکان می‌کنند چون جلو راه کهکلوئیها [=کهگیلویه‌ای‌ها] را خواهند گرفت، ممکن است این راه را باز نگه دارد.

قوافل و پسته حالا از راه سرحد عبور و مرور می‌کنند و محتمل است تا زمستان هم وقتی که ایلات خمسه در موقع حرکت خود به طرف جنوب، از راه معمولی بروند،

قوافل و پسته از این طریق عبور و مرور نمایند.

راه بوشهر برای قوافل باز است ولی اوضاع امنیت آن رضایت‌بخش نیست.

ایالت فارس همین حالا مرا اطلاع داده‌اند که قوافل می‌توانند از پشت کمارج، خود را به راه معمولی برسانند ولی راپورتهایی‌که از کازرون رسیده، از قرار معلوم نشان می‌دهند که این خبر قدری زود داده شده و بی‌موقع است.

تاکنون بعضی از قوافل برای آنکه از دست قراولان وحشی‌صفت، یعنی بستگان محمدعلی‌خان که در راهدار محل وقوع حمله به عساکر مـا باشد، خود را مستخلص سازند، از گردنهٔ سرازیری از راه بردون از کازرون به طرف کمارج می‌روند و محافظت این راه حالیه به دست خورشیدخان کمارجی و کلانتر کازرون است ولی قراولان کاشغری که راه شمال کتل دختر را محافظت می‌کنند بـرای آنکه چرا این قوافل از راه نودان نرفته‌اند، آنها را زیاده بر معمول زحمت داده و جبراً از آنها پول می‌گیرند. سایر قوافلی که به راهدار می‌آیند، قراولان راهدار آنها را به ضرب سر تفنگ مجبور به رفتن از راه نودان می‌کنند. اگرچه گاهگاهی از قرار معلوم آنها را پس از گرفتن مبالغ گزاف گذارده‌اند از راه معمول بروند.

بزرگترین این وحشیهای راهدار، یکـی از مرتکبین حمله به عساکر مـا است. قوام‌الملك با وجود اطمیناناتی که به من داده است، هنوز نتوانسته است او را دستگیر کرده و یا از راه دفع نماید. در تمام راه، قراولان قشقائی قاطرداران را زیاده از حد تحمل اذیت کرده و جبراً از آنها پول می‌گیرند و جعبه‌های مال‌التجاره را باز کرده و خرده‌دزدی می‌کنند.

میانهٔ آنهایی که در طرفین راه سکنی دارند، با قشقائیها خوب‌نیست و خورشیدخان تهدید می‌کند که دهات شاه‌پور و راهدار را که محمدعلی‌خان تابستان گذشته پس از تعدیهای عمدی بر او، به زور گرفته است پس‌بگیرد.

اگر خورشیدخان[1] به استرداد این نقاط موفق گردد، قسمت راه از کمارج به میان‌کتل، امن خواهد شد. او از من درخواست تقویت نموده مادامی که با کمال شدت خورشیدخان و همدستان او را برای منع جنگ و جدال کـه ممکن است راه شیراز موقتاً به واسطهٔ آن مسدود گردد، نصیحت می‌نمایم.

من نظر به مصالح راه، به قوام‌الملك تأکید می‌کنم که تقاضاهای حقهٔ خورشیدخان را قبول نموده و قشقائیها را از تلافی‌کردن ممانعت نماید. قوام‌الملك خود را قادر بر جلوگیری از محمدعلی‌خان مقتدر، که بزرگترین سبب شرارت است، نمی‌داند.

به علت همراهی قوام‌الملك و رویهٔ دوستانهٔ خوانین کشکولی نسبت به قنسولخانه، من توانسته‌ام پنج نفر از مسافرین اروپایی را در راه بوشهر حرکت دهم ولی بـا ترتیبات و تشویش خیال زیاد این کار را کرده و آنها را به دست ایلیاتیهایـی‌که مربوط به حمله به عساکر ما بودند، سپردم. دو نفر از این مسافرین مورد بی‌احترامی

---

۱) اصل: خورشیدخان که. ـ م.

سخت واقع شده و وحشیهای راهدار، از آنها جبراً پول گرفته و تفنگ به آنها قراول رفته و حتی برای تخویف آنها. تیر هوائی خالی کردند.

از غرهٔ آوریل تاکنون، راپورت یك فقره سرقت شش لنگه اجناس انگلیسی در جنوب دشت ارجن، که قیمت آن معادل ۱۸۰ لیرا می‌باشد و سه فقره خرده‌دزدی داده شده است. تمام اطلاعات راجع به قطع‌شدن سیمهای تلگراف به دفعات مکرره و سرقت اموال غلامهای مأمور تعمیر خطوط را می‌توان از مدیرکل در تهران بدست آورد.

من چندان امید بهبودی امنیت قسمت شمالی راه را تا زمستان ندارم چرا که مطیع ساختن ایلات خمسه فعلا غیرممکن است و از قسمت جنوبی هم تا زمانی‌که در اقتدار خودسرانهٔ قشقائیها در راه، اعتدالی حاصل نشده امید بهبودی نمی‌رود. ایالت فارس در موقع نبودن قوهٔ نظامی از روی زرنگی تمام، به واسطهٔ اتحاد ایلات اداره می‌شود.

محمدعلی‌خان و کشکولیها، فعلا عضو اعظم این اتحاد ایلات می‌باشند و تا وقتی‌که دولت بتواند از تقویت آنها صرف‌نظر کرده و ترتیب اتحاد آنها را طوری دهد که در تحت اطاعت و انقیاد دولت وارد شوند، مدتی وقت لازم است.

ملفوف سوم نمرهٔ ۱۶۹

تلگراف مستر اسمارت کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

شیراز ۲۸ مه ۱۹۱۲ [۷ خرداد ۱۲۹۱: ۱۰ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

صولت‌الدوله دوباره در بیضاء به دره‌شولیها ملحق شده و به وسیلهٔ سرزنش‌نمودن آنها[1] که از کشکولیها شکست خورده‌اند، سعی نمود که تقویت آنها را مجدداً جلب نماید. ایلات مذکوره از قبول این کار سر باز زده و همین‌که ایلخانی با استعداد وارد شد، صولت‌الدوله به طرف شمال مراجعت نمود. ایلخانی او را تعاقب نموده در دزکرد به او برخورده و آنجا جنگی به وقوع رسیده، صولت‌الدوله بدون آنکه مقاومت سختی بکند، فرار اختیار نمود و دوباره بطرف جنوب رفته و از قراری که راپورت داده‌شد، مجدداً به بیضاء رفته است.

دو نفر از رؤسای کشکولی و فارسی‌مدان را که دائماً در شیراز اقامت گزیده‌اند، قوام‌الملك روز ۲۶ مه با سی نفر از سواران فارسی‌مدان برای تحقیق و تفتیش به بیضاء فرستاد؛ اینها شب اول را در پوزه‌کوشان که فقط پنج میل از شهر مسافت دارد توقف نموده و در عرض شب، صولت‌الدوله با رؤساء و قریب ۲۰۰ سوار، بلاانتظار وارد شد. فارسی‌مدانیها حمله برده بعضی از عساکر صولت‌الدوله را با عده‌ای [از] اسبها مقتول نمودند. صولت‌الدوله و همراهانش متفرق گردیده و تصور می‌شود شبانه به‌فیروزآباد رفتند. رؤساء به‌من اظهار داشتند که آنقدر به صولت‌الدوله نزدیك شدند که صدای او را می‌شنیدند [که] به حمله‌کنندگان قشقائی خود ملتمس

---

۱) اصل: آنها را. ـ م.

شده بود که چون زن و بچه همراه او بوده، شلیك نکنند.
صولةالدوله از آنجایی‌که گله و رمه و اهل خانهٔ زیادی همراه ندارد، می‌تواند با کمال سرعت از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر حرکت کند و به وسیلهٔ این‌قسم جنگهای‌غیرمنظم ایلیاتی، گرفتاری او خیلی سخت است. یحتمل فقط یك استعداد دولتی در تحت امر یك نفر صاحبمنصب دولتی، به همراهی ایلات متحده، بتواند با نقشه‌ای که از روی دقت طرح شده باشد و پیش‌بینی کامل، او را مغلوب سازد.

نمره ـ ۱۷۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۷ ژون ۱۹۱۲ [۲۷ خرداد ۱۲۹۱؛ یکم رجب ۱۳۳۰]
آقـا

در باب تلگراف ۱۲ شهر جاری خود، افتخار دارم اینك ترجمهٔ دستخطی را که نایب‌السلطنه، قبل از حرکت به‌سمت اروپا امضاء نموده و مرنارد را به‌مقام‌خزانه‌داری کل ایران تعیین نموده است، لفاً ایفاد دارم.
مسیو مرنارد این نوشته را برای من فرستاده و جلب توجه مرا به‌این مسأله می‌نماید که از تعیین وی به این مقام، تغییری در اداره‌نمودن گمرکات حادث نخواهد گردید و اداره نمودن آن در تحت نظارت و مسؤولیت مستقیم وی به عمل خواهد آمد.
چنانچه در تلگراف فوق‌الذکر من اشاره رفته، مفاد عبارت این دستخط شبیه به همان است که من در تلگراف ۲۵ مه [۴ خرداد ۱۲۹۱، ۷ ج ۲ ـ ۱۳۳۰] خود، برای تصویب شما مخابره نمودم. شاید به موجب این نوشته از اختیارات خزانه‌داری کل از بابت پرداخت وجوهات راجع به قروض خارجه قدری کاسته شده باشد ولی در صورت لزوم، همیشه می‌شود اختیارات زیادتر مخصوصاً به مناسبت هرگونه قرضهٔ خارجی در آتیه، به او داده شود. همکار روسی من، با این عقیده شریك است.
مسیو مرنارد مرا اطلاع می‌دهد که کنترات علیحده که مدت استخدام او را تا پنج سال تعیین نماید، از طرف وزیری که مربوط به این کار است، به امضاء خواهدرسید.
(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۱۷۰

ترجمهٔ دستخط نایب‌السلطنه
به نام اعلیحضرت سلطان احمدشاه قاجار

نظر به مواد قانون ۲۳ جوزای سنهٔ تنگوزئیل و نظر به لزوم تعیین قطعی شخصی به مقام خزانه‌داری کل و بنا بر پیشنهاد وزیر مالیه و تصویب شورای وزراء، مقرر می‌داریم:
۱) مسیو جاکس جوزف مرنارد مدیرکل گمرکات ایران، به مقام خزانه‌داری کل ایران تعیین می‌شود.

۲) تمام وظایف مشاغل معینه به موجب قانون ۲۲ جوزای تنگوزئیل، به عهدهٔ مسیو مرنارد خواهد بود که در تحت اختیار وزیر مالیه، بر وفق قوانین اداری که خزانه‌داری کل با مشورت وزیر مالیه و تصویب شورای وزراء تدوین نماید، به انجام برساند.
۳) خزانه‌داری کل، بر تمام اداراتی که وزیر مالیه مسؤول آن است، به انضمام ادارهٔ گمرکات بطوری‌که در قانون فوق‌الذکر معین شده، نظارت خواهد داشت و این ادارات را بر حسب شرایط مادهٔ دوم تشکیل خواهد داد.
۴) یکی از وظایف مخصوصهٔ خزانه‌داری کل این است که پرداخت تمام بدهیهای دولت را که با خارجه‌ها قرارداد نموده‌اند، از قبیل پرداخت منافع و استهلاك یا استرداد قروض دولتی و حقوق و وظایف و غرامات و جبرانها و هر قسم پولهای‌دیگری که دولت قانوناً می‌پردازند، سر وقت و در موعد هریك تأمین نماید.
۵) دولت سالیانه مبلغ ۲۰،۰۰۰ فرانك تا مدتی که مسیو مرنارد به مقام خزانه‌داری منصوب است، به وی خواهد داد. این حقوق علاوه بر حقوق اصلی او می‌باشد.
۶) وزیر مالیه اقدامات لازمه برای اجرای این دستخط خواهد نمود.

(امضاء) ابوالقاسم ناصرالملك نایب‌السلطنه
نجفقلی بختیاری رئیس شورای وزراء
معاون‌الدوله وزیر مالیه
طهران ماه جمادی‌الاخری سیچقان‌ئیل ۱۳۳۰

نمره ـ ۱۷۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۷ ژون ۱۹۱۲ [۲۷ خرداد ۱۲۹۱؛ یکم رجب ۱۳۳۰]
آقـا

در باب تلگراف ۵ شهر جاری شما، افتخار دارم اینك سواد مکتوبی را که در ۷ شهر جاری در موضوع استرداد ۱۰۰،۰۰۰ لیرا استقراضی دولت ایران به بانك شاهنشاهی طهران نوشته و از بابت وصول منافع ۳۵،۰۰۰ تومان (۷،۰۰۰ لیرا) که دولت اعلیحضرتی قبلا به طور مساعده داده بودند، دستورالعمل داده‌ام، لفاً ایفاد دارم.
سواد مکتوبی که رئیس کل بانك در جواب به من نوشته است نیز در جوف است.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۱۷۱

مکتوب سر والتر تنلی به بانك شاهنشاهی
طهران ۷ ژون ۱۹۱۲ [۱۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]
آقـا

در باب مکتوب ۲۸ مارس [۸ فروردین، ۸ ع ۲] سر جارج بارکلی به عنوان شما، در خصوص مساعدهٔ ۱۰۰،۰۰۰ لیرا به‌دولت‌ایران، در تحت تعلیمات‌دولت‌اعلیحضرتی،

باید از بانك شاهنشاهی استدعانمایم که پس از پرداخت وجوهات بابت قرضهٔ انگلیس و هند ۱۹۰۳و۱۹۰۴ [۱۲۸۰ تا ۱۲۸۳، ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲] و وجوهات‌بابت‌قرضهٔ‌صدی پنج ۱۹۱۱ [۱۲۸۹، ۱۳۲۹] دولت ایران، از حالا به بعد، از عایدات گمرکات‌جنوبی ماهیانه مبلغی که برای پرداخت منافع سالیانهٔ صدی هفت بر وجه قرضهٔ مذکور کافی باشد، نگاه دارید و برای دولت اعلیحضرتی بفرستید. منافع صدی هفت هم از بابت ۳۵،۰۰۰ تومانی که به طور مساعده، در دوم مارس به دولت ایران داده شده، برای مدت قبل از استرداد آن نیز باید وصول شده و معادل آن بـه لندن فرستاده شود. محاسبات این فقرات بایستی از حساب قرضهٔ انگلیس و هند ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ علیحده نگاه‌داشته شود.

این مسأله را بایستی اظهار نمایم که چنانچه آگاه هستید، بنابر قرارداد با دولت ایران، اضافه عایدات گمرکات جنوبی بایستی بالتمامه برای استرداد قرضهٔ ۱۰۰،۰۰۰ لیرا نگاه داشته شود. دولت اعلیحضرتی تصمیم نموده‌اند که تا ۱۲ ماه دیگر یعنی از ۲۸ ماه مارس الی ۱۲ ماه، استهلاك این وجه را به عهدهٔ تعویق اندازند و شما ممکن است این اضافه عایدات را به اختیار دولت ایران واگذارید البته بشرط اینکه این اضافه عایدات در صورتی که عمل قرضه به انجام نرسید، محل تأمین پرداخت قرضهٔ مذکور بوده و پس از مدتی که ذکر شد، از آن بابت پرداخته شود.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف دوم نمرهٔ ۱۷۱

مکتوب بانك شاهنشاهی به سر والتر تنلی

طهران ۱۳ ژون ۱۹۱۲ [۲۳ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۶ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم وصول مکتوب ۷ شهر جاری شما را اطلاع داده از میل و ارادهٔ دولت اعلیحضرتی در باب استرداد اصل وجه قرضهٔ ۱۰۰،۰۰۰ لیرائی که در ۲۸ مارس [۸ فروردین، ۸ ع ۲] گذشته به دولت ایران داده شده و وصول و ایصال منافع و مسألهٔ تأمین آن، اطلاع حاصل نمایم.

ما خزانه‌داری کل را از شرایط فوق‌الذکر (به موجب سواد مکتوب خود که در جوف است) مستحضر داشته و روز ۲۰ شهر جاری در نظر داریم که در صورتی که پول برای مصارف مکفی باشد، وجه منافعی را که از ۲۸ مارس تعلق می‌گیرد بفرستیم ولی در تحت اوضاع حاضره به هیچ وجه محتمل نمی‌نماید که پول مکفی باشد چرا که خزانه‌داری کل وجوه عایدات گمرکات جنوبی را بکلی بدون ملاحظهٔ مصارف مختلفه که در مقابل آن تعیین شده است، هنوز به مصرف می‌رساند.

(امضاء) وود مدیرکل

www.adabestanekave.com

ملفوف سوم نمرهٔ ۱۷۱

مکتوب بانك شاهنشاهی ایران به خزانه‌داری کل

طهران ۱۳ ژون ۱۹۱۲ [۲۳ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۶ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

در باب مساعدهٔ ۱۰۰،۰۰۰ لیرا که در ۲۸ مارس [۸ فروردین، ۸ ع ۲] گذشته به دولت ایران داده شد، از طرف جناب سفیر انگلیس حالا به ما دستورالعمل داده شده که فقط منافع ماهیانه را به لندن بفرستیم و مسترد داشتن اصل وجه را از تاریخ پرداخت این مساعده تا یك سال به تعویق اندازیم. علی‌ای‌حال این مسأله را باید متذکر شد که اضافه عایدات گمرکات جنوبی برای تأمین پرداخت اصل و منافع این مساعده نگاهداشته می‌باشند. ما بنا بر این پیشنهاد می‌کنیم که روز ۲۰ شهر جاری منافع صدی ۷ سالیانه ۱۰۰،۰۰۰ لیرا را از ۲۸ مارس بفرستیم.

(امضاء) وود مدیرکل

نمره ـ ۱۷۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ ژون ۱۹۱۲ [۲۸ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

چنانچه سابقاً در تلگراف ۱۷ ژون خود مفتخراً به شما اطلاع داده‌ام، از چندین هفته به این طرف پیشرفتی در مذاکرات راجع بـه حملهٔ به مستر اسمارت و عودت عساکر انگلیس حاصل نگردیده است. از ۲۲ مه [یکم خرداد، ۴ ج ۲] بحران کابینه دوام داشته و حالیه به یك طوری رفع شده که دوباره حادث نگردد. وزیر امور خارجهٔ سابق خیلی مربوط به این بحران بود به طوریکه توجه او به این مسأله تمام مسائل دیگر را مستثنی داشته نتیجه این شد که مشکل بود بتوان با او مذاکره حتی در باب مسأله‌ای که فعلا راپورت می‌دهم نمود.

وثوق‌الدوله بالاخره بطور قطع استعفاء نموده و قائـم‌مقام وی تعیین شده‌است. محتشم‌السلطنه وزیر داخله، دیروز از من ملاقات نمود. در ضمن صحبت اظهار داشت که به مجرد آنکه زمام امور را بدست گرفت، فوراً کاغذجاتی را که راجع به این قضیه بود خواست.

او خیلی خوش‌وقت بوده است از این که دولت اعلیحضرتی بطور معمول، از روی احساسات خالصانه و نیات حسنهٔ خود نسبت به دولت ایران شرایط خود را هرقدر که ممکن بوده سهل نموده‌اند و به من اطمینان داد که به نایب‌الایالهٔ شیراز تلگراف نموده و او را دستورالعمل داده است که مرتکبین مذکور را دستگیر نماید و اظهار داشت که این اشخاص چنانچه وثوق‌الدوله به من اظهار داشته بود، نزد صولة‌الدوله نبوده بلکه با کمال فعالیت در تحت امر برادر صولة‌الدوله که ایلخانی حالیهٔ قشقائی است،

مشغول جنگ و جدال بوده‌اند و او به قوام‌الملك تأکید نموده است که این مسأله نباید مانع از دستگیری آنها و فرستادنشان به شیراز باشد که در آنجا محاکمه شوند.

محتشم‌السلطنه به علاوه اظهار داشت که مخبرالسلطنه فرمانفرمای فارس حالیه مشغول تهیه است که به زودی حرکت کند و اظهار امیدواری بسیار نمود که همینکه زمام امور را به دست گیرد، فوراً در اوضاع محلی بهبودی حاصل خواهد گردید. جناب معظم‌له باز اظهار داشت که از قرار معلوم اشکالات بین نایب‌الایاله و ماژور سیفرت صاحبمنصب درجه دوم سوئدی تسویه شده و تعلیمات مخصوص به ایالت داده خواهد شد که صاحبمنصبان سوئدی را در مشاغل خود کمك نماید.

اظهارات وزیر مذکور در باب محل و مقام حالیه اشخاصی که مستقیماً مسؤول حمله به مستر اسمارت و مستحفظین او بوده‌اند، به واسطهٔ اخبار اخیره که از طرف کفیل قنسولگری انگلیس از شیراز رسیده تصدیق شده است.

ممکن است که ایالت جدید که نفوذ بختیاریها حامی او خواهد بود، پس از گرفتن زمام امور به دست خویش، خود را بطور کفایت مقتدر بداند که اقدامات برای‌دستگیری رؤسائی که در این امر شریك بوده‌اند بنماید.

من لزوم این اقدام را قبل از آنکه ایالت حرکت کند، به وی تأکید می‌نمایم. و نیز توجه جدی ایشان را به اهمیتی که دولت اعلیحضرتی به مشاغل و وظایف صاحبمنصبان سوئدی می‌دهند جلب خواهم نمود و امید است نتیجه این شود که راه تجارتی مهم بین طهران و بوشهر دوباره مفتوح‌گردیده و به‌طور صحیح محافظت شود.

من در نظر دارم که به‌طور خیلی سخت، با مخبرالسلطنه در این موضوع صحبت کنم چرا که با دلیل عقیده‌ام بر این است که تقویت رؤسای بختیاری که اقتدار تام دارند، در مورد این نقشه، چندان از روی خلوص عقیدت نمی‌باشد.

مستر اسمارت راپورت می‌دهد که اتصالا برای گرفتاری و تسلیم مرتکبین به رؤساء فشار می‌آورد ولی می‌گویند انجام این کار از قوهٔ ما خارج است چرا کـه تمام آنها فرار کرده و نزد صولت‌الدوله یا جای دیگر که دسترسی به آنها ممکن نیست، رفته‌اند. این، بلاشك، عذری بود که به وثوق‌الدوله ارائه شده و بـه من اظهار داشت. کمی می‌توان شك داشت از این که رؤساء حقیقت امر را اظهار نداشته‌اند ولی عقیدهٔ مستر اسمارت بر این است که محتمل نیست آنها مقصرین را گرفته و تسلیم نمایند مگر تهدید سخت به آنها بشود.

می‌ترسم از آنکه با این اوضاع بایستی برای قشون تهیه دید که تمام زمستان را بمانند مگر آنکه دولت اعلیحضرتی حاضر شوند که چنان اقدامات تهدیدآمیزی‌بنمایند که دولت ایران را وادار به فشار آوردن به مأمورین محلی شیراز بنمایند.

(امضاء) والتر تنلی

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۷۳

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ ژون ۱۹۱۲ [۲۸ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم که خلاصهٔ وقایع پنج هفتهٔ اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۱۷۳

خلاصهٔ وقایع ایران از پنج هفتهٔ قبل لغایت ۱۸ ژون ۱۹۱۲

طهران

نایب‌السلطنه و کابینه ـ نایب‌السلطنه در ابتداء قصد داشت در آخر مه به طرف اروپا حرکت کند ولی بحران کابینه که تهدید به وقوع آن شده بود، بـه انضمام اظهارات سفرای دولتین انگلیس و روس، سبب تأخیر حرکت وی تا دو هفتهٔ دیگر گردید.

در ۳ ژون کابینه مجدداً به قرار ذیل تشکیل گردید:

صدراعظم	صمصام‌السلطنه
وزیر امور خارجه	وثوق‌الدوله
وزیر جنگ	سردار محتشم
وزیر داخله	محتشم‌السلطنه
وزیر معارف	علاءالسلطنه
وزیر مالیه	معاون‌الدوله
وزیر عدلیه	ممتازالدوله
وزیر پست و تلگراف	مستشارالدوله

نایب‌السلطنه روز ۱۴ ژون از طهران برای مسافرت به اروپا حرکت کرد ولی در این موقع وثوق‌الدوله از مقام وزارت خارجه به عنوان اینکه نمی‌تواند با صدراعظم بختیاری سازش نماید استعفاء نمود.

خزانه‌داری کل ـ مسیو مرنارد به مقام خزانه‌داری کل تصدیق شده و در ۱۰ ژون کنترات استخدام پنج سالهٔ او داده شد.

حزب دموکرات ـ چنانچه در خلاصهٔ وقایع آخری راپورت دادم عده‌ای از رؤسای حزب دموکرات دستگیر و تبعید شدند. وحیدالملك و حسین‌قلی‌خان نـواب حالا برای اروپا حرکت کرده‌اند و می‌توان گفت که حزب دموکرات فعلا در طهران از هم متفرق شده‌اند.

مجلس ـ فعلا آثـار و علائمی پدیدار نیست که برای مجلس جدیدی در آتیهٔ نزدیك شروع به انتخابات شود.

یفرم‌خان ـ رئیس نظمیه و سرکـردهٔ مجاهدین مشهور ارمنی کـه روز ۱۹ مـه [۲۹ اردی‌بهشت، یکم ج ۲] خصم او را در نزدیکی همدان به ضرب گلوله مقتول نموده بودند در عرض دو سال گذشته، خدمات بی‌اندازه به دولت کرده و مشکل است کسی دیگر به جای او پیدا شود. جسد وی را برای دفن به طهران آوردند.

روز تولد شاه ـ در سوم ژون مراسم عید مولود شاه به طریق معمول به عمل آمد صبح، سفیر اعلیحضرتی با لباس رسمی هیأتی را از طرف شاه و دولت پذیرفت و بعد از ظهر جماعت انگلیسها و اعیان ایرانی و هیأت دیپلوماسی در گاردن‌پـارتی سفارت حاضر شده و طرف عصر به کابینه و اعضاء عمدهٔ جماعت انگلیسها برای صرف شام حضور بهم رسانیدند.

ایالات و ولایات بحر خزر

در اولین هفتهٔ ماه ژون در اردبیل، بین عساکـر روس و بعضی از غارتگـران شاهسون که مشغول چپاول دهات دور و حوالی بودند، جنگی واقع گردید. از روسها ۳۰ نفر به انضمام دو نفر صاحبمنصب مقتول گردید. ویس‌قنسول روس مقیم اردبیل قشون امدادی خواسته و در ۶ ژون شش دستهٔ صد نفری از رشت حرکت کرد. دو دسته پیاده‌نظام و ۳۰۰ نفر قزاق در انزلی و رشت گذاردند.

در طالش، روسها از زمان عودت قشون اولی خود در ابتدای مـاه گذشته اقدام دیگری ننموده‌اند.

والاحضرت نایب‌السلطنه در ۱۳ ژون در یك کشتی جنگی روسی از انزلی حرکت کرد.

مشهد

عدم امنیت عمومی در این ایالت دوام دارد و چندین صاحبان املاك افغان و بربر از قرار مذکور مشغول فروش املاك خود و مهاجرت به افغانستان می‌باشند.

یوسف‌خان هراتی را ایرانیها نزدیك فریمان، ۴۰میلی جنوب مشهد، دستگیر نموده و به طرق ۸ میلی مشهد آورده او را در آنجا مقتول داشتند. روز بعد که ۲۴ مه [۳ خرداد، ۶ ج ۲] بود بدنش را به شهر آورده و در معرض نظارهٔ عموم قرار دادند.

متولی‌باشی مسجد گوهرشاد[1] در اواخر مه از مشهد برای ملاقات شاه مخلوع به طرف ادسا رفت.

نیرالدوله ایالت جدید خراسان، روز ۵ ژون به مشهد وارد گردید.

اصفهان

این ولایت کمافی‌السابق، مخصوصاً در ناحیهٔ سلطان‌آباد، مغشوش است و از اوایل ژون به علت بودن سارقین در راه ایاب و ذهاب پسته بکلی موقوف شده و بر مصیبت عمومی شهر افزوده شده مخصوصاً به واسطهٔ آنکه حکمران و بعضی از دوستان او غله را احتکار نموده‌اند.

---

۱) اصل: گوهرشاه. ـ م.

جناب معظم‌له از آنجایی‌که اختیارات وکیل خزانه‌داری کل را نمی‌شناسد، خودش شروع به وصول مالیاتها نموده و مالیات‌دهندگان را تحریك می‌کند که به اقدامات ژاندارمری خزانه در وصول مالیات مقاومت نماید.

یـــزد

دسته‌جات سارقین اتصالا در این ولایت مشغول می‌باشند چون‌که حکمران، بـرای حفظ انتظامات، قشون مکفی ندارد.

اعرابی که در خلاصهٔ ماه گذشته راپورت دادم، به طرف یزد در حرکت می‌باشند، به دسته‌جات کوچك منقسم شده و شروع به غارت این ناحیه نمودند.

بهارلوها که شهر بابك را به قبضه درآوردند، یك دسته از قشون حکمران، آنها را از آنجا خارج نمودند ولی از آنجایی که قشون مزبور آنقدر قوت نداشت که آن جماعت را از هم متفرق سازد، اهالی سایر دهات دور و حوالی در صدمه و اذیت می‌باشند.

در ۷ ژون انتظام‌الملك حکمران سابق یزد که حالا یکی از مرتجعین شمرده می‌شود، به اردستان هجوم آورده ولی عالم بزرگ آنجا، او را از غارت شهر منع نموده یك رآس مادیان و یك قبضه تفنگ لبل[1] به او بطور رشوه داد. از قرار اخبار جدیده یك دسته از عساکر دولتی در تعاقب او هستند.

شیراز

صولة‌الدوله، پس از شکست‌خوردن از اعراب و قشقائیها در کوهستان دور شیراز پناهنده شده است. دسته‌جاتی که او را تعاقب می‌کردند، ماه گذشته دو مرتبه به او رسیده ولی در هر دو موقع موفق به فرار گردید.

کرمان

در ۱۷ مه [۲۷ اردی‌بهشت، ۲۹ ج ۱]، امیر اعظم ایالت، نظر به نزدیك شدن یاغیان، دست از مقام خود کشیده و در قنسولخانه پناهنده گردید ولـی سپس او را ترغیب نمودند به شهر رفته و مشغول انجام وظایف مقتضی مقام خود گردید.

روز ۲۶، او به یاغیان حمله نموده نتیجه این شد که یاغیان از حدود شهر خارج شده و به ناحیهٔ بردسیر که در جنوب غربی کرمان است رفتند.

امیر اعظم پس از قدری تردید راغب به تعاقب یاغیان گردید. در ۸ ژون از قراری که راپورت داده‌شد او[2] (۳۰ میلی جنوب غربی کرمان) با ۱۰۰۰ نفر به باغین رسید.

کرمانشاه

در ۱۹ مه عساکر دولتی در تحت امر یفرم به یاغیانی که در تحت امر مجلل بودند، حمله برده و آنها را در نزدیکی همدان شکست داد[ند.] از طرف مجلل از قراری که راپورت داه شد، ۳۰۰ نفر مقتول گردیدند که ۱۲۰ نفر اسیر هم در جزو آنها

---

۱) گویا نام نوعی تفنگ شکاری است، ولی مشخصات آن دریافته نشد. ـ م.

۲) چنین است در اصل. ـ م.

بودند. تلفات عساکر دولتی ۳۰ نفر مجروح و مقتول بود. یفرم در عرض جنگ کشته شد و کری که در فرماندهی تالی یفرم بود، جای او را گرفت.

عساکر دولتی، قشون یاغیان را که در حال مراجعت بودند تعاقب نموده و در ۲۹ مه جنگ دیگری در نزدیکی کرمانشاه به وقوع رسید. داودخان سرکردهٔ بزرگ و یکـی از طرفداران عمدهٔ سالارالدوله مقتول گردیدند. روز بعد، عساکر دولتی در تحت امر فرمانفرما حکمران جدیدالتعیین کرمانشاه وارد شهر گردید.

سالارالدوله و مجلل‌السلطان از قراری که راپورت داده شده به طرف لرستان فرار کرده‌اند.

بوشهر

از قراری‌که راپورت داده شده، طاعون در اینجا بدتر شده و اهالی به واسطهٔ شیوع آن، شروع به خارج شدن از شهر می‌نمایند.

از ۲۹ مه تاکنون در موقعی که به اندازهٔ چهار میل سیم تلگراف و تیرها را بعضی از ایلیاتیهای محلی بردند، مخابرات تلگرافی با اهواز موقوف شده است.

بندرعباس

دستهٔ غارتگران که در خلاصهٔ وقایع ماه گذشته ذکر کردم، همینکه قریب سیصد نفر از اهل محل به آنها اضافه شدند، روز ۱۵ مه [۲۵ اردی‌بهشت، ۲۷ ج ۱] تا ۸ میلی شهر پیشقدمی نموده و دستهٔ پیش‌قراول خود را که عدهٔ آنها قریب به هفتاد نفر بود، به بعضی از جاهایی‌که در ۲ میلی قنسولخانه واقع است رسانیدند.

صبح روز ۱۵ مستحفظین قنسولخانه پیش‌قراول غارتگران را به عقب نشانده، همان روز بعد از ظهر نظر به اینکه مبادا اوضاع بدتر شود، ۱۲۰ نفر را با چهار توپ ماگزیم از کشتیها وارد نموده و روز ۱۷، ۳۰ نفر و یك ماگزیم از دستهٔ هفتم راجپوتها وارد کرد. غارتگران از ورود این عساکر ترسیده متفرق شدند.

روز ۱۹ مه این عساکر دوباره برای مراجعت، به کشتی سوار شدند.

نمره ـ ۱۷۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ ژون ۱۹۱۲ [۲۸ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

در تلگراف ۵ مارس [۱۵ اسفند ۱۲۹۰، ۱۵ ع ۱ ـ ۱۳۳۰] سفیر سابق مفتخراً عین تلگرافی را که مستر اسمارت کفیل قنسولگری بـرای وی فرستاده و راپورت مداخله که در امر بعضی از صندوقهایی‌که برای عساکر اعلیحضرتی مقیم شیراز در ماه ژانویه و فوریهٔ گذشته از بوشهر به طـرف داخله حمل شده بود، شده و جزئی اشیاء از آن صندوقها به سرقت رفته بود، مخابره [=خبر] داده است.

تا زمان وصول مکتوب ۱۴ ژون از مستر اسمارت، که خلاصهٔ آن در جوف است، جزئیات کم و کیف و قیمت اشیاء مسروقه درست معلوم نبود و علی‌هذا، سفارت از

دولت ادعائی در این باب ننموده است.

الحال ظاهر می‌شود که قیمت اموال مذکوره که عبارت از ۲۰۰ لیرا باشد، زیادتر از آن مبلغی است که از مضمون تلگراف اولی مستر اسمارت انتظار می‌رفت. بایستی بدانید که کلنل دوگلاس از اولیاء امور هندوستان، درخواست نموده است این وجه را به او بدهند تا آنکه از دولت ایران گرفته شود [و] برای صاحبمنصبان و افراد قشون صدمه وارد نیاید.

من از مستر اسمارت خواهش نموده‌ام که جزئیات کم و کیف اشیاء مسروقه را کاملا به من خبر دهد.

(امضاء) والتر تنلی

۲۰ ژون ۱۹۱۲ [۳۰ خرداد ۱۲۹۱: ۴ رجب ۱۳۳۰] مجدداً عرض می‌شود: از زمان نوشتن مراسلهٔ فوق تلگرافی از مستر اسمارت برای من رسیده مشعر بر اینکه اشیائی که از صندوقهای مذکوره سرقت شده، چند دوربین و رکاب و چکمه و پتو و دهنه بوده است که برای صاحبمنصب مأمور مهمات و حمل و نقل به شیراز فرستاده شده و یك فقره لباس هم برای لیوتنان فرازر، از دستهٔ سوارهٔ هند مرکزی بوده است.

مستر اسمارت به علاوه اظهار می‌دارد: تحقیق تمام نقاط راه که در آنجاها صندوقهای مذکوره باز شده، غیرممکن‌است. اگرچه خورشیدخان‌کمارجی و تفنگچیهای تنگ‌ترکان و راهدار، ظاهراً از مرتکبین عمده بوده‌اند.

(امضاء) و. ت.

ملفوف یك نمرهٔ ۱۷۴

خلاصهٔ مکتوب مستر اسمارت کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

من به جلب توجه مخصوص شما به ادعای نمرهٔ ۱۱۲ مبادرت می‌ورزم. کیفیت وقوع این سرقت یا سرقتهای یك نوع، شدت و سختی مخصوص داشته است. از قراری که دریافته‌ام کلنل دوگلاس از اولیاء امور هند درخواست نموده است مبلغ این ادعا را به او بپردازند تا آنکه از دولت ایران گرفته شود. می‌خواهم عرض کنم که صاحبمنصبان و افراد سوارهٔ هند مرکزی، بایستی از اینگونه سرقتها محفوظ باشند و ظاهراً انصاف نیست آنها در صدمه و اذیت بیفتند. گذشته از صدماتی که از نرسیدن اشیاء بسیار لازمه و خسارات نقدی که از تعویق جبران دعاوی انگلیسهای فارس روی داده است.

من امیدوارم که شما بتوانید جبران این خسارات وارده را از دولت ایران بخواهید بطوری که در پرداخت آن مثل سایر دعاوی انگلیسهای این ایالت تعویقی روی نداده، عمل آن زودتر فیصله شود.

این را ممکن است اظهار نمایم که چند فقره خورده [=خرده]دزدیهای دیگر شبیه به خرده‌دزدیهایی که از اجناسی که از بوشهر برای دستهٔ سوارهٔ هند مرکزی فرستاده شده بود، به وقوع رسیده بود و در طی ادعای نمرهٔ ۱۱۲ مرقوم است، در عرض ماه گذشته به وقوع رسیده و در صورتی که من نتوانم عمل این ادعاها را در اینجاها تمام

کنم من آنها را در سیاههٔ ربع سالهٔ خود شامل خواهم ساخت.

ملفوف دوم نمرهٔ ۱۷۴
نقل از ادعای نمرهٔ ۱۱۲

نمره	ادعا از طرف	مبلغ	تاریخ	ملاحظات
۱۱۲	صاحبمنصبان و افراد دستهٔ سواره ۳۹ هند مرکزی	قران ۱۰۴۴۳	از ماه ژانویه الی فوریهٔ ۱۹۱۲	سرقتهای اسبابهای شخصی و متعلق‌به رژیمانها از صندوقهایی که از بوشهر حمل شده از طرف قراولان راه در ۲ مارس ۱۹۱۲ به مأمورین محلی شیراز اطلاع داده شد.

نمره ـ ۱۷۵

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ ژون ۱۹۱۲ [۲۸ خرداد ۱۲۹۱: ۲ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

مراسلهٔ شما مورخهٔ ۴ ژون در بـاب راه بختیاری و تعمیراتی کـه کمپانی لنچ [=لینچ] از پل گدار کرده‌اند، واصل گردید.

مستر ساتم مهندس کمپانی لینچ پس از آنکه پل را بطوری تعمیر کرده است که لااقل تا دو ماه دیگر خراب نخواهد شد، از خاك بختیاری به طهران مراجعت کرده است. به علت اوضاع مغشوش خاك بختیاری و تا اندازهٔ زیادی بواسطهٔ رویهٔ خلاف دوستانهٔ سردار اشجع یکی از خوانین عمده که سابقاً هم مورد شکایت از طرف سفارت واقع شده بود، نتوانست تعمیرات پل را بر وفق دلخواه به انجام برساند.

من از اینکه اهمیت اوضاع را به خوانین طهران اظهار نمایم قصور نورزیده بطور سخت از سردار اشجع شکایت کرده‌ام و او را فعلا به طهران خواسته‌اند ولی نظر به اینکه خوانین عمده در طهران و جاهای دیگر به مقامات وزارت و حکومت ایالات و ولایات منصوب می‌باشند، خیلی کم احتمال می‌رود که در آتیهٔ نزدیك آنها بتوانند در خاك خود جلوگیری از این اوضاع بنمایند.

من البته به آنها فشار می‌آورم که اقدامات مؤثره به‌عمل آورده و از بختیاریهای خود و کهکلوئیها [=کهگیلویه‌ای‌ها] جلوگیری نمایند ولی نمی‌توانم به این امر خیلی امیدوار باشم که در صورتی که اوضاع به اینطور باقی باشد بهبودی خوبی در آتیه نزدیك حاصل شود.

(امضاء) والتر تنلی

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۷۶

مکتوب مس والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ ژون ۱۹۱۲ [۳۰ خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

چنانچه مفتخراً در تلگراف ۱۷ مه خود راپورت دادم، اوضاع کرمان غفلتاً در روز ۱۷ مه بدتر شده و ایالت در قنسولخانهٔ اعلیحضرتی پناهنده شد.

بواسطهٔ مخابرات و مذاکرات طولانی تلگرافی در نیمهٔ شب با جناب معظم‌له و کلنل هیگ، من به ترغیب ایالت موفق شدم که به خانه مراجعت نموده و مشغول رتق و فتق امور گردد.

چند روز بعد، جناب معظم‌له به یاغیان حمله برده و خوشبختانه بر آنها فایق آمده آنها را شکست داد و اگرچه کلنل هیگ تصور می‌کند که در صورتی‌که جناب معظم‌له[1] چند روز قبل به آنها حمله نموده بود البته کاملا آنها را مغلوب می‌ساخت.

یاغیان اگرچه مجبور به فرار گردیدند ولی متفرق نشدند. جناب معظم‌له اصلح چنان دانست که آنها را تعاقب ننماید بلکه به امید تفرقه در اردوی آنها صبر نماید و البته اقدامات فعالهٔ او اسباب تفرقهٔ آنها را فراهم می‌آورد.

آخرین اخباری که به ما رسیده، مشعر است بر اینکه او فعلا میرزا حسین‌خان و رفعت‌نظام سرکردگان یاغیان را دستگیر نموده و باقی مطیع شده‌اند. سرکردگان فوق را به دار زده‌اند.

وقتیکه این اشخاص شکایات دیگری نداشتند بغیر از آنکه ایالت احکامی صادرنموده بود که بایستی دست از غارت کشیده و می‌خواست آنها را از این کار محروم و مأیوس سازد که باعث ایجاد این حرکات اخیره شده و اسباب بدبختی و مصیبت اهالی ایالت را و خسارات به دولت را فراهم آورده و تحت‌السلاح رفته با ایالت مقاومت نموده و پس از آنکه مأمورین محلی آنها را متنبه نمودند که در صورتی‌که متفرق نشوند آنها را یاغیان دولت خواهند دانست، باز هم از خود خلع اسلحه ننمودنـد، چنان بنظر می‌رسد که آنها مستحق قتل بوده و این اقدام برای سایرین لازم بود که بدانند کسی نمی‌تواند چنین اقدامات برضد مأمورین محلی بنماید بدون اینکه به او سرکوبی داده شود[2].

در مسألهٔ رفعت‌نظام، این اول دفعه نبود که او برضد دولت یاغیگری نموده است. سه سال قبل، او به طرف کرمان حرکت نموده و قبل از آنکه قشونش شکست خورده و از هم متفرق شوند به ماهون رسید.

بدبختانه با این اوضاع مغشوش مملکت لازم است که این گونه اقدامـات برای عبرت سایرین به عمل آید.

---

۱) اصل معظم‌الیه. ـ م.

۲) اصل: نشود. ـ م.

از روی کمال بی‌میلی، من غیر از آنکه تصمیم ایالت را که بدون آنکه با من مشورت نماید به انجام رسانید تصویب نمایم، کار دیگری نمی‌توانم کرد.
(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۱۷۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۰ ژون ۱۹۱۲ [۳۰ خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ رجب ۱۳۳۰]
آقـا

با نهایت تأسف اظهار می‌دارم که تاکنون ممکن نشده است در ملاحظهٔ اوضاعی که در تحت آن بتوان قرضه‌ای با شرایط مناسب به دولت ایران داد، پیشرفتی حاصل‌شود.

مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] و من مکرراً به مسیو مرنارد اصرار نموده‌ایم که در موضوع و کم و کیف عایداتی که ممکن است برای تأمین این قرضه قرار داد، مداقه نماید چرا که واضح است که به‌موجب صورت عایداتی‌که سر جارج بارکلی در مراسلهٔ ۹ مارس خود به شما ارائه نموده است، عایداتی‌که مطمئناً به دست می‌آید برای تأمین قرضه به مبلغی که نقشهٔ آن طرح شده مکفی نمی‌باشد. با وجود آنکه مسیو مرنارد در صورت فوق‌الذکر اظهار عقیده نموده است که ۱،۸۱۹،۰۰۰ تومانی که به دست می‌آید برای قرضه‌ای به مبلغ ۳۳،۰۰۰،۰۰۰ تومان یا قریب ۶،۰۰۰،۰۰۰ لیـرا مکفـی خواهد بود، هم مدیر بانك شاهنشاهی و هم مدیـر بانك روس و مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] بـا عقیدهٔ من شریك هستند که این مبلغ بـرای تأمین قرضه بکلی غیرمکفی خواهد بود و به مسیو مرنارد گفته شده است که قبل از آنکه بتوانیم طرفدار این مسأله باشیم که عایدات‌حتمی‌سالیانهٔ‌مملکت برای‌تأمین مکفی قرضه ۶،۰۰۰،۰۰۰ لیرا خواهد بود، لازم است که ۳،۰۰۰،۰۰۰ تومان دیگر بر عایدات افزوده شود.

خزانه‌دار کل هنوز نتوانسته است صورت عایداتی‌که مبلغ آن ۳،۰۰۰،۰۰۰ تومان از صورت اولی زیادتر باشد، ارائه دهد.

ما در مسألهٔ امکان رفورم قوانین قضائی و تغییر قوانین راجع به حقوق اجانب در مالك بودن املاك در ایران[۱]، با نایب‌السلطنه مذاکره نموده‌ایم که آنرا برای تأمین قروض قبول نماییم.

والاحضرت اظهار عقیده نمود که رفورمی در راه بهبودی اعمال قضاوتی و اجرای دستخط‌جات و احکام قضائی ممکن و مطلوب است و در موقع حرکت‌خود به‌طرف اروپا، این مسأله را در جزو یادداشت تعلیماتی که برای کابینه نوشته بود که در زمان اقامت وی در اروپا از روی آن عمل نمایند، شامل نمود.

مسألهٔ مالك‌بودن املاك ظاهراً مسألهٔ مشکل‌تری است چرا که نایب‌السلطنه اشعار داشت که اگر یك نفر اروپایی در ایران دارای املاك شود، نه فقط تا اندازه‌ای که

---

۱) اصل: ایران را. ـ م.

به ملك وی مربوط است از حدود اختیارات قضاوتی ایران خارج شده، بلکه اینطور دعوی خواهد شد که تمام اشخاصی که در آن املاك به شغل و کاری داخل شوند، دولت ایران حق اجرای اعمال قضاوتی در حق آنها نخواهد داشت.

اتباع عثمانی بواسطهٔ قراردادی که به موجب آن مأمورین قنسولخانه‌ها از دخالت محروم می‌باشند، می‌توانند دارای املاك باشند ولی چنین قراردادی را نمی‌توان به یك نفر اروپایی متعلق به یك دولت مسیحی قبولانید.

نایب‌السلطنه را ظاهراً عقیده بر این بود که بهتر است این مسأله را به حال خود واگذاریم چرا که با اوضاع موجوده، بانکها و این قبیل ادارات، املاك را بطور رهن قبول می‌کنند[1] و بسیاری از مسلمانان تبعهٔ روس و انگلیس و هند، با وجود این قانون مخالف صاحب املاك می‌باشند.

ما با کمال احترام خواهش می‌کنیم قبول بفرمایید که این اظهارات فقط نتیجهٔ تحقیقات اولیه است چرا که به علت غیرمعلومی مدت بقاء حکومت سابقه، ممکن نبوده است در این مسأله مداقه و مذاکرهٔ کامل بعمل آید.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۱۷۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران غرهٔ ژوییت [ژوئیهٔ] ۱۹۱۲ [۱۰ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۵ رجب ۱۳۳۰]

سفیر روس مراسله‌ای برای دولت ایران نوشته و به موجب آن حرکت سپهدار را مشروط نموده است به تشکیل یك قوه از قزاقان ایرانی در تبریز در تحت امر دو نفر صاحبمنصب روسی و چهار نفر از صاحبمنصبان خارج از فوج. وظیفهٔ این استعداد که مرکب از ۷۰۰ نفر خواهد بود، وصول مالیاتهای آن ایالت است.

از قراری که مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] اظهار می‌دارد، بین نایب‌السلطنه و وزیر امور خارجهٔ سابق وثوق‌الدوله، قراردادی بسته شده بود که ورود سپهدار به تبریز و تشکیل استعداد مذکور بایستی مقارن باشد. بنابر شرایط مراسلهٔ مذکور عده‌ای که اخیراً پیشنهاد شده بود به بریگاد طهران افزوده شود، افزوده نخواهد شد.

چنانچه وعده داده‌اند، جواب مساعدی به همین زودیها از طرف دولت ایران داده خواهد شد و در آن اظهار امیدواری خواهند نمود که دولت روس عساکر خود را که فعلا آذربایجان را اشغال نموده‌اند عودت خواهند داد اگرچه ممکن است بواسطهٔ تعویق‌افتادن حرکت سپهدار، فرستادن جوابیهٔ مذکور به تأخیر افتد.

www.adabestanekave.com

---

۱) اصل: می‌کند. ـ م.

نمره ـ ۱۷۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران غرهٔ ژویت ۱۹۱۲ [۱۰ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۵ رجب ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۷ ژون من:

مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] مرا اطلاع می‌دهد که جنرال روسی مجبور شده است فقط استعداد کمی در اردبیل قرار دهد برای آنکه عساکـر در تحت امر او، اتصالا مجبور به اقدامات بر ضد شاهسونها نشوند. برای تأمین این دسته قشون، او لازم دانسته است آنها را در ارك که چنانچه اظهار می‌دارد خالی است، قرار دهد. این عساکر فقط بطور موقت در ارك مانده و بیرق روس را برپا نخواهند کرد.

این اقدام جنرال روسی را، دولت ایران مناقض حقوق سلطنتی ایران تصور می‌کنند چرا که می‌گویند ارك محل حکومت شهر می‌باشد و نیز اظهار می‌دارند که شجاع‌الدوله کارگزار را که فقط تقصیری که داشت این بود که سعی داشت قرار مصالحت‌آمیزی با شاهسونها بدهد، محبوس و تبعید نموده‌اند.

نمره ـ ۱۸۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ ژویت ۱۹۱۲ [۱۱ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۶ رجب ۱۳۳۰]

جنوب ایران

راجع به تلگراف ۲۳ ژون من:

ایلخانی قوام را اطلاع داده که او دیگر به هیچ‌وجه امیدوار نیست محمدعلی‌خان را ترغیب نماید که به میل و رضای خود اشخاصی را که مقصر حمله بر عساکر ما بوده‌اند، تسلیم نماید.

من در این باب دیروز مفصلا با وزیر امور خارجه مذاکره کرده ایشان را متذکر ساختم که دولت اعلیحضرتی مایلند بدانند که آیا دولت ایران اقدامی برای اصلاح این مسأله نموده‌اند و اگر کرده‌اند کیفیت اقدام آنها چیست.

جناب معظم‌له در جواب مرا اطمینان داد که در این خصوص حکومت مرکزی تأکید زیاد به مأمورین محلی فارس نموده‌اند و در این موقع نامساعد حالیه اوضاع طوری است که نمی‌توانند اقتدار خود را در خارج پایتخت مؤثراً بکار برند و مرا اطمینان داد که اختیارات تامه و تعلیمات لازمه به فرمانفرمای جدید که تا چند روز دیگر حرکت می‌کند داده خواهد شد که بطور بسیار سخت در این مسأله عمل نماید و اظهار داشت مطمئن است که فرمانفرمای جدید به دستگیری مقصرین موفق خواهد گردید. او، به‌علاوه اظهار داشت که تعلیمات مخصوص به فرمانفرمای جدید داده خواهد شد که صاحبمنصبان سوئدی ژاندارمری را تقویت نماید و اصرار داشت بر این که بایستی به ایالت مهلت داده شود که کفایت خود را در تسویهٔ امر مقصرین به منصهٔ شهود و ثبوت برساند.

اگرچه تلگراف علمای نجف به هیچ وجه در شیراز اشاعت نیافته، وزیر امور خارجه مرا رسماً اطلاع می‌دهد که تلگراف مذکور در موقع خود فرستاده شد.

نمره ـ ۱۸۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ ژویت ۱۹۱۲ [۱۳ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۸ رجب ۱۳۳۰]

به موجب تلگرافی که همین حالا از کفیل قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز رسیده است، انتظار می‌رود که ورود سپهدار باعث آن خواهد شد که شجاع‌الدوله در خانه‌ای که در یك ده (نعمت‌آباد که ییلاق قنسول روس است ـ مترجم) روسی در حوالی تبریز ساخته است، انزوا جوید و این کار مساوی با بست‌اختیارکردن است. مستر استونز، به‌علاوه اظهار می‌دارد که انتظار می‌رود سالارالدوله به همین زودیها به آنجا ورود نماید و مجلل سرکردهٔ قشونی او در آنجا پناهنده شده است.

از قراری که راپورت داده شده، سالارالدوله در سقز کردستان است ولی دولت ایران دعوی می‌کند که به این راپورت اعتمادی نمی‌کند و اظهار می‌دارند که آخرین اخباری که برایشان رسیده، مشعر است به اینکه سلسلهٔ قاجاریه سالارالدوله را بطور کاندیدای سریر سلطنت شناخته‌اند.

با این اوضاع، حضور سپهدار در پایتخت به عقیدهٔ من خطر دائمی برای امنیت عمومی است.

نمره ـ ۱۸۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳ ژویت ۱۹۱۲ [۱۲ تیر ۱۲۹۱: ۱۷ رجب ۱۳۳۰]

اقدامات شاه مخلوع

راجع به تلگراف دیروز من:

رئیس کابینهٔ وزارت خارجه امروز صبح از طرف وزیر امور خارجه از من ملاقات نمود که اضطرابی را که دولت ایران از اخبار جدیدهٔ حرکات شاه مخلوع و طرفداران تبریز او احساس می‌نمایند، اظهار کرده و از من استدعا نماید که اهمیت اوضاع را خاطرنشان دولت اعلیحضرتی بنمایم که به عقیدهٔ علاءالسلطنه اگر محمدعلی مجدداً به ورود به خاك ایران موفق شود عواقب وخیمه برای دولت ایران متضمن خواهد بود.

حضور شجاع‌الدوله در تبریز و حضور برادرش در زنجان و بودن فرمانفرما که امانت و صداقت او مشکوك است، می‌نمایاند که با کمال احتیاط برای پذیرفتن شاه مخلوع نقشه‌ریزی شده و انتظار می‌رود که دولتیان به گیلان و مازندران و خراسان با اینها دست بدست داده و در بخت خود با آنها شریك خواهند شد، و چنانچه علاءالسلطنه اشعار می‌نماید بواسطهٔ آنکه مقدار اسلحه و پول نقد دولت ایران خیلی کمتر از سال گذشته است، اهمیت این اوضاع خیلی زیادتر شده است.

وزیر مشارالیه خیلی مایل است کـه دولت اعلیحضرتی حتی‌القوه از مـراجعت محمدعلی ممانعت نموده و استفسار می‌کند که آیا رویهٔ دولت اعلیحضرتی از بابت این مسأله به همان‌طور سابق خواهد بود یا نه و صمیمانه اظهار می‌داشت که دولت میل دارند حرکت سپهدار را برای تبریز تسریع نمایند.

در جواب، من اظهار داشتم دلیلی به دست ندارم از اینکه تصور کنم در عقایـد دولت اعلیحضرتی تغییری حاصل شده باشد و او را اطمینان دادم که من بـزودی مضمون اظهارات وی را به اطلاع شما خواهم رسانید.

نمره ـ ۱۸۳

مکتوب سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۳ ژویت ۱۹۱۲ [۱۲ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۷ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

سفیر ایران روز غرهٔ شهر جاری به این وزارتخانه آمده و مضمون تلگرافی را که به موجب آن دولت متبوعهٔ او جلب توجه دولت اعلیحضرتی را به اقدامات بر ضد شاهسونها و اعزام متوالی عساکر به اردبیل و خواستن ارك برای منزل‌دادن عساکر را نمودند، به مستر ملت اظهار نمود.

جناب معظم‌له اظهار امیدواری نمود که من از دولت روس درخواست خواهم کرد که عساکر را عودت دهند و برعلیه تعیین ارك را برای منزل آنها، پروتست خواهم کرد.

سر ملت در جواب اظهار داشت که شما را از بابت این خواهشات[1] مستحضر خواهند ساخت.

(امضاء) گری

نمره ـ ۱۸۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۵ ژویت ۱۹۱۲ [۱۴ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۹ رجب ۱۳۳۰]

جنوب ایران

مستر اسمارت از شیراز تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که گمان نمی‌کنند ما حق داشته باشیم عالم بزرگ شیراز را مسؤول طبع‌نکردن و انتشار ندادن تلگراف علمای نجف بدانیم. مستر اسمارت شنیده است که تمام رؤسای قشقائی و علمای بزرگ سواد تلگراف مذکـور را وصول نموده‌انـد و به علاوه اظهار می‌دارد کـه تلگرافات علمای عراق ممکن است بیشتر اسباب تهییج افکار ایلات شود تا آنکه آن را تسکین بنماید.

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

نمره ـ ۱۸۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ ژوئهٔ ۱۹۱۲ [۱۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۱ رجب ۱۳۳۰]

جنرال‌قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر لطفاً عین تلگراف ۵ ژویت ذیل را که برای حکومت هندوستان مخابره نموده، برای من تلگراف کرده است:

از آنجایی‌که مأمورین حالیهٔ فارس بطور واضح نمی‌توانند برای دستگیری مرتکبین حمله بر عساکر ما، به کشکولیها فشار بیاورند، ظاهراً احتمالی نمی‌رود که دولت ایران به این زودیها با تقاضای ما موافقت نمایند. بنابراین گمان می‌کنم که ما خوب است شروع به ساختن سربازخانه‌ها بنماییم. هنگامی که شیراز را تخلیه می‌کنیم، ما می‌توانیم قیمت مصارف تعمیر آن را از دولت ایران بگیریم. و البته این سربازخانه‌ها برای استعداد ژاندارمری که در شیراز تشکیل خواهد شد، مفید خواهند بود.

نمره ـ ۱۸۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ ژون ۱۹۱۲ [یکم تیر ۱۲۹۱؛ ۶ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

از مراسلهٔ ۲۰ شهر جاری من که توسط قاصد همان روز فرستاده شد، بـر شما ظاهر خواهد شد که اوضاع حالیهٔ کرمان از چه قرار و اقداماتی که برای شکست و تفرقهٔ یاغیان شده، چه بوده است.

اینك مفتخراً سواد دو مراسلهٔ قابل‌توجهی را که کلنل هیگ برای من فرستاد و شرح منشأ این طغیان و پیشرفت آن را تا ۲۲ مه نگاشته است لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف یك نمرهٔ ۱۸۶

مکتوب قنسول هیگ به سر والتر تنلی

کرمان ۱۵ مه ۱۹۱۲ [۲۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۱ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم شما را از منشأ و پیشرفت طغیان برضد ایالت کرمان و بلوچستان[1]، که در عرض دو هفتهٔ اخیر اسباب اضطراب فوق‌العاده در میان طبقات بسیاری از اهالی شهر کرمان شده است، مستحضر بدارم.

۲)[2] هنگامی که امیر اعظم در ماه دسامبر گذشته به سمت ایالت کرمان بدانجا وارد

---

۱) در اصل: بلوچستان را. ـ م.

۲) چنین است در اصل ـ مطلب بند ۱ ندارد. ـ م.

گردید، میرزا حسین‌خان که سابقاً ریاست نظمیهٔ کرمان را داشت و وزیر داخله او را به امیر اعظم معرفی نموده بود، به همراهی او وارد گردید.

سپس اینطور مکشوف گردید که در تعیین سابق خود آنقدر از اهالی شهر با او دشمن شده بودند که دیگر تعیین وی به مقامی صلاح نبود و تا مدتی بـه این طور بیکار مانده، آخرالامر به حکومت بم تعیین گردید. اهالی بم که سوء خلق و طمع‌ورزی او را شنیده بودند، به ایالت تلگرافاً [=تلگرافـی] برعلیه [=علیه] تعیین وی پروتست نموده، به علت آن معزول گردید. میرزا حسین‌خان را ایالت به بم فرستاد که در محل مذکور و اطراف آن اعادهٔ انتظامات بنماید.

تا زمانی که آنجا بود، امیر اعظم وی را با رفعت متحد ساخت که یك وظیفهٔ عمده‌ای را به انجام رسانند. این دو نفر مأمور بودند که آنجا عساکر منظمه و غیرمنظمه که جمع‌آوری آن ممکن بود جمع‌آوری نموده و از راه نرمشیر [=نرماشیر] و جیرفت و رودبار و اقطاع افشار و سیرجان، برای اعادهٔ انتظامات و مالیاتهای عقب‌افتاده حرکت کرده[1] از سیرجان به کرمان مراجعت نمایند. اینها در اوایل مارس ۱۹۱۲ با عدهٔ زیادی پیاده‌نظام و سوار و دو عراده توپ، از بم برای نرمشیر حرکت کردند.

۳) انتخاب این دو نفر برای انجام چنین وظیفه‌ای بسیار نامساعد بود. فقط صفتی که میرزا حسین‌خان دارا است، جرأت است؛ از حیثیات دیگر، برای تعیین‌شدن در مقام مسؤولیتی بکلی نامناسب می‌باشد. بسیاری به من اظهار داشته‌اند که امیر اعظم را متنبه نمودند از اینکه کار مهمی به دست میرزا حسین‌خان ندهد و مخصوصاً توپهای دولتی را به وی نسپارد ولی نتیجه نبخشید. رفعت‌نظام شخصی است که خود را بسیار آدم مهمی می‌داند و تاریخ شخصی او بخوبی مشهور و معلوم است: بدون آنکه از خانوادگان نجیب و بامکنت باشد، در موقعی که مشروطیت، اول دفعه اعطاء گردید، خود را یکی از قوای عامله و ناشرین عقاید مشروطیت قلمداد نموده بدین‌وسیله شهرت و نفوذی در بم حاصل نمود.

پس از آن، در نفوذ او تغییری حاصل گشته ولی مجدداً نفوذ خود را در بم بدست آورده و آن را برای انجام مقاصد خودخواهانه بکار برده است و حاجی اختیارالسلطنه بدون آنکه تصوری در حق وی کند، او را به امیر اعظم معرفی نمود که کار عمده‌ای که مسؤولیت داشت، به او بسپارد.

پدر رفعت‌نظام، به پدر اختیارالسلطنه خدمتی کرده بود، نظر به وساطت و خدمات حسنهٔ او بود که اختیارالسلطنه[2] این‌طور حسن‌ظن در حق رفعت‌نظام پیدا کرده بود.

۴) به مجرد آنکه میرزا حسین‌خان و رفعت‌نظام مشغول به وظیفه‌ای که به آنها سپرده شده بود شدند، بعضی ترتیبات رخ داد که امیر اعظم نقشهٔ اولیهٔ خود را که وصول عایدات بهترین قطعات کرمان را به دست آنها بسپارد، تغییر داد.

---

۱) در اصل: کرده‌اند. ـ م.
۲) اصل: اختیارالدوله. ـ م.

محمدعلی‌خان که یکی از ملاکین درجهٔ اول جیرفت بوده و سابقاً حکومت آن ناحیه را داشت، به کرمان آمده و امیر اعظم را ترغیب نمود که او را به مقام اولش نصب نماید و وعده داد که بدون مداخلهٔ میرزا حسین‌خـــان و رفعت‌نظام، تمام مالیاتهای عقب‌افتاده را وصول نماید. می‌توان با دلیل یقین داشت که مبلغی برای تعیین این مقام پرداخت یا وعده داد بدهد و وزیر داخله این معامله را موضوع شکایت خود از امیر اعظم قرار داده است. مثل این که خرید و فروش حکومتها یکی از عادات غیر معمولهٔ مملکت بوده و هیچ شیوع نداشته است.

بهادرالملك حاکم معزول جیرفت، که بیش از یك ثمن یا عشر مالیات بدهی خود را نداده بود، از تعیین محمدخان[1] بسیار مشوش شده و می‌ترسید مبادا مجبور شود مالیاتی را که بلعیده بود، پس بدهد. در همان وقت، امیر اعظم رویه و وضع سلوك خود را نسبت به ضرغام‌نظام رودباری که تا مدتی مالیات خود را نـــداده و میرزا حسین‌خان و رفعت‌نظام بایستی جبراً از او گرفته باشند، تغییر داد. تحفه و خلعت نزد وی فرستاد، او را وکیل مالیاتی رودبار قرار داد که مالیات آنجا را وصول کند.

۵) در این اثناء میرزا حسین‌خان و رفعت‌نظام در نرمشیر [= نرماشیر] شروع به غارت اهالی کرده، امیر اعظم آنها را تهدید نموده امر داد که آنچه غارت نموده بودند، به صاحبان آنها مسترد دارند و به آنها اطلاع داد که چون ترتیبات دیگر برای وصول مالیات جیرفت و رودبار داده شده است، دیگر آنها را لازم ندارد.

از آنجایی‌که این دو نفر فهمیدند که از آنها جلوگیری می‌شود از اینکه بدون فرق و امتیاز هرکس را غارت نمایند و دستشان از دو ناحیه که امید برداشتن حصاد زیادی از کاشته‌های خود داشتند کوتاه گردید،[2] پیغام بی‌ادبانه برای امیر اعظم فرستادند که در کار آنها مداخله ننموده و مشغول کار خود باشد. فقط راهی که برای آنها باز بود یاغیگری بود و با داشتن دو عراده توپ و ملحق[شدن] بهادرالملك و معین‌دیوان حاکم سابق جبل بارز که ایالت او را تنبیه نموده بـــود، جرأت یافته اعلان کردنـــد می‌خواهند امیر اعظم را که ایالت مخالف مشروطه و تعدیکاری است، از کرمان خارج کنند و از راه جبل‌بارز و جیرفت به طرف کرمان حرکت نموده، به عنوان جمع [و] وصول مالیات و جمع‌آوری سیورسات برای‌قشون ملی، بنای غارت در راه را گذاردند. اموال محمدخان جیرفتی را تاراج نموده و خود او را مجبور کردند به یاغیان ملحق شود و همراهان او، از هم متفرق شده، بغیر از دو نفر سوار شخصی دیگـــر کسی برای وی باقی نماند.

ضرغام‌نظام رودباری اگرچه اسماً دولتخواه بود، اینطور صلاح دانست که دستهٔ کوچکی برای همراهی با یاغیان فرستاده و با آنها اظهار دوستی و ملاطفت کند ولی از اینکه شخصاً به آنها ملحق شود استنکاف نمود.

---

۱) چنین است در اصل (= محمدعلی‌خان). ـ م.
۲) در اصل: گردید و. ـ م.

در جیرفت، یاغیان، حیدرخان فراشباشی امیر اعظم را با بیست یا سی نفری[1] که برای وصول مالیات فرستاده شده بودند دستگیر نموده حیدرخان [را] مستخلص نمودند ولی سایر محبوسین را هنوز یاغیان در توقیف خود دارند.

از جیرفت، تمام استعداد مذکور به طرف بفت [=بافت] رفته و در آنجا به واسطهٔ نفوذ بهادرالملك، دو دسته افشارها در تحت امر رؤسای خود: گنج‌علیخان و صولة‌الملك، ترغیب به ملحق شدن به آنها شدند.

بلوچها در تحت امر شکوه‌السلطان و شجاع‌السلطان نیز به اینها ملحق شده و چون این ایل با افشارها دشمنی دارند، به طریق معمول با آنها متفقاً عمل نمی‌نمایند. کم می‌توان شك داشت که آنها به تحریك سردار نصرت که بهمن‌آقای بلوچ تا طهران همراهش رفت و چند تلگراف رمز از آنجا برای رؤسای ایل خودش فرستاد، عمل نموده بودند.

یاغیان که عدهٔ آنها قبلا خیلی اغراق شده بود [و] ظاهراً از ۸۰۰ تا ۱،۰۰۰ نفر بیش نبود، در دور و حوالی بفت [=بافت] خرابی زیاد کرده، مردم را غارت و محصولات سبز را برای چهارپایان خود درو می‌کردند و املاك کارگزار[2] را در داخل و دور لاله‌زار خراب و ویران نموده دو نفر از اجزاء او را کشتند، سپس به ناحیهٔ بردسیر رفته دهات فرمانفرما را غارت نمودند و اعلام نمودند می‌خواهند فوراً به طرف کرمان بروند.

امیر اعظم که بیش از یکصد نفر عساکر قابل اعتماد همراه خود نداشت که با آنها مقابله نمایند، از احتمال پیش‌آمدن آنها بسیار ترسیده و اسبابهای منقولهٔ خود را حاضر ساخته و پولهای خود را از بانك گرفته مهیای فرار گردید. من کوشش‌فوق‌العاده نمودم که او را دوباره مطمئن ساخته و وادار به توقف نمایم و مکتوبی به‌یاغیان نوشته آنها را از مسؤولیتی که از ورود خود به کرمان به عهده خواهند گرفت، متنبه نموده و آنها را متذکر ساختم که در صورتی که عساکر و همراهانشان وارد شوند، حتماً اهالی را برای اخراج ایالت غارت خواهند کرد و اقدامات او را حمل بر هرچه کنند، دولت ایران او را به این مقام نصب نموده و تمام رعایای دولتخواه بایستی او را اطاعت بنمایند تا از مرکز معزول گردد. این مکتوب را، هم من و هم کفیل قنسولگری روس امضاء نموده و من نیز مراسلاتی چند به رؤسای دو ایل مذکور نوشته و آنها را متنبه ساختم از خطری که برای خود دعوت مینمایند در صورتی‌که در انجام چنین مقصودی با دو نفری شریك شوند که هیچ علاقه‌ای در آن نقاط نداشته و در صورت عدم پیشرفت این اقدامات، فوری خود را از جرگه خارج کرده و آنهایی را که خانه و املاکشان در این ایالت است، به حال خود می‌گذارند که مورد عقوبات دولت واقع شوند.

---

۱) در اصل: سی نفری را. ـ م.

۲) در اصل همه‌جا کارگذار نوشته شده است. ـ م.

در جواب این مکتوب، یاغیان مکتوبی را که امضای ۳۱ نفر را داشت، فرستاده از قصد عدم اطاعت دولت یا اذیت و مزاحمت اهالی کرمان تحاشی نموده و اظهار داشتند مقصود عمده‌شان این است [که] عریضه‌ای به اولیای دولت عرض کرده، عزل ایالت تعدی کار ظالم را بخواهند. از ما درخواست نمودند ایالت را از جلوگیری ورود آنها ممانعت نماییم. ما در جواب اظهار داشتیم که هرگاه عارض هستند و می‌خواهند تظلمی بنمایند، بایستی محبوسین خود را مستخلص نموده و عساکر خود را متفرق سازند. ایشان در جواب کاغذ مختصری فرستاده ما را اطلاع دادند که کاغذ مفصل مشروحی در این باب به‌کارگزار فرستاده و از ما خواهش نمودند فیمابعد توسط کارگزار برحسب قانون با آنها مکاتبه نماییم.

در جوابی‌که برای کارگزار فرستاده بودند، اظهار نموده بودند حاضرند اوامر قانونی دولت ایران را پذیرفته و ظاهراً حق امتیازدادن بین اوامر قانونی و غیرقانونی را برای خود محفوظ داشته بودند و مجدداً از ما استدعا نموده بودند که ایالت را از جلوگیری آنها منع نماییم و مخصوصاً نگذاریم توپخانه در مقابل آنها بفرستد و در خاتمهٔ جوابیهٔ خود ایالت را دعوت نموده بودند که حرکت کرده و در محلی قریب ۵۰ میلی دور از شهر با آنها مقابله نماید.

۶) در ۸ مه ایالت، همینکه وجوهات خود را از بانك دریافت نمود و مرا بطور صریح اطمینان داد که صبح روز بعد قصد حرکت دارد، خزانهٔ بانك شاهنشاهی را به قنسولخانهٔ اعلیحضرتی نقل نموده در آنجا محفوظ داشتند و به اروپاییان اطلاع داده شده بود که برای آنها لازم است به قنسولخانه بیایند و آنها حاضر به حرکت شده بودند و به ملاحظهٔ اینکه شاید لازم شود اجزاء تلگرافخانه، آنجا را تخلیه نمایند دو سیم تلگراف در عرض دو سه روز بعد تا قنسولخانه وصل نمودند.

صبح روز ۹ مه ایالت مرا خواسته و من به اتفاق همکار روسی به عمارت ایالتی رفتیم. امیر اعظم تصمیم نموده بود حرکت خود را تا چند روزی به تعویق اندازد ولی هنوز متوحش بود.

من مجدداً کوشش نمودم او را مطمئن سازم ولی بر من مکشوف گردید که او به همان اندازه که از قشون یاغیان می‌ترسد از حزبی که در شهر خود را به دموکرات موسوم نموده بودند، بیم و وحشت داشت. دموکراتها در تحت امر آقا یحیی رئیس سابق انجمن محلی، مخفیانه مشغول ترغیب یاغیان بودند که پیش آمده و شهر را اشغال نمایند و چون در موقعی که من ورود نمودم عده[ای از] آنها آنجا حضور داشتند و در اطاق جنب اطاقی که امیر اعظم مرا پذیرفت نشسته بودند، او به من ارائهٔ طریق نمود با آنها صحبت نمایم و می‌خواست منْ آنها را تخویف نموده و تهدید به وارد کردن فوری عساکر انگلیس نمایم. ولی البته من میل به این کار نداشتم. من آنها را اطلاع دادم که اتباع انگلیس و سایر خارجیها بی‌اندازه از مزاحمت یاغیان ترسان و هراسان می‌باشند و سؤال کردم در نظر دارند چه اقدامی بکنند؟ به من اطمینان داده شد که اهالی برای حفظ اتباع خارجه جنگ خواهند کرد ولی من این

وعده‌ها را سخریه نموده به آنها اشعار داشتم که یاغیان، عساکر بانظام و دیسیپلینی نبوده غارتگرانی هستند که در تحت کنترل صحیحی نمی‌باشند و از قراری که بر من معلوم شده، بسیاری از اهالی در تهیهٔ فرار از شهر با اموال خود می‌باشند و آنهایی‌که در شهر بمانند حتی در صورتی‌که مایل به جنگ شوند (که مشکوك است) فقط کاری که می‌توانند بکنند، دفاع از اموال خود خواهد بود و چطور می‌توانند در مقام دفاع از اتباع خارجه برآیند. همینکه دومرتبه مرا اطمینان دادند، من اصرار نمودم که فقط یك راهی برای محافظت اموال خارجی به نظر می‌رسد و آن این است که غارتگران را خارج شهر نگاه دارند و بالاخره رؤسا را بطور سخت وادار به تعهد انجام این مسأله نمودم، اگرچه هیچ اعتمادی نداشتم آنها این کار را به انجام رسانند. چون اشخاصی که این تعهد را نمودند من مجبور نمودم مقر به حماقت خود شوند، این مسأله اثر خوبی نموده اسباب تشجیع و جرأت یافتن ایالت گردید و بدین واسطه از خیال فرار بکلی منصرف گردید.

۷) به موجب خبری که از اردوی یاغیان برای من رسید، امیدوار شدم که ترس آنها را فرا گرفته و یحتمل بین خود جنگ کرده و متفرق خواهند شد ولی بدبختانه این امید به جایی نرسیده و نتیجه‌ای از آن به ظهور نرسید و آنها مجدداً پیش آمده‌اند و چنانچه شنیدم امروز به باغین که در یك‌منزلی شهر است رسیده‌اند. یحتمل صدمات خیلی زیاد از طرف یاغیان که در موقع حرکتشان این نقاط را خراب و ویران و غارت نموده‌اند [و] اشخاصی را که در مقام دفاع از اموال خود برآمده کشته و زنان را بی‌سیرت نموده‌اند، وارد خواهد آمد. از قراری که اطلاع یافته‌ام، سرکردگان آنها در مواقعی که سرگرم باده هستند، با کمال غرور می‌گویند قنسولها و سایر اروپاییان را خواهند کشت ولی همینکه حرارت مستی از سرهای آنها خارج گردید، از این اظهارات و مقاصد تحاشی می‌نمایند. من نمی‌توانم باور کنم که آنها جرأت حمله به قنسولخانه را داشته باشند، لکن انتظار ندارم که اموال اروپاییان و هندوهای شهر امن باشد. چهار اداره‌های قالیبافی، قالیهای خود را به قنسولخانه آورده و من در نظر دارم اروپاییان را فردا صبح به قنسولخانه دعوت نمایم. هندوها درخواست تحصن در قنسولخانه نموده‌اند ولی من وسیله برای حفظ اموال شهر آنها را که به چندین هزار روپیه می‌رسد، بدست ندارم.

۸) فعلا لازم نیست در باب حسن و قبح اقدام برضد امیر اعظم بیش از این چیزی گفته شود که اگرچه او در مقام ایالت خود بی‌تقصیر بوده است، کاری نکرده است که یاغیگری برضد او لازم شود.

به‌عقیدهٔ من عقاید مختلفی یاغیان را به حرکت درآورده و یك عقیده که امید غارت باشد، در همه عمومیت دارد.

(امضاء) هیگ لیوتنان کلنل

www.adabestanekave.com

ملفوف دوم نمرهٔ ۱۸۶

مکتوب قنسول هیگ به سر والتر تنلی

کرمان ۲۲ مه ۱۹۱۲ [یکم خرداد ۱۲۹۱: ۴ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـــا

در تعقیب مراسلهٔ ۱۵ مه ۱۹۱۱ خود، مفتخراً شما را از پیشرفت اقدامات برعلیه شاهزاده امیر اعظم ایالت کرمان و بلوچستان اطلاع می‌دهم:

۲)۱ بین ساعت ۹ و ۱۰ بعد از ظهر روز ۱۶ مه یکی از اجزاء معتمد شاهزاده که عموماً به اسم مسیو ژان مشهور است و ادعای تبعیت دولت فرانسه را می‌نماید و به عقیدهٔ من ارمنی است، به قنسولخانه آمده و مرا اطلاع داد که شاهزاده به فوریت برای پناهنده شدن به قنسولخانه وارد می‌شود، چون که تـــا مدتی وارد نشد، من چراغهای قنسولخانه را خاموش۲ نکرده به رختخواب رفتم. صبح بر من معلوم شد که در عرض شب بدانجا نیامده ولی قبل از آنکه بیرون روم وارد شده در باغ مجاور باغ قنسولخانه که متعلق به نوراللهخان است و عموم آن را در تحت حفظ قنسولخانه می‌دانند آمده آنجا چادر زد.

او برای ملاقات من آمده و من سعی نمودم او را ترغیب به مراجعت به شهر نمایم و مجدداً به او اطمینان دادم که بر من مسلم است حضور او در آنجا برای جلوگیری از حمله کافی است ولی این کار دیگر فایده نداشت.

از قراری که راپورت داده شد، یاغیان آن وقت در باغین، یك‌منزلی کرمان بودند.

همینکه روز شد، من دوباره برای دیدن او رفتم و اعلام نمود قصد دارد دوبـــاره زمام امور را بدست گیرد و از من درخواست نمود فوراً به شهر رفته و با کارگزار قراری برای اجتماع اشخاص معتبر شهر داده و همینکه او را اطلاع دهم هیأت مزبور حاضر برای پذیرایی وی می‌باشند، همراه من بدانجا برود.

من هنوز در خانهٔ کارگزار مشغول ترتیب جزئیات کار بودم که خبر رسید ایالت با مستحفظین شخصی خود از خیابان به طرف ارك رفت. تقریباً فوراً بعد از آن، دو نفر از سواران او رسیده و از من درخواست نمودند تا تلگرافخانهٔ ایرانی که یکی از عمارات بزرگ خوب ارك بود نزد وی بروم. من این کار را قبول نموده و همینکه آنجا رفتم، او را مشغول کار دیدم.

پس از مشورت، برما اینطور مکشوف گردید که اول اقدامی کـــه لازم است این است که بشارت‌الممالك رئیس جدیدالتعیین تلگرافخانه توقیف گردد. این شخص را دولت ایران نزد یاغیان فرستاده بودند که به آنها امر دهد از هم متفرق شوند و اوامر دولت را اطاعت نمایند ولی برای ما اطلاع رسید و از جای موثق ایـــن خبر تصدیق

---

۱) چنین است در اصل و شمارهٔ ۱ قید نشده است. ـ م.

۲) اصل: خواموش.

گردید که آنها رشوه‌ای بمبلغ یك هزار تومان به او داده و او وعده داد با یاغیان همدست‌شود. بنابراین، من امیر اعظم را وعده دادم که تقاضای وی را برای اخراج بشارت‌الممالك که مسألهٔ خیلی لازمی است، تقویت خواهم نمود.

۴)۱ در این اثناء، یاغیان از باغین تا دو یا سه فرسخی شهر پیش آمـده و طرف عصر روز ۱۷ بر من معلوم گردید که تمام سیمهای تلگرافی از دو طرف مقطوع‌گردید و به من اطلاع داده شد که یاغیان قصد حملهٔ شهر را در شب دارند. من این را قبول نمودم ولی به تمام اروپاییان اطلاع دادم که در صورتی‌کـه متوحش گردند، درب قنسولخانه برایشان باز است و احتیاطات لازمه بعمل آمد. عدهٔ کمی از آنها قبول دعوت مرا نمودند و حمله به وقوع نپیوست.

صبح روز بعد، من مجدداً ایالت را ملاقات نموده و تمام روز را بـا او بودم و مکتوبی به‌یاغیان‌نوشته از آنها استفسار نمودم چرا اوامر دولت خود را قبول ننموده‌اند و چرا خطوط تلگراف را خراب کرده‌اند؟ در جواب، آنها در نهایت جسارت امیر اعظم را به سبب شدن قطع سیمهای تلگراف متهم نموده و از من استدعا نموده رفته و آنها را معاینه نمایم. قاصد من اطلاع داد که به عقیدهٔ وی، مقصود آنها از این سؤال این بود که مرا ترغیب نمایند که دیگر از ایالت تقویت ننموده و از آنها همراهی نمایم. از آنجایی که تصور می‌کردم عدم اطلاع آنها از حدودی که برای وظایف من معین‌است ممکن است آنها را امیدوار به تغییر رویه از طرف من بنماید و چون سوءظن داشتم از اینکه آنها سعی خواهند نمود تلگرافی را که وزیر داخله اخیراً برایشان مخابره نموده بود ساختگی از طرف امیر اعظم بنمایانند، من صلاح دانستم که رفع شبهه از بابت این دو نکته بنمایم و تصمیم نمودم روز یکشنبه آنها را ملاقات نمایم.

من ارائهٔ طریق نمودم که کارگزار بایستی به اتفاق من بیاید چرا که او به مقام مأموریت خود از جانب دولت ایران می‌توانست آنها را از رویهٔ حکومت مرکزی مطمئن ساخته و هرگونه پیغامی که ایالت برای آنها داشته باشد، بتواند ابلاغ نماید و گذشته از آن من به موجب اطمینانی که از طرف شما برایم رسیده بود، می‌توانستم به آنها اطمینان دهم که اظهارات کارگزار در موضوع رویهٔ حکومت مرکزی صدق و صحیح است. این پیشنهاد که کارگزار به اتفاق من بیاید مورد قبول واقع گردیده و او زیاده بر آنچه من انتظار داشتم با من همراهی نمود.

در وقتی که تمام حضور داشتند، من با کمال جدیت مشغول شدم به اطمینان دادن به یاغیان به این مضمون که از آنجایی‌که خود را قنسول دولت خارجی می‌دانم، مجبورم مأموری را که از طرف دولت ایران تعیین گردیده بشناسم و هیچ کس مبادرت نخواهد ورزید به من آشکارا ارائهٔ طریق نماید که من بایستی رویهٔ خود را تغییر دهم.

اگرچه بسیاری در موقع مشورت خصوصی به من اصرار کردند این کار را بکنم، بزودی مشهود گردید چندان احتمال نمی‌رفت بتوان از سرکردگان‌یاغیان شرح مختصری

---

۱) چنین است در اصل و مطلب، شمارهٔ ۳ ندارد. ـ م.

از شکایات و تظلماتشان بدست آورد.

شکایات میرزا حسین‌خان و رفعت‌نظـام در قسمت پنجم مراسلهٔ من مرقوم است. شکایت معین‌دیوان حکمران سابق جبل بارز این است که ایالت او را تنبیه نموده است ولی به موجب تمام تفصیلاتی که دربارهٔ او به سمع من رسیده، او سزاوار تنبیه بوده است. بهادرالملك از این متغیر است که چرا از حکومت جیرفت معزول گردیده و از آن می‌ترسد مبادا مالیات عقب‌افتاده از وی مطالبه شود. گنجعلی‌خان ایلخانی ایـل افشار، سه سال است مالیات خود را نداده است و طبعا می‌ترسد از اینکه مبادا از او بازخواست مالیات بشود ولی اکثر آنها اعتراف نمودند که هیچ‌گونه شکایت یا تظلمی نداشته و فقط به همراهی دوستان خود آمده بودند.

من آشکارا آنها را یك یك بطور خصوصی اطلاع دادم که هیچ یك از شکایات آنها را نمی‌توان برای عزل ایالت قبول نمود و تظلمات آنها برای اثبات مظلومیتشان کافی نخواهد بود و بعضی از آنها، بعد کوشش نمودند که متعذر به معاذیر شده و نسبتهای بی‌اساس مهمل اجحاف و تعدی به امیر اعظم دادند.

من به اینها اطلاع دادم نمی‌توانم اظهاراتشان را باور کنم ولی ایالت هرچه کرده باشد،[1] هزار یك بدبختیها و مصیبتهایی را که یاغیان به اهالی این نقاط وارد آورده[اند]، او به آنها وارد نیاورده است.

وقتی که در حضور تمام، از آنها جهة خراب‌کردن سیمها را سؤال نمودم، آنها اظهارات سابق خود را تکرار نمودند که امیر اعظم باعث آن شده و همینکه پرسیدم چرا او این کار مهمل را کرده است، در جواب گفتند برای این بوده که آنها را از مخابرهٔ با طهران ممانعت نماید.

من به آنها اظهار داشتم لازم نبود او برای این مقصود، سیمهای تلگراف را قطع نماید چرا که ادارهٔ تلگرافخانه در ید اختیار وی بود و هیچ تلگرافی را بدون تصویب وی مخابره نمی‌نمودند. این اظهار تا اندازه‌ای آنها را ساکت نموده، بعد یکی از آنها عنوان نمود که سیمهای تلگراف را قطع نموده‌اند مبادا آنها توسط تلگرافخانهٔ انگلیس مخابره نمایند. من در جواب گفتم که این مسأله را، هم من و هم آنها بخوبی می‌دانند که تلگرافخانهٔ انگلیس به هیچ وجه من‌الوجوه تلگرافی برای مخابره از آنها نمی‌پذیرد.

این جواب تا مدتی اسباب سکوت آنها شده و بعد گفتند سیمها را برای این قطع نموده‌اند که اسم و آبروی ما را ضایع کنند. من در جواب اظهار داشتم که تلگرافخانهٔ ایرانی بکلی در تحت امر امیر اعظم بوده و می‌توانست به وسیلهٔ مخابره با طهران مؤثراً و زیادتر اسم آنها را خراب کند تا آنکه وسایل مخابراتی را که دایر داشتن آن برای وی صرفه دارد مقطوع بدارد. این جواب بـاز آنها را ساکت نمود و میرزا حسین‌خان بعد از آن در ضمن صحبت شخصی بمن اعتراف نمود که خود او سیمهای مذکور را قطع نموده است.

---

۱) اصل: باشد او. ـ م.

کمی قبل از غروب، کارگزار و من از اردو خارج شده و به شهر مراجعت نمودیم و شرح گزارشات[1] را برای ایالت نقل نمودیم. پس از قدری مذاکرات اینطور تصمیم شد که کارگزار و من، روز بعد، مجدداً به اردو رفته و ۵ نفر از رؤساء را من امنیت داده آنها را ترغیب نماییم با ما مراجعت نموده و شکایات خود را به عرض امیر اعظم برسانند.

۵) روز دوشنبه کارگزار و من به اردو رفته و این پیشنهاد را به رؤساء نمودیم ولی اینها ظاهراً بخوبی درك نموده بودند که برای ایشان غیرممکن است شکایاتی را که به من اظهار داشته بودند بطور تظلم به عرض ایالت برسانند و کوشش نمودند با معاذیر مختلفهٔ متعدده این پیشنهاد را رد نمایند و اصرار داشتند بر اینکه اگر ۵ نفر از رؤساء بروند آنهایی‌که می‌مانند، برای استقرار انتظامات میان ایلات کافی نخواهند بود و ارائهٔ طریق نمودند که فقط یك نفر نماینده بفرستند. من در جواب اظهار داشتم که چون هریك از آنها شکایات و تظلمات مخصوص داشتند یك نفر نماینده مکفی نخواهد بود و ۵ نفر یا اقلا ۴ نفر کمترین عده‌ای است که امیر اعظم قبول خواهد کرد و پس از آنکه شکایت نمودند اگر ۵ نفر از سرکردگان حرکت کنند، ممکن است اسباب خطر گردد، اظهار نمودند خوب است تمام سرکردگان که عده‌شان به ۱۲ یا ۱۳ می‌رسید، حرکت کنند. من در جواب اظهار داشتم درصورتیکه می‌گویید اگر ۵ نفر از سرکردگان حرکت کنند ممکن است خطری پیش آید، پس اگر تمام حرکت کنند بطریق اولی ممکن است خطر به ظهور برسد.

سپس ارائهٔ طریق نمودند که کنفرانسی عوض آنکه بنابر پیشنهاد امیر اعظم در چادر منعقد شود، در قنسولخانه منعقد گردد. من به این ارائهٔ طریق اعتراض نموده گفتم این کار یك قسم بی‌احترامی نسبت به دولت ایران است و به آنها اطمینان دادم که در چادر هم مثل قنسولخانه امنیت خواهند داشت و وعده دادم که محض آنکه سالماً به آنجا بروند، با ایشان همراهی نموده و در تمام مدت کنفرانس حضور بهم خواهم رسانید ولی در مذاکرات آن شرکت نخواهم نمود و آنها را سالماً به اردو خواهم رسانید.

سپس پیشنهاد شد که من یك قسم محکمه تشکیل داده و بین آنها قضاوت نمایم. من از این کار امتناع ورزیده و اظهار داشتم حاضر نیستم چرا که این کار یك نوع بی‌احترامی به ایالت است. بعد از من درخواست نمودند ضمانت کنم که انعقاد این کنفرانس سبب تصفیهٔ امور بطور دلخواه خواهد شد. من در جواب اظهار داشتم که با اینکه به نظر من برای تصفیهٔ امور جز به وسیلهٔ کنفرانس بطور دیگری نمی‌توان بدان نائل شد نمی‌توانم چنین ضمانتی را بنمایم.

پس از آن، آشکارا از من استدعا نمودند که از تقویت ایالت صرف‌نظر نموده و از آنها حمایت نمایم. من امکان‌پذیر نبودن چنین امری را برای آنها توضیح نموده

---

۱) اصل: گذارشات. ـ م.

اظهار داشتم که چون فقط پیشنهادی را که ممکن بود به وسیلهٔ آن امور تصفیه شود رد نمودند، من بایستی نتیجه بگیرم که خود آنها میل به فیصلهٔ امر نداشته و لذا میل ندارم دیگر در این باب با ایشان مذاکره نمایم.

آنها به‌هیچ‌وجه نمی‌خواستند بگذارند من بروم. ظاهراً به این امید که دوباره مرا ترغیب به همراهی خود نمایند و از این می‌ترسیدند که کناره‌جویی من اسباب تفرقهٔ کسانی باشد که به یك طوری مجبور به همراهی با آنها شده‌اند.

آخرالامر من به کناره‌جویی موفق شده حرکت کردم و بر من مکشوف گردید که خوف و بیم آنها صورت حقیقت یافته و بر اظهارات خصوصی من به کسانی که می‌دانستم تا اندازه‌ای با سایرین میانه‌شان خوب نبود اثراتی مترتب گشت. چنانچه صولة‌السلطان با ۲۰۰ نفر از همراهان خود، قبل از حرکت من به طرف شهر حرکت نموده و هنوز دو یا سه میل نرفته بودم یك دسته را دیدم سواره عقب من می‌آیند. من تا مسافتی به جلو رانده و همینکه نزدیك شدند خود را به یك طرف راه کشیدم تا آنها عبور کنند.

این دسته مرکب بود از قریب ۵۰ نفر از ایل افشار در تحت امر صولة‌الملك و محمدخان جیرفتی پدر زن صولة‌الملك هم که یکی از رفقای قدیم من و یك دفعه در قنسولخانه مهمان من بود، همراه آنها بود. من از آمدن وی اظهار مسرت کرده و تبریك گفتم و او در جواب اظهار داشت نمی‌تواند بگذارد من تنها به شهر بروم.

من به اتفاق کارگزار ورود به شهر نموده، امیر اعظم را دیدم. با بشاشت تمام با دو نفر از سرکردگان افشار که قبل از من وارد شده بودند مشغول صحبت بود و در موقعی که محمدخان و صولة‌الملك نزد او آمدند، حضور داشتم و کمی بعد از آن از حضور او خارج شدم.

۶) شاهزاده فعلا در حمله به بقیهٔ یاغیان تردید دارد و حالا از آنها قوی‌تر است و اگر به آنها حمله نماید یقیناً بقیهٔ عساکر دولتی که در اردوی آنها هستند، به وی ملحق خواهند شد ولی هنوز مردد است و مشغول پیغام‌فرستادن برای آنها است و امروز مرا اطلاع داده است که خیال دارد فردا به آنها حمله نماید.

۷) اینك باید تفصیل ۵ هزار تومانی را که از بانك شاهنشاهی برای ایالت گرفتم بنویسم:

شرح آن این است که از طرف شما اطمینان برای من رسیده بود که قرار است پولی برای او فرستاده شود و تلگرافی را که وزیر داخله مخابره نموده به او اطلاع داده بود که مسیو مرنارد حوالهٔ آن را داده است ملاحظه نموده بودم. تا زمانی که سیم تلگراف مقطوع بود، از طرف مسیو مرنارد تلگرافی نرسید و چون مدتی بود حقوق عساکر داده نشده و بیم آن می‌رفت عده‌ای از آنها دست از خدمت کشیده متفرق شوند، رسیدن پول کمال لزوم را داشت و معلوم نبود چه وقت خط تلگراف دائر خواهد گردید.

من بطور رسمی به بانك شاهنشاهی اطمینان دادم که دولت ایران امر به پرداخت وجه را به ایالت داده و او هم قبول کرد وجه مذکور را داده امیر اعظم رسید به او

بدهد. من پول را دریافت کرده و در ادارهٔ خود نگاه داشته‌ام و از مأمورین تقسیم پول قبوضی که به امضای خود آنها و پیشکار مالیه و ایالت است گرفته و متدرجا می‌پردازم و این کار را محض آن کرده‌ام که در هر روز و ساعتی که پول لازم باشد، موجود باشد. در صورتیکه این پول در بانك بود، غیر از ساعاتی که بانك مفتوح بود و روزهای جمعه یا یکشنبه تحصیل آن امکان‌پذیر نبود. هنگامیکه انتظامات کاملا اعاده شود، من در نظر دارم بقیهٔ پول را آنچه باشد در حساب حکومت محلی به بانك انتقال داده و صورت‌حسابی به انضمام اوراق راجع به آن توسط کارگزار برای حکومت محلی بفرستم.

در مسألهٔ پول، شاید من از حدود وظایف خود تجاوز نموده باشم و مسلم است که از منظور داشتن بعض ترتیبات مرسومه صرف‌نظر نموده‌ام ولی تا آنکه لزوم هر امری بر من متحتم نشود در انجام آن اقدام ننموده‌ام و هر قسم احتیاط لازم را برای آنکه وجه مذکور به مصرف صحیح برسد، مرعی داشته‌ام.

۸) امیدوارم که هفتهٔ دیگر بتوانم شما را از تفرقه یا دستگیری بقیهٔ یاغیان و اعادهٔ کامل انتظامات مطلع گردانم. این یاغیان شرارت فوق‌الطاقه نموده و اهالی آن قسمت ایالت را که از آنجا و از حدود کرمان عبور نموده‌اند و فعلا در آنجا اردو زده‌اند دچار بدبختیهای بسیار نموده‌اند.

در هر موقعی که به اردو رفته‌ام، دهاتیهای بیچاره دور مرا گرفته و می‌گویند آنچه داشته‌اند به‌غارت رفته است و از محل موثقی به من اطلاع رسیده که همین یاغیان عده‌ای از زنان را بی‌عصمت نموده و به هیچ وجه از جان و مال مردم دریغ نداشته‌اند. به این جهات و برای استرداد تفنگ و مهماتی که[۱] فعلا در دست دارند، بسیار به‌موقع است که از طرف امیر اعظم اقدامی به عمل آید و من به او تأکید می‌کنم اقدامی بکند.

در طی مراسلهٔ دیگر خود توضیح خواهم نمود که این هیجان و اقدامات رؤساء که تا این اندازه غلیان نمود، برعلیه بدرفتاری امیر اعظم نبود بلکه برای آن بود که هیچ قسم حکمران لایق کافی در این حدود نماند.

(امضاء) هیگ لیوتنان کلنل

نمره ـ ۱۸۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ ژون ۱۹۱۲ [۲ تیر ۱۲۹۱؛ ۷ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم اینك سواد تلگرافی را که کفیل قنسولگری شیراز در ۲۰ ژون مخابره نموده و راپورت ورود و فروش مقدار زیادی فشنگ در میان ایلات فارس آنجا را داده است، لفاً ایفاد دارم.

---

۱) اصل: مهماتی را که. ـ م.

مراسله‌ای هم از مستر اسمارت در تاریخ ۲۲ مه برای من رسیده در آن ارائهٔ طریق می‌کنند که چون مسالهٔ برقرار داشتن یك حکومت مقتدری در فارس، آنقدر بـرای دولت اعلیحضرتی دارای اهمیت است خوب است دولت مشارالیها در عوض اینکه به دولت مرکزی پول دهد، مستقیماً به حکومت محلی رسانیده و در این کـار همراهی نماید.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۱۸۷

تلگراف کفیل قنسولگری، اسمارت. به سر والتر تنلی

شیراز ۲۰ ژون ۱۹۱۲ [۳۰ خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ رجب ۱۳۳۰]

مقدار زیادی فشنگ از خلیج فارس تازگی به شیراز وارد شده بدان واسطه قیمت فشنگ موزر که یك ماه قبل در بازار از دانه‌ای سی شاهی الی دو قـران بفـروش می‌رسید، به دانه‌ای پانزده یا شانزده شاهی تنزل کرده است. خیلی افسوس است که در موقعی که کار بر ایلات قدری سخت شده است، این فشنگ مل سیل وارد شود، تجار شیراز مقدار زیادی فشنگ به رؤسای ایلات می‌فروشند.

نمره ـ ۱۸۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۸ ژویت ۱۹۱۲ [۱۷ تیر ۱۲۹۱: ۲۲ رجب ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۷ ژون من:

رئیس نظمیه

آیا اقدامی برای تعیین رئیس هلندی، برای نظمیه به‌عمل آمده است؟

نمره ـ ۱۸۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ ژویت ۱۹۱۲ [۱۸ تیر ۱۲۹۱: ۲۳ رجب ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۸ ژویت شما:

سفیر هلند درخواست دولت ایران را برای استخدام یك نفر صاحبمنصب کل و دو نفر صاحبمنصب جزو برای نظمیه، در ۲۷ ژون به دولت متبوعهٔ خود ارائه نمود.

نمره ـ ۱۹۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۰ ژویت ۱۹۱۲ [۱۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۴ رجب ۱۳۳۰]

سفیر ایران مقیم اینجا، از بست اختیار نمودن مجلل‌السلطان نزد روسها (رجوع به تلگراف دوم ژویت خودتان نمایید) شکایت کرده و اصرار دارد بر اینکـه دولت

اعلیحضرتی باید مواظب اجرای مواد پروتکل ۱۹۰۹ (مادهٔ ۱۰) باشند.
یقیناً ظاهر است که سفیر معظم تا اندازه‌ای حق شکایت دارد و شما باید در این موضوع با همکار روسی خود مذاکره نمایید.

نمره ـ ۱۹۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۲ ژویت ۱۹۱۲ [۲۱ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۶ رجب ۱۳۳۰]
مجلل‌السلطان

راجع به تلگراف ۱۰ ژویت شما:
همینکه خبر ورود مجلل‌السلطان به نعمت‌آباد، به سفارت روس رسید، همکار روسی من به قنسول روس مقیم تبریز تعلیم داد که او را دستگیر نماید و به مجرد آنکه از طرف دولت متبوعهٔ او برایش تعلیمات رسید، فوراً امر صادر نمود که او را به روسیه تبعید نمایند و تا زمانی که تبعید نشده، نباید به او اجازه داده شود با همراهان خود که در تبریز هستند، مراوده و مخابره نماید و به مجرد آنکه تعهد کتبی نماید که بدون‌اجازهٔ دولت‌ایران به ایران مراجعت‌نخواهدنمود، باید او را اخراج‌نمایند. انتظار می‌رود یکی دو روز دیگر این کار به انجام برسد.
چنانچه فهمیده‌ام، وزیر امور خارجهٔ ایران از اقدامات سفارت روس در این امر اظهار رضایت نموده است.

نمره ـ ۱۹۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۲ ژویت ۱۹۱۲ [۲۱ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۶ رجب ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۲۳ ژون من:
افتخار دارم راپورت دهم که قراردادی به اتمام رسیده به‌این شرایط که سردارجنگ برای اعادهٔ انتظامات و ضمانت امنیت راه، به خاك بختیاری برود. یکی از پسران صدراعظم هم همراه او خواهد رفت.
دولت ایران و خوانین، فرمانی به مدت ۵ سال به امیر جنگ داده و او را به ایلخانی‌گری بختیاری و حکومت بهبهان منصوب داشته‌اند و بانك شاهنشاهی مبلغ ۸ هزار لیرایی که برای انجام این کار لازم بود داده است و اسهام معادن نفت خوانین، این قرضه را تأمین می‌نماید.
به گمان من، می‌توان امیدوار شد که از تعیین وی نتایج مستحسنه به ظهور خواهد رسید و سردار جنگ اهمیت کاری را که به وی سپرده شده خوب درك می‌کند.
مشارالیه چند روز دیگر حرکت خواهد کرد و بنابر خواهش مخصوص وی، کاپیتان گری که حالا در اصفهان منتظر ورود او است، همراهش خواهد رفت.

نمره ـ ۱۹۳

مکتوب سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۲ ژویت ۱۹۱۲ [۲۱ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۶ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

مکتوب ۱۴ ژون شما، که در آن راپورت نزاع بین شیخ محمره و بختیاری را از بابت حکومت شوشتر داده بودید، واصل گردید.

من پیشنهاد شما را تصویب می‌کنم که سعی کرده خوانین را ترغیب نمایید که کتباً اظهار میل کنند به اینکه در اجلاسی که نوشته‌اید در ماه دسامبر آتیه در محلی نزدیك شوشتر منعقد گردد، نمایندگی بهم رسانند، برای آنکه مساعی جدی بکار برده شده و تمام مسائل معوقه بین شیخ و خوانین تصفیه گردد.

(امضاء) گری

نمره ـ ۱۹۴

مکتوب سر ادوارد گری به کنت بنتینگ

وزارت خارجه ۱۲ ژویت ۱۹۱۲ [۲۱ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۶ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

اینك سواد مراسلاتی که با سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران در خصوص تعیین احتمالی یکی از اتباع دولت هلند، برای ریاست کل نظمیه رد و بدل شده، لفاً ایفاد می‌دارم.

این را ممکن است بعلاوه اظهار نمایم که در صورتی‌که وزیر امور خارجه در این موضوع به شما اظهاری نماید، بگویید که دولت اعلیحضرتی و دولت روس، تعیین او را تصویب خواهند نمود.

(امضاء) گری

نمره ـ ۱۹۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ ژویت ۱۹۱۲ [۲۲ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۷ رجب ۱۳۳۰]

بریگاد قزاق در تبریز

راجع به تلگراف غرهٔ ژویت من:

دیروز جواب دولت ایران به سفارت روس داده شده تشکیل یك دسته قزاق را در تبریز تصویب نموده‌اند.

سپهدار هنوز اینجا، به لیت و لعل می‌گذراند و برای آنکه به صوب مأموریت خود حرکت نکند عذرتراشی می‌کند.

از طرف دولت ایران مؤکداً اظهار می‌شود که حضور او در اینجا امنیت عمومی‌را

بسیار تهدید می‌کند و اظهار می‌کنند که طرفداران شاه مخلوع با وی سروکار دارند و این مسأله به هیچ وجه پوشیده و پنهان نمی‌باشد.

گمان می‌کنم تا زمانی که سپهدار اینجا توقف دارد، امنیت به‌هیچ‌وجه احساس نمی‌شود و از پیشرفت امورات حکومت مرکزی جلوگیری می‌شود. یکی از شرایطی که وزیر امور خارجه در موقع قبول مقام خود قرار داد، حرکت سپهدار بود.

نمره ـ ۱۹۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۳ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۸ رجب ۱۳۳۰]

کفیل قنسولگری تبریز راپورت می‌دهد که ۶۰۰ نفر پیاده‌نظام روس، با دو عراده توپ، ۱۴ ژوئیت وارد اینجا شدند و فعلا کلیهٔ عساکر روس در آنجا ۱۵۰۰ نفر است.

نمره ـ ۱۹۷

مکتوب سر ادوارد گری به میرزا مهدی‌خان

وزیر امور خارجهٔ دولت اعلیحضرتی به سفیر ایران سلام رسانیده و افتخار دارد در باب اظهارات وی به سر نیکلسن روز ۹ ژوئیت در موضوع مجلل‌السلطان، ایشان را مطلع سازد که به موجب تلگرافی که از سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران در تاریخ ۱۲ ژوئیت واصل گردیده، سفیر روس بـه مجرد وصول اخبار ورود مجلل‌السلطان بـه نعمت‌آباد، برای قنسول روس تعلیم داد او را دستگیر نماید و بعـد از آن در تحت تعلیمات سنت پطرزبورغ، حکم داد او را از روسیه تبعید نموده و اجازه‌اش ندهند با همراهان تبریز خود، مخابره و مکاتبه نماید.

بعلاوه، در این تلگراف مذکور است که مجلل‌السلطان پس از آنکه تعهد کتبی نمود بدون اجازهٔ دولت ایران به ایران مراجعت ننماید،[۱] اخراج خواهد گردید.

علاءالسلطنه اظهار داشت که از اقدامی که در این باب شده، رضایت دارد.

وزارت خارجه ۱۵ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۴ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۹ رجب ۱۳۳۰]

نمره ـ ۱۹۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۵ تیر ۱۲۹۱؛ یکم شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳ ژوئیت من:

به موجب خبری که اینجا شیوع دارد، شاه مخلوع از وینه برای تبریز حرکت کرده است. این اشتهار که من چندان آن را باور نمی‌کنم، از وزارت خارجه نشر شده‌است. چنانچه معلوم می‌شود جسارت و قدرت طرفداران مراجعت شاه مخلوع، روز به روز

---

۱) اصل: نماید. ـ م.

زیاد می‌شود.

نمره ـ ۱۹۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۵ تیر ۱۲۹۱: یکم شعبان ۱۳۳۰]

رئیس نظمیه

راجع به تلگراف ۹ ژوئیت من:

از طرف دولت هلند در باب درخواست دولت ایران بـرای استخدام صاحبمنصبان هلندی برای نظمیهٔ طهران، هنوز جوابی برای همکار هلندی من نرسیده است.

حالیه ریاست نظمیه با یکی از خوانین بختیاری است که به مقام وزارت جنگ منصوب است.

با دلایل صحیحه تصور می‌کنم که او کوشش خواهد نمود یکی از خوانین جزء را برای این مقام تعیین نماید.

خوانین فعلا ناراضی هستند و چنین تعیینی ممکن است حل[1] اشکالاتی را بنماید. یحتمل سفیر روس مخالف چنین اقدامی باشد و عقیدهٔ من نیز بر این است که تعیین بختیاری به این مقام غیرمطلوب است.

همکار روسی من شکایت دارد از اینکه دولت ایران میل ندارند بعضی از فدائیان را که اخیراً از خارج وارد طهران گردیده‌اند و مشهورند به اینکه در حملات ماه ژانویه بر عساکر روس در تبریز شرکت نموده‌اند، دستگیر نمایند.

نمره ـ ۲۰۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۶ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۵ تیر ۱۲۹۱؛ یکم شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۳ ژوئیت سر والتر تنلی:

تبریز

نظر به تشویشی که به واسطهٔ حضور سپهدار در طهران به دولت ایران عارض شده، آیا وزیر امور خارجهٔ روس مایل خواهد بود به سفیر روس مقیم طهران تأکید برای حرکت سپهدار بنماید؟

اگر مایل باشد، من هم تعلیمی شبیه به این، به سر والتر تنلی خواهم داد.

---

۱) چنین است در اصل [= تولید، ایجاد اشکالاتی؟]. ـ م.

نمره ـ ۲۰۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۶ ژویت ۱۹۱۲ [۲۵ تیر ۱۲۹۱؛ یکم شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۴ ژویت سر والتر تنلی:

عساکر روس

خیلی خوشوقت خواهم شد بدانم که این قشون امدادی هستند یا آنکه فقط به جای آنهایی‌که مدت خدمتشان سرآمده، وارد شده‌اند.

نمره ـ ۲۰۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ ژویت ۱۹۱۲ [۲۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲ شعبان ۱۳۳۰]

اشکالات مالی دولت ایران

امروز وزیر مالیه از من ملاقات نموده خواهش نمود که چون دولت ایران بسیار محتاج پول است مسألهٔ مساعده‌ای را از طرف دولتین، در تحت ملاحظهٔ جدی شما آورم. او اظهار داشت که یکی از کارهایی که پول برای آن خیلی لازم است، تهیهٔ قشونی برای لرستان است که الوار در آنجا آشکارا علم طغیان بلند کرده و دولت را تهدید می‌کنند. عساکری که در کرمانشاه هستند، برای مراجعت به طهران داد و فریاد می‌کنند. او اظهار داشت که اگر عساکر کرمانشاه را تخلیه کنند، آن شهر را بلاشبهه سالارالدوله مجدداً اشغال خواهد نمود و اول کسی که از آنجا حرکت خواهد کرد فرمانفرما حکمران آنجا با عساکر خواهند بود.

از قرار تقریر وزیر مالیه، همکار روسی من موافقت نموده است که به دولت متبوعهٔ خود در این باب تلگراف کند.

نمره ـ ۲۰۳

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۷ ژویت ۱۹۱۲ [۲۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۶ ژویت شما:

امروز بعد از ظهر در ضمن مذاکره با مسیو نراتف، در موضوع سپهدار صحبت نموده و او اظهار داشت که تا اندازه‌ای که بر او معلوم است، حضور او در طهران چندان اسباب تشویش زیادی برای دولت ایران نبوده است و در حقیقت جناب معظم‌له، از این می‌ترسید که اگر سپهدار به تبریز ورود نماید، بیشتر اسباب اضطراب دولت ایران خواهد گردید. چرا [که] در آن صورت اعمال او را کمتر در تحت مراقبت و نظارت خود توانند[1] داشت.

---

۱) اصل: نتوانند. ـ م.

بنابر عقیدهٔ دولت روس، بهتر این بود که شجاع‌الدوله در تبریز نگاه داشته شود. شجاع‌الدوله که نفوذش زیادتر از سپهدار بود، بیشتر از سپهدار طرف وثوق و اعتماد آنها بود.

من به جناب معظم اشعار نمودم که یقیناً عساکر روس که در تازگی ۵۰۰ نفر بر عدهٔ آنها افزوده شده، استقرار انتظامات آنجا را ضمانت خواهند نمود (رجوع به تلگراف ۱۶ ژویت خود نمایید). مسیو نراتف توضیح نمود که مقصود دولت روس در فرستادن این قشون تنبیه کردن شاهسونها بوده و میل آنها بر این است که حتی‌المقدور از مداخلهٔ جبری احتراز نمایند.

اما در باب اینکه آیا صلاح است به سپهدار تأکید شود از طهران به طرف تبریز حرکت نماید، مسیو نراتف وعده داد که عقاید مسیو پکلوسکی [=پاکلوسکی] را استفسار نماید.

نمره ـ ۲۰۴

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۷ ژویت ۱۹۱۲ [۲۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۶ ژویت سر والتر تنلی:

شاه مخلوع

امروز در ضمن صحبت مسألهٔ شهرت‌یافتن حرکت محمدعلی را برای تبریز به مسیو نراتف اظهار نموده مذکور داشتم که ظاهراً طرفداران وی در ایران با کمال جدیت مشغول طرح‌ریزی برای مراجعت او می‌باشند.

مسیو نراتف در جواب گفت که او از این حرکت به هیچ وجه اطلاعی نداشته و به عقیدهٔ وی محمدعلی چندان به تقویت شدن مقاصد خود در ایران پشت‌گرمی نداشته و بنابراین اقدامی نخواهد کرد.

من به جناب معظم‌له اظهار داشتم که امید است دولت روس احتیاطات لازمه حتی‌المقدور بنمایند که نگذارند مخفیانه شاه مخلوع از خاك روس عبور کند و بعلاوه مذکور داشتم که در صورتی‌که احتیاطات لازمه بعمل نیاید دفعهٔ دیگر ممکن است دولت روس را متهم نمایند که برای مراجعت او به ایران قرار و ترتیبی داده‌اند و در آن صورت وضعیت دولت اعلیحضرتی بسی اسباب تشویش و اضطراب خواهد گردید.

مسیو نراتف در جواب اظهار داشت که در صورتی‌که شاه مخلوع از اودسا حرکت ننموده بود، این اقدامات سهل بود ولی اگر او با تذکرهٔ جعلی و لباس مبدل از خارج به روسیه وارد شود جلوگیری از وی تا اندازه‌ای مشکل خواهد بود. بر جناب معظم‌له مسلم است که نظر به اخطارات و انتباهاتی که از طرف دولت روس در اودسا به او شده، احتمال نمی‌رود واقعات جسورانهٔ سال گذشته تکرار شود.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۰۵

تلگراف اسمیت ژنرال‌قنسول، به سر ادوارد گری

اودسا ۱۷ ژویت ۱۹۱۲ [۲۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲ شعبان ۱۳۳۰]

محمدعلی هنوز اینجا است، من نتوانسته‌ام تحقیق کنم چه وقت خیال حرکت دارد.

نمره ـ ۲۰۶

تلگراف سر ادوارد گری به کنت بنتینگ

وزارت خارجه ۱۷ ژویت ۱۹۱۲ [۲۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲ شعبان ۱۳۳۰]

آیا خبر دارید که دولت هلند حاضر هستند بـرای نظمیهٔ طهران صاحبمنصبان بدهند یا نه؟ رجوع به تلگراف ۱۶ ژویت طهران نمایید.

خیلی مسرور خواهم شد از اینکه بشنوم دولت مشارالیها به این امر رضا دهد.

نمره ـ ۲۰۷

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۸ ژویت ۱۹۱۲ [۲۷ تیر ۱۲۹۱؛ ۳ شعبان ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف ۱۷ ژویت من کنید:

شاه مخلوع

کفیل وزارت امور خارجه بعد از آن تاریخ به من مکتوبی نوشته اطلاع داد که شاه مخلوع تا چند روز قبل هنوز در اودسا بوده ولی در نظر دارد برای معالجه به فرانسه برود. بنابراین او تصور می‌کند که اشتهاری که من مذکور داشتم، نمی‌شود اساسی داشته باشد.

نمره ـ ۲۰۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ ژویت ۱۹۱۲ [۲۷ تیر ۱۲۹۱؛ ۳ شعبان ۱۳۳۰]

وزیر امور خارجه مرا اطمینان داده است کـه مخبرالسلطنه روز شنبه ۲۰ ژویت هفتهٔ آتیه، حتماً از طهران برای شیراز حرکت خواهد کرد. عساکر لازمه به همراه او خواهند رفت و توپ هم همراه خواهند برد و به من اطمینان داده شده کـه تلگراف علمای نجف که برای علمای شیراز مخابره شده بود منتشر گردیده و مجتهد بزرگ شیراز شرحی در توضیح تلگراف مذکور به آن منضم نموده است.

کفیل قنسولگری اعلیحضرتی مقیم شیراز اظهار داشته است که لازم است قوام، نایب‌الایالهٔ ایلات اغتشاش‌طلب عرب را حمله نماید. حکومت مرکزی در نظر داشت که تا ورود ایالت به شیراز صبر کند لیکن علاءالسلطنه حالا وعده داده است که تعلیمات برای قوام بفرستد که فوراً به طریقی که پیشنهاد شده عمل نماید.

حکومت مرکزی بعلاوه مرا اطلاع می‌دهد کـه بر حقوق قـراولان بین شیراز و

بوشهر از ۱،۰۰۰ تومان تا ۱.۴۰۰ تومان افزوده شده. علاءالسلطنه اظهار امیدواری می‌کند که ممکن است بوسیلهٔ این اقدام از حرص و طمع‌ورزی قراولان راه در اجحافات و اخذ راهداریهای گزاف جلوگیری شود.

به من اینطور معلوم می‌شود که رؤسای ایلات بواسطهٔ آنکه نمی‌گذارند قوافل بدون پرداخت راهداریهای گزاف عبور نمایند مسؤول رفتار قراولان راه می‌باشند. من این مسأله را به علاءالسلطنه اشعار داشته‌ام.

چنان به نظر می‌رسد که محمدعلی‌خان قوام را اطلاع داد که فعلا موسم مقتضی نیست که دستگیری مرتکبین حمله به دستر اسمارت بعمل آید و اظهار می‌دارد که حاضر است مرتکبین را تسلیم نماید ولی برای نیل به این قصد دو ماه وقت لازم‌است.

نمره ـ ۲۰۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت‌خارجه ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۷ تیر ۱۲۹۱: ۳ شعبان ۱۳۳۰]

نظر به اوضاع ایران که شرح آن در تلگراف ۱۷ ژوئیت سر والتر تنلی مذکور است. مطلقاً لازم است که قدری وجه به دولت ایران داده شود.

دولت اعلیحضرتی می‌توانند در هر موقع ۵۰،۰۰۰ لیرا قرض بدهند و به وصول تلگراف ۲۰ آوریل سر والتر تنلی اقدامات لازمه برای تهیهٔ وجه مذکور نمودند.

از کفیل وزارت امور خارجه استفسار نمایید که آیا برای دولت روس امکان‌ندارد که پرداخت وجه مذکور را به اختیار دولت روس گذارده آن را نگاه دارند تا آنکه بلاتأخیر مشترکاً قرضه داده شود؟

در صورتی‌که اتخاذ رویهٔ دیگری غیرممکن باشد خوب است دولت روس بگذارند تا ۲۵۰۰۰ لیرا علاوه به بانك روس حواله بدهند فقط باین شرط که میزان منافع که در مورد قرضهٔ سابق محسوب می‌شد، برای این وجه محسوب گردد.

نمره ـ ۲۱۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۸ تیر ۱۲۹۱: ۴ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۶ ژوئیت شما به سنت پطرزبورغ:

سپهدار دیشب از راه قزوین به طرف تبریز حرکت نمود و یحتمل یك هفته الی ده روز آنجا توقف خواهد نمود.

سپهدار پس از فشار سخت سفیر روس، با کمال بی‌میلی حرکت نمود.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۱۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ ژویت ۱۹۱۲ [۲۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۵ شعبان ۱۳۳۰]

مالیهٔ ایـــران

راجع به تلگراف ۱۸ ژویت سنت پطرزبورغ:

مسیو مرنارد دیروز به ملاقات من آمد. مقصود از ملاقات این بود که اشکالات مالی دولت ایران را توضیح نماید. ظاهراً او خیلی مکدر بود از اینکه بانك روس اضافهٔ عایدات گمرك را که به ۴۰،۰۰۰ لیرا می‌رسد، برای استرداد قرضهٔ اخیر نگاه داشته است و این کار برحسب دستورالعمل از سنت پطرزبورغ به عمل آمده است.

نمره ـ ۲۱۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ ژویت ۱۹۱۲ [۲۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۵ شعبان ۱۳۳۰]

روسیه وشاهسونها

راجع به تلگراف غرهٔ ژویت من:

کفیل ویس‌قنسولگری رشت در ۱۹ ژویت بقرار ذیل تلگراف می‌کند:

از قراری که دریافته‌ام ۲،۰۰۰ نفر از پیاده‌نظام روسها به اهر، قریب ۴۰ میلی شمال غربی اردبیل رسیده است. اینها از روسیه آمده‌اند. از قراری که مذکور است، عساکر روس از مغان و تبریز هم برای مقابله با شاهسونها حرکت کرده‌اند.

نمره ـ ۲۱۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ ژویت ۱۹۱۲ [۲۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۵ شعبان ۱۳۳۰]

اوضاع کرمانشاه

راجع به تلگراف ۱۸ ژویت من:

به سفارت روس، از قنسول کرمانشاه خبر رسیده که بختیاریها و مجاهدین از آن شهر خارج شده و آن نقطه را سالارالدوله مجدداً تهدید نموده است.

در مراکز بختیاریها این خبر تصدیق شده و نیز راپورت داده شده است که والی پشتکوه‌با عدهٔ زیادی به طرف کرمانشاه نزدیك می‌شود. مقاصد او درست واضح نیست و تاکنون معلوم نمی‌باشد که او طرفدار دولت ایران یا سالارالدوله خواهد بود.

قنسول روس تأکید می‌کند بر اینکه ۲۵۰ نفر مجاهدین و دو عراده توپ را بایستی امر داد فوراً به کرمانشاه مراجعت نمایند. نظر به خالی بودن خزانه، این حکم بی‌ثمر خواهد بود.

قنسول روس اظهار می‌دارد که قنسول انگلیس هم همین مطلب را تلگراف خواهد کرد.

نمره ـ ۲۱۴

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۲ [۲۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۵ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف امروز سر والتر تنلی:

عساکر روس در شمال ایران

مسیو نراتف به من اظهار می‌دارد که علاوه بر ۶۰۰ نفری که سر والتر تنلی در تلگراف ۱۴ شهر جاری خود بدان رجوع می‌نماید، دیگر از روسیه قشونی به ایران حرکت داده نشده است و او بنابراین گمان می‌کند که ۲،۰۰۰ پیاده‌نظامی که در تلگراف امروز طهران مذکور شده، مرکب از اشخاصی است که در ایران بوده و از تبریز یا سایر نقاط گرد آمده‌اند.

ممکن است اغتشاشات شاهسونها مستلزم اعزام عساکر امدادی باشد.

نمره ـ ۲۱۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۲۰ ژوئیهٔ ۱۹۱۲ [۲۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۵ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف امروز سر والتر تنلی:

نظر به تلگراف فوق‌الذکر، لزوم پول که در تلگراف ۸ ژوئیت خود ذکر نموده‌ام بسیار اهمیت پیدا کرده و صمیمانه امیدوارم که وزیر امور خارجه کاری کند که در امور گشایشی حاصل گردد.

نمره ـ ۲۱۶

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۲ [۲۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۵ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۸ ژوئیت شما ـ مساعدهٔ مشترك به ایران ـ مسیو نراتف با وزیر مالیهٔ روس مشغول مشورت است و سعی می‌کند که جناب معظم‌له را با خود همراه نماید.

جناب معظم‌له بنابر خواهش من وعده داد که به مسیو کوکوتسکف[1] تأکید نماید که دولت روس را راضی‌کند مطالبهٔ اضافهٔ عایدات گمرکات جنوب را (۴۰،۰۰۰ لیرا) که در تلگراف امروز سر والتر تنلی بدان اشاره شده، به تأخیر اندازند. من مفاد تلگراف مذکور را برای او تبلیغ نمودم.

---

۱) چنین است در اصل [= کوکوفتسوف؟]. ـ م.

نمره ـ ۲۱۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲ امرداد ۱۲۹۱: ۹ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ ژوئیت من:

به دولت ایران اطلاعات بسیار اطمینان‌بخشی در باب کرمانشاه و سالارالدوله رسیده است. نظر، رئیس الوار و والی پشتکوه، که از طرفداران عمدهٔ سالارالدوله هستند مطیع دولت ایران شده‌اند. خود شاهزاده فعلا از نقطه‌ای به‌نقطهٔ‌دیگر در حرکت است و از قرار مذکور، در راه بطرف تبریز است.

نمره ـ ۲۱۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲ امرداد ۱۲۹۱: ۹ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۶ ژوئیت خودتان:

می‌ترسم در استخدام یك نفر از اهالی هلند برای ریاست کل نظمیه، اشکال [وجود] داشته باشد.

نمره ـ ۲۱۹

مکتوب کنت بنتینگ[1] به سر ادوارد گری

هیگ، ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲ امرداد ۱۲۹۱: ۹ شعبان ۱۳۳۰]

آقـا

راجع به تلگراف ۱۷ شهر جاری شما:

افتخار دارم راپورت دهم که معاون وزارت خارجه همین حالا مرا اطلاع داده است که به مسیو اودندیج تلگرافاً [= تلگرافی] خبر داده است که دولت هلند نتوانسته‌اند کسی را برای ریاست نظمیهٔ طهران معرفی نمایند.

(امضاء) بنتینگ

نمره ـ ۲۲۰

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۶ ژوئیت ۱۹۱۲ [۴ امرداد ۱۲۹۱: ۱۱ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۸ ژوئیت شما:

در جواب مراسلهٔ من که جواب آن را مؤکداً خواستم، کفیل وزارت امور خارجه نوشته است که با وزیر مالیه و سفیر روس مقیم طهران در خصوص قرضهٔ پیشنهادی به دولت ایران مشغول مذاکره است و جناب معظم منتظر وصول اطلاعات دیگر از آنها است و تأسف دارد از اینکه نمی‌تواند به سؤال شما جواب بدهـد و نمی‌تواند

---

۱) چنین است در اصل ـ م.

تعیین نماید که در چه تاریخی به همین زودیها، بایستی منتظر جواب شد ولی وعده می‌دهد که هرقدر زودتر مرا از تصمیم دولت روس مستحضر بدارد.

نمره ـ ۲۲۱

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری
سنت پطرزبورغ ۲۷ ژوئیت ۱۹۱۲ [۵ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۲ شعبان ۱۳۳۰]
مساعده به دولت ایران

رجوع به تلگراف ۲۶ ژوئیت من کنید.

من دیروز در این موضوع، با مسیو نراتف مذاکره نموده، از صحبت ایشان بر من معلوم گردید که مسیو کوکوتسکف[1] یحتمل راضی خواهد شد که دولتین بریطانیای عظمی و روس، فوراً هریك ۲۵،۰۰۰ لیرا بدهند ولی چون حتمی است که دولت ایران پس از صرف این ۵۰،۰۰۰ لیرا باز هم پول خواهند خواست. مسیو کوکوتسکف گمان می‌کند که بایستی به دولت ایران اظهار شود کـه از آنها انتظار می‌رود به ثبوت برسانند که اعتماد دولتین را سوء اعمال ننمایند.

نمره ـ ۲۲۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۲۷ ژوئیت ۱۹۱۲ [۵ امرداد ۱۲۹۱: ۱۲ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۴ ژوئیت من:

دولت هلند حالا به‌ما اطلاع صریح داده‌اند که نمی‌توانند کسی‌را برای مقام ریاست نظمیه معرفی نمایند.

نمره ـ ۲۲۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان
وزارت خارجه ۲۷ ژوئیت ۱۹۱۲ [۵ امرداد ۱۲۹۱: ۱۲ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۶ ژوئیت شما:

به کفیل وزارت امور خارجه اظهار بنمایید که مسأله مهم است و لازم است که فوراً به اشکالات مالی که ایران را دچـار شده، گشایشی داده شود و از او استدعا نمایید که لااقل به ارائهٔ طریقی که در قسمت آخری تلگراف ۱۸ ژوئیت من شده، موافقت نماید.

بسیار مطلوب‌است که دولتین در یك‌موقع و مشترکاً مساعده‌بدهند ولی درصورتی‌که دولت روس نتوانند به این زودیها تصمیمی بنمایند، من حاضرم در این مسأله تدقیق نمایم که آیا ما می‌توانیم تمام پول را خودمان بدهیم و بگذاریم سهم دولت روس بعد داده شود؟

---

۱) ر. ك: ش ۲۲۱. ـ م.

نمره ـ ۲۲۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ ژویت ۱۹۱۲ [۱۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۱ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم سواد شرحی که جنرالقنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان از بـابت ناامنی راههای تجارتی آن ولایت در عرض سه ماهه الی آخر مارس که به تجارت صدمه زده است، نوشته لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۲۲۴

راپورت تجارت اصفهان برای سه ماهه

الی ماه مارس ۱۹۱۲ [۱۵ اسفند ۱۲۹۰؛ ۱۵ ع ۱ ـ ۱۳۳۰]

راهها

برفهایی که در اوایل ماه ژانویه در تمام راهها و نقاط این ولایت بارید و سرمای بسیار شدیدی که در آخر ماه مذکور شد، اسباب منع حمل و نقل مال‌التجاره شده و تقریباً در تمام راهها پست از حرکت افتاد ولی از آن طرف، سبب دور رفتن ایلات شده و به این طریق تا مدتی سرقت به وقوع نرسید.

همینکه از شدت سرما قدری کاسته شد، در اوایل ماه فوریه در اوضاع حمل و نقل مخصوصاً در طرف شمال بهبودی حاصل گردید ولی سارقین در راه شیراز بنای خودنمایی گذارده و لازم گردید مستحفظین زیاد همراه قوافل فرستاده شود. در عرض ماه فوریه در راه طهران و یزد و همدان امنیت برقرار بود و بـه علت حضور دائمی سارقین در راه شیراز و مسدود بودن راه اهواز از برف، ورود مال‌التجاره به اصفهان از طرف جنوب موقوف شد.

در اوایل مارس، اوضاع راه شیراز خیلی اسباب تأسف گشته و تا آخر ماه مذکور هم، به همان حال باقی بود. راه همدان تا مدتی امنیت نداشت و راه طهران هم بکلی از حوادث و اتفاقات خالی نبود.

در اواخر سه ماه اوضاع مادی راه اهواز بهتر شد.

در دهم فوریه ماژور پیطرسن یکی از معلمین ژاندارمری سوئدی کـه تشکیلات مقدماتی ژاندارمری خزانه سپرده به او است، به اتفاق چهار ژانـدارم، از شیراز حرکت نمود.

در ۲۰ مارس، سه نفر از صاحبمنصبان سوئدی ژاندارمری (ماژور سیفورت و ماژور نرن براندل و کاپیتان میسترم)، با ۱۵۰ نفر پیاده و ۳۰ نفر ژاندارم سواره و ۱۷ واگن آذوقه و مهمات از اصفهان به طرف شیراز حرکت کرد.

راه اهواز

در عرض ماه ژانویه و فوریه، به علت برف بسیاری که در راه بود، مال‌التجاره تقریباً هیچ حمل و نقل نشده قاصدهای پستی که با تأنی و اشکال از آن راه رفتند، راپؤرت امنیت راه را دادند.

در اواخر فوریه حمل و نقل تجدید شد لکن مقدار مال‌التجاره‌ای که به اصفهان وارد و از آنجا در عرض مارس خارج شد، نسبتاً کم بود. قوافلی که وارد می‌شدند راپورت دادند راه عموماً امن است لیکن در اواخر مارس، از قراری که معلوم شد، چند فقره سرقت جزئی در گاوپیسه یا نزدیك آنجا، به وقوع رسید. برف باز هم مانع از ایاب و ذهاب قوافل بود. تعمیرات پل گدار بلوطك هم توسط مهندس ادارهٔ لینچ، در ماه فوریه و مارس تا اندازه‌ای باعث تقلیل عبور و مرور قوافل مال‌التجاره گردید.

به موجب راپورتی‌که مفتش راه ادارهٔ لینچ در دوم مارس از ده‌دز داده بود، خوانین در آن موقع در نظر داشتند برای تأمین قسمتهای کوهستانی راه در سر راك و قلعه مدرسه و بلوط‌بلند و لقم‌گیر و شلیل (دو)، شش قلعه بنا نمایند و برای تعیین ۲۰۰ نفر مستحفظ برای قراولی راه و پرداخت حقوق آنها توسط مفتش ادارهٔ لینچ ترتیبی بدهند.

راه شیراز

در اولین هفتهٔ ماه ژانویه تجار محلی که خالی بودن راه بطور موقت از سارقین اسباب تشویق آنها شده بود (نتیجهٔ سختی و سردی هوا)، چند قافله برای حمل قند و چای و غیره به شیراز فرستادند. اخبار حملهٔ سرحدیها در ۱۴ ژانویه به گاری پسته در گردن‌گیر، نزدیك بروجرد (حدود فارس) در موقعی که از قرار راپورت، تمام چاپارخانه‌ها را خراب کرده و ۴ رأس اسبهای پستی را برده بودند، سبب این شد که دیگر قوافل فرستاده نشود.

قریب ۲۰ ژانویه قوافل شیراز شروع به ورود نموده و به همین طور در عرض ده یا پانزده روز بعد از آن، دستجات زیاد وارد شدند. قوافل بزرگ محمول محصولات اصفهان در اواخر ژانویه و اوایل فوریه از اصفهان به طرف جنوب حرکت کردند. مقارن تجدید ایاب و ذهاب قوافل، دستجات سارقین در راه آمدند. یکی از ایشان (که از قرار مذکور از اهل معیار بود) ۵ فوریه نزدیك قلعهٔ احمدآباد به یکی از قوافل اصفهان زده و دیگری (از کهکلوئیها) [=کهگیلویه‌ای‌ها] برج بین یزدخواست و شلگستان را اشغال نموده و آن را تا چند روزی در تصرف داشت و به این طریق تا مدتی از حرکت قوافل جلوگیری شد.

قوافلی که به طرف شمال عازم بوده و تا آباده سالماً رسیدند، خیلی در آنجا معطل شده و برای تحصیل قراول محلی مصادف با اشکالات زیاد گردیدند.

حضور اینها فقط مانعی نبود. در ۲۳ فوریه یك دسته مرکب از شصت نفر کهکلوئیها به یك قافلهٔ بزرگی که به اتفاق مستحفظین مخصوص از آباده حرکت کرده بود در نزدیك برج یزدخواست حمله برده و منهزم گردیدند.

تقریباً در همان وقت، به یك دسته از تجار ایرانی و یك قافله زوار نزدیك قلعهٔ احمدآباد به طرف جنوب گردنهٔ ارچینی حمله‌برده و آنها را غارت کرده، یکی از زوار را مقتول داشتند.

در جنوب آباده، چنانچه راپورت داده شد، ایلات باصری، قوافل و اهالی دهات را می‌چاپیدند.

همینکه هوای گرم نزدیك شد، اوضاع راه شیراز بدتر شد و در آخر فوریه از راپورتهای واصله معلوم گردید که راه شمال و جنوب ایزدخواست را دستجات مسلح اشغال نموده‌اند.

در عرض هفتهٔ اول مارس به یك قافلهٔ بزرگی محمول مال‌التجارهٔ انگلیس، از طرف بوئراحمدیها در شمال آباده حمله شد و قریب ۶۰ بار شتر مال‌التجارهٔ یکی از ادارات انگلیس، به غارت رفت و به یك قافلهٔ بزرگ محمول اجناس محلی که از اصفهان به طرف جنوب حرکت کرده بود، دسته‌ای از سرحدیها و کهکلوئیها و نفرها در نزدیکی قمشه، حمله برده و گله‌های آنجا را هم بردند.

سارقین کهکلوئی به پسته و ۴ نفر مسافر ایرانی در گردنهٔ ارچینی زدند. این سارقین، یك قسمت راه را در جنوب تنگهٔ مذکور اشغال نموده بودند.

دستجات‌سارقین‌کهکلوئی سپس دهات حدود راه را غارت نموده و مزاحم بختیاریهای بین اصفهان و قمشه هم شده و در موقعی به نایب‌الحکومهٔ بختیاری آن نقطه حمله نمودند.

حکومت اصفهان برای جلوگیری از آنها مجبور شد یك دسته از بختیاریها را بطور دائم در معیار قرار دهد.

حضور متوالی این ایلیاتیها در عرض ماه مارس در حدود آباده و گردنهٔ ارچینی، باعث تقلیل ایاب و ذهاب قوافل گردید و فقط قافلهٔ مهمی که عبور نمود، در ۲۲ و ۲۳ مارس [۲ و ۳ فروردین ۳ و ۴ ع ۲] بود و از قرار مذکور، عدهٔ آنها از ۶۰۰ تا ۷۰۰ رأس می‌شد و اینها به عقب یکی از مأمورین قنسولخانهٔ انگلیس (مستر ناکس) و در تحت حفاظت مستحفظین ایرانی که برای او تعیین شده بود وارد شدند.

راه طهران

در اوایل ژانویه، تا اندازه‌ای به واسطهٔ برفهای سخت و تا اندازه‌ای هم به واسطهٔ نبودن اسب در چاپارخانه‌ها، مراوده بین اصفهان و طهران مقطوع بود و فقط به وسیلهٔ تلگراف مخابره امکان داشت. قنسولخانه‌های روس و انگلیس، در باب مقطوع بودن متوالی مراودات با اصفهان، به سفارتخانه‌های خود شکایت نمودند.

ظهور متمرد مشهور نایب‌حسین، نزدیك اردستان، بیشتر [باعث] بی‌نظمی حرکت پسته شده، ولی همینکه خبر رسید قرار و مدار دوستانه بین دولت ایران و نایب‌حسین داده شده و مقدار زیادی مال‌التجارهٔ محلی برای حمل به طرف شمال که از ترس این متمرد تا مدتی در اصفهان معطل مانده بود در اواخر ماه ژانویه حمل گردید، اطمینان اعاده شد.

سرمای شدید آخر ماه، مجدداً مانع تردد شده و اشغال قسمتی از کاشان توسط نایب‌حسین و همراهان او در اوایل فوریه موجب قدری سوءظن گردید.

تغییر هوا و تعیین نایب‌حسین به حکومت نطنز، باعث تجدید ایاب و ذهاب گردیده و مأمورین محلی را تشجیع نمود دوباره اسب پستی برای راه از کاشان الی اصفهان، تهیه نمایند.

باقی ماه فوریه و نصفهٔ اول ماه مارس اوضاع راه خوب بود و ایاب و ذهاب قوافل به طریق معمول شده و در عبور و مرور پسته بهبودی حاصل گردید.

سرقتی که در ۱۷ مارس [۲۷ اسفند ۱۲۹۰: ۲۷ ع ۱ ـ ۱۳۳۰] نزدیك گندیاباد[1] در راه قافله‌رو تا طهران به وقوع رسیده و ۸ بار مال‌التجارهٔ بانك دوپره روس به سرقت رفت و راپورت اجحافات دستجات بختیاریها و در حدود قم، باعث تقلیل ایاب و ذهاب قوافل و قدری بی‌نظمی در عبور و مرور پسته در نصفهٔ‌آخری ماه‌مارس گردید.

راه یزد

در عرض ماه ژانویه، بنا به راپورت، این راه امن بود ولی سردی هوا در ایاب و ذهاب قوافل تخفیف داده و از عبور و مرور پسته جلوگیری نمود.

در اوایل ماه فوریه همینکه در هوا تغییری حاصل گردید، قوافل شروع به آمد و شد گذارده و پسته هم به سرعت می‌رسید.

در تمام راه، بنا به راپورت واصله، راه امن بود ولی قافله‌ای که در دوم مارس [۱۲ اسفند ۱۲۹۰؛ ۱۲ ع ۱ ـ ۱۳۳۰] از یزد وارد شد، راپورت داد که بین نائین و نوگنبد دسته‌ای ۳۰ یا ۴۰ نفر از باصریها به آنها حمله نموده لیکن مستحفظین که همراه آن قافله بودند، آنها را مغلوب ساخته و مجبور به فرارشان نموده بودند.

در عرض ماه مارس قوافل و پسته و مسافرین، بدون مزاحمت در راه عبور و مرور کرده ولی در اواخر ماه خبر حضور سارقین در نقاط مختلفه داده شد.

قوافلی که در آخرین هفتهٔ ماه مارس به طرف اصفهان می‌آمدند، بارهای خود را در یکی دو منزلی خارج شهر گذارده و برای یزد بار گرفتند، محض آنکه حکمران اصفهان قاطرهای آنها را برای حمل غله از چهارمحال به اصفهان نگیرند.

راههای سلطان‌آباد و کرمانشاه و همدان

در عرض ماه ژانویه تمام راهها امن بودند. با وجود برف خیلی سخت و سرمای شدید، قوافل و مسافرین در آن راهها تا آخر ماه در حرکت بودند تا آنکه سرمای زیاد مانع از ایاب و ذهاب آنها گردید. در ۳۰ ژانویه [۹ بهمن ۱۲۹۰؛ ۱۰ صفر ۱۳۳۰] سارقین، به قافلهٔ بی‌باری که از خمی[2] می‌آمد، بین تیران و نجف‌آباد زده پولهایش را بردند.

همینکه در اوایل فوریه هوا تغییر نمود، ایاب و ذهاب مجدداً شروع گردید. از ۱۸

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

۲) چنین است در اصل [=خمین؟]. ـ م.

تا ۲۳ فوریه [۲۸ بهمن تا ۴ اسفند، ۲۹ صفر تا ۶ ع ۱] مال‌التجارهٔ زیادی از همدان و مقدار کمی از کرمانشاه وارد شد. از آنوقت تا اواسط مارس هم عبور و مرور دوام داشت ولی تلگرافی که از همدان واصل گردیده بود و سرقتی که در ۱۲ مارس [۲۲ اسفند، ۲۴ ع ۱] نزدیك گلپایگان واقع شده و پست سلطان‌اباد زده شد، باعث قطع آمد و شد قوافل گردید.

راپورتهای دیگر، راجع به اجحافات همراهان سالارالدوله در کرمانشاه و حدود آنجا قبل از آخر ماه، ایاب و ذهاب آنها را به درجهٔ صفر رسانید.

نمره ـ ۲۲۵

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۸ ژویت ۱۹۱۲ [۱۷ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۲ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم خلاصهٔ وقایع[1] چهار هفتهٔ[2] اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۲۲۵

خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ ایران

لغایت ۸ ژویت ۱۹۱۲ (۱۷ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۲ رجب ۱۳۳۰]

طهران

کابینه ـ چنانچه در خلاصهٔ وقایع آخری راپورت داده شد، وثوق‌الدوله از مقام وزارت خارجه استعفاء کرده، علاءالسلطنه به جای او منصوب گشت و مقام وزارت معارف فعلا خالی است.

ادارهٔ نظمیه ـ سردار محتشم یکی از خوانین بختیاری که حالیه وزیر جنگ است، ادارهٔ نظمیه فعلا سپردهٔ او است و برای استخدام یك نفر برای ریاست نظمیهٔ طهران، به دولت هلند رجوع شده است.

حکومت ایالات و ولایات ـ سپهدار که تعیین او به مقام ایالت آذربایجان متجاوز از سه ماه قبل، رسماً اعلام شد، هنوز در طهران است.

مخبرالسلطنه فرمانفرمای منتخب فارس، هنوز به عذر اینکه خزانه‌داری کل وجوهات لازمه را نداده، حرکت خود را از طهران به تأخیر می‌اندازد.

به علت اقدامات و بیکار بودن ایلات راه بختیاری، ایاب و ذهاب قوافل مسدود گردیده و چنانچه معلوم می‌شود، اغتشاش زیادی در خاك بختیاری وجود دارد. سفارت به خوانین فشار آورده است که یکی از خوانین مسؤول را برای اعادهٔ انتظامات آنجا

---

۱) اصل: واقعهٔ. ـ م. ۲) اصل: ماههٔ. ـ م.

بفرستند. امید است که این کار مهم، عنقریب به سردارجنگ سپرده خواهد شد. نظر به این مقصود، بانك شاهنشاهی مشغول ترتیبات دادن قرضهٔ ۸،۰۰۰ لیرا از قرار منافع صدی ۷ سالیانه. به خوانین است و اسهام کمپانی نفت انگلیس و ایران خوانین. این قرضه را تأمین می‌نماید.

ایالات و ولایات بحر خزر

به علت وضع و رفتار خصومت‌آمیز ایلات شاهسون. مأمورین محلی دولت روس لازم دانستند قشونی برای سرکوبی آنها اعزام دارند. برای انجام این مقصود. فرمانده قشونی روس در اردبیل در آخر ماه گذشته قسمت معظم قشون خود را بـه آن طرف حرکت داده و فقط یك دستهٔ کوچك را در شهر گذاشت و همینکه عساکر مزبـوره حرکت نمودند. این دسته در قلعهٔ حکومتی منزل گرفتند.

در ۴ ژوییت ۵۰ نفر از پیاده‌نظام روس از عساکر قزوین. از انزلی برای بادکوبه حرکت کردند.

مشهد

در عرض سه هفتهٔ اخیر، شهر مشهد و دور و حوالی آن آرام بـود ولی سارقین هنوز آن ایالت را مخصوصا کازرا و قوچان و عباس‌آباد را اشغال نموده بودند. از قرار مذکور، قریب یکصد خانواده در آخر ماه به افغانستان مهاجرت نموده بودند.

بواسطهٔ ورود ۶۰ نفر از ترکستان در این اواخر، بر عدهٔ عساکر روس در مشهد افزوده شد.

اصفهان

این ولایت هنوز کمافی‌السابق ناامن است و سرقتهایی در راه لینج، در چهار محل [=چهارمحال؟] که تاکنون تصور می‌شد نسبتا امن است، راپورت داده شد.

اوضاع امور در شهر و حدود آن کمافی‌السابق رضایت‌بخش نیست و علت‌آن گرانی قیمت ارزاق و نزاعهای جزئی دائمی بین اتباع حکمران و زاندارمهای‌خزانه می‌باشد.

یهودیهای شهر هم بواسطهٔ قتل دو نفر آنها در خارج شهر که ظاهرا سهوا و بدون قصد کشته شدند، تا اندازه‌ای مضطرب و پریشان بودند.

جنرال مالتا که دولت ایران دو سال قبل او را برای تشکیل ژاندارمری به فارس فرستاده بودند، در ۱۶ ژون [۲۶ خرداد، ۲۹ ج ۲] از اصفهان عبور نمود که به طهران برود.

یـزد

در چند هفتهٔ اخیر در اوضاع یزد و اطراف آن بهبودی حاصل نشده.

با وجود مساعی قوام‌الملك شیرازی در ترغیب رؤسای عرب محلی که غارتگران را از خاك یزد برگردانند، دهات ده‌میلی شهر مذکور غـارت شده و قوافل به انضمام قافلهٔ دکتر کار متعلق به هیأت دعاة غارت شد.

---

۱) چنین است در اصل و شناخته نشد. ـ م.

حکمران در صدد استحکام مقامات دفاعیهٔ شهر می‌باشد و تا اندازه‌ای که می‌تواند برای حفظ آن مشغول ترتیبات است.

یك دسته از بختیاریها به انتظام‌الملك که در ۷ ژون [۱۷ خرداد، ۲۰ ج ۲] به اردستان هجوم آورد، حمله نموده و او را مجبور به مراجعت به کوههای بیابانك نمودند.

همینکه از نایب‌حسین حکمران نطنز درخواست شد که با بختیاریها متفق شده به مقابلهٔ انتظام‌الملك بروند، ۲۰۰ نفر سوار به اردستان فرستاد. این سوارها در عوض کمك بختیاریها، خانه‌های آن شهر را غارت نموده و با یغمای خود به نطنز مراجعت نمودند.

بختیاریها به اردستان مراجعت نمودند و انتظام‌الملك و همراهان او فعلا غلبه دارند.

کرمان

امیر اعظم ایالت کرمان، یاغیانی را که در اوایل ماه شهر را تهدید نموده بودند، تا ناحیهٔ بردسیر تعاقب نموده و آنها را متفرق نمودند.

رفعت‌نظام و میرزا حسین‌خان، دو نفر از سرکردگان یاغیان که نزد ایلات محلی پناهنده شدند، به ایالت تسلیم شده و برحسب امر او به دار زده شدند.

کرمانشاه

از زمان ورود شاهزاده فرمانفرما، در این شهر اغتشاشی نبوده است ولی در خارج اغتشاش وجود دارد چرا که برضد بقیهٔ همراهان سالارالدوله که هنوز چند دهات اطراف را اشغال نموده‌اند، اقداماتی به عمل نیامده است.

نمره ـ ۲۲۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ ژویت ۱۹۱۲ [۱۸ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۳ رجب ۱۳۳۰]

آقا

در ۲۴ ژون کابینه و هیأت دیپلوماسی[۱]، برای جشن افتتاح رسمی مدرسهٔ ژاندارمری در یوسف‌آباد دعوت شدند.

این مدرسه متشکل از یك دارالتعلیم صاحب‌منصبان و یك شعبه برای تعلیم صاحب‌منصبان برای فرماندهی در طهران و قزوین می‌باشد (رجوع به مراسلهٔ ۳۰ آوریل ۱۹۱۲ من کنید).

در این موقع، ۴۰۰ نفر از ژاندارمها برای مشق حاضر بودند و وضوح و طریقهٔ[۲] ورزشهای مختلفهٔ نظامی نشان می‌داد که از زمان افتتاح مدرسهٔ مذکور در ۱۵ آوریل

---

۱) اصل: کابینهٔ که هیئت دیپلوماسی. ـ م.

۲) چنین است در اصل. ـ م.

گذشته [۲۶ فروردین، ۲۶ ع ۲]، تا چه اندازه ترقی و پیشرفت حاصل شده بود.
منزلهای آنها راحت و خوب بود و از بشرهٔ آنها استنباط می‌شد که استخدام در این اداره، مطبوع خاطر ایشان است.
شعبات مختلفهٔ تعلیمات از قبیل تیراندازی و ورزش ژیمناستیك و مشق سواره و غیره، هریك در تحت نظارت یکی از صاحبمنصبان سوئدی است.
قوه و بنیه و هیکل افراد آنها هنوز خوب نیست ولی بلاشبهه ترقی خواهد کرد چرا که سوئدیها به مشقهای ژیمناستیك اهمیت زیاد می‌دهند.
(امضاء) والتر تنلی

نمره ــ ۲۲۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۹ ژویت ۱۹۱۲ [۱۸ تیر ۱۲۹۱: ۲۳ رجب ۱۳۳۰]
آقــا
در تلگراف دوم شهر جاری خود، با کمال افتخار به‌شما اطلاع دادم که به موجب راپورت تبریز، مجلل‌السلطان که در این اواخر به فرماندهی کل عساکر سالارالدوله شهرت یافته، به نعمت‌آباد رفته و در این ده نزدیك تبریز که ییلاق جنرال‌قنسولگری روس در آن‌واقع است، پناهنده شده است.
این راپورت را همکار روسی من تصدیق نموده بعلاوه اظهار داشت کــه او به جنرال‌قنسول روس تعلیم داده است که فوراً در صدد دستگیری مجلل‌السلطان برآید و متعاقب آن، همینکه از سنت پطرزبورغ به او اجازه داده شد این کار را به انجام رساند، اسباب تبعید سرکردهٔ مذکور را به روسیه فراهم آورد.
رئیس کابینهٔ وزارت امور خارجه، به مجرد شنیدن خبر ورود مجلل به نعمت‌آباد، از من ملاقات نموده اظهار داشت که دولت ایران در نظر دارند از سفیر روس تقاضای تسلیم پناهندهٔ مذکور را بنمایند به این دلیل که در موقعی که قرار حقوق محمدعلی داده شد، اینطور موافقت حاصل گشته بود که در مورد هریك از همراهان او که به ایران مراجعت‌کرده و برضد دولت حمل سلاح نماید، بطور متمرد با وی عمل‌خواهدشد.
من با تشدد معین‌الوزاره را از این اقدام بازداشتم: اولا به جهة اینکه برای دولت روس امکان ندارد پناهنده[ای] را تسلیم نمایند که حتماً به قتل خواهد رسید. و ثانیاً به جهة اینکه به‌واسطهٔ این تقاضا ناچار بسیاری از اروپاییانی‌که سعادت ایران را خواهانند، مأیوس خواهند شد.
از قراری که فهمیده‌ام، چنین تقاضائی نشده است.
(امضاء) والتر تنلی

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۲۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۸ تیر ۱۲۹۱: ۲۳ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

در تعقیب مراسلهٔ ۲۲ ژون خود، افتخار دارم اینك سواد مراسلهٔ دیگری را کـه قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمان فرستاده و شرح شکست یاغیان را نگاشته است، لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۲۲۸

مکتوب قنسول هیگ به سر والتر تنلی

کرمان ۲۸ مه ۱۹۱۲ [۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۰ ج ۲ ـ ۱۳۳۰]

آقـا

در تعقیب مراسلهٔ ۲۲ مه ۱۹۱۲ من، افتخار دارم به شما اطلاع دهم که یاغیان در ۲۵ مه از حوالی کرمان رانده شدند.

۲)۱ در ۲۴ مه، شاهزاده امیر اعظم برای ملاقات یاغیان و مذاکرهٔ شرایط صلح، نزدیك اردوی آنها رفت و این اجلاس را دو نفر از ملاها ترتیب داده بودند. ولـی همینکه با عدهٔ زیادی از مستحفظین خود از شهر خارج گردید، یاغیان ترسیده و از ملاقات وی امتناع ورزیدند.

روز دیگر او با ۶۰۰ نفر و یك توپ ۹ سانتیمی از شهر خارج گردیـد. یاغیان قبلا شروع به عقب‌نشستن کرده بودند ولی در موقعی که عساکر ایالت از فتح‌آباد بطرف باغین در حرکت بودند، به یاغیان برخورده و یکی از توپهای یك‌سانتیمی را که داشتند با تمام غارتیهای آنها گرفتند.

در جنگی که واقع شد، توپ ۷ سانتیمی دیگر قبضه و یاغیان فرار اختیار نمودند ولی تمام آنها فرار کرده کسی از آنها دستگیر نشد. تلفات عساکر امیر اعظم، ۴ نفر مجروح بود که یکی از آنها تاکنون مرده است و تلفات یاغیان که تحقیق عدهٔ آنها ممکن نبود، به قرار تخمین مختلف، دو نفر را بعضی از اشخاص بدکاری که از او کناره گرفته بودند، به‌قتل رسانیده بودند و ۷۰ نفر را هم بعضی از طرفداران بسیار امیدوار وی مقتول و مجروح نموده بودند.

من می‌خواهم باور کنم که تلفات بین ده و بیست بوده است.

یاغیان سپس به بردسیر که املاك بهادرالملك در آن واقع است رفته و عجالتاً خود را از دست امیر اعظم مستخلص داشته‌اند و حال آنکه اگر شاهزاده امیر اعظم قبل‌از طلوع آفتاب در فتح‌آباد به اردوی آنها، در وقتی که چندان حرارتی نداشتند، حمله

---

۱) چنین است در اصل؛ مطلب، شماره ۱ ندارد. ـ م.

برده بود عقیدهٔ من بر آن است [که] او می‌توانست تمام آنها را دستگیر [کند] و توپها را از آنها بگیرد.

او مرا اطلاع می‌دهد که در نظر دارد دو سه روز دیگر تا بردسیر به تعاقب آنها برود و من سعی خواهم کرد که او را وادار به انجام قول خویش نمایم زیرا اگرچه گمان نمی‌کنم آنها دیگر شهر را تهدید نمایند. لیکن تا زمانی که در تحت سلاح و دور هم جمعند اسباب بدبختی اهالی ایالت خواهند بود.

۳) در مراسلات سابق خود. عقایدی [را] که محرك آنهایی شد که بطرف شهر برای یاغیگری بیایند، توضیح نموده‌ام و در قسمت ۸ مراسلهٔ ۲۲ مه خود. مرقوم داشتم که در شهر دسته‌ای هستند که با یاغیان همدردی داشته و اتصالا با آنها مراوده و مکاتبه نموده و به آنها اصرار می‌کردند آمده و کرمان را اشغال نمایند. اینها کسانی هستند که خود را دموکرات نامیده و چندان کفایت یا عقاید ثابت پلتیکی [=پلیتیکی] ندارند.

شاهزاده امیر اعظم. چندان کاری نکرده که اسباب خصومت و عداوت آنها شود ولی آنها مخالف بودن حکمران مقتدری در کرمان می‌باشند و همین اشخاص بودند که در آنتریگ‌هایی که به عزل جلال‌الدوله خاتمه یافت، به سردار نصرت همراهی کردند که پس از آن برضد تعیین سردار محیی پروتست و اعتراض نموده و در ۵ ماه قبل [۱۶ فرودین، ۱۶ ع ۲] تحریك به هیجان ضدخارجه نمود و امیر اعظم پس از ورود خود، هیجان مذکور را خوابانید.

نسخ انتخابات انجمن محلی، که بعضی این اقدام را به شاهزاده نسبت می‌دهند، اسباب رنجش آقا یحیی رئیس سابق انجمن گردیده و او با همراهانش از چندی به این طرف مشغول انتریگ بر علیه [=علیه] امیر اعظم بوده‌اند. چیزی که آنها می‌خواهند، تعیین یکی از اشخاص بی‌کفایت محلی برای کفالت ایالت کرمان و تقسیم مشاغل حکومتی بین خودشان است.

فرستادن سردار نصرت به طهران سبب اتحاد طرفداران او با دموکراتها شد. عدل‌السلطان برادر سردار نصرت که از برادرش که در طهران بود، تلگرافات متعدده برایش می‌رسید، حرکات آنها را تقویت نمود. بشارت‌الممالك که تازگی به ریاست ادارهٔ تلگرافخانهٔ ایزانی منصوب شده، پس از ورود خود با آنها متحد شده و انتخاب وی از طرف دولت ایران برای مذاکرهٔ با یاغیان بسیار نامساعد واقع گردید چرا که همینکه به اردوی آنها رسید مبلغ زیادی گرفت که ایشان را تقویت نماید. در مراسلات سابق هزار تومانی که گرفته بود اطلاع دادم. از آن به بعد، سیاههٔ پولی را که گرفته است دیده‌ام و به موجب آن، خود اعتراف می‌کند که ۹۷۵ تومان گرفته است و از این مبلغ، صد تومانش را سید باقر یکی از اجزاء ادارهٔ مالیه که به یاغیان ملحق گردید، داده است.

رئیس این اداره که میرزا مهدی‌خان کرمانی باشد، ابتدائا با این هیجان همدردی داشت ولی او آدم عصبانی‌مزاج ترسویی است و همینکه بر او معلوم گردید **پیشرفتی**

نخواهد کرد، از من سؤال نمود ببیند در موقع لزوم او را در قنسولخانه پناه خواهم داد یا نه. من در جواب اظهار داشتم که نه او، نـه هیچ‌یك از مخالفین ایـالت را پناه نخواهم داد[1] و لذا رویهٔ خود را تغییر داده است. لیکن به هیچ وجه مناسب مقام خود نیست و کسی دیگر را که از اهل کرمان نباشد باید به جای وی نصب نمود.

امیر اعظم نمی‌دانست از که استعانت جسته یا به که اعتماد نماید و حتی آنهایی‌که با مقاصد او همراه بودند، چندان به او تقویت نمی‌نمودند و می‌ترسیدند از آنکه مبادا منفور مخالفین ایالت گردند ولی چیزی که بیشتر اسباب یأس او بـود، رفتار دولت ایران بود. همینکه روز ۱۹ مه [۲۹ اردی‌بهشت، یکم ج ۲] به اردو رفته و به آنها اظهار داشتم که در صورتی‌که متفرق نشوند، دولت آنها را یاغی خواهد شمرد، آنها بسیار متغیر گشته و نسبت دورویی به وزیر داخله دادند و تلگرافات یأس‌آمیزی [را] که از طرف او برایشان مخابره شده بود ارائه نمودند. دولت ایـران، امیر اعظم را متهم ساخته بودند به اینکه کتباً به فراش‌باشی خود امر داده است که هرقدر می‌تواند از اهالی جیرفت جبراً پول بگیرد. دانستن این مسأله خیلی قابـل ملاحظه خواهد بود که چطور این اطلاع به دولت ایران رسیده بود.

یاغیان، در جیرفت این فراش‌باشی را دستگیر نموده و کاغذهای او را گرفتند و گمان نمی‌کنم از موقع دستگیر شدن وی تا زمانی که دولت ایران این نسبت را به او دادند، چندان طولی کشید که این کاغذ از جیرفت به طهران برسد و اگر اینطور باشد، معلوم می‌شود که دولت نه فقط برای وجود داشتن چنین خطی، بلکه برای کم و کیف مندرجات آن، بر اطلاعات تلگرافی که از یاغیان رسیده اعتماد نموده است و در هر صورت مستقیماً با یاغیان مخابره می‌نموده است.

در حقیقت، حکمران معزول جیرفت که یکی از سرکردگان یاغیان بود فقط یك ثمن یا عشر مالیات بده سال گذشتهٔ خود را پرداخته و بسیار ممکن است که یاغیان حکم سختی را که برای وصول تمام مالیاتهای عقب‌افتاده داده شده بود، برای غارت عمومی بکار برده بودند.

(امضاء) هیگ لیوتنان کلنل

نمره ـ ۲۲۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۴ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

رجوع به مراسلات سابقه:

در موضوع اوضاع حالیهٔ راه شیراز الی بوشهر و قصور دولت ایـران در انجام شرایط مراسلهٔ ۴ آوریل سر جارج بارکلی در باب حمله بر مستر اسمارت و مستحفظین

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

وی در ماه دسامبر گذشته، افتخار دارم اینک ترجمهٔ مراسله‌ای را که وزیر امور خارجه برای من فرستاده و اقداماتی را که دولت ایران برای موافقت بـا تقاضاهای دولت اعلیحضرتی نموده‌اند در آن توضیح نموده‌اند، لفاً ایفاد دارم.

چنانچه ملاحظه خواهید فرمود علاءالسلطنه اظهار می‌دارد که تلگرافی به علماء و رؤسای فارس مخابره شده و به آنها نصیحت داده شده است که نسبت به انگلیسها و تجارت آنان رویه‌ای دوستانه اتخاذ نمایند.

از قراری که تحقیق نموده‌ام، این تلگراف در موقع خود منتشر گردیده ولی مأمور قنسولخانهٔ اعلیحضرتی شیراز به من خبر داده است که این قبیل تلگرافات از هیأت علمای نجف و کربلا، دیگر مثل سابق اثری برای جلوگیری از شرارت‌کاری نـدارد، اگرچه کمافی‌السابق مستمسك خوبی برای تولید اغتشاشات می‌باشد.

راست است که قرار برای حرکت ایالت جدید داده شده و هر روز از منابع‌مختلفه به من اطمینان داده می‌شود که تا چند روز دیگر حرکت خواهد کرد. تاکنون مکرراً مسیو مرنارد را به اینکه مایل یا قادر نیست وجوهات لازمه برای این مقصود تهیه نماید، باعث این تأخیر دانسته‌اند. من مکرراً به مسیو مرنارد اهمیت اصلاح اشکالات مالی را تأکید کرده‌ام و تاکنون به من اطمینان داده شده است که ترتیب آن داده‌شده و با وجود این، حرکت مخبرالسلطنه هنوز به عهدهٔ تعویق است و دیروز مسیو مرنارد به من اطلاع داد که مجدداً تلگرافی به پیشکار مالیهٔ شیراز فرستاده و تأکید به ارسال وجوهات لازمه نموده است. این مسئله ثابت می‌کند که با وجود اطمیناناتی که داده شده از طرف خزانه‌دار کل قدری مخالفت با این امر شده و من علت آن را نمی‌دانم.

در ضمن مذاکرات اخیره، علاءالسلطنه اظهار اعتماد کامل نسبت به کفایت مخبر-السلطنه در اعادهٔ انتظامات و دستگیری مرتکبین حمله به مستر اسمارت نموده است و سردار اسعد هم به همین طور، نسبت به او اعتماد دارد و یقین دارد که در صورتی‌که سردارجنگ به حکومت بختیاری و بهبهان و ایلات کهکلوئی [=کهگیلویه‌ای] و امیر مفخم به ایالت کرمان منصوب باشند، انتظامات کامل در جنوب اعاده خواهد شد.

شما ملاحظه خواهید فرمود که علاءالسلطنه در مکتوب خود در باب تنبیه مقصرین می‌نویسد که از قراری که سر جارج بارکلی به وزیر امور خارجهٔ سابق اعلام نموده است، قبول‌نمودن دولت ایران پرداخت ۴،۷۴۴ لیرا برای جبران به این غائله خاتمه داده و دیگر برای تنبیه مقصرین اصرار نخواهند کرد.

از نوشتجات سابق معلوم نمی‌شود که سر جارج بارکلی چنین اظهاری کرده باشد و چندی قبل که وثوق‌الدوله در این باب با من مذاکره نمود من به او اظهار داشتم به گمان من، مقصود سر جارج بارکلی بر او مشتبه شده باشد چرا که مقصود وی فقط این می‌تواند باشد که از طرف خود و از طرف دولت‌اعلیحضرتی اظهار رضایت بنماید از اینکه دولت ایران به این زودی حاضر شده‌اند این مبلغ معتدل را که مطالبه شده بپردازند. اینطور اظهار شده که مذاکرهٔ مذکور در سفارت روس شده در موقعی که سر جارج بارکلی و وثوق‌الدوله منتظر سفیر روس بوده‌اند. وثوق‌الدوله درست زبان

نمی‌داند و ممکن است بدون غرض، او اظهارات مذکور را زیاده بر آنچه از ظاهر الفاظ مستفاد می‌شده، دوستانه و تعارف فهمیده است.

من اخیراً در باب اوضاع راه بوشهر الـی شیراز و قصور در دستگیری مقصرین مفصلاً با علاءالسلطنه مذاکره نموده و به جناب معظم‌له اوضاع امور سخت حالیهٔ ایالت فارس را خاطرنشان نمودم و معلوم ساخته‌ام که اوضاع با سرعت تمام غیر قابل تحمل می‌شود و محرمانه بطور خصوصی ایشان را متنبه ساختم که به نظر من ناچار دولت اعلیحضرتی مجبور خواهند گردید که رویهٔ دوستانه و مصالحت‌آمیز خـود را تغییر دهند مگر آنکه معلوم گردد که دولت ایران قادر به اعادهٔ انتظامات راه که اوضاع مغشوش آن آنقدر خسارت به تجارت انگلیس وارد آورده است، می‌باشند.

جناب معظم‌لـه مرا اطمینان داد کـه دولت ایران رویـه و سلوك دوستانـهٔ دولت اعلیحضرتی را قدر دانسته و بکلی سختی اوضاع را می‌دانند و اظهار داشتند که اوضاع مخصوص محلی که به هیچ‌وجه مربوط به قضیه‌ای که در مکتوب مذکور شرحی از آن نوشته شده نبوده است، باعث این اوضاع امور الم‌انگیز بوده است و اظهار تأسف و تألم صمیمانه نمود برای آنکه دولت ایران چون در این موقع قوهٔ نظامی قابل اعتمادی نداشته و از طرف دیگر مشغول جلوگیری از هجوم یاغیانهٔ شخص غاصبی بوده‌اند، نتوانسته‌اند برای اعادهٔ انتظامات اقدامات لازمه بنمایند. وزیر مذکور برای آتیه خیلی اظهار امیدواری نمود و ظاهراً منتظر نتایج‌مستحسنه از استعداد ژاندارمری که در تحت امر صاحبمنصبان سوئدی تشکیل می‌شود، بود. جناب‌معظم‌له بعلاوه اظهار داشت که تعلیمات مخصوص قطعی به مخبرالسلطنه داده شده است که هر قدر می‌تواند با صاحبمنصبان سوئدی همراهی و معاونت نماید.

مسألهٔ اتخاذ بهترین طریقه برای حصول نظم و امنیتی در راه شیراز که آنقدر برای تجارت انگلیس در ایران دارای اهمیت است، کار بسیار مشکلی است.

مسألهٔ دستگیری مقصرین حمله به اسمارت با مسألهٔ انتظامات راه مذکـور ارتباط بسیار نزدیك دارد زیرا که اگر انتظامات اعاده شود دستگیری و تسلیم مقصرین حتمی خواهد بود.

حالا که این را می‌نویسم از طرف وزارت امور خارجه مکتوبی خصوصی برایم رسیده مرا اطمینان داده است که راپورتهای اوضاع امور که از طرف جنوب برای من فرستاده شده، اغراق است و اخباری که به دولت رسیده، مشعر است بر اینکه امید کامل می‌رود که بطور مسالمت حل اشکال شده و به مجرد ورود مخبرالسلطنه تصفیهٔ امور بر وفق دلخواه به عمل آید. علاءالسلطنه بعلاوه اظهار می‌دارد که حکومت جدید همین تازگی زمام امور را بدست گرفته‌اند و اوضاع مغشوش فارس بسیار جلب دقت آنها را نموده و صمیمانه اظهار امیدواری نمود به اینکه دولت‌اعلیحضرتی فرصت به دولت خواهند داد که کفایت خود را به عرصهٔ شهود و بروز برسانند و مکـرراً می‌گوید که مخبرالسلطنه در شرف حرکت است.

من عقیدهٔ محکم دارم بر اینکه تا اندازه‌ای که امکان داشته باشد باید از اشغال

جنوب توسط دولت انگلیس احتراز شود اگرچه این مسأله را بخوبی درک می‌کنم که این اوضاع غیر قابل تحمل حالیه را نمی‌توان تا مدت غیرمحدودی به حال خود گذارد.

به عقیدهٔ من تعیین مدتی برای این قسم اشغال غیرممکن است و ممکن است منتج نتایج دور و دراز شود و نیز شك دارم از اینکه آیا اظهار این مطلب که نفوذ معنوی دولت انگلیس در جنوب از میان رفته و معدوم شده است، اساس و صحتی دارد یا نه.

مراسلات مستر اسمارت ظاهرا می‌نمایاند که با وجود آنکه موقع بسیار مشکل و شخصی مثل محمد علی خان کشکولی ظاهراً سر از هر قسم نفوذ و اقتدار ایرانی یا اروپایی می‌پیچد، هنوز او نفوذ خود را فوق‌العاده مؤثراً بکار می‌برد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۲۲۹

ترجمهٔ مراسلهٔ وزیر امور خارجه به سر والتر تنلی

۲ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۱ تیر ۱۲۹۱: ۱۶ رجب ۱۳۳۰]

جنابا

در جواب مکتوب ۴ آوریل سر جارج بارکلی، افتخار دارم اظهار بدارم که دولت علیه اظهارات دوستانهٔ دولت اعلیحضرتی را ذیقیمت دانسته و لازم می‌دانند مساعی فوق‌العاده برای استحکام اساسی مودت موجوده بکار برده و به پیشنهادات دولت اعلیحضرتی که در طی این مکتوب مندرج است، توجه مخصوص نموده‌اند.

از زمان وصول این مکتوب، دولت ایران در بکار بردن مساعی مصور نورزیده و در اکثر اقدامات خویش موفقیت حاصل نموده‌اند و برای ملاحظهٔ آن جناب شرح اقدامات مذکور را ذیلا می‌نگارم:

چنانچه شفاهاً به جناب عالی اطلاع داده شده توجه علماء به این مسأله جلب شده که بتابر مطالبی که در طی این مراسله مذکور است، پلتیك [= پلیتیك] دولت انگلیس، مبنی بر عدم مداخلهٔ در جنوب می‌باشد و تلگرافات به علماء و رؤسای فارس مخابره و به ایشان نصیحت داده شده است نسبت به اتباع انگلیس و تجارت آنان رویهٔ دوستانه اتخاذ نمایند.

۲)[۱] برای تشکیل ژاندارمری، تحت امر صاحبمنصبان سوئدی، اقدامات مؤثره به عمل آمده و مدرسه‌ای در شیراز تأسیس شده، در آنجا متجاوز از ۳۰۰ نفر در تحت سلاح رفته و مشغول تعلیم‌یافتن می‌باشند و بر این عده افزوده خواهد شد تا آنکه نقشهٔ تشکیل ژاندارمری جنوب به موقع اجراء آید.

امید است که ممکن باشد اکثر طرق مهمه را همین ژاندارمها در پاییز آتیه قراولی نمایند.

۳) ترتیبات برای حرکت فرمانفرمای جدید فارس داده شده و تا چند روز دیگر

---

۱) چنین است در اصل و مطلب، شمارهٔ ۱ ندارد. ـ م.

حرکت خواهد کرد.

در باب تنبیه مرتکبین حمله به مستر اسمارت، افتخار دارم اشعار بنمایم که پس از آنکه دولت ایران راضی شدند مبلغ ۴،۷۴۴ لیرا بپردازند، جناب سر جارج بارکلی از وزیر سابق اظهار تشکر نموده و او را اطمینان داده است که اصرار برای تنبیه آنها نخواهد شد و بنابراین او تصور کرده است که باین مسالـه خاتمه داده شده و دیگر مذاکره در آن باب نخواهد شد.

چنانچه شفاهاً اظهار داشته‌ام، امیدوارم که پس از ورود فرمانفرمای‌فارس اشکالات محلی رفع گردیده و ژاندارمری بهتر و مؤثرتر کار توانند کرد.

دولت ایران بنابراین، امیدوارند که دولت بریطانیای عظمی کمافی‌السابق ابراز حسن‌نیت و وداد خود را نموده و چنانچه وعده داده‌اند، عساکر هندی خود را که در اصفهان و شیراز و بوشهراند، عودت خواهند داد.

(امضاء) محمدعلی

نمره ـ ۲۳۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ ژوییت ۱۹۱۲ [۱۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۴ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

رجوع به مراسلهٔ ۱۸ ماه گذشتهٔ من:

افتخار دارم راپورت دهم که قراردادی حالا به عمل آمده و به موجب آن کنترل راه اصفهان الی اهواز و تمام خاك بختیاری به سردارجنگ واگذار شده است. یکی از پسران صمصام‌السلطنه صدراعظم، با سردارجنگ متفق است.

چهار نفر از خوانین بزرگ فرمانی امضاء نموده و به سردارجنگ داده و اختیارات تامه به او اعطاء کرده و مدت مأموریت او را تا پنج سال معین کرده‌اند.

حکومت بهبهان و کهکلوئیها [=کهگیلویه‌ای‌ها] که بیشتر مشغول هجومهای در راه بوده‌اند، با وی خواهد بود و ۸،۰۰۰ لیرایی را که خوانین بـرای حرکت دادن سردارجنگ لازم دارند، از طرف بانك شاهنشاهی بطور قرضه داده شده و اسهام «کمپانی نفت بختیاری» خوانین این قرضه را تأمین می‌نماید.

کاری که سردارجنگ به عهده گرفت، کار آسانی نیست چرا که خوانین کوچك که نزد ایلات مانده‌اند، آنجاها نیستند.

بنابر خواهش خوانین اینجا، من توسط جنرال قنسولگری اعلیحضرتی در اصفهان، پیغام سختی برای آنها می‌فرستم و کاپیتان گری را تعلیم داده‌ام که همراه سردار جنگ برود چرا که حضور وی ممکن است برای او مفید باشد و می‌تواند برای منافع تجارتی انگلیس با خوانین بزرگ مذاکره نماید.

من خیلی امیدوارم که مأموریت سردار جنگ که آدم فعال باکفایتی است، مثمر ثمرات خوب گردیده منتج به استقرار نظم و امنیت راه بشود لیکن امورات ایرانیان،

اغلب یأس‌آور بوده و وعده‌هایی که در طهران داده شده، ممکن است به طاق نسیان گذارده شود یا آنکه در کوههای بختیاری بکلی از نظر محو گردد.

برای اینکه سردار جنگ، برای انتظامات راه تعیین شود، من راضی شده‌ام که برادر کهتر وی امیر مفخم، به ایالت کرمان منصوب شود و از روی دلایل امیدوارم که ایالت او خیلی خوب و مقتدر خواهد بود و در آن نقاط به اعادهٔ نظم موفق خواهد گردید. او یکی از اداره‌کنندگان و حکام باکفایت است و من از نقطهٔ نظر منافع انگلیس اهمیت این مقام را که می‌خواهد اشغال نماید، به وی خاطرنشان نموده‌ام و به او اظهار داشته‌ام که انتظار دارم راه بندرعباس را مفتوح داشته آن را از سارقین پاك سازد. او شخصی است که چندان به حرف نمی‌پردازد و دارای عزم زیادی است و اطمیناناتی که به من داده است، بسیار رضایت‌بخش است.

اگر این دو برادر بنا به وعده‌های خود عمل بنمایند، ممکن است بتوانند همراهی ذی‌قیمتی به مخبرالسلطنه بنمایند چرا که ایلات سیار راهـزن اشغال می‌نمایند و آنها باید امنیت بدهند، تا ایالت فارس امتداد دارد.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۲۳۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۲ [۶ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۳ شعبان ۱۳۳۰]

اوضاع تبریز

کفیل قنسولگری تبریز در ۲۶ ژوئیت تلگراف ذیل را مخابره نموده است:

شجاع‌الدوله دیروز به عنوان مذاکرهٔ مسألهٔ حمل قالیهای رنگ جوهری، تجار را احضار نموده به ورود آنها جنرال‌قنسول روس که آنجا حضور داشت. آنها را اطلاع داد که دولت روس خیال دارند تنبیه سختی به شاهسونها بکنند. سپس شجاع‌الدوله در حضور جنرال‌قنسول روس عقیدهٔ آنها را در باب تعیین سپهدار استفسار نمود. آنها البته در جواب اظهار داشتند حکومت شجاع‌الدوله را ترجیح می‌دهند. بعد از آن، مذاکرهٔ مختصری در باب قالیهای جوهری شد.

امروز صبح مجدداً از تجار خواهش نمودند که به تلگرافخانهٔ انگلیس بروند. همینکه وارد آنجا شدند، تلگرافی به طهران در تعریف و تمجید شجاع‌الدوله مخابره نموده و از دولت ایران خواهش نمودند سپهدار را به تبریز نفرستند و کاغذی هم قریب به همین مضمون به جنرال‌قنسول اینجا نوشته و فرستاده شد. تجار در امضای این مراسله خیلی بی‌میل بودند ولی مجبور به این کارشان کردند. من شکی ندارم که ترتیب تمام این کارها قبل از وقت داده شده بود و هرگونه مساعی برای منع ورود سپهدار به‌عمل می‌آید.

تلگراف دیگری که در ۲۷ ژوئیت [۵ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۲ شعبان ۱۳۳۰] مخابره شد، به قرار ذیل است:

لطف نموده رجوع به تلگراف دیروز من کنید:

سادات، امروز صبح بازارها را بستند. من به عقیدهٔ خود شکی‌ندارم‌که شجاع‌الدوله آنها را امر به این اقدام نمود. ملاها سپس نطق‌های هیجان‌آمیز برای ازدحامی که در مسجد نزدیك قنسولخانه‌های انگلیس و روس بودند، ایراد نمودند. نطقهای ایشان برضد مشروطیین و آنهایی که مسؤول تعیین سپهدار بودنـــد، بود. چنانچه معلوم می‌شود اهالی به هر وسیله که باشد، می‌خواهند از ورود سپهدار جلوگیری کنند.

نتیجهٔ این نمایشات حالیه ممکن است تقاضای عودت‌دادن محمدعلی‌شاه باشد. ممکن است اغتشاشات بسیار سخت در اینجا به ظهور رسد مگر آنکه جنرال‌قنسول روس به شجاع‌الدوله تعلیم دهد که فوراً دست از تمام این آنتریگها بردارد.

شجاع‌الدوله آن‌قدر با سپهدار مخالف است که اگر او به اینجا وارد شود، مطلوب خواهد بود که شجاع‌الدوله مجبور به خارج شدن از این ایالت گردد.

جنرال قنسول روس در جواب کاغذ دوستانه‌ای‌که در باب رفتار و کردار شجاع‌الدوله به وی نوشته و اظهار تعجب نموده بودم، مرا اطلاع می‌دهد که به شجاع‌الدوله تأکید نموده است وادارد بازارها را دوباره باز کنند و ارائهٔ طریق نمود که من هم اقدام مشابهی بنمایم. بنابراین، من هم مکتوبی به همین مضمون به شجاع‌الدوله نوشتم.

مستر استونز کفیل قنسولگری، در تلگراف قبل از این مرا اطلاع داد که شجاع‌الدوله مأمور بلجیکی [=بلژیکی] گمرکات را که خزانه‌داری کل برای تبریز فرستاده بود، از پیشکاری مالیهٔ تبریز معزول نموده است.

نمره ـ ۲۳۲ [1]

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۲ [۶ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۳ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف امروز من:

رئیس کابینهٔ وزارت امور خارجه امروز صبح از من ملاقات نموده اظهار داشت که تلگرافات زیادی برضد تعیین سپهدار برای دولت ایران رسیده و اصرار به ابقای شجاع‌الدوله به مقام ایالت تبریز نموده‌اند و اظهار داشت شکی نیست که شجاع‌الدوله ترتیب مخابرهٔ این تلگرافات را داده است و دولت از آن می‌ترسند مبادا اقدامات برای بستن بازارها و دادن نمایشات سخت‌تر بشود و بیم آن می‌رود که سپهدار همینکه از این نمایشات برضد خود مخبر شود، از مقام خویش استعفاء کرده به املاك مازندران خود برود.

او فعلا در قزوین است و اگر سپهدار این کار را بکند، شجاع‌الدوله که حالا مستقلا عمل نموده و از ید اختیار حکومت مرکزی خارج است، به ایالت آذربایجان باقی مانده و در حقیقت آن ایالت از بقیهٔ مملکت مجزا خواهد گردید و دولت ایران مسؤولیت این اوضاع را بعهده نخواهند گرفت و کابینه صلاح در استعفاء خواهند دید. اگـــر سپهدار به جای شجاع‌الدوله منصوب نگردد، دولت ایران در انظار اهالی مملکت به

---

۱) در اصل ۳۶۲. ـ م.

حماقت منصوب خواهند گشت چرا که توسعهٔ دایرهٔ بریگاد قزاق فقط به این شرط صریح قبول شد که سپهدار به مقام ایالت آذربایجان منصوب گردد.

وزیر امور خارجه بسیار متشکر خواهد شد که شما به دولت روس تأکید نمایید فوراً تعلیمات برای نمایندهٔ تبریز خود بفرستند که تمام مساعی خود را بکار برده و از شجاع جلوگیری نماید که برضد ورود سپهدار مخالفت نورزد.

نمره ـ ۲۳۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ ژویت ۱۹۱۲ [۶ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۳ شعبان ۱۳۳۰]

مساعدهٔ مشترك

رئیس کابینهٔ وزارت امور خارجه امروز صبح به ملاقات من آمده اظهار داشت که دولت روس امتیاز احداث خط‌آهن جلفا الی تبریز و ارومیه [=اورمیه] را شرط مساعدهٔ دیگری که دولت ایران درصدد تحصیل می‌باشند می‌خواهند قرار دهند. دولت ایران استدعا می‌نمایند که ما نفوذ خود را در سنت پطرزبورغ بکار برده و طوری کنیم که عمل هریك از این دو مسأله علیحده فیصله شود و انجام یکی را مشروط و مربوط به دیگری ننمایند و مخالفت سخت دولت ایران را با نقطه‌نظر دولت روس برای من توضیح نمود.

علاوه بر آن، در صورتی‌که دولت روس در رویهٔ حالیهٔ خود مداومت نمایند، دولت ایران صمیمانه امیدوارند که دولت انگلیس سهم مساعدهٔ خود را بدون اینکه منتظر سهم روس شوند بپردازند.

پول برای پرداخت حقوق عساکر کرمانشاه بسیار لزوم پیدا کرده و موقع مساعد برای اتمام عمل انتظامات نقطهٔ مذکور از دست خواهد رفت.

در موقعی‌که مطالب فوق به من اظهار شد، من از تلگرافی که شما به سفیرکبیر دولت اعلیحضرتی مقیم سنت پطرزبورغ مخابره نموده بودید، مسبوق نبودم.

نمره ـ ۲۳۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ ژویت ۱۹۱۲ [۶ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۳ شعبان ۱۳۳۰]

جنرال‌قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد در تاریخ ۲۷ ژویت تلگراف ذیل را مخابره نموده است:

از منابع موثقه شنیده‌ام که دولت روس به همین زودیها جنرال ردکووتامان و قزاقهای قفقازیه و باطری‌کوبان و سربازهای دستهٔ ۱۳ ترکستان را از اینجا عودت خواهند داد.

بر دستهٔ قوچان یك‌صد نفر از سربازهای دستهٔ ۱۸ ترکستان افزوده خواهد شد و تمام عدهٔ آنها در آنجا ۲۵۰ نفر خواهد بود و عدهٔ آنهایی‌که در مشهد حاضر خواهند

بود، تخمیناً ۸۵۰ نفر خواهد بود.

نمره ـ ۲۳۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ ژویت ۱۹۱۲ [۷ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۴ شعبان ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل از کفیل قنسولگری انگلیس مقیم تبریز در ۲۸ ژویت مخابره شده‌است:

مراسلاتی که جنرال‌قنسول روس و من به شجاع‌الدوله نوشتیم، مفید واقع گردید. اوضاع به حالت معمول اعاده شده و بازرها باز است.

از طرف کفیل ایالت اعلانی شده مشعر بـر اینکه ادارهٔ مالیه را بـه بلجیکی‌ها [=بلژیکی‌ها] واگذار نموده و رتق و فتق امور کمافی‌السابق با او است و این اقدام را فقط وقتی کرده است که مأمورین بلجیکی [=بلژیکی] به او اطمینان داده‌اند که وجوهات لازمه را برای اعزام عساکر خواهند رسانید.

از قراری که می‌شنوم عساکر روس، شاهسونها را بطور سخت مغلوب نموده و آنها به طرف شمال مراجعت می‌نمایند.

امروز ۸۰۰ نفر از عساکر روس به اینجا وارد خواهند شد. عدهٔ تمام قشون روس در تبریز تخمیناً ۲،۸۰۰ نفر است.

نمره ـ ۲۳۶

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۹ ژویت ۱۹۱۲ [۷ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۴ شعبان ۱۳۳۰]

تبریز

راجع به تلگراف ۲۸ ژویت طهران:

من از مسیو نراتف امروز استفسار نمودم که آیا نمی‌تواند به جنرال‌قنسول روس تعلیم دهد که نفوذ خود را به‌کار برده و شجاع‌الدوله را ترغیب نماید دست از تهییج برضد سپهدار بردارد، مخصوصاً نظر به اینکه دولت ایران به توسعهٔ دایرهٔ بریگاد قزاق رضا داده‌اند بشرط آنکه سپهدار برای تبریز تعیین شود.

کفیل وزارت امور خارجه در جواب اظهار داشت که جنرال‌قنسول تاکنون هرقدر توانسه است اقدام نموده و خواهد نمود.

شجاع‌الدوله اظهار داشته بود که حاضر است در موقع ورود سپهدار، برای احترام اظهارات جنرال‌قنسول از شهر خارج شده و تا مسافتی توقف نماید ولی عقیدهٔ جنرال‌قنسول بر این بود که بهتر است او در شهر مانده و شخصاً زمام امور را بـه دست ایالت جدید خود بدهد و اشعار نموده بود به اینکه دادن شهر بـه دست اهالی کـار خطرناکی است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۳۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۳۰ ژوئیت ۱۹۱۲ [۸ امرداد ۱۲۹۱: ۱۵ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۸ ژوئیت سر والتر تنلی:

احتیاج دولت ایران به پول حالیه آنقدر شدت نموده است که امیدوارم دولت روس اصرار نخواهند نمود بر اینکه اعطای امتیاز راه آهن را شرط پرداخت پول قرار دهند.

برای جناب‌عالی لازم نخواهدبود که علاوه‌بر آنچه در تلگراف ۲۷ ژوئیت خود مذکور داشته‌ام، اظهاری بنمایید ولی اگر موقعی بدست آمد، باید این نکته را بطور غیررسمی به مسیو سازانف تذکار نمایید.

نمره ـ ۲۳۸

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۳۱ ژوئیت ۱۹۱۲ [۹ امرداد ۱۲۹۱: ۱۶ شعبان ۱۳۳۰]

مساعده به دولت ایران

راجع به تلگراف ۳۰ ژوئیت من:

امروز مسیو نراتف را ملاقات نمودم. جناب معظم‌له مرا اطلاع داد که سفیر روس مقیم طهران تلگرافاً [= تلگرافی] برای ترتیبی ارائهٔ طریق نموده که به عقیدهٔ وی، دولت ایران می‌توانند آن را قبول نمایند.

کفیل وزارت خارجه کم و کیف آن ترتیب را افشاء ننمود و اظهار داشت که در هر صورت بایستی قبل از ارسال جواب با وزیر مالیه مشورت نماید.

من به جناب معظم‌له اظهار داشتم که شما امیدوارید که دولت امپراطوری حالیه برای تحصیل امتیاز خط‌آهن از جلفا الی تبریز فشار نخواهند آورد چرا که دولت‌ایران بسیار محتاج پول می‌باشند. بعد من استفسار نمودم که آیا اطمینانی از طرف دولت ایران به اینکه به همین زودی در باب خط‌آهن داخل مذاکرات خواهد شد، اسباب رضایت دولت روس خواهد بود؟ و بعلاوه اظهار داشتم که همان روز صبح در این موضوع با سفیر ایران مذاکره نمودم و از قرار معلوم عقیدهٔ وی بر این بود که دولت ایران حاضر خواهند بود که چنین اطمینانی بدهند مخصوصاً اگر دولت روس به آنها بفهمانند که خواهند گذارد یك قسم شرکتی در عمل احداث خط‌آهن بنمایند.

مسیو نراتف مرا اطلاع داد که وزیر مالیه مصمم است که این مسأله را باید بطور دائمی فیصل دهد[1] و او تصور می‌کرد که ترتیبی شبیه به آنچه من پیشنهاد نموده‌ام ممکن است داده شود چرا که دولت روس حاضرند شرایط مساعدی قرار بدهند ولی قبل از آنکه تصمیمی بنماید، بایستی با وزیر مالیه مشورت نماید.

---

۱) اصل: داد. ـ م.

نمره ـ ۲۳۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۱ ژویت ۱۹۱۲ [۹ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۶ شعبان ۱۳۳۰]

اوضاع تبریز

کفیل قنسولگری انگلیس در تبریز در ۳۰ ژویت بقرار ذیل تلگراف می‌کند:

تجار و اشخاص متنفذ تلگرافات و مراسلات متعدده به امضاء رسانیده و برای وزیر امور خارجهٔ روس و فرمانفرمای قفقاز و سفیر روس مقیم طهران و قنسول فرانسه فرستاده و از آنها جداً استدعا نموده‌اند نگذارند سپهدار با همراهان رولسیون[1] زیاد خود وارد تبریز شود و بگذارند شجاع‌الدوله به مقام ایالت آذربایجان باقی باشد.

این اطلاع از منبع موثقی برای من رسیده [است.] تجار و سایـرین مجبور به امضای این نوشتجات شده‌اند و نمی‌توانسته‌اند عقیدهٔ باطنی خود را ابراز نمایند.

این را باید تصدیق نمود که عدهٔ کثیری از اهالی شجاع‌الدوله را ترجیح می‌دهند.

نمره ـ ۲۴۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ اوت ۱۹۱۲ [۱۱ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۸ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۹ ژویت سنت پطرزبورغ:

همکار روسی مرا اطمینان می‌دهد که سپهدار در حرکت به سمت تبریز است و از قزوین به طرف زنجان حرکت نموده است.

اقدامات شجاع‌الدوله هنوز اسباب تشویش فوق‌العادهٔ دولت ایران می‌بـاشد و از قراری که راپورت داده شده مخفیانه توپخانه به میانج، که در راه طهران واقع است، فرستاده و تلگرافات اطمینان‌بخشی را که سپهدار برای اهالی تبریز مخابره نموده است، نگذارده است به صاحبانش برسد.

نمره ـ ۲۴۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳ اوت ۱۹۱۲ [۱۲ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۹ شعبان ۱۳۳۰]

منزل برای مستحفظین قنسولخانهٔ شیراز

تلگراف ذیل که راجع به تلگراف کفیل قنسولگری شیراز است و عین آن را مخابره نمودم، مجدداً از طرف او در ۲۵ مه مخابره شده است:

تأخیر خوب ترتیبی پیش می‌آورد. تأخیر زیاده بر این باعث عجله در کار خواهد شد و عجله مورث خسارات نقدی برای دولت اعلیحضرتی خواهد گردید، گذشته از

---

۱) = انقلابی. ـ م.

مضار دیگر.
کلنل دوگلاس از من درخواست می‌کند که اظهار نمایم که او ماه رمضان را که باعث تأخیر کار است، از نظر انداخته است و لزوم شروع به کار را تأکید نمایم.
فرمانفرمای جدید فارس، مرا اطمینان می‌دهد که در ۴ اوت برای مقر خود حرکت خواهد کرد.

نمره ـ ۲۴۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۳ اوت ۱۹۱۲ [۱۲ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۹ شعبان ۱۳۳۰]
اوضاع تبریز
کفیل قنسولگری انگلیس در دوم اوت تلگراف ذیل را مخابره نموده است:
اجلاسات یومیه که در آنها نطق‌های مهیجه ایراد می‌شود، در مجلس منعقد می‌شود. از قراری که به من اطلاع رسیده، به اشخاصی که برای ممانعت سپهدار از ورود به شهر تهیه شده‌اند، اسلحه و مهمات برای این مقصود داده شده است.

نمره ـ ۲۴۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان
وزارت خارجه ۳ اوت ۱۹۱۲ [۱۲ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۹ شعبان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف دوم اوت طهران:
آیا دولت روس مایل خواهند بود به جنرال‌قنسول خود مقیم تبریز تعلیم دهند که بطور سخت شجاع‌الدوله را متنبه نماید از اینکه از ورود سپهدار به آنجا جلوگیری ننموده برضد تعلیماتی که برای او فرستاده می‌شود ایستادگی ننماید؟

نمره ـ ۲۴۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۵ اوت ۱۹۱۲ [۱۴ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۱ شعبان ۱۳۳۰]
به سفیر روس حالا از تبریز اطلاع داده شده که شجاع‌الدوله اطمینانات کامله برای همراهی با سپهدار داده است.

نمره ـ ۲۴۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۵ اوت ۱۹۱۲ [۱۴ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۱ شعبان ۱۳۳۰]
اوضاع تبریز
کفیل قنسولگری انگلیس در ۴ اوت تلگراف ذیل را مخابره نموده است:
جنرال‌قنسول روس به شجاع‌الدوله اطلاع داده است که امپراتور روسیه می‌خواهد

سپهدار مقام خود را اشغال نماید و شجاع‌الدوله بایستی راضی به همراهی با وی شود.

شجاع‌الدوله علی‌هذا امروز اظهار نمود حاضر است با سپهدار همراهی نماید و از اجلاسات در مساجد جلوگیری کرده است.

نمره ـ ۲۴۶

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۵ اوت ۱۹۱۲ [۱۴ امرداد ۱۲۹۱: ۲۱ شعبان ۱۳۳۰]

تبریز

راجع به تلگراف ۳ اوت شما:

مسیو نراتف مرا اطلاع داد که شجاع‌الدوله تلگرافاتی که سر والتر تنلی بدان رجوع نموده است، نگذاشته است به صاحبانش برسد ولی تمام کارها حالا به طور رضایت فیصله شده است.

شجاع‌الدوله وعده داده بود که سپهدار را به ورود بطور دوستانه پذیرایی نموده و هر قسم کمکی به وی خواهد کرد و بنا بود جنرال‌قنسول روس وساطت نماید که حد و حدودی برای مقام شجاع‌الدوله تعیین گردد. مسیو نراتف نمی‌توانست بطور یقین اظهار بدارد که آیا شجاع‌الدوله در تحت امر سپهدار در تبریز خواهد ماند یا آنکه حکومت محل دیگری به وی داده خواهد شد.

نمره ـ ۲۴۷

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۶ اوت ۱۹۱۲ [۱۵ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۲ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳۱ ژویت من ـ خط‌آهن از جلفا الی تبریز ـ مسیو نراتف مرا اطلاع داد که دولت ایران یقیناً پیشنهادات مسیو پکلوسکی [=پاکلوسکی] را در باب نقشهٔ مزبور قبول خواهند کرد و لذا او امیدوار است که به همین زودیها مسألهٔ مساعده فیصله خواهد شد.

نمره ـ ۲۴۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۶ اوت ۱۹۱۲ [۱۵ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۲ شعبان ۱۳۳۰]

کفیل قنسولگری شیراز تلگراف می‌کند که یك دستهٔ ۵۰۰ نفری غارتگران در تحت امر صولت‌الدوله که یك محل محکمی را در نزدیك راه شیراز الی بوشهر اشغال‌نموده بودند و بدان واسطه راه مذکور را مسدود نموده بودند، لطمات و صدمات به ژاندارمری وارد آوردند.

کفیل قنسولگری راپورت می‌دهد که استعداد ژاندارمری مرکب بود از ۸۰ سوار

و ۱۸۰ پیاده و یك توپ کوهستانی در تحت امر دو نفر از صاحبمنصبان سوئدی و عدهٔ زیاد آنها بدون اینکه تیری خالی کنند، فرار نموده و متعاقب آن، خصم آنها را محاصره کرده و بلامقاومت تسلیم آنها شدند و تمام اسلحهٔ خود را از دست دادند. قاپاق توپ مذکور هم ترکیده و بیکار ماند. یك قسمت کوچك از این قشون با دو نفر از صاحبمنصبان خود تا مدتی بلانتیجه جنگ نموده لیکن موفق به مراجعت به شیراز شدند. و زخم کمی هم به ماژور سیفورت فرماندهٔ عساکر مذکور وارد آمد.

معلوم می‌گردد که قصد اولی ژاندارمری این بود که در یك‌منزلی شیراز به چنار راهدار رفته و از آنجا با قشونی در تحت امر قوام‌الملك به مقابلهٔ صولت‌الدوله بروند لیکن ماژور سیفورت بدون مذاکره با قوام‌الملك به تنهایی با وجود تاکیدات سخت که دست از این کار بردارد، به مقابلهٔ آنها رفت و جنگ در نزدیکی ویرنجان واقع گشت.

نمره ـ ۲۴۹

مکتوب وزارت خارجه به ادارهٔ هند

وزارت خارجه ۶ اوت ۱۹۱۲ [۱۵ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۲ شعبان ۱۳۳۰]

آقا

از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه تعلیم دارم که رجوع به مراسلهٔ ۲۳ ماه ژون سر والتر تنلی نموده و عقاید مارکس اف کرو و حکومت هند را در باب پولتیك [=پولیتیك] قرض دادن به فرمانفرمای فارس برای استقرار انتظامات‌فارس، استفسار نمایم.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره ـ ۲۵۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]

رئیس نظمیه

راجع به تلگراف ۲۷ ژویت شما:

دولت ایران چون نتوانسته‌اند رئیس نظمیه از هلند استخدام نمایند، از دولت سوئد درخواست نموده‌اند اشخاصی را که برای این کار لازم است معرفی نمایند.

این اقدام بدون مشورت با دو سفارتخانه[1] بعمل آمد. من دیروز به وزیر امور خارجه خاطرنشان نمودم که دولت نبایستی به این طریق عمل نموده باشند. جناب معظم‌له پس از متعذر شدن به بعضی معاذیر اظهار داشت که قبل از اینکه این اقدام بعمل آید، با کلنل ژاندارمری در این باب مشورت شد. کلنل یالمارسن اظهار عقیده

---

۱) اصل: سفارتخانه‌ها. ـ م.

نموده بود که هر دو اداره باید به دست سوئدیها باشد و صرفهٔ هر دو هم در این می‌باشد.
سفیر روس اظهار می‌دارد که کلنل یالمارسن بـه او هم همین مطلب را اظهار نموده است.

نمره ـ ۲۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۳ اوت شما:
کلنل دوگلاس و قنسول دولت اعلیحضرتی باید برای منزل دادن عساکر به بهترین وجهی که می‌توانند ترتیبی بدهند تا آنکه تصمیم قطعی بشود. لطف نموده برطبق این به آنها تعلیم دهید.

نمره ـ ۲۵۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۶ اوت شما:
اخبار لطمه[یی] که به عساکر تحت امر ماژور سیفورت وارد آمده، سخت و مهم است و در موقع بسیار نامناسبی به وقوع رسیده است. شما اجازه دارید که فوراً ۱۰،۰۰۰ لیرا از بابت سهم قرضهٔ مشترك به دولت ایران بدهید بشرط آنکه آن را برای پرداخت حقوق عساکر و تهیهٔ قشونی برای مقابلهٔ با صولت‌الدوله به شیراز بفرستند.

نمره ـ ۲۵۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان
وزارت خارجه ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۶ اوت سر والتر تنلی ـ شکست‌دادن‌صولت‌الدوله ژاندارمری را بسیار لازم است که به دولت ایران پول رسانیده شود و من به سر والتر تنلی تلگراف می‌کنم که فوراً ۱۰،۰۰۰ لیرا بدهد که برای مأمورین محلی شیراز فرستاده شود. شما باید سبب این کار را توضیح نموده اظهار امیدواری نمایید که دولت روس هم سهم خود را خواهند پرداخت.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۵۴

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۸ اوت ۱۹۱۲ [۱۷ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۴ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۷ اوت شما:

کفیل وزارت امور خارجه برعلیه مساعدهٔ ۱۰،۰۰۰ لیرائی که قرار است سر والتر تنلی بدهد، اعتراضی ننمود و اظهار داشت که به سفیر روس اجازه داده شده است که به مجرد آنکه دولت ایران رضا دهند، داخل مذاکرات راه‌آهن جلفا شوند، ۲۵،۰۰۰ لیرا را بپردازند.

از آن می‌ترسم که تا زمانی که این شرط قبول نشود، دولت روس به هیچ وجه قرضه نخواهند داد.

نمره ـ ۲۵۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۸ اوت ۱۹۱۲ [۱۷ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۴ شعبان ۱۳۳۰]

دسته (ای) برای خرید جواهرات دولتی ایران تشکیل شده است و به ما هم در این باب رجوع شده است. اگر دولت ایران مایل به فروش باشند، تکلیف دولتین این نیست که از آنها ممانعت کنند بلکه خود ممد این کار شده و معاملهٔ مذکور را در تحت بعضی شرایط تسهیل نمایند وگرنه فروش آنها از روی تقلب بعمل آمده و به هیچ کس فایده‌ای نخواهد رسید.

فعلا بطور بد، در امور دور و تسلسلی حاصل شده هیچ‌کس حاضر پول دادن به دولت ایران نیست مگر آنکه دولت مشارالیها خانهٔ خود را نظم دهد و در اوضاع مملکت بهبودی حاصل نتواند شد مگر به رسیدن پول.

دولتین ممکن است ترتیب فروش جواهرات را داده مساعده‌های جزئی خود را از آن برداشته و برای مصرف باقی پول بعضی شرایط قرار دهند.

این مسأله را با مسیو نراتف مذاکره نمایید. من از لطمه‌ای که به ژاندارمری در نزدیکی شیراز زده شده بسیار مشوش هستم و بسیار میل دارم که از اقدامات فوری سخت احتراز شود.

نمره ـ ۲۵۶

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۹ اوت ۱۹۱۲ [۱۸ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۵ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۸ اوت شما ـ جواهرات دولتی ـ مسیو سازانف ارائهٔ طریق شما را کاملا تصویب می‌کند و حاضر است به سفیر روس تعلیم دهد که با سر والتر تنلی در باب بهترین طریقی که بنابر میل شما ترتیب اثری بر آن داده شود مشورت نماید.

اگر دولت ایران بر مداخلهٔ دولتین اعتراض داشته باشند، ما می‌توانیم خاطرنشان نماییم که اگر فروش آنها به ما واگذار شود، جواهرات مذکور به قیمت بهتری بـه فروش خواهد رسید تا آنکه خود دولت با این ورشکستگی حـالیه، درصدد تحصیل خریداری برآیند.

نمره ـ ۲۵۷

مکتوب ادارهٔ هند به وزارت خارجه

ادارهٔ هند ۱۰ اوت ۱۹۱۲ [۱۹ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۶ شعبان ۱۳۳۰]

آقـا

از طرف وزیر هندوستان تعلیم دارم که وصول مراسلهٔ ۶ شهر جاری شما را در خصوص پیشنهاد کمك مالی به فرمانفرمای فارس، در عوض دولت ایران، اطلاع داده و اظهار بدارم که به نظر مارکس اف کرو، به این طریق بیشتر محتمل است پـول به مصارف لازمه برسد ولی شاید ملاحظهٔ وضعیت دولت ایـران و مخصوصاً وضعیت خزانه‌دار، لازم باشد. لرد کرو ارائهٔ طریق می‌کند که بایستی در مسألهٔ این پلتیك [= پلیتیك] با سر والتر تنلی مشورت نمود لیکن به تعلیماتی که در تلگراف ۷ شهر جاری سر ادوارد گری مندرج است، بذل توجه نموده است و بعلاوه تا زمانی که در اوضاعی که به واسطهٔ شکست ژاندارمری پیش آمده گشایشی حاصل نگردد، او شك دارد از اینکه بتوان کاری انجام داد.

(امضاء) ریچی

نمره ـ ۲۵۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ اوت ۱۹۱۲ [۱۹ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۶ شعبان ۱۳۳۰]

مساعدهٔ ۱۰،۰۰۰ لیرا برای فارس

خیلی مسرور خواهم شد اگر تعلیم دهید که پولی را که به موجب تلگراف ۷ اوت خود تصویب نموده بودید به دولت ایران داده شود، در چه حساب مخصوصی ثبت‌کنم.

به عقیدهٔ من بهترین تدبیر این خواهد بود که وجه مذکور به خزانه‌داری کل داده شود و با او قرار و مدار داده شود که وجوهاتی را کـه اسمارت لازم دارد و بـه تخمین او، ۵،۰۰۰ لیرا مکفی خواهد بود، برساند و در تحت نظارت اسمارت وجـه مزبور بطور صحیح تقسیم شده آنچه باقی بماند در ورود فرمانفرما، برای ادامـهٔ اقدامات قوام‌الملك به مصرف رسد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۵۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ اوت ۱۹۱۲ [۲۱ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۸ شعبان ۱۳۳۰]

ژاندارمری سوئد

رجوع به تلگراف ۶ اوت من:

حادثهٔ نامساعدی که همین حالا در شیراز به وقوع رسیده، کلنل ژاندارمری را مجبور خواهد نمود که نقشه‌های خود را تغییر دهد.

او در نظر دارد ۳۰۰ نفری را که حالیه تعلیم می‌دهد، در شیراز نگاه دارد و امیدوار است بتواند بهار آینده ۷۰۰ نفر از عساکر تعلیم‌یافتهٔ اینجا را برای حفاظت راه بفرستد.

مشارالیه مرا اطمینان می‌دهد که در حقیقت موقع از دست داده نشده است چرا که او در هر صورت در این پاییز نمی‌توانسته است زمام حفظ و حراست راه را به دست گیرد. کلنل ظاهراً از موفقیت آتیهٔ ژاندارمری بسیار امیدوار است اگرچه طبعاً از وقوع این حادثه بسیار مشوش و مضطرب است.

نمره ـ ۲۶۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۲ اوت ۱۹۱۲ [۲۱ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۸ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۰ اوت شما:

من تصور می‌کنم بانك شاهنشاهی ایران، امروز ۲۵،۰۰۰ لیرائی را که مبلغ تمام سهم قرضهٔ دولت اعلیحضرتی و حکومت هندوستان می‌باشد، به حساب شما منتقل خواهد نمود چرا که از قراری که ما فهمیده‌ایم، دولت روس در نظر دارند قرضهٔ مشترك ۵۰،۰۰۰ لیرا داده شود.

نمره ـ ۲۶۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۲ اوت ۱۹۱۲ [۲۱ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۸ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۹ اوت سر جارج بیوکانان ـ فروش جواهرات ـ شما مجاز هستید که در این باب با همکار روسی خود و خزانه‌داری‌کل مذاکره نمایید. من بسیار طرفدار این پیشنهاد بوده و امیدوارم بتوان آن را به موقع اجراء گذارد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۶۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ اوت ۱۹۱۲ [۲۲ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۹ شعبان ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل از مأمور قنسولگری مشهد رسیده است:

بنابر راپورتی که داده شده، تخفیف داده خواهد شد[1] بغیر از آنکه دستهٔ سیزدهم تفنگدارها به جای دستهٔ هیجدهم در مشهد خواهند آمد و این دسته به ترکستان مراجعت خواهند نمود. عدهٔ آنها مثل سابق خواهد بود.

انتظار می‌رود که عساکر مذکور روز ۱۸ اوت و ۲۱ اوت حرکت کنند.

تلگراف ذیل در ۱۲ اوت از کفیل ویس‌قنسولگری رشت رسیده [است]:

۶۰۰ نفر قزاق و پیاده‌نظام در ۱۰ اوت وارد انزلی شدند. نصف آنها دیروز اینجا وارد شدند. یحتمل اینها را برای طالش می‌خواهند.

نمره ـ ۲۶۳

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۳ اوت ۱۹۱۲ [۲۲ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۹ شعبان ۱۳۳۰]

صاحبمنصب سوئدی برای نظمیهٔ طهران

لطف نموده رجوع به تلگراف ۷ اوت طهران کنید:

من دیشب در این باب با مسیو سازانف‌مذاکره نموده، جناب معظم‌له اظهار داشت که او اعتراضی نخواهد داشت بر اینکه این مقام به عهدهٔ یك نفر از اتباع سوئد واگذار شود.

نمره ـ ۲۶۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۳ اوت ۱۹۱۲ [۲۲ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۹ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ اوت من:

من تصمیم در خصوص موقع و کم و کیف مساعده را که باید پرداخته شود به اختیار شما واگذار خواهم نمود. مبلغی که مساعده داده خواهد شد نباید زیاده بر آنچه لازم است باشد و فقط در مواقعی که لازم می‌شود به دولت ایران داده شود.

www.adabestanekave.com

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

نمره ـ ۲۶۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ اوت ۱۹۱۲ [۲۶ امرداد ۱۲۹۱؛ ۴ رمضان ۱۳۳۰]

قشون ایران

دولت ایـران از سفیر هلند خواهش نموده‌اند کـه ببیند دولت متبوعهٔ وی مایل خواهند بود که ۲۷ نفر صاحبمنصب برای تشکیل قشون کوچکی برای ایران بفرستند؟ از قراری که مذکور است این قشون باید مرکب از ۶،۰۰۰ نفر باشد ولی نقشه‌ای برای آن به سفارتین ارائه نشده است.

سفیر روس و من در مراسلهٔ مشترکی از دولت ایران درخواست نموده‌ایم که نقشهٔ قشونی خود را بلاتأخیر به ما ارائه نمایند و خاطرنشان نموده‌ایم که اقدام آنها در این موضوع، با قرارداد آنها که قبل از استخدام مأمورین خارجه با سفارتین مشورت نمایند موافقت ندارد.

از قراری که بر من مفهوم می‌شود، سفیر هلند در موقعی که دولت متبوعهٔ خود را از خواهش دولت ایران مستحضر داشت، نصیحت نمود که پیشنهادات مذکـور را رد نمایند به این دلیل که اولا رسانیدن وجوهات از طرف دولت ایران بسیار غیرمعلوم است و ثانیاً چون به عقیدهٔ او تحصیل افراد صحیح برای قشونی که باید تشکیل شود مشکل است، لذا مساعی و مشاغل صاحبمنصبان اجنبی چندان جلوه ننموده و پیشرفتی نخواهد کرد.

او با پسته خواهش دولت ایران را به اطلاع دولت متبوعهٔ خود رسانیده است.

نمره ـ ۲۶۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ اوت ۱۹۱۲ [۲۸ امرداد ۱۲۹۱؛ ۶ رمضان ۱۳۳۰]

جنوب ایران

مخبرالسلطنه دیروز بعـد از ظهر از من ملاقـات نمود و مذاکرات طولانـی و رضایت‌بخش با هم داشتیم. جناب معظم‌له حقیقتاً انتظار دارد تا چند روز دیگر به سمت شیراز حرکت کند و در خارج شهر چادر زده است.

وضع گفتگو و حالت او اسباب اطمینان من شد. نظریات و عقاید وی در بـاب اداره کردن امور فارس قطعی است و ظاهراً می‌توان اعتماد داشت به اینکه بتواند انتظامات آنجا را اعاده نماید.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۶۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۹ اوت ۱۹۱۲ [۲۸ امرداد ۱۲۹۱؛ ۶ رمضان ۱۳۳۰]

رجوع به مراسلهٔ ۲۳ ژون شما:

عقیدهٔ شما در باب اینکه مستقیماً به مخبرالسلطنه پول رسانیده شود چیست؟

نمره ـ ۲۶۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۲ [۳۰ امرداد ۱۲۹۱؛ ۸ رمضان ۱۳۳۰]

ژاندارمری سوئدی

رجوع به تلگراف ۱۲ اوت من:

کلنل یالمارسن مسودهٔ نقشهٔ قشونی را که در نظر دارد در بهار سال ۱۹۱۳ به فارس بفرستد، به من نشان داد. این قشون مرکب خواهد بود از ۳۳۴ سوار و ۵۶۴ پیاده و ۲ توپ میترایوز با ۲۷ توپچی و مرا اطمینان می‌دهد که کثرت قشون شیراز به هیچ وجه از عدهٔ قشونی که باید دور و حوالی طهران بکار برده شونـد نخواهد کاست و می‌گوید که در ظرف دو ماه قشون مذکور می‌توانند ۱،۰۰۰ کیلم[1] راه را قراولی نمایند و او بسیار امیدوار به موفقیت ژاندارمری مذکور است ولی شکایت می‌کند از اینکه بواسطهٔ عدم پول، از پیشرفت حالیهٔ ژاندارمری جلوگیری می‌شود.

من از آژانس روتر [=رویتر] درخواست کرده‌ام که تلگراف اطمینان‌بخشی در باب حادثهٔ شیراز انتشار دهد. جهت اقدام من این است که چون مطبوعات سوئـد اخباری انتشار می‌دهند که از آن مستفاد می‌شود نقشهٔ ژاندارمـری کلیتاً پیشرفتی حاصل ننموده است، کلنل بسیار مشوش و متألم است.

نمره ـ ۲۶۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۲ [۳۰ امرداد ۱۲۹۱؛ ۸ رمضان ۱۳۳۰]

رئیس کل نظمیه

رجوع به تلگراف ۱۳ اوت سنت پطرزبورغ:

کمال انتظار را داریم که بزودی جوابی در باب رئیس نظمیه از سوئد برسد. دولت ایران اظهار می‌دارند که تا زمانی‌که سفارتین رسماً رضایت خود را ابراز ننمایند نمی‌توانند در این موضوع اقدامی بنمایند و نظمیه فعلا به دست ارمنیها است و این ترتیب ناموافقی است.

---

۱) کیلومتر. ـ م.

نمره ـ ۲۷۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۲ اوت ۱۹۱۲ [۳۱ امرداد ۱۲۹۱؛ ۹ رمضان ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف ۱۷ اوت شما ـ قشون ایران ـ من اقدام شما را تصویب می‌کنم.

نمره ـ ۲۷۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۲ اوت ۱۹۱۲ [۳۱ امرداد ۱۲۹۱؛ ۹ رمضان ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف ۱۳ اوت سنت‌پطرزبورغ نمایید.

ما برعلیه استخدام رئیس نظمیه از اتباع سوئد اعتراضی نداریم. تصور می‌کنم به همکار روسی شما هم تعلیمات مشابهی داده شده باشد.

نمره ـ ۲۷۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۲ اوت ۱۹۱۲ [۳۱ امرداد ۱۲۹۱؛ ۹ رمضان ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف ۲۱ اوت شما ـ ژاندارمری ـ اگر تمام مبلغ ۱۰،۰۰۰ لیرا را نداده‌اید، قدری از آن ممکن است به مصرف ژاندارمری رسانیده شود. آیا کلنل چقدر لازم دارد؟

نمره ـ ۲۷۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ اوت ۱۹۱۲ [۳۱ امرداد ۱۲۹۱؛ ۹ رمضان ۱۳۳۰]

عساکر روس در خراسان

راجع به تلگراف ۱۳ اوت من:

تلگراف ذیل در ۲۱ اوت از جنرال‌قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد رسیده است:

در باب عودت عساکر روس از مشهد، افتخار دارم راپورت دهم که چنانچه به‌موجب تلگراف سابق خود پیش‌بینی کرده بودم، عساکر حرکت کرده‌اند.

نمره ـ ۲۷۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ اوت ۱۹۱۲ [۳۲ امرداد[1] ۱۲۹۱؛ ۱۰ رمضان ۱۳۳۰]

مساعده به دولت ایران

راجع به تلگراف ۲۲ اوت شما:

پولی که کلنل یالمارسن لازم دارد، برای توسعه و ترقی ژاندارمری بطور عموم

---

۱) چون تا سال ۱۳۰٤ خورشیدی تقویمهای فارسی به‌صورت فعلی تنظیم نشده بود و ترتیب آخر ماهها با یکدیگر تفاوتهایی پیدا می‌کرد لذا در پاره‌ای اوقات تعداد روزهای ماه به ۳۲ روز هم می‌رسید. ـ م.

است. او می‌ترسد از اینکه به علت وضع حالیهٔ مالیه، حقوق آنها عقب خواهد افتاد.
در هر صورت گمان می‌کنم کلنل مذکور زیاده بر آنچه از ۱۰،۰۰۰ لیرا باقی می‌ماند پول لازم دارد. عاقبت تمام این مبلغ حتماً برای فارس لازم خواهد شد.

نمره ـ ۲۷۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۳ اوت ۱۹۱۲ [۳۲ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۰ رمضان ۱۳۳۰]
مالیهٔ ایران

به‌علت اظهار رسمی که در مجلس مبعوثان شده که با اوضاع حالیهٔ مالیه و وضع مملکت برای دولت ایران مشکل است بدون ضمانت دولتین انگلیس و روس قرضه تحصیل نماید، تنفر و تغیر زیادی اینجا محسوس می‌شود.
دولت ایران تصور می‌کنند که اوضاع مملکت بر دولت اعلیحضرتی مشتبه شده و مرا مسؤول این سوء تأثیر می‌دانند.
خزانه‌داری کل، امروز در موقعی که در باب اوضاع مالی با من مذاکره نمود، اظهار داشت که به عقیدهٔ وی عایدات مملکت برای تحصیل قرضهٔ ۶،۰۰۰،۰۰۰ لیرا مکفی خواهد بود و اگر وجوهات قرضهٔ مذکور به مصرف توسعه و ترقی عایدات‌مملکت نرسد و دعاوی خارجه‌ها[1] به تعویق انداخته نشود، تا زمانی که اثرات کمك مالی که داده می‌شود محسوس گردد، چندان پولی برای مصارف یومیه باقی نخواهد ماند. و اگر بحصول چنین نتیجه‌ای بایستی نائل شد، به عقیدهٔ من باید از طرف اروپاییها کنترل کاملتر و بیشتر از حالیه بر مالیهٔ ایران بشود.

نمره ـ ۲۷۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۴ اوت ۱۹۱۲ [یکم شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۱ رمضان ۱۳۳۰]

دولت ایران تقاضاهای دولت روس را در باب امتیاز خط‌آهن جلفا الی تبریز و ارومیه [=اورمیه] قبول نموده‌اند بطوری که دولت روس می‌تواند در باب آن داخل مذاکرات شوند و از مذاکرات خود بدون رجوع به مجلس[2] متوالیاً نتیجه بگیرند.
سفیر روس را عقیده بر این است که دولت متبوعهٔ وی جواب دولت ایران را کافی خواهند دانست، اگرچه راست است اطمینانات آنها در باب قسمتی که راجع به مجلس است قدری مبهم می‌باشد. یحتمل برای دولت روس امکان خواهد داشت که هر زمان که مقتضی باشد در باب این نکته فشار بیاورند.
در باب خط محمره هم، بعلاوهٔ فرمان شاه، از طرف وزیر امور خارجه بـه من

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.
۲) اصل: مجلسی. ـ م.

اطمینان شفاهی داده شده است که در مذاکرات راجع به آن، همان قسم منافعی که برای خط روس منظور گردیده برای ما هم منظور خواهد بود.

با این اوضاع بسیار مطلوب خواهد بود که هرقدر زودتر که ممکن‌است در مذاکرات آن عجله شود.

نمره ــ ۲۷۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ اوت ۱۹۱۲ [یکم شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۱ رمضان ۱۳۳۰]

اوضاع تبریز

تلگراف ذیل از کفیل قنسولگری انگلیس در تاریخ ۲۳ اوت از تبریز واصل گردیده است:

سپهدار که به تاریخ ۲۱ اوت به باسمنج [=باسمنج] وارد شد، اعلام نمود که تا آخر ماه رمضان در آنجا توقف خواهد نمود.

تصور می‌شود که او این اقدام را برای آن نموده است که مأمورین محلی روس فرصت خارج شدن از عمارت حکومتی داشته باشند.

وضع سلوك و رویهٔ شجاع، فعلا اسباب تشویش و اضطراب نمی‌باشد. او اعلانی انتشار داده و مردم را مطلع می‌سازد که دولت ایران سپهدار را به مقام ایالت آنجا فرستاده‌اند و آنها را نصیحت و دعوت می‌کند که از او اطاعت بنمایند چرا که مقاصد وی شامل مصالح عامهٔ مسلمانان است. لیکن مساعدت یا مخالفت آتیهٔ شجاع‌الدوله نسبت به سپهدار بیشتر بسته به وضع رفتار سپهدار با وی می‌باشد.

همکار روسی من مرا اطلاع می‌دهد که تلگرافاتی از اهالی تبریز برای سپهدار رسیده، از مخابرهٔ تلگرافات سابق خود که باعث اشکال کار او می‌شد، اظهار ندامت و پشیمانی نموده و برای تعیین وی عرض تبریك گفته‌اند.

نمره ــ ۲۷۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ اوت ۱۹۱۲ [یکم شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۱ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ اوت شما ــ فروش جواهرات ــ برای همکار روسی من تعلیمی نرسیده. خزانه‌دار کل یقین دارد که دولت ایران قصد فروش جواهرات دولتی را ندارند و گمان می‌کند که چنین پیشنهادی نخواهند کرد. خود او فروش بعضی از جواهرات غیر مهم و بی‌فایده را تصویب نموده ولی به انجام این کار موفق نشده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۷۹

تلگراف مس والتر تنلی به مس ادوارد گری

طهران ۲۵ اوت ۱۹۱۲ [۲ شهریور ۱۲۹۱: ۱۲ رمضان ۱۳۳۰]

کرمانشاه و سالارالدوله

تلگراف‌ذیل در تاریخ ۲۲ اوت از قنسول‌اعلیحضرتی مقیم‌کرمانشاه واصل‌شده‌است:

در ۱۹ اوت، یارمحمدخان و مسیب‌اقلی‌خان به کرمانشاه وارد گردیدند و حکمران را در یك‌منزلی سنندج ولکرده بودند و به همراه آنها ۳۰۰ نفر از مجاهدین مسلمان بودند و خود را طرفدار سالارالدوله می‌دانند که وعده می‌دهد پارلمان را در مرکز منعقد دارد. همراهان سابق سالارالدوله به اینها ملحق شده‌اند.

نظم در شهر برقرار است.

از اطلاعات دیگری که در دست دارم، ظاهر نمی‌گردد که آیا مجاهدین فوق‌الذکر خود را طرفدار سالارالدوله اعلان نموده یا آنکه به طهران تلگراف نموده و تغییر حکومت و انعقاد مجلس را تقاضا نموده‌اند، لیکن در هر صورت ظاهراً شهر کرمانشاه در ید تصرف آنها است.

نمره ـ ۲۸۰

مکتوب مس والتر تنلی به مس ادوارد گری

طهران ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم اینك صورت خلاصهٔ وقایع ماهیانهٔ ایران را برای چهار هفتهٔ گذشته به طریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۲۸۰

خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ گذشتهٔ ایران

طهران

حکومت ایالات و ولایات ـ سپهدار اعظم در ۱۸ ژویت [۲۷ تیر؛ ۳ شعبان] از طهران به طرف تبریز رهسپار گردید و پس از جزئی توقف در قزوین، از راه زنجان به صوب مقر خود حرکت نمود.

امیر مفخم بختیاری به مقام ایالت کرمان تعیین گردیده و در ۱۶ ژویت از طهران به طرف آن ایالت حرکت نمود و از راه کمره مسافرت نموده تاکنون به اصفهان نرسیده است.

---

۱) اصل: مصیب. ـ م.

سردارجنگ در ۱۹ ژوئیت از طهران حرکت نمود که رفته مشاغل خود را به مقام ایلخانیگری بختیاریها بعهده گیرد.

مخبرالسلطنه که برای فرمانفرمایی فارس انتخاب گردیده، اکنون از طهران خارج شده و ظاهراً آخرالامر قرار مدار موفقی با خزانه‌داری کل نموده است.

انتخابات اعضای مجلس ــ تازگی در مطبوعات محلی و عموم مردم هیجان مختصری مشهود گردیده، مقصودشان این است که برای مجلس جدید اعضاء انتخاب نمایند. کابینه اجلاسات مختلفی منعقد داشته‌اند که در این باب با نمایندگان اعیان و سایر طبقات مردم مذاکره نمایند ولی تاکنون تصمیمی بعمل نیامده است.

تبریز

به وصول اخبار اینکه سپهدار که تعیین وی به مقام ایالت آذربایجان ۴ ماه قبل رسماً اعلام شده بود، از طهران حرکت نموده که مشاغل خود را به عهده گیرد، شجاع‌الدوله شروع به تحریك بر ضد وی کرد و به تحریك وی، تجار آنجا تلگرافی برضد تعیین سپهدار به طهران مخابره نمودند و بازارها مسدود گردیده و در مساجد نطقهای مهیجه برضد مشروطیت ایراد شده و اسلحه و مهمات جنگی در میان مردم تقسیم نمودند که بتوانند به قوهٔ قهریه با ورود سپهدار مخالفت ورزند.

همینکه مأمورین انگلیس و روس اظهاراتی نمودند، شجاع‌الدوله دست از اقدامات خود در تحریك مردم برضد حکومت مرکزی برداشته و راضی شد به ورود سپهدار زمام امور را به او بسپارد.

سپهدار که در ۱۸ ژوئیت [۲۷ تیر؛ ۳ شعبان] از طهران حرکت نمود، تا زمانی که نمایشات برضد وی دوام داشت، در قزوین ماند ولی همینکه شنید اوضاع تبریز به‌حال عادی رجعت نمود، در غرهٔ اوت از زنجان حرکت نمود.

در عرض ژوئیت ۲،۰۰۰ نفر دیگر به قشونی که برای جنگ شاهسونها به میدان فرستاده شده بودند، از عساکر قزوین امداد رسید و عساکر جدید از روسیه وارد و به جای آنها قرار داده شد.

مشهد

اوضاع این ایالت و شهر به همان طوری است که در خلاصهٔ وقایع آخری راپورت داده شده است.

اصفهان

در عرض ماه گذشته، اوضاع شهر و حدود آن کمافی‌السابق رضایت‌بخش نبود ولی بر بی‌نظمی این ولایت افزوده شد. مخصوصاً در دور و حوالی قم که در آنجا تازگی سارقین به چندین قوافل زده‌اند.

در ۱۰ ژوئیت [۱۹ تیر؛ ۲۴ رجب] یك دسته از کهکلوئیها [=کهگیلویه‌ای‌ها] کاروانسرای مالمیر را که در راه لینچ واقع است غارت کرده آتش زدند و از قراری که راپورت داده شده، دستجات دیگر از ایل مذکور بعضی از دهات خاك بختیاری را غارت نمودند.

در ۱۹ ژویت، قریب ۱۰۰ نفر مرد و زن متعلق به یکی از ایلات محلی در ادارهٔ تلگراف هند و انگلیس در قم پناهنده شده، محض آنکه حکمران را مجبور کنند اقدامی برعلیه شخص موسوم به میرزا رضاخان که آنها را از مراتع‌شان خارج نموده بود بنماید. ایلیاتیهای مذکور هنوز در بست هستند چرا که حکمران ظاهراً چندان اقتداری بر میرزا رضا خان ندارد. حکومت مرکزی در صدد اصلاح این امر می‌باشند.

یـــزد

اگرچه غارتگری دیگری در حدود نزدیك یزد راپورت داده نشده، دستجات سارقین باز هم این ناحیه را اشغال نموده‌اند.

در دوم اوت [۱۱ امرداد؛ ۱۸ شعبان]، دستهٔ بزرگی از بهارلوها به بهرام‌آباد که در راه یزد و کرمان واقع است حمله برده و در شب دوم یا سوم اوت، دسته‌ای از ایلیاتیها به کاروانسرای اردکان که در مسافت ۴۰ میلی شمال غربی یزد واقع است حمله برده و ۲۵۰ بار مال‌التجاره را با ۷۰۰ شتر به غارت بردند.

انتظام‌الملك که از زمان هجوم بر اردستان در ماه ژون گذشته عدهٔ زیادی با خود همراه کرده بود، بنابر تعلیمات وزارت داخله به یزد مراجعت نمود که با دولت از در مصالحت درآید.

شیراز

به علت عدم توانایی نایب‌الحکومهٔ اعراب در برقرار داشتن حتی جزئی نظمی در میان طوایف جنوب مشرق فارس و بواسطهٔ اقدامات و اشغال همراهان صولت‌الدوله، قوام‌الملك مشغول جمع‌آوری قشون زیادی در شیراز گردید به قصد اینکه خود بشخصه رفته و در این ایالت انتظامات را اعاده نماید.

در اوایل اوت، قشون قوام‌الملك حاضر کارزار نبودند، ولی چون همراهان صولت‌الدوله خیلی نزدیك شیراز رسیده بودند ماژور سیفورت با یك دسته مرکب از ۸۰ نفر سواره و ۱۸۰ نفر پیادهٔ ژاندارم، به طرف چنار راهدار [که] قریب ۱۰ میلی طرف مشرق شیراز واقع است، حرکت نمود.

قصد قوام‌الملك این بود که به مجرد آنکه او قشون مکفی جمع‌آوری نمود، به وی ملحق شود.

در ۵ اوت [۱۴ امرداد؛ ۲۱ شعبان]، ماژور سیفورت بدون آنکـه منتظر ورود قشون قوام شود، برای مقابله با همراهان صولت‌الدوله حرکت نمود و شکست سختی خورده قسمت زیادی از قشون او هلاك گردیدند. ماژور سیفورت که مجروح گردید به اتفاق کاپیتان نیسترم و عدهٔ قلیلی از ژاندارمها موفق به فرار به طرف شیراز شدند.

کرمان

امیر اعظم چون بنا به امر حکومت مرکزی از مقام ایالت کرمان معزول گردید، در اواخر ژویت از آنجا حرکت نمود.

پس از حرکت وی، عدل‌السلطان فرماندهٔ عساکر، بعضی از ایلیاتیها را به شهر

آورد به عنوان اینکه عساکر خود او را در حفظ نظم شهر کمك نمایند. این ایلیاتیها شروع به غارت اهالی شهر، مخصوصاً آنهایی که در مدت این اغتشاشات مطیع و منقاد بودند، نمودند و نتیجهٔ این اقدام این شد که قریب سی نفر در قنسولخانهٔ اعلیحضرتی پناهنده شدند.

کرمانشاه

سالارالدوله بنابر اطلاعات اخیری که از طرف دولت ایران واصل گردیده، هنوز در حدود کرمانشاه است.

شاهزاده فرمانفرما چون پول برای پرداخت حقوق عساکر خود نداشت، حکومت مرکزی را اطلاع داد که اگر پول به وی نرسد، مجبور خواهد شد برای حقوق خود، عایدات گمرك را ضبط نماید وگرنه آنها متفرق گشته و شهر به دست سالارالدوله خواهد افتاد.

نمره ـ ۲۸۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۶ اوت ۱۹۱۲ [۱۵ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۲ شعبان ۱۳۳۰]

آقـا

در تلگراف ۱۲ ژویت [۲۱ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۸ شعبان ۱۳۳۰] خود، اختتام قطعی قرارداد که شرح آن را در مراسلهٔ ۱۰ ژویت خود مفصلا نوشتم، راپورت دادم که به موجب آن قـرارداد، سردارجنگ بـه ایلخانیگری کـل طوایف بختیاری و حکومت کهکلوئیها [=کهگیلویه‌ای‌ها] و بهبهان به مدت پنج سال تعیین گردیده است.

اکنون افتخار دارم ترجمهٔ مراسله‌ای را که سردار جنگ بـه من نوشته و سواد قرارداد مذکور را که مورخهٔ ۱۰ ژویت است، لف آن فرستاده ایفاد دارم. این نوشته که ترجمهٔ آن در جوف است، (ملفوف نمرهٔ ۲) بر شما معلوم خواهد نمود که خوانین ظاهراً مصمم گردیده‌اند که اقدام سختی برای اعادهٔ انتظامات در خاك خود و برقراری امنیت در راه اصفهان الی اهواز بنمایند.

بنابر مادهٔ پنجم، تمام عایداتی را که خوانین عموماً وصول می‌کنند به انضمام تمام وجوهاتی که بایستی کمپانی نفت انگلیس و ایران بپردازند، بایستی ایلخانی جدید و شریك او مرتضی‌قلیخان وصول نموده و برای مصارف داخلهٔ بختیاری از قبیل قراول راه و معادن نفت و تعمیر پلها و ترقی راههای قافله‌رو، به مصرف برسانند.

ملفوف‌های نمرهٔ ۳ و ۴ راجع به قرضهٔ ۴۵،۰۰۰ تومان (۹،۰۰۰ لیرا) با منافع سالیانهٔ صدی هفت است که در مقابل سهامی که خوانین کمپانی نفت بختیاری در دست دارند بانك شاهنشاهی ایران برای تسهیل امورات سردار جنگ، به خوانین داده است.

من بعلاوه، سواد جوابی که بـه سردار اسعد نوشته‌ام (ملفوف نمرهٔ ۵) و سواد مکتوبی که به سردار جنگ نوشته و از تعیین او تبریك گفته‌ام (ملفوف نمرهٔ ۶) و نیز

سواد مکتوب ۱۳ ژویت را که به کاپیتان گری نوشته (ملفوف نمرهٔ ۷) و او را از ترتیباتی که داده شده مطلع ساخته و دستورالعمل دادهام که به همراهی ایلخانی جدید در موقعیکه از اصفهان حرکت میکند برود، ایفاد میدارم.

بنابر خواهش سردار جنگ، بعد از آن با کلنل دوگلاس که فرماندهٔ دستهٔ عساکر هندی ساخلوی شیراز و اصفهان بود، قرار دادم که چهارده نفر با یك نفر صاحبمنصب از دستهٔ عساکر اصفهان به شش سوار مستحفظ کاپیتان گری اضافه شود که عدهٔ مستحفظین او، روی هم رفته به بیست و یك نفر برسد. اضافه کردن این عده به مستحفظین کاپیتان گری، بطور موقت و تا مدتی خواهد بود که در چهارمحل [=چهارمحال] اقامت دارد و همینکه از نزد سردار جنگ حرکت کند، به اصفهان مراجعت خواهند کرد.

به این وسیله به خوانین جزو که مایل به فراهم آوردن اسباب مزاحمت هستند، بخوبی واضح خواهد شد که سفارت دولت اعلیحضرتی از سردار جنگ تقویت معنوی مینمایند و امیدوارم که ایلخانی جدید به این طریق قادر خواهد شد که مقام خود را قوت داده و خود را مقتدر سازد.

اما در باب مناسبات بختیاریها با شیخ محمره که در طی مراسلهٔ سردار اسعد و جواب من بدان اشاره رفته و آن را اخیراً موضوع مخابرات زیاد تلگرافی بین خود و قنسول مقیم اعلیحضرتی در بوشهر قرار دادهام، فعلا شاید لازم نباشد به شما تصدیع داده و شرح مبسوطی از مشاجرات مذکور و شکل حالیهٔ آن بنگارم. فعلا بین این دو طرف مسائل بسیار مطرح مذاکره است و چنانچه سابقاً راپورت دادهام با موافقت شما در نظر دارم مأمورین قنسولخانهٔ محمره و اهواز اعلیحضرتی را تعلیم بدهم که در این امر حکمیت اختیار کنند.

تعیین سردار جنگ مرا وادار به امیدوار شدن به این مسأله میکند که نباید بیم داشت از اینکه گرفتاریهای تازه بین شیخ و بختیاریها بظهور رسد و فیصلهٔ این قبیل اختلافاتی که تاکنون به ظهور رسیده، تسهیل خواهد شد.

اگر چنانچه [=چنانکه] با دلیل امیدوارم، ترتیب حالیه منتج به اعادهٔ نظم و امنیت در راه اصفهان الی اهواز شود، وقتی که برای این کار به مصرف رسیده و زحماتی که تحمل شده، بیهوده و مهمل نبوده است.

حالا که میخواهم این مکتوب را بفرستم، تلگرافی از سردار جنگ برای من رسیده، ورود خود را خبر داده و اظهار میدارد در نظر دارد به همین زودیها به طرف خاك بختیاری حرکت کند و با وجود آنکه عدهٔ سواری را که حکومت مرکزی به او وعده دادهاند، نفرستادهاند، اعتماد کامل به موفقیت خود دارد.

چنانچه سابقاً بوسیلهٔ تلگراف سردار جنگ را اطلاع دادهام، اشکالات نقدی حالیهٔ دولت، آنها را از انجام مواعید خود مانع گردیده است. حقوقهای عقبافتادهٔ کسانی را که سردار جنگ خواسته است آنقدر زیاد است که فرستادن حتی پنجاه نفر آنها مستلزم اخذ وجه معتنابهی از عایدات خزانه است چرا که این اشخاص تا زمانی که

حقوق عقب‌افتاده‌شان بالتمامه پرداخته نشود، حرکت نخواهد کرد.
(امضاء) والتر تنلی

ملفوف یك نمرهٔ ۲۸۱

ترجمهٔ مکتوب سردار اسعد به سر والتر تنلی
۱۰ ژویت ۱۹۱۲ [۱۹ امرداد ۱۲۹۱: ۲۶ شعبان ۱۳۳۰)
جناب اجل
مراسلات ۲۶ مه [۵ خرداد؛ ۸ ج ۲] و ۲۷ ژون [۶ تیر؛ ۱۱ رجب] جناب‌عالی را در خصوص امنیت خـاك بختیاری و اختلافات بین خـوانین بختیاری و شیخ محمره، مفتخراً وصول نمودم.
چنانچه جناب‌عالی آگاه هستید، من حتی‌المقدور در راه حصول امنیت راه بختیاری کوشیده و حالیه که اساس این امنیت تا اندازه‌ای متزلزل گردیده، اقدامات قطعیه به عمل آورده‌ام.
به سردار جنگ و مرتضی قلی‌خان اقتدار تامه و اختیارات‌لازمه داده‌شده و استقرار انتظامات خاك بختیاری و راه اهواز به عهدهٔ اینان سپرده شده است. ایشان یکی دو روز دیگر حرکت نموده و پس از ورود خود به خاك بختیاری، علل و اسباب اضطراب بکلی رفع خواهد گردید.
اینك سواد قراردادی را که برای نیل به این مقاصد بعمل آمده لفاً ایفاد [می]دارم.
در باب کدورت بین شیخ محمره و خوانین، میل من این است که اختلافات فیمابین مرتفع گردیده و دوستی در عوض برقرار گردد، لیکن برای نیل به این مقصود، بعضی اقدامات از طرف شیخ لازم می‌باشد و این کار باید به التفات شما به انجام برسد.
شرایطی را که خوانین پیشنهاد می‌کنند بقرار ذیل است:
۱) شیخ باید از عهدهٔ غرامت تمام خساراتی که به اموال خوانین و ایل بختیاری وارد آورده، برآید.
۲) بهای خون اشخاصی را که مقتول داشته‌اند، باید تأدیه نمایند.
۳) شیخ نباید در عمل شوشتر و **دزفول** مداخله نماید و تمام شوشتریها و بستگان خوانین را که محبوس نموده‌اند، باید **آزاد** نموده و غرامت خسارات وارده بر آنها را باید بدهند.
هرگاه شیخ شرایط فوق را به انجام رساند، می‌توانم شما را مطمئن سازم که کدورت مرتفع گردیده و می‌توانم بین او و خوانین طرح دوستی نمایم بطوری‌که در آتیه، فیمابین اشکالاتی به ظهور نرسد.
(امضاء) علیقلی بختیاری

www.adabestanekave.com

ملفوف دوم نمرهٔ ۲۸۱

ترجمهٔ قراردادی که به سردار جنگ داده شده است

مورخهٔ ۱۰ ژویت ۱۹۱۲ [۱۹ امرداد ۱۲۹۱: ۲۶ شعبان ۱۳۳۰]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ما امضاءکنندگان این ورقه، امروز که ۲۴ شهر رجب ۱۳۳۰ هجری [۱۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۰ ژوئیهٔ ۱۹۱۲] می‌باشد، برحسب امر دولت علیه و خانوادهٔ خود، سردار جنگ را به حکومت کل بختیاری و چهارمحال و کهکلوئیه [=کهگیلویه] و بهبهان از هذه‌السنه سیچقان ئیل[1] تا آخر سنهٔ لوی ئیل[2] که ۵ سال تمام می‌شود، تعیین می‌نماییم و جناب ایشان در نهایت استقلال و در کمال اقتدار و با اختیارات تامه، ایلخانی بالاستقلال ایل بختیاری بوده و شرایط مواد ذیل را به انجام خواهند رسانید:

مادهٔ اول: چنانچه فوقاً ذکر شد، جناب ایشان تا پنج سال تمام ایلخانی بالاستقلال و بااقتدار بوده معزول نخواهند شد. در مدت این ۵ سال، یکی از پسران یا انساب ایلخانی‌مرحوم، همیشه به مقام ایل‌بگی‌گری، با ایشان شراکت خواهد داشت و در منافع یا خسارات شریك خواهد بود. این شخص حالیه مرتضی‌قلی‌خان خواهد بود و تا زمانی که سردار جنگ از او راضی است، با او بوده و حفظ انتظامات خواهد کرد و هر وقتی که سردار جنگ از او دلتنگ شود و دیگر نخواهد که مرتضی‌قلی‌خان با او باشد، حق خواهد داشت که مرتضی‌قلی‌خان را تغییر داده و یکی دیگر از پسران (یا انساب) ایلخانی مرحوم را به جای وی منصوب دارد که در عوض مرتضی‌قلی‌خان شرکت نماید و هیچ کس حق اعتراض نخواهد داشت.

مادهٔ دوم: سردار جنگ و مرتضی‌قلی‌خان بر خوانین جزو که پسران یا انساب جعفرقلی‌خان باشند، اختیارات تامه دارند و در صورتی‌که بخواهند آنها را در بختیاری و چهارمحال[3] نگاه خواهندداشت و می‌توانند‌در صورتی‌که لازم بدانند، آنها را از آنجا خارج نمایند. دولت و خود ما با آنها در این کار تقویت کامل خواهیم نمود. هرگاه هریك از پسران (یا انساب) جعفرقلی‌خان مرحوم، سر از اطاعت پیچیده یا بنای یاغیگری گذارد، آنها (ایلخانی و ایل‌بگی) حق تنبیه آنها را بطور سخت و با قوهٔ ایلی خواهند داشت و در صورتی‌که کار سخت شود یا اینکه به آن شخص نامطیع یا بستگانش خسارتی از بابت مال یا جان وارد شود، هیچ یك از اعضاء خانواده حق شکایت نخواهد داشت.

مادهٔ سوم: برای استقرار نظم در خاك بختیاری و چهارمحال، سردار[4]جنگ و مرتضی‌قلی‌خان، مجاز و مختار هستند که هرگونه اوامری بخواهند صادر نموده یا

---

۱) سال موش. سال اول از دورهٔ دوازده‌گانهٔ سالهای گاهشمار ترکی. ـ م.

۲) سال نهنگ. سال پنجم از دورهٔ دوازده‌گانهٔ سالهای گاهشمار ترکی. ـ م.

۳) اصل: چهارمحل. ـ م.

٤) اصل: به سردار. ـ م.

هرگونه تنبیهی یا جریمه‌ای در حق خوانین جزو و رؤساء و بختیاریها مجری و معمول دارند و به همچنین، آنها مجاز و مختار می‌باشند هرکه را معزول یا منصوب نموده و برای هر کسی حقوق تعیین نموده یا آن را قطع نمایند. تمام اوامری که در مدت این ۵ سال صادر نمایند، صحیح و همیشه مجری و ممضی است و نسخ نخواهد شد.

مادهٔ چهارم: سردار جنگ و شریك وی هرساله تمام عایدات بختیاری و چهارمحال و گله‌داری فریدن و چهارمحال و وجوهات برای حفظ کمپانی نفت و باجهای پل را وصول نموده و وجوهات مذکوره را برای مخارج داخلی بختیاری از قبیل خرج قراولان راه و معادن نفت و تعمیر پلها و ترقی راه قافله‌رو به مصرف رسانند و هیچ یك از اعضای فامیل به هیچ وجه حق مداخله یا مطالبهٔ سهمی نخواهد داشت.

مادهٔ پنجم: در خصوص مالیات بختیاری و چهارمحال اینطور مقرر می‌شود که سردار جنگ و مرتضی قلی‌خان هر ساله حقوق دولتی و وظایف فامیل (بختیاری) را به انضمام حقوق سوارهای سردار اشجع و سردار بهادر که به طریق معمول همیشگی دولت آنرا می‌پرداخته، بپردازند و اگر مبلغ کمی باقی بماند، باید بـه سوارهای مخصوص بختیاری داده شود و اگر دولت باقی‌ماندهٔ مالیات بختیاری را ادعا کنند، فامیل مسؤول آن خواهند بود و سردار جنگ و مرتضی‌قلی‌خان مسؤول آن نخواهند بود.

طلب حالیهٔ ادارهٔ لینچ را سردار جنگ و مرتضی‌قلی‌خان هر ساله بر طبق اقساط معینه خواهند پرداخت.

مادهٔ ششم: در باب ۸۰۰۰ لیرائی که از بابت اسهام از بانك شاهنشاهی قرض شده و ما آن را به سردارجنگ و مرتضی‌قلی‌خان داده‌ایم، هر ساله باید مبلغ دو هزار لیرا به بانك مذکور بپردازند و پرداخت مذکور از آخر سال اودئیل[1] شروع شده و تا آخر سال لوی ئیل[2] که چهار سال تمام می‌شود، به انتهاء خواهد رسید و در این مدت، حکومت بختیاری به دست سردار جنگ و مرتضی‌قلی‌خان خواهد بود. به این طریق، تمام مبلغ ۸،۰۰۰ لیرا به انضمام منافع آن، در ظرف چهار سال مذکور باید پرداخته شود و اگر اتفاقاً یکی از این دو نفر خدا نکرده مرحوم شود، فامیلهای آنها، باید متعهد پرداخت بقیهٔ وجه لیرا بشوند و اگر اتفاقاً در ظرف این چهار سال که باید سالی ۲،۰۰۰ لیرا با منافع بپردازند، سردار جنگ و مرتضی‌قلی‌خـان دست از کار کشیده یا معزول شوند، باید از سنهٔ اودئیل که ۲،۰۰۰ لیرا با منافع باید پرداخته شود، تا همان سالی که مالیات و عایدات دیگر بختیاری را وصول نمودند وجه مذکور را بپردازند و از وقتی که دیگر مالیات و عایدات مذکور را وصول ننمودنـد، دیگر مسؤولیتی بر عهده نداشته و کسانی که وصول مالیات و سایر عایدات بختیاری و چهارمحال و پل و گله‌داری و عایدات معادن نفت را وصول می‌نمایند، باید از عهده

---

۱) سال گاو. سال دویم از دورهٔ دوازده‌گانهٔ سالهای گاهشمار ترکی. ـ م.
۲) سال نهنگ (نك صفحهٔ ۱۸۹۱). ـ م.

برآیند.

مادهٔ هفتم: درباب مالیات هـذه‌السنهٔ سیچقان ئیل (۱۳ـ۱۹۱۲) بختیاری و باج پلها و گله‌داری چهارمحال و فریدن که خوانین فامیل آنها را وصول می‌نموده‌اند، هریك از اعضای فامیل مسؤول مبلغی خواهد بود که وصول می‌کند و باید آن را به سردارجنگ و مرتضی‌قلی‌خان تسلیم نمایند. اگر در پرداخت وجوهات مذکور از طرف آنها اشکالی به ظهور رسد، سردار جنگ و مرتضی‌قلی‌خان حق دارند وجوهات مذکوره را از املاك آنها اخذ نمایند.

مادهٔ هشتم: و نیز مقرر است که هر عده سوار از ۲۰۰ نفر الی ۲،۰۰۰ نفر که لازم باشد، سردار جنگ و مرتضی‌قلی‌خان یا هرکه با سردار جنگ شرکت داشته باشد، تهیه نموده بفرستند به شرط آنکه قبل از حرکت، به هریك از آنها، مبلغ ۱۵ تومان، برای هر عده که لازم باشد، به سردارجنگ و مرتضی‌قلی‌خان داده شود که آنها را به طهران برسانند.

هریك از خوانین فامیل که به حکومتی تعیین گردد، بایستی برای هر عده سواری که می‌خواهد سردارجنگ و مرتضی‌قلی‌خان بفرستند، مبلغ پانزده تومان بپردازد و آنها خواهند فرستاد.

مرقومات و مسطورات این نوشته نقض نخواهد شد.

نجفقلی بختیاری صمصام‌السلطنه
علیقلی‌خان بختیاری سردار اسعد
غلامحسین بختیاری سردار محتشم
لطفعلـی بختیاری امیـر مفخـم

ملفوف سوم نمرهٔ ۲۸۱

ترجمهٔ قرارداد

نظر به اینکه بانك شاهنشاهی ایران مبلغ ۴۵،۰۰۰ تومان به مدت ۵ سال به ما قرض داده‌اند، ما امضاءکنندگان این قرارداد خود را منفرداً و مجتمعاً مسؤول استرداد مبلغ مزبور به انضمام منافع از قرار سالیانه صدی هفت می‌دانیم. پرداخت اصل وجه و منافع آن، به طریق ذیل خواهد بود:

	تومان	جمع تومان
نوروز ۱۳۳۱		
اصل	هیچ	
فرع	۲۴،۶۷۵ و پنج قران	۲۴،۶۷۵ و پنج قران
۲۱ سپتامبر ۱۹۱۳		
اصل	۹،۰۰۰	
فرع	۱،۵۷۵	۱۰،۵۷۵

۲۱ مارس ۱۹۱۴		
اصل	هیچ	
فرع	۱،۲۶۰	۱،۲۶۰
۲۱ سپتامبر ۱۹۱۴		
اصل	۹،۰۰۰	
فرع	۱،۲۶۰	۱۰،۲۶۰
۲۱ مارس ۱۹۱۵		
اصل	هیچ	
فرع	۹۴۵	۹۴۵
۲۱ سپتامبر ۱۹۱۵		
اصل	۹،۰۰۰	
فرع	۹۴۵	۹،۹۴۵
۲۱ مارس ۱۹۱۶		
اصل	هیچ	
فرع	۶۳۰	۶۳۰
۲۱ سپتامبر ۱۹۱۶		
اصل	۹،۰۰۰	
فرع	۶۳۰	۹،۶۳۰
۲۱ مارس ۱۹۱۷		
اصل	هیچ	
فرع	۳۱۵	۳۱۵
۲۱ سپتامبر ۱۹۱۷		
اصل	۹،۰۰۰	
فرع	۶۳۰	۹،۶۳۰

نوروز ۱۳۳۱ (۲۱ مارس ۱۹۱۳)

ملفوف چهارم نمرهٔ ۲۸۱

قرارداد

ما صاحبان امضای این ورقه متعهد می‌شویم که بطور صحیح اسهام ذیل را که عبارت از ۱۱،۶۷۰ سهم معدن نفت بختیاری و ۱۵،۵۴۰ سهم کمپانی نفت باشد، به بانك شاهنشاهی ایران برای تأمین قرضه‌ای کـه بانك مذکـور به مـا خواهند داد و سند علیحده‌ای در تحت مسؤولیت ما منفرداً و مجتمعاً برای آن نوشته شده، منتقل نماییم.

و نیز کمپانی نفت انگلیس و ایران را مجاز می‌داریم که اسهام فوق‌الذکر را به بانك شاهنشاهی ایران تسلیم نمایند و مقرر است که پس از استرداد کل وجوهات

قرضهٔ مذکور، بانك شاهنشاهی اسهام مزبور را به ما مسترد نمایند.

(مهر) علیقلی بختیاری سردار اسعد
(مهر) غلامحسین بختیاری سردار محتشم
(مهر) نصیر بختیاری سردار جنگ
(مهر) نجفقلی

شهر رجب ۱۳۳۰ (۱۳ ژویت ۱۹۱۲) [۲۲ تیر ۱۲۹۱]

ملفوف پنجم نمرهٔ ۲۸۱

مکتوب سر والتر تنلی به سردار اسعد

طهران ۱۹ ژویت ۱۹۱۲ [۲۸ تیر ۱۲۹۱؛ ۴ شعبان ۱۳۳۰]

جنابا

مراسلهٔ شریف مورخهٔ ۱۰ ژویت جناب‌عالی[1] که حاوی سواد قرارداد با سردار جنگ که بموجب آن با اختیارات تامه به ایلخانیگری کل بختیاری تعیین شده، واصل‌گردید.

من دولت متبوعهٔ خود را از اتمام این قرارداد مستحضر ساخته و یقین دارم که این مسأله خیلی اسباب رضایت ایشان شده است که خوانین بختیاری اقدام مجدانه برای استقرار انتظامات خاك بختیاری و راه اهواز نموده و می‌نمایند.

مأمورین قنسولخانهٔ اعلیحضرتی به سردار جنگ تقویت کامل خواهند نمود که مشاغل مهمهٔ خود را به انجام برساند و من از صمیم قلب امیدوارم که موفقیت حاصل نماید و باید شما را برای اتمام این ترتیب رضایت‌بخش تبریك بگویم.

در باب شیخ محمره، خیلی خوشوقتم از اینکه شما مایل به حفظ مناسبات دوستانه و صمیمی با وی می‌باشید و تکراراً عرض می‌کنم که استقرار صلح و مسالمت بین بختیاریها و شیخ، نهایت درجه اهمیت دارد.

از دولت متبوعهٔ خود درخواست اجازه نموده‌ام که دو نفر از مأمورین قنسولخانهٔ جنوبی اعلیحضرتی را مأمور کنیم برای رفع اختلافات بین بختیاریها و شیخ حکمیت نمایند و هر وقتی که اجازهٔ لازمه به من رسید، از سردار جنگ درخواست خواهم‌نمود نمایندهٔ خود را معرفی نماید و از شیخ هم خواهش کند نمایندهٔ خود را معرفی نماید.

کمیسیون تحقیق مذکور در تمام مسائلی که فعلا موضوع منازعه است، به انضمام مسائلی که در کاغذ خود مرقوم داشته‌اید، تحقیقات به عمل آورده و امیدوارم فیصلهٔ قطعی بعمل آید که دیگر در آتیه اشکالی به ظهور نرسد.

(امضاء) والتر تنلی

www.adabestanekave.com

---

۱) اصل: جنابعالی را. ـ م.

ملفوف ششم نمرهٔ ۲۸۱

مکتوب سر والتر تنلی به سردار جنگ

از طرف حضرت سردار اسعد سواد قراردادی که به امضای صمصام‌السلطنه و سردار اسعد و امیر مفخم و سردار محتشم رسیده و شما را به حکومت کل بختیاری و چهارمحال و کهکلوئیه [کهگیلویه] و بهبهان تا مدت ۵ سال تعیین نموده‌اند، برای من فرستاده شده [است].

بسیار خوشوقتم از اینکه شما مستقلاً و در نهایت اقتدار و با اختیارات تامه، ایلخانی مستقل ایل بختیاری بوده و ۸ مواد قراردادی‌که برای من فرستاده شده، اقتدار اختیارات تامه‌ای که ممکن است به شما می‌دهد.

این نوشته‌ای که ترجمهٔ آن را برای دولت اعلیحضرتی می‌فرستم، به دولت ما ثابت خواهد کرد که رؤسای حاکمهٔ ایل بختیاری مصمم استقرار امنیت و صلح و نظم در خاك بختیاری و حدود آن بوده‌اند و یقین دارم بسیار اسباب رضایت آنها خواهد گردید.

از آنجایی که به کفایت و امانت و جرئت و پشتکار شما اعتماد دارم، در صورتی‌که کسانی که وظیفه‌شان تقویت شما است، به شما همراهی کنند، برای شما اشکالی نخواهد داشت که خاك بختیاری و راه اهواز را که برای تجارت انگلیس آنقدر ذی‌منفعت است، منظم دارید.

مأمورین قنسولخانهٔ اعلیحضرتی شما را تقویت کامل خواهند نمود و هرگاه محتاج به کمك من باشید، من حتی‌المقدور به شما کمك خواهم کرد.

امیدوارم به سلامتی رفته و در کار خود موفق شوید.

طهران ۱۳ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۲ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۷ رجب ۱۳۳۰]

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف هفتم نمرهٔ ۲۸۱

مکتوب سر والتر تنلی به کاپیتان کری

طهران ۱۳ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۲ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۷ رجب ۱۳۳۰]

آقا

در موقعی که اخیراً به طهران آمدید، به خوانین بختیاری فشار آورده شد که اقدامات فوری برای انتظام خاك خود و مخصوصاً اعادهٔ وسایل امنیت راه بختیاری بعمل آورند.

چنانچه به‌خاطر داشته باشید، خوانین ما را اطلاع دادند که درصدد این هستند این کار را به عهدهٔ نصیرخان سردار جنگ واگذار نمایند ولی برای انجام این مقصود، برای او لازم خواهد بود که مبلغ ۴۰،۰۰۰ تومان در مقابل رهن باج راه قرض کند.

کمی پس از حرکت شما، از طرف خوانین پیشنهاد تعیین لطفعلی‌خان‌امیرمفخم برای ایالت کرمان و بلوچستان اعلام شد. من به آنها رسانیدم که در صورتی‌که خوانین

داخلهٔ خاك خود را نتوانند منظم بدارند، واضح است که من به هیچ وجه نمی‌توانم پیشنهاد آنها را بپذیرم.

آنها سپس حاضرشدند که اسهام کمپانی‌نفت‌بختیاری و کمپانی فرست‌اکپلایتی‌شن[1] را برای تحصیل قرضه رهن گذارند که وجه آن برای تسهیل مأموریت سردار جنگ به مصرف برسد.

ترتیب این کار فعلا داده شده و از سواد دوسیهٔ مذکور، شرایطی[2] که در تحت آن، خوانین ۴۵،۰۰۰ تومان از بانك شاهنشاهی قرض نموده‌اند، معلوم خواهد شد.

من بعلاوه سواد اصل و ترجمهٔ نوشتهٔ مذکور را که خوانین امضاء نموده و سردار جنگ را به مقام ایلخانی‌گری و مرتضی‌قلی‌خان را به‌سمت ایل‌بگی‌گری با اختیارات تامه تعیین نموده‌اند، لفاً ایفاد می‌دارم.

من به سردار جنگ نوشته‌ام که از تعیین وی بسیار خوشوقت گردیده و موفقیت او را خواهانم و برای اطلاع شما، سواد مراسلهٔ مذکور را لفاً ایفاد می‌دارم.

اینطور مقرر شده است که شما باید در موقعی که سردار جنگ از اصفهان حرکت می‌کند، همراه او به خاك بختیاری رفته و در ابتدای کار، در موقع قرار و مدار خوانین جزو که از قراری که فهمیده‌ام، فعلا آنجاها نیستند، همراهی نمایید.

شما اجازه دارید که اهمیت فوق‌العادهٔ همراهی با سردار جنگ را به آنها تأکید نموده و در صورتی‌که لازم باشد، آنها را تهدید نمایید که اگر کاری کنند که مانع از اجرای وظایف ایلخانی و ایل‌بگی جدید شود، دولت اعلیحضرتی دلتنگ خواهندشد.

امیدوارم شما بتوانید بدون اشکال به مقصود خود نائل گردیده و مأموریت سردار جنگ موفقیت کامل حاصل خواهد کرد.

شما خواهید دانست که اسهام خوانین بختیاری باید به بانك شاهنشاهی تسلیم‌شود و از شما خواهش می‌کنم که این کار را در موقع خود به انجام برسانید.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۲۸۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]

آقـا

در باب تلگراف دیـروز من، افتخار دارم اینك سه تلگرافی که از طـرف کفیل قنسولگری شیراز برای من فرستاده شده و از کم و کیف اتفاقاتی که منجر به‌شکست قشون ژاندارمری تحت امر ماژور سیفورت و کاپیتان نیسترم در پنجم ماه جاری از طرف ۵۰۰ نفر قشون غیرمنظم تحت امر صولت‌الدوله گردید، لفاً ایفاد دارم.

---

۱) چنین است در اصل (=اکسپلایتی‌شن). ـ م.

۲) اصل: شرایطی را. ـ م.

(صولت‌الدوله موفق به جمع‌آوری دستهٔ کوچك قشون دور خود شده و مقامی را در سیاخ اشغال نموده و از آنجا بر عبور و مرور قوافل راه شیراز الی بوشهر استیلاء دارد).

من دیروز در باب اوضاع شیراز مفصلاً با وزیر امور خارجه مذاکره نموده و به جناب ایشان تاکید نمودم لزوم این [را] که به فوریت مبلغ ۲۵،۰۰۰ تومان برای قوام‌الملك برای مخارج صرف‌نظرنشدنی که برای اعزام قشون برضد صولت‌الدوله لازم شده است، فرستاده شود؛ و اظهار داشتم که محتمل است بواسطهٔ مظفریتی که برای ژاندارمری تحت امر صاحبمنصبان سوئدی یافته، بر عدهٔ قشون وی افزوده شود.

علاءالسلطنه وعده داده که فوق‌العاده سعی برای‌تحصیل مبلغی‌پول خواهدکرد ولی با عدم امیدواری شانه‌های خود را جنبانیده و اظهار داشت که برای آنکه وجوهات برای کرمانشاه فرستاده شود، از هرجا ممکن بوده است پول جمع‌آوری شده و دیگر جایی باقی نمانده است و خزانه هم خالی است.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمرهٔ ۲۸۲

تلگراف اسمارت کفیل قنسولگری شیراز

شیراز ۴ اوت ۱۹۱۲ [۱۳ امرداد ۱۲۹۱: ۲۰ شعبان ۱۳۳۰]

صولت‌الدوله از غیاب قشقائیها در جنوب استفاده نموده با ۵۰۰ نفر که اکثر ایشان از غارتگران غیرقشقائی هستند، در تحت امر برادرزن خود درهٔ شیراز را تهدید نموده است و خود او همراه آنها نیست.

غارتگرانی که از طرف قِجه به جلو می‌آمدند، دیرنجان را از رئیس کشکولیها که با ۵۰ نفر به یك شب جنگ کرد و بعد عقب‌نشست، گرفتند. دیروز هم در راه بوشهر نزدیك چنار راهدار هجوم آوردند لیکن قوافلی که تهدید شده بودند، توانستند سالماً به منزل برسند ولی قشقائیهای گله‌زن که خوشبختانه اتفاقاً در آن حدود بودند، از خصم جلوگیری نمودند.

قوام‌الملك، کدخدای دشت ارمن[1] را امر داده است که قوافلی را که بطرف بالا می‌آیند، نگاه دارد و قوافلی را که از شیراز حرکت می‌کنند تا چند روزی نگاه خواهد داشت.

خصم فعلا سیاخ را در تصرف دارند و این محل روبروی اولین منزل راه بوشهر است.

قوام‌الملك تفنگچیان عرب را احضار کرده است، استعداد قشقائی هم وارد شده و می‌شود. این قشون همینکه جمع شدند، بطرف سیاخ خواهند رفت.

ماژور سیفورت با ۲۰۰ نفر ژاندارم، امروز حرکت می‌کند که چنار راهدار را

---

۱) چنین است در اصل. [دشت ارژن؟] ـ م.

اشغال نماید و هنوز تصمیم ننموده است که با قشون دولت بطرف سیاخ خواهد رفت یا نه و حرکت قوام‌الملك بطرف اعراب، بدبختانه به عهدهٔ تعویق افتاده است.

مأمورین محلی، پول با فشنگ خیلی کم دارند و سربازها برای حقوق خود داد و فریاد می‌زنند و مدتی است در تلگرافخانهٔ ایرانی بست اختیار نموده‌اند و تهدید به ورود به قنسولخانه می‌کنند. قوام‌الملك از آنها جلوگیری می‌کند لیکن در ۳۱ ژویت [۹ امرداد: ۱۶ شعبان] سر از اطاعت پیچیده و یك‌یك از شهر بـدر رفته و عقب قنسولخانه اجتماع نمودند به قصد آنکه به زور داخل شده، بست اختیار نمایند.

من صاحبمنصبان آنها را تهدید نموده و فقط به این وسیله موفق به متفرق‌ساختن آنها شدم و اظهار داشتم که اگر سربازها داخل شوند، مستحفظین ما شلیك خواهند کرد و وعده دادم که شخصاً بطور غیررسمی برای گشایش کار آنها نفوذ خود را بکار خواهم برد.

از آن می‌ترسم که این مالیات جزئی هم که وصول می‌شود، بایستی به سربازها داد[1] که آنها را ساکت نگاه دارد.

کمال لزوم را دارد که دستهٔ قشونی برای متفرق‌ساختن غارتگرن و تصرف‌فیروزآباد فرستاده شود و برای این کار قدری کمك مالی لازم است وگرنه قوام‌الملك یحتمل فقط بتواند آنها را از سیاخ متفرق نماید که به خواجه بروند و البته همینکه عساکر دولتی به علت عدم وجوهات لازمه نتوانند آنها را تعاقب کنند، دوباره از آنجا مراجعت خواهند کرد.

آیا دولت ایران می‌تواند ۲۵،۰۰۰ تومان بـه مأمورین محلی بدهد کـه قشونی فرستاده و غارتگران را متفرق ساخته فیروزآباد را تصرف نمایند؟

البته ممکن است مبلغی زیاد از بابت مالیات فیروزآباد از اعراب گرفت و اقدامات برضد آنها را عقب انداخت.

اگر حالا ۲۵،۰۰۰ بمصرف برسد پس از آنکه کارها بدتر شد، ۵۰،۰۰۰ تومان باید خرج شود.

امیدوارم شما بتوانید دولت ایران را ترغیب نمایید با آن مبلغ مأمورین محلی را کمك نمایند و البته بدون آن مبلغ کاری از پیش نخواهند برد.

ملفوف دوم نمرهٔ ۲۸۲

تلگراف کفیل قنسولگری اسمارت به سر والتر تنلی

شیراز ۵ اوت ۱۹۱۲ [۱۴ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۱ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز من:

قوام‌الملك همین حالا برای من پیغام فرستاده که ماژور سیفورت بـا ۲۰۰ نفـر ژاندارم بدون اینکه قبلا با قوام‌الملك مشورت کند، امروز صبح علی‌الطلوع برای

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

سیاخ حرکت نمود ـ ۵ نفر از سواران قوام‌الملك که همراه سیفورت فرستاده که او را در چنار راهدار کمك نمایند. از ماژور مذکور استدعا نمودند قبلا با قوام‌الملك مشورت نماید ولی او امتناع ورزید. قوام‌الملك از آن می‌ترسید که سیفورت چون با جنگ و گریز ایلیاتی آشنا نمی‌باشد. ممکن است عساکر خود را به شکست سوق داده اثر بدی برای آتیهٔ ژاندارمری و قشونکشی حالیه برضد غارتگران صولت‌الدوله داشته باشد.

تفنگچیان اعراب، امروز به شهر وارد شده و انتظار می‌رود که قشون امدادی قشقائی فردا وارد شوند. اعراب خیلی خسته هستند و مشکل است فردا بتوانند حرکت کنند.

قوام‌الملك ارائهٔ طریق می‌کند که من نفوذ خود را بکار برده و سیفورت را به اعتدال و میانه‌روی نصیحت نمایم تا آنکه قشون دولتی به عساکر او ملحق شوند.

چون مأمور نظامی نیستم. نمی‌خواهم در امور نظامی ماژور دخالتی کرده باشم که ممکن است از دخالت من متغیر شود. به علاوه اگر حقیقتاً به سیاخ رفته باشد، حالا بایستی داخل میدان جنگ باشند. بنابراین من در نظر دارم که اگر تا ظهر از طرف شما خبری برای من نرسد، به قوام‌الملك اظهار نمایم که گمان نمی‌کنم مداخله صلاح باشد.

ملفوف سوم نمرهٔ ۲۸۲

تلگراف کفیل قنسولگری، اسمارت، به سر والتر تنلی

شیراز ۶ اوت ۱۹۱۲ [۱۵ امرداد ۱۲۹۱: ۲۲ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز من:

ماژور سیفورت و کاپیتان نیسترم با ۸۰ نفر سوار و ۱۸۰ ژاندارم پیاده و یك عراده توپ، به طرف دیرنجان حرکت کرده، نزدیك آنجا با قشون صولت‌الدوله مقابل شدند. قسمت معظم ژاندارمری بدون خالی‌کردن گلوله[ای] فرار نموده، خصم آنها را احاطه نموده بدون مقاومت تسلیم شدند. بقیهٔ قشون با صاحبمنصبان سوئدی خود تا مدتی جنگیدند ولی اثری بر آن مترتب نشد و توپ را که مخزن باروتش ترکید، ول کردند.

ژاندارمها بطور عموم متفرق شده و فرار کردند و صاحبمنصبان سوئدی مجبور شدند با عدهٔ کمی مراجعت نمایند. همراهان صولت‌الدوله، سعی در دستگیری آنها نمودند لیکن آنها موفق به مراجعت به چنار راهدار شدند. اگرچه سه جای اسب سیفورت گلوله برداشت و شکم خود او هم مجروح شد، ولی زخمش مهلك نبود. عده‌ای از طرفین مقتول شدند و ظاهراً خصم تمام تفنگها را گرفته و فقط چهارده قبضه از آنها باقی مانده است.

صاحبمنصبان سوئدی دیشب مراجعت کردند و ژاندارمهای متفرق‌شده یکی‌یکی می‌آیند. از قرار معلوم آنها برای مدت حرکت در آن نقاط بی آب، آب همراه برنداشته

بودند و بیم آن می‌رود که بسیاری از مجروحین. آنجا خواهند مرد مگر آنکه خصم آنها را نجات دهد.

همراهان صولت‌الدوله در کوههای کوچکی بودند که روی آنها را سنگربندی‌نموده و ظاهراً دور ژاندارمها را که عادت به جنگ نداشته و از آن نقاط بصیرتی ندارند، با کمال سهولت محاصره نمودند. یحتمل خصم اسراء را مستخلص خواهد ساخت.

این حادثهٔ فجیعه هرقدر که ممکن است اثر بدی بر اردوکشی حالیه خواهد داشت چراکه شکست فاحش عساکر دولتی اسباب تشویق خصم شده و یاغیان جدید تولید خواهد نمود.

نمره ـ ۲۸۳

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ اوت ۱۹۱۲ [۲۶ امرداد ۱۲۹۱؛ ۴ رمضان ۱۳۳۰]

آقـا

در باب تلگراف ۲۰ ماه گذشتهٔ من، افتخار دارم اینك سواد مراسله‌ای را که از طرف قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه رسیده و راپورت حرکت عساکر دولتی را از شهر می‌دهد، لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۲۸۳

مکتوب قنسول مك‌دول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۱۶ ژویت ۱۹۱۲ [۲۵ تیر ۱۲۹۱؛ یکم شعبان ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم راپورت دهم که تمام بختیاریها و مجاهدین در ۱۲ [ژوئیه؟] بـرای بیستون حرکت کردند و فعلا در صحنه که یك‌منزلی آنجا است، می‌باشند. چیزی که اینجا باقی است، رژیمان فـدائیان همدان و قریب ۵۰۰ نفـر از سواران شخصی فرمانفرما و عساکر محلی می‌بـاشد و انتظار می‌رود بیشتر آنهایی کـه می‌مـانند، عساکر محلی باشند.

رؤسای قشونی ناراضی بودند از اینکه آنها را بیکار و متفرق در شهر نگاه دارند و شکایت داشتند از اینکه چرا در موقعی که عده‌ای از آنها می‌خواستند نزد فرمانفرما رفته و درخواست عفو از وی بنمایند، او آنها را حضور نداده و گفته بود وقت دیگر نزد او بروند و از حضور ندادن فرمانفرما استنباط می‌کنند که او به آنها نمی‌تواند اعتماد نماید.

روز ۱۴ [ژوئیه] من فرمانفرما را در قنسولگـری روس ملاقات نمودم. او به من اظهار داشت که عساکر مذکور بدون اجازهٔ او حرکت نموده‌اند و حضور ۳۰۰ نفر از مجاهدین با یك توپ ماکزیم و دو عراده توپ لازم بود چرا [که] بسیاری از

عساکر محلی طرفدار یاغیان می‌باشند و حضور دستهٔ کوچکی از عساکر قابل اعتماد از آنها جلوگیری خواهد نمود که به آنتریگهای سالارالدوله تن درندهند.

ما دو [تن] در لزوم این مسأله موافقت رأی حاصل نمودیم و در آن باب مخابراتی نموده و تلگرافات خود را توسط پستهٔ همان روز به همدان فرستادیم.

از اطلاعاتی که از آن وقت تاکنون به من رسیده، می‌خواهم اظهارات فرمانفرما را در باب اینکه عساکر مذکور بدون اجازهٔ او حرکت کردند، باور نکرده و باور داشته باشم که مقصودی در پرده دارند و عقیدهٔ من بر این است که حضور دسته‌ای از عساکر قابل اعتماد لازم باشد.

بسیاری از همراهان سالارالدوله از راههای مختلف خود را به فرمانفرما می‌رسانند که از او درخواست عفو نمایند و مراجعت آنهایی که متعلق به شهرند، اگر حکمران عساکر قابل‌اعتمادی در آنجا نمی‌داشت، ممکن بود سبب تولید آنتریگهای دیگر گردد. بعلاوه هرج و مرج در کردستان شیوع دارد.

سالارالدوله با نظر علی‌خان امرائی سردار اکرم در الیشتر [=الشتر] لرستان است و قریب ۷۰۰نفر همراه‌دارند. لکن نظرعلی با فرمانفرما اتصالا مخابره می‌نماید، و از قراری که مذکور است، سالارالدوله را در عوض حکومت لرستان تسلیم خواهد نمود ولی نمی‌توانم به این مسأله اطمینان داشته باشم و نیز می‌شنوم که سالارالدوله به فرمانفرما پیشنهاد نموده است که در صورتی‌که حکومت لرستان یا نقطهٔ دیگر ایران را به وی بدهند، مطیع دولت خواهد شد.

کسی که این اطلاع را به من داده است، یکی از پناهندگان سابق است که برای فرمانفرما پیغام آورد.

(امضاء) ملک‌دول

نمره ـ ۲۸۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ اوت ۱۹۱۲ [۲۳ امرداد ۱۲۹۱؛ یکم رمضان ۱۳۳۰]

آقـا

در باب تلگراف ۶ اوت و مراسلهٔ ۷ شهر جاری خود در موضوع لطمه‌ای که به استعداد ژاندارمری در ۵ شهر جاری، نزدیک شیراز وارد آمده، افتخار دارم اینک سوادهای مخابرات و مذاکرات تلگرافی را که بین سفارت و قنسولگری شیراز به عمل آمده، لفاً ایفاد دارم.

مذاکره[ای] هم با کلنل یالمارسن داشته‌ام و او به من اظهار داشت که نظر به آنچه تاکنون به وقوع پیوسته، تصمیم نموده است که تا اندازه‌ای نقشهٔ خود را برای محافظت راه بوشهر الی شیرازتغییر دهد و او شخصاً همیشه مخالف تـأسیس دستهٔ علیحده ژاندارمری در شیراز بوده است لیکن دولت ایـران او را مجبور نموده‌اند که برخلاف میل خود این رویه را اتخاذ نماید. الحال در نظر دارد که به عقیدهٔ اصلی

خود عطف نموده و قشون مخصوصی برای راه شیراز الی بوشهر در طهران تهیه نموده، ۳۰۰ نفر که فعلا در شیراز هستند بگذارد دورهٔ تعلیمی خود را آنجا به‌اتمام برسانند. کلنل یالمارسن امیدوار است که ۷۰۰ نفر عساکر تعلیم یافته با اسلحهٔ صحیح در بهار آتیه در راه مذکور حاضربرای خدمت داشته باشد. او بعلاوه اشعار نمود که حادثهٔ فجیعهٔ نزدیك شیراز، در حقیقت باعث تأخیر اقدامات نخواهد گردید، چرا که او، قبل از این می‌دانست که برای ژاندارمری ممکن نخواهد بود در ماه اکتوبر چنانچه انتظار می‌رفت، کنترل و محافظت راه را به عهده گیرد.

کلنل یالمارسن اگرچه از لطمه‌ای که در شیراز وارد آمده، بسیار محزون بود، از بابت کفایت آتیهٔ ژاندارمری ظاهراً امیدوار و از ترقی و پیشرفت عمومی آنها راضی بود.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمرهٔ ۲۸۴

تلگراف سر والتر تنلی به اسمارت کفیل قنسولگری

طهران ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]

من اهمیت زیاد فرستادن ۲۵،۰۰۰ تومان را به فارس، به حکومت مرکزی تأکید نمودم. وزیر امور خارجه وعده می‌دهد که برای تحصیل وجه مذکور کوشش نماید، و دولت سختی اوضاع را بخوبی درك می‌کنند. لیکن تا زمانی که شرایط قرضهٔ جدید انگلیس و روس به انجام نرسد، پول در خزانه موجود نخواهد بود وکار به جای بسیار نازکی رسیده است و عدم میل دولت ایران به قبول تقاضای دولت روس، برای امتیاز احداث خط‌آهن از جلفا به تبریز و توسعهٔ شعبه‌ای از آن تا شمال دریاچهٔ ارومیه [=اورمیه]، اسباب تأخیر اتمام عمل قرضهٔ جدید انگلیس و روس گردیده است.

برای من امکان نداشت که برحسب تلگراف ۵ اوت شما که خیلی دیر به من رسید، اقدامی بنمایم. اقدام شما در این که سعی نکردید ماژور سیفورت را از حرکت بازدارید، خیلی صحیح و به‌قاعده بود.

ملفوف دوم نمرهٔ ۲۸۴

تلگراف اسمارت کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

شیراز ۱۸ اوت ۱۹۱۲ [۲۷ امرداد ۱۲۹۱؛ ۵ رمضان ۱۳۳۰]

اوضاع عمومی

تعویق حرکت قوام‌الملك بطرف ایلات خمسه همان اثری را که انتظار می‌رفت و در قسمت آخری تلگراف ۴ [اوت] خود بدان رجوع نمودم، ظاهر ساخته است. میرزا فضل‌الله خان نایب‌الحکومهٔ خمسه تلگراف می‌کند که ماندن او در میان ایلات بیفایده است مگر آنکه قوام‌الملك تا اول رمضان بدانجا برود؛ و اعراب و باصریها و بهارلوها

به دستجات یکصد نفری در راه بطرف اصفهان و یزد و کرمان هستند و کلانتران مطیع دولت هم نمی‌توانند بیش از این، از مردان خود جلوگیری نمایند.

قوام‌الملك فعلا قریب ۱،۰۰۰ نفر از اعراب و ۴۰۰ نفر از تفنگچیان قشقائی همراه دارد و پولی ندارد که به آنها بدهد و او هنوز آنها را در تحت امر خود نگاه داشته است اگرچه البته در داخل و خارج شهر مثل قشون غیرمنظم دولت که بـرای جنگ می‌روند، مشغول دزدی می‌باشند.

قوام‌الملك با مشورت با من، احتیاطات لازمه برای حفظ خانه‌های اتباع انگلیسی که دور از قنسولخانه واقعند. نموده لیکن فعلا انتظارهیچ‌گونه خطری ندارد. تفنگچیان باصری و عرب را احضار نمود [و] انتظار دارد که تا چند روز دیگر ۴،۰۰۰ الـی ۵،۰۰۰ نفر در شهر حاضر داشته باشد. البته در ذکر عدهٔ قشون بایستی اغراق‌گویی شرقیان را مد نظر داشت، لیکن حضور عدهٔ زیادی از سارقین ایلیاتی در شهر مطبوع نمی‌باشد.

از پیغامی که عسکرخان با تلفون امروز فرستاده، ظاهراً معلوم می‌شود که ممکن است تحصیل عده‌ای دیگر از اعراب، برای قوام‌الملك اشکال داشته باشد و محتمل‌است که بواسطهٔ شکست‌خوردن ژاندارمها بر این اشکال افزوده شود.

عساکر کشکولیها و فارسی‌مدانها، در حدود خانه‌زنیان جمع می‌شوند و فعلا توجه خود را محصور به خرد کردن مقره‌های تلگراف ما مصروف داشته‌اند که[1] راه بوشهر هنوز مسدود است. سیمهای تلگراف طرف شمال هم البته روز بروز بطور منظم از کار می‌افتد.

همراهان صولت‌الدوله تاکنون بی‌کار بوده‌اند و فقط کاری که کرده‌اند به قره‌باغ که به طرف ۵ میلی شهر واقع است، هجوم آورده‌اند.

قوام‌الملك تا زمانی‌که قشونش جمع نشده برای مقابله با خصم حرکت نخواهد کرد چرا که امیدوار است که در صورتی که پول بتواند تحصیل نماید، این دفعه دیگر کار را یکسره نماید.

سربازانی که حقوقشان داده نشده بود، دیروز برای من پیغام فرستاده شکایت کردند از اینکه من در کمك آنها قصور ورزیده‌ام و مجدداً تهدید به بست اختیارنمودن کرده‌اند. عادت قنسولخانه‌ها سابقاً بر این بوده است که سربازهـای بستی را قبول بنمایند، لیکن با حضور سربازهای هندی داخل و دور قنسولخانه که زبان نمی‌دانند، من نمی‌توانم متحمل خطر قبول نمودن سربازها بشوم که ممکن است تولید نقار نموده و منجر به حوادث تأسف‌انگیز شود. بنابراین، من در نظر دارم که اگر نتوانم به طفره و تعلل، دیگر سربازها را ساکت نگاه دارم، چند نفر از صاحبمنصبان آنها را بطور نمایندگی قبول نمایم بست اختیار کنند.

---

۱) در اصل، به اندازهٔ جای سه کلمه سفید مانده است. ـ م.

نمره ـ ۲۸۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]

اردوکشی روس برای شاهسونها

تلگراف ذیل مورخهٔ ۲۶ اوت از طرف کفیل قنسولگری انگلیس مقیم تبریز رسیده است:

در ۲۳ اوت قریب ۷۰ نفر از مقتولین و مجروحین روس را از اردبیل به اینجا آوردند. اگرچه شهرت داده‌اند که روسها شاهسونها را شکست داده‌اند، شیوع دارد که شکست فاحشی خورده و مجبور به حرکت و عقب‌نشستن از اهر شده‌اند.

نمره ـ ۲۸۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۱ و ۲۳ اوت شما:

ممکن است اگر بخواهید، اقساط دیگر ۲۵،۰۰۰ لیرائی را که به حساب شما منتقل شده بدهید، به شرط آنکه وجه مذکور به مصرف ژاندارمری که فعلا در فارس هستند و یا آنکه بایستی در بهار آتیه به آنجا فرستاده شوند، برسد.

نمره ـ ۲۸۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ اوت شما ـ اوضاع مالیه ـ اگر دولت ایران از اظهارات من در پارلمان که خود را کاملا مسؤول آن دانسته و تا زمانی که اوضاع راههای جنوبی به‌حال حالیه باقی است، حاضر [بـه] تغییر آن نیستم، متغیر می‌بـاشند، بایستی پیشنهادات قطعی برای قرضه بنمایند.

نمره ـ ۲۸۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ اوت سر والتر تنلی:

ژاندارمری

چون بسیار لازم بود که در این موقع باریك نگذاریم بواسطهٔ عدم پول، فلجی عارض ژاندارمری شود، من سر والتر تنلی را اجازه داده‌ام که سهم مساعدهٔ دولت انگلیس را بدهد، به تصور اینکه سهم دولت روس هم به همین زودی داده خواهد شد.

نمره ـ ۲۸۹

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۴ اوت طهران:

وزیر امور خارجه به من اظهار می‌دارد که چون دولت ایران راضی شده‌اند که در موضوع راه‌آهن جلفا داخل مذاکرات شوند، او از وزیر مالیه درخواست می‌کند که فوراً ۲۵،۰۰۰ لیرا بدهند.

جناب معظم‌له نیز اظهار داشت که او می‌داند وزیر مالیه راضی به پرداخت وجه دیگری نخواهند شد تا آنکه امتیاز اعطاء بشود.

نمره ـ ۲۹۰

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]

جواهرات دولتی ایران

لطف نموده به تلگراف ۲۴ اوت طهران رجوع کنید:

امروز مسیو سازانف را ملاقات نمودم و جناب معظم‌له وعده داد که فوراً برای مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] تعلیمات تلگرافی بفرستد و اظهار تأسف نمود از اینکه بعلت فراموشی، تعلیمات مزبور را قبل از این نفرستاده بود و اظهار داشت که از مطالبی که من به او عنوان نمودم، ظاهراً چندان احتمال تحصیل رضایت دولت ایران برای فروش جواهرات نمی‌رفت.

نمره ـ ۲۹۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ اوت ۱۹۱۲ [۲۸ امرداد ۱۲۹۱؛ ۶ رمضان ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم که سواد مراسله‌ای را که کفیل قنسولگـری انگلیس مقیم شیراز در موضوع اوضاع طرق فارس و ژاندارمری که صاحبمنصبان سوئدی تشکیل می‌دهند نوشته، لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۲۹۱

مکتوب اسمارت کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

شیراز ۱۵ ژویت ۱۹۱۲ [۲۴ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۹ رجب ۱۳۳۰]

آقـا

من می‌خواهم به تقدیم ملاحظات و نظریات خود در باب اوضاع راههای فارس و

ژاندارمری که در تحت امر صاحبمنصبان سوئدی تشکیل می‌گردد، مبادرت ورزم.

شیراز بسیار برای تجارت انگلیس دارای اهمیت است به جهة اینکه مخزن و انباری تشکیل می‌دهد که صادرات ایالت از قبیل تریاك و کتیرا برای حمل به بوشهر بدانجا وارد می‌شود و مرکزی است که از آنجا مال‌التجاره‌ای که از راه بوشهر وارد می‌شود، برای سایر نقاط تقسیم و حمل می‌گردد. نقاط عمده‌ای که[1] این مال‌التجاره بدانجاها می‌رود، اصفهان و یزد و نواحی فارس است. این دو محل زیادتر از سایرین مهم‌است و فعلا ابواب تجارت منظم با آن، چه از حیث صادرات و چه واردات، مسدود است.

با اوضاع رضایت‌بخش حالیهٔ راه سرحد، در تحت حفاظت ایلخانی قشقائیها خرید و فروش مقدار جزئی مال‌التجاره امکان دارد که با دهات امتداد راه جریـان داشته باشد، لیکن روی هم رفته مقدار این مال‌التجاره خیلی کم و بی‌معنی است. نقاطی که اجناس خارجه را که وارد شیراز می‌شوند، ممکن است در آنجاها به فروش رسانید، طرف مشرق و مخصوصاً جنوب شرقی فارس است. حالیه دولت حتی اسماً هم اقتداری در اکثر این نقاط که راه عبور و مرور قوافل عمومی بدانجاها مسدود است، ندارند و گاهگاهی یك قافله بواسطهٔ دادن مبلغ زیادی به ایلات خمسه با خطر زیاد می‌تواند در بعضی از نقاط این نواحی دور بزند لیکن میزان‌گران‌کرایه با این‌اوضاع به‌انضمام خطری که متلازم آن است، این قسم خرید و فروش را غیرمعلوم و کم‌فایده می‌کند.

از قراری که دریافته‌ام، محافظت و قراولی ژاندارمری محدود به خط عمده می‌باشد و مساعی آنها پیشرفت داشته باشد یا نداشته باشد برای فارس شرقی و جنوب شرقی چندان فایده‌ای نخواهد داشت [و] برای تجارت انگلیس چندان امید تجدید و توسعه نمی‌باشد مگر اینکه باب ایاب و ذهاب قوافل و خرید و فروش دوره‌گردها به نقاط مذکوره مفتوح گردد.

موفقیت ژاندارمری در هر صورت باعث افتتاح دو مرکز و محل فروش عمدهٔ تجارت فارس خواهد گردید که عبارت از اصفهان و یزد باشد زیرا که اگر ژاندارمری بتواند راه پستهٔ اصفهان را منظم بدارد، دیگر استقرار امنیت در قسمت کوتاه راه یزد که از راه اصفهان در شمال ده‌بید جدا شده تا ابرقوه [=ابرکوه] می‌رود، چندان اشکالی نخواهد داشت. بعلاوه، پیشرفت ژاندارمری در راه معظم هم بواسطهٔ اقدامات سختی که لازم است در ابتدای امر بشود و هم بواسطهٔ اثرات معنوی افتتاح راه تجارتی بوشهر الی اصفهان فوق‌العاده اقتدار دولت را در آن ایالت بطور عموم زیاد کرده و طبعاً باعث بهبودی اوضاع نواحی خارج آن خواهد گردید.

راه معظم بین بوشهر و اصفهان، حالیه به حالت تألم‌انگیزی است: قسمت راه از شیراز الی اصفهان فعلا برای ایاب و ذهاب قوافل و حتی برای مسافرین مسدود است مگر آنکه عدهٔ زیـادی مستحفظ یعنی یك قشون نظامی همراه ببرند. در مـاههای تابستان، ایلات عرب که دسترسی به آنها امکان ندارد، هرگونه ایاب و ذهاب منظم را

---

۱) اصل: عمده آنکه. ـ م.

در آن راه ممتنع می‌نمایند و در ماههای زمستان، بواسطهٔ ایلات نشینی[۱] و چهارراهی و سایر سارقین متفرقه، از دهات قسمت از شیراز الی ده‌بید، بسیار ناامن می‌شود لیکن قوافل در تحت محافظت مستحفظین زیاد می‌توانند عبور و مرور کنند. اگرچه گاهگاهی به اینها هم دزد می‌زند. در بهار و پاییز، قسمت از آباده تا امین‌آباد را اگرچه غارتگران کهکلوئی [=کهگیلویه‌ای] با نظم فوق‌العاده اشغال نموده و غارتگری زیاد می‌نمایند، دهاتیان سرحدی و اهالی شلگستان و سایر دهات مجاور راه هم، در پاییز و زمستان و بهار، در این راه دست‌اندازی می‌کنند و همینکه قشقائیها به طرف ییلاق می‌روند، عموماً سرقتهای تابستان بین آباده و امین‌آباد، بدون رضایت باطنی آنها صورت نمی‌گیرد. اگر قسمت راه از آباده الی امین‌آباد در تحت مراقبت یك ایلخانی باشد که مثل حالا با دولت دوستی دارد، در ماههای تابستان نسبتاً امن خواهد بود.

حضور اعراب سیار در این ماهها بین آباده و شیراز قوافلی را کـه از اصفهان ایاب و ذهاب می‌نمایند، مجبور می‌کند که فقط راه سرحـد را اختیار کنند و حتی قوافلی که از یزد ایاب و ذهاب می‌کنند، در طریق سرحد عبور کرده و از راهی که از ابرکوه به سورمق رفته و نزدیك اسپاس به راه سرحد وصل می‌شود، می‌روند.

از زمانی که اقتدار دولت در فارس سلب شده، فقط راههایی‌که نسبتاً رضایت‌بخش است راههایی بوده‌اند که از خاك قشقائی می‌گذرد و بکلی تحت حفاظت ایل مذکور است.

راههای جره و فیروزآباد و سرحد، حتی در تحت حفاظت ایلخانی که مخالف دولت باشد، بطور عموم امنیت داشته و راهداری معتدلی می‌دادند و آن راهداری را ایلی که بیشتر از آن محافظت می‌کرد، می‌گرفت.

در این تابستان حال راه سرحد هم همینطور بوده است و البته راهداری گرفته می‌شد ولی باندازه‌ای که در راه بوشهر اخذ می‌گردید، و قوافل و پسته می‌توانستند با امنیت عبور و مرور کنند و میزان کرایه اگرچه گران بود، نسبت به میزان گزاف راه بوشهر بهتر بود.

اشکالات راه تلگرافی بوشهر الی شیراز، در این است که در تحت حفاظت چند نفر است و عموماً قسمت مابین کمارج و شیراز مغشوش است و این قسمتی که در تحت نفوذ قشقائیها است، اسباب اشکال تأمین راه مذکور می‌باشد.

در ماه نوامبر ۱۹۱۰ حکومت مرکزی صولت‌الدوله را ترغیب نمودند که از پلتیك [=پلیتیك] تغییردادن راه قوافل[۲] به راه‌های جزو، صرف‌نظر نموده و مسؤولیت راه تلگرافی بوشهر را از شیراز تا حدود خاك کمارج، به عهده گیرد.

نتیجهٔ این کار بسیار یأس‌آور بود و سرقتها فوراً به وقوع پیوسته و صولت‌الدوله چون نتوانست بدون کمك رؤسای محلی راه را محافظت کند، مجبور گردید که در اخذ

---

۱) چنین است در اصل. [=لشنی؟]. ـ م.
۲) اصل: قوافل را. ـ م.

راهداری با آنها شریك گردد. این کار البته بر اخذ راهداری غیرمشروع در قسمت راه از شیراز الی کمارج طبعاً افزوده و از کمارج تا بوشهر هریك از خوانین محلی همین قبیل راهداری اخذ نموده نتیجه این شد که کلیهٔ مبلغ راهداریهایی که در راه تلگرافی گرفته می‌شود خیلی زیادتر از وجوهاتی بود که در راه جره یا فیروزآباد مأخوذ می‌گردید.

پس از شکست کار صولت‌الدوله در ماه آکتوبر سال‌گذشته، راه شیراز تا تنگه‌ترکان [= تنگ‌ترکان] به خوانین کشکولی سپرده شد و محمدعلی‌خان رئیس آنها به حکومت کازرون منصوب گردید. این خوانین هم در سهم‌بردن از منافع راهداری، با رؤسای محلی ادامه دادند و مسألهٔ راه بسیار درهم و برهم شد.

بواسطهٔ دشمنیهای سختی که از حکومت نظام‌السلطنه تولید گردیـد و از تجزیهٔ قشقائیها که رؤسای جزو آنها همینکه روز بروز خود را از تحت امر ایلخانی مستقل دیدند، از مسؤولیت حفاظت آن [خود را آزاد] دانسته و هرگونه اجحاف و زیاده‌روی را معمول داشتند، خورشیدخان تا بهار سال ۱۹۱۱ تنگ‌ترکان و راهدار و ناحیهٔ شاه‌پور را که مجاور آن است بعلاوهٔ درهٔ کمارج در تصرف خود داشت و این قسمت راه را در کمال نظم نگاه داشت، اگرچه او هم مثل سایر رؤسای امتداد راه، راهداری می‌گرفت.

نظام‌السلطنه به تحریك صولت‌الدوله یك اقدام بی‌نتیجه و حملهٔ بی‌ثمری در مورد کمارج به عمل آورده و خورشیدخان را از آنجا بیرون کرده، محل مزبور بغارت رفت و محمدعلی‌خان که در این اقدامات زحمات زیادی متحمل شده بود، شاه‌پور را تصاحب نمود. خورشیدخان در درهٔ کمارج محل معتبری را اشغال نموده ولی نتوانست شاه‌پور را بازستاند و این محل در ید تصرف محمدعلی‌خان باقی مانده و راهدار و منتها نقطهٔ شمالی تنگ‌ترکان هم در حیطهٔ تصرف وی درآمد.

عـده‌ای از کمارجیها کـه از روی خیانت با خورشیدخـان جنگیده بودند، نـزد محمدعلی‌خان پناهنده گردیدند. این اشخاصی که محمدعلی‌خان مجبور شد با آنها از در آشتی داخل شود، یك منشأ اغتشاش راه بودند و از روی اجحاف از قوافل راه پـول گرفته و نسبت به آنها و مسافرین بی‌احترامیهای فوق‌العاده می‌نمودند. یکی از آنها موسوم به علی‌محمدکمارجی که هنوز کاروانسرای راهدار سپرده به اوست، در حمله به عساکر ما در آن نقطه شرکت داشت.

از طرف دیگر خورشیدخان که بواسطهٔ تعدیات نظام‌السلطنه متحمل خسارات مالی زیاد شده، سعی داشته است که جای خسارات مذکور را بوسیلهٔ اخذ راهداری و خرده‌دزدی قوافل پر نماید.

این مسأله لازم نیست اظهار شود که خصومت موجـود مابین محافظین دو قسمت مجاور راه بسیار بر غیرمعلومی اوضاع راه مذکور افزود و بدتر از همه تغیر و تنفر روزافزون کازرونیها از قشقائیها منجر به یك منازعهٔ آشکار و استعفای اجباری محمدعلی‌خان از حکومت آنجا گردید.

کشکولیها در مقام تلافی برآمده و عبور و مرور قوافل را از تنگ‌ترکان به شاه‌پور و از آنجا از راه نودان به میان‌کتل منحرف نموده به این طـریق کازرونیها را از منافعی که به واسطهٔ قوافل می‌بردند، محروم ساختند. به علت شیوع مرض مگس، عبور و مرور قاطر در این راه در تابستان بسیار مشکل است.

خورشیدخان و کازرونیها سپس برضد قشقائیها متحد شده و قافله را از معبر خیلی‌سرازیر پرتگاهی‌از راه بردن[=بردون] به‌کازرون عبور داده و به‌این‌طریق راه راهدار را بکلی‌ترك‌نمودند. این‌قوافل همینکه از کازرون‌گذشته مجدداً از نقاطی که در تحت حکمفرمائی قشقائیها است عبور نموده برای آنکه از راه نودان نیامده بودند، مجبور به تأدیهٔ مبلغ گزافی شدند.

این خصومت بین اهالی و قشقائیها اسباب سد موقتی راه و اوضاع غیرمعلومی‌شده و این مسأله بعلاوهٔ اجحافات مستحفظین راه و رؤساء، اسباب گرانی قیمت کرایه شد و میزان آن خیلی گزاف شده است.

قشقائیها از زمانی که شروع کرده‌اند به طرف شمال بروند، مجبور شده‌اند که راه را کاملا به دست رؤسای محلی واگذارند و آن را از راه تنگ‌ترکـان الـی شیراز قطعه‌قطعه به آنها اجاره داده‌اند و رؤسای مذکور از قوافل آنقدر راهداری می‌گیرند که وجه اجارهٔ خود را پرداخته و مداخل خود را هم ببرند. تعیین عین مبلغ راهداری که گرفته می‌شود آسان نیست، زیرا که قاطرداران برای گران‌کردن میزان کرایه، در مبلغ آن مبالغه و اغراق می‌کنند. گذشته از آن، میزان راهداری نسبت به اشخاص مختلف است و قشقائیها قاطرداران کازرونی‌را بیشتر از قاطرداران سایر نقاط اذیت‌می‌کنند. روی‌هم‌رفته یحتمل برای هر دفعه که عبور می‌کنند، قاطرداران باید برای هر رأس قاطر سه قران بدهند. قراولان راه هم هرقدر بخواهند از بارها قند و چائی برمی‌دارند و حتی از هرگونه مال‌التجاره هم که میل کنند خرده‌دزدی می‌کنند و البته علیق را هم در راه به قیمت گزاف به قاطرداران می‌فروشند.

من در باب اوضاع الم‌انگیز مهمترین راه تجارت انگلیس در ایران، به مأمورین محلی متوالیاً و صمیمانه اظهارات نموده‌ام. مأمورین محلی بدون پول یا عساکر نمی‌توانند هیچ‌گونه اقدام متهورانه بنمایند و فقط امیدی که می‌توان داشت که در این اوضاع مؤلمهٔ حالیه قدری تسکین حاصل گردد، و برای بهبودی دائمی خط معظم از شیراز به آباده، اقدام برضد اعراب لازم است. اگر حکومت مرکزی اجازه دهند، قوام‌الملك در نظر دارد که شخصاً حرکت کرده و این ایلات اغتشاش‌طلب را سرکوبی دهد و امیدوار است که به کمك رؤسائی که نسبتاً مطیع می‌باشند و استعدادی که از طرف ایلخانی فرستاده شود، متمردین آنها را تخویف نماید ولی مشکوك است که آیا هرگونه اقدامی از طرف وی اسباب افتتاح راه پستی شمال در تابستان خواهد شد یا نه.

برای بهبودی دائمی قسمت از آباده تا امین‌آباد، اقدامات شدیـد برضد طایفهٔ بویراحمدی لازم است و محتمل به نظر نمی‌آید که در آتیهٔ نزدیك چنین اقدامی بعمل آید مگر آنکه بختیاریها این ایل اغتشاش‌طلب را سرکوبی دهند.

در باب راه بوشهر، از قرار معلوم، علل و اسباب طبیعی فوق‌الذکر به انضمام فشار دائمی قوام‌الملك و پیش‌آمد راه بردون، کار را بر کشکولیها سخت کرده است.

محمدعلی‌خان به قوام‌الملك اعلام نموده است که قراولان را از راه نودان برداشته است و علی‌محمد کمارجی در راهدار، به قوافل اطلاع داده است که از هر راهی که می‌خواهند می‌توانند بروند. از این معلوم می‌شود که کشکولیها بالاخره راضی شده‌اند که عبور و مرور مجدداً از راه معظم بشود. در هر صورت قسمت راه از کمارج به شیراز امنیت حاصل نخواهد کرد مگر آنکه بین کازرونیها و قشقائیها اصلاحی بشود یا آنکه کازرون مجدداً به قشقائیها واگذار شود. برای نیل به مقصود اول، لازم است هرقدر زودتر، حاکم بیطرفی به کازرون فرستاده شود. نصیردیوان، کلانتر کازرون که فعلا آن شهر سپرده به او است، با خوانین کشکولی مخالفت بسیار دارد. در صورتی‌که حاکم بیطرفی در کازرون باشد، ممکن‌است در خصومت‌ورزی و تکدر کشکولیهااعتدالی حاصل شده و دسترسی به آنها آسانتر شود. در هر صورت، وضع سلوك و رویهٔ محمدعلی‌خان که از زمان حملهٔ بلاتنبیه بر عساکر ما، ظاهراً امر بر وی مشتبه شده و زیاده از اندازه به قدرت خود اعتماد می‌کند، مشوق[1] نمی‌باشد. ممکن است بواسطهٔ ترسی که از محمدخان پسر عموی خود دارد، بتوان به او فشار آورد. و بوسیلهٔ افتتاح موقتی راه جره به کمك قشقائیهای فارسی‌مدان که در این تابستان در حدود شیراز نگاه داشته شده‌اند، می‌توان یك قسم دیگر فشاری به او و سایر خوانین کشکولی و به همین طور دشمنان آنها که در جزو اهالی نقاط واقعه در امتداد خط تلگرافی ساکنند، وارد نمود. بواسطهٔ افتتاح راه جره که ممکن است مذاکرات اصلاح را تسهیل نماید خسارت مالی زیاد به هر دو طرف وارد خواهد آمد.

در صورتیکه به اصلاح نتوان موفق گردید، راه حل مسأله ظاهراً این است که به قوهٔ قهریه مجدداً شخصی از قشقائیها به حکومت کازرون نامزد شود و منافع مخصوص اهالی فدای منافع عمومی راه گردد.

به انجام رسانیدن این ترتیبات آسان نخواهد بود و ممکن است اسباب اشکالات فوق‌الطاقه و مسدود گردیدن موقتی راه گردد. بعلاوه، انصاف‌نیست که بواسطهٔ این اقدام، بر قوهٔ زیاده از اندازهٔ حالیهٔ قشقائیها افزوده شود که هم غیرمطلوب و هم مورد اعتراض می‌باشد.

با وجود این، باید به خاطر داشته باشیم که از چندین سال به این طرف، قشقائیها کازرون را در جزو ادارهٔ خود داشته و خوب می‌توان فهمید که تغیر[2] آنها از خارج‌شدن آن محل از حکومتشان، تا چه اندازه است.

من در ضمن مذاکرات غیررسمی با ماژور سیفورت، سعی کرده‌ام که اوضاع راه و ترتیبات پلتیکی [=پلیتیکی] آن ایالت را برای او توضیح نمایم. البته ممکن نیست

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.
۲) اصل: تغییر. ـ م.

بتوان از صاحبمنصبان اروپایی که به زبان یا اوضاع و مقتضیات مخصوص مشرق آشنا و بصیر نیستند، انتظار داشت که به فوریت از اوضاع درهم برهم فارس مسبوق و مستحضر گردند.

ماژور سیفورت، ظاهراً آدم منصف فعال باکفایتی است و شکی ندارم که به مرور زمان، آن تجربیات لازمه را که برای فهم اوضاع محلی لازم است کسب خواهد کرد.

من امیدوارم که شروع اقدامات و عملیات ژاندارمری موجب یأس و حرمان نخواهد گردید و خیلی بهتر است که ژاندارمری در شیراز نگاه داشته شده و روز بروز بر عده و کفایت آنها افزوده شود تا آنکه بواسطهٔ اقدام بی‌موقع و قبل از وقتی دوچار خطرات مصیبت آمیزی نشود و در صورتی که در شیراز نگاه داشته شود، متدرجاً یك قشون منظمی را تشکیل خواهد داد شبیه به بریگاد قزاق که هم اسباب تقویت اقتدار دولت شده و هم در صورتی که لازم باشد، با مدد عساکر غیرمنظم دولت، برای قلع و قمع اشرار بکار برده خواهد شد و به موقع برای حفظ راه تعیین خواهد گردید.

(امضاء) اسمارت

نمره ـ ۲۹۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ اوت ۱۹۱۲ [۶ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۶ رمضان ۱۳۳۰]

مالیهٔ ایران

راجع به تلگراف ۲۶ اوت سنت‌پطرزبورغ:

وزیر امور خارجه دیروز به من مؤکداً اظهار داشت که دولت اعلیحضرتی باید فوراً تمام مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ لیرائی را که دولت ایران می‌داند برایش تهیه نموده‌اند، بپردازند. جناب معظم‌له صمیمانه احتیاج بسیار دولت ایران را برای کمك مالی متجاوز از ۵۰۰،۰۰۰ لیرائی که دولتین در صدد قرض‌دادن هستند، به من تأکید نمود و اشعار داشت که ۱۰۰،۰۰۰ لیرای سهم انگلیس را برای شیراز تخصیص نموده و ۱۵،۰۰۰ لیرا از سهم روس به علت آنکه فرمانفرما عایدات گمرکات کرمانشاه را ضبط نموده بود، توقیف شده است و بنابراین در هر صورت نصف وجه قرضهٔ مشترك از میان رفته است.

من در جواب اظهار داشتم که اگر دولت روس حاضر نباشد که به همین قسم پول بدهند، من خیلی کم می‌توانم امیدوار باشم به اینکه دولت اعلیحضرتی راضی به پرداخت تمام ۱۰،۰۰۰ ۱ لیرا بشوند و اشاره نمودم که دولت اعلیحضرتی شاید مسألهٔ کمك رسانیدن به دولت ایران را به وسیلهٔ رفع اشکالات مالیهٔ آن دولت در جنوب تحت توجه و ملاحظهٔ خود قرار دهند. و اصرار نمودم که بایستی بدون فوت وقت پیشنهادات خود را برای قرضه ارائه نمایند و به ایشان اظهار داشتم که به عقیدهٔ من

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

این پولهای کم که مکرراً به دولت ایران داده می‌شود، چندان اسباب کمك نخواهد بود که رفع اشکالات مالی را بنماید.

جناب معظم‌له در جواب اظهار داشت که خزانه‌دار کل می‌تواند محل مکفی که قرضهٔ بزرگی را تأمین نماید، تعیین کند.

نمره ـ ۲۹۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ اوت ۱۹۱۲ [۶ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۶ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۵ اوت من:

اوضاع کرمانشاه ظاهراً خیلی مغشوش است و از قرار معلوم دولت ایران نمی‌دانند که مجاهدین یاغی به نام کی، شهر را قبضه نموده‌اند[1] که دولت می‌خواهند به کمك بختیاریها که ۵۰۰ نفرشان با فرمانفرما و ۱۵۰ نفرشان در راه سلطان‌آباد و ۳۵۰ نفرشان را از اینجا بایستی فرستاد، آن را بازگیرند.

این مسأله قابل ملاحظه است که به حکمران یا عساکر منظم، نمی‌توان اعتماد نمود.

از قرار اطلاعاتی که به من رسیده، چنانکه[1] معلوم می‌شود، پول بطور معمول اولین وسیلهٔ حرکت‌دادن آنها است و فرمانفرما می‌گوید که اگر ۳۵،۰۰۰ تومان به وی برسد، کار اصلاح خواهد شد. سرکردهٔ یاغیان هم وعده می‌دهد که با ۴۰،۰۰۰ [تومان؟] حصول همان نتیجه امکان خواهد داشت.

از قرار معلوم طرفین می‌خواهند در صورت امکان از دولت پول درآورند.

نمره ـ ۲۹۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ اوت ۱۹۱۲ [۷ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۷ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۶ اوت من:

تلگراف ذیل در ۲۶ اوت از طرف قنسول تبریز مخابره شده است:

قریب پنج روز قبل، شاهسونهای قجه‌بگلو به قراجه‌داغ برای کمك طایفهٔ دیگری که در کوهستان متفرق شده بودند، آمدند که به محافظت آنها تا اردبیل بروند. سرکردهٔ روسی این طایفه را گذارد به کوهستان وارد شوند و در مراجعت، هر دو آنها را حمله نموده تلفات زیاد وارد نمود و شاهسونها متفرقاً به اردبیل فرار کردند.

---

۱) چنین است در اصل ـ م.

۲) اصل: چنانچه. ـ م.

نمره ـ ۲۹۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ اوت ۱۹۱۲ [۷ شهریور ۱۲۹۱: ۱۷ رمضان ۱۳۳۰]

جنوب ایران

من با کمال دقت در مسألهٔ پول رسانیدن به فرمانفرما، مستقیماً غوررسی نموده‌ام (رجوع به تلگراف ۱۹ اوت خودتان کنید) از این پلتیك [=پلیتیك] نتایج بسیار صحیح می‌توان بدست آورد: از ۱۰،۰۰۰ لیرائی که دولت اعلیحضرتی اخیراً به دولت ایران قرض دادند، ما ۱۰،۰۰۰ تومان آن را به فرمانفرمای جدید دادیم بـرای اینکه بتواند به طرف ایالت فارس حرکت کند و مبلغ ۳۰،۰۰۰ تومان باقی می‌ماند که به ورود شیراز برای مصارفش موجود باشد. اگر ما مبلغ ۲،۰۰۰ یا ۳،۰۰۰ لیرا ماهیانه به او بدهیم، می‌تواند یك قوهٔ مفید نظامی تشکیل دهد که بدان وسیله در ایالت مذکور انتظامات را مستقر بدارد و تا آخر یك سال بایستی بتواند مقام خود را محکم کند و آنوقت می‌تواند آنچه مالیاتی را که احتیاجات اداری وی لازم دارد وصول نماید و بواسطهٔ پرداختن این پول توسط وکیل خزانه‌داری کل در شیراز به او، ممکن است طوری نمود که اسباب تکدر دولت ایران فراهم نشود و این کار را باید به مشورت قنسول اعلیحضرتی کرد.

نمره ـ ۲۹۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ اوت ۱۹۱۲ [۷ شهریور ۱۲۹۱: ۱۷ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۶ اوت شما:

دولت ایران صورت جمع و خرج مالیهٔ خود را بـه سفارتخانه‌های خارجـهٔ خود فرستاده‌اند محض آنکه بنمایانند کـه منابع عایدات ملی آنها بـرای تأمین قرضهٔ ۵،۰۰۰،۰۰۰ لیرا بدون آنکه به مالیات دست بزنند کافی بلکه زیاده از اندازهٔ لزوم میباشد.

خزانه‌دار کل امروز صبح به من اظهار داشت که دولت در نظر دارندبه‌همین زودیها پیشنهادات خود را برای قرضه به سفارتین ارائه نمایند.

نمره ـ ۲۹۷

مکتوب لیوتنان کاکس به سر ادوارد گری

بوشهر ۱۱ اوت ۱۹۱۲ [۲۰ امرداد ۱۲۹۱: ۲۷ شعبان ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم برای استحضار خاطر شما یادداشتی را که مستر چیك مستشار تجارتی من، از بابت تاریخ و کیفیت مسألهٔ بسیار مهم راهداری که عبارت از اخذ وجوهات جبری از قوافل توسط رؤسای راه بوشهر الی شیراز باشد که بشکل حق‌العبور و اجحاف

در قیمت علیق گرفته می‌شود نوشته، لفاً ایفاد دارم.
از قراری که [او] حساب کرده است مبلغ این وجوهات روی هم رفته سالیانه کمتر از ۲۰،۰۰۰ لیرا نمی‌شود.

(امضا) لیوتنان کاکس قنسول مقیم انگلیس در خلیج فارس و جنرال‌قنسول اعلیحضرتی فارس

ملفوف نمرهٔ ۲۹۷

یادداشت راجع به مسألهٔ راهداری

این مسأله در این موقع باریك اهمیت اساسی دارد چرا که شکی نیست که قبل از اعادهٔ انتظامات، یا ژاندارمری ایران یا عساکر خود ما، بایستی مسألهٔ راهداری و جلوگیری از اخذ آن را تصفیه نماید. راهداری یکی از قوای عاملهٔ اوضاع موجودهٔ امتداد راه است و دیر یا زود ما را مجبور به اقدامات خواهد نمود.
الحال مناسب می‌دانم که شرحی از تاریخ جدید این خراج بنگارم.
قبل از سال ۱۹۰۰ راهداری به شکل چند شاهی به عنوان باج قوافل، فقط در قسمتهای پایین راه و در چند مراکز از قبیل برازجان و غیره مأخوذ می‌گردید و اخذ این باج موقتی بود و به هیچ وجه خوانین محلی در منازل راه آن را منظماً وصول نمی‌نمودند و در مقابل این وجه، برای حفظ قوافل در شب، قراول تهیه شده و چند نفر تفنگچی تا منزل دیگر همراه آنها می‌فرستادند و این مسأله قابل ملاحظه است که ایلات ساکن در امتداد راه تا سال ۱۹۰۰ چندان مسلح نبودند و بعد از آن تاریخ، اسلحه کم و زیاد از مسقط برای آنها وارد شد.
وصول علافی که باج دیگری است و اصلا برای علف‌چرانی مأخوذ می‌شد، به گمان من، از راهداری قدیمتر است ولی این باج را سابقاً در بعضی موسمها وصول نموده و بطور دائم اخذ نمی‌شد. این باج هم، حالا یکی دیگر از اجحافاتی شده است که خوانین توسط علافها در منازل، از قاطرداران می‌گیرند و بطور عموم، ترتیب اخذ آن این است که خرید و فروش علیق را منحصر به یك نفر می‌نمایند که برای هر رأس قاطر، یکی دو قران متجاوز از قیمت معمولی دریافت نموده منافع آن را به خوانین می‌رساند و گاهی هم این دخل[1] بواسطهٔ کسر وزن علیق برای هر رأس قاطر که قیمت وزن تمام را برای خرنده محسوب می‌دارند، اخذ و دریافت می‌شود.
حتی در سال ۱۹۰۳ راهداری و علافی که بطور غیرمنظم از قوافل اخذ میشد، یکی از آن مالیاتهای سنگین را تشکیل می‌داد که موقوف‌داشتن آن برای دولت ایران منفعت داشت که در مقابل بر میزان تعرفهٔ گمرکی بیفزایند و از نقطه‌نظر منافع دولت

---

۱) اصل: دخل را. ـ م .

انگلیس هم ترك اخذ آن یکی از معاملات بسیار ذی‌قیمت[1] بود.

در حقیقت، دولت ایران نمی‌توانستند تعهدات و وعده‌های خود را به انجام رسانند. فقط کسانی که می‌توانستند به جلوگیری این اجحافات موفق شوند، هفت هشت نفر از رؤسائی بودند که راه از خاك آنها می‌گذشت و چون از تعرفهٔ جدید گمرکی به آنها فایده‌ئی نمی‌رسید، به هیچ وجه مایل نبودند که چیزی را که بر عایدات آنها می‌افزود، از دست بدهند.

هنگامی که به دولت ایران فشار آورده شد که راهها را بطور صحیح مواظبت و محافظت نمایند. از روی سهو به رؤسای مذکور دستورالعمل دادند که تفنگچی تهیه نمایند و فراموش کردند حقوقی برای آنها معین نمایند. عدم تعیین حقوق برای تفنگچیان، برای خوانین عذر بقاعده‌ئی شد برای آنکه حقوق آنها را از مداخل راه درآورده و این اجحاف بی‌معنی را وسیلهٔ دخل وافر خود قرار دهند.

از سال ۱۹۰۶ از طرف قنسول مقیم اینجا، پروتستهای[2] بسیار به حکومت ایالتی و از طرف سفارت انگلیس در طهران به حکومت مرکزی شده. حکومت مرکزی همیشه در جواب می‌گویند اوامر لازمه فرستاده شده است. لیکن اگر این اوامر فرستاده شده باشد، کسی به آنها اعتنائی ننموده است و حتی حکومت ایالتی، هم در بوشهر و هم در شیراز، به اشکال مختلفه، از قاطرهایی که به بوشهر و شیراز وارد می‌شده‌اند، راهداری اخذ نموده و هر قدر در بوشهر پروتست می‌شد، جواب می‌دادند که حکومت مرکزی این وجوهات را جزو دفتر مالیاتی شهر نموده و از حکام محلی آن را مطالبه می‌نمایند و به این جهة آنها نمی‌توانند تغییری در اخذ آن بدهند (این خود نقض آشکار قرارداد از طرف دولت ایران است).

پس از سال ۱۹۰۶ تزیید تدریجی و مهم اخذ راهداری بسیار، اسباب خیال من شده و هرقدر توانسته‌ام اطلاعات لازمه در باب آن بدست آورده‌ام. تزیید اخذ این وجوهات تا سال ۱۹۰۷ تدریجی بود و از آخر سال ۱۹۱۰ سریع گردید.

آنچه ذیلا نگاشته می‌شود، اضافه شدن مأخوذات راهداری را که جزو صورتهای ماهیانهٔ ما نوشته شده، نشان می‌دهد و به موجب اطلاعاتی است که تجار محلی به ما داده‌اند:

	هر رأس قاطر
ماه ژون ۱۹۰۷	۳ـ۷۰ قران
ژون ۱۹۰۹ تخمیناً	ـ۱۵ «
ژانویهٔ ۱۹۱۰	۱۱ـ۱۵ «
فوریهٔ ۱۹۱۰	۹ـ۷۵ «
مارس ۱۹۱۰	۹ـ۳۵ «
آوریل ۱۹۱۰	۷ـ۱۰ «

---

۱) اصل: ذی‌قیمتی. ـ م. ۲) پروتست = اعتراض. ـ م.

ژون ۱۹۱۰	۸۰ـ۱۰ «
ژویت ۱۹۱۰	۵۰ـ۱۰ «
اوت ۱۹۱۰	۷۰ـ۱۰ «
اکتوبر ۱۹۱۰	۶۲ـ۱۳ «
ژانویهٔ ۱۹۱۱	۲۵ـ۹ «
فوریهٔ ۱۹۱۱	۹۰ـ۱۱ «
مارس ۱۹۱۱	ـ۱۱ «
آوریل ۱۹۱۱	۳۰ـ۱۵ «
مه ۱۹۱۱	۹۵ـ۱۲ «
ژون ۱۹۱۱	۲۰ـ۱۴ «
ژویت ۱۹۱۱	۳۵ـ۱۶ «
سپامبر ۱۹۱۱	۹۵ـ۱۷ «
ژانویهٔ ۱۹۱۲	۱۲ـ۲۸ «
مارس ۱۹۱۲	۳۵ـ۲۱ «
مـه ۱۹۱۲	۵۰ـ۲۷ «

مبلغهایی که ذکر شد، فقط شامل حق راهداری و تفنگچی‌گری است و شامل علافی نیست و رویهم‌رفته برای هر ۳۰۰رطل[1] مال‌التجاره تخمیناً ده شلینگ[2] می‌شود به‌اضافهٔ قیمت کرایه که تا ماه ژون ۱۹۱۲ برای مسافت ۱۸۰ میل راه، هر ۷۷۰ رطلی ۳۴ تومان و آنچه خسارت از خرده‌دزدی وارد شود، علاوه بر این خواهد بود.

در تابستان سال ۱۹۱۰ طریقهٔ اخذ این وجوهات تغییر کرد و خیلی بدتر شد و بدی آن را بهتر می‌توان‌فهمید از اینکه گفته شود که تا مدت نوزده ماه یعنی از ماه مارس ۱۹۰۹ تا ماه دسامبر ۱۹۱۰ [آذر-دی ۱۲۸۹؛ ذی‌قعده-ذی‌حجهٔ ۱۳۲۸] صولت‌الدوله راه قافله‌رو را به جره و فیروزآباد منحرف نمود (و در آن راه با قوافل بطور مهربانی سلوك می‌نمودند) و در انتهای مدت مذکور، خوانین و تفنگچیان راه کازرون، مداخل منظم خود را از دست داده و در صدد آن بودند که به هر طوری باشد، به قوافل دسترسی پیدا نمایند.

در این وقت، تفنگچیان از دهات کازرون که اسماً در تحت خوانین خود بودند، ابتداء برای تحصیل معاش به وسیلهٔ غارت حرکت کردند.

خوانین می‌دانستند که تفنگچیان معاش خود را تحصیل خواهند کرد و خودشان عایدات خود را محدود ساختند به وجوهاتی که به‌زور از دهات معظم هر ناحیه، از قبیل احمدی و برازجان می‌گرفتند.

---

۱) رطل = صد مثقال. ـ م.
۲) اصل: شلیك. ـ م.

خراج قسمتهای راه قافله‌رو

همینکه ایلخانی قشقائی حفظ راه را به عهده گرفت، ترتیب فروش بـه مزایدهٔ حق‌العبور قوافل را، خوانین جزو مخصوصا در جاهایی که ممکن بود از راههای دیگر عبور کنند، معمول و مجری داشتند و اگرچه چندین فقره از این قبیل خرید و فروشها را از ما مخفی داشتند، باز هم چند فقرهٔ ان را فهمیدیم و این ترتیب از قسمت انتهاء راه در بوشهر شروع گردید.

در ماه مارس ۱۹۰۷ خان انگالی پانصد تومان و یك اسب، بطور رشوه به حکمران بوشهر داد که راه را از برازجان به شیف منحرف نماید (در عرض راه خشکـی از احمدی). در ماه مه ۱۹۰۷ خان انگالی چهار هزار تومان برای راه شیف به حکمران بوشهر داد (که می‌خواست برای هر سه رأس حیوان، یك قران اخذ نماید) در صورتی که خان احمدی مبلغ ۱،۵۰۰ تومان می‌داد به ملاحظهٔ اینکه از راه خشکی عبور و مرور شود. حکمران مبلغ ۲،۲۰۰ تومان دیگر از کلانتر مطالبه نمود (که از قوافل اخذ و دریافت نماید) وآخرالامر، خان احمدی مبلغ ۱،۷۰۰ تومان پرداخت و حوالهٔ ۴،۰۰۰ تومان (من شخصاً آن را در ماه مه ۱۹۰۷ دیدم) برای خان انگالی مرجوع گردید.

در سال ۱۹۰۷ نیز خان برازجان از تفنگچیان خود مبلغ ۵۰،۰۰۰ تومان از بابت راهداری گرفت ولی تا زمانی که حیدرخان کمارجی راه مذکور را از کتل اول تا کازرون در تحت حفاظت خود داشت و فقط یك نفر دخیل این کار بود (یعنی تا زمان فوتش در ماه سپتامبر ۱۹۰۹ [1])، میزان راهداری کم بود و از کنارتخته تا کازرون زیادتر از یك قران و پنج شاهی برای هر رأس حیوانی گرفته نمی‌شد.

در ماه مارس ۱۹۰۹ [اسفند ۱۲۸۷ ـ فروردین ۱۲۸۸؛ صفر-ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] صولت‌الدوله، بنا بر صوابدید بعضی از تجار شیراز و ایالت فارس، تعهد نمود که مال‌التجاره را از راه فیروزآباد و خاك خود سالماً عبور دهد و مبلغ هزار تومان ماهیانه بگیرد.

بعضی از تجار ایرانی مقیم شیراز، که بـرای صولت‌الدوله کار می‌کردنـد، قرار دادند که از هر رأس قاطری که به شیراز وارد می‌شود، مبلغ دو قران و ده شاهـی بگیرند و این مبلغ برای راه جره به‌چهار قران رسید و دوباره در ماه مارس ۱۹۱۰ تخفیف یافت. بعد راپورت‌داده شد که تجاری که مشغول دریافت این وجه در شیراز بودند، دریافتند که از وصول چهارقران بـرای هر رأس قاطر، مبلغی زیادتـر از ۱،۰۰۰ تومان ماهیانه اخذ شده و آن را به دو قران و ده شاهی تخفیف داده‌اند[2] که ماهیانه ۱،۰۰۰ تومان به صولت‌الدوله عاید شود.

یکی از تجار شیراز، به صولت‌الدوله عنوان کرده بود که خوب است بـرای حفظ راه، ماهیانه ۲،۵۰۰ تومان دریافت نماید لیکن صولت‌الدوله در جواب گفته بود خیر

---

۱) اصل: ۱۰۰۹ که پیداست اشتباه است. ـ م.
۲) اصل: داده‌اند. ـ م.

۱،۰۰۰ تومان کافی است و نمی‌خواهد قاطرداران و تجار را مجبور به پرداخت وجوهات غیرلازمه بنماید.

وقتی که حفاظت راه با صولت‌الدوله بود، خوانین دالکی و برازجان مجبور شده بودند که دریافتیهای خود را تخفیف دهند. در سابق، خوانین دالکی برای هر رأس قاطری سه قران می‌گرفتند و تفنگچیها هم هر رأس قاطری دو قران از قاطرداران دریافت می‌نمودند. حالیه خوانین دالکی برای هر رأس قاطری فقط دو قران مأخوذ داشته و غدغن کرده بودند تفنگچیهایشان از قاطرداران چیزی نگیرند به همین‌طور، صولت‌الدوله به کلانتر فارسی‌مدان دستورالعمل داده بود که در سه منزل بین جره و دالکی، هر رأس قاطری فقط پنج‌شاهی دریافت نماید.

بین صولت‌الدوله و خان دشتی، از بابت قیمت راه فیروزآباد که از دشتی می‌گذرد، کدورتی بود و خان دشتی می‌خواست زیادتر از نصف پولی که در شیراز دریافت می‌شد، اخذ نماید.

در این اثناء خوانین از دالکی الی بوشهر، میل داشتند که هرکدام مبلغی بدهند برای آنکه راه تا جره را به خاك خود منحرف نمایند.

خوانین برازجان و دالکی، مبلغ ۳،۰۰۰ [تومان؟] برای این کار در ماه فوریهٔ ۱۹۱۰ به صولت‌الدوله دادند.

این دو خوانین (این را باید دانست که راههای شیف و احمدی الی بوشهر در برازجان منشعب می‌شوند و در تحت حفاظت برازجان می‌باشند) سپس به خان احمدی فشار آوردند که مبلغ ۷۰۰ تومان با یك قبضه تفنگ به جهة سهمیهٔ خود بدهد و همینکه او از پرداخت این مبلغ امتناع ورزید، نزد خان انگالی پیغام فرستاده از او درخواست نمودند که هزار تومان گرفته راه را به شیف منحرف سازد.

در اواخر ماه دسامبر ۱۹۱۰ صولت‌الدوله به بوشهر آمد. دریابیگی که آن وقت حکمران آنجا بود، اظهار داشت که صولت‌الدوله ۳۰،۰۰۰ تومان و یك اسب از شیخ حسین‌خان گرفته و او را اجازه داده است راهداری اخذ نماید و می‌خواهد از مصطفی تول‌سیاهی[1] دو هزار تومان گرفته و او را اجازهٔ اخذ راهداری دهد.

در ماه سپتامبر ۱۹۱۱ حفاظت راه صولت‌الدوله رسماً سلب و قراولی قسمت بالایی راه به دست رؤسای کشکولی افتاد که ایلات آنها در موقع نقل‌مکان از اکثر نقاط راه کازرون بین شیراز و کمارج عبور می‌نمودند.

مقصود نظام‌السلطنه از اردوکشی ماه مارس ۱۹۱۱ برضد کمارج این بود که این مقام مستحکم را که در راه قافله‌رو واقع است، برای ایل قشقائی تحصیل نماید و صولت‌الدوله در سال ۱۹۱۰ این محل را خواسته بود و کشکولیها هم از مدت‌زمانی به اینطرف، آن را طمع می‌کردند و درحالیکه راههایی را که صولت‌الدوله به خوانین ساکن آن نقاط می‌فروخت، از دالکی به پایین بود، قسمت‌هایی که برای کشکولیها

---

۱) اصل: توله سیاهی (تول، تل سیاه = تپهٔ سیاه محلی است بین بوشهر و برازجان). ـ م.

امکان داشت در آن برای خود پول تحصیل نمایند، از شیراز تا کمارج یا کنارتخته بود.

در ماه اکتبر ۱۹۱۱ محمدعلی‌خان کشکولی به من در شاه‌پور اظهار داشت که در نظر دارد راه را از دشت کازرون در کوهستان مشهور به کوه سیاه منحرف سازد بطوریکه از وسط کمارج عبور کند و کشکولیها نتوانند در تمام راه الی کنارتخته راهداری اخذ نمایند.

در نوامبر ۱۹۱۱ کشکولیها چادرهای خود را تا دشت خشت امتداد دادند به این مقصود که بر راه قافله‌رو بتوانند زیاده بر این، دست‌اندازی کنند.

در ماه نوامبر نیز که مهمان محمدعلی‌خان کشکولی بودم، خان دشمن زایری[۱] را ملاقات نمودم. خان کشکولی در آن وقت حفاظت راه از کنارتخته[۲] تا نزدیك دشت ارژن را به او فروخت.

از ماه آوریل ۱۹۱۱ خوانین کشکولی با وجود عداوت‌ورزی با خورشید، خان دشت کمارج، به تمام قوافلی که از تنگ‌ترکان عبور می‌کردند، اصرار نمودند که در کاروانسرایی که در انتهاء سمت کازرون تنگهٔ مزبور واقع است، راهداری بدهند.

از آن وقت تا به حال، یا خود کشکولیها در کاروانسرای مزبور استعداد نگاه‌داشته یا آن را به زیردستان خود مثل علی‌محمد متمرد کمارج اجاره داده‌اند، و چون این محل در مدخل آن گردنه واقع [است] و بر آن استیلاء دارد، قوافل ناچار شکار تفنگچیان آنجا می‌شوند.

جزئیات فوق در خصوص تزیید راهداری و خرید و فروش به مزایدهٔ راه قافله‌رو از طرف رؤسای مقتدر، امیدوارم به خوبی واضح و آشکار بنماید که مسألهٔ تأمین راه بوشهر الی شیراز، عمیق‌تر و مشکلتر از آن است که اقداماتی که برای علاج اوضاع حالیهٔ آن تاکنون پیشنهاد شده، از عهدهٔ حل آن بتواند برآید.

شرح ذیل چند فقره اتفاقاتی است که رخ داده و ناامنی راه را واضح می‌نماید:

۱) اول اروپایی که پس از حمله، از این راه مسافرت نمود، یك جوان تاجر آلمانی موسوم به هر رور بود که در اوایل آوریل برای عروسی با نامزد خود به بوشهر وارد گردید. از قرار اظهارات وی، در دیریس او را توقیف نموده بودند و محمدعلی‌خان کشکولی به او گفته بود که پس از آنهمه خونها که ریخته شده، او خوشبخت است که انگلیسی نیست. در کاروانسرای خواجه ابراهیم، تفنگچیها با او بدرفتاری نموده و از آنجا تا گردنهٔ تنگ‌ترکان او را با ته تفنگ تهدید نموده و مجبورش نموده‌اند ۲۵ تومان بدهد و از قراری که می‌گفت رویهم‌رفته صد تومان از او گرفته بودند.

۲) چون قوام‌الملك برای آنکه لرد لمینسگین سالماً به شیراز برسد، ۳۰ نفر سوار ایرانی همراه او نموده بود، مستر لون یکی از دفتردارهای بانك شاهنشاهی ایران، که می‌خواست به شیراز برود توانست که در اوایل آوریل حرکت کند و بدون آنکه از

---

۱) چنین است در اصل (=دشمن‌زیاری). ـ م.

۲) اصل: چنارتخته. ـ م.

طرف تفنگچیها به او مزاحمتی [شود] موفق گردید. با وجود این، قاطردارانی که همراه او بودند، از قراری که می‌گوید مجبور شدند قاطری هفت تومان بدهند.

۳) به کنت مستیر و مسیو ویولت که از طهران به طرف خلیج فارس می‌رفتند، در دشت کازرون و در جعفرجن شلیك شده و تفنگچیها به آنها بسیار اذیت نموده و مجبور شدند چهل تومان بدهند و در راپورت کتبی که بعد از آن بـرای سفارت فرانسه فرستادند از خطرات راه شکایت نموده بودند.

۴) هر [= هرن] هانیکی و زن‌اوکه‌مادر هر روز بود، در ماه مه‌از شیرازوارد‌شدند. آنها نتوانستند ازطریق معمولی کمارج از کازرون عبور کنند و مجبور شده‌بودندکه‌از راه بردان از روی کوهها به دشت کمارج بروند به جهت آنکه از کاروانسرای دهنهٔ تنگ‌ترکان عبور نکرده باشند و مجبور شده بودند از کمارج به آنطرف ۱۵ تومـان بدهند و تفنگچیان جعفرجن به آنها بی‌احترامی نموده بودند.

۵) در اواخر مه به بعضی از نوکرهای هندی و همراهان اردوی دستهٔ سوارهٔ هند مرکزی که در شیراز هستند و چند نفر بلوچهایی که همراه آنها بودند و متعلق بودند به قافلهٔ شترداری که در سال ۱۹۰۹ نزدیك یزد به غارت رفت و پس از چند سال زحمت بی‌ثمر برای استرداد اموال خود به هندوستان مراجعت می‌کردند، سارقین در کاروانسرای خواجه ابراهیم و تفنگچیها در جعفرجن زده، اموالشان را بردند.

(امضاء) چیك، مستشار تجارتی قنسول مقیم خلیج فارس

نمره ـ ۲۹۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران دوم سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۰ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۰ رمضان ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل امروز از تبریز واصل گردیده است:

سپهدار در غرهٔ سپتامبر به شهر وارد شد و در خانهٔ کلانتر منزل نموده است.

نمره ـ ۲۹۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

دستهٔ قشون اصفهان

کلنل دوگلاس در دوم سپتامبر به قرار ذیل تلگراف می‌کند:

صاحبمنصب فرمانده اسکادرن اصفهان مرا اطلاع می‌دهد که مدت اجارهٔ منزلهای آنها در پنجم اکتوبر منقضی می‌شود و امکان ندارد دیگر بتوانند اجارهٔ طویلـه را تجدید نمایند و اجارهٔ عمارات دیگر هم غیرممکن است و برای منزل سواران اگر عمل اجاره‌ای را که فعلا در کاریم، به اتمام نرسانیم، از تجدید اجاره امتناع خواهد شد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۰۰

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۳ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۱ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۱ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۶ اوت من:

یادداشتی که دیروز از طرف دولت روس فرستاده شده، حاکی است بر اینکه نمایندهٔ روس تلگراف نموده است که مسألهٔ فروش جواهرات دولتی فعلا در طهران مطرح مذاکره نمی‌باشد و به تصور او، بهتر این است که این طریقهٔ امداد مالیه به آنها ارائهٔ طریق نشود.

دولت روس با این نظریات موافقت دارند و گمان می‌کنند که نه فقط بایستی از مذاکرهٔ این مطلب احتراز نماییم بلکه بایستی در صورتی‌که دولت ایران خیال چنین اقدامی را بنمایند، حتی‌المقدور جلوگیری و ممانعت بنماییم.

نمره ـ ۳۰۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۲ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۲ رمضان ۱۳۳۰]

دولت روس و شاهسونها

راجع به تلگراف ۳۰ اوت من:

سفارت روس، مرا اطلاع می‌دهد که شاهسونها از میان قشون بین اردبیل و اهر عبور نموده و فعلا مجتمعاً در دور و حوالی میانج می‌باشند.

از قراری که راپورت داده شده، قصد آنها این است که از راه قزوین به طرف طهران حرکت کنند.

سفارت روس نیز به من می‌گوید که فعلا زیادتر از ۵۰۰ نفر در قزوین ندارند.

نمره ـ ۳۰۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۵ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۳ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳ سپتامبر شما:

نگاه داشتن دستهٔ قشون در اصفهان بیش از این مطلوب نمی‌باشد. شما باید با صاحبمنصب آن نقطه و با کلنل دوگلاس مشورت نموده ببینید امکان دارد بدون آنکه تغییر بدی در اوضاع آنجا حادث گردد، این دسته را به شیراز سالماً عودت داد؟ اگر به عقیدهٔ آنها این کار صواب است و شما هم موافقت داشته باشید، من حاضرم اجازه دهم هر زمانی[1] که کلنل دوگلاس صلاح بداند، عساکر مذکور را عودت دهید.

---

۱) اصل: هر زمانی را. ـ م.

نمره ـ ۳۰۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۸ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۶ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۶ رمضان ۱۳۳۰]

کرمانشاه

قنسول اعلیحضرتی در ۵ سپتامبر تلگراف ذیل را مخابره می‌کند:

سالارالدوله با ۵۰۰ نفر و چندین تن از رؤسای کرد، در سوم سپتامبر به کرمانشاه مراجعت نمود و یارمحمدخان با محبت تمام از او پذیرایی نمود. یارمحمدخان ۱،۰۰۰ نفر با خود دارد و ممکن است عساکر دیگر خارج شهر داشته باشد لیکن حالا نمی‌توانم بدانم که آیا این مسأله صحیح است یا نه.

نمره ـ ۳۰۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۹ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۹ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۸ سپتامبر من:

وزیر امور خارجه امروز به من اظهار داشت که شخص‌ارمنی که به‌اردوی فرمانفرما فرستاده شده بود، مراجعت نموده و موفق شده است به اینکه شاهزادهٔ مذکور و فرمانفرما و ارامنه و مجاهدین را ترغیب و تحریض نماید که متحداً به کرمانشاه حمله نمایند و شاهزاده اظهار داشته است که بفوریت شروع به‌حرکت خواهد نمود.

نمره ـ ۳۰۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۰ شهریور ۱۲۹۱؛ ۳۰ رمضان ۱۳۳۰]

دولت ایران یادداشتی به سفارتین عرضه نموده‌اند که می‌نمایاند، قرضهٔ ۵۰،۰۰۰ لیرا برای رفع اشکالات مالی حالیه مفید نبوده و می‌خواهند به ۲۰۰،۰۰۰ لیرا بالغ شود که هریك از دولتین نصف آن را بپردازند. چنانکه۱ در آن یادداشت نوشته‌اند، ۴۰،۰۰۰ لیرا برای پنج ماه ژاندارمری و ۲۵،۰۰۰ لیرا برای نظمیهٔ طهران و ۱۵،۰۰۰ لیرا برای قشون طهران و ۱۲،۰۰۰ لیرا برای دو ماه قشون کرمانشاه و ۳،۵۰۰ لیرا برای دو ماه بریگاد قزاق در تبریز و ۳۰،۰۰۰ لیرا برای حقوق‌عقب‌افتادهٔ ادارات دولتی و ۳۰،۰۰۰ لیرا برای خرید اسلحه و مهمات و ۴۰،۰۰۰ لیرا برای تشکیل قشون لازم دارند.

چنانکه۲ اشعار شده است، تقریباً نصف ۲۰۰،۰۰۰ لیرائی که در ماه مارس گذشته قرض داده شد، برای ژاندارمری به مصرف رسیده و ۴۰،۰۰۰ لیرای آن را در ماه ژوئیت گذشته به دولت روس مسترد داشته‌اند و از روی دلیل نوشته‌اند که دولت ایران

---

۱ و ۲) اصل: چنانچه. ـ م.

بدون پول آنطوری که شاید و باید اصلاحاتی را که شروع نموده نمی‌تواند به انجام رساند و اگر حالیه از کمك مالی محروم گردد، پیشرفت این اصلاحاتی که شروع‌شده بطور سخت در خطر خواهد بود.

در خاتمهٔ این یادداشت نیز مذکور است که این مساعده را از قرضه‌ای که در نظر دارند عمل آن را به همین زودی به اتمام رسانند و در همین ماه آن را خواهند خواست، مسترد خواهند داشت.

نقشهٔ تشکیلات قشونی را هنوز به ما ارائــه ننموده‌اند. اگر دولت اعلیحضرتــی بخواهند خواهش دولت ایران را بپذیرند، تنزل در عایدات گمرکات جنوب، به گمان من حق می‌دهد که خواهش نمایند اطمینان رضایت‌بخشی در باب راه‌آهن که وسیلهٔ ترقی و تزیید تجارت می‌شود داده شود.

نمره ـ ۳۰۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۰ شهریور ۱۲۹۱؛ ۳۰ رمضان ۱۳۳۰]

منزل زمستانی برای عساکر شیراز

کلنل دوگلاس در ۱۱ سپتامبر بقرار ذیل تلگراف می‌کند:

تا اواسط ماه اکتوبر مدت اجارهٔ منزلهای عساکر منقضی خواهد شد. آیا شما مرا اجازه می‌دهید که از مستر اسمارت خواهش نمایم سعی کرده ترتیبی برای تجدید اجارهٔ منزلهای مذکور تا مدت کمی بدهد؟ و بهتر است قرار داده شود که اجارهٔ آنها ماه به ماه تجدید شود.

مستر اسمارت بعلاوه اظهار می‌دارد که مستأجرین منزلهای مذکور از مدتی به این طرف به او اصرار می‌کرده‌اند که مقاصد خود را در باب اجارهٔ آنجاها اظهار بدارد و اگر زود به او دستورالعمل برسد، ممنون خواهد گردید.

اگر زودتر دستورالعمل بفرستید متشکر خواهیم شد چرا که مسأله دارد اهمیت پیدا می‌کند.

نمره ـ ۳۰۷

مکتوب ادارهٔ هند به وزارت خارجه

ادارهٔ هند ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۰ شهریور ۱۲۹۱؛ ۳۰ رمضان ۱۳۳۰]

آقــا

در باب تعلیماتی که به سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران به موجب تلگراف ۵ سپتامبر سر ادوارد گری داده شده، من تعلیم دارم که سواد تلگرافی را کــه از فرمانفرمای هندوستان رسیده، ایفاد داشته و اظهار دارم که در صورتی‌که نتوان دستهٔ عساکر اصفهان را عودت داد، مارکس اف کرو با این نظریه موافقت دارد که چنانچه از طرف فرمانفرما پیشنهاد شده، به دولت ایران اظهار شود که ترتیباتی را که ادامهٔ نگاه‌داشتن

عساکر در آن نقطه متضمن است تسهیل نمایند.

(امضاء) ریچی

ملفوف نمرهٔ ۳۰۷

تلگراف حکومت هندوستان به مارکس اف کرو

۷ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۵ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۵ رمضان ۱۳۳۰]

کلنل دوگلاس راپورت می‌دهد که در ۵ ماه آتیه، مدت اجـارهٔ منزلهای اسکادران اصفهان منقضی می‌شود و در صورتی‌که عمل اجاره‌ای را که حال ممکن است به اتمام نرسانیم، نمی‌توان اجارهٔ طویله‌ها را تجدید نمود و نیز نمی‌توان عمارات دیگری را اجاره نمود و ممکن است [از] تجدید اجارهٔ منزلهای عساکر هم امتناع شود.

ما ارائهٔ طریق می‌نماییم که بایستی به دولت ایران بطور سخت اظهار شود که ما را در این امر کمك نموده و هرگونه ترتیبات مقتضیه برای منزل دادن عساکر ما بعمل آورند و عساکر مذکور بایستی تا ترتیبات مزبور بعمل نیامده، از آن منازل خارج نشوند و کمافی‌السابق وجه اجارهٔ آنها را بپردازند و نظر به حوادثی که در تحت آن به اصفهان و شیراز اعزام شدند، خیلی مضحك است که عساکر ما از بابت اجاره و منزل [به] زحمت بیفتند.

نمره ـ ۳۰۸

تلگراف مس والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۱ شهریور ۱۲۹۱؛ یکم شوال ۱۳۳۰]

مخبرالسلطنه بایستی فردا از اصفهان به طرف شیراز حرکت کند من با شدت تمام تأکید می‌کنم که باید به او مهلت و فرصت داد که تقاضاهای ما را به انجام برساند.

قبل از حرکت از طهران، او به من اطمینان داد که در صورتی‌که عساکر ما مجبور شوند زمستان را در شیراز بگذرانند، او حتی‌المقدور سعی در تهیهٔ اسباب راحتی آنها خواهد نمود و خوب است که من به دولت ایران بفهمانم که تا زمانی که عساکر ما در شیراز توقف دارند، منزل مناسبی باید برای آنها تهیه شده و برای تحصیل آن اقدامات بشود.

کلنل دوگلاس در حالتی‌که اظهار عقیده می‌کند به اینکه دستهٔ عساکر اصفهان باید هرقدر زودتر که امکان دارد به شیراز عودت داده شوند، امیدوار است که این قشون مجبور نخواهند شد زمستان را در شیراز بسر برند.

راهها به استثنای مسدود بودن گاهگاه، به مقتضای موسم، تا اواخر ماه نوامبر یا اوایل دسامبر برای حرکت عساکر باز است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۰۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۱ شهریور ۱۲۹۱؛ یکم شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ سپتامبر سر والتر تنلی ـ قرضه به دولت ایران ـ خیلی خوشوقت خواهم شد از اینکه نظریات دولت روس را هرقدر زودتر بدانم.

نمره ـ ۳۱۰

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۲ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ سپتامبر طهران ـ قرضه بـه دولت ایران ـ مفاد تلگـراف فوق‌الذکر شما را، امروز در ضمن یادداشتی به مسیو سازانف ابلاغ نمودم.

جناب معظم‌له مرا اطلاع داد که دولت ایران هم، این مطلب را به او عنوان نموده و قبل از آنکه بتواند جواب قطعی بدهد، می‌خواهد در این مسأله مداقهٔ تمام نماید اما در باب قرضهٔ دیگر، او اظهار داشت که به هیچ‌وجه احتمال تحصیل رضایت دولت روس نمی‌رود تا آنکه دولت ایران امتیاز احداث خط‌آهن از جلفا الی تبریز را بدهند.

نمره ـ ۳۱۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۳ شوال ۱۳۳۰]

من منتظر جواب تلگراف ۵ سپتامبر خود می‌باشم.

اگر اسباب عـودت دسته‌ای از قشون از اصفهان به شیراز فـراهم نباشد، دولت اعلیحضرتی با عقیده‌ای که در تلگراف ۷ سپتامبر فرمانفرمای هند مذکـور شده، موافقت دارند. در آن صورت، شما باید اظهارات سخت به دولت ایران بنمایید و کلنل دوگلاس را تعلیم دهید که اوامر لازمه بر طبق آن به صاحبمنصب فرمانده در اصفهان صادر نماید ولی بهتر است که قشون مذکور به شیراز فرستاده شود.

نمره ـ ۳۱۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۴ شهریور ۱۲۹۱؛ ۴ شوال ۱۳۳۰]

کلنل دوگلاس مانعی برای عودت عساکر اصفهان به شیراز نمی‌بیند و من مشغول اقدام برای انجام این کـار هستم، لیکن تاریخ معینی را نمی‌توان قرار داد چرا کـه فرمانفرمای جدید فارس در اصفهان معطل و صاحبمنصب اسکادران مذکور برای تهیهٔ لوازمات. من حتی‌القوه در صدد حرکت فرمانفرما از اصفهان به شیراز هستم.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۱۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت‌خارجه ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۴ شهریور ۱۲۹۱؛ ۴ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۳ سپتامبر شما ـ اوضاع شیراز ـ دولت اعلیحضرتی مصمم شده‌اند که حالیه عساکر را در شیراز نگاه دارند و بنابراین لازم است که برای منزل دادن آنها ترتیبات بعمل آید. اگر در این کار اشکالی به ظهور رسید، شما باید به دولت ایران اظهار بدارید که دولت اعلیحضرتی منتظرند که از طرف دولت مشارالیها هرگونه کمك و همراهی بشود.

عساکر اصفهان باید هر زمانی که کلنل دوگلاس صلاح بداند، به شیراز عودت داده شوند.

نمره ـ ۳۱۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۴ شهریور ۱۲۹۱؛ ۴ شوال ۱۳۳۰]

راه بختیاری

قنسول اعلیحضرتی مقیم اهواز که همراه سردار جنگ به مأموریت حرکت کرده است، در ۱۰ سپتامبر از چفاخور تلگراف ذیل را مخابره نموده است:

مناسبات بسیار دوستانه‌ای بین سردارجنگ و امیر مجاهد برقرار گردیده و امیر مجاهد را ترغیب نموده‌اند که حکومت بهبهان را قبول نماید و در اواخر همین ماه، به محل حکومت خود حرکت خواهد کرد و او فقط کسی است که محتمل است بتواند در میان کهکلوئیها [=کهگیلویه‌ای‌ها] که با آنها مربوط است، نظم مستقر بدارد.

گمان می‌کنم از طرف خوانین جزو که اختلافاتشان رفع شده، اسباب زحمت و اشکالی فراهم نخواهد آمد.

دستهٔ ۲۰۰ نفری از قـراولان بختیاری (تحت امر یکی از خوانین جزء) کـه از طوایفی که اسلحهٔ خوب دارند انتخاب شده‌اند، همراه امیر مجاهد خواهند رفت و با او خواهند بود تا آنکه کهکلوئیها [=کهگیلویه‌ای‌ها] را تحت ادارهٔ خود درآورده و بعد از عدهٔ آنها تا آن اندازه‌ای که برای قراولی در قراولخانه‌ها لازم است مکفی باشد، کسر خواهد شد.

ترتیبات فوق باید برای اعادهٔ انتظامات مکفی باشد و گمان می‌کنم بتوانم توصیه نمایم که قبل از آخر این ماه ایاب و ذهاب قوافل تجدید شود.

من کاپیتان گری را برای زحماتی‌کـه در اصلاح ذات‌البین نموده است، تبریك می‌گویم و ظاهراً ترتیباتی‌که داده شده، رضایت‌بخش است و برای آتیهٔ راه بختیاری امیدواری می‌دهد.

در ابتداء چنانچه انتظار می‌رفت از بابت خوانین صغار اشکال زیادی بظهور رسید.

نمره ـ ۳۱۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۵ شهریور ۱۲۹۱؛ ۵ شوال ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل از قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز در ۱۷ سپتامبر واصل شده است:

چندین نفر از همراهان شاه مخلوع به اینجا وارد شده‌اند و در میان آنها سالار معزز و حاجب‌الدوله هستند که از راه قزوین از رشت آمده‌اند. یکی از همراهان شاه مخلوع اظهار داشت که حاجب‌الدوله در ظرف یك ماه از ادسا به اروپا رهسپار خواهد شد.

از قراری که راپورت داده شده، شجاع‌الدوله به همین زودیها برای روسیه حرکت خواهد کرد.

حشمت‌الدوله چند روز قبل از این، حرکت کرد به عنوان اینکه، به طهران برود ولی عقیدهٔ عموم بر این است که خیال دارد به شاه مخلوع ملحق گردد.

مترجم اول محمدعلی بایستی به همین زودیها از برلن به این‌جا وارد شود.

نمره ـ ۳۱۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۶ شهریور ۱۲۹۱؛ ۶ شوال ۱۳۳۰]

تعلیماتی که در تلگراف ۱۶ سپتامبر [۲۴ شهریور؛ ۴ شوال] شما مندرج بود، مجری شده‌اند. انتظار نمی‌رود در عودت اسکادران از اصفهان بـه شیراز، اسباب زحمتی فراهم آید. مخبرالسلطنه فعلا حرکت خود را به تعویق انداخته و تاریخ قطعی حرکت وی از اصفهان غیرمعلوم است، چرا که عساکری که به او وعده داده شده است، حاضر نمی‌باشند. عقیدهٔ کلنل دوگلاس بر این است که هرقدر زودتر که ممکن است، بایستی آنها را عودت داد و بـا من هم‌عقیده است که بـدون ملاحظهٔ تاریخ حرکت مخبرالسلطنه، باید تاریخی برای حرکت آنها معین شود.

من به قنسول جنرال مقیم اصفهان تعلیم داده‌ام که مخبرالسلطنه را نصیحت نموده و به او بگوید که ظاهراً این کار صحیحی نیست که اسکادران مزبور به همراه او برود ولیکن حرکت آن را نمی‌توان تا مدت غیرمعین به تعویق انداخت و آنها باید یا قبل از حرکت او یا ده روز بعد از آن، حرکت کنند. مستر گرایهم و صاحبمنصب فرمانده آنها و مخبرالسلطنه بهتر می‌توانند تاریخ حرکت آنها را تعیین کنند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۱۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۶ شهریور ۱۲۹۱؛ ۶ شوال ۱۳۳۰]

مالیهٔ دولت ایران

راجع به تلگراف ۱۴ سپتامبر از سنت پطرزبورغ:

دولت روس به همکار روسی من تعلیم داده‌اند که همین مطلبی را که وزیر امور خارجهٔ روس به سفیر ایران مقیم سنت پطرزبورغ عنوان نموده است، به دولت ایران ابلاغ نماید مشعر بر اینکه هر زمانی که دولت ایران اطمینانات رضایت‌بخش در باب امتیاز احداث راه‌آهن از جلفا الی تبریز را بدهند، خواهش دولت ایران برای قرضه به دولت روس ابلاغ خواهد شد.

نمره ـ ۳۱۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۷ شهریور ۱۲۹۱؛ ۷ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۸ سپتامبر من:

قنسول اعلیحضرتی مقیم‌کرمانشاه تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهدکه سالارالدوله و یارمحمدخان از شهر خارج شده و با ۶۰۰ نفر به طرف کردستان حرکت نموده‌اند و فعلاً سنندج را تهدید می‌کنند بطوریکه حکمران آنجا در قنسولخانهٔ عثمانی پناهنده شده و مردم از ترس فرار می‌نمایند.

دولت ایران این اجازه را تصدیق می‌کنند ولی به هیچ وجه نمی‌دانند عساکر دولتی تحت امر فرمانفرما که هفتهٔ قبل هنگامی که به طرف کرمانشاه حرکت کردند، سنندج را اشغال نموده بودند، کجا هستند.

اینطور تصور می‌شود که قشون طرفین متخاصمین، از راههای مختلف از هم گذشته و برحسب اتفاق یا برحسب نقشهٔ خود بدون خالی‌کردن گلوله، شهرهایی را که اشغال کرده بودند، مبادله نموده و هریك شهری را که دیگری اشغال ننموده[1] بوده، اشغال کرده است.

www.adabestanekave.com

---

۱) اصل: نموده. ـ م.

نمره ـ ۳۱۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۷ شهریور ۱۲۹۱: ۷ شوال ۱۳۳۰]

مخبرالسلطنه و فارس

راجع به تلگراف ۱۸ سپتامبر من:

قنسول جنرال اعلیحضرتی مقیم اصفهان راپورت می‌دهد که مخبرالسلطنه دیروز حرکت‌کرد و چنانکه[1] مقرر شده ، اسکادران روز ۳۰ سپتامبر حرکت خواهد کرد. کلنل دوگلاس این ترتیب را تصویب می‌کند.

من دیروز وزیر امور خارجه را اطلاع دادم که اسکادران مذکور در شرف حرکت از اصفهان است. علاءالسلطنه اظهار داشت که بر او حتم است بمجرد ورود فرمانفرما به فارس، تمام کارها اصلاح خواهد شد و اظهار اعتماد نمود به اینکه برای دولت اعلیحضرتی ممکن خواهد بود که تمام عساکر را قبل از زمستان عودت دهند و بعلاوه اظهار داشت که صولت‌الدوله اطمینانات صریحه از بابت پشیمانی خود و اطاعت و انقیاد نسبت به دولت داده است و او وعده داده بود که راه بوشهر را منظم نموده و اسلحه‌ای که در موقع شکست اخیر از ژاندارمها گرفته شده بود مسترد دارد.

علاءالسلطنه از من استفسار نمود که آیا صولت‌الدوله اطمینان مشابهی به من هم داده است یا نه. من جواب دادم بلی داده است ولی چون به عقیدهٔ من فقط کسی‌که بتواند اختلافات فیمابین رؤسای ایلات را رفع نماید فرمانفرمای جدید خواهد بود، من در جواب مخابرات صولت‌الدوله چیزی تلگراف نکرده‌ام.

نمره ـ ۳۲۰

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۷ شهریور ۱۲۹۱: ۷ شوال ۱۳۳۰]

خط آهن جلفا و قرضهٔ روس به دولت ایران

یادداشت دولت روس اطلاعی را که من به موجب تلگراف ۱۴ سپتامبر خود داده‌ام تصدیق می‌کند و مشعر است بر اینکه به مجرد آنکه دولت ایران به سفیر روس مقیم طهران کتباً تصمیم خود را در اعطای امتیاز اطلاع دادند، دولت روس مسألهٔ قرضه را در تحت ملاحظه خواهند آورد.

نمره ـ ۳۲۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۷ شهریور ۱۲۹۱؛ ۷ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۸ سپتامبر شما:

---

۱) اصل: چنانچه. ـ م.

من طریقه‌ای را که پیشنهاد شده است در موضوع عساکـر اصفهان عمل شود، تصویب می‌کنم. شما حالا باید مراسله‌ای به مضمون ذیل برای دولت ایران بنویسید:

هرگاه نظر به اوضاع ایالت، عودت عساکر صلاح بود و اگر شرایط معتدلی که در طی مراسلهٔ سر جارج بارکلی در ۴ آوریل گذشته ارائه شده بود پذیرفته گردیده بود، دولت اعلیحضرتی قبل از این تاریخ، عساکر خود را از اصفهان و شیراز عودت داده بودند. با وجود این، دولت اعلیحضرتی مایل می‌باشند که حسن‌نیت و تحمل خود را نسبت به دولت ایران ابراز داشته و مشغول ترتیباتی هستند که عساکر مزبور را از اصفهان و شیراز عودت دهند و دولت اعلیحضرتی این اقدام را به این قصد و اراده خواهند کرد که برای مخبرالسلطنه مهلتی برای اعادهٔ انتظامات بـاشد و تلافیهای لازمه‌ای را که دولت اعلیحضرتی بـرای حملهٔ بی‌جهت بـر صاحبمنصب انگلیسی و مستحفظین او مطالبه می‌نمایند، بعمل آورد و اعتماد دارند که مساعی جناب معظم‌له برای انجام مقاصد مذکور، موفقیت حاصل خواهد کرد.

چون اعتماد داریم به اینکه دولت ایران رویهٔ دوستانهٔ خود را شناخته و می‌شناسند، دولت اعلیحضرتی از آنها خواهش می‌کند که تعلیمات لازمه به مأمورین محلی بدهند که برای تحصیل محل و منزل صحیح برای عساکر، هرقدر که ممکن است در شیراز همراهی و کمك بشود و به همینطور برای دسته‌ای کـه قرار است از اصفهان بـه شیراز عودت داده شود، اگر همراهی لازمه نشود، دولت اعلیحضرتی مجبورند به اینکه وادارند برای آنها سربازخانه ساخته شود و دولت ایران را مسؤول مصارف آن خواهند دانست.

نمره ـ ۳۲۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۸ شهریور ۱۲۹۱؛ ۸ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ سپتامبر خودتان ـ شیراز ـ شما باید کلنل دوگلاس و مستر اسمارت را اجازه دهید که سعی نموده اجارهٔ منزلها را تجدید نماید که اگر لازم باشد این زمستان هم در اجارهٔ ما باشد.

نمره ـ ۳۲۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۹ شهریور ۱۲۹۱؛ ۹ شوال ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل از جنرال‌قنسول مقیم اصفهان رسیده است:

صاحبمنصب فرمانده عساکر مرا اطلاع می‌دهد (پس از مشورت با کلنل دوگلاس) که تاریخ حرکت اسکادران را پنجم اکتبر قرار داده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۲۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ اوت ۱۹۱۲ [۱۸ امرداد ۱۲۹۱: ۲۵ شعبان ۱۳۳۰]

آقـا

در باب تلگراف ۱۷ شهر جاری من، افتخار دارم که سواد نوتی را لفاً ایفاد دارم که سفیر روس و من به زبان انگلیسی در ۱۷ شهر جاری برای وزیر امور خارجه نوشته و ایشان را اطلاع داده‌ایم که چنانچه به سمع ما رسیده دولت ایران از سفیر هلند خواهش نموده‌اند که از دولت هلند استفسار نماید که آیـا مایل هستند برای ژاندارمری که در نظر دارند تشکیل دهند، صاحبمنصب بدهند و جناب معظم‌له را به این مسأله متذکر نموده‌ایم که چنین اقدامی با قرار و مداری که داده شده است که قبل از استخدام صاحبمنصبان خارجه، دولت‌ایران بایستی نصیحت سفارتین را تحصیل نمایند، موافقت ندارد و در خاتمه خواهش نموده‌ایم که بنابر قراردادی که در موقع پرداخت مساعدهٔ مشترك در مارس گذشته بعمل آمده، نقشهٔ تشکیل قشون جدید که ظاهراً طرح شده، بایستی به ما ارائه شود.

ملفوف نمرهٔ ۳۲۴

مکتوب سفرای انگلیس و روس به علاءالسلطنه

۱۷ اوت ۱۹۱۲ [۲۶ امرداد ۱۲۹۱: ۴ رمضان ۱۳۳۰]

حضرت اشرف

چنانچه بر سفارتین معلوم گردیده، دولت ایران چنان صلاح دانسته‌اند که از دولت هلند استمداد نمایند برای آنکه ۲۷ نفر از صاحبمنصبان نظامی هلند را تعیین‌نمایند قشون کمی را که دولت علیه در نظر دارند تشکیل دهند.

ما می‌خواهیم حضرت اشرف را متذکر نماییم که در صورتی‌که معلوم شود که اطلاع ما صحت داشته باشد، چنین اقدامی ظاهراً با قراردادی که داده شده، موافقت ندارد و چنانچه خود حضرتعالی مسبوق می‌باشید، دولت ایران به موجب قرارداد مذکور، در باب استخدام مستخدمین و صاحبمنصبان خارجه اینطور قرار دادند که قبل از وقت، با سفارتخانه‌های انگلیس و روس تبادل افکار نمایند.

ما، بعلاوه خاطرنشان می‌نماییم که به موجب مراسلات ۱۹ و ۲۰ ماه فوریهٔ [یکم اسفند ۱۲۸۹، ۲۰ صفر ۱۳۲۹] گذشته، اینطور مقرر گردید که نقشهٔ قشونی[1] که دولت ایران در نظر دارند در موقع مناسبی تشکیل دهند، به سفارتین ارائه شود برای آنکه در مواد لازمهٔ آن تبادل نظریات بشود. تصور می‌شود که اگر قصد دولت ایران این است که بهمین زودیها از صاحبمنصبان خارجه استمداد نمایند، بایستی چنین نقشه‌ای را تاکنون طرح نموده باشند.

---

۱) اصل: قشونی را. ـ م.

بنائاً علی‌هذا چنین نقشه‌ای بنابر قرار و مدار دوستانه که داده شده و در مراسلاتی که مبادله شده مذکور و مسطور است، باید هر قدر زودتر به سفارتخانه‌ها ارائه شود.

(امضاء) پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] کزیل والتر تنلی

نمره ـ ۳۲۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]

آقـا

در باب تلگراف‌سفیر سابق و جواب‌شما مورخهٔ۲۴ و ۲۷ ژانویه افتخار دارم راپورت دهم که خزانه‌داری کل مرا اطلاع داده است که تعیین هشت نفر از بلجیکیها [= بلژیکی‌ها] برای معاونت خزانه تصویب شده است. مسیو مرنارد بعلاوه مرا اطلاع می‌دهد که دولت ایران تصمیم نموده‌اند دو نفر بلجیکی دیگر برای ادارهٔ پستخانه استخدام نمایند و به همین زودی با مسیو بویر یکی از اتباع روس، باب مذاکرات مفتوح خواهند داشت که او را برای مفتشی مهندسی تلگرافات ایران تعیین نمایند. مسیو بویر از چندین سال به این طرف به همین شغل در ادارهٔ تلگرافی هند و اروپا مستخدم بوده است.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۳۲۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم راپورت دهم که نظر به اغتشاشی که ممکن است از بابت نان در طهران به ظهور رسد، خزانه‌داری کل قراری با انجمن نانواها داده است و دعوی می‌کند که این قرارداد، به هرگونه بیم و وحشت اغتشاش در آتیه خاتمه داده و دیگر ممکن نیست وزراء بتوانند خرید و فروش گندم را وسیلهٔ دخل شخصی خود قرار دهند.

این انجمن متعهد می‌شوند که چهل و پنج دکان نانوایی در نقاط مختلفهٔ شهر راه انداخته، نان یکساله را بدهند و فقط گندمی را که از طرف دولت به آنها داده می‌شود، بکار ببرند و خزانه‌داری کل متعهد می‌شود که مقدار معین گندم یومیه به آنها بدهد به شرط آنکه آن را فقط در دکاکین مذکور به مصرف برسانند. اگر دکاکین مذکور برای مصرف گندمی که دولت می‌دهد کافی نباشد، انجمن مذکور مجاز هستند که بر عدهٔ آنها بیفزایند و انجمن مذکور متعهد می‌شوند که آنچه گندمی که از مصرف یومیه باقی می‌ماند، به انبارهای دولتی مسترد دارند. در صورتی که گندمی غیر از

گندم دولت به مصرف رسد یا آنکه گندم را با چیزهای دیگر مخلوط کنند، بعضی مجازاتها به عمل خواهد آمد.

کنترات مذکور را کابینه تصویب نموده‌اند و به موجب آن، تمام نانواها می‌توانند از انبارهای دولتی غله بخرند.

خزانه‌داری کل حاضر است که یومیه ۲۵۰ خروار گندم به دکاکین مزبور برساند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۳۲۷ [1]

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ اوت ۱۹۱۲ [۲۲ امرداد ۱۲۹۱؛ ۲۹ شعبان ۱۳۳۰]

آقـا

اظهاری که اخیراً در مجلس مبعوثان شد کـه ظاهراً محتمل نیست کـه هیأتی از سرمایه‌داران یافت شود که با این اوضاع مغشوش سیاسی و مالی ایران، بدون وثیقه از طرف دولت انگلیس یا روس قرضه بدهند، اسباب تغیر خیلی زیاد در اینجا شده است.

به موجب تلگرافی که از سفیر ایران مقیم لندن رسیده، مرا مسؤول قرار داده‌اند که دولت اعلیحضرتی را از عایداتی که دولت ایران می‌تواند محل تأمین قرضه قرار دهد، درست مطلع نساخته‌ام بلکه سبب این شده‌ام که امر بر آنها مشتبه گردد.

وزیر امور خارجه در این موضوع بطور سرزنش و ملامت با من صحبت نموده، اظهار داشت که: در صورتی‌که بگذارند، دولت ایران می‌تواند به سهولت از جاهای دیگر قرض کند.

من برای علاءالسلطنه توضیح نمودم که یحتمل مقصود شما از این اظهار، غیرمکفی بودن تأمیناتی است که خزانه‌داری کل برای قرضهٔ ۶،۰۰۰،۰۰۰ لیرا ارائه نموده، و این مبلغ، تصور می‌شد کمترین مبلغی است که برای احتیاجات ایران لازم می‌شود که بتواند قروض خود را پرداخته و مالیهٔ خود را براساس محکمی استوار نماید که بتوان امید داشت از این پول، نتایج منتظره حاصل شده و به وسیلهٔ آن عایدات دیگر تحصیل گردد.

من در این باب، با مسیو مرنارد مذاکره نموده‌ام و عقیدهٔ او بر این است که عایدات موجودهٔ ایران بایستی کافی باشد که قرضهٔ ۶،۰۰۰،۰۰۰ لیرا را تأمین نماید ولی می‌گوید که چنین ترتیبی مستلزم مصرف کلیهٔ وجوهاتی است که ایران برای مصارف لازمه احتیاج دارد [و] دیگر برای مصرف یومیه چیزی باقی نخواهد ماند. او بعلاوه اظهار داشت که از زمانی‌که در باب امکان حصول قرضه در ماه مه گذشته مذاکره نمودیم، پیشنهاداتی ارائه نموده است زیرا که بر او محسوس بوده که وجوهات چنین

---

۱) اصل: ملفوف نمرهٔ ۳۲۷. ـ م.

قرضه‌ای بایستی به مصرف پرداخت دعاوی و تشکیل قشون و سایر مقاصد بی‌حاصل برسد و آنوقت، اوضاع ایران از حیث مالیه، از حالیه بدتر خواهد شد.

مسیو مرنارد تصور می‌کرد که با دلیل، می‌توان امیدوار بود که همینکه در عملیات ادارهٔ او استحکام زیادتری حاصل شد، بهبودی تدریجی در مالیه پدیدار خواهد گردید ولی او موافق بود با این مسأله که تزیید احتمالی عایدات را نمی‌توان به سرمایه‌داران اروپایی به جای عایدات صحیح قلم داد که ممکن است بخواهند عایدات خالص را که ایران می‌تواند محل قرضه قرار دهد، بدانند چیست. به تصور او، نافع‌ترین چیزی برای ایران، قرضهٔ کمتری خواهد بود که محل مصرف آن بطور وضوح تعین شود [این پول] بایستی مخصوصاً به مصرف نقشه‌هایی برسد که به وسیلهٔ آن بتوان بر عایدات افزود. او ظاهراً چندان اهمیتی به قدر و قیمت قشونی که موجب اعاده و استقرار نظم باشد، نمی‌داد و اظهار امیدواری نمود که ممکن است امکان داشته باشد پرداخت وجوهات دعاوی را به تأخیر انداخت تا زمانی که مملکت بتواند از این سرمایه که داده می‌شود، انتفاعی حاصل نماید.

عقیدهٔ من بر این است که بسیار مشکل است که از کم و کیف عایداتی که قرضه را تأمین نماید اطلاعاتی حاصل نمود مگر آنکه یك نفر یا چند نفری که در این کارها مهارتی داشته باشند و کمتر از مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] و من در امورات اشتغال داشته باشند، آمده و مداقهٔ لازمه در این کار بنمایند. در مملکتی که بودجه یا احصائیه ندارد، بسیار مشکل است که شخص بتوانـد عقیدهٔ صحیحی از بابت اوضاع مالی آن داشته باشد.

از قرار معلوم، خزانه‌داری کل بسیار امیدوار به پیشرفت نقشهٔ اداری است که خیال دارد [در] داخل و خارج طهران مجری و معمول دارد و می‌گوید که [با] این طریقهٔ وصول مالیات، هنگامی که بشود آن را در سایر نقاط مملکت مجری و معمول داشت، می‌توان متدرجاً نتایج بهتری[1] بدست آورد.

از وقتی که شروع به نوشتن این‌مراسله نمودم، خزانه‌داری‌کل، صورت‌عایدات‌دولت ایران را تهیه نموده است. قصد دولت این [است] که سواد آن را برای نمایندگان خارجهٔ خود بفرستند ـ و من سواد آن را برای اطلاع شما فرستادم ـ برای آنکه آنها بتوانند سوء تأثیری [را] که نسبت به اوضاع مالی این مملکت در اروپا و اتازونی از اظهار شما در مجلس مبعوثان شده و فوق این مراسله بـدان اشاره نمودم، رفع نمایند.

قرائت این صورت نشان می‌دهد که بین آن و صورت عایداتی کـه در ماه مارس گذشته انتشار داده شد و سواد آن را سر جارج بارکلی در ۹ مارس برای شما فرستاد، اختلاف وجود دارد. و نیز مشاهده خواهد شد که عایدات تخمینی گمرکات و تلگرافخانه و ضرابخانه و مسکوات و غیره و سایر منابع، برای سال جاری ۱۰۰،۰۰۰ لیرا می‌باشد

---

۱) اصل: بهتری از آن. ـ م.

و از مبلغی که در ماه مارس تخمین شده بود زیادتر است و چند فقره عایدات تازه هم در صورت مذکور دیده می‌شود و حال آنکه مالیات جنسی با مالیات نقدی که برای مصارف اداری تخصیص شده تقریباً مساوی است.

چنانکه[1] ملاحظه خواهد شد، به علت گرانی قیمت نقره و کمی سکه، عایدات ضرابخانه از سیصد هزار تومان به یکصد هزار تومان تخفیف یافته و از طرف دیگر، تخمین شده است که از مالیات تریاك و مسکرات پانصد هزار تومان در عوض صد و چهل هزار تومان عاید خواهد شد.

مسیو مرنارد توضیح می‌دهد[2] که علت اضافه مالیات تریاك و مسکرات این است که او حالا بهتر می‌تواند تحدید تریاك را اداره کند و اظهار می‌دارد که از این منبع، فیمابعد، بهتر می‌توان عایدات بدست آورد.

اوضاع گمرکات‌شمالی کمافی‌السابق رضایت‌بخش‌است ولی از قراری‌که فهمیده‌ام، در عایدات گمرکات جنوبی تخفیف حاصل شده است.

در ضمن صحبتی که تازگی در میان بود، خزانه‌داری کل اظهار داشت که در فکر این است که بر گمرك تمام واردات کمی بیفزاید.

روی‌هم‌رفته گمرك تمام واردات، از روی قیمت، صدی هفت است در صورتی‌که از بعضی اجناس بکلی حقوق گمرکی اخذ نمی‌شود و اظهار داشت که این اضافه حقوق گمرکی را طوری ترتیب خواهد داد که در واردات نقصانی حاصل نشده یا قیمت آن‌را برای خریداران زیاد نماید[3].

مسیو مرنارد را عقیده بر این است که حتی برای او هم بسیار مشکل است که از روی صحت، ابراز عقیده‌ای در باب اوضاع مالی بنماید لیکن از قرار معلوم به تخمین فقرهٔ اول عایدات اعتماد دارد اگرچه من از بعضی فقرات آن مشکوك می‌باشم.

گویا تخمین عایدات مالیاتی بیشتر خیالی و قیاسی بوده است زیرا که مسیو مرنارد مکرر اعتراف نموده است که از بسیاری ایالات و ولایات چیزی وصول نمی‌شود.

اگرچه در بعضی از ایالات و ولایات مذکوره از قبیل فارس قانون و نظم برقرار شود، مبالغ زیادی عایدات بدست خواهد آمد که هم به مصرف اداره‌کردن آنجاها رسیده و هم به مقاصد ملی صرف شود از بعضی ایالات دیگر مثل آذربایجان و خراسان هم تا همین اواخر عایدات صحیح وصول می‌شد ولی حالا دیگر چیزی از آنها وصول نشده و به کیسهٔ دولت دیگر کمکی نمی‌رسانند.

مسیو مرنارد به من اظهار داشت که قصد دولت ایران این است که به همین زودیها پیشنهاد قرضهٔ ۵،۰۰۰،۰۰۰ لیرا به سفارتین عرضه بدارند لیکن از صمیم قلب امیدوار است که دولتین راضی خواهند شد قبلا ۲۰۰،۰۰۰ لیرا بدهند برای آنکه بتواند تا زمانی که قرضهٔ مذکور تحصیل نشده، چند ماهی امورات را اداره نماید.

---

۱) اصل: چنانچه. ـ م.
۲) اصل: می‌کند. ـ م.
۳) چنین است در اصل (ننماید؟). ـ م.

او بعلاوه اظهار داشت که نمی‌خواهد مبلغ مساعده به اندازهٔ مساعدهٔ آخری باشد که پس از وصول آن، او دیگر نتوانست پرداخت بعضی وجوهات را در عید نوروز به تعویق اندازد بلکه مجبور شد در ماه ژویت گذشته مبلغ ۴۰،۰۰۰ لیرا ـ قریب سه ماه پس از وصول مساعدهٔ مذکور ـ در موقعی که از حیث پول کار بر وی سخت شده بود، مسترد دارد.

(امضاء) والتر تنلی

ترجمهٔ ملفوف نمرهٔ ۳۲۷

صورت عایدات ایران که از طرف
خزانه‌داری کل تهیه شده است

عایدات حالیهٔ ایران که وصول آن به دست خزانه‌داری کل است، راجع به سنهٔ سیچقان ئیل[1] می‌باشند:

۱) عایدات گمرك و تلگرافخانه و ضرابخانه و پاسپورت و تریاك و مسکرات و روده و تمبر و معادن و تنباکوی رژی و امتیاز نفت

	تومان
حداقل	۴۵،۰۰۰،۰۰۰
حداکثر	۵۷،۰۰۰،۰۰۰

۲) مالیات املاك اربابی و خالصه

حداقل	۲۵،۰۰۰،۰۰۰
حداکثر	۵۰،۰۰۰،۰۰۰

جمع عایدات

حداقل تخمینی	۲ ۷۰،۰۰۰،۰۰۰
حداکثر تخمینی	۱۰۷،۰۰۰،۰۰۰

دولت ایران بایستی سالیانه استهلاك قروض ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ (روس) و ۱۹۰۴ (هندوستان) و ۱۹۱۱ (انگلیس) را که جمعاً ۱۴،۰۰۰،۰۰۰ تومان می‌شود بپردازند.

اگر دولت قرضهٔ جدیدی از قرار صدی پنج بدست آورند، بایستی سالیانه از بابت اصل و فرع، مبلغ ۱،۴۴۰،۰۰۰ تومان بپردازند.

کلیهٔ وجوهاتی که باید از بابت قروض سابقه و قرضهٔ آتیه داده شود، از ۲،۸۴۰،۰۰۰ تومان بالغ نخواهد شد و حال آنکه عایدات گمرك فقط از ۳،۲۰۰،۰۰۰ تومان تا ۳،۵۰۰،۰۰۰ تومان است.

در صورتی که دولت ایران برای قرضهٔ ۵،۰۰۰،۰۰۰ لیرا کنترات نمایند، از وجوهات این قرضه باید مصارف ذیل را فوراً بپردازد:

---

۱) سال موش (نك: صفحهٔ ۱۸۹۱). ـ م.
۲) اصل: ۷۰،۲۵۰،۰۰۰. ـ م.

۱) قروض مختلفه از زمان مظفرالدین‌شاه و محمدعلی میرزا ۷۳،۰۰۰،۰۰۰ تومان
۲) قروض جدیده ۱۴،۷۵۰،۰۰۰ تومان
۳) دعاوی مختلفه که تاکنون داده نشده ۱۵،۰۰۰،۰۰۰ تومان
جمع ۱ ۱۰۲،۷۵۰،۰۰۰ تومان

پس از دریافت وجه قرضهٔ مذکور و استرداد کلیهٔ قروض جاریه، حداقل مبلغ ۱۲۵،۰۰۰،۰۰۰ تومان برای دولت باقی خواهد بود و این مبلغ برای اصلاحات تا دو سال، به خوبی کافی می‌باشد.

عایدات سالیانه برای تامین قرضه

	حداقل تومان	حداکثر تومان
گمرکات	۳،۲۰۰،۰۰۰	۳،۵۰۰،۰۰۰
تلگرافخانه	۱۰۰،۰۰۰	۱۵۰،۰۰۰
ضرابخانه	۱۰۰،۰۰۰	۵۰۰،۰۰۰
پاسپورت	۲۵۰،۰۰۰	۳۵۰،۰۰۰
تریاك و مسکرات	۵۰۰،۰۰۰	۷۵۰،۰۰۰
روده	۵۰،۰۰۰	۷۰،۰۰۰
جزیرهٔ هرمز	۳۰،۰۰۰	۶۰،۰۰۰
معادن مختلفه	۴۰،۰۰۰	۵۰،۰۰۰
تنباکوی رژی	۱۵،۰۰۰	۲۰،۰۰۰
تمبر	۱۰۰،۰۰۰	۱۵۰،۰۰۰
نفت	۱۴۰،۰۰۰	۱۴۰،۰۰۰
	۴،۵۲۵،۰۰۰	۵،۷۴۰،۰۰۰
	۲،۵۰۰،۰۰۰	۱ ۵،۰۰۰،۰۰۰
	۷،۰۲۵،۰۰۰	۱۰،۷۴۰،۰۰۰

قروض

قروض دولتی	پرداختهای سالیانه
قروض ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ صدی پنج از روس	۹۵۰،۰۰۰ تومان
قرضهٔ ۱۹۰۴ صدی پنج هندوستان	۴۵۰،۰۰۰
قرضهٔ ۱۹۱۱ صدی پنج بانك شاهنشاهی	۱،۴۰۰،۰۰۰

---

۱) اصل: ۱۰۴،۸۷۰،۰۰۰. ـ م.
۲) چنین است در اصل و ماهیت این دو پیکره روشن نشده است. ـ م.

قرضهٔ آتیه۱۹۱۲	۵،۰۰۰،۰۰۰ لیرا از قرار صدی‌پنج	۱،۴۱۴،۰۰۰
		۱ ۲،۸۱۴،۰۰۰

اوضاع مالی ایران پس از استرداد قروض جاریه به‌وسیلهٔ قرضهٔ دیگر

قرضهٔ ۱۹۱۲	۵،۰۰۰،۰۰۰	لیرا
صدی هشتاد و پنج	۴،۲۵۰،۰۰۰	تومان
وجه لیرا به حساب قران	۲۳،۰۰۰،۰۰۰	تومان
منهای وجوهات استردادی	۱۰،۴۸۷،۰۰۰	
وجوهاتی که باقی می‌ماند	۱۲،۵۱۳،۰۰۰ ۲	
۱) قرضهٔ اشنیدر پاریس	۱،۲۰۰،۰۰۰	
قرضهٔ بانك دسکونت	۲۲۵،۰۰۰	
قرضهٔ سابق بانك مذکور	۱۱۲،۰۰۰	
قرضهٔ تومانیانس	۱۵۰،۰۰۰	
	۱،۶۸۷،۰۰۰	
۲) مبلغ تخمینی دعاوی که پرداخته نشده	۱،۷۰۰،۰۰۰	
۳) مجموع قروض صدی هفت بانك روس	۶،۰۰۰،۰۰۰	
مساعدهٔ آخری	۱،۱۰۰،۰۰۰	
جمع	۷،۱۰۰،۰۰۰	
جمع کل	۱۰،۴۸۷،۰۰۰	

نمره ـ ۳۲۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۲ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۲ رمضان ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم اینك صورت خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۳۲۸

خلاصهٔ وقایع ایران لغایت ۴ سپتامبر

طهران

حکام ایالات و ولایات ـ مخبرالسلطنه که در خلاصهٔ وقایع آخری راپورت داده شد از طهران خارج شد، تا ۲۲ ماه اوت در حقیقت از حدود طهران حرکت نکرد و آنوقت

---

۱) اصل: ۲،۸۴۰،۰۰۰. ـ م.

۲) این پیکره گویا درست نیست زیرا ماندهٔ ارقام برابر ۱۶،۷۶۳،۰۰۰ تومان می‌شود. ـ م.

با دو نفر از صاحبمنصبان سوئدی و یکصد نفر از ژاندارمری خزانه و قریب دویست نفر سوار حرکت کرد.

انتخابات مجلس ــ در تحت اوامر حکومت مرکزی کمیته‌ای مرکب از وکلای سابق و اعیان تشکیل گردید که در مسألهٔ انتخابات جدید مداقه نموده مخصوصاً ببینند انتخابات جدید را بایست به موجب قانون انتخابات مجلس به عمل آورد یا آنکه به واسطهٔ حوزه‌های انتخابی مثل سابق به انجام رسانند.

کمیتهٔ مذکور تصمیم نمود که تغییر سیستم انتخابی که مجلس سابق اتخاذ نموده، خلاف قوانین مشروطیت می‌باشد و چون حکومت مرکزی تصور می‌کنند غیرممکن است حالیه از روی سیستم مذکور انتخابات بشود. تا مدتی انعقاد مجلس جدید را به تعویق انداخته‌اند.

مأمورین دیپلوماسی ــ پرنس هنری ریس سفیر جدید آلمان دهم اوت به طهران وارد شد و روز بعد اعتبارنامه‌های خود را عرضه نمود.

یوم تولد شاه ــ روز ۱۱ اوت مراسم جشن مولود شاه به عمل آمد. روز بعد، مأمورین دیپلوماسی به حضور اعلیحضرت مشرف شده و غروب آن روز را از طرف صدراعظم، رسما به شام دعوت شدند.

ژاندارمری دولت ــ شش نفر صاحبمنصب سوئدی که در ماه ژوئیت برای خدمت در ژاندارمری از استخهلم [=استکهلم] حرکت کرده بودند، ماه گذشته وارد طهران شدند.

تبریز

اقدامات نظامی برعلیه [=علیه] شاهسونها در تمام ماه گذشته در کار بود و به قرار راپورتهای اخیری که از قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز رسیده، یاغیان در نیمهٔ آخری ماه اوت شکست سختی خوردند. تلفات روسها نیز زیاد بود چونکه در ۲۳ ماه [۳۲ امرداد: ۱۰ رمضان] قریب ۷۰ نفر مقتول و مجروح آنها را، از اردبیل به تبریز آوردند.

در ۲۹ اوت سپهدار اعظم در بارنك، که خارج شهر واقع‌اند آمده، مردم آنجا به‌دیدن او می‌رفتند.

رشت و قزوین

در ۱۰ اوت [۱۹ امرداد: ۲۶ شعبان] ۶۰۰ قزاق و پیاده‌نظام از بادکوبه وارد انزلی شدند و از این عده. ۲۰۰ نفر روز ۳۱ از طالش حرکت نمود.

دستهٔ ۱۰۰ نفری قشون روس که در همدان بودند، در ۷ اوت به قشونی که در قزوین بود، ملحق شدند.

مشهد

در عرض ماه گذشته، در اوضاع شهر و ایالت مشهد، تغییری حاصل نشده است. عدهٔ قشون روس در مشهد و قوچان به ۸۵۰ و ۲۵۰ نفر تخفیف داده شده است.

اصفهان

در این تازگی، سلطان‌آباد و قم، مراکز عمدهٔ انقلاب بوده است. حکام این دو نقطه قشون ندارند و لذا برضد راهزنانی که این نواحی را اشغال نموده‌انـد، نمی‌توانند اقدامی بنمایند.

با وجود اظهارات مکرره که به حکومت مرکزی شده، پناهندگانی که در ماه ژویت گذشته در تلگرافخانه بست اختیار نمودند، هنوز از آنجا خارج نشده‌اند.

سردارجنگ در غرهٔ اوت [۱۰ امرداد؛ ۱۷ شعبان] به اصفهان وارد شد و در ۲۳ حرکت نمود که مشاغل خود را به مقام ایلخانی‌گری ایل بختیاری به عهده گیرد.

یـزد

انتظام‌الملك که از سه ماه به این‌طرف یکی از عناصر اغتشاش یزد بود و ظاهراً صلاح خود را در این ندید که در ماه ژویت گذشته با دولت از در صلح درآید (رجوع به خلاصهٔ وقایع آخری کنید) در اوایل مـاه گذشته، وارد نائین شده و شروع بـه اغتشاش‌کاری نمود.

نایب‌الحکومهٔ اردستان، با دسته‌ای از بختیاریها برای مقابله با انتظام‌الملك حرکت نموده، در سرهنگ‌آباد، طرفین با هم بنای جنگ گذارده و انتظام‌الملك و پنج نفر از همراهان او به قتل رسیدند و باقی فرار اختیار نمودند.

استاد محمد که یکی از سرکردگان هیجان رولوسیونر۱ سال گذشته بود، از قراری که در ۱۱ اوت راپورت داده شد، با قشونی مرکب از ۴۰۰ سوار به طرف یزد در حرکت بود.

شیراز

از ۵ اوت [۱۴ امرداد؛ ۲۱ شعبان] تاکنون، دیگر جنگی رخ نداده لیکن عساکر صولت‌الدوله، هنوز کوههای حدود شیراز را اشغال نموده‌اند۲ و ایاب و ذهاب در راه بوشهر به تعویق افتاده است. استعداد اعراب و قشقائی که در شیراز اجتماع نموده‌اند، هنوز برای مقابله با صولت‌الدوله حرکت ننموده۳اند.

عده‌ای از سوارهای صولت‌الدوله چند صندوق متعلق به سوار هند مرکزی را که از راه فیروزآباد از بوشهر فرستاده شده بود، غارت نموده و مقداری اموال شخصی متعلق به دولت و قشون معادل ۱۶۵ لیرا به غارت رفت.

کـرمان

امیر مفخم ایالت جدید کرمان، در ۲۶ اوت [۳ شهریور؛ ۱۳ رمضان] وارد یزد شد، لیکن هنوز به کرمان وارد نشده است.

کرمانشاه

به علت غارتگری همراهان سالارالدوله و سایر دستجات سارقین در کـردستان،

---

۱) چنین است در اصل (رولوسیونر = انقلابی). ـ م.
۲) اصل: نمودند. ـ م.
۳) اصل: نموده (که از روی قرینه اصلاح شد). ـ م.

فرمانفرما شروع نمود به تهیهٔ اینکه به آن ناحیه رفته و انتظامات آنجا را اعاده نماید.

در ۱۵ اوت [۲۴ امرداد؛ ۲ رمضان] فرمانفرما، همینکه شنید سالارالدوله در ۴۰ میلی کرمانشاه است، با قشون خود برای سنندج حرکت نمود.

در ۱۹ اوت یارمحمدخان و ۳۰۰ نفر از مجاهدین، فرمانفرما را ول کرده به کرمانشاه مراجعت نمودند.

به‌موجب تلگرافی که از قنسول اعلیحضرتی واصل شد، مجاهدین، خود را طرفدار سالارالدوله اعلان نموده‌اند ولی اخباراتی که برای حکومت مرکزی رسیده، مشعرند به اینکه یارمحمدخان اعلانی منتشر نموده است به اینکه مراجعت او به هیچ وجه به علت خصومت با فرمانفرما نبوده بلکه او و همراهانش خواهان افتتاح مجلس و تغییر حکومت می‌باشند.

به قرار راپورتهای اخیره، شهر بدست مجاهدین و آرام است.

بندرعباس

دستهٔ ۱۰۰ نفری از سوارهای بهارلو، در ۲۴ اوت [یکم شهریور؛ ۱۱ رمضان] به حدود بندرعباس آمده و یکی از اتباع انگلیس را در نی‌بند که به مسافت دو میلی شهر واقع است، غارت نمودند. روز بعد، به گمرکخانه حمله نموده و شش تفنگ و هشتصد تومان برده، یك گلهٔ بزرگ را هم غارت نمودند.

نایب‌الحکومه تفنگچیهای خود را برای دفع آنها فرستاد لیکن ظاهراً آنها از طرف شدن با ایلیاتیهای مذکور احتراز نمودند.

در غرهٔ سپتامبر [۹ شهریور؛ ۱۹ رمضان] غارتگران مذکور از آن ناحیه حرکت کردند.

نمره ـ ۳۲۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۲ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۲ رمضان ۱۳۳۰]

آقا

اشکالاتی که حکومت مرکزی در ایالت فارس به آن دوچار شده و می‌شوند، در اوایل اوت به واسطهٔ مخاصمات ایلات عرب دور و حوالی[1] ده‌بید که منجر به قتل یکی از رؤسای عرب گردید، زیادتر شد.

رؤسای عرب که به‌سرکردگی دستجات شیراز بودند تهدید نمودند که با همراهان خود حرکتی خواهند کرد که انتقام قتل خویش خود را بگیرند.

قوام‌الملك کوشش نمود که آنها را ترغیب نماید در شهر بمانند ولی برای آنکه مبادا از اصرارهای او نتیجه گرفته نشود، اعراب باصری و سایرین را احضار نموده

---

۱) اصل: دوره‌حوالی. ـ م.

است.

قریب همان تاریخ، همراهان صولت‌الدولهٔ یاغی، مجدداً در راه بوشهر بین چنار راهدار و زینان[1] حمله برده و یك قافلهٔ الاغی را که از فارسی‌مدان حرکت کرده بود، غارت نمودند و دفعهٔ دیگر هم به قره‌باغ هجوم آورده و به این طریق قوام‌الملك را مجبور نمودند دستهٔ کوچکی از کشکولیها را به آنجا بفرستد.

قشقائیها هم، در شب ۱۳ اوت [۲۱ امرداد؛ ۲۸ شعبان] یك قهوه‌خانهٔ بزرگی را در شیراز، عقب قنسولخانهٔ انگلیس غارت نمودند و همان روز اعراب، مقدار زیادی گندم را به ورود شهر[1] بردند. به علت این اقدام، قوام‌الملك استعداد عرب خود را تا دو میل از شهر حرکت داد.

بعلاوهٔ این اغتشاشات، چنانکه راپورت داده شد، دسته‌ای از کشکولیها در شمال شیراز تا زرقان، مشغول غارت می‌باشند.

مستر اسمارت راپورت داد که نه رؤسای خمسه و نه رؤسای قشقائیها هیچکدام نمی‌توانستند از سواران خود داخل یا خارج شهر جلوگیری نمایند و رئیس عمدهٔ بهارلوها به قوام‌الملك نوشته بود که دیگر سعی نخواهد کرد که از ایلیاتیهای خود که از اختیار وی خارج بودند، جلوگیری نمایند و خبر داده بود که سیمهای تلگراف را هر روز قطع می‌نمایند.

در ۱۴ اوت ۱۳۰ نفر سرباز بدون اینکه قبلا اطلاع دهند، به قنسولخانه آمدند که در آنجا بست اختیار نمایند. مستر اسمارت ده نفر از آنها را پذیرفت تا آنکه ترتیب کارشان داده شود و بدین واسطه آنها را ترغیب نمود از آنجا خارج شوند.

مستر اسمارت در طی راپورت‌این‌وقایع، اظهار داشت‌که هرج‌و مرج این‌ایالت طوری است که با وسایلی که مأمورین محلی دارند، علاج آن ممکن[2] نیست و نه فقط اقتدار دولت بلکه اقتدار ایلی هم بکلی از میان رفته است. فقط امیدی که برای افتتاح راه بوشهر هست این است که همراهان صولت‌الدوله از سیاخ خارج گردند و فقط وسیلهٔ حفظ انتظامات درهٔ شیراز این است که قوهٔ ایلیاتی از صفحهٔ درهٔ مذکور پاك شود.

قوام‌الملك مشغول ترتیبی بود که قوافل از میان مراتع فارسی‌مدان عبور نموده و از منزل چنار راهدار تا زینان عبور ننمایند.

ده روز بعد از آن، مستر اسمارت راپورت‌داد که دو دسته از همراهان صولت‌الدوله مجدداً به قره‌باغ هجوم آورده یك دستهٔ آنها قصد غارت یك ده بزرگی را نمودند ولی دسته‌ای از کشکولیها آنها را منهزم نموده دستهٔ دیگر در امتداد دره پیش رفته و در دو میلی چنار راهدار قافله را که در تحت حفظ دوازده نفر از تفنگچیان دهاتی بود، حمله نمودند. یکی از تفنگچیان مقتول گردید دستهٔ آخری سی قاطر غارت نموده مقداری گندم غارتی بار کرده و به سیاخ مراجعت نمودند.

این وقعه دو عیب بزرگ داشت: اول آنکه قافلهٔ مذکور که برای آوردن برف رفته

---

۱) چنین است در اصل (زنیان؟). ـ م.

۲) چنین است در اصل. ـ م.

بودند. نتوانستند برف برای شیراز بیاورند و ثانیاً به خوبی واضح کرد که خصم، خود را به این راه هم می‌توانستند برسانند و به قوافل محمول مال‌التجارهٔ انگلیس خبر دادند که بدون مستحفظین تحت امر رؤسائی که قوام‌الملك گاهگاه ترتیب آنرا می‌دهد، حرکت نکنند.

همراهان صولت‌الدوله چند صندوقی را که از راه فیروزآباد از بوشهر برای دستهٔ سوارهٔ هند مرکزی فرستاده شده بود، غارت نموده و معادل ۱۶۵ لیرا اموال دولت و قشون و اسباب شخصی را بردند و به قراری که راپورت داده شد، دهاتیهای جعفرجن و کنارتخته مقدار ۷۰،۰۰۰ فشنگی را که از بوشهر فرستاده شده بود، غارت کردند.

قوام‌الملك اظهارات سخت به خان دالکی که این دهات در قلمرو حکومتشان واقع بود، برای استرداد فشنگها نمود ولی چون خان مذکور ده چیرون را که متعلق به کمارج بود ضبط نموده بود، انتظار نمی‌رفت که از اظهارات مذکور اثری به ظهور رسد و تصور می‌شد محتمل است به واسطهٔ ضبط این ده، خان شبانکاره که با خان کمارج دوستی دارد، به خان دالکی حمله نماید.

از دست رفتن فشنگها مسألهٔ مهمی بوده برای اردوکشی فشنگ به قیمت گزاف در محل بخرد[1] و نیز از قراری‌که راپورت داده شد. کمارجیها و کازرونیها از تنگ‌ترکان تا نزدیك کازرون با علیمحمد کمارجی مشغول جنگ بودند. علیمحمد شکست خورده و به شاه‌پور مراجعت نمود. به علت این اغتشاش قوافل مجدداً از راه بردون ایاب و ذهاب نمودند.

اعراب جباره و شیبانی، تهیه جنگ می‌دیدند و دور مرغاب مقابل یکدیگر برای جنگ چادر زده بودند. قوام‌الملك قاصدی فرستاده بود که قرار و مدار اصلاحی بدهد. شیبانیها نایب‌الحکومهٔ اعراب را متهم به تحریك این خصومت فیمابین نموده و تقاضا نموده بودند که به شیراز احضار شود. به علت این تکدر فیمابین، مستر اسمارت تصور کرد که برای قوام‌الملك ممکن نیست به اعراب اردوی خود اعتماد بنماید. چون متجاوز از نصف اعراب از شیراز رفته بودند، کمتر از ۱،۰۰۰ نفر مرکب از ایلات خمسه و قشقائی برای قوام‌الملك باقی ماند.

محمدخان کشکولی در خان‌زنیان[2] بود و در آنجا با یکی از رؤسای فارسی‌مدان قشون مرکب از کشکولیها و فارسی‌مدانی‌ها جمع‌آوری می‌نمودند.

مستر اسمارت اظهار عقیده نمود که بر دولتخواهی و امانت محمدعلی‌خان که از فشار قوام‌الملك و ایلخانی برای تسلیم نمودن مقصرین حمله به عساکر ما خیلی ترسیده بود، نمی‌توان اعتماد داشت و تصور می‌کرد که نظر به اوضاع مغشوش حالیه و اشکالات اعراب. فعلا تا مدتی صلاح نیست برای فیروزآباد اردوکشی شود و چون رؤسای دستجات مختلفه تماماً با هم مساوی می‌باشند، در میان آنها سرکرده‌ای که همه

---

۱) چنین است در اصل و عبارت گنگ و آشفته است. ـ م.
۲) اصل: همه جا تا آخر کتاب خانه‌زینان. ـ م.

از او اطاعت کنند پیدا نمی‌شود و اگر قشون مذکور برای غارت، در راه با همدیگر نزاع کنند. نتیجهٔ اردوکشی بسیار وخیم خواهد بود. به علاوهٔ آن، حقوق قشون[1] ایلیاتی که تا مسافتی از محل خود به نقطه‌ای فرستاده می‌شوند، باید منظماً پرداخته شود و در آن صورت مصارف آنها خیلی زیادتر از مبلغی خواهد بود که بدست می‌آید.

مستر اسمارت تصور می‌کرد که با وسایلی کـه قوام‌الملك فعلا به دست دارد، اصلح این خواهد بود که فقط قبضهٔ سیاخ را در مد نظر داشته یك دستهٔ کوچکی در آنجا قرار داده شود تا آنکه ایلخانی تا یك‌ماه دیگر بتواند با ایلات حرکت کند و آنوقت رؤسای جزو اقتدار او را شناخته و تفنگچیهای ایلیاتی را چون نزدیك به ایل خود هستند، با خرج کمتر ممکن است حرکت داد و آنوقت ایلخانی می‌تواند با امید موفقیت بهتری به طرف فیروزآباد حرکت کند و حتی در صورتیکه پیشرفتی حاصل نشود، نتیجهٔ آن برای درهٔ شیراز دیگر چندان وخیم نخواهد بود چرا که در آن صورت، ایلات مذکور باید آنوقت در اراضی پایین دره بمانند و به‌تصور مستر اسمارت اگر در کار حالا پیشرفتی حاصل نشود، عدهٔ[2] شیراز برای خصم مفتوح خواهد بود.

مستر اسمارت تمام وقت خود را روز ۲۲ اوت مشغول مذاکره با قوام‌الملك در باب قرضهٔ ۲۰،۰۰۰ تومان برای اردوکشی بود. قشون ایلیاتی که برای حقوق داد و فریاد می‌زدند، دور قوام را گرفته بودند. مستر اسمارت بالاخره قوام‌الملك را ترغیب نمود که به این ترتیب رضا دهد که از بیست هزار تومان مذکور، دوازده هزار تومان در ۲۴ اوت و سه هزار تومان پس از قبضهٔ سیاخ و پنج هزار تومان پس از ورود ایلخانی به محل جنگ به او داده شود مگر آنکه اتفاق غیرمترقبه‌ای روی دهد که در آن صورت مبلغ آخری زودتر داده خواهد شد. قوام‌الملك وعده داد که سه روز پس‌از پرداخت دوازده هزار تومان مذکور، هزار نفر به سیاخ بفرستد. این عده مکفی تصور می‌شد چرا که عدهٔ قشون خصم تصور می‌شد ۵۰۰ نفر باشد.

مستر اسمارت اظهار عقیده نمود که اگرچه این نقشه اردوکشی یأس‌آور بود، در صورتی‌که با نقشهٔ حرکت فوری به طرف فیروزآباد مقایسه شود، اعمال آن اصلح بوده و در صورتی‌که موفقیت حاصل شود، راه بوشهر را مفتوح داشته درهٔ شیراز را از وجود غارتگران پاك خواهد ساخت.

همین الان خبر رسید که به لیوتنان فریزر و سوار همراه او در موقعی که از منزل یکی از رفقایش که او را به شام دعوت نموده بود، مراجعت می‌کرد، شب یکشنبه غرهٔ سپتامبر [۹ شهریور؛ ۱۹ رمضان] حمله شد. ایـن حادثه بـه مسافت نصف میلی قنسولخانه به وقوع پیوست.

خوشبختانه به واسطهٔ شمشیری که سوارش در دست داشت، توانست از میان شش نفری که به او می‌خواستند حمله نمایند عبور کند و نه او و نه سوارش مجروح

---

۱) اصل: قشونی. ـ م.
۲) چنین است در اصل [=درهٔ؟]. ـ م.

نشدند[1] اگرچه گلوله از کمر و آستین سوارش عبور کرد.
مستر اسمارت راپورت می‌دهد که اظهارات لازمه بـه مأمورین محلی شده ولی تاکنون مقصرین دستگیر نشده‌اند.
امید می‌رفت که این واقعه مسکوت‌عنه خواهد ماند لیکن من اهمیت چنین حادثه‌ای را به وزیر امور خارجه خاطرنشان نموده‌ام.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۳۳۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ اوت ۱۹۱۲ [۲۱ امرداد ۱۲۹۱: ۲۸ شعبان ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف امروز من، افتخار دارم که سواد یادداشتی را کـه دولت ایران برای سفارتین فرستاده و علت غیرمکفی‌بودن قرضهٔ ۵۰،۰۰۰ لیرا را برای احتیاجات فوری خود مدلل نموده و خواهش کرده‌اند که مبلغی که دولتین انگلیس و روس اخیراً در نظر داشته‌اند مشترکاً بپردازند ۲۰۰،۰۰۰ لیرا باشد، لفاً ایفاد دارم.
چنانکه[2] ملاحظه خواهید فرمود، دولت ایران اظهار امیدواری نموده‌اند که به همین زودیها قرضهٔ زیادتری خواهند گرفت که این مساعده را از وجوهات آن بپردازند و مذکور داشته‌اند که قبل از آخر ماه جاری، پیشنهاد آن را ارائه خواهند نمود.
از زمان وصول یادداشت، من فرصتی بدست نیاورده‌ام کـه با همکار روس خود مشورت نمایم لیکن ممکن است این مطلب را بنویسم که بخوبی واضح است که دولت ایران، فعلا واقعاً احتیاج به پول دارند و بیم می‌رود که به واسطهٔ نرسیدن وجوهات، از پیشرفت نقشهٔ ژاندارمری که حالیه ظاهراً رو به ترقی است، جلوگیری شود.

ملفوف نمرهٔ ۳۳۰

یادداشت

در باب قرضه‌ای که دولت اعلیحضرتی در صدد پرداخت به دولت ایران می‌باشند، لازم است تأکید شود که مبلغ آن کمتر از ۱۰۰،۰۰۰ لیرا نباشد.
از اطلاعاتی که ذیلا نگاشته می‌شود، ظاهر است که قرضهٔ ۲۵،۰۰۰ لیرا یا حتی ۵۰،۰۰۰ لیرا مکفی نخواهد بود که دولت ایران را در مقابل اشکالات مالی که حالیه خود را دوچار آن می‌بینند تأمین نماید، بـا وجود مساعیی که حالیه بکار بـرده و پیشرفتی که در تشکیل و تنظیم مالیهٔ خود بطور عموم حاصل نموده‌اند.
سفارت دولت اعلیحضرتی، بخوبی مستحضر است که از ده سال به این طرف، دولت ایران برای توازن و تعادل بودجهٔ سالیانهٔ خود و پرداخت بعضی مصارف لازمه از قبیل

---

۱) چنین است در اصل. ـ م. ۲) اصل: چنانچه. ـ م.

خرید اسلحه و مهمات، متوسل به قروض شده است. قرضه‌های مذکور به قرار ذیل است:

سال ۱۹۰۰ قرضهٔ صدی پنج	۲۰،۰۰۰،۰۰۰ روبل
سال ۱۹۰۲ قرضهٔ صدی پنج	۱۲،۵۰۰،۰۰۰ روبل
سال ۱۹۰۴ قرضهٔ هندوستان صدی پنج	۳۰۰،۰۰۰ لیرا
سال ۱۹۱۰ مجموع قروض مختلفه	۶،۰۰۰،۰۰۰ تومان
سال ۱۹۱۱ قرضهٔ صدی پنج	۱،۲۵۰،۰۰۰ لیرا

که مجموع آنها ۳۲،۰۰۰،۰۰۰ تومان است که استقراض شده و در مدت دوازده‌سال به مصرف رسیده است.

چنانکه ملاحظه خواهد شد، در آخر سال ۱۹۱۱ تمام قرضهٔ آخری ۱،۲۵۰،۰۰۰ لیرا، به مصرف رسیده بود. در آن تاریخ خزانه‌دار پول موجود نداشت و برای مصارف جاریه به غیر از عایدات مالیاتی و فروش غلهٔ دولت، پول دیگر نمی‌رسید و قریب ۲۵۰،۰۰۰ تومان هم اضافه عایدات گمرك در غرهٔ ژانویهٔ ۱۹۱۲ وصول شد.

راست است که در ماه مارس دولتین انگلیس و روس راضی شدند مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرا به دولت ایران قرض بدهند که نصف آن تاکنون صرف حقوق ژاندارمری شده و خمس آن دو ماه قبل از عایدات گمرك مسترد گردید.

در حقیقت دولت ایران فقط ۱،۰۰۰،۰۰۰ تومان قرض نمودند، در صورتی‌که مخارج اردوکشی کرمانشاه را داده و برای پرداخت حقوق ژاندارمری جدید پول رسانیده‌اند. بنابراین بطور تحقیق می‌توان گفت که اوضاع مالی امساله نسبت به سال قبل خیلی ترقی کرده است.

البته این مساله ثابت نمی‌کند که دولت ایران برای اجرای نقشهٔ اصلاحاتی که تازگی طرح نموده‌اند، می‌توانند بدون توسل به قروض جدیده، کاری از پیش ببرند. اقدام در این امر، بدون حصول قرضه، البته پیشرفت نخواهد نمود بلکه بزودی نتایج عالیه‌ای را که فعلا از بابت اداره کردن مالیات و تشکیل ژاندارمری بدست آورده‌اند، از میان خواهد برد.

نظر به این ملاحظات مهمه، دولت ایران تصور می‌کند که بسیار لازم و متحتم است که به شکل مساعده، مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرای دیگر قرض کنند که نصف آن را دولت انگلیس و نصف دیگر را دولت روس بپردازند.

اما از بابت مصرف این وجه ۲۰۰،۰۰۰ لیرا، دولت ایران می‌خواهد آن را به مصارف ذیل بیفزایند:

۱) حقوق ژاندارمری تا پنج ماه	۲۰۰،۰۰۰ تومان
۲) حقوق نظمیهٔ طهران تا پنج ماه	۱۲۰،۰۰۰ »
۳) حقوق قشون کرمانشاه تا دو ماه	۷۰،۰۰۰ »
۴) حقوق قشون ساخلوی طهران تا پنج ماه	۷۵،۰۰۰ »
۵) حقوق دو ماههٔ بریگاد قزاق در تبریز	۱۸،۰۰۰ »

۶) حقوق عقب‌افتادهٔ ادارات مختلفهٔ دولتی	۱۵۰،۰۰۰	«
۷) برای خرید اسلحه و مهمات	۱۵۰،۰۰۰	«
۸) تشکیل و تنظیم قشون	۳۰۰،۰۰۰	«
۹) مخارج مختلفهٔ غیرمترقبه	۱۱۷،۰۰۰	«
جمع	۱،۱۰۰،۰۰۰	«۱
یـــا	۲۰۰،۰۰۰	لیرا

در بـاب شرایط استرداد قرضهٔ مذکـور، دولت ایـران متعهد استرداد کلیهٔ مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرا از وجه قرضه‌ای که به همین زودی خیال دارند عمل آن را به اتمام برسانند می‌شونـد و پیشنهاد آن را در عرض مـاه سپتامبر حالیه بـه سفارت دولت اعلیحضرتی ارائه خواهند نمود.

نمره ـ ۳۳۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۲ (۳۱ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۱ شوال ۱۳۳۰)

راجع به تلگراف ۱۶ سپتامبر من، تلگراف ذیل از کاپیتان گری از اصفهان رسیده: ترتیبات رضایت‌بخش برای حفاظت راه لینچ داده شده است و سردار جنگ بطور رسمی مرا اطلاع داده است که ممکن است ایاب و ذهاب قوافل مجدداً شروع شود. من این مطلب را به اصفهان و اهواز و بوشهر خبر داده‌ام.

نمره ـ ۳۳۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [یکم مهر ۱۲۹۱؛ ۱۲ شوال ۱۳۳۰]

تلگرافی به امضای امام جمعه و سایرین از تبریز برای من رسیده خواهش اعادهٔ محمدعلی‌میرزا را نموده‌اند.

وزیر امور خارجه از من استدعا می‌نماید به شما بگویم کـه صاحبان امضای این تلگراف که به سفارت روس نیز فرستاده شده است، کسان مهمی نیستند و سابقاً هم تلگرافات و مراسلاتی امضاء نموده و درخواستهایی نموده‌اند که با خواهشات[2] حالیهٔ ایشان کمال مباینت را داشته است.

---

۱) اصل: ۱۰۰۰،۰۰۰ تومان. ـ م.
۲) چنین است در اصل. ـ م.

نمره ـ ۳۳۳

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

بالمرال ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [یکم مهر ۱۲۹۱؛ ۱۲ شوال ۱۳۳۰]

آقا

اینك سواد یادداشتی را که مسیو سازانف در باب امتیازات خط آهن انگلیس در ایران، امروز برای من فرستاده، لفاً ایفاد می‌دارم.

من در جواب اظهار داشتم که فقط امتیاز خط‌آهنی که ما برای آن اصرار داریم، خط از محمره الی خرم‌آباد است و من بخوبی می‌دانم که برای امتیاز خط‌آهن در منطقه بی‌طرف باید با دولت روس مشورت کنیم و این مسأله راجع به خط آهنی از بندرعباس الی کرمان یا خط دیگری در منطقهٔ انگلیس نمی‌باشد. مسیو سازانف با این امر موافقت داشت و بخوبی درك می‌نمود که خط از محمره الی خرم‌آباد برای تجارت ما کمال لزوم را دارد و با احداث آن مخالف نبود.

من به مسیو سازانف اظهار داشته‌ام که عمل خط محمره الی خرم‌آباد از سایر خطوط در منطقهٔ بی‌طرف مجزی می‌باشد اما از بابت خطوط دیگر، ما ممکن است از دولت روس بعدها خواهش کنیم که رضا شوند لیکن تا زمانی که خط‌آهن سر تا سر ایران از منطقهٔ روس خارج نشده ما نمی‌توانیم آن را حق خود تصور کرده و از دولت مشارالیها تقاضای قبول احداث آن را کنیم و پس از آنکه خط‌آهن سرتاسر ایران از منطقهٔ روس خارج شد، مسأله تا اندازه‌ای شکل بین‌المللی [بخود] خواهد گرفت.

(امضاء) گری

ملفوف نمرهٔ ۳۳۳

یادداشت

یك سندیکای انگلیسی (مسترز سلیگمان و گرینوی و لینچ) برای احداث خطوط آهنی در جنوب ایران، پیشنهادی به دولت ایران عرضه داشته‌اند که خلاصهٔ آن به قرار ذیل است:

فروش اسناد از طرف دولت ایران به اعتبار و تأمین خط‌آهنهای مذکور و عایدات آنها و به همین طور به اعتبار و تأمین گمرکات و عایدات آنها به اختیار سندیکا خواهد بود.

۱)[۱] احداث خطوط آهن

۱) از محمره یا خور موسی تا خرم‌آباد یا بروجرد (نقطهٔ آخری در منطقهٔ روس واقع است)

۲) از بندرعباس الی شیراز

۳) از بندرعباس الی کرمان

---

۱) چنین است در متن و اعداد درهم ریخته و نامرتب است. ـ م.

۴) از بندرعباس الی محمره
۳) حق ساختن بنادر هریك از نقاط فوق که لب دریا واقع باشد
۴) حق توسعهٔ شعبات این خطوط یا خطوط دیگر در جنوب ایران

این نقشه باعث ازدیاد فوق‌العادهٔ دیون عمومیهٔ ایران خواهد شد و این مسأله نظر به تعهدات مالی دولت مشارالیها نسبت به روس و انگلیس، اسباب زحمت زیاد خواهد شد.

در هر صورت انتشار اسناد به اعتبار و تأمین عایدات گمرکات و سایر عایدات که محل تأمین قروض سابقه قرار داده شده، فقط عایداتی است که بتوانند قرضهٔ بزرگی که حالا مذاکرهٔ آن در کار است، تأمین نماید، محل اعتراض زیاد میباشد۱.

بدون آنکه در باب جزئیات نقشهٔ مذکور که مداقهٔ زیاد لازم دارد، چیزی گفته‌شود، باید ملاحظه نمود که چون راه احداث خطوط آهن در منطقهٔ بی‌طرف برای سرمایهٔ هر دو مملکت بالتساوی باز است انحصار حق احداث آن در منطقهٔ مذکور با مدلول معاهدهٔ ۱۹۰۷ توافق نخواهد داشت. اما در باب پیشنهاد اینکه منتهای خطوط مذکور در بروجرد که واقع در منطقهٔ روس باشد قرار داده شود، این نیز با اصول معاهدهٔ مذکور مخالف می‌باشد.

بنابراین بسیار مطلوب می‌نماید که نقشهٔ سندیکای مذکور را قبلا دولتین انگلیس و روس در تحت ملاحظه و مداقه قرار دهند.

نمره ـ ۳۳۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [یکم مهر ۱۲۹۱؛ ۱۲ شوال ۱۳۳۰]

آقـا

اینك سواد یادداشتی را که وزیر امور خارجهٔ روس امروز برایم فرستاده و راجع به خط‌آهن سرتاسر ایران است، لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) گری

ملفوف نمرهٔ ۳۳۴

سوسیته دتود۲ که برای احداث خط‌آهن سرتاسر ایران تشکیل شده، اخیراً در نظر داشته است که بدون آنکه منتظر تصمیم قطعی در خصوص اجراء و اتمام کلیهٔ این نقشه شود، قسمتی از آن را اجراء و اعمال نماید و خیال آنها این است که فوراً تعهد به احداث خطی شود که از آلات در راه‌آهن ماوراء قفقاز شروع شده، به طهران منتهی گردد و به این طریق، قسمتی از راه‌آهن بزرگ روس را که در مد نظر است تشکیل دهد. دولت امپراطوری اساساً حاضرند بگذارند مسأله به این طور حل شود.

---

۱) چنین است در متن و عبارت نارسا است. ـ م.

2) Société d'étude

سوسیته دتود ظاهراً خیال دارد که برای حصول این مقصود با دولت ایران داخل مذاکرات شده، هم در باب تحقیقات مقدماتی در محل و هم در باب حق انتخاب خطوطی که برای آن ذی‌قیمت است، مذاکره نماید. چون حق انتخاب خطوط وقتی که تحصیل شود متضمن حق احداث خطوط مذکوره نخواهد بود، دولت امپراطوری امیدوارند که دولت انگلیس هم ایرادی نخواهند داشت بر اینکه سوسیتهٔ مذکور حق انتخاب مذکور را تحصیل نماید چرا که اگر لازم باشد شرکت مزبور در اعمال حقوق خود نسبت به قیمت خطی که راجع به انگلیس است، آزاد و مختار خواهد بود. بنابراین، دولت امپراطوری امیدوارند که هیچ چیزی نمایندگان انگلیس و روس مقیم طهران را ممانعت نخواهد کرد که سوسیتهٔ مذکور را متفقاً در مراتب فوق‌الذکر همراهی نمایند.

محض آنکه بتوان بیشتر امیدوار به موفقیت این اقدام شد، خوب است که سوسیته دتود حاضر شود که هرگاه دولت ایران احتیاج داشته باشد، قرضهٔ بزرگی به آنها بدهد.

نمره ـ ۳۳۵

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

بالمرال ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۳ شوال ۱۳۳۰]

امروز در موضوع ایران قدری صحبت با مسیو سازانف داشتم و از روی نقشه وسعت و بزرگی منطقهٔ روس را نسبت به منطقهٔ انگلیس به او خاطرنشان نمودم.

من اظهار داشتم که آنچه عموم مردم اینجا احساس می‌کنند این است که تغییراتی که از زمان عقد معاهدهٔ ۱۹۰۷ حادث گشته برای ما نفعی نداشته است: دولت روس حالیه بعضی از نقاط شمالی ایران را با قشون خود اشغال نموده و بدین‌وسیله در تمام شمال ایران بالهای خود را گسترده و بر نفوذ خود در طهران افزوده است و نفوذ ما نسبت به آن کمتر است و تمام اینها بیش از سابق لازم می‌دارد که ما از بابت باقی ایران، اطمینان داشته باشیم مخصوصاً از بابت منافع تجارتی خودمان در منطقهٔ بیطرف و حکومت مرکزی باید حکام ایرانی را تقویت کنند که این منافع را حفظ نمایند و سفیر روس مقیم طهران به هیچ وجه نباید برضد آن منافع عمل کند و تا زمانی که مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] آنجا باشد، یقین داریم منافع ما ایمن و محفوظ خواهد بود.

مسیو سازانف اظهار داشت که هر سفیری از طرف روس آنجا باشد، تعلیماتی‌که به او داده می‌شود، همیشه همان خواهد بود که در موضوع منافع انگلیس مثل مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] عمل کند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۳۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲ مهر ۱۲۹۱: ۱۳ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۹ سپتامبر من:

به واسطهٔ عدم انقیاد بختیاریها و مجاهدین ارامنه، که عدهٔ آنها به ۸۰۰ نفر می‌رسد و از کرمانشاه برای طهران حرکت کرده‌اند، بر اشکالات دولت ایران افزوده شده[است.] آنها از جنگ نمودن بیش از این امتناع ورزیده و به کنگاور رسیده‌اند و در آنجا راضی شده‌اند که منتظر ورود قشون جدید باشند. بدبختانه وضعیت دولت طوری نیست که بتواند از پایتخت زیادتر از ۱۵۰ نفر بختیاری حرکت بدهد و از قراری که مذکور است، از خاك بختیاری هم کسی نمی‌آید.

اگر ترتیب این کار داده نشود، کار خیلی سخت خواهد شد زیرا کـه بدون این قشون کمك، قشون دولت چندان قابل برای جنگ نخواهند بود.

از قراری که مذکور است چون این‌قشون از جنگ‌کردن امتناع‌نمودند، سالارالدوله موفق به فرار از سنندج شد. علت این حرکت را خودشان اینطور اظهار داشته‌اند که آنها برای تحصیل مشروطیت و مجلس جنگ می‌کرده‌اند و در صورتی که مشروطیت شناخته نشده و امیدی برای انعقاد مجلس نیست، دیگر جنگ نخواهند کرد.

نمره ـ ۳۳۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۲ [۳ مهر ۱۲۹۱: ۱۴ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ سپتامبر شما:

تلگراف ذیل در جواب تلگرافی کـه من به کلنل دوگلاس مخابره نموده و مضمون مراسله‌ای را که به دولت ایران نوشته بودم به اطلاع او رسانیدم، مخابره شده‌است:

تلگراف ذیل از کلنل دوگلاس رسیده است:

بسیار لازم است که در محوطه‌هایی‌که قشون ما فعلا در آن منزل کرده‌اند، عمارات دیگر برای منزل آنها ساخته شود. من تصور می‌کردم که از مراسلات و مکاتبات سابق این مسأله بخوبی واضح گردیده و به وصول تلگراف ۱۶ سپتامبر وزارت خارجه فوراً می‌توان شروع به کار کرد.

برای اسکادران اصفهان امیدوارم بتوانم در خارج شهر قریب یك میل دور از بقیهٔ عساکر، کاروانسرایی اجاره کنم. این ترتیب اگرچه اسباب‌زحمت می‌شود، ظاهراً بهترین و باصرفه‌ترین ترتیبی است که ممکن است داده شود.

از قرار معلوم، اقدام و راه دیگری برای کلنل دوگلاس باز نیست و من خوشوقت خواهم شد از اینکه تعلیمات داده و اقدامی را که باید به عمل آید، تصویب نمایید.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۳۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۲ [۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۶ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۵ سپتامبر من:

اخباراتی که از کردستان و کرمانشاه و همدان رسیده، بسیار اسباب تشویش‌است. از قراری که راپورت داده شده، سالارالدوله با استعداد ۷،۰۰۰ نفر که اکثر آنها از ایلیاتیهایی هستند که زیر بیرق او رفته‌اند، از سنندج حرکت کرده است و واضح نیست که آیا قصد دارد به طرف کرمانشاه یا همدان برود. خود فرمانفرما و عساکر دولتی هم معلوم نیست کجا هستند و بنا به راپورتی، در تهیه است که با تمام همراهانش در قنسولگری کرمانشاه تحصن اختیار کند. به‌موجب راپورت دیگر، او با بختیاریها و مجاهدینش در کنگاور است.

در همدان، به واسطهٔ آنکه مجاهدین تحت امر کری[1] از قراری که راپورت داده شده، به طهران تلگراف نموده‌اند که چون مجلس وجود ندارد، دیگر جنگ ننموده و به طهران مراجعت خواهند کرد، اهالی وحشت دارند. بختیاریها هم به همان علت از جنگ‌کردن امتناع می‌نمایند.

با همکار روسی و من، اظهارات سخت نموده‌ایم که قشون امدادی بختیاری، فوری در تحت امر سرکردهٔ قابلی فرستاده شود.

نمره ـ ۳۳۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۶ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۷ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۹ سپتامبر من:

اخبار جدیدی که از طرف جنوب رسیده است، این است که مخبرالسلطنه از قمشه که در آنجا برای ورود قشون خود توقف نمود، حرکت کرده است. از قراری که راپورت داده شده، عدهٔ کثیری از بویراحمدیها در راه حاضر برای غارت هستند و دستهٔ سواری را که به استقبال فرمانفرما به آباده می‌آمدند، غارت کرده[اند] و ممکن است قدری جنگ واقع شود.

کفیل قنسولگری شیراز تلگراف می‌کند که انقلاب زیادی در آن محل وجود دارد و ایلخانی قشقائی استعفاء کرده و ایل را بی‌سرکرده گذارده است. ظاهراً انتظار نمی‌رود او نسبت به انگلیسها اقدام خصومت‌آمیزی نماید ولی راپورت می‌دهد که رجاله‌ای که می‌گویند قشقائی هستند، به رئیس بانك و عیالش حمله برده‌اند.

---

۱) چنین است در اصل (کری‌خان؟). ـ م.

نمره ـ ۳۴۰

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان
وزارت خارجه ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۶ مهر ۱۲۹۱: ۱۷ شوال ۱۳۳۰]

آقـا

مارکس اف کرو، مرا اطلاع می‌دهد که امروز با مسیو سازانف در موضوع راه‌آهن ایران صحبتی داشته است.

مسیو سازانف ابتدائا در باب راه‌آهن سرتاسر ایران و مسألهٔ امتیاز سوسیته دتود که به او گفته بودم در خصوص آن با لرد کرو مشورت نماید، مذاکره نمود. لرد کرو در جواب اظهار داشته بود که از قرار معلوم امتیاز سوسیتهٔ مذکور، امتیاز محدودی‌است و همینکه مسیو سازانف از او سؤال نموده بود که مقصود از این عبارت چیست در جواب گفته بود که در صورتی‌که ما بتوانیم تا مدت غیرمحدودی احداث خط‌آهنی را در منطقهٔ نفوذ خود به تأخیر اندازیم، این امتیاز را نمی‌توان امتیاز کاملی دانست. مسیو سازانف با این امر موافقت داشت که امتیاز مذکور فقط راجع به سوسیته دتود بوده و برای احداث خط‌آهن نمی‌باشد. به این معنی که هرگاه قرار احداث آن داده شد، کسی دیگر حق احداث نداشته باشد. لرد کرو اظهار داشت در صورتی‌که اینطور باشد، او اشکالی نخواهد داشت که موافقت نماید.

اما در باب خط از محمره الی خرم‌آباد، مسیو سازانف اظهار داشت که قراری باید بین دولتین به عمل آید.

نمره ـ ۳۴۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۲ [۷ مهر ۱۲۹۱: ۱۸ شوال ۱۳۳۰]

من به نمایندگان جماعتی از انگلیسیها که برای احداث خط‌آهن سرتاسر ایران با سوسیته دتود شرکت کرده‌اند، اظهار داشته‌ام که به گمان من، می‌توانند از طرف خود وکیلی به طهران بفرستند که با سایر نمایندگان شرکت متفقاً تقاضای امتیاز احداث راه‌آهن مذکور را بنمایند بشرط آنکه قبل از آنکه در توسعهٔ خط آهن مذکور خارج از منطقهٔ روس اقدامی بنمایند، رضایت دولت اعلیحضرتی را تحصیل نمایند.

من شما را مجاز می‌کنم که با مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] برای تحصیل امتیازی به این شرایط، برای سوسیته دتود متفقاً عمل نمایید.

هیات انگلیسها که با این سوسیته شرکت دارند، البته می‌دانند که خطی که پیشنهاد شده از محمره الی خرم‌آباد احداث شود، بکلی از این خط مجزی است. شما حالا می‌توانید از دولت ایران درخواست تحصیل امتیازی برای خط‌آهن آخرالذکر بنمایید. مسیو سازانف اغراضی[1] نخواهد داشت که امتیاز آن بـه یك کمپانی انگلیسی داده شود.

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

نمره ـ ۳۴۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران غرهٔ اکتوبر ۱۹۱۲ [۸ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۹ شوال ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل به تاریخ ۳۰ سپتامبر از تبریز رسیده است:

از طرف علماء و تجار زنجان تلگرافاتی رسیده و درخواست اعادهٔ محمدعلی‌میرزا را نموده‌اند. من در جواب آنها گفته‌ام که مطالبشان را به اطلاع شما می‌رسانم. برای همکار روس من، همین قسم تلگراف رسیده است. بازارهای زنجان بسته است.

من به این اظهارات اهمیتی نمی‌دهم چرا که حکمران زنجان یکی از برادران شجاع‌الدوله است و هرکه با ارادهٔ او موافقت نکند، یحتمل صدمه خواهد دید.

از نقاط دیگر واقعه در منطقهٔ روس هم همین قسم تلگرافات رسیده است.

نمره ـ ۳۴۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۱ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۲ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۸ سپتامبر من:

تلگراف ذیل در سوم اکتوبر از قنسول انگلیس مقیم کرمانشاه واصل شده است:

قشون در غرهٔ اکتوبر به کرمانشاه مراجعت نمودند. تمام متحصنین در سوم اکتوبر به اطمینانات کتبی فرمانفرما و اطمینانات شخصی سهام‌الدوله و صمصام‌الممالك، از قنسولخانه خارج شدند.

نمره ـ ۳۴۴

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۱ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۲ شوال ۱۳۳۰]

آقا

در باب مراسلهٔ ۲۴ شهر ماضی من، اینك سواد یادداشت راجع به خطوط آهن انگلیس را در ایران، که امروز برای وزیر امور خارجه فرستادم، لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) گری

ملفوف نمرهٔ ۳۴۴

سندیکای انگلیس که از دولت ایران تقاضای امتیاز احداث بعضی خطوط آهن در جنوب ایران نموده، موسوم به سندیکای راه‌آهن‌های ایران خواهد بود و اسم «مرنر سلیگمان» را شامل نخواهد بود.

از بابت راه‌آهنهای مذکور، دولت اعلیحضرتی در اوایل سال ۱۹۱۱ دولت روس را از تقاضای خود در این موضوع مستحضر داشته و بعد از آن اظهار میل نمودند که اساساً به احداث خط‌آهن سرتاسر ایران رضا دهند مشروط به آنکه از جمله

چیزهای دیگر، دولت روس با تقاضاهای انگلیس راجع به راه‌آهنهای مذکور، همراهی و تقویت نماید.

اما در باب راه‌آهن از محمره الی خرم‌آباد، این فقط راه‌آهنی است که دولت اعلیحضرتی برای آن فشار می‌آورند و اطمینان مسیو سازانف را مورد توجه می‌دانند که نظر به اهمیت حتمی آن نسبت به تجارت انگلیس، او با آن مخالفت نخواهد نمود.

در خصوص احتمال توسعهٔ خط مذکور تا بروجرد که در منطقهٔ روس واقع است، اگر دولت روس محرك کمك سرمایهٔ انگلیس برای احداث قسمت خط واقع در منطقهٔ روس یا خطی از خرم‌آباد به اصفهان بشوند، ممکن است بدان وسیله رفع هرگونه اشکالی شده و بدان واسطه از اهمیت شعبهٔ از خانقین به طهران کاسته شود.

در باب امتیازات خطوط دیگر در منطقهٔ بیطرف، دولت اعلیحضرتی کاملا حاضرند که با دولت روس در خصوص آن مذاکره نموده و از سندیکا درخواست کنند نماینده به سنت پطرزبورغ بفرستد. ممکن است دولت اعلیحضرتی از دولت روس خواهش کنند که با آنها موافقت نمایند و البته معلوم است تقاضای رضایت آنها را حق خود تصور نخواهند نمود تا آنکه خط‌آهن سرتاسر ایران از منطقهٔ روس خارج شود.

در خصوص راه‌آهنهای منطقهٔ انگلیس از قبیل بندرعباس و کرمان، دولت اعلیحضرتی شکی ندارند که دولت روس تصدیق خواهند داشت به این‌که احداث آنها فقط مربوط به منافع انگلیس می‌باشد لیکن دولت اعلیحضرتی همیشه با کمال مسرت دولت امپراطوری روس را از هرگونه نقشه و پیشنهاد احداث خط‌آهن در منطقهٔ انگلیس آگاه و مستحضر خواهند داشت.

در باب هرگونه افزایش دیون عمومیهٔ ایران که به علت احداث خطوط آهن منطقهٔ بیطرف ممکن است به ظهور رسد، دولتین می‌توانند با یکدیگر مذاکره نمایند بطوری که برای طرفین مناسب باشد.

نمره ـ ۳۴۵

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۱ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۲ شوال ۱۳۳۰]

آقا

در باب مراسلهٔ ۲۴ ماه گذشتهٔ من اینك سواد یادداشتی را که در آن نظریات دولت اعلیحضرتی در باب خط‌آهن سرتاسر ایران مذکور است و برای وزیر امور خارجهٔ روس فرستاده‌ام، لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) گری

www.adabestanekave.com

ملفوف نمرهٔ ۳۴۵

یادداشت

دولت اعلیحضرتی با نظریهٔ دولت روس موافقت دارند به اینکه خوب است برای سوسیته دتود، امتیازی گرفته شود که به وسیلهٔ آن وضعیت دولتین طوری شود که بتوانند اظهار بدارند چه وقت و در کجا خط‌آهن سرتاسر ایران احداث خواهد شد.

بنابراین دولت اعلیحضرتی اعتراض ندارند به اینکه دولت روس خطی تا طهران احداث نمایند مشروط به حدود و شرایطی که از بابت خط‌سیر راه‌آهن مذکور در منطقهٔ روس مقرر شده و این شرط که خط مذکور بدون رضایت دولت اعلیحضرتی از منطقهٔ روس خارج نشود و بنائاً علی‌هذا، به سفیر خود مقیم طهران، تعلیم داده‌اند که به همراهی همکار روسی خود امتیاز مذکور را برای سوسیته دتود تحصیل نمایند.

به هیأت انگلیسیهایی‌که با سوسیته دتود شرکت دارند، نیز اطلاع داده شده که حق دارند نماینده‌ای به طهران بفرستند که برای نیل به این مقصود با نمایندگان سایر هیأتهای سوسیته همراهی نمایند.

از بابت اینکه شرکت مذکور ترغیب و تشویق بشود که قرضهٔ بزرگی به دولت ایران بدهد، چنین اقدامی تا اندازه‌ای مشکل به نظر می‌آید چرا که از طرف انگلیس و روس چنین قرضه‌ای ضمانت نخواهد شد.

نمره ـ ۳۴۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۵ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۲ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۳ شوال ۱۳۳۰]

خیلی لازم است در ایـران حکومت مقتدری مستقر گردد. در موقعی کـه مسیو سازانف در انگلستان بود، من با او هم‌رأی بودم که فقط شخصی که محتمل است بتواند در مملکت اعادهٔ نظم بنماید، سعدالدوله است، اگرچه می‌دانم سابقهٔ اعمال او آن طوری که باید نبوده است.

شما بایـد حالا از مسیو سازانف استفسار نمایید کـه آیا بـه مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] تعلیم خواهد داد که با سر والتر تنلی همراه شده و تعیین سعدالدوله را به مقام صدارت اعظم تقویت نماید؟

شرایط تعیین وی به‌عقیدهٔ من باید این باشد که اولا سعدالدوله متعهد شود که مانعی در راه ترقی مالیهٔ ایران قرار ندهد و ثانیاً اطمینانی داده‌شود که در این‌صورت، دولتین و نمایندگان آنها مقیم تمام نقاط ایران، از او و حکامی که تعیین خواهد کرد همراهی معنوی خواهند کرد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۴۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۶ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۳ مهر ۱۲۹۱: ۲۴ شوال ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل از اصفهان رسیده است:

اسکادران ۵ اکتوبر حرکت نمود.

نمره ـ ۳۴۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۴ مهر ۱۲۹۱: ۲۵ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۴ اکتوبر من:

به موجب خبر تلگرافی که برای دولت ایران رسیده، جنگی در کرمانشاه به وقوع رسیده و قشون سالارالدوله بکلی شکست خورده‌اند و یارمحمدخان مقتـول گردید، لیکن خود سالارالدوله که در جلو قشون مذکور حاضر نبود، فرار کرد.

نمره ـ ۳۴۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [یکم مهر ۱۲۹۱: ۱۲ شوال ۱۳۳۰]

آقـا

در باب تلگراف ۱۹ شهر جاری شما، افتخار دارم اینك سواد مراسله‌ای را ایفاد دارم که در ۲۰ سپتامبر برای دولت ایران نوشته و آنها را از قصد دولت اعلیحضرتی مستحضر داشته‌ام که در نظر دارند اسکادران انگلیس را که حالیه در اصفهان‌هستند، به شیراز عودت دهند و از دولت‌مشارالیها برای عساکر اعلیحضرتی در شیراز استمداد نموده‌ام.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۳۴۹

مکتوب سر والتر تنلی به دولت ایران

طهران ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۸ شهریور ۱۲۹۱: ۸ شوال ۱۳۳۰]

حضرت اشرف

هرگاه اوضاع ایالت فارس مقتضی بود و اگر شرایط معتدلی را که سر جارج بارکلی بـه موجب مراسلهٔ ۴ آوریل خـود ارائـه نمود قبول گردیده بـود، دولت اعلیحضرتی قشون خود را مدتی قبل از این از اصفهان و شیراز عودت می‌دادند.

دولت اعلیحضرتی با وجود این، مایل به ابراز حسن‌نیت و تحمل خود نسبت به دولت ایران بوده و مشغول ترتیب عودت عساکر خود از اصفهان به شیراز می‌باشند و می‌خواهند به مخبرالسلطنه فرصت داده باشند اعادهٔ انتظامـات را نموده و جبران

حملهٔ بی‌جهتی که بر مأمور قنسولخانهٔ اعلیحضرتی و مستحفظ او شده، بنمایـد و امیدوارند که مساعی جناب ایشان بی‌نتیجه نخواهد ماند.

امیدوارم که دولت ایران در رویهٔ دوستانهٔ خود ادامـه داده و دولت اعلیحضرتی اطمینان دارند که تعلیمات لازمه به مأمورین محلی داده خواهد شد که هرقدر ممکن است، در شیراز برای تهیهٔ منزل صحیح برای عساکر انگلیس کمك نمایند و نیز برای عساکری که از اصفهان به آنجا فرستاده می‌شود، در تهیهٔ منزل کمك نمایند. در صورتی‌که از این قسم همراهی مضایقه شود، دولت اعلیحضرتی مجبور خواهند شد که برای آنها سربازخانه بنا نموده و دولت ایران را مجبوراً مسؤول مصارف آن خواهند دانست.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۳۵۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۸ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۶ شوال ۱۳۳۰]

صدراعظم دیروز از سفیر روس و من جداگانه ملاقات نموده به ما اظهار داشت می‌خواهد استعفاء کند و ارائهٔ طریق نمود که برای این مقام علاءالسلطنه بهتر از شخص دیگر خواهد بود.

هم سفیر روس و هم من به ایشان اصرار نمودیم که تا مدتی دیگر دست از کار نکشد و او به این امر، رضا داد. گمان نمی‌کنم او واقعاً بخواهد استعفاء کند لیکن اعضاء کابینه با هم متحد نیستند و حالیه موقع ابهام و غیرمعلوم و امور است[۱].

نمره ـ ۳۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۸ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۶ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۵ [اکتوبر] من به سنت پطرزبورغ و تلگراف امروز شما:

شاید اگر صمصام‌السلطنه استعفاء کند، تعیین سعدالدوله به مقام صدارت تسهیل گردد.

نمره ـ ۳۵۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۷ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۸ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳ سپتامبر شما:

شما ممکن است به مسیو سازانف ارائهٔ طریق بنمایید که جواهرات دولتی ایران

---

۱) چنین است در اصل. جمله نارسا است و قرینه‌ای برای اصلاح آن نیست. ـ م.

را اگر در حصول تأمینات قرضه اشکالی باشد می‌توان برای تأمین آن قرار داد.
می‌خواهم بدانم نتیجهٔ تحقیقاتی که مسیو سازانف می‌خواست برای قرضه در پاریس بکند چه شد؟

نمره ـ ۳۵۳

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری
سنت پطرزبورغ ۱۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۷ مهر ۱۲۹۱: ۲۸ شوال ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۵ اکتوبر شما ـ صدراعظم ـ وزیر امور خارجه قبول نمود و اظهار داشت که تعلیمات لازمه برای سفیر روس مقیم طهران خواهد فرستاد.

نمره ـ ۳۵۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۱۱ اکتوبر ۱۹۱۲[۱۸ مهر ۱۲۹۱: ۲۹ شوال ۱۳۳۰]
نظر به تلگراف دیروز سر جارج بیوکانان، من شما را اجازه می‌دهم که بمجرد آنکه برای مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] تعلیمات برسد، به طریقی که من در تلگراف ۵ اکتوبر خود به جناب معظم‌له پیشنهاد کرده‌ام. عمل نمایید.

نمره ـ ۳۵۵

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری
سنت پطرزبورغ ۱۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۹ مهر ۱۲۹۱: ۳۰ شوال ۱۳۳۰]
قرضه به ایران
راجع به تلگراف ۱۰ اکتوبر شما:
مسیو سازانف مرا اطلاع داده است که هنگامی که هفتهٔ گذشته در پاریس بوده، در باب این مسأله با نمایندگان سه هیأت مذاکره نمود. نمایندگان مذکور ابتدائاً از او درخواست نموده بودند که دولتین انگلیس و روس باید وثیقه بدهند لیکن او در جواب گفته بود که این مسأله خارج از موضوع است و به آنها ارائهٔ طریق نموده‌بود که در مسألهٔ مالیه مخصصینی‌که۱ از طرف کمیته دتود برای تحقیقات راجعه به راه‌آهن سرتاسر ایران می‌روند، باید تحقیقات به عمل آورده و سعی کرده ببینند منبع عایداتی وجود دارد که بتوان آن را وثیقه قرار داد یا نه.
نمایندگان هیأتهای انگلیسی و فرانسه در جواب گفته بودند که خوب است که وکلای مالی خودشان برای این کار به ایران بروند. مسیو سازانف در جواب اظهار داشت که در آن صورت بهتر این است که مخصصین۲ مالیه با نمایندگان سوسیته دتود فوراً فرستاده شوند. اما در باب جواهرات دولتی جناب معظم‌له بر ارائهٔ طریق شما

---

۱ و ۲) چنین است در اصل. ـ م.

اعتراضی نداشت ولی اظهار نمود که جواهرات مذکور بیش از سدس قرضه[ای‌را] که در مد نظر است، تأمین نتواند نمود.

نمره ـ ۳۵۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۳ شوال ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم اینك سواد مراسله‌ای را که در ۱۸ ماه جاری برای دولت ایران نوشته و دعاوی خود را به مبلغ ۳۰۵ لیرا برای سرقت چند صندوقی‌کـه در سال جاری از بوشهر برای عساکر اعلیحضرتی به شیراز فرستاده شده، عرضه داشته‌ام، ایفاد دارم.

اکنون از طرف وزارت امور خارجه جوابی رسیده که برای فرمانفرمای جدید فارس تعلیمات تلگرافی مخابره شده که به مجرد ورود خود به آن نقطه، این عمل را تسویه نماید.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۳۵۶

مکتوب سر والتر تنلی به دولت ایـران

طهران ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۶ شهریور ۱۲۹۱؛ ۶ شوال ۱۳۳۰]

حضرت اشرفا

با نهایت تأسف توجه حضرت اشرف را به چند فقره دعاوی دولت اعلیحضرتی از دولت ایران، از بابت سرقت صندوقهای عساکر شیراز جلب می‌نمایم:

۱) در عرض ماه ژانویه و فوریهٔ گذشته، بین بوشهر و منزل دیگر، قراولان راه به بعضی صندوقها دست‌درازی کرده و بسیاری اشیاء متعلق به دولت اعلیحضرتی را سرقت نمودند.

این اشیاء مسروقه مرکب بود از دوربین و رکاب و چکمه و پتو و دهنه و ملبوس و سایر لوازم که کلیهٔ قیمت آن ۲۰۰ لیرا می‌شود.

این مبلغ از مأمورین محلی شیراز در دوم مارس مطالبه شد ولی تاکنون پرداخته نشده.

۲) در ۳۱ اوت کفیل قنسولگری اعلیحضرتی مقیم شیراز مرا اطلاع داد که چند صندوقی که از راه فیروزآباد از بوشهر فرستاده شده بـود، غارت شد و تخمین خسارتی که از این غارت از بابت اموال قشونی و شخصی بـه دولت وارد آمده ۱۶۵ لیرا بود و اشیاء عمدهٔ مسروقه عبارت از زین و دوا و مأکولات در حلبی و شراب و ملبوس و سایر لوازم و امانات. مقداری از اموال مسروقه مسترد شده لیکن ۸۰ لیرا برای آنچه بکلی از میان رفته است تقاضا شده است.

۳) مقداری شراب و ملبوس را هم که متعلق‌به عساکر اعلیحضرتی‌بود، خورشیدخان

و قراولان راه در ماه مارس گذشته در کمارج و کاروانسرای جعفر جن، به سرقت بردند. در ۵ و ۱۸ ماه آوریل ۱۰ لیرا برای این اموال از مأمورین محلی مطالبه شد لیکن هنوز پرداخته نشده است.

۴) مقداری آذوقه و ملبوس و نعل اسب را به قیمت ۱۵ لیرا قراولان راه در میان کتل از صندوقهایی که برای عساکر اعلیحضرتی شیراز حمل شده بود، دزدی کردند.

از طرف دولت متبوعهٔ خود تعلیم دارم که مبلغ ۳۰۵ لیرا از بابت قیمت این اموال مسروقه متعلق به دولت و قشون از دولت ایران مطالبه نموده و از حضرت اشرف استدعا نمایم که لطف فرموده اقدامات لازمه برای پرداخت این مبلغ بفرمایید.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۳۵۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۱ مهر ۱۲۹۱؛ ۲ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

سالارالدوله

راجع به تلگراف ۱۷ اکتوبر من:

از قراری که راپورت داده شده، سالارالدوله در نقطه‌ای بین همدان و قزوین است. به موجب خبری، او تنها است و درصدد تحصن در قنسولخانهٔ روس است. به قرار راپورت دیگری، او به سرکردگی ۲،۰۰۰ نفر می‌باشد.

نمره ـ ۳۵۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۴ مهر ۱۲۹۱؛ ۵ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

مخبرالسلطنه دیروز به شیراز وارد شد.

نمره ـ ۳۵۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۶ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

سالارالدوله

برای همکار روسی من که هنوز از زرگنده به شهر نیامده، اطلاع رسیده است که سالارالدوله به طرف طهران حرکت کرد و تا چند میلی شهر رسیده است. مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] می‌ترسد از اینکه مبادا اغتشاشات فوق‌العاده به وقوع رسد، چرا که او تصور می‌کند اگر سالارالدوله در شهر طهران حامی و طرفدار نداشت، به‌هیچ‌وجه جرأت نمی‌کردچنین اقدام‌متهورانه‌ای را بنماید و از دموکراتها و مجاهدین سوءظن دارد از اینکه با او همراه باشند. علی‌هذا جناب معظم‌له ژنرال‌روسی قزوین را اطلاع داده است که مهیای حرکت به طهران باشد و به او گفته است که

در صورتی‌که مخابرات تلگرافی و یا تلفون مقطوع گردد بدون تعلیمات فوری حرکت کند. او تمام این مطالب را دیشب به من نوشت.

من به جناب معظم‌له گفتم که شخصاً انتظار ندارم اغتشاش مهمی روی دهد ولی با تعلیماتی که به ژنرال روسی داده است که احتیاطاً حاضر و مهیا باشد، کمال موافقت را دارم.

خود دولت ایران نمی‌دانند سالارالدوله در چه محل و عدهٔ قشون او چقدر است ولی چون ظاهراً او بایستی در نهایت سرعت حرکت کرده باشد، یحتمل عدهٔ آنها خیلی کم خواهد بود. اطلاعی که به من رسیده این است که او در نقطهٔ مثلثی است که به واسطهٔ همدان و قزوین و طهران تشکیل می‌شود.

هیجان اهالی به واسطهٔ اشتهار نزدیك بودن شاهزاده به شهر، طبعاً زیاد است و از حکومت حاضره چندان رضایت ندارند. لیکن اگرچه با کمال سهولت ممکن است این موقع برای اقدامات برعلیه [=علیه] بختیاریها و حکومت بکار برده شود من نمی‌توانم یقین داشته باشم که اقدام عمومی مهمی به مصالح شاهزادهٔ مذکور به عمل آید.

دولت مشغول حفظ نظم شهر و اقدامات نظامی می‌باشند.

نمره ـ ۳۶۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۶ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل در ۱۷ اکتبر از تبریز رسیده است:

عساکر روس شروع به عودت نموده‌اند. قریب ۲،۳۰۰ نفر در ظرف این دو روز حرکت کرده‌اند.

نمره ـ ۳۶۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۸ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۶ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

بموجب اطلاعی که به مسیو سازانف رسیده است، مسألهٔ انعقاد مجلس را جماعتی از اعیان که به همین زودیها در طهران اجلاسی خواهند داشت مذاکره خواهند نمود.

مسیو سازانف تصور می‌کند انعقاد مجلس مطلوب نمی‌باشد تا آنکه حکومت مستحکم‌تری منعقد گردد.

من می‌خواهم نظریات شما را در این باب بدانم. مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] تعلیم دارد که در این باب با شما مذاکره نماید.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۶۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۹ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۶ مهر ۱۲۹۱؛ ۷ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۸ اکتبر طهران من:

باید از جنابعالی خواهش کنم مسیو نراتف را اطلاع دهید که به موجب راپورتهایی که برای ما رسیده، معلوم نیست که خطری در طهران متصور باشد و اظهار امیدواری کنید به اینکه دولت روس از اعزام عساکر اجتناب خواهند نمود مگر آنکه موقع حتماً مستلزم چنین اقدامی باشد.

نمره ـ ۳۶۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۹ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۰ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ سپتامبر شما:

قنسول شیراز راپورت می‌دهد که صاحب باغی که عساکر فعلا در آنجا منزل دارند، مبلغ یکصد تومان اجارهٔ ماهیانه می‌خواهد و می‌گوید کـه در صورتی‌که شرایط او قبول نشود، یا آنکه آن محل تخلیه نشود، به لندن تلگراف می‌کند که بر خلاف میل او ملکش تصرف شده است.

کفیل قنسولگری اظهار می‌کند که وجه اجاره که تقاضا شده، خیلی زیاد است لیکن اگر تا شش ماه دیگر باید عساکـر از آن محل خارج شوند، قبول این اجـاره باصرفه‌تر خواهدبود از اینکه پیشنهادحالیه‌که‌به صاحب‌ملك‌ارائه‌شده‌و متضمن طرفیت با او می‌باشد، مجری گردد. او در هر صورت اجازه می‌خواهد که شرایط صاحب‌ملك را رد کند و منتظر باشد تا آنکه مبلغی را که حاضر است بدهد، صاحب ملك قبول‌کند.

من به کفیل قنسولگری تعلیم می‌دهم که فرمانفرما را وادار به وساطت در این امر بنماید و خیلی امیدوارم که بتوان عساکر را تا شش ماه دیگر از آن محل خارج کرد و برای تفاوت خرجی که قریب بیست لیرا می‌شود، نباید اسباب تولید احساسات سوء را در شیراز فراهم آورد.

نمره ـ ۳۶۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۷ مهر ۱۲۹۱؛ ۸ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف اکتوبر شما:

کمیسیونی مرکب از ۵۶ نفر منتخب از طبقات مختلفه برای‌مذاکرهٔ‌انتخابات‌جدیده، چندین دفعه جلسات داشتند. سردار اسعد به ریاست کمیسیون مزبور نامزد شده است. گمان نمی‌کنم پیشرفت زیادی حاصل شده باشد چرا که ظاهراً عقاید در باب اینکه چه نوع اقدامی بشود مختلف است و عدهٔ زیادی از اهالی گفتگو دارند در این که آیا

کمیسیون منعقده از روی قوانین مشروطیت حق تغییر قانون انتخابات را دارد یا نه.
طرفداران تغییر قانون انتخابات اصرار دارند بر اینکه تغییرات مخصوص اوضاع، حق اقدامی را که در صورت ظاهر خلاف قوانین مشروطیت است، می‌دهد.
صداعظم سعدالدوله را دعوت به مراجعت کرده و به نایب‌السلطنه اصرار نموده است که از قصد آمدن یا نیامدن او خبر دهد.

نمره ـ ۳۶۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۰ آکتوبر ۱۹۱۲ [۲۷ مهر ۱۲۹۱؛ ۸ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف قبل از این من:
سعدالدوله در جواب صدراعظم اظهار تشکر نموده و اظهار داشته است که به همین زودیها به ایران مراجعت خواهد کرد.

نمره ـ ۳۶۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۰ آکتوبر ۱۹۱۲ [۲۷ مهر ۱۲۹۱؛ ۸ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۱۸ آکتوبر من:
سالارالدوله آخرالامر پس از دو روز که گم شده بود در ساوجبلاغ که به مسافت ۴۰ میلی شمال راه قزوین واقع است دیـده شده. استعدادی مرکب از بختیاریها و ژاندارم فردا به آن صوب، برای دستگیری او حرکت خواهد کرد. غیرمحتمل نیست که او به طرف مازندران حرکت کرده و با بعضی اشخاص مخالف دولت در آن ایالت همدست خواهد شد.

نمره ـ ۳۶۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۶ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۷ شوال ۱۳۳۰]
آقـا
در مراسلهٔ ۴ سپتامبر خود مفتخراً شرح اوضاع هرج و مرج دور و حوالی شیراز را در مدت قبل از ۴ ماه نوشتم. با کمال تأسف اظهار می‌نمایم که از زمانی‌که راپورت مذکور نوشته شد، در اوضاع آن ایالت بهبودی حاصل نشده که شرح آن نگاشته شود و فرقه‌های متنازع ایل قشقائی، کمافی‌السابق یکی از قوای عاملهٔ عمدهٔ اوضاع بسیار منقلب فارس بوده‌اند.
در ۷ سپتامبر مستر اسمارت راپورت داد که صولت‌السلطنه کوشش نموده است ایل شخصی خود را به کمك صولت الدوله برادر یاغـی خود بیاورد. سالارحشمت برادر ایلخانی او را در نزدیکی اسپاس حمله نموده و شکستش داد و بدین‌وسیله، از

این اقدام او اثری به ظهور نرسید و صولت‌السلطنه با چند نفری بطرف بیضاء فرار کرده، چندین ایلات جزو که برای آنکه ایلخانی می‌خواست از آنها مالیات گیرد طغیان نموده بودند، با او همدست شدند و از بیضاء شروع به آنتریگ برعلیه [=علیه] سرکردهٔ قشونی صولت‌الدوله که در سیاخ بود نمود.

مستر اسمارت اظهار عقیده نمود که تمام این طغیان، برای مالیات بود و ایلاتی که طغیان نموده بودند، ظاهراً صولت‌السلطنه را که می‌دانستند چندان قدرتی نخواهد داشت که برای اخذ مالیات فشار آورد، برای ایلخانی‌گری بر سردار احتشام ترجیح می‌دادند.

از قراری که معلوم می‌شود، مذاکرات بین صولت‌السلطنه و سردار احتشام ایلخانی آنوقت در بیضاء که از آنجا محمدعلی مشهور هم با استعدادی حرکت کرد، به عمل می‌آمد.

اگرچه معلوم نبود که محمدعلی بخواهد با صولت‌الدوله همدست و هم‌خیال شود، لیکن او، از شکست خوردن صولت‌السلطنه و پیشقدمی ایلخانی بسیار ترسیده بود. در مدتی که مذاکرات در بیضاء به عمل می‌آمد، او ظاهراً با تمام استعداد خود با صولت‌السلطنه همدست شده و شرایط قبول‌نشدنی به سردار احتشام پیشنهاد نموده است که بعلت آن از استعفای سردار احتشام از مقام ایلخانی‌گری، این اوضاع جدید غیرمترقبه پیش آمده است.

چند روز قبل از این حادثه، مدبرالسلطنه نایب‌الایالهٔ شیراز و مستشیرالملك که یکی از ملاکین بزرگ فارس و در پلتیك [=پلیتیك] این نقطه دخالت تامی داشته است، به قیوم رفتند برای آنکه بین صولت‌السلطنه و ایلخانی را صلح بدهند ولی به این امر موفق نشدند. در ۲۵ سپتامبر به مراجعت به شیراز، کشکولیها که ظاهراً از طرفداران صولت‌السلطنه بودند، به آنها حمله نمودند. مدبرالسلطنه فرار کرده، مستشیرالملك دستگیر گردید.

الحال که ایلخانی استعفاء نموده است، محمدعلی و صولت‌السلطنه اطمینان صریحه از بابت اطاعت و انقیاد خود به قوام‌الملك داده و از او درخواست تعلیمات نموده و وعدهٔ جبران حملهٔ بی‌جهت به مدبرالسلطنه را داده‌اند. صولت‌السلطنه نیز قوام را اطلاع داده است که پیشنهاد صولت‌الدوله را برای اتحاد با خود رد نموده است.

در باب ایلخانی‌گری، حاجی محمدکریم‌خان که با صولت‌السلطنه و محمدعلی است، به قوام‌الملك نوشته است که ایل قشقائی پیش از این شخصی را که از خانوادهٔ ایلخانی به این مقام انتخاب شود، اطاعت نخواهند کرد و تعیین نصرالدوله را که یکی از پسران قوام‌الملك و مادرش قشقائی است، خواسته‌اند. قوام‌الملك این پیشنهاد را رد نموده و به حکومت مرکزی تلگراف نموده است که ایل قشقائی بایستی به صولت‌السلطنه سپرده شود بدون آنکه برای ایلخانی‌گری نامزد شود تا آنکه فرمانفرمای جدید وارد شده و در این باب تصمیم صحیحی بنماید.

عقیدهٔ مستر اسمارت بر این است که ایل قشقائی فعلا بکلی تجزیه شده است و

اقدام سردار احتشام برای اعادهٔ اقتدار ایلخانی‌گری و وصول مالیات مشمر ثمری نگردیده است و حالیه ظاهراً شخص مقتدری نیست که مجدداً برای اعادهٔ اقتدار مذکور اقدامی نماید و یحتمل دولت مجبور خواهد شد که ایلات مذکور را تحت حکم چند رئیس قرار دهد.

بدتر از همه اینکه ظاهراً محمدعلی آنچه سابقاً از دست داده بود، بازیافته است چرا که تاکنون دو ایلخانی را مغلوب ساخته و خود را ایلخانی درست‌کن جلوه می‌دهد.

در باب وضعیت قشون دولتی که قرار بود با صولت‌الدوله مقابله نمایند، این قشون که بیشتر از قشقائیها مرکب بود، در ۷ سپتامبر دور چنار راهدار اردو زده و برای آن در آنجا توقف نموده است که راه ایلات طاغی را مسدود سازد.

قوام‌الملك اصرار داشت بر اینکه قشون به طرف سیاخ حرکت نکنند تا آنکه ایلخانی به بیضاء برسد که در آن نقطه از حرکت ایلات به طرف جنوب جلوگیری شود.

در ۲۷ سپتامبر مستر اسمارت راپورت داد که قشون دولتی چون امتناع نموده‌اند از اینکه بدون حقوق دیگر توقف نمایند، به شیراز مراجعت نموده‌اند و صولت‌الدوله عساکر خود را در نقطهٔ نیمه‌راه بین چنار راهدار و خانه‌زنیان جمع نموده است.

راهها و معبرهای شیراز، فعلا محفوظ نمی‌باشد ولی امید می‌رود که به واسطهٔ سردی هوا، ایلات قشقائی با کمال عجله، بدون تولید اغتشاشات سخت در درهٔ شیراز، به طرف جنوب حرکت خواهند کرد و این مسأله که ایلات مذکور ظاهراً مصمم شده‌اند که برای هیچ‌یك از اعضای خانوادهٔ ایلخانی جنگ نکنند، بیشتر اسباب این امیدواری است.

از آخرین اخبار معلوم می‌شود که تفنگچیان قشقائی در داخل و دور شهر مشغول غارت می‌باشند، اگرچه به عقیدهٔ مستر اسمارت، به‌واسطهٔ حضور قریب شش نفر از رؤسای قشقائی در شیراز که با انگلیسها دوستی دارند، وقوع خطر مهمی برای انگلیسهای این منطقه محتمل نمی‌باشد.

با وجود این، دیروز در شیراز دو قضیه به وقوع پیوست. چنانکه در تلگراف ۲۹ سپتامبر خود راپورت دادم رئیس بانك شاهنشاهی با زن و بچه‌اش غروب ۲۸ سپتامبر به خانه مراجعت می‌کردند. بیرون دروازهٔ شهر، قریب بیست نفر که ظاهراً قشقائی و با تفنگ و چوب مسلح بودند، به آنها حمله نمودند و آنها را از الاغهایی که سوار بودند، به پایین آورده الاغهایشان را بردند. سربازان ایرانی که در خانهٔ رئیس مذکور مشغول قراولی بودند در آن محل حاضر شده و به سارقین گلوله خالی کردند و دو رأس الاغ را از آنها گرفتند.

مستر اسمارت به اجازهٔ کلنل دوگلاس، ۱۵ نفر از سپاهیان را در خانهٔ رئیس بانك (که در یك میل و نیمی قنسولخانه واقع است) و خانهٔ ذیقلر[=زیگلر] قرار داده‌است. خانهٔ رئیس کمپانی ذیقلر و زنش، پهلوی خانهٔ رئیس بانك است.

همان روز عصر، در موقعی‌که نوکر ایرانی یکی از انگلیسها که با مستر اسمارت

هم‌منزل بود به شهر مراجعت می‌کرد، قریب شش نفر تفنگچی، خارج قنسولخانه به او حمله نموده ولی موفق به فرار گردیده خود را به قنسولخانه رسانید.

مستر اسمارت اظهارات لازمه به مأمورین محلی نموده است ولی بیم آن می‌رود که مأمورین مذکور مثل قضیهٔ لیوتنان فریزر (رجوع به مراسلهٔ ۴ سپتامبر من کنید) آنقدر قدرت نخواهند داشت که مقصرین را دستگیر نمایند.

در مدتی که این حوادث در جنوب شیراز به وقوع می‌رسید، پنجاه نفر سواری را که قوام‌الملك به استقبال فرمانفرمای جدید به آباده فرستاد و سی نفر دیگر را که برای همان مقصود فرستاده شدند، دستهٔ بزرگی از بویراحمدیها در خانه‌خوره [=خان‌خوره] حمله نموده اسباب و تفنگ و مهمات آنها را غارت کرده و فرار نمودند.

سوارهای غارت‌شده، بدون تلفات وارد سورمق شدند. بویراحمدیها خانه‌خوره [=خان‌خوره] را اشغال نموده و سیمهای تلگراف آنجا را قطع نمودند.

مخابرات تلگرافی از قراری که راپورت داده شده، بیش از پیش در این تازگی مقطوع بوده، قشقائیهای فارسی‌مدان سیمهای بین دشت ارجن [=دشت‌ارژن] و میان‌کتل را مقطوع داشته‌اند و با وجود آنکه مکرراً به خوانین آنها امر داده شده از آنها جلوگیری شود، ثمری نبخشیده چرا که دست‌رسی به ایلات مذکور ممکن نیست.

اعراب و باصریها خطوط بین سیوند و شیراز را قطع می‌کردند و به همینطور سیمهای بین شیراز و خانه‌زنیان را قشقاییها مقطوع می‌داشتند و با غلام‌هایی که برای تعمیر خطوط مذکوره به شمال و جنوب فرستاده می‌شد، بدرفتاری کرده و آنها را لخت می‌کردند.

مقره‌ها و تیرها و سایر اسبابهای تلگرافی را تماماً می‌بردند و به این‌طور سیمهای مسافتهای زیاد، مقطوع می‌گردید.

در ۲۸ سپتامبر مستر اسمارت راپورت داد که راههای اصفهان و بوشهر بکلی مسدود گردیده و دو هفته است که پسته از بوشهر وارد نشده.

قافلهٔ بزرگ زوار که به طرف بوشهر حرکت کرده بود، مجبور شد به شیراز مراجعت نماید.

از مراتب فوق ملاحظه خواهید نمود که اوضاع ایالت‌فارس به‌هیچ‌وجه رضایت‌بخش نیست. این مسأله را باید متذکر شد که حالا موقعی است که باید انتظار اغتشاشات را داشت چرا که ایلات از ییلاق به قشلاق در شرف حرکت هستند و دیگر آنکه ورود ایالت جدید در ایران، غالباً یا باعث رفع یا تجدید اغتشاش می‌باشند.

(امضاء) والتر تنلی

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۶۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران غرهٔ آکتوبر ۱۹۱۲ [۸ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۹ شوال ۱۳۳۰]

آقـا

در باب مراسلهٔ ۱۴ ژویت [۲۳ تیر؛ ۲۸ رجب] شما در موضوع تصفیهٔ امور شیخ محمره ـ خوانین بختیاری، با کمال افتخار راپورت می‌دهم که دو تلگراف از قنسول اعلیحضرتی مقیم محمره رسیده مشعر بر اینکه مناسبات بین دو طرف فوق‌الذکر چنان خوب شده که دیگر لازم نیست اجلاسی که پیشنهاد شده، منعقد گردد زیرا از روی هرگونه دلیلی می‌توان امیدوار بود که آنها اختلافات فیمابین را به طریق دوستانه و مرضی‌الطرفین تصفیه خواهند نمود.

ماژور هاورت اظهار می‌دارد که عقیدهٔ شیخ بر این است که هرگونه قراری داده شود، باید با اطلاع مأمورین قنسولگری اعلیحضرتی باشد و می‌گوید خوب است در موقعی که طرفین قرارداد را امضاء می‌کنند، آن را توسط قنسول انگلیس رد و بدل نموده سواد آن را به قنسول بدهند و عقیدهٔ ماژور مذکور این است که چنین‌اقدامی زحمت و اشکالی برای ما فراهم نیاورده بلکه به واسطهٔ آن، برای طرفین مشکل خواهد شد که فیمابعد از قول و قرار خود تخلف ورزند والا ممکن است تا زمانی که برای هریك از طرفین صرفه داشته باشد، پای‌بند به قول و قرار خود بوده و در موقع عدم صرفه آن را نقض نماید. سر پرسی کاکس عقیدهٔ خود را تلگرافاً [=تلگرافی] اظهار داشته است که ممکن است نوشتهٔ مذکور را در قنسولگری محمره و اهواز ثبت دفتر دولتی نمود که سواد آن از آنجاها برای مقامات عالیه فرستاده شود.

به نظر من مکفی خواهد بود که سواد قرارداد مذکور برای دو قنسول فرستاده شود، لکن ممکن است لازم باشد که بیش از آنچه من تصور می‌کنم به این اقدام اهمیت داد. من مشغول مذاکره با سر پی‌کاکس هستم.

ماژور هاورت نیز تلگراف می‌کند که به واسطهٔ مناسبات حسنه بین شیخ و امیر مجاهد که از طرف سردار جنگ به حکومت بهبهان و کهکلوئیه [=کهگیلویه] تعیین شده، شیخ به تمام رؤسای ایلات خود که در سرحد خاك بختیاری هستند، دستورالعمل داده است که هرگونه همراهی با امیر مجاهد بنمایند و یکصد نفر به استقبال امیر مجاهد فرستاده است که تا هرجا که می‌خواهد همراه او بروند. شیخ به‌علاوه، به‌تمام رؤسای کهکلوئیهای [=کهگیلویه‌ای‌های] سرحد که با او مناسبات دوستانه دارند نوشته است که اگر به امیر مجاهد همراهی نکنند، او به امیر مجاهد کمك کرده و آنها را قلع و قمع خواهد نمود.

این مسأله برای بقای نظم و امنیت راه اهواز الی اصفهان بسیار میمون است، در صورتی‌که حسادت و رقابت سایر خوانین اسباب اغتشاشات ایلی نشود.

در تلگراف ۲۳ ماه گذشتهٔ خود، جنابعالی را مفتخراً اطلاع دادم که راه فعلا برای ایاب و ذهاب قوافل مفتوح است.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۳۶۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران غرهٔ اکتوبر ۱۹۱۲ [۸ مهر ۱۲۹۱: ۱۹ شوال ۱۳۳۰]

آقـا

مفتخراً خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۳۶۹

خلاصهٔ وقایع ایران در ماه سپتامبر

تبریز

در عرض ماه گذشته جنگی بین عساکر روس و شاهسونها به وقوع نرسیده. عده‌ای از ایل مذکور اسلحهٔ خود را تسلیم نموده‌اند. لیکن هنوز هم قریب ۱،۵۰۰ نفر در صدد این هستند که از میان قشون روس عبور کرده و در خاك عثمانی پناهنده شوند. ایالت آذربایجان، ۴۰۰ نفر سوار و پیاده به ساوجبلاغ فرستاده است که آنها را قلع‌و قمع نمایند.

سپهدار اعظم در ۱۹ سپتامبر به تبریز وارد شد.

گیلان و مازندران

مستر وراك در ۱۱ سپتامبر [۱۹ شهریـور؛ ۲۹ رمضان] به رشت وارد شد و مشاغل ویس‌قنسولگری را به عهده گرفت.

قسمت عمده‌ای از عساکر روس از قشون استراباد در قره‌سو ۲۰ میلی طرف مغرب شهر، به اردو وارد شده و در آنجا مشغول ساختن سربازخانه و تهیه برای زمستان می‌باشند.

همدان

در ۲۲ سپتامبر [۳۰ شهریور؛ ۱۰ شوال] ماژور برل با استعدادی مرکب از ۹۰ ژاندارم و دو توپ که از حکمران گرفته بود، از همدان بـرای متفرق نمودن دستهٔ بزرگ سارقین که در کوههای مجاور جمع شده بودند حرکت نمود و روز ۲۷ سپتامبر با سارقین مقابل شده و در جنگی که به وقوع رسید، مجروح گردید. روز بعد، او قشون خود را برحسب امر فرماندهٔ ژاندارمری، که به عقیدهٔ وی امر از فرماندهٔ ژاندارمری بود، به همدان عودت داد.

بعد از آن معلوم شد که حکمران همدان از ترس حملهٔ بعضی از همراهان سالار ـ الدوله، عوض آنکه برحسب امر فرماندهٔ ژاندارم دستورالعمل بدهد کـه توپها را پس بفرستند، تعلیم داده بود که تمام عساکر به همدان مراجعت نمایند.

مشهد

این ایالت به حال انقلاب معمولی باقی است، مخصوصاً در حوالی‌شاهرود که راههای

آنجا را از ده روز به این طرف دستهٔ بزرگی از سارقین ترکمن مسدود نموده‌اند.

در عرض هفتهٔ آخری ماه اوت [اوایل شهریور؛ اواسط رمضان] پرنس دابیجا و ژنرال ردکو به طرف روسیه حرکت کردند. وقتی که ژنرال ردکو حرکت کرد، کلنل درنزدوسکی به سرکردگی عساکر خراسان مستقر گردیده و مرکز قشون خود را در مشهد قرار داد.

امیر اعظم که سابقاً به ایالت کرمان منصوب بود، به شاهرود وارد شده است.

ماژور سایکس جنرال قنسول اعلیحضرتی در غرهٔ سپتامبر از مشهد برای گردش در ناحیهٔ بجنورد حرکت نمود.

اصفهان

در ناحیهٔ قم و سلطان‌آباد بهبودی حاصل نشده است. به علاوه سرقتهای قوافل، چندین دهات حدود سلطان‌آباد را دستجات غارتگر الـوار در عرض ماه گذشته غارت نمودند. در ناحیهٔ فریدن نیز از قرار مذکور مصیبت رعایای ارمنی به واسطهٔ تعدی نایب‌الحکومه و سادات معتبر آنجا خیلی زیاد است.

مخبرالسلطنه که برای ایالت فارس انتخاب شده، در ۱۸ سپتامبر [۲۶ شهریور؛ ۶ شوال] با یکصد و هشتاد نفر ژاندارم از اصفهان حرکت نمود و وقتی که در قمشه توقف داشت، شب ۲۳ و ۲۵ سپتامبر بر ژاندارمهای مذکور شلیك شد. صاحبمنصب موئدی آنها به سارقین حمله برده، آنها را متفرق ساخت و سرکردهٔ آنها که موسوم به علی‌خان بود، دستگیر و محبوس گردید.

سردار جنگ حالیه با کاپیتان گری وسط خاك بختیاری است.

قنسول اعلیحضرتی مقیم اهواز راپورت اطمینان‌بخشی از بابت پیشرفتی که در عمل اعادهٔ انتظامات شده، می‌دهد. امیر مجاهد که در ابتدای امـر با سردارجنگ مخالف بود، حالا با او صلح نموده و به حکومت بهبهان تعیین گردیده است.

یـزد

استاد محمد که در خلاصهٔ وقایع ماه آخر راپورت حرکتش به سمت یزد داده شد، از آن ناحیه حرکت کرده است. دستهٔ بزرگی از بویراحمدیها، در نیمهٔ آخر سپتامبر به ناحیهٔ اردکان وارد شده و از آنوقت تاکنون در آنجا مشغول غارت بوده‌اند.

اسدالله‌میرزا حکمران آنجا استعفاء نموده، لیکن کسی به جای او تعیین نشده‌است.

شیراز

همراهان صولت‌الدوله هنوز در حدود شیراز هستند و راه بوشهر مسدود شده‌است.

چندین دسته از بویراحمدیها، از قراری که راپورت داده شده، در ناحیهٔ آباده‌اند. در ۲۵ سپتامبر یکی از دستجات که عده‌شان ۵۰۰ نفر بود، به بعضی از دهات در راه عمدهٔ ین آباده و ده‌بید حمله برده دهاتیان آنها را منهزم نموده، و آنوقت به طرف ده‌بید حرکت کرده و چندین دهات عرض راه را غارت نمودند.

کرمان

دستجات مختلفهٔ سارقین که نواحی شمال و مغرب کرمان را از چندی به این‌طرف

غارت می‌نمودند، امیر مفخم هنگامی که به سمت ایالت کرمان می‌رفت، آنها را بکرات شکست داد و مقدار زیادی مال‌التجاره را مسترد داشته و در جنگهای مختلفه با آنها از قراری که راپورت داده شده، یکصد نفر از سارقین به قتل رسیده‌اند.

امیر مفخم حالیه در رفسنجان است و قصد دارد بمجرد آنکه ناحیهٔ رفسنجان را منظم نمود، به طرف کرمان حرکت کند.

کرمانشاه

در سوم سپتامبر [۱۱شهریور؛ ۲۱رمضان] سالارالدوله درکرمانشاه به یارمحمدخان ملحق شد، لیکن در ۱۶ سپتامبر همینکه شنید فرمانفرما در ۲۵ میلی شهر است، سالارالدوله بدون جنگ حرکت کرده و فرمانفرما حکمران آنجا، چند روز بعد به آنجا وارد شد.

در ۲۲ سپتامبر بختیاریها و مجاهدین که قسمتی از قشون دولت را تشکیل می‌دادند، فرمانفرما را رها کرده و به طرف همدان رفتند. سفارتین به حکومت مرکزی فشار آوردند که به بختیاریها و مجاهدین امر دهند به کرمانشاه بروند و از قراری که راپورت داده شده، حالا به طرف آن نقطه حرکت کرده‌اند.

سالارالدوله از کرمانشاه به‌سنندج رفته و در آنجا هرقدر ممکن‌بود قشون جمع‌آوری نموده است. از قراری که راپورت داده شده، او با یارمحمدخان و قریب ۱،۲۰۰ نفر به طرف کرمانشاه مراجعت نموده است.

نمره ـ ۳۷۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۹ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۰ شوال ۱۳۳۰]

آقـا

اوضاع کرمانشاه و حدود آن دلیل خوبی است از عدم توانایی دولت ایران و قوهٔ نظامی آن در اعادهٔ استقرار انتظامات، حتی در قسمتی از مملکت که ظاهراً عساکر دولتی در آنجا قریب سه چهار ماه قبل موفقیت کامل حاصل نمودند.

از قرار معلوم، در موقع تصرف کرمانشاه، اقدام مهمی برای دستگیری سالارالدوله به عمل نیامده و در عرض ماههای گذشته، راپورت ظهور این مدعی سیار از نقاط مختلفهٔ لرستان و کردستان داده شده است. به علت قطع مخابرات تلگرافی و غیاب اشخاص قابل اعتماد در نواحی که اشغال شده، خیلی مشکل است بتوان محل شاهزادهٔ مذکور را معین داشت.

البته بخاطر دارید که به مجرد آنکه کرمانشاه قبضه و سالارالدوله از آن نقطه خارج گردید که در میان ایلات وحشی لرستان و کردستان سرگردان و آواره شود، استعداد بختیاری و مجاهد که با فرمانفرما بودند، شروع به داد و فریاد زیاد برای اجازهٔ مراجعت به طهران کردند چرا که دیگر انتظار نمی‌رفت جنگی به وقوع رسد.

در ماه ژویت راپورت داده شد که آنها برای مراجعت به طهران از کرمانشاه حرکت

کرده‌اند. قشون مزبور در بیستون توقف نموده و به وصول پول از حکومت مرکزی، راضی به مراجعت به کرمانشاه شدند. در آن وقت نیز شکایت شد که فرمانفرما تمام غارتیها را برده و دولت و آنهایی که در جنگها فتح نموده‌اند، قسمتی مرده‌اند[۱].

ه‌ر اوایل اوت فرمانفرما با تمام قشون خود به سنندج پایتخت کردستان که ایالت آنجا هم به عهدهٔ او است، حرکت کرده، استعداد غیرمکفی در کرمانشاه قرار داد. در موقعی که استعداد دولتی بـه طرف سنندج در حـرکت بودند، شخصی موسوم بـه یارمحمدخان فرمانفرما را رها کرده و به سرکردگی ۳۰۰ نفر از مجاهدین مسلمان به کرمانشاه مراجعت نمود. از قرار معلوم یارمحمدخان به تدبیر جنگی شهر مذکور را قبضه نموده و از آن نقطه به طهران تلگراف کرده است کـه چون می‌خواسته‌اند نایب‌السلطنه خلع و کابینه تغییر داده شود و مشروطیت برقرار و مجلس منعقد گردد، فرمانفرما را رها نموده‌اند. در ابتداء شهرت داشت که یارمحمدخان در نظر داشت خود را طرفدار سالارالدوله اعلان کند و این مسأله وقتی ثابت شد که شاهزادهٔ مذکور در سوم سپتامبر [۱۱ شهریور؛ ۲۱ رمضان] به سرکردگی ۵۰۰ نفر به کرمانشاه مراجعت نمود و یارمحمدخان که سابقاً دموکرات بود و حالا یاغی و خائن دولت شده بود، با کمال محبت از طرف سالارالدوله پذیرفته شد.

قبل از آنکه بخوبی واضح شود که یارمحمدخان حامی کدام‌طرف خواهدبود، دولت، جوان ارمنی موسوم به میرزایانس را که سابقاً مدیر و مترجم قشونی یفرم‌خان بود، فرستاد به امید اینکه او بتواند اختلافات بین مجاهدین مسلمان و ارمنیهائی که هنوز در تحت امر کری‌خان بودند، رفع نماید. میرزایانس دیر رسید و نتوانست به‌مقصودی که در نظر گرفته بود نائل شود و از قراری که معلوم شد از فرستادن او بکلی کاری از پیش نرفت چرا که او نه فقط نتوانست خطا و سهو مجاهدین یاغی را بـه آنها بفهماند، بلکه خود او با مجاهدین دولتخواه و بختیاریها شریك شده و عریضه به دولت نوشته است که عساکری که بـرای جنگ فرستاده شده‌اند، چند ماهی بـرای اعادهٔ مشروطیت و مجلس جنگ نموده و دولت در مسألهٔ مجلس مستدعیات آنها را اصغاء ننموده و به هیچ وجه علامت شروع انتخابات مجلس ظاهر نیست.

اینك مفتخراً ترجمهٔ این عریضه را به انضمام اعلانی‌کـه از طرف انجمن مخفی انتشار یافته مشعر بر اینکه اهالی ایران دوباره مطیع سلطنت‌استبدادی محمدعلی‌میرزا نخواهند شد (با وجود آنکه در بعضی مراکز ایرانیان اظهار شده است که اهالی مایل به مراجعت شاه مخلوع می‌باشند) لفاً ایفاد می‌دارم. این نوشتجات را شخصی که زبان انگلیسی می‌دانست و مستر چرچیل او را نمی‌شناخت، به او داد.

پس از تردید زیاد، عساکر تحت امر فرمانفرما ترغیب شدند برای قبضهٔ کرمانشاه مراجعت کنند. همینکه نزدیك کرمانشاه رسیدند سالارالدوله و یارمحمدخان بطرف سنندج که بعد از آن اشغال شد حرکت کردند. از بابت عبور دو استعداد متخاصم از

---

۱) چنین است در اصل. جمله نارسا است و اصلاح آن بدون قرینه مقدور نیست. ـ م.

یکدیگر بدون خالی کردن گلوله، دو حکایت نقل شده است: حکایت اول این است که دو قشون از دو راه حرکت کردند؛ قشون دولت از راه معمولی و یاغیان که عمده‌شان ۶۰۰ نفر بود، از راه غیرمعمولی کوهستان عبور نمودند. حکایت دیگر این است که این دو استعداد با هم مقابل شده، لیکن بختیاریها و مجاهدین که فقط می‌توانستند جنگ کنند امتناع نمودند از اینکه با سالارالدوله و قشونش طرف شوند.

به مجرد آنکه دوباره فرمانفرما در کرمانشاه مستقر گردید بختیاریها و مجاهدین اظهار نمودند دیگر جنگ نخواهند نمود و به قصد مراجعت به طهران او را رها کردند. همینکه به کنگاور رسیدند خوانین طهران به آنها امر داده تأکید نمودند که در آنجا بمانند تا ورود قشون امدادی بختیاری که وعده داده شده بود بزودی فرستاده می‌شود، برسد.

بدبختانه این قشون امدادی فرستاده نشد چرا که زیادتر از ۱۵۰ نفر نتوانسته‌اند در طهران جمع‌آوری نمایند و در این موسم سال از خاك بختیاری هم، نمی‌توان قشون تحصیل نمود.

از قراری‌که می‌گویند، قشون کوچك بختیاری بین سلطان‌آباد و همدان هستند. وزیر امور خارجه مرا اطلاع داده است که به اینها امر داده شده است برای جنگ حرکت کنند لیکن اهالی از وجود داشتن آنها مشکوك [=شاك] می‌باشند.

با این اوضاع، همکار روسی و من صلاح دانستیم به صدراعظم بختیاری و وزیر جنگ بطور سخت اظهار بنماییم که اگر نمی‌توانند ایلیاتیهای خود را که به جنگ رفته‌اند، ترغیب نمایند [که] وظایف خود را به انجام برسانند و در سیاسیات دخالتی نکنند، ما مجبور خواهیم شد که دست از حمایت بختیاریها در پایتخت و ایالات و ولایات برداریم.

از قرار معلوم، اظهارات ما مثمر ثمر شده است زیرا که به ما حالا اطمینان داده شده است که قسمتی از قشون کنگاور به کرمانشاه مراجعت خواهند نمود و بقیه به همدان خواهند رفت که به استعداد ساخلوی آنجا ملحق شوند. راپورتهایی که از بابت جنگ رسیده، بسیار متضاد است ولی ظاهراً مسلم است که سالارالدوله دوباره موفق به جمع‌آوری قشون زیاد ایلیاتی دور خود شده و از سنندج برای کرمانشاه یا همدان حرکت کرده است. عدهٔ قشون او به ۷،۰۰۰ نفر تخمین شده است. یحتمل این تخمین اغراق باشد. او یك توپ کوهستانی هم دارد.

از قرار معلوم سالارالدوله عنوانات خود را تا اندازه‌ای تغییر داده است و از قرار مذکور دست از دعاوی خود نسبت به سریر سلطنت برداشته و خود را خواهان و حافظ استقلال و مشروطیت ایران اعلان نموده است.

(امضاء) والتر تنلی

www.adabestanekave.com

ملفوف اول نمرهٔ ۳۷۰

سواد مکتوب هیأت اتحادیهٔ ایرانیها
این مکتوب بـرای کابینه و سردار اسعد و هیأت دیپلوماسی
توسط حزب داشناکسیون فـرستاده شده است

البته بـه کابینه به‌خوبی واضح است کـه هر فـردی از افراد قشونی از ابتدای مشروطیت همه‌جا و در هر وقت، طرفدار استقلال مملکت و حفظ مشروطیت بوده است و برای این مقصود مقدس دست از جان خود کشیده‌ایم و جنگها کرده و فتحها از قبیل فتح طهران و گیلان و زنجان و قراجه‌داغ و اردبیل و مازندران و استراباد و ارشدـ الدوله و سالارالدوله و غیره کرده‌ایم. فرد فرد این قشون دارای یك عقیده بوده و خود را حاضر فداکاری می‌داند و ما یقین داریم که عقاید کابینه هم مثل عقاید قشون است.

هفت ماه قبل، دولت به علت اشکالات خارجی مجبور به بستن مجلس گردیـد و دستجات قشونی هم چون این اقدام را مقتضی و صلاح می‌دانستند، آن را تصویب و در اجرای آن کمك نمودند. مجلس منفصل گردید و کابینه وعدهٔ صریح داد که پس از انقضای سه ماه مفتوح خواهد شد. این اسباب یأس ما شده و علی‌هذا فرد فرد قشون بطور عموم و صاحب‌منصبان کل و جزء خصوصاً از دولت درخواست افتتاح پارلمان را می‌نمایند و استدعا می‌کنند که اوامر بسیار مؤکده برای شروع به انتخابات داده و پارلمان را پس از مدت قلیلی مفتوح سازند. این اقدام از طرف آنها اسباب رضایت اهالی مملکت و تشکر قشون خواهد گردید (امضاء) ضیاءالسلطان میرزایانس شهاب‌السلطنه کری غفار قـزوینی سالارمنصور جوادخـان غلامحسین‌خـان حبیب‌بهادرالدوله و قریب ۳۰ نفر دیگر

به تاریخ دهم شوال ۱۳۳۰ [۳۰ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۲]

ملفوف دوم نمرهٔ ۳۷۰

مکتوب کمیتهٔ مرکزی اتحادیهٔ ایرانیها
به سفارت انگلیس

میل ما این است که اظهاراتی را که از بعضی مراکز در باب اعادهٔ محمدعلی‌میرزا منتشر می‌شود صراحتاً تکذیب نموده بگوییم که این جعلیاتی که محرکین انقلاب و اشخاصی که تاکنون مانع سلامت و سکون مملکت بوده‌اند انتشار می‌دهند. اهالی ایران دوباره مطیع سلطنت جابرانهٔ محمدعلی نخواهند شد. امیدواریم کسانی که با انسانیت همدردی دارند ادامهٔ رولوسیون و خونریزی را در ایران روا نخواهند داشت و یقین داریم که سفارت انگلیس، دولت انگلیس را از احساسات ملت ایران مستحضر خواهد داشت.

(بدون امضا) (مهر) کمیتهٔ مرکزی اتحادیهٔ ایرانیها
طهران ۱۶ شوال ۱۳۳۰ [۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۲]

نمره ـ ۳۷۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۰ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۱ شوال ۱۳۳۰]

آقـا

کلنل یالمارسن فرماندهٔ ژاندارمری سوئدی، اخیراً بعضی نوشتجات مربوط به تشکیل و تنظیم ژاندارمری دولتی ارائه نموده است.

اینك مفتخراً خلاصهٔ این نوشتجات را که آتاشه‌میلیتر سفارت اعلیحضرتی تهیه نموده، برای شما لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۳۷۱

راپورت راجع به تشکیل ژاندارمری دولتی

حوادث اخیرهٔ فارس و عدم پیشرفت انتقال صاحب‌منصبان از قشون به ژاندارمری و لزوم عدم مرکزیت بیش از این در شمال، تشکیل دستجات معظم قشونی را لازم می‌دارد. کلنل یالمارسن فرماندهٔ ژاندارمری در اوایل سپتامبر نقشه‌ای به حکومت مرکزی ارائه نمود.

تغییراتی‌که توصیه شده بود، از آنجمله اضافه مصرف ۳۶،۹۴۴ تومان از طرف وزارت داخله، تصویب شد و در ۲۴ سپتامبر مجری گردید.

تحت تشکیلات جدیده، مراکز قشونی تغییر نموده و مدارس صاحب‌منصبان کل و جزو در طهران تخلیط شده و از عساکر قزوین و طهران و فارس سه رژیمان تشکیل خواهد شد.

مراکز قشونی

مراکز قشونی مرکب خواهد بود از فرمانده کل و رؤسای اداره‌های حقوق و مهمات و بنائی نظامی و بیطاری و اجزاء آنها.

مدارس صاحب‌منصبان کل و جزو

ابتدائاً در نظر بود که از صاحب‌منصبان قشونی برای ژاندارمری تعیین شود و زمستان گذشته همینکه مدرسهٔ صاحب‌منصبان مفتوح گردید، کلنل یالمارسن از وزیر جنگ درخـواست نمود که اعلانـی در میان صاحب‌منصبان قشونی منتشر نموده و شرایط دخول را برای آنها توضیح کند. وزیر جنگ این اعلان را منتشر ننمود و فقط عدهٔ کمی از صاحب‌منصبان قشونی داخل ژاندارمری شدند.

چون دیگر از این ممر صاحب‌منصب بدست نمی‌آید، کلنل یالمارسن تصمیم نموده است که صاحب‌منصبان خود را از صاحب‌منصبان جزو ژاندارمری انتخاب کند و برای آنکه دورهٔ تعلیمات متوالی باشد، مدارس صاحب‌منصبان کل و جزو را تخلیط نموده است.

www.adabestanekave.com

تشکیل رژیمانها

برحسب سیستم جدید. امر رژیمان[1] مرکب خواهد بود ازیکی یا چند باطالیان[2] افراد تعلیم‌یافته برای حفظ راهها و یك باطالیان مرکزی برای تعلیم افراد جدید.

قسمت شمالی

رژیمان اول از سه باطالیان تشکیل خواهد شد: باطالیان اول و دوم با مراکز خود در طهران و قزوین برای حفظ راههای دور و حوالی پایتخت و راههای از طهران الی قزوین و انزلی و از قزوین الی همدان تعیین خواهند شد. مرکز باطالیان سوم یا باطالیان برای تعلیم افراد جدید، طهران خواهد بود.

رژیمان دو، مرکب از دو باطالیان و مراکز هر دو در طهران خواهد بود. باطالیان اول در راه از طهران الی قم و پاسنگان و راههای از طهران الی ورامین تقسیم خواهد شد. باطالیان دوم برای تعلیم افراد جدید خواهد بود.

قسمت جنوبی

تشکیل رژیمان سوم که عدهٔ آنها فعلا ۲۵۰ نفر است و برای تعلیم صاحب‌منصبان جزو آن مدرسهٔ تأسیس‌شده تا بهار آتیه به اتمام نخواهد رسید.

کلنل یالمارسن در نظر داشت که تمام افراد اولین قسمت ژاندارمری فارس را در طهران تعلیم دهد. بهار گذشته قبل از آنکه عدهٔ مکفی تعلیم بیابند و با وجود اعتراضات او، حکومت مرکزی به او دستورالعمل دادند که بلاتأخیر در شیراز شروع به‌کار کند. بنابر این ۱۳۰ نفر از ژاندارمهای طهران تحت امر سه نفر صاحب‌منصبان سوئدی در ماه مارس گذشته بدانجا فرستاده شد که مرکز ژاندارمری فارس را تشکیل دهد، لیکن به علت مخالفت مأمورین محلی عدهٔ مکفی داخل ژاندارمری نمی‌شدند.

لطمه‌ای که در ماه اوت از همراهان صولت‌الدوله به آنها وارد آمد، تحصیل افراد جدید را بیش از پیش مشکل نموده است و چون تا زمانی که استعداد ژاندارمری به اندازه‌ای نرسیده که در هر نقطه مورد احترام باشد، احتمال نمی‌رود که از این حیث بهبودی حاصل گردد.

فرمانده کل تصمیم نموده است که ۹۲۵ نفر را در مراکز رژیمان اول و دوم تعلیم داده و در بهار آتیه آنها را به شیراز بفرستد و آنوقت از این رژیمان، باطالیانها منشعب شده و در راه از بوشهر الی شیراز و ایزدخواست تقسیم خواهند شد و در صورت امکان، مدرسهٔ صاحب‌منصبان کل و جزو شبیه به مدارس طهران تأسیس خواهد گردید.

رژیمان اصفهان

سال آتیه در صورتی‌که پول برسد، فرمانده کل امیدوار است بتواند رژیمانی تشکیل داده مرکز آن را در اصفهان قرار دهد که راههای از پاسنگان تا ایزدخواست را محافظت نموده بدین‌واسطه بتوانند قسمت شمالی ژاندارمری را با قسمت جنوبی مربوط سازند.

---

۱ و ۲) نك ص ۱۷٤۰. ـ م.

مصارف تخمینی

مصارف تخمینی رژیمان اول و دوم و سوم ۱۲ ماهه از اول ماه اکتوبر ۶۱۶،۳۰۷ تومان و یك قران، و مصارف تشکیل و نگاهداشتن رژیمان اصفهان ۱۲ ماهه ۴۰۷،۲۴۲ تومان و پنج‌هزار خواهد بود.

تحصیل افراد ژاندارم

کلنل یالمارسن در ضمن ملاحظات خود در مسألهٔ تشکیل ژاندارمری، جلب توجه به اشکالاتی که مخصوصاً از بابت تحصیل افراد با آن مقابل شده، می‌نماید.

در شمال و جنوب اولیاء امور مخالف پیشرفت و ترقی تشکیلات ژاندارمری بوده‌اند. مثلا حکمران قزوین از دستهٔ ژاندارمری که تحت امر صاحب‌منصب خود در بهار گذشته برای تحصیل افراد در ناحیهٔ قلمرو حکومتش رفتند، مطالبهٔ ۲،۰۰۰ تومان بطور رشوه نموده، چون این تقاضا قبول نشد، او به رؤسای ایلاتی کـه در قلمرو حکومتش بودند تعلیم داد که با صاحب‌منصب آنها همراهی ننمایند و لذا دستهٔ‌مذکور به مقصود خود نایل نشدند.

بعد از آن، صاحب‌منصب قشون قزوین، از همان نقطه ۲۰ نفر را داخل ژاندارمری نمود لیکن همینکه وزیرجنگ این را شنید، امر صادر کرده غدغن نمود از آن ناحیه ژاندارم نگیرد.

در ناحیهٔ قم، رژیمان محلی و نقاطی که در آن می‌توانست تحصیل افراد نماید، از طرف دولت ایران تحت امر و اختیار ژاندارمری قرار داده‌شد و فرماندهٔ‌کل، تحصیل افراد را به صاحب‌منصبان رژیمان مذکور سپرد لیکن اینها عوض آنکه با کمال جدیت مشغول تحصیل افراد شوند، از هرکه می‌توانستند به عنوان استخدام اجباری جبراً پول می‌گرفتند.

نظر به اینکه برای اعزام ژاندارم به شیراز در پاییز گذشته، لازم است زیاده بر معمول، افراد داخل ژاندارم شود به وزیر داخله اظهار شده است که اقدام برای این سوءرفتار بنماید[1].

محاکم عدلیه

کلنل یالمارسن نیز شکایت دارد از اینکه طریقهٔ [کار] در محاکم عدلیهٔ ایران که ادارهٔ ژاندارمری باید مقصرین خود را برای تنبیه به آنجاها بفرستد، مکفی و مطلوب نمی‌باشد.

او به وزیر عدلیه ارائهٔ طریق نمود که به صاحب‌منصبان ایرانی ژاندارمری اجازه داده شود که خود آنها مجازاتهای جزو را به عمل آورده و در نقاطی که صاحب‌منصبان سوئدی هستند، تحت ریاست آنها محاکم برای محاکمهٔ مقصرین خطاهای سهمه تشکیل گردد.

وزیر عدلیه اظهار داشت که چون این مسأله با قوانین مملکتی مخالف می‌باشد،

---

۱) چنین است در اصل و عبارت نارسا است. ـ م.

نمی‌تواند آن را تصویب نماید و کلنل یالمارسن را اطمینان داد که اشخاص صحیح برای محاکم صلحیه مخصوصاً برای محاکمهٔ مقصرینی[1] که ژاندارمری تسلیم بنماید، تعیین خواهد نمود.

احتمال و امید موفقیت

با وجود مخالفت بعضی از وزرای کابینه و حکام ایالات و ولایات و حکایات اغراق‌آمیزی که در باب سختی دیسیپلین در اطراف منتشر گردیده، کلنل یالمارسن مطمئن به پیشرفت کار است.

علماء که او، به وسایل مختلفه آنها را با این امر موافق ساخته، تاکنون با ژاندارمری مخالفت ننموده‌اند و عقیدهٔ او بر این است که تا زمانی که حقوق منظماً داده شود، مردم برای استخدام در ادارهٔ ژاندارمری حاضر خواهند بود.

کلنل یالمارسن اظهار می‌دارد که اشخاصی که داخل ژاندارمری می‌شوند، در ابتدا باهوش و مایل به تعلیم‌یافتن هستند لیکن همینکه به تحصیلات عالی‌تر می‌رسند، اغلب تنبل می‌شوند و امیدوار است که به مرور ایام، صاحب‌منصبان بتوانند این نقص را از آنها رفع کنند.

او تصور نمی‌کند که ایرانیان از صفات و خصوصیاتی که برای نظام لازم است، عاری باشند و می‌گوید که در جنگ ماه اوت گذشته نزدیک شیراز، ژاندارمری تحت امر صاحب‌منصبان خود، جنگ خوبی کردند و آنهایی‌که فرار کردند، تحت امر صاحب‌منصب ایرانی بی‌جرأتی بودند که نتوانسته بود به واسطهٔ ابراز رشادت و جرأت برای آنها سرمشقی بشود.

نمره ـ ۳۷۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۶ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۷ شوال ۱۳۳۰]

آقا

با کمال افتخار پروگرام جوف را که امروز علی‌قلی‌خان معاون وزارت خارجه به نام دولت ایران برای سفیر روس و من فرستاده، ایفاد می‌دارم.

به عقیدهٔ او، در پروگرام مذکور فقط سه مسأله مندرج است که دارای اهمیت مخصوص است و آن مسائل راجع به تشکیل قشون ۲۸،۰۰۰ نفری و قرضهٔ ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان و احداث راه‌آهنی از بحر خزر یا از نقطه‌ای در سرحد آذربایجان تا خلیج فارس می‌باشد. من از علی‌قلی‌خان سؤال نمودم که دولت ایران چه اقدام دیگری در نظر دارند در مسألهٔ قرضه بنمایند؟ او ابتدا می‌خواست بگوید که آنچه در این باب اظهار شده مکفی است و دولتین باید عمل را بگذرانند؛ پس از قدری فکر او با تردید ارائهٔ طریق نمود که خزانه‌داری کل به سفارت آمده و جزئیات

---

۱) اصل: مقصرینی را. ـ م.

عایداتی را که برای تأمین قرضهٔ مذکور ممکن است بدست آورد، عرضه خواهدداشت. و بعلاوه اظهار داشت که صورت مالیه‌ای که مسیو مرنارد نوشت و سواد آن را من با کاغذ ۳۱ اوت [۸ شهریور؛ ۱۸ رمضان] خود فرستادم، بخوبی واضح می‌کند که عایدات گمرکات شمالی و جنوب فقط برای پرداخت وجوهات از بابت قرضهٔ مذکور مکفی می‌باشد.

من در جواب گفتم این مسأله چنانچه به نوشتجات نظر کنیم صحیح است لیکن تجربیات اخیره به ما نشان می‌دهد که عایدات گمرکات جنوب ظاهراً برای پرداخت اصل و منافع قروض موجوده مکفی نبوده است و اظهار داشتم بخوبی می‌دانم که عایدات گمرکات جنوب باید بخوبی برای پرداخت وجوهات معینه که بر آن تحمیل شد، کافی باشد ولی بدبختانه خزانه‌دار کل اصرار دارد به اینکه این وجوهات را به مصارفی برساند که[1] تا زمانی که شرایط قرضهٔ ۱۹۱۱ به انجام نرسیده، نمی‌توان آن را مصرف نمود؛ و گفتم که این مراتب اسباب اطمینان نخواهد شد و گمان می‌کنم قبل از آنکه امکان دادن قرضه‌ای را که پیشنهاد شده، بتوان دانست، لازم است که از روی بصیرت در صورت مالیه‌ای که فوقاً بدان اشاره رفته مداقه شده و عقیدهٔ صحیحی از بابت آن حاصل شود[2].

من سپس از علی‌قلی‌خان پرسیدم که مقصود از احداث خط‌آهن از شمال تا جنوب چیست و به او اظهار داشتم که شما برای من تعلیمات فرستاده‌اید که با همکار روس خود متفقاً از طرف سوسیته دتود که سندیکای انگلیسی و فرانسوی و روسی است، تقاضای امتیازی برای احداث خطی شبیه به آن که مذکور شد، بنماییم.

علی‌قلی‌خان در جواب اظهار داشت که به عقیدهٔ او، خط‌آهنی که من ذکر کردم همان است که او بدان اشاره نموده و به گمان او، تحصیل امتیاز خط‌آهن اشکالی نخواهد داشت و به‌علاوه گفت که در مسألهٔ نقشه‌های خط‌آهن انگلیس و روس که به دولت ایران عرضه گردیده، اخیراً پیشرفت زیاد حاصل نشده و انتظار دارد که مسائل مذکور بزودی بر وفق دلخواه تصفیه شود.

من نیز اظهار داشتم که واضح است قسمت پنجم و ششم این یادداشت مربوط به من نمی‌باشد، لیکن اظهار امیدواری نمودم به اینکه اگر بگویم که شامل نمودن این دو فقره در این قسم نوشته، پلیتیك بسیار بدی است، مرا معذور خواهد داشت.

دولت روس اگر بخواهند به فقرهٔ ششم جواب بدهند، بطور سهولت می‌توانند طوری جواب بدهند مثل آنکه هیچ جوابی نداده باشند و اشاره به مطلبی که ممکن است اسباب کدورت شود چه فایده و چه ثمر دارد؟

نفوذ و قدرتی که شجاع‌الدوله را به این مقام تعیین نموده به کنار، در هر صورت ایالت او را بدین مقام منصوب نموده و اگر ایالت بگذارد کسی که تابع و زیردست

---

۱) اصل: که اینکه تا زمانی که .... ـ م.

۲) چنین است در اصل و عبارت، گنگ و پیچیده است و اصلاح بیشتر، مقدور نشد. ـ م.

او است، مشاغل ایالتی را از دستش بگیرد، دولت روس می‌تواند شخص ایالت را مورد ملامت قرار دهد.

اما از بابت شاهسونها، خوب نیست گفته شود بگذارند ایالت آنها را سرکوبی دهد، وقتی که تمام عالم می‌دانند ایالت آنقدر قشون ندارد که با شاهسونها جنگ کند. حتی در صورتی‌که این خواهشی که از دولت روس شده، آن دولت را از انجام مقصود خویش بازداشته و اسباب کدورت دولت مشارالیها نمی‌شد، دولت روس می‌دید که عادت غارتگری ایل مذکور، منشأ دائمی خطر جانی و مالی اهالی دور و حوالی می‌باشد و بنابراین یحتمل از روی بی‌میلی زیاد تصمیم نمودند به قسمی که دولت ایران، با اوضاع موجوده نمی‌توانست آنها را سرکوبی دهند.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۳۷۲

اظهاریهٔ دولت ایران

چندین سال است که دولت ایران هرگونه مساعی برای انجام اصلاحات لازمه بکار برده و چون مجبور شده‌اند که تمام اوقات و پول خود را صرف جلوگیری و رفع اغتشاشات غیرمترقبه بنمایند، نتوانسته‌اند مقصودی را که در مد نظر داشته‌اند، به انجام رسانند.

لیکن اصلاحات را که در مد نظر دارند بیش از این نمی‌توان به عهدهٔ تعویق انداخت و دولت علیه با عزم جزم مصمم‌اند بدون جزئی تأخیر نقشه‌ای را که طرح شده است، به اجراء رسانند.

علی‌هذا، دولت علیه جلب توجه دولتین همسایه را به دو مسألهٔ ذیل می‌نمایند به امید آنکه کمك و همراهی دوستانهٔ آنها را تا اندازه‌ای که مربوط به آنها است تحصیل نمایند:

۱) اعاده و استقرار نظم و امنیت در راههای تجارتی اول‌چیزی است که توجه دولت به آن معطوف است. برای انجام این مقصود در نظر دارند اقدامات ذیل را بنمایند:

(۱) توسعهٔ ژاندارمری به همراهی صاحب‌منصبان سوئدی؛

(۲) تشکیل نظمیه با کمك صاحب‌منصبان سوئدی؛

(۳) تشکیل قشون ۲۸،۰۰۰ نفری با اسلحهٔ خوب.

قسمت ۷،۰۰۰ نفری با کمك صاحب‌منصبان اروپایی که از یکی از دول صغار استخدام شود، در طهران تشکیل خواهد گردید. این صاحب‌منصبان در طهران مشغول تعلیم خواهند شد و متدرجاً تمام دستجات دیگر قشونی که برای استقرار نظم در ایالات و ولایات ساخلو می‌باشند، توسط آنها تعلیم خواهند یافت.

۲) برای فراهم آوردن وسایل لازمهٔ اعادهٔ استقرار نظم و خرید اسلحهٔ کافی و اجرای اصلاحات اداری و تزیید و توسعهٔ ثروت طبیعی مملکت، و بالاتر از همه اجرای اصلاحات مالی، دولت علیه مجبورند از روی شرایط اقتصادی صرف، متوسل به یك

قرضهٔ بزرگی شوند و حاضرند برای نیل به این مقصود، فوراً داخل مذاکرات شوند.
عایدات حالیهٔ مملکت به استثنای مالیات املاك و پس از وضع وجوهاتی که برای استهلاك قروض سابقه و مصارف لازمه مقرر شده، برای تأمین قرضهٔ ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان مکفی می‌باشد.
تا زمانی که عمل این قرضهٔ بزرگ به اتمام نرسیده، دولت ایران برای شروع اجرای نقشهٔ خود از دولتین تقاضای مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرا بطور مساعده می‌نمایند.
۳) چون حضور قشون اجنبی در خاك ایران بطور وضوح برای نفوذ معنوی حکومت مرکزی مضر است، دولت علیه‌مستدعی است دولتین به حل این اشکال مساعداً جلب توجه بنمایند که حکومت مملکت با اقتدار لازمه بتواند به وظایف خود عمل کند.
۴) چون ترقی تجارت و سعادت مملکت، بدون احداث‌خطوط آهن میسر نگردد. دولت علیه مصمم شده‌اند که بحر خزر یا نقطه‌ای در سرحد آذربایجان را به واسطهٔ راه‌آهن بین‌المللی با هم مربوط و مستتل سازند.
۵) انعقاد پارلمان هم یکی از مقاصد دولت می‌باشد.
۶) چون اعاده و استقرار نظم در ایالت آذربایجان مخصوصاً مطلوب است، دولت علیه توجه مساعد دولت روس را به قصد نیل به این مقصود و استحکام اقتدار ایالت آن نقطه، به مسائل ذیل جلب می‌نمایند:
(۱) که شجاع‌الدوله از دخالت در حکومت مرکزی آذربایجان اجتناب نماید؛
(۲) که تصفیهٔ امر شاهسونها بکلی به دست ایالت واگذار شود.
۷) نظر به‌اینکه شهرت مراجعت شاه مخلوع هنوز گاهگاهی اسباب تشویش اذهان مردم شده و سبب تشویق عناصر اغتشاش‌طلب می‌شود، دولت علیه خواهش خود را تکرار می‌کند که دولتین صاحبان امتیاز پروتکل ۱۹۰۹ اطمینان رسمی بدهند که هر قسم علل خطری را که از اقدام جدید شاه مخلوع برای مراجعت به ایران متصور است رفع نمایند.

نمره ـ ۳۷۳

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۸ مهر ۱۹۲۱، ۹ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۹ اکتوبر شما:
من مفاد تلگراف مذکور را دیروز در کاغذ خصوصی به معاون وزارت امور خارجه نوشتم.
جناب معظم‌له مرا اطلاع داد که به سفیر روس اجازه داده‌شده‌است که در صورتی‌که خطر حتمی متصور باشد، عساکر به طهران احضار نماید چرا که او فقط شخصی است که می‌تواند بر لزوم آمدن یا نیامدن عساکر در آنجا حکم کند.
من اظهار داشتم که از قرار معلوم سفیر روس به اوضاع اهمیت زیاد می‌دهد و صمیمانه اظهار امیدواری نمودم که چنین‌اقدامی در آخرین‌دقیقه که‌چاره‌ای‌دیگر نباشد،

به‌عمل خواهد آمد.

جناب معظم‌له[1] در جواب اظهار داشت که خوب است ما از این مسأله مطمئن باشیم و گفت که سر والتر تنلی البته با سفیر روس مشورت، نموده و عقاید دولت انگلیس را به او ابلاغ خواهد نمود.

نمره ـ ۳۷۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۸ مهر ۱۲۹۱؛ ۹ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ اکتوبر شما ـ عساکر شیراز ـ من با عقائدی که در قسمت آخر مذکور شده، کمال موافقت را دارم.

نمره ـ ۳۷۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۹ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ اکتوبر من:

وزیر امور خارجه دیروز به ملاقات من آمد. به علت کسالت و علل مختلفهٔ دیگر، من نتوانسته بودم عقائد حضرت معظم‌له[2] را از بابت اوضاع حاضره استفسار نمایم.

به‌عقیدهٔ حضرت معظم‌له، عین‌الدوله بهترین کسی است که کابینهٔ جدیدی تشکیل دهد. حضرت معظم‌له اظهار داشت که تا زمانی که غیرمعلومی امور دوام دارد، کابینهٔ حالیه از امضای امتیازات امتناع خواهد داشت.

بختیاریها مخالف تعیین عین‌الدوله خواهند بود لیکن وقتی ببینند سفارتین متفقاً عمل می‌نمایند، بلاشك دیگر مخالفت نخواهند نمود.

سفیر روس حامی قوی عین‌الدوله است لیکن چنانچه می‌دانید از چندین سال به این‌طرف، مناسبات شاهزادهٔ مذکور با سفارت دولت اعلیحضرتی دوستانه نبوده است ولی در صورتی‌که او را بهترین شخص برای استقرار نظم در مملکت بدانند، خوب نبودن او با ما، به عقیدهٔ من نباید سبب ضدیت ما با او شود.

نمره ـ ۳۷۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۹ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل در ۲۱ اکتوبر از شیراز مخابره شده است:

ایالت شیراز مرا اطلاع می‌دهد که راه از شیراز تا کازرون را به ۱۵۰ ژاندارم

---

۱) اصل: معظم‌الیه. ـ م.

۲) اصل در همه‌جای این تلگراف، معظم‌الیه به‌جای معظم‌له بکار رفته است. ـ م.

و ۱۱۰ نفر تفنگ‌چیان محلی از دهات امتداد راه سپرده است. صاحب‌منصب سوئدی آنها در نظر دارد روز ۲۴ اکتوبر با ژاندارمها حرکت کرده، مأمورین مخصوص از فرمانفرما همراه بردارد که با کدخداهای دهات مذکور قرار بدهند.

او مستقیماً به کازرون خواهد رفت و از آنجا مراجعت نموده ژاندارمهای مذکور را در امتداد راه تقسیم خواهد نمود.

تفنگ‌چیان محل هم تحت امر صاحب‌منصبان ژاندارمری بوده و حقوقشان را آنها می‌پردازند و راهداری نیز مرفوع می‌شود.

ایالت در نظر دارد برای محافظت راه از مدد ایلات صرف‌نظر کند. مأمور مخصوص از کازرون به بوشهر رفته و سعی خواهد کرد که با کدخداهای محلی که تا زمانی‌که ایالت فارس بتواند ترتیبات اساسی برای آن قسمت راه بدهد، راه سپرده به آنها است، قرار بدهد.

برای موقوف‌داشتن راهداری در این قسمت راه، اقدامی نخواهد شد ولی از قراری که فهمیده‌ام برای تخفیف‌دادن آن اقدام خواهد شد.

وزیر امور خارجه به من اظهار داشت که اهالی با شوق و ذوق زیاد ایالت را در شیراز استقبال نموده‌اند و تصور می‌شود که قبل از آنکه چنین اقدام خطرناکی را بنمایند، بمجرد ورود از ایلات مطمئن گردیده است.

نمره ـ ۳۷۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۹ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

قنسول اعلیحضرتی مقیم محمره راپورت می‌دهد که نماینده‌ای از طرف خوانین با شیخ محمره ترتیب رضایت‌بخشی از بابت اختلافات فیمابین داده است.

قرارداد فیمابین هنگامی که سردارجنگ و امیر مجاهد با هم ملاقات خواهند کرد، تصدیق خواهد شد.

نمره ـ ۳۷۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۹ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۱ اکتوبر سر جارج بیوکانان:

شما باید به طریقی‌که در قسمت آخر ارائهٔ طریق شده، عمل نمایید. اگر عساکر روس به طهران روند، مگر آنکه در موقع لزوم حتمی و خطر واضح باشد، اسباب تشویش افکار عمومی شده و تصور خواهند نمود که مقصود دولت روس، الحاق شمال ایران است.

بسیار مستحسن است که امتیاز احداث خط‌آهن از محمره الی خرم‌آباد تحصیل‌شود و می‌توان آن را در موقعی که یکی از امتیازهای خط‌آهنی که روس در شمال می‌خواهد

داده شود، تحصیل نمود. آیا شما و همکار روسی خودتان، نمی‌توانید ترتیب این کار را بدهید؟

نمره ـ ۳۷۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ اکتوبر ۱۹۱۲ [۳۰ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۱ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

اوضاع شیراز

کفیل قنسولگری اعلیحضرتی مقیم شیراز دیروز به قرار ذیل تلگراف کرده‌است:

من با ایالت چندین مرتبه صحبت داشته‌ام و از قراری که فهمیده‌ام، چون مسألهٔ ایلخانی‌گری در زمستان، وقتی که ایلات از هم متفرقند، کمتر دارای اهمیت است، جناب معظم‌له در نظر دارد که حالیه در آن باب اقدامی ننماید و تا آنوقت، ایل اسماً سپرده به صولت‌الدوله خواهد بود.

مخبرالسلطنه صولت‌الدوله را به شیراز خواسته ولی در صورتی که او از قبول دعوت جناب معظم‌له امتناع نماید، مخبرالسلطنه تعجب نخواهد نمود.

جناب معظم‌له در نظر دارد که در صورتی‌که قوام‌الملك وعده بدهد از روی صداقت و امانت عمل نماید، او را به مقام خویش مستقر داشته و همراهی و کمك او را بسیار ذی‌قیمت خواهد دانست، و ظاهراً تا اندازه‌ای قوام‌الملك از او اطمینان حاصل نموده است.

جناب معظم‌له در نظر دارد اقدامات سختی در زمستان نکند و امیدوار است بتواند در بهار، وقتی‌که قشونی‌که دریابیگی حالا تشکیل می‌دهند حاضر شود، ایلات را سرکوبی دهد و مایل است که از پارتی‌بازی اجتناب نماید و اعلام نموده است که با همه‌کس بدون ملاحظهٔ پارتی در صورتی‌که حاضر به همراهی دولت باشند، تقویت خواهد نمود.

جناب معظم‌له قبل از آنکه اقدام سختی برای دستگیری مقصرین حمله به عساکر ما بنماید، اصلح می‌داند صبر کند تا تشکیل قشون دریابیگی به اتمام برسد ولی عقیده‌اش بر این است که اگر به‌قتل رسانیدن آنها تقاضا نشود، دستگیری آنها سهلتر است.

آیا ممکن است شما دستورالعمل بدهید که آیا من می‌توانم راضی به عدم تقاضای قتل آنها بشوم؟

نمره ـ ۳۸۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ اکتوبر ۱۹۱۲ [۳۰ مهر ۱۲۹۱، ۱۱ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل را دوگلاس از شیراز مخابره نموده است:

اسکادران از اصفهان ۲۰ اکتوبر بدون حادثه وارد شد.

نمره ـ ۳۸۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۲۳ اکتوبر ۱۹۱۲ [۳۰ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۱ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۲ اکتوبر سر والتر تنلی:

جناب‌عالی باید به وزیر امور خارجهٔ روس اطلاع دهید اگر دولت روس طرفدار تعیین عین‌الدوله باشند، ما هم حاضریم با آن موافقت نماییم.

نمره ـ ۳۸۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [یکم آبان ۱۲۹۱؛ ۱۲ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راه‌آهن از محمره الی خرم‌آباد

وزیر امور خارجه که مفاد تلگراف ۲۲ اکتوبر شما را به او ابلاغ نمودم، مرا اطمینان داد که دولت ایران با نقشهٔ این خط‌آهن بسیار موافق می‌باشند، و اطمینان سابق خود را تکرار نمود که امتیاز این خط، وقتی که امتیاز خط‌آهن از جلفا الی تبریز روس داده شود، اعطاء خواهد گردید. او امیدوار بود که به همین زودی تصمیم قطعی خواهد شد.

در جواب خواهش حضرت معظم‌له که من از بابت امتیاز روس نصیحتی به وی بدهم، من مؤکداً اظهار داشتم که دولت ایران باید آن را بدهند.

نمره ـ ۳۸۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوازد گری

طهران ۲۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [یکم آبان ۱۲۹۱؛ ۱۲ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۲ اکتوبر من:

کلنل ژاندارمری به من می‌گوید که وقتی که از صاحب‌منصب فرمانده شیراز خبر رسید که رؤسای ایلات، اطمینانات رضایت‌بخش به ایالت داده‌اند، او راضی شد که ژاندارمری به طرف کازرون حرکت کنند. سه نفر از صاحب‌منصبان سوئدی همراه آنها می‌باشند.

کلنل اجازه می‌طلبد که دو نفر صاحب‌منصب دیگر بخواهد یکی به‌جای آنکه نزدیك همدان مجروح شد و به وطن خود رفت، و دیگری به‌جای کلنل مری که استعفاء نموده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۸۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [یکم آبان ۱۲۹۱؛ ۱۲ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ اکتوبر شما:

شما می‌توانید قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز را تعلیم دهید که بگوید ما وقتی‌که مقصرین دستگیر شوند، برای [قتل] آنها اصرار نخواهیم نمود.

نمره ـ ۳۸۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [یکم آبان ۱۲۹۱؛ ۱۲ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۴ اکتوبر شما ـ صاحب‌منصبان سوئدی ـ اعتراضی نیست.

نمره ـ ۳۸۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ اکتوبر ۱۹۱۲ [۴ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۵ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

ویس‌قنسول یزد راپورت خیلی مهمی از بابت اوضاع آنجا می‌دهد:

ماشاءالله‌خان، پسر نایب‌حسین، راهزن مشهور، شهر را قبضه نموده و کوشش دارد خود را حکمران آنجا قرار دهد و محبوسین را آزاد نموده و تهدید به غارت آنجا را می‌کند. او به‌علاوه اظهار می‌دارد که از قراری‌که شنیده است، ماشاءالله‌خان گفته است که اول به ویس‌قنسولگری و آژانس روس و بانك حمله خواهد نمود و در صورتی که ماشاءالله‌خان به حکومت منصوب نشود، جان او و رئیس بانك در خطر خواهدبود.

من دولت ایران را از این خطر متذکر نموده‌ام و دولت مشارالیها را مسؤول جان و مال اتباع انگلیس می‌دانم.

سردار فاتح بختیاری به حکومت نامزد شده و با عدهٔ قشون زیاد از اصفهان به طرف یزد حرکت کرده است.

من ویس‌قنسول را از اقداماتی که شده مستحضر داشته و پس از مشورت با سفیر روس، به او اظهار داشته‌ام که ما نمی‌توانیم حکومت ماشاءالله‌خان را تصویب نماییم و او را تعلیم داده‌ام به ماشاءالله‌خان بگوید که تا زمانی که حکومت قانونی برای یزد نرسیده، سفیر روس و من او را مسؤول جان و مال اجانب می‌دانیم.

نمره ـ ۳۸۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ آکتوبر ۱۹۱۲ [۵ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۶ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۷ آکتوبر من:

ماشاءالله‌خان معتدل‌تر شده و از یزد خارج شده است.

نمره ـ ۳۸۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران غرهٔ نوامبر ۱۹۱۲ [۹ آبان ۱۲۹۱: ۲۰ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

با کمال تأسف شما را اطلاع می‌دهم که لیوتنان بولاك، متعلق به دستهٔ ۲۷ راچپوت‌ها، در راه بختیاری، نزدیك دوپلان، غارت شده و او را زده‌اند.

اقدامات برای تنبیه مرتکبین نموده‌ام به طوری‌که عبرت سایرین شود و متحفظ تنبیه نموده‌ام تا اصفهان همراه او بروند.

نمره ـ ۳۸۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۰ آبان ۱۲۹۱: ۲۱ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز شما:

من اقدام شما را تصویب می‌کنم. آیا صدمهٔ سختی به لیوتنان بولاك وارد آمد؟ لطف نموده از سلامتی او، اطلاع دهید.

نمره ـ ۳۹۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۲ آبان ۱۲۹۱: ۲۳ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دوم نوامبر شما:

من از لیوتنان بولاك که تصور می‌کنم صدمهٔ زیادی نخورده باشد، دیگر خبری ندارم. با تلگراف نمی‌توان از راه استخبار نمود. جنرال‌قنسول اصفهان راپورت می‌دهد که دوا و ملزومات دیگر توسط سواری که حکومت تعیین نموده، فرستاده شده است.

نمره ـ ۳۹۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران، ۵ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۳ آبان ۱۲۹۱: ۲۴ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

کفیل قنسولگری شیراز پروگرام مالی [را] که ایالت آنجا به او داده است، برای من فرستاده است. مسألهٔ مهم پروگرام مذکور این است که دولت باید تعهد پرداخت ۶،۰۰۰ لیرا ماهیانه برای مصارف اداری به ایالت بنماید. مخبرالسلطنه در نظر دارد با بانك شاهنشاهی محاسبهٔ جاری داشته باشد که بتواند تا ۶،۰۰۰ لیرا حواله دهد. تمام عایدات فارس در حساب او به بانك داده خواهد شد و هرچه از ۶،۰۰۰ لیرا کسر باشد دولت باید آن را برساند.

خزانه‌داری کل نمی‌تواند اطمینان لازم برای پرداخت وجه مذکور را بدهد چرا که پول برای این کار ندارد. رئیس بانك هم، با شعبهٔ بانك در شیراز مشورت نموده و او نیز نمی‌تواند این پیشنهاد را قبول کند.

اگر اطمینان لازم از بابت ایصال وجه که بـه وسیلهٔ آن بتواند ادارهٔ خـود را بگرداند، به ایالت داده نشود، البته حکومت او پیشرفتی نخواهد کرد و اگر یکدفعه به اعادهٔ نظم در فارس موفق گردید، این مبلغی را که لازم است می‌تواند در ظرف چندماهی از عایدات فارس به دست آورد. عایدات فارس معمولا سالیانه ۱۵۰،۰۰۰ لیرا می‌باشد.

خزانه‌داری کل در صدد فرستادن نمایندهٔ اروپایی از طرف خود به شیراز است و او در ظرف سه هفته به آنجا می‌رسد که وصول و مصرف عایدات را کنترل کند و وقتی‌که فرصت داشته باشد، در مسألهٔ مالیه مداقه و مطالعه نماید، می‌تواند بگویـد که در صورتی‌که مالیهٔ فارس بطور صحیح اداره شود، مبلغ عایدات چقدر خواهد بود؟

پول بسیار لازم است. اوضاع آتیه تا اندازه‌ای زیاد بسته به تحصیل پول است. گمان می‌کنم اگر شما بتوانید به ترتیبی تا چند ماه توسط بانك به ایالت کمك مالی برسانید، یحتمل اثرات بسیار عالی خواهد داشت.

نمره ـ ۳۹۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۴ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۵ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۴ آکتوبر شما:

هر قدر می‌توانید اقدام کنید اعطای امتیاز خط‌آهن از محمره الی خرم‌آباد تسریع شود. بسیار مستحسن است که بیش از این، اینکار به‌عهدهٔ تعویق نیفتد.

نمره ـ ۳۹۳

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۴ مهر ۱۲۹۱؛ ۵ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

در باب تلگراف ۲۳ سپتامبر من، افتخار دارم اینك سواد مراسلهٔ ویس‌قنسولگری اهواز را که در آن، اقدامات سردارجنگ، رئیس بختیاری را که برای اعاده و استقرار نظم در خاك بختیاری و تأمین راه لنج نموده راپورت داده است، لفاً ایفاد می‌دارم.

من جلب توجه شما را به رضایت‌بخش‌بودن این راپورت نموده و از روی دلیل می‌دانم که حضور کاپیتان گری و نصایح او کمك معنوی و مادی بسیار به سردارجنگ نموده است. گمان می‌کنم کاپیتان گری برای ارائهٔ نقشه‌ای که وسایل امنیت دائمی راه بختیاری را فراهم نموده است، مستوجب تحسین و تمجید زیاد است و از روی دلایل می‌توان امیدوار شد که در این مملکت که نتیجهٔ هر کاری جز یأس چیزی نیست، این اقدام را نتایج مستحسنه ملازم باشد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۳۹۳

مکتوب گری، ویس‌قنسول، به سر ادوارد تنلی

چغاخور ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۲ [۳۱ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۱ شوال ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم راپورت ذیل را از بابت مسافرت خود به اتفاق سردارجنگ به چغاخور، و اقدامات رئیس مذکور را برای اعاده و استقرار انتظامات در خاك بختیاری و تأمین راه لنج، معروض دارم:

چنانچه راپورت داده شده، سردار جنگ و مرتضی‌قلی‌خان، در ۲۴ اوت از اصفهان به طرف چغاخور که مرکز حکومتی ییلاقی است، حرکت نمودند. همان روز سردار فاتح و سردار معظم با مراسلاتی که من و سردارجنگ به امیر مجاهد نوشته بودیم، به طرف چهارمحال فرستاده شدند. من در کاغذ خود پیغامی را کـه شما به موجب تلگراف ۱۳ ژویت خود به من اجازه داده بودید، به او نوشته و توضیح نمودم که مخصوصاً مأمور شده‌ام به همراه سردار جنگ رفته و او را کمك نمایم و دولت ما تعیین سردارجنگ را به مقام ایلخانی‌گری بختیاری تقویت نموده و هرگونه اقدامی از طرف او یا خوانین جزو برای منع اجرای وظایف او بشود، بی‌اندازه اسباب کدورت و دلتنگی دولت اعلیحضرتی خواهد گردید. و مقرر شد که ما آهسته آهسته تا سامان برویم که در آنجا سردار فاتح جواب امیر مجاهد را برای ما بیاورد و سردار جنگ حکم داده بود ۲۰۰ سوار آنجا جمع شوند.

در ۲۴ اوت به نجف‌آباد رسیدیم و روز بعد را در آنجا بسر بردیم. روز ۲۶ به عزیزآباد رسیدیم و آنجا به ما خبر رسید که امیر مجاهد با چندتن از خوانین جزو و ۱،۵۰۰ نفر بختیاری، از خانهٔ خود (شمس‌آباد) به طرف دهکرد حرکت کرده کـه در شمال آنجا از ورود ما جلوگیری نماید.

روز ۲۷ به طرف سامان حرکت کردیم، ۲۰۰ نفر سواری که ذکر شد، به ما ملحق گردیده، عدهٔ همراهان ما ۵۰۰ نفر سوار و پیاده بود. همان روز سردار فاتح به اردو مراجعت نموده از امیر مجاهد جواب آورد مشعر بـر اینکه او و خوانین جزو قصد جلوگیری از ما را نداشته و در صورتی‌که با تقاضاهای حقهٔ آنها سردارجنگ همراهی کند، حاضرند حتی‌المقدور به او همراهی و معاونت نمایند.

روز ۲۸ ما به طرف دهکرد حرکت کردیم و در آنجا چندین دفعه از امیر مجاهد و خوانین جزو ملاقات شد. سردار جنگ وعده داد که با امیر مجاهد در تحصیل حکومت محلی به او همراهی کند، لیکن ما تصمیم نمودیم که کوشش کرده و او را ترغیب نماییم حکـومت بهبهـان را کـه بـه علت نسبت او بـا طوایف بهمهٔ[1] کهکلوئـی [=کهگیلویه‌ای] برای آن مقام مخصوصاً مناسب بود، قبول کند. سردار جنگ نیز وعده داد که برای خوانین جزو هم کاری بکند و در عوض این وعده، خوانین جزو

---

۱) چنین است در اصل. (طوایف مهمه؟). ـ م.

متعهد شدند با او همراهی نمایند.

روز ۳۰ اوت اردو متفرق شده و تمام خوانین بـه منازل خود رفته و چادرهـا و آذوقه‌های ایشان در چفاخور جمع شد.

روز ۴ سپتامبر ما تماماً مجدداً در چفاخور جمع شده و در این نقطه به ترغیب‌نمودن امیر مجاهد در قبول حکومت بهبهان موفق شدیم و مقرر شد که او به خانهٔ خود رفته و تهیات لازمه برای سفر خود ببیند و آخر ماه سپتامبر به چفاخور مراجعت کرده، آنوقت مستقیماً به مقر حکومت خود برود.

روز ۱۵ سپتامبر، خوانین طهران سردارجنگ و امیر مجاهد را اطلاع دادند که امیر مجاهد برای حکومت یزد تعیین شده است. خوانین قرار تعیین او را به حکومت یزد، در موقعی که ما صلاح دانسته بودیم هرقدر زودتر که ممکن باشد امیر مجاهد را از خاك بختیاری خارج کنیم، و قبل از آنکه ما بتوانیم او را ترغیب به قبول حکومت بهبهان نماییم، بنا به توصیهٔ سردارجنگ داده بودند. به وصول این اخبار، امیر مجاهد فوراً به چفاخور خواسته شد و به او توضیح شد که تعیین وی به حکومت یزد از روی سوءتفاهم به‌عمل آمده و چنانچه مقرر شده، باید به طرف بهبهان حرکت کند و قرار شد او از طرف خود، منتظم‌الدوله را به یزد فرستاده، خودش به بهبهان رفته، پس‌از این که از ایلات کهکلوئی [=کهگیلویه‌ای] برای حسن‌رفتارشان گروی گرفت و همه وعدهٔ خوش‌رفتاری دادند، یکی از خوانین جزو را به آنجا فرستاده خود برای حکومت یزد حرکت کند. امیر مجاهد به این‌ترتیبات رضا داد.

ترتیباتی که برای تأمین راه لنج داده شد، به قرار ذیل بود:

۲۰۰ نفر از طایفهٔ زرآسوند و اسموند برای قراولی راه انتخاب شده‌اند. این طایفهٔ‌راه، از تمام طوایف بختیاری اسلحه بهتر دارند و صدی‌هشتاد نفر آنها دارای تفنگ‌های‌مکزین[1] هستند. به‌هریك‌از آنها ۱۲تومان در حضور من داده‌شده و به آنها وعده‌داده‌شده‌است‌که تا زمانی‌که لازم‌باشد، ماهی ۱۲تومان به آنها منظماً داده خواهد شد. بهادرالسلطنه، پسر هژبرالسلطنه که بزرگترین خان خانوادهٔ حاجی ایلخانی‌است، سرکردهٔ آنها است. وجوهات مکفی بـه دست این خان داده شده، بعلاوهٔ سرکـردگی قراولان راه، بعضی اختیارات بر طایفهٔ دنیارنی[2] که در خاك مجاور راه سکنا دارند، داده شده و به سیصد نفر از آنها امر داده شده که در حدود راه اقامت بنمایند و مسؤول امنیت ایاب و ذهاب قوافل می‌باشند.

بهادرالسلطنه با قراولان تحت امر خود، روز ۱۶ سپتامبر از چفاخور برای راه حرکت کرد. روز ۱۸ سپتامبر ایلخانی رسماً افتتاح راه را به من اعلام نمود. من این مسأله را به اصفهان و اهواز اطلاع دادم.

امید است که همینکه امیر مجاهد بـه حکومت بهبهان مستقر گردیـد و طوایف

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

۲) چنین است در اصل (=دینارلی؟). ـ م.

کمپکلوئیه [=کمپگیلویه] را خوب اداره کرد، ممکن باشد از قراولان عدهٔ زیادی کاست و آنوقت عدهٔ کافی برای قراولی در شش برجی که تازه ساخته شده و چند نفری در هریك از قراولخانه‌های دوردست، یحتمل برای جلوگیری از هرگونه ممانعت ایاب و ذهاب قوافل، مکفی خواهد بود.

سردارجنگ وعده داده است که مسألهٔ تهیه و ترقی منازل در نقاط مختلفهٔ راه و ترتیب علیق و تعمیرات لازمهٔ راه همینکه از بابت باج پلها و عایدات پلی پول برسد، جلب توجه او را خواهد نمود.

به عقیدهٔ من، این ترتیباتی که به عمل آمده، نتایج‌مستحسنه خواهدداشت و بایستی از آنچه سردارجنگ در این مدت قلیل انجام داده او را تبریك گفت.

مرتضی‌قلی‌خان از وقتی که مصمم قبول مقام ایل‌بگی‌گری شد، با سردار باطناً همراهی و تقویت نموده و همراهی او در وقتی که سردارجنگ با خوانین جزو طرف بود، بسیار ذیقیمت بود. سردار در حکومت ایل بختیاری، کفایت به‌خرج داده و می‌دهد، صرفهٔ شخص خود را ملحوظ نمی‌دارد و با کمال سرعت ایل به او اعتماد نموده و او را دوست می‌دارند.

نظر به اقدامات عالیهٔ سردارجنگ و میل صمیمی او برای اعادهٔ نظم در خاك بختیاری، من به تذکار این مسأله مبادرت می‌ورزم که ما باید حتی‌المقدور او را تقویت نموده و مراقب باشیم که در اقتدارات وسیعه‌ای که به موجب سند به او داده شده‌است، در مدت تعیین او کم و کسری حادث نشود.

(امضاء) کاپیتان گری معاون قنسول مقیم اهواز

نمره ـ ۳۹۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ آکتوبر ۱۹۱۲ [۲۴ مهر ۱۲۹۱؛ ۵ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف غرهٔ اکتوبر من، اینك مفتخراً سواد مراسله‌ای را که مستر[1]کوان برای من فرستاده و از بابت احساسات ارتجاعی که فعلا در آذربایجان وجود دارد و پیشرفت آتیهٔ کار شاه مخلوع شرحی نگاشته، لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمرهٔ ۳۹۴

مکتوب کوان، کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

تبریز غرهٔ اکتوبر ۱۹۱۲ [۸ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۹ شوال ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم اینك ترجمهٔ تلگرافی را که تجار و علمای زنجان برای من مخابره

---

۱) اصل: متر. ـ م.

نموده و مفاد آن را تلگرافاً [=تلگرافی] برای شما مخابره نموده‌ام، لفاً ایفاد دارم. من وصول تلگراف مذکور را به آنها خبر داده صاحبان امضای آن را اطلاع داده‌ام که مضمون او را به شما ابلاغ خواهم نمود و همکار روسی من هم که برایش تلگرافی شبیه به این رسیده، به همین قسم جواب داده است.

من به هیچ وجه شکی ندارم که شجاع‌الدوله تحریك به مخابرهٔ تلگراف مزبور و بستن بازارها نموده است و اگر دلیلی برای این لازم باشد، می‌توان گفت که قبل از وصول این تلگراف به تبریز، شجاع‌الدوله از او خبر داشت. به علاوه، سردار مؤید حکمران زنجان یکی از برادران و همدستان شجاع‌الدوله است و ظاهراً به اندازهٔ شجاع‌الدوله آدم متنفذی است. علی‌هذا نمی‌خواهم این اظهارات و نمایشات را علامت و اثر میل اهالی آذربایجان برای اعادهٔ محمدعلی قرار دهم. و نیز باید دانست که در افکار عمومی تبریز تغییر بینی حادث گشته و می‌توان حالا بدون اغراق گفت که مولد و مأمن سابق مشروطیت و مشروطه‌خواهی، تبدیل به مسکن و مأوای ارتجاع و استبدادپرستی گردیده است.

از این مسأله نباید تعجب کرد اگر فکر کنیم که قسمت معظم اهالی تبریز، مرکب از تجاری می‌باشد که در مدت اغتشاشات چندسالهٔ اخیر متحمل صدمات زیادی شده‌اند.

اشخاصی که از مدت زمانی به این طرف در این شهر اقامت داشته‌اند و شخصاً با هر طبقهٔ مردم آشنایی دارند، بطور یقین به من می‌گویند که تجاری که قلیل‌مدتی قبل از این، مشروطه‌خواهان صمیمی بوده‌اند حالا صمیمانه طرفدار اعادهٔ محمدعلی‌میرزا شده‌اند و حالا احساس می‌کنند که حکومت مشروطه برای ایران قدری زود و بی‌موقع بوده است.

لیدرهای پلتیکی [=پلیتیکی] آنها یا مرده و یا به اسلامبول و سایر نقاط رفته‌اند. افراد قشون آنها یا متفرق شده و یا در خفیه هستند و فقط چیزی که بتواند اسباب نظم و امنیت فراهم آورد و باعث بهبودی حال و وضع زندگی آنها شود، رجعت به سلطنت استبدادی است.

الحال که مذاکره در این موضوع می‌شود، بایستی در نظر داشت که محمدعلی هنگامی‌که به مقام ولایت‌عهد در آذربایجان بود، به قدرت و تعدی‌کاری مشهور بود و حفظ انتظامات را خوب می‌نمود.

از طرف دیگر، در میان طبقهٔ مأمورین دولتی و کسبه و اشخاص بیکار، بلاشك بسیاری از مشروطه‌خواهان پرحرارت و باکله و باجرأت یافت می‌شود ولی محل گفتگو است که آیا این اشخاص اگر شاه مخلوع ظهور کند، به همان عقیدهٔ خود باقی خواهند بود و یا آنکه در صدد اقدامی خواهند برآمد. افکار و عقاید پلتیکی [=پلیتیکی] آنها فقط در اذهانشان جای دارد و گمان نمی‌کنم در میان آنها کسی پیدا شود که بتواند در این موقع لیدر و راهنمای هیجانی برای مشروطیت باشد. به علاوه، چون شجاع‌الدوله و همراهانش در شهر هستند، این اشخاص می‌ترسند.

(امضاء) پاتریك کوان

ملفوف دوم نمرهٔ ۳۹۴

ترجمهٔ تلگراف زنجان مورخهٔ۲۷سپتامبر ۱۹۱۲ [۴ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۵ شوال ۱۳۳۰]
توسط سفارت انگلیس به سفیر انگلیس

جناب‌عالی می‌دانید که در این چند سال گذشته اگرچه عده‌ای از اشخاص متقلب تقاضای مشروطیت کرده‌اند، مقصود اصلی آنها تولید مفسده و مخالفت بوده که نتایج آن مملکت را برهم زده و باعث خونریزی زیاد گردیده است. برای اهالی دیگر چیزی باقی نمانده و دیگر بیش از این طاقت صبر ندارند. واضح است مملکت بدون پادشاه مثل قالب بی‌روحی است و فقط چیزی که عموم اهالی ایران را تسلی می‌دهد، اعادهٔ شاه مخلوع است.

ما طبقهٔ علماء و تجار و مأمورین دولتی و اهالی زنجان از اول بدین‌نکته پی برده و به هیچ‌وجه تاکنون نخواسته‌ایم با سلطان خود مخالفت‌ورزیم و عقیدهٔ خود را اظهار کرده و منتظر شدیم تا همه این مطلب را درك نمایند. حالیه دیگر برای مملکت علاجی بجز اعادهٔ شاه که پدر مهربان تمام ایرانیان است بر سریر سلطنت اجدادی خود، متصور نمی‌باشد.

ما هم خود را از جنس انسان می‌دانیم و منتظر نیستیم دول معظمه بیش از این، خدمات در حق ما روا دارند و امیدواریم که دولت امپراطوری نظر به همسایگی خود، با شخص محمدعلی‌شاه همراهی خواهد نمود و توجه خود را به رفع مصیبات ما معطوف خواهند داشت.

امضای ۶۰ نفر از علماء و تجار و سایرین زنجان

نمره ـ ۳۹۵

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران، ۲۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۷ مهر ۱۲۹۱؛ ۸ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

در باب تلگراف ۷ ماه جاری خود افتخار دارم اینك سواد مراسله‌ای را که قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه برای من نوشته و راپورت حملهٔ ۵ آکتوبر یارمحمدخان را به شهر و شکست و قتل او را می‌دهد، لفاً ایفاد دارم و نیز سواد مراسلهٔ دیگری را که‌مستر مك‌دول نوشته و شرح حوادث قبل از حملهٔ یارمحمد را نوشته لفاً ایفادمی‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمرهٔ ۳۹۵

مکتوب مك‌دول قنسول به سر والتر تنلی
کرمانشاه ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۲ [۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۶ شوال ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم راپورت دهم که با وجود تلگرافات سخت از طهران، قشون به طرف

اسدآباد رفتند و امروز بعد از ظهر به علماء تلگراف کرده‌اند که سه روز دیگر وارد خواهند شد.

سالارالدوله به من تلگرافاً [=تلگرافی] خبر داد که روز ۲۷ سپتامبر بـه طرف کرمانشاه حرکت خواهد کرد و امروز راپورت داده شده است که یارمحمد با استعداد خود به کامیاران که تا اینجا ۲۵ میل مسافت دارد، آمده است.

فرمانفرما با قشون کمی ممکن است تحصن اختیار کند لیکن اگر به شهر حمله شود و او در مقام مقاومت برآید، شهر مجدداً غارت خواهد شد.

او چندین دفعه با من و همکار روسی من از بابت لزوم فرستادن پول از دولت برای تشکیل قشون در محل صحبت نموده و گفته است اگر به قشون محلی حقوق منظمی داده شود، برای او جنگ خواهند کرد و مسلم است که اگر بـه قشون ایلیاتی پول منظماً داده نشود، برای او جنگ نخواهند کرد و اگر قشون دیگری از قبیل بختیاریها نداشته باشد، جنگ‌کردن ایلیاتیها محل شبهه است. ۱۵۰ نفر قزاقی که همراه دارد[1] قابل اعتماد نمی‌باشند و شکستی که نزدیك همدان به قشون او وارد آمد، ظاهراً بواسطهٔ خائف‌بودن آنها واقع شده است. سالارالدوله این مطلب را همیشه گفته‌است که قزاقها با او جنگ نخواهند کرد.

روز ۲۶ چنانچه تلگرافاً [=تلگرافی] راپورت داده شد، اهالی شهر به قنسولگری انگلیس و روس آمده و عریضهٔ جوف را به ما دادنـد. ترجمهٔ آنهم در جوف است. نمایندهٔ علماء و شاهزادگان و کسبه و صنعتگران و غیره آن را امضاء نموده‌اند. شکی نیست که این اقدام را اصلا فرمانفرما تحریك نموده است لیکن پس از چندین جلسه و قسم‌خوردنها، این نوشته به امضاء رسیده است. اهالی بلاشك حق شکایت دارند. عده‌ای طرفدار سالارالدوله و عده‌ای طرفدار دولت می‌باشند، لیکن اکثر مردم فقط امنیت می‌خواهند که به کسب و کار خود مشغول شوند.

وحشیهای سالارالدوله شهر را در ماه فوریه غارت کردند و قشون طرفین دهات را غارت نموده‌اند. سالارالدوله پولهای گزاف از مردم گرفته، فرمانفرما هم کمتر گرفته است. اهالی می‌گویند اموالشان از دست رفته و امنیت وجود ندارد که آنچه را که باقی مانده حفظ نموده و به زراعت مشغول شوند. فقط چیزی کـه برایشان باقی مانده عصمت و ناموسشان است و اگر هریك از طرفین متخاصمین بـه شهر حمله نمایند زنها و بچه‌هایشان در خطر خواهند بود و حاضرند مطیع هر سلطانی که طهران در قبضهٔ او باشد، باشند ولی می‌خواهند بی‌طرف بمانند. به فرمانفرما اوامر رسیده که شهر را از دست نداده در تصرف خود داشته باشد. به‌گمان من، تا زمانی‌که قشون برسد قشون او فقط برای حفظ ارك کافی باشد.

من به صمصام‌الممالك رسانیدم که چون حالیه دولتین حامی‌حکومت‌مرکزی می‌باشند وقت آن است که او ابراز دولتخواهی خود را بنماید. او هم با پسران و سواران خود

---

۱) اصل: همراه دار و. ـ م.

که از سنجاب و گوران می‌باشند، آمده است. اگر بیقین بداند که اهالی شهر از عقب به او حمله نخواهند نمود، گمان می‌کنم بتواند با خصم مقابله نماید، لیکن نمی‌تواند به قول اهالی شهر اطمینان داشته باشد.

امروز صبح هیأتی به ملاقات من آمده استدعا نمودند که دو قنسول نزد سالارالدوله فرستاده و از او درخواست نماییم در شهر جنگ نکند و نیز درخواست نمودند که خانواده‌های آنها را حفظ نماییم. پس از مشورت با همکار روسی خود، ما جواب دادیم که فقط آنهایی را که تحصن اختیار نموده‌اند می‌توانیم حفظ نماییم و حفظ خانواده‌ها و املاك شهری آنها برای ما ممکن نیست و به فرمانفرما و سالارالدوله نوشته‌ایم که اگر در شهر جنگ کنند، مسؤول تمام خسارات وارده بر اموال اجانب خواهند بود.

۲۹ سپتامبر ــ فرمانفرما جواب داده است که قشون او امروز از اسدآباد برای کرمانشاه حرکت خواهند کرد و به مراجعت قشون به آنها امر خواهد داد برای حمله به یاغیان بیرون بروند و حتی‌المقدور از جنگ در شهر اجتناب نمایند لیکن اگر برخلاف انتظار به شهر حمله شود، او باید از ارك دفاع نماید.

(امضاء) مك‌دول

ملفوف دوم نمرهٔ ۳۹۵

ترجمهٔ عریضهٔ متحصنین به قنسولهای انگلیس و روس

امضاءکنندگان، اهالی کرمانشاه که هریك نمایندهٔ طبقه و صنفی می‌باشیم، مدت‌زمانی است که صاحب جان و مال و آبرو و شرف خود نبوده‌ایم. هرکس از هر گوشه این یك‌مشت‌خاك را حمله نموده است و بجز قتل و غارت، عاقبت نتیجهٔ دیگری برای اهالی بدبخت کرمانشاه نداشته است و مخصوصاً این روزها می‌بینیم شرف و جان و مال ما، در حقیقت در خطر است. بنا بر این مجبوریم در قنسولخانه تحصن اختیار کنیم. ما از شما که نمایندهٔ دولت معظم وهمسایهٔ ما بدبختان هستید، استدعا می‌کنیم به هر طریقی که می‌دانید امنیت جان و شرف و آبروی ما را حفظ کنید. بیش از این طاقت صبر و تحمل نداریم و تا زمانی که امنیت جان و مال و آبروی ما را تحصیل نکنید از این قنسولخانه خارج نخواهیم شد.

استدعای ما اینست که عساکر دولتی و قشون سالارالدوله در شهر داخل نشده، در خارج جنگ کنند.

(امضاء) سلطان‌العلماء امام‌جمعه شجاع‌العلماء معین‌الممالك صمصام‌السلطان آقا محمدمهدی آقا شمس‌الدین ظهیرالعلماء سردار اجلال اکرم‌الدوله آقا شیخ هادی آقا ابوالحسن آقا محمد صادق معتضدالدوله امیرمقتدر آقا رحیم حاجی‌آقای والی نایب‌الصدر سردار اشرف معتضدالسلطان نصرالدیوان شکوه‌السلطان حاجی حسین‌خان کلانتر قلی‌خان اسعدالدوله (و بسیاری دیگر)

www.adabestanekave.com

ملفوف سوم نمرهٔ ۳۹۵

مکتوب مك‌دول قنسول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۶ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۳ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۴ شوال ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم راپورت دهم که یاغیان تحت امر یارمحمدخان مجاهد، ساعت دو و نیم بعد از نصف‌شب ۵ آکتوبر به شهر حمله نمودند. فرمانفرما عمارات دولتی را سنگر کرده، بختیاریها و سنجابیها چیه‌سرخ را که یکی از نقاط کوهستانی است و اکراد در آنجا سکنی دارند، با دو عراده توپ سنگر نمودند.

قریب سه ساعت قبل از ظهر، یارمحمدخان که تا محل مربع جلو عمارت حکومتی خود را رسانده [بود،] به سرش گلوله خورده مقتول گردیده ایلیاتی‌های کلهر که قریب پنجاه نفر با یارمحمدخان بودند، فوراً فرار اختیار نموده و سواره به قنسولخانه آمده استدعای تحصن نمودند. من به آنها گفتم نمی‌توانم وعدهٔ حفظ آنها را بدهم. آنوقت به استثنای سه نفر مجروح و پنج نفر از مجاهدین، تمامشان رفتند. پنج نفر مجاهد مذکور استدعا نمودند که آنها را به سرکرده‌های خودشان بسپارم. در میان آنها کریم‌آقا نمایندهٔ دموکراتها بود [که] گفت من در جنگ دخیل نیستم لیکن برای انجام صلح آمده‌ام. من به او اجازه دادم در قنسولخانه بماند به شرط آنکه اگر معلوم شد در جنگ شرکت داشته است، برای او کاری نکنم.

یاغیان متدرجاً فرار نمودند ولی تا بعد از ظهر گاه‌گاهی صدای شلیك شنیده می‌شد. قریب ظهر، ۲۰۰ نفر از اکراد که اکثرشان از جوانرود بودند، در اراضی قنسولخانه آمده و عساکر دولتی با تفنگ و ماکزیم به آنها شلیك کرده بسیاری از گلوله‌ها به منزل مستحفظین که از قنسولخانه ۲۰۰ ذرع مسافت‌دارد، شلیك شد. من از این واقعه خبر نداشتم و رفتن به منزل مستحفظین هم صحیح نبود تا آنکه منشی من از طرف فرمانفرما پیغام آورد که عده‌ای از یاغیان در اراضی قنسولخانه آمده‌اند و اگر من از آنها خلع اسلحه نمایم، او تعهد امر جان آنها را خواهد نمود. من پایین رفته و اجازه دادم به اصطبل وارد شوند و اسلحهٔ خود را تسلیم نمودند. بعضیها فقط چماق داشتند و مقرر شد که فرمانفرما آنها را با مستحفظین از طرف خود، به خاك خودشان عودت دهـد. این دویست نفر استدعا نمودند کـه آنها را سالماً از خاك سنجابیها بگذرانند. قرار این کار توسط کارگزار داده شد و امروز عصر حرکت خواهند کرد. مجروحین که عده‌شان دوازده نفر است، به مریضخانهٔ فرمانفرما برده خواهند شد، من نیز با بختیاریها و مجاهدین مشغول مذاکره هستم.

از بابت مجاهدین، این مسأله را باید تصدیق نمود که اگر موقعی به دستشان آمده بود، یارمحمدخان را رها می‌کردند. حسینقلی‌خان که دوم شخص اردوی یارمحمدخان بود، از قرار معلوم با همراهان خود فرار کرده است. از قرار مذکور، دویست نفر از هفتصد نفر اکراد مقتول شده‌اند. پس از دفن اجساد آنها می‌توان تخمین صحیحی بدست آورد.

پس از شکست یاغیان، دسته‌ای از کلهرها از ماهی‌دشت به قصد ملحق‌شدن به‌آنها حرکت کرده بودند و بختیاریها با آنها مصادف شده آنها را منهزم نمودند.
عموم را عقیده بـر این است کـه قتل یارمحمدخان ضربت قطعی بـر یاغیگری یارمحمدخان می‌باشد.

(امضاء) مك‌دول

نمره ـ ۳۹۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران، ۲۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۷ مهر ۱۲۹۱؛ ۸ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

در باب مراسلهٔ ۲۴ ماه گذشتهٔ [یکم مهـر؛ ۱۲ شوال] من، افتخار دارم ترجمهٔ جوابیهٔ دولت ایران را به مراسلهٔ ۲۰ سپتامبر [۲۸ شهریور؛ ۸ شوال] خود که در آن اقداماتی را که برای جبران حملهٔ دسامبر گذشته بر عساکر ما نموده‌اند، شرح داده و اطمینان داده‌اند که ترتیبات لازمه برای آسایش و راحتی عساکر اعلیحضرتی در شیراز داده شده است، لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۳۹۶

ترجمهٔ مکتوب علاءالسلطنه به سر والتر تنلی

۱۷ اکتور ۱۹۱۲ [۲۴ مهر ۱۲۹۱؛ ۵ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

جناب اجل

مفاد مکتوب ۲۰ سپتامبر [۲۸ شهریور؛ ۸ شوال] گذشتهٔ شما را به دولت علیهٔ ایران ابلاغ نموده و افتخار دارم اکنون شما را از مسرتی که از وصول آن برای‌دولت علیه حاصل شده و اعتمادی کـه دولت ایـران همیشه بـه دوستی و حسن‌نیت دولت اعلیحضرتی داشته‌اند مستحضر بدارم و نیز باید به جناب‌عالی خاطرنشان نمایم که دولت ایران مضامین مراسلهٔ ۴ آوریل گذشتهٔ [۱۵ فروردین؛ ۱۵ ع ۲] سر جارج بارکلی را قابل دقت بسیار دانسته و اقدامات کافیه که به عمل آمده، از قبیل ارسال تلگراف مصالحت‌آمیز علمای بزرگ و جلوگیری از تحریك بعضی‌اشخاص و فرستادن فرمانفرما به شیراز و تقویت و همراهی با او، تماماً موفقیت حاصل نموده است. مسأله‌ای که هنوز تصفیه نشده، عمل مقصرین قضیهٔ تأسف‌آمیز حمله به مستر اسمارت است. با وجود اطمینانات شفاهی سر جارج بارکلی که پس از آنکه دولت ایران قبول پرداخت ۴،۷۴۴ لیرا را نمودند دیگر این مسأله تعقیب نخواهد شد، دولت ایران مصمم شده‌اند که مقصرین را تنبیه نمایند و تعلیمات مخصوص برای‌این‌اقدام به فرمانفرمای فارس داده‌اند و امیدوارند که پس از ورود جناب معظم به شیراز و بعد از انجام اقدامات لازمه، در این کار موفقیت حاصل خواهد نمود.

در باب مستحفظین قنسولخانهٔ شیراز و دسته‌ای که از اصفهان به آنجا می‌رود، از فرمانفرمای فارس خواهش نموده‌ایم که همراهی نموده و برای فراهم آوردن اسباب آسایش آنها ترتیبات لازمه بدهد.

(امضاء) محمدعلی علاءالسلطنه

نمره ـ ۳۹۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ آکتوبر ۱۹۱۲ [۳۰ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۱ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

چنانچه در تلگرافات و مراسلات سابقه به جنابعالی اطلاع داده‌ام، عساکر سالار ـ الدوله در پنجم ماه جاری شکست‌سختی در کرمانشاه‌خورده و در آن جنگ، یارمحمدخان دموکرات که تازه با او متحد شده بود، مقتول گردید. خود شاهزاده که در جلو صفوف قشون خود نبود، فوراً به طرف کردستان فرار نموده چنانچه مذکور شد، به واسطهٔ اتفاق غیرمنتظره که عساکر همدان دولت را مانع آمد از فرار او جلوگیری نمایند، جان خود را مستخلص ساخت.

عساکری که در همدان بودند، اکثر آنها از مجاهدین ارامنهٔ تحت امر کری‌خان بودند و در موقعی‌که در شرف حرکت برای تعاقب سالارالدوله بودند، خبر رسید که میرزایانس وکیل سابق ارامنه در موقعی که از محل مأموریت مخصوص خود نزد فرمانفرما به طهران مراجعت می‌نمود، در قزوین دستگیر شد. ارامنهٔ تحت امر کری چون سوءظن بردند مبادا در حق او خیانتی بشود، فوراً از حرکت امتناع نمودند و وقتی‌که خبر استخلاص میرزایانس برحسب امر طهران رسید، دیگر موقع دستگیری سالارالدوله از دست رفته و به شاهزادهٔ مذکور دیگر دسترسی امکان نداشت.

شاهزادهٔ آواره ظاهراً ابتدا تا گروس به طرف کردستان فرار کرد و معلوم نشد از آنجا به کجا رفت. بعد غفلتاً شهرت یافت که به سیراب که در عرض راه بین همدان و قزوین واقع است، دیده شد و عقائد در باب مقاصد او اختلاف داشت. بسیاری از مردم را عقیده بر این بود که درصدد بست اختیار نمودن در قنسولخانـهٔ روس در قزوین بوده و سایرین را عقیده بر این بود که با قشون زیادی در خیال حمله به شهر بوده است. به موجب خبر دیگری راپورت داده شد که در راه زنجان است لیکن حرکات او در پرده بود تا آنکه غفلتاً شهرت یافت که در حصارك که تا طهران ۳۵میل مسافت دارد در شب ۱۶ ماه جاری دیده شده است و فوراً تهیه برای دفاع از شهر دیده شد و هیچ‌کس از عدهٔ همراهان شاهزاده اطلاع درستی نداشت و به صاحب‌منصبان روسی بریگاد قزاق اجازه داده شد که در دفاع شهر همراهی کنند و آنها به این مقصود، با ژاندارمهای تحت امر صاحب‌منصبان سوئدی و سواران بختیاری متفقاً عمل می‌نمودند.

تا سه روز به هیچ‌وجه اطلاعی از بابت محل و مأوای سالارالدوله و عدهٔ قشونش نرسید تا آنکه دسته‌ای از بختیاریهایی که به طرف قزوین در حرکت بودند، خبر

دادند که او با کمال عجله به طرف کوههایی که تا مازندران امتداد دارد، در حرکت است و عدهٔقشونش متجاوز از ۲۸۰ نفر است. فوراً با کمال عجله برای فرستادن عده‌ای سوار به تعاقب او تهیه دیده شد، لیکن تاکنون کاری از پیش نرفته و آخرین خبری که رسیده این است که او به کوههای شمال شرقی شهر طهران رفته و قریب یك هزار نفر با او می‌باشند. در عدهٔ آنها گویا مبالغه و اغراق شده باشد. ظاهراً هیچ‌کس نمی‌داند مقصود او از آمدن نزدیك طهران چیست و از نقشه‌های آتیه‌اش هم کسی مطلع نمی‌باشد. از قرار معلوم، عموم را عقیده بر این است که به طرف استراباد و خاك ترکمن خواهد رفت.

نزدیك شدن سالارالدوله به پای‌تخت و بی‌اعتنائی توضیح‌نشدنی دولت، اسباب گفتگوی زیاد شد و مردم تا اندازه‌ای مشوش و مضطرب شدند زیرا که می‌گفتند اگر شاهزاده اعتماد به تقویت اهالی شهر نداشت حتماً آنقدر به پایتخت نزدیك نمی‌شد.

کسانی که برای همدردی یا او مورد سوءظن واقع شدند. حزب دموکرات و مجاهدین بودند. دولت چون می‌دانست طرف میل اهالی نبود، یکی دو روز مضطرب شده می‌ترسیدند مبادا کسانی که از دولت کدورت داشتند موقع را مغتنم شمرده و تولید مفسده نمایند.

من تحقیقات لازم کرده‌ام و اینطور نتیجه گرفته‌ام که حزبی در شهر پیدا نمی‌شود که با مدعیات شاهزاده همراهی داشته باشد.

هنگامی‌که نزدیك‌شدن سالارالدوله بـه پای‌تخت معلوم شد و همکار روسی من به جنرال قزوین تعلیم داد که در صورتی‌که طهران مغشوش شود، حاضر و مهیای حرکت دادن قشون باشد، همکار روسی من اهمیت موقع را خوب فهمیده بود.

در جواب کاغذی که مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] برای من نوشته و مرا از این اقدام مطلع نمود، من نوشتم که چون این اقدام برای احتیاط است، من موافقت می‌کنم و به‌علاوه اظهار داشتم که شخصاً گمان نمی‌کنم اغتشاشی به ظهور رسید چرا که تاکنون بر من معلوم نشده است عدهٔ زیادی در شهر طرفدار و همدرد سالارالدوله باشند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۳۹۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه، ۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۵ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۶ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۵ نوامبر سر والتر تنلی:

من پیشنهاد می‌کنم که به سر والتر تنلی اجازه داده شود وجه کافی ماهیانه تا ۶،۰۰۰ لیرا به اقساط به دولت ایران داده شود که برای مصارف حکومت فارس به فرمانفرمای آنجا داده شود. شما باید این مطلب را به اطلاع مسیو سازانف رسانیده و اظهار امیدواری نمایید که او هم اعتراضی نخواهد داشت، چرا که جناب معظم در

همین قسم موارد چند هفته قبل اظهار مخالفتی ننمود.
بسیار برای ما لازم است که هرقدر می‌توانیم با دولت ایران برای اعادهٔ انتظامات خوب همراهی نماییم.

نمره ـ ۳۹۹

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری
سنت پطرزبورغ ۸ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۶ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۷ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۷ نوامبر شما:
وزیر امور خارجه اظهار داشت که اعتراضی نخواهد داشت وجهی که پیشنهاد شده پرداخته شود.

نمره ـ ۴۰۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۷ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۸ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]
سعدالدوله امروز به طهران وارد شد.

نمره ـ ۴۰۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۱۱ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۹ آبان ۱۲۹۱؛ یکم ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۵ نوامبر شما:
شما مجاز هستید که از ۱۵،۰۰۰ لیرائی که موجود دارید، تا مبلغ ۶،۰۰۰ لیرا ماهیانه برای مصارف حکومتی فرمانفرمای فارس بدهید. در مصارف باید از روی دقت مواظبت و مراقبت شود که به مصارف صحیح برسد.

نمره ـ ۴۰۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۲ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۰ آبان ۱۲۹۱؛ ۲ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]
کلابخان، سپاهی بولاك، متعلق به دستهٔ ۲۷ سنجابیها، در مریضخانهٔ اصفهان از ضعف قلبی پس از مرض ذات‌الریه و ورم صفاق [ناشیه] از زخم گلوله‌ای که برداشته بود، وفات نمود. در صورتی‌که تصویب فرمایید، مبلغ ۱،۰۰۰ لیرا ـ چنانچه در مورد سواری که همراه بیل در آوریل ۱۹۱۰ مقتول شد مطالبه شد ـ برای این شخص هم مطالبه شود. این مبلغ به‌علاوهٔ مطالبات دیگری است که از بابت لیوتنان بولاك از دولت ایران مطالبه شده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۴۰۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۰ آبان ۱۲۹۱: ۲ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۱ نوامبر شما:

برحسب تعلیمات تلگرافی ۲۶ اوت [۳ شهریور؛ ۱۳ رمضان] شما و بنابر خواهش خزانه‌داری کل، من روز ۲۴ آکتوبر [یکم آبان؛ ۱۲ ذی‌قعده] به رئیس بانك‌شاهنشاهی ایران تعلیم دادم که بقیهٔ مساعدهٔ ۲۵،۰۰۰ لیرا را در حساب خزانه‌داری کل بپردازد. سهم مساعدهٔ روس قبلا داده شده امزت و به او فهمانیدم که این وجه برای مصارف ژاندارمری در جنوب است.

نمره ـ ۴۰۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۱ آبان ۱۲۹۱؛ ۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

به‌موجب خبری که از آژانس انگلیس مقیم استراباد رسیده، سالارالدوله در قجه‌نجف[1] است و از قرار مذکور ۱،۰۰۰ نفر با او هستند و قشون سواره هم به طرف شاهرود فرستاده است.

نمره ـ ۴۰۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۳ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۱ آبان ۱۲۹۱؛ ۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

من پیشنهاد شما را در باب جبران قتل سپاهی بولاك تصویب می‌کنم.

نمره ـ ۴۰۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۳ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۱ آبان ۱۲۹۱؛ ۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ نوامبر شما ـ مساعده به فرمانفرمای شیراز ـ آیا تمام وجه به مصرف رسیده یا چیزی از آن هنوز موجود است؟

نمره ـ ۴۰۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۳ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۱ آبان ۱۲۹۱؛ ۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

جناب‌عالی باید به مسیو سازانف اشعار نمایید که دولت ایران تا وجوهات لازمه برای اعادهٔ نظم نداشته باشند، نمی‌توانند مالیات وصول کنند و سرمایه‌داران هم تا زمانی‌که وصول مالیاتها تأمین نشود، مایل به دادن قرض نیستند. به نظر من، این

---

۱) قوجه‌نجف = خواجه‌نجف؟ ـ م.

اشکال را فقط دولتین انگلیس و روس می‌توانند رفع نمایند به این‌طور که ضمانت پرداخت مبلغی برای اعادهٔ انتظامات نموده و وصول مالیاتها را به واسطهٔ ژاندارمری یا استعداد دیگر، تحت امر صاحب‌منصبان اجنبی تأمین نمایند. چنین مبلغی نباید متجاوز از ۱،۰۰۰،۰۰۰ لیرا باشد.

لطف نموده از مسیو سازانف استفسار نمایید که آیا دولت روس حاضرند ضمانت پرداخت نصف این مبلغ را بنمایند؟ اگر حاضرند، دولت اعلیحضرتی هم حاضر ضمانت پرداخت نصفهٔ دیگر خواهند بود مشروط به شرایطی که مناسب به نظر می‌آید.

شاید بهترین طریقه این باشد کـه سرمایه‌داران به تأمین جواهرات دولتی پـول قرض بدهند. در آن صورت ضمانتی که دولتین باید بکنند، فقط از بابت جواهرات خواهد بود.

نمره ـ ۴۰۸

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۴ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۲ آبان ۱۲۹۱؛ ۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

مسیو سازانف وعده می‌دهد که با مشورت وزیر مالیه در پیشنهادی که به موجب تلگراف دیروز خود کرده بودید، دقت کامل بنماید. جناب معظم ابتدائاً چندان موافقت نداشت، لیکن با دلایل و براهینی که می‌توانستم اقامه نمایم، بـا پیشنهاد مزبور، تقویت نمودم.

نمره ـ ۴۰۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۴ آبان ۱۲۹۱؛ ۶ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۳ نوامبر شما ـ مساعده به فرمانفرمای شیراز ـ تمام وجه به خزانه‌دار کل داده شده و آنچه که به مصرف نرسیده است، برای ژاندارمری جنوب که بی‌اندازه محتاج به پول است تخصیص شده است. کلنل ژاندارمری اتصالا تهدیداً می‌گوید که اگر خزانه‌داری نتواند منظماً حقوق ماهیانهٔ ژاندارمری را برساند، اجرای نقشهٔ ژاندارمری برای او ممکن نیست.

نمره ـ ۴۱۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آبان ۱۲۹۱؛ ۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۳ نوامبر من:

دولت ایران راپورتی را که شیوع دارد مشعر بر اینکه عساکر دولتی تحت امر امیراعظم، سالارالدوله را نزدیك شاهرود بکلی شکست داده‌اند، تصدیق می‌کنند. خود شاهزاده فرار کرده است.

نمره ـ ۴۱۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آبان ۱۲۹۱؛ ۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] و من، دیروز از سعدالدوله ملاقات نمودیم و او چند نفر را معرفی کرده گفت اگر این اشخاص را ترغیب به قبول مقام وزارت نمایند، به عقیدهٔ او، به ریاست او کابینهٔ مقتدری تشکیل خواهد شد.

سعدالدوله ظاهراً با انعقاد مجلس موافق است و در نظر دارد کنسی‌دتائی[1] مرکب از ۳۰ نفر اعضاء تشکیل دهد که از طرف دولت در مجلس سنائی که او خیال دارد پس از انعقاد مجلس تشکیل دهد، نمایندگی داشته باشند.

صدراعظم حالیه به اتفاق وزیرجنگ به ملاقات من آمدند که به نمایندگی تمام ایل بختیاری، در باب اوضاع مذاکره نمایند و به من فهمانیدند که در صورتی‌که وعده داده شود که ابراز خصومتی نسبت به بختیاریها نشود و حکام بختیاری معزول نشوند. صدراعظم به وصول اطلاع و اعلام از طرف مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] و من، به اینکه کابینه‌ای از طرف سعدالدوله تشکیل شده که طرف اطمینان دولتین می‌باشد، حاضر است استعفاء نماید.

نمره ـ ۴۱۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آبان ۱۲۹۱؛ ۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۳ نوامبر شما به سر جارج بیوکانان:

در ضمن ملاقات با سعدالدوله، که در تلگراف امروز خود راپورت دادم، او توجه مرا جلب به لزوم پول رسانیدن به ایران نمود.

از بابت ۱۵۰،۰۰۰ لیرایی که او خیال کرده بود پس از امضای امتیاز خط‌آهن جلفا پرداخته خواهد شد، به گمان او، این وجه برای دولت ایران ممکن نخواهد بود که بتوانند به وسیلهٔ آن اعادهٔ انتظامات بنمایند و سعدالدوله اظهار داشت تا کمك مالی از طرف دولتین نشود، تشکیل کابینهٔ او بی‌فایده خواهد بود و برادرش در اروپا توقف نموده است ببیند می‌توان از محلی استقراض نمود و اگر دولتین انگلیس و روس نتوانند مساعده‌ای معتنابه [=معتنی‌به] از بابت قرضه، بلاتأخیر بدهند، امیدی برای پیشرفت کار او نخواهد بود.

ما به سعدالدوله اظهار نمودیم خوب است از مسیو مرنارد صورت مبلغی را که فوراً لازم است، گرفته و برای ما بفرستد و آنوقت در این باب به دولتین متبوعتین خود، رجوع خواهیم کرد.

من، به همراهی صمیمانهٔ سفیر روس، به سعدالدوله فهمانیدم‌که دولت اعلیحضرتی

---

۱) اصل: کنستی‌دتا [=کنسی‌دتا Conseil d'Etat : شورای دولتی]. ـ م.

انتظار دارند دولت ایران امتیاز خط آهن از محمره الی خرم‌آباد را همان وقتی که امتیاز راه‌آهن جلفا را می‌دهند، اعطاء نمایند، و به او خاطرنشان نمودم که وزیر امور خارجهٔ حالیه، مکرراً به من اطمینان داده است که امتیاز مذکور داده خواهد شد.

سعدالدوله در جواب گفت: به‌خوبی آگاه است که اعطای امتیاز خط‌آهن مذکور قبول شده است.

نمره ـ ۴۱۳

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ اکتوبر ۱۹۱۲ [۳ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۴ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم شما را اطلاع دهم که روز ۲۴ ماه جاری، به بانك شاهنشاهی تعلیم دادم که مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا بقیهٔ ۲۵،۰۰۰ لیرایی را که دولت اعلیحضرتی اخیراً به دولت ایران مساعده داده‌اند، به اختیار خزانه‌داری کل نگاه دارد و حسب‌الحوالهٔ او بپردازند.

همینکه این مطلب را به اطلاع مسیو مرنارد رسانیدم، به او اظهار داشتم که از طرف دولت اعلیحضرتی اجازه دارم که این مساعدهٔ جدید را بدهم، مشروط به آنکه به مصارف ژاندارمری که حالیه در ایالت فارس است، با ژاندارمری‌ئی که بنا بر نقشهٔ کلنل یالمارسن، بهار آینده به آنجا فرستاده خواهد شد، برسد.

من کلنل یالمارسن را نیز اطلاع دادم که مساعدهٔ جدیدی داده شده و طریقهٔ مصرف آنرا نیز به او گفتم.

مسیو مرنارد مرا اطمینان داد که وجه مذکور بطوری‌که معین شده، به‌مصرف خواهد رسید.

اینك مفتخراً سواد مکتوبی را که همان روز به وزیر امور خارجه نوشته و جناب معظم را اطلاع داده‌ام که مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا به خزانه‌داری کل داده شده است، لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۴۱۴

مکتوب سر والتر تنلی به علاءالسلطنه

طهران ۲۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [یکم آبان ۱۲۹۰؛ ۱۲ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

حضرت اشرفا

راجع به مراسلهٔ ۸ اوت من و جوابی که حضرت اشرف در تاریخ ۱۲ اوت دادید، در موضوع ۱۰،۰۰۰ لیرائی که من حسب‌التعلیم وزارت امور خارجهٔ دولت اعلیحضرتی قرار بود برای مصارف لازمهٔ ایالت فارس به دولت ایران بدهم، افتخار دارم حضرت اشرف را اطلاع دهم که امروز به بانك شاهنشاهی ایران تعلیم دادم که مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا به خزانه‌داری کل بپردازد. مبلغ اخیر بقیهٔ مساعدهٔ ۲۵،۰۰۰ لیرائی است که

دولت اعلیحضرتی اخیراً راضی شدند به دولت ایران بدهند.

من مسیو مرنارد را از این مسأله مستحضر داشته به علاوه به او نوشته‌ام که از دولت اعلیحضرتی اجازه دارم این مساعده را بدهم مشروط به اینکه برای ژاندارمری که تاکنون به‌فارس فرستاده شده یا بنابر نقشهٔ کلنل یالمارسن قرار شده است در بهار آینده به‌آن ایالت فرستاده شود، به مصرف برسد.

اکنون برای اطلاع اولیاء مالیهٔ دولت علیه، با کمال افتخار حضرت اشرف را اطلاع می‌دهم که این ۱۵،۰۰۰ لیرا، به تأمین گمرکات جنوب داده می‌شود و شرایط و میزان منافع آن، مثل ۱۰،۰۰۰ لیرائی است کـه در ماه اوت مساعده داده شد و در تحت شرایط مساعده‌ای است که دولت اعلیحضرتی در ماه مارس بـه دولت علیه قرض داده‌اند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۴۱۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ اکتوبر ۱۹۱۲ [۶ آبان ۱۲۹۰؛ ۱۷ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ گذشتهٔ ایران را به طریق معمول ماهیانه، لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۴۱۴

خلاصهٔ وقایع ماه اکتوبر ایران

طهران

کابینه ـ کابینهٔ صمصام‌السلطنه هنوز مشغول رتق و فتق امور مملکتی است، لیکن بر همه معلوم است که به همین زودیها تغییری‌حاصل‌خواهدشد زیرا که صداعظم، سعدالدوله را دعوت نموده است به طهران بیاید. صدراعظم روز ۲۰ آکتوبر [۲۷ مهر؛ ۸ ذی‌قعده] به سعدالدوله تلگراف نمود و جواب او روز ۲۲ رسید.

سالارالدوله ـ چنانچه در مراسلهٔ علیحده مفصلا راپورت داده شد سالارالدوله روز ۱۸ آکتوبر با قشون کمی تا ۳۰ میلی طهران آمد. تا یکی دو روز تصور می‌شد او خیال دارد به شهر حمله نماید و تهیهٔ دفاع شهر با عجلهٔ تمام دیده می‌شد. لکن شاهزاده به شهرستانك که در شمال کوهستانی طهران واقع است، رفته و روز ۲۲ و ۲۳ آکتوبر را آنجا بود و بعد از طرف شمال به مازندران رفت. دولت اقدام مهمی برای تعاقب او ننمودند تا روز ۲۷ و ۲۸ آکتوبر، آنوقت قشون کمی مرکب از ۳۰۰ نفر بختیاری و ۱۰۰ نفر سوار اوصانلو[1] و ۵۰ نفر قزاق و دو عراده توپ، به عقب او فرستادند.

---

۱) اصل: عصانلو. ـ م.

شخصی موسوم به حیدرقلی‌خان روز ۲۵ آکتوبر به سفارت متحصن شد و تصور می‌شد یکی از طرفداران سالارالدوله است، لیکن خود او این مسأله را انکار نمود.

محبوسین پلتیکی [=پلیتیکی] ـ محبوسین پلتیکی را که در خلاصهٔ وقایع ماه مه مذکور داشتم، روز ۱۹ اکتوبر از قم به طهران آوردند و فعلا در باغشاه محبوس می‌باشند. سردار محیی و برادران او، و سلیمان‌میرزا لیدر حزب دموکرات جزو آنها هستند.

انتخابات مجلس ـ کمیته‌ای که در خلاصهٔ وقایع سپتامبر بدان اشاره شد، چندی بعد اظهار داشتند که به عقیدهٔ آنها مسألهٔ لزوم تغییر قانون انتخابات را باید به هیأتی که بیشتر سمت نمایندگی داشته باشند، رجوع نمود. بنابراین، کمیتهٔ بزرگتری مرکب از ۵۶ نفر از منتخبین تمام طبقات تشکیل گردید و سردار اسعد را به ریاست انتخاب نموده و در ماه اکتوبر چند دفعه جلسه نمودند و به اکثریت آراء تصمیم شد که قانون انتخابات مصوبهٔ مجلس سابق را با اوضاع حاضره نمی‌توان به موقع اجراء گذارد. سپس کمیته‌ای تشکیل شد که قانون انتخابات جدیدی تدوین نماید و فعلا کمیتهٔ مذکور مشغول کار است.

تبریز

چون اقدامات نظامی برضد شاهسونها علی‌العجالة به عهدهٔ تعویق می‌باشد، روسها عدهٔ زیادی از عساکر خود را از ناحیهٔ اردبیل عودت داده‌اند. بعض از عساکر مذکور، به روسیه عودت نموده و بعضی را به ناحیهٔ ارومیه فرستاده‌اند.

مشهد

به استثنای راه از مشهد الی عشق‌آباد، که روسها آن را محافظت می‌کنند، در عرض ماه گذشته تمام راههای خراسان برای ایاب و ذهاب قوافل مسدود بوده است.

به ترکمنها که در خلاصهٔ وقایع ماه گذشته راپورت داده شد در حوالی شاهرود مشغول شرارت می‌باشند، دستجات دیگر از همان ایل ملحق شده و عدهٔ حالیهٔ آنها به قریب ۱،۰۰۰ نفر تخمین شده است. راه تا طهران مسدود است و پسته را از راه روسیه حمل می‌کنند.

اصفهان

در اوضاع راههای معظم این ولایت، اخیراً قدری بهبودی حاصل شده است. لیکن از قراری که راپورت داده شده، چند دسته سارقین نواحی خارج شهر را اشغال نموده‌اند.

شهر بطور معمول آرام بوده، لیکن شبها گاهگاهی گلوله خالی می‌شد. شب ششم و هفتم اکتوبر [۱۲ و ۱۳ مهر؛ ۲۳ و ۲۴ شوال] به واسطهٔ ورود عده‌ای سارقین مسلح، در بعض نقاط شهر تیراندازی زیادی به وقوع رسید و چون بعضی از گلوله‌ها از نزدیك مریضخانهٔ انگلیس عبور نمود، جنرال قنسول اعلیحضرتی مجبور شد مکتوبی به مأمورین محلی نوشته و آنها را متنبه سازد.

اسکادران سوارهٔ هند مرکزی، روز ۵ اکتوبر به طرف شیراز حرکت نمود.

یـــزد

اسدالله‌میرزا حکمران سابق روز ۹ اکتوبر پس از آنکه زمام امور را بـه دست نایب‌الحکومه داد، از یزد حرکت کرده به طرف طهران رهسپار گردید. نایب‌حسین و ماشاءالله پسر او که با ۴۰۰ نفر سوار روز ۴ اکتوبر به یزد وارد شدند، پس از حرکت اسدالله‌میرزا، زمام حکومت شهر را به دست گرفته و به همراهان خود که در قم و کاشان بودند تعلیم داد در یزد به او ملحق شوند که با عزم راسخ با حکمران جدید در مقام مقابله برآید.

روز ۲۵ همینکه از طهران تلگراف تعیین سردار فاتح بختیاری به حکومت آنجا رسید، ماشاءالله‌خان از شناختن اقتدار حکومت مرکزی امتناع نموده و شروع به تهیه نمود که به ورود سردار فاتح، با او مخالفت ورزد و محبوسین را مستخلص و مسلح نموده و از دهات دور و حوالی، چند نفر از اشرار را خواسته و اعلان کرد که می‌خواهد بانك شاهنشاهی و ویس‌قنسولگری انگلیس و آژانس قنسولگری روس را حمله و غارت نماید.

شهر بکلی در قبضهٔ اختیار او بود و چندین نفر از تجار و غیره در ویس‌قنسولگری تحصن اختیار نمودند و همینکه از مقامات مختلفه به او فشار داده شد، طریقهٔ اعتدال پیش گرفته و روز ۲۹ اکتوبر از یزد حرکت کرد.

سردار فاتح روز ۲۵ اکتوبر با دویست سوار و دو توپ از اصفهان برای یزد حرکت کـــرد.

مستر لبین، یکی از اجزاء ادارهٔ تلگرافی هند و اروپا را سارقین بوئراحمدی روز ۲۷ اکتوبر، در راه نزدیك نائین غارت نمودند و تفنگچیهایی کـه همراه بودند، در موقع حمله در مقام مدافعه برنیامدند.

شیراز

مخبرالسلطنه ایالت جدید فارس، روز ۱۶ اکتوبر به شیراز وارد شد.

از مدت‌زمانی به این‌طرف، بین قشقائیها نفاق بـوده و صولت‌السلطنه به اتفاق صولت‌الدوله و بعضی از ایلات جزو، اسباب استعفای سردار احتشام ایلخانی سابق ایل را فراهم نموده بودند.

دستهٔ مرکب از چند نفر اروپـایی و بعضی از اجزاء سوارهٔ هند مرکزی روز ۲۴ اکتوبر از شیراز به طرف بوشهر حرکت کردند و مخبرالسلطنه تعهد نمود که آنها را سالماً به بوشهر برساند.

کرمان

امیر مفخم ایالت جدید روز ۳۰ سپتامبر [۷ مهر؛ ۱۸ شوال] به کرمان وارد شد. از زمان ورود او شهر و حوالی آن آرام بوده است و راه یزد کـه قراولان بختیاری آن را محافظت می‌کنند، برای ایاب و ذهاب قوافل مفتوح گردیده است.

کرمانشاه

سالارالدوله و یارمحمدخان با قریب ۱۰۰۰ نفر، روز سوم اکتوبر از کرمانشاه

به میان‌کتل وارد شد و به ملاحظهٔ مکتوب متحدالمآلی که قنسول روس و انگلیس به او نوشته و خواهش کردند جنگ را در خارج شهر قرار دهد، راضی شد دو روز صبر کند تا آنکه فرمانفرما از کرمانشاه خارج شده و با او مقابله نماید.

فرمانفرما به قشون خود امر داد که روز ۶ اکتوبر از شهر خارج شوند ولـی در ساعت دو بعد از نصف شب روز پنجم اکتوبر که در ارك بودند، به آنها هجوم آوردند و در آن جنگ، یارمحمد مقتول و همراهانش از ترس دیگر تاب مقاومت نیاورده فرار اختیار نمودند و بختیاریها و مجاهدین آنها را تعاقب نمودند.

در این جنگ از طرف یاغیان ۲۵ نفر مقتول و مجروح، و هشت نفر اسیر گردید.

سالارالدوله که خود در آن جنگ شرکتی نداشت، از دست عساکر دولتی بدر رفته و با ۲۵ نفر از همراهان خود، از کرمانشاه حرکت نمود. حرکات بعد او را در این خلاصه در ضمن اخبار طهران راپورت داده‌ام.

نمره ـ ۴۱۵

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ اکتوبر ۱۹۱۲ [۶ آبان ۱۲۹۰؛ ۱۷ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

از مدتی به این‌طرف، حکومت مرکزی در صدد تحصیل کاندیدای مناسبی برای حکومت یزد بوده‌اند. عاقبت تصمیم نمودند که سردار فاتح بختیاری را تا زمان ورود امیر مجاهد بختیاری که فعلا کفالت حکومت بهبهان به عهدهٔ او است و بودن او در آنجا لازم است، برای حکومت یزد بفرستند. در این اثناء نایب‌حسین، متمرد مشهور، با پسرش ماشاءالله و قریب ۵۰۰ سوار به طرف یزد حرکت کرده در آنجا نفوذ و قدرت کامل حاصل نموده و حاضر شد که با هر حکمرانی که تعیین شود، در مقام مخالفته برآید و بنای مالیات‌گذاری نموده و شروع به ساختن و تعمیر قلاع نمود.

روز ۲۴ ماه جاری، به وصول خبر تعیین سردار فاتح، کار سخت شد و ماشاءالله محبوسین را مستخلص نموده با اسلحهٔ تمام به شهر وارد شده و اهالی شهر و گبرها را تهدید نمودند و از قراری که راپورت داده شد، تهدید به قتل ویس‌قنسول انگلیس و آژانس روس و رئیس بانك شاهنشاهی و غارت تمام ادارات اروپایی نمود و تا اندازه‌ای مقصودش این بود که دولت ایران را با دول خارجه مشغول و سرگرم بدارد.

از قرار معلوم تمام شهر بکلی منقلب شده، عدهٔ کثیری از تجار و غیره به سرکردگی علمای بزرگشان حرکت کردند که در ویس‌قنسولگری انگلیس و ادارهٔ تلگرافخانهٔ هند و اروپا پناهنده شوند و از همه طرف ارائهٔ طریق می‌شد که با دولت ایران در باب تعیین ماشاءالله‌خان به حکومت مذاکره شود که شهر از این انقلابات و تهدیدات آسوده و مستخلص شود.

پس از تفکر زیاد و از روی دقت کامل، جسارت اقدام و اعمال ماشاءالله بر من معلوم شده، دریافتیم که به وسیلهٔ تهدیدات جسارت‌آمیز خود، می‌خواهد دولت را

قهراً مجبور به قبول حکومت خود بنماید و در حالتی که اهمیت موقع را به خوبی درك کرده و دولت ایـران را از جزئیات آن مطلع می‌نمودم، ملاحظه نمودم که برای من به هیچ‌وجه ممکن و میسر نیست که با شخص متمرد یاغی، برای تحصیل حکومت ولایتی همراهی نمایم و البته همراهی من بـا او، باعث سلب اعتبار دولت اعلیحضرتی می‌گردید.

پس از مشورت با همکار روسی خود، به ویس‌قنسول انگلیس تعلیم دادم که در غیاب مأمورین دولتی ماشاءالله را ملاقات نموده و به او بگوید که چون به قوهٔ قهریه یزد را اشغال نموده، سفیر روس و من شخص او را مسؤول جان و مال اجانب یزد می‌دانیم، تا زمانی‌که حکمران جدید برسد. و به ویس‌قنسول تعلیم دادم که قرار بدهد آژانس روس هم به اتفاق او برود.

از قرار معلوم این اظهارات بی‌ثمر نماند و چنانچه در تلگراف ۲۸ اکتوبر خود راپورت دادم، و ماشاءالله طریقهٔ اعتدال و حسن رفتار پیش گرفته و تصمیم نمود از یزد حرکت کند و برای آنچه تاکنون کرده بود، به وزیر داخله تلگراف نموده و متعذر به معاذیری چند شده.

سردار فاتح حکمران، روز ۲۶ اکتوبر با ۲۰۰ نفر سوار و ۲ توپ و ده نفر توپچی به طرف یزد حرکت کرد.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۴۱۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ اکتوبر ۱۹۱۲ [۶ آبان ۱۲۹۰؛ ۱۷ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم سواد تلگراف کفیل قنسولگری شیراز را در باب پروگرامی راجع به امور مالیه که ایالت اجرای آن را برای ادارهٔ امور فارس لازم می‌شمارد، لفاً ایفاد دارم.

من با خزانه‌داری کل در باب مطالب تلگراف مستر اسمارت مذاکره نموده‌ام و می‌گوید حتی‌المقدور حاضر است با تقاضاهائی که در قسمت اول درج است موافقت نماید در صورتی‌که او را از اقداماتی که به عمل می‌آید متدرجاً و متوالیاً مستحضر بدارند.

مسیو مرناردبه من اطلاع داد که یك نفر ایرانی لایق کافی را تازگی برای مالیهٔ شیراز فرستاده و در نظر دارد مسیو استاس را به همین زودی به شیراز بفرستد.

اما از بابت قسمت دوم پروگرام مذکور، مسیو مرنارد اظهار داشت که حتی‌المقدور سعی خواهد نمود که با تقاضای مخبرالسلطنه موافقت نماید لیکن به فقر حالیهٔ ملی جلب‌توجه نموده و اشعار نمود که ۳۰،۰۰۰ تومان برای مصارف ماهیانهٔ حکام ایالات بسیار زیاد بنظر می‌آید و اظهار داشت برای دولت ایران هرقدر هم مایل به این کار

باشند، ممکن نیست برای مصارف تمام ایالات و ولایات که باید مبالغ زیاد برای خزانهٔ دولتی پول بفرستند (در عوض آنکه این ایالات و ولایـات تحمیلی در عایدات ملی باشند).

مشارالیه وعده داد که کوشش نموده و با بانك شاهنشاهی ترتیبی بدهد عایـدات شیراز[1] را محل تأمین قرار دهد و قرار بدهد که تمام عایدات ایالت فارس بـه بانك شاهنشاهی در شیراز سپرده شود.

مسیو مرنارد نیز اظهار داشت که به عقیدهٔ وی ایـن پلتیك [=پلیتیك] خوبی نیست که در افکار و اذهان حکام ایالات و ولایات جایگیر شود کـه آنچه در ماه از مصارف اداری و حکومتی خود کسر بیاورند، دولت آن را خواهد پرداخت. درصورتیکه چنین فکری در اذهان آنها جایگیر شود، دیگر برای وصول مالیات از ایلات متمرد، خود را به زحمت جنگ و جدال نخواهند انداخت و به ضرر دولت شهرت پیدا می‌کنند که در حکومت آنها جنگ و جدال روی نداده و نظم و امنیت تامه حکمفرما بوده است. مسیو مرنارد تصور می‌کرد که محتمل است مخبرالسلطنه فعلا چندان از تزیید عایدات آتیهٔ ایالت فارس اطلاعی نداشته باشند و خود مسیو مرنارد هم در این موضوع چندان اطلاعی نخواهد داشت تا آنکه وکیل اروپایی او به آنجا رفته و از روی دقت تام در امور مالیهٔ آنجا تدقیق نماید.

من توجه مسیو مرنارد را به فقرهٔ سوم تقاضاهای مخبرالسلطنه جلب نموده و او را متذکر ساختم که چنانچه آگاه است، دولت اعلیحضرتی به توسعه و ترقی ژاندارمری اهمیت زیاد می‌دهند یا مخصوصاً تا آن اندازه که به راههای جنوب مربوط است.

الحال که مذاکره در این موضوع می‌شود، من جنابعالی را به تلگراف ۲۲ شهر جاری خود متذکر می‌نمایم. در تلگراف مذکور راپورت دادم که چنانچه مستر اسمارت به من اطلاع داد، مخبرالسلطنه عده‌ای ژاندارم و تفنگچی محلی فرستاده است که راه از زرقان الی کازرون را که از دو منزلی شمال شیراز الی کازرون باشد، متصرف شونـد.

از قراری‌که از کلنل یالمارسن استفسار نموده‌ام، او پس از آنکه از صاحب‌منصب فرماندهٔ دستهٔ ژاندارم شیراز تحقیق نموده است که رؤسای ایلات این قسمت راه به ایالت اطمینانات لازمه داده‌اند که بدون احتمال خطر بی‌جهته می‌توان قشون فرستاد، ژاندارمها را فرستاده است.

کلنل یالمارسن به علاوه اظهار داشت که امر نموده است یك نفـر صاحب‌منصب سوئدی به همراه قشون زرقان و دو نفر به طرف کازرون بروند و ماژور سیفورت را در شیراز بگذارند چرا که به واسطهٔ زخمی که در جنگ پنجم اوت گذشته بـا همراهان صولت‌الدوله به او وارد شد، هنوز صحت نیافته است.

ممکن نیست بتوان چندان به نتایج اقدامات مخبرالسلطنه که در اول وهله اقدام

---

۱) اصل: عایدات و شیراز. ـ م.

متهورانه‌ای به نظر می‌آید امیدوار بود، لیکن جناب معظم به عقیدهٔ من آن‌قدر آدم باحزم و محتاطی است که نمی‌توانم امیدوار نباشم به اینکه به دلایل صحیحه به قول و اطمینان اشخاصی‌که چنانکه از مراسلات و مکاتبات اخیره معلوم می‌شود فوق‌العاده در این مدت گذشته مشغول اغتشاشات بوده‌اند. اعتماد نموده است. از تلگراف مستر اسمارت که در جوف است بر جناب‌عالی مکشوف خواهد شد که او هم طبعاً از پیشرفت و موفقیت نقشه‌های مخبرالسلطنه تردید داشته است.

گمان می‌کنیم خیلی اسباب امیدواری است که مخبرالسلطنه پس از ورود به شیراز خواسته است قوام‌الملك در شیراز بماند چرا که امید هست حضور و نصایح قوام‌الملك برای جناب معظم مفید باشد. مخبرالسلطنه صولت‌الدوله را نیز به شیراز خواسته است و در نظر دارد تعیین ایلخانی جدیدی را به جای سردار احتشام که استعفاء نموده به تعویق اندازد تا بعد از زمستان که با وقت زیادتر مدعیات کاندیداهای رقیب ایلخانی‌گری را در تحت ملاحظه آورده و شخصی را انتخاب نماید که مورد قبول تمام باشد.

چنانچه ملاحظه می‌فرمایید، به عقیدهٔ مستر اسمارت، کار مخبرالسلطنه بسیار سخت و مشکل است و فقط چیزی که وسیلهٔ پیشرفت کار او شود تقویت کامل ما است و چنانچه بطور وضوح مبرهن گردیده است انتظار کمك مالی از طرف ما می‌رود.

قبل از حرکت مخبرالسلطنه از طهران من نتوانستم عقیدهٔ قطعی او را در این باب بفهمم لیکن دیروز در این موضوع با خزانه‌داری کل مذاکره نمودم که در صورت امکان کمك مالی، بهترین طریقه برای انجام آن چیست بطوری‌که اسباب کدورت دولت‌ایران نشود. عقیدهٔ مسیو مرنارد بر این بود که بهترین طریقه برای انجام این امر، اجرای نقشه‌ای است که در باب آن با بانك شاهنشاهی مذاکره شده و در فوق این مراسله اشاره بدان شد و اگر دولت اعلیحضرتی صلاح بدانند، با مدیر کل بانك در لندن می‌توان قراری داد که بدان وسیله در مقابل تأمین عایدات شیراز، پول به مخبرالسلطنه رسانیده شود.

به نظر من این کار را رسماً باید در تحت مراقبت و سرپرستی خزانه‌داری کل به انجام رسانید و وکیل مالی او که بلجیکی [=بلژیکی] خواهد بود، بایستی مصارف آن را تا حدی کنترل بنماید.

اگر در کار ایالت پیشرفت حاصل شود، عایداتی که وصول آن ممکن خواهد بود، بیش از آن مبلغی خواهد بود که برای مصارف و احتیاجات حکومتی لازم می‌باشد و در ظرف یك سال یا چند ماه، جناب معظم قادر خواهد بود که بدون اشکال، عایدات مکفی برای مصارف حکومتی بدست آورد.

مستر اسمارت اظهار نمی‌کند که پول جداً لازم شده ولی خیلی احتمال می‌رود که ایالت به همین زودیها تقاضای پول خواهد کرد و پول هم در خزانه موجود نیست مگر آنکه مساعدهٔ ۲۵،۰۰۰ لیرای اخیر، به ۱۰۰،۰۰۰ لیرا بالغ شود.

دولت ایران انتظار دارند که در صورتی‌که امتیاز خط‌آهن از جلفا الی تبریز

داده شود، مساعدهٔ مطلوب داده خواهد شد و غیرمحتمل نیست که طولی نکشد بتوان بر اجرای این نقشه فایق آمد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۴۱۶

تلگراف کفیل قنسولگری اسمارت، به سر والتر تنلی

شیراز ۲۷ اکتبر ۱۹۱۲ [۴ آبان ۱۲۹۰؛ ۱۵ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

نقشهٔ ایالت را برای حفظ راه از زرقان تا کازرون و ژاندارمها و تفنگچیان ملی تحت امر ژاندارمری، مخبرالسلطنه تلگرافاً [= تلگرافی] برای دولت ایران توضیح نموده است و نیز تلگرافاً نقشهٔ خود را برای تهیهٔ قشون منظمی که بتواند در بهار آتیه جلوگیری از اغتشاش ایلات بنماید، برای دولت مشارالیها توضیح نموده است. این قشون باید مرکب از ۱،۸۰۰ نفر باشد.

مخبرالسلطنه انجام شرایط ذیل را برای اجرای نقشهٔ خود لازم می‌داند:

۱) به وکیل خزانه‌داری کل در شیراز اجازه داده شود که به تصویب ایالت و بدون رجوع به طهران عمل مالیات سنوات گذشته را با ایلاتی‌که مبلغی‌ازآن‌را نرسانیده‌اند، از روی انصاف و برحسب اقتضای موقع، فیصله نماید.

جهت اینکه ایالت می‌خواهد بدون رجوع به طهران این عمل بگذرد، به واسطهٔ آن است که رجوع به طهران سبب تأخیر زیاد واختلاف‌آراءبین اولیاء امور طهران که از اوضاع محل ربط صحیحی ندارند، می‌شود و نتیجه این خواهد شد که حتی آن مبلغ جزئی مالیات هم که حالا به دست می‌آید، دیگر وصول نخواهد شد.

۲) برای پرداخت ماهیانه ۳۰،۰۰۰ تومان، به بانك شاهنشاهی اعتبار داده شود و به ایالت اجازه داده شود که در مقابل این اعتبار به بانك حواله داده و صورت مصارف را به وکیل خزانه‌داری که در شیراز است ارائه دهد و تمام مالیاتی که وصول می‌شود، برای استرداد وجوهی که حواله شده به بانك داده شود و اگر چیزی باقی بماند، دولت آن‌را به بانك بپردازد.

ایالت امیدوار است که متدرجاً، همینکه نظم اعاده شد و بر عایدات مالیاتی افزوده شد، در مدت کمتر از یك سال دیگر، کسری باقی نخواهد ماند.

۳) حکومت مرکزی باید مصارف استعداد ژاندارمری حاضره و مصارف عده‌ای را که فیمابعد بر آن افزوده می‌شود، منظماً بپردازد.

قبول تقاضای اولی ممکن است اسباب بی‌نظمی و بی‌ترتیبی شود لیکن من به‌تقویت آن مبادرت می‌ورزم و اگرچه تقاضای سومی هم موجب بی‌نظمی و بی‌ترتیبی خواهد بود، لیکن چون مدتی است به دولت از ایالت فارس پول نرسیده است، آن بی‌ترتیبی چندان قابل اهمیت نخواهد بود.

در باب تقاضای دوم از آن می‌ترسم که بیشتر آن پول تلف خواهد شد مگر آنکه از طرف اروپاییان کنترل‌شود و غیرمحتمل‌نیست‌که حتی درصورتی‌که‌پول‌به مخبرالسلطنه

برسد، به‌کار خود موفقیت‌حاصل نتوان (= نتواند) نمود. جناب‌معظم ظاهراً منتظر است که مبلغ مذکور را ما قرض بدهیم. در باب کسربود ماهیانه نمی‌توانم مبلغ آن را حالا تعیین کنم و نمی‌دانم تا چه وقت دیگر کسری باقی نخواهد ماند. فقط امید پیشرفت کار ایالت. همراهی ما است و این مسأله را باید تصدیق کرد که در هر صورت امیدی برای پیشرفت کار او نیست.

مخبرالسلطنه اصرار دارد بر اینکه بفوریت ترتیبی داده شود محض آنکه در شروع به اجرای نقشهٔ او تأخیری به وقوع نرسد.

من مبادرت ورزیده وقت جنابعالی را به تقاضای دوم جلب نموده و صلاح می‌دانم که وجه مذکور را خودمان قرض بدهیم و نیز توجه جناب‌عالی را به مضرات این کار جلب می‌نمایم.

نمره ـ ۴۱۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۷ آبان ۱۲۹۱: ۱۸ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

راجع به مراسلهٔ ۲۵ سپتامبر من، افتخار دارم اینك سواد مراسلهٔ کفیل قنسولگری شیراز را که در جوف آن، مراسلاتی را که بین او و صولت‌الدولهٔ یاغی رد و بدل شده و نتیجهٔ مکاتبات مذکور استرداد نصف اموال غارت‌شدهٔ قافلهٔ سوار هند مرکزی بوده است، لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمرهٔ ۴۱۷

مکتوب اسمارت کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

شیراز ۱۰ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۸ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۸ رمضان ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم اینك ترجمهٔ مکاتباتی را که مابین من و صولت‌الدوله رد و بدل شده، ایفاد دارم. قبل از آنکه کاغذ خود را بفرستم، مسودهٔ آن را بـرای مأمورین محلی فرستاده توضیح نمودم که عدم توانایی آنها در استرداد اموالی کـه سرخیها غارت نموده‌اند، مرا مجبور نمود که با صولت‌الدوله مستقیماً در این باب مذاکره نمایم و مأمورین محلی هم با این امر موافقت نمودند.

نتیجهٔ مذاکرات من این شد که حسن‌خان سرکردهٔ قشون صولت‌الدوله که در سیاخ بود، قریب نصف اسبابهایی را که از قافلهٔ سوارهٔ هند مرکزی غارت شده بود، مسترد داشت.

من هرقدر توانسته‌ام مراسلات صولت‌الدوله را برای آنکه در خواندن آسان باشد، مختصر نموده‌ام، آنچه را که در باب قشونی که می‌گوید برای جنگ با او فرستاده شده

نوشته است، من نمی‌فهمم زیرا که قشونی فرستاده نشد با او جنگ کند تا آنکه خود او شروع به خصومت‌ورزی نمود و واضح نیست که آنچه در بـاب معایب وارد کردن ایلیاتی‌ها به شهر نوشته به دوست خود نظام‌السلطنه یا دشمن او قوام‌الملك است.
(امضاء) اسمارت

ملفوف دوم نمرهٔ ۴۱۷

مکتوب صولت‌الدوله به اسمارت کفیل قنسولگری

(بدون‌تاریخ) پس‌از آنکه قوام‌الملك تحریك به‌ضبط تمام املاك من نمود، من محض اینکه کاری نکرده باشم که برای انجام مقاصد شریرانهٔ او بهانه باشد، از پس‌گرفتن املاك خود احتراز نموده و تا مدتی در گوشه‌ای انزوا اختیار نمودم.

قوام‌الملك همینکه مرا آرام دید، قانع به غارت اموال من نشده چندی قبل قشون بزرگی برای غارت و قتل ایلیاتی‌ها که نزد من مانده بود، فرستاد ولی چون خدا همیشه حافظ بی‌گناهان است، قشون او شکست خورده و فرار کردند و چنانچه دیده شده، جمعی اراذل و اوباش را دسته دسته در میان بستگان خود فرستاده که مردم را در هرجا غارت نمایند.

علی‌هذا، اینك به موجب این نوشته به قنسولخانه اطلاع می‌دهم که با این اوضاع، برای آنکه از اقدامات مخالفت‌آمیز قوام‌الملك جلوگیری شود و محض استقرار امنیت برای محافظت تجار و قوافل، من حاضر هستم که اقدامات برای آسایش و امنیت اهالی بدبخت بنمایم.

البته شما سواد این مراسله را نزد حکومت مرکزی خواهید فرستاد که اگر بخواهید، بنابر آنچه در این مراسله ذکر شده، اقدامات به عمل آید.

مرحمت نموده همیشه از سلامتی حالات خود مرا مستحضر بدارید.

ملفوف سوم نمرهٔ ۴۱۷

مکتوب صولت‌الدوله به اسمارت کفیل قنسولگری

۳۰ اوت ۱۹۱۲ [۷ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۷ رمضان ۱۳۳۰]

وظیفهٔ هر ایرانی عموماً، و این خادم دولت، و ملت خصوصاً، آن است که این مسأله را به اطلاع مأمورین دولت انگلیس که دعوی دوستی و وداد با ایران می‌کنند و بـه اطلاع شما که به مقام نمایندگی در فارس و جنوب به ایران معرفی شده‌اید، برسانند اگر قصد اعلیحضرت امپراطوری و مأمورین آن این است که این قسمت مملکت را جزو متصرفات دولت انگلیس قرار دهند، هیچ طریقی برای انجام این کار بهتر از طریقه‌ای که اتخاذ شده که عبارت از تصمیم همراهی با شخص خائنی و عزل و تضعیف شخص خادمـی [است] نمی‌باشد. اگـر مقصودشان غیر از این است و اگـر می‌خواهنـد مال‌التجاره‌شان سالماً به مقصد برسد، این طریقه خوب نیست.

مقصود اصلی دنیای متمدن امروزه، تزیید و توسعهٔ تجارت است بنابراین انهدام

شخصی که دوستی و خدمت خود را به ثبوت رسانیده و باید از او همه‌گونه خدمت بخواهند و او را تقویت کامل نمایند، بکلی خلاف تعلیمات تجربی و طبیعت و عقل است و به همین‌طور، تقویت از کسی که قادر بر حفظ مال‌التجارهٔ داخله و خارجه نمی‌باشد و حتی از حفظ خود هم عاجز است، خلاف عقل و طبیعت است.

وقتی که راه بوشهر با من بود و اسماً ماهی هزار تومان به من داده می‌شد، آیا مال‌التجاره سالماً و بدون خسارت وارد نمی‌شد، آیا کرایهٔ هر صدمنی ۱۷ تومان نبود، آیا قوافل به وقت نمی‌رسیدند؟ با وجود تمام این خدمات، کسی قدر مرا ندانسته از روی بی‌انصافی با من عمل نمودند. من تا اندازه‌ای که ممکن بود، از ایلات قشقائی و سایر ایلات جلوگیری کردم. آیا پس چه واقع شد که می‌خواهند از اقتدار من بکاهند؟ طبیعی است که وقتی‌که ایلات وحشی می‌بینند از آنها جلوگیری نمی‌شود و ایالت با آنها همراهی کرده و آنها را به شهر وارد کرده، تحریك به اغتشاش در شیراز می‌نماید و مال‌التجارهٔ مردم را در بازارها غارت می‌کنند و دور و حوالی شهر بنای غارت را می‌گذارند البته تمام نقاط مغشوش می‌شود و میزان کرایه صد من پنجاه تومان می‌شود و راهها مسدود می‌گردند. تقویت بیجهة و بی‌فایده به‌خائنین‌دولت همین نتایج را خواهد داشت. به‌علاوه، همینکه ایل خود را که به‌جای بچه‌های من محسوب می‌شوند از دست داده‌ام، اوقات خود را در قشلاق بسر بردم و املاك و بستگان من به غارت رفتند و باز هم مرا آرام و آسوده نگذاردند و قشونی به‌جنگ ایل من به سیاخ فرستادند. همراهان من این قشون را از هم متفرق نمودند و مواظب سیاخ بودند. بعد ژاندارمری به جنگ آنها فرستاده شد. همراهان من مجبور به دفاع شده این قشون را نیز منهزم نمودند ابتداء نمی‌دانستند مخالف آنها کیست ولی همینکه دریافتند که ژاندارمری با آنها طرف شده است، با کمال ملاطفت با آنها رفتار کردند.

چرا باید اتصالا قشون به‌جنگ ایلات‌بیطرف فرستاده‌شود؟ خائنین ظاهراً می‌خواهند دولت‌را به‌خرجهای‌گزاف‌بیندازند و همین‌که یکدفعه پول بدست‌آوردند، بازهم خواهند خواست و این کار را بهانهٔ پول گرفتن قرار داده‌اند. مقصود آنها خدمت به دولت نیست بلکه همان است که گفته شد.

الحال، به شرط تقویت و همراهی با من، رفع تمام سهوهای پلتیکی سهل است. من حاضرم که آنچه انسانیت به من حکم می‌کند، در راه خدمت و استقرار نظم به انجام رسانیده و تلافی مافات را کرده و اسباب آسایش و آسودگی شما را فراهم آورم بدون اینکه پولی به خائنین دو دولت (دولت انگلیس و ایران) داده شود.

منتظر جواب هستم.

ملفوف چهارم نمرهٔ ۴۱۷

مکتوب اسمارت کفیل قنسولگری به صولت‌الدوله

۳ سپتامبر ۱۹۱۲[۱۱ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۱ رمضان ۱۳۳۰]

مراسلات شما واصل و از مضامین آنها مستحضر گردیدم. شما خودتان می‌نویسید

که من به دولت ایران معرفی شده‌ام. همین مطلب جواب من است. شما البته خودتان می‌دانید که مأمورین انگلیس که بنا به قول شما به دولت ایران معرفی شده‌اند، نمی‌توانند با مأمورین محلی مخالفت نمایند بلکه باید هرکه را که از طرف دولت ایران مصدر امور باشد، تقویت نمایند. یقین دارم شما آنقدر از مناسبات بین‌المللی اطلاع دارید که این جواب برایتان مکفی باشد.

اما در باب آنچه راجع به حفظ مال‌التجاره نوشته‌اید، البته شما شنیده‌اید که سرخه‌ای‌ها که قسمتی از قشون حسن‌خان در سیاخ می‌باشند، قافله‌ای را که ۳۶ بار برای قنسولخانه می‌آورده است، غارت نموده‌اند. اگر شما بقدری که ادعا می‌کنید می‌توانید مال‌التجارهٔ خارجه و داخله را حفظ کنید، خوب است این اموال را گرفته و مسترد دارید. من صورت جزئیات اموال مسروقه را نزد حسن‌خان فرستاده‌ام که شما هرگونه اقدامی را که لازم می‌دانید برای استرداد آنها بنمایید.

دیگر زیاده بر این چیزی نمی‌نویسم و امیدوارم که شما چنانکه وظیفهٔ هر ایرانی وطن‌خواهی است، لزوم اطاعت دولت خود و سختی حالیهٔ امور مملکت خود را بخوبی خواهید فهمید.

نمره ـ ۴۱۸

مکتوب وزارت خارجه به ادارهٔ هند

وزارت خارجه ۱۸ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۶ آبان ۱۲۹۱؛ ۸ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه تعلیم دارم که رجوع به مخابرات تلگرافی با سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران در موضوع مساعده به ایالت شیراز بنمایم. سواد این مخابرات و مذاکرات که انتهای آن تلگراف ۱۶ ماه جاری سر والتر تنلی است، برای ادارهٔ شما تاکنون فرستاده شده است.

در صورتی که وزیر امور خارجه تصویب نماید، پیشنهاد شده است که مساعدهٔ دیگری به مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا برای دو ماه و نیم پرداخته شود و من باید استدعا کنم که از آن وزارت‌خانه مبلغ ۷،۵۰۰ لیرا به حساب سفارت اعلیحضرتی یا بانك شاهنشاهی ایران منتقل شود. از اینجا هم مبلغ ۷،۵۰۰ لیرا داده خواهد شد.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره ـ ۴۱۹

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۷ آبان ۱۲۹۱؛ ۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۷ نوامبر از طهران:

وزیر امور خارجه تصور می‌کند که خوب است ما به نایب‌السلطنه ارائهٔ‌طریق‌کنیم سعدالدوله را به ریاست وزراء تعیین نماید. اگر نایب‌السلطنه از این کار امتناع

نماید، وزیر خارجه تصور می‌کند خوب است رئیس‌الوزرای حالیه، سعدالدوله را تعیین نماید که پس از او مقام ریاست‌وزراء را اشغال نماید.

وزیر امور خارجه به من اظهار داشت که چون شاه مخلوع قصد دارد تا مدت دو ماه به خارجه برود، یکی از مأمورین بزرگ را به ادسا فرستاده است. جناب معظم خیلی مایل است که شاه مخلوع در همان محلی که هست بماند چرا کـه ممکن است اقدامات سال گذشتهٔ خود را تکرار نماید و مایل است به شاه مخلوع گفته شود که خوب است خیال عودت به سریر سلطنت را از سر بدر کند مگر آنکـه قبلا از طرف دولتین انگلیس و روس با او همراهی شود.

نمره ـ ۴۲۰

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۷ آبان ۱۲۹۱؛ ۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۴ نوامبر من:

وزیر امور خارجه مرا اطلاع می‌دهد که دولت روس نمی‌توانند تعهد تأدیهٔ قرضه یا پرداخت هرگونه مساعده به دولت ایران بنمایند تا آنکه دولت مشارالیها امتیاز احداث خط‌آهن جلفا را بدهند.

نمره ـ ۴۲۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۸ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

پیشنهاداتی را که شما بموجب تلگراف ۱۳ نوامبر خود به سنت پطرزبورغ کرده بودید، از سنت‌پطرزبورغ برای سفیر روس مخابره شده است. عقیدهٔ او بر این‌است که اگر دولتین مایل دادن قرضه هستند، باید حاضر برای دادن قرضهٔ بزرگتری شوند، چرا که به نظر او تأمینات قرضهٔ مذکور موجب خطری برای دولتین نمی‌باشد و تعهد دادن چنین قرضه‌ای فواید مالی برای ایران خواهد داشت که حصول فواید مذکور را از راه دیگری نمی‌توان امیدوار بود و در صورتی‌که اصرار به نظارت وصول و مصرف آن وجه شود، من موافقت می‌نمایم.

مصارف یك قشون کوچکی سالیانه به ۳،۵۰۰،۰۰۰ تومان تخمین شده و مصارف ژاندارمری به ۱،۰۰۰،۰۰۰ تومان، بطوری که تمام وجه قرضه در ظرف یك سال به مصرف خواهد رسید و با این مالیه، جلب صاحب‌منصبان خارجی چندان صلاح نخواهد بود.

وضعیت ژاندارمری خیلی غیرمعلوم و مبهم می‌شود. تاکنون مصارف آن از پولهای مساعده‌ها داده شده و حال که غیر از عایدات مملکتی از محل دیگر به خزانه‌داری کل پول نمی‌رسد، از بابت حقوق ماه گذشتهٔ ژاندارمری، مبلغ ۵،۰۰۰ لیرا عقب افتاده و از بابت مصارف ماه جاری هم چیزی داده نشده است، اگرچه باید قبل از وقت داده شود.

نمره ـ ۴۲۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۸ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

از قرار معلوم اطلاعی که به موجب تلگراف ۱۷ نوامبر خود داده‌ام، صحیح نیست. سرکردهٔ قشونی سالارالدوله گرفتار و مقتول گردیده، لیکن خود شاهزاده در جنگ نبوده است.

نمره ـ ۴۲۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه به سر جارج بیوکانان

فقط چیزی که ما را به اقدام برای تعیین‌سعدالدوله به‌مقام‌ریاست‌وزراء وامی‌دارد، این است که پول کمال لزوم را برای دولت ایران پیدا کرده و ظاهراً امکان ندارد کسی دیگر را به این مقام منصوب نمود تا دولتین بتوانند مساعده به دولت ایران بدهند و بعد از آن سرمایه‌داران قرضهٔ بزرگتری بدهند.

چنانچه ما فهمیده‌ایم، امتیاز خط‌آهن جلفا را دولت روس تقاضا نموده‌اند که به شرط پرداخت مساعده، به دولت مشارالیها داده شود. دولت اعلیحضرتی انتظار دارند که امتیاز خط‌آهن محمره هم در موقع امتیاز خط‌آهن مذکور به روس، به ما داده خواهد شد. بنابراین اگر سعدالدوله این دو امتیاز را بدهد، گمان می‌کنم دولتین روس و انگلیس تعهد تحصیل یا پرداخت قرضه‌ای به مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ لیرا تحت شرایط صحیح بنمایند که به مصارف معینه برسد. و گمان می‌کنم دولتین نیز باید با نظریات سعدالدوله از بابت انعقاد مجلس و تشکیل مجلس سنا همراهی نمایند (رجوع به تلگراف ۱۷ نوامبر کنید).

می‌خواهم بدانم که آیا دولت روس هم به این نظریات موافقت دارند یا نه. اگر موافقت دارند، ما به وزیرمختار اعلیحضرتی مقیم پاریس تعلیم خواهیم داد که با همکار روسی خود، متفقاً از نایب‌السلطنه استدعا نمایند سعدالدوله را به مقام ریاست وزراء تعیین نمایند.

لطف نموده تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت بدهید.

نمره ـ ۴۲۴

مکتوب ادارهٔ هند به وزارت خارجه

ادارهٔ هند ۲۱ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۹ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۱ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

آقا

در جواب مراسلهٔ ۱۸ نوامبر ۱۹۱۲ شما در باب مساعدهٔ ۱۵،۰۰۰ لیرا از طرف دولت اعلیحضرتی به دولت ایران برای مصارف ایالت فارس، تعلیم دارم به شما اطلاع دهم که وزیر هند حاضر خواهد بود که نصف این مبلغ را به حساب سفارت

اعلیحضرتی یا بانك شاهنشاهی منتقل‌نماید و این‌کار را پس‌از آنکه دولت اعلیحضرتی نصف دیگر را به حساب سفارت یا بانك منتقل نمودند، خواهد کرد.

تصور می‌شود که شرایط این مساعده تماماً شبیه به مساعدهٔ ۲۵،۰۰۰ لیرائی خواهد بود که در مراسلهٔ ۱۴ اوت این اداره اشاره بدان رفته است.

(امضاء) هلدرنس

نمره ـ ۴۲۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۱ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۹ آبان ۱۲۹۱: ۱۱ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۷ نوامبر من:

بسیار مطلوب است که بدون تأخیر محقق شود که آیا اگر صدراعظم استعفاء کند، نایب‌السلطنه حاضر خواهد بود سعدالدوله را به جای او تعیین کند؟

نمره ـ ۴۲۶

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۱ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۹ آبان ۱۲۹۱: ۱۱ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز شما:

به علت شورای کابینهٔ وزراء، مسیو سازانف تا فردا نمی‌تواند مرا ملاقات نماید. من این مسأله را تذکار می‌نمایم که جناب معظم تاکنون به هیچ وجه بطور قطع اظهار نداشته است که در صورتی‌که امتیاز احداث خط آهن جلفا داده شود، دولت روس مساعده را که پیشنهاد شده، به دولت ایران خواهند داد یا تعهد پرداخت آن را خواهند نمود. مسیو سازانف فقط اظهار داشت (رجوع به تلگراف ۱۹ نوامبر من کنید) که تا زمانی که این امتیاز داده نشود، دولت روس این مسأله را تحت ملاحظه نتوانند آورد.

نمره ـ ۴۲۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۳ نوامبر ۱۹۱۲ [یکم آذر ۱۲۹۱؛ ۱۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۶ نوامبر شما:

آیا کلیهٔ مبلغی که دولت روس امسال مساعده داده‌اند، چقدر است و چقدر از آن مسترد شده است؟ به خزانه اجازه داده شد که مساعده به دولت ایران بدهد به شرط آنکه تمام وجوهات به اتفاق دولت روس بالمناصفه و تحت شرایط مشابه داده‌شود.

در باب مراسلهٔ ۱۲ سپتامبر شما، آیا عایدات دیگری که بتوان محل تأمین قرار داد، بدست می‌آید؟

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۴۲۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ نوامبر ۱۹۱۲ [۲ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز، تازگی راپورتی از بابت اوضاع امور شیراز برای من نفرستاده، لیکن از اطلاعاتی که از منابع موثقه برای من رسیده، اوضاع روز به روز بدتر می‌شود. پول برای ایالت اینجا موجود نمی‌شود و تا پول نرسد ایالت نمی‌تواند از تجدید اوضاع مغشوش سابق جلوگیری نماید.

لطف نموده به تلگراف ۵ نوامبر من رجوع بفرمایید. من اصرار می‌کنم که هرقدر زودتر که امکان دارد، باید اقدامات بشود که به ایالت اطمینان داده شود ماهیانه ۳۰،۰۰۰ توسط بانك، به شرایطی که پیشنهاد شده است پرداخته شود.

اگر در این کار تأخیری واقع شود، دیگر امیدی برای موفقیت ایالت نیست.

نمره ـ ۴۲۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ نوامبر ۱۹۱۲ [۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ نوامبر شما:

دولت روس مبلغ ۱۲۵،۰۰۰ لیرا امسال به دولت ایران بطور مساعده داده است. دولت روس اضافه عایدات گمرکات شمال را تا ۱۴ ژویت گذشته که ۴۰،۰۰۰ لیرا می‌شود، برای استرداد مساعدهٔ اولی که در ماه مارس گذشته مساعده داد، برداشت. بنابراین قرض دولت ایران به روس، از بابت مساعده‌های امساله قریب ۸۵،۰۰۰ لیرا است.

صورتی‌که جوف مراسلهٔ ۳۱ اوت خود فرستادم، تمام عایدات را به غیر از مالیات که خزانه‌داری کل آن را برای تأمین قروض نگاه خواهد داشت، نشان می‌دهد. ممکن نیست که از بابت فقرات وجوهاتی‌که در آن صورت مذکور است، بطور تحقیق چیزی فهمید.

نمره ـ ۴۳۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۲۵ نوامبر ۱۹۱۲ [۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

اطمینان دارم که وزارت خارجه بخوبی این مطلب را درك می‌کنند که برای کسی ممکن نیست ادارهٔ حکومتی را بگرداند مگر آنکه فوراً به او پول برسد که به مصارف لازمه رسانیده و حکومت مستحکمی برقرار داشته و اعادهٔ انتظامات در ایالتی بنماید. اینها مقدمات لازمهٔ قرضهٔ بزرگتری خواهد بود.

ما برای تعیین کسی به مقام ریاست‌وزراء اصرار نتوانیم نمود مگر آنکه اطمینان داده شود که وجوهات لازمه در تحت شرایط و تأمینات صحیحه داده خواهد شد و من

بسیار می‌ترسم که اگر بگذاریم اوضاع الم‌انگیز حالیه دوام کند، بر هـرج و مرج عمومی ایران افزوده خواهد شد. من صمیمانه اعتماد دارم که دولت روس به طریقی که از طرف دولت انگلیس پیشنهاد شده، راهی برای رفع اشکالات موقع حالیه پیدا خواهند کرد.

نمره ـ ۴۳۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۵ نوامبر ۱۹۱۲ [۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ نوامبر شما:

گفتگو در این است که آیا به چه وسیله می‌توان وجه مکفی تهیه نمود که دولت ایران را قادر به اداره کردن امور مملکتی بنماید و به چه وسیله وجوهاتی که دولتین انگلیس و روس مساعده داده‌اند مسترد خواهد گردید.

هر قسم اقدامی که برای نیل به این مقصود بشود، از زمان اصلاح چرخهای امور مملکتی تا وقتی که عایدات به خزانهٔ ایران‌وارد شود، مدتی خواهد گذشت.

در این مدت برای استقرار انتظامات، پول لازم خواهد بود و تا آن وقت ممکن‌نیست قرضه‌ای داد.

اینطور پیشنهاد شده است که دولتین انگلیس و روس مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ لیرا به تأمین جواهرات دولتی مساعده بدهند تا آنکه در مدت مذکور امور اداره شود.

شما باید در این باب با مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] مذاکره نموده و راپورت دهید که آیا هنوز به همان عقیده باقی هستید که پول کافی نیست؟

نمره ـ ۴۳۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۶ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

کلنل دوگلاس به تاریخ ۲۵ نوامبر از شیراز تلگراف ذیل را مخابره نموده است:

در ضمن ملاقاتی که دیروز از ایالت کردم، او به من اظهار داشت که تا پول نرسد نمی‌تواند مالیاتهای عقب‌افتاده را وصول کند و نه هم می‌تواند مقاصد خود را برای اعادهٔ انتظامات به عمل آورد. فقط جوابی که از برای دولت ایران برای او رسیده است، این است که مسیو استاس به ورود خود به شیراز، در این مسأله تحقیقات خواهد نمود.

رؤسای ایلات از ضعف مالی ایالت واقف می‌باشند و همین مسأله مانع از مذاکره و قرارداد با آنها می‌باشد.

ایالت از من خواهش نمود که این مسأله را به اطلاع شما برسانم و گفت‌که هیچ‌کس در اینجا از حرکت مسیو استاس خبری ندارد.

نمره ـ ۴۳۳

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۶ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

وزیر امور خارجه دیروز یادداشتی به من داد مشعر بر اینکه دولت روس با نظریات مندرجه در تلگراف ۲۰ نوامبر شما در باب پرداخت مساعده به دولت ایران نمی‌توانند موافقت نمایند و به تصور دولت روس، مقصود اول این است که در ایران حکومتی تأسیس شود که قادر بر اداره کردن امـور مملکت باشد بطوریکه دولتین روس و انگلیس بدون خوف یأس بتوانند بر آن اعتماد نمایند.

این مسأله واضح است که هیچ قسم حکومتی بدون پول نمی‌تواند در ایران کاری از پیش ببرد بلکه ابتدائاً باید حکومتی تشکیل شود و چنین حکومتی هم پول لازم دارد. مسألهٔ مساعده باید پس از تشکیل کابینهٔ جدیدی در طهران مطرح مذاکره شود و دولت روس نظریات خود را در باب آن مسأله بعد به من اظهار خواهند داشت.

دولت روس پیشنهاد می‌کند که بدون تأخیر به وزرای مختار انگلیس و روس مقیم پاریس تعلیم داده شود که از نایب‌السلطنه استدعا کنند کـه سعدالدوله را مأمور تشکیل کابینه نمایند. اگر شما قبول می‌کنید که به این طور به سر برتی تعلیم بدهید، تعلیمات مشابه به مسیو الیولسکی داده خواهد شد.

دولت روس خاتمتاً اظهار امیدواری نمودند که در این باب تأخیر نخواهد شد و فوراً با نایب‌السلطنه در این باب مذاکره خواهد شد.

من جناب معظم را متنبه نمودم که شما فقط به این شرط وعده داده بودید در باب تعیین سعدالدوله با نایب‌السلطنه مذاکره نمایید که دولت روس طرفـدار نظریات مندرجه در تلگراف فوق‌الذکر شما باشند.

جناب معظم در جواب اظهار داشت که همینکه دولت ایران امتیاز احداث خط‌آهن جلفا را دادند، او مسألهٔ مساعده را با وزیر مالیه ترتیب خواهد داد. همینکه سؤال نمودم آیا دولت روس با ما شرکت در تعهد پرداخت قرضهٔ ۱،۰۰۰،۰۰۰ لیرا خواهند نمود یا نه؟ جناب معظم اظهار داشت که این مبلغ خیلی زیاد است و گذشته از آن، دولت ایران نمی‌خواهند جواهرات دولتی را محل تأمین قرضه قرار دهند فقط کاری که دولت روس می‌تواند بکند این است که راضی به پرداخت مساعده شود که به‌وسیلهٔ آن دولت ایران بتواند تا مدتی امور خود را اداره کند.

جناب معظم این مطلب را می‌توانست به من اظهار کند که نمایندهٔ روسی کمیته دتود۱ نقشه برای تأدیهٔ قرضهٔ بزرگی که می‌خواهد با وزیر مالیه که پس از یکماه دیگر به سنت پطرزبورغ می‌آید مذاکره نماید، طرح نموده است.

---

۱) Comité d'Etude [= دفتر مطالعاتی؟] ـ م.

نمره ـ ۴۳۴

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۲۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۶ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۹ نوامبر من:

وزیر امور خارجه به من نوشته است که مسیو پرسیانی، مأموری که از طرف وزارت خارجه به ادسا فرستاده شد، اطمینانات از شاه مخلوع بدست آورده است که رفع تشویش خیال را می‌کند. شاه مخلوع به ایران وعده می‌دهد که دیگر به ایران مراجعت نخواهد کرد مگر آنکه تمام اهالی او را بخواهند و دولتین انگلیس و روس رضایت داشته باشند. ثانیاً آنکه بدون رضایت دولت روس در اروپای غربی مسافرت نخواهد کرد. شاه مخلوع امیدوار است که به او اجازه داده خواهد شد هر زمان که دولت روس مناسب بدانند ـ مثلا بهار آینده ـ به خارجه برای معالجه برود.

نمره ـ ۴۳۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۶ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۴ نوامبر شما:

۱۵،۰۰۰ لیرا توسط بانك شاهنشاهی به حساب شما منتقل شده است.

طریقهٔ پرداخت و نظارت مصارف آن از طرف قنسول اعلیحضرتی و منافع و تأمین و استرداد آن به موجب تعلیمات سابقه است.

نمره ـ ۴۳۶

مکتوب وزارت خارجه به ادارهٔ هند

وزارت خارجه ۲۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۶ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه، تعلیم دارم وصول مراسلهٔ ۲۱ شهر جاری شما را در باب مساعدهٔ ۱۵،۰۰۰ لیرا به دولت ایران بـرای مصارف ایالت شیراز، اطلاع بدهم و شما را مستحضر بدارم که امروز نصف این مبلغ به موجب حواله‌ای که به خزانه‌دار اعلیحضرتی شده، توسط بانك شاهنشاهی ایران به حساب سفارت اعلیحضرتی منتقل شده است.

در باب قسمت آخر مراسلهٔ شما تعلیم دارم که توجه شما را به سواد مراسلهٔ ۲۶ اکتبر بر جوف جلب نمایم که در آن شرایطی که در مقابل آن مساعدهٔ ۱۵،۰۰۰ لیرا روز ۲۴ اکتوبر به دولت ایـران داده شد، نوشته شده است و نیز تعلیم دارم سواد تلگرافی را که امروز در باب شرایط پرداخت ۱۵،۰۰۰ لیرا به سر والتر تنلی مخابره شده است، ایفاد دارم.

سواد تلگراف ۲۴ شهر جاری سر والتر تنلی که در آن دلایل پرداخت فوری وجه

مذکور نوشته شده است، سابقاً برای شما ارسال شد.
(امضاء) لوئیس ملت

نمره ـ ۴۳۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۲۶ نوامبر من:
کلنل یالمارسن به من اطلاع داده است که از صاحب‌منصب فرماندهٔ ژاندارمری در شیراز راپورتی رسیده است که چون مخبرالسلطنه قلعه‌هایی‌را که وعده داده بود در شمال شیراز بسازد نساخته است، صاحب‌منصب ژاندارمری مجبور شده است پستهای ژاندارمری را که تازگی در آن نقطه تأسیس نموده، موقوف بدارد.
من از این کار تعجبی ندارم چرا که این اقدام به نظر من زود و بی‌موقع می‌آمد. لیکن این کار اسباب زحمت ایالت و ژاندارمری خواهد شد. مخبرالسلطنه اخطاری به من نموده است که اگر مبلغ ۲۰،۰۰۰ تومان فوراً برای او نرسد، مجبور است استعفاء کند. من از مسیو مرنارد درخواست می‌کنم که کوشش نموده و این وجه را به ایالت برساند.

نمره ـ ۴۳۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۲۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف امروز شما:
شما می‌توانید رفع اشکالات حالیه را به وسیلهٔ پولی که به حساب شما منتقل شده، بنمایید (رجوع به تلگراف دیروز من‌کنید)

نمره ـ ۴۳۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۸ نوامبر ۱۹۱۲ [۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۸ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۲۱ نوامبر من:
از قرار معلوم سعدالدوله بکلی نتوانسته است کابینه تشکیل‌دهد. اثرات غیرمعلومی پیش آمد. امورات حکومتی الم‌انگیز است و اگر اوضاع حالیه بیش از این به طول انجامد، در حقیقت اوضاع ایالات و ولایات سخت خواهد شد.
چون تصمیمی تاکنون نشده، این مسأله اسباب تشویش صدراعظم حالیه شده و سعی می‌کند در عوض اعضای غیرمطلوب حالیهٔ کابینه، اشخاص بهتر از قبیل عین‌الدوله و غیره منصوب شوند.
تصور می‌کنم برای مصالح نظم و امنیت، ما حالا باید اقدام قطعی در ایـن باب

بنماییم.
واضح است که ممکن نیست بدون[1] اقدام خلاف قوانین مشروطیت کـه منجر به اغتشاشات گردد، بتوان عمل تعیین سعدالدوله را بـه انجام رسانید و من نمی‌توانم مسؤولیت به عهده گرفته و توصیهٔ تقویت تعیین او را از طرف دولت اعلیحضرتی بنمایم.

نمره ـ ۴۴۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۲۸ نوامبر ۱۹۱۲ [۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۸ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]
برای دولت اعلیحضرتی امکان ندارد که بطور غیرمحدود، اتصالا پول به دولت‌ایران بدهند. وقتی که پولی که به حساب شما منتقل شده، به‌اتمام رسید، بسیار خوب خواهد بود که شما ترتیبی بدهید که مبلغ ۳۰،۰۰۰ تومان چنانچه در تلگراف ۲۴ نوامبر خود پیشنهاد کرده‌اید، به ایالت داده شود.

نمره ـ ۴۴۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۷ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]
تلگراف ذیل از طرف نمایندهٔ انگلیس مقیم بوشهر مخابره شده است:
روز ۲۲ نوامبر بـه قافله‌ای کـه از بوشهر می‌آمـد، بین میان‌کتل و دشت ارجن [=ارژن] حمله شد. یکی از تفنگچیان محلی به قرار راپورت واصله مقتول گردیده، هفت بـار مال‌التجاره متعلق به کمپانی ساسون غـارت شد. تصور می‌شود سارقین از سرخه‌ای‌ها بوده‌اند.

نمره ـ ۴۴۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۲۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۷ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۲۸ نوامبر شما:
چون دولت اعلیحضرتی را عقیده بر این است که تأسیس حکومت محکمی در تحت ریاست سعدالدوله بیشتر محتمل است تا آنکه کسی دیگر به مقام ریاست وزراء منصوب شود، با کاندیدا بودن او برای این مقام همراهی می‌کنند. اگر کابینه به ریاست او تشکیل شود، مساعدهٔ مکفی می‌توان داد تـا آنکه از طرف سرمایه‌داران قـرضه داده شود و اینطور تصور نمودیم که اگر وعدهٔ کمك مالی ندهیم، حق نخواهیم داشت از نایب‌السلطنه درخواست نماییم سعدالدوله را تعیین نماید.

---

۱) اصل: بدون اینکه ... ـ م.

تلگرافات سر جارج بیوکانان کـه عین آنها برای شما مخابره شده، البته بـه شما واضح نموده است که این طریقه را دولت روس تصویب نخواهند نمود و فقط وعـدهٔ کمك مالی، اقدام دیگری را در این باب از طرف ما ممتنع می‌دارد.

به‌علاوه، از مطالبی که شما می‌گویید، ما را یقین حاصل‌است‌که برای‌آنکه ایرانیان سعدالدوله را قبول نمایند، اعمال قوه لازم است و دولت اعلیحضرتی به این امر به هیچ وجه من‌الوجوه رضا نتوانند داد.

بنابراین کار دیگری نمی‌توان کرد مگر آنکه سعی کـرده و کوشش نماییم که به وسایلی دیگر، هرقدر زودتر حکومت لایق کافی تشکیل دهیم و شما باید به اتفاق همکار روسی خود در این باب اقدام بنمایید.

اگر یك حکومت مقتدر کافی زمام امور را به دست گیرد، من مجدداً با دولت روس در باب پرداخت مساعده به شرایط مناسبی مذاکره خواهیم نمود.

نمره ـ ۴۴۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۲۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۷ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

لطف نموده مسیو سازانف را از مطالب تلگرافی که امروز به طهران مخابره نمودم، اطلاع دهید.

نمره ـ ۴۴۴

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۳۰ نوامبر ۱۹۱۲ [۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۹ نوامبر شما به طهران:

وزیر امور خارجه از من استدعا نمود شما را اطمینان بدهم که دولت روس قصد ندارد سعدالدوله را جبراً به ایرانی‌ها بقبولانند و او موافقت داشت با این مسأله که هر دو سفراء باید در این باب مشورت نموده و از یکدیگر خبردار باشند.

وزیر خارجه از من استدعا نمود به شما اطلاع دهم که تا نمایندهٔ اولی کمیته دتود وارد نشود، هیچ کاری نمی‌تواند بکند و اگر امتیاز احداث خط آهن جلفا داده شود او ترتیب مساعدهٔ کوچکی را خواهد داد.

در باب اوضاع جنوب ایران جناب معظم اظهار داشت که در عایدات گمرکی دوازده ماههٔ آنجا از قرار محاسبات رسمی ۱۰۰،۰۰۰ تومان افزوده شده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۴۴۵

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ غرهٔ دسامبر ۱۹۱۲ [۹ آذر ۱۲۹۱: ۲۱ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگرافات ۱۳ و ۲۰ نوامبر شما:

یادداشتی که از طرف دولت روس رسیده مشعر است به اینکه دولت روس با نظریات دولت اعلیحضرتی کمال موافقت را دارند که تعیین شخص باجدیت فعالی به‌ریاست کابینهٔ مملکت بدون رسانیدن پول برای اصلاحات لازمه، مکفی نخواهد بود. دولت روس تصور می‌کنند که لازم است با دولت ایران برای تحصیل قرضهٔ پنج یا شش میلیون لیرا همراهی شود. مساعده‌ای به مبلغی که دولت اعلیحضرتی پیشنهاد کرده‌اند، فقط اسباب تأخیر اتمام عمل قرضهٔ بزرگی خواهد شد و دولت روس بعلاوه نمی‌توانند مبلغ زیادی را که پیشنهاد شده است، به دولت ایران مساعده بدهند.

دولت روس تصور می‌کند که فقط راهی که برای رفع احتیاجات ایران باز است، این است که حتی‌المقدور عمل راه‌آهن سرتاسر ایران بین دولت مشارالیها و سوسیته دتود به اتمام برسد. چنانچه بر دولت روس معلوم شده است، سوسیتهٔ مذکور چند نفر نماینده انتخاب نموده که به همین زودیها به طهران رفته و به همراهی سفارتین با دولت ایران برای تحصیل امتیاز احداث خط‌آهن مذکور و تحصیل اجازهٔ شروع به اقدامات مقدماتی که در عوض آن قرضهٔ بزرگی به ایران داده شود، مذاکره نمایند.

امید است که این نمایندگان از وثیقه‌هایی که دولت ایران می‌دهند راضی خواهند شد و برای آنها لازم نخواهد شد که از دولتین روس و انگلیس تقاضای وثیقهٔ دیگری بنمایند. یحتمل آنوقت سرمایه‌داران تعهد تأدیهٔ قرضه‌ای نموده و فوراً مبلغی به‌دولت ایران مساعده بدهند. دولت روس بنابراین تصور می‌کنند که خوب است به سر برتی و وزیرمختار روس مقیم پاریس فوراً تعلیم داده شود که با مدیران سوسیتهٔ مذکور مذاکره بنمایند برای اینکه حرکت نمایندگان خود را به طهران هرقدر زودتر که ممکن است تسریع نمایند و دولت روس حاضر است که همینکه امتیاز احداث خط‌آهن جلفا اعطاء گردد، مساعده به دولت ایران بدهد که دولت مشارالیها بتواند تا وقتی‌که ترتیبی با سوسیتهٔ مذکور داده شود، امور خود را اداره نماید و بالاخره دولت روس امیدوار است که چنانچه در فوق ذکر شده، به سر برتی تعلیم داده شود.

نمره ـ ۴۴۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۲ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

سعدالدوله امروز از من ملاقات نموده اظهار داشت که از سنت پطرزبورغ برایش خبر رسیده است که از لندن راپورت داده شده‌است که او با من در باب محمدعلی‌میرزا بطوری حرف زده که از آن مفهوم شده است او برای رجعت و اعادهٔ محمدعلی‌میرزا کار می‌کرده است. سعدالدوله از من درخواست نمود این خبر را تصحیح نمایم. من

اظهار داشتم که با میل تمام این کار را خواهم کـرد به همین دلیل بسیار خـوب که هیچ یك از ما، در ضمن صحبت اسمی از محمدعلی‌میرزا نبردیم و بعلاوه به او اظهار داشتم که گمان نمی‌کنم این خبر از منبع رسمی به مخبر او رسیده باشد.

سعدالدوله از آنتریگهایی که برضد او شده و می‌شود، شکایت زیاد نمود.

نمره ـ ۴۴۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۲ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۹ نوامبر شما:

وزیر امور خارجه امروز از سفیر روس و من ملاقات نمود و به ما پیشنهاد کرد که خیلی مطلوب است به حکومت حاضره یا تقویت بشود و یا آنکه تغییر یابد. لیکن در این مسأله تأکید داشت که سعدالدوله را هیچ‌کس قبول نمی‌کند. وزیـر خارجه تصور می‌کرد شاید ممکن باشد او را جزو کابینه کرد. حضرت معظم مرا اطمینان داد که احساسات او شخصاً برضد سعدالدوله نمی‌باشد و از گفتن اینکه سعدالدوله را کسی قبول نمی‌کند، او فقط نظریات افکار عامه را اظهار داشته است. حضرت معظم اظهار داشت که اگر لازم باشد، تا یك روز دیگر می‌توان به جلب همراهی تمام‌اشخاص خوب مملکت موفق گردید و اظهار داشت که کابینه مصمم شده است حتی‌المقدور در مقابل تعیین سعدالدوله مقاومت نماید تا آنکه مجلس افتتاح بشود و آن وقت، هیأت وزراء استعفای خود را تقدیم بدارند.

چون به همکار روسی من تعلیم نرسیده بود که رویهٔ خود را تغییر دهد، من فقط به وزیر امور خارجه اطلاع دادم که دولت اعلیحضرتی اوضاع حاضره را تحت ملاحظه آورده‌اند و قصد ندارند مردم را مجبور به قبول او بنمایند.

نمره ـ ۴۴۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۲ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۷ نوامبر شما:

من به وزیر امور خارجه اطلاع داده‌ام که دولت اعلیحضرتی به من تعلیم داده‌اند که مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرای دیگر برای احتیاجات مالی فارس به دولت ایران مساعده بدهم و من به خزانه‌داری کل قرار داده‌ام که حساب علیحده در بانك برای این پول نگاه داشته شود و فقط برای مصارفی داده شود که ایالت و قنسول انگلیس و وکیل مالیهٔ خزانه‌داری از بابت مصرف آن اتفاق آراء حاصل کرده باشند و پس از آنکه خزانه‌داری کل و من آن را تصویب کرده باشیم.

وزیر امور خارجه از این حسن‌نیت دولت اعلیحضرتی نیز تشکر کرده و گفت یقین است که مخبرالسلطنه به وسیلهٔ این کمك مالی بموقع می‌تواند در کار خود موفقیت

حاصل نماید. جناب معظم این ترتیبات را قبول نموده و گفت بر وی معلوم است که مساعی بکار برده خواهد شد که اسباب رنجش و کدورت دولت ایران فراهم نیاید.

نمره ـ ۴۴۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۲ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳۰ نوامبر شما:

امروز در ضمن صحبت با کنت بنکندورف، من اظهار داشتم که اعتراضی بر تعیین سعدالدوله به مقام ریاست وزراء ندارم لیکن حاضر نیستم برای تعیین او اعمال قوه نمایم و چنانچه به من اطلاع رسیده است، برای تعیین و ابقای او اعمال قوه لازم می‌آید. و اظهار داشتم به نظر من بهترین طریقه آن است که به دو سفیر مقیم طهران تعلیم داده شود که تحقیق کنند چه قسم کابینه‌ای بیشتر طرف قبول ایرانیان می‌باشد و نظریات خود را تلگراف کنند.

نمره ـ ۴۵۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۱ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راه‌آهن از محمره الی خرم‌آباد

وزیر امور خارجه در ضمن صحبت دیروز به من اطمینان داد که امتیاز خط‌آهن‌فوق در حقیقت داده شده است. تمام وزراء قرار داده‌اند که دو امتیاز خط‌آهن بدهند و چیزی که فقط لازم است تصمیم قطعی ایشان است و آنهم در ظرف چندروزی به اتمام خواهد رسید.

من در جواب گفتم که اگر اطمینان کتبی از بابت اعطای امتیازات مذکور داده شود، دولت اعلیحضرتی بسیار خوشوقت خواهند گردید و اگر امتیازات بطور قطع داده‌شود، جزئیات آن را می‌توان ترتیب داد.

نمره ـ ۴۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۱ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دوم دسامبر شما و تلگراف ۲۸ نوامبر من:

امیدوارم بتوانید ترتیبی بدهید که ماهیانه مطمئناً اقلا مبلغ ۶،۰۰۰ لیرا به ایالت داده شود، بطوری‌که دیگر محتاج به وصول پول بدفعات از دولت اعلیحضرتی نباشد. نظر به اینکه امنیت حاصل نمودن جنوب برای ما و دولت ایران اهمیت دارد، این مسأله‌ای است که می‌خواهیم شما برای آن تأکید نمایید.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۴۵۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۱ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف ۲ دسامبر سر والتر تنلی که عین آن برای شما مخابره شده بنمایید:

البته نایب‌السلطنه از تعیین سعدالدوله امتناع خواهد نمود به علت اینکه چون او قبول عامه ندارد، ممکن است اغتشاشی به ظهور رسد. در جواب این مسأله ما چیزی نداریم بگوییم چرا که اطلاعات واصله از طهران این امر را تصدیق می‌کند. اگر سعدالدوله تعیین گردد، ظاهراً لازم خواهد بود کـه مقابل احساسات ایرانیها از او همراهی بشود. یقین دارم وزیر امور خارجهٔ روس میل ندارد چنین اوضاعی پیش‌آید. من پیشنهاد می‌کنم که از سفرای انگلیس و روس مقیم طهران استفسار شود که آیا عقاید و نظریات آنها در خصوص تأسیس حکومت مقتدرتری در طهران چه می‌باشد و چه نصیحتی در این باب می‌توانند بکنند. چنان به نظر می‌آید که تشکیل کابینه‌ای که سعدالدوله هم جزو [آن] باشد ولی نه به مقام ریاست‌وزراء، حل اشکال را خواهد نمـود.

نمره ـ ۴۵۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۱ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع [به تلگراف] غرهٔ دسامبر شما:

دولتین اتفاق آراء حاصل نموده‌اند که آخرالامر قرضهٔ پنج یا شش میلیون برای دولت ایران لازم خواهد بود که بتواند امور خود را بطور صحیح اداره کرده قروض موجودهٔ خود را مسترد بدارد. لیکن چون سرمایه‌داران اینجا نمی‌توانند قرضه بدهند تا آنکه اقدامات برای حصول انتظامات و وصول عایدات به عمل آید، دولتین انگلیس و روس باید مقدمتاً وجهی بطور مساعده به دولت مشارالیها بدهند و تـا زمانی‌که دولتین اساساً در این امر متفق می‌باشند که اولین مقصود که باید بـدان نائل شد، همراهی با دولت ایران است که بتواند امور را طوری اداره بنماید که ترتیب مساعدی برای تأمین قرضهٔ بزرگتری بدهد، من نمی‌خواهم که زیاده بر آنچه لازم است مساعده داده شود و راضی می‌شوم که هریك از دولتین مبلغ ۲۵۰،۰۰۰ لیرا مساعده بدهند و این وجه هم پس از اعطای امتیازات هر دو خط آهن به اقساط و در موقع لزوم داده شود.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۴۵۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۲ آذر ۱۲۹۱: ۲۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز شما ـ کمك مالی به ایالت فارس ـ اگر پولی که برای فارس تخصیص می‌شود، به وسیلهٔ آن مخبرالسلطنه می‌تواند در عرض سه چهار ماه دیگر در اوضاع آنجا بهبودی دهد، گمان می‌کنم ممکن باشد با بانك ترتیبی داد که منظماً وجه به او داده شود.

نمره ـ ۴۵۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۲ آذر ۱۲۹۱: ۲۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

به واسطهٔ هجوم ترکمنها ایاب و ذهاب در راه از طهران الی مشهد مقطوع شده‌است.

مرتین [= مارتین؟] یکی‌از مفتشین ادارهٔ تلگراف هند و اروپا، دیروز نزدیك میامه دستگیر و به او بدسلوکی نمودند. یکی از غلامهای ایرانی که همراه او بود، و درشکه‌چی او مقتول گردیدند. او دیروز ساعت ۶ بعد از ظهر به میامه رسید. نلسن از اجزاء بانك شاهنشاهی، با اهل خانهٔ او که به طرف مشهد می‌رفتند، از شاهرود نمی‌توانند جلوتر بروند. مأمورین محلی می‌گویند نمی‌توانند اقدام مساعدی بنمایند.

من در این باب به دولت ایران اظهار می‌کنم چون دولت نمی‌توانند مساعدت بقاعده بکنند. من به رئیس بانك تعلیم می‌دهم که به نلسن بگوید به اینجا مراجعت نموده و از راه رشت و خط‌آهن ما وراء بحر خزر، به مشهد برود.

نمره ـ ۴۵۶

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۲ آذر ۱۲۹۱: ۲۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲ و ۳ دسامبر شما:

وزیر امور خارجه اظهار داشت نمی‌خواهد سعدالدوله را جبراً به مقام ریاست‌وزراء تعیین نماید و جناب معظم به سفیر روس تعلیم خواهد داد که با سر والتر تنلی در خصوص بهترین طریقه‌ای که اتخاذ شود مشورت نماید. به تصور او ممکن‌است بتوان ترتیبی داد که سعدالدوله به مقام وزارت داخله منصوب گردد. او فقط شخص کافی لایقی است که بتواند نفوذ خود را محسوس بدارد و اغتشاشات حالیه را مبدل به نظم و امنیت نماید.

دولت روس قبل از حرکت سعدالدوله از سویس، او را متنبه نموده بودند که نباید تصور کند مراجعت او به ایران برای تأمین رجعت‌دادن شاه مخلوع است، و جناب معظم اظهار داشت که از تعیین سعدالدوله به مقام ریاست وزراء به هیچ وجه خطر رجعت شاه مخلوع متصور نمی‌باشد و در صورتی که شخص مقتدری مثل او داخل کار

باشد، شاید برای دولت روس امکان متدرجاً داشته باشد که قشون خود را عودت دهند. لکن تا زمانی‌که اوضاع حاضره دوام داشته باشد، اشغال شمال از طرف روس تا زمان غیرمحدودی به‌طول خواهد انجامید و اگر قشون روس در آن نقطه حضور نداشت، تجارت امکان نمی‌داشت.

نمره ـ ۴۵۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۴ دسامبر سر جارج بیوکانان به نظر می‌رسد که تعیین سعدالدوله برای عضویت در کابینه ولی نه به مقام ریاست‌وزراء بهترین طریق برای حل مشکل خواهد بود.

شما باید در باب وزارت داخلهٔ سعدالدوله با همکار روسی خود مشورت نمایید و ببینید آیا وسیلهٔ دیگری برای تقویت حکومت موجود می‌شود؟

نمره ـ ۴۵۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۴ دسامبر شما:

شما باید برای رویه‌ای که وزیر امور خارجه اتخاذ نموده از طرف من اظهار تشکر و قدردانی بنمایید شاید او تعلیمات شبیه به تعلیماتی که من امروز برای سر والتر تنلی می‌فرستم برای سفیر روس خواهد فرستاد. آیا وزیر امور خارجه مایل است که به نمایندهٔ دولت روس اجازه دهد که امیدواری بدهد که در صورتی که به عضویت سعدالدوله در کابینه حکومت بهتری تأسیس شود، عساکر روس متدرجاً عودت داده خواهند شد؟

نمره ـ ۴۵۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

وزیر امور خارجه دیروز مرا اطلاع داد که کابینه قبول نموده است که امتیازات خطوط آهن را بدهند. جناب معظم مرا اطلاع داد که اگر دولتین رضا به تجدید کابینه حالا بدهند، او مرا می‌تواند اطمینان بدهد که تمام امتیازاتی که تقاضا شده، داده خواهد شد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۴۶۰

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۶ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۵ دسامبر شما:

وزیر امور خارجه تعلیمات شبیه به تعلیماتی که شما به موجب تلگراف نمرهٔ ۷۰۹ پنجم دسامبر برای سر والتر تنلی فرستاده‌اید، برای سفیر روس مقیم طهران خواهد فرستاد و او نیز سفیر روس را اجازه خواهد داد که به دولت ایران اطلاع دهد همینکه حکومت مقتدری برقرار گردید و انتظامات شمال اعاده شد، دولت روس شروع به عودت عساکر خود خواهند کرد.

جناب معظم اظهار داشت که علت اینکه ارائهٔ طریق برای تعیین سعدالدوله به‌مقام ریاست وزراء نموده، این است که به عقیدهٔ او سعدالدوله بهترین شخصی است که لیاقت این کار را داشته باشد. لیکن چندان میل به‌این‌کار نخواهدداشت و اگر ایرانیان او را نخواهند، هر کسی را که حقیقتاً مناسب این مقام بدانند، او قبول خواهد کرد.

نمره ـ ۴۶۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۶ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۵ دسامبر شما:

شما باید از طرف دولت اعلیحضرتی برای اظهاری که وزیر امور خارجه به شما کرد، تشکر نمایید و اظهار امیدواری بنمایید که کابینهٔ کافی لایقی تشکیل خواهدشد.

نمره ـ ۴۶۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۳۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

پس از مشورت با خزانه‌داری کل و موافقت وزیر امور خارجه، من دیروز به رئیس بانك شاهنشاهی تعلیم دادم که ۱۵،۰۰۰ لیرائی را که در تلگراف ۲۶ نوامبر خود رجوع به‌آن کرده بودید، به حساب قران، تحت عنوان خزانه‌داری کل در دفتر خود منتقل نماید.

خزانه‌داری کل در صورتی می‌تواند از بابت این وجه حواله بدهد که من تصویب نموده باشم و همینکه از طرف ایالت به مشورت با قنسول انگلیس مقیم شیراز و وکیل مالیه، لزوم وجه برای مصارف ایالتی معین گردید[1] از این پول می‌تواند دریافت نماید.

قنسول انگلیس مقیم شیراز مرا اطلاع می‌دهد که ایالت این طریقهٔ نظارت را قبول نموده است.

---

۱) اصل: کرده‌اید. ـ م.

نمره ـ ۴۶۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۹ آذر ۱۲۹۱؛ یکم محرم ۱۳۳۱]

وصول تلگراف ذیل از شیراز بسیار اسباب تأسف[1] گردیده است:

دستهٔ بزرگی از ایلیاتیها که تخمیناً عدهٔ آنها از ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر بود، به‌دستهٔ ۶۲ نفر از سوارهای هند مرکزی که به اتفاق ماژور کتل‌ول و کاپیتان اکفورد به قصد شکار به طرف دشت ارجن [=ارژن] می‌رفتند، صبح ۱۱ دسامبر بین خان‌زنیان و دشت ارجن، قریب ۳۰ میلی شیراز حمله نمودند. با کمال تأسف راپورت می‌دهم که کاپیتان اکفورد مقتول شد و یکی از سواره‌ها کمی مجروح گردیده، نـه رأس قاطر متعلق به رژیمان برده شد و تمام قافلهٔ مال‌التجاره که حرکت کرده بود به غارت رفت. این هیأت با رضایت ایالت حرکت کرده بودند و در حدود نقاطی بودند که ژاندارمری محافظت می‌کـرد. ماژور کتل‌ول و دستهٔ او فعلا در خان‌زنیان هستند و بـه واسطهٔ ترتیباتی‌که کلنل دوگلاس داده است، فردا مراجعت خواهند کرد.

هنوز معلوم نشده است که سارقین از چه محل بوده‌اند لیکن بعد جزئیات واقعه را تلگرافاً [=تلگرافی] خبر خواهم داد.

من اخبار این حادثهٔ فجیعه را به وزیر امور خارجه داده‌ام. او از من استدعا نمود که اظهار تأسف فوق‌العاده نمایم. جناب معظم از این می‌ترسید که مبادا این خبر اثرات بدی در لندن داشته باشد مخصوصاً در موقعی که قتل مأمور گمرك بلجیکی در سرحد خاك ایران و عثمانی به وقوع رسیده است. جناب معظم اظهار داشت که باز هم به دوستی ثابت و تحمل دولت اعلیحضرتی اعتماد کامل دارم.

نمره ـ ۴۶۴

یادداشت مستر شیپلی در باب وقایع تبریز، در عرض ماه دسامبر ۱۹۱۱ و ژانویـهٔ ۱۹۱۲ حسب‌المراجعه بـه کتابچه‌ای کـه پروفسور بـردن [=براون؟] تألیف نموده و در ماه آکتوبر ۱۹۱۲ به طبع رسانیده‌است

در صفحهٔ پنجم این کتابچه، در باب اقداماتی که شجاع‌الدوله از ماه اوت به بعد برای استیلای به تبریز نمود، مسطور است که عساکر روس که دور تبریـز بودند، ظاهراً اظهار بی‌طرفی می‌نمودند.

این مطلب تفصیل صحیح اقدامات روسها را نمی‌رساند. حقایق واقعات به‌قراری است که ذیلا نگاشته می‌شود.

همینکه شجاع‌الدوله در ماه اوت به نزدیك تبریز رسید، روسها اعلان نمودند که تا زمانی‌که عساکر آنها به حال بی‌طرفی باقی است، چون خود را مسؤول امنیت عمومی شهر می‌دانند، نمی‌گذارند در شهر تبریز جنگی روی دهد. ما به مقاصدی که روسها

---

۱) اصل: تعصب. ـ م.

از بابت شجاع‌الدوله در نظر داشته[اند] کار نداریم ـ می‌توانیم بگوییم که همین اعلان از طرف روسها، به عقیدهٔ من، یکی از علل و اسباب عمده بود که شجاع‌الدوله را در مدت قریب چهار ماهی که تبریز را محاصره کرده بود، از ورود به شهر به‌قوهٔ قهریه مانع آمد.

نه من تنها، بلکه سایرین هم، علت ابقای شهر را به دست اهالی، حمل به بی‌طرفی روسها می‌نمایند.

با وجود چهار پنج ماهی که مشروطیین فرصت داشته[اند] که در مقابل شاه مخلوع مقاصد مشروطیت را پیشرفت بدهند، در این مدت از طهران قشونی فرستاده نشد که گشایشی در اوضاع تبریز بدهند و از طرف حکومت مرکزی اقدامی برای عقب‌نشاندن شجاع‌الدوله به عمل نیامد. در این صورت عدم اقدامات دولت ایران را نمی‌توان به علت موانعی از طرف روسها دانست.

در صفحهٔ پنجم کتابچهٔ مذکور اظهار دیگری شده است که روسها مصمم بـه خلع اسلحه نمودن فدائیان شده‌اند و اینها آن کار را پس از آنکه به واسطهٔ سوء ادارهٔ امور فدائیان در مقام مدافعه برآمده بودند، به انجام رسانیده بودند.

آنچه در این باب می‌توان گفت، این است که اگر هم روسها در نظر داشته[اند] چنین اقدامی بنمایند، قبل از اینکه جنگ واقع شود، آنها فـدائیان را خلع اسلحه ننمودند، اگرچه فدائیان خود می‌دانستند که دیر یا زود چنین‌اقدامی بایـد بشود. به علاوه، اگرچه به‌واسطهٔ حوادثی که متعاقب حوادث سابقه به وقوع پیوست، ممکن نشد تحقیقات رسمی به‌عمل آید، از اطلاعات غیرمستقیمی که به من رسید، دیگر جای‌شبهه و تردید برای من نماند که اول گلوله‌ای که فردای روز نزاع بین پلیس و مستحفظین سیار ـ که روز بیستم دسامبر [۲۷ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۸ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹] باشد ـ انداخته شد، از طرف فدائیان بود و روسها در تمام نقاط به حالت دفاع بودند.

نزاع بین پلیس و مستحفظین سیار که در فوق ذکر شد، بطور تحقیق منشأ جنگ بعد بود. این حادثه که مسؤولیت آن را نمی‌توان به که نسبت داد، بی‌مقدمه بود[1] و غفلتاً به‌وقوع پیوست بطوری که دیگر هیچ‌قسم تحقیق یا مداخله‌ای امکان‌نداشت.

می‌توان تصور کرد که فدائیان مصمم شده بودند کار را به جای نازکی برسانند و این مسأله را هم باید تحت توجه و ملاحظه قرار داد که از ابتدای امر، این مقدمه بین فدائیان و بعضی از پلیسها از یك طرف و عساکر روس از طرف دیگر، واقع شد و عموم اهالی تبریز بدون اینکه بخواهند به فدائیان همراهی نمایند، یا اینکه کشمکش فدائیان را برای استخلاص خود از تعدیات خارجه تصور نمایند، نه فقط از ابتدا تا انتها در این کشمکش خود را شریك و دخیل ننمودند، بلکه همینکه از طغیان فدائیان جلوگیری شد، اعمال و کردار این فدائیان متفرق‌شده را تقبیح نموده و برای تفتیش اسلحه مساعدت نمودند.

---

۱) اصل: نبود. ـ م.

به عقیدهٔ من، علل و اسباب جنگ عمیق‌تر از این می‌باشد و به عقیدهٔ من، به‌واسطهٔ نفوذ بی‌جهتی است که فدائیان و نظمیه به واسطهٔ ضعف حکومت مرکزی متدرجاً حاصل نموده بودند و همین نفوذ بی‌جهت[1] آنها بود که نه فقط منشأ و مبدأ آنتریگ و انقلاب شهر گردیده، بلکه اسباب مصادمهٔ دائمی با روسها شده بود.

این مسأله را باید متذکر شد که از ماه فوریهٔ ۱۹۱۰ محسوس گردید که حضور دائمی ستارخان و باقرخان سرکردهٔ فدائیان، با حسن اداره و حکومت شهر موافقت نخواهد داشت، و اگرچه این دو نفر آخرالامر با اشکال زیاد از تبریز خارج شدند، عدهٔ زیادی از طرفداران آنها باقی ماندند. در آن موقع برای‌دولت‌ایران پلتیك[=پلیتیك] خوبی بود که از مفارقت آنها استفاده نموده و از این فدائیان خلع اسلحه نمایند و در عوض قشون نظامی مستقلی تشکیل دهند که بتوان بر اطاعت و فرمانبرداری آنها اعتماد نمود و قشونی باشد که بدون ملاحظات خارجی بیطرفانـــه به جلوگیری از هرگونه اغتشاش بپردازند.

مأمورین دولتی ایران چنین قشونی تشکیل نداده و اقدامی برای خلع اسلحهٔ فدائیان بعمل نیامد و کاری که کردند این بود که عده‌ای از فدائیان را جزو نظمیه نمودند، لکن خود نظمیه که هر روزه نسبت پول‌گرفتن به زور سوء اعمال رژیم سابق به اجزاء آن، مخصوصاً به مظنونین به تمایلات خارجی آن می‌دادند، از ابتداء طرف عدم اعتماد اهالی واقع شده بود و عوض آنکه در ناامنی و احتمال اغتشاشات که اهالی از وقوع آن در خوف و هراس بودند تخفیفی دهد، باعث تزیید آن گردید[2].

چیزی که سبب عودت ندادن عساکر روس گردید این بود که دولت ایران نمی‌توانست در تبریز امنیت بدهند. چنانچه [=چنانکه] مسیو نیکلاس همکار فرانسوی من هم چندین دفعه به من اظهار داشت که اگر عساکر در شهر حضور نمی‌داشت، اغتشاشات بسیار سخت به وقوع می‌رسید و هیچ‌یك از اروپاییان هم که در شهر اقامت داشته به من اظهار نکردند که وقت آن رسیده است که عساکر را بتوان عودت داد.

این که من تا اندازه‌ای در این باب شرح داده‌ام، به جهت آن است که بلاشك وضعیت آنها بی‌ترتیب و غیرمنظم بود و عودت آنها حسب‌الامکان مطلوب بود. حضور آنها در تبریز، نظر به مناسبات بین مأمورین محلی و اهالـــی، البته اسباب تشویش خیال مأمورین محلی بود و نظر به سوءظنی که ایرانیها از زمان مراجعت شاه مخلوع در تابستان سال ۱۹۱۱ حاصل کرده بودند، بودن این قشون در تبریـــز، بیشتر اسباب سوءظن آنها از بابت مقاصد و خیالات روس بود. لیکن ـ دلایل و جهاتی که ایرانیان برای سوءظن‌بردن اقامه می‌نمودند به‌کنار ـ هیچ اقدامی از طرف روسها نشد کـــه اسباب سوءظن آنها بشود.

تا آن اندازه که بر من معلوم‌شده، روسها اقدامی ننمودند که نگذارند ایرانیها از

---

۱) اصل: به جهت. ـ م.
۲) اصل: کردند. ـ م.

لزوم نگاهداشتن فدائیان صرف‌نظر نموده و در عوض قشونی به طریقی که در فوق ذکر شد، تشکیل دهند یا آنکه قشون ملی دیگری تشکیل نمایند.

بدبختانه، اثرات این اوضاع امور ناچار باعث تولید خصومت و عداوت بین نظمیه و فدائیان از یك طرف و روسها از طرف دیگر شد (در میان فدائیان عده‌ای از رولوسیونرهای از جان گذشتهٔ قفقازی ضد روس بودند) و اگر علت دیگری برای خصومت‌ورزی‌نداشتند، همین مسأله که حضور عساکر روس مانع از سوء اعمال آنها می‌شد، کفایت می‌کرد که آنها را وادار به مخالفت نماید.

هرکه از رفتار و کردار اجزاء نظمیهٔ ایران باخبر و بصیر باشد، انکار نخواهد کرد که یك قسم جلوگیری از آنها بسیار لازم بود. لکن اگرچه ممکن است روسها در تمام اقدامات خود از روی صحت عمل ننموده یا آنکه طریقهٔ رفتار آنها مصالحت‌آمیز نبوده است، بایستی متذکر شد که جلوگیری آنها از فدائیان و اقداماتی که برای امنیت عمومی شهر نمودند و از روی کمال لزوم احتیاطاً در نقاطی که بیم وقوع اغتشاش می‌رفت، مستحفظ سیار قرار دادند، تمام نظر به اقتضای موقع بود و بالاتر از همه، ضعف اداره کردن امور از طرف ایرانیها دولت روس را مجبور به این اقدامات نمود.

در مدت فرمانروایی مخبرالسلطنه، به واسطهٔ نفوذ شخصی او کار به جای نازکی نرسید و ممکن است که اگر مخبرالسلطنه در تبریز بود، چنین اتفاقی به وقوع نمی‌رسید، زیرا که گذشته از فدائیان و نظمیه، از طرف عموم اهالی علائم خصومت و مخالفتی دیده نمی‌شد و سربازان روسی با آنها بدسلوکی نمی‌نمودند.

همینکه در بهار سال ۱۹۱۲ مخبرالسلطنه از تبریز رفت و شجاع‌الدوله در ماه اوت نزدیك آن شهر رسید، جزئی احترامی که برای مأمورین دولتی باقی مانده بود بکلی محو و زایل گردید و امام‌قلی‌میرزا و ضیاءالدوله که به جای مخبرالسلطنه باقی مانده بودند، آلت دست نظمیه و فدائیان و سرکردگان آنها که بعضی از آنها از اشخاص ناشناخت بودند، شده بودند.

این شهر که عدهٔ ساکنین آن قریب ۲۵۰،۰۰۰ نفر بود، به حال خود واگذار شد و چنان در اساس حکومت آن اختلال و اغتشاش راه یافت (مخصوصاً در ماه نوامبر و اوایل دسامبر) که ممکن نبود در هر آنی منتظر وقوع اغتشاشات بسیار سخت نباشیم.

اضطراب و تشویش خیال، آن وقت، عموم را فراگرفته‌بود و فقط عنصر مقتدر در آن نقطه عساکر روس بودند و حتی اشخاصی که من نمی‌توانستم به آنها سوءظن همدردی با روسها را ببرم، تصدیق‌داشتند که حضور عساکر روس یکی‌از خوشبختیهای شهر بود.

الحال، لازم است مختصری در باب خساراتی که به واسطهٔ طول مدت محاصرهٔ شهر از طرف شجاع‌الدوله و موقوف‌شدن تجارت، به تجار وارد آمد و صدماتی که از گران شدن قیمت مأکولات به اهالی شهر وارد آمد، نگاشته شود.

اثرات این اوضاع این شد که اهالی بکلی خسته شده و حاضر گردیدند هر قسم حکومتی را که بتواند از این هرج و مرج جلوگیری نماید، قبول نمایند و هر طریقی

که برای حل این اشکال پیشنهاد شود، بپذیرند.

اگرچه این فدائیان در مقابل شجاع‌الدوله از شهر دفاع می‌کردند، بعد از واقعات، اهالی شهر نسبت به آنها بسیار اظهار تغیر و تنفر نمودند و با اجساد ثقة‌الاسلام و سایرین که با او به قتل رسیدند، رفتار بسیار وقاحت‌آمیز نمودند. و این مسأله میل یا عدم میل اهالی را نسبت به وقوع حادثهٔ فوق‌الذکر، به‌خوبی نشان می‌دهد.

باین ترتیبی که در فوق ذکر شد، فدائیان که اگر به واسطهٔ حضور قشون روس نبود در شهر فاعل مختار می‌شدند، صبح روز ۲۱ دسامبر امور را در قبضهٔ اختیار خود گرفتند و عقایدی که آنها را وادار به این اقدامات نمود به کنار، وحشیگری و بی‌رحمی که آنها در جنگ به خرج دادند، به هیچ وجه آنها را معذور نتواند داشت. از بابت وحشیگری و بی‌رحمی آنها، زیاده از اندازه در کتابچه‌ای که به طبع رسیده سهل‌انگاری شده و اگرچه این مسأله راست است و برای آن باید فدائیان را تمجید نمود که به هیچ‌وجه سوءقصدی نسبت به جان[1] و مال اروپاییان ننمودند، لیکن با وجود این، فراموش‌شدنی نیست که از ابتدای امر، به هیچ وجه به روسهایی‌که بدون آلت دفاعیه بودند، ترحم ننموده وبه آنها منزل نمی‌دادند و سربازهایی را که می‌گرفتند، کشته و اعضای بدن آنها را قطعه قطعه نمودند و روسها سوءظن زیاد برده بودند که در بعضی موارد، قبل از کشتن، آنها را در معرض شکنجه و عقوبات دیگر قرار می‌دادند. حقیقت مسألهٔ قطع اعضاء که خبر آن قبلا از طرف ایرانیان به من داده شد، از عکسهای اجسادی که پس از جنگ برداشته شده بود، بر من ثابت گردید و اگرچه از بابت نسبتی که در ابتداء به روسها داده شد که ۵۰۰ نفر پیرمرد و زن و بچه را قتل‌عام نموده‌اند، چندان چیزی نوشته نشده، لیکن من می‌خواهم بگویم که در همان وقت، مستر یداك همکار اتازونی من هم این مسأله را تکذیب نمود.

در باب نسبتهای دیگری که به روسها داده‌اند که بدون فرق و امتیاز، در موقع جنگ زنها و بچه‌ها را کشته‌اند، نه در موقع جنگ و نه بعد از آن، چیزی که این مسأله را ثابت کند بر من معلوم نشد و من این نسبت را بکلی بی‌اساس می‌دانم. اگرچه ممکن است در موقع بمباردمان خانه‌هایی که از آنجاها فدائیان به روسها شلیك می‌کردند، عده‌ای زن و بچه تلف شده باشند، در مدت جنگ، فقط دو نفر از اشخاصی که خارج از جنگ بودند، از طرف روسها مقتول گردیدند. لیکن همین دو فقره اتفاق افتاد که من از وقوع آن مطمئنم و از تحقیقاتی‌که بعد به عمل آوردم، یقین نمودم که حکایاتی که از قتل‌عام بدون فرق و امتیاز روسها نقل می‌کنند خالی از حقیقت می‌باشد.

این مسأله را نباید فراموش کرد (چونکه از روی آن می‌توان صدق و کذب این نسبتها را فهمید) که عده‌ای از زنها و بچه‌های ایرانی در اردوی روسها پناهنده شدند و روسها با آنها بطور مهربانی رفتار نمودند.

بهترین دلیل برای ثبوت مبارزت‌طلبی رولوسیونرها این بود که یکی از صاحب‌

---

۱) اصل: به حال. ـ م.

منصبان روس را، هنگامی که در نهایت صلح و آرامی مشغول حرکت دادن این زنان و بچه‌ها بود، به ضرب گلوله مقتول نمودند.

در اینجا باید این مسأله را ذکر نماییم که در میان فدائیان، تا اندازه‌ای که من اطلاع دارم، رولوسیونر ارمنی نبود و آنها کمی قبل از وقوع جنگ از شهر خارج شده بودند.

در باب عکسهای اشخاصی را که به امر محکمهٔ نظامی روس به قتل رسانیده‌اند و خانه‌هائی که به امر محکمهٔ مذکور خراب شده است که در آن کتابچه الصاق شده‌است، من نمی‌توانم بگویم که این عکس‌ها را برداشته، لیکن راست است که بعضی از خانه‌های معتبرین را که روسها محرك طغیان می‌دانستند، به وسیلهٔ نارنجك منهدم نمودند و قریب چهل نفر که در عرض ماه ژانویهٔ امسال به قتل رسیدند، قتل آنها به وسیلهٔ دار به عمل آمد و اجساد آنها را مثل جسد ثقةالاسلام و کسانی‌که با او دستگیرشده‌بودند، در معرض نظارهٔ عموم قرار دادند و راپورت وقایعی که ملازم قتل این اشخاص بود، در همان وقت راپورت داده شد.

این مسأله را نیز باید بگویم که چون من در محاکمات محکمهٔ نظامی دخالتی ننمودم، برای من ممکن نیست بگویم که آیا فتوای قتل آنها به امر محکمهٔ نظامی از روی عدالت بوده است یا نه و به همینطور مخصوصاً در باب فتوای قتل اشخاصی که محرك جنگ بودند هم، نمی‌توانم تنقیدی بنمایم.

بعضی را عقیده بر این بود که از روی بی‌عدالتی فتوای قتل بعضیها داده شد و قتلهایی که بعد به عمل آمد، تولید احساس در میان اروپائیان مقیم تبریز برضد روسها نمود و تصور می‌کردند که روسها در قتل آنها زیاده‌روی و در بعضی موارد سختی بی‌جهت نموده بودند و از وضع کشتن و در نظاره‌گذاردن اجساد، مثل جسد ثقةالاسلام، اظهار تغیر و تنفر می‌نمودند و همین اظهار تغیر اقداماتی را که رولوسیونرها نموده و اسباب خشم و تغیر زیاد و من‌غیرحق روسها را فراهم آورده بودند، از نظر اروپائیان محو و زایل گردانید.

لازم نیست بگویم که من به اتفاق همکار روسی خود، حتی‌المقدور سعی داشتیم در مورد اهالی بی‌انصافی و بی‌رحمی نشود و در مورد پطرس ارمنی، من کوشش نموده و کار او را به تاخیر انداختم تا آنکه رفقای او بتوانند سه روزه به سنت‌پطرزبورغ مراجعه نمایند و فقط می‌توانم در مسألهٔ او اظهار همکار روسی خود را تکرار نمایم که گفت شهادتهایی که بر علیه [=علیه] او داده شده است، آنقدر زیاد و موجب ثبوت تقصیرات او است، که نمی‌توان از رأی محکمهٔ نظامی صرف‌نظر نمود.

در باب ورود شجاع‌الدوله به تبریز و بدست‌گرفتن زمام امور ایالتی در ماه ژانویهٔ امسال، چنانچه حقایق مسطور ذیل گمان می‌کنم نشان می‌دهد، شجاع‌الدوله این کارها را به موافقت من نمود، لکن من اقدامات او را تصویب ننمودم.

من در اواخر ماه نوامبر و اوایل دسامبر ۱۹۱۱، قریب سه یا چهار هفته قبل از وقوع حوادث، راپورت دادم که اکثر تجار حاضر شده‌اند تعیین شجاع‌الدوله را قبول

نمایند و به علاوه، اظهار داشتم که در صورتی‌که حکومت مرکزی به تعیین او رضا دهند، حل اشکال ظاهراً خواهد شد.

در همان وقت، اوضاع شهر بسیار یأس‌آمیز بود و تجارت با خارج‌شهر بکلی‌مقطوع و آذوقه فقط به اجازهٔ شجاع‌الدوله وارد شهر می‌شد. در حقیقت، خود اهالی کار را بدست گرفته و برای ورود شجاع‌الدوله، [با] او داخل مذاکرات شده بودند، ولی در باب عدهٔ همراهان او که به شهر ورود نمایند، هنوز گفتگو قطع نشده بود.

وضع کردار و رفتار شجاع‌الدوله چنانچه در تبریز شهرت داشت و اشخاصی که او را خوب می‌شناختند اظهار می‌نمودند که اگرچه در مورد اعدای خود بی‌انصاف بود لیکن به هیچ‌وجه راضی به غارت و اغتشاش نبود و این را هم باید متذکر شد که در موقعی‌که عساکر دولتی تبریز را محاصره نموده بودند، شجاع‌الدوله با آنکه طرفدار عساکر دولتی بود، اجازه به عساکر خود نمی‌داد زیادروی و اجحاف بنمایند.

در این موقع وجود شخص مقتدری لازم بود و اهالی تبریز این مسأله را احساس می‌نمودند. اشخاصی که از اهمیت موقع باخبر بودند، مکرراً به من اشعار می‌نمودند که شجاع‌الدوله فقط کسی است که بتواند نه فقط شهر را منظم بنماید بلکه در حدود تبریز، راههای تجارتی را امنیت بدهد. فقط راه جلفا کـه در تحت کنترل روسها بود، باز مانده بود.

در اواخر ماه دسامبر، همینکه از اغتشاش جلوگیری شد، آثار و علائم اقتدار دولت ایران در تبریز محو گردید و ضیاءالدوله نمایندهٔ آخری اسمی دولت، قبل از وقوع جنگ در قنسولخانهٔ ما تحصن اختیار نموده بود و می‌گفت که هیچ‌کس از او اطاعت نخواهد کرد و قشونی موجود ندارد که بدان اتکاء نماید.

با این ترتیبات، اگر می‌خواستیم که اهالی مشغول امور عادیهٔ خود شوند و به کسب و کار مشغول گردند، حتماً لازم بود که شخص مقتدری تعیین شود که هم بتواند حکومت شهر را اداره کند و هم طوری رفتار نماید که اوامر او را محترم داشته و اطـاعت نمایند. علت اینکه من با پیشنهاد همکار روسی خود موافقت نمودم که این کار بـه شجاع‌الدوله سپرده شود، این بود که شخص دیگری یافت نمی‌شد و دیگر آنکه چارهٔ دیگری هم نبود غیر از آنکه خود روسها این کار را به عهده گیرند و حتی اگر موقتاً این کار به آنها سپرده می‌شد، به نظر من مورد اعتراض بسیار واقع می‌گردید.

در باب ظلم و تعدیات شجاع‌الدوله، اوضاع فوق‌العادهٔ شهر، آنوقت، طوری بود که من نمی‌توانستم تحقیقات کامل به عمل آورم ولی همینکه راپورت کارهای او به من داده شد، نزد همکار روسی خود رفته و با کمال شدت به او اصرار نمودم که باید از این وحشیگریها جداً جلوگیری شود.

اظهارات همکار روسی من به شجاع‌الدوله، تا اندازه‌ای که در خاطر دارم مؤثر واقع گردید و تا زمانی که من در تبریز توقف داشتم، یعنی تا ۸ فوریهٔ امسال، دیگر اعمال او تکرار نشد.

قسطنطنیه ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲

(امضاء) شیپلی

نزاع بین قراولان سیار روسی و نظمیهٔ تبریز، در شب
۲۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۰ محرم ۱۳۳۱]

تا اندازه‌ای که توانسته‌ام تحقیق بنمایم، چه از روسها و چه از ایرانیها، بر من معلوم می‌شود که در شب ۲۰ دسامبر، یکی از قراولهای روسی، بین ساعت ۶ و ۷ بعد از ظهر فرستاده شد که تلفون بین اردوی روسها و سایر مقامات آنها را تعمیر نماید.

برای انجام این کار لازم بود که در یك نقطه بالای بام یکی از استاسیونهای[1] نظمیه بروند. همینکه پلیس که آنجا کشیك می‌کشید، از اجازهٔ بالارفتن به او امتناع ورزید، فوراً قراول مذکور خبر به ژنرال‌قنسولگری روس رسانید. جنرال‌قنسول روس، به کارگزار رجوع کرده و از او اجازه خواست و کارگزار هم شخصی را به‌استاسیون نظمیه فرستاد و امر نمود که بلامانع بگذارند قراول روسی بالای بام برود. بدبختانه، در فاصلهٔ بین فرستادن فرستادهٔ کارگزار و ورود او به آنجا، بین قراول روسی و پلیس مذکور نزاعی واقع شد و در آن نزاع دو نفر پلیس مقتول گردید.

همان شخصی[2] که کارگزار فرستاده بود که پلیس را مانع از جلوگیری قراول روسی شود، به مترجم من گفته بود که کارگزار او را برای این کار فرستاد. قراول روسی اظهار داشته بود که از عقب به یکی از قراولان روسی حمله شد و چون تاریك بوده شخص حمله‌کننده معلوم نشده‌است و روسها مجبور به دفاع از خود شده بودند.

لیکن بغیر از این دو مسأله، به واسطهٔ جنگی که روز بعد به وقوع پیوست و اوضاع مهم تبریز باعث وقوع این جنگ گردید، مانع از تحقیقات رسمی گردید، دیگر شهودی بدست نیست که بتوان مبدأ و منشأ جنگ را به طور تحقیق دانست.

قسطنطنیه ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۹ آذر ۱۲۹۱: یکم محرم ۱۳۳۱]
(امضاء) شیپلی

نمره ـ ۴۶۵

تلگراف سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری

استخهلم [=استکهلم] ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۹ آذر ۱۲۹۱: یکم محرم ۱۳۳۱]

به‌موجب [اخبار] مطبوعات آنجا، ریاست نظمیهٔ تهران را دولت ایران به یکی از اتباع سوئد موسوم به وزدال داده‌اند و از قرار مذکور، به همین زودیها به طرف طهران رهسپار خواهد شد.

www.adabestanekave.com

---

۱) استاسیون = توقفگاه ـ اتاقك نگهبانی. ـ م.
۲) اصل: شخصی را. ـ م.

نمره ـ ۴۶۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۹ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۷ آذر ۱۲۹۱؛ ۹ محرم ۱۳۳۱]

از رویه و وضع سلوك مسیو سازانف به قراری که در تلگراف ششم دسامبر خود راپورت داده‌اند، از طرف من اظهار تشکر و قدردانی بنمایید.

نمره ـ ۴۶۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف دیروز من:

وزیر امور خارجه، امروز صبح شخصاً برای ملاقات من آمده، از طرف شخص خود و تمام اعضای کابینه اظهار تأسف فوق‌العاده نمود و صمیمانه اظهار میل نمود که راپورت این مسأله به طوری داده خواهد شد که حتی‌المقدور افکار عامهٔ انگلستان کمتر به هیجان بیاید.

جناب معظم اظهار داشت که دولت ایران بی‌اندازه به صبر و تحمل امتحان‌شدهٔ دولت اعلیحضرتی اعتماد دارند و از صبر و تحملی که سابقاً بخرج داده‌اند، بسیار متشکر می‌باشند.

من اظهار داشتم که این واقعهٔ نامساعد، واقعه‌ای است که برای من ممکن نیست پیشگویی کنم که دولت اعلیحضرتی چه قسم اقدام خواهند نمود، لیکن یقین دارم که دولت ایران می‌توانند اطمینان داشته باشند که دولت اعلیحضرتی ساعی به استقرار رویهٔ دوستانهٔ تاریخی خود می‌باشند. حتی در صورتی که اوضاع مستلزم اقدام جدی باشد، من نیز مکتوبی به دولت ایران نوشته و صمیمانه اظهار امیدواری خواهم‌نمود[1] [که] اقدامات فوری برای دستگیری و تنبیه مقصرین به عمل خواهد آمد.

از طرف قنسول انگلیس دیگر راپورتی نرسیده ولی کلنل فرماندهٔ ژاندارمری به من اطلاع می‌دهد که ماژور فرماندهٔ دستهٔ ژاندارم شیراز راپورت قضیه را داده و به‌علاوه می‌گوید که دو نفر ژاندارم مقتول و یکی از تفنگچیان محل، مجروح گردیده است.

نمره ـ ۴۶۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۱ دسامبر خود[تان]:

شما باید وزیر امور خارجه را اطلاع بدهید که اخبار قضیهٔ الم‌انگیز ۱۱ دسامبر

---

۱) اصل: امیدواری نمودم. ـ م.

بسیار اسباب تألم و تأثر دولت اعلیحضرتی گردید. قتل یکی از صاحب‌منصبان انگلیسی، به تفصیلی که ذکر شده، یکی از آن چیزهایی است که دولت اعلیحضرتی نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی بنمایند. دولت اعلیحضرتی باید از دولت ایران استدعاء نمایند که بدون تأخیر بگویند چه قسم می‌توانند جبران نمایند و یکی از شرایط جبران باید تنبیه سخت ایلیاتیها باشد.

اگر خود دولت ایران نمی‌توانند جبران لازمه را بنمایند، دولت اعلیحضرتی باید اقداماتی‌را که برای انجام آن مقصود لازم است، تحت ملاحظه قرار دهند.

نمره ـ ۴۶۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۱ آذر ۱۲۹۱؛ ۳ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل از قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز رسیده است: من از او خواهش نموده‌ام که راپورت مفصل‌تر بدهد:

دسته، امروز بعد از ظهر، تحت امر ماژور کتل‌ول سالماً وارد شدند. حادثهٔ دیگری رخ نداد.

جزئیات حمله بقرار ذیل است:

سارقین از طرفین راه بنای شلیك سخت گذارده و محلی که از آنجا تیر می‌انداختند، جنگل پردرختی بود. صاحب‌منصبان و عساکر شلیك آنها را جواب داده و دو نقطه را از دست آنها گرفتند. لیکن چون سارقین از اطراف می‌آمدند و عبور و مرور هم مشکل بود، سارقین بعضی از قاطرها را بردند. تشییع‌جنازهٔ کاپیتان اکفورد فردا به عمل خواهد آمد.

سایر تلفات سه نفر ژاندارم بود که مقتول شدند.

ایالت امروز به ملاقات کلنل دوگلاس و من آمد و از وقوع این حادثه اظهار تأسف زیاد نموده اطمینان داد که اقدامات جدی برای دستگیری و تنبیه مقصرین از طرف او به عمل خواهد آمد.

نمره ـ ۴۷۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۲ آذر ۱۲۹۱؛ ۴ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۰ دسامبر شما ـ مساعده به ایالت فارس ـ ترتیبی را که داده شده تصویب می‌کنم.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۴۷۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۵ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل در ۱۴ دسامبر از شیراز رسیده است:

کلنل دوگلاس راپورت مفصل قضیه را که ماژور کتل‌ول نوشته، به من داده است و من خلاصهٔ آن را ذیلا عرض می‌کنم:

دستهٔ ما مرکب بود از کتل‌ول و اکفورد و یکی از صاحب‌منصبان هندی و ۲۶ نفر سوار و ۱۷ نفر اجزاء و ۱۷ قاطر بنه. اینها در ساعت ۷ قبل از ظهر روز ۱۱ دسامبر، نیم ساعت پس از حرکت قریب ۱۵۰ نفر سربازان ایرانی، حرکت کردند. دوازده نفر را برای حفاظت بنه تعیین نمودند و بقیه با صاحب‌منصبان آنها در جلو حرکت‌کردند.

همینکه به پل رودخانهٔ قره‌آقاچ رسیدند، صاحب‌منصب ایرانی ژاندارمری، با دو نفر از ژاندارمهای سواره که تا رودخانه همراه کتل‌ول رفته بودند، به جلو تاخت کردند که پست ژاندارمری را که در برج تنوی که بالای گردنهٔ سینه‌سفید ساخته شده بود سرکشی نمایند. کتل‌ول نیز صاحب‌منصب هندی را با دو سوار به جلو فرستاد که در دشت ارجن [=ارژن] منزل تهیه نمایند و در کوههای جنگلی طرف دست چپ، قراول مخفی قرار دادند.

پس از جزئی توقف، دسته حرکت کردند. راه از این نقطه تا قریب یك میل و ربع از وسط جنگل است.

دو نفر صاحب‌منصب به اتفاق شش یا هفت نفر از سوارهای تازه از جنگل خارج شده بودند و همینکه قاطرهای اولی از جنگل بیرون آمدند، عده‌ای از کوههای طرف دست چپ، بنای شلیك بسیار سخت گذارد. دسته، که پیش رفته بودند، به جلو تاخت کرده و همینکه به نقطه‌ای که گلوله‌رس نبود رسیدند، از اسبهای خود پیاده شده و شروع به بالارفتن کوه نمودند. کشف خصم در جنگل پردرخت مشکل بود. لیکن از طرفین شروع به تیراندازی شد و در این نقطه، گلوله به قلب کاپیتان اکفورد رسیده و مقتول گردید.

چند دقیقه بعد از آن، کتل‌ول از بالای کوه ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر را دید که از پایین دره به طرف ساحل رودخانه بالا آمدند. عساکر او بر این عده شلیك کردند لیکن این ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر فوری در جنگلها مخفی شدند. در این اثناء سوارهای مستحفظ بنه از ساحل شمالی رودخانه عبور نموده و در دره‌های کم‌ارتفاع جایگیر شدند.

این سواران راپورت می‌دهند که دستهٔ کوچکتر سارقین، از طرف شمال به سایر دزدها ملحق و در حمله شریك شدند. کتل‌ول در این موقع مردان خود را جمع نموده از کوهها پایین آمده و از بستر رودخانه عبور کرده، جسد اکفورد را با خود برد و بعد به دستهٔ دیگر ملحق شده و در این نقطه صاحب‌منصب هندی و دو نفر از سوارها که جلو رفته بودند به دستهٔ عساکر ملحق شدند.

در این اثناء ظاهراً سارقین با یغمای خود، به طرف کوههای شمالی رفتند. بعد

تمام دسته از طرف ساحل شمال رودخانه حرکت کرده و به خانزنیان مراجعت کردند. وقتی‌که در حال حرکت بودند، قریب ۱۵ یا ۲۰ نفر سوار در کوههای شمال دیده شد و بین آنها تبادل گلوله شد.

کتل‌ول اظهار می‌دارد که او قافله‌ای در کاروانسرای خانزنیان یا در راه ندیده‌بود.

دستهٔ کوچکی از ایرانیان با سه یا چهار رأس قاطر که پس از حرکت سوارها از کاروانسرا حرکت کردند، غارت شدند و قاطرهای آنها برده شد و بعد پیاده به کاروانسرا مراجعت نمودند و کتل‌ول آنها را آنجا دید لیکن در راه آنها را ندیده بود.

کتل‌ول نیز اظهار می‌دارد که سارقین بغیر از شلیك چند گلوله، قصد حمله بـه دستهٔ کوچك او را ننمودند. از قرار معلوم سارقین برای غارت آمده بودند و همینکه قاطرها را بردند فرار کرده رفتند.

اما از بابت ژاندارمها از قراری که معلوم می‌شود، صاحب‌منصب ایرانی آنها همینکه به برج رسید، ژاندارمها را در امتداد سر کوه عقب آورد و در آنجا آنها مجروح شدند. کتل‌ول وقتی‌که به طرف خانزنیان مراجعت می‌کرد آنها را از دور دیده بود که از روی کوهها بطرف شمال می‌رفتند.

سواد راپورت مفصل واقعه را که کتل‌ول نوشته، دوگلاس پسته برای شما خواهد فرستاد.

نمره ـ ۴۷۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۵ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل در ۱۴ دسامبر از شیراز رسیده است:

در تلگراف قبل من که امروز مخابره شد، تمام جزئیاتی را که کلنل دوگلاس و ماژور کتل‌ول، نه فقط قصد نداشته است که همراه قافله برود، بلکه حتی آگاه هم نبوده است که قافله در آن حدود بوده است.[۱]

از بابت تحقیقات دیگر شما، به قرار ذیل عرض می‌کنم:

۱) محققاً معلوم نشده که آیا ایلیاتیها مسؤول هستند یا نه. دیروز منشی ایالت مرا اطلاع داد که سارقین از طایفهٔ بوئراحمدی بودند لیکن از اطلاعات دیگر معلوم می‌شود که از طایفهٔ دشمن‌زیاری[۲] بوده‌اند و بعضی می‌گویند از طایفهٔ ممسنی می‌باشند که در تحت امر محمدعلی‌خان کشکولی هستند و بعضی از همراهان محمدعلی‌خان.

همینکه اطلاعات قطعی دیگر رسید، برای شما تلگراف خواهم کرد.

۲) تلفات ژاندارمها ـ ماژور سیفورت، حالا مرا اطلاع می‌دهد که چهار نفر از ژاندارمها و یك نفر تفنگچی مجروح شده‌اند.

۳) در باب قافله اخبار مختلف است ولی به قرار اطلاعات اخیره، عدهٔ کلیه قاطرها

---

۱) چنین است در اصل و جمله نارساست. ـ م.

۲) اصل: دشمن زیادی. ـ م.

قریب ۱۴۰ رأس بوده است که فقط ۳۰ رأس از آنها با بار غارت شد، لیکن ماژور کتل‌ول به هیچ وجه آنها را ندید و درست نمی‌داند در چه نقطه به آنها حمله شده‌است.

۴) از قراری‌که ماژور کتل‌ول نقل می‌کند، سارقین قصد حمله به سوارها و صاحب‌منصبان نداشته‌اند بلکه فقط به قصد غارت حمله نمودند و این حمله با ده فقره حملاتی که در عرض دوازده ماه اخیر به صاحب‌منصبان انگلیس و سواران آنها نمودند، تفاوت دارد.

نمره ـ ۴۷۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۵ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل از صاحب‌منصب قنسولگری شیراز در ۱۵ دسامبر رسیده است:

کلنل دوگلاس از من خواهش می‌کند که تلگراف ذیل را برای شما مخابره بنمایم:

در عرض سال گذشته من صاحب‌منصبان و افراد قشونی را اجازه نمی‌دادم که دور از حدود شیراز بروند یا آنکه پس از مشورت با قنسول اعلیحضرتی و مأمورین محلی ایرانی، تا مسافتی که صلاح می‌دانستم به آنها اجازه می‌دادم بروند. تا همین اواخر من صلاح دانسته بودم که نگذارم آنها از حدود شیراز دور شوند و اگرچه اثرات معنوی این کار به حال رژیمان مضر بود، من به‌ملاحظات پلتیکی [=پلیتیکی] اعتراض ننموده‌ام.

پس از ورود ایالت، همینکه موقتاً امنیت رو به ازدیاد گذارد و ژاندارمری شروع به قراولی راه‌ها و اطراف کرد، من به عساکر اجازه دادم دورتر بروند و تصویب نموده‌ام که تا دشت ارجن [=ارژن] بروند و موقع را مغتنم شمرده و در تحت نظارت کاپیتان اکفورد که خود او با علم مساحت آشنا بود، آنها را به دستجات کوچك برای مساحت می‌فرستادم.

نظر به نتیجهٔ این اقدام، من بسیار متأسف می‌باشم لیکن می‌خواهم عرض کنم که خطر این کار زیادتر [از] خطر فرستادن آنها به مسافت چند میلی شیراز برای شکار نبود که تاکنون چندین مرتبه به دستجات کوچك صاحب‌منصبان و افراد شلیك شده و انتظار می‌رفت که در هر لحظه دستهٔ[1] بزرگی به آنها حمله و هجوم بیاورند.

از چندی به این طرف این مسأله واضح شده بود که صاحب‌منصبان و افراد قشونی دیگر، بیش از این نمی‌توانستند تحمل اوضاع شیراز را بنمایند لیکن من درست نفهمیده بودم که اوضاع به قراری که در تلگرافی که عین آن برای شما مخابره شده شرح داده شده است، بد است.

از قراری که مستر اسمارت به من اظهار داشته، عموماً از طرف دهاتیان به آنها شلیك می‌شده و علت شلیك آنها این بوده است که چون ایالت بکلی مغشوش بوده، دهاتیان هر دسته را که می‌دیدند به تصور اینکه دزد می‌باشند، به‌آنها شلیك‌می‌کرده‌اند

---

۱) اصل: دست. ـ م.

و در هر موردی که معلوم می‌شد که دهاتیان عمداً به صاحب‌منصبان و سواران شلیك کرده‌اند، مجازات در حق آنها به عمل آمده است.

نمره ـ ۴۷۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ نوامبر ۱۹۱۲[۲۸ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

راجع به مراسلهٔ غرهٔ ماه گذشتهٔ من، که در آن راپورت بهبودی مناسبات بین شیخ محمره و بختیاریها را داده‌ام، اینك مفتخراً سواد مراسله‌ای را که قنسول اعلیحضرتی مقیم محمره نوشته و شرح اختتام قرارداد رضایت‌بخش بین آنها را گذاشته است، لفاً ایفاد می‌دارم.

اگرچه خوانین بختیاری مقیم طهران از مواد قراردادی که به عمل آمده مستحضر نمی‌باشند، آنها اظهار داشته‌اند که حاضرند هر قسمی که سردارجنگ عمل را تمام نموده است، قبول نمایند.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۴۷۴

مکتوب قنسول هاورت به سر والتر تنلی

محمره ۱۹ ۱ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۶ مهر ۱۲۹۱؛ ۷ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم شما را اطلاع دهم که آقا رحیم روز ۱۴ ماه جاری به اینجا وارد شد که در باب اختلافات بختیاریها با شیخ مذاکره نماید. نتیجهٔ مذاکرات آنها این است:

املاك جراحی را که اخیراً بختیاریها خریده‌اند، باید مجدداً به همان قیمت خرید که پانزده هزار تومان باشد، به شیخ بفروشند.

در باب املاك عقیلی، اگر بختیاریها بتوانند به ثبوت برسانند که بعضی از املاك آنها را اعراب تصرف کرده‌اند، این املاك مسترد خواهد شد.

در باب این مسأله مراجعه خواهم نمود .

تمام قراردادهایی را که با امیر مجاهد به عمل آمده و امضاء شده‌است، باید تمام خوانین آن را تصدیق نموده و امضاء کنند.

شیخ به شرایط ذیل راضی می‌شود که دست از تمام دعاوی شوشتر خود بکشد:

حکمرانی که از طهران تعیین می‌شود، باید بی‌طرف باشد و حالیه آقا رحیم بـه نمایندگی شیخ و بختیاریها معاون او خواهد بود، ولی نه حکمران و نه رحیم‌خان هیچ‌کدام حق فرستادن مأمور نزد اعرابی که از دزفول تا حسین‌آبـاد در شمال الی

---

۱) اصل: ۹۱[و ۹؟] ـ م.

آخرین نقطهٔ جنوبی قلم و حکومت عربستان سکنی دارند، ندارند [=دارند] و حق[1] فرستادن مأمور به اراضی بیلیق (آن‌طرف رودخانهٔ شوشتر) و گندزلو و خاران ندارند. هرگاه از اعراب یا هریك از ساکنین این نقاط خطائی سر بزند، باید به شیخ رجوع شود و او وعده می‌دهد که اقدامات لازمه برای تنبیه آنها بنماید.

بختیاریها درخواست استخلاص باقرخان را می‌کنند بـه شرط آنکه مجدداً بـه شوشتر مراجعت ننماید و نیز خواهش می‌کنند که بگذارند خانوادهٔ کلانتر به شوشتر مراجعت کنند. شیخ این کار را قبول کرده و در عوض بختیاریها قرار داده‌اند که به طرفداران شیخ که در این مدت برضد بختیاریها اقدام نموده‌اند، صدمه نزنند ولی این قرار راجع به خطاهای آتیهٔ آنها نخواهد بود.

پس از ورود سردارجنگ به آب‌بید، او و مرتضی‌قلی‌خان و امیر مجاهد، در ویس شیخ را ملاقات خواهند نمود و در باب کلیهٔ مسائل آنجا مذاکره خواهند نمود و امور متنازع‌فیه را تصفیه نموده و قرارداد را به امضاء خواهند رسانید.

از بابت املاك عقیلی که بدان اشاره شد، پس از اجلاس فوق‌الذکر، نظر به اینکه در مسألهٔ عقیلی، بعضی از چادرها و اسباب خوانین از میان رفته است، شیخ مبلغ سه هزار تومان به خوانینی که اسبابشان از میان رفته، خواهد داد. شیخ قبول تأدیهٔ غرامتی ننمود و لذا کار به اصلاح گذشت. این ترتیبات از هر جهت رضایت‌بخش می‌باشد و وسیلهٔ خاتمه‌دادن به کدورتی است که از مدتی به این طرف، بین این دو ایل بوده است.

در جایی‌که اراضی و اهالی دو ایل و دو طایفه، آنقدر بهم متصل و مربوط است، ممکن نیست امور متنازع‌فیه را طوری فیصل داد که دیگر به هیچ‌وجه بعد از این، گفتگویی پیدا نشود و هرگاه طرفین متعاهدتین پای‌بند به قراردادهای خود نباشند، احتمال وقوع گفتگو در آتیه می‌رود. لیکن چنانچه معلوم می‌شود، طرفین مایل به صلح می‌باشند و از هر جهت امیدوارم که تصفیهٔ امور این دفعه طوری باشد که دیگر تا مدتی مدید مشاجره بین آنها واقع نشود.

یکی از شرایطی که شیخ مقرر داشته این است که قرارداد، پس از امضاء باید در قنسولگری انگلیس ثبت شود.

حاجی رئیس امروز برای اهواز حرکت کرد که [با] امیر مجاهد مذاکره نماید و یحتمل به رام‌هرمز هم خواهد رفت.

(امضاء) ماژور هاورت

www.adabestanekave.com

---

۱) اصل: خط. ـ م.

نمره ـ ۴۷۵
مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۴۷۵

خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ ایران لغایت ۲۷ نوامبر

طهران

کابینه و سعدالدوله ـ سعدالدوله روز ۹ نوامبر وارد طهران شد ولی چون تاکنون نتوانسته است کابینه تشکیل دهد، کابینهٔ صمصام‌السلطنه هنوز مشغول رتق و فتق امورات مملکتی است.

سالارالدوله ـ قشونی که به جنگ سالارالدوله در آخر ماه فرستاده‌شد، اقدام‌مهمی برای تعاقب او رو به شمال ننمود. به قرار اخبار اخیره، شاهزادهٔ مذکور با همراهان قلیل خود در ناحیهٔ استراباد دیده شده است و مشغول است با دولت ایران اصلاح نماید.

محبوسین پلتیکی [=پلیتیکی] ـ محبوسین پلتیکی که در خلاصهٔ آخری ذکر کردم در محبس باغشاه هستند، مستخلص شده‌اند.

انتخابات مجلس ـ کمیتهٔ جزوی که برای تدوین قانون جدید انتخابات تشکیل گردیده بود، هنوز جلسات دارد و هنوز پیشنهادات قطعی ننموده است.

رشت و قزوین

در عرض ماه گذشته در قشون روس ساخلو قزوین و رشت، بعضی تغییرات داده شده است. از عدهٔ عساکر رشت ۳۰۰ نفر کم شده و ۲۰۰ نفر به قشون قزوین اضافه شده است و ۱۰۰ نفر هم به قشون طالش افزوده شده است.

منصورالملك یکی از عمال شاه مخلوع، که از مدتی به این طرف در تبریـز اقامت داشت، الحال در رشت سکونت اختیار نموده است.

مشهد

اکثر راههای خراسان برای ایاب و ذهاب مسدود است.

مسیو للو وکیل خزانه‌داری کل ۲۰۰ نفر ژاندارم برای همراهی نمودن در وصول مالیات تشکیل داده است.

اصفهان

شهر اصفهان و توابع آن ظاهراً از سابق بدتر است. در شهر، شب و روز شلیك تفنگ می‌شود و سرقت هم زیاد به وقوع می‌رسد.

به لیوتنان بولاك متعلق به دستهٔ سوار هندی و دستهٔ قشون او کـه از اهواز بـه اصفهان می‌رفتند، شب ۲۷ و ۲۸ اکتوبر کهکلوئیها [= کهگیلویه‌ای‌ها] و بختیاریها زده و اموالشان را بردند. خود لیوتنان بولاك و ملازم هندی او و دو نفر از قاطرداران، مجروح شدند. ملازم هندی او از زخمهای خود مرد، لیکن باقی آن هیأت بـدون آنکه حادثهٔ دیگری رخ دهد، روز ۷ نوامبر وارد اصفهان گردیدند.

حکومت مرکزی تصمیم نموده‌اند که سردار اشجع را به‌جای حکمران حالیه بفرستند.

یـزد

سردار فاتح حکمران جدید، روز ۷ نوامبر وارد یزد شد.

نایب‌حسین و ماشاءالله پسر او، که وقتی تهدید می‌نمودند در اردکان با سردار فاتح مخالفت خواهند نمود، همینکه سردار فاتح نزدیك شد، یزد را تخلیه نموده و به کاشان مراجعت نمودند. تجار و سایر مردم که زمانی‌که نایب‌حسین شهر را اشغال نموده بود، به قنسول‌خانه پناهنده شده بودند، به مدت کمی پس از حرکت نایب‌حسین، از آنجا خارج شدند.

شیراز

راه عمده از شیراز به بوشهر در مدت چهار هفتهٔ اخیر برای دستجات مسافری که با مستحفظین زیاد حرکت می‌کردند، امن بود. دستهٔ اروپاییها و اجزاء دستهٔ سوارهٔ هند مرکزی که مریض بودند و در ۲۴ اکتوبر از شیراز حرکت نمودند، بدون آنکه حادثه‌ای رخ دهد، به بوشهر وارد شدند.

یك اسکادران سوارهٔ هند مرکزی که روز ۵ اکتوبر [۱۲ مهر؛ ۲۳ شوال] حرکت کردند، روز ۲۲ به شیراز وارد شدند.

کرمان

عدهٔ کثیری از اهالی شهر بابك، که شهر عمدهٔ سیرجان است، تازگی برضد امیر امجد نایب‌الحکومهٔ آنجا قیام نمودند و از غیاب موقتی او استفاده نموده، دروازه‌ها را به روی او بسته و از شناختن وی به ایالت امتناع ورزیدند.

ایالت کرمان همینکه این خبر را شنید، قشونی به‌سرکردگی سردار نصرت به‌معاونت امیر امجد، به سیرجان فرستاد.

به قرار راپورتهای اخیره، بین سیرجانیها و عساکر دولتی جنگ به وقوع رسیده، لیکن جزئیات جنگ مذکور به دست نمی‌باشد.

کرمانشاه

اگرچه سالارالدوله از ناحیهٔ کرمانشاه خارج شده و دور خود کسی را ندارد، در حدود کرمانشاه ناامنی برقرار است.

خود شهر آرام است لیکن مردم از آتیه اطمینان ندارند چرا که در صورتی‌که حکمران قشون مکفی نداشته باشد، نمی‌تواند در حدود شهر امنیت برقرار دارد.

قنسول اعلیحضرتی راپورت می‌دهد که پولی که برای قراولان راه گرفته می‌شود، بسیار زیاد است و به تجارت که بسیاری از آن راجع به انگلیسی‌ها است، از آن بابت

خسارت وارد آمده است.

نمره ـ ۴۷۶

مکتوب مس والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ نوامبر۱ ۱۹۱۲ [۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

با کمال تأسف، راپورت می‌دهم که اوضاع شیراز ظاهراً بدتـر شده است و از روی دلیل باید بیم داشت از آنکه اغتشاشات سابق در بهار آتیه مجدداً عود نماید و شاید بدتر شود.

چنانچه [=چنانکه] بموجب تلگراف امروز خود جناب‌عالی را اطلاع دادم، صاحب‌منصب فرمانده ژاندارمری شیراز راپورت داده است که چون ایالت به ایفای مواعید خود در باب بنای قلاع در راه بین زرقان و شیراز موفق نشده است، او مجبور شده است ژاندارمهایی را که در زرقان قرار داده بود، عودت دهد.

من به‌هیچ‌وجه از این اقدام به قهقرا تعجبی‌ندارم چونکه پس از ورود مخبرالسلطنه به شیراز، همینکه برای فرستادن ژاندارمری بدان نقطه اقدام شد، من پیشگویی‌نمودم که این کار زود و بی‌موقع است و قوهٔ ژاندارمری در شیراز مکفی نمی‌باشد که این کار را به عهده گیرد.

از قرار معلوم، به واسطهٔ مخالفت ایلیات نیز انجام و اجرای کلیهٔ [امور] ژاندارمری بین شیراز و کازرون صورت نگرفته است و ایالت هم نتوانسته است از محل تفنگچی بدهد. از قرار معلوم، در گرفتن افراد برای ژاندارمری هم به اشکال برخورده‌اند.

به هیچ وجه غیرمحتمل نیست که ژاندارمهای راه جنوب شیراز را نیز عودت بدهند و این مسأله اسباب بدبختی است که قبل از آنکه این قشون قوائی حاصل نماید، دست به کار زدند. اگر ژاندارمهای جنوب شیراز را نیز عودت دهند، البته عودت آنها لزوماً بر اقتدار ایالت و ژاندارمری لطمه خواهد زد و البته بایـد از این پیشامد متأسف بود.

مخبرالسلطنه همینکه وارد شد، در اصلاح امور مختلفهٔ متضاده ظاهراً موفق گردید و زمانی چنین به نظر می‌آمد که او بتواند اوضاع بهتری بوجود آورد و اگرچه مستر اسمارت شك و شبهه داشت از اینکه اقدامات او آخرالامر نتیجهٔ حقیقی خیلی خوبی داشته باشد، عقیدهٔ من بر این است که ایالت با کمال استقامت برای اعادهٔ امنیت و اصلاح امور مساعی بکار برده لیکن از همان ابتدا عدم پول کار را بـرای او مشکل ساخته است و مساعی او را خنثی نموده و او را مانع از ایفای وعده‌های خود نموده است. رؤسای رقیب ایلات از فقر خزانهٔ او استفاده نموده و بتدریج از دوستی و رفاقت خود کاسته و در کمك و همراهی سست شده‌اند و یحتمل کمك و همراهی که سابق می‌نمودند، به امید پول بوده است.

---

۱) اصل: دسامبر ـ که با توجه به قرائن گویا اشتباه چاپی است و اصلاح شد. ـ م.

باید امیدوار بود که همراهی مالی که دولت اعلیحضرتی می‌خواهند بکنند دیر نشود که مخبرالسلطنه بتواند حکومت خود را مستحکم نموده و قشونی تشکیل دهد که در صورتی‌که تشکیل نشود، برای او به هیچ وجه فایده ندارد که در صدد وصول مالیاتها برآید و مقام خود را محترم نماید.

مخبرالسلطنه برای من پیغام فرستاده که چون پول نمی‌رسد، باید استعفاء نماید.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۴۷۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۵ محرم ۱۳۳۱]

حادثهٔ شیراز

در تلگرافات سابق خود، جزئیات اخباری که از منابع انگلیسی از شیراز رسید، راپورت داده شده است. دولت ایران راپورتی را که در این باب، ایالت برایشان فرستاده است برای من فرستاده‌اند. مطالب مهمهٔ آن راپورت تماماً با راپورتی که از منابع انگلیسی رسیده مطابق است، لیکن این مسأله را مکشوف می‌کند که قافله حرکت کرده بوده که ماژور کتل‌ول از وجود آن بکلی بی‌خبر بوده است.

بموجب راپورتی‌که ایالت داده است، به‌خوبی واضح می‌شود که سارقین از عبور ۱۰۰ نفر سربازان ایرانی و ۳۰نفر ژاندارم و ۱۰ نفر توپچی با یك‌نفر صاحب‌منصب سوئدی و چند نفر از صاحب‌منصبان ایرانی مانع نشده و به عساکر انگلیسی حمله نمودند به خیال آنکه قشون مزبور برای حفظ قافله‌ای که آنها قصد حملهٔ آن را داشتند، حرکت کرده است.

مخبرالسلطنه می‌نویسد که سارقین بلاشبهه از طایفهٔ بوئراحمدی بودند و ۱۲ نفر از آنها مقتول شدند و تمام قاطرهای محمول به استثنای ۳ رأس آنها مسترد گردیدند. او نیز می‌گوید که جنگ تا ۵ ساعت طول کشید تا آنکه تاریکی شب و خستگی، ژاندارمها و سواران را مجبور نمود دست از جنگ بردارند.

من الحال به شیراز تلگراف می‌کنم و در این باب تحقیقات به عمل خواهم آورد و از بابت عدهٔ ژاندارمها و کم و کیف سوارهایی که جنگ کرده‌اند، کسب اطلاع خواهم نمود.

این مسأله واضح است که فقط کسی‌که مقتول گردید کاپیتان اکفورد بود، اگرچه به قراری که راپورت داده شد چهار نفر ژاندارم و یك‌نفر تفنگچی مجروح شد.

ایالت در صدد فرستادن قشونی به تعاقب راهزنان مذکور می‌باشد ولی برف گردنه‌ها اسباب اشکال هر قسم اقدامات نظامی خواهد بود و اوامر مؤکده برای حکمران بختیاری بهبهان و سردار جنگ فرستاده شده است که قشون معظمی از بختیاریها تشکیل داده و طایفهٔ بوئراحمدی را به سختی‌تنبیه نمایند و از دو طرف [به] آنها حمله خواهد شد.

از آن می‌ترسم که از این اقدامات نتایج رضایت‌بخشی به ظهور نرسد.

نمره ـ ۴۷۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۳ آذر ۱۲۹۱: ۵ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف امروز من:

من از روی زمینهٔ مطالب تلگراف ۱۲ دسامبر شما، روز ۱۳ دسامبر مکتوبی برای دولت ایران نوشتم. امروز جوابی برای من رسیده و کیفیت واقعه را به قرار راپورت ایالت توضیح نموده و وعده می‌دهند که به همین زودیها طریقه‌ای را که دولت ایران برای تنبیه مرتکبین و جبران این حادثه اتخاذ خواهند نمود، به ما ارائه خواهند نمود.

در این یادداشت دولت ایران اظهار تأسف فوق‌العاده از وقوع این حادثهٔ فجیعه نموده‌اند و صدراعظم و وزیرجنگ که مخصوصاً برای این کار از من ملاقات نمود، اظهار تأسف فوق‌العاده نمود.

نظر به اوضاع شیراز که از مدت‌زمانی به این‌طرف دوام داشته و به حملات مکررهٔ کوچکتر بر صاحب‌منصبان انگلیسی و اتباع آن دولت و وقوع حادثهٔ اخیره منجر گردیده است، عقیدهٔ قطعی من بر این است که هیچ چیز کفایت نخواهد کرد مگر آنکه مرتکبین طوری تنبیه شوند که عبرت سایرین شود.

دولت ایران خود را حاضر و مصمم تنبیه مرتکبین این قضیه می‌دانند و اوامر مؤکدهٔ لازمه داده‌اند که مرتکبین مزبور را بطوری سرکوبی دهند که در واقع آنها را معدوم نمایند.

من به دولت ایران اشعار نموده‌ام که نه فقط باید طایفهٔ مذکور تنبیه بشوند، بلکه کدخداهای دهاتی که در آنجا این حادثه رخ داده است، باید تنبیه سخت بشوند چرا که کدخداهای آن دهات البته از حضور این دستهٔ بزرگ سارقین اطلاع داشته‌اند.

بواسطهٔ سردی و سختی هوا مجبوریم که دوسه‌ماهی به دولت ایران مهلت بدهیم که بتوانند اقدامات خود را به انجام رسانند. اگر نتوانند اقدامات مذکوره را به انجام برسانند، عقیدهٔ قطعی من بر این است که اقدامات برای تهیهٔ قشونی بشود که بدانجا فرستاده و اعادهٔ انتظامات بنماید و در صورت لزوم مرتکبین را در راه شیراز الی بوشهر تنبیه نماید.

نمره ـ ۴۷۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۷ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف غره و ۱۲ شهر جاری من، افتخار دارم که اینک سواد دو مراسله‌ای را که جنرال قنسول اصفهان نوشته و جزئیات حمله بر لیوتنان بولاك و همراهان او را در راه بین اهواز و اصفهان در ۲۸ آکتوبر و فوت مأمور خدمت

لیوتنان بولاك را در مریضخانه نوشته است لفاً ایفاددارم.

بنابر تعلیمات تلگرافی ۱۳ ماه جاری شما، من بـرای قتل مأمور خـدمت لیوتنان بولاك، یك هزار لیرا غرامت مطالبه نموده‌ام.

در باب اسباب‌هائی که از مسافرین غارت شده، من مسأله را به اطلاع صدراعظم رسانیده‌ام و او وعده داده است که به سردار جنگ که راه بختیاری سپرده به اوست، تلگرافاً [= تلگرافی] دستورالعمل دهد که برای استرداد آنها اقدامات مجدانه نماید. صمصام‌السلطنه بعلاوه اظهار داشت که در صورتی‌که سردارجنگ در این کار کوتاهی کند، باید مبلغی را که تقاضا شده است بدهد.

اگر از این کار نتیجهٔ مطلوبه حاصل نشد، من قیمت اموال مزبوره را از دولت ایران مطالبه خواهم نمود.

خیلی خوشوقت خواهم شد اگر به من تعلیم بدهید که آیا باید صورت علیحده برای دولت ایران بفرستم و مبلغی برای جبران مطالبه نمایم ـ چنانچه در ماه ژانویهٔگذشته، در مورد حملهٔ بی‌مقدمه بر مستر اسمارت در موقعی که [از] همین راه بـه رضایت دولت اعلیحضرتی و اطلاع مأمورین محلی سفر می‌کرد، مبلغی مطالبه شد؟

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمرهٔ ۴۷۹

مکتوب گریهم، جنرال‌قنسول، به سر والتر تنلی

اصفهان ۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۷ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۸ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

در تعقیب مراسلات و مکاتبات سابقه، در موضوع حمله‌ای که بـر لیوتنان بولاك (۲۷ سنجابیها) و همراهان او، در موقعی که از اهواز به اصفهان می‌رفتند، روز ۲۸ ماه گذشته، در سردآب به وقوع پیوست، افتخار دارم سواد راپورت مفصلی را کـه دیروز مستربولاك به‌من‌داد، به‌انضمام‌تصدیق‌نامه‌ای که‌دکترمرابل [= مارابل؟] ازبابت صحت گلاب‌خان سپاهی (۲۷ سنجابیها، مأمور خدمت مستر بولاك که در مریضخانهٔ دعاة مسیحی تحت معالجه است) به من داده است، لفاً ایفاد دارد. و نیز سواد مراسلاتی را که در این موضوع، با سردارجنگ رد و بدل شده لفاً ایفاد می‌دارم.

از قراری که فهمیده‌ام، از چند هفته به این طرف، قوافل مال‌التجاره و مسافرین، بدون اینکه کسی در راه به آنها مزاحم شود، ایاب و ذهاب می‌نمودند.

مسأله‌ای که طبعاً به نظر انسان می‌آید، این است که در صورتی‌که اموال زیادتری را سارقین می‌توانستند غارت نمایند، چرا باید دستهٔ غیر مهم مستر بـولاك را مورد حمله قرار دهند.

غیرمحتمل نمی‌باشد که نقشهٔ این حمله را بعضی از خوانین بختیاری که خواسته‌اند سردار جنگ را بی‌اعتبار کنند، کشیده باشند. من سواد این مراسلات و ملفوفات جوف را برای قنسول اعلیحضرتی مقیم اهواز می‌فرستم. (امضاء) گریهم

ملفوف دوم نمرهٔ ۴۷۹

راپرت لیوتنان بولاك در خصوص
حملهٔ ۲۸ اکتوبر نزدیك سردآب

قریب سه ساعت و نیم از ظهر گذشته روز ۲۸ آکتوبر، دستهٔ من که مرکب بود از خودم و سپاهی هندی آجودان و یك نفر نوکر ایرانی و دو نفر مکاری عرب، در راه بین شلیل[؟] و دوپلان که قریب سه‌فرسخ از دوپلان مسافت دارد، می‌رفتیم. تمام‌افراد این هیأت، پهلوی هم، از نقطه‌ای موسوم به سرداب در حرکت بودند. ما، شش رأس قاطر و دو رأس الاغ همراه داشتیم.

از سنگری قریب سیصد ذرع بالای سر ما، از طرف راست، غفلتاً شلیك شد. من به بالا نگاه کرده از بیست الی سی نفر را دیدم. تمام آنها مسلح [بودند] و اتصالا شلیك می‌کردند. دو نفر مکاریها هم با تفنگهای مارتین خود شلیك کردند و سعی داشتند قاطرها را برانند. طولی نکشید که یکی از آنها، با مأمور خدمت هندی من، مجروح گردیدند. من بطرف مأمور خدمت که یك طرف راه افتاده بود دویدم و همینکه دیدم کاری نمی‌توان کرد فریاد کرده به اعراب گفتم دست از شلیك بکشید.

بعد سارقین بطرف ما حمله نموده و لباسهای ما را بدر آورده و مکاری و مأمور خدمت مجروح را در راه انداخته باقی ما را محاصره نموده و ما را به طرف کوهی که از آنجا شلیك کرده بودند رانده و قاطرها و الاغها را با خود بردند. جعبه‌های غارتی خود را در آنجا باز نکرده و عجله داشتند که ما را به جایی ببرند که دور از نظر باشد و برای آنکه حرکت ما را بطرف بالای کوه تسریع نمایند، نوکر ایرانی مرا زده و ارسیهای او را از پایش بدر آوردند. ابتدا با من خوش‌رفتاری نمودند لیکن پس از مدت کمی یکی از سارقین نزد من آمده و با تفنگ خود مرا زد. من هم او را با مشت زده به زمینش انداختم. آن وقت سه چهار نفر مرا احاطه نمودند و من با آنها تا مدتی جنگ کردم و بعد سنگ بزرگی به من زده افتادم. قبل از آنکه بتوانم برخیزم، یکی از آنها با سر تفنگ خود به سر من زده و من قدری گیج شدم و خون از سرم جاری شد. بعد سعی کردم بدوم، پایم به مانعی برخورده افتادم. وقتی که افتاده بودم سارقین سه چهار سنگ بزرگ بر من زدند. بعد مرا تا دو میل برده در وقتی که هوا تاریك بود، تمام آنها پهلوی نهر آبی توقف نمودند. در اینجا سه نفر رعیتی را که سارقین روز قبل در سرداب گرفته بودند دیدم. در آنجا با سارقین مشورت می‌کردند که با ما چه کنند. بعضی از آنها می‌گفتند که این شخص فرنگی است و باید او را کشت و تفنگ خود را به من نشانه می‌نمودند. آخرالامر تمام رفتند و قاطرها و الاغها را برده و ما را به حال خود گذاردند.

هوا بسیار سرد بود. در موقع کشمکش، ارسی و جوراب مرا از پایم بدر آورده‌بودند و چیزی که برایم باقی مانده بود، یك پیراهن نازك خاکی بود و یك شلوار سواری خون‌آلود. یکی از اینها کبریت همراه داشت و ما در تمام شب آتش روشن نموده و

همینکه آفتاب طالع شد، شروع به حرکت نمودیم و تصور می‌کـردیم بطرف دوپلان می‌رویم. من شخصاً با نوکرم و مکاری با هم می‌رفتیم. نمی‌دانم بر سه نفر ایـرانی دیگر چه واقع شد.

پاهای ما از سنگ و خار مجروح شد و نزدیك بود که بکلی بی‌حال شویم که بعضی از اهل گندمکار ما را دیده و به خانهٔ خود بردند و به ما غذا داده جراحات مـا را شستند. دو روز بعد قاطرها از دوپلان رسیدند و مکاری دیگر با مأمور خدمت هندی که قافلهٔ دیگر آنها را روز بعد از حمله حرکت داده بود، وارد شدند. هر دو پایشان مجروح شده بود.

من قاصدی از گندمکار برای جنرال قنسول مقیم اصفهان فرستاده و او را از قضیه مطلع ساختم و به علت فرستادن این قاصد، دو روز بعد دستهٔ سواری بـا قاطرهـای سواری برای ما به دوپلان رسید و ما با اینها تا خانهٔ مرتضی‌قلی‌خان که پنج فرسخ مسافت داشت، رفتیم و در آنجا دو روز ماندیم و از ما پذیرایی کامل نمودند.

از این نقطه، مأمور خدمت با دو نفر مکاری، سوار قاطر به اصفهان رفتند و خود من با نوکر ایرانی با درشکه به مقر سردار جنگ رفته، یك روز در آنجا ماندیم و با کمال محبت از ما پذیرایی نمودند و من راپورت وقایع[1] را به سردار جنگ دادم. در این نقطه دسته‌ای سوار دیگر، با آذوقه و لباس و دوا از اصفهان رسیدند و اینها را سردار ظفر حسب‌الخواهش[2] جنرال قنسول فرستاده بود.

ما بعد به طرف اصفهان حرکت کرده و سه روز بعد به آنجا رسیدیم (۷ نوامبر) و نزد مستر گریهم، جنرال قنسول رفتیم.

مأمور خدمت من با دو نفر مکاری، همان روز وارد شده و فوراً به مریضخانهٔ دعاة مسیحی رفتند که زخمهایشان را معالجه کنند.

در باب تفنگچیها یا قراولان راه لازم است بگویم که فقط در یك مورد آنها را مشغول قراولی دیدم و در قراولخانه‌ها دور مسافرین و عابرین جمع می‌شوند و انعام مطالبه می‌کنند و اگر داده نشد برای شخص مسافر اشکال فراهم می‌آوردند.

ملفوف سوم نمرهٔ ۴۷۹

راپورت دکتر مرابل

گلاب‌خان که حالیه در مریضخانهٔ دعاة مسیحی در اصفهان است، از زخم گلوله که به استخوان رانش خورده، بستری است. این گلوله در جلو مفصل، از پهلوی استخوان ران گذشته و از قسمت سفلای مثانـه عبور نموده و از مفصل استخوان ران طـرف دیگر بیرون آمده است. زخم او اگرچه سخت است، فعلا خطرناك نمی‌باشد.

(امضاء) مرابل در مریضخانهٔ اصفهان

---

۱) اصل: واقع. ـ م.

۲) چنین است در اصل. ـ م.

ملفوف چهارم نمرهٔ ۴۷۹

مکتوب گریهم، جنرال قنسول، به سردار جنگ

۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۷ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۸ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

افتخار دارم اینك ترجمهٔ راپورت مورخهٔ ۲۸ اکتبر را که دیروز صبح لیوتنان بولاك برای من نوشته و در خصوص حمله‌ای که در شب ۲۷ و ۲۸ اکتوبر در نزدیکی سرداب به او و قافلـه‌اش شد شرح داده است، لفاً ایفاد دارم و نیز سواد اظهاراتی را کـه علی‌اکبر گندمکاری، همان قاصدی که مکتوب لیوتنان بولاك را برای من آورد، در حضور من نمود، لفاً ارسال می‌دارم.

به وصول راپورت فوق‌الذکر، من فوراً مطالب را به سفیر اعلیحضرتی تلگرافاً [= تلگرافی] خبر دادم و جناب سردارظفر را نیز از این واقعه مستحضر داشتم.

دیشب از طرف جناب سفیر برای من جواب رسید که با سردار ظفر مشورت نموده هرگونه اقدامی که برای معاونت لیوتنان بولاك لازم باشد، به موقع اجراء بگذاریم.

جناب سردار ظفر امروز صبح مرا اطلاع داد که دیشب در این موضوع بـه شما نوشته و امروز هم مجدداً به شما خواهد نوشت. جناب معظم صلاح می‌داند که خود من نیز شرحی به شما بنگارم.

این مکتوب را دسته‌ای از سوارهای بختیاری که جناب سردار ظفر امروز صبح به دهکرد می‌فرستند، به شما خواهند داد. من به بزرگتر آنها یك مکتوب و یك کیسهٔ لاك‌کرده محتوی لباس و دوا و سایر ملزوماتی را که لیوتنان بـولاك خواسته بود، می‌فرستم و از جنابعالی خواهش می‌کنم که این کیسه و مکتوب را بفرمایید به لیوتنان بولاك برسانند.

لیوتنان بولاك از من خواهش کرده بود پول برایش بفرستم ولی بنابـر نصیحت سردارظفر، در عوض آنکه خودم این کار را بکنم، از جناب‌عالی خواهش می‌کنم که هرقدر پول لازم داشته باشد به او بدهید و بـه وصول رسید پول از طـرف لیوتنان بولاك، من وجهش را خواهم پرداخت.

این مطلب را نیز عرض می‌کنم که سفیر اعلیحضرتی در تلگراف فوق‌الذکر خود می‌گوید که به خوانین بختیاری اعتماد دارد که اقدامات لازمه برای تنبیه مقصرین و استرداد اموال مسروقه خواهند نمود.

امیدوارم که جناب‌عالی بزودی ترتیبی خواهید داد تا آنکه من از بابت استرداد اموال مسروقه و تنبیه مرتکبین، به جناب سفیر راپورت بدهم.

اصفهان دوم نوامبر ۱۹۱۲ [۱۰ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۱ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

ملفوف پنجم نمرهٔ ۴۷۹

مکتوب سردار جنگ به گریهم، قنسول جنرال

مکتوب دوم نوامبر شما واصل گردید. از حادثه‌ای که برای مستر بولاك رخ داده، بسیار متألم شدم. از زمان ورود به خاك بختیاری تاکنون من مشغول تنظیم و تأمین

راه قافله‌رو بوده و در تمام نقاط به قدر کفایت قراول گذارده‌ام که اتصالا همراه قوافل و مسافرین می‌روند. بدبختانه این حادثه در سردآب نزدیك دوپلان به وقوع پیوست و این نقطه چون امن و محفوظ بود. قراولان به امنیت آن اطمینان نموده و همراه آنها نرفته بودند.

به وصول اخبار، من فوراً عده‌ای سوار و مبلغی‌پول با چند رأس قاطر باری فرستادم و مستر بولاك و دستهٔ او بر آنها سوار شده و قبل از وصول مکتوب شما آمدند و کسانی که از جانب من در پل دوپلان‌بودند، از آنها مواظبت و پذیرایی نموده و بعد آنها را نزد مرتضی‌قلی‌خان به شلمزار فرستادند و در آنجا مرتضی‌قلی‌خان کمال مواظبت را از آنها نموده و خود او آنها را به دهکرد آورد.

چون مستر بولاك میل وافر داشت که هرقدر زودتر به اصفهان برود، من مبلغ کمی برای مصارف آنها دادم و مستر بولاك را با درشکه و همراهان او را با قاطر فرستادم. امیدوارم که بزودی وارد شوند.

مکتوبی هم به سهام‌السلطنه برادرزادهٔ خود نوشته‌ام که با عدهٔ زیادی به طرف خاك کهکلوئیه [=کهگیلویه] حرکت کرده و مرتکبین این حمله را تنبیه سخت بنماید. امیدوارم مجداً ۱ و به همین زودیها تنبیهات لازمه [را] در حق مرتکبین مجری‌داشته و اسبابهای مستر بولاك را از آنها مسترد خواهد داشت.

شما مطمئن باشید حتی اگر رفتن خود من هم لازم باشد، خواهم رفت و آنها را طوری تنبیه خواهم کرد که بعد از این جرأت ورود به خاك بختیاری را نداشته باشند.

دهکرد ۴ نوامبر ۱۹۱۲

ملفوف ششم نمرهٔ ۴۷۹

مکتوب گریهم، جنرال‌قنسول، به سردار جنگ

در باب حملهٔ روز ۲۸ اکتوبر بر مستر بولاك در سردآب، افتخار دارم که وصول مراسلهٔ شما را که امروز صبح رسید و در جواب مراسلهٔ ۴ نوامبر من نوشته بودید، اطلاع داده و برای کلیهٔ اقداماتی که جناب‌عالی بموجب مراسلهٔ خود برای‌تنبیه مرتکبین حمله و استرداد اموال مستر بولاك نموده و می‌نمایید اظهار تشکر بنمایم.

از قراری که لیوتنان بولاك می‌گوید، او صورت اموال خود را در دهکرد به شما داده است. الحال صورت دیگری را که مستر بولاك، برحسب خواهش۲ من نوشته، لفاً ایفاد می‌دارم. در این صورت قیمت تخمینی اسبابهای خود را مبلغ ۱۲۶ لیرا و ۱۶ شیلینگ نوشته که ششصد و هشتاد و چهار تومان و هفت قران و یك عباسی می‌شود. سیاههٔ دیگری هم برای اسبابهای مأمور خدمت خود گلاب‌خان، نوشته است که مبلغ آن پنجاه و یك تومان و هشت قران و نهصد دینار می‌شود و قیمت اسبابهای میرزا

---

۱) اصل: مجدداً. ـ م.

۲) اصل: حسب‌الخواهش. ـ م.

اسمعیل نوکر او، هفتاد و یك تومان و یکهزار و ششصد دینار می‌شود. خود مستر بولاك مکتوبی به جناب‌عالی و جناب مرتضی قلی‌خان نوشته است و از اظهار محبت جنابان عالی اظهار تشکر نموده است. من هم از جناب‌عالی استدعا می‌کنم که تشکراتم را قبول فرمایید.

ملفوف هفتم نمرهٔ ۴۷۹

مکتوب گریهم، جنرال قنسول، به سر والتر تنلی

اصفهان ۱۱ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۹ آبان ۱۲۹۱: یکم ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

در تعقیب مراسلات و مکاتبات سابق، در موضوع حمله به مستر بولاك و دستهٔ او در ۲۸ اکتوبر، اکنون افتخار دارم که سواد تصدیقنامهٔ فوت سپاهی گلاب‌خان، مأمور خدمت مستر بولاك را که به امضای دکتر مرابل رسیده است، لفاً ایفاد دارم.

در صورت اسبابهایی که از قرار مذکور از میرزا محمد اسمعیل نوکر مستر بولاك به سرقت رفته و مبلغی که او نوشته است، ۷۷ تومان و ششهزار و ششصد دینار است و مبلغ ۷۱ تومان و یکهزار و ششصد دینار که در صورت ۹ ماه جاری نوشته شده بود و جوف مکتوب همان تاریخ ارسال شده بود، اشتباه است.

اکنون سواد این مراسله را با سواد ملفوفات برای ویس‌قنسول اعلیحضرتی مقیم اهواز می‌فرستم.

(امضاء) گریهم

ملفوف هشتم نمرهٔ ۴۷۹

سپاهی گلاب‌خان، مأمور خدمت مستر بولاك، روز ۱۱ نوامبر [۱۹ آبان ۱۲۹۱؛ یکم ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰] در مریضخانهٔ دعاة مسیحی در اصفهان وفات نمود.

علت مرگ او ضعف قلبی بود که پس از ذات‌الریه و ورم صفاق و با[1] عارض شد و علت مرض او زخم گلوله بود که مثانهٔ او را مجروح ساخته بود و بموقع معالجه نشده بود.

(امضاء) مرابل جراح مریضخانهٔ دعاة مسیحی در اصفهان

اصفهان ۱۱ نوامبر ۱۹۱۲

نمره ـ ۴۸۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۷ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم شرح حرکات اخیرهٔ عساکر روس را در شمال ایران به قراری که

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

ویس‌قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت راپورت داده، به عرض برسانم.

در دوم ماه نوامبر ۲۰۰ نفر قزاق با هشت واگن و چهار عرابه محتوی مهمات جنگی و آلات و ادوات نظامی از رشت به طرف قزوین حرکت داده شد.

قریب همان وقت، چند شب متوالیاً عده‌ای غیرمعلوم شبانه از قزوین با اتومبیل و ۲۴ عرابه محتوی آلات و ادوات و مهمات جنگی وارد شد.

قریب غرهٔ نوامبر، ۶۰ نفر قزاق با ۳ نفر صاحب‌منصب از طالش به رشت مراجعت نمودند و در بزر که تا رشت دو میل مسافت دارد و در امتداد راه پیربازار واقع است، اردو زدند.

در پنجم نوامبر ۱۶۰ نفر قزاق به طرف روسیه رفتند و قزاقهای دیگر، به جای آنها آمدند. از قرار معلوم قزاقهایی که رفتند، با آنهایی که در بزر بود ملحق شده و ۱۵۰ نفر در ۱۱ نوامبر به طرف طالش حرکت کردند. یکصد نفر قزاق دیگر با دو نفر صاحب‌منصب روز ۲۸ نوامبر به طرف طالش رفتند.

در ۱۱ نوامبر ۴۵ نفر پیاده‌نظام روس از قزوین به رشت وارد شد و روز ۲۱ نوامبر به طرف روسیه حرکت کرد. روز ۲۷ نوامبر ۲۰۰ نفر پیاده‌نظام و چند نفر قزاق از روسیه به انزلی وارد شد ولی قنسول روس مقیم رشت، روز ۳ نوامبر مستر ورال را اطلاع داد که آنچه را تاکنون در عدهٔ عساکر کم یا زیاد شده، از قشون یك محل به محل دیگر انتقال داده شده است و نیم اسکادران از قزوین هم، مقرر شده‌است به مرکز قفقاز بروند.

کفیل قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز، در تاریخ ۲۴ نوامبر راپورت می‌دهد که رژیمانی که به خوی فرستاده شده بود، به‌جای آن ده دسته از رژیمان ۸۱ آپشرن (قریب ۷۰۰ نفر) که از آنجا آمده بود، فرستاده شد.

یکی از اقدامات اولیهٔ کلنل جدید که فرمانده قشون تبریز است، این بود که دارهای روسی را که در ارك نصب نموده بودند، برداشت.

(امضاء) والتر تنلی

مجدداً عرض می‌کنم که رئیس بانك شاهنشاهی در قزوین، در ۲۷ نوامبر راپورت داد که قزاقهایی که بکلی عودت داده شده بودند، الحال به اضافهٔ ۳۲۵ نفر مراجعت نموده‌اند. به نظر او تازگی عده‌ای صاحب‌منصب روس هم وارد شده‌اند.

جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد، راپورت می‌دهد که عساکر روس که در قره‌سو اردو زده بودند، به استراباد مراجعت کرده‌اند.

نمره ـ ۴۸۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۵ ذی حجهٔ ۱۳۳۰]

آقا

چون راپورتهای عدیده در این تازگی از بابت اوضاع امور کرمانشاه و دور و

حوالی آنجا برای من رسیده که تجارت تقریباً بکلی مقطوع گردیده است، من دیروز بطور سخت در این باب به وزیر امور خارجه اظهاراتی نمودم و اشعار داشتم که راه از بغداد الی کرمانشاه یکی از راههایی است که برای وارد نمودن مال‌التجارهٔ انگلیس در ایران مفتوح است و اغتشاشاتی که راپورت داده شده، خسارت بسیار بر تجارت انگلیس وارد کرده است.

علاءالسلطنه در جواب گفت که عدم پول علت تمام این اغتشاشات می‌باشد و خزانه‌داری می‌گوید که نمی‌تواند برای حکمران پول بفرستد و چون پول خیلی لازم دارد و نمی‌رسد، استعفای خود را به دولت علیه تقدیم نموده است.

من در جواب اظهار داشتم که مسیو مرنارد تا اندازه‌ای حق دارد زیاد بر این، پول برای فرمانفرما نفرستد، چرا که نمی‌داند این پول را به مصرف صحیح خواهد رسانید یا نه.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۴۸۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۸ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۵ دسامبر من:

دیشب از طرف دولت ایران مکتوب دیگری برای من رسید و شرح اقداماتی را که حکومت مرکزی و ایالت فارس برای تنبیه مرتکبین حمله‌ای که منجر به قتل کاپیتان اکفورد گردید، نموده‌اند نگاشته بودند. از جملهٔ اقدامات مذکور یکی اعزام قشونی است که مرکز خود را در کازرون قرار داده که حکومت بهبهان و رؤسای بختیاری و حکومت اصفهان هم به آنها کمك خواهند کرد. دولت ایران اظهار امیدواری نموده‌اند که در ظرف یك ماه، مرتکبین حمله‌به‌اسمارت و حملهٔ‌اخیر دستگیر و تنبیه خواهندشد.

وزیر امور خارجه که من او را امروز ملاقات خواهم کرد، از من مخصوصاً خواهش نموده است که فوراً شما را از اقداماتی که برای تنبیه سارقین که حالیه ۳۰۰ نفر سوار به تعاقب آنها حرکت کرده است، مستحضر بدارم.

واضح است که برای تنبیه مقصرین اقدامات مجدانه می‌شود لیکن این موسم مقتضی این کار نیست و نمی‌توان انتظار داشت که یك ماه برای انجام این مقصود کافی باشد. از آن می‌ترسم که مبادا مأمورین مختلفه که به آنها امر شده است متفقاً اقدام بنمایند، طوری اقدام ننمایند که موفقیت حاصل گردد.

از قرار معلوم، ایالت قصد دارد حتی‌المقدور برای جبران کوشش نماید و قنسول انگلیس مقیم شیراز تأکید می‌کند که باید به ایالت فرصت داد که نقشه‌های خود را تکمیل نماید.

نظر به کم و کیف واقعه شاید انصاف باشد که به ایالت برای ابراز کفایت او مهلت داده شود. اگر ایالت با قشون معظمی به سرکوبی اشرار موفق گردد، نفوذ

معنوی او مستقر گردیده و انتظامات عموماً اعاده خواهد شد.

نمره ـ ۴۸۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۸ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف امروز من:

وزیر امور خارجه همین حالا از منزل من رفت. جناب معظم‌له صمیمانه اظهار امیدواری نمود که دولت اعلیحضرتی به ایالت مهلت خواهند داد که اقدامات ایالت موفقیت حاصل خواهد نمود.

نمره ـ ۴۸۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۸ محرم ۱۳۳۱]

. صمصام‌السلطنه تلگرافاً [= تلگرافی] استعفای خود را به نایب‌السلطنه تقدیم‌نموده است. جواب نایب‌السلطنه هنوز نرسیده است. الحال محتمل به نظر می‌آید که کابینهٔ مقتدرتری به صدارت علاءالسلطنه تشکیل گردد.

نمره ـ ۴۸۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۸ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف امروز من:

از وزیر امور خارجهٔ ایران درخواست خواهد شد که به وزارت خارجه آمده و غرامت نقدی قتل کاپیتان اکفورد را به نام دولت ایران بدهد.

نمره ـ ۴۸۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۰ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل در ۱۹ دسامبر از قنسول شیراز رسیده است:

دیشب صحبت مفصلی با مخبرالسلطنه نمودم و او مرا مجدداً اطمینان داد که هرگونه اقدامات ممکنه برای دستگیری و تنبیه مقصرین شده و می‌شود.

از قراری که می‌گوید، او یك نفر آدم درستکاری را با عدهٔ قلیلی سوار به اردکان[1] و جاهای دیگر فرستاده است و آن شخص جداً در صدد کشف سارقین و اموال مسروقه می‌باشد. به‌علاوه، دریابیگی فوراً به طرف کازرون حرکت خواهد کرد و در آنجا قریب ۶۰۰ نفر از اهل محل، جمع‌آوری خواهد کرد و در کمارج نیز عده‌ای بر آنها افزوده

---

۱) اصل: باردکا. ـ م.

خواهد شد.

این دو قوه دو تکلیف دارند: اولا راه را برای قوافل محافظت نمایند و مخصوصاً دستهٔ ژاندارمری را که به همین زودیها بـا اسلحه و مهمات از بـوشهر مراجعت می‌نمایند. ثانیاً آنکه هر زمانی که ایالت تهیات را مکفی و کامل بداند، اقدامات‌سخت برعلیه [=علیه] محمدعلی‌خان کشکولی خواهند نمود. ایالت با صولت‌الدوله نیز در این باب مذاکره می‌نماید و از او هم منتظر همراهی می‌باشد.

محتمل نیست که از این اقدامات نتیجهٔ قطعی به ظهور رسد ولی در هر صورت قصد انجام این اقدامات، بطور عموم، خوب است و اگـر در آتیه ایالت تهیهٔ تشکیل قشون منظمی ببینند، می‌توان امیدوار شد به اینکه تا اول بهار قوت او به اندازه‌ای خواهد بود که اقدامات قاطعی برضد محمدعلی‌خان و مرتکبین حملهٔ اخیر بنماید. (ایالت محمدعلی‌خان را یکی از مقصرین عمده می‌داند).

ایالت به من اظهار داشت که بودجهٔ مصارف خود را که ۱۵،۰۰۰ لیرا می‌شود، تهیه نموده و به همین زودیها به من ارائه خواهد داشت ولی گمان نمی‌کنم تا وکیل جدید مالیه از طرف مسیو مرنارد نرسد، پیشرفتی در هیچ قسم مسائل مالیه امکان داشته باشد.

در همان تاریخ، تلگراف دیگری هم از قنسول شیراز رسیده است:

در باب کشف سارقین در عرض چند روز اخیر، از منابع مختلفه در این باب برای من اطلاعات رسیده است و تمام مخبرین در این مسأله متفق‌اند که در جزو سارقین عده‌ای هم از طایفهٔ ممسنی بوده‌اند و صورت اسامی اشخاص عمده که در این کار شرکت داشته‌اند، دارم. و از قرار تقریر ایالت، امکان دارد که طایفهٔ بوئراحمدی نیز در این کار شرکت کرده باشند، ولی مسلم است که ممسنیها با آنها همراهی کامل نموده‌اند و به همچنین، قشقائیها نیز با آنها همدستی داشته‌اند.

من دیشب در این باب با ایالت مذاکره نمودم و عقیدهٔ او نیز این است که ممکن و در حقیقت محتمل است که به‌علاوهٔ بوئراحمدیها، در این جماعت عده‌ای از ممسنیها و سایر ایلات بوده‌اند.

در هر صورت، او مایل تنبیه محمدعلی‌خان و دستگیری مرتکبین حمله به اسمارت می‌باشد و این کار را اولین اقدام پروگرام خود قرار داده است. وقتی که این کار تمام شد، اقدام در مورد سایر مقصرین خواهد بود.

به من اطلاعات موثقه رسیده که دو نفر از سارقین مقتول و سه نفر مجـروح گردیده‌اند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۴۸۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۰ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۰ نوامبر من:

اکنون با سالارالدوله در باب حقوق ۱۲،۰۰۰ تومان مذاکره در میان است که تمام اموال شخصی او را که ضبط شده مسترد دارند و در کمال بی‌طرفی مسألهٔ املاکی [را] که در مالکیت آنها گفتگو است تمام کنند و بگذارند شاهزاده در طهران بماند، لیکن فعلا به حکومت محلی منصوب نشود. سالارالدوله به این شرایط رضا نداده است.

دولت روس تصور می‌کنند که شرایط مذکوره از روی انصاف مقرر شده و به قنسول روس مقیم استراباد تعلیم داده شده که به سالارالدوله بگوید اگـر شرایط مذکور را قبول ننماید، دولت روس نفوذ خود را بکار خواهد برد که ترکمن‌هایی که دور او هستند، متفرق شوند.

نمره ـ ۴۸۸

مکتوب سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲ دی ۱۲۹۱؛ ۱۳ محرم ۱۳۳۱]

آقـا

سفیر ایران روز ۱۹ دسامبر به وزارت خارجه آمده سر ملت را از اقداماتی که دولت ایران در نظر دارند برای تنبیه بوئراحمدیها بنمایند مستحضر داشت.

سر ملت اظهار داشت که در این باب از طرف شما برای من اطلاع رسیده قتل یك نفـر از صاحب‌منصبان انگلیسی را در مملکتی که از بابت اوضاع آن مکـرراً اظهارات شده است، طبعاً دولت اعلیحضرتی یکی از مسائل مهمه می‌دانند.

سفیر ایران اظهار داشت که دولت ایران این مسأله را بخوبی درك می‌نمایند و مصمم اصلاح آن هستند و استدعا می‌کرد که برای انجام اقدامات مهلت داده‌شود.

(امضاء) گری

نمره ـ ۴۸۹

مکتوب سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲ دی ۱۲۹۱؛ ۱۳ محرم ۱۳۳۱]

سفیر ایران روز ۱۶ ماه جاری به این وزارتخانه آمده که حسب‌التعلیم از طرف دولت متبوعهٔ خود از بابت قتل کاپیتان اکفورد اظهار تأسف بنماید. مستر نارمن که از سفیر ملاقات نمود، از این اظهار تأسف، تشکر نمود.

از سفیر درخواست شد به خانوادهٔ کاپیتان اکفورد هم، همین‌طور اظهار تأسف بنماید و آدرس آن را خواست. (امضاء) گری

نمره ـ ۴۹۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۳ دی ۱۲۹۱؛ ۱۴ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل در ۲۳ دسامبر از قنسول شیراز رسیده:

در باب اقدامات نظامی برعلیه [=علیه] سارقین

دریابیگی روز ۲۲ با قریب یکصد نفر سرباز به طرف کازرون حرکت کرده، چنانکه راپورت دادم قشون دیگری در آنجا تشکیل خواهد داد.

نایب‌الایاله امروز صبح مرا اطلاع داد که به موجب اطلاعات اخیره خیال می‌کند که اگرچه اصلا دستهٔ‌سارقین از طایفهٔ بویراحمدیها مرکب‌بود، به‌تحریك‌محمدعلی‌خان، عده‌ای از ممسنیها به آنها ملحق شدند. این مطلب با اطلاعاتی که من از منابع دیگر بدست آورده‌ام مطابقت دارد.

اقداماتی که فعلا می‌خواهند برعلیه [=علیه] محمدعلی‌خان بنمایند، باید دو مقصود را انجام دهد: اول آنکه اشخاصی را که در حمله به اسمارت دخیل بوده‌اند دستگیر نموده و لااقل بعضی از مقصرین حملهٔ اخیر را تنبیه بنمایند.

نمره ـ ۴۹۱

طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۳ دی ۱۲۹۱؛ ۱۴ محرم ۱۳۳۱]

مالیهٔ فارس

نایب‌الایالهٔ فارس، از قنسول انگلیس استفسار نموده است که آیا مصارفی را که برای اقدامات نظامی می‌شود نمی‌توان از ۱۵،۰۰۰ لیرائی که دولت اعلیحضرتی مساعده داده‌اند برداشت؟

قنسول در جواب گفته است که این پول را مخصوصاً برای مصارف ایالتی داده‌اند و صحیح نیست به مصارف دیگر برسد و ارائهٔ طریق می‌نماید که بـه دولت ایران فشار آورده شود که وجوهات لازمه تهیه نمایند که مصارف تهیات نظامی از آن داده شود.

چون خزانه بکلی خالی است، خیلی مشکل است بتوان از حکومت مرکزی برای این مقصود پول بدست آورد و اگر در این باب اظهاری بشود، جواب خواهند داد که می‌توان قسمتی از ۱۵،۰۰۰ لیرا را صرف این کار نمود و هرگاه با این امر موافقت نشود، اسباب تأخیر اجرای اقدامات نظامی فراهم خواهد آمد.

چون اقدام برای تنبیه مرتکبین بسیار مطلوب است، من می‌خواهم ارائهٔ طریق بنمایم که بمجرد آنکه فهمیدیم تخمین مصارف اردوکشی چقدر است، باید مبلغی پول بدهیم اگرچه محتمل است که این پول هم تلف شود.

هرگاه دستورالعملی از طرف شما برسد، اسباب مسرت من خواهد گردید.

---

۱) چنین است. در اصل و مطلب شماره «دوم» ندارد. ـ م.

نمره ـ ۴۹۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۳ دی ۱۲۹۱؛ ۱۴ محرم ۱۳۳۱]

چنانچه در قسمت اخیر مراسلهٔ ۲۹ نوامبر خود ارائهٔ طریق نموده‌اید، باید مبلغ دیگری از دولت ایران مطالبه نمایید. لطف نموده راپورت دهید مبلغی که می‌خواهید[1] مطالبه نمایید چقدر است؟

اقدامی که در این مورد نموده‌اید صحیح است و به همچنین، اقدام گریهم جنرال قنسول را نیز تصویب می‌کنم.

نمره ـ ۴۹۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۴ دی ۱۲۹۱؛ ۱۵ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل دیروز از تبریز رسیده است:

در مکتوبی که امروز سپهدار برای من فرستاده، او مرا اطلاع می‌دهد که تمام طبقات اهالی تبریز تازگی اجلاساتی نموده و از کابینهٔ حاضره و اقدامات پلتیکی [=پلیتیکی] بختیاریها اظهار عدم رضایت نموده‌اند و به علاوه می‌گوید که اهالی حاضرند که اعتنائی به حکومت حاضره ننمایند، لیکن تغییر حکومت را در تحت صدارت سعدالدوله ترجیح می‌دهند. سپهدار در خاتمهٔ مراسلهٔ مذکور می‌گوید که مراتب فوق با عقیدهٔ شخص او موافقت دارد. گمان می‌کنم که مکتوبی شبیه به این هم، برای همکار روسی من رسید.

مسلم است که سپهدار و شجاع‌الدوله بانی و مؤسس هرگونه اجلاسی که منعقد شده است بوده‌اند. در اینها[2] احساسات اهالی طرفدار سعدالدوله نیست مگر عده‌ای از همراهان آنها.

از منبع صحیحی برای من خبر رسیده که تلگرافی از سعدالدوله برای سپهدار رسیده مشعر بر اینکه با یکدیگر متحداً اقدام بنمایند. پس از رسید این تلگراف، در خانهٔ سپهدار اجلاسی منعقد گردید و شجاع‌الدوله و سایر ارتجاعیون و نمایندگان اسمی تمام طبقات، حضور بهم رسانیدند. نتیجهٔ این اجلاس این شد که رأی به تقویت سعدالدوله داده شده و از قراری که فهمیده‌ام، روز ۱۷ دسامبر تلگرافی برای نمایندهٔ آذربایجان فرستاده شد. این مسأله واضح است که حضور سعدالدوله را در مملکت، آلت و بهانه برای انتریگهای ارتجاعی قرار می‌دهند.

---

۱) اصل: می‌خواهند. ـ م.

۲) چنین است در اصل. ـ م.

نمره ـ ۴۹۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۴ دی ۱۲۹۱؛ ۱۵ محرم ۱۳۳۱]

راه‌آهن محمره الی خرم‌آباد

اگرچه حالیه مشکل است کسی پیدا شود که با این ابهام و غیرمعلومی امور پلتیکی اقدام قطعی بنماید، لیکن فقدان پول ممکن است دولت ایران را مجبور سازد که در هر وقت، امتیاز خط‌آهن را امضاء بنمایند.

غیرمحتمل نیست که بتوان دولت را ترغیب نمود که امتیاز را به همین ترتیب حالیه امضاء نمایند. خیلی سؤالات و تحقیقات از بابت آن می‌شود و کسی نیست که جواب بگوید. اگر شخص کافی و لایقی نباشد که در باب جزئیات آن مذاکره کند، به نظر من، به هیچ وجه نمی‌توان انتظار اختتام مذاکرات را داشت.

با این ترتیبات، گمان می‌کنم بهترین طریقه این است که از دولت ایران تعهد کتبی گرفته شود که به سندیکا اجازهٔ احداث خط‌آهن مذکور داده شود و در باب شرایط آن فیمابعد، قرار بدهند.

چون به قرار اظهار دولت ایران، کسی‌که در این معامله ممکن است متحمل خطر و خسارات مالی شود خودشان خواهند بود، لذا لازم است که قبل از اعطای امتیاز از جزئیات به خوبی مستحضر گردند و از این سبب اعتراض دولت مشارالیها مسموع است.

نمره ـ ۴۹۵

طهران ۲۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۴ دی ۱۲۹۱؛ ۱۵ محرم ۱۳۳۱]

دیروز بعد از ظهر در منزل صدراعظم منظرهٔ غیرمحترمانه‌ای جلوه‌گر شد و خزانه‌دار به علت عدم پرداخت حقوق عقب‌افتاده مورد اعتراض تهدیدآمیز بختیاریها واقع شد.

واضح است که صدراعظم و وزیرجنگ از آنچه واقع شد واقف بودند و صدراعظم مسیو مرنارد را با تلفون به منزل خود احضار نمود.

سفارتین اعتراض سخت به صدراعظم نموده‌اند و او وعده داده است جبران این بی‌احترامی را بنماید.

وضع و رویهٔ بختیاریها ممکن است موجب اغتشاشات بشود و تا اندازه‌ای می‌ترسم از آنکه مبادا مصادمه بین آنها و ژاندارمها واقع شود.

در نظر دارم به خوانین اظهار بنمایم که هر قسم اغتشاشی که از طرف همراهان و بختیاریهای خودسر آنها بشود، موجب سلب حسن‌نیت دولت اعلیحضرتی از آنها خواهد شد.

نمره ـ ۴۹۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۶ محرم ۱۳۳۱]

آقـا

در باب مخابرات تلگرافی کـه در موضوع حادثهٔ تألم‌انگیز نـزدیك دشت ارجن [=ارژن] رد و بدل شده، افتخار دارم که اینك سواد بعضی مراسلاتی را کـه در تلگرافات فوق‌الذکر اشاره به آنها شده و من لازم ندانستم تلگرافاً [=تلگرافی] آنها را برای شما مخابره نمایم، ایفاد دارم.

خبر حملهٔ تأسف‌انگیز که منجر به قتل کاپیتان اکفورد شد، روز ۱۱ ماه جاری قریب ساعت هفت بعد از ظهر، در وقتی که من تازه از ملاقات وزیر امور خارجه در روز معمول پذیرایی او مراجعت نموده بودم، به من رسید و فوراً مستر اسمارت را به خانهٔ شخص وزیر امور خارجه فرستادم که او را از این خبر مستحضر بدارد.

وزیر امور خارجه بسیار متأثر گردید و از مستر اسمارت خواهش نمود که از من استدعا نماید که اظهار تأسف او را از بابت واقعه به شما ابلاغ نمایم.

او از اثراتی که ممکن بود از این خبر در لندن حادث شود، مخصوصاً پس از راپورت قتل یکی از مأمورین بلجیکی [=بلژیکی] در سرحد عثمانی و بلغار بسیار مضطرب بود ولی یحتمل امتحان شده و به دوستی ثابت دولت اعلیحضرتی اطمینان کامل داشت که رأی به اقدامی نخواهند داد تا آنکه تمام حقایق مسأله به تحقیق برسد و ملاحظات کامل در این موضوع بشود.

صبح روز بعد، علاءالسلطنه شخصاً از من ملاقات نموده و به نام خود و دولت‌ایران از وقوع این حادثه که منجر به قتل یکی از صاحب‌منصبان انگلیسی شد، اظهار تأسف فوق‌العاده نمود و اظهار داشت که [در] این موقع که دولت ایران می‌توانست امیدوار به آتیهٔ مشعشعی برای ایالت فارس شود، وقوع این حادثه بسی اسباب نگرانی است. جناب معظم مرا اطمینان داد که از هرگونه اقدامی برای کشف و تنبیه مرتکبین این حملهٔ جدید مضایقه و کوتاهی نخواهد شد و مجدداً صمیمانه اظهار امیدواری نمود که دولت اعلیحضرتی یك مرتبهٔ دیگر صبر و تحمل را از دست ندهند و به دولت ایران مهلت دهند که هرگونه اقداماتی را که برای سرکوبی[1] آنها مقتضی می‌دانند، به‌انجام رسانند.

من برای اظهار تأسفی که از طرف دولت ایران نمود، از وزیر امور خارجه تشکر نمودم و گفتم که مطالب او را به شما ابلاغ خواهم نمود که به دولت ایران مهلت داده شود که اقدامات خود را برای سرکوبی اشرار به موقع اجراء گذارند و به جناب معظم اشعار نمودم که این قضیه آن‌قدر مهم است که برای من امکان ندارد پیشگویی نمایم که دولت اعلیحضرتی چه اقدامی را در این مورد لازم خواهند دانست و جناب

---

۱) اصل: بر سرکوبی. ـ م.

معظم را متذکر نمودم که این قضیهٔ جدید یکی از حوادث متعدده‌ای است که دولت ایران از وقوع بعضی از آنها بی‌اطلاعند و وقـوع این حوادث معلوم می‌کند کـه مأمورین محلی فارس نمی‌توانند جان و مال اتباع خارجه را حفظ نمایند.

من بعلاوه اظهار داشتم بر من حتم است اگرچه دولت اعلیحضرتی بی‌میل به اقدام مجدانه در محل باشند، لیکن برای استقرار رویهٔ دوستانهٔ تاریخی بین خود و دولت ایران به هیچ وجه کوتاهی نخواهد شد و سپس مکتوبی را که سواد آن در جوف است، برای دولت ایران نوشته و در باب قضیهٔ مذکور راپورت دادم.

بمجرد وصول تلگراف ۱۲ شهر جاری شما، من مکتوب دیگری (که سواد آن در جوف است) برای دولت ایران نوشتم و دیروز علاءالسلطنه جواب آن را بـرای من فرستاد (ترجمهٔ آن در جوف است). در این مراسله خلاصهٔ تلگرافاتی‌که در این باب از طرف ایالت مخابره شده، مندرج است و سواد آن در جوف است و نیز مرقوم است که دولت ایران مکتوب دیگری برای من خواهند فرستاد و کیفیت جبرانی را که دولت مشارالیها حاضرند بنمایند، شرح خواهند داد.

یك نظر در راپورتی که مخبرالسلطنه داده است، بر ما معلوم می‌دارد که راپورتهای او چندان تفاوتی با راپورتهایی که قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز داده است (و من آنها را مفتخراً به وسیلهٔ تلگراف به استحضار جناب‌عالی رسانیدم) ندارد.

از راپورتهای ایالت هنوز درست معلوم نمی‌شود که آیا قافله‌ای هم در آن وقت حرکت کرده بوده یا نه و شاید مقصود از لفظ کاروان، قافله بوده است که اسباب و لوازم دسته‌ای را که برای شکار حرکت کرده بودند حمل نموده است.

در راپورت‌های مخبرالسلطنه اسمی از قافلهٔ کوچکی برده شده، مثل آنکه این قافله وقتی همراه سربازان و ژاندارمهای ایرانی که مربوط به دستهٔ عساکـر انگلیسی نبوده‌اند بوده و در موقعی دیگر[1]، با عساکر انگلیسی مخلوط شده‌اند.

ماژور کتل‌ول راپورت می‌دهد که در آن وقت او بـه هیچ وجه خبر نـداشت که قافله‌ای در راه بود و حال آنکه از تلگراف ۱۴ ماه جاری ماژور اکونر معلوم می‌شود که قافله‌ای در آن نقطه بوده است، اگرچه راپورت راجع به عدهٔ آنها مختلف است.

در هر صورت، این مسأله به‌خوبی واضح است که دستهٔ عساکر انگلیسی، حفاظت[2] قافلهٔ مذکور را نموده است. [ظاهراً اینها] همان قشون زیاد ایرانی بوده‌اند که از قرار معلوم، به مسافت کمی در جلو دستهٔ عساکر انگلیس حرکت کرده بودند.

از قرار معلوم، سارقین بدون مزاحمت این قافله را گذارده‌اند عبور کنند و به مجرد آنکه قاطرهای دستهٔ عساکر انگلیسی پدیدار گردیده‌اند، به آنها حمله‌نموده‌اند.

از راپورت ماژور اکونر درست معلوم نمی‌شود که در موقعی که به واسطهٔ شلیك اول سارقین، کاپیتان اکفورد مقتول گردید، چه واقع شد، اگرچه در این باب شرحی

---

۱) اصل: موقعی که. ـ م.
۲) اصل: مشغول حفاظت. ـ م.

در راپورت ایالت مسطور است و عدهٔ تلفات ژاندارمها که در آن راپورت مذکور است، صحیح نیست.

به قرار اطلاعات اخیره، از ژاندارمها کسی مقتول نگردید، لیکن چهار نفر از آنها مجروح شدند. شاید ژاندارمها که به مسافت کمی با یکصد نفر سربازان ایرانی جلو دستهٔ عساکر انگلیسی بودند، همینکه صدای شلیك را شنیدند، برای کمك عساکر انگلیسی مراجعت نمودند زیرا که مخبرالسلطنه اظهار می‌دارد که این جنگ تا پنج ساعت طول کشید و شب به اختتام رسید و تمام قاطرهایی که سارقین برده بودند به استثنای سه رأس، مسترد گردید و دو نفر از بویراحمدیها مقتول گردیدند.

برای کلنل ژاندارمری نیز از صاحب‌منصب فرمانده شیراز اطلاع رسیده که ژاندارمها نیز در این جنگ شرکت نمودند و راپورت می‌دهد که سربازان ایرانی همینکه صدای شلیك را شنیدند فوراً فرار نمودند. سواد دو مراسله که از کلنل یالمارسن رسیده و خلاصهٔ تلگرافات ماژور سیفورت را که از شیراز مخابره نموده در آن نوشته است، در جوف است.

چنانچه ملاحظه خواهید فرمود، ایالت بطور قطع می‌گوید که سارقین از طایفهٔ بویراحمدی می‌باشند و او اردوئی به تعاقب آنها فرستاده است و نیز ارائهٔ طریق می‌نماید که به حکمران بهبهان و رؤسای بختیاری و سردارجنگ و مرتضی‌قلی‌خان که فعلا در مالمیر هستند، اوامر فرستاده شده که برعلیه [=علیه] ایل مذکور اقدام بنمایند و دولت ایران اعتماد دارند که نتیجهٔ اقداماتی که برای سرکوبی آنها می‌شود، در واقع اعدام طایفهٔ بوئراحمدی که دائماً منشأ اغتشاش در راههای تجارتی اصفهان و یزد و کازرون بوده‌اند، خواهد بود.

من برای این اقدامات مجدانه که خواهد شد اظهار تشکر نمودم، لکن اشعار داشتم که در این موسم سال، اعمال و اجرای اقدامات مذکوره بی‌اندازه مشکل است و به‌عقیدهٔ من نه فقط مقصرین واقعی باید تنبیه شوند بلکه کدخداهای دهات در راه نیز، باید مجازات شوند چرا که حتماً آنها از حضور این عده راهزنان در حوالی دهات خود بااطلاع بوده‌اند و به مأمورین محلی خبر نرسانیده‌اند و لذا تقصیر دارند.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمرهٔ ۴۹۶

مکتوب سر والتر تنلی به علاءالسلطنه

طهران ۱۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲ محرم ۱۳۳۱]

حضرت اشرفا

با کمال تأسف توسط حضرتعالی به دولت ایران اطلاع می‌دهم که از قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز تلگرافی برای من رسیده، مشعر بر اینکه دسته‌ای مرکب از ۲۶ نفر سوار متعلق به سوارهٔ هند مرکزی که همراه ماژور کتل‌ول و کاپیتان اکفورد حرکت کرده بودند و برای شکار به طرف دشت ارجن [=ارژن] می‌رفتند، روز ۱۱

ماه جاری بین خان‌زنیان و دشت ارجن، دستهٔ بزرگی از ایلیاتیها تخمیناً ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر به آنها حمله نمودند. بدبختانه کاپیتان اکفورد مقتول گردید و یکی از سوارها کمی مجروح شد و نه رأس قاطر محمول بنهٔ رژیمان مذکور به غارت رفت. این هیأت به تصویب ایالت حرکت کرده بودند و در حدودی بودند که تحت حفاظت ژاندارمری است.

فعلا معلوم نیست که سارقین متعلق به کدام یك از طوایف بوده‌اند و راپورت دیگری راجع به این قضیه مؤلمه برای من نرسیده است.

من مراتب فوق را به اطلاع دولت اعلیحضرتی رسانیده‌ام و جلب توجه جدی حضرت‌عالی را به وقوع این حادثهٔ جدید در راه مهم تجارتی جنوب و به اینکه هیأت مزبور با اطلاع و تصویب ایالت، برای شکار حرکت کرده بودند می‌نمایم[1].

تا زمانی که تعلیمات از طرف دولت اعلیحضرتی نرسیده، تأکید می‌نمایم که باید فوراً عده‌ای را برای کشف مقصرین فرستاد و مرتکبین این حملهٔ متهورانه بر مسافرین بی‌تقصیر انگلیسی را تنبیه نمود.

من اطمینان دارم که حضرت‌عالی اهمیت این قضیهٔ بسیار مهم را بخوبی درك فرموده اقدامات فوری برای جبران کامل و مناسب، به موقع اجراء خواهید گذارد.

ملفوف دوم نمرهٔ ۴۹۶

مکتوب سر والتر تنلی به علاءالسلطنه

طهران ۱۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۱ آذر ۱۲۹۱: ۳ محرم ۱۳۳۱]

حضرت اشرفا

در تعقیب مکتوبی که دیروز در موضوع قضیهٔ مؤلمهٔ دشت ارژن که منجر به قتل کاپیتان اکفورد گردید، به حضرت‌عالی نوشتم، الحال دولت علیه را برطبق تعلیماتی که از وزارت امور خارجه برای من رسیده، مستحضر می‌دارم که وصول اخبار این حادثهٔ فجیعه بسیار اسباب تألم و تأثر دولت اعلیحضرتی گردید. برای دولت مشارالیها ممکن نیست از پیشامد قتل یکی از صاحب‌منصبان انگلیسی با این اوضاعی که راپورت داده شده، صرف‌نظر نماید.

من باید اظهار بدارم که از دولت علیه استدعا می‌شود که بدون فوت وقت ما را از کیفیت جبرانی که حاضرند بنمایند مستحضر بدارند و نیز باید بعلاوه بگویم که یکی از شرایط جبران، باید تنبیه سخت مقصرین باشد.

ملفوف سوم نمرهٔ ۴۹۶

تلگراف مخبرالسلطنه مورخهٔ ۲۲ قوس ۱۳۳۱ [۲۲ آذر ۱۲۹۱؛ ۴ محرم ۱۳۳۱؛ ۱۴ دسامبر ۱۹۱۲]

روز ۲۷ ماه ذی‌حجه، قنسولگری اعلیحضرتی مرا اطلاع داد که دو نفر از

---

۱) اصل: جلب نمایم. ــ م.

صاحب‌منصبان انگلیس، عن‌قریب به اتفاق بیست نفر سوار برای شکار به طرف دشت ارجن [=ارژن] حرکت خواهند نمود و از من درخواست نمودند که اقدامات لازمه برای تسهیل حرکت آنها بنمایم.

چون دیدم راهها از دو ماه به این طرف امن بود و قوافل هر روزه ایاب و ذهاب می‌نمودند، حرکت آنها اسباب تعجب من نشد و دلیلی نداشتم که از حرکت آنها مانع شوم و تعلیمات لازمه به سواران و ژاندارمها که وظیفهٔ آنها حفاظت خط‌سیر آنها بود، دادم و بعلاوه، دو نفر از سواران صدوند[1] را با یك‌نفر صاحب‌منصب ایرانی همراه صاحب‌منصبان انگلیسی مذکور فرستادم.

این صاحب‌منصبان روز دوشنبه حرکت کردند در صورتی‌که روز شنبهٔ قبل، یکصد نفر از رژیمان‌ملایر و منتصرالممالك و محمدعلی‌خان و صاحب‌منصب‌توپخانه و دو نفر صاحب‌منصب دیگر، با ده نفر توپچی و کاپیتان نیسترم با ۳۰ نفر ژاندارم به طرف کازرون حرکت کرده بودند. کاپیتان نیسترم با حکمران کازرون در جلو قافلهٔ کوچکی حرکت کردند لیکن سربازان و توپچیها اتفاقاً عقب آن قافله بودند.

روز چهارشنبه، سربازان جلو رفتند و در راه به کسی برنخوردند. قافله به عقب آنها می‌رفت. بین خانزنیان و دشت ارجن [=ارژن] دستهٔ قراول سوارهٔ دولتی قریب نیم کیلومتر جلو قافله بودند. قافله و سواران هندی و یك نفر از صاحب‌منصبان انگلیسی عقب پیش‌قراول بودند. ژاندارمها هم کسی را ندیدند. یکی از صاحب‌منصبان انگلیسی با یك نفر از سواران هندی و ۳ نفر از ژاندارمها و یك نفر سوار بین پیش‌قراول و قافله بودند و اینها به سارقین برخوردند و سارقین بنای شلیك گذاردند. صاحب‌منصب انگلیسی و ۳ نفر ژاندارم مقتول گردیدند و یکی از سواران مجروح گردید. سپس سوارها و ژاندارمها به عقب آمده آنهایی که عقب بودند، به جلو آمدند. جنگ به وقوع رسید و پنج ساعت طول کشید.

از قرار مذکور، عدهٔ سارقین که از طایفهٔ بوئراحمدی بودند، متجاوز از ۲۰۰ نفر بود و عدهٔ آنها قریب ۳۰۰ نفر پیاده و سواره بود.

به صاحب‌منصب انگلیسی که در عقب بود، و به سوارها صدمه وارد نیامد؛ قافله هم مستخلص شد. از بوئراحمدیها ۱۲ نفر مقتول گردید. چند رأس از قاطرها را با بار مال‌التجاره گرفتند. ژاندارمها و سواران این اموال را از آنها پس‌گرفتند. رویهم رفته ۳ بار مال‌التجاره به دست سارقین افتاد.

همینکه شب شد، ژاندارمها و سواران دریافتند که بیش از این مداومت در جنگ امکان نخواهد داشت. قنسولگری دولت اعلیحضرتی و کلنل هم این تفصیل را تصدیق می‌کنند.

صاحب‌منصب مقتول تهور بخرج داده، همراهان خود را ول کرده و به جلو رفته است. اگرچه او را هم نباید زیاد ملامت کرد چرا که هیچ دلیلی برای تصور عدم

---

۱) چنین است در اصل | =سگوند؟| ـ م.

[امنیت] راه در دست نداشته است. این قضیه بسیار موجب تأسف است لیکن این حوادث چیزهایی است که پیشگویی وقوع آنها غیرممکن است و مثل طوفان ناگهانی به ظهور می‌رسد.

آیا من بیش از این چه می‌توانستم بکنم؟ آیا در این خاك [که] پر از راهزنان و سارقین است. با چه وسایل دیگر می‌توانستم اقدام بنمایم؟ آنچه در قوه داشتم به انجام رسانیدم، لیکن راهزنی این ایلات مشهور است و یکی از آنها، راه از آباده الی سرحد را اشغال نموده و در آنجا مشغول شرارت است. دیگری راه بوشهر را مسدود می‌نماید.

من مشغول تهیه قشونی هستم. مرحمت نموده تلگرافاً [= تلگرافی] حکمران بهبهان را تعلیم دهید که ۲۰۰ نفری را که برای حمله به ایازکیخا حاضر دارد، برای سرکوبی بوئراحمدیها بفرستد. طایفهٔ بوئراحمدی در واقع متعلق به ناحیه‌یی است که تحت حکومت حکمران بهبهان می‌باشد. من شب و روز هم خود را مصروف تنظیم این ایالت و تشکیل قوهٔ مسلحی می‌دارم و به انصاف و عدالت شما اعتماد دارم که حق مرا اداء نمایید.

البته وقوع این حادثه مخصوصاً برای من بسی تأسف‌انگیز است، لیکن هرکسی که انصاف داشته باشد ملاحظه خواهد نمود که این حادثه‌یی بود که پیشگویی در باب وقوع آن امکان نداشت. با اوضاع حالیهٔ مملکت، وقوع این قسم حوادث امکان دارد. خیلی اسباب بدبختی است که سارقین در همان وقتی که صاحب‌منصب انگلیسی و ژاندارمها در حال عبور بودند، شلیك کردند. من از صمیم قلب امیدوارم و انتظار دارم که در ظرف مدت قلیلی بتوانم مرتکبین این حمله و حمله بر مستر اسمارت را تنبیه نمایم. چنانچه به ماژور اکونر اظهار داشتیم، این اول‌دفعه نیست که این آقایان به حدود شیراز آمده‌اند. یك دفعه به تخت‌جمشید آمدند و وقتی به عنوان خرید پوست گوسفند به بند امیر آمدند و حرکت آنها برای شکار، دفعهٔ سوم بود.

ملفوف چهارم نمرهٔ ۴۹۶

ترجمهٔ مکتوب علاءالسلطنه به سر والتر تنلی

۱۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۲ آذر ۱۲۹۱: ۴ محرم ۱۳۳۱]

جناب اجل

دو فقره مراسلات ۱۲ و ۱۳ شهر جاری جناب‌عالی در موضوع قضیهٔ مؤلمهٔ کاپیتان اکفورد که اسباب تأثر فوق‌العادهٔ دولت ایران گردیده است، واصل شد. محترماً جناب‌عالی را از تفصیل قضیه که به من راپورت داده شده است، مستحضر می‌دارد:

نظر به امنیتی که از دو ماه به این طرف در این حدود برقرار بوده و قوافل محمول مال‌التجاره در کمال امنیت ایاب و ذهاب می‌نمودند، صاحب‌منصبان خواستند با اطمینان کامل برای شکار حرکت کنند. در وقتی که ۱۰۰ نفر سرباز و دو نفر صاحب‌منصب و ۱۰ نفر توپچی با توپ، به‌اتفاق کاپیتان نیسترم[1] و ۳۰ نفرژاندارم‌به

---

۱) اصل: نیبرم- ـ م.

کازرون اعزام شدند.

سربازان و توپچیان فوق‌الذکر با قافلهٔ محمول مال‌التجاره در راه می‌رفتند [که] بین خان‌زنیان و دشت‌ارجن[=ارژن]، کاپیتان‌اکفورد به‌اتفاق‌یکی‌از سواران‌هندی و سه نفر ژاندارم و یك تفنگچی، از این دسته جدا شده و به طرف قافلهٔ مال‌التجاره به جلو می‌روند. غفلتاً و بدبختانه مقصرین بنای حمله و شلیك بـه آنها می‌گذارند. سپس سربازان از عقب و ژاندارمها از جلو به محل وقوع جنگ آمده و شروع به جنگ با سارقین می‌نمایند و از سارقین ۱۲ نفر مقتول می‌شود. قافله را به استثنای چند باری که سارقین می‌برند، عساکر مذکور حرکت می‌دهند.

دولت ایران اهمیت فوق‌العاده به این قضیه می‌دهند و حاضرند که تلافی کامل بنمایند و تفصیل آن را هرقدر زودتر که امکان دارد برای جناب‌عالی خواهم نوشت.

(امضاء) محمدعلی علاءالسلطنه

ملفوف پنجم نمرهٔ ۴۹۶

مکتوب کلنل یالمارسن به سر والتر تنلی

طهران ۱۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲ محرم ۱۳۳۱]

جناب سفیر انگلیس

افتخار دارم ترجمهٔ دو تلگرافی را که از شیراز برای من رسیده برای جناب‌عالی ایفاد دارم. این دو تلگراف دیروز که ۱۱ دسامبر بود، یکی ساعت دو بعد از ظهر و دیگری ساعت سه بعد از ظهر، از شیراز مخابره شده بود. بدبختانه مضامین این دو تلگراف در باب اعمال رضایت‌بخش ژاندارمری با یکدیگر وفق نداشت.

می‌خواهم برای این مصیبت اظهار تأسف فوق‌العاده به شما بنمایم.

(امضاء) یالمارسن رئیس تعلیمات ژاندارمری دولتی

ملفوف ششم نمرهٔ ۴۹۶

ترجمهٔ مکتوب ماژور سیفورت به کلنل یالمارسن

شیراز ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۹ آذر ۱۲۹۱؛ یکم محرم ۱۳۳۱]

قافله‌ای که تازه وارد شده است، راپورت می‌دهد که ژاندارمـری مستحفظ بین کازرون و شیراز، وظایف خود را بر وفق دلخواه به انجام می‌رسانـد. تفنگچیها هم راهداری نمی‌گیرند[1] و با ژاندارمها متفقاً عمل می‌کنند. ایالت اقدامات صحیحه نموده و از روی عقل و احتیاط عمل می‌کنند. گاه‌گاهی سارقین دستگیر می‌شوند و جنگ مختصری هم به وقوع پیوسته چند نفر از آنها مقتول گردیده‌اند. لیکن ما باید منتظر حملات و اغتشاشات مهمه باشیم.

ماژور براندل سرکشی و تحقیقات خوب از بابت راه نموده و راپورت بسیار مفیدی

---

۱) اصل: نمی‌کردند. ـ م.

با نقشه فرستاده است. سفر اول او بسیار سخت و مشکل بود و اردوکشی نیسترم دلوندبرگ (برای حفاظت ایالت از ایزدخواست به شیراز) پر از اشکالات بود و با بعضی از رؤسای دهات جنگ نمودند. راپورت مفصل با نقشهٔ آن راه به من رسیده است.

(امضاء) سیفورت

سواد مطابق با اصل است.

(امضاء) یالمارسن رئیس تعلیمات ژاندارمری دولتی

ملفوف هفتم نمرهٔ ۴۹۶

ترجمهٔ مکتوب ماژور سیفورت به کلنل یالمارسن

شیراز ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۹ آذر ۱۲۹۱؛ یکم محرم ۱۳۳۱]

دستهٔ سواره مرکب از ماژور کتل‌ول و کاپیتان اکفورد، ۲۴ نفر سوار هندی را، چندین صد نفر سارقین بین خان‌زنیان و دشت ارجن [=ارژن] حمله نموده‌اند. اکفورد مقتول و یك نفر هندی مجروح و دو نفر ژاندارم مقتول و یك نفر تفنگچی مجروح گردیده است. قافلهٔ مرکب از سی رأس قاطر نیز به غارت رفته است.

(امضاء) سیفورت

سواد مطابق با اصل است.

(امضاء) یالمارسن رئیس تعلیمات ژاندارمری دولتی

ملفوف هشتم نمرهٔ ۴۹۶

ترجمهٔ مکتوب کلنل یالمارسن به سر والتر تنلی

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۵ محرم ۱۳۳۱]

جناب اجل سفیر انگلیس

در باب مراسلهٔ ۱۲ ماه جاری من، افتخار دارم اینك خلاصهٔ مراسلهٔ ماژور سیفورت را در باب حمله در حدود شیراز، لفاً ایفاد دارم و توجه جناب عالی را می‌خواهم به این مسأله جلب نمایم که مدت تعیین ژاندارمری در راه، آنقدر کم بود که نمی‌توان انتظار داشت بهتر از این بتواند[1] راه را حفاظت بنماید. به‌علاوه، اشکالاتی[2] که بعضی از مأمورین محلی ایرانی تولید نمودند، مانع گردید از اینکه حتی قشونی که مقرر بود برای قسمت اول تشکیلات ژاندارمری در این ایالت فراهم شود، جمع‌گردد و متجاوز از یك ثلث این استعداد هنوز ناقص است.

ماژور نرن براندل، فعلا در راه بوشهر است و از آنجا با یکصد نفر ژاندارم جدید و اسلحه‌هایی که تازه وارد شده و مدتی در آنجا مانده است، مراجعت خواهد نمود. پس از ورود قشونی که حالیه در طهران جمع می‌شود به شیراز، که عبارت باشد

---

۱) اصل: بتوان. ـ م.

۲) اصل: اشکالاتی را. ـ م.

از قشونی‌که سه ربع آن تاکنون جمع شده، من یقین کامل دارم که دیگر در این راهی که سپرده به ژاندارمری است، از این‌گونه حوادث رخ ندهد.
مجدداً می‌خواهم برای وقوع این حادثهٔ فجیعه اظهار تأسف بنمایم.
(امضاء) یالمارسن رئیس تعلیمات ژاندارمری دولتی

ملفوف نهم نمرهٔ ۴۹۶

ترجمهٔ مکتوب ماژور سیفورت به کلنل یالمارسن

شیراز

کاپیتان لوندبرگ به همراهی یك قافلهٔ بزرگی مراجعت نموده است و راپورت می‌دهد که مکاریان جرئت اینکه بگویند سارقین کی هستند ندارند لکن جلـد چرمی طپانچهٔ آنها که گرفته شده است ساخت ترکی است و مکاریان شنیده‌اند که سواران آنها ترکی حرف می‌زدند و از قراری‌کـه راپورت داده شده، یکـی از کشکولیها و همراهان او، که شب قبل بیرون دشت ارجن [=ارژن] بوده‌اند، صبح سواره به‌طرف اردکان رفت و بعد از ظهر مراجعت نموده گفت که از بابت حمله‌ای که صحبت آن شده بود، او هم چیزی شنیده است.
ژاندارمری مستحفظین در امتداد جاده قرار داده بودند و انگلیسها می‌گویند کـه ژاندارمها بسیار خوب رفتار کردند و سواران هندی هم قبل از وقوع حمله در اطلاع بهم رسانیدن از حضور سارقین، قصور ورزیده بودند.
۵ نفر از ژاندارم‌ها مجروح شدند. زخم ۲ نفر آنها بسیار سخت بـود. بعضی ژاندارم‌ها و تفنگچی‌ها بعضی از جاهای مرتفع را سنگر قرار داده بودند، لیکن سواران هندی نیز اشتباهاً به آنها شلیك نمودند. صد نفر از سربازان ایرانی هم حضور داشتند و فوراً فرار کردند.
کاپیتان لوندبرگ، در مراجعت، در تمام کوههای مرتفع که از آنجا تمام نقاط دیده می‌شد ژاندارمهای قراول را دیدند. (امضاء) سیفورت
سواد مطابق با اصل است.
(امضاء) یالمارسن رئیس تعلیمات ژاندارمری دولتی

نمره ـ ۴۹۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۶ محرم ۱۳۳۱]

آقـا

در باب مراسلهٔ امروز من راجع به حادثهٔ اخیر در حدود شیراز، افتخار دارم که اینك سواد تلگرافی را که قنسول شیراز برای من فرستاده و عقاید خود را در خصوص اقداماتی که باید بعمل آید شرح داده است، لفاً ایفاد دارم.
(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۴۹۷

تلگراف قنسول اکونر به لیوتنان کلنل کاکس

شیراز ۱۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۶ محرم ۱۳۳۱]

در باب مسألهٔ تنبیه طایفه‌ای که مسؤول حمله به ماژور کتل‌ول و دستهٔ او بوده‌اند، چنانچه در تلگراف ۱۴ دسامبر خود ذکر نموده‌ام، این حمله از قرار معلوم عمداً به صاحب‌منصبان و سواران ما بعمل نیامد، بلکه از طرف دستهٔ راهزنانی شد که عموماً برای غارت این طرف و آن طرف در حرکت هستند.

بنابراین، بر من معلوم می‌گردد که این حملهٔ اخیر به هیچ وجه اوضاع پلتیکی [=پلیتیکی] جنوب ایران را تغییر نمی‌دهد و لزوماً محتاج به تغییر پلتیك از طرف دولت اعلیحضرتی نمی‌باشد.

دولت اعلیحضرتی خودشان لازم ندانسته[اند] در مورد حمله به مستر اسمارت یا آنکه برای حملاتی که بعد از آن به صاحب‌منصبان آنها شد، مرتکبین را تنبیه نمایند و این حملهٔ اخیر اتفاق مخصوص تازه‌ای نیست که مستلزم تغییر پلتیك [=پلیتیك] حالیه باشد.

البته قتل کاپیتان اکفورد به این حملهٔ اخیر اهمیت زیادی می‌دهد که حملات سابق خوشبختانه دارای این اهمیت نبوده‌اند. لیکن این هم یکی از آن اتفاقات نامساعدی است که ممکن بود در مورد صاحب‌منصبانی که به دفعات بر آنها حمله شده است واقع شده باشد.

بنابراین عقیدهٔ من بر این است که اگر دولت اعلیحضرتی نظر به حملات مکرره و اوضاع مغشوش جنوب ایران بخواهند قشونی برای اعادهٔ انتظامات به ایران بفرستند، جهت ندارد که این حملهٔ اخیر مستلزم این اقدام باشد.

از قراری که فهمیده‌ام پلتیك دولت مشارالیها مبنی‌بر استقرار حکومت حاضره است تا مدتی که امکان داشته باشد و نظر به این مقصود، شما برای فارس بهترین حکمرانی را بدست آورده‌اید و دولت اعلیحضرتی به وسائل مالی و غیره او را تقویت و همراهی می‌نمایند که وظایف مشکلهٔ خود را در اعادهٔ انتظامات این ایالت به انجام برساند.

البته تجربه نزدیك به عدم امیدواری است، لیکن اگر دولت اعلیحضرتی بخواهند در پلتیك خود مداومت نمایند، به هیچ وجه جهتی ندارد که حالا دست از پلتیك خود بردارند.

لیکن چون فعلا این مسأله مطرح مذاکره است، من محترماً مبادرت ورزیده و جلب توجه شما را به حقایق این امر می‌نمایم. همه می‌دانند که تمام این قسمت ایران، مغشوش و برای ورود و خروج مال‌التجاره مسدود بود و از مدتی به این طرف هرج و مرج در این قسمت شیوع داشته که روز به روز، عوض آنکه کمتر شود، زیادتر می‌شده [=است]. برای اعادهٔ انتظامات و حفظ منافع خارجه‌ها و اتباع آنها، دولت

اعلیحضرتی به وسایل مالی به ایالت کمك نموده و تا اندازه‌ای کنترل مؤثری بـر مصرف این وجوهات قرار داده‌اند. نظر به این ترتیبات. به نظر من می‌رسد که دولت اعلیحضرتی مسؤولیت‌های قطعی و معین در جنوب ایران به عهده گرفته‌انـد و اگر حالا بخواهند در پلتیك [=پلیتیك] خود پیشرفتی حاصل نمایند و در تحت حکومت حاکم ایرانی به اعادهٔ انتظامات موفق شوند و بالاخره، رژیمان سوار خود را عودت دهند بدون آنکه مجبور به اعزام قشون معظمی به ایران شوند، باید خود را مهیای اتخاذ یك خط سیر و پلتیك قطعی‌تر از آنچـه تاکنون تعقیب نموده‌انـد بنمایند. مقصود من کنترل مؤثرتری بر مالیه و تشکیل قوهٔ نظامی است کـه چنانچه سابقاً راپورت داده‌ام، ایالت در صدد[1] تشکیل آن می‌باشد.

نمره ـ ۴۹۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

آقـا

افتخار دارم کـه اینك سواد مکتوب مفصل کاملی را کـه مستر اسمارت کفیل قنسولگری اخیر شیراز برای من فرستاده و شرح مفصلی از اوضاع ششماههٔ گذشتهٔ فارس را یعنی قبل از ورود ایالت جدید به آن نقطه، نوشته است، لفاً ایفاد دارم.

اجازه می‌طلبم که توجه شما را جلب بنمایم به اینکه مستر اسمارت در این مراسله بطور واضح و بنحو اتم شرح مقاصد و آمال و آرزوهای چندین قوای عاملهٔ فارس را که با هم در جنگ و نزاع هستند، به طور اختصار نوشته است.

این مراسله برای کسانی‌که می‌خواهند به علل و اسباب این رقابتها که پیشگویی حل مسألهٔ فارس را ممتنع می‌دارد [پی ببرند،] بسی ذیقیمت می‌باشد مخصوصاً تا زمانی‌که دولت به واسطهٔ عدم حل مسأله نمی‌تواند به قوهٔ قهریه اقدامات متهورانه بنماید.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۴۹۸

مکتوب اسمارت کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

شیراز ۳۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۷ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۸ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

در این موقع آرامی و عدم اغتشاش، پس از مهاجرت ایلات به طرف جنوب و ورود ایالت جدید، موقع مناسبی است که شرح مفصلی از اوضاع فارس در این ششماههٔ اخیر نوشته شود.

در ظرف[2] دو ماههٔ پس از شکست صولت‌الدوله و مراجعت او در اراضی غیرمرتفعهٔ

---

۱) اصل: تصدد. ـ م.

۲) اصل: از طرف. ـ م.

دور فیروزآباد، آرامی و سکون فوق‌العاده در حدود شیراز برقرار بود. در حقیقت در مدت دو دفعه اقامت خود در شیراز، حدود شهر را آنقدر آرام و امن ندیده بودم. با وجود آن، بهبودی اوضاع داخل و حدود شیراز موجب بهبودی راههای تجارتی یا نواحی دوردست نگردید.

این سکون و امنیت غیرمنتظره تا اندازه‌ای به واسطهٔ تسکین نزاع بین قشقائیها و ایلات خمسه و تا اندازه‌ای به علت حسن ادارهٔ قوام‌الملك و تا اندازه‌ای هم به سبب سلب اقتدار یکی از رؤساء بود که دور او را جماعتی تشکیل داده بودند که بسیار برای دولت مضر بود، لیکن پس از مدت قلیلی معلوم شد که این سکون را دوامی نه و این امنیت را اساسی نخواهد بود. قوای عاملهٔ برهم خوردن این سکون و امنیت، حمله بر عساکر ما و تقاضاهای محمدعلی‌خان کشکولی بود. ایلخانی در شمال بطور سخت کوشش داشت که کنترل حقیقی بر ایلات راه تحصیل نماید و ایازکیخا، کلانتر طایفهٔ دره‌شولی، قشقائیها را دستگیر و محبوس نموده بود و این سرکرده که مسؤول بسیاری از سرقتهای قشقائی در این سنوات اخیره بود، آخرین کلانتری بود که از صولت‌الدوله دست کشید و آخرین دفعه که مطیع او گردید، صولت‌الدوله از اطاعتش سوءظن داشت و به جای او، علی‌پناه‌کیخا تعیین گردید. او هم یکی از طرفداران قوی ایلخانی بود. به این طریق ایل مهم دره‌شولی ربقهٔ اطاعت را به گردن نهادند.

اکثر[1] طایفهٔ شش‌بلوکی‌ها که راه سرحد را خوب محافظت می‌نمودند، مطیع بودند و حتی مالیات هم می‌دادند. رؤسای ایل فارسی‌مدان که نزدیك شیراز بودند، نیز مطیع بودند ولی چندان بر ایل خود که درست مطیع نبودند، کنترل نداشتند. کشکولیها که قسمت فوقانی راه بوشهر سپرده به آنها بود، یحتمل طرفدار قوی دولت بودند و ایلات جزو را ممکن بود بآسانی تحت اطاعت آورد.

متدرجاً ایلخانی مشغول استحکام مقام خود و وصول مالیات گردید و ظاهراً سعی داشت که ایلات قشقائی را تحت اطاعت دولت قرار دهد، لیکن دولت قادر نبود به اینکه برای نیل به این مقصود با او تقویت لازمه بنماید.

احتمال می‌رود که بعضی از کلانترها ازدیاد اقتدار و استحکام مقام ایلخانی را نمی‌خواستند و ازدیاد این اقتدار مخصوصاً یکی از کلانتران را بسیار تهدید می‌نمود. کلانتر مذکور محمدعلی‌خان بود.

محمدعلی‌خان از مدتی به این طرف یکی از حامیان بزرگ صولت‌الدوله بود و عدم تقویت او صولت‌الدوله را اسباب سلب اقتدار او گردید. او فعلا یکی از کلانتران بسیار مقتدر قشقائیها محسوب می‌شود اگرچه عدهٔ کثیری مخصوصاً از کشکولیها با او دشمن هستند. محمدعلی‌خان بزودی فهمید که استحکام و تزیید اقتدار ایلخانی، نه فقط با مقام او مخالف و مضر است بلکه متضمن خطر جانی بسیار برای‌او می‌باشد. قوام‌الملك و ایلخانی به او فشار سخت برای دستگیری و تسلیم مقصرین حملات به

---

۱) اصل: اگر. ـ م.

عساکر می‌آوردند و اگر قوت و اقتدار ایلخانی زیادتر از این می‌شد، این فشار مبدل به اعمال قوهٔ قهریه می‌گردید. محمدعلی‌خان از این مسأله مضطرب شد و استخلاص ایازکیخا را تقاضا نمود و می‌دانست که این اقدام ضربت بزرگی به اقتدار ایلخانی خواهد زد.

سردار احتشام و قوام‌الملك تقاضای او را با وجود چند فقره مراسلات تهدیدآمیز و تهدید به ویل[=ول]کردن صولت‌الدوله، نپذیرفتند.

من تصور می‌کنم که چون دولت ایران تمام اقدامات خود را موکول به ورود ایالت نمودند، موقع بسیار خوبی را از دست دادند. اگر در آخر ماه ژون، وقتی که معلوم شد که محمدعلی‌خان مقصرین را دستگیر و تسلیم نخواهد کرد، دولت ایران به قوام‌الملك و ایلخانی امر داده بودند برای تهدید و تخویف در صدد فرستادن اردویی برای اشرار برآید، ممکن بود که از این اقدامات نتیجهٔ مطلوبه گرفته شود.

محمدخان، پسرعمو و رقیب قوی محمدعلی‌خان، در اواخر ماه اوت، هنگامی که مرا ملاقات نمود، عقیدهٔ خود را اینطور اظهار داشت که لازم‌ترین اقدام در این مورد این است که اقدامی برعلیه [=علیه] صولت‌الدوله نشود بلکه محمدعلی‌خان را طرف توجه قرار دهند. چنانچه بعد معلوم شد، این عقیده اگرچه اساس آن بر عداوت شخصی فیمابین این دو نفر بود، لیکن صحیح بود.

در اوایل ژویت، از اقتدار محمدعلی‌خان بسیار کاسته شده بود. محمدخان، بلاشبهه می‌توانست قسمت عمده‌ای[1] از کشکولیها را از تحت امر محمدعلی‌خان مجزی سازد و سایر ایلات را هم [که] به تفوق و برتری کشکولیها حسد می‌بردند، ممکن بود برضد محمدعلی‌خان برانگیزانید. چون موقع مساعد از دست داده‌شد، به محمدعلی‌خان فرصت داد که نقشهٔ خود را تهیه نماید و اقتدار مسلوبهٔ خود را دوباره به دست آورده اسباب سلب اقتدار ایلخانی را فراهم آورد.

در این اثناء قوام‌الملك در تهیهٔ سرکوبی ایلات خمسه که بی‌قانونی و بی‌نظمی آنها از حد گذشته بود، برآمد. من شبهه دارم در اینکه قوام‌الملك توسط میرزا فضل‌الله‌خان وکیل خود تولید نقار و نفاق بین طوایف جباره و شیبانی اعراب می‌نمود برای آنکه به سهولت بتواند برای سرکوبی آن ایلات اردویی بفرستد. بدبختانه چون دولت ایران تا چندی او را مانع شدند که از شیراز حرکت کند، به واسطهٔ پیش‌آمدن صولت‌الدوله، حرکت او دیگر امکان‌پذیر نبود.

قریب اواسط ژویت، علائم انقلاب و هیجان در میان همراهان صولت‌الدوله پدیدار گردید و دستجات او شروع به هجوم به کوار[2] و حمله به قوافل محمول محصولات محلی که به شیراز ایاب و ذهاب می‌نمودند کردند. دستهٔ کوچکی از فارسی‌مدانیها، تحت امر مسیح‌خان رئیس خود، به کوار فرستاده شد که مواظب این دستجات باشند.

---

۱) اصل: عده. ـ م.

۲) اصل: کوارد. ـ م.

در آخر ماه ژوئیت، قشون مخلوطی به عدهٔ ۵۰۰ نفر مرکب از سرخه‌ایها و کمره‌ایهای دهات فیروزآباد و غیره، تحت‌امر حسن‌خان‌کشکولی برادرزن صولت‌الدوله، از خجه پیشقدمی نموده و ۵۰ نفر از قشون دولتی را که در تحت امر غلامحسین‌خان کشکولی بودند، از درنگان خارج نمودند. این پیشامد باعث مسدود گردیدن منزل، از چنار راهدار الی خانزنیان راه بوشهر گردید و درهٔ شیراز نیز در معرض هجوم‌های گاهگاه واقع شد.

قوام‌الملك شروع به جمع‌آوری قشونی نمود که سیاخ را مجدداً قبضه نماید و در صورت امکان، هجوم‌آورندگان را تا فیروزآباد تعاقب کند و برحسب دعوت او، قریب ۸۰۰ نفر از اعراب تحت امر محمدعلی‌خان برادر عسکرخان شیبانی و ۲۰۰ نفر از باصریها به شهر وارد شدند. عقب اینها ۲۰۰ نفر از قشقائیهای فارسی‌مدانی و کشکولی نیز در شهر بودند و ۲۰۰ نفر از قشقائیهای تحت امر صمصام‌السلطان نیز وارد شدند و ترتیباتی هم برای جمع‌آوری قشون دیگر از کشکولیها و فارسی‌مدانهای دور خانزنیان داده شد.

در موقعی که این قشون تشکیل می‌گردید، ماژور سیفورت با ۲۶۰ نفر ژاندارم چنار راهدار را در قبضه داشت به قصد آنکه اول منزل راه بوشهر را محافظت نموده و مانع از هجوم اشرار از سیاخ به درهٔ شیراز شود و در صورتی‌که صلاح باشد، فیمابعد، با عساکر دولت متفقاً به سیاخ حمله آورند.

من اقدامی را که ماژور سیفورت به تنهایی برعلیه [=علیه] سیاخ نموده تلگرافاً [=تلگرافی] راپورت داده‌ام که قشون او را، قشون حسن‌خان که در کوههای مستحکم درنگان قرار داده شده بودند، شکست دادند. عدهٔ زیادی از این ژاندارمها بدون معطلی تسلیم اشرار شده بودند و ماژور سیفورت و کاپیتان نیسترم، با عدهٔ قلیلی آخرالامر مجبور شدند با کمال عجله مراجعت نمایند و خوشبختانه فرار کردند اگرچه شکم ماژور سیفورت قدری مجروح گردید.

خصم تمام ژاندارمهایی را که دستگیر کرده بودند پس از لخت کردن مستخلص داشتند. قریب ۱۵۰ قبضه تفنگ و ۱۶،۰۰۰ فشنگ به دست خصم افتاد. یك توپ کوهستانی نیز که جای باروت آن ترکیده بود، در میدان جنگ ماند. تلفات خیلی کم بود؛ دو نفر از ژاندارمها مقتول و قریب دوازده نفر مجروح شدند و از مجروحین دو نفر بعد از آن در شهر مردند.

صولت‌الدوله بعد از آن واقعه اظهار تأسف نمود و وعده داد که اسلحه و مهماتی را که از دست داده بودند پس بگیرد ولی تاکنون به وعدهٔ خود وفا ننموده است.

این مصیبت تأثیرات مؤلمی داشت. اگر ماژور سیفورت در چنار راهدار توقف نموده بود، می‌توانست به وسیلهٔ حفاظت قوافل تا اولین منزل خطرناك راه بوشهر، و از جلوگیری هجوم همراهان حسن‌خان به درهٔ شیراز، خدمت صحیحی به وقت بکند.

پس از عودت ژاندارمها، قوافل مجبور شدند با مخارج گزاف برای گرفتن مستحفظ از بیراهه از میان تنگ‌سرخ ایاب و ذهاب نمایند و در یك موقع، همراهان حسن‌خان

به درهٔ شیراز بین شهر و چنار راهدار هجوم آوردند. گذشته از این، شکستی که بر قشون دولت وارد آمد، بسیار اسباب جسورت [=جسارت] و نفـوذ معنوی یاغیان مذکور گردید.

در این منوال، نقار و کدورت بی‌موقعی در میان اعراب حادث گردید. متجاوز از نصف قشون عرب از شیراز برای حضور در معرکه حرکت نمود. این دو دسته اعراب جباره و شیبانی، تا مدت زیادی دور مرغاب جمع می‌شدند که با هم جنگ نمایند لیکن طرفین احتیاط را شعار خود نموده و علاوه‌بر آنچه در ابتدای نزاع به وقوع رسید، دیگر اقدامات خصومت‌آمیزی به عمل نیامد.

اعراب جباره و شیبانی که خود را همواره مسلح داشته و در کمال بی‌اطمینانـی مواظب کار بودند، به طرف جنوب حرکت کرده و متدرجاً هرقدر که راه حرکت آنها از هم دور می‌شد، از یکدیگر جدا شدند. این نقار تولید احساسات سوئی در میان اعراب نمود و تولید این نقار را نسبت به میرزا فضل‌الله‌خان نایب‌الحکومهٔ قوام‌الملك می‌دادند. نتیجهٔ این اغتشاش بی‌موقع این شد که دیگر اعراب بکلی سلب همراهی از او نمودند که بتواند قشونی اعزام بنماید.

در آخر ماه اوت [۸ شهریور، ۱۸ رمضان] محمدخان کشکولی به شیراز وارد شد و حضور او بسیار لازم بود که قشون اعزامی را حرکت دهد. حرکت او بـه واسطهٔ نزاع با محمدعلی‌خان به تأخیر افتاده بود.

روز دویم سپتامبر [۱۰ شهریور؛ ۲۰ رمضان] قشون دولتی کـه اکثر آنها از قشقائیها بود، با عده‌ای از سواران و سرباز محلی و یك عـراده توپ خارج شدند. قریب همان تاریخ صولت‌الدوله شخصاً به درنگان آمد. من شبهه دارم در اینکه عدهٔ تمام قشون دولتی بیش از ۶۰۰ نفر بود و عدهٔ آنها اتصالا کم و زیاد می‌شد چرا که بسیاری از ایلیاتیها به مناسبت‌کارهای شخصی متصل خود می‌آمدند و می‌رفتند. این قشون از چنار راهدار خارج نشد و توسط قشونی که در شمال جمع می‌گردید، مرکز را از سیاخ به بیضاء انتقال داد.

ایلخانی مشغول جمع‌آوری قشونی بود و به طرف جنوب حرکت نمود. صولت‌السلطنه برادر صولت‌الدوله در بهار گذشته پس از تردید زیاد، با سردار احتشام متحد گردیده و به مقام ایل‌بگی‌گری تعیین شده بود. اطاعت و امانت او مشکوك بود و از قرار معلوم می‌خواست ایلخانی بشود.

در اوایل ماه سپتامبر بر ایلخانی مکشوف گردید که صولت‌السلطنه مشغول طـرح نقشه‌ای بود که بدان وسیله بعضی از ایلات را وادارد به صولة‌الدوله ملحق شوند. سالار حشمت برادر ایلخانی، نزدیك اسپاس به صولت‌السلطنه حمله بـرده و او را شکستی فاحش داد. صولت‌السلطنه با اشکال زیاد تا بیضاء فرار کرد و در آنجا چند ایلات جزو که برعلیه [=علیه] وصول مالیات طغیان نموده بودند، دور او جمع شدند.

در این موقع باریك، ایلخانی بی عزمی و عدم فعالیت تألم‌انگیزی بروز داد. اگر او

فوراً به طرف بیضاء حرکت کرده بود، یحتمل می‌توانست با قدری اشکال، عدهٔ قلیلی را که همراه صولت‌السلطنه بودند متفرق نماید. به عوض آنکه با سرعت تمام به این اقدام بپردازد، با نهایت تأنی حرکت کـرده و به محمدعلی‌خان کـه از اردکان حرکت کرده بود، فرصت داد که به صولت‌السلطنه ملحق شود.

بعد مذاکرات صلح در میان آمد و محمدعلی‌خان در تمام این مدت خود را بی‌طرف جلوه می‌داد و نشان می‌داد که می‌خواهد دوستانه ذات‌البین را اصلاح نماید. چیزی نگذشت که معلوم شد که محمدعلی‌خان بـه کمك حاجی محمدکریم‌خان شریـر کل قشقائیها طرح نقشهٔ انهدام سردار احتشام را می‌ریخت. او و چند تن از رؤسای جزوی که دور صولت‌السلطنه بودند به دولت ایران و مخبرالسلطنه تلگراف کردند که سردار احتشام را نمی‌خواهند و اظهار داشته[اند] که به هیچ‌وجه با صولت‌الـدوله همراهی ندارند و می‌خواهند که صولت‌السلطنه به مقام ایلخانی‌گری منصوب شود. محمدعلی‌خان، در ضمن مذاکره با سردار احتشام، مؤکداً برای استخلاص ایـازکیخا اصرار نمود و آخرالامر ایلخانی به این امر رضا داد. قبول این امر از طرف ایلخانی اثرات وخیم داشت؛ قشقائیها دیدند که محمدعلی‌خان اهمیت و نفوذ تامی پیدا کرده بود و شروع کردند که از صولت‌الدوله طرفداری نمایند.

مذاکرات تا مدتی در میان بود و محمدعلی‌خان پس از آنکه قشون دولتی را در چنار راهدار ول کرد، برای تقویت ایلخانی به طرف بیضاء حرکت نمود.

بنابه خواهش محمدعلی‌خان‌و صولت‌السلطنه، قوام‌الملك، مدبرالسلطنه نایب‌الایاله را به بیضاء فرستاد که طرح صلح و آشتی فیمابین بریزد. مستشیرالملك هم که تبعهٔ انگلیس است و مکرر سمت منشی‌گری ایلخانی‌های سابق را داشت، همراه او رفت و چون وضع سلوك و رویهٔ محمدعلی‌خان و صولت‌السلطنه باعث اطمینان آنها نبود، از قیوم خارج نشدند.

همینکه به طرف شیراز می‌آمدند، حسن‌علی‌خان یکی از رؤسای جزو کشکولی به آنها حمله نمود. مدبرالسلطنه تنها به فرار موفق گردید و اسلحهٔ سوارهایش گرفته شد و مستشیرالملك دستگیر گردید و به صولت‌الدوله تسلیم شد و چون صولت‌الدوله می‌خواست او را وادار نماید که املاك دور فیروزآباد خود را قانوناً به او واگذار نماید، او را در قلعهٔ نزدیك فیروزآباد محبوس نمود.

الحال، از قراری که معلوم بود، از سردار احتشام بکلی سلب امیدواری شده بود و او غفلتاً بدون آنکه به طرفداران خود خبر دهد از اردوی خود خارج شد و سالار حشمت برادرش، ایلات مذکور را به صولت‌السلطنه واگذار نمود.

سردار احتشام روز ۲۹ سپتامبـر بـه شیراز وارد شـد و گفت شرایطـی را کـه محمدعلی‌خان و سایر کلانتران می‌خواستند او قبول نماید، اگر قبول می‌کرد مثل این بود که طوق غلامی آنها را به گردن انداخته باشد و اظهار داشت که اگر دولت قشون کمی بدهند، او به کمك طرفداران خود، برای قلع و قمع محمدعلی‌خـان حرکت خواهد نمود و اگر اینکار را به انجام نرساند، دیگر توقف او برای خودش یا دولت

صرفه‌ای نخواهد داشت.

اقداماتی که صولت‌الدوله در پیشامدهای بیضاء نمود، درست معلوم و آشکار نیست. شکی نیست که او یك قسم قراری با صولت‌السلطنه داده بود، لیکن واضح است که محمدعلی‌خان و حاجی کریم‌خان و سایر رؤسای قشقائی امیدوار بودند صولت‌السلطنه را بطور ایلخانی اسمی، مستقر بدارند.

به‌واسطهٔ بی‌کفایتی صولت‌السلطنه، آنها از این امیدواریها محروم گردیدند؛ سپس بین او و صولة‌الدوله و محمدعلی‌خان نزدیك خانزنیان ملاقاتی شد و صولة‌السلطنه راضی شد که تا جره همراه برادرش برود. محمدعلی‌خان و محمدخان با یکدیگر آشتی نمودند و هر دو به طرف شاه‌پور رفتند و اگرچه صولة‌السلطنه را دولت ایران به ریاست ایل قشقائی برقرار نمودند، صولة‌الدوله در ایل مذکور تفوق و رجحان پیدا کرده و اقتدار خود را بر ایل مذکور اعمال می‌نمود.

به علی‌پناه‌کیخا و صمصام‌السلطنه صدمات زیاد وارد آمد و املاکشان را ایازکیخا غارت نمود. زکی‌خان کلانتر فارسی‌مدانیها را، صولت‌السلطنه و صولت‌الدوله اخراج نمودند و با عده‌ای که همراه داشت به کمارج رفته است. مسیح‌خان کلانتر دیگر فارسی‌مدانیها و دو نفر دیگر از خوانین جزو کشکولی، با سردار احتشام به استقبال ایالت به تخت‌جمشید رفتند.

سردی هوا تا اندازه‌ای باعث حرکت معجل عناصر اغتشاش‌طلب از حدود شیراز گردید و علت دیگر هم این بود که صولت‌الدوله و صولة‌السلطنه و محمدعلی‌خان نمی‌توانستند در موقع ورود مخبرالسلطنه در حدود شیراز باشند چرا که در وقتی‌که آنقدر نزدیك شیراز بودند، اگر از ملاقات ایالت امتناع می‌ورزیدند و به احترام او به شهر نمی‌آمدند، مثل این بود که علم طغیان بلند کرده و با او طرف شده باشند.

اخبار مراجعت سردار احتشام و فقدان پول، اسباب تفرقهٔ عساکر دولتی که در چنار راهدار بودند گردید. این قشون اعزامی معروف، پس از مصرف مبلغ زیادی از بیست هزار تومان، بدون آنکه کار مفیدی صورت داده باشند، متفرق شدند.

اوضاع درهٔ شیراز پس از حرکت حسن‌خان در اواخر ژویت به طرف سیاخ، روز به روز بدتر شد. ضرر تفنگچیان ایلات قشقائی و خمسه که برای تشکیل این اردو احضار شده بودند به درهٔ شیراز، خیلی زیادتر از اشراری بود که اینها برای دفعشان آمده بودند. این تفنگچیان در داخل و خارج شهر مشغول غارت شدند و چنانچه معلوم می‌شد، رؤسای آنها نمی‌توانستند جلوگیری کنند و نفوذ قوام‌الملك در جلوگیری آنها روز به‌روز ضعیف‌تر می‌شد و در این مدت چند دفعه از روی جسارت به اروپایی‌هایی که ظاهراً ایلیاتیها آنها را محترم نمی‌دانستند، حمله آوردند و اگر به واسطهٔ حسن سلوك و مودت رؤسای ایلات نسبت به قنسولخانه نبود، البته در مدت مهاجرت ایلات واقعات مهمه برای ما دست می‌داد.

از اوایل ماه سپتامبر من به اتباع انگلیس اخطار نمودم که پس از مغرب، از خانه‌های خود بیرون نمانند. هجوم همراهان حسن‌خان از سیاخ، در گرم‌ترین موسم

سال، مانع از آوردن برف به شهر شد و برای اروپاییان و اهالی شهر خطر داشت که تا مسافتی از شهر دور شوند. این اوضاع تا زمان حرکت ایلات از شیراز دوام داشت.

همینکه قشقائیها به طرف جنوب حرکت کردند، راه سرحد که در تمام تابستان امن بود، طبعاً مسدود گردید. چند قافله به همراهی ایالت و اسکادران سوارهٔ هند مرکزی که از اصفهان به شیراز اعزام شد، حرکت کردند. به غیر از این چند قوافل، دیگر از اواسط سپتامبر ایاب و ذهاب نشده است.

از اواخر ماه ژویت، مسدود شدن راه بوشهر بیشتر از سابق شده و علت سد این راه تا اندازه‌ای به واسطهٔ مسدود شدن منزل از چنار راهدار به خانزنیان پس از قبضهٔ سیاخ از طرف حسن‌خان بوده و تا اندازه‌ای هم به واسطهٔ مجادلات و مخاصمات پایین جاده، بین علی‌محمد کمارجی یکی از محرکین حمله به عساکر ما که هنوز راهدار را در تصرف دارد و کازرونیها که کمارجیها هم باآنها کمك‌می‌کنند، و بین کمارجیها که طایفهٔ شبانکاره نیز با آنها تقویت می‌کنند و همدستان نورمحمدخان دالکی تحت امر برادرش حسین‌بیگ که کنارتخته را در تصرف دارد بوده است. حسین‌بیگ از فوت خورشیدخان استفاده نموده جیرم را که دهی است متعلق به کمارج و در امتداد راه بین کمارج و کنارتخته واقع است ضبط نمود و البته ۷۰ هزار فشنگی را که متعلق به دولت بود و حسین‌بیگ در ماه اوت ضبط نمود، در این مخاصمات و مجادلات دور جیرم بسیار برای او مفید بود.

خلاصه کمارجیها دو مرتبه به تصرف جیرم موفق گردیدند و فعلا اگرچه به‌طور موقت هم باشد، بین دو طرف متخاصم اصلاحی شده است.

پولهای گزافی را که کدخدایان و قراولان راه از قوافل می‌گرفتند، کمتر نشده و میزان کرایه هم کمافی‌السابق گزاف است. پس از مراجعت سردار احتشام راه تا چند هفته مسدود بود و هیچ‌کس مسؤول حفاظت آن نبود.

نواحی و نقاطی که برای تجارت شیراز آنقدر دارای اهمیت بود، مسدود گردیده و در طرف جنوب شرقی فارس که یکی از مراکز عمدهٔ فروش مال‌التجارهٔ ورودی به شیراز است، به واسطهٔ قطع مراوده با شیراز، دیگر مال‌التجاره وارد نمی‌شود و از بندرعباس مال‌التجاره وارد می‌نمایند.

نتیجهٔ این اوضاع امساله از سالهای پیش برای تجار خیلی بدتر بوده و نتوانسته‌اند با این میزان کرایه اجناس خود را که از بوشهر آورده می‌شد، به فروش برسانند.

البته مدیر ادارهٔ تلگراف هند و اروپا، به شما اطلاع داده است که چندین دفعه سیمهای تلگراف را قطع نموده‌اند. قطع این سیمها و حملات بر دسته‌جاتی که برای تعمیر آنها می‌رفتند و غارت اسباب آنها، از سال پیش بیشتر واقع شد، اگرچه مقطوع بودن مخابرات در پاییز امساله، کمتر از دو سال طول کشید.

حوادث شش‌ماههٔ اخیر، اسباب بدتر شدن اوضاع فارس به طور عموم گردیده است و اقتدار دولت تقریباً بکلی از میان رفته و مهمتر از همه تجزیهٔ اقتدار ایلات بود و اقتدار رؤسای ایلات بر ایلاتشان کم و غیرمؤثر شده بطوری که دیگر نمی‌توانند از

آنها جلوگیری نمایند.

ایلات خمسه به استثنای قسمتی از اعراب شیبانی تحت امر عسکر و محمدقلی‌خان بکلی خود را از تحت اختیار کلانترهای خود خارج نموده‌اند و قشقائیها که همیشه بیش از ایلات عرب مطیع بودند، حالا تا اندازه‌ای مطیع کلانتران خود می‌باشند لیکن روز به روز می‌خواهند خود را از تحت اختیار آنها خارج نمایند و کلانتران چنان استقلالی پیدا کرده‌اند که هیچ ایلخانی با این اوضاع نمی‌تواند بر آنها فایق آید.

(امضاء) اسمارت

نمره ـ ۴۹۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

آقـا

افتخار دارم که اینك دو مراسله‌ای را کـه مستر اسمارت کفیل اخیر قنسولگری انگلیس در شیراز برای من فرستاده و از خدماتی که کلنل دوگلاس و عساکر او و مستر اسمیت و اجزاء ادارهٔ تلگرافخانهٔ هند و انگلیس به قنسولخانهٔ فارس نموده‌اند تمجید و تحسین نموده است، لفاً ایفاد دارم.

چنانچه کفیل قنسولگری سابق به شما اطلاع داده است، مستر اسمیت در اغتشاشات تابستان سال ۱۹۱۱ در شیراز خدمات نمایان نموده است و در آخر سال هم خدمات او در موقع حمله به عساکر بسیار ذی‌قیمت بود.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمرهٔ ۴۹۹

مکتوب اسمارت کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

شیراز ۴ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۲ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۳ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

قبل از حرکت از شیراز می‌خواهم شرحی از بابت کمك و معاونتی که کلنل دوگلاس با عساکر تحت امر خود به من نموده است اظهار تشکر و قدردانی نمایم.

وضعیت عساکر در اینجا به هیچ وجه سهل و مطبوع نبوده است. زرنگی و تحمل کلنل دوگلاس توأم با تجربیات کاملی که در ایران حاصل نموده است، کمك زیاد در رفع اشکالات و دفع حوادث تأسف‌انگیز نموده است و در تمام مسائل جزئیه که مذاکرهٔ آنها با مأمورین محلی لازم بوده، او به واسطهٔ اعتدال و میانه‌روی کار را بر من سهل و آسان نموده است.

چند دفعه اتفاق افتاد که افراد عساکر با صاحب‌منصبان آنها مورد شلیك دهاتیان یا تفنگچیان محلی واقع شده‌اند که از روی ترس به آنها شلیك نموده‌اند. در این‌گونه موارد چون می‌دانستند کـه از روی ترس بـه آنها شلیك می‌شود، در مقام تلافـی

برنیامده‌اند و هرگاه افراد قشون و صاحب‌منصبان در چنین موارد شلیك می‌کردند، ممکن بود تولید اشکالات زیاد بشود و در این‌گونه موارد متحمل خطرات نشده و راه مراوده را با دهاتیان یا تفنگچیان مذکور باز و خود را بـا آنها آشنا می‌نمودند و بدین واسطه از خونریزی بی‌جهت جلوگیری می‌شد. کلنل دوگلاس همیشه به این‌گونه حوادث چندان اهمیتی نمی‌دهد.

به علت وضع مغشوش درهٔ شیراز، در مدت قسمت عمدهٔ ده ماه اگر قشون بالانفراد یا مجتمعاً بطور آزاد در حدود شیراز گشت و گذار می‌کردند. احتمال قوی می‌رفت که حوادث تأسف‌انگیز رخ دهد. کلنل دوگلاس با وجود آنکه هیچ مایل به این کار نبود، حرکات عساکر و صاحب‌منصبان خود را بر وفق مقتضیات متغیرهٔ اوضاع محل مقرر نموده بود و به این وسیله از حدوث این وقایع جلوگیری شد.

اگرچه تا اندازه‌ای از طرف من جسارت می‌شود. لیکن الحال که در این موضوع می‌نویسم، نمی‌توانم از وضع سلوك صاحب‌منصبان و افراد عساکر نسبت به اهالی شهر تمجید و اظهار تشکر و قدردانی ننمایم.

به واسطهٔ خوشرویی و صبر و تحملی که صاحب‌منصبان و افراد قشون به خرج دادند، احساسات اهالی شهر نسبت به عساکر بسیار دوستانه بوده است.

(امضاء) اسمارت

ملفوف دوم نمرهٔ ۴۹۹

مکتوب اسمارت کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

شیراز ۴ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۲ آبان ۱۲۹۱: ۲۳ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

اینك که در شرف حرکت از شیراز هستم، می‌خواهم از معاونت و همراهی که در این دو مسافرت مستر اسمیت معاون مدیر ادارهٔ تلگراف هند و اروپا و اجزاء او در فارس به من نمودند، اظهار تشکر نمایم.

کفیل قنسولگری سابق و من در چندین مواقع به فواید و منافعی که در تجربیات سابقهٔ مستر اسمیت به این قنسولگری می‌رسیده اشاره نموده‌ایم. این شخص همیشه با کمال میل در مورد معاملات و مذاکرات با رؤسای ایلات یا دهات همراهی داشته و وسایل تسهیل مسافرین انگلیسی را فـراهم می‌آورده و قنسولگـری را همیشه از پیشامدهای نقاط مختلفه ایالت واقف و مستحضر می‌داشته است و همینکه اغتشاشات زیادتر می‌شده، همراهی و معاونت او بیشتر قیمت پیدا می‌کرده است. گـذشته از اینها، به واسطهٔ اعتدال و فطانت، مستر اسمیت همراهی خود را قابل اعتماد ساخته است و در مواردی که بر اشکالات امور ادارهٔ او، به واسطهٔ اغتشاشات و قطع سیمها از طرف ایلات افزوده می‌شد، کفایت و حسن سلوك او نسبت به رؤسای محل وسیلهٔ این بوده است که در اغلب موارد قنسولگری مداخله ننماید.

و نیز باید از بابت مستر کریستماس شرحی بنویسم. ایـن شخص مفتش ادارهٔ

تلگراف هند و اروپا است و چون ایلیاتیها او را دوست می‌داشتند، همراهی او در مورد ترتیب عبور و مرور مسافرین انگلیس و سایر اموراتی که مستلزم مذاکره با رؤسای ایلات بود، بسیار زیاد بود.

من سابقاً هم از همراهی زیاد مستر اسمیت و اجزاء او در حرکات قشون شرحی نوشته‌ام. این همراهی در این اواخر در موقع حرکت اسکادران از اصفهان به شیراز و در ترتیب عبور و مرور قوافلی که آذوقه و مهمات برای عساکر بوشهر می‌بردند، بسیار زیاد بود.

(امضاء) اسمارت

نمره ـ ۵۰۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

راههای کرمانشاه

دولتین روس و ایران ترتیبی داده‌اند که ماهیانه مبلغ ۳۰،۰۰۰ تومان بانك روس به ضمانت دولت روس به حکمران کرمانشاه تا مدت غیرمعینی برای مصارف حکومتی و استقرار قوهٔ نظامی بدهد.

امید است که با این وجهی که مطمئناً ماهیانه داده می‌شود، حکمران آنجا بتواند راههای آنجا را که فعلا بر ایاب و ذهاب مال‌التجاره مسدود است، منظم نماید. نظر به کسر مقدار مال‌التجارهٔ انگلیس که از کرمانشاه وارد ایران می‌شود، بسیار لازم‌است که راههای ولایت مذکور منظم شود. پولی‌که به‌طریق فوق‌الذکر پرداخته می‌شود، از مساعدهٔ دیگری که داده خواهد شد، مسترد می‌شود یا از عایدات گمرکات شمال پس‌از آنکه مساعده‌های حالیه مسترد گردید.

نمره ـ ۵۰۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۶ دی ۱۲۹۱؛ ۱۷ محرم ۱۳۳۱]

سالارالدوله

راجع به تلگراف ۲۰ دسامبر من:

سالارالدوله جواب داده است که چون او یکی از شاهزادگان قاجاریه است، نمی‌تواند از بختیاریها شرایطی را قبول نماید و بنابراین شرایطی را که به او پیشنهاد شده، رد کرده است. سالارالدوله اظهار داشته است که اگر سعدالدوله صدراعظم بشود، مسألهٔ دیگری است چرا که او می‌تواند به سعدالدوله اعتماد داشته باشد که حکومت هر محلی را که بخواهد به او تفویض نماید.

از قراری که راپورت داده شده، شاهزادهٔ مذکور به طرف مازندران حرکت کرده است.

نمره ـ ۵۰۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۸ دسامبر ۱۹۱۲ [۷ دی ۱۲۹۱؛ ۱۸ محرم ۱۳۳۱]
تبریز و حکومت مرکزی

راجع به تلگراف ۲۵ دسامبر من:

تلگراف ذیل در تاریخ ۲۷ دسامبر از کفیل قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز رسیده است:

مکتوبی به امضای سه نفر از علمای بزرگ برای من رسیده ولی چون اکثر اهالی از کم و کیف اجلاسی که در خانهٔ ایالت منعقد گردید و در تلگراف ۲۴ دسامبر خود راپورت دادم، بی‌خبرند نمی‌توان آن را نمایندهٔ افکار عموم اهالی تبریز دانست.

صاحبان امضای این تلگراف مرا از مضمون تلگرافی‌که به طهران مخابره نموده و سواد آن برای شما فرستاده شد، مطلع می‌نمایند و می‌گویند اگر اعضای حالیهٔ کابینه در عوض استعفاء تغییر شغل بدهند، اهالی تبریز آنها را نخواهند شناخت. در این تلگراف، به بختیاریها و نایب‌السلطنه و کابینهٔ حاضره حمله شده و در خاتمه مذکور است که علاج تمام این معایب، تعیین سعدالدوله است. تا اندازه‌ای که بر من مکشوف گردید، فقط سه نفر از امضاءکنندگان این تلگراف مردمان مهمی هستند.

علاءالسلطنه دیروز توسط شخص ثالثی برای من پیغام داده که این تلگراف مسألهٔ تشکیل کابینه را بالمضاعف سخت می‌نماید. او عقیدهٔ مرا نیز در باب آن تلگراف استفسار نموده.

من در جواب گفتم که این علامتی است که کابینهٔ او بدون یك روز تأخیر باید اعلان بشود و نباید کار را بیش از این به تعویق اندازند. و بعلاوه اظهار داشتم که بقین دارم دولتین کابینه‌ای را که مرکب از بعضی از مردمان بزرگ امروزه باشد، تقویت خواهند نمود و فرستادهٔ او را متذکر ساختم که تا امتیازات داده نشود، مساعده داده نخواهد شد.

وقتی که فرستادهٔ مذکور به من اطمینان داد که عین‌الدوله و وثوق‌الدوله و مستوفی‌الممالك هم وعده داده‌اند که جزو کابینه بشوند، من اظهار داشتم هر سه نفر اینها برای کابینه مناسب می‌باشند لیکن چون مؤتمن‌الملك و مشیرالدوله طرف اطمینان قسمت زیادی از مردم می‌باشند، عضویت یکی از آنها بسیار قدر و قیمت خواهد داشت و اظهار داشتم که در صورتی‌که این‌قبیل اشخاص در کابینه باشند و با یك پروگرام استعماری صحیح شروع به کار کنند، کار پیشرفت خواهد کرد و ممکن است که دولت ایران استقراضی تحصیل نماید که برای مصارف مشخصه تخصیص شود.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۰۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ دسامبر ۱۹۱۲ [۸ دی ۱۲۹۱؛ ۱۹ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۴ دسامبر شما: ـ حمله بر لیوتنان بوهنگ ـ گمان می‌کنم ۵۰۰ لیرا مبلغ کافی خواهد بود آیا شما تصویب می‌کنید؟

نمره ـ ۵۰۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۸ محرم ۱۳۳۱]

آقـا

در تعقیب مراسلهٔ ۱۶ شهر جاری خود، در موضوع حمله به دستهٔ عساکر انگلیس، نزدیك خانزنیان در راه شیراز الی بوشهر، که بدبختانه منجر به قتل کاپیتان اکفورد گردید، افتخار دارم اینك سواد مراسلات دیگری را که در این باب نوشته شده، لفاً ایفاد دارم.

دیشب از دولت ایـران مکتوبـی (ترجمهٔ آن در جوف است) بـه انضمام خلاصهٔ مذاکرات تلگرافی که بین ایالت فارس و وزیر امور خارجه و وزیر داخله به عمل آمده بود، برای من رسید (سواد خلاصه نیز در جوف است). از ترجمهٔ مکتوب مذکور معلوم خواهد شد که در آن چیز دیگری غیر از خلاصهٔ مذاکرات تلگرافی راجع به اقداماتی‌که می‌خواهند برای جبران حمله به عساکر بنمایند، مندرج نیست. اقداماتی که در نظر دارند بنمایند، خوب و کامل است و احتمال قوی می‌رود موفقیت حاصل نماید لیکن چون این موسم برای اقدامات نظامی در کوهها مساعد نیست و مهمتر از همه، چون اعتماد به همراهی صادقانهٔ کسانی که معاونت‌شان لازم است مشکوك است، به پیشرفت اقدامات مذکور نمی‌توان یقین حاصل نمود. گمان می‌کنم این را باید نتیجهٔ کفایت مخبرالسلطنه دانست که وقت را از دست نداده و اردویی تهیه نموده و به حکومت مرکزی تأکید نموده است که بختیاریها را به کمك او بفرستند که از طرف بهبهان اقدامات برعلیه [=علیه] ایلی که مظنون است بنمایند. از قرار معلوم، او از روی کمال امیدواری معتقد به حصول جبران برای حملهٔ اخیر و حملهٔ یك سال قبل مستر اسمارت تا یکماه دیگر می‌باشد.

چون مخبرالسلطنه چنین عزم قابل تمجیدی برای حصول جبران ابـراز می‌نماید، تصور می‌کنم انصاف است که تا مدت صحیحی مثلا چهار ماه به او فرصت داده شود که اقدامات خود را به انجام برساند. اگر جناب معظم موفق گردد، بدان‌وسیله اقتدار کاملی حاصل خواهد نمود و به واسطهٔ آن اقتدار می‌تواند نظم و امنیت در این ایالت مستقر بدارد. قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز بسیار مایل است که به مخبرالسلطنه مهلت صحیحی داده شود.

علاءالسلطنه امروز از من ملاقات نمود و تحقیق نمود ببیند شما عقاید خود را به

من مخابره نموده‌اید که آیا دولت اعلیحضرتی به مناسبت وقوع این قضیهٔ تأسف‌انگیز چه رویه اتخاذ خواهند نمود؟ چنانچه بر من مفهوم گردید، دولت ایران خیلی می‌ترسند از اینکه مبادا دولت اعلیحضرتی تصمیم نموده، اقدامات فوریه برای حصول جبران بنمایند و تصور کنند که دولت ایران خود قادر به انجام آن نمی‌باشد. وزیر معظم‌له جزئیات اقداماتی را که ایالت در صدد است بنماید، بیان کرد و صمیمانه اظهار امیدواری نمود که دولت اعلیحضرتی مهلت صحیحی خواهنددادکه مخبرالسلطنه بتواند نقشهٔ اردوکشی خود را که به موفقیت آن، او کمال امیدواری را داشت، به انجام برساند.

وزیر معظم به علاوه اظهار داشت که به سفیر دولت ایران مقیم لندن تعلیم داده خواهد شد که اظهار بنماید که دولت ایران حاضر است از عهدهٔ غرامت پولی هم برآید و او به شما در باب مبلغی که مناسب است داده شود مشورت خواهد نمود و به سفیر معظم‌له نیز تعلیم داده شده است که از طرف دولت ایران برای این واقعه به خانوادهٔ کاپیتان اکفورد اظهار تأسف فوق‌العاده بنماید.

من در جواب گفتم: یقین دارم شما این ارائهٔ طریقی را که دولت ایران از روی میل برای غرامت پولی نموده‌اند، بسیار قدر خواهید دانست.

از بابت مسألهٔ سابق اظهار داشتم که علاوه بر نظریه‌ای که شما به من تعلیم دادید کتباً برای دولت ایران ابلاغ نمایم، نظریات دیگری از طرف شما برای من مخابره نشده است.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمرهٔ ۵۰۴

ترجمهٔ مکتوب علاءالسلطنه به سر والتر تنلی

۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

جناب اجل

در تعقیب مراسلهٔ ۴ ماه جاری خود (۱۴ دسامبر ۱۹۱۲) در خصوص حادثهٔ تأسف‌انگیز کاپیتان اکفورد، افتخار دارم جناب‌عالی را اطلاع دهم که در ۶ ماه جاری، من و وزیر داخله مذاکرات تلگرافی با ایالت فارس داشتیم به این مقصود که تأکید به اجرای اوامری که برای تهدید و تنبیه مقصرین صادر شده بود، بنماییم. ایالت فارس می‌گوید که حالیه ۳۰۰ نفر از تفنگچیان شهری دولت و در امتداد راه به تعاقب مقصرین فرستاده شده است و به تمام مأمورین دولتی که در آن نواحی هستند، اوامر فرستاده شده و ایالت نقشهٔ کاملی برای تشکیل قشون و محاصرهٔ سارقین مذکور کشیده و آن نقشه را قنسول انگلیس هم تصویب نموده است. از اینجا هم تعلیمات تلگرافی مؤکد به حکام بهبهان و اصفهان داده شده است که سوار و استعداد برای محاصره و تنبیه کامل راهزنان مذکور بفرستند.

چنانچه ایالت امیدوار است، تا یك ماه دیگر، هم مقصرین حمله به مستر اسمارت

و هم مقصرین قضیهٔ حالیه تنبیه خواهند شد. ایالت منتظر ورود توپها و تفنگهایی است که به بوشهر وارد شده‌اند. کاپیتان نرن براندل از شیراز حرکت کرده است که این اسلحه‌ها را از بوشهر به شیراز بیاورد و وقتی که اسلحه‌های قشون تکمیل شد ایالت می‌تواند اردو را حرکت بدهد.

با این تهیاتی که نقشهٔ آن ریخته و بزودی به موقع اجرا گذارده خواهد شد، من امید کامل دارم که جبران کاملی برای این قضیه بعمل خواهد آمد.

(امضاء) علاءالسلطنه

ملفوف دوم نمرهٔ ۵۰۴

خلاصهٔ جواب مخابرات حضوری با وزیر امور خارجه
و وزیر داخله از طرف مخبرالسلطنه
به تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۶ محرم ۱۳۳۱]

مستر اسمارت گواه است که به ورود من به شیراز، شهر در حقیقت محاصره و راهها مسدود بود. الحال، راهها برای ایاب و ذهاب مفتوح است که قوافل یومیه از بوشهر حرکت می‌کنند. پس از چهل روز که سکون و آرامی مستقر گردید و پستهای ژاندارمری در کازرون برقرار شد، بعضی از صاحب‌منصبان انگلیسی خواستند برای شکار حرکت کنند. چون امنیت موجود بود من علتی برای ممانعت از این کار نداشتم و ارائهٔ طریق نمودم که استعدادی همراه آنها حرکت کند. لیکن بعلت آنکه سواران خودشان را همراه داشتند استعدادی نخواستند. وقوع این قضیه تنها به واسطهٔ آن بود که صاحب‌منصب از دستهٔ قشون جدا شده و خیلی به جلو می‌رفت و به صاحب‌منصبی که با سوارها به عقب می‌رفت، آسیبی وارد نیامد. خود قنسول و کلنل وقوع این حادثه را بواسطهٔ عدم امنیت راهها نمی‌دانند لیکن آن را فقط یکی از حوادث نامساعد غیرمترقبه می‌دانند.

من در مقام ایالت از وظایف خود غفلت ننموده‌ام و اقدامات بسیار سخت نموده‌ام لیکن حصول نتیجهٔ رضایت‌بخشی از این اقدامات بسته به این است که از روی نقشهٔ کاملی به انجام برسد و هنوز درست معین نیست که آیا این اقدامات را باید تنها برعلیه [=علیه] طایفهٔ بوئراحمدی نمود یا نه. البته مرکز اقدامات را باید کازرون قرار داد.

فعلا تمام هم من مصروف به وارد نمودن اسلحه و مهماتی است که در بوشهر است و به تمام مأمورین محلی تعلیم داده‌ام و مشغول جمع‌آوری تفنگچیان قابل اعتماد می‌باشم و برای مداقه در این امر، امروز با عده‌ای مشورت می‌کنم. این کاری نیست که در آن بشود با عجله اقدام کرد.

من با قنسول در این باب صحبت نموده‌ام و او هم با نقشهٔ اردوکشی‌من کمال‌موافقت را دارد و برای جمع‌آوری قشون لازم، از اینجا و از بهبهان یك ماه وقت لازم است که از روی نقشهٔ صحیح معین آنها را به جنگ بفرستیم. امیدوارم که تا آنوقت

جبران کافی برای حمله به اسمارت و این قضیه به عمل آید.

این قضیهٔ آخری یکی از حوادثی است که معمولا در تمام نقاط دنیا رخ می‌دهد. بمجرد آنکه اخبار وقوع آن از طرف قنسول با تلفون به من رسید، من سوار به تعاقب سارقین فرستادم و کتبا اظهار تأسف نمودم و خودم شخصاً صبح روز بعد، برای اظهار تأسف رفتم. خود قنسول تصدیق داشت که با این اوضاع هرج و مرج حالیهٔ مملکت، ممکن نبود انتظار داشت که انقلاب چهل روز قبل، غفلتاً طور دیگر شود که دیگر به هیچ‌وجه غارت و حمله به وقوع نرسد. در ایالتی که نصف اهالی آن ایلات وحشی متمرد هستند، هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که کار عجیب و غریبی تاکنون به‌انجام رسیده و با این ترتیب وقتی خواهد رسید که نظم و امنیت و آرامی کامل برقرار گردد.

به قرار راپورتی که به همین تازگی رسیده، یقین است کـه سارقین از طایفهٔ بوئراحمدی بوده‌اند و به طرف دشمن‌زیاریها رفته‌اند. یکی از آنها همانجا کشته شده لیکن از کلانتر محل هنوز راپورتی برای من نرسیده است.

۳۰۰ سوار به تعاقب سارقین رفته‌اند. به دلایل صحیحه مرکز اقدامـات را باید کازرون قرار داد. من مشغول جمع‌آوری قشون کافی هستم و رفع اضطراب دولت را خواهم نمود. باید امیر مجاهد را متنبه نمود که از قشقائیها استعانت نماید.

اقداماتی‌که در طهران به عمل آمده است

تعلیمات مؤکدهٔ تلگرافی از طرف دولت به سردارجنگ و سایر سرداران در اصفهان و به امیر مجاهد در بهبهان داده شده که فوراً بمناسبت اقداماتی که مخبرالسلطنه در شیراز نموده، قشون بفرستند و حرکات قشون مذکور باید از روی نقشهٔ مخبرالسلطنه باشد و این قشون را از سه طرف برای سرکوبی کامل بوئراحمدیها فرستاده طوری آنها را تنبیه نمایند که موجب عبرت سایـرین گردد. سردار اسعـد هم همین قسم تلگرافاً [=تلگرافی] تعلیم داده است.

ملفوف سوم نمرهٔ ۵۰۴

تلگراف قنسول اکونر به سر والتر تنلی

شیراز ۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

همین حالا با ایالت ملاقات نمودم. جناب معظم‌له به من اظهار داشت که از طهران به او تأکید نموده[اند] فوراً هرگونه اقدامی که ممکن است برعلیه [=علیه] سارقین بنماید که در هیجانی که در لندن و کلکته پدیدار شده تسکینی حاصل گردد. نظریات او در باب اوضاع عمومی با نظریات من موافقت دارد.

ایالت از وقوع این حادثهٔ مؤلمهٔ کاپیتان اکفورد و این سرقتهای متوالی در راهها بسیار متألم است لیکن اظهار می‌دارد که انتظامات فارس قطعاً بهتر از زمان قبل از ورود او است و این اتفاقات و سرقتهای گاهگاه به‌هیچ‌وجه اوضاع‌پلتیکی[=پلیتیکی]

را که از دو هفته قبل موجود شده، تغییر نمی‌دهد.

[او] به هیچ وجه صلاح نمی‌داند که مجبوراً قبل از طرح نقشهٔ صحیح اقدامی بر علیه [=علیه] سارقین به عمل آید. می‌گوید البته برای او سهل است که قشون مرکب از سربازان و سواران بی‌مصرف ایرانی را جمع نموده و به کوهستان بفرستند لیکن چنانچه اشعار می‌نماید نتیجهٔ چنین اقدامی معلوم و واضح است و البته چنین اقدامات بی‌ترتیب و از روی بی‌فکری موفقیت حاصل نتواند نمود و در صورتی که موفقیتی حاصل نشود اوضاع بدتر از سابق شده و مستلزم اشغال خارجی خواهد شد. او علی‌هذا پیشنهاد می‌کند اگر بواسطهٔ اصرار دولت، از روی بی‌میلی مجبور به اقدامات نشود، دنبالهٔ تهیات با اساس خود را در تشکیل قشون کم کافی به طریقی‌که در تلگرافات سابق شرح آن داده شده، خواهد گرفت و قریب ۱،۰۰۰ نفر اشخاص جنگی جمع‌آوری خواهد نمود و امیدوار است که آنها را تا دو ماه دیگر، مسلح و حاضر برای جنگ کند.

این نقشهٔ عمومی او است و در صورتی که تصویب بفرمایید، من محترماً تأکید می‌کنم که خوب است این کار را به موقع تجربه و امتحان بگذاریم. چنانچه سابقاً تأکید کرده‌ام، قضیهٔ آخری اساساً اوضاع موجوده را تغییر نمی‌دهد.

ملفوف چهارم نمرهٔ ۵۰۴

تلگراف قنسول اکونر به سر والتر تنلی

شیراز ۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

چنانچه در تلگراف ۱۴ دسامبر خود راپورت دادم، فقط سه نفر ژاندارم سواره جلوتر از دستهٔ ماژور کتل‌ول حرکت کردند. صاحب‌منصب سوئدی با توپخانه همراه آنها نبود. مسألهٔ تشخیص سارقین هنوز غیرمعلوم است. اطلاعاتی که از منابع دیگر بدست آمده، تصدیق قول ایالت را که سارقین از طایفهٔ بوئراحمدی بوده‌اند، نمی‌کند. رجوع به تلگراف سابق من در این موضوع بنمائید.

عدهٔ مقتولین آنها غیرمعلوم است ولی بقرار راپورتهای مختلفه، از یکی الی دوازده نفر بوده است و علت این اختلاف این است که هیچ‌کس بطور یقین نمی‌داند. هیچ‌یك از قاطرهای مسروقه مسترد نشده است لیکن بعضی از بارهایی را که سارقین ول کرده بودند بدست آمد.

در باب شرکت ژاندارمها در این جنگ جزئیات ذیل از کاپیتان لوندبر که در موقع جنگ برای تحقیقات رفته بود، به من داده شده است:

او راپورت ماژور کتل‌ول را تصدیق می‌کند لیکن اظهار می‌دارد که بعلاوهٔ سه نفر ژاندارمی که صبح به جلو رفتند و آنهایی که بعد از آن به برج سینه‌سفید[1] رفتند، ژاندارمهای دیگر هم که هر روز در راه از خان‌زنیان گردش می‌کنند، بودند. این

---

۱) اصل: سنله سفید. ـ م.

ژاندارمهای اخیر در ساحل شمالی رودخانه، محلی را در کوهها سنگر قرار داده و از آنجا به سارقین شلیك نمودند و چهار نفر از ژاندارمها مجروح شدند. بعضی از آنها ظاهراً سارقین را تا مسافتی تعاقب نموده و غروب مراجعت نمودند، لیکن به هیچ وجه جنگی با سوارها واقع‌نشد. ماژور سیفورت تخمین‌می‌زندکه عدهٔ ژاندارمهایی که جنگ کردند، رویهم‌رفته قریب ۲۰ نفر بود.

این را باید ذکر نمایم که ژاندارمها از قرار معلوم خوش‌رفتاری نمودند و هرقدر می‌توانستند به اتفاق همراهان ماژور کتل‌ول برای رفع سارقین اقدام نمودند.

نمره ـ ۵۰۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۳۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۹ دی ۱۲۹۱؛ ۲۰ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۵ دسامبر شما:

اقدامی را که شما پیشنهاد نموده‌اید که به مناسبت اعتراض برعلیه [=علیه] مسیو مرنارد بشود، تصویب می‌کنم.

نمره ـ ۵۰۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۱ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۰ دی ۱۲۹۱؛ ۲۱ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۳۰ دسامبر شما:

ترتیب آن مسأله بطور دلخواه داده شده‌است. مقصرین‌تنبیه‌شدند و [از]آن‌کسانی‌که حمله نموده بودند، غرامت گرفته شد و پیغام تأسف‌آمیزی را صدراعظم توسط سردار اشجع که در شرف حرکت برای حکومت اصفهان است، برای مسیو مرنارد ابلاغ‌نمود.

خوانین وعده داده‌اند که فیمابعد خودشان حقوق سوارها را بدهند و آنوقت از دولت پول بگیرند.

نمره ـ ۵۰۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۲ دی ۱۲۹۱؛ ۲۳ محرم ۱۳۳۱]

آذربایجان

راجع به تلگراف ۲۸ دسامبر من:

از تبریز به من خبر رسیده که علماء و تجار تلگراف دیگری برای کابینه مخابره نموده و تقاضا نموده‌اند که نایب‌السلطنه دیگر به ایران مراجعت ننماید و کابینهٔ حالیه منفصل گردد و کابینهٔ جدید به صدارت سعدالدوله تشکیل شود و بختیاریها را

---

۱) اصل: ۱۹۱۲. ـ م.

اخراج نمایند. آنها اخراج مأمورین مالیهٔ بلجیکی [=بلژیکی] را نیز تقاضا نموده‌اند.

کفیل قنسولگری انگلیس به علاوه اظهار می‌دارد که او از روی دلیل می‌تواند بگوید که شجاع‌الدوله این نقشه را طرح نموده و باطناً طرفدار این اقدام است. مستر گوان از اداره‌کردن مالیه توسط بلجیکیها [=بلژیکی‌ها] تمجید و تحسین زیاد می‌کند.

همکار روسی من تلگراف سختی به سپهدار مخابره خواهد نمود که در جلو بلجیکیها مانع‌تراشی ننماید. گمان می‌کنم همکار من ترجیح می‌دهد که عمل این کار را خود اصلاح نماید و محض نیل به این مقصود، من به کفیل قنسولگری تعلیم می‌دهم که اقدامی ننماید مگر آنکه ایالت مستقیماً با او طرف شود، و در این صورت باید با اقدامات سفیر روس همراهی نماید.

نمره ـ ۵۰۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۲ دی ۱۲۹۱؛ ۲۳ محرم ۱۳۳۱]

آذربایجان

راجع به تلگراف سابق امروز من:

وزیر امور خارجه برای من پیغام فرستاده استدعا می‌کند که به دولت اعلیحضرتی اظهار نمایم که اوضاع آذربایجان آنقدر مهم شده که او می‌ترسد اگر اقدامات برای جلوگیری مؤسسین این انقلابات که شجاع‌الدوله در عقب آن است بعمل نیاید، این اوضاع در تمام مملکت سرایت کرده و هرج و مرج به ظهور خواهد رسید.

جناب معظم‌له پیشنهاد می‌کند که توسط دولت روس به قنسول روس مقیم تبریز تعلیمات داده شود که اقدامات برای جلوگیری این هیجان بنماید و امیدوار است که دولت اعلیحضرتی مناسب خواهند دانست که برای انجام این کار اظهارات لازمه به سنت‌پطرزبورغ بشود.

از قراری که فهمیده‌ام، همکار روسی من راضی شد که تلگرافی به این مضمون به دولت متبوعهٔ خود مخابره نماید.

نمره ـ ۵۰۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۴ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۴ دی ۱۲۹۱؛ ۲۵ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۴ دسامبر شما:

نظر به‌عقیدهٔ‌شما که از فرستادن اردویی که دولت‌ایران در مد نظر دارند بفرستند، نتیجه حاصل نخواهد شد، من صلاح نمی‌دانم توصیه نمایم که مساعده برای انجام این مقصود داده شود. به علاوه، دولت اعلیحضرتی در صورتی‌که برای این اردوکشی پول

بدهند، ممکن است مسؤولیتهایی را به عهده گیرند که دیگر نتوانند خود را از آن بری‌الذمه سازند.

نمره ـ ۵۱۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۴ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۴ دی ۱۲۹۱: ۲۵ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲ ژانویهٔ سر والتر تنلی:

از مسیو سازانف استفسار نمایید که آیا میل دارد تعلیماتی‌را که وزیر امور خارجه مایل است. فوراً برای قنسول روس مقیم تبریز فرستاده شود؟

از قرار معلوم در صورتی‌که از این انتریگها جلوگیری نشود، اوضاع مهمتر حادث خواهد گردید.

نمره ـ ۵۱۱

طهران ۵ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۵ دی ۱۲۹۱: ۲۶ محرم ۱۳۳۱]

آذربایجان

راجع به تلگراف دوم ژانویهٔ من:

قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز در ۴ ژانویه به قرار ذیل تلگراف می‌کند:

پیغام تلگرافی ۲ ژانویهٔ شما را به ایالت ابلاغ نمودم. جناب معظم در طی ملاقات در خصوص اوضاع پلتیکی [=پلیتیکی] صحبت نمود و استفسار کرد که آیا دولت اعلیحضرتی چه رویه اتخاذ خواهند نمود؟ چون سوءظنی که در حق او برده بودند به اینکه در تهییج هیجان حاضره شرکت دارد، اسباب حیرت او شده بود.

من به او اظهار داشتم که چون افکار عمومی او را تا اندازه‌ای در تهییج این‌انقلاب شریك می‌دانند، تعجبی نیست که در حق او سوءظن داشته باشند زیرا که هیچ اقدامی برای تکذیب این مسأله ننموده است و به جناب معظم ارائهٔ طریق نمودم که فوراً اقدام نموده و اعلان کند که او مایل به اقدامات مهیجین نیست و هیچ ارتباطی با آنها ندارد. او بطور اشاره گفت که اگر این کار را بکند[1] جانش در خطر خواهد بود و بنابراین اقداماتی را که من پیشنهاد نموده بودم نخواست اجراء نماید و آخرالامر از من درخواست نمود که تلگراف ذیل را برای شما مخابره نمایم:

با آنکه من مخالف اقتدار بختیاریها هستم، طرفدار سعدالدوله هم نمی‌باشم و با بلجیکیها [=بلژیکیها] عداوتی ندارم و بلکه برعکس با تمام قوا با آنها همراهی دارم.

اگر چند هفته قبل از این بود، می‌توانستم به شما اطمینان بدهم که آیا قسمت آخر این تلگراف صحت دارد یا نه و با وجود آنکه عقیدهٔ قنسول روس برخلاف این است،

---

۱) اصل: نکنید. ـ م.

ممکن است هنوز هم همینطور باشد.

مطالب باقی تلگراف چندان قابل اهمیت نیست. دشمن عمدهٔ بلجیکیها در اینجا شجاع‌الدوله است.

اگرچه سپهدار قدرتی ندارد، اسم او تا اندازه‌ای اهمیت دارد. آیا ممکن نیست توسط وزیر داخله برای او تعلیمات فرستاده شود که خود را در هیجان شریك ننماید؟ او راپورتی را که انتشار داشت که قرار شده اردویی به سمت طهران اعزام شود، تکذیب نمود.

از قراری که اطلاع حاصل نموده‌ام انقلابی که برای نان شده بود، پیشرفتی حاصل ننموده است.

نمره ـ ۵۱۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲ دی ۱۲۹۱؛ ۱۳ محرم ۱۳۳۱]

آقـا

حادثهٔ نامساعد اخیر در راه بوشهر الی شیراز وقتی بـه وقوع رسید کـه ایالت شروع به طرح نقشه‌هایی نموده بود که اگرچه با هم مختلف بود، تمام برای نیل به یك مقصود کشیده شده بود که عبارت باشد از اعادهٔ انتظامات و وصول مالیات ایالت به طریق بهتری. یکی از نقشه‌ها برای تشکیل قوهٔ نظامی است و نقشهٔ دیگری برای بودجه.

چون قوهٔ نظامی برای وصول عایدات به‌کار برده خواهد شد، این دو نقشه خیلی بهم مربوط می‌باشند، لیکن گمان می‌کنم اگر در ضمن دو مراسله، من شرح هریك از این نقشه‌ها را بدهم مقاصد مخبرالسلطنه بهتر و بیشتر مفهوم خواهد شد و سعی خواهم کرد که اقداماتی را که موقتاً برای تنبیه مرتکبین حمله به عساکر ما که در ۱۱ ماه جاری واقع شد، به عمل می‌آید از اقدامات دائمی مخصوص حکومتی مجزا نمایم.

به مجرد ورود مخبرالسلطنه به شیراز، او بزودی دریافت که امکان ندارد اقتدار خود را در آن ایالت مستقر داشته و مالیاتها را وصول نماید مگر آنکه به تشکیل قوهٔ نظامی پردازد که قادر بر رفع اغتشاشات باشد و عدهٔ آنها به اندازه‌ای باشد که برحسب لزوم و اقتضاء به هریك از ایلات نامطیع سرکوبی دهد که برای سایرین هم درسی باشد. جناب معظم تخمین زد که قشونی مرکب از ۱،۵۰۰ الی ۲،۰۰۰ نفر لازم دارد که از بهترین اشخاص انتخاب شده باشند و بکلی از ژاندارمری مستقل باشند و فقط در مواردی که لازم باشد به آنها همراهی بنمایند. برای حفظ مقام شخص خویش هم، طبعاً ایالت ترجیح می‌دهد که چنین قوه‌ای در تحت امر مستقیم خود او باشند و مواظب اجرای اوامر او.

بموجب تلگرافی‌که از طرف قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز بـرای من رسیده، مخبرالسلطنه حالیه خیلی مشغول تهیه و اجرای این نقشهٔ نظامی خویش است و ظاهراً

ملاکین عمده هم با او در این کار همراهی دارند و البته طبعاً آنها ترجیح می‌دهند که از طرف دولت به وسیلهٔ قوهٔ نظامی، نظم مستقر گردد تا آنکه این کار را از ایلات مقتدر انتظار داشته باشند.

قنسول مذکور می‌گوید که ایالت حالیه در نظر دارد قشونی مرکب از ۱،۰۰۰ نفر اشخاص نخبه تشکیل دهد و آنها را در نقاطی‌که از آنجا باید عایدات وصول شود، قرار دهد و بتواند عدهٔ آنها را بمناسبت وجوهاتی‌که موجود می‌شود، اضافه نماید.

ماژور اکونر تصور می‌کند که مخبرالسلطنه دارای افکار و مقاصد عالیه است ولی در مطالب جزئیه محتاج به مستشار با تجربهٔ کافی می‌باشد.

من در باب ژاندارمری فارس با کلنل یالمارسن مذاکره نموده‌ام و او مرا اطلاع می‌دهد که فعلا عدهٔ زیادی از صاحب‌منصبان ایرانی در جزو قشون و خارج از قشون موجود دارد که خیلی خوب تعلیم یافته و باکفایت هستند و می‌گوید که همیشه در نظر داشته است قشونی مرکب از ۳،۰۰۰ الی ۴،۰۰۰ نفر در فارس تشکیل دهد و در صورتی‌که وجوهات لازمه برسد، عدهٔ زیادی صاحب‌منصب موجود دارد که بتوانند به مدت کمی، قشونی را که لازم است تشکیل و تعلیم دهند. مخصوصاً در صورتی‌که مخبرالسلطنه صادقانه همراهی بنماید که او بتواند اشخاص بهتر از آنهایی که تاکنون برای قشون شیراز جمع‌آوری شده، انتخاب بنماید.

با این ترتیبات، یحتمل امکان خواهد داشت که قشون مکفی زیادی تحت تعلیمات سوئدیها تشکیل داد که قسمتی از آن تنها برای احتیاجات ایالت تخصیص شود و بقیه وظایف معمولهٔ ژاندارمری را به انجام رسانند. قشون مرتب منظمی مرکب از ۴،۰۰۰ نفر کافی خواهد بود که انتظامات کامل در ایالت اعاده نماید. مخصوصاً در صورتی‌که افراد آن از ایلیات جنگی انتخاب شوند.

بدبختانه فقدان پول اجرای چنین نقشه‌ای را بسیار مشکل می‌نماید. حالیه برای حقوق همین ماه مبلغ هفتاد هزار تومان باید به ادارهٔ ژاندارمری داده شود. خزانه بکلی خالی است و تلاش مسیو مرنارد برای استقراض وجه بیهوده است. رئیس بانك شاهنشاهی در نظر دارد که به مسیو مرنارد مبلغی قرض بدهد اگرچه محل تأمینی موجود نیست و فقط اضافه عایدات گمرکات جنوب باقی است که خزانه‌دار باید آن‌را برای پرداخت وجوهات زیاد در ماه مارس کنار بگذارد. و حتی در صورتی‌که پول برسد، هیچ احتمال نمی‌رود که تا ماه دیگر موجود شود، زیرا که منبع عایدات معین نیست که خزانه‌دار کل بتواند بر آن متکی شود.

(امضاء) والتر تنلی

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۱۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۶ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۶ دی ۱۲۹۱؛ ۲۷ محرم ۱۳۳۱]

اوضاع طهران

اگرچه اطمینان دارم که برای تسهیل تشکیل کابینهٔ جدید و تسکین احساسات اهالی آذربایجان برعلیه [=علیه] بختیاریها، صدراعظم و وزیر جنگ بطور قطع استعفاء نموده‌اند، باز هم بحران کابینه دوام دارد.

برای تأخیر در تشکیل کابینه، علل و اسباب مختلفه مذکور شده است. مثلا می‌گویند یکی از وزراء به علت آنکه رفیق شخصی او جزو کابینه نمی‌شود، حاضر قبول نیست و دیگری برای این که اطمینانی به حصول قرضه نیست، جزو کابینه نمی‌شود.

به عقیدهٔ من، علت واقعی این است که سیاسیون می‌ترسند مبادا کابینهٔ جدید به واسطهٔ دادن امتیازات راه‌آهن، طرف بی‌میلی اهالی واقع شوند.

علاءالسلطنه پروگرام رفورمهایی را که در مد نظر دارد به انجام برساند، برای من فرستاده است. در این پروگرام، استقراض قریب ۳،۵۰۰،۰۰۰ لیرا که در مدت پنج سال به مصرف پرداخت مصارف ژاندارمری و تأسیس ادارات صناعتی در چندین نقاط شهر در تحت راهنمایی خارجه‌ها و تبدیل حقوقات برسد، مذکور است؛ و تا زمانی‌که اطمینان از بابت حصول استقراض از خارجه حاصل نشود، بعضی از عناصر مهمه بی‌میل‌اند از اینکه جزو کابینه شوند.

از فقرهٔ اول و سوم پروگرام مذکور ممکن است نتایج مستحسنه بدست آید لیکن مشکل است که با خیال تأسیس کارخانجات تحت کنترل دولت، همراهی و همدردی بتوان نمود چرا که تجربهٔ این کار حتی در ممالك متمدن‌تر از ایران هم، به اندازهٔ لزوم موفقیت حاصل ننموده است.

نمره ـ ۵۱۴

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۶ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۶ دی ۱۲۹۱؛ ۲۷ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۴ ژانویهٔ شما:

آنتریگهای تبریز

مسیو سازانف به من اظهار داشت که مضمونی‌که ارائهٔ طریق شده به قنسول روس تعلیم داده خواهد شد و از من خواهش نمود که به شما اطمینان دهم که افکار عمومی ایران است که مخالف بختیاریها است و دولت روس مخالف نمی‌باشد.

به‌موجب اخباراتی که برای او رسیده، سپهدار در پرده با این هیجان همراه است و دولت روس به هیچ‌وجه برای آن مسؤول نمی‌باشد.

جناب معظم‌له خیلی از بابت اوضاع عمومی ایران بطور بدبینی صحبت می‌نمود و گفت که مأمورین نظامی می‌خواهند که مقداری از عساکر روس را عودت دهند. لیکن اوضاع هرج و مرج حالیه این کار را ممتنع[1] می‌دارد و نمی‌توان گفت امروزه در ایران حکومتی هست و پیشرفتی در امر امتیازات راه‌آهن ممکن[2]، ولی ماه دیگر وقتی‌که نمایندگان کمیته دتود به طهران می‌روند، می‌بینند کسی نیست که با او در این باب مذاکره نمایند.

جناب معظم‌له اصرار داشت بر اینکه امورات ایران در تحت کنترل شخص مقتدری قرار داده شود.

نمره ـ ۵۱۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۷ دی ۱۲۹۱: ۲۸ محرم ۱۳۳۱]

اوضاع طهران

راجع به تلگرافات ۲۸ دسامبر و ۶ ژانویهٔ من:

مؤسس نقشهٔ استعماری رفورمهایی که برای اجرای آن استقراض خارجی لازم‌است، مؤتمن‌الملك رئیس سابق مجلس است. من امروز بنا به خواهش وزیر امور خارجه با او مذاکره‌ای طولانی نمودم. مقصود از احداث ادارات جدید (نه کارخانجات، چنانکه سابقاً راپورت داده شده) در نقاط مختلفهٔ شهر، دو چیز است: اولا آنکه اداراتی‌که برای عموم لازم است تأسیس شود و ثانیاً اشخاصی را که زمانی که حقوقشان تبدیل می‌شود وسیلهٔ معاشی ندارند، در آنجاها به کار وادارند. خزانه‌دار کل صمیمانه با این نقشه همراه است و سفیر روس هم نکات حسنه در آن مشاهده می‌نماید، اگرچه او شبهه دارد از اینکه ایرانیها بتوانند بطور کامل کاری را انجام بدهند.

عقیدهٔ شخصی من این است که این پروگرام علامت و آثار ترقی است و امیدوارم که در صورتی‌که کابینهٔ مقتدر و کافی قابل اعتمادی پیدا شود که بتواند آن را با تقویت‌معنوی‌دولتین‌اجری[اجراء] و اعمال‌نماید، دولت‌اعلیحضرتی باآن تقویت‌صمیمی خواهند نمود. مؤتمن‌الملك محوری است که بر روی آن موفقیت یا عدم موفقیت تشکیل کابینهٔ کافی از طرف علاءالسلطنه دور می‌زند و اگر او راضی به عضویت در کابینه شود، تمام اشخاص خوب داخل خواهند شد، لیکن اگر او امتناع‌نماید، تشکیل هیأت صحیحی غیرمحتمل است. تردید او در این کار به علت این است که می‌خواهد سفارتین اطمینانی برای دادن قرضهٔ پنج یا شش میلیون لیرا بفوریت بدهند که به مصرف اجرای پروگرام رفورمها و سایر مطالبات برسد و بمجرد آنکه امتیازات

---

۱) اصل: غیر ممتنع. ـ م.

۲) اصل: ممکن نیست و... ـ م.

راه‌آهن به امضاء برسد، مساعده از بابت استقراض بزرگ به مبلغ پانصد یا ششصد هزار لیرا داده شود. این‌طور مقرر است که نصف این مبلغ برای مصارف ژاندارمری و نصف برای شروع اجرای نقشهٔ تبدیل حقوقات و پرداخت حقوقات عقب‌افتاده برسد زیرا که محسوس است که در صورتی که برای این مقصود تا اول سال ایرانی پول نرسد، داد و فریاد مردم آنقدر زیاد خواهد بود که هیچ کابینه‌ای نمی‌تواند زیاد بر سر کار دوام نماید.

اگر کابینه‌ای که علاءالسلطنه در مد نظر دارد تشکیل دهد تشکیل نشود، آتیهٔ ایران بسی تیره و تاریك است. از بختیاریها بکلی سلب اعتبار شده و هیجان ارتجاعی آذربایجان در تمام شمال ایران شیوع پیدا خواهد نمود و اسماً مقصود از این هیجان، تشکیل کابینه تحت صدارت سعدالدوله است لیکن مقصود عمدهٔ آن رجعت محمدعلی میرزا، شاه مخلوع است. این هیجان که البته بدون وقوع اغتشاشات سخت نمی‌تواند تا طهران منبسط شود، انتریگهای شبانه‌روزی سعدالدوله آن را تر و تازه نگاه می‌دارد و دلایل فراوان برای مشغول‌بودن و اقدامات سعدالدوله به دست هست. اگر اغتشاشی در طهران رخ دهد، ممکن است نتایج دور و دراز داشته باشد.

چنانچه آگاه‌هستید، مؤتمن‌الملك یکی از اشخاص کافی و تربیت‌شدهٔ مملکت است و به جهات فوق، من صمیمانه با او مذاکره نمودم و اظهار داشتم که دولتین نمی‌توانند به کابینه‌ای که وجود ندارد، اطمینانات مطلوبه از بابت قرضه بدهند و او را اطمینان دادم که در این باب فوراً با شما مذاکره خواهد شد و به علاوه، اظهار داشتم که یقین دارم اگر پروگرام استعماری به دست او و همکارهایش که بعد انتخاب شوند، واگذار شود، از روی تدین اجراء خواهد شد و می‌دانم که جناب معظم می‌تواند اعتماد کامل به طرفداری دولت اعلیحضرتی از اینگونه پروگرامها که وعده داده است اجراء نماید، داشته باشد.

من صمیمانه می‌خواهم اظهار امیدواری نمایم کـه این مسأله جالب تـوجه دقیق و مساعد دولت اعلیحضرتی خواهد شد چرا که به عقیدهٔ من، موقع خیلی باریك است.

نمره ـ ۵۱۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۷ دی ۱۲۹۱؛ ۲۸ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۵ ژانویهٔ من:

سفیر روس، به قنسول روس مقیم تبریز تلگراف نموده او را تعلیم داده است که به سپهدار و شجاع‌الدوله بگوید باید از این هیجان خانه‌خراب‌کن در آذربایجان جلوگیری نموده، متظلمین را از تلگرافخانه خارج نموده نگذارند تلگرافات مهیجه به طهران بفرستند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۱۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۸ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۸ دی ۱۲۹۱؛ ۲۹ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۷ ژانویه:

این مسأله البته اسباب تشویق علاءالسلطنه خواهد شد و شما باید به ایشان تأکید نمایید که بلاتأخیر کابینهٔ خود را تشکیل و اعلان نمایند.

نمره ـ ۵۱۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران، ۲۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲ دی ۱۲۹۱؛ ۱۳ محرم ۱۳۳۱]

آقـا

افتخار دارم اینك خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۵۱۸

خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ ایران لغایت ۲۳ دسامبر ۱۹۱۲

طهران

کابینه و سعدالدوله ـ مساعی سعدالدوله برای تشکیل کابینه فعلا پیشرفت ننموده است و مساعی مطولهٔ سیاسیون معتبر ایرانی برای تشکیل کابینه بدون او، که نمایندهٔ بهترین عناصر موجوده باشد، و بختیاریها هم در آن عضویت نداشته باشند، تاکنون موفقیت حاصل ننموده و زمام امور هنوز به دست کابینهٔ صمصام‌السلطنه است.

سالارالدوله ـ دولت ایران با سالارالدوله مشغول مذاکره‌اند که مطیع دولت بشود و سالیانه مبلغ ۱۲،۰۰۰ تومان به او داده شود و املاك ضبط‌شدهٔ او هم مسترد شود و خود شاهزاده در طهران اقامت نماید ولی حالیه حکومت محلی به وی تفویض نشود. شاهزاده از این شرایط ناراضی است لیکن به قنسول روس مقیم استراباد تعلیم داده شده است که برای قبولانیدن شرایط مذکور به شاهزاده فشار آورد.

حکومت طهران ـ صدرالممالك که سابقاً متولی‌باشی حضرت رضا در مشهد بود، به‌جای یمین‌الممالك که به حکومت مازندران منصوب گردیده، حکومت شهر را به عهده گرفته است.

گرانی قیمت نان ـ در شهر قدری اغتشاش برای گرانی قیمت نان به ظهور رسید. متین‌السلطنه که خزانه او را برای اداره‌کردن آردی که دولت به نانواها می‌دهد تعیین نموده، متهم شده است به اینکه با نانواها برای گران‌کردن قیمت گندم اتحاد نموده است.

انجمن داشناکسیون ـ این‌انجمن‌رولسیونی [=روولوسیونی] ارامنه اعلانی انتشار داده که بیش از این با حکومت ارتجاعی حاضره همراهی نخواهد نمود.

قزوین

قشون قزاق در قزوین که در عدهٔ آنها خیلی تخفیف داده شده بود، تا ۳۲۵ نفر زیاد شده است.

۳۰۰ نفر ژاندارم تحت امر دو نفر از صاحب‌منصبان سوئدی فعلا در راه قزوین الی همدان مشغول محافظت راه می‌باشند.

مشهد

روز ۳ دسامبر مستر مرتین [=مارتین] یکی از اجزا ادارهٔ تلگرافی هند و اروپا، همینکه برای کار از مشهد به طرف طهران می‌آمد، ترکمنها نزدیك میمه به او حمله نمودند. کالسکه‌چی و نوکر ادارهٔ تلگراف مقتول گردید و قافله بکلی به غارت رفت و مستر مرتین تا میمه به سلامت رسید.

یکی از راهزنان موسوم به جهانگیر، از تمام مسافرین در میاندشت که در همان راه واقع است، بزور پول می‌گیرد.

به‌قراری‌که راپورت داده شده، در ناحیهٔ تربت، اموالی معادل ۵،۰۰۰ لیرا به سرقت رفته است.

استراباد

سالارالدوله روز ۱۱ نوامبر، به خچه‌نجف [=خواجه‌نجف؟] وارد شد و برای رؤسای ترکمنها مکتوب نوشت که آمده و با مقاصد او همراه هستند. عساکر روس که در تابستان در قره‌سو جمع شده بودند، به استراباد مراجعت نموده‌اند.

اصفهان

شهر در عرض ماه آرام‌تر بود لکن چندین دسته سارقین در حدود شهر مشغول غارت بودند. به قراری‌که راپورت داده شده، دسته‌ای از بختیاریها که حکمران فرستاده بود، در راه شیراز با کهکلوئی‌ها [=کهگیلویه‌ای‌ها] مصادف شده و ده نفر از آنها مجروح و مقتول گردیده‌اند. خوانین بختیاری مقیم طهران می‌گویند که از وقوع این حادثه خبری ندارند.

در تمام ماه راه طهران امن بود و قوافل با مال‌التجاره ایاب و ذهاب می‌نمودند.

دسته‌ای از طایفهٔ بوئراحمدی از قراری که راپورت داده شد، برای جلب اعتماد دولت با چند تن از رؤسای خود، برای حفظ قوافل به ایزدخواست آمده‌اند.

نایب‌حسین مجدداً به حکومت کاشان منصوب شده است.

یزد

حکمران یزد، اردویی به طرف مروس [=مروست؟] فرستاده که دستجات سارقینی را که در آنجا هستند، سرکوبی دهد.

مسافرین راپورت می‌دهند که قراولان راه در راه اصفهان پول زیاد بزور می‌گیرند و در یك مورد برای یك روز مسافرت ۴ لیرا مطالبه نمودند.

کرمان[1]

امیر مفخم در این ماه چندین دفعه استعفای خود را اعلام نموده است و می‌گوید که حکومت مرکزی نه پول و نه فشنگ برای او نمی‌فرستند[2]. چندی بعد از استعفایش مبلغ ۲۰،۰۰۰ تومان به او داده شد.

به قراریکه از سیرجان راپورت داده شده (رجوع به خلاصهٔ ۲۷ نوامبر بنمایید) بین سردار نصرت و بهارلوها و فارسیهای متحده، جنگ بسیار سختی به وقوع پیوست، از قرار مذکور قشون ایلات اخیرالذکر متجاوز از ۶۰،۰۰۰ نفر بوده است.

سعیدخان بمی، قشونی جمع‌آوری نموده است که با نواب‌خان رئیس ایل بهمه جنگ کند. نواب‌خان قشون خود را در دلبند نزدیك بمپور جمع نموده است.

کرمانشاه

در عوض ماه در این شهر نارضایتی عامه و سرقتهای متوالیه روزافزون بوده‌است و قیمت ارزاق هم بتدریج زیاد می‌شده و شهرت داشت که سارقین نقشهٔ حملهٔ به شهر را ریخته‌اند. اوضاع ولایت هم روز به روز بدتر شد. ایل بلوند در نواحی جنوب مشغول هجوم بوده‌اند.

یك طایفه از ایل کلخانی [=قلخانی] گوران در تحت امر قنبر سلطان مقامی را در راه بغداد متصرف شده و قوافل را تاراج می‌نمایند. قسمت دیگر از همان ایل، کمپانی نفت قصرشیرین را تهدید نموده‌اند.

برای رفع این اغتشاشات، هیچ اقتداری موجود نیست. در ۳۰ نوامبر، فرمانفرما رسماً به قنسول اعلیحضرتی اعلام نمود که به علت احضار ۱۵۰ نفر قزاق به طهران که فقط قشونی بود که باقی مانده بود، او استعفای خود را تقدیم داشته است.

قنسول اعلیحضرتی می‌ترسد به واسطهٔ احضار آنها به طهران در شهر اغتشاشی رخ دهد.

سیستان

روز ۱۷ دسامبر قریب ۱۰۰ نفر سرباز خواسته‌اند در قنسولخانه تحصن اختیار نمایند. شکایت اینها این بود که حقوق‌شان عقب‌افتاده و دولت ایران تلگرافاً [=تلگرافی] امر صادر نموده و بسیاری از آنها را بدون حقوق اخراج نموده و حقوق سایرین را تخفیف داده است. در میان عساکری که اخراج شده‌اند پنجاه شترسوار برای حفظ راه کوه ملك سیاه بودند. سفارت در این باب به دولت ایران اظهاراتی نمود که این پنجاه نفر را اخراج ننمایند و قرار حقوق عقب‌افتادهٔ آنها را بدهند.

ماژور پریدو پس‌از حرکت کاپیتان هنتر زمام امور قنسولگری را به دست گرفت.

ماژور گونتر قنسول اعلیحضرتی، روز پنجم دسامبر به جای مستر اسمارت که به طهران فرستاده شده، به شیراز وارد شد.

---

۱) اصل: کردان. ـ م.

۲) چنین است در اصل. ـ م.

روز ۱۱ دسامبر دسته‌ای را مرکب از ماژور کتل‌ول و کاپیتان اکفورد متعلق به سوارهٔ هند مرکزی به اتفاق ۲۶ نفر سوار و بنهٔ آنها که برای شکار حرکت کرده بودند، سارقین بین خانزنیان و دشت‌ارجن [=ارژن] در راه بوشهر حمله نمودند. در جنگی که واقع شد، کاپیتان اکفورد مقتول گشت و باقی آن دسته سالماً به شیراز مراجعت نمودند.

مخبرالسلطنه صولت‌الدوله را به مقام ایلخانی‌گری ایل قشقائی منصوب نموده است.

اهواز

اهالی بهبهان امتناع نمودند از آنکه بگذارند سوارهای حکمران جدید امیر مجاهد، وارد شهر شود تا آنکه کاغذی به آنها نشان داده شد که امیر مجاهد تحت حفاظت و حمایت شیخ محمره است.

به قراری‌که راپورت داده شده، تمام ایل کهکلوئی [=کهگیلویه‌ای] با حکومت بختیاری در خاك کهکیلوئیه مخالف می‌باشند و اموال خود را به نقاطی‌که در دست‌رس نیست، انتقال می‌دهند.

نمره ـ ۵۱۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲ دی ۱۲۹۱؛ ۱۳ محرم ۱۳۳۱]

آقا

به وصول تلگراف ۲۶ ماه گذشتهٔ شما مشعر بر اینکه مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا در بانك شاهنشاهی ایران به حساب من محسوب شده که بدان وسیله با مالیهٔ حکومت فارس کمك نمایم، من با خزانه‌داری مشورت نمودم که ببینم بهترین طریقی برای امانت گذاردن این وجه در بانك به طوری‌که به مصارف صحیحه برسد و اسباب کدورت ایرانی‌ها فراهم نیاید چیست (که هر زمان که اقدامی برای کنترل مصرف پولی که به دولت ایران مساعده داده [شده]، می‌شود و منافعش گرفته می‌شود، کدورت حاصل می‌نمایند).

پس‌از تبادل نظریات شفاهی با مسیو مرنارد و تبادل مراسلات خصوصی که منتهی به مراسلات غرهٔ ماه جاری او گردید و سواد آن در جوف است، من مذاکرهٔ خصوصی در این باب با وزیر امور خارجه نمودم. سپس کاغذی به حضرت معظم روز ۱۰ ماه جاری نوشته (سوادش در جوف است) و ایشان را اطلاع دادم که دولت راضی شده‌اند مساعدهٔ دیگری به مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا تحت شرایط مساعده‌هایی که در عرض سال داده شد، به دولت ایران بدهند که به مصرف احتیاجات ایالت فارس برسانند.

برحسب قراری که با علاءالسلطنه داده بودم، من یادداشت خصوصی همان روز برای وزیر امور خارجه فرستاده و ترتیبی را که برای کنترل مصرف پول مذکور با مسیو مرنارد داده بودم، به ایشان توضیح نمودم و همان‌روز نیز مکتوبی برای مسیو مرنارد

فرستاده و این قرارداد را تصدیق نمودم (سواد در جوف است) و تعلیمات لازمه به بانك شاهنشاهی دادم.

من شما را نیز از اقداماتی‌که به عمل آمده و قبول‌نمودن ایالت این ترتیب را، در تلگراف ۱۰ دسامبر خود مستحضر نمودم. بنابر نصیحت مدیر بانك شاهنشاهی، من بعد از آن حواله، ۱۵،۰۰۰ لیرا برای خزانه‌دار کل فرستادم. اینك مفتخراً سواد جواب او را که وصول پول را اطلاع داده است، برای شما می‌فرستم.

بمجرد ورود ماژور اکونر به شیراز، او فوراً شروع به مذاکره در باب اوضاع مالی با ایالت نمود.

از تلگراف ماژور اکونر مورخهٔ ۲۰ شهر جاری که سواد آن در جوف‌است و راپورت مذاکره با نمایندهٔ ایرانی خزانه‌داری کل را می‌دهد، معلوم می‌شود ماژور اکونر حسن عقیده نسبت به این شخص پیدا نموده و به او نصیحت نموده است که چطور مالیهٔ ایالت باید به مصرف برسد. من آنچه را که ماژور اکونر در این باب گفته‌است تصویب می‌کنم.

بیست هزار تومان که رجوع به آن نمودم، اولین قسط از بابت ۱۵،۰۰۰ (۸۲،۰۰۰ تومان)۱ لیرائی است که دولت اعلیحضرتی مساعده داده‌اند.

من بنابر خواهش مسیو مرنارد که دولت به او فشار می‌آورند برای مصارف اردو برای سرکوبی مرتکبین قضیهٔ دشت ارجن [=ارژن] پول به شیراز بفرستند، تصویب نمودم که این مساعده به بانك شیراز انتقال داده شود و به ماژور اکونر اطلاع داده‌ام که این وجه را فقط به تصویب او می‌توان به مصرف رسانید.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمرهٔ ۵۱۹

مکتوب مسیو مرنارد به سر والتر تنلی

طهران غرهٔ دسامبر ۱۹۱۲ [۹ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۱ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

دوست من مستر تنلی

مکتوب شما واصل گردید مشعر بر اینکه دولت اعلیحضرتی مساعدهٔ دیگری به مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا به دولت ایران خواهند داد که به مصرف فوری تشکیل قشون برای اعادهٔ انتظامات فارس برسد.

شرایطی را که سر ادوارد گری می‌خواهد تحت آن این پانزده هزار لیرا به مصرف برسد مرقوم داشته بودید، مسرور شدم.

در باب مسألهٔ دوم با شما هم‌عقیده هستم که اقدامات لازمه برای تأمین مصرف این وجه بشود که در حقیقت به مصارف لازمه برسد. برای نیل به این مقصود من طریقهٔ ذیل را توصیه می‌نمایم:

---

۱) چنین است در اصل و رقم تومانی با توجه به سوابق امر، با رقم لیره برابری ندارد. ـ م.

ایالت باید بودجهٔ خود را برای سه ماه تهیه نماید بطوری که مخارج ماهیانهٔ او متجاوز از ۳۰،۰۰۰ تومان نباشد.

وکیل خزانه‌داری کل مقیم شیراز پیشنهادات ایالت را تحت مداقه قرار داده و آن‌را به قنسول انگلیس ارائه می‌دهد و او هم در صورت لزوم اگر اعتراضی بر آن داشته باشد، به شما اطلاع خواهد داد. من تا با شما مشورت نکنم، اجازهٔ تأدیهٔ ۳۰،۰۰۰ تومان ماهیانه یا ۱۵،۰۰۰ هر دو هفته یك‌مرتبه، نخواهم داد و این پول در تحت عنوان حساب خزانه‌داری کل در فارس در بانك امانت گذارده خواهد شد و حساب آن علیحده خواهد بود.

این نقشه در واقع شبیه به همان نقشه‌ای است که شما توصیه نموده‌اید و فرقی که دارد این است که از مداخلهٔ قنسول شیراز شاید در ظاهراً می‌کاهد و به‌همین‌واسطه اسباب کدورت اشخاصی که در آن نقطه هستند و من اصلاح بـا آنها۱ را مطلوب می‌دانم، فراهم نخواهد آمد.

بمجرد آنکه وجه مذکور موجود شد، من ۱۰،۰۰۰ تومان آن را برای جناب مخبر-السلطنه خواهم فرستاد (او اخیراً ۲۰،۰۰۰ تومان گرفته است).

(امضاء) مرنارد

ملفوف دوم نمرهٔ ۵۱۹

مکتوب سر والتر تنلی به علاءالسلطنه

طهران ۱۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۳۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

حضرت اشرفا

چنانچه چند روز قبل شفاهاً به حضرت اشرف عرض کردم، دولت اعلیحضرتی چون شنیدند ایالت فارس محتاج به معاونت مالی است که ایشان را قادر به انجام وظایف خود نماید، مرا اجازه داده‌اند که مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا به دولت علیه برای احتیاجات مخصوص آن ایالت که منافع انگلیس در آنجا بسیار است، بدهم.

پس از مشورت با خزانه‌داری کل، من دیروز به مدیر بانك شاهنشاهی تعلیم دادم که معادل همین مبلغ را به حساب قران در تحت عنوان حساب خزانه‌داری کل فارس در دفاتر خود انتقال ندهد.۲

از طرف وزارت امور خارجه تعلیم یافته‌ام که حضرت اشرف را اطلاع‌دهم‌که دولت اعلیحضرتی این مشاهده را هم از بابت منافع و تأمین و طریقهٔ استرداد، به همان شرایطی که برای مساعده‌هایی که در عرض سال جاری تأدیه شده و مقرر گردیده است، داده‌اند.

(امضاء) والتر تنلی

---

۱) اصل: به آنها. ـ م.

۲) چنین است در اصل (بدهد؟). ـ م.

ملفوف سوم نمرهٔ ۵۱۹

مکتوب سر والتر تنلی به مسیو مرنارد

طهران ۱۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۳۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

در خصوص مکاتبات نیم‌رسمی که مبادله شده، در موضوع مساعدهٔ جدید ۱۵،۰۰۰ لیرا که دولت اعلیحضرتی راضی شده‌اند به دولت علیه برای مساعدت مالیهٔ فارس بدهند، جناب‌عالی را اطلاع می‌دهم که دیروز به مدیر بانك شاهنشاهی تعلیم دادم که وجه مذکور [را] در حساب مخصوص تحت عنوان حساب خزانه‌دار کل ــ فارس در دفاتر خود انتقال دهد.

این را به علاوه اظهار می‌دارم که سر ادوارد گری مرا تعلیم داده است که دولت ایران را اطلاع دهم که این پول را داده‌اند که فقط به مصرف ادارهٔ حکومت فارس برسد و میزان منافع و تأمین و طریقهٔ استرداد آن تحت شرایط مساعده‌های دیگری است که دولت بریتانیای عظمی در عرض سال جاری به دولت ایران داده‌اند.

در خصوص طریقهٔ مصرف این وجه، افتخار دارم اظهار بنمایم که با نقشه‌ای که در مراسلهٔ نیم‌رسمی غرهٔ دسامبر خود شرح داده‌اند موافقت دارم و پیشنهادات شما را برای قنسول اعلیحضرتی مخابره خواهم نمود که به اتفاق نمایندهٔ شما کـه در شیراز است در نقشه‌ای که نمایندهٔ شما و ایالت تهیه می‌کنند، مداقه نمایند.

من مسرور خواهم شد از اینکه در بودجه‌ای که به شما ارائه می‌شود، به کمك هر قسم ملاحظاتی‌که قنسول انگلیس صلاح می‌داند اظهار بدارد، مطالعه و مداقه نمایم و آن وقت شما اجازهٔ پرداخت وجه را برحسب احتیاجات وقت خواهید داد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف چهارم نمرهٔ ۵۱۹

ترجمهٔ مکتوب مسیو مرنارد به سر والتر تنلی

طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

افتخار دارم وصول مراسلات ۱۰ و ۱۱ شهر جاری شما را با حوالهٔ ۱۵،۰۰۰ لیرا که در جوف مراسلهٔ اخیر بود، اطلاع دهم.

بنا به میل جناب‌عالـی، این وجه را بـه حساب مخصوص در تحت عنوان حساب خزانه‌دار کل ــ فارس انتقال داده و پرداخته‌ام و آنچه مستقیماً به ادارهٔ مالیهٔ شیراز برای مصارف حکومتی ایالت مذکور داده می‌شود یعنی آن وجوهاتی‌که سفارت انگلیس لزوم پرداخت آن را قبلا تصدیق نماید، در حساب مذکور ثبت خواهد شد.

این را لازم نیست عرض کنم که با عقاید جناب‌عالی که در مراسلهٔ ۱۰ دسامبر در این موضوع مندرج است، کمال موافقت را دارم

(امضاء) مرنارد

www.adabestanekave.com

ملفوف پنجم نمرهٔ ۵۱۹

تلگراف قنسول اکونر به سر والتر تنلی

شیراز ۲۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۰ محرم ۱۳۳۱]

مسألهٔ مالیه ـ میرزا مصطفی‌خان مفتش مالیهٔ فارس دیشب از من ملاقات نموده تلگرافی از مرنارد به من ارائه داد که به موجب آن به آن دستورالعمل داده شده است که به نقشهٔ مصرف وجهی که استقراض شده و برای دو سه ماههٔ بعد توسط ایالت طرح شده، رسیدگی نموده و قبل از آنکه آن را به مسیو مرنارد مخابره نماید، به قنسول ارائه دهد. در این تلگراف نیز مذکور است که مبلغ ۲۰،۰۰۰ تومان فرستاده خواهد شد.

مصطفی‌خان از بابت این مبلغ خبری ندارد لیکن تصور می‌کند که باید برای مصارف فوق‌العادهٔ اقداماتی که ایالت در مد نظر دارد برای تنبیه مرتکبین حملهٔ اخیر بنماید، به مصرف برسد.

مفتش مذکور خلاصهٔ بودجهٔ ایالت را هم به من ارائه نمود. این بودجه متضمن صورت وجوهات کلی در تحت عنوانات مختلفه است که مبلغ آنها به ۹۹،۰۰۰ تومان می‌رسد و مفتش نمی‌داند که چطور جمع آنها به این مبلغ بسته شده و نیز نمی‌داند که آیا ایالت جزئیات این فقرات وجوهاتی که در بودجهٔ خود ذکر نموده دارد یا خیر؟ مفتش بنابراین در نظر دارد که تا چند روز دیگر خودش بودجهٔ مفصل مشروحی تهیه نماید. مشارالیه مرا اطلاع داد که مبلغ زیادی از بابت حقوق عساکر و نظمیه عقب افتاده است که از من استفسار نمود که آیا صحیح است مبلغهای مذکور جزو بودجه محسوب شود؟ من اظهار داشتم گمان می‌کنم صحیح نباشد چرا که مقصود از پرداخت این مساعده در ابتدا این بود که به وسیلهٔ آن ایالت بتواند آن نقطه را منظم نماید که تا سه ماه دیگر در سال جاری با چنان قدرتی شروع به ادارهٔ امور هر حکومتی کند که بتواند عایدات را وصول و انتظامات در راه ایالت مستقر بدارد. بنابراین، من به مفتش نصیحت نمودم که بودجه را طوری ترتیب دهد که فقرات آن فقط متضمن مصارف عمدهٔ دعاویی باشد که تصور می‌شود برای ادارهٔ حکومت ایالت کمال لزوم را دارد، بطوری که نمونه برای سالهای بعد هم باشد. بودجهٔ الحاقی دیگری[1] هم برای مصارف فوق‌العاده از قبیل حقوق عقب‌افتاده و مصارف اردو برای سرکوبی اشرار تهیه نماید.

برای پرداخت مصارف اخیر وجه داده خواهد شد. قسمتی از آن ۲۰،۰۰۰ تومانی که خزانه‌داری کل وعده داده است و قسمتی از عایدات ایالات و ولایات که قبل از اختتام سال جاری وصول می‌شود، تأدیه خواهد شد و اگر این وجوهات مکفی نباشد، باز هم از طهران درخواست خواهد شد که وجه بفرستند.

مفتش با این مراتب موافقت نموده و وعده داده است که به این طریق بودجه را

---

۱) اصل: بودجهٔ الحاقی دیگر. ـ م.

تهیه نماید. از قرار معلوم او آدم چیزفهمی است و به نظر من آدم خوبی آمد.
همینکه از جزئیات مسأله رسماً مستحضر شدم البته تلگرافاً [=تلگرافی] به شما خبر خواهم داد و امیدوارم که شما نصیحتی را که به مفتش نموده‌ام تصویب خواهید فرمود.
گمان می‌کنم که اگر بگذاریم این ۱۵،۰۰۰ لیرا یا قسمت عمده‌ای از آن به مصارف مختلفه برسد که برای ایالت نفعی نداشته باشد، این پول هم تلف خواهد شد و وضع فارس بهتر از سابق نخواهد شد و حال آنکه اگر مصارف این وجه طوری مرتب‌شود که اساس محکمی برای آتیهٔ مالیهٔ قشون فارس تشکیل دهد و نمونه برای آتیه باشد، بنیانی برای پلتیك [=پلیتیك] استعماری حقیقی برای سنوات آتیه تأسیس خواهدشد.

نمره ـ ۵۲۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۳ دی ۱۲۹۱؛ ۱۴ محرم ۱۳۳۱]
آقـا

افتخار دارم راپورت دهم که دولت ایران ترتیبی را قبول نموده‌اند که بر عـدهٔ بریگاد قزاق تحت امر صاحب‌منصبان روسی افزوده خواهد شد تا به ۴،۳۰۰ نفر بالغ شود. عدهٔ حالیهٔ آنها در طهران ۱،۸۰۰ نفر است و در تبریـز هم ۶۵۰ نفر تشکیل شده است. این ترتیب مستلزم استخدام دو یا سه نفر دیگر صاحب‌منصبان روسی‌است. این کار به موقع اجرا گذارده نخواهد شد تا زمانی که قرضهٔ مهمی به عمل آید و وجوهات لازمه برای این کار داده شود و به حقوق افراد قزاق هم افزوده شده بطوری که با ژاندارمها مساوی شود. این اضافه حقوق از ابتدای ماه ژانویه داده خواهد شد.
(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۵۲۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۳ دی ۱۲۹۱؛ ۱۴ محرم ۱۳۳۱]
آقـا

افتخار دارم اینك سواد مراسله‌ای را که قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه برای من فرستاده و در باب اوضاع راه بین سرحد خاك عثمانی و کرمانشاه و بین کرمانشاه و همدان راپورت داده است، لفاً ایفاد دارم.
به وصول مکتوب قنسول مك‌دول من در موضوع اوضاع مغشوش راههای مذکوره با همکار روسی خود مذاکره نمودم و در صورتی‌که مبلغ‌هایی را که مستر مك‌دول ذکر نموده داشته باشد، اجحافاتی‌که شده و پولهایی‌که گرفته شده‌است، خیلی زیادتر از راه از بوشهر الی به شیراز است.
من بعد فهمیدم که قراردادی همین تازگی بین دولتین روس و ایران به اتمام رسیده

که بانك روس ضمانت می‌کند مبلغ ۳۰،۰۰۰ تومان ماهیانه تا مدت غیرمحدودی برای استقرار قوهٔ نظامی و مصارف حکومتی به حکمران آنجا بدهد. این پول از مساعدهٔ بعد یا از عایدات گمرکات شمالی پس از تأدیهٔ مساعده‌های موجوده، مسترد خواهدشد.

امید است که به وسیلهٔ این وجه ماهیانه که مطمئناً داده می‌شود، حکمران بتواند آن انتظاماتی را که آنقدر برای تجارت انگلیس دارای اهمیت است، اعاده نماید.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۵۲۱

مکتوب قنسول مك‌دول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۰]

آقـا

افتخار دارم راپورت دهم که فعلا پولهائی‌که در راههای از سرحد تا کرمانشاه و از آنجا تا همدان گرفته می‌شود، بسیار زیاد است و راهها امنیت ندارد.

با دلیل عقیده‌ام این است که در صورتی‌که دیگر پول از مکاریان گرفته نشود[1]، حاملین مال‌التجاره با کمال خوشی مبلغ کمتری خواهند داد. در مدت سال گذشته تخمین شده است که قراولان راه از ۱۵۰،۰۰۰ تا ۲۰۰،۰۰۰ تومان بین سرحد و کرمانشاه وصول نموده‌اند. یکی از اتباع انگلیس که دارای ۱۹ شتر بوده، برای هر شتری ۱۸ شیلینگ در تمام راه داده است.

راهداری که سابقاً گرفته می‌شد، حالا مرفوع شده، لیکن غیرممکن به‌نظر می‌رسد که از وصول وجوهات به عنوان قراسورانی یا سلامت‌روی از قاطرداران ممانعت نمود و از مرفوع‌داشتن راهداری، این باج مرفوع نمی‌شود.

عده‌ای از حاملین اتباع عثمانی می‌باشند. یکی از آنها تبعهٔ انگلیس است و باقی ایرانی هستند.

در عرض سال تنگوز ئیل[2] به موجب احصائیهٔ گمرکات که به طبع رسیده است، ۴،۲۲۰،۷۶۶ من مال‌التجاره به کرمانشاه وارد شده. اکثر حیوانات بـاری قاطر هستند و از ۴۰ الی ۶۰ [من] بار حمل می‌کنند و عده‌ای شتر هم تا ۷۰ من و الاغها از ۲۰ الی ۳۰ من می‌توانند حمل کنند. اگر روی هم رفته هر باری را چهل من حساب کنیم تخمیناً باید ۱۰۰،۰۰۰ حیوان باری در کار باشد. در مراجعت، اکثر این حیوانات خالی می‌آیند. فرض کنیم که برای هر حیوانی در مسافرت به کرمانشاه مبلغ سه‌قران و نیم و در مراجعت مبلغ یك قران و نیم دریافت شود، ممکن است مبلغ ۵،۰۰۰ تومان وصول نمود و از همدان الی کرمانشاه نیز همین مبلغ را می‌توان وصول نمود. فرض کنیم‌که عدهٔ‌حیواناتی‌که در آن‌راه ایاب و ذهاب‌می‌نمایند ۷۰،۰۰۰ رأس‌باشد و جمیع

---

۱) اصل: بشود. ـ م.

۲) سال خوك. سال دوازدهم از دورهٔ دوازده سالهٔ گاهشمار ترکی. ـ م.

مبالغی که می‌توان وصول نمود ۸۵،۰۰۰ تومان خواهد شد به‌علاوهٔ مبلغ دیگری که از مسافرین سواره و ایاب و ذهاب اهالی داخله گرفته می‌شود. این یکی از راههای معظم زوار است.

پولی که از بابت هر رأس شتر یا قاطر یا الاغ گرفته می‌شود، باید علیحده حساب هریك را کرد، لیکن اگر برای هر رأس حیوانی ۴۰ من محسوب داریم، حساب آن درست می‌شود.

چنانچه تخمین شده، مبلغ ۸۰،۰۰۰ تومان بـرای حقوق مستحفظین از سرحـد تا همدان مکفی خواهد بود و تشکیل مستحفظین این راه را باید به‌دست یکنفر اروپایی یا صاحب‌منصب ژاندارمری سوئدی واگذارد که از محل قراول بگیرد. لیکن عده‌ای هم از جاهای دیگر باید جمع‌آوری نماید و آنچه وصول و به مصرف می‌رسد، باید طبعاً تحت کنترل مدیر گمرکات عایدات باشد و وجوهاتی‌را که باید اخذ شود باید در نقطهٔ معینی مأخوذ داشت مثلا برای راه سرحد در پل ذهاب و برای راه همدان در پل قراسو بگیرند. برای هر فقره وجهی که وصول می‌شود قبض رسید چاپی داده خواهد شد و اجازه به آنها داده نخواهد شد که به غیر از حق مرتع پول دیگری بگیرند.

مشکل است بتوان ترتیب این کار را داد تا آنکه حکمران بتواند بر ایلاتی که فعلا خود را مستقل نموده‌اند، اعمال اقتداری بنماید.

(امضاء) مك‌دول

نمره ـ ۵۲۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۹ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۹ دی ۱۲۹۱؛ یکم صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف هفتم ژانویهٔ شما:

شما باید برای مؤتمن‌الملك توضیح نمایید که مسألهٔ قرضهٔ بزرگی را با سرمایه‌داران باید تحت ملاحظهٔ خود قرار دهند و دولت اعلیحضرتی خود نمی‌توانند وعدهٔ تأدیهٔ این قرضه را بنمایند. هنگامی‌که کابینهٔ متدین مقتدری زمام امور را بدست گرفت، دولت اعلیحضرتی حتی‌القوه برای تسهیل قرضه کار خواهند کرد و از بابت آن وجهی بطور مساعده خواهند پرداخت .شما نباید اشکالی داشته باشید در این که او را از حسن‌نیت دولت اعلیحضرتی مطمئن سازید.

من آنچه را که شما در این موضوع صحبت نموده و در تلگراف خود راپورت داده‌اید، تصویب می‌کنم و نیز نقشهٔ اصلاحات را هم تصویب می‌کنم. تبدیل حقوقات تصور می‌کنم قسمتی از رفورم عمومی مالیه را تشکیل می‌دهد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۲۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۹ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۹ دی ۱۲۹۱؛ یکم صفر ۱۳۳۱]

لطف نموده مفاد تلگرافی را که امروز به طهران مخابره نمودم، به مسیو سازانف ابلاغ نمایید.

نمره ـ ۵۲۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۰ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۰ دی ۱۲۹۱؛ ۲ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۶ ژانویهٔ شما:

لطف نموده برای تعلیماتی که مسیو سازانف برای قنسول تبریز فرستاده، از او اظهار تشکر نمایید. شما باید او را اطلاع دهید که من با نظریـات او در خصوص وضعیت مهم ایران که برای دولتین انگلیس و روس لازم می‌دارد فـوراً از بابت پولتیك [=پلیتیك] آتیهٔ خود تصمیمی بنمایند، موافقت دارم و یقین دارم که مسیو سازانف هم به اندازهٔ من مایل است که دولتین بـرای استقرار و حفظ تمامیت و استقلال ایران متفقاً عمل نمایند. برای انجام این مقصود فعلا بهترین طریقه برای ما این است که هرقدر ممکن است با علاءالسلطنه همراهی نموده و مؤتمن‌الملك و کسانی را که مثل او هستند تشویق بنماییم به کابینهٔ حاضره داخل شوند.

امیدواریم که مسیو سازانف مایل خواهدبود که به سفیر روس مقیم‌طهران بلاتأخیر تعلیم دهد که اطمینانات شبیه به اطمیناناتی که در تلگراف دیروز من به سر والتر تنلی مندرج بود، بدهد و بطور عموم با علاءالسلطنه و مؤتمن‌الملك همراهی و تقویت نماید.

همینکه این کابینه بطور قطع تشکیل گردید، خوب است دولت روس ابراز همدردی با آن نموده به این وسیله که عده‌ای از عساکر خود را از ایران خارج نمایند، و بفهمانند که بقیه هم پس از اعادهٔ انتظامات عودت داده خواهند شد. من یقین دارم این کار اثر خوبی تولید خواهد نمود.

نمره ـ ۵۲۵

مکتوب لیوتنان کلنل کاکس به سر ادوارد گری

بوشهر ۱۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۶ محرم ۱۳۳۱]

آقـا

در تعقیب مراسلهٔ ۱۱ سال ۱۹۱۲ خود افتخار دارم برای اطلاع شما یادداشتی را که مستر چیك راجع به اوضاع حالیهٔ راه بوشهر الـی شیراز مخصوصاً در خصوص میزان کرایهٔ حمل و نقل اجناس و وجوهاتی که در راهها اخذ می‌شود نوشته است، لفاً ایفاد دارم.

این یادداشت حالیه که مسألهٔ راه در میان است، خیلی بموقع نوشته شده که اشکال حمل و نقل مال‌التجارهٔ داخله و خارجه را بنمایاند.

چون این نوشته در موقعی رسیده که من در شرف حرکت هستم، شخصاً چیزی در آن باب ننوشته‌ام و مطالب لازمه از خود آن نوشته معلوم و مکشوف می‌گردد.

سوادی از این نوشته را برای سفیر اعلیحضرتی و نسخه‌ای را برای ادارهٔ خارجهٔ حکومت هندوستان به انضمام سواد همین مراسله خواهم فرستاد.

(امضاء) کاکس
قنسول‌جنرال اعلیحضرتی مقیم بوشهر و
قنسول مقیم اعلیحضرتی در خلیج‌فارس

ملفوف نمرهٔ ۵۲۵

یادداشت در خصوص راه از بوشهر الی شیراز، از ماه اوت الی اکتوبر ۱۹۱۲ [امرداد-مهر ۱۲۹۱؛ شعبان-شوال ۱۳۳۰]

در این نوشته اوضاع راه تجارتی از بوشهر الی شیراز از زمانی که یادداشت‌آخری را فرستادم تا زمان ورود ایالت فارس، مندرج است و بعضی ملاحظات از بابت احتمالات آتیهٔ نزدیك هم به آن منضم شده. چنانکه در یادداشت آخری خود بخوبی توضیح نموده‌ام، مسألهٔ راهداری به هر عنوان و اسم که گرفته می‌شود، یکی از مهمترین اشکال و صور اوضاع مغشوشی است که از هرج و مرج حالیه و خسارت وارده به انگلیس خود را جلوه‌گر می‌سازد و تا زمانی که ریشهٔ این رسم کنده نشود و ایلات چادرنشین و رؤسای آنها از مأخوذداشتن آن ممانعت نشوند، امنیت موجوده دوام خواهد داشت. این مسأله متدرجاً بر تمام ایرانیان و بر دولت ایران توسط انگلیسها و حکام حالیهٔ شیراز و بوشهر معلوم و مکشوف شده است.

خلاصه در مدتی که راپورت آن را می‌دهم، علاوه‌بر علل مذکوره، قوای عاملهٔ دیگری نیز برای ازدیاد اوضاع هرج و مرجی که از اخذ راهداری پیش آمده، و تزیید اشکال وضعیت تجارت جنوب در کار بوده است. از جمله علل مذکوره یکی مخاصمات بین نواحی در امتداد راه و میزان کرایه و عدم‌کفایت حیوان باری و اوضاع راه از شیراز الی اصفهان و از اهواز الی اصفهان بوده است.

راهداری

به موجب ثبتی که در یادداشت سابق خود ارائه دادم جمع مبلغ مأخوذات خوانین و تفنگچیان به طریق ذیل زیادتر شده است:

از	هر رأس قاطر
ماه ژون ۱۹۰۷	۷۰-۳ قران
ماه ژانویهٔ ۱۹۱۰	۱۵-۱۱ قران
ماه فوریهٔ ۱۹۱۰	۷۵-۹ قران
ماه مارس ۱۹۱۰	۳۵-۹ قران

ماه آوریل ۱۹۱۰	۱۰ـ۷ قران
الـی	
ماه سپتامبر ۱۹۱۱	۹۵ـ۱۷ قران
ماه ژانویهٔ ۱۹۱۲	۲۸ـ۲۰ قران
ماه مارس ۱۹۱۲	۳۵ـ۲۱ قران
ماه مـه ۱۹۱۲	۵۰ـ۲۷ قران

بموجب تحقیقات دقیق شخصی که از ماه اوت از قاطـرداران شده، وجوهاتی‌کـه گرفته شده، از سابق خیلی زیادتر بوده است.

بعضی سیاهه‌هایی[1] که در آن جزئیات مبلغهایی که در هر نقطه در ماه اوت و سپتامبر و اکتوبر مأخوذ شده ثبت است، نیز لفاً ارسال می‌شود. از این سیاهه‌ها معلوم خواهد شد که در چهارتای آنها، برای هر رأس قاطر متجاوز از چهار تومان گرفته شده [و] جمع آن به قراری است که ذیلا نگاشته می‌شود:

ماه اوت ۱۹۱۲	۴۰ـ۳۱ قران
ماه سپتامبر ۱۹۱۲	۸۵ـ۴۴ قران
۱۳ آکتوبر ۱۹۱۲	۲۰ـ۴۷ قران
ماه آکتوبر ۱۹۱۲	۷۰ـ۴۸ قران
۲۲ اکتوبر ۱۹۱۲	۲۰ـ۴۰ قران

بنابراین مسألهٔ راهداری تا زمان ورود مخبرالسلطنه به شیراز از سابق خیلی‌مهمتر شده بود و نسبت به بهار سال ۱۹۱۲ مبلغ آن دو مقابل شده بود.

پس از هجوم ایلات صولت‌الدوله به‌راه قریب ۲۰میلی شیراز، قوام‌الملك امر نمود که قوافل از راه دورتری از شیراز تا نزدیك دشت ارجن [=ارژن] بروند لیکن خوانین کشکولی که آن قسمت کوتاه راه به آنها سپرده بود، قوافل را مجبور نمودند که در موقع عبور برای هر رأس قاطری مبلغ پنج الی هفت قران بدهند.

یك کار بد دیگری هم این است که در خود شیراز، قوام‌الملك و کشکولیهایی که با او هستند، برای هر رأس قاطری از سه الی چهار قران می‌گیرند و حکمران بوشهر هم حالیه به عنوان اینکه ادارهٔ گمرك بعضی پولها را به او نمی‌دهد، دم دروازه، هر رأس قاطری پانزده شاهی می‌گیرد و حکمران مذکور، پس از اصلاح عمل مالیهٔ خود با ادارهٔ گمرك، [گرفتن عوارض مذکور را] متروك خواهد داشت. وجوهاتی‌که به‌این اسم و رسم در شیراز و بوشهر گرفته می‌شود، سرمشق مضری است برای رؤسائی‌که در راه هستند و به این واسطه نمی‌خواهند دیگر دست از این منبع پرمداخل[2] بردارند. همینکه مخبرالسلطنه در اواسط اکتوبر به شیراز رسید، مسألهٔ ترك و توقیف راهداری را اولین فقرهٔ پروگرام اعادهٔ انتظامات راه قرار داد و فوراً دو نفر از صاحب‌منصبان

---

۱) اصل: سیاهه‌هائی را. ـ م.

۲) اصل: مدخول. ـ م.

سوئدی را با قریب ۱۵۰ نفر ژاندارم تا کازرون فرستاد و اینها مأمور بودند که تا ۱۰۰ نفر از تفنگچیهای عرض راه گرفته و ادارهٔ ژاندارمری به آنها حقوق بدهد و اخذ راهداری را در تمام نقاط بین شیراز و کازرون موقوف و مرفوع بدارند.

ایالت در نظر نداشت که اقدام مهمی در این باب در راه بین کازرون و بوشهر بنماید چرا که مقام ایلات آنجا خیلی محکم‌تر از ایلات شمال کازرون است، لیکن یك نفر مأمور نزد خوانین ایلات مذکور فرستاده امر نمود که اخذ راهداری را موقوف بدارند. از هر دو این اقدامات نتیجه‌ای به ظهور نرسید.

در اواسط نوامبر. ژاندارمری سوئدی عودت داده شد و به قرار اظهار خود ایالت، آنها نتوانسته بودند رؤسای محلی از دشت ارجن [=ارژن] الی کازرون را مانع از اخذ راهداری بشوند یا آنکه تفنگچیهای خود را در راه قرار دهند و از قرار مذکور، اخذ راهداری از دشت ارجن [=ارژن] الی شیراز موقوف گردید، لیکن مشکوك‌است که آیا هنوز هم راهداری می‌گیرند یا نه؟

اما در باب مأمور مخصوصی که برای موقوف داشتن راهداری بین کازرون و بوشهر رفته بود، اولاً[1] این شخص یکی از اجزاء معزول توپخانهٔ بوشهر و شخص سست‌عنصری بود و از مراسلاتی که از طرف ایالت برای رؤسای ایلات راه می‌برد، معلوم می‌شد که ایالت از اوضاع محلی آنجاها واقف و باخبر نبوده است.

میزان کرایهٔ قاطر الی شیراز

البته بواسطهٔ پولهای گزافی که در این چند ماههٔ اخیر مأخوذ می‌شد، قوافل خیلی متضرر شده‌اند. از آنطرف محض تلافی خسارات راهداری و علافی، تجار بوشهر را وادار به دادن کرایهٔ زیادتر نموده‌اند. در این اواخر میزان خیلی زیاده از اندازه و مهمل شده است.

ارقام ذیل اضافه‌شدن میزان کرایه را نشان می‌دهد. میزانی که نوشته شده، از برای هر یکصد من است که تخمیناً به اندازهٔ یك بار می‌شود:

		قران
مارس	۱۹۰۷ الی ۱۹۰۸	۱۴۰ـ ۹۰ ـ۱۱۰ـ۱۲۰ـ۱۶۰
مارس	۱۹۰۸ الی ۱۹۰۹	۲۲۰ـ۱۷۰ـ۱۶۰ـ۱۴۰
مارس	۱۹۰۹ الی ۱۹۱۰	۲۰۰ـ۲۴۰ـ۳۱۰ـ۳۰۰ـ۲۵۰ـ۲۰۰
مارس	۱۹۱۰	۱۴۵ـ۲۱۰ـ۱۵۰ـ۳۰۰
ژانویهٔ	۱۹۱۱	۱۵۰ـ۱۲۰ـ۱۱۰
مارس	۱۹۱۱	۱۲۰ـ۱۳۰
آوریل	۱۹۱۱	۱۶۰
مه الی ژون	۱۹۱۱	۱۹۰ـ۱۷۰
ژویت الی اوت	۱۹۱۱	۲۰۰ـ۱۸۰ـ۱۹۰
ژانویهٔ	۱۹۱۲	۳۲۰ـ۳۱۰

۱) چنین است در اصل و ثانیاً ندارد. ـ م.

فوریه الی مه	۱۹۱۲	۳۱۰ـ۲۹۰
ژون	۱۹۱۲	۳۴۰
ژویت	۱۹۱۲	۴۱۰ـ۴۴۰ـ۴۸۰
اوت الی سپتامبر	۱۹۱۲	۴۸۰ـــ۵۰۰
اکتوبر	۱۹۱۲	۴۴۰ـــ۴۲۰

به این طریق در مدت پانزده ماه گذشته، میزان کرایه تا بیست تومان رسیده‌است. تا ماه اوت ۱۹۱۱ دیده نشده بود که میزان کرایه از بیست تومان تجاوز کند و تا ماه ژانویهٔ ۱۹۱۲ به هیچ وجه از سی تومان تجاوز نکرده بود و تا ماه ژون ۱۹۱۲ از چهل تومان تجاوز نکرده بود.

نه فقط میزان کرایه برای مال‌التجاره‌های معمولی به پنجاه تومان رسیده، بلکه در ماه آکتوبر مکاریان برای حمل و نقل آذوقه و مهمات سوارهٔ هند مرکزی برای ۱۶۰ رأس قاطر از قرار باری ۳۲ تومان کرایه می‌خواستند که جمع کل آن کرایه اگر قدری تخفیف داده نشده بود، قریب ۱،۰۰۰ لیرا می‌شد.

نظر به اینکه رژیمان مذکور محتاج به آذوقه است، ملاحظه خواهید فرمود که میزان گزاف کرایه و هرج و مرجی که باعث آن شده است، چقدر موجب خسارت برای دولت اعلیحضرتی است.

اما خسارتی‌که از این بابت به صاحب‌منصبان اعلیحضرتی و سایر اروپاییان وارد می‌آید، همینقدر کفایت می‌کند که بگوییم قاطرداران دو بار و نیم شراب را به کرایهٔ کمتر از هفتاد تومان نمی‌گرفتند که برای مستر اسمارت به شیراز ببرند.

با این کرایهٔ گزاف در مدت شش ماههٔ گذشته که عبارت باشد از چهل تومان برای هر هیجده من و نیم بار از بوشهر به شیراز، و برای هر هیجده من و نیم بار از شیراز به اصفهان سی و هشت تومان، معلوم می‌شود که چطور امکان نداشته است از جنوب، برای بازارهای اصفهان اجناسی فرستاد که فایده از فروش آنها برده شود و حتی حمل اقسام بسیاری از مال‌التجاره تا شیراز هم صرفه نداشته است. مثلا نفت روسی را که تا شیراز باید متجاوز از ۸۰۰ میل[1] راه طی کند، می‌توان ارزان‌تر از نفت خلیج، که فقط ۱۸۵ [میل] راه است، به شیراز وارد نمود.

تجار شیراز این تضییق را بطور سخت حس می‌کنند و بازارها کساد است و آنها نمی‌توانند اجناس خود را آزادانه به قیمتهای مناسب به فروش برسانند و اغلب دادن وجه کرایهٔ اجناس برای آنها خیلی سخت است.

ارقام ذیل که از راپورت‌های هفتگی کمپانی لنچ مقیم اصفهان استخراج شده، نشان می‌دهد که در این مدت در حقیقت از راه اهواز الی اصفهان اجناسی به اصفهان حمل نشده است:

---

۱) میل = ۱۶۰۹ متر. ـ م.

عدهٔ صنادیق و غیره:

	که به‌اصفهان‌رسیده	که به‌اهواز رسیده
سال ۱۹۱۲	—	—
۳ اوت	—	—
« ۱۰	۱۶	—
« ۱۷	—	—
« ۲۴	—	—
« ۳۱	۲۲۷	—
۷ سپتامبر	۹۸	—
« ۱۴	۳۴	۱۲۵
« ۲۱	—	۳۳۶
« ۲۸	—	۷۰۴
۵ اکتوبر	—	۹۴
« ۱۲	—	۳۵۸
« ۱۹	—	۳۴
« ۲۶	۲۱	—
۲ نوامبر	—	۴۰
جمع	۳۹۶	۱۶۹۱

نتیجه این است که مال‌التجارهٔ انگلیس دیگر به بازارهای اصفهان نمی‌رسد و از طرف جنوب ایران هم مال‌التجاره به آنجا برده نمی‌شود و نه فقط لطمه‌ای که به نفوذ انگلیس و خسارتی‌که به ادارات تجارتی آن دولت وارد می‌آید بسیار زیاد خواهد بود، بلکه مخصوصاً در این‌موقع‌که مسألهٔ امتیازات‌راه‌آهن تحت‌ملاحظه‌است، بسیار نامساعد خواهد بود.

از ماه ژویت تاکنون، چنانچه از روزنامهٔ جنرال‌قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان معلوم می‌شود، در تجارت روس از طرف شمال خیلی افزایش حاصل شده و جنس زیادتر به اصفهان ورود می‌کند. من از روزنامهٔ مذکور راپورتی استخراج نموده[ام] و ذیلا به‌عرض می‌رسانم:

۱۳ ژویت [۲۲ تیر؛ ۲۷ رجب]: از رشت و قزوین مال‌التجارهٔ بسیار وارد شد.

۲۰ ژویت: از رشت و قزوین قوافل بی‌شمار کمافی‌السابق وارد می‌شوند.

۳ اوت [۱۲ امرداد؛ ۱۹ شعبان]: روز ۲۷ ژویت قافلهٔ بزرگی که عدهٔ حیوان باری آنها ۶۰۰ الی ۷۰۰ راپورت داده شد، با قند و غیره از رشت وارد شدند.

۱۰ اوت: قوافل بزرگی قریب ۱،۰۰۰ رأس حیوان باری در عرض هفته از اصفهان به طرف رشت حرکت کردند. اکثر بار آنها پنبه بود.

۱۷ اوت: روز ۱۶ ماه جاری قافلهٔ محمول نقدینه برای بانك روسی وارد شد.

۲۴ اوت: روز ۲۱ اوت ۲۳ عرابه در تحت حفاظت قزاقان ایرانی از طهران وارد شد. ۲۱ از این عرابه‌ها محمول اقمشهٔ روسی بود (۳۳۵ لنگه).
در همان روز ۸۰ قاطر که با امتعهٔ روسی محمول بودند، وارد شدند.
۳۱ اوت: پنج عرابهٔ دیگر دوتای آنها محمول امتعهٔ روسی برای تجار ایرانی و یکی محمول اجناس عطاری وارد شد. از شمال قوافل متعدده با قند وارد شدند.
۶ سپتامبر [۱۴ شهریور؛ ۲۴ رمضان]: در اوایل هفته باز هم مقداری قند از قزوین وارد شد.
۱۴ سپتامبر: قوافل بسیار بزرگ که از قراری که راپورت داده شد مرکب از دو هزار الی سه هزار شتر و ۴۰۰ الی ۸۰۰ قاطر و الاغ بودند، از رشت و قزوین با قند و نفت و پارچه‌های ابریشمی وارد شدند.
۴ سپتامبر: قوافل دیگر هم از رشت و قزوین با قند و نفت وارد شدند.
۲۸ سپتامبر: قوافل بزرگ بـا قند و نفط از رشت و نقاط دیگـر اتصالا وارد می‌شوند.
۵ اکتوبر [۱۲ مهر؛ ۲۳ شوال]: مقدار کثیری نفط و قند متوالیاً از شمال وارد می‌شود.
۲ نوامبر [۱۰ آبـان؛ ۲۱ ذی‌قعده]: قریب ۵۳ لنگـه اقمشهٔ پنبه روسی بـرای سمسارهای ایرانی وارد شد. باز هم مقداری قند و چای وارد شد.
من تصور می‌کنم که میزان گزاف کرایه و قصور دولت ایران در اصلاح این‌امر، بیشتر باعث تولید این اوضاع مهم راه از بوشهر الی اصفهان گردیده است تا عدم امنیتی که در راه تلگرافی بین شیراز و اصفهان وجود داشته است.

مخاصمات و مجادلات در امتداد راه از بوشهر الی شیراز

در ماه اوت، متعاقب پیش‌آمدن و اقدامات صولت‌الدوله و غارت قوافل کوچك نزدیك چنار راهدار، تصور شد که منزل بین خان‌زنیان و چنار راهدار امنیت ندارد. در همان وقت از کازرون تا تنگ‌ترکان، بین علی‌محمد متمرد کمارجی که کشکولیها حامی او بودند و در حملهٔ ماه دسامبر بر سوارهٔ هند مرکزی شرکت داشت، و کلانتر کازرون و تفنگچیهای شبانکاره و کمارج که ناحیهٔ کمارج را در تصرف داشتند، جنگ درکاربود.
به مجرد آنکه مخاصمات در طرف کازرون ـ تنگ‌ترکان به‌اتمام رسید، تفنگچیهای کمارج و شبانکاره شروع به جنگ مطولی که در مدت ماه سپتامبر و قسمتی از ماه آکتوبر طول کشید، با خان دالکی و ناحیهٔ کنارتخته نمودند.
اهالی کنارتخته جیرم‌را که دهی است متعلق به کمارج و در پای کتل کمارج واقع، است، قبضه نمودند. اهالی کمارج ده مذکور را در اواسط سپتامبر دوباره متصرف شدند، لیکن از بالای برجهایی که بر ده مذکور مسلط بود، به قوافل شلیك می‌کردند که [به] متجاوز از یك نفر قاطردار حمله شد و مقتول گردید و قوافل تا مدتی می‌ترسیدند از اینکه از این نقطه عبور کنند.

تا ۱۴ روز در ماه سپتامبر هیچ قاطری به بوشهر وارد نشد. بعد از آن در دشت کنارتخته، قسمتی از طایفهٔ قشقائیها با کشکولیها و شبانکاره‌ایها متحد شده و از طرف مخالف هم، خان برازجان ۱۰۰ نفر را فرستاد که به همدست خود که در دالکی‌بود، کمك نماید.

دهات جعفرجن و بانکی که در دشت کنارتخته واقع‌اند، مخصوصاً برای سوء رفتار نسبت به قوافل و اجحافات و انقلاب‌طلبی و بی‌احترامی‌کردن به اروپاییان مشهور شده‌اند.

مفتش ادارهٔ تلگراف و یکی از تجار آلمانی و صاحب‌منصبان انگلیسی و افراد سوارهٔ هند مرکزی تمام از سوءرفتاری که در سال ۱۹۱۲ به آنها در آنجا شده شکایت نموده‌اند. این ناحیه به انضمام ناحیهٔ دشت کازرون نزدیك محل وقوع حملهٔ ماه دسامبر گذشته، محتاج به اقدامات فوری سخت می‌باشد.

در غرهٔ ماه اکتوبر [۸ مهر؛ ۱۹ شوال] خان برازجان، عده‌ای را که مقداری آذوقه و مهمات برای سوارهٔ هند مرکزی می‌برد، در برازجان چند روزی نگاه داشت و باآنکه می‌دانست مأمورین دولت انگلیس کرایه نموده‌اند، آنها را از حرکت مانع آمد. این خان از سال ۱۹۰۹ در هر موقعی که پیدا کرده نسبت به عساکر و منافع انگلیس خصومت ورزیده است و به‌علاوه نظر به منازعات او با ناحیهٔ شبانکاره و سوءرفتارش، خارج نمودن او برای امنیت راه بسیار مطلوب است.

قوافل دیگر را هم در همین وقت توقیف نمودند و خان برازجان اظهار می‌داشت که این اقدام را برای انتقام کازرونیهایی که در نزدیکی کازرون غارت شدند و مخصوصاً برضد قاطرداران کازرونی به عمل می‌آورد و برای آنکه گذارده‌اند دشمنان شبانکاره‌ای او، مقام خود را در کمارج بالای راه مستحکم نمایند.

کلانتر کازرون هم در عوض تمام قاطرهایی را که به آنجا رفتند تا دوازده روز توقیف نمود تا آنکه خان برازجان روز ۱۴ اکتوبر قوافلی را که معطل نموده بود، مستخلص داشت.

در عرض ماه اکتوبر قسمت راه بین برازجان و دالکی خطرناك بود و اهالی‌شبانکاره هجوم آورده و گله و رمهٔ دالکی را بردند.

از همراهان خان دالکی، در شبی که خان دالکی برای بردن گله و رمه شبانکاره‌ایها هجوم آورد، سه نفر مقتول گردیدند. کدخدای یکی از دهات برازجان و چند نفر [از] شبانکاره و برازجان در همین قسم حملات شبانه مقتول گردیدند.

در آخر ماه اکتوبر و در اوایل ماه نوامبر، قریب ۲۰ میلی بوشهر به علت انتقام خون بین اهالی دو ده که یکی از آنها در تنگستان و کمی به طرف راست راه قافله‌رو واقع است جنگ به وقوع رسید.

در ۱۵ نوامبر [۲۳ آبان؛ ۵ ذی‌حجه] نوبت به منزل اول بین بوشهر و احمدی رسید و رؤسای عمدهٔ تنگستان که می‌خواستند از خان دالکی انتقام خون بکشند و حکمران

بوشهر هم به آنها اذیت می‌کرد، در آن طرف مسیله[1] نزدیك بوشهر، قشونی جمع‌آوری نموده و عده‌ای از تفنگچیهای تنگستانی قریب ده میلی بوشهر جلو راه قافله‌رو را گرفته و امر داشتند نگذارند قوافل عبور کنند. بین آنها و طرفداران احمدیها از دور مقداری شلیك شد و قوافل با مال‌التجاره‌های پرقیمت و تمام قاطرهـــای بوشهر به انضمام دستهٔ نظامی تا پنج روز نتوانستند حرکت کنند.

دولت تصویب نموده بود که عساکر اعلیحضرتی که در بوشهر هستند، همراه این دستهٔ نظامی از مسیله به احمدی بروند. آنوقت به واسطهٔ اقداماتی‌که از محل به عمل آمد، تنگستانیها به تنگستان مراجعت نمودند.

ایالت جدید فارس از حکمران بنادر خلیج درخواست نموده است که حکومت دشتی و دشتستان را که شامل قسمت بزرگی از خاك طرف ساحل بوشهر می‌باشد، به عهده گیرد چون حکمران بنادر خلیج قشونی ندارد که اقتدار خود را بر این رؤسای مستقل که از چند سال به این‌طرف مالیات نداده‌اند، اعمال نماید. محتمل است که تعیین این دو محل برای حکمرانی او صرف اسمی باشد.

(امضاء) چیك
جنرال قنسولگری انگلیس در بوشهر ـ ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲
[۲۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۵ محـــرم ۱۳۳۱]

ملحقات مأخوذات راهداری

	شهباز	بهروز کازرونی	مشهدی‌عوض بولوندی
	۱۸ اوت ۱۹۱۲	۱۷سپتامبر ۱۹۱۲	۱۳ اکتوبر ۱۹۱۲
	قران	قران	قران
شیراز	۴	۴	۴
قهوه‌خانه	۲۵ـ	ـ	ـ
عفیف‌آباد	۵۰ـ	ـ	ـ
چنار راهدار	۵۰ـ	ـ	ـ
بول‌بردکار [= بوالورد؟]	۵۰ـ	ـ	ـ
برج ماسیرم[2]	۵۰ـ	ـ	ـ
مل‌خره[3]	۵۰ـ	ـ	ـ

---

۱) اصل همه‌جا: مثیله. ـ م.
۲) اصل: ماسرم. ـ م.
۳) اصل: مل خرنه. ـ م.

قلعه‌نو	۵۰_	_	_
زنیان۱ کهنه	۵۰_	_	_
زنیان نو	۵۰_	_	_
سرپل قره‌قاچ [=قره‌آقاچ]	۵۰_	_	_
از تنگ سرخ تا دشت ارجن [=ارژن] (غلامحسین‌خان)	_	۵_	۵_
سوارهای کشکولی	_	۲_	_
برج سینه‌سفید	۵۰_	۵۰_	_
قلعهٔ مشیری	۵۰_	۵۰_	۱_
سرچنگک	۵۰_	۱_	۱_
کاروانسرای میان‌کتل	۵۰_	۱_	_
دشت برم	۵۰_	_	۴_
عبدوئی	۵۰_	۱_	_
سر کتل دختر	۵۰_	۵۰_	_
زیر کتل‌دختر	_	۵۰_	۱_
پل آبگینه	۵۰	۲۵_	_
قلعهٔ شعاع‌السلطنه	۵۰	۵۰_	۵۰_
برج کمان‌کشی	۵۰	۵۰_	۵۰_
کازرون	_	_	_
باغ سیدمحمد	۵۰	_	_
باغ شیخ حاجی	_	_	۵۰_
قهوه‌خانه	۵۰	_	۵۰_
دیریس	۱_	۱_۲۵	۵۰_
کاروانسرای راهدار	۲_	۱_	۱_
تنگ ترکان	۲۰_	۱_	۱_
کاروانسرای حکیم‌باشی	۲۰_	۵۰_	۵۰_
کمارج	۲_	_	۱_۲۰
علافی	_	_	_
کتل کمارج	۲۰_	۵۰_	۲_
در بانو	_	۵۰_	۳۰_
چیرم	۵۰_	۱_	۱_
دوراه خشت	_	۱_	۲۵_
تختکی	_	۱_	۱_

---

۱) اصل: زینان. ـ م.

جعفرجن	ـ۱	۱ـ	۵۰ـ
کمان‌کشی	۲۵ـ	۵۰ـ	۱ـ۲۵
بانکی	ـ۱	۱ـ	۵۰ـ
دواگونی	۷۵ـ	۱ـ	۱ـ۵۰
سر کتل ملو	۱۵ـ	۲۵ـ	۱ـ
بن‌کردی	۲۰ـ	۲۵ـ	۲۵ـ
پل دالکی	۵۰ـ	۵۰ـ	۲۰ـ
نمازگه [= نمازگاه]	۵۰ـ	۵۰ـ	۱ـ
دالکی	ـ۱	۵۰ـ	۵۰ـ
(نورمحمدخان)	ـ	۱ـ	۱ـ
علافی	ـ	۳ـ	۳ـ
تفنگچی	ـ	ـ	۵۰ـ
آب‌گندو	۵۰ـ	۱۵ـ	ـ
قراول‌خانه	۲۵ـ	ـ	۵۰ـ
جته	۲۵ـ	ـ	۵۰ـ
برازجان	۵۰ـ۱	۱ـ	۵۰ـ
علافی	ـ	۲ـ	ـ
دیوانی	ـ	ـ	۵ـ
چاه‌خانه [چاه‌خونی؟]	ـ	ـ	ـ
قصار	ـ	ـ	ـ
خوشاب[1]	۱۰ـ	۳ـ	۵۰ـ
عیساوند	۱۰ـ	ـ	ـ
قهوه‌خانه	ـ	ـ	ـ
احمدی	ـ۱	۱ـ۵۰	۱ـ
چغادك[2]	۱۵ـ	۶۰ـ	۶۰ـ
بوشهر	۱۵ـ	۱۵ـ	۱۵ـ
جمع	۴۰ـ۳۱	۸۵ـ۴۴	۳۰ـ۲ ۴۷

www.adabestanekave.com

---

۱) اصل: خوشات. ـ م.
۲) اصل: چغاده. ـ م.
۳) جمعها با ارقام برابر نیست و منظور از آنها دریافته نشد. ـ م.

	حسین دوانی[1] ماه اکتوبر قران	باقر کازرونی ۲۲ اکتوبر قران	شهباز ۱۸ نوامبر قران
شیراز	ـ۴	ـ۴	ـ۳
آسیای قوام	ـ۵	ـ۷	ـ
دشت ارجن [=ارژن]	ـ۷	ـ۷	ـ
سرچنگك	ـ	ـ	ـ۲۵
میان‌کتل	ـ۲	ـ	
کلوبی[2]	ـ۳	ـ۲	
کتل دختر	ـ	ـ	
پل آبگینه	ـ۵۰	ـ۸۰	
قلعهٔ شعاع‌السلطنه	ـ۵۰	ـ۴۰	
باغ سید	ـ۵۰	ـ۵۰	
برج نزدیك کازرون	ـ۵۰	ـ	
قهوه‌خانه	ـ۵۰	۵۰	
دیریس	ـ۱	۵۰	
تل دیریس	ـ	ـ	
رملکی	ـ۵۰	۵۰	
جادیس	ـ۵۰	ـ	
کاروانسرا	ـ۵۰	ـ۶۰	
راهدار	ـ۵۰	ـ۵۰	
تنگ‌ترکان ـ			
» شمال	ـ۵۰	ـ۵۰	
» جنوب	ـ۵۰	ـ۲۰	
ده‌کهنه	ـ۵۰	ـ۲۰	
کمارج	ـ۲	۲ـ	
راه‌دار	۵۰	ـ	
سر کتل	ـ	ـ۲۰	
در بانو	ـ	۱	
چیرم	ـ۱	ـ۲۰	ـ۵۰
دوراه خشت	ـ۱	ـ۱	ـ۵۰
تختکی	ـ۵۰	ـ۵۰	ـ

۱) اصل: داونی. ـ م.
۲) چنین است در اصل. ـ م.

تختکی جنوب	۵۰ـ	۵۰ـ	ـ
جعفر جن	ـ۱	۵۰ـ۱	ـ۱
پل بردی	ـ۱	۵۰ـ۱	ـ
خانم‌کشی[1]	۵۰ـ	۵۰ـ	۵۰ـ
بانکی	ـ۲	۵۰ـ۱	۵۰ـ
دواگونی	ـ۱	۵۰ـ	۲۵ـ
سرکتل	۲۵ـ	۱۵ـ	ـ
بن‌کردی	۲۵ـ	۱۵ـ	ـ
پل دالکی	۵۰ـ	۵۰ـ	۲۵ـ
نمازگاه دالکی ـ	۵۰ـ	ـ	ـ
» علافی	ـ۲	۵۰ـ۳	۲۵ـ
» دیوانکی	ـ	ـ۱	ـ۲
» تفنگچی	ـ	۵۰ـ	ـ
آب‌گندو	۵۰ـ	۵۰ـ	ـ
قراولخانه	۵۰ـ	ـ	۵۰ـ
جته	۵۰ـ	ـ	۵۰ـ
برازجان	ـ۲	ـ۱	ـ۲
» علافی	ـ	۷۵ـ	ـ
عیساوند	۱۰ـ	۲۵ـ	ـ
خوشاب	۱۰ـ	۲۵ـ	۲۵ـ
باغ هزار	ـ	۲۰ـ	ـ
احمدی	ـ۱	ـ۱	ـ۱
چغادك[2]	۱۵ـ	۶۰ـ	۶۰ـ
بوشهر	۱۵ـ	۷۵ـ	۱۵ـ
جمع[3]	۷۰ـ۴۸	۴۰ـ۲۰	۲۵ـ۱۵

www.adabestanekave.com

---

۱) چنین است در اصل [=خان‌کشی؟]. ـ م.
۲) اصل: چغاده. ـ م.
۳) جمع‌ها با ارقام برابر نیست و منظور از آنها دریافته نشد. ـ م.

نمره ـ ۵۲۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۱ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۱ دی ۱۲۹۱؛ ۳ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۹ ژانویهٔ شما:

علاءالسلطنه موفق شده است به تشکیل کابینه‌ای مرکب از عین‌الدوله وزیر داخله و وثوق‌الدوله وزیر امور خارجه و مستوفی‌الممالك وزیر جنگ و قوام‌السلطنه وزیر مالیه و مؤتمن‌الملك وزیر تجارت و مشیرالدوله وزیر معارف و ممتازالدوله وزیر عدلیه و مستشیرالدوله وزیر پست. این دو نفر آخری جزو کابینهٔ سابق بودند و کارهای خوب نمودند.

این کابینه مقتدرترین کابینه‌ای است که بتوان تشکیل داد و دلیل صحیح به دست است که امیدوار باشیم که در صورتی‌که وجوهات لازمه به آنها برسد و دولتین با آنها همراهی داشته باشند، بتوانند به انجام اصلاحات استعماری مهمه موفق شوند.

نمره ـ ۵۲۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۱ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۱ دی ۱۲۹۱؛ ۳ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۵ دسامبر شما:

قتل کاپیتان اکفورد

از مدتی به این طرف مسألهٔ اینکه در صورتی‌که دولت ایران نتوانند مقصرین را تنبیه نمایند، چه پلتیکی [= پلیتیکی] را باید ما تعقیب نماییم جلب توجه مرا نموده و با کمال دقت توصیهٔ شما را تحت ملاحظه قرار داده‌ام که در آن صورت مهیای اعزام قشونی به جنوب ایران برای حصول جبران بشویم.

به عقیدهٔ من این پیشنهاد محل اعتراضات مهمه است:

اعزام چنین قشونی، موجب مصارف بسیار زیاد خواهد بود زیرا که برای آنکه از موفقیت آنها یقین [داشته] باشیم، عدهٔ آن قشون باید زیـاد باشد و البته قشون مذکور متحمل تلفات و نقصانات زیاد خواهد شد.

اعتراض مهمتر دیگر این است که یحتمل ما پس از انجام اقدامات نظامی مجبور شویم که بطور دائم یا لااقل تا مدت زیادی قسمت بزرگی از ایران را اشغال نماییم و عاقبت استقلال ایران معدوم خواهد شد و اقدام ما سبب مستقیم تقسیم آن مملکت خواهد گردید.

من جداً مخالف این پلتیك [= پلیتیك] می‌باشم و گمان نمی‌کنم فعلا جهت و سبب کافی برای عدم امیدواری به حفظ استقلال ایران باشد و گمان می‌کنم نظر به مصالح خودمان و نظر به تعهداتی‌که شده، بیشتر مقتضی باشد که تمام مساعی خود را برای تأسیس حکومت مقتدری در ایران و همراهی با ژاندارمری که وظایف خود را بطور

کامل انجام دهد، معطوف داریم.

ممکن است حکومت مذکور تا مدتی آنقدر اقتدار نداشته باشد که بتواند در میان ایلات انتظامات برقرار دارد و تنبیهات لازمه در حق آنها مجرا بنماید لکن هرگاه ما مقصود خود را با مداومت تعقیب نماییم، آنچه را که در نظر داریم، آخرالامر به‌وجود خواهد آمد و به مقام ما از این تأخیر لطمه‌ای وارد نخواهد شد و نباید به ایالت فارس برای اعزام قشون تأکید زیاد کرد تا آنکه او از مهلتی که برای تهیهٔ آن داده می‌شود راضی است و از موفقیت حاصل نمودن آنها خاطرجمع است.

اما در باب ژاندارمری، آیا وجوهاتی‌که من شنیدم برای آن لازم است داده شده؟ بهتر است که برای استحکام این قوه پول به مصرف برسد تا آنکه یك قشون غیرمنظم غیرمرتبی اعزام شود. من خیال می‌کنم که چون وجهی که لازم است نسبتاً کم است، برای نیل به این مقصود اقدام مخصوصی خواهد شد.

نمره ـ ۵۲۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۲ دی ۱۲۹۱؛ ۴ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۴ ژانویهٔ شما:

چنانچه انتظار می‌رفت، از زمان حمله به دستهٔ عساکر انگلیسی نزدیك دشت ارجن [=ارژن] که منجر به قتل کاپیتان اکفورد گردید، یك ماه گذشته است و ایالت فارس هنوز نتوانسته است مقصرین را تنبیه نماید. گمان نمی‌کنم جناب معظم را باید برای قصور در این کار مورد سرزنش و ملامت قرار داد زیرا که در ظرف یك ماه، آنهم در این موسم سال، انجام این کار یکی از ممتنعات محسوب بود.

به موجب اخبار تلگرافی که از بوشهر و شیراز رسیده، واضح می‌گردد که ایالت به اتفاق ژاندارمری مشغول اقداماتی هستند که قشونی تهیه نمایند که بتواند در موقع برعلیه [=علیه] مقصرینی که مورد سوءظن واقع شده‌اند، اقداماتی بنمایند. فرمانده قوای نظامی ایالت با قشون کمی به کازرون رفته و از آنجا برای جمع‌آوری قشون دیگر به برازجان رفته است و در کازرون و کمارج ۲۰۰ نفر تهیه نموده و آنها را به سرکرده‌های معتبر سپرده است.

یکی از مقاصد این اقدامات این است که راه بوشهر را برای حمل مقداری اسلحه و مهمات که دو نفر از صاحب‌منصبان سوئدی برای حمل آن به بوشهر رفته‌اند، امن نمایند. این اسلحه‌ها را از اروپا برای ژاندارمری وارد نموده‌اند و خیال دارند هر دفعه نصف آنها را حمل کنند و صاحب‌منصبان سوئدی تا زمانی که عدهٔ قشون جمع‌آوری نشود و به‌طور کفایت تعلیم نیابد که بتوان در صورت وقوع حمله به آنها اعتماد نمود، نمی‌توانند با قافله از بوشهر حرکت کنند و نیز می‌خواهند که آنها را با پرکردن و خالی‌کردن دو توپهای ماکزیم که همراه دارند آشنا سازند.

محتمل به‌نظر می‌رسد که تا زمانی‌که قشونی که جمع‌آوری می‌شود حاضر برای

حرکت باشند، یك‌ماه طول بکشد.

در بوشهر ابتدا جمع‌آوری قشون اشکال داشت لکن معلوم می‌شود که همراهیهای سر کاکس نتیجهٔ تسکین‌آمیزی داشت و حالا دیگر اشکالی ندارد.

ایالت خیلی میل دارد که برای قشونی که تشکیل می‌دهد اسلحه برسد لکن صاحب‌منصب فرمانده ژاندارمری شیراز بنابر تعلیمات مرکز، به عنوان آنکه این اسلحه متعلق ژاندارمری است و به کسانی که خارج از ژاندارمری باشند داده نخواهد شد، با این امر موافقت نمی‌کند.

ظاهراً اعتراض او صحیح باشد ولی اگر قسمتی از این اسلحه به ایالت داده نشود، مساعی او به‌هدر خواهد رفت چرا که به وسیلهٔ دیگر نمی‌تواند قشون خود را مسلح نماید.

نمره ـ ۵۲۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ ژانویهٔ ۱۹۱۲ [۲۲ دی ۱۲۹۱؛ ۴ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف امروز من:

وزیر امور خارجه دیروز صبح از من ملاقات نموده نقشه‌ای برای حفاظت راه از بوشهر الی ایزدخواست را که کلنل سوئدی ژاندارمری طرح نموده، به من ارائه‌نمود. در این نقشه طرح تشکیل دستجات سیار هم ریخته شده و تصور می‌شود که بدون این قوهٔ سیار اعادهٔ انتظامات فارس امکان‌پذیر نخواهد بود.

علاءالسلطنه اشعار داشت که در این موسم سال امکان ندارد بتوان اقدامات مؤثره برای مرتکبین حملهٔ دشت ارجن [=ارژن] نمود، لکن ایالت هرگونه اقداماتی‌که بتواند، همینکه هوا گرم‌تر شد، حسب‌الامکان برای تنبیه مرتکبین به عمل خواهدآورد.

جناب معظم به علاوه اظهار داشت که عقیدهٔ دولت ایران بر این است که فقط راهی که برای استقرار دائمی انتظامات متصور است، اجرای نقشهٔ کلنل سوئدی است که در آن مقرر است قریب ۱،۸۰۰ نفر در راه تعیین شود. علاءالسلطنه اظهار داشت که از این عده تاکنون جمعی اسمشان نوشته شده و مشغول تعلیم آنها هستند به‌طوری که قریب ۱،۰۰۰ نفر آنها در بهار آتیه حاضر برای حرکت به طرف جنوب باشند. این‌طور تصور می‌شود که دستهٔ اول آنها بتواند قریب یك‌ماه دیگر حرکت کند.

علاءالسلطنه اظهار نمود فقدان پول اشکال بزرگی است که دولت ایران را مانع از ایجاد این قوه که مخارج سه‌ساله‌اش به ۳۵۰،۰۰۰ لیرا تخمین شده، می‌باشد. علت تعیین این مدت این است که هیأت دولت مطمئن می‌باشند که در صورتی‌که امکان داشته باشد تا آن زمان در فارس قوه نگاه داشت، در ایالت مذکور امنیت کاملا اعاده خواهد شد و آن وقت عایدات خود ایالت زیادتر از احتیاجات آن خواهد بود.

جناب معظم سپس با قدری تردید طبیعی از من درخواست نمود که از دولت اعلیحضرتی استفسار نمایم که آیا حاضرند دفعهٔ دیگر با دولت ایران همراهی نموده

و این مبلغ را قرض بدهند که از وجوهات استقراضی که به همین زودیها عمل آن به اتمام خواهد رسید مسترد گردد؟ وزیر امور خارجه به علاوه اظهار داشت که متجاوز از نصف این مبلغ را فوراً لازم نخواهند داشت لکن اگر دولت ایران بداند که مصارف سه سال آنها خواهد رسید[1]، نقشه را نمی‌تواند به موقع اجراء گذارد.

جناب معظم به من فهمانید که هرگونه شرایطی که برای تأمین مصرف این وجه در محل صحیح لازم تصور بشود قبول خواهد شد و ارائهٔ طریق نمود که این وجه باید توسط خزانه‌داری کل تماماً به دست فرمانده ژاندارمری داده شود و بالتمامه برای تأمین احتیاجات فارس تخصیص شود.

عقیدهٔ من بر این است که ژاندارمری تحت امر صاحب‌منصبان سوئدی، فقط قوه‌ای است که می‌توانیم از آن اعادهٔ انتظامات و امنیت راههای بزرگ ایران [را] انتظار داشته باشیم. در راههایی‌که فعلا تحت حفاظت آنها است، [امنیت] کاملا برقرار شده و یا آنکه علامات بهبودی معینی نمودار است. عقیدهٔ من بر این است که در آتیه در صورتی‌که پول برای تشکیل قوهٔ نظامی بسرای حفظ راهها برسد مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ لیرا که ماهیانه یا برحسب احتیاجات کلنل داده شود، برای مخارج نه یا ده ماه کافی خواهد بود.

من با کمال احترام از دولت اعلیحضرتی ملاحظه در این امر را درخواست نموده و تقاضای قبول آنرا دارم.

نمره ـ ۵۳۰

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری.

سنت‌پطرزبورغ ۱۳ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۳ دی ۱۲۹۱؛ ۵ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۰ ژانویهٔ شما:

وزیر امور خارجه امروز در جواب مراسله‌ای که به ایشان نوشتم، یادداشتی به من دادند و مطالب ذیل از آن استخراج شده:

دولت روس با آنکه بسیار مایل به استقرار حکومت مقتدری می‌باشند، هنوز از کفایت کابینهٔ جدید یقین حاصل ننموده‌اند. بنابراین، رویهٔ دولت روس بسته به نتایجی است که کابینهٔ جدید ابراز خواهد داشت و حسن‌سلوك آن نسبت به روسیه. دولت روس هنوز خیال می‌کنند که استقراض بزرگ لازم است و برای اتمام عمل آن تحت وثیقه‌های لازمه همراهی خواهند داشت و نیز راضی می‌باشند که پس از آنکه امتیازات راه‌آهنها قبول شود، از بابت استقراض بزرگ مبلغی مساعده بدهند لکن مبلغ آن را تعیین نمی‌کنند. میل صمیمی دولت روس این است که عساکر خود را عودت دهند لکن با اوضاع موجوده، چون عساکر مذکور فقط وثیقهٔ تأمین اتباع و تجارت روس می‌باشد، فعلا نمی‌توانند از عدهٔ آنها بکاهند و نه هم می‌توانند تاریخی

---

۱) چنین است در اصل [=نخواهد رسید؟]. ـ م.

برای عودت آنها معین کنند و عودت آنها بسته به اعاده و استقرار انتظامات است.

در خصوص پروگـرام اصلاحاتی که صدراعظم طـرح نموده، چون هنوز آن را ندیده‌اند، نمی‌توانند اظهار عقیده بنمایند.

وزیر امور خارجه در ضمن صحبت اظهار داشت که چنانچه ملاحظه می‌کنید، سلوك دولت روس دوستانه است و در صورتی‌که کابینهٔ حالیه توانست با این اوضاع مقابله نماید، او با کمال میل از آن تقویت خواهد نمود. من نتوانستم او را ترغیب نمایم که راضی به عودت قسمت کمی از عساکر روس شود.

در خصوص شجاع‌الدوله، جناب معظم اظهار داشت که حتی‌المقدور سعی در ابقای او خواهد نمود چرا که از زمان آمدن او به تبریز، اغتشاشی به ظهور نرسیده و به تجارت روس خسارتی وارد نیامده است.

نمره ـ ۵۳۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۴ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۴ دی ۱۲۹۱؛ ۶ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۹ دسامبر شما ـ حمله بر لیوتنان بولاك ـ وجه غرامت باید چنانچه پیشنهاد نموده‌اید، ۵۰۰ لیرا باشد، به علاوهٔ سایر دعاوی که در مراسلهٔ ۲۹ نوامبر خود ذکر نموده‌اید.

به دولت ایران باید اطلاع داده شود که صورت ادعای دیگری برای این مبلغ بـه صورت دعاوی معوقه علاوه خواهد شد.

نمره ـ ۵۳۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۴ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۴ دی ۱۲۹۱؛ ۶ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۲ ژانویهٔ شما:

شما باید به دولت ایران اطلاع دهید که از صمیم قلب از اقداماتی‌که در نظـر دارند برای اعاده و استقرار انتظامات در جنوب به عمل آورند بسیار مسرور هستم و با کمال دقت ملاحظه خواهم نمود که دولت اعلیحضرتی به چه قسم می‌توانند برای این کار کمك مالی بنمایند، پس از آنکه امتیازات راه‌آهنها داده شود.

قسمت عمده از هر مبلغ مساعده که ما بدهیم، گمان می‌کنم ممکن است برای اعادهٔ انتظامات فارس به مصرف برسد و مبلغ مذکـور را چنانچه درخواست شده است، می‌توان به قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز داد و به او دستورالعمل داد که آن را طوری به مصرف برساند که ثمری از آن حاصل گردد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۳۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۴ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۴ دی ۱۲۹۱؛ ۶ صفر ۱۳۳۱]

لطف نموده مسیو سازانف را از مفاد تلگراف ۱۱ ژانویهٔ طهران مستحضر داشته بگویید من صمیمانه امیدوارم جناب معظم به وزیرمختار روس مقیم پاریس تعلیم خواهد داد که به اتفاق سر برتی از نایب‌السلطنه خواهش نمایند که هرقدر زودتر که امکان دارد، کابینهٔ جدید ایران را تصویب نمایند.

من در نظر دارم که به سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران تعلیم دهم که پیغام تشویق‌آمیزی به علاءالسلطنه و همکارهای او بفرستد و امیدوارم مسیو سازانف هم همین قسم اقدام خواهد نمود.

نمره ـ ۵۳۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر برتی

وزارت خارجه ۱۴ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۴ دی ۱۲۹۱؛ ۶ صفر ۱۳۳۱]

وقتی‌که تعلیمات به همکار روسی شما می‌رسد، شما باید به‌طوریکه در تلگراف امروز من به سر جارج بیوکانان ارائهٔ طریق شده با نایب‌السلطنهٔ ایران مذاکره نمایید.

نمره ـ ۵۳۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۵ دی ۱۲۹۱؛ ۷ صفر ۱۳۳۱]

مالیهٔ فارس

وکیل مالیهٔ بلجیکی [=بلژیکی] خزانه به‌شیراز وارد شده و صحبت‌های طولانی رضایت‌بخش با قنسول انگلیس نموده است و اظهار داشته است که اگرچه درصورتی‌که ۱۵،۰۰۰ لیرایی که دولت اعلیحضرتی مساعده داده‌اند از روی عقل به مصرف‌برسد، ایالت را ممکن است قادر نماید که تا آخر سال جاری ایرانی امور حکومتی خود را اداره نماید، لکن در ابتدای سال جدید که اواخر ماه مارس باشد، وضعیت او از حالیه بدتر خواهد شد به این دلیل که آن وقت قوهٔ نظامی تشکیل شده که وجه برای پرداخت حقوق آنها موجود نخواهد بود. عایدات ایران در اول سال نو وصول می‌شود لکن عایدات فارس در ماه آوریل و مه و بعضی اوقات هم در ماه ژون در موقعی که ایلات سیار از بعضی نقاط عبور می‌کنند و دست‌رسی وصول‌کنندگان مالیات به آنها بیشتر است وصول می‌شود. اگر ایالت نتواند حقوق عساکر خود را بدهد، آنوقت با تظلمات آنها طرف خواهد شد و به سهولت ممکن است که تظلمات آنها منجر به اغتشاش‌گردد و آن‌وقت دیگر قشون نخواهد داشت که برای وصول مالیات از ایلات بر آن اتکاء

نماید.

وکیل خزانه‌داری مصارف حکومتی را ماهیانه به ۴۰،۰۰۰ تومان تخمین می‌کند و عقیدهٔ قنسول انگلیس براین است که وجه برای گردانیدن چرخهای حکومت از چهار الی شش‌ماه لازم است.

اگرچه تصور می‌شود که در صورتی‌که امور در مجرای صحیح بگذرد، در عرض سال آتیه می‌شود قریب ۹۰،۰۰۰ لیرا عایدات وصول نمود، من اصرار دارم بر این‌که مصادر حکومتی هرقدر که ممکن است کم بشود.

امنیت و سعادت این ایالت در مدت کمی که برای ایالت باقی است، به اندازه‌ای بهبودی حاصل نخواهد کرد که بتوان به طریقی‌که در مراسلهٔ ۳ دسامبر خود ارائهٔ طریق نموده‌اید، قراری با بانك داد.

من پیشنهاد می‌کنم که بسیار لازم است که در نقشهٔ اداره نمودن امور ایالت که فعلا طرح شده، مداومت بشود و در صورتی‌که از پیشرفت آن حتی تا مدت قلیلی هم به علت فقدان وجوهات جلوگیری شود، مضار ترمیم‌نشدنی در آن به ظهور خواهد رسید.

عقیدهٔ من بر این است که ۳۰،۰۰۰ لیرا مکفی خواهد بود که به‌وسیلهٔ آن ایالت بتواند حکومت خود را بر اساس صحیحی قرار دهد چرا که به این طریق تا آخر ماه ژون پول خواهد داشت. من امیدوارم که شما قبول بفرمایید که وجه فوق‌الذکر به همان شرایطی که ۱۵،۰۰۰ لیرای سابق داده شد، به دولت ایران داده شود یا آنکه مبلغ مذکور از مساعدهٔ دیگر که داده خواهد شد برای مقصود فوق‌الذکر کنار گذارده شود.

نمره ـ ۵۳۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۶ دی ۱۲۹۱؛ ۸ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۴ ژانویهٔ شما به پاریس، نایب‌السلطنه کابینهٔ جدید را تصویب نموده است و وزراء در ۱۸ ژانویه به شاه معرفی خواهند شد.

نمره ـ ۵۳۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۶ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۶ دی ۱۲۹۱؛ ۸ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۳ ژانویهٔ شما:

متأسف هستم از اینکه وزیر امور خارجه ممکن نمی‌داند به طریقی‌که در تلگراف دهم ژانویهٔ خود پیشنهاد نمودم عمل نماید، لیکن امیدوارم که بتواند لااقل پیغام تشویق‌آمیزی به کابینهٔ جدید ایران بفرستد.

از اطمیناتی که مسیو سازانف می‌دهد که دولت روس همینکه امتیاز دو خط‌آهن که

مذاکرهٔ آن فعلا در میان است داده شد در پرداخت مساعده شرکت خواهند نمود، اگر از این مساعده که داده می‌شود باید نتیجه و فایده گرفت، باید مبلغ آن زیاد باشد و امیدوارم که دولت روس راضی خواهند شد مبلغ ۲۵۰،۰۰۰ لیرا داده شود.

خیلی اهمیت دارد که دولت ایران پول داشته باشد که بتواند در فارس انتظامات را اعاده نموده و مقصرین قتل کاپیتان اکفورد را تنبیه نماید. بنابراین، من با مراعات ملاحظات مسیو سازانف، پیشنهاد می‌کنم که در صورتی‌که انتظار تعویقی برود، پس‌از آنکه دو فقره امتیاز داده شد، سهم مساعدهٔ انگلیس داده شود.

نمره ـ ۵۳۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۶ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۶ دی ۱۲۹۱؛ ۸ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۵ ژانویهٔ شما ـ مالیهٔ فارس ـ لطف نموده رجوع به تلگراف امروز من که به سنت‌پطرزبورغ مخابره نموده‌ام بنمایید. این مسأله‌ای است که پس از تأدیهٔ ۲۵۰،۰۰۰ لیرا قرار آن را می‌توان داد.

نمره ـ ۵۳۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۷ دی ۱۲۹۱؛ ۹ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۱ ژانویهٔ شما ـ اوضاع جنوب ایران ـ حالا که اعزام اردویی را مطلوب نمی‌دانید، من عرض می‌کنم که پلتیك [=پلیتیك] دیگری را باید با کمال جدیت تعقیب نمود که هرقدر ممکن است ژاندارمری را تقویت نمود و حکومت مرکزی و محلی را که مخصوصاً با منافع ما ارتباط دارد، مؤثراً تقویت نماییم.

این مسأله را باید تأکید نماییم که تا زمانی‌که پول زیاد به ایالت و ژاندارمری داده نشود، به هیچ‌وجه پیشرفتی حاصل نخواهد شد و اگر این کار از قول به فعل برسد، یقین دارم که در قلیل مدتی بتوان انتظامات [را] در فارس اعاده نمود.

اوضاع ایالت مذکور فعلا الم‌انگیز است و شاید از سایر قسمتهای ایران بدتر است. ایلات از مدتی به این طرف، مالیاتهای بدهی خود را نپرداخته‌اند و اگر باید آنها را وادار به اطاعت قانون و محترم‌داشتن اقتدار ایالت نمود، واجب است که وجوهات کافی برای احتیاجات حکومتی و استقرار قوهٔ نظامی بزرگی داده شود. اگر به علاوهٔ این، دولت اعلیحضرتی به ایالت تقویت معنوی و مالی بنمایند، یقین دارم که رؤسای مقتدر ایلات که با او رقابت دارند و آنقدر اسباب درهم برهمی اوضاع می‌باشند، با او همراه خواهند شد.

حالیه کافی نخواهد بود که ایالت را از اشکالات مالی مستخلص نموده و او را ویل [=ول] کنیم بلکه لازم است که آنقدر پول به او بدهیم تا آنکه بتواند مقام خود را مستحکم بنماید و در صورتی‌که اقتداری حاصل نماید، گمان می‌کنم عایدات ایالتی

بزودی او را قادر تواند نمود که وجوهاتی را که مساعده داده می‌شود، مسترد بدارد.

در خصوص ژاندارمری، در این نه ماههٔ اخیر ترقی بینی در جثه و هیکل افراد ژاندارمریها پدیدار شد و به مرور ایام صاحب‌منصبان آنها بیشتر تجربه برای سلوك با عساکر مشرق‌زمین حاصل خواهند نمود و البته در کار خود موفقیت حاصل خواهند نمود چرا که تمام آنها صاحب‌منصبان زرنگ کارکنی هستند. لکن با این خزانهٔ خالی این قوه را که عده‌شان فعلا به ۲.۸۰۰ نفر می‌رسد، درست نمی‌شود نگاه‌داشت، اگرچه به کمك و همراهی بانك شاهنشاهی تمام مصارف (پس از تأخیر و تعویق ناچار) تاکنون داده شده است.

نمره ـ ۵۴۰

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۷ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۷ دی ۱۲۹۱: ۹ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۶ ژانویهٔ شما:

مسیو سازانف مرا اطلاع می‌دهد که حاضر است بگذارد کابینهٔ جدید ایران امتحان خود را بدهند و تلگراف تشویق‌آمیزی به آنها مخابره خواهد نمود.

در باب پیشنهاد شما به اینکه دولت انگلیس سهم مساعدهٔ خود را مستقلا بدهد، مسیو سازانف قبل از رضا دادن به این امر می‌خواهد در این مسأله مداقه نماید. من به او اظهار داشتم تنها چارهٔ کار این است که دولت روس با ما اتفاق نموده و فوراً مساعده را بدهیم.

جناب معظم اظهار داشت که بهتر است دولتین بالاتفاق عمل نمایند و دلایلی را که دولت اعلیحضرتی برای پرداخت فوری پول به دولت ایران ارائه نموده‌اند، تصدیق می‌کند.

نمره ـ ۵۴۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۱ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [یکم بهمن ۱۲۹۱؛ ۱۳ صفر ۱۳۳۱]

سالارالدوله

راجع به تلگراف ۲۷ دسامبر من:

سالارالدوله ترتیب رضایت‌بخشی را که سفارت روس و دولت ایران داده‌اند مبنی‌بر اینکه سالارالدوله در طهران اقامت نماید و حقوق به او داده شود و املاکی که ضبط شده به او مسترد گردد، قبول نموده است. روسها می‌خواهند که او تحت حفاظت آنها باشد. به نظر من می‌آید که چنین ترتیبی وثیقهٔ خوبی برای حسن رفتار او است لیکن دولت ایران تا اندازه‌ای مخالف این عقیده هستند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۴۲

مکتوب وزارت خارجه به ادارهٔ هند

وزارت خارجه ۲۱ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [یکم بهمن ۱۲۹۱؛ ۱۳ صفر ۱۳۳۱]

آقـا

از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه تعلیم دارم کـه سواد مراسلهٔ سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران را که جوف آن سواد دو راپورتی است که از مستر اسمارت کفیل قنسولگری اعلیحضرتی مقیم شیراز رسیده و از حسن خدمات کلنل دوگلاس و عساکر تحت فرمان او و مستر اسمیت و اجزاء ادارهٔ تلگرافخانهٔ هند و انگلیس در فارس به قنسولگری اعلیحضرتی تمجید و تحسین نموده است، لفاً ایفاد دارم.

من لازم است اظهار بنمایم که شهادت خدمات اشخاص محترم مذکور بـا نهایت مسرت در این اداره قرائت شد و از طرف سر ادوارد گری، اظهار امیدواری می‌نمایم که مارکس اف کرو بتواند شناسایی و قدردانی خدمات آنها را به مقامات صحیحه توصیه نماید.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره ـ ۵۴۳

مکتوب ادارهٔ هند به وزارت خارجه

ادارهٔ هند ۲۳ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۳ بهمن ۱۲۹۱؛ ۱۵ صفر ۱۳۳۱]

از طرف وزیر هند تعلیم دارم که برای استحضار خاطر سر ادوارد گـری، سواد تلگرافی‌را که از طرف حکومت هندوستان در باب جبران حمله‌ای که به صاحب‌منصبان انگلیسی نزدیك شیراز شده باید به عمل آید، مخابره شده است، لفاً ایفاد دارم.

من تعلیم دارم اظهار نمایم که چون مسألهٔ پلتیکی[= پلیتیکی]که دولت‌اعلیحضرتی باید در موضوع جنوب ایران تعقیب نمایند تحت ملاحظه و مذاکرهٔ کابینه است، مارکس اف کرو در نظر ندارد که ملاحظاتی در خصوص تلگراف جوف اظهار بنماید.

(امضاء) هلدرنس

ملفوف نمرهٔ ۵۴۳

تلگراف حکومت هندوستان به مارکس اوف کرو

۱۷ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۷ دی ۱۲۹۱؛ ۹ صفر ۱۳۳۱]

شیراز ـ ما تأکید می‌کنیم که جبران حمله به صاحب‌منصبان انگلیسی باید به‌عمل آید، لکن تصور می‌کنیم که باید مدت طولانی به ایالت مهلت داده و پول هم بـه او رسانید و پیشنهاد می‌کنیم که مسألهٔ اعزام اردو تا پاییز آینده به‌عهدهٔ تعویق انداخته شود.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۴۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۶ بهمن ۱۲۹۱: ۱۸ صفر ۱۳۳۱]

بموجب اخبار جدیده از تبریز، سپهدار تا چند روز دیگر به طرف اروپا رهسپار خواهد شد. دو ماه اجازهٔ مرخصی گرفته است.

در نظر است که در غیاب سپهدار، شجاع‌الدوله به رتق و فتق امور مشغول باشد.

نمره ـ ۵۴۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۶ بهمن ۱۲۹۱: ۱۸ صفر ۱۳۳۱]

وزیر امور خارجه مرا اطمینان می‌دهد که مسألهٔ امتیازات راه‌آهن باید تا یك هفته یا زودتر فیصله شود. در باب آن، در جلسات یومیهٔ کابینه مذاکره می‌نمایند.

جناب معظم به من مؤکداً اظهار داشت که مبلغ ۶۰۰،۰۰۰ لیرا از بابت استقراضی که بعد خواهد شد، بسیار لازم است.

دولت ایران امیدوارند که مبلغ استقراض ۶،۰۰۰،۰۰۰ لیرا خواهد بود که در پنج قسط سالیانه پرداخته شود.

در جواب سؤال من که آیا ۳،۰۰۰،۰۰۰ لیرا کـه سهم دولت انگلیس می‌شود، متضمن مبلغی خواهد بود که برای ژاندارمری فارس خواسته شده، وزیر امور خارجه توضیح نمود که دولت ایران امیدوار است که این مبلغ را مساعدهٔ علیحـده تصور خواهند نمود که از قسط دوم استقراض مسترد شود و این ۶۰۰،۰۰۰ لیرای علاوه، برای مصارف عمومی فوری لازم است و بطور مساعده از بـابت نصفهٔ قسط اول محسوب خواهد بود.

نمره ـ ۵۴۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۷ بهمن ۱۲۹۱: ۱۹ صفر ۱۳۳۱]

قنسول‌انگلیس مقیم شیراز تلگراف می‌کند که ایالت ۱،۰۰۰ تفنگ و ۵۰۰،۰۰۰ فشنگ برای قشون جدید خود جداً لازم دارد و پیشنهاد می‌کند که حکومت هندوستان ممکن است بتواند تفنگهای کوتاه طرز جدید که به‌جای تفنگهای بلند لی‌انفلیلد[1] استعمال می‌شود، بدهد.

وزیر امور خارجه وساطت مرا در این امر درخواست نموده است و تفنگی را که ایالت ارائهٔ طریق می‌نماید مناسب می‌داند، در صورتی‌که قیمت آن از تفنگهای موزر حالیه گرانتر نباشد.

---

۱) چنین است در اصل [= لی انفیلد؟]. ـ م.

ایالت بدون اسلحه نمی‌تواند در تشکیل قشون جدید خود پیشرفتی بدهد. اگر این پیشنهاد قبول شود من ارائهٔ طریق می‌کنم که قنسول مقیم بوشهر بهتر از کسی دیگر می‌تواند با حکومت هندوستان ترتیب این کار را بدهد.

از قراری که از مأمورین محل به من اطلاع رسیده. ممکن است ترتیبی داد که اسلحه و مهمات سالماً وارد شود.

نمره ـ ۵۴۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۷ بهمن ۱۲۹۱؛ ۱۹ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۶ ژانویهٔ من:

وود شرایطی را که در تحت آن، دولت ایران حاضرند نوشته را امضاء نمایند که سندیکای راه‌آهن ایران حق احداث خط‌آهن از محمره الی خرم‌آباد را داشته‌باشد، تلگرافاً [=تلگرافی] بطور مفصل خبر می‌دهد.

نظر به غیرمعلومی مصارف احداث این خطوط و احتمال مفید بودن این اقدام از حیث منافع مالی یا عدم آن، دولت ایران این حق را برای خود محفوظ می‌دارند که پس از اتمام عمل مساحت، یا عقد کنترات نمایند یا آنکه امتیاز آن را بدهند.

به نظر من این پیشنهاد با احتیاجات دولت اعلیحضرتی موافق باشد.

نمره ـ ۵۴۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۰ بهمن ۱۲۹۱؛ ۲۲ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۷ ژانویهٔ من:

تلگراف ذیل از نمایندهٔ اعلیحضرتی در ۲۹ ژانویه از تبریز رسیده است:

انقلاب تبریز ـ جمعیت حالا از مسجد خارج شده‌اند.

نمره ـ ۵۴۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

وزارت خارجه ۳۰ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۰ بهمن ۱۲۹۱؛ ۲۲ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۶ ژانویهٔ شما:

ما حاضریم مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ لیرا برای ژاندارمری فارس بدهیم بـه شرط آنکه همینکه ۱۵،۰۰۰ لیرایی که در ماه دسامبر گذشته داده شد، بـه اتمام رسید، [بر] مصرف آن کنترل داشته باشیم.

من در نظر دارم که مبلغ هشت هزار لیرا ماهیانه داده شود تـا ۱۰۰،۰۰۰ لیرا بالتمامه پرداخته شود که برای حفظ راههای تجارتی جنوب به مصرف برسد (رجوع به قسمت آخر تلگراف ۱۲ ژانویهٔ خودتان کنید).

در باب مساعده برای مصارف عمومی، باید صبر کنیم ببینیم دولت روس چه مبلغی خواهند داد و آنوقت همینکه دولت ایران امتیاز دو خطوط آهن را داد، بالتساوی مبلغی مساعده خواهیم داد.

نمره ـ ۵۵۰

مکتوب وزارت خارجه به ادارهٔ هند

وزارت خارجه ۳۰ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۱۰ بهمن ۱۲۹۱؛ ۲۲ صفر ۱۳۳۱]

از طرف سر ادوارد گری تعلیم دارم که سواد تلگرافی را که از سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران در باب رسانیدن اسلحه از طرف حکومت هندوستان برای قشونی که ایالت فارس می‌خواهد تشکیل دهد مخابره نموده، لفا ایفاد دارم.

من لازم است ارائهٔ طریق نمایم که در صورتی‌که مارکس اف کرو اعتراض ننماید، باید حکومت هندوستان را تشویق نمود که بطور مساعد این مسأله را تحت ملاحظهٔ خود قرار دهد.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره ـ ۵۵۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۱۳ بهمن ۱۲۹۱؛ ۲۵ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۳۱ ژانویهٔ من:

سالارالدوله بدون اینکه صبر کند تا آنکه ترتیبی که به دخالت سفارت روس داده شده به اتمام برسد، با ۲۰۰ نفر و عده‌ای از ترکمنها به طرف ناردین حرکت کرده است. نتیجهٔ حملهٔ او غیرمعلوم است لکن سفیر روس دیشب به من اظهار داشت که به عقیدهٔ وی سالارالدوله به حدود استراباد مراجعت نموده است.

نمره ـ ۵۵۲

ترجمهٔ مراسلهٔ مسیو دتر در ۴ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۱۵ بهمن ۱۲۹۱؛ ۲۷ صفر ۱۳۳۱]

از قرار معلوم هیأت انگلیسی‌های سوسیته دتود مردد می‌باشند در اینکه در مذاکرات هیأت فرانسوی در موضوع استقراض شرکت نمایند و دولت انگلیس هنوز به اعضاء انگلیسی شرکت مذکور نظریات خود را در خصوص مطلوب بودن اعزام نمایندگان به طهران، ابلاغ ننموده است.

نظر به اینکه شروع به تبادل نظریات در باب استقراض و مخصوصاً فرستادن نماینده‌ای به طهران اهمیت دارد، یحتمل برای دولت انگلیس امکان خواهد داشت که به هیأت انگلیسی‌ها نصیحت نمایند که از مداقه در این مسأله با هیأت فرانسوی در پاریس امتناع ننمایند.

سفارت روس در لندن ۴ فوریهٔ ۱۹۱۳

نمره ـ ۵۵۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۵ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۱۶ بهمن ۱۲۹۱: ۲۸ صفر ۱۳۳۱]

سندیکای راه‌آهن ایران امروز تلگراف ذیل را در باب راه‌آهن از محمره الی خرم‌آباد به مستر وود مخابره می‌نمایند:

راجع به تلگرافات ۲۸ ژانویه و ۳ فوریهٔ شما:

اگر دولت ایران بطور قطع راضی می‌شوند که حق کنترات یا امتیاز به ما بدهند، ما رضا به پیشنهاد دولت می‌نماییم به شرط آنکه اولا عمل شرایط کنترات یا امتیاز قبل از آنکه وجهی به مصرف مساحت برسد قطع شود و ثانیاً دولت ایران برای دستجاتی که برای مساحت می‌روند، مستحفظ تعیین نموده مخارج آنها را خودشان بدهند. وزارت خارجه برطبق این به سفیر اعلیحضرتی تلگراف می‌نماید. برطبق نظریات او عمل نمایید.

مقصود از این شرایط این است که سندیکا مخارج بیهوده ننماید. شما باید مؤکداً به دولت ایران اصرار نمایید که بدون تأخیر کتباً به این امر رضا دهند. پس از حصول حق انتخاب، می‌توانیم با دولت روس در باب شرایط کنترات یا امتیاز مذاکره نماییم.

شما ممکن است همکار روسی خود را از این مقدمه مستحضر بدارید.

نمره ـ ۵۵۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۱۸ بهمن ۱۲۹۱؛ ۳۰ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۵ فوریهٔ شما:

امتیاز راه‌آهن روس دیروز به امضاء رسید و وزیر امور خارجه مرا[1] ملاقات نموده است و وزیر معظم اظهار داشته است نمی‌تواند پیشنهادات سندیکای انگلیس را قبول نماید. امیدوارم امروز بعد از ظهر وزیر امور خارجه را ملاقات نمایم.

نمره ـ ۵۵۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۱۸ بهمن ۱۲۹۱؛ ۳۰ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۵ فوریهٔ شما:

وزیر امور خارجه فردا پیشنهادات سندیکا را به کابینه ارائه می‌کند و گمان می‌کند قبول بشوند.

---

۱) اصل: وزیر امور خارجه را. ـ م.

جناب معظم اشعار می‌دارد که قبول‌نمودن آنها مسألهٔ راه‌آهن را پیشرفت نمی‌دهد چرا که برای دولت ایران امکان ندارد رضا به شرایط کنترات بدهند، تا آنکه بعضی اطلاعات در خصوص جزئیات مسأله به آنها داده شود وچنانچه سندیکا اظهار می‌دارند دادن این‌قبیل اطلاعات تا زمانی‌که مساحت به اتمام نرسیده، امکان ندارد. میل صمیمی دولت ایران این است که بزودی شروع به عملیات راه‌آهن شود.

نمرد ـ ۵۵۶

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۸ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۱۹ بهمن ۱۲۹۱؛ یکم ع ۱ ـ ۱۳۳۱]

مسیو سازانف همین الان تلگراف کرده است که وزیر مالیه راضی است مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرا به دولت ایران مساعده داده شود.

نمره ـ ۵۵۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۸ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۱۹ بهمن ۱۲۹۱؛ یکم ع۱ ـ ۱۳۳۱]

راه‌آهن محمره الی خرم‌آباد

از شنیدن اینکه دولت ایران با وجود دادن‌امتیاز راه‌آهن ازجلفا به‌تبریز، پیشنهادات بسیار معتدل سندیکا را برای حق امتیاز قبول ننموده‌اند، دولت اعلیحضرتی متعجب و متأسف گردیدند. این قسم سلوك از روی عدم تساوی نظر به صبر و تحملی که دولت اعلیحضرتی نسبت به دولت ایران ابراز نموده‌اند، بسیار تأسف‌انگیز است. شما باید اصرار کنید که حق امتیازی را که سندیکای مذکور می‌خواهد بلاتأخیر بدهند. وقتی‌که داده شد، عمل جزئیات امتیاز یا کنترات به فوریت تسویه خواهد شد چرا که یقین دارم سندیکا که مایل به تسویهٔ عمل آن هستند تأخیری را روا نخواهند داشت.

نمره ـ ۵۵۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۲۰ بهمن ۱۲۹۱؛ ۲ ع۱ ـ ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۸ فوریهٔ شما:

وزیر امور خارجه مکتوبی به قرار ذیل به وود نوشته است:

دولت ایران حق احداث خط‌آهنی از محمره تا نقطه‌ای نزدیك آنجا الی خرم‌آباد به سندیکای خط‌آهن ایران می‌دهند به این معنی که سندیکای فوق‌الذکر یا به وسیلهٔ استقراض به شرایطی که ترتیب آن فیمابعد داده خواهد شد، راه‌آهن مذکور را به پول دولت ایران خواهد ساخت یا آنکه دولت ایران به سندیکای مزبور امتیازی برای احداث خط‌آهن مذکور خواهند داد به شرایطی‌که بعد از این مقرر شود. در صورت ثانی، سندیکا راه‌آهن را با پول‌خود [خواهد] ساخت و مسؤولیت آن به‌عهدهٔ آنها است.

برای آنکه بتوان یکی از دو ترتیب فوق‌الذکر را اختیار نمود و شرایط لازمه را روی کاغذ آورد، مساحت مقدماتی لازم است.

دولت ایران حاضرند که با سندیکا متفقاً شروع به مساحت نمایند و مخارج آن‌را دولت متحمل خواهد شد به شرط آنکه اگر پس از اتمام مساحت، دولت ایران به موجب حق اختیار یکی از دو طریقهٔ فوق‌الذکر، بخواهند امتیازی به سندیکای مذکور بدهند، سندیکا مصارف مساحت را که دولت ایران متحمل می‌شود، مسترد نماید. بدیهی است دولت ایران مصارف ترتیب محافظت مهندسین و مساحین را خواهد داد.

مدت حق گرفتن امتیاز از تاریخ این نوشته تا دو سال دیگر خواهد بود.

به رئیس کابینه که این مراسله را به من داده تعلیم داده شده بود که اظهار امیدواری بنماید که سندیکا هرقدر زودتر که ممکن است صورت امتیاز را بنویسد محض آنکه شرایط پیشنهادات طرفین را تحت ملاحظه و مداقهٔ فوری قرار دهند بطوری‌که در انتخاب یکی از آن دو طریقهٔ احداث خط‌آهن، وقت تلف نشود.

نمره ـ ۵۵۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۲۰ بهمن ۱۲۹۱؛ ۲ ع۱ ـ ۱۳۳۱]

راه‌آهن محمره الی خرم‌آباد

ظاهراً مفهوم تلگراف ۷ فوریهٔ من از بابت رویهٔ دولت ایران در خصوص این مسأله بر شما مشتبه شده باشد. من خیلی از این مسأله تأسف دارم.

قبل از آنکه امتیاز خط‌آهن جلفا به امضاء برسد، وثوق‌الدوله مکرراً از من استفسار نمود ببیند جواب پیشنهادات او به من رسیده است؟ چرا که از قراری که او می‌گفت، بسیار مایل بود که عمل امتیاز به انگلیسها اول به اتمام برسد.

وزرای حالیه بخوبی قدر و قیمت تقویت دولت اعلیحضرتی را می‌دانند و مشارالیهم در ضمن مذاکرات ثانوی، ابراز میل صمیمانه نموده‌اند فورمولی طرح نمایند که علاوه بر آنکه شروع سریع به کار را تأمین نماید، مقبول سندیکا و دولت اعلیحضرتی واقع گردد.

نمره ـ ۵۶۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲۶ دی ۱۲۹۱؛ ۸ صفر ۱۳۳۱]

آقـا

افتخار دارم اینك سواد راپورتی را که ماژور کتل‌ول در خصوص حمله‌ای که به دسته‌ای از سوارهٔ هند مرکزی نزدیك خان‌زنیان در ۱۱ دسامبر واقع و منجر به قتل کاپیتان اکفورد گردید نوشته است، لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۵۶۰

راپورت ماژور کتل‌ول در باب حرکت هیأتی از دستهٔ ۳۹ سوارهٔ هند مرکزی که روز ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲ از خان‌زنیان به دشت ارجن [=ارژن] رفته‌اند. (دسته مرکب بود از ماژور کنل‌ول و کاپیتان اکفورد و جامه‌دار سرایان‌سنگ و دوازده نفر به انضمام یك نفر مساح اسکادران نمرهٔ یك و دوازده نفر متعلق به اسکادران نمرهٔ ۲ و دو نفر مأمور خدمت صاحب‌منصبان و ۱۷ نفر همراه و ۱۷ رأس قاطر بنه.)

من ساعت ۷ قبل از ظهر، نیم ساعت بعد از حرکت دستهٔ قریب ۱۵۰ نفر سربازهای ایرانی که به طرف جنوب می‌رفتند، حرکت کردم.

من ۱۲ نفر اسکادران نمرهٔ یك را برای حفظ بنه تعیین نمودم که همراه قاطرها بیایند و آنهایی را که متعلق به اسکادران نمرهٔ دو بودند، برای پیش‌قراولی تعیین نمودم.

از وقتی‌که از کاروانسرا تا رودخانهٔ قره‌آقاچ می‌رفتیم، من پیش‌قراول به‌کوههای طرف دست راست راه فرستادم و به آنها امر دادم که دوباره سر پل، به دسته ملحق شوند و این کار را کردند.

تا نزدیك رودخانه صاحب‌منصب ایرانی ژاندارمری با دو سوار از خان‌زنیان همراه من بودند. اینها به جلو تاخت کردند که قراولخانهٔ خود را نزدیك برجی که قلهٔ گردنهٔ سینه‌سفید ساخته شده بود تفتیش نمایند.

تقریباً پس از آنکه ژاندارمها حرکت کردند، من چون می‌دانستم تهیهٔ منزل در دشت ارجن [=ارژن] اشکال داشت جامه‌دار سرایان‌سنگ را با دو نفر سوار فرستادم که به تاخت به آنجا رفته و قبل از آنکه سربازها برسند، منزل تهیه نمایند.

من سپس از رودخانه گذشته و دو نفر سوار جاسوس به یکی از کوههای کوچك دور (به ارتفاع قریب ۳۰۰ پا) که قریب ۷۰۰ ذرع به طرف جنوب غربی پل واقع است، فرستادم.

من بعد از ده الی پانزده دقیقه دور از ساحل توقف نمودم که دسته تماماً جمع شده و از جنگل خار و بته‌های سبز که تا یك میل و ربع امتداد دارد، عبور نماییم.

من مجدداً ساعت ۸ قبل از ظهر حرکت کرده و یك نفر را فرستادم که در امتداد رشتهٔ کوه (قریب ۲۰۰ پا بالای جاده) که تا کوهی که در فوق ذکر کردم ۴۰۰ ذرع مسافت دارد، سواره حرکت کند و دو نفر دیگر را فرستادم که بالای کوه دیگری که دورتر از این رشته‌کوه بود، برود و دو نفر دیگر فرستادم که جلو بروند. دو نفری که روی کوه اول بودند، بعد به من ملحق شدند و دسته‌ای که حالا به جلو رفته بودیم، مرکب از کاپیتان اکفورد و خود من و چهار نفر مأمور خدمت و پنج نفر از اسکادران دوم بود.

در ساعت هشت و بیست دقیقهٔ قبل از ظهر، این دسته که به جلو رفته بود به مسافت قریب ۲۰۰ ذرع از جنگل خارج شده و قاطرهای بنه تازه پیدا شده بودند که از کوههای طرف دست چپ به مسافت ۳۰۰ ذرع، بنای شلیك سخت به ما شد. دسته

که به جلو می‌رفت، به طرف کوهی که ۱۵۰ ذرع فاصله داشت، به‌تاخت رفتند که پناهگاهی تحصیل نمایند و چهار رأس قاطرهای بنه و چهار نفر از همراهان خود را به آنجا رسانیدند.

وضع کوه طوری است که پناهگاه خوبی تشکیل می‌دهد و تمام کوههایی که نزدیك آنجا بودند، با بته پوشیده بود به‌طوری‌که تا حالا ما حمله‌کنندگان را مشاهده ننمودیم.

همینکه پای این کوه رسیدیم، پیاده شده و دو نفر را پهلوی اسبهای خود گذاردیم و خودمان شروع به بالارفتن کوه که یخ سخت آن را پوشانیده و لغزنده بود کردیم.

ما قریب ۴۰ ذرع از کوه بالا رفتیم و من شخصاً هیچیك از حمله‌کنندگان را ندیدم؛ لکن گویا بعضی از افراد دسته دشمن را دیده بودند و در جواب گلولهٔ آنها شلیك می‌کردند.

در این موقع کاپیتان اکفورد می‌خواست با رولور خود قراول برود که غفلتاً صدائی کرده و افتاد. او از من یك ذرع مسافت داشت و طرف دست چپ من بود. من سپس نزد او رفتم و او با اشکال گفت مرا گلوله زدند؛ و بیهوش شد.

من دو نفر از همراهان را نزد او گذاردم و نوکرش هم که پایین بود بالا آمد.

بعد با سه نفری که مانده بودند، کمی بالاتر به طرف مشرق تیزه‌کوهی که آن وقت روی آن بودیم، رفتیم و از آنجا (از میان درهٔ جنگلی) بعضی از خصم را روی کوه طرف مخالف می‌دیدم (این انتهاء رشته‌کوهی بود که یك نفر از سواران را فرستادم که در امتداد آن حرکت کند) و همینکه به کنار کوه رسیدیم، از ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر از خصم را دیدم [که] از ته دره حمله نموده و قریب ۳۰ ذرع مسافت را طی نموده در جنگل عقب ناپدید شدند. پنجاه نفر اولی این دسته تفنگ داشته و باقی ظاهراً اسلحه نداشتند.

من و کسانی که با من بودند به آنها شلیك نمودیم لکن ندیدیم کسی از آنها گلوله بردارد.

تا این وقت نمی‌دانستم چه اتفاقی برای افراد اسکادران اول و قاطرهای بنه رخ داده بود لکن چند نفر از همراهان را دیدم که پس از شلیك به جنگلها رفتند، و از محلی که ایستاده بودم بعضی از قاطرها را می‌دیدم که از جنگل بیرون آمده و در بستر رودخانه حرکت می‌کردند.

بعد ایرانیها آنها را محاصره نموده و از نظر محو شدند. یکی دو نفر از افراد اسکادران اول را نیز دیدم که در کوههای کم‌ارتفاع طرف شمال رودخانه رفته‌بودند. از بالای کوههای پهلوی ما هنوز شلیك می‌شد. مقصود من حالا این بود که سعی کرده تمام قشون خود را جمع کنم و کاپیتان اکفورد را حرکت بدهم و نزد او رفته و او را مدهوش یافتم لکن هنوز نفس می‌کشید.

من او را به پایین کوه برده و او را جلو یك نفر بر روی اسب گذاردم و سه‌نفر را امر دادم که عقب بیایند و همینکه تا مسافت ۴۰۰ ذرع دور شدم بتاخت خود را به من ملحق سازند و خودم با قاطرها و سایر همراهان به سرعت تمام به طرف راست

رودخانه رفتیم.

در راه جامه‌دار سرایان‌سنگ و دو نفری که با او رفته بودند، به من ملحق شدند و او راپورت داد در نیمهٔ راه تا برج روی تنگهٔ سینه‌سفید، (قریب دو میل به جلو) سربازهای ایرانی را دیده بود و آن وقت صدای شلیك را شنیده بود و از صاحب‌منصب ایرانی سربازها درخواست نموده بود مراجعت کند و او از این کار امتناع نموده. آنوقت خودش بتاخت در امتداد رودخانه مراجعت نموده بود.

همینکه به‌ساحل طرف‌راست‌رودخانه رسیدم، یکی‌از افراد اسکادران اول بتاخت نزد من آمده راپورت داد که دستهٔ همراه او با عده‌ای از همراهان و قاطرها در کوه جلو بودند. من به آنها ملحق شده و دیدم که یکی از سائیس[1]ها و چند رأس قاطر مفقود-الاثر شده است.

از قراری‌که‌راپورت‌داده شد، پوران سنگ سوار هم مفقود شده بود (این پیش‌قراولی بود که پس از حرکت از رودخانه بعد از توقف من به کوه فرستاده بودم).

همینکه دستهٔ خود را جمع نمودم، همراهـان را با اسبها و قاطرها بـه جامه‌دار سرایان‌سنگ سپرده به او امر دادم که از طرف دست چپ رودخانه حرکت کند و دنبال من بیاید. در این نقطه از طرف شمال پناهگـاه داشتند و از طرف جنوب هم تـا اندازه‌ای از نظر محو بودند و تپه‌های سبزی که در بستر رودخانه بود، آنها را از نظر پنهان می‌داشت.

این خاك به طرف شمال تا چندین میل مشتمل است بر کوههای ناهموار کم‌ارتفاع و روی آنها گاهگاه تپه دیده می‌شود، لیکن مجاری آبهایی‌که به رودخانه می‌ریزد، پر از درختهای کوچك است.

من با کسان خود در امتداد این کوههای کم‌ارتفاع حرکت کرده کسان خود را دو دسته نموده و هریك را به نوبت به جلو می‌فرستادم و به این طریق در ساعت ۱۱ و ۲۰ دقیقه به راهی که آن طرف پل است، رسیدیم.

در راه قریب ۱۵ الی ۲۰ نفر سوار روی یك کوهی قریب ۱،۵۰۰ ذرع به طرف شمال و چند نفر پیاده در دره‌های نزدیك‌تر دیدم و با آنها تبادل شلیك نمودم و یکی از آنها را دیدم گلوله برداشت و نیز ۵۰ یا ۶۰ نفر را روی پل با تفنگ دیدم لکن آنها را نشناختم و آخرالامر ناپدید شدند.

از کوههای جنوب رودخانه متصل گلوله می‌بارید و سه سوار را دیدم از طرف تنگهٔ سینه‌سفید در امتداد کوهها حرکت می‌کردند. پس از قلیل‌مدتی معلوم شد که ژاندارم بودند.

همینکه به پل نزدیك شدم، ۳۰ الی ۴۰ نفر را که بعضی از آنها تفنگ داشتند، روی یکی از کوههای کم‌ارتفاع ۴۰۰ ذرع جلو خود دیدم و می‌خواستم به آنها شلیك کنم لکن فرار کردند. کمی بعد از آن، قریب بیست نفر بدون اسلحه ظاهر شدند و

---

۱) sais;syce : لغت هندی به معنی مهتر و پیشخدمت. ـ م.

من به طرف آنها رفتم. اینها از خان‌زنیان آمده بودند و غلام تلگرافخانه هم با آنها بود. به مجرد اینکه اسبهای من از پل گذشتند. صاحب‌منصب ژاندارمری به من ملحق شد و گفت که سه یا چهار نفر [از] ژاندارمها مجروح شده‌اند و از من کمك خواست که آنها را حرکت بدهد و بعد بعضی از دهاتیان و تفنگچیان را برد و آنوقت رفت و تا ساعت ۵ بعد از ظهر او را ندیدم. در این وقت کسان خود را سوار نموده و حرکت کردیم و قراول در کوههای طرف شمال عقب کاروانسرای خان‌زنیان فرستادیم.

همینکه به کاروانسرا رسیدم، دریافتم که یکی از اسبها به سینه‌اش گلوله خورده و پاشنهٔ یکی از کسان مجروح شده و یك نفر از سائیسها[1] مفقودالاثر بود. سائیس[2] مذکور دو بعد از ظهر پیدا شد و گفت که در جنگلی دویده و خود را آنجا پنهان نموده بود. نه قاطر با بار برده شده بودند و بعضی از همراهان را سراپا لخت کرده بودند.

همینکه صبح از کاروانسرای مذکور حرکت کردیم، دستهٔ کوچکی از ایرانیان (مرکب از سه نفر زن و دو بچه یکی با دو نفر نوکر و دو جفت کجاوه و سه قاطر بنه) حاضر برای حرکت بودند. اینها یا آنکه فوراً عقب من حرکت کردند یا وقتی‌که من توقف نمودم به من رسیدند (اگرچه من آنها را ندیدم) چرا که سارقینی که ما را حمله نمودند آنها را غارت نموده و قاطرهایشان را برده بودند.

همینکه به رودخانه رسیدیم، من چند نفر از سربازهایی را که جلوتر حرکت کرده بودند، دیدم که در ساحل رودخانه توقف نموده بودند و وقتی‌که من از رودخانه عبور کردم، آنها ناپدید شدند و هیچ‌کس دیگر را در راه ندیدم که بیاید یا برود. فقط کسانی که شب قبل در کاروانسرا بودند، چند نفر چاروادار با قافلهٔ کوچکی بودند که به طرف شیراز می‌رفتند.

همینکه به کاروانسرا رسیدیم، سیم تلفون خود را به سیم تلگراف وصل نموده و سعی کردم که با شیراز مخابره نمایم لکن کامیاب نشدم و تا ساعت دو بعد از ظهر توقف نمودم و می‌دانستم آن وقت موقع امتحان خط است و آن وقت ماوقع را راپورت دادم.

در عرض بعد از ظهر، ۴ نفر ژاندارم مجروح را به کاروانسرا آوردند. تا اندازه‌ای که توانستم تحقیق بنمایم، اینها در کوههای ساحل طرف راست رودخانه تیر خورده بودند و اسلحه و مهمات جنگی آنها را هم غارت نموده بودند و وقتی که در امتداد ساحل چپ رودخانه حرکت می‌کردم من ردهٔ[3] دسته‌ای را که به من حمله نمودند دیدم. پس از اتمام حمله، به طرف شمال رفته بودند و خدار[4] محمدزمان صاحب‌منصب غیرمأمور که حفظ بنه سپرده به او بود، این‌طور اظهار می‌دارد:

---

۱ و ۲) اصل: سائین. ـ م.
۳) چنین است در اصل [=رد ـ رد پا؟]. ـ م.
۴) چنین است در اصل [=خدر؟]. ـ م.

بمجرد آنکه شلیك شروع شد و سائیس‌ها فرار کرده بودند، من کسان خود را جمع نموده و سعی کردم قاطرها را به پناهگاهی برانم، لکن فوراً قریب ۱۹۰ نفر از ایلیاتیها مرا محاصره نمودند و از بالای کوه به سرعت تمام پایین آمده بعضی از قاطرها را گرفتند. ۱۵ الی ۲۰ نفر سوار هم از عقب آمدند. من بعد با چند قاطری که به دستم آمد، کسان خود را از رودخانه عبور دادم.

همینکه از رودخانه عبور می‌کردم، قریب ۳۰ الی ۴۰ نفر سوار از ساحل طرف دیگر آمدند. من بعد کسان خود را بالای کوه کوچکی قرار دادم و بر خصم شلیك‌نمودم و بعضی از آنها خواستند بر من حمله نمایند برای آنکه قاطرهای مرا ببرند، لکن به واسطهٔ شلیك من به عقب رفتند و بعد به درهٔ طرف شمال رفتند و سایرین که اول قاطرها را گرفته بودند فوراً همراه آنها رفتند و من دیدم که ۴ نفری را که گلوله خورده بودند، می‌بردند. سارقین جمعاً قریب ۱۴ رأس قاطر بردند به این معنی که ۵ رأس زیاده بر آنچه از من گرفته بودند بردند. من قاطر دیگری در آن حدود ندیدم. مدت کمی پس از آنکه آنها رفتند، شما به من ملحق شدید.

نمره ـ ۵۶۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲ بهمن ۱۲۹۱؛ ۱۴ صفر ۱۳۳۱]

افتخار دارم خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ ایران را به طریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرهٔ ۵۶۱

خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ طهران

(لغایت ۲۲ ژانویهٔ ۱۹۱۳)

طهران

کابینه ـ پس از اشکال زیاد و تأخیر و تعویق متواتر، علاءالسلطنه عاقبت موفق‌به تشکیل کابینه شده است و مرکب از اعضاء ذیل است. این کابینه روز ۱۸ ژانویه به شاه معرفی شدند:

علاءالسلطنه	صدراعظم
عین‌الدوله	وزیر داخله
وثوق‌الدوله	وزیر خارجه
مستوفی‌الممالك	وزیر جنگ
قوام‌السلطنه	وزیر مالیه
مؤتمن‌الملك	وزیر تجارت
مشیرالدوله	وزیر معارف

ممتازالدوله وزیر عدلیه
مستشارالدوله وزیر پست و تلگراف

نایب‌السلطنه تلگرافاً [=تلگرافی] در این هفته این کابینه را تصویب نمود.

خزانه‌دار کل ـ روز ۲۴ دسامبر مورد تعرض متمردانه گردید: در موقعی که صدراعظم با تلفون او را احضار نموده بود، دسته‌ای از بختیاریها بطور تهدید او را محاصره نموده و تأدیهٔ حقوق عقب‌افتادهٔ خود را از او مطالبه نمودند و به تهدید تنها کفایت نکرده نوکرهای شخصی مسیو مرنارد را حمله نمودند.

به کمك سفارتین ترتیب این کار بطور رضایت‌بخش فیصله یافت.

نظمیه ـ روز ۱۷ ژانویه، اجزاء نظمیه بطور عموم دست از کار کشیدند و چون می‌خواستند ژاندارمها را مجبور کنند به آنها ملحق شوند، قدری اغتشاش به ظهور رسید و بعد، از بابت حقوق عقب‌افتاده مبلغی به آنها داده شد.

قانون انتخابات ـ کمیتهٔ قانون انتخابات تصمیم نموده‌اند که منتخب باید معادل ۱۰۰ لیرا دارایی داشته باشد و معادل ۱۰ شلینگ مالیات‌بده باشد.

رشت

در ناحیهٔ طالش صلح و آرامی موقتاً اعاده شده است.

هر هاز، معلم نظامی آلمانی دولت ایران، روز ۳۱ دسامبر با مهمات جنگی از اروپا مراجعت نمود و چند توپ ماکزیم برای ژاندارمری همراه آورد.

با خوشتاریان[1] کنتراتی شده که در راه از رشت الی طهران، دستگاه اتومبیل راه بیندازد و انتظار می‌رود که تا شش‌ماه دیگر این کار به اتمام برسد.

استراباد

عساکر روس که فعلا در خانهٔ حکمران جمع شده‌اند، عده‌شان به ۲۸۰ نفر می‌رسد و چهار عراده توپ دارند.

سالارالدوله روز ۱۲ ژانویه به خجه نجف [=خواجه نجف] رسید.

سیستان

ماژور پریدو، قنسول اعلیحضرتی، روز ۲۶ نوامبر وارد شد.

در بیرجند هیجانی برعلیه [=علیه] مأمورین مالیه برپا است. ویس‌قنسول اعلیحضرتی مقیم آن شهر راپورت می‌دهد که مدیر مالیهٔ محلی از خانوادهٔ پستی است و پست‌ترین اشخاص بیرجند را استخدام نموده است.

کرمان

ماژور لاریمر قنسول اعلیحضرتی روز ۱۰ ژانویه وارد گردید.

اردویی که ایالت به سیرجان فرستاده بود، روز ۸ دسامبر مراجعت نمودند.

از راپورتهایی‌که رسیده، ظاهر می‌گردد که قشون غیرمنظم بختیاری در غارت و چپاول بیداد نموده، دهات را با خاك یکسان و اهالی را مورد بی‌شرافتیهای سخت

---

۱) اصل: خوستاریان. ـ م.

قرار دادند.

ایالت به علت فقدان پول از قصد دیدن بلوچستان ایران صرف‌نظر نموده است.

سردار سعیدخان و نواب‌خان بلوچ تهیهٔ جنگ می‌بینند.

شیراز

مسیو استاس وکیل مالیهٔ دولت ایران روز ۱۱ ژانویه وارد شد برای جمع‌آوری افراد که به اتفاق ژاندارمری، قافلهٔ محمول اسلحه و مهماتی را که از اروپا برای ژاندارمری به بوشهر وارد شده، به شیراز برسانند.

او ظاهراً در مساعی خود موفقیت حاصل ننموده است. ماژور سیفورت تصمیم نموده است که حالیه اقدامی برای آوردن قافلهٔ مذکور ننماید.

از کازرون چند فقره سرقت قوافل راپورت داده شده و قراول[های] راه در تنگهٔ ترکان، هنوز از قوافل پولهای گزاف می‌گیرند و به بارها دست‌درازی می‌کنند و مسافرین را صدمه می‌زنند.

روز ۲۲ دسامبر محمدعلی‌خان کشکولی به ده نزدیك کازرون حمله برده آنجا را قبضه نمود. در جنگی که واقع شد، قریب ۳۰ نفر از طرفین مقتول گردیدند.

اصفهان

سردار ظفر روز ۲۹ دسامبر به طرف طهران حرکت نمود که به اروپا برود و امیر جنگ (یکی از پسران سردار اسعد) در غیاب سردار اشجع زمام امور را به دست گرفت.

در اوضاع شهر در ماه گذشته بهبودی بینی حاصل شده و وجوهات مالیات به‌طور رضایت‌بخش به ادارهٔ مالیه می‌رسد و مناسبات بین نایب‌الحکومه و وکیل مالیه بسیار خوب است.

قوافل در راه اصفهان الی شیراز عبور و مرور می‌نمودند. امنیت حالیه را می‌توان به واسطهٔ سختی هوا دانست که ایلات راهزن‌را از راه بدر برده است.

راپورتهای از آباده معلوم می‌دارد که ایالت فارس با رؤسای بویراحمدی مشغول مذاکره است و آنها به شهر آمدند که در خصوص قراولی قسمتی از راه بین آباده و امین‌آباد، با او قراری بدهند.

یزد

اردویی‌که به مروس[=مروست؟]فرستاده شده‌بود، ظاهراً چندان موفقیتی حاصل ننمودند. روز ۷ ژانویه ۲۰۰ نفر قشون امدادی به طرف ناحیهٔ مذکور رهسپارشدند.

کفیل قنسولگری انگلیس راپورت می‌دهد: یکی از واقعات سال گذشته کمی قوافلی بوده است که از بندرعباس وارد می‌شدند و مال‌التجارهٔ شمال متدرجاً جای مال‌التجارهٔ انگلیس را در بازار می‌گیرد.

کرمانشاه

صمصام‌الممالك، بزرگتر سنجابیها، از مدتی به این طرف به واسطهٔ مزاوجت و انتریگ، اتحاد خود را با ایلات محلی مستحکم می‌ساخت که تمام ایلات کرمانشاه را

برعلیه [=علیه] کلمرها متحد نماید. اتحاد اینها در اوایل سال گذشته شروع شد و در جریان پلتیك [=پلیتیك] آن محل، اتحاد مذکور نفوذ کاملی اعمال نموده است.

حالیه ظاهر می‌گردد که ایلات متحدهٔ مذکور خود را به طوری قوی می‌دانند که شروع به مجادلات نمایند و عقیدهٔ قنسول اعلیحضرتی بر این است که ایلات کلمر نمی‌توانند با قشون آنها مقاومت نمایند.

صمصام‌الممالك چند نفر از متمردین مشهور را نیز با این هیأت متحد نموده و در جزو آنها محمودخان حکمران بیستون است و مستر مك‌دول می‌ترسد از این که مبادا او در صورتی‌که بر سنجابیها غالب شود، راه بغداد را اشغال نماید.

فرمانفرما در شهر است لیکن خود را از هرگونه مسؤولیت رسمی بری ساخته است.

راههای اطراف، تمام ناامن می‌باشند و مال‌التجاره کم حمل می‌شود. حفاظت راه همدان به‌ایل گتومد [=گتوند؟] که‌ازراهزنان‌مشهور کردستان‌می‌باشند، سپرده‌شده‌است.

بوشهر

در اوایل نوامبر کلانتر بوشهر که در تمام مدت ده سال خدمت، خود را دائماً به اشکال‌تراشی و ضدیت با منافع انگلیس معرفی نموده، از طرف حکمران دستگیر گردید. طرفداران او برای استخلاص او هیجانی برپا نمودند و وقتی‌که از انتریگ‌های آنها ثمری حاصل نشد، دو دستهٔ مسلح اعزام شدند که جلو راه شیراز را در خارج بوشهر بگیرند و ایاب و ذهاب قوافل را تا چند روزی مانع شدند. چون بیم شیوع و توسعهٔ این اغتشاش می‌رفت قنسول‌جنرال اعلیحضرتی پیشنهاد کرد که برای بازکردن راه عساکر به‌کار برده شود. در این بین کسان حکمران به سد راه آذوقه برای شورشیان و ترغیب آنها به مراجعت، موفق شدند.

اهواز

اخبار واصله از بهبهان می‌نمایاند که امیر مجاهد به غیر از گرفتن وجوهات زیاد از اهالی شهر، کار دیگری صورت نداده است. قنسول اعلیحضرتی اظهار می‌دارد که دیگر نمی‌توان حالیه امید داشت که او می‌تواند کنترلی بر ایل کهکلوئی [=کهگیلویه] داشته باشد. به واسطهٔ اقدامی که برای گرفتن مالیات از ناحیهٔ لیراوی که جزو قلمرو حکومت او نیست نموده، اشکالات تولید شد و شیخ محمره علی‌هذا تهدید نموده‌است که دیگر امیر مجاهد را تقویت نخواهد نمود.

محمره

امیرخان یکی از اتباع هندی انگلیس برای مفتشی مالیهٔ عربستان تعیین شده و در آخر نوامبر وارد طهران خواهد شد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۶۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ ژانویهٔ ۱۹۱۳ [۲ بهمن ۱۲۹۱: ۱۴ صفر ۱۳۳۱]

آقـا

افتخار دارم راپورت دهم که کفیل قنسولگـری اعلیحضرتی مقیم رشت حرکـات عساکر روس را به طریق ذیل راپورت داده است:

در ۸ ژانویه ۱۰۰ نفر از پیاده‌نظام رژیمان شماسکینسکی روس از قزوین به رشت آمده و روز بعد از انزلی به طرف روسیه رفتند.

روز ۱۴ ژانویه ۳۰۰ نفر از پیاده‌نظام روس از روسیه به رشت وارد و روز ۱۵ ژانویه با یکصد نفر دیگر که روز ۱۵ ژانویه آمده بودند، به طـرف قزوین حرکت کردند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره ـ ۵۶۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۲۱ بهمن ۱۲۹۱: ۳ ع ۱ ـ ۱۳۳۱]

به دولت از حیث پول خیلی سخت می‌گذرد. وزیر امور خارجـه اظهار امیدواری صمیمانه نموده است که شما وساطت نموده دولت روس را ترغیب خواهید نمود که در عوض امتیاز خط‌آهن جلفا الی تبریز مساعدهٔ صحیحی بدهند.

جناب معظم امیدوار است که دولت اعلیحضرتی مساعده‌ای که وعده داده‌اند، به تأخیر نخواهند انداخت چرا که دولت به حسن‌نیت ایشان اعتماد دارد.

نمره ـ ۵۶۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۲۱ بهمن ۱۲۹۱؛ ۳ ع ۱ ـ ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۱ ژانویهٔ من:

ترتیبی که برای سالارالدوله داده شده، به موقع اجراء گذارده نشده چرا که کابینهٔ جدید وقتی‌کـه امور را بدست گـرفت، تصمیم نمود کـه چنین شخص انتریگ‌چی خطرناکی را با این اوضاع نباید گذارد در طهران اقامت نماید و پس از مذاکرات زیاد بنابر ارائهٔ طریق دولت روس، تصمیم شد که به سمت حکومت گیلان فرستاده شود. در این بین سالارالدوله قشونی تشکیل داده و از استراباد برای غارت و چپاول حرکت نمود و بعضی را عقیده بر این است که به طرف مشهد در حرکت است و بـه سبزوار رسیده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۶۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۲۱ بهمن ۱۲۹۱؛ ۳ ع ۱ ـ ۱۳۳۱]

کابینه مجدداً در خصوص تشکیل قشون کوچکی باب مذاکرات را مفتوح نموده‌اند و تصور می‌شود که حکومت مرکزی بدون قوه نمی‌تواند اقتدار خود را در ایالات و ولایات محسوس بدارد.

حالیه فقط پیشنهاد شده است که قشونی مرکب از قریب ۶،۰۰۰ یا ۷،۰۰۰ نفر تشکیل شود. نه نفر صاحب‌منصبان خارجی برای تعلیم آنها لازم است.

حکومت صاحب‌منصبان سوئدی را ترجیح می‌دهد، برای آنکه قشون ژاندارمری بیشتر بهم مربوط بشوند. لکن به آنها مفهوم شده که تحصیل صاحب‌منصبان به اندازه‌ای که برای ژاندارمری لازم است اشکال خواهد داشت.

نمره ـ ۵۶۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۱ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۲۲ بهمن ۱۲۹۱؛ ۴ ع ۱ ـ ۱۳۳۱]

اطلاع ذیل را در باب امتیاز خط‌آهن از جلفا الی تبریز به دست آورده‌ام و گمان می‌کنم صحیح باشد.

این امتیاز برای مدت ۷۵ سال است و دولت ایران پس از ۳۵ سال حق خریدن آن را دارند و هرگونه خطری یا خسارتی در احداث آن وارد شود، به عهدهٔ صاحبان امتیاز است و نه دولت روس و نه دولت ایران هیچکدام وثیقهٔ مالی نداده‌اند.

این امتیاز تبدیل امتیاز سابق راه است که مدت آن منقضی شده و متضمن حق حفر و استخراج کلیهٔ معادن نفت و زغال‌سنگ تا مسافت ۴۰ میلی در طرفین خط مذکور می‌باشد. منافع دولت ایران به قرار ذیل است:

(۱) شرکت متساوی در منافع خط‌آهن پس از تأدیهٔ صدی هفت در سرمایه که به کار برده می‌شود.

(۲) صدی پانزده از خالص منافع اراضی خالصه که در ۴۰ میلی طرفین خط مذکور واقع است.

این امتیاز متضمن حق احداث شعبه تا انتهای شمالی دریاچهٔ ارومی می‌باشد و حق رجحان به کمپانی مذکور می‌دهد برای ساختن خطی بین قزوین و تبریز به هر قسم شرایطی که کمپانی دیگری در آتیه پیشنهاد نماید. و به علاوه امتیاز قدیم راه هم، در تحت بعضی شرایط راجع به مدت ساختن آن، تجدید می‌شود.

حق رجحان مال‌التجاره از حیث میزان قیمت حمل و نقل در این خط داده نشده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۶۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۱ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۲۲ بهمن ۱۲۹۱؛ ۴ ع۱ ـ ۱۳۳۱]

از تلگراف ۸ فوریهٔ سنت پطرزبورغ، بر شما معلوم خواهد شد که دولت روس راضی شده‌اند مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرا به دولت ایران قرض بدهند. من با خزانه مذاکره خواهم نمود که مبلغی به همین میزان از طرف دولت اعلیحضرتی داده شود.

شما باید در باب تأمین و منافع و استرداد وجه مذکور بـا سفیر روس مشورت نمایید و هرقدر زودتر که ممکن است مرا از نظریـات خود تلگرافاً [= تلگرافی] مستحضر بدارید.

شما البته می‌دانید که این مساعده بکلی از مساعده‌ای که برای فارس داده خواهد شد و تعلیمات علیحده در خصوص آن به شما داده شده است، مجزی می‌باشد.

نمره ـ ۵۶۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۲ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۲۳ بهمن ۱۲۹۱؛ ۵ ع ۱ ـ ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۳۰ ژانویهٔ من:

شما مجاز هستید که به دولت ایران اطلاع دهید که دولت اعلیحضرتی بسیار مایلند دولت مشارالیها را به وسیلهٔ ژاندارمری در اعادهٔ انتظامات فارس همراهی نمایند و حاضرند علاوه بر مبلغی که از بابت استقراض می‌دهند، پول برای اداره کردن امور فارس به شرایط ذیل بدهند:

۱) آنکه شرایط قسمت دوم تلگراف دهم دسامبر شما ملحوظ و منظور گردد.

۲) آنکه تحت هرگونه ملاحظاتی که شما بخواهید ارائه نمایید، بودجهٔ ژاندارمری را صاحب‌منصب فرمانده شیراز به موافقت قنسول اعلیحضرتی و مشورت وکیل مالیه تهیه نماید و وقتی‌که این کار به اتمام رسید، تمام پولهایی را که باید پرداخته شود صاحب‌منصب سوئدی بپردازد.

۳) که تمام لوازمات ژاندارمری خریده شود.

۴) و ترتیب تأمین و منافع صحیح داده شود.

آیا می‌توان ترتیبی داد که این مساعدهٔ علیحده را در مقابل عایدات‌ایالت‌داد؟ (رجوع به تلگراف ۱۵ ژانویهٔ خودتان نمایید در قسمت دوم.) در باب منافع چه می‌توان‌کرد؟

خیلی مسرور خواهم شد که شما عقیدهٔ قطعی خود را در باب مبلغی که تشکیل و توسعهٔ تدریجی قوهٔ ژاندارمری را تأمین نماید و به همین‌طور مبلغی را که ایالت برای اداره کردن امور لازم دارد اظهار بدارید. تصور می‌کنیم ۸،۰۰۰ لیرا ماهیانه برای تمام مقاصد و مصارف مکفی خواهد بود.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۶۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۲۵ بهمن ۱۲۹۱؛ ۷ ع ۱ ـ ۱۳۳۱]

کابینه چند فقره تلگراف به نایب‌السلطنه مخابره نموده و اصرار به مراجعت او به ایران نموده‌اند لکن جوابهای ایشان مبهم و بلاتصمیم بوده است.

نمره ـ ۵۷۰

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پطرزبورغ ۱۴ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۲۵ بهمن ۱۲۹۱؛ ۷ ع۱ ـ ۱۳۳۱]

وزیر امور خارجه از نمایندهٔ هیأت مالیهٔ روس شنیده است که موقع حالیه برای مذاکرهٔ استقراض بزرگ ایران مساعد است.

جناب معظم علی‌هذا امیدوار است که شما هیأت انگلیسی را ترغیب خواهید نمود نماینده به پاریس بفرستند.

نمره ـ ۵۷۱

مکتوب وزارت خارجه به ادارهٔ هند

وزارت خارجه ۱۴ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۲۵ بهمن ۱۲۹۱؛ ۷ ع ۱ ـ ۱۳۳۱]

آقـا

راجع به مراسلات سابقه، در خصوص لزوم پرداخت مساعده از طرف بریطانیای عظمی و روسیه به ایران، قبل از آنکه استقراض بزرگی از طرف سرمایه‌داران شرکت دتود راه‌آهن سرتاسر ایران داده شود، از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه تعلیم دارم اظهار بنمایم که وزیرمختار دولت اعلیحضرتی مقیم سنت‌پطرزبورغ، حالیه بموجب تلگرافی او را اطلاع داده است (سواد آن در جوف است) که دولت روسیه حالا حاضرند مبلغ ۴۰۰،۰۰۰ [لیرا] مشترکاً به دولت ایران بدهند.

بنابراین، لازم است برای دولت اعلیحضرتی که مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرا سهم خود را حاضر نمایند و چنانچه در ادارهٔ شما مسبوق است، وصول این وجه را کابینه تصویب نموده‌اند.

نظر به لزوم و اهمیت این کار، من از طرف سر ادوارد گری اظهار امیدواری می‌نمایم که لرد کرو نیز موافقت خواهد داشت که نصفهٔ انگلیس نیز باید داده شود. در این مورد جناب ایشان رضا خواهند داد کـه سهمیهٔ مساعـدهٔ انگلیس از عایدات هندوستان داده شود و تعلیم خواهند داد که ۱۰۰،۰۰۰ لیرای آن را فوراً حاضر نمایند که به دولت ایران داده شود. و نیز تعلیم دارم اظهار امیدواری بنمایم که جناب‌ایشان رضا خواهند داد که مبلغ ۵۰،۰۰۰ لیرا نصفهٔ ۱۰۰،۰۰۰ لیرای دیگر را که تأدیهٔ آن تصمیم شده است، از قرار ماهیانه ۸،۰۰۰ لیرا برای اعادهٔ انتظامات جنوب ایـران بپردازند که به این وسیله اعزام عساکر اعلیحضرتی برای انجام آن مقصود لازم‌نگردد

و اقدام در این کار فقط چارهٔ پرخرجی است که در صورت عدم تأدیهٔ پول تصور می‌شود.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره ـ ۵۷۲

مکتوب وزارت امور خارجه به خزانه

وزارت خارجه ۱۵ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۲۶ بهمن ۱۲۹۱؛ ۸ ع۱ ـ ۱۳۳۱]

آقـا

چنانچه لرد کمیسیونرهای خزانهٔ اعلیحضرتی البته آگاه می‌باشند، مسألهٔ پرداخت مساعدهٔ معتنابه [=معتنی‌به] به شراکت دولت روس به ایران، جلب توجه کابینه را نموده است و تصمیم نموده‌اند که وقتی که دولت روس حاضر پرداخت آن شد، دولت اعلیحضرتی آن را بپردازند برای آنکه دولت ایران بتوانند عرادهٔ امور را به کار اندازند تا زمانی‌که از سرمایه‌داران شرکت دتود راه‌آهن سرتاسر ایران استقراض کلی بشود.

وزیرمختار اعلیحضرتی مقیم سنت‌پطرزبورغ حالا راپورت داده است که وزیر امور خارجهٔ روس حالا او را اطلاع داده است که دولت روس حاضر پرداخت ۲۰۰،۰۰۰ لیرا به دولت ایران می‌باشند و سر ادوارد گری وزیر امور خارجه علی‌هذا مایل است که تصمیم کابینه به‌موقع اجراء گذارده شود که هرقدر زودتر که امکان داشته باشد مبلغ معتنابهی داده شود و من اظهار امیـدواری می‌کنم که نظر بـه این ترتیبات، لردهای معظم بتوانند نصف لیرا بپردازند و نصف دیگر را وزیر هندوستان خواهد داد. و نیز توجه لردهای معظم را به اوضاع جنوب ایران که اسباب تشویش مخصوص دولت اعلیحضرتی و حکومت هندوستان گردیده است جلب می‌نمایم.

البته لردهای معظم می‌دانند که در سال ۱۹۱۱ به مستر اسمارت کفیل قنسولگری اعلیحضرتی مقیم شیراز، هنگام مراجعت به شیراز با صد نفر مستحفظ، از طرف ایلات راه شیراز حمله شد و مجروح گردید و تا چند روزی نمی‌دانستیم که آیا او یا قشون هندی که برای استخلاص او فرستاده شده بود، می‌توانند مراجعت به شیراز کنند یا نه. و کیفیت حملهٔ مذکور فرستادن اردویی مرکب از چندین هزار نفر را برای تنبیه ایلیات و افتتاح راهها لازم می‌داشت.

سر ادوارد گـری مخالف این اقـدام بود چرا کـه به عقیدهٔ وی، ایـن پلتیکـی [=پلیتیکی] است که ممکن است باعث اشغال دائمی جنوب ایران و تقسیم مملکت بشود و دولت اعلیحضرتی را مجبور به مصارف فوق‌العاده نماید.

حوادث ایام، عـدم صحت و اساس توهم و توحش ابتدای امـر را ثابت نمود و همینکه مستر اسمارت و دستهٔ او سالماً به شیراز وارد شدند، عاقبت تصویب شد که دولت اعلیحضرتی اطمینان دولت ایران را قبول نموده و به مساعی آنها و تشکیل قوهٔ ژاندارمری تحت امر صاحب‌منصبان سوئدی برای اعادهٔ انتظامات اعتماد نماید.

از آن تاریخ تا حال، ژاندارمری ترقی زیادی کرده ولی هنوز طوری نیست که بتواند اقتدار خود را محسوس بنماید.

بموجب اخبار واصله از طرف قنسولخانهٔ اعلیحضرتی، راههای تجارتی جنوب در حقیقت مسدودند و موجب خسارت زیاد به تجارت انگلیس شده است و واردات مال‌التجاره در بنادر جمع شده و ممکن نیست آنها را به داخله حمل نمود.

مسافرین انگلیسی، به انضمام مأمورین دولتی انگلیس، نمی‌توانند مسافرت کنند و به آنهایی‌که مجبور به مسافرت شده‌اند، حملات مختلفه شده است.

حادثه‌ای که تازگی به وقوع رسیده و بسی الم‌انگیز است یعنی قتل کاپیتان اکفورد از طرف ایلات در دشت ارجن [=ارژن] جلب توجه عامه را برای لزوم اقدامات جدی در همراهی برای اعادهٔ انتظامات جنوب نموده است و در بعضی مراکز اشغال نظامی راه بوشهر الی شیراز و کازرون الی شیراز را فقط وسیلهٔ اعادهٔ انتظامات راههای تجارتی جنوب می‌دانند و سر والتر تنلی این عقیده را اظهار داشته ـ و اگرچه ماژور اکونر قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز، کمتر از بابت نتایجی که ممکن است دولت ایران به همراهی و کمك دولت اعلیحضرتی به دست آورند، بدبین است.

واضح است که او تصور می‌کند امید زیادی نیست مگر آنکه دولت اعلیحضرتی حاضر شده و بلاتأخیر اقدامی نموده و وجوهات کافی برای اداره‌نمودن امور ایالت داده و استقرار و توسعهٔ ژاندارمری را تأمین نموده و ایالت را به پرداخت مصارف حکومتی قادر سازند.

دولت اعلیحضرتی که از مدت زمانی به این طرف، خود را مقابل با اختیار یکی از دو شق می‌بینند و تصمیم نموده‌اند که شقی را اتخاذ نمایند که کمتر آنها را مشغول بنماید، نباید در تصمیم خود مردد باشند که قبل از ۲۱ مارس اقلا مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ لیرا قرض بدهند که برای جنوب تخصیص شود، به علاوهٔ ۲۰۰،۰۰۰ لیرا برای مصارف معمولی.

از تلگرافی که سر ادوارد گری در ۲۱ شهر جاری به سر والتر تنلی مخابره‌نموده، بر شما مکشوف خواهد شد که وزیر معظم در خصوص تأمین قرضهٔ مذکور تحقیق می‌کند و عایدات ایالتی را برای آن ارائهٔ طریق نموده است. لکن او منتظر شنیدن جواب نامساعدی است و اگرچه شکی ندارد از اینکه این وجه عاقبت از دولت ایران گرفته خواهد شد، عقیده‌اش بر این است که دولت اعلیحضرتی باید در این موقع در باب تأمین آن چندان دقیق نشوند بلکه توجه خود را مصروف به کنترل صحیح مصرف آن بنمایند. طریقه‌ای که آنها برای کنترل مصرف این وجه می‌خواهند اتخاذ نمایند، در تلگراف ۱۰ دسامبر گذشتهٔ سر والتر تنلی و تلگراف فوق‌الذکر ۱۲ شهر جاری که به او مخابره شده است، مذکور می‌باشد.

سر ادوارد گری اطمینان دارد که لردهای معظم علل و اسبابی که او را به حصول این نتایج مذکوره در این مراسله سوق داده است، به خوبی درك خواهند نمود و یقین دارد که در صورتی که اوضاع هرج و مرج حالیه را بگذارند دوام کند، امورات از بد

بدتر شده و برای دولت اعلیحضرتی غیرممکن خواهد شد کـه جلوگیری از اعزام اردوی مهم نظامی به جنوب ایران و تمام نتایج و عواقب ممکنهٔ آن بنمایند: و تصور می‌کنند که فقط وسیلهٔ رفع این حاجت اینست که هر طوری که ممکن است، اقتدار دولت ایران را حفظ بنماییم و او بنابراین، از روی بی‌میلی مجبور شده است که از لرد کمیسیونرهای معظم خواهش نماید که با کمترین تأخیری که امکان دارد، پرداخت مساعده‌هایی را که او تقاضا می‌نماید تصویب نمایند.

(امضاء) لوئیس ملت

حسب‌الامر بندگان حضرت مستطاب اشرف آقای
سردار اسعد دامت شوکتهم العالـی به سعی و اهتمام
اقل بندگان معتمد همایون جواد سامانی
در مطبعهٔ برادران باقرزاده به طبع رسید.

www.adabestanekave.com

فهرستها*

۱) در این فهرستها اعلام مربوط به مجلدات اول تا هفتم یکجا تنظیم شده است و برای سهولت مراجعه شمارهٔ هر جلد را قبل از ذکر شمارهٔ صفحات مربوط در [ ] قرار داده‌ایم.

۲) در این فهرستها از ذکر نام نویسندگان و مخاطبان و شهرهای مبدأ و مقصد نامه‌ها و تلگرافها خودداری کرده‌ایم.

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

نامهای کسان

یادآوری

چنانکه خوانندگان توجه خواهند فرمود در این فهرست برخی نامهای مشابه دیده می‌شود که بنظر می‌رسد باید مربوط به یك شخص باشد و جا داشت که ما هم آن اسامی را در یك ردیف فهرست‌بندی کنیم. ولی چون قرینه و نشانهٔ آشکاری در دست نبود که بی‌گمان شویم اسامی یادشده واقعاً مربوط به یك نفر است یا اشخاص‌جداگانه و مجالی هم برای بررسی بیشتر نداشتیم ازین‌رو آنها را به همان‌گونه که در متن کتاب آمده بود در فهرست گنجانیدیم تا هم خود ما به راه خطا نرفته باشیم و هم دست خوانندگان برای تحقیق بیشتر باز باشد.

آجودانباشی [ج ٤] ٧٠٠
آصف‌الدوله [ج ١] ٩١، ١٠٩، ١١٠، ١٢٤، ١٣٦، ١٦٥، ١٦٨، ١٦٩، ٢٤٩، ٢٦٨، ٢٨٦، ٣٠٥، ٣٢٢؛ [ج ٢] ٤٣١، ٥٢٣؛ [ج ٣] ٥٩٦، ٦٠٣، ٦١٤، ٦٢٩، ٦٣٠، ٧١٣، ٧١٤؛ [ج ٤] ٨٣٣
آقا ابوالحسن؛ [ج ٨] ١٩٩٦
آقا احمد یزدی؛ [ج ٣] ٧١٢
آقا باقر؛ [ج ٣] ٧٣١
آقا خان (سلطان محمد شاه)؛ [ج ٤] ٧٩٣، ٧٩٥
آقا خلیل؛ [ج ٧] ١٥٦٨
آقا رحیم (کرمانشاهی)؛ [ج ٧] ١٦٦٧؛ [ج ٨] ١٧٦٥، ١٧٦٦، ١٩٩٦
آقا رحیم (نماینده شیخ محمره)؛ [ج ٨] ٢٠٤٨ (نیز نک رحیم‌خان)
آقازاده (مجتهد)؛ [ج ٤] ٧٩٥، ٧٩٦
آقازادهٔ نراقی؛ [ج ٦] ١٢٥١
آقا سید جمال الدین واعظ؛ [ج ١] ٤٠، ٤١، ٢١٦
آقا سید رضا قمی؛ [ج ٧] ١٦٦٧
آقا سید عبدالله؛ [ج ٤] ٨٩٥، ٨٩٧، ٩٣٠
آقا سید عبدالله مجتهد ؛ [ج ١] ٨ و ٩، ١١، ٢٢، ٧٧، ٧٨، ١٢٥، ١٣٠، ١٥٤، ١٦٥، ١٧٩، ١٩٥، ٢٠٠، ٢٣٧، ٢٣٨؛ [ج ٤] ٩٠٦،

۹۲۸ (نیز نک: سیدعبدالله)
آقا سید محمد (طباطبائی)؛ [ج ۱] ۱۵٤
آقا سید محمد مجتهد؛ [ج ۱] ۱۱، ۲٤، ۲۷، ٤۰، ٤۲، ۱۳۰، ۱۵٦
آقا شمس‌الدین؛ [ج ۸] ۱۹۹٦
آقا شیخ نورالله؛ [ج ۱] ۲٤، ۳۵، ۸۲، ۸۳
آقا شیخ هادی؛ [ج ۸] ۱۹۹٦
آقا صدر؛ [ج ٤] ۷۹۸
آقا محمد صادق ؛ [ج ۸] ۱۹۹٦
آقا محمد مهدی؛ [ج ۱] ٤٦؛ [ج ۷] ۱٦٦٦، ۱٦٦۷؛ [ج ۸] ۱۹۹٦
آقا محمود؛ [ج ۷] ۱٦٦٦
آقا میرزا ابراهیم مجتهد؛ [ج ٦] ۱۲٦٦، ۱۲٦۷
آقا نجفی؛ [ج ۱] ۲٤، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۵٤، ۷۳، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲٦۷؛ [ج ۲] ۳٦۹، ۵۲۳؛ [ج ٤] ۸۲۲
آقا نورالله؛ [ج ۱] ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲٦۷؛ [ج ۲] ٤۷۱؛ [ج ۳] ۷۱۰؛ [ج ٤] ۸۹۲، ۹۵٦
آقا یحیی (بافت)؛ [ج ۸] ۱۸۳۰، ۱۸٦۰
آکانر نک: اوکانر
آمانیانس؛ [ج ۸] ۱۷۰۹

ابراهمر (نک: ابراهانر)
ابراهمز، لیونل؛ [ج ۷] ۱۵٦۰؛ [ج ۸] ۱۷۰۱
ابراهیم (دکتر)؛ [ج ۳] ۷۰٤
ابوالقاسم (ناصرالملک) ۱۷۷۵، ۱۸۱۰
اپختانوف (پاخیتونوف؟)؛ [ج ٦] ۱۳۰۰
اتابک؛ [ج ۱] ٤۲، ٤۷، ٤۸، ۵۰، ۵٦، ٦۰، ۷٦، ۸٤، ۸۹، ۹٤، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۳۰، ۱٤۱؛ [ج ٤] ۹۰٦
اتابک اعظم؛ [ج ۱] ٤۱، ٤۳، ٤۸، ۵۲، ۸۰، ۸۱، ۹٤؛ [ج ۸] ۱۷۰۹
اجلال الملک؛ [ج ۲] ۳۸۷؛ [ج ۳] ۵٤٦، ۵٦٦، ۵۹٤، ٦٤٦، ۷۰۱
احتشام الدوله؛ [ج ٦] ۱۳٤۰
احتشام السلطنه؛ [ج ۱]٦، ۸۰، ۸۸، ۱۵٤، ۱٦۵، ۱٦۹، ۱۷٦ — ۱۷۸، ۲٦٤؛ [ج ۳] ۷۲۷
احتشام الممالک؛ [ج ۸] ۱۷۹٦
احمد (سلطان احمد)؛ [ج ۳] ٦۸۵، ؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
احمد خان؛ [ج ۳] ۷۱٦
احمد خان شش بلوکی؛ [ج ٦] ۱٤٦۷، ۱٤۸۱؛ [ج ۷] ۱٦٤۲
احمد خان میرشکار؛ [ج ٤] ۸٦٤
احمد شاه (سلطان احمد شاه قاجار)؛ [ج ۳] ٦۲٦، ٦۳۱، ٦۸٤، ٦۹۰، ٦۹۷، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۱۰، ۷۲۵، ۷۲٦، ۷۳٤، ۷٤۳؛ [ج ۷] ۱۵۵٦، ۱۵۹۹؛ [ج ۸] ۱۸۰۹ (نیزنک: ولیعهد ــ احمد ــ سلطان احمد شاه ــ شاه)
احمد میرزا (سلطان احمد میرزا)؛ [ج ۱] ۲۰؛ [ج ۳] ٦۲٤، ٦۲۵، ٦۸۹
اختیارالدوله؛ [ج ۸] ۱۸۲۷
اختیارالسلطنه ؛ [ج ۸] ۱۸۲۷
ادواردز (ژنرال)؛ [ج ۵] ۱۱۱۲
ادوارد هفتم (پادشاه انگلیس)؛ [ج ٤] ۸۵٤، ۸۵۵
ادیب التجار؛ [ج ۱] ۳۵
ارباب جمشید؛ [ج ۸] ۱۷۰۷
ارباب رستم؛ [ج ۳] ۷۸۷
ارباب فریدون؛ [ج ۱] ۱۷۸

اردشیرخان (قشقائی)؛ [ج ۷] ۱۵۲۷
ارشدالدوله؛ [ج ۳] ۷۵۶؛ [ج ۵] ۱۱۹۵، ۱۲۱۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۷؛ [ج ۸] ۱۹۷۵
اسپرینگ رایس (سر)؛ [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷؛ [ج ۶] ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸؛ [ج ۷] ۱۶۷۵؛ [ج ۸] ۱۶۹۳، ۲۰۴۲
استاد محمد؛ [ج ۸] ۱۹۴۱، ۱۹۷۱
استاس (مسیو) ۲۰۱۰، ۲۰۲۲، ۲۱۵۰
استد؛ [ج ۱] ۱۸۸
استراگراوسکی ــ استروگراتسکی؛ [ج ۱] ۳۰۰؛ [ج ۲] ۴۰۶، ۴۱۹
استروس؛ [ج ۳] ۷۶۲؛ [ج ۶] ۱۲۸۳
استوارت (استوُوارت)؛[ج ۱] ۷۰
استوپولو (سر ــ مسیو)؛ [ج ۵] ۱۱۶۳
استوکس (ماژور)؛ [ج ۱] ۹۵، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۸، ۲۸۹، ۳۰۶، ۳۲۳؛ [ج ۲] ۴۷۲؛ [ج ۳] ۵۸۹، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۴۵، ۶۵۱، ۶۸۱، ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۰، ۷۰۵، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۳۴، ۷۴۷، ۷۶۵؛ [ج ۴] ۹۱۷، ۹۱۹، ۹۴۲؛ [ج ۵] ۹۷۷، ۱۱۰۳، ۱۱۰۵، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۶، ۱۱۴۲—۱۱۴۶، ۱۱۴۹، ۱۱۵۵، ۱۱۵۹، ۱۱۶۴ — ۱۱۶۶، ۱۱۶۸ — ۱۱۷۱، ۱۱۷۳ — ۱۱۹۰، ۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۲۵-۱۲۲۸، ۱۲۴۴؛ [ج ۶] ۱۲۵۷، ۱۲۶۲، ۱۲۶۴، ۱۲۶۹، ۱۲۹۶، ۱۳۱۱، ۱۳۲۲، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۴۸، ۱۳۶۰، استیونس ــ استه ون ــ استونز ــ استونس؛ [ج ۱] ۵۳، ۱۱۰، ۲۳۵، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۰۴، ۳۱۸؛ [ج ۴] ۹۰۷؛ [ج ۵] ۱۰۹۹؛ [ج ۷] ۱۵۸۸، ۱۶۵۶؛ [ج ۸] ۱۷۱۹، ۱۸۲۴، ۱۸۶۷
اسدالله؛ [ج ۳] ۶۰۰، ۷۲۹، ۷۴۵ نیز نک: یاور اسدالله
اسدالله (عضو مجلس فوق العاده)؛ [ج ۳] ۷۰۴
اسدالله خان؛ [ج ۸] ۱۶۹۹
اسدالله میرزا ــ شاهزاده اسدالله میرزا؛ [ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۸؛ [ج ۴] ۷۷۳، ۷۷۸، ۸۶۸، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۱۰۳۶؛ [ج ۷] ۱۶۵۷؛ [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۹۷۱، ۲۰۰۸ (نیز نک: شهاب الدوله)
اسدالله (یاور) نک: یاور اسدالله
اسعدالدوله (قلی خان)؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
اسعدالسلطنه؛ [ج ۶] ۱۴۷۶
اسفندیار خان (کشکولی)؛ [ج ۷] ۱۵۴۲
اسکات (دکتر)؛ [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸، ۷۱۹؛ [ج ۵] ۱۰۱۱
اسکلی (دکتر)؛ [ج ۱] ۱۴۱
اسکندرخان (پسر سردار ظفر)؛ [ج ۴] ۹۳۰
اسمارت (متر)؛ [ج ۱] ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۲؛ [ج ۳] ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۴۱؛ [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۵، ۸۳۶، ۸۶۵، ۹۴۶، ۹۶۰؛ [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۲۹، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲؛ [ج ۶] ۱۴۲۵، ۱۴۲۹؛ [ج ۷] ۱۴۸۷-۱۴۹۲، ۱۴۹۷، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۲—۱۵۰۵، ۱۵۰۸—۱۵۱۰، ۱۵۱۴، ۱۵۱۸، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۷، ۱۵۴۰، ۱۵۶۷، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۶۰۴، ۱۶۱۳، ۱۶۲۸، ۱۶۳۶،

www.adabestanekave.com

۱٦۸٤؛ [ج ۸] ۱۷۱۷، ۱۷۲۸، ۱۷۳٤، ۱۷٤۵، ۱۷۵۸، ۱۷٦۰، ۱۷۷۷، ۱۸۰۳، ۱۸۰٤، ۱۸۰٦، ۸۸۰۸، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۲۵، ۱۸۳۸، ۱۸٤٦، ۱۸٦۰، ۱۸٦۲، ۱۸٦٤، ۱۸٦۵، ۱۸۷۷، ۱۸۹۸ — ۱۹۰۰، ۱۹۰۳، ۱۹۰٦، ۱۹۱۲، ۱۹۲٤، ۱۹۳۱، ۱۹٤۳ — ۱۹٤٦، ۱۹٦۵ — ۱۹٦۸، ۱۹۹۸، ۲۰۱۰ — ۲۰۱٦، ۲۰٤۷، ۲۰۵۲، ۲۰۵۵، ۲۰٦۲، ۲۰٦٦، ۲۰٦۹، ۲۰۷٤، ۲۰۷۸، ۲۰۷۹، ۲۰۸۷ — ۲۰۸۹، ۲۰۹۱، ۲۰۹٤، ۲۱۰٦، ۲۱۱۹، ۲۱۳۷، ۲۱۵٦

اسماعیل خان (دکتر)؛ [ج ٤] ۷۷۸؛ [ج ۵] ۱۰۷٤، ۱۱۹۷

اسمیت (سی. اس)؛ [ج ٤] ۸۰٦؛ [ج ۵] ۱۰۸۵؛ [ج ٦] ۱٤٦۹، ۱٤۸۳؛ [ج ۷] ۱۵۲۸، ۱۵٦۰، ۱٦۲۳؛ [ج ۸] ژنرال قنسول ۱۸٤۵، ۲۰۸۷—۲۰۸۹، ۲۱۳۷

اسمیرنوف؛ [ج ۳] ٦۹۰؛ [ج ٤] ۸۹۹

اسنارسکی (ژنرال)؛ [ج ۳] ۵٦۵، ۵۷۱، ۵۷۸، ۷٦۱

اسیکک (مسیو)؛ [ج ۵] ۱۰۳۰

اصغر خان؛ [ج ۱] ۲٤۹

اعتضادالسلطنه؛ [ج ۸] ۱۷۳۸

اعتلاءِ الدوله؛ [ج ۸] ۱۷۰٤، ۱۷۰۵

اعتمادالذاکرین؛ [ج ۲] ۵۲۹

اعدل الدوله؛ [ج ۲] ۵۳۱

اعزازالممالک؛ [ج ۲] ٤۲٦

اعظم الدوله؛ [ج ٦] ۱٤۵٦؛ [ج ۷] ۱۵٤۰، ۱۵۷۱، ۱٦۰۵، ۱٦۵۸، ۱٦٦٦؛ [ج ۸] ۱٦۹٦، ۱۷۰۰، ۱۷۰٦

افتخارالتجار؛ [ج ۱] ۱٤۰

اقبال الدوله؛ [ج ۱] ۲٤۹، ۲٦۷؛ [ج ۲] ۳٦۳، ٤۰٦، ٤۰۸

اقبال السلطنه؛ [ج ۲] ۳۸۹

اقتدارنظام؛ [ج ۱] ۲۸۲

اکبربلند؛ [ج ۷] ۱۵۸۱

اکبرمیرزا؛ [ج ۱] ۲٤۹

اکبرخان ؛ [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۵٤

اکرم الدوله؛ [ج ۸] ۱۹۹٦

اکرم السلطان؛ [ج ۱] ۵۲

اکتور (دکتر)؛ [ج ۱] ۲۸۲

اکزامپلاروف؛ [ج ۳] ٦۰٦

اکفرد ــ اکفورد (کاپیتان)؛ [ج ٦] ۱۳۹۱؛ [ج ۷] ۱۵۳۹، ۱۵٤٤؛ [ج ۸] ۲۰۳۵، ۲۰٤٤، ۲۰٤۵، ۲۰٤۷، ۲۰۵۳، ۲۰٦۲، ۲۰٦۳، ۲۰٦۵، ۲۰٦۹ — ۲۰۷۲، ۲۰۷٤ — ۲۰۷٦، ۲۰۷۸، ۲۰۹۱، ۲۰۹۲، ۲۰۹٤، ۲۱۰۷، ۲۱۲۸، ۲۱۲۹، ۲۱۳۵، ۲۱٤۳ — ۲۱٤۵، ۲۱۵۷

اکونور (ماژور-قنسول)؛ [ج ۸] ۲۰۷۰، ۲۰۷٤، ۲۰۷۸، ۲۰۹٤، ۲۰۹۵، ۲۱۰۰، ۲۱۰۸، ۲۱۱۱، ۲۱۵۷

الکسیس (گراندوک)؛ [ج ۲] ۳۳۸، ۳٦۱

الیوسکی (مسیو)؛ [ج ۸] ۲۰۲۳

ام الخاقان؛ [ج ۳] ۷۸٦

امام جمعه؛ [ج ۲] ۳٤٦؛ [ج ۳] ٦۹۰، ۷٤٤؛ [ج ۸] ۱۹۹٦

امام جمعهٔ خوی؛ [ج ۱] ۹۹

امام جمعهٔ شیراز؛ [ج ٦] ۱٤٦٤

امام‌زاده؛ [ج ۳] ٦۹۰

امامقلی خان؛ [ج ۳] ۷۳۰

امامقلی میرزا؛ [ج ۱] ۲۲، ۲۳؛ [ج ۲] ٤۸۲؛ [ج ۸] ۲۰۳۸

امان الله خان؛ [ج ۵] ۱۰۶۹، ۱۱۵۵
امان الله میرزا؛ [ج ۵] ۱۰۹۶؛ شاهزاده
امان الله میرزا؛ [ج ۵] ۱۲۰۶
امپراتور روسیه؛ [ج ۸] ۱۸۷۲
امیر اسعد (پسر سپهدار)؛ [ج ۵] ۱۰۳۷
امیر اعظم؛ [ج ۱] ۹۰، ۹۲، ۱۲۶؛ [ج ۵] ۱۰۵۶، ۱۲۰۷، ۱۲۳۱؛ [ج ۶] ۱۲۹۰، ۱۳۳۸، ۱۴۴۹؛ [ج ۷] ۱۵۴۰، ۱۶۰۴، ۱۶۵۸؛ [ج ۸] ۱۷۰۰، ۱۷۴۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۸۱۶، ۱۸۲۶— ۱۸۳۷، ۱۸۵۷، ۱۸۵۹—۱۸۶۱، ۱۸۸۷، ۱۹۷۱، ۲۰۰۳
امیر افخم؛ [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲؛ [ج ۶] ۱۳۴۰
امیر الملک؛ [ج ۷] ۱۵۰۹
امیرالممالک؛ [ج ۵] ۱۱۲۹، ۱۱۳۹
امیرامجد؛ [ج ۸] ۲۰۵۱
امیر بهادر ــ امیر بهادر جنگ؛ [ج ۱] ۴، ۶، ۷، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۸۴، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۲۱، ۳۲۸؛ [ج ۲] ۳۴۶، ۳۸۰، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۶۹، ۴۷۵، ۵۰۲، ۵۳۸؛ [ج ۳] ۵۵۱—۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۲۲، ۶۲۹، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۳—۶۴۵، ۶۸۳، ۶۸۷، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۵۶؛ [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۹۶
امیر تومان ــ امیر تومان سواد کوهی (اسماعیل خان)؛ [ج ۵] ۱۰۱۲
امیرجنگ؛ [ج ۲] ۵۰۶، ۵۲۱؛ [ج ۸] ۱۷۰۷، ۱۷۱۰، ۲۱۵۰
امیرحشمت؛ [ج ۵] ۱۰۱۱
امیرخان سردار؛ [ج ۵] ۱۰۵۶
امیرخان هندی؛ [ج ۸] ۲۱۵۱
امیر سیف الدین میرزا؛ [ج ۴] ۸۱۲
امیر عشایر؛ [ج ۴] ۸۹۱
امیر مجاهد بختیاری؛ [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۴۴۵؛ [ج ۷] ۱۶۰۵؛ [ج ۸] ۱۹۲۷، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱، ۱۹۸۴، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۲۰۰۹، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹، ۲۰۹۴، ۲۱۰۷، ۲۱۵۱
امیرمفخم ــ امیر مفخم بختیاری (لطفعلی)؛ [ج ۳] ۵۸۰، ۶۱۴، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۸۶، ۷۰۵؛ [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۱، ۹۰۸، ۹۲۹ — ۹۳۱، ۹۵۷، ۹۵۸؛ [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۱۹۳، ۱۲۰۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۳، ۱۲۳۲—۱۲۳۴؛ [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۵؛ [ج ۷] ۱۶۵۶؛ [ج ۸] ۱۷۳۲، ۱۸۶۲، ۱۸۶۶، ۱۸۸۵، ۱۸۹۳، ۱۸۹۶، ۱۹۴۱، ۱۹۷۲، ۲۰۰۸، ۲۱۰۶
امیر مقتدر؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
امیر مکرم؛ [ج ۲] ۴۶۹؛ [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۵۵؛ [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۷۴، ۱۰۹۷، ۱۲۱۴، ۱۲۳۲؛ [ج ۶] ۱۲۸۹
امیر نظام؛ [ج ۳] ۵۶۱، ۷۰۷؛ [ج ۸] ۱۷۴۱
امین الدوله؛ [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۲۰۵
امین السلطان؛ [ج ۱] ۳۲، ۳۶
امین الممالک؛ [ج ۴] ۷۶۸
امین بیگ ؛ [ج ۸] ۱۷۴۰
امین دربار؛ [ج ۳] ۶۷۴
انتظام الملک؛ [ج ۱] ۱۸۷، ۲۶۷؛ [ج ۲] ۴۷۱؛ [ج ۴] ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۵۷؛ [ج ۸] ۱۸۱۶، ۱۸۵۷، ۱۸۸۷، ۱۹۴۱
انتظام الممالک؛ [ج ۶] ۱۴۶۲، ۱۴۶۴، ۱۴۷۶

(نیز نک: نصرالدوله)
اوبرن (اوبرون ــ ابیرن ــ اپرون)؛ [ج ۳] ۵۸۴–۵۸۹، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱–۶۵۳، ۶۵۵، ۶۶۴–۶۶۶؛ [ج ۴] ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰–۸۶۳، ۸۹۶، ۸۹۸–۹۰۱، ۹۲۰، ۹۲۱؛ [ج ۵] ۱۲۲۲، ۱۲۴۳؛ [ج ۶] ۱۲۵۵، ۱۲۵۷، ۱۲۶۰، ۱۲۷۹–۱۲۸۲، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۵–۱۲۹۷، ۱۳۰۴–۱۳۰۷، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۲، ۱۳۱۴ – ۱۳۱۷، ۱۳۱۹، ۱۳۲۲، ۱۳۲۶، ۱۴۵۱، ۱۴۵۳؛ [ج ۸] ۱۷۳۶، ۱۷۵۲، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۹۲
اودندیج (مسیو)؛ [ج ۸] ۱۸۴۹
اورنو؛ [ج ۳] ۶۸۱، ۶۸۲
اوکانر ــ اوکونر ــ اوکونار (ماژور)؛ [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۸، ۷۱۹، ۷۲۱؛ [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۹۷، ۱۲۰۷
اهرنزوارد ــ اهرنسوارد (کنت)؛ [ج ۶] ۱۲۷۳؛ [ج ۷] ۱۶۷۵
ایازخان دره شوری (شولی)؛ [ج ۶] ۱۴۶۷
ایازکیخای دره شولی (دره شوری)؛ [ج ۸] ۱۷۷۸، ۲۰۷۴، ۲۰۸۰، ۲۰۸۱، ۲۰۸۴، ۲۰۸۵
ایالت فارس؛ [ج ۸] ۲۱۱۶، ۲۱۲۳، ۲۱۲۹، ۲۱۴۰، ۲۱۵۰
ایزولسکی ــ ایس ولسکی ــ ایزوالسکی ــ ایسوولسکی؛ [ج ۱] ۱۴، ۱۸، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۱؛ [ج ۲] ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۷، ۳۷۹، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۲۳، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۷۴، ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۳؛ [ج ۳] ۵۷۹، ۵۸۷، ۶۰۹، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۹۲، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۶؛ [ج ۴] ۸۰۲، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰، ۸۶۳، ۸۸۲، ۸۹۶؛ [ج ۵] ۱۱۸۳؛ [ج ۶] ۱۳۶۳؛ [ج ۸] ۱۷۹۵
ایل بیگی؛ [ج ۳] ۶۳۱
ایلخانی قشقائی؛ [ج ۳] ۱۹۱۸
بارکر؛ [ج ۱] ۱۴۲
بارکلی (سر جرج)؛ [ج ۲] ۳۳۶، ۳۵۰، ۳۹۱، ۴۱۶، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۲، ۴۷۳، ۴۹۸، ۵۱۲؛ [ج ۳] ۵۵۴، ۶۵۳، ۶۶۴، ۶۹۴، ۶۹۷، ۷۱۷–۷۱۹، ۷۲۶، ۷۳۵؛ [ج ۴] ۸۲۹، ۸۳۷، ۸۵۹، ۹۰۱؛ [ج ۵] ۹۷۵، ۹۸۷، ۱۰۰۴، ۱۰۱۴، ۱۰۴۱، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۵، ۱۱۴۴، ۱۱۵۷، ۱۱۶۱، ۱۱۷۳، ۱۱۷۸، ۱۱۸۰، ۱۱۸۳، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۲۲۲، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷؛ [ج ۶] ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۶، ۱۲۹۶، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۵، ۱۳۲۴، ۱۳۲۹، ۱۳۴۴، ۱۳۵۱، ۱۳۵۹، ۱۳۷۶، ۱۴۰۰، ۱۴۰۷، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۴، ۱۴۱۸، ۱۴۴۱؛ [ج ۷] ۱۴۸۷، ۱۴۹۶، ۱۵۰۵–۱۵۰۷، ۱۵۱۱،

۱۵۱۳، ۱۵۲۹—۱۵۳۱، ۱۵۳۵، ۱۵۵۵، ۱۵۵۷، ۱۵۶۳، ۱۵۶۶، ۱۵۷۰، ۱۵۷۲، ۱۵۷۴—۱۵۷۶، ۱۵۸۳، ۱۵۸۵، ۱۵۹۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۹، ۱۶۱۳، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۸، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۳۰، ۱۶۳۴، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۶۵، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۸، ۱۶۸۰؛ [ج ۸] ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۹۱—۱۶۹۵، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۷۰۱، ۱۷۰۳، ۱۷۰۷، ۱۷۱۰، ۱۷۱۲، ۱۷۱۴، ۱۷۱۶—۱۷۱۸، ۱۷۳۴، ۱۷۳۶—۱۷۳۸، ۱۷۴۰، ۱۷۴۷، ۱۷۵۷، ۱۷۶۵، ۱۷۷۱، ۱۸۱۰، ۱۸۲۱، ۱۸۶۰—۱۸۶۲، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۹۳۱، ۱۹۳۵، ۱۹۵۸، ۱۹۹۸

بارانوسکی ــ بارناوسکی ــ بارن اوسکی ــ بارانوفسکی؛ [ج ۱] ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۸۳؛ [ج ۲] ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۸، ۵۲۶، ۵۲۹؛ [ج ۳] ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۸۹، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۸۲—۶۸۴، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۲۲؛ [ج ۴] ۹۲۳

بارون استواک (مصباح السلطان)؛ [ج ۳] ۷۵۶

باسکرویل؛ [ج ۳] ۵۹۳

باقر (دررودی)؛ [ج ۴] ۷۹۴

باقرخان؛ [ج ۲] ۳۸۷، ۴۶۴، ۴۸۹، ۴۹۳؛ [ج ۳] ۵۵۶—۵۵۸، ۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۱۸، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۲، ۷۰۱، ۷۴۹، ۷۶۰؛ [ج ۴] ۷۷۹، ۸۱۴، ۸۱۶—۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲۴—۸۲۷، ۸۳۳، ۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶—۹۱۹، ۹۲۸؛ [ج ۵] ۱۱۵۲؛ [ج ۸] ۱۷۰۷، ۲۰۳۷، ۲۰۴۹

باقرزاده (برادران)؛ [ج ۸] ۲۱۵۸

باقر کازرونی ؛ [ج ۸] ۲۱۲۶

باکالی؛ [ج ۳] ۶۸۸

باکر؛ [ج ۳] ۶۸۷، ۷۱۹

بانوی عظمی؛ [ج ۱] ۲۳۷

بختیاری (علیقلی)؛ [ج ۸] ۱۸۹۰

بخشو (حسن)؛ [ج ۳] ۷۱۶

براندل (ماژور)؛ [ج ۸] ۲۰۷۵، ۲۰۷۶، ۲۰۹۳

براون ــ برون (پروفسور)؛ [ج ۷] ۱۵۴۹؛ [ج ۸] ۲۰۳۵

برایس (جیمز)؛ [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷

برتی (سر فرانسیس)؛ [ج ۵] ۹۸۵؛ [ج ۶] ۱۴۰۳، ۱۴۰۵—۱۴۰۷؛ [ج ۸] ۲۰۲۳، ۲۰۲۸، ۲۰۳۳

بردود (ماژور)؛ [ج ۷] ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۲۱، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵

برل (نایب ــ ماژور)؛ [ج ۶] ۱۳۴۸؛ [ج ۸] ۱۹۷۰

برن هم ــ بارنهام؛ [ج ۱] ۲۴، ۳۵، ۶۹، ۷۰

برون؛ [ج ۱] ۷۰

بریوت (مسیو)؛ [ج ۵] ۱۲۲۸

بشارت الممالک؛ [ج ۸] ۱۸۳۲، ۱۸۳۳، ۱۸۶۰

بشیر خاقان؛ [ج ۳] ۶۴۹

بلارانوف؛ [ج ۱] ۶۴

بلک (لفتننت)؛ [ج ۱] ۱۲۷

بلک من؛ [ج ۱] ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۲۱؛ [ج ۲] ۳۸۴؛ [ج ۴] ۸۷۱

بنتینگ (کنت)؛ [ج ۸] ۱۸۴۰، ۱۸۴۵، ۱۸۴۹

بنکن دورف (کنت)؛ [ج ۱] ۲۹۷، ۳۰۸؛ [ج ۲] ۳۹۳، ۵۰۹؛ [ج ۳] ۵۸۶، ۵۸۷، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۲۸، ۷۳۴، ۷۳۵؛ [ج ۴]

۸٤۰؛ [ج ٥] ۱۱۲٦، ۱۱٤۳—۱۱٤٥، ۱۱۸۹، ۱۲٤۲، ۱۲٤۳؛ [ج ٦] ۱۲٦٤، ۱۲۹۱، ۱۳۱۸، ۱۳۲۳، ۱۳۲۷، ۱۳۸۳، ۱٤۰۳، ۱٤۰٦، ۱٤۱۰، ۱٤۱۹، ۱٤۲۳؛ [ج ۷] ۱۵۱۱، ۱۵۱۳--۱۵۱۵، ۱۵٦٤، ۱۵۸۷، ۱۵۹۳، ۱٦۲۹؛ [ج ۸] ۱۷۱۵، ۲۰۳۰
بولاک (لیوتنان ــ سپاهی)؛ [ج ۸] ۱۹۸۸، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۵۱، ۲۰۵٤ — ۲۰۵٦، ۲۰۵۸ — ۲۰٦۰، ۲۱۳۲
بومن؛ [ج ۱] ۸۲
بوهنگ (لیوتنان)؛ [ج ۸] ۲۰۹۱
بویر (مسیو)؛ [ج ۸] ۱۹۳۳
بهاء السلطنه؛ [ج ٤] ۹٦۰، ۹٦۱؛ [ج ٦] ۱٤٦٥
بهاء الواعظین؛ [ج ۱] ۲٦۲
بهادر الدوله (حبیب)؛ [ج ۸] ۱۹۷٥
بهادر السلطنه؛ [ج ۲] ۳۸۸؛ [ج ۸] ۱۹۹۱
بهادر الملک؛ [ج ٥] ۱۲۰۷؛ [ج ۸] ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳٤، ۱۸۵۹
بهبهانی؛ [ج ۳] ٦۹۰
بهرام خان؛ [ج ٤] ۸۱۲؛ [ج ٥] ۱۰۱٤، ۱۰۷٦، ۱۰۹۸، ۱۱۵٤؛ [ج ٦] ۱۲۸٥، برادر بهرام خان؛ [ج ٥] ۱۰۷٦، ۱۰۹۹
بهرام میرزا؛ [ج ۱] ۱٤٤، ۲۱۸؛ [ج ۳] ۷۱۳
بهروز کازرونی؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
بهمن آقای بلوچ؛ [ج ۸] ۱۸۲۹
بیزو ــ بیزوت؛ [ج ۱] ۹٤، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۸۱—۱۸۳، ۱۸۸، ۲۵۹—۲٦۱، ۲٦٦، ۲٦۸—۲۷۰، ۲۷٥، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲؛ [ج ۲] ۳۵۸، ۳۷٦، ۳۹٤، ۳۹۹، ٤۰٥، ٤۱۹، ٤۵۷، ٤۵۸؛ [ج ٤] ۷۷٥، ۸۲٥، ۸٤۹؛ [ج ٥] ۱۱۲۰
بیگلر بیگی (نصرالدوله)؛ [ج ۲] ۳۸۳، ۳۸٥، ٤٦۸؛ [ج ۳] ٦۰۰، ٦٤۷
بیل؛ [ج ۱] ۳۲۳؛ [ج ۲] ۳۸٥، ٤۱۰، ٤۳۱، ٤۷۱، ٤۷۲، ۵۳٤، ۵۳٥؛ [ج ۳] ۵٦۹، ٦۰۲—٦۰٤، ٦۱۰، ٦۱۳، ٦۲٦، ٦۳۱، ٦۳٤، ٦٥۰، ۷۱٤، ۷۱٥، ۷۳۳، ۷٦٤، ۷٦٥، ۷٦۷؛ [ج ٤] ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۰، ۸۰۳، ۸۰۷، ۸۳٦، ۸۳۷، ۸٤٦، ۸٥۷، ۸٥۸، ۸٦٦، ۹٥۷؛ [ج ۷] ۱٦۲٤؛ [ج ۸] ۱۷۹۱، ۱۸۰۳—۱۸۰٥، ۲۰۰۱
بیوکانان (سر جارج)؛ [ج ٦] ۱۳۹۱، ۱٤۰۳، ۱٤۰٥، ۱٤۱۱، ۱٤۲۲، ۱٤۲٦؛ [ج ۷] ۱٤۸۹، ۱٤۹۲، ۱۵۰۸، ۱۵۱۲، ۱۵۱۸، ۱۵۲۰، ۱۵۳۳، ۱۵۵۰، ۱۵۸۲، ۱۵۸٦، ۱٦۰۷، ۱٦۱۷، ۱٦۷۵، ۱٦۷۷، ۱٦۸۰؛ [ج ۸] ۱۷۱۲ — ۱۷۱٤، ۱۷۱٦، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۲—۱۷۲٤، ۱۷۲٦—۱۷۲۸، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۵، ۱۷۳٦، ۱۸٤۲، ۱۸٤٥، ۱۸٤٦، ۱۸٤۸، ۱۸۵۰، ۱۸٦۹، ۱۸۷۰، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۷۵، ۱۸۷٦، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹، ۱۹۰۵، ۱۹۰٦، ۱۹۲۲، ۱۹۲٦، ۱۹۳۰، ۱۹٤۹ — ۱۹۵۱، ۱۹۵٤—۱۹۵۷، ۱۹۵۹، ۱۹٦۰، ۱۹٦٤، ۱۹۸۲، ۱۹۸٤، ۱۹۸٦، ۲۰۰۰—۲۰۰۳، ۲۰۱۷—۲۰۱۹، ۲۰۲۱، ۲۰۲۳، ۲۰۲٤، ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۰۳۰—۲۰۳٤، ۲۰٤۳، ۲۰۹۸، ۲۱۰۱، ۲۱۱۵، ۲۱۳۱، ۲۱۳۳، ۲۱۳٤، ۲۱۳٦، ۲۱٤۲، ۲۱۵۵
بیوک خان (پسر رحیم خان)؛ [ج ۱] ۵۱، ۵۳
پادشاه انگلستان؛ [ج ۸] ۱۸۰٤

پاری؛ [ج ۱] ۲۸
پاسک ؛ [ج ۳] ۷۶۵، ۷۶۶؛ [ج ٤] ۷۸۷، ۷۹۰؛ [ج ۵] ۹۹۷
پاسکوویل (پاسکرویل ؟)؛ [ج ۳] ۵۹۳
پاکلوسکی ــ پاکلاوسکی ــ پوکلیوسکی ؛ [ج ۳] ۶۹۲، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷٤۳، ۷۵۳، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۶، ۷۶۷؛ [ج ٤] ۷۸۵، ۸۱۷، ۸۳۹، ۸٤۹، ۸۵۰، ۸۵۲، ۸۶۱، ۸۶۳، ۸۶٤، ۸۸۱—۸۸۳، ۸۸۶، ۸۹۹، ۹۱٤، ۹۱۵، ۹۲۲، ۹۲۷، ۹۳۵؛ [ج ۵] ۹۸۰، ۹۸۸، ۹۹۰، ۹۹۳، ۱۰۰۶، ۱۱۰۲، ۱۱۱۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۳۰، ۱۱۳۸، ۱۱۸٤، ۱۱۸۹، ۱۲۱۰؛ [ج ۶] ۱۲۷۹، ۱۲۹۷، ۱۳۰۰، ۱۳۰٤، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸ — ۱۳۱۰، ۱۳۱٤، ۱۳۱۷ — ۱۳۱۹، ۱۳۲۱، ۱۳۲٤ — ۱۳۲۶، ۱۳۲۸، ۱۳۳۰، ۱۳٤۷، ۱۳۵۰، ۱۳۵۳، ۱۳۵٤، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۹، ۱۳۶۲، ۱۳۶٤، ۱۳۶۵، ۱۳۶۹، ۱۳۷۱، ۱۳۷۳، ۱۳۷۸، ۱۳۸۱، ۱۳۸۵، ۱۳۹۳، ۱۳۹۵، ۱٤۰۰، ۱٤۰۸ — ۱٤۱۰، ۱٤۱۷، ۱٤۱۸، ۱٤۳۸، ۱٤۵۱؛ [ج ۷] ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۲۵، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۲ — ۱۵۳۵، ۱۵۶۰، ۱۵۶۶، ۱۵۷٤، ۱۵۷۵، ۱۵۷۹ — ۱۵۸۱، ۱۵۸۳، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۹۰، ۱۵۹۵، ۱۶۰۹، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۲۰، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۸، ۱۶۵۱، ۱۶۶۰، ۱۶۶۹؛ [ج ۸] ۱۶۹۸، ۱۷۱۲ — ۱۷۱۵، ۱۷۲۳، ۱۷۲۶، ۱۷۶۲، ۱۷۸۶، ۱۸۲۱ — ۱۸۲۳، ۱۸٤٤، ۱۸۷۳، ۱۹۰۶، ۱۹۳۳، ۱۹۳۵، ۱۹۵۱، ۱۹۵٤، ۱۹۵۷، ۱۹۶۰، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۲۰۰۰، ۲۰۰٤، ۲۰۲۲
تاجرباشی ــ تاجرباشی روس؛ [ج ۳] ۵۹۳؛ پتروف؛ [ج ٤] ۹۷۰ (نیز، نک: پطروف)
پرسیانی (مسیو) ؛ [ج ۸] ۲۰۲٤
پرنی (مسیو) ؛ [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۷
پروس (ماژور) ؛ [ج ۷] ۱۶۵۲
پرویز ؛ [ج ۱] (نک: شاه جهان)
پری : [ج ۸] ۱۷۸۰
پری بینی زوف (کاپیتان) : [ج ۳] ۶٤۳، ۶۸۷، ۷۰۶
پریدو (ماژور) : [ج ۸] ۲۱۰۶، ۲۱٤۹
پریم : [ج ۱] ۲۵، ٤۲
پسر داودخان کلهر؛ [ج ۳] ۷۱۱
پسر رحیم‌خان؛ [ج ٤] ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۱۰، ۹۳۸، ۹٤۳، ۹۵۵، ۹۵۶ (نیز، نک: بیوک‌خان)
پسر سردار اسعد؛ [ج ٤] ۷۹۲، ۷۹۷
پسر ظل السلطان؛ [ج ۳] ۶۶٤، ۶۶۵
پسر نایب‌حسین؛ [ج ٤] ۹۵۷، ۹۵۸
پطروس ارمنی : [ج ۸] ۲۰٤۰
پطروس ملک ادرسیان (ادریسیان؟): [ج ۷] ۱۶۰۲
پطروف؛ [ج ۵] ۹۸۱، ۹۹۵، ۹۹۹ (نیز، نک: پتروف)
پوتک (ادوارد)؛ [ج ۵] ۱۱۷۲
پوران سنگ: [ج ۸] ۲۱٤۶
پیترز (سیرجنت)؛ [ج ۵] ۱۰۹۸
پیترسن (لفتنان)؛ [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۲۲۸، (ماژور)؛ [ج ۷] ۱۵۷۷، ۱۶۵۹؛ [ج ۸] ۱۷۶۸، ۱۸۵۱
پیچر (کاپیتان)؛ [ج ۷] ۱۶۳۸

[ج ٤] ۹۳۸؛ [ج ٥] ۱۱٦۳
تامان؛ [ج ۸] ۱۸٦۸
ترور (کاپیتان ــ میجر ــ مسیجر؟)؛ [ج ۲] ٤٦٦؛ [ج ٤] ۸۲۰
تزار؛ [ج ۳] ٦۲۱، ٦۲۷
تقی زاده؛ [ج ۱] ۹۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱٤۸، ۱٥٤، ۱٦٥، ۱۹٦، ۲۱٦، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲٤٥، ۲٦۲، ۲٦۳؛ [ج ۳] ٥٥۰، ٥۷۱، ٦٦٤، ٦٦٥، ٦۹۹، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۲۷؛ [ج ٤] ۷۷۸، ۸٤٥، ۸۹۰، ۸۹٥، ۸۹۷، ۹۰٥، ۹۰٦، ۲۱٤، ۹۳۰؛ [ج ٥] ۱۰۳٦
تمدن الملک؛ [ج ٥] ۹۷۳، ۱۲٤۷
تنلی (سروالتر)؛ [ج ۸] ۱٦۹٥، ۱۷۲۰ ــ ۱۷٦٥، ۱۷٦۷، ۱۷۷۱ ــ ۱۷۷٥، ۱۷۷۷ ــ ۱۷۷۹، ۱۷۸۱ ــ ۱۷۸٤، ۱۷۸٦ ــ ۱۷۹۲، ۱۷۹٥ ــ ۱۷۹۸، ۱۸۰۱، ۱۸۰۳ ــ ۱۸۰٦، ۱۸۰۹، ۱۸۱۱ ــ ۱۸۱٤، ۱۸۱۷ ــ ۱۸۲٦، ۱۸۳۲، ۱۸۳۷ ــ ۱۸٤۳، ۱۸٤٥ ــ ۱۸٥۱، ۱۸٥٥، ۱۸٥۷ ــ ۱۸٦۰، ۱۸٦٤ ــ ۱۸۸٥، ۱۸۸۸، ۱۸۹۰، ۱۸۹٥ ــ ۱۹۰۳، ۱۹۰٥، ۱۹۰٦، ۱۹۱۲ ــ ۱۹۱٤، ۱۹۲۱ ــ ۱۹۳٤، ۱۹۳٦، ۱۹۳۹، ۱۹٤۲، ۱۹٤۳، ۱۹٤٦، ۱۹٤۸، ۱۹٥۰، ۱۹٥۲ ــ ۱۹٥٥، ۱۹٥۷ ــ ۱۹٦٤، ۱۹٦۸ ــ ۱۹۷۰، ۱۹۷۲، ۱۹۷٤، ۱۹۷٦، ۱۹۷۹، ۱۹۸۱، ۱۹۸۳ ــ ۱۹۹۰، ۱۹۹۲، ۱۹۹٤، ۱۹۹۷ ــ ۲۰۰۲، ۲۰۰٤ ــ ۲۰۰٦، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۳، ۲۰۱٤، ۲۰۱۷ ــ ۲۰۲۲، ۲۰۲٤ ــ ۲۰۲٦، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۰۳۱ ــ ۲۰۳٥، ۲۰٤۳ ــ ۲۰٤۸، ۲۰٥۰، ۲۰٥۲ ــ ۲۰٥٥، ۲۰٦۰ ــ ۲۰٦۳، ۲۰٦٥ ــ ۲۰٦۹، ۲۰۷۱، ۲۰۷۲، ۲۰۷٤ ــ ۲۰۷۷، ۲۰۷۹، ۲۰۸۷ ــ ۲۰۹۲، ۲۰۹٤ ــ ۲۱۰۲، ۲۱۰٤، ۲۱۰۷ ــ ۲۱۱٥، ۲۱۲۸ ــ ۲۱۳۰، ۲۱۳۲، ۲۱۳٤ ــ ۲۱۳٦، ۲۱۳۸ ــ ۲۱٤۳، ۲۱٤۸، ۲۱٥۲ ــ ۲۱٥٥، ۲۱٥۷
تومانیانس؛ [ج ٥] ۱۲۱۹: [ج ۸] ۱٦۹۰
تیمورخان؛ [ج ۱] ۱٥۷
ثقة الاسلام؛ [ج ۲] ٤۸۸، : [ج ۳] ٥۹۱: [ج ۷] ۱٥۱۰، ۱٥۱۲، ۱٥۱٥، ۱٥۱۸، ۱٥۲۰، ۱٥۲٤، ۱٥٤۹، ۱٥۹۸، ۱٦۰۲: [ج ۸] ۲۰۳۹، ۲۰٤۰
ثقة الملک؛ [ج ٤] ۸۱۸، ۸۲۱
جاکسن جوزف (نک: مرنارد)
جعفرقلی خان (بختیاری)؛ [ج ۸] ۱۸۹۱
جلال الدوله؛ [ج ۱] ۹۰، ۲۱٤، ۲۱٥، ۲۲۸: [ج ۲] ۳۸۰: [ج ٤] ۸٦۹، ۹٦٦، ۹۷۰: [ج ٥] ۹۹٤، ۹۹٥، ۹۹۹، ۱۰٥۷: [ج ۸] ۱۸٦۰
جمشیدیان؛ [ج ۸] ۱٦۹۰
جنتلمن؛ [ج ٤] ۸۰٦: [ج ۷] ۱٦۲۳
جوادخان؛ [ج ٤] ۸۳٦: [ج ۸] ۱۹۷٥
جواد سامانی (معتمد همایون)؛ [ج ۸] ۲۱٥۸
جوجو (ججو)؛ [ج ٥] ۱۰۳۸
جولد (گولد) براند (لفتنان)؛ [ج ٥] ۱۰۸٥، ۱۲۲۸
جهانگیر (راهزن)؛ [ج ۸] ۲۱۰٥
جهانگیرخان (صوراسرافیل)؛ [ج ۱] ۲۳۹، ۲٤٦
جیمز ــ جیمس؛ [ج ۳] ۷۳۱: [ج ٤] ۸۰٦

جیهند ــ جهیند؛ [ج ٤] ۸۱۲، ۹٦۰

چرچیل؛ [ج ۲] ۳٤۱، ۳٤٦، ۳٥٤، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۸، ٤٥۹، ٥۲٦؛ [ج ۳] ٥٥۱—٥٥٤، ٥۹۹، ٦۰۸، ٦۱٥، ٦۱٦، ٦۱۸، ٦۲۱، ٦۳۹، ٦٤۱، ٦٤٤، ٦٤٥، ٦۸۱، ٦۸۳، ٦۸٦، ۷۰٤، ۷۰٥، ۷۰۸، ۷۲۲، ۷۲۸، ۷٦۰؛ [ج ٤] ۸۲٦، ۹۲۳؛ [ج ٥] ۱۰۲۰، ۱۰۳۳، ۱۰۹۱؛ [ج ٦] ۱۳۸۹؛ [ج ۸] ۱۷۳۸، ۱۷٥۲، ۱۷۷۳

جریکوف (چاریکوف)؛ [ج ۱] ۲٦٤، ۲۷۳، ۲۷٦، ۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹٤—۲۹۹، ۳۰۷، ۳۰۸؛ [ج ۲] ٥۱٥؛ [ج ۳] ٥٤۲، ٥٤٤، ٥٤٥، ٥٥٤، ٥۷٥

چیک؛ [ج ۳] ٦٦۰، ٦۳۳؛ [ج ٥] ۱۱۹٥؛ [ج ٦] ۱٤٤۲؛ [ج ۸] ۱۹۱٤، ۱۹۲۱، ۲۱۱٥، ۲۱۲۳

حاج امام جمعهٔ خوئی؛ [ج ٦] ۱۳۸۹

صاحب الدوله؛ [ج ۸] ۱۹۲۸

حاج سید نصرالله؛ [ج ۳] ٦۷٤، ۷۲۷؛ [ج ٤] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳

حاج شیخ الرئیس؛ [ج ٤] ۹۲۹

حاج میرزا رضاخان؛ [ج ٤] ۷۷۸

حاجی آخوند (مجتهد)؛ [ج ٤] ۷۹٥

حاجی آقا؛ [ج ٤] ۹۳۷

حاجی آقا محسن (اراکی)؛ [ج ۱] ٥٥

حاجی آقا ولی؛ [ج ۷] ۱٦٦۷ (نیز، نک: حاجی آقای والی)

حاجی آقای والی؛ [ج ۸] ۱۹۹٦ (نیز، نک: حاجی آقا ولی)

حاجی ابراهیم؛ [ج ۳] ٦۰۲

حاجی ایلخانی؛ [ج ٥] ۱۰۲۳؛ [ج ۸] ۱۹۹۱

حاجی حسین خان کلانتر؛ [ج ۸] ۱۹۹٦

حاجی خسروخان؛ [ج ۳] ۷٦۲

حاجی رئیس؛ [ج ۸] ۲۰٤۹

حاجی رستم بیگ؛ [ج ٥] ۱۰۳۹

حاجی رحیم خان؛ [ج ۲] ٥۳۰

حاجی سید محمد کازرونی؛ [ج ۷] ۱٦۲۳

حاجی سیف الدوله؛ [ج ۳] ۷٦٥؛ [ج ٦] ۱۲۸۲، ۱۳۳۹

حاجی شیخ محمد واعظ؛ [ج ۱] ۹، ۱۱

حاجی عزالممالک؛ [ج ٦] ۱۳۸۸

حاجی علی آقا؛ [ج ۱] ۲۸٦؛ [ج ۳] ٥٦۹، ٦۰۳

حاجی علی اکبر (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱٦۲۲

حاجی علیقلی خان (سردار اسعد)؛ [ج ۸] ۱٦۸٥

حاجی علی لاری؛ [ج ۳] ٦٥۱

حاجی قوام؛ [ج ٥] ۱۲۰۷

حاجی مجدالدوله؛ [ج ۳] ۷۰۷؛ [ج ٥] ۱۱۳۱، ۱۲۰٥

حاجی محمد (در رودی)؛ [ج ٤] ۷۹٥

حاجی محمد باقر (در رودی)؛ [ج ٤] ۷۹٥، ۷۹٦، ۸۳۰

حاجی محمد حسین کازرونی؛ [ج ۱] ۳٥

حاجی محمد کریم خان (قشقائی)؛ [ج ٥] ۱۰٥۸؛ [ج ۷] ۱٦٤۲؛ [ج ۸] ۱۹٦٦، ۲۰۸٤، ۲۰۸٥

حاجی میرزا آقاسی؛ [ج ۱] ۹

حاجی میرزا رضاخان؛ [ج ٥] ۱۰٥٥

حاجی میرزا علی صراف اصفهانی؛ [ج ٥]

۱۲٤۷
حاجی نایب؛ [ج ۱] ۱۳۸، ۱۵۸؛ [ج ۲] ۵۳۱
حبیب‌الله خان؛ [ج ۲] ۵۳۳؛ [ج ٤] ۹٦۰
حسام‌الدوله؛ [ج ۳] ٦۰۱، ٦٤۸، ۷۲۹
حسام الملک؛ [ج ٦] ۱۳٤۰
حسن بخشو (نک: بخشو)
حسن (وثوق‌الدوله) نک: وثوق‌الدوله
حسن‌خان ــ حسن‌خان کشکولی؛ [ج ۸] ۲۰۱٤، ۲۰۱۷، ۲۰۸۲، ۲۰۸۵، ۲۰۸٦
حسنعلی خان کشکولی ۲۰۸٤ (نیز، نک: حسن‌خان کشکولی)
حسین (پسر نایب‌الصدر)؛ [ج ۱] ۲۸٦
حسین بیگ؛ [ج ۸] ۲۰۸٦
حسین خان (یاغی ــ کرمانی) ۱۷۳٤
حسین‌خان (معین‌الوزاره)؛ [ج ٦] ۱۳٤۱؛ [ج ۷] ۱۵۰۲، ۱۵۰۵—۱۵۰۷، ۱٦٦٦ (نیز، نک: معین‌الوزاره)
حسین دوانی؛ [ج ۸] ۲۱۲٦
حسین‌خان کسمائی؛ [ج ۳] ۷٤٤
حسین خان (میرزا)؛ [ج ۸] ۱۷۲۵، ۱۷۳۰
حسینقلی؛ [ج ۳] ۷۰٤
حسینقلی‌خان؛ [ج ۳] ۷٤۱؛ [ج ٤] ۸٤۵، ۹۰٦، ۹۲٦، ۹۲۷، ۹٤٤، ۹۵۰، ۹۵۳، ۹۵٦، ۹۷۲؛ [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۷، ۱۰۳۵، ۱۰۳٦؛ [ج ۸] ۱۷٦۷، ۱۷۷۳، ۱۸۱٤ (نیز نک: حسینقلی خان نواب)
حسینقلی خان (کرمانشاهی ــ همدست یار محمدخان)؛ [ج ۸] ۱۹۹۷
حسینقلی خان‌نواب؛ [ج ۱] ۹۲، ۲٤٦؛ [ج ۳] ۵۹۷، ٦۷٤، ۷۰۷، ۷۲۷؛ [ج ٤] ۷۷۸، ۸۸۰؛ [ج ۸] ۱۷۷۳، ۱۸۱٤ (نیز، نک: حسینقلی خان)
حسینقلی شاهسون؛ [ج ۵] ۱۰۳۷
حشمت‌الدوله؛ [ج ۳] ۵۵۹، ۵٦۳؛ [ج ۸] ۱۹۲۸
حشمت‌السلطان (علی خان)؛ [ج ٦] ۱٤۸۱
حشمت الملک؛ [ج ۱] ۳۵؛ [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۱۵۳، ۱۲۰۷، ۱۲۳۱؛ [ج ۷] ۱٦۵۸
حشمت الممالک؛ [ج ٤] ۸۳٤
حکیم الملک (دکتر)؛ [ج ۳] ۷۰٤، ۷۲۷؛ [ج ٤] ۷۷۸، ۸۸۰، ۹۰٦؛ [ج ۵] ۱۲۰۵؛ [ج ٦] ۱۳۳۵؛ [ج ۷] ۱۵۳۲، ۱۵۳۵، ۱۵٤۸، ۱۵۹۹، ۱٦۰۰، ۱٦۵۵
حمیدی؛ [ج ۱] ۱٦۷
حیدرخان (تروریست قفقازی ــ عمواوغلی؟)؛ [ج ٦] ۱۳۳۸
حیدرخان (فراشباشی امیر اعظم)؛ [ج ۸] ۱۸۲۹
حیدرخان کمارجی؛ [ج ۳] ۷٦٤؛ [ج ۸] ۱۹۱۸
حیدر قلی خان؛ [ج ۸] ۲۰۰۷
حییم؛ [ج ۷] ۱٦۱۵
خازن الملک؛ [ج ٤] ۷۹۵
خاص آقا؛ [ج ۲] ٤۲٦
خان احمدی؛ [ج ۸] ۱۹۱۸، ۱۹۱۹
خان انگالی؛ [ج ۳] ٦۵۷؛ [ج ۵] ۱۰٤۰؛ [ج ۸] ۱۹۱۸، ۱۹۱۹
خان برازجان؛ [ج ۷] ۱۵٦۱، ۱۵٦۸، ۱٦۷۲؛ [ج ۸] ۱٦۹۳، ۱۷۰۳، ۱۹۱۸، ۱۹۱۹، ۲۱۲۲
خان بنادر سرحد (روس)؛ [ج ۵] ۱۱۹۱
خان بندر (بوشهر)؛ [ج ٤] ۸۷۳
خان بندر ریگ؛ [ج ۳] ۷۱٦

خان دالکی؛ [ج ۸] ۱۹۱۹، ۱۹٤٤، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲
خان دشتی؛ [ج ۸] ۱۹۱۹
خان شبانکاره؛ [ج ۸] ۱۹٤٤
خان کمارج؛ [ج ۵] ۱۰۵٤، ۱۰۷۲، ۱۰۸۰؛ [ج ۷] ۱٦٤۳؛ [ج ۸] ۱۸۰٦، ۱۹٤٤ (نیز نک: خورشید خان کمارجی)
خان ماکو؛ [ج ۳] ٦٦۳؛ [ج ۷] ۱٦۳۰
خبیرالدوله؛ [ج ۱] ۱۲۷، ۱۳۹
خدار ــ خدر محمد زمان؛ [ج ۸] ۲۱٤۷
خسروخان؛ [ج ۱] ۸۳؛ [ج ۲] ٤۷۱؛ [ج ۳] ٦٤۹
خوانین شهرابی؛ [ج ۵] ۱۰۷۷
خوبیوف (کاپیتان)؛ [ج ۳] ۷۵۵
خوردل (علی اکبر)؛ [ج ٦] ۱٤۷۷
خورشید خان کمارجی؛ [ج ۸] ۱۸۰۷، ۱۸۱۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۲۰، ۱۹٦۱، ۲۰۸٦ (نیز نک: خان کمارج)
خوشتاریان؛ [ج ۸] ۲۱٤۹

دابیژا ــ دابیجا ــ دابیجی ــ داپی چا (پرنس)؛ [ج ۱] ۹۳؛ [ج ۳] ٦٤۷، ٦٤۸، ۷٤٤؛ [ج ٤] ۹۰۷؛ [ج ۷] ۱٦۱٤، ۱٦۱۸؛ [ج ۸] ۱۹۷۱
داته (مسیو)؛ [ج ٦] ۱۳۲٤
داراب میرزا؛ [ج ٤] ۸۵۲، ۸٦۳؛ [ج ۵] ۱۱٦۹، ۱۱۷۸
دارسی: [ج ٤] ۸۱۵، ۸۳۱
داگلاس ــ دوگلاس (کلنل)؛ [ج ٦] ۱۳۱۹، ۱۳۹۸، ۱٤۵۲؛ [ج ۸] ۱۷٤۵، ۱۷۵۳، ۱۷٦۰، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۸۱۸، ۱۸۷۲، ۱۸۷۵، ۱۸۸۹، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲٤ ــ ۱۹۲۸، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۵۲، ۱۹٦۷، ۱۹۸۵، ۲۰۲۲، ۲۰۳۵، ۲۰٤٤ ــ ۲۰٤۷، ۲۰۸۷، ۲۰۸۸، ۲۱۳۷
دالتون: [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۳۰
داودخان؛ [ج ۲] ۳۸٤، ۳۸۵، ٤۱۰، ۵۳۳؛ [ج ٤] ۷۸۷، ۸۲۳، ۸۳۵، ۸٦۳، ۸۷۲، ۸۷٦، ۸۸۵، ۸۸٦، ۸۸۹، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹٦۰؛ [ج ٦] ۱۲۸۷؛ [ج ۷] ۱٦۲۸ (نیز نک: داودخان کلهر ــ سردارمظفر)
داودخان کلهر؛ [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷٦۳؛ [ج ٤] ۷۸٦، ۹۱۰؛ [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۹۹، ۱۱۳۹، ۱۱٤٤، ۱۱۵٤، ۱۲۳۱؛ [ج ۸] ۱٦۹٦، ۱۷٦۲، ۱۷٦٤ــ۱۷٦٦، ۱۷۸٤، ۱۷۸۵، ۱۷۹٤، ۱۷۹۸، ۱۸۱۸ (نیز نک: داودخان ــ سردار مظفر)
داود ساسون و کمپانی؛ [ج ۳] ٦۵٦
دبیرالملک؛ [ج ٤] ۸۵۵، ۹۰٦؛ [ج ۵] ۱۲۰۵؛ [ج ۷] ۱۵۳٦
دتر(مسیو) ۲۱٤۰
درنزدوسکی (کلنل)؛ [ج ۸] ۱۹۷۱
دریابیگی؛ [ج ۱] ۹۵، ۱۱۲؛ [ج ۲] ٤۷۲؛ [ج ۳] ۵٤۸، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۹٦، ٦۰۵، ٦۱۲، ۷۱٦، ۷۳۳، ۷٤۷؛ [ج ٤] ۷۹۹، ۸۷۳، ۸۹٤، ۹٤۱، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۱۰۰۰؛ [ج ٦] ۱۳٤۱؛ [ج ۸] ۱۹۸۵، ۲۰٦۳، ۲۰٦٦
دمرنی (مسیو)؛ [ج ۵] ۱۲۲۸
دواتر (مسیو)؛ [ج ٦] ۱۳۲٤
دوداین؛ [ج ۳] ٦۹۸
دوکات ــ دوکا (ماژور)؛ [ج ۱] ۱۳۸؛ [ج ۷] ۱٦۲۳
دوگلاس (کلنل)؛ [ج ۱] ۱۰، ٦۲، ٦٤؛ [ج ۷]

۱٤۸۸، ۱٤۸۹، ۱٤۹۱، ۱٤۹٦، ۱٤۹۷، ۱٤۹۹، ۱۵۱۰، ۱۵۲۱، ۱۵٤۱، ۱۵٤۲، ۱۵٦۸، ۱۵۷۱، ۱٦۰۵، ۱٦۱۰، ۱٦۳۸، ۱٦۳۹
دولت آبادی (محمدخان): [ج ۳] ٦۰۰
دومارہ (لیوتنان): [ج ۷] ۱٤۹٤
ده بزرگی (علی اکبر): [ج ۵] ۱۱۱۸؛ [ج ٦] ۱٤٦۳، ۱٤٦٤
دیکسی (بروس): [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳، ۱۱٤٦
دیلسن [دیکسن؟] (لفتنان): [ج ۷] ۱٦۲٤

ذکاء الملک: [ج ۱] ۱۷۸؛ [ج ٤] ۷۷۸، ۸۹۱؛ [ج ۵] ۱۰۱۱؛ [ج ٦] ۱٤٤٤: [ج ۷] ۱۵۳۵، ۱۵٤۸، ۱۵۹۹

رئیس روحانی کربلاء: [ج ۳] ۷۱۲
رئیس علی؛ [ج ۳] ۷۱٦، ۷۳۳ (نیز نک: رئیس علی تنگستانی)
رئیس علی تنگستانی؛ [ج ٤] ۹٤۱ (نیز، نک: رئیس علی)
رابینو؛ [ج ۱] ۵۲، ۵۹، ٦۲، ۸٤، ۱٤۱، ۱٦۱، ۱۷۰، ۲۱۳؛ [ج ۲] ۳۵۲، ٤۲۵؛ [ج ۵] ۱۲۰۰
راتیسلا ــ راتیس لو ــ رتیس لو؛ [ج ۱] ۲۳، ۲۸، ٤۳، ۵۳، ۲٦٦، ۲۹۲، ۳۱۰، ۳۱۱؛ [ج ۲] ۳۵۱، ۳٦۸، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸٦، ۳۸۸—۳۹۰، ٤۰۳، ٤۱٤، ٤۱۵، ٤۱۷، ٤۱۹، ٤۲۲—٤۲٤، ٤۳۳، ٤۳۵، ٤٤۲، ٤٤٦، ٤۵۳، ٤۵۵، ٤٦۲، ٤۸۱، ٤۸۸، ۵۰٤، ۵۲۵، ۵۲٦؛ [ج ۳] ۵٦۵، ۵۷۱، ۵۸۳، ۵۹۰، ۵۹٤، ۵۹۹
راس (ویلسن)؛ [ج ۷] ۱٦۲٤
راس (میس)؛ [ج ۷] ۱۵٤٤، ۱٦۲٤ (نیز نک: رس، خانم ــ مادموازل)
راسل (بارون)؛ [ج ٦] ۱۲۷۲، ۱۲۷۳
رانژل (کنت): [ج ۵] ۹۷٦، ۹۸۷
رتیسلا؛ [ج ٤] ۸۱۱ (نیز نک: راتیسلا)
رجب افندی؛ [ج ۱] ۵۲
رحیم خان (نمایندهٔ شیخ محمره)؛ [ج ۸] ۲۰٤۸ (نیز نک: آقا رحیم)
رحیم خان؛ [ج ۱] ۵۱، ۵۳، ۲۳٦، ۲۷۱، ۲۷۲؛ [ج ۲] ۳۷۱، ٤۳٤، ٤٤۰، ٤٤۲، ٤٤۳، ٤٦۲، ٤۸۲، ٤۹۹؛ [ج ۳] ۵٦۵، ٦٤٦، ٦۹٤، ۷۰۱، ۷۳٦، ۷٤۸—۷۵۲، ۷۵٤، ۷۵٦—۷۵۸، ۷٦۰، ۷٦۱، ۷٦۷؛ [ج ٤] ۷۷۹—۷۸۱، ۷۸٤، ۷۸۵، ۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۳، ۸۱۵، ۸۱۹، ۸۲۱؛ [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۲۰۲؛ [ج ٦] ۱۳۳۷
ردکو (جنرال): [ج ۸] ۱۸٦۸، ۱۹۷۱
رس (خانم ــ مادموازل): [ج ٦] ۱۲٦۵، ۱۲٦۸، ۱۲۷۳، ۱۲۷۵، ۱۲۸۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹٦، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹
رسالدار ــ رسیلدار (ماژور)[؟]: [ج ۷] ۱۵۳۹، ۱۵٤٤، ۱٦۲٤
رستم بیگ: [ج ۵] ۱۰۹۹
رشیدالسلطان؛ [ج ٤] ۹۳٦، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۵۵؛ [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۵۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷٦، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰٦، ۱۲۲۸، ۱۲۳۲؛ [ج ۷] ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵٦٦، ۱۵٦۸، ۱۵۹۸، ۱٦۰۳

رشید الملک؛ [ج ۱] ۱۷۸؛ [ج ۳] ۷۰۱، ۷۴۹، ۷۶۰؛ [ج ٤] ۷۷۹، ۷۸۵؛ [ج ۵] ۱۱۶۱، ۱۱۶۲؛ [ج ۷] ۱۵۶۷، ۱۶۱۰، ۱۶۳۰
رضا (حضرت)؛ [ج ۸] ۲۰۱٤
رضا قلی خان (شیبانی)؛ [ج ۸] ۱۷٤۰، ۱۷۵۸، ۱۷۶۸
رضا قلی خان قوام الملک (نک: قوام الملک)
رفعت (نظام) [؟]؛ [ج ۸] ۱۸۲۷
رفعت الدوله؛ [ج ۳] ۶٤۹، ۷۲۹
رفعت نظام؛ [ج ۳] ۷۶۳؛ [ج ۶] ۱٤٤۹؛ [ج ۷] ۱۶۰۵؛ [ج ۸] ۱۷۶۹، ۱۸۲۰، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۳٤، ۱۸۵۷
رفیع الدوله؛ [ج ۷] ۱۶۳۰
رکن الدوله؛ [ج ۱] ۱۲٤؛ [ج ۲] ٤۶۷؛ [ج ۳] ۵۶۷، ۵۷۸، ۵۸۰، ۶۰۰، ۶٤۷، ۷۲۹، ۷٤٤؛ [ج ٤] ۸۱۱، ۸۳۳، ۹۰۷، ۹۳۰، ۹۷۰؛ [ج ۵] ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹؛ [ج ۶] ۱۳۳۷، ۱٤٤۸، ۱٤۷۱؛ [ج ۷] ۱۵۳۸
رنکینگ (لفتننت)؛ [ج ۱] ۱۳۹؛ [ج ٤] ۸۱۱
روتر؛ [ج ٤] ۹٤۲
روکو (ماژور ژنرال)؛ [ج ۷] ۱۶۵۷
رومانوسکی؛ [ج ۳] ۶۳۹، ۶٤۱، ۶٤٤، ۷۰۵
ری (کاپیتان)؛ [ج ۳] ۷۶٤؛ [ج ٤] ۸۰۶
ریت میستر سیف ورت؛ [ج ۶] ۱۳٤۷
ریچی؛ [ج ۷] ۱۵۹۱، ۱۶۱٤، ۱۶۳٤؛ [ج ۸] ۱۷۵۱، ۱۸۷۷، ۱۹۲۵
ریس (پرنس هانری)؛ [ج ۸] ۱۹٤۰

زاپولسکی ــ زپولسکی (کاپیتان)؛ [ج ۳] ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۵، ۷۰۶
زایر خزر ــ زایر خدر (زایر خضر)؛ [ج ٤] ۸۹٤، ۹٤۱
زایر قادر (زایر خدر؟)؛ [ج ۳] ۷۱۶
زکی خان (فارسی مدان)؛ [ج ۸] ۲۰۸۵
زلیونیکستن (مستر)؛ [ج ۵] ۱۱۵۰
زمان خان؛ [ج ۵] ۱۰۹۸
زیقلر ــ زیگلر؛ [ج ۱] ۱۳۹، ۱۵۷، ۲۷۲
ژان (مسیو)؛ [ج ۸] ۱۸۳۲
ژرژ (پادشاه انگلیس)؛ [ج ٤] ۸۵٤
سابلین ــ سبلین؛ [ج ۱] ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۸؛ [ج ۲] ۳۳۶، ۳٤٤، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶٤، ۳۷۶، ۴۰۳، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴٤۰، ۴٤۱، ۴٤۳، ۴۵۳، ۴۷۳، ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۸، ۵۲۷، ۵۲۹؛ [ج ۳] ۵۴۲، ۵٤٤، ۵٤۷، ۵٤۸، ۵۵٤، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۸۲، ۵۸٤، ۵۸۵، ۵۸۹، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱٤، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۲۱، ۶۲٤، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۵۲، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۸۱، ۶۸۳—۶۸۵، ۶۹۳، ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۳۵
ساتم (مهندس)؛ [ج ۸] ۱۷۷۹، ۱۸۱۹
سازانوف؛ [ج ۳] ۵۸٤، ۵۸۵، ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۹۷، ۷۳۸، ۷٤۸؛ [ج ٤] ۸۳۹، ۹۲۰، ۹۲۱؛ [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۱٤، ۱۱۰۵؛ [ج ۶] ۱٤۰۳—۱٤۰۷، ۱٤۱٤، ۱٤۱۹، ۱٤۲۳، ۱٤۲٤، ۱٤۵۱، ۱٤۵۳، ۱٤۵۹؛ [ج ۷] ۱٤۸۹، ۱٤۹۶—۱٤۹۸، ۱۵۰۱،

۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵،
۱۵۲۹—۱۵۳۱، ۱۵۳۳، ۱۵۴۸، ۱۵۵۰،
۱۵۵۲، ۱۵۵۵، ۱۵۵۷—۱۵۵۹، ۱۵۶۳،
۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۹، ۱۵۷۲ — ۲۵۷۴،
۱۵۸۰، ۱۵۸۳ — ۱۵۸۵، ۱۵۸۷، ۱۵۹۰،
۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۶۰۷ — ۱۶۱۳،
۱۶۱۷—۱۶۲۰، ۱۶۳۰، ۱۶۳۴، ۱۶۳۶،
۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۶۴؛ [ج ۸] ۱۷۰۲،
۱۷۱۲—۱۷۱۶، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۲،
۱۷۲۶، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۵۳، ۱۷۹۲،
۱۸۷۰، ۱۸۷۶، ۱۸۷۹، ۱۹۰۶، ۱۹۲۶،
۱۹۴۹، ۱۹۵۱، ۱۹۵۴، ۱۹۵۶، ۱۹۵۷،
۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۳، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲،
۲۰۰۳، ۲۰۲۰، ۲۰۲۷، ۲۰۴۳، ۲۰۹۸،
۲۱۰۱، ۲۱۱۵، ۲۱۳۳، ۲۱۳۶، ۲۱۴۲
ساعد الدوله؛ [ج ۱] ۴۳
سالار ارشد کردستانی؛ [ج ۸] ۱۷۹۶
سالار ارفع؛ [ج ۲] ۳۸۳ (نیز نک: سردار ظفر)
سالار اشرف؛ [ج ۲] ۲۳۰
سالار الدوله ــ سالار الدولهٔ قاجار؛ [ج ۱] ۴۶،
۶۷، ۹۸، ۱۵۶، ۱۷۵؛ [ج ۴] ۹۳۲؛ [ج ۵]
۱۰۷۴، ۱۰۹۶، ۱۱۲۱، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰،
۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۶،
۱۱۵۹، ۱۱۷۳، ۱۱۸۵، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳،
۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۵،
۱۲۰۸ — ۱۲۱۰، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۸،
۱۲۲۱، ۱۲۲۵، ۱۲۳۱—۱۲۳۴؛ [ج ۶]
۱۲۵۸، ۱۲۶۶، ۱۲۷۳، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴،
۱۲۸۶ — ۱۲۸۸، ۱۲۹۰، ۱۳۲۹، ۱۳۳۱،
۱۳۳۳، ۱۳۳۶، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۴۲۸،
۱۴۴۲، ۱۴۵۰، ۱۴۵۶، ۱۴۵۶؛ [ج ۷]
۱۵۳۱، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۸۹، ۱۵۹۳،
۱۵۹۷، ۱۶۰۵، ۱۶۰۸، ۱۶۱۶، ۱۶۱۸،
۱۶۲۸، ۱۶۳۳، ۱۶۳۶، ۱۶۴۵، ۱۶۵۳،
۱۶۵۸، ۱۶۶۲، ۱۶۶۵ — ۱۶۶۸، ۱۶۷۳،
۱۶۷۶ — ۱۶۸۰؛ [ج ۸] ۱۶۹۴ — ۱۶۹۷،
۱۶۹۹، ۱۷۰۰ — ۱۷۰۲، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵،
۱۷۰۷، ۱۷۱۰، ۱۷۱۲ — ۱۷۱۵، ۱۷۲۱،
۱۷۲۳، ۱۷۲۶، ۱۷۳۲، ۱۷۳۵، ۱۷۴۰،
۱۷۴۱، ۱۷۴۵، ۱۷۴۸ — ۱۷۵۰، ۱۷۵۵،
۱۷۵۹، ۱۷۶۱ — ۱۷۶۷، ۱۷۷۰، ۱۷۷۴،
۱۷۸۲ — ۱۷۸۶، ۱۷۹۳ — ۱۷۹۸، ۱۸۱۷،
۱۸۲۴، ۱۸۴۳، ۱۸۴۷، ۱۸۴۹، ۱۸۵۵،
۱۸۵۷، ۱۸۵۸، ۱۸۸۵، ۱۸۸۸، ۱۹۰۲،
۱۹۲۳، ۱۹۲۹، ۱۹۴۱، ۱۹۴۲، ۱۹۵۲،
۱۹۵۳، ۱۹۵۸، ۱۹۶۲ — ۱۹۶۴، ۱۹۷۰،
۱۹۷۲ — ۱۹۷۵، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۹،
۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۶ — ۲۰۰۸،
۲۰۱۹، ۲۰۵۰، ۲۰۵۱، ۲۰۶۵، ۲۰۸۹،
۲۱۰۴، ۲۱۰۵، ۲۱۳۶، ۲۱۴۰، ۲۱۴۹،
۲۱۵۲.
سالار السلطان؛ [ج ۱] ۳۸، ۱۷۵، ۱۷۶؛ [ج ۲]
۳۸۵
سالار حشمت؛ [ج ۸] ۱۹۶۴، ۲۰۸۳، ۲۰۸۴
سالار خان؛ [ج ۲] ۵۳۱؛ [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۰،
۷۴۵؛ [ج ۴] ۸۲۲
سالار مسعود؛ [ج ۴] ۸۲۳ (حسین خان گوران)؛
[ج ۷] ۱۶۶۷
سالار مظفر؛ [ج ۸] ۱۷۶۵
سالار معزز؛ [ج ۳] ۵۶۷، ۷۲۹
سالار مکرم؛ [ج ۱] ۱۲۴؛ [ج ۳] ۷۲۹
سالار مؤید؛ [ج ۴] ۹۳۹؛ [ج ۵] ۹۸۱
سالار منصور؛ [ج ۸] ۱۹۷۵
سالار همایون؛ [ج ۷] ۱۶۶۷

سامانی (جواد)؛ [ج ۲] ۵۴۰؛ [ج ۸] ۲۱۵۸
ساکس ــ سایکس (ماژور)؛ [ج ۱] ۳۴؛ [ج ۲] ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۶۷، ۴۶۸؛ [ج ۳] ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴؛ [ج ۴] ۷۹۶، ۸۳۰؛ [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۳۸، ۱۲۲۹؛ [ج ۶] ۱۲۷۸، ۱۲۸۱؛ [ج ۷] ۱۵۹۷
سپهدار ــ سپهداراعظم؛ [ج ۱] ۲۴، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۷۴، ۲۸۸؛ [ج ۲] ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۵۲۱، ۵۲۹؛ [ج ۳] ۵۴۱—۵۴۷، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰۷—۶۰۹، ۶۱۱—۶۱۴، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۱—۶۴۵، ۶۸۱—۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۹، ۷۰۱، ۷۰۴—۷۰۷، ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۱—۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۵۸؛ [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۷۸۴، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۹۵، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۷، ۹۱۳، ۹۳۰؛ [ج ۵] ۱۰۰۳، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۱۱، ۱۰۲۸، ۱۰۳۰، ۱۰۳۳، ۱۰۳۵ — ۱۰۳۷، ۱۰۴۱، ۱۰۶۷، ۱۰۷۳، ۱۰۷۷، ۱۰۸۴، ۱۰۹۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۸، ۱۱۲۱، ۱۱۲۵، ۱۱۳۹، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶، ۱۱۶۳، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۳۷؛ [ج ۷] ۱۶۰۸، ۱۶۱۳، ۱۶۲۰، ۱۶۳۰، ۱۶۳۲، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶؛ [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۶۹۹، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۹ — ۱۷۲۲، ۱۷۲۴، ۱۷۴۰، ۱۷۹۲، ۱۸۲۲، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۴۰ — ۱۸۴۴، ۱۸۴۶، ۱۸۵۵، ۱۸۶۶ — ۱۸۶۹، ۱۸۷۱ — ۱۸۷۳، ۱۸۸۴ — ۱۸۸۶، ۱۹۲۱، ۱۹۴۰، ۱۹۷۰، ۲۰۶۷، ۲۰۹۷، ۲۰۹۹، ۲۱۰۱، ۲۱۰۳، ۲۱۳۸.
سپهسالار ــ سپهسالاراعظم؛ [ج ۱] ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۲۸۴؛ [ج ۲] ۴۲۸، ۴۶۹، ۵۰۹
ستارخان؛ [ج ۱] ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۲۶، ۳۲۸؛ [ج ۲] ۳۶۱، ۳۸۷، ۳۹۱، ۴۰۹، ۴۴۶، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۸۹، ۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۱۵، ۵۱۶؛ [ج ۳] ۵۵۶—۵۵۸، ۵۷۱، ۵۷۶، ۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۰۸، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۲، ۷۰۱، ۷۱۹، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۸، ۷۶۰؛ [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۴، ۸۱۴، ۸۱۶—۸۱۹، ۸۲۴—۸۲۷، ۸۳۳، ۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶—۹۱۹، ۹۲۸؛ [ج ۸] ۱۷۰۷، ۲۰۳۷
سرایان سنگ؛ [ج ۸] ۲۱۴۴، ۲۱۴۶
سرداراجلال؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
سردار احتشام (ضیغم الدوله)؛ [ج ۶] ۱۴۷۸؛ [ج ۷] ۱۶۴۳؛ [ج ۸] ۱۹۶۵، ۱۹۶۷، ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، ۲۰۸۱، ۲۰۸۳—۲۰۸۶ (نیز نک: ضیغم الدوله)
سردارارشد؛ [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۳۵، ۱۱۷۰، ۱۱۷۳، ۱۱۹۶، ۱۲۰۲، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹
سردارارفع؛ [ج ۱] ۲۸۲؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۷۶۵
سردار اسعد (علیقلی خان بختیاری)؛ [ج ۱] ۲؛ [ج ۲] ۴۳۳، ۴۵۱، ۵۱۸، ۵۲۳، ۵۴۰؛ [ج ۳] ۵۷۲، ۵۷۹—۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۸۹، ۶۰۱، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۳۶—۶۴۵، ۶۸۱—۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۴—۷۰۷، ۷۱۰، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱،

۷۲۶، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۳،
۷۷۳: [ج ٤] ۷۸۳، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۹،
۸۳۶، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۵۴، ۸۵۵،
۸۶۸، ۸۷۳، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۸، ۸۸۹،
۸۹۱، ۹۰۶، ۹۱۲، ۹۱۶، ۹۲۲،
۹۳۷—۹۳۹، ۹۵۴، ۹۶۷؛ [ج ۵] ۱۰۳۶،
۱۰۴۳، ۱۰۴۷—۱۰۴۹، ۱۰۵۵، ۱۰۵۸،
۱۰۶۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۸، ۱۰۹۶، ۱۱۱۶،
۱۱۱۹، ۱۱۲۱، ۱۱۹۷، ۱۲۳۳، ۱۲۴۷؛
[ج ۶] ۱۲۵۰، ۱۳۸۰، ۱۳۹۹، ۱۴۰۱،
۱۴۲۹؛ [ج ۷] ۱۴۸۶، ۱۵۳۲، ۱۵۳۶؛
[ج ۸] ۱۶۸۵، ۱۷۷۱، ۱۷۹۵،
۱۸۶۲، ۱۸۸۸ — ۱۸۹۰، ۱۸۹۳، ۱۸۹۵،
۱۸۹۶، ۱۹۶۴، ۱۹۷۵، ۲۰۰۷، ۲۰۹۴،
۲۱۵۰، ۲۱۵۸ (نیز نک: علیقلی خان بختیاری)

سردار اشجع ــ سردار اشجع بختیاری: [ج ٤]
۸۱۱، ۸۳۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۹۰۸، ۹۳۰،
۹۵۶، ۹۶۸: [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۰۹۷، ۱۲۳۰:
[ج ۶] ۱۳۳۸، ۱۴۴۸: [ج ۷] ۱۵۳۹،
۱۶۰۴: [ج ۸] ۱۷۵۵، ۱۷۵۷، ۱۸۰۲،
۱۸۱۹، ۱۸۹۲، ۲۰۵۱، ۲۰۹۶، ۲۱۵۰
سردار اشرف؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
سردار افخم؛ [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶: [ج ۵] ۱۱۵۲
سردار اکرم (نظر علی خان امرائی)؛ [ج ٤]
۸۸۵، ۹۳۲، ۹۴۰؛ [ج ۵] ۱۲۱۰، ۱۲۳۴:
[ج ۸] ۱۷۰۴، ۱۷۶۶، ۱۹۰۲
سردار امجد؛ [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳؛ [ج ۸] ۱۷۲۳،
۱۷۳۱
سردار بهادر (پسر سردار اسعد)؛ [ج ٤] ۷۸۵،
۸۰۹، ۸۱۰، ۸۲۱، ۸۳۳، ۸۴۵، ۸۵۵،
۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۶، ۹۱۸؛ [ج ۵] ۹۷۹،
۹۹۹، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰:
[ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۲،
۱۴۵۰
سردار جنگ ــ سردار جنگ بختیاری (نصیر بختیاری)؛ [ج ۳] ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۶،
۷۶۲؛ [ج ٤] ۷۷۹، ۷۸۱، ۸۴۶، ۸۵۶،
۸۹۳، ۹۰۹، ۹۴۱، ۹۳۹، ۹۷۰؛ [ج ۵]
۱۱۹۸؛ [ج ۶] ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۳۵۰،
۱۴۴۵؛ [ج ۸] ۱۷۹۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳،
۱۸۳۹، ۱۸۵۶، ۱۸۶۲، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶،
۱۸۸۶، ۱۸۸۸—۱۸۹۳، ۱۸۹۵—۱۸۹۷،
۱۹۲۷، ۱۹۴۱، ۱۹۴۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱،
۱۹۸۴، ۱۹۸۹—۱۹۹۲، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹،
۲۰۵۳، ۲۰۵۵، ۲۰۵۷—۲۰۵۹، ۲۰۷۱،
۲۰۹۴
سردار سعید خان؛ [ج ٤] ۸۱۲، ۸۲۴
سردار سعید خان (کپی)؛ [ج ۱] ۱۵۹
سردار سعید خان (بلوچ)؛ [ج ۸] ۲۱۵۰
سردار ظفر؛ [ج ۲] ۳۶۵، ۴۱۳: [ج ٤] ۸۳۴،
۹۱۳، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۵۷: [ج ۷] ۱۵۳۹،
۱۶۰۴، ۱۶۵۷ (نیز نک: سالار ارفع)
سردار ظفر بختیاری؛ [ج ٤] ۸۷۲، ۹۲۹: [ج ۵]
۱۰۹۸، ۱۱۹۸، ۱۲۱۳، ۱۲۳۲، ۱۲۳۴:
[ج ۶] ۱۲۸۳، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۳۴۰:
[ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۷۴۰، ۱۷۶۸، ۲۰۵۷،
۲۰۵۸، ۲۱۵۰
سردار فاتح بختیاری (معین همایون)؛ [ج ۷]
۱۶۰۴؛ [ج ۸] ۱۹۸۷، ۱۹۹۰، ۲۰۰۸،
۲۰۱۰، ۲۰۵۱
سردار فیروز؛ [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۶، ۳۲۳:
[ج ۲] ۳۸۶، ۴۳۱
سردار محتشم (غلامحسین بختیاری)؛ [ج ۳]

۵۸۳، ۶۰۱؛ [ج ۴] ۹۳۱؛ [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۹، ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰؛ [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۴؛ [ج ۷] ۱۵۳۵، ۱۵۴۸، ۱۵۹۹؛ [ج ۸] ۱۷۳۹، ۱۷۹۹، ۱۸۰۱، ۱۸۱۴، ۱۸۵۵، ۱۸۹۳، ۱۸۹۵، ۱۸۹۶
سردار محیی (معزالسلطان)؛ [ج ۴] ۹۰۷، ۹۱۶—۹۱۸؛ [ج ۵] ۱۱۵۴، ۱۲۰۲، ۱۲۰۷، ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵؛ [ج ۶] ۱۲۸۷؛ [ج ۸] ۱۷۶۷، ۱۷۷۲، ۱۸۶۰، ۲۰۰۷
سردار مسعود؛ [ج ۳] ۶۱۵
سردار مظفر (داود خان)؛ [ج ۳] ۵۶۶؛ [ج ۵] ۱۲۳۱؛ [ج ۶] ۱۳۴۰؛ [ج ۷] ۱۵۷۱، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷
سردار معتضد (بهجت الملک)؛ [ج ۱] ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰؛ [ج ۲] ۴۱۳، ۴۲۹؛ [ج ۵] ۱۰۹۹
سردار معتمد؛ [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰؛ [ج ۳] ۷۲۸؛ [ج ۵] ۱۰۳۷، ۱۲۲۹
سردار معظّم؛ [ج ۸] ۱۹۹۰
سردار منصور؛ [ج ۱] ۱۸۵، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸؛ [ج ۲] ۳۸۰، ۴۲۶، ۴۶۰؛ [ج ۳] ۷۰۷، ۷۲۶؛ [ج ۴] ۷۸۴، ۸۶۵، ۸۶۷
سردار مؤید؛ [ج ۸] ۱۹۹۳
سردار ناصر؛ [ج ۴] ۸۲۳، ۹۱۲
سردار نصرت؛ [ج ۲] ۵۲۸؛ [ج ۴] ۹۷۰، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۳۹، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸؛ [ج ۶] ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۹۰، ۱۳۴۰؛ [ج ۷] ۱۶۵۸؛ [ج ۸] ۱۷۶۹، ۱۷۷۶، ۱۸۲۹، ۱۸۶۰، ۲۰۵۱، ۲۱۰۶
سردار همایون؛ [ج ۱] ۱۷۴؛ [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰؛ [ج ۵] ۱۲۲۹
سعدالدوله؛ [ج ۱] ۱۶، ۲۵، ۷۸، ۸۱، ۸۶—۸۸، ۹۳، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵؛ [ج ۲] ۳۴۴، ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۹۱، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۱۲، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۴۱، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۷۳، ۴۸۲، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۴۰؛ [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۵۰—۵۵۳، ۵۵۹—۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۸، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۲، ۶۳۷—۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۸۰، ۶۸۲، ۷۰۴، ۷۱۷، ۷۴۴؛ [ج ۵] ۱۱۹۶؛ [ج ۸] ۱۹۵۷، ۱۹۵۹، ۱۹۶۴، ۲۰۰۱، ۲۰۰۴ — ۲۰۰۶، ۲۰۱۷—۲۰۲۰، ۲۰۲۳، ۲۰۲۵—۲۰۳۳، ۲۰۵۰، ۲۰۶۷، ۲۰۸۹، ۲۰۹۰، ۲۰۹۶، ۲۰۹۸، ۲۱۰۳، ۲۱۰۴
سعد السلطنه؛ [ج ۱] ۳۲۲
سعدالملک؛ [ج ۳] ۷۴۳
سعیدالسلطنه؛ [ج ۱] ۹۵
سعید الممالک؛ [ج ۲] ۵۹۹
سعید خان؛ [ج ۵] ۱۱۵۴؛ [ج ۶] ۱۲۸۵
سعید خان بمی؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
سلطان احمد شاه؛ [ج ۸] ۱۷۱۰، ۱۷۸۰، ۱۸۸۳ (نیزنک: احمدشاه)
سلطان العلماء؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
سلطانعلی خان وزیر دربار؛ [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸
سلیمان میرزا؛ [ج ۱] ۲۱۷؛ [ج ۸] ۱۷۳۰، ۱۷۶۷، ۱۷۷۲، ۲۰۰۷
سلیم خان بهادر السلطنه؛ [ج ۲] ۳۸۸
سون (مستر، ویس قنسول)؛ [ج ۸] ۱۷۶۴، ۱۷۶۵

سهام الدوله: [ج ۳] ۶۶۵، ۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۶—۷۴۸، ۷۶۳؛ [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۶، ۷۸۲؛ ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۶۷، ۸۶۸
سهام السلطنه: [ج ۲] ۵۲۳؛ [ج ۸] ۲۰۵۹
سید: [ج ۲] ۴۲۵، ۴۴۶، ۴۶۷، ۴۷۸، ۴۷۹؛ [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۲۹
سید ابوالحسن: [ج ۳] ۵۶۹
سید احمد (دستکی): [ج ۱] ۱۷۵
سید اسدالله: [ج ۳] ۷۱۴، ۷۳۳، ۷۴۷
سید اسدالله نجفی: [ج ۳] ۶۱۲
سید اکبر: [ج ۱] ۱۷۴
سید اکبر شاه: [ج ۵] ۱۱۵۴
سیدالمحققین [ج ۵] ۱۰۱۱
سید باقر: [ج ۸] ۱۸۶۰
سید جعفر: [ج ۳] ۵۶۹
سید جلیل اردبیلی: [ج ۸] ۱۷۶۷
سید جمال الدین (واعظ؟): [ج ۱] ۴۱، ۲۱۶
سید حسن: [ج ۱] ۲۶۲
سید حسین لاری: [ج ۲] ۴۱۰
سید شبر: [ج ۳] ۷۳۳ (نک: شیخ شبر)
سید شهاب: [ج ۱] ۱۳۸
سید عبدالله ــ سید عبدالله مجتهد: [ج ۳] ۶۹۰؛ [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۸۷۴، ۸۷۹، ۸۹۷، ۹۰۵، ۹۱۲، ۹۱۴، ۹۲۵ (نیز نک: آقا سید عبدالله مجتهد)
سید عبدالحسین: [ج ۲] ۵۳۴؛ [ج ۳] ۶۰۳، ۷۱۴
سید عبدالحسین لاری: [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۷۵؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۴۳۱؛ [ج ۳] ۶۰۵، ۶۱۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۳؛ [ج ۴] ۷۸۹ (نیز نک: سید لاری)
سید عبدالصاحب: [ج ۳] ۷۱۶
سید علی یزدی: [ج ۱] ۱۴۵
سید کمال الدین: [ج ۳] ۷۱۱
سید لاری: [ج ۲] ۳۸۵، ۴۳۱، ۴۶۵، ۴۷۱؛ [ج ۳] ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۹، ۷۱۳، ۷۳۳، ۷۴۱ (نیز نک: سید عبدالحسین لاری)
سید محمد: [ج ۱] ۲۰۰، ۲۸۳
سید محمد: [ج ۳] ۷۱۳
سید محمد روضه خوان: [ج ۷] ۱۶۶۷
سید مرتضی: [ج ۲] ۴۴۴، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۷۷، ۴۷۸؛ [ج ۳] ۶۰۵، ۷۱۶؛ [ج ۴] ۹۶۴
سید مرتضی اهرمی: [ج ۳] ۷۴۷ (نیز نک: سید مرتضی)
سیفورت (ماژور): [ج ۸] ۱۸۱۳، ۱۸۵۱، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۸۷، ۱۸۹۷—۱۹۰۰، ۱۹۰۳، ۱۹۱۱، ۱۹۱۲، ۲۰۱۱، ۲۰۴۶، ۲۰۷۵ — ۲۰۷۷، ۲۰۸۲، ۲۰۹۶، ۲۱۵۰
شاپشال: [ج ۱] ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۴
شاه (احمد شاه): [ج ۸] ۱۷۱۰، ۱۷۸۰، ۱۸۸۳ (نیز نک: احمد شاه، سلطان احمد شاه، ولیعهد)
شاه جهان (شاه جهانیان) ــ پرویز: [ج ۱] ۲۷، ۳۵، ۱۶۲
شاهزاده فرمانفرما: [ج ۲] ۳۶۹، ۳۷۰، ۴۳۲، ۴۵۳ (نیز نک: فرمانفرما)
شاهزاده نایب السلطنه: [ج ۲] ۳۴۶ (نیز نک: نایب السلطنه)
شاه مخلوع: [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۷۴، ۱۰۸۵،

۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۲،
۱۱۲۴—۱۱۲۷، ۱۱۳۴—۱۱۴۳، ۱۱۵۲،
۱۱۵۶—۱۱۵۸، ۱۱۶۰—۱۱۶۴، ۱۱۶۷،
۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۶—۱۱۷۹، ۱۱۸۷،
۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۹،
۱۲۰۰، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵—۱۲۰۸، ۱۲۱۱،
۱۲۱۲، ۱۲۱۴—۱۲۲۰، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴،
۱۲۲۵، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۳: [ج ۶]
۱۲۶۱، ۱۲۶۳، ۱۲۶۶، ۱۲۷۳، ۱۲۷۸،
۱۲۸۱، ۱۲۸۷، ۱۲۸۹، ۱۲۹۲، ۱۲۹۸،
۱۲۹۹، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۴، ۱۳۱۲،
۱۳۲۱، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۹، ۱۳۳۲،
۱۳۳۳، ۱۳۳۷، ۱۳۶۷، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸،
۱۳۸۲، ۱۳۹۲، ۱۳۹۵—۱۳۹۷، ۱۴۰۰،
۱۴۰۲، ۱۴۰۴، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۱۰،
۱۴۱۱، ۱۴۱۴، ۱۴۱۷، ۱۴۲۲، ۱۴۴۱،
۱۴۴۸: [ج ۷] ۱۵۰۰، ۱۵۰۹، ۱۵۱۲،
۱۵۱۸، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۹—۱۵۳۱،
۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۴۰، ۱۵۵۰، ۱۵۵۳،
۱۵۵۵، ۱۵۶۲—۱۵۶۷، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰،
۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۳،
۱۵۸۴، ۱۵۸۶ — ۱۵۸۹، ۱۵۹۱، ۱۵۹۳،
۱۵۹۵، ۱۵۹۷، ۱۶۰۳، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸،
۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۴، ۱۶۱۶ — ۱۶۱۹،
۱۶۲۷، ۱۶۲۹ — ۱۶۳۲، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸،
۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۴ — ۱۶۴۶، ۱۶۵۲ —
۱۶۵۷، ۱۶۶۱، ۱۶۶۳، ۱۶۷۴، ۱۶۸۰؛
[ج ۸] ۱۶۹۴ — ۱۶۹۷، ۱۶۹۹، ۱۷۰۲،
۱۷۱۴، ۱۷۳۷، ۱۸۱۵، ۱۸۲۴، ۱۸۴۱،
۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۹۲۸، ۱۹۷۳، ۱۹۸۲،
۱۹۹۲ — ۱۹۹۴، ۲۰۱۸، ۲۰۲۴، ۲۰۳۲،
۲۰۳۶، ۲۰۳۷، ۲۰۵۰، ۲۱۰۳، ۲۱۳۴ (نیز
نک: محمد علی شاه، محمد علی شاه
قاجار، محمد علی میرزا)
شجاع التولیه: [ج ۳] ۶۴۷
شجاع الدوله ــ شجاع: [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۶۹۶،
۱۶۹۷، ۱۶۹۹، ۱۷۰۱، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵،
۱۷۱۷، ۱۷۱۹—۱۷۲۲، ۱۷۲۴، ۱۷۹۲،
۱۸۲۳، ۱۸۲۴، ۱۸۴۴، ۱۸۶۶—۱۸۶۹،
۱۸۷۱—۱۸۷۳، ۱۸۸۴، ۱۸۸۶، ۱۹۲۸،
۱۹۵۵، ۱۹۸۰، ۱۹۸۲، ۱۹۹۳، ۲۰۳۵،
۲۰۳۶، ۲۰۳۸ — ۲۰۴۱، ۲۰۶۷، ۲۰۹۷،
۲۰۹۹، ۲۱۰۳، ۲۱۳۲، ۲۱۳۸ (نیز نک:
صمد خان)
شجاع السلطان: [ج ۸] ۱۸۲۹
شجاع السلطنه: [ج ۵] ۱۲۳۵
شجاع العلماء: [ج ۸] ۱۹۹۶
شجاع الملک: [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴: [ج ۳]
۷۲۹، ۷۴۵
شجاع نظام: [ج ۱] ۳۰۹، ۳۲۴: [ج ۲] ۳۸۹
شجیع الملک: [ج ۳] ۷۲۹
شرف الملک ــ شرف الملک کردستانی:
[ج ۷] ۱۶۶۶: [ج ۸] ۱۷۰۴
شعاع السلطنه: [ج ۱] ۱۴، ۱۵، ۱۵۲، ۱۵۶:
[ج ۲] ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۶۰: [ج ۵] ۱۱۸۷،
۱۱۹۶، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵، ۱۲۲۹: [ج ۶]
۱۳۰۰، ۱۳۰۳، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸—۱۳۱۰،
۱۳۱۲—۱۳۱۴، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۲۰،
۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹، ۱۳۳۱،
۱۳۳۲، ۱۳۴۹، ۱۳۵۴ — ۱۳۵۶، ۱۳۶۰ —
۱۳۶۲، ۱۳۶۵، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۴۳۸،
۱۴۳۹، ۱۴۴۱، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵: [ج ۷]
۱۵۸۹، ۱۶۳۸: [ج ۸] ۱۷۳۸، ۱۷۴۰
شکرالله: [ج ۳] ۸۰۸

شکسپیر (کاپیتان): [ج ۲] ٤٦٥
شکوه السلطان؛ [ج ۸] ۱۸۲۹، ۱۹۹٦
شماسکینسکی: [ج ۸] ۲۱۵۲
شوستر، مورگان: [ج ۵] ۱۰۰۲، ۱۰۰٤، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷، ۱۰۷۳، ۱۰۸۷، ۱۰۹۱، ۱۰۹٤، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۹—۱۱۱۱، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۹، ۱۱۳٦، ۱۱٤٦—۱۱٤۹، ۱۱۵۱، ۱۱۵۵، ۱۱٦٤، ۱۱۷٤، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۹۰، ۱۱۹۹، ۱۲۲۵، ۱۲۲۸؛ [ج ٦] ۱۲۵۷، ۱۲٦٤، ۱۲۷۹—۱۲۸۲، ۱۲۸۹، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹٦، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۳—۱۳۰۵، ۱۳۰۷، ۱۳۱۰—۱۳۲۳، ۱۳۲٦، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹—۱۳۳۲، ۱۳۳۵، ۱۳۳٦، ۱۳۳۹، ۱۳٤٦، ۱۳٤۸—۱۳۵۳، ۱۳۵٦، ۱۳۵۸—۱۳٦٤، ۱۳٦۷، ۱۳٦۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۲، ۱۳۷۵، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۳، ۱۳۸٦، ۱۳۸۸، ۱۳۹۲، ۱٤۰۰—۱٤۰۲، ۱٤۰٤، ۱٤۰۷—۱٤۰۹، ۱٤۱٤، ۱٤۲۳، ۱٤٤۰، ۱٤٤۵، ۱٤٤٦، ۱٤۵۵، ۱٤۵۹، ۱٤٦۱؛ [ج ۷] ۱٤۹۲، ۱٤۹٤، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۱۹، ۱۵۲۳، ۱۵۲۵، ۱۵۳٤، ۱۵۵۲، ۱۵۹۱، ۱٦۰۱، ۱٦۵۱، ۱٦۵۲؛ [ج ۸] ۱۷۷۳
شوکت الملک؛ [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۷۵، ۱۰۹٦، ۱۰۹۷
شهاب الدوله (اسدالله میرزا)؛ : [ج ٤] ۷۷۳؛ [ج ۷] ۱٦۵۷؛ [ج ۸] ۱۷٦۸ (نیز نک: اسدالله میرزا)
شهاب السلطان: [ج ۸] ۱۹۷۵
شهاب السلطنه؛ [ج ٤] ۹٦۹؛ [ج ۵] ۱۲۳۰؛ [ج ۸] ۱۷٤۰
شهباز؛ [ج ۸] ۲۱۲۳، ۲۱۲٦
شوکت الدوله؛ [ج ۱] ۱۲٤
شوکت الملک؛ [ج ۳] ۷۲۹
شیپلی؛ [ج ٤] ۸۲۷، ۸۳۳؛ [ج ۷] ۱۵۱۱، ۱۵۲٦، ۱۵۲۹، ۱٦۵٦؛ [ج ۸] ۲۰۳۵، ۲۰٤۱، ۲۰٤۲
شیخ (محمره)؛ [ج ۸] ۱۷۲۷، ۱۷٤۹، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸٤۰، ۲۰٤۹ (نیز نک: شیخ محمره)
شیخ آقا (مجتهد)؛ [ج ٤] ۷۹۵
شیخ اسماعیل هشترودی؛ [ج ٤] ۸۹۰
شیخ الاسلام؛ [ج ۷] ۱٦٦۷
شیخ الرئیس؛ [ج ۱] ۹، ۳۳، ۱۹۵، ۲۳۸
شیخ چارک؛ [ج ۷] ۱٦٤۸
شیخ چیرو؛ [ج ۷] ۱٦٤۸
شیخ حسین چاه کوتائی؛ [ج ۳] ۷۱٦
شیخ حسین خان؛ [ج ۸] ۱۹۱۹
شیخ خزعل: [ج ٤] ۷۹۹، ۹۳۳، ۹٤۲
شیخ زکریا ــ شیخ زکریای لارستانی؛ [ج ۲] ۵۳٤، ۵۳۵؛ [ج ۳] ۷۱۳؛ [ج ٤] ۹٤۱؛ [ج ۷] ۱۵۵۱
شیخ سلیم؛ [ج ۷] ۱۵۰۷، ۱۵۱۰، ۱۵٤۹
شیخ شبر: [ج ۳] ۵٦۸ (نک: سید شبر)
شیخ عبدالله زنجانی: [ج ۳] ۷۳۲
شیخ علی: [ج ۳] ۷۳٤
شیخ علی دشتی: [ج ۳] ۷۳۳؛ [ج ۷] ۱۵۵۱
شیخ فضل الله: [ج ۱] ۵۱، ۵۸، ۷۳، ۱٤۵؛ [ج ۲] ۳٤٦، ٤۱۲، ٤۲۹؛ [ج ۳] ٦۳۹، ٦٤۳، ٦۹۹، ۷۰۰، ۷۰۷
شیخ محمد حسین یزدی: [ج ۳] ۷۲۸
شیخ محمره: [ج ۷] ۱۵٤۰؛ [ج ۸] ۱۷۲٦، ۱۷۲۹، ۱۷٤۲، ۱۷٦۲، ۱۷٦٦، ۱۷۷۰،

۱۷۷۱، ۱۷۹۸، ۱۸۰۲، ۱۸٤۰، ۱۸۸۹،
۱۸۹۰، ۱۸۹۵، ۱۹٦۹، ۱۹۸٤، ۲۰٤۸،
۲۱۰۷، ۲۱۵۱
شیخ محمود؛ [ج ۱] ۲۹
شیخ نزقور؛ [ج ٤] ۹٦۲
شیرخان؛ [ج ۲] ۵۳۳
شیندلر ــ شنیدلر؛ [ج ٦] ۱۲۹۷، ۱۳۳۹، ۱۳۹۲

صاحب اختیار؛ [ج ۱] ۱۳۹، ۱٦۹ــ۱۷۱،
۱۷۵، ۱۷۷، ۳۰۵، ۳۲۲؛ [ج ۲] ۴۷۰؛
[ج ۳] ٦۰۲؛ [ج ۵] ۹۹۸، ۱۱۵۲، ۱۲۰٦
صارم الدوله؛ [ج ۳] ۷۳۰
صارم الملک [پسر ارشد سردار ظفر]؛ [ج ٤]
۹٤۰، ۹۷۰
صارم الممالک؛ [ج ٤] ۹۰۹؛ [ج ۸] ۲۱۰٤
صدراعظم؛ [ج ۳] ۵۵۱؛ [ج ۸] ۱٦۹۸، ۱۷۲۹،
۱۷۷۱، ۱۷۸۰، ۱۷۸۲، ۱۷۹۱، ۱۸۱٤،
۱۸۳۹، ۱۸٦۵، ۱۹٤۰، ۱۹۵۷، ۱۹۵۹،
۱۹٦۰، ۱۹٦٤، ۱۹۷٤، ۲۰۰٤، ۲۰۰٦،
۲۰۲۰، ۲۰۲۵، ۲۰۵٤، ۲۰۵۵، ۲۰٦۸،
۲۱۰۱، ۲۱۳۲، ۲۱٤۸، ۲۱٤۹
صدرالدین بیگ؛ [ج ۲] ۳۷۸، ٤٤۲
صدرالعلماء؛ [ج ۲] ۳۸٤
صدیق الحرم؛ [ج ۱] ۲٦۲
صدیق حضرت؛ [ج ۳] ۷۲۷؛ [ج ٤] ۷۷۸
صدیق السلطنه؛ [ج ۳] ۷۲۸
صدیق الملک؛ [ج ۷] ۱۵٤۹
صمدخان؛ [ج ۲] ٤۳۳، ٤۳٤، ٤٦۲، ٤٦۳،
٤۸۲، ٤۹۳، ٤۹۹، ۵۰۰، ۵۱٤؛ [ج ۳]
۵٤۷، ۵۹۱، ۵۹۳، ۵۹٤، ۷۰۸، ۷۳۹،
۷٤۹، ۷٦۰؛ [ج ٤] ۷۷۹، ۸۲۱؛ [ج ۵]
۱۰۱۰، ۱۰۹٦، ۱۱۹۰، ۱۲۱۲ــ۱۲۱٤،
۱۲۱۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳؛ [ج ٦]
۱۲۸۷ــ۱۲۸۹، ۱۳۳۳، ۱۳۳۷؛ ۱٤٤۱،
۱٤٤۷؛ [ج ۷] ۱٤۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۹،
۱۵۱۱، ۱۵۱۵، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۳۱،
۱۵۳٦، ۱۵٦۲، ۱۵٦۵ــ۱۵٦۷، ۱۵۹۸،
۱٦۰۲، ۱٦۰۸، ۱٦۱۰، ۱٦۱۳، ۱٦۲۰،
۱٦۲۹ــ۱٦۳۲، ۱٦٤۲، ۱٦٤٤، ۱٦٤۵،
۱٦۵۲، ۱٦۵۳، ۱٦۵٦ (نیز نک: شجاع
الدوله)
صمصام؛ [ج ۲] ٤۳۲
صمصام خان؛ [ج ۲] ۳۵۱
صمصام السلطان؛ [ج ۸] ۱۹۹٦، ۲۰۸۲
صمصام السلطنه (نجفقلی بختیاری)؛ [ج ۱]
۵٤، ۸۱؛ [ج ۲] ۳٦۰، ۳٦۳، ۳٦٦ــ۳۷۰،
۳۸۳، ۳۹۳، ٤۰۷، ٤۰۸، ٤۱۱، ٤۱۳،
٤۳۲، ٤۵۳، ٤۷۱، ٤۷۲، ۵۱۵، ۵۱۸،
۵۲۱، ۵۲٤، ۵۳۱؛ [ج ۳] ۵۷۲، ۵۸۳،
۵۹۵، ٦۰۱، ٦۳۱، ٦۳۸، ۷۰۷، ۷۰۹،
۷۱۰، ۷۳۰؛ [ج ٤] ۷٦۲، ۷۸۵، ۷۹۷،
۷۹۸؛ [ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۱۲۲، ۱۱٤۰،
۱۲۰٤، ۱۲۰۵، ۱۲۰۷، ۱۲۲۹، ۱۲۳۲؛
[ج ٦] ۱۲۸۲، ۱۳٤۹، ۱٤۳۹،
۱٤٤۳ــ۱٤٤٦، ۱٤٦۷، ۱٤۷۲، ۱٤۷۵؛
[ج ۷] ۱۵۳۲، ۱۵۳۵، ۱۵٤٦، ۱۵٤۸،
۱۵۵٦، ۱٦۷۱، ۱٦۷٤؛ [ج ۷] ۱۵۹۹؛
[ج ۸] ۱٦۹۸، ۱۷۳۹، ۱۷۷۱، ۱۷۸۲،
۱۸۱۰، ۱۸۱٤، ۱۸٦۵، ۱۸۹۳، ۱۹۵۹،
۱۹۸۵، ۲۰۰٦، ۲۰۵۰، ۲۰۵۵، ۲۰٦۳،
۲۰۸۵، ۲۱۰٤
صمصام الممالک ــ صمصام الممالک سنجابی؛
[ج ۲] ۳۵۳، ۳۸٤؛ [ج ٤] ۹۰۲، ۹٦۰؛

[ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۹۹، ۱۱۵٤؛ [ج ۷] ۱٦٦۷؛ [ج ۸] ۱۷٦۵، ۱۷۹٦، ۱۹۵۵، ۱۹۹۵، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱
صمصام نظام؛ [ج ۵] ۹۸۲
صنیع الدوله؛ [ج ۱] ۲۵، ۸۰، ۸٦، ۸۹، ۱۱۰، ۱۳٦، ۱٦۵، ۱٦۹، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۸—۱۹۰، ۲۲۰، ۲۸۹، ۳۱۸؛ [ج ۲] ۳۸۰، ۵۲۹؛ [ج ۳] ۵۹۷، ٦۷٤، ۷۰۷، ۷۲۷؛ [ج ٤] ۷۷۸، ۷۸٤، ۸۵٤، ۸٦۷، ۹٤٤، ۹۵٦؛ [ج ۵] ۹۷۹، ۹۸۷—۹۸۹، ۹۹۳، ۹۹۸، ۱۰۰۳، ۱۰۰۸، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۸، ۱۰۳٦، ۱۰٦۷، ۱۰۷۰
صنیع حضرت؛ [ج ۳] ٦۳٦، ٦٤۳، ۷۰۰، ۷۰۷
صولت الدوله؛ [ج ۲] ۳۸۵، ٤۱۰، ٤۱٤، ٤۳۲، ٤۷۲، ۵۳٤، ۵۳۵؛ [ج ۳] ٦۰۲—٦۰٤، ٦۳٤، ٦۵۰، ٦۵۳، ۷۱۳—۷۱۵، ۷۲٦، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷٤٦؛ [ج ٤] ۷۷٤، ۷۷۵، ۷۸۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰٤، ۸۰۸—۸۱۰، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲٤، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۳٦، ۸۵٦، ۸۵۷، ۸٦٦، ۸٦۷، ۸۷۲، ۸۷٤، ۸۸۸، ۸۹۲—۸۹٤، ۹۰۸—۹۱۰، ۹۱۳، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۳، ۹۳٦، ۹۳۷، ۹٤۱، ۹٤۵، ۹٤٦، ۹٦۰، ۹٦۱، ۹٦۷، ۹۷۲؛ [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۷—۹۷۹، ۹۸۳، ۹۸۸، ۹۹٦، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۱٤، ۱۰٤۰، ۱۰٤۷، ۱۰٤۹، ۱۰۵۲، ۱۰۵۹، ۱۰٦۲، ۱۰٦۵، ۱۰۷۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۵، ۱۱۱۸، ۱۱۳۷، ۱۱٦۷، ۱۱۸٦، ۱۱۹۷، ۱۲۰۳، ۱۲۱۵، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۳، ۱۲۲٤، ۱۲۳۱، ۱۲٤۲، ۱۲٤٤—۱۲٤٦؛ [ج ٦] ۱۲۵٤—۱۲٦۰، ۱۲٦۳، ۱۲٦٤، ۱۲٦٦—۱۲٦۹، ۱۲۷٤، ۱۲۷۵، ۱۲۷۹، ۱۲۹۵، ۱۳۳۹، ۱٤٦۵، ۱٤٦۷، ۱٤٦۸، ۱٤۷۱ — ۱٤۷۸، ۱٤۸۰، ۱٤۸۱؛ [ج ۷] ۱٦۱٦، ۱٦٤۲؛ [ج ۸] ۱٦۹۱، ۱۷۳٤، ۱۷۵۷—۱۷۵۹، ۱۷٦۸، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۸۹، ۱۸۰٤، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱٦، ۱۸۷۳—۱۸۷۵، ۱۸۸۷، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰٤، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۷—۱۹۱۹، ۱۹۳۰، ۱۹٤۱، ۱۹٤۳، ۱۹٤٤، ۱۹٦٤، ۱۹٦٦، ۱۹٦۷، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷، ۱۹۸۵، ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، ۲۰۱٤—۲۰۱٦، ۲۰٦٤، ۲۰۷۹ — ۲۰۸۵، ۲۱۰۷، ۲۱۱۷، ۲۱۲۱
صولت السلطان؛ [ج ۸] ۱۸۳٦
صولت السلطنه؛ [ج ۵] ۹۹۹، ۱۰۱٤؛ [ج ٦] ۱۲۷۹، ۱٤۷۸، ۱٤۸۱؛ [ج ۷] ۱٦٤۲، ۱٦۸۱؛ [ج ۸] ۱۹٦۵، ۱۹٦٦، ۲۰۰۸، ۲۰۸۳—۲۰۸۵
صولت الملک؛ [ج ٤] ۷۸۹؛ [ج ۸] ۱۸۲۹، ۱۸۳٦
ضرغام؛ [ج ۳] ۷۳٦
ضرغام الدوله؛ [ج ۵] ۱۰۹۸
ضرغام السلطنه؛ [ج ۲] ۳٦۳، ٤۰٦، ٤۰۷
ضرغام السلطنه بختیاری؛ [ج ٤] ۹۱٦
ضرغام الشریعه؛ [ج ٦] ۱٤٦٤
ضرغام بختیاری (حسین خان)؛ [ج ۳] ۷٦۲
ضرغام نظام (رودباری)؛ [ج ۵] ۱۱۰۰؛ [ج ۸] ۱۸۲۸
ضیاء الدوله؛ [ج ۷] ۱٤۹٦، ۱۵۵٤، ۱۵۵۵،

۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۶۳، ۱۵۷۰، ۱۵۷۳، ۱۵۷۶، ۱۵۷۹، ۱۵۸۵، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۶۰۲، ۱۶۵۶؛ [ج ۸] ۲۰۳۸، ۲۰۴۱
ضیاء السلطان؛ [ج ۵] ۱۲۳۰؛ [ج ۸] ۱۷۴۰، ۱۹۷۵
ضیغم الدوله؛ [ج ٤] ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۸۸، ۸۹٤، ۹۰۸، ۹۱۳، ۹۳۳، ۹۷۰؛ [ج ۵] ۹۸۱، ۹۹۹، ۱۰۵۷، ۱۰۹۰، ۱۰۹۸، ۱۱۱۹؛ [ج ۶] ۱۲۶۹، ۱۲۷۹، ۱۳۳۹، ۱٤۷۲، ۱٤۷۵، ۱٤۷۸، ۱٤۸۰، ۱٤۸۱ (نیز نک: سردار احتشام)
ضیغم السلطنه؛ [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۶
ظفر السلطنه؛ [ج ۱] ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۵٤، ۱۷۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۲۱؛ [ج ٤] ۸۲٤، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸٤۶، ۸۵۶، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۶، ۹۰۰، ۹۰٤، ۹۱۳، ۹۳۲، ۹۳۳؛ [ج ۵] ۱۰۵۶، ۱۰۷٤، ۱۱۵۲؛ [ج ۶] ۱٤۸۰
ظل السلطان؛ [ج ۱] ۳۱، ۶۹، ۸۱، ۸۲، ۹۰، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳٤، ۱٤۰، ۱٤٤، ۱٤۶، ۱٤۷، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶—۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۰—۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰٤، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲٤۹، ۲۶۸، ۲۸۲؛ [ج ۲] ۳۸۰؛ [ج ۳] ۵٤۸، ۵۵٤، ۵۷۹، ۵۸۱، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۶٤، ۶۶۵، ۶۹۰، ۶۹۶، ۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱٤، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳٤، ۷٤۱، ۷٤۳، ۷٤٤؛ [ج ٤] ۸۶۹، ۸۹۱، ۹۳۱، ۹۶۶؛ [ج ۵] ۹۸۵، ۱۰۱۱؛ [ج ۶] ۱٤۸۰
ظهیرالاسلام؛ [ج ۵] ۱۲۰۵
ظهیرالدوله؛ [ج ۱] ٤۸، ۶۷، ۱۲۸، ۱۷۳، ۲۳۹؛ [ج ۳] ۶۵۰، ۷۳۱؛ [ج ٤] ۷۹۸؛ [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۵۶؛ [ج ۶] ۱۳۳۷
ظهیرالسلطان؛ [ج ٤] ۹۵۶، ۹۶۸؛ [ج ۵] ۹۸۰
ظهیرالعلماء؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
ظهیرالملک؛ [ج ۲] ۵۳۳؛ [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷٤۶

عباس آقا (قاتل اتابک)؛ [ج ۱] ۹٤
عباس خان افشار؛ [ج ۱] ۱۵۸
عباس خان چناری؛ [ج ٤] ۹٤۰؛ [ج ۵] ۱۰۷۷؛ [ج ۶] ۱۲۸۳
عباسقلی ــ عباسقلی خان نواب؛ [ج ۱] ۵۶، ۱۶۸، ۲٤۶، ۲۵۲؛ [ج ۲] ۳٤۶؛ [ج ٤] ۸۷۳، ۸۷٤، ۸۸۶، ۸۸۷۰، ۸۸۹؛ [ج ۷] ۱۵۰٤، ۱۵۰۵
عبدالرحیم (حاجی)؛ [ج ۱] ۳۸؛ [ج ۲] ۳۸۳
عبدالوهاب [ج ۷] ۱۵۶۸
عدل الدوله [ج ۲] ٤۳۰؛ [ج ۳] ۷۱۰
عدل السلطان [ج ۸] ۱۸۶۰، ۱۸۸۷
عدیل الملک [ج ۱] ۱۷٤
عسکر خان ــ عسکرخان شیبانی ــ عسکر؛ [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۹۰٤، ۲۰۸۲، ۲۰۸۷
عسکر سلیم [ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۱۵٤
عضد السلطان [ج ۵] ۱۲۳۱، ۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۳۳۳، ۱۳٤۰
عضدالملک [ج ۱] ۱۰، ۱۵۳، ۱۵٤، ۱۵۶،

۱۸۵، ۲۱۲—۲۱۵؛ [ج ۳] ۶۲۴، ۶۲۶، ۶۸۴، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۶۶؛ [ج ۴] ۷۸۳، ۹۳۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۷
عطاءالدوله [ج ۱] ۳۲۳؛ [ج ۲] ۳۸۵، ۵۳۳، ۵۳۵؛ [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۵۰، ۷۱۳، ۷۱۴؛ [ج ۵] ۱۲۰۷؛ [ج ۶] ۱۴۶۵، ۱۴۷۷
عطاء السلطنه [ج ۵] ۱۱۱۵
عطاء نظام [ج ۵] ۱۱۱۵
علاءالدوله [ج ۱] ۳۲، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۱۴—۲۱۷، ۲۲۸؛ [ج ۲] ۳۸۰؛ [ج ۳] ۵۴۸، ۵۵۵، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۹۰، ۶۹۹، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۱۴، ۷۱۵؛ [ج ۵] ۱۱۵۲، ۱۲۰۱؛ [ج ۶] ۱۲۵۹، ۱۲۶۱، ۱۲۶۴، ۱۲۶۶—۱۲۶۸، ۱۲۷۴، ۱۲۷۶—۱۲۷۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۳، ۱۲۹۵، ۱۳۳۹—۱۳۴۱، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۴۴۵، ۱۴۴۹، ۱۴۷۵، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱؛ [ج ۷] ۱۵۳۶
علاءالسلطنه (محمد علی) [ج ۱] ۳۲، ۶۷، ۶۸، ۷۶، ۸۱، ۸۷، ۹۶، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۱—۳۰۳، ۳۳۰؛ [ج ۲] ۳۳۸، ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۷۲، ۴۱۲؛ [ج ۳] ۷۴۱، ۷۴۳؛ [ج ۴] ۷۸۴، ۸۲۱؛ [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۲۰۵؛ [ج ۸] ۱۷۸۹، ۱۸۱۴، ۱۸۲۴، ۱۸۴۱، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۵۵، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۹۸، ۱۹۳۰، ۱۹۳۲، ۱۹۳۴، ۱۹۵۹، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۵، ۲۰۶۲، ۲۰۶۳، ۲۰۶۹ — ۲۰۷۲، ۲۰۷۴، ۲۰۷۵، ۲۰۹۰، ۲۰۹۳، ۲۱۰۱—۲۱۰۴، ۲۱۰۷، ۲۱۰۹، ۲۱۱۵، ۲۱۲۸، ۲۱۳۰، ۲۱۳۳، ۲۱۴۸
علاءالملک (محمودخان) [ج ۱] ۸۱، ۱۷۳، ۲۴۹، ۲۶۷؛ [ج ۲] ۳۶۱، ۳۶۲؛ [ج ۳] ۵۵۹، ۶۹۰؛ [ج ۵] ۱۰۷۴
علام الهدی؛ [ج ۲] ۵۳۳
علی اکبر ــ علی اکبر خان سنجانی (پسر صمصام‌الممالک سنجابی)؛ [ج ۸] ۱۷۶۵، ۱۷۹۶—۱۷۹۸؛
علی اکبر گندمکاری [ج ۸] ۲۰۵۸
علی پناه کیخا [ج ۸] ۲۰۸۰، ۲۰۸۵
علی جان (چلپیانلو)؛ [ج ۱] ۲۲، ۲۸
علی خان [ج ۴] ۷۹۸
علی خان (سارق) [ج ۸] ۱۹۷۱
علی خان (سرتیپ) [ج ۴] ۸۶۴
علیقلی ــ بختیاری [ج ۳] ۶۸۹؛ [ج ۵] ۱۱۵۴؛ [ج ۸] ۱۸۹۰، ۱۸۹۳ (نیز نک: سردار اسعد)
علیقلی خان (حاج) [ج ۲] ۵۴۰؛ [ج ۳] ۵۶۹ (نیز نک: سردار اسعد)
علیقلی خان (معاون وزارت خارجه) [ج ۸] ۱۹۷۹، ۱۹۸۰
علی محمد کمارجی (مستمرّد) [ج ۸] ۱۸۰۵، ۱۹۰۹—۱۹۱۱، ۱۹۲۰، ۱۹۴۴، ۲۰۸۶، ۲۱۲۱
عمید الحکماء [ج ۴] ۷۷۸
عمیدالسلطان [ج ۲] ۴۶۰؛ [ج ۴] ۷۸۵؛ [ج ۸] ۱۷۶۷
عین الدوله [ج ۱] ۴، ۱۲، ۲۹، ۴۵، ۹۰، ۱۷۸، ۲۳۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۲۳، ۳۲۴؛

[ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۶۶، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۹، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۹، ۷۴۳، ۷۴۴؛ [ج ۴] ۹۰۰، ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۴۱، ۹۴۴، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۹۹۷، ۱۰۳۶، ۱۲۰۶، ۱۲۲۹؛ [ج ۶] ۱۲۸۳، ۱۳۳۹؛ [ج ۸] ۱۹۸۳، ۱۹۸۶، ۲۰۲۵، ۲۰۹۰، ۲۱۲۸، ۲۱۴۸

غریب خان [ج ۱] ۸۱؛ [ج ۳] ۷۰۹؛ [ج ۴] ۸۲۸، ۸۳۲، ۸۳۴، ۸۴۵

غفارخان [ج ۴] ۷۷۹

عفار قزوینی [ج ۸] ۱۹۷۵

غفاری (محمد ابراهیم) [ج ۴] ۸۳۲

غلامحسین بختیاری نک: سردار محتشم

غلامحسین خان (کشکولی) [ج ۸] ۱۹۷۵، ۲۰۸۲، ۲۱۲۴

غلامحسین خان وراوی [ج ۴] ۷۸۹، ۹۶۲

غلامعلی [ج ۳] ۶۰۰

غلام محمد (ماژور) [ج ۶] ۱۳۸۸ [ج ۷] ۱۵۴۴

فاتح السلطنه [ج ۱] ۱۷۵؛ [ج ۳] ۷۰۹

فاضل [ج ۳] ۷۴۴

فتح الایاله [ج ۸] ۱۷۰۵

فتح الملک [ج ۴] ۸۰۸

فخرالملک [ج ۳] ۷۶۵؛ [ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۱۵۳، ۱۲۰۷

فرازر (لیوتنان) [ج ۸] ۱۸۱۸ (نیز نک: فریزر)

فرانکلین (کاپیتان) [ج ۲] ۳۸۱، ۳۸۲

فرخ (قاتل پرویز شاه جهانیان) [ج ۱] ۳۵

فرخ خان (کلهر) [ج ۷] ۱۵۴۰؛ [ج ۸] ۱۷۶۵

فردوسی [ج ۳] ۶۴۱

فرمانفرما (شاهزاده) [ج ۱] ۳۱، ۳۲، ۷۲، ۹۱، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۳۶، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۲۴؛ [ج ۲] ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۲۹؛ [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵، ۵۹۷، ۶۳۱، ۶۷۴، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۲۶؛ [ج ۴] ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۲۴، ۸۸۰، ۸۸۱، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۴، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۹۹۸، ۱۰۳۶؛ [ج ۶] ۱۲۵۹، ۱۴۴۵، ۱۴۷۲؛ [ج ۷] ۱۶۲۸، ۱۶۵۸؛ [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۷۰۴، ۱۷۱۰، ۱۷۱۲—۱۷۱۴، ۱۷۲۶، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۸، ۱۷۶۳، ۱۷۶۵، ۱۷۶۷، ۱۷۶۹، ۱۷۸۵، ۱۷۹۳، ۱۷۹۶، ۱۸۱۷، ۱۸۲۴، ۱۸۲۹، ۱۸۴۳، ۱۸۵۷، ۱۸۷۷، ۱۸۸۸، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹۱۲—۱۹۱۴، ۱۹۲۳، ۱۹۲۶، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۱۹۴۲، ۱۹۵۳، ۱۹۵۵، ۱۹۷۲—۱۹۷۴، ۱۹۸۴، ۱۹۹۵—۱۹۹۹، ۲۰۰۹، ۲۰۶۲، ۲۱۰۶، ۲۱۵۱ (نیز نک: شاهزاده فرمانفرما)

فرمانفرمای هند؛ [ج ۷] ۱۶۷۱؛ [ج ۸] ۱۹۲۴، ۱۹۲۶

فریدالملک؛ [ج ۵] ۱۲۳۱

فریدون (زرتشتی کشته شده) [ج ۱] ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۵

فریزر (لیوتنان) [ج ۳] ۶۸۸؛ [ج ۸] ۱۹۴۵، ۱۹۶۸ (نیز نک: فرازر)

فضل الله خان (نایب الحکومهٔ خمسه) [ج ۸] ۱۹۰۳

فضلعلی [ج ٤] ۸۲۳
فکس (ماژور) [ج ۱] ۸۳
فلک (کاپیتان) [ج ٦] ۱۳٤۷
فن (مستر) [ج ٥] ۱۲۳۰
فهیم الملک [ج ٤] ۷۷۸؛ [ج ٥] ۱۰٥٥

قائم مقام [ج ۱] ۱۳٦، ۱٦۹
قاسم آقا (سرتیپ) [ج ۳] ٥٦٦
قلی خان [ج ۳] ۷۰۱
قنبر سلطان (گورانی) [ج ۸] ۲۱۰٦
قـــوام [ج ۱] ۳۸، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۲۸٦؛ [ج ۲] ٤۳۱، ٤۷۱؛ [ج ۳] ٦۰۳، ٦۰٤، ٦۱۳، ٦٥۰، ۷۱٤، ۷۱٥؛ [ج ٥] ۹۹۹، ۱۰٤۳، ۱۰٤٤، ۱۱۰۳—۱۱۰٥، ۱۱۱٤، ۱۱۱٥، ۱۱۱۷، ۱۱۱۹، ۱۱۲٥، ۱۲۱٤، ۱۲۱٥، ۱۲۳۰؛ [ج ۷] ۱٥٥۰، ۱٥۸۲، ۱٦۳۹ (نیز نک: قوام الملک)
قوام (محمد علی خان) ۱۸٤٦ (نیز نک: قوام الملک)
قـوام الـدوله [ج ۱] ۸۱، ۲٦۹، ۲۷۰؛ [ج ۲] ٤۲۸؛ [ج ٤] ۸٦۹
قوام السلطنه [ج ٤] ۸٥٥، ۹۰٦؛ [ج ٥] ۱۲۰٥؛ [ج ٦] ۱٤۳٥، ۱٤٤۳؛ [ج ۷] ۱٥۳۲، ۱٥۳٥، ۱٥٤۸، ۱٥۹۹؛ [ج ۸] ۱۷۳۹، ۱۷۸۲، ۲۱۲۸، ۲۱٤۸
قوام الملک ــ قوام الملک شیرازی [ج ۱] ٤٤، ٤٥، ٤۹، ٥٥، ۱۱٥، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱٦٥، ۱٦۸، ۱٦۹، ۱۷۱، ۱۷٥، ۱۷۷، ۱۸۸؛ [ج ۲] ٤۳۱، ٥۳٤؛ [ج ۳] ۷۱۳، ۷۳۰—۷۳۲، ۷٤۱، ۷٤٥، ۷٤٦؛ [ج ٤] ۸۱۲، ۸۳٥، ۸۷۲، ۸۹۳، ۹۳۲، ۹٤۱، ۹٦۰؛ [ج ٥] ۱۰۳۲، ۱۰٤۰، ۱۰٤۳، ۱۰٤٥، ۱۰٤۸، ۱۰٤۹، ۱۰٥۱، ۱۰٥۲، ۱۰٥۷—۱۰٦۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۹، ۱۱۱۳—۱۱۱٥، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۸٦، ۱۲۰۷، ۱۲۱٥، ۱۲۱٦، ۱۲٤۲؛ [ج ٦] ۱۲٥٤، ۱۲٥۹، ۱۲٦۳—۱۲٦۸، ۱۲۷٤، ۱۲۷٥، ۱۲۹٥، ۱۳۳۹، ۱٤٦۳، ۱٤٦٤، ۱٤٦٦، ۱٤٦۷، ۱٤٦۹—۱٤۷۲، ۱٤۷٤—۱٤۷۷، ۱٤۷۹، ۱٤۸۱—۱٤۸۳؛ [ج ۷] ۱٤۹۰، ۱٥٦۸، ۱٦۰٥، ۱٦۸۱، ۱٦۸٤؛ [ج ۸] ۱٦۹۱، ۱۷٤۱، ۱۷٥۸، ۱۷٦۸، ۱۷۷۸، ۱۸۰٤، ۱۸۰٦—۱۸۰۸، ۱۸۱۳، ۱۸۲۳، ۱۸٤٥، ۱۸٥٦، ۱۸۷٤، ۱۸۷۷، ۱۸۸۷، ۱۸۹۸—۱۹۰۰، ۱۹۰۳، ۱۹۰٤، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۲۰، ۱۹٤۲—۱۹٤٥، ۱۹٦٦—۱۹٦۸، ۱۹۸٥، ۲۰۱۲، ۲۰۱٥، ۲۰۸۰—۲۰۸٥، ۲۱۱۷ (نیز نک: قوام)

کاپر (ماژور) [ج ۸] ۱۷٤۰
کادلوبیکی (؟) [ج ٤] ۷۸۷
کار (دکتر) [ج ۸] ۱۸٥٦ (نیز نک: کاره)
کـارتـرایـت (ســر) [ج ۳] ٦۱۹، ٦۲۳، ٦۳۳، ٦۳٥، ۷۳۱؛ [ج ٥] ۱۱۱۲
کاره (دکتر) [ج ۱] ۱٥
کاستلی (مستر) [ج ٥] ۱۰۹۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱
کاشف السلطنه [ج ۳] ٦۷٤
کاظفر [ج ٤] ۸۰۸
کاظم خان سنجابی [ج ۸] ۱۷۹٦، ۱۷۹۸
کاکس (سر پی ــ سر پرسی) [ج ۷] ۱٦٤۸، ۱٦۸۰، ۱٦۸۲؛ [ج ۸] ۱٦۹۲، ۱۷٥۳،

۱۷۵۵، ۱۷۷۱، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۹۶۹، ۲۱۳۰ (نیز نک: کاکس: لیوتنان ــ ماژور)
کاکس (ماژور ــ کلنل ــ لیوتنان کلنل) [ج ۱] ۲۸۶؛ [ج ۲] ۴۵۱، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۸، ۵۳۶؛ [ج ۳] ۶۱۶، ۶۲۱، ۶۲۷، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۵۶؛ [ج ۴] ۹۶۱، ۹۶۲؛ [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۳۰، ۱۰۷۲، ۱۱۹۵، ۱۲۱۶؛ [ج ۶] ۱۲۵۹، ۱۲۶۹، ۱۲۹۳، ۱۴۷۰؛ [ج ۸] ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۲۰۷۸، ۲۱۱۵، ۲۱۱۶ (نیز نک: کاکس؛ سرپی)
کاکلس (ماژور) [ج ۳] ۷۴۰ (کاکس؟)
کامران میرزا [ج ۱] ۱۴۰
کاولوبوسکی (کادلوبوسکی؟) [ج ۳] ۷۶۵
کتل ول (ماژور) [ج ۷] ۱۶۳۸، ۱۶۳۹؛ [ج ۸] ۲۰۳۵، ۲۰۴۴–۲۰۴۷، ۲۰۵۳، ۲۰۷۰، ۲۰۷۱، ۲۰۷۶، ۲۰۷۸، ۲۰۹۵، ۲۰۹۶، ۲۱۰۶، ۲۱۴۳، ۲۱۴۴
کراسل (کاپیتان)؛ [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲
کراسویت (لیوتنان) ۷۳۲
کرمول [ج ۶] ۱۳۹۰
کرنت دوف (گرنت دوف) [ج ۱] ۹، ۱۱
کرنز، فرانک [ج ۵] ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷، ۱۰۷۳، ۱۰۹۴؛ [ج ۷] ۱۶۰۱، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۵
کرستمس ــ کریستماس [ج ۳] ۷۱۵؛ [ج ۸] ۲۰۸۸
کرو (لرد) [ج ۸] ۱۷۴۷، ۱۹۵۴، ۲۱۳۷، ۲۱۵۵ (نیز نک: مارکس اف کرو)
کری (کاپیتان) [ج ۸] ۱۷۹۸، ۱۸۰۰ (نیز نک: گری ــ کاپیتان)
کری خان [ج ۸] ۱۷۶۳، ۱۷۹۴، ۱۸۱۷، ۱۹۵۳، ۱۹۷۳، ۱۹۷۵، ۱۹۹۹
کری پول (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶
کریم آقا [ج ۸] ۱۹۹۷
کریم خان [ج ۸] ۱۷۶۷
کریم خان (برادرزادهٔ رحیم خان) [ج ۲] ۴۲۶، ۴۶۰؛ [ج ۴] ۷۹۸، ۸۰۸، ۸۲۱؛ [ج ۶] ۱۲۹۰
کسوبا ایف (کاپیتان): [ج ۱] ۶۴
کلاب خان [ج ۸] ۲۰۰۱
کلبی [ج ۵] ۱۰۷۷
کلم (مسیو) [ج ۶] ۱۳۸۱
کلمستدت (کاپیتان) [ج ۶] ۱۳۴۷
کلمن (مسیو) [ج ۶] ۱۳۴۷
کلی [ج ۴] ۸۹۴
کمارجی (نک: علی محمد کمارجی)
کوان، پاتریک [ج ۵] ۱۰۷۰؛ [ج ۸] ۱۹۹۲، ۱۹۹۳
کورتین [ج ۵] ۹۹۳
کوکوفتسوف [ج ۶] ۱۳۷۲، ۱۳۷۳؛ [ج ۷] ۱۵۸۳، ۱۵۹۰، ۱۶۰۹؛ [ج ۸] ۱۸۴۸، ۱۸۵۰
کولن گامبل [ج ۳] ۷۱۹، (نیز نک: گامبل)
کون [ج ۳] ۷۵۵، ۷۵۶
کی (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۰، ۱۰۳۹
کی (یاغی کرمانشاهی) [ج ۸] ۱۹۱۳
کیخا حاصل [ج ۴] ۸۰۸
کیخا محمد علی [ج ۴] ۸۰۸
کیرن (مستر) [ج ۶] ۱۳۳۲
کیلمرناک ــ کیلمارناک (لرد) [ج ۵] ۱۰۴۴، ۱۰۸۵ [ج ۷] ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۲۲، ۱۵۲۶
کینگ استون ــ کینگستون [ج ۵] ۱۰۶۲، ۱۰۶۴، ۱۰۷۲، ۱۰۷۶، ۱۰۸۱، ۱۰۸۵،

۱۰۹۷، ۱۰۹۸

گاردنر [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶
گامبل [ج ۳] ۷۲۱ (نیزنک: کولن گامبل)
گای (ارنست) [ج ۱] ۲۱۹، ۲۵۲
گراهام ــ گراهم، گریهم، گرهم [ج ۱] ۳۸، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۷؛ [ج ۲] ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۹۲، ۴۰۶—۴۰۸، ۴۳۲، ۵۲۴؛ [ج ۳] ۵۸۱، ۵۸۴، ۶۳۷، ۶۴۱، ۷۱۰؛ [ج ۴] ۸۱۱، ۸۲۷، ۸۳۴، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۴، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۹۲، ۹۰۸؛ [ج ۵] ۱۲۰۳، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱؛ [ج ۶] ۱۲۹۸؛ [ج ۷] ۱۵۴۵؛ [ج ۸] ۱۹۲۸، ۲۰۵۵، ۲۰۵۷—۲۰۶۰، ۲۰۶۷
گری (ویس‌قنسول) [ج ۸] ۱۹۹۰
گری (سر ادوارد) [ج ۳] ۷۲۱، ۷۳۵؛ [ج ۴] ۸۴۱، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۶۰—۸۶۲؛ [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۰۷، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۳، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۹۴، ۱۲۱۸، ۱۲۴۵؛ [ج ۶] ۱۲۵۳، ۱۲۸۰، ۱۳۲۵، ۱۳۴۴، ۱۳۵۰، ۱۳۹۴، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۴، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۸، ۱۴۲۹؛ [ج ۷] ۱۴۸۷، ۱۵۰۶، ۱۵۱۱، ۱۵۲۰، ۱۵۲۸، ۱۵۸۲، ۱۶۱۴، ۱۶۲۱، ۱۶۶۹ — ۱۶۷۲، ۱۶۷۹ [ج ۸] ۱۶۸۷، ۱۶۹۱ — ۱۶۹۵، ۱۶۹۸، ۱۷۰۱ — ۱۷۰۳، ۱۷۰۶، ۱۷۱۱ — ۱۷۲۳، ۱۷۲۵ — ۱۷۳۶، ۱۷۳۹، ۱۷۴۲، ۱۷۴۵—۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۹ — ۱۷۶۱، ۱۷۶۷، ۱۷۷۱ — ۱۷۷۳، ۱۷۷۵، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۸۲ — ۱۷۹۲، ۱۷۹۸، ۱۸۰۱، ۱۸۰۳، ۱۸۰۶، ۱۸۰۹، ۱۸۱۲، ۱۸۱۴، ۱۸۱۷، ۱۸۱۹ — ۱۸۲۶، ۱۸۳۷ — ۱۸۴۳، ۱۸۴۵ — ۱۸۵۱، ۱۸۵۵، ۱۸۵۷ — ۱۸۶۰، ۱۸۶۵ — ۱۸۸۵، ۱۸۸۸، ۱۸۹۷، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶، ۱۹۱۲ — ۱۹۱۴، ۱۹۲۱ — ۱۹۳۴، ۱۹۳۹، ۱۹۴۲، ۱۹۴۸ — ۱۹۶۴، ۱۹۶۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۲، ۱۹۷۶، ۱۹۷۹، ۱۹۸۲ — ۱۹۸۹، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴، ۱۹۹۹ — ۲۰۰۶، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷ — ۲۰۳۵، ۲۰۴۲ — ۲۰۴۸، ۲۰۵۰، ۲۰۵۲ — ۲۰۵۴، ۲۰۶۰ — ۲۰۶۳، ۲۰۶۵ — ۲۰۶۸، ۲۰۷۷، ۲۰۷۹، ۲۰۸۷، ۲۰۸۹ — ۲۰۹۱، ۲۰۹۶ — ۲۰۹۹، ۲۱۰۱، ۲۱۰۲، ۲۱۰۴، ۲۱۰۷، ۲۱۰۸، ۲۱۱۰، ۲۱۱۲، ۲۱۱۴، ۲۱۱۵، ۲۱۲۸، ۲۱۳۰ — ۲۱۴۳، ۲۱۴۸، ۲۱۵۲ — ۲۱۵۷
گری (کاپیتان) [ج ۸] ۱۸۳۹، ۱۸۶۵، ۱۸۸۹، ۱۸۹۶، ۱۹۲۷، ۱۹۴۳، ۱۹۴۸، ۱۹۷۱، ۱۹۸۹، ۱۹۹۲
گریگوریف [ج ۵] ۹۸۰
گرین، گراهام: [ج ۷] ۱۶۶۴: [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۷۲۴
گلاب‌خان [ج ۸] ۲۰۰۱، ۲۰۵۵، ۲۰۵۷، ۲۰۵۹، ۲۰۶۰
گنجعلی (راهزن) [ج ۴] ۸۲۳
گنجعلی خان (افشار) [ج ۸] ۱۸۲۹، ۱۸۳۴
گندل خان [ج ۴] ۹۱۲
گنیخ (ژنرال) [ج ۷] ۱۶۵۷
گوران (حسین خان) [ج ۷] ۱۶۶۷
گونتر (ماژور) [ج ۸] ۲۱۰۶
گیرز ــ گیرس [ج ۸] ۱۷۳۸

گیلمارناک (لرد)؛ [ج ۸] ۱۶۹۳، ۱۶۹٤
لابینسکی [ج ۳] ۷۵۳
لاریمر (ماژور)؛ [ج ۸] ۲۱٤۹
لانگ ــ لنگ (لیوتنان) [ج ۵] ۱۰٤۰
لبین (مستر) [ج ۸] ۲۰۰۸
لتیلتن؛ [ج ٤] ۸۰٦
لشکرنویس‌باشی [ج ۱] ۱۲٤
لطفعلی بختیاری [ج ۸] (نک: امیر مفخم)
لفکر (مستر) [ج ٦] ۱۳۰۱، ۱۳۰۳، ۱۳۰٤، ۱۳۰٦، ۱۳۰۷، ۱۳۱۰، ۱۳۱۵، ۱۳۲۰، ۱۳۵۰، ۱۳۵۳، ۱۳۵۸، ۱۳٦۰، ۱۳٦۳، ۱۳٦۹، ۱۳۷۵، ۱۳۹۲، ۱۳۹۷—۱۳۹۹، ۱٤۰۳، ۱٤۰۷، ۱٤۱۸، ۱٤۲٤، ۱٤۲٦، ۱٤۵۵، ۱٤٦۱؛ [ج ۷] ۱۵۲۵، ۱۵۲٦، ۱۵۲۸، ۱۵۳٤، ۱۵٦۵، ۱۵٦۹
للو (مسیو) [ج ۸] ۲۰۵۰
لمسن [ج ۲] ۳۸٤
لمیتین؛ [ج ٤] ۸۰٦
لمینگتن (لرد) [ج ۷] ۱۵٤۹
لمینگسین (لمینگتن ؟) [ج ۸] ۱۹۲۰
لوتار (لوتر ــ سر) [ج ۳] ۵۵۵، ۵۵٦؛ [ج ٦] ۱٤۵۳
لوریم (کاپیتان) [ج ۱] ۷۹
لون (مستر) [ج ۸] ۱۹۲۰
لوندبرگ (کاپیتان) [ج ۸] ۲۰۷٦، ۲۰۷۷، ۲۰۹۵ (نیز نک: نیسترم)
لونهاپت (نایب کنت) [ج ٦] ۱۳٤۸
لیاخف (کلنل) [ج ۱] ٦۳، ٦٤، ۱۱٦، ۱۲۵، ۱٤۰، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱٤، ۲۳۷، ۲٤۰، ۲٤۲، ۲٤۳، ۳۲۱؛ [ج ۳] ۵۹۵، ۵۹۸، ٦۱۸، ٦۱۹، ٦۲۱، ٦۲۲، ٦۸۳، ٦۸٤، ٦۸۷، ۷۰٦، ۷۰۸؛ [ج ٤] ۷۸۳؛ [ج ۵] ۱۱۸۵، ۱۱۸۹
لیس آوسکی ــ لیسوسکی [ج ۱] ۸۲؛ [ج ٤] ۹۰۱ــ۹۰۳
لی گس [ج ۱] ۱۲۸
لینتن [ج ۲] ۵۳۵
لینتون (رورند) [ج ۷] ۱٦۲۳
لینچ ــ لنچ [ج ۱] ۸۱، ۸۲، ۲۸۳؛ [ج ۷] ۱۵٤۹
لیندلی (دکتر)؛ [ج ۱] ۱٦۸
لیوینگستون زیتون (و کمپانی) [ج ۳] ٦۵٦
مؤتمن الملک [ج ۱] ۳۱، ۱۱۰، ۱۷۳، ۲۲۰؛ [ج ۲] ٤۱۲؛ [ج ۳] ۵۵۹، ۵٦۱، ۵٦۵، ۵۹۷، ٦۷٤، ۷۲۸؛ [ج ٤] ۷۷۸، ۷۸۳، ۹۵٦؛ [ج ۵] ۱۰۳٦، ۱۰۵۵؛ [ج ٦] ۱٤۳٤؛ [ج ۸] ۲۱۰۲، ۲۱۰۳، ۲۱۱٤، ۲۱۱۵، ۲۱۲۸، ۲۱٤۸
مؤیّد الدّوله [ج ۱] ۳۵، ۲۲۳، ۲٤۰، ۲٤۵، ۳۲۱
مؤیّد السّلطنه [ج ۱] ۱۷۳؛ [ج ۲] ٦۰۱
مارابل ــ مرابل (خانم دکتر) [ج ٤] ۸۵٦؛ [ج ۸] ۲۰۵۵، ۲۰۵۷، ۲۰٦۰
مارتین ــ مرتین [ج ۸] ۲۰۳۲، ۲۱۰۵
مارکس اف کرو ــ لرد کرو [ج ۵] ۱۲۱۳، ۱۲٤۵؛ [ج ۷] ۱۵۲۸، ۱۵٦۱، ۱۵۸۲، ۱٦٦۹—۱٦۷۲، ۱٦۷۷، ۱٦۷۹، ۱٦۸۰ [ج ۸] ۱٦۹۲، ۱۷٤۷، ۱۷۵۰، ۱۸۷٤، ۱۸۷۷، ۱۹۲٤، ۱۹۲۵، ۱۹۵٤، ۲۱۳۷، ۲۱٤۰ (نیز نک: کرو)

مارلینگ [ج ۲] ۳۹۶؛ [ج ٤] ۸۳۷، ۸٤۰، ۸٤۱، ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۵۹، ۸٦۱، ۸٦۳، ۸۸۸، ۹۲۱، ۹۲٦، ۹۳۵
ماشاء الله خان (پسر نایب حسین کاشی) [ج ۸] ۱۹۸۷، ۲۰۰۸ — ۲۰۱۰، ۲۰۵۱
مالت، دیویس [ج ۵] ۱۱۹٤؛ [ج ۷] ۱۵۱۱
مالتا (جنرال) [ج ۵] ۹۹٦، ۱۰۱۰، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰٤۱، ۱۰٤۲، ۱۰٤۵، ۱۰۵۳، ۱۱۹۸؛ [ج ٦] ۱٤۷۹، ۱٤۸۲؛ [ج ۸] ۱۸۵٦
ماویس (مستر)؛ [ج ۷] ۱٦۷۱
مایر؛ [ج ۸] ۱٦۹۹
متین السلطنه [ج ۵] ۱۰۵۵؛ [ج ٦] ۱۳۸۷، ۱۳۹۰؛ [ج ۸] ۲۱۰٤
مجتهد اعظم شیراز؛ [ج ٦] ۱٤۲۲، ۱٤٦۸
مجد الملک؛ [ج ۱] ۸۱
مجدالممالک؛ [ج ۸] ۱۷٤۱
مجلل؛ [ج ۷] ۱٦۱۰؛ [ج ۸] ۱۸۱٦
مجلل السلطان؛ [ج ۱] ۱۵٤؛ [ج ۵] ۱۱۰٦، ۱۱۱۰، ۱۱۳۵، ۱۱۵۲، ۱۱۵٦، ۱۱۹۵، ۱۱۹٦؛ [ج ٦] ۱۳۳۷؛ [ج ۸] ۱۷۰٤، ۱۷۰۵، ۱۷۳۲، ۱۷٤۱، ۱۷٤٦، ۱۷٤۸، ۱۷۵۵، ۱۷٦۱، ۱۷٦۳، ۱۷٦۵، ۱۷٦۷، ۱۷٦۹، ۱۷۸۳، ۱۷۸۵، ۱۷۹۳—۱۷۹۸، ۱۸۱۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹، ۱۸٤۱، ۱۸۵۸
مجلل السلطنه؛ [ج ۳] ٦۸۳، ۷۵٦
محتشم الدوله؛ [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۳۱؛ [ج ۷] ۱۵٤۰
محتشم السلطنه؛ [ج ۱] ۱۳، ۱۳۲، ۱۹۰؛ [ج ۲] ۳۹۰؛ [ج ۳] ۵۷۷؛ [ج ٤] ۹٤٤، ۹۵٦؛ [ج ۵] ۹۸۸، ۹۹۷، ۱۰۰۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۵، ۱۱۳۱—۱۱۳۳، ۱۱۵۸، ۱۲۰٤؛ [ج ٦] ۱۳۸۷، ۱٤٤٤، ۱٤٤۵؛ [ج ۷] ۱٦۵۵؛ [ج ۸] ۱۷۳۹، ۱۷۸۲، ۱۸۱۲—۱۸۱٤
محتشم الملک؛ [ج ۱] ۱۷٤
محمد آقا؛ [ج ۱] ۱۵۷
محمد باقر؛ [ج ۳] ۷۱٦
محمد بن عبدالله؛ [ج ۳] ٦٦۸؛ [ج ٦] ۱٤۳۲
محمد بیگ کشکولی؛ [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۷٦۸
محمد حسن خان (حاکم درود)؛ [ج ٤] ۷۹۵
محمد حسن میرزا؛ [ج ۳] ٦۹٦، ۷۲۵، ۷۲۸؛ [ج ۵] ۱۰۷٤
محمد خان؛ [ج ۱] ۱٤۳
محمد خان (جیرفتی)؛ [ج ۸] ۱۸۲۸، ۱۸۳٦
محمد خان (دزد)؛ [ج ۸] ۱٦۹۷، ۱۷۰۰، ۱۷٤۱
محمد خان (کشکولی)؛ [ج ۸] ۱۹۱۱، ۱۹٤٤، ۲۰۸۱، ۲۰۸۳، ۲۰۸۵
محمد خان (منشی قنسولگری انگلیس)؛ [ج ٤] ۷۹٤
محمد خان دولت آبادی؛ [ج ۳] ٦۰۰
محمد رضاخان؛ [ج ۱] ۳۵؛ [ج ٤] ۹٦۰
محمد علی؛ [ج ۸] ۱۹٦٦، ۱۹٦۷
محمد علی؛ [ج ۲] ٤۱۰، ٤۱۱، ۵۳۰؛ [ج ۳] ٦۲۲، ٦۲۵، ٦۳۲، ٦۳٤، ٦۵۵، ٦۸٤، ٦۸۵، ٦۹۰، ٦۹٦، ٦۹۸، ۷۰۲، ۷۰۷، ۷٤۱؛ [ج ۸] ۱٦۹۵، ۱٦۹۹، ۱۷۰٤، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۱۰، ۱۷۱٤، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷٦٦، ۱۸۲٤، ۱۸۲۵، ۱۸٤٤، ۱۸٤۵، ۱۸۵۸، ۱۸٦۷، ۱۹۲۸، ۱۹۳۸، ۱۹٤۸، ۱۹۵۵، ۱۹۷۳، ۱۹۷۵، ۱۹۹۳، ۱۹۹٤، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۱۰۳ (نیز نک:

محمد علی شاه، محمد علی میرزا)
محمد علی؛ [ج ۸] ۱۸۰۶
محمد علی (وزیر خارجه ایران)؛ [ج ۸] ۱۸۶۵
محمد علی (معاون نایب حسین کاشی)؛ [ج ۵] ۱۰۷۵
محمد علی بیگ؛ [ج ۳] ۷۰۱
محمد علی خان؛ [ج ۸] ۱۸۰۴، ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۲۳، ۱۸۲۸، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۴۴، ۲۰۶۶، ۲۰۷۳، ۲۰۸۱—۲۰۸۵
محمد علی خان (کشکولی؟)؛ [ج ۷] ۱۴۹۰، ۱۴۹۲، ۱۴۹۶، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۹ (محمد علی) ۱۵۲۱، ۱۵۲۷، ۱۵۵۱، ۱۵۶۸، ۱۵۸۲، ۱۶۱۶، ۱۶۸۱
محمدعلی خان کشکولی؛ [ج ۵] ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۸۴؛ [ج ۶] ۱۴۶۷، ۱۴۸۱؛ [ج ۷] ۱۴۸۸، ۱۶۰۴؛ [ج ۸] ۱۸۶۴، ۱۹۰۹، ۱۹۲۰، ۲۰۴۶، ۲۰۶۴، ۲۰۸۰، ۲۱۵۰
محمد علی خان مقتدر؛ [ج ۸] ۱۸۰۷
محمد علی شاه؛ [ج ۲] ۳۴۸، ۳۷۵، ۳۷۹، ۴۷۶؛ [ج ۳] ۶۲۲، ۶۲۴، ۷۰۰، ۷۲۹، ۷۳۷، ۷۵۴؛ [ج ۴] ۸۵۲؛ [ج ۵] ۹۸۵، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۱، ۱۱۲۷، ۱۱۳۴، ۱۱۳۷—۱۱۴۰، ۱۱۴۲، ۱۱۵۶، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۹، ۱۱۷۳، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳—۱۲۳۵؛ [ج ۷] ۱۵۱۲، ۱۵۱۵، ۱۵۲۳، ۱۵۲۹، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۵۴، ۱۵۵۸، ۱۵۷۱، ۱۵۷۴، ۱۵۸۰، ۱۵۸۴—۱۵۸۶، ۱۵۹۲—۱۶۱۴، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۲۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۲، ۱۶۵۲—۱۶۵۵ (نیز نک: محمد علی میرزا، محمد علی شاه قاجار، شاه مخلوع)
محمد علی شاه قاجار؛ [ج ۳] ۵۶۲، ۵۹۰، ۶۸۰
محمد علی میرزا؛ [ج ۱] ۳، ۲۰، ۱۰۳، ۲۴۳، ۳۰۷؛ [ج ۳] ۶۲۳، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۲—۶۳۴، ۶۵۲، ۶۶۳، ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۳، ۶۹۷، ۷۰۰—۷۰۳، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۲۳، ۷۲۷، ۷۳۷، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۸؛ [ج ۴] ۸۶۴؛ [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۱۲۳، ۱۱۳۶، ۱۱۳۹، ۱۱۴۲، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۶۰، ۱۱۶۲—۱۱۶۴، ۱۱۶۸، ۱۱۷۱، ۱۱۷۶، ۱۱۸۷، ۱۱۹۰، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰—۱۲۰۳، ۱۲۰۵، ۱۲۱۴، ۱۲۲۰؛ [ج ۷] ۱۵۸۶، ۱۶۵۵، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴ (نیز نک: محمد علی شاه، محمد علی شاه قاجار، محمد علی شاه مخلوع)
محمد علی نیشابوری؛ [ج ۴] ۹۳۸، ۹۶۸؛ [ج ۵] ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۹۷، ۱۱۵۲
محمد قلی خان؛ [ج ۳] ۷۰۱؛ [ج ۸] ۲۰۸۷
محمد کریم خان؛ [ج ۸] ۲۰۸۴ (نیز نک: حاجی محمد کریم خان)
محمد کریم خان قشقائی؛ [ج ۵] ۱۱۱۴
محمد کریم خان (کلهر)؛ [ج ۷] ۱۶۱۸، ۱۶۸۱
محمد مهدی مجتهد؛ [ج ۸] ۱۷۶۵
محمود خان (حکمران بیستون)؛ [ج ۸] ۲۱۵۱
مخبرالدوله؛ [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۶۱، ۵۶۵، ۶۲۲، ۶۳۷—۶۴۰، ۶۴۳، ۷۰۷
مخبرالسلطنه؛ [ج ۱] ۳۲، ۸۱، ۸۶، ۱۱۰، ۱۳۶، ۱۷۳، ۱۷۸، ۲۳۶؛ [ج ۲] ۴۸۲؛ [ج ۳] ۵۵۵، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۵۲، ۶۹۴، ۶۹۹، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۲۸، ۷۳۷،

۷۳۹، ۷٤۱، ۷۵۸؛ [ج ۵] ۱۰۶۶، ۱۰۹۶؛ [ج ۷] ۱۵۳۶، ۱۶۰۵، ۱۶۶۲؛ [ج ۸] ۱۷۸۹، ۱۸٤۵، ۱۸۵۵، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۶۶، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۶، ۱۹۲۵، ۱۹۲۸، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۳۹، ۱۹۵۳، ۱۹۵۸، ۱۹۶۲، ۱۹۷۱، ۱۹۸۵، ۱۹۸۸، ۲۰۰۸، ۲۰۱۰، ۲۰۱٤، ۲۰۲۵، ۲۰۲۹، ۲۰۳۲، ۲۰۳۸، ۲۰۵۲، ۲۰۵۳، ۲۰۶۳، ۲۰۷۰—۲۰۷۲، ۲۰۷٤، ۲۰۸۵، ۲۰۹۱—۲۰۹٤، ۲۰۹۹، ۲۱۰۰، ۲۱۰۷، ۲۱۰۹، ۲۱۱۷

مخبرالملک؛ [ج ۳] ۶۷٤

مختارالسلطنه؛ [ج ۳] ۷۳۲

مدبرالدوله؛ [ج ٤] ۹۳۱، ۹٤۰

مدبرالسلطنه؛ [ج ۶] ۱٤۷۶؛ [ج ۸] ۱۹۶۶، ۲۰۸٤

مدبرالملک (میرزا علی خان)؛ [ج ۲] ۳۳٤

مرتضی قلی خان؛ [ج ۱] ۲٤۶؛ [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۶، ۱۰۵۵، ۱۰۹۵، ۱۲۳۲؛ [ج ۸] ۱۸۸۸، ۱۸۹۰—۱۸۹۳، ۱۸۹۷، ۱۹۹۰، ۱۹۹۲، ۲۰٤۹، ۲۰۵۷، ۲۰۵۹، ۲۰۶۰، ۲۰۷۱

مرل (مستر)؛ [ج ۶] ۱۳۳۲

مرنارد (ژاک ژوزف ــ جاکسون جوزف)؛ [ج ۱] ۳۰، ۵۹، ۶۱، ۱۶۰، ۱۶۱؛ [ج ٤] ۸۹۰؛ [ج ۵] ۱۱۰۲، ۱۱۱۱، ۱۱۲۰، ۱۱٤۷، ۱۱٤۸، ۱۱۱۷؛ [ج ۶] ۱٤۰۱؛ [ج ۷] ۱٤۹۲، ۱۵۰۲، ۱۵۱۶، ۱۵۱۹، ۱۵۲٤—۱۵۲۶، ۱۵۵۱، ۱۵۵۳، ۱۵۶۰، ۱۵۶۵، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۲، ۱۵۷۷، ۱۵۸۱، ۱۵۹۹—۱۶۰۱، ۱۶۱۰، ۱۶۱۳، ۱۶۳۳، ۱۶۳۵، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۷؛ [ج ۸] ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۵، ۱۷۱٤، ۱۷۲۱، ۱۷۲۸، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۶۰، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰، ۱۸۱٤، ۱۸۲۱، ۱۸۳۶، ۱۸٤۷، ۱۸۶۲، ۱۹۳۳—۱۹۳۶، ۱۹۸۰، ۲۰۰٤—۲۰۰۶، ۲۰۱۰—۲۰۱۲، ۲۰۲۵، ۲۰۶۲، ۲۰۶٤، ۲۰۶۸، ۲۰۹۶، ۲۱۰۰، ۲۱۰۷—۲۱۱۱، ۲۱٤۹

مریل ــ مری (کلنل)؛ [ج ۷] ۱۶۵۲؛ [ج ۸] ۱۹۸۶

مزیل (مسیو)؛ [ج ۵] ۱۲۲۸

مساوات؛ [ج ۱] ۲۳۹، ۲٤۵

مستشارالدوله؛ [ج ۱] ۱۵٤، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۳۸، ۳۸۱؛ [ج ۳] ۵۵۹، ۵۹۷، ۶۷٤، ۷۲۷، ۷۶۰؛ [ج ٤] ۷۷۸، ۷۸۳، ۸٤۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۹۱، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۷۳؛ [ج ۸] ۱۸۱٤، ۲۱٤۹

مستشارالسلطان؛ [ج ۳] ۶۷٤

مستشارالسلطنه؛ [ج ۳] ۵۵۹، ۷۰٤، ۷۰۷، ۷۲۶

مستشار دفتر؛ [ج ۲] ٤۲۶

مستشیرالدوله؛ [ج ۸] ۲۱۲۸

مستشیرالملک؛ [ج ۸] ۱۹۶۶، ۲۰۸٤

مستوفی الممالک؛ [ج ۱] ۸۱، ۱۱۰، ۱۸۶، ۲۲۰؛ [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶٤، ۶۳۱، ۶٤۰، ۶۷٤، ۷۰۷، ۷۲۶؛ [ج ٤] ۸۸۰، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۳۷، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۹۹۷، ۹۹۸، ۱۰۱۱، ۱۰۳۳، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷؛ [ج ۸] ۲۰۹۰، ۲۱۲۸، ۲۱٤۸

مستیر (کنت)؛ [ج ۸] ۱۹۲۱

مسعود خان؛ [ج ۵] ۹۹۸، ۱۰۱۲

مسیب قلی خان؛ [ج ۸] ۱۸۸۵

مسیح اللّه خان (فارسی مدانی)؛ [ج ۸] ۲۰۸۱، ۲۰۸۵
مسیو ژان (معتمد امیراعظم)؛ [ج ۸] ۱۸۳۲
مشهدی حسن؛ [ج ۸] ۱۷۶۵
مشهدی عوض بولوندی؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
مشیرالدوله؛ [ج ۱] ۱۳، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۷۹، ۸۱، ۸۶، ۸۹، ۹۳، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۶۰—۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۶۵؛ [ج ۲] ۴۱۲؛ [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴؛ [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۲۰۵، ۱۲۲۶؛ [ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۴۴۴؛ [ج ۸] ۲۱۲۸، ۲۱۴۸
مشیرالسلطنه؛ [ج ۱] ۸۱، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۶۸، ۳۰۰؛ [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۳۸؛ [ج ۲] ۵۵۳، ۵۶۳؛ [ج ۴] ۷۸۳
مشیرالملک؛ [ج ۱] ۳۱؛ [ج ۳] ۷۱۳؛ [ج ۵] ۱۰۹۸
مشیرالممالک؛ [ج ۱] ۳۵؛ [ج ۲] ۳۸۴
مصباح السلطان؛ [ج ۳] ۷۵۶
مصطفی تول سیاهی؛ [ج ۸] ۱۹۱۹
مصطفی میرزا؛ [ج ۳] ۷۴۵
مظفرالدوله؛ [ج ۲] ۳۸۹
مظفرالدینشاه؛ [ج ۳] ۶۹۰؛ [ج ۵] ۱۲۳۴؛ [ج ۸] ۱۷۰۹، ۱۹۳۸
مظفر نظام؛ [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴
معاضدالسلطنه؛ [ج ۱] ۲۶۲، ۳۲۲؛ [ج ۴] ۷۷۸؛ [ج ۵] ۱۲۰۵؛ [ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۴۴۴؛ [ج ۷] ۱۵۳۵، ۱۵۴۸، ۱۵۹۹
معاضد الملک؛ [ج ۵] ۱۰۵۵
معاون الدوله ؛ [ج ۱] ۳۲؛ [ج ۴] ۸۲۷، ۸۴۴، ۸۵۴، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۷؛ [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۹۵، ۱۲۰۵؛ [ج ۸] ۱۸۱۰، ۱۸۱۴
معاون الممالک؛ [ج ۴] ۹۰۸
معتضدالدوله؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
معتضدالسلطان؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
معتمد خاقان؛ [ج ۳] ۷۲۸؛ [ج ۴] ۸۵۵، ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۱۸، ۱۱۰۰
معتمد دیوان؛ [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۷۵، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۸۶
معتمد همایون؛ [ج ۲] ۵۴۰؛ [ج ۸] ۲۱۵۸
معدل الممالک؛ [ج ۲] ۴۰۶
معزالسلطان؛ [ج ۲] ۴۲۶، ۴۶۰
معززالملک؛ [ج ۴] ۹۵۶
معیرالممالک؛ [ج ۴] ۸۳۳؛ [ج ۵] ۱۰۳۷
معین الاسلام؛ [ج ۲] ۵۳۴
معین الدوله؛ [ج ۱] ۱۴۰؛ [ج ۳] ۶۷۴، ۷۴۴
معین الرعایا؛ [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۴۶؛ [ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴؛ [ج ۸] ۱۷۶۵
معین السلطان؛ [ج ۳] ۷۴۳
معین الغرباء؛ [ج ۴] ۷۹۴—۷۹۶، ۸۳۰
معین الممالک؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
معین الوزاره؛ [ج ۱] ۲۳۹؛ [ج ۵] ۱۱۹۶؛ [ج ۶] ۱۴۳۸—۱۴۴۱؛ [ج ۷] ۱۶۵۹، ۱۶۶۰؛ [ج ۸] ۱۸۵۸ (نیز نک: حسین خان معین الوزاره)
معین دیوان؛ [ج ۸] ۱۸۳۴
معین همایون ــ معین همایون بختیاری؛ [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۳۳۶ (نیز نک: سردار فاتح)
مغیث الدوله؛ [ج ۵] ۱۱۱۸؛ [ج ۶] ۱۴۶۵
مفاخرالملک؛ [ج ۲] ۴۲۸، ۴۷۳؛ [ج ۳] ۵۷۳،

۶۳۶، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۸۳، ۷۰۰، ۷۰۷
مفتاح السلطنه: [ج ۱] ۲۲۷، ۲۴۶، ۲۶۲، ۲۶۳
مقتدرنظام: [ج ۱] ۱۵۴؛ [ج ۳] ۶۴۲
مـــــک دول: [ج ۵] ۱۰۱۸، ۱۰۵۹، ۱۰۷۷؛ [ج ۷] ۱۶۶۲، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶؛ [ج ۸] ۱۶۹۷، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۱۰، ۱۷۶۲ — ۱۷۶۶، ۱۷۹۳، ۱۷۹۵ — ۱۷۹۸، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶ — ۱۹۹۸، ۲۱۱۲ — ۲۱۱۴، ۲۱۵۱
مک کاسکی : [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳، ۱۱۴۶
مک موری: [ج ۴] ۹۱۱
ملاحسینعلی : [ج ۴] ۷۹۵
ملاخورشید: [ج ۴] ۸۰۸؛ [ج ۵] ۱۰۸۹، ۱۱۵۰
ملاسلیمان: [ج ۴] ۷۹۵
ملا عبدالکریم: [ج ۴] ۷۹۵
ملا علی پناه: [ج ۴] ۸۰۸
ملا قباد: [ج ۴] ۸۰۸
ملا قربانعلی : [ج ۳] ۷۴۴، ۷۶۱؛ [ج ۴] ۷۸۵
ملا کاظم خراسانی : [ج ۶] ۱۳۳۷
ملامحمد آملی : [ج ۳] ۶۴۳
ملامحمد کاظم خراسانی : [ج ۳] ۷۳۲
ملامهدی: [ج ۱] ۴۶، ۴۷؛ [ج ۳] ۵۶۷
ملت (لـونیس)؛ [ج ۲] ۴۸۰؛ [ج ۵] ۱۰۰۵؛ [ج ۶] ۱۳۵۲، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۴۵۳؛ [ج ۷] ۱۵۱۳—۱۵۱۵، ۱۵۱۷، ۱۵۲۰، ۱۵۲۸، ۱۵۸۲، ۱۶۲۹، ۱۶۶۵؛ [ج ۸] ۱۷۴۸، ۱۷۵۷، ۱۸۲۵، ۱۸۷۴، ۲۰۱۷، ۲۰۲۵، ۲۰۶۵، ۲۱۳۷، ۲۱۴۰، ۲۱۵۶، ۲۱۵۸
ملک المتکلمین؛ [ج ۱] ۱۴۰، ۲۱۶، ۲۳۹، ۲۴۶
ملینکان (دکتر)؛ [ج ۱] ۲۳۸
ممتازالدوله: [ج ۱] ۱۷۸، ۲۱۲، ۲۴۶؛ [ج ۴] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷، ۱۰۷۰، ۱۰۹۵؛ [ج ۸] ۱۸۱۴، ۲۱۴۹
منتصرالدوله: [ج ۴] ۹۵۹؛ [ج ۷] ۱۵۹۷
منتصرالسلطان: [ج ۸] ۱۷۶۷، ۱۸۱۳
منتصرالملک: [ج ۷] ۱۶۸۱
منتصرالممالک: [ج ۸] ۲۰۷۳
منتظم الدوله: [ج ۲] ۴۰۷؛ [ج ۴] ۷۹۸، ۷۶۹؛ [ج ۸] ۱۹۹۱
منصورالسلطنه: [ج ۳] ۶۰۲
منصورالسلطنهٔ عرب: [ج ۴] ۷۸۷
منصورالملک؛ [ج ۱] ۱۷۵؛ [ج ۸] ۲۰۵۰
موار (مستر): [ج ۳] ۵۹۳
موثق الدوله: [ج ۳] ۶۹۰، ۷۰۴، ۷۰۷
مورلی (لرد — ویکنت): [ج ۳] ۷۱۹، ۷۲۱
مورلی بلک برن (ویکنت): [ج ۳] ۶۹۵ (نیز نک: مورلی)
موسوی شوشتری (ابوالحسن): [ج ۵] ۱۰۰۵
مـوقـرالـدولـه: [ج ۵] ۱۲۳۲؛ [ج ۶] ۱۳۴۱؛ [ج ۷] ۱۵۰۵
موقرالسلطنه: [ج ۳] ۷۵۶
موکانی : [ج ۷] ۱۶۴۸
مهدی خان: [ج ۱] ۹۶
مهدی خان قفقازی: [ج ۴] ۷۹۸
مـهـنـدس الـمـمـالـک: [ج ۱] ۳۲، ۸۱؛ [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸؛ [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۵، ۶۷۴
میدلتن — میدلتون (مستر)؛ [ج ۳] ۷۳۲؛ [ج ۷] ۱۶۲۳
میر برکت — میر برکت خان؛ [ج ۳] ۶۰۵؛ [ج ۴] ۹۴۵
میر بیایان؛ [ج ۴] ۹۴۵

میرپنج؛ [ج ۲] ٤٦٦، ٤٦٧
میرپنجه؛ [ج ۳] ۷۱٦
میرزا ابراهیم؛ [ج ۲] ٥۳٤
میرزا ابراهیم‌خان؛ [ج ٤] ۷۷۸؛ [ج ٥] ۱۰٥٥
میرزا بابا؛ [ج ۳] ۷٤٤
میرزا حبیب‌الله خان؛ [ج ٦] ۱٤۷۱
میرزا حسن خان (اصفهانی)؛ [ج ۱] ۲؛ [ج ٥] ۱۲٤۷؛ [ج ۷] ۱٤۸٦؛ [ج ۸] ۱٦۸٥
میرزا حسین (رئیس نظمیهٔ کرمان)؛ [ج ۸] ۱۸۲۷
میرزا حسین خان؛ [ج ۸] ۱۷۲٥، ۱۷۳۰، ۱۷٦۹، ۱۷۷٥، ۱۷۷۷، ۱۸۲۰، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۳٤، ۱۸٥۷
میرزا رضاخان؛ [ج ۸] ۱۸۸۷
میرزا سید ابوالقاسم خان؛ [ج ۱] ۲
میرزا عباس‌خان؛ [ج ٥] ۱۰۱۲، ۱۱۰۰
میرزا عبدالرحیم خان؛ [ج ٥] ۱۰۱۳
میرزا علی اکبرخان؛ [ج ۱] ۲٦۲
میرزا علی محمدخان؛ [ج ٤] ۹۰٦، ۹۱٤
میرزا فضل‌الله‌خان ؛ [ج ٦] ۱٤۸۳؛ [ج ۸] ۲۰۸۱، ۲۰۸۳
میرزا کاریزخان؛ [ج ۱] ۲٦۸
میرزا کاظم‌خان؛ [ج ۱] ۲۸٦
میرزا محمد اسماعیل؛ [ج ۸] ۲۰٦۰
میرزا محمودخان؛ [ج ۱] ۲
میرزا مصطفی خان؛ [ج ۸] ۲۱۱۱
میرزا مهدی خان ــ مهدی خان؛ [ج ٤] ۸٤۱، ۸٤۷؛ [ج ٥] ۱۲٤٥؛ [ج ٦] ۱۲٦۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷٤، ۱۲۹٤، ۱۲۹٥، ۱۳٤٤، ۱۳٦٦، ۱٤۱٥، ۱٤٥٤؛ [ج ۷] ۱٥۱۱، ۱٥۲۰، ۱٦٦٥؛ [ج ۸] ۱۸٤۱
میرزا مهدی خان کرمانی؛ [ج ۸] ۱۸٦۰
میرزا یانس؛ [ج ۸] ۱۹۷۳، ۱۹۷٥، ۱۹۹۹
میرغو؛ [ج ۷] ۱٦٤۸
میرهاشم؛ [ج ۳] ۷۰۰، ۷۲۸
میسترم؛ [ج ۸] (نک: نیسترم)
میلر؛ [ج ۲] ٥۲۷؛ [ج ۷] ۱٤۹۹، ۱٥۰۰، ۱٥۰۷، ۱٥۱۲
ناتاف؛ [ج ٤] ۸۳٥
نارمن (مستر)؛ [ج ۸] ۲۰٦٥
ناصرالاسلام؛ [ج ۸] ۱۷٦۷
ناصرالدینشاه؛ [ج ۱] ٦٥، ۸۹؛ [ج ۳] ٦۹۸؛ [ج ٥] ۱۰٦۸
ناصرالسلطنه؛ [ج ۱] ۲۸۷
ناصرالملک (نایب السلطنه)؛ [ج ۱] ۲٥، ۳۲، ۸۱، ۸٤، ۸٦، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳٦، ۱۳۹—۱٤۳، ۱۸۱، ۱۸٦، ۲۱٤؛ [ج ۲] ۳۹۷، ٤۳۹، ٥۱۷، ٥۱۹، ٥۲۱، ٥۲۲، ٥٤۰؛ [ج ۳] ٥٤۱، ٥٤۲، ٥٥٦، ٥٥۷، ٥٥۹—٥٦۱، ٥٦٤، ٥۹٥، ٦۳۱، ۷۰۷، ۷٤۱؛ [ج ٤] ۷۸۱، ۹۰۷، ۹۲٤، ۹۳٤، ۹۳۷؛ [ج ٥] ۹۹۰، ۹۹٦، ۹۹۷، ۱۰۰۸، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۲۰، ۱۰۳٥، ۱۱۰۱، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲؛ [ج ٦] ۱٤۳٥؛ [ج ۸] ۱۷۷۲، ۱۷۸۲، ۱۸۱۰ (نیز نک: نایب السلطنه)
ناظم؛ [ج ۱] ۱۳۸، ۱٥۸؛ [ج ۲] ٤۷۰
ناظم‌التجار؛ [ج ۱] ۱۱۲، ۳۲۲
ناکس (مستر)؛ [ج ٤] ۸۸۱، ۹۰۱، ۹۰٤؛ [ج ٥] ۹۸٦، ۱۰۲۹، ۱۰٤۲—۱۰٤٦، ۱۰٤۸، ۱۰٥۱، ۱۰٥۲، ۱۰٥۸، ۱۰٦۰، ۱۰٦۱، ۱۰٦۳، ۱۰۷۲، ۱۰۷۸، ۱۱۱۳،

۱۱۱۹، ۱۱۲۹، ۱۱۸۶، ۱۱۹۱، ۱۲۴۶؛ [ج ۷] ۱۵۲۸، ۱۶۲۱، ۱۶۲۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۰، ۱۷۴۰، ۱۸۵۳
نایب؛ [ج ۴] ۸۷۱، ۹۱۰، ۹۵۸، ۹۶۹
نایب الایالهٔ تبریز (نک: ضیاءالدوله)
نایب السلطنه؛ [ج ۲] ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۱؛ [ج ۳] ۵۵۱—۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴، ۶۲۲، ۶۳۵، ۶۸۳، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۴۳؛ [ج ۴] ۷۷۷، ۸۰۲، ۸۳۳، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۶۹، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۲۲، ۹۲۴، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۶۳؛ [ج ۵] ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۶—۹۹۸، ۱۰۰۱، ۱۰۰۴، ۱۰۰۶، ۱۰۰۸، ۱۰۱۱، ۱۰۱۹، ۱۰۲۶—۱۰۲۸، ۱۰۳۴، ۱۰۳۶، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۷۴، ۱۰۷۷، ۱۰۸۶، ۱۰۹۵، ۱۱۱۸، ۱۱۲۰، ۱۱۳۲، ۱۱۳۴، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۵۶، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۲۰۵، ۱۲۲۹، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷؛ [ج ۶] ۱۲۷۰، ۱۳۱۲، ۱۳۱۷، ۱۳۳۷، ۱۳۵۰، ۱۳۷۷، ۱۳۹۳، ۱۴۳۰، ۱۴۴۳، ۱۴۴۵—۱۴۶۱، ۱۴۶۴، ۱۴۶۶؛ [ج ۷] ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۶، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۸، ۱۵۵۵—۱۵۵۷، ۱۵۸۹، ۱۵۹۹، ۱۶۵۵، ۱۶۶۰؛ [ج ۸] ۱۶۹۸، ۱۷۰۰، ۱۷۰۲، ۱۷۰۷، ۱۷۱۲، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۳—۱۷۳۵، ۱۷۳۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۲، ۱۷۵۹، ۱۷۶۱، ۱۷۶۳، ۱۷۶۷، ۱۷۷۱—۱۷۷۴، ۱۷۷۶، ۱۷۸۰— ۱۷۸۲، ۱۷۸۶—۱۷۸۸، ۱۷۹۳، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰، ۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۹۶۴، ۱۹۷۳، ۲۰۱۷، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰، ۲۰۲۳، ۲۰۲۶، ۲۱۳۱، ۲۰۶۳، ۲۰۹۰، ۲۰۹۶، ۲۱۳۳، ۲۱۳۴، ۲۱۴۹، ۲۱۵۵ (نیز نک: ناصرالملک)
نایب السلطنه (عموی شاه)؛ [ج ۳] ۷۰۸، ۷۱۲
نایب السلطنهٔ هند؛ [ج ۶] ۱۲۹۳
نایب الصدر؛ [ج ۱] ۲۸۶؛ [ج ۷] ۱۶۶۷؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
نایب حسین؛ [ج ۱] ۱۶۶، ؛ [ج ۳] ۵۷۶، ۷۴۵، ۷۶۲؛ [ج ۴] ۸۷۰، ۸۷۶، ۸۸۲، ۸۹۳، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۳۱، ۹۳۵، ۹۴۴، ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷—۹۵۹، ۹۶۷، ۹۶۹؛ [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵، ۱۱۹۴، ۱۲۰۴، ۱۲۰۷، ۱۲۲۵، ۱۲۳۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۳؛ [ج ۶] ۱۲۶۷، ۱۲۹۰، ۱۳۳۸؛ [ج ۷] ۱۶۰۴، ۱۶۰۶، ۱۶۵۷؛ [ج ۸] ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۱۸۵۷، ۱۹۸۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۵۱، ۲۱۰۵، ۲۶۹۹ (نیز نک: نایب حسین کاشی)
نایب حسین کاشی؛ [ج ۴] ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۳۹؛ [ج ۵] ۹۹۸ (نیز نک: نایب حسین)
نایب یوسف؛ [ج ۳] ۵۷۶
نجفقلی بختیاری (نک: صمصام السلطنه)
نراتوف؛ [ج ۳] ۷۴۷؛ [ج ۵] ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۴۵، ۱۱۷۳، ۱۱۷۷—۱۱۸۱، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۸، ۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳؛ [ج ۶] ۱۲۶۰، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۷، ۱۳۰۴ — ۱۳۰۶، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۵، ۱۳۱۷، ۱۳۱۹ — ۱۳۲۲، ۱۳۲۷ — ۱۳۲۹، ۱۳۴۶، ۱۳۴۹ — ۱۳۵۱، ۱۳۵۳، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۶۰، ۱۳۶۳، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴، ۱۳۷۷ — ۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۹۴ — ۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲،

۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۷ — ۱۴۱۱، ۱۴۱۴، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۲۶؛ [ج ۷] ۱۵۲۹؛ [ج ۸] ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۸، ۱۸۶۹، ۱۸۷۰، ۱۸۷۳، ۱۸۷۶، ۱۹۶۴
نرل برندل (نایب)؛ [ج ۶] ۱۳۴۸ (نیز نک: نرون براندل)
نرون براندل (ماژور ــ کاپیتان)؛ [ج ۸] ۱۸۵۱، ۲۰۵۷، ۲۰۷۶، ۲۰۹۳ (نیز نک: نرل برندل)
نصرالدوله؛ [ج ۱] ۱۷۵؛ [ج ۲] ۴۶۸، ۴۷۱، ۵۳۳، ۵۳۵؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۵۶۹، ۶۰۳—۶۰۵، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۴۶، ۷۶۳؛ [ج ۴] ۸۶۶، ۹۶۱؛ [ج ۶] ۱۴۶۵، ۱۴۶۷، ۱۴۷۰؛ [ج ۷] ۱۶۸۱؛ [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۷۴۱، ۱۷۵۸، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۹۶۶ (نیز نک: انتظام الممالک)
نصرالدیوان؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
نصرت السلطان؛ [ج ۴] ۹۱۲
نصرت الممالک؛ [ج ۳] ۷۳۱
نصیرالملک؛ [ج ۲] ۵۳۴؛ [ج ۴] ۸۳۵، ۹۶۰، ۹۶۱؛ [ج ۶] ۱۴۶۵، ۱۴۷۷
نصیربختیاری (نک: سردار جنگ)
نصیر دیوان؛ [ج ۸] ۱۹۱۱
نظام السلطنه؛ [ج ۱] ۳۱، ۴۵، ۵۴، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۵۲—۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰؛ [ج ۳] ۶۰۲، ۶۴۹، ۷۱۰، ۷۳۱، ۷۴۳؛ [ج ۴] ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۳۴، ۸۸۱، ۸۸۵، ۸۸۶، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۶۶، ۹۷۰، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۷، ۹۸۱، ۹۹۶، ۱۰۰۷، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰۴۰، ۱۰۴۲—۱۰۴۹، ۱۰۵۱—۱۰۵۴، ۱۰۵۷، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۲، ۱۰۶۵، ۱۰۷۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۰، ۱۱۰۴، ۱۱۱۳، ۱۱۱۵—۱۱۱۹، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۹، ۱۱۷۱، ۱۱۸۶، ۱۱۹۰، ۱۱۹۷، ۱۲۰۷، ۱۲۱۶، ۱۲۲۰، ۱۲۲۳، ۱۲۴۲؛ [ج ۶] ۱۲۵۵—۱۲۶۰، ۱۲۶۳، ۱۲۶۸، ۱۳۳۹، ۱۴۶۳—۱۴۷۲، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۸، ۱۴۸۲؛ [ج ۷] ۱۵۴۰؛ [ج ۸] ۱۷۶۶، ۱۹۰۹، ۱۹۱۹، ۲۰۱۵
نظام‌الملک؛ [ج ۱] ۲۲، ۴۲، ۷۲، ۸۱؛ [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸؛ [ج ۳] ۶۹۰
نظر (لر)؛ [ج ۸] ۱۸۴۹، ۱۸۵۰
نظر بیگ اوف؛ [ج ۳] ۵۹۳
نظر علی خان؛ [ج ۳] ۷۱۱
نظر ــ نظر علیخان امرائی (نک: سردار اکرم)
نظم‌الدوله؛ [ج ۳] ۶۷۴
نعمت‌الله (قاتل قوام‌الملک)؛ [ج ۱] ۱۷۵
نقیب السادات؛ [ج ۱] ۵۱
نلسون؛ [ج ۳] ۶۴۱
نوئل (کلنل)؛ [ج ۵] ۱۲۴۶
نواب (حسینقلی خان)؛ [ج ۳] ۵۹۶؛ [ج ۴] ۹۱۵
نواب خان (بلوچ)؛ [ج ۸] ۲۱۵۰
نواب خان (رئیس ایل بهمه)؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
نورالله خان؛ [ج ۸] ۱۸۳۲
نور محمد خان؛ [ج ۵] ۱۱۱۳
نور محمد خان دالکی؛ [ج ۸] ۲۰۸۶، ۲۱۲۵
نوز؛ [ج ۱] ۷، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۴۲، ۵۲، ۱۸۳؛ [ج ۲] ۳۹۶؛ [ج ۶] ۱۴۰۱
نیرالدوله؛ [ج ۱] ۵۴، ۱۳۲؛ [ج ۲] ۴۶۷؛ [ج ۳] ۵۶۷؛ [ج ۴] ۷۹۶؛ [ج ۵] ۱۱۵۲؛

[ج ٦] ۱۳۳۸، ۱٤٤۸
نیسترم (کاپیتان)؛ [ج ۸] ۱۸۵۱، ۱۸۸۷، ۱۸۹۷، ۱۹۰۰، ۱۹۷٤، ۱۹۷٦، ۱۹۷۷، ۱۹۸۲، ۱۹۹۵، ۲۰۷۳ (نیز نک: لوندبرگ)
نیک (مستر)؛ [ج ۸] ۱۷۱۱—۱۷۱۸، ۱۷۲۰—۱۷۲۲، ۱۷۲۸، ۱۷۳۹
نیکراسو؛ [ج ۳] ۷۵۵
نیکلاس (مسیو)؛ [ج ۸] ۲۰۳۷
نیکلسکی؛ [ج ۸] ۱۸٤۱
نیکلسون (سرآرتور)؛ [ج ۲] ۳۹۵، ٤۰۱، ٤٤۸، ٤۹۵، ٤۹۸؛ [ج ۳] ۵٤۲، ۵٤٤ — ۵٤٦، ۵٤۸، ۵٤۹، ۵۵٤، ۵۵۸، ۵۷۰، ۵۷۵، ۵۷۹، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷٤۷، ۷۵۰—۷۵۳، ۷۵۵ — ۷۵۷، ۷٦٦؛ [ج ٤] ۷۹۰، ۷۹۱، ۸۱۳ — ۸۱۷، ۸۲٤، ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۹۸؛ [ج ۵] ۹۷٦، ۹۸۷، ۱۱۳٤، ۱۱٤۵، ۱۱٦۰، ۱۱۸۳، ۱۲۱۹؛ [ج ٦] ۱۲٦۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷٤، ۱۲۷٦، ۱۳۰۱، ۱۳۰۸، ۱۳۱۵، ۱۳٦٦، ۱٤۱۵؛ [ج ۷] ۱٤۹۸، ۱۵۸۷؛ [ج ۸] ۱۸٤۱
نیکلین (اینتذنت)؛ [ج ٦] ۱۳٤۸
نیلکان (دکتر)؛ [ج ۳] ۶۸۵
نیو، جارج؛ [ج ٦] ۱۲۸۹

وادبولسکی ــ واوپولسکی (پرنس ــ کلنل ــ پالکونیک)؛ [ج ٤] ۸۷۳، ۸۹۵، ۹۱۵؛ [ج ۵] ۱۱۹۳؛ [ج ٦] ۱۳۳۲، ۱٤٤۱
وارد (لیوتننت)؛ [ج ۵] ۱۰٤۰
والی پشتکوه؛ [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۱٦، ۱۱۵۵، ۱۱۹۷؛ [ج ۸] ۱۷۳۲، ۱۷٦۲، ۱۷٦۵، ۱۷٦٦، ۱۷۷۰، ۱۷۸۳، ۱۷۸٤، ۱۷۹۵، ۱۷۹۷، ۱۸٤۷
وثوق الدوله؛ [ج ۳] ۷۰٤، ۷۲۷، ۷۵۹؛ [ج ٤] ۷۷۸، ۷۸٤، ۸۵٤، ۸٦۷، ۹۳٦؛ [ج ۵] ۱۱٤۸، ۱۲۰٤، ۱۲۰۵، ۱۲۲۷، ۱۲۳۷؛ [ج ٦] ۱۲٦۵—۱۲٦۷، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۳۳۵، ۱۳٤۲—۱۳٤٤، ۱۳٦۹، ۱۳۸۵، ۱۳۸۷، ۱٤۳۸—۱٤٤۰، ۱٤٤٤، ۱٤٤۵؛ [ج ۷] ۱۵۰۳—۱۵۰۵، ۱۵۳۳—۱۵۳٦، ۱۵٤۸، ۱۵۹۹، ۱٦٤۰، ۱٦٤۱؛ [ج ۸] ۱٦۹۸، ۱۷۳۷—۱۷۳۹، ۱۷۷۳، ۱۷۸۹، ۱۸۰٤، ۱۸۱۲—۱۸۱٤، ۱۸۲۲، ۱۸۵۵، ۱۸٦۲، ۲۰۹۰، ۲۱۲۸، ۲۱٤۳، ۲۱٤۸
وحناندخان؛ [ج ۵] ۱۱۰۰
وحید الملک؛ [ج ۳] ۷۲۸؛ [ج ٤] ۷۷۸، ۸٤۵؛ [ج ۵] ۱۰٦۷؛ [ج ۸] ۱۷۳۰، ۱۷٦۷، ۱۷۷۳، ۱۸۱٤
وراک (مستر)؛ [ج ۸] ۱۹۷۰
ورال (مستر)؛ [ج ۸] ۲۰٦۱
وردنف (جنرال)؛ [ج ۷] ۱۵۰۷، ۱٦۰۲
وزدال؛ [ج ۸] ۲۰٤۲
وزیر افخم (سلطانعلی خان)؛ [ج ۱] ۱۹، ۳۲، ۲۵٤
وزیر اکرم؛ [ج ۱] ۲٤، ٤٤، ۱۱۰؛ [ج ۳] ۷۲۸
وزیرزاده؛ [ج ۵] ۹۸۳، ۹۸٤، ۹۸۸
وزیر مخصوص؛ [ج ۱] ۸۱
وزیر همایون؛ [ج ۱] ۳۲، ۸۱
وزیر هندوستان؛ [ج ۷] ۱۵٦۰، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱٦۱۳، ۱٦۳٤، ۱٦۷۱، ۱٦۷۷، ۱٦۷۹
وقارالملک؛ [ج ۸] ۱۷٤۲، ۱۷۷۰
وکیل الدوله؛ [ج ۸] ۱۷۰۵
وکیل الرعایا؛ [ج ٤] ۸٦۸، ۸۹۰، ۸۹۱، ۹۲۸
ولات (دکتر)؛ [ج ۳] ۷٦۵؛ [ج ٤] ۷۸۸

ولیعهد؛ [ج ۳] ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۶، ۷۰۷، ۷۲۵، ۷۲۸
وود (ا. او.)؛ [ج ۵] ۱۰۷۰، ۱۱۲۰؛ [ج ۸] ۱۸۱۲، ۱۸۱۲، ۲۱۴۱، ۲۱۴۲
وولات (دکتر)؛ [ج ۵] ۱۱۱۴— ۱۱۱۶؛ [ج ۶] ۱۴۷۹
ویبیر؛ [ج ۸] ۱۷۸۸
ویک (لیوتنان)؛ [ج ۷] ۱۵۴۴
ویکتوریا (ملکهٔ انگلیس)؛ [ج ۳] ۶۹۸
ویلسن (لیوتنان)؛ [ج ۱] ۱۳۹؛ [ج ۵] ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۲۴۴؛ [ج ۶] ۱۲۵۵، ۱۲۹۸، ۱۴۷۳؛ [ج ۷] ۱۵۴۱، ۱۵۴۵
ویکسون (و کمپانی)؛ [ج ۳] ۶۵۶
ویولت (مسیو)؛ [ج ۸] ۱۹۲۱
هارت ویگ (هارت ویک)؛ [ج ۱] ۴۷، ۷۷، ۸۶، ۱۲۸، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۷۲، ۱۸۹، ۱۹۱—۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۲—۲۱۴، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۶۰، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۸، ۳۱۴—۳۱۷، ۳۲۵—۳۲۸؛ [ج ۲] ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۵۶
هاردیک (سر چارلز)؛ [ج ۴] ۸۴۷
هاردینگ (سر ــ هاردیک؟)؛ [ج ۲] ۳۹۳، ۵۱۹، ۵۲۲
هاکینز؛ [ج ۱] ۲۵۲
هاورت، هاوارت، هاورس (کاپیتان)؛ [ج ۱] ۴۷، ۴۸، ۹۷، ۱۲۸، ۱۹۰؛ [ج ۲] ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۷۰، ۵۳۲، ۵۳۳؛ [ج ۸] ۱۷۲۷، ۱۷۷۱، ۱۷۹۹—۱۸۰۱، ۱۹۶۹، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹
های نیک (کاپیتان)؛ [ج ۱] ۱۲۷، ۱۲۸
هر رور (آلمانی)؛ [ج ۸] ۱۹۲۰، ۱۹۲۱
هرمز میرزا؛ [ج ۱] ۲۱۴
هر هاز؛ [ج ۶] ۱۲۸۶؛ [ج ۸] ۲۱۴۹
هر هانیکی؛ [ج ۸] ۱۹۲۱
هژبر السلطنه؛ [ج ۸] ۱۹۹۱
هلدریش؛ [ج ۸] ۲۰۲۰، ۲۱۳۷
هموسن (مسیو)؛ [ج ۵] ۱۰۳۸
هنتر (کاپیتان)؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
هنری دیس (پرنس)؛ [ج ۸] ۱۹۴۰
هوسن (مستر)؛ [ج ۵] ۹۸۱، ۱۰۷۵
هونر (کاپیتان)؛ [ج ۳] ۵۶۷
هیکاک (مستر)؛ [ج ۵] ۱۰۳۹؛ [ج ۶] ۱۲۹۷، ۱۳۹۲، ۱۴۴۸؛ [ج ۷] ۱۶۵۷؛ [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۷۶۸
هیگ (کلنل)؛ [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۹۹؛ [ج ۶] ۱۲۸۶؛ [ج ۸] ۱۷۳۱، ۱۷۳۳، ۱۷۴۸، ۱۷۵۲، ۱۷۵۴، ۱۷۸۹، ۱۷۹۰، ۱۸۲۰، ۱۸۲۶، ۱۸۳۱، ۱۸۳۲، ۱۸۳۷، ۱۸۴۹، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰
هیلز (آر. دبلیو)؛ [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳، ۱۰۹۴، ۱۱۴۶
یارمحمد خان ــ یارمحمد؛ [ج ۵] ۱۰۵۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹؛ [ج ۷] ۱۶۵۳، ۱۶۶۵—۱۶۶۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۰، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۸۸۵، ۱۹۲۳، ۱۹۲۹، ۱۹۴۲، ۱۹۵۸، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵، ۱۹۹۷—۱۹۹۹، ۲۰۰۸

یالمارسن (کاپیتان ــ کلنل)؛ [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۲۲۸؛ [ج ۷] ۱۵۷۷، ۱۶۵۲، ۱۶۶۹، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۷۰۱، ۱۷۵۷، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۸۰، ۱۸۸۲، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۷۶—۱۹۷۹، ۱۹۸۶، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱، ۲۰۲۵، ۲۰۷۱، ۲۰۷۵—۲۰۷۷، ۲۱۰۰
یاور اسدالله؛ [ج ۲] ۵۳۱؛ [ج ۳] ۵۶۷ (نیز نک: اسدالله)
یپرم ــ یپرم خان ــ یفرم ــ یفرم خان؛ [ج ۳] ۷۰۷، ۷۴۳، ۷۵۸، ۷۶۰؛ [ج ٤] ۷۸۵، ۷۹۷، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۶، ۸۲۱، ۸۲۷، ۸۳۳، ۸۳۸، ۸٤۵، ۸۵۵، ۸۷۸، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۱۶—۹۱۸؛ [ج ۶] ۱۲۷۹، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۳، ۱۳۳۶، ۱۳۹۰، ۱۳۹٤، ۱۳۹۸، ۱٤۶۱ (نیز نک: یفرم)
یحیی میرزا؛ [ج ۳] ۷۲۸
یداک (مستر)؛ [ج ۸] ۲۰۳۹
یدالله میرزا؛ [ج ۶] ۱٤۶۸
یعقوبعلی بربری؛ [ج ۵] ۱۰۹۷
یفرم؛ [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۱۹۸، ۱۲۰۲، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳؛ [ج ۷] ۱۵۳۳، ۱۵۳۶، ۱۶۷۹؛ [ج ۸] ۱۷٤۶، ۱۷٤۹، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۹، ۱۷۶۳، ۱۷۶۷، ۱۷۶۹، ۱۷۷٤، ۱۷۸۶، ۱۷۸۸، ۱۷۹۲ — ۱۷۹٤، ۱۸۱۵ — ۱۸۱۷، ۱۹۷۳ (نیز نک: یپرم)
یمین الممالک؛ [ج ۸] ۲۱۰٤
یمین نظام؛ [ج ۸] ۱۷۶۷
یوزباشی قربان؛ [ج ۵] ۱۰۱۲
یوسف (یوسف خان هراتی ؟)؛ [ج ۷] ۱۶۱٤
یوسف ــ نایب یوسف؛ [ج ۳] ۵۵۸، ۵۷۶
یوسف خان (برادر سردار اسعد)؛ [ج ۳] ٦۸٤؛ [ج ۸] ۱۷۵۵، ۱۷۵۷، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱
یوسف خان امیر مجاهد؛ [ج ۸] ۱۸۰۲
یوسف خان هراتی؛ [ج ۷] ۱۵۸۱، ۱۵۹۲؛ [ج ۸] ۱۸۱۵ (نیز نک: یوسف)

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

نام جایها

آبـاده؛ [ج ۲] ۴۷۱، ۴۷۲؛ [ج ۳] ۶۳۴، ۶۷۶، ۷۲۱، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۶؛ [ج ۴] ۸۳۶، ۹۳۱، ۹۳۳، ۹۴۱، ۹۵۷، ۹۶۹، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۸۱؛ [ج ۶] ۱۲۶۵، ۱۲۹۵، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۵، ۱۳۱۹، ۱۳۳۸، ۱۴۳۶، ۱۴۴۸، ۱۴۷۸؛ [ج ۷] ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۶۰۶، ۱۶۲۷، ۱۶۵۹، ۱۶۶۱؛ [ج ۸] ۱۸۰۴، ۱۸۰۶، ۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۱۹۰۸، ۱۹۱۰، ۱۹۵۳، ۱۹۶۸، ۱۹۷۱، ۱۹۷۴، ۲۱۵۰
آب باریک؛ [ج ۷] ۱۶۲۲، ۱۶۲۴
آب بید؛ [ج ۸] ۲۰۴۹
آب گنـده (آب گـندو)؛ [ج ۳] ۶۶۱؛ [ج ۸] ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
آپشرن؛ [ج ۸] ۲۰۶۱
آجی (رودخانه)؛ [ج ۳] ۶۴۶
آذربـایـجـان؛ [ج ۱] ۴۱، ۴۳، ۴۹، ۵۳، ۶۶، ۷۲، ۸۱، ۹۴، ۱۴۸، ۲۶۲، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۰۳، ۳۰۹، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۶—۳۲۹، ۳۳۱؛ [ج ۲] ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۱۰، ۴۱۵، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۳۱، ۴۳۵، ۴۴۹، ۴۸۶؛ [ج ۳] ۵۴۳، ۵۵۰، ۵۶۶، ۵۹۲، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۲۶، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۵۱، ۶۶۶، ۶۷۰، ۶۷۵، ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۲۵، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۹، ۷۵۴، ۷۵۶، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۵؛ [ج ۴] ۷۷۸ — ۷۸۰، ۸۱۰، ۸۱۷، ۸۱۹، ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۶۹، ۸۷۸، ۸۸۹، ۹۰۷؛ [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۷، ۱۰۶۶، ۱۰۹۶، ۱۱۴۰، ۱۱۵۲، ۱۱۶۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵؛ [ج ۶] ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۳۰۷، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۵، ۱۴۳۷؛ [ج ۷] ، ۱۵۶۲، ۱۶۰۲، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۵۲؛ [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۶۹۹، ۱۷۰۹، ۱۷۱۴، ۱۷۱۶، ۱۷۱۹، ۱۷۲۴، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۸۲۲، ۱۸۵۵، ۱۸۶۷، ۱۸۶۸، ۱۸۷۱، ۱۸۸۶، ۱۹۳۶، ۱۹۷۰، ۱۹۷۹، ۱۹۸۲، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۲۰۶۷، ۲۰۹۶—۲۰۹۸، ۲۱۰۱،

۲۱۰۳ شمالی ۱۷۱٦، ۱۷۲۰
آذریاد (روستا)؛ [ج ۸] ۱۷۰۹
آرادان نک: ارادان
آستارا؛ [ج ۱] ٥٤، ۱۳۷، ۲٦۹؛ [ج ۲] ٤۸۷؛ [ج ۳] ٦۷٥، ۷٥۲، ۷٥٤، ۷٥٦، ۷٦٥؛ [ج ٤] ۷۷٦، ۷۷۷، ۷۷۹، ۷۸٥؛ [ج ٥] ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۳۷، ۱۱٥۲؛ [ج ٦] ۱۲۸۸؛ [ج ۷] ۱٥٥۱، ۱٥٦٦، ۱٥٦۸، ۱٥۹۸، ۱٦۰۳؛ [ج ۸] ۱۷۲۳، ۱۷٤۲، ۱۷٤۳، ۱۷٦۸
آسورد (آشوراده؟)؛ [ج ٦] ۱۳۰۲
آسیا؛ [ج ٥] ۱۲۳٤
آسیای قوام؛ [ج ۸] ۲۱۲٦
آشتیان؛ [ج ۳] ٦۷۸
آشوراده؛ [ج ٤] ۸۷٥؛ [ج ٥] ۱۲٤٥؛ [ج ۷] ۱٦۳۸، ۱٦٦۳؛ [ج ۸] ۱٦۹٦
آق‌چشمه؛ [ج ٥] ۹۷۷؛ [ج ۷] ۱٦۲۳
آلام (بازار)؛ [ج ۸] ۱۷۲۳
آلمان؛ [ج ۳] ٦۹۷؛ [ج ٥] ۱۱۷۷، ۱۱۸٦؛ [ج ٦] ۱۲۸٦، ۱۳۰۱، ۱٤٥۷، ۱٤٥۸؛ [ج ۷] ۱٦٥۲؛ [ج ۸] ۱۹٤۰
آمریک ــ آمریکا (نک: امریکا)
آمل؛ [ج ۳] ٦۸۰؛ [ج ٥] ۱۲۳۳

ابرقو ــ ابرکوه؛ [ج ۲] ٤۷۱؛ [ج ۸] ۱۹۰۷، ۱۹۰۸
ابهر؛ [ج ۳] ٦۷۸؛ [ج ٦] ۱٤۳٥
اتازونی؛ [ج ۸] ۱۹۳٥، ۲۰۳۹
اترک؛ [ج ۱] ۱۲٦؛ [ج ٥] ۱۲۰۱
اتریش؛ [ج ۲] ۳٥۸، ۳٥۹؛ [ج ٤] ۷۷۹؛ [ج ٦] ۱٤۷۰
احمدآباد؛ [ج ۳] ٦۸٦
احمدی؛ [ج ۳] ٦٦۱؛ [ج ٤] ۸۰۷؛ [ج ٥] ۱۰٤۰؛ [ج ۷] ۱٦۲۳؛ [ج ۸] ۱۷۷۰، ۱۹۱۷، ۱۹۱۸، ۲۱۲۲، ۲۱۲۳، ۲۱۲٥، ۲۱۲۷
ادبسا ــ اودسا؛ [ج ٥] ۱۰۸٥، ۱۱٤۱، ۱۲۲٤؛ [ج ۸] ۱۸۱٥، ۱۸٤٤، ۱۸٤٥، ۱۹۲۸، ۲۰۱۸، ۲۰۲٤
ارادان؛ [ج ٥] ۱۱۹٤، ۱۱۹٥، ۱۲۱۱، ۱۲۲۸، ۱۲۳۳
اراضی بیلیق (نک: بیلیق)
ارجین ــ ارچین؛ [ج ٤] ۷۸٦، ۸۰٤؛ [ج ٦] ۱٤٤۳
ارچینی (گردنه)؛ [ج ۷] ۱٦٦۱
اردبیل [ج ۱] ٦٦، ۷۲، ۱۷۸؛ [ج ۳] ٥۷۹، ٥۹٦، ٦۲۸، ٦۳۲، ٦٥۲، ٦٥۳، ٦۷٥، ۷۰۱، ۷۰۸، ۷۱۹، ۷۳٦ ــ ۷۳۹، ۷٤۳، ۷٤۷، ۷٤۹ ــ ۷٥۲، ۷٥٤، ۷٥٥، ۷٥٦ ــ ۷٥۸، ۷٦۰، ۷٦۱، ۷٦٥، ۷٦۷؛ [ج ٤] ۷۷٦، ۷۷۷، ۷۷۹ ــ ۷۸۲، ۷۸٤، ۸۱٤، ۸۱۹، ۸۳۸، ۸٤٥، ۸٥٥، ۸۹۱، ۹۲٤، ۹۳٤، ۹۳۸، ۹٥۰؛ [ج ٥] ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰٦٦، ۱۰۷۰، ۱۰۹٦، ۱۱۰٤، ۱۱۲٦، ۱۱٥۲، ۱۱٦۱، ۱۱٦۳، ۱۱۹٥؛ [ج ٦] ۱۳۳٤، ۱٤۰٥، ۱٤۰۸، ۱٤۱۹، ۱٤۳٥، ۱٤٥۷؛ [ج ۷] ۱٥۳۱، ۱٥۳٦، ۱٥٦۲، ۱٥٦۳، ۱٥۹۸، ۱٦۰۳، ۱٦٤۲؛ [ج ۸] ۱۷۲۳، ۱۷۲۷، ۱۷٤۰، ۱۷۸۷، ۱۸۱٥، ۱۸۲۳، ۱۸۲٥، ۱۸٤۷، ۱۸٥٦، ۱۸۸۷، ۱۹۰٥، ۱۹۱۳، ۱۹۲۲، ۱۹٤۰، ۱۹٤۱، ۱۹۷٥، ۲۰۰۷
اردستان؛ [ج ۱] ۳۰٥؛ [ج ۳] ٦۷۷؛ [ج ٤]

۹۰۹، ۹۱۰، ۹۳۹، ۹۶۹؛ [ج ۵] ۱۱۵٤، ۱۱۹٤، ۱۲۰۷، ۱۲۳۰؛ [ج ۸] ۱۷٦۸، ۱۸۱٦، ۱۸۵۳
اردکـــان؛ [ج ۳] ٦۸۰؛ [ج ٤] ۸۰۸، ۸۷۱، ۹٦۹؛ [ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۲۳۰؛ [ج ۸] ۱۸۸۷، ۱۹۷۱، ۲۰۵۱، ۲۰٦۳، ۲۰۷۷، ۲۰۸٤
ارزروم (ارض روم)؛ [ج ۱] ۳۲٤
ارس؛ [ج ۲] ٤۲۲
ارک (اردبیل)؛ [ج ۸] ۱۸۲۳، ۱۸۲۵
ارک (بافت)؛ [ج ۸] ۱۸۳۲
ارک (تبریز)؛ [ج ۲] ۳۸۷؛ [ج ۳] ۵۹۱، ۷۵۵، ۷۵۷؛ [ج ٦] ۱٤۵۷، ۱٤۵۸؛ [ج ۷] ۱٤۹۵، ۱٦۰۲
ارک (کرمانشاه)؛ [ج ۸] ۱۹۹۵، ۱۹۹٦، ۲۰۰۹
ارک (مشهد)؛ [ج ۲] ۳۸۲، ۵۳۰؛ [ج ۳] ٦٤۷
اروپـا؛ [ج ۲] ۳٦۲، ۳٦۳، ۳۷۰، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۸، ٤۰۵، ٤۱۷، ٤۳۱، ٤۳۳، ٤٤۲، ٤۵۹، ۵۳۱؛ [ج ۳] ٦٤٦، ٦۵۰، ۷۰۷، ۷۱۷، ۷۲۸، ۷٤٤؛ [ج ٤] ۸٦٤، ۸٦۹، ۸۷٦، ۸۹۰، ۹۰۷، ۹۵۸، ۹٦٦؛ [ج ۵] ۱۰۲٦، ۱۰۳۵، ۱۰۳٦، ۱۰٤۳، ۱۰٤۸، ۱۰٤۹، ۱۰۵۲، ۱۰۵۵، ۱۰۷۸، ۱۰۸٤، ۱۰۹٦، ۱۱۲٤، ۱۲۰۵، ۱۲۳٤؛ [ج ٦] ۱۲۵۳ — ۱۲۵۵، ۱۲۵۷، ۱۲۷٤، ۱۲۷۵، ۱۳۱۰، ۱۳۹۰، ۱٤٤۵، ۱٤٤۷، ۱٤۵۷، ۱٤٦٦، ۱٤٦۹، ۱٤۷۰، ۱٤۷٤، ۱٤۷۵؛ [ج ۷] ۱۵۲۳، ۱۵۲۹، ۱۵۳٦، ۱۵۷۱، ۱۵۷٤؛ [ج ۸] ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۳، ۱۷۳۵، ۱۷٤۰، ۱۷٤۱، ۱۷۵۰، ۱۷۸٦، ۱۷۸۷، ۱۸۰۹، ۱۸۱٤، ۱۸۲۱، ۱۹۲۸، ۱۹۳۳، ۱۹۳۵، ۲۰۰٤، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۲٤، ۲۰۳۲، ۲۱۲۹، ۲۱۳۸، ۲۱٤۹، ۲۱۵۰
اروپای غربی؛ [ج ۸] ۲۰۲٤
ارومیـــه (اورمیـــه)؛ [ج ۱] ۱۳۲، ۱۳۷، ۲٦٦؛ [ج ۲] ۳۵۱، ۳۸۹، ۳۹۰، ٤۳۳، ٤٤۸، ۵۲۸؛ [ج ۳] ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۹۹، ٦۷۵، ۷۲۱، ۷٦۱؛ [ج ٤] ۸۱۹؛ [ج ۳] ۷۲۱؛ [ج ٦] ۱۲۷۹، ۱۲۸۸، ۱۳۳۵، ۱٤۳۵؛ [ج ۷] ۱٦۳۰، ۱٦٤۲؛ [ج ۸] ۱۸٦۸، ۱۸۸۳، ۱۹۰۳، ۲۰۰۷
اسپاس ؛ [ج ۸] ۱۹۰۸، ۱۹٦۵، ۲۰۸۳
اســـترابـاد؛ [ج ۱] ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲٦، ۱۳۲، ۱٦۵، ۱۷٤، ۱۷۹؛ [ج ۲] ۳٤۲، ۳۵۲، ۳۸۳، ٤۱۰، ٤۱۳، ٤٤۸، ٤٤۹، ٤٦۹، ٤۸٤، ٤۸٦، ٤۸۷، ۵۲۹، ۵۳۰؛ [ج ۳] ۵٦۷، ٦۰۰، ٦۷۷، ۷۰۹، ۷۲۹؛ [ج ٤] ۷۷۸، ۸۷۵؛ [ج ۵] ۱۰۱۵، ۱۰۷۰، ۱۰۷٤، ۱۱۲۲، ۱۱۲٤، ۱۱٤۱، ۱۱۵۲، ۱۱۷۰، ۱۱۹٦، ۱۲۰۰—۱۲۰۲، ۱۲۱٤، ۱۲۱۹، ۱۲۲۲، ۱۲٤۵؛ [ج ٦] ۱۲۷۸، ۱۲۸۱، ۱۲۸۷، ۱۲۸۹، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۳۳، ۱۳۳۵، ۱۳۳۷، ۱٤۳۵، ۱٤٤۱، ۱٤٤۸؛ [ج ۷] ۱۵۳۱، ۱۵۳۷، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸٦، ۱۵۸۹، ۱۵۹۲، ۱٦۰۸، ۱٦۱۷، ۱٦۱۸، ۱٦۳۸، ۱٦۵۲ — ۱٦۵۷، ۱٦٦۰؛ [ج ۸] ۱٦۹۵ — ۱٦۹۷، ۱۷۳۱، ۱۷۳۸، ۱۷٤۰، ۱۷٤۳، ۱۹۷۰، ۱۹۷۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰٦۱، ۲۰٦۵، ۲۱۰٤، ۲۱۰۵، ۲۱٤۰، ۲۱٤۹، ۲۱۵۲
استکهلم ــ استخهلم؛ [ج ۵] ۹٦۷، ۱۰٤٤، ۱۰۸۵؛ [ج ٦] ۱۲۷۲، ۱۳٤۷؛ [ج ۷]

۱۵۱۶، ۱۵۲۲، ۱۵۵۰، ۱۶۷۵؛ [ج ۸] ۸۵۶، ۸۵۸—۸۶۵، ۸۶۷، ۸۷۰، ۸۷۳، ۱۶۹۳، ۱۹۴۰، ۲۰۴۲ ۸۷۴، ۸۷۶، ۸۸۲، ۸۸۶ — ۸۸۸، ۸۹۲ —
اسدآباد؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۸] ۱۷۰۹، ۱۹۹۵، ۸۹۴، ۹۰۴، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۳،
۱۹۹۶ ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۳ — ۹۳۶،
اسرائیل؛ [ج ۲] ۵۳۲ ۹۳۹، ۹۴۱، ۹۴۶ — ۹۴۸، ۹۵۵ — ۹۵۸،
اسفندقه؛ [ج ۴] ۹۱۲ ۹۶۱، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۸، ۹۷۰ — ۹۷۲؛
اسکانو؛ [ج ۴] ۹۶۲ [ج ۵] ۹۷۷، ۹۷۹، ۹۸۱، ۹۸۳، ۹۸۶،
اسلامبول؛ [ج ۲] ۴۸۷؛ [ج ۳] ۵۵۵، ۵۵۶، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۸ — ۱۰۰۰،
۶۲۱؛ [ج ۴] ۹۶۵؛ [ج ۸] ۱۹۹۳ ۱۰۰۷ — ۱۰۱۰، ۱۰۱۲، ۱۰۱۴، ۱۰۱۸،
اشرف؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۵] ۱۱۶۷، ۱۲۱۵ ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۵، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰،
اصفهان؛ [ج ۱] ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۵۴، ۶۶، ۶۹، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۱۰۰، ۱۱۲۳، ۱۱۲۵،
۷۰، ۷۲، ۷۵، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۹۳، ۹۴، ۱۱۲۸، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۳، ۱۱۶۶،
۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۱۸۴، ۱۱۹۱، ۱۱۹۶، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴،
۱۴۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۲۰۶، ۱۲۱۶، ۱۲۲۴، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱،
۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۷—۱۸۰، ۱۹۰، ۲۰۰، ۱۲۴۰ — ۱۲۴۴؛ [ج ۶] ۱۲۵۵ — ۱۲۵۷،
۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۴۹، ۲۶۶، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۷۴،
۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۹، ۳۲۲، ۳۲۳؛ ۱۲۷۵، ۱۲۸۲، ۱۲۹۰ — ۱۲۹۲، ۱۲۹۴،
[ج ۲] ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۰، ۳۶۳—۳۷۰، ۱۲۹۶ — ۱۲۹۸، ۱۳۰۴، ۱۳۱۹، ۱۳۳۰،
۳۸۳، ۳۸۴، ۳۹۱—۳۹۳، ۳۹۵، ۴۰۱، ۱۳۳۱، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۸، ۱۳۴۱.
۴۰۴، ۴۰۶، ۴۰۸—۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۳، ۱۳۴۲، ۱۳۸۸، ۱۳۹۸، ۱۴۳۰، ۱۴۳۵،
۴۱۵، ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۸، ۴۵۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۸ — ۱۴۵۰، ۱۴۵۴،
۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۰، ۵۱۴، ۵۱۵، ۱۴۶۳، ۱۴۷۸، ۱۴۸۰؛ [ج ۷] ۱۵۳۹،
۵۱۸، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۳۴، ۵۳۵؛ [ج ۳] ۱۵۴۱، ۱۵۴۳ — ۱۵۴۵، ۱۶۰۳ — ۱۶۰۶،
۵۴۶—۵۴۹، ۵۵۹، ۵۶۶، ۵۷۲، ۱۶۱۰، ۱۶۲۴، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۵۷،
۵۷۹—۵۸۱، ۵۸۳، ۶۰۱، ۶۳۱، ۶۳۳، ۱۶۵۹، ۱۶۶۱، ۱۶۸۰، ۱۶۸۲، ۱۶۸۴:
۶۳۶—۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۵۶، [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۷۱۸، ۱۷۴۰، ۱۷۴۷،
۶۷۷، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۵، ۱۷۶۸، ۱۷۷۹، ۱۷۸۴، ۱۸۰۱ — ۱۸۰۴،
۷۲۱، ۷۳۰—۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۵—۷۴۸، ۱۸۰۶، ۱۸۱۵، ۱۸۳۹، ۱۸۵۱ — ۱۸۵۴،
۷۵۸، ۷۶۲، ۷۶۷؛ [ج ۴] ۷۷۶، ۷۷۸، ۱۸۵۶، ۱۸۶۵، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۸،
۷۸۱، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۲، ۱۸۸۹، ۱۸۹۷، ۱۹۰۴، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸،
۷۹۷، ۷۹۸، ۸۰۴، ۸۱۱، ۸۲۲، ۸۲۴، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲۵ — ۱۹۲۸، ۱۹۳۱،
۸۲۷، ۸۳۲، ۸۳۴—۸۳۷، ۸۴۵، ۸۴۶، ۱۹۴۱، ۱۹۴۸، ۱۹۵۲، ۱۹۵۸، ۱۹۵۹،

۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷، ۱۹۸۵،
۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۹۱، ۱۹۹۹، ۲۰۰۱،
۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۵۰، ۲۰۵۴، ۲۰۵۵،
۲۰۵۷، ۲۰۵۸، ۲۰۶۰، ۲۰۶۲، ۲۰۷۱،
۲۰۸۹، ۲۰۹۴، ۲۰۹۶، ۲۱۰۵، ۲۱۱۶،
۲۱۱۹، ۲۱۲۰، ۲۱۲۱، ۲۱۵۰.
افریقا؛ [ج ۵] ۱۲۳۴
افشا (افشار؟)؛ [ج ۳] ۶۷۷
افغان؛ [ج ۱] ۷۵؛ [ج ۳] ۷۴۶؛ [ج ۴] ۸۸۱،
۸۹۲، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۸، ۹۶۸
افغانستان؛ [ج ۴] ۹۳۸؛ [ج ۸] ۱۸۱۵، ۱۸۵۶
اقطاع ــ اقطاع افشار؛ [ج ۳] ۶۷۷؛ [ج ۸]
۱۸۲۷
اکونوری نودر؛ [ج ۴] ۸۱۳
البلوک؛ [ج ۳] ۶۷۹
الشتر ــ الیشتر؛ [ج ۸] ۱۹۰۲
الوار؛ [ج ۲] ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۳۳
الیغ؛ [ج ۴] ۸۲۲
امامزاده جعفر؛ [ج ۶] ۱۲۸۶
امامزاده سید علاءالدین حسین؛ [ج ۶] ۱۴۶۴
امریکا؛ [ج ۴] ۷۷۹، ۹۲۹؛ [ج ۵] ۹۸۶،
۱۰۱۷، ۱۰۲۰، ۱۰۷۳، ۱۰۸۷، ۱۰۹۲،
۱۰۹۴، ۱۱۱۲، ۱۱۲۰، ۱۱۴۶، ۱۱۷۴،
۱۲۲۸، ۱۲۳۴؛ [ج ۸] ۱۷۳۰ (نیز نک:
ممالک متحده ــ اتازونی)
املاک عقیلی؛ [ج ۸] ۲۰۴۸، ۲۰۴۹
املموند؟ (رودخانه)؛ [ج ۵] ۱۰۷۵
امیرآباد؛ [ج ۴] ۴۷۱، ۹۶۹
امیران؛ [ج ۵] ۱۰۷۵
امین آباد؛ [ج ۴] ۹۷۱؛ [ج ۷] ۱۵۴۴؛ [ج ۸]
۱۶۰۸، ۱۹۱۰
انار؛ [ج ۱] ۱۸۷،؛ [ج ۲] ۷۴۱؛ [ج ۳] ۸۲۳،
۹۳۱، ۹۳۹، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۸۱، ۹۹۵،
۹۹۹
انارک؛ [ج ۳] ۷۴۱؛ [ج ۴] ۹۱۰، ۹۳۱، ۹۳۹،
۹۶۹
انبارک؛ [ج ۳] ۷۱۶
انزلی؛ [ج ۱] ۳۷، ۴۴، ۵۲، ۵۴، ۷۰، ۷۲،
۲۶۳؛ [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳، ۴۲۲، ۴۲۴،
۴۲۵، ۴۴۹، ۴۶۱، ۴۸۰؛ [ج ۳] ۵۸۷،
۵۸۸، ۶۰۷، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۲۵، ۶۷۹،
۷۰۹، ۷۱۸، ۷۳۴، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۵۳،
۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۹؛ [ج ۴] ۸۱۴، ۸۶۹؛
[ج ۵] ۹۹۷، ۱۰۹۶؛ [ج ۶] ۱۲۸۸،
۱۲۹۸، ۱۳۳۷، ۱۳۵۱، ۱۳۶۳—۱۳۶۵،
۱۳۶۸، ۱۳۷۳، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۹۵،
۱۴۲۷، ۱۴۳۷، ۱۴۵۹، ۱۴۶۲؛ [ج ۷]
۱۴۹۲، ۱۵۱۵، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۵۰،
۱۵۶۸، ۱۵۷۷، ۱۵۹۸، ۱۶۰۳، ۱۶۳۱،
۱۶۴۷، ۱۶۵۶؛ [ج ۸] ۱۷۲۳، ۱۷۴۰،
۱۷۷۹، ۱۷۹۳، ۱۸۱۵، ۱۸۵۶، ۱۹۴۰،
۱۹۷۷، ۲۰۶۱، ۲۱۵۲
انگالی؛ [ج ۳] ۶۵۷؛ [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۴۰؛
[ج ۸] ۱۹۱۸
انگلیس ــ انگلستان؛ [ج ۱] ۴۴، ۴۵، ۱۱۲،
۱۴۱، ۱۸۸، ۱۹۶، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۸،
۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۲۲،
۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۸؛ [ج ۲] ۳۳۶، ۳۳۹،
۳۴۸، ۳۵۳—۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۰—۳۶۳،
۳۱۶، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵،
۳۸۱—۳۸۴، ۳۸۶، ۳۹۱—۳۹۳،
۳۹۵—۴۰۳، ۴۰۵—۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۳،
۴۱۴، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۰—۴۲۳،
۴۲۹—۴۳۳، ۴۳۵—۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۵،

٤٦٧، ٤٦٨، ٤٧٠، ٤٧١—٤٧٣، ٤٧٥، ١٠٦٣—١٠٦٦، ١٠٧٠، ١٠٧٨، ١٠٧٩،
٤٧٦، ٤٧٨—٤٨١، ٤٨٣، ٤٨٥، ١٠٨١، ١٠٩٠، ١٠٩٥، ١٠٩٧، ١١٠٤،
٤٨٧—٤٩٠، ٤٩٢، ٤٩٣، ٤٩٥—٥٠٠، ١١٠٥، ١١١٧، ١١١٨، ١١٢٢—١١٢٤،
٥٠٣—٥٠٧، ٥١٠، ٥١١، ٥١٣، ٥١٤، ١١٢٧، ١١٢٨، ١١٣٠—١١٣٤، ١١٣٧،
٥١٦، ٥١٨، ٥١٩، ٥٢٢، ٥٢٤، ٥٢٥، ١١٣٨، ١١٤١، ١١٤٣، ١١٤٤، ١١٥٧،
٥٢٨، ٥٢٩، ٥٣١، ٥٣٢، ٥٣٤—٥٣٧، ١١٥٨، ١١٦٠—١١٦٦، ١١٦٩، ١١٧١،
٥٣٩؛ [ج ٣] ٥٤٤، ٥٤٩، ٥٥٠، ٥٥٢، ١١٧٢، ١١٧٤، ١١٧٦، ١١٧٧—١١٧٩،
٥٥٥، ٥٦٠، ٥٦٣—٥٦٥، ٥٦٧، ٥٦٨، ١١٨٠، ١١٨٢—١١٨٤، ١١٨٦، ١١٩١،
٥٧٠، ٥٧٥، ٥٨١، ٥٨٨، ٥٩٢، ٦٠١، ١١٩٤—١١٩٦، ١٢٠٤، ١٢٠٥، ١٢٠٦،
٦٠٤—٦٠٧، ٦١٠، ٦١١، ٦١٤، ٦١٩، ١٢٠٨، ١٢١٠، ١٢١٧، ١٢١٨، ١٢٢٠،
٦٢٢، ٦٢٣، ٦٣٥، ٦٣٩، ٦٤١، ٦٤٤، ١٢٢١، ١٢٢٣، ١٢٢٦، ١٢٢٧، ١٢٣٢،
٦٤٧، ٦٤٨، ٦٥٠، ٦٥٥—٦٥٨، ٦٦٠، ١٢٣٧، ١٢٤٢، ١٢٤٣، ١٢٥٠،
٦٦٣، ٦٨٦، ٦٨٨، ٦٨٩، ٦٩٢، ٦٩٥، ١٢٥٣—١٢٦٨، ١٢٧٣، ١٢٧٤، ١٢٧٦،
٦٩٨، ٧٠٣—٧٠٧، ٧٠٩، ٧١١—٧١٣، ١٢٧٨، ١٢٨٢—١٢٨٤، ١٢٨٨، ١٢٩٠،
٧١٩، ٧٢٠، ٧٢٣، ٧٢٤، ٧٣٢، ٧٤١، ١٢٩١، ١٢٩٤ — ١٢٩٧، ١٣٠١، ١٣٠٣،
٧٤٧، ٧٥٥، ٧٦٢، ٧٦٤؛ [ج ٤] ٧٧٥، ١٣٠٥، ١٣٠٧، ١٣٠٨، ١٣١١، ١٣١٧،
٧٧٦، ٧٧٩، ٧٨٢، ٧٨٣، ٧٨٧—٧٩١، ١٣١٩، ١٣٢٢، ١٣٢٤ — ١٣٢٩، ١٣٣١،
٧٩٤، ٧٩٧، ٧٩٩، ٨٠٠، ٨٠٣، ٨٠٥— ١٣٣٣، ١٣٣٤، ١٣٣٧ — ١٣٤٣، ١٣٤٦،
٨٠٧، ٨١١، ٨١٥، ٨١٧—٨٢٠، ٨٢٥، ١٣٤٩، ١٣٥٢، ١٣٥٧ — ١٣٥٩، ١٣٦١،
٨٢٨ — ٨٣٢، ٨٣٨، ٨٤١، ٨٤٢، ٨٤٣، ١٣٦٣ — ١٣٧٢، ١٣٧٧، ١٣٧٩ — ١٣٨٤،
٨٤٧ — ٨٥١، ٨٥٤—٨٥٦، ٨٥٨—٨٦٠، ١٣٨٧، ١٣٨٨، ١٣٩٠ — ١٣٩٩، ١٤٠٢ —
٨٦٢، ٨٦٤، ٨٦٥، ٨٧١، ٨٧٣، ٨٧٤، ١٤١١، ١٤١٣، ١٤١٥، ١٤١٩، ١٤٢٠،
٨٧٦—٨٧٨، ٨٨٢، ٨٨٤—٨٨٨، ١٤٢٢ — ١٤٢٩، ١٤٣٩ — ١٤٤٣،
٨٩٢—٨٩٤، ٨٩٦، ٨٩٨، ٩٠٣، ٩٠٦، ١٤٤٨ — ١٤٥٠، ١٤٥٢ — ١٤٥٨،
٩٠٨—٩١٠، ٩٢٠، ٩٢١، ٩٢٣، ٩٢٦، ١٤٦٠ — ١٤٦٢، ١٤٦٥ — ١٤٧٥، ١٤٧٧،
٩٢٧، ٩٢٩، ٩٣٢، ٩٣٥، ٩٣٨، ٩٤٠، ١٤٧٨، ١٤٨٢، ١٤٨٣؛ [ج ٧] ١٤٨٦ —
٩٤٢، ٩٤٣، ٩٤٥—٩٤٨، ٩٥١—٩٥٤، ١٤٨٨، ١٥٠٣ — ١٥٠٧، ١٥٠٩، ١٥١٧،
٩٥٧—٩٥٩، ٩٦١، ٩٦٢، ٩٦٤—٩٦٧، ١٥١٨، ١٥٢٠، ١٥٢٢، ١٥٢٣، ١٥٢٥،
٩٧٢؛ [ج ٥] ٩٧٥—٩٨٢، ٩٨٤، ٩٨٥، ١٥٢٨، ١٥٣١، ١٥٣٤، ١٥٣٧، ١٥٣٩،
٩٨٧—٩٨٩، ٩٩٥، ١٠٠١، ١٠٠٤، ١٠٠٩، ١٥٤٢، ١٥٤٣، ١٥٤٥، ١٥٤٦، ١٥٤٩،
١٠١١، ١٠١٢، ١٠١٦، ١٠١٨، ١٠٤٨، ١٥٥٠، ١٥٥٣، ١٥٥٤، ١٥٦٣، ١٥٦٤،
١٠٤٩، ١٠٥١، ١٠٥٤، ١٠٥٦، ١٠٥٩، ١٥٧٠، ١٥٧١، ١٥٧٣، ١٥٧٤، ١٥٧٦،

۱۵۷۷، ۱۵۸۰، ۱۵۸۲، ۱۵۸٤ — ۱۵۸٦،
۱۵۸۹، ۱۵۹۱، ۱۵۹۳، ۱۵۹٤ — ۱۵۹٦،
۱٦۰۲، ۱٦۰۵، ۱٦۰٦، ۱٦۰۹، ۱٦۱۱،
۱٦۱۲، ۱٦۱۵، ۱٦۱٦، ۱٦۱۹ — ۱٦۲٤،
۱٦۲۷، ۱٦۲۸، ۱٦۳٤، ۱٦۳۵، ۱٦٤۰،
۱٦٤٤، ۱٦٤٦، ۱٦٤۷، ۱٦٤۹، ۱٦۵۰،
۱٦۵۵، ۱٦٦۰، ۱٦٦٤، ۱٦٦۵، ۱٦۷۰ —
۱٦۷٤، ۱٦۸۰، ۱٦۸۳؛ [ج ۸] ۱٦۸۵،
۱٦۹۰، ۱٦۹۳، ۱٦۹۵، ۱٦۹٦، ۱٦۹۸،
۱۷۰۱، ۱۷۰۹، ۱۷۱۳، ۱۷۱٦، ۱۷۱۸،
۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲٤، ۱۷۲٦، ۱۷۲۷،
۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۳، ۱۷۳۷ — ۱۷٤۱،
۱۷٤۷، ۱۷۵۱، ۱۷۵۳، ۱۷۵٦، ۱۷٦٤،
۱۷٦٦، ۱۷۷۱، ۱۷۷٦ — ۱۷۷۹، ۱۷۸٤،
۱۷۹۰، ۱۷۹۳، ۱۷۹۵، ۱۷۹۹، ۱۸۰۱،
۱۸۰٤ — ۱۸۰٦، ۱۸۰۸، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲،
۱۸۱٤، ۱۸۱۵، ۱۸۱۸، ۱۸۲۲، ۱۸۳۰،
۱۸۳٤، ۱۸۵۳، ۱۸٦۲ — ۱۸٦۷، ۱۸٦۹،
۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۸۳، ۱۸۸٤، ۱۸۸٦،
۱۸۹٦، ۱۹۰۳ — ۱۹۰۵، ۱۹۰۷، ۱۹۱۰،
۱۹۱۲، ۱۹۱۵، ۱۹۱٦، ۱۹۳۱، ۱۹۳٤،
۱۹۳۷، ۱۹٤۲ — ۱۹٤٤، ۱۹٤٦، ۱۹٤۷،
۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۸ — ۱۹٦۰، ۱۹٦۹،
۱۹۷۵، ۱۹۸۰، ۱۹۸۳، ۱۹۸۷، ۱۹۹٤،
۱۹۹۵، ۲۰۰۳، ۲۰۰٤، ۲۰۰۷، ۲۰۰۹،
۲۰۱۰، ، ۲۰۱۵ — ۲۰۱۸، ۲۰۲۲، ۲۰۲٤،
۲۰۲۸، ۲۰۳۱، ۲۰٦۲، ۲۰٦۵، ۲۰۸۵،
۲۰۸۷ — ۲۰۸۹، ۲۰۹۳، ۲۰۹۷، ۲۱۱۳،
۲۱۱۵، ۲۱۲۰، ۲۱۲۲، ۲۱۳٤—۲۱۳۸،
۲۱٤۰، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۷
انگوران؛ [ج ۸] ۱۷۰۹
اورامان؛ [ج ۳] ٦۷۹
اورمیه (نک: ارومیه)
اومکالی (محله)؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
اوین؛ [ج ٤] ۹٦۲
اهـــر؛ [ج ۳] ٦۷۵، ۷٦۰؛ [ج ٤] ۸۱۰، ۹٤۳،
۹۵٦؛ [ج ۵] ۱۰٦٦، ۱۰۹٦؛ [ج ۸]
۱۸٤۷، ۱۹۰۵، ۱۹۲۲
اهرم؛ [ج ۳] ۷۱٦؛ [ج ٤] ۹٤۱
اهـــواز؛ [ج ۱] ۹٦، ۱۱۳، ۱۳۹، ۲۸۳؛ [ج ۳]
٦۰۱، ۷۱۰؛ [ج ٤] ۷۹۸، ۸۵٦، ۸۷٤،
۸۷٦، ۸۸٦، ۸۹۲، ۹۰٤، ۹۳۳، ۹٤۲، ۹٤۵،
۹۵۵، ۹۵۷، ۹٦۱، ۹٦۲، ۹٦۹؛ [ج ۵]
۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰٤۷، ۱۰٦۵، ۱۰٦۹،
۱۰۷۹، ۱۰۸۱، ۱۰۹۸، ۱۱۵۰، ۱۱۵۵،
۱۱۹۲، ۱۱۹٦، ۱۲۰٦، ۱۲٤۱؛ [ج ٦]
۱۲۹۰، ۱۳۳۸، ۱٤۵۰؛ [ج ۷] ۱۵٤۱،
۱٦۰۵؛ [ج ۸] ۱۷۲٦، ۱۷٤۲، ۱۷۷۰،
۱۷۷۱، ۱۷۷۹، ۱۷۸٤، ۱۷۹۱، ۱۷۹۸،
۱۸۰۲، ۱۸۱۷، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲،
۱۸۸۸ —۱۸۹۰، ۱۸۹۵، ۱۸۹٦، ۱۹٤۸،
۱۹٦۹، ۱۹۷۱، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۲۰٤۹،
۲۰۵٤، ۲۰۵۵، ۲۰٦۰، ۲۱۱٦، ۲۱۱۹،
۲۱۲۰، ۲۱۵۱
اهونی؛ [ج ۲] ٤٦۲
ایتالیا؛ [ج ۵] ۹۹۷، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳
ایـــران (کشـــور ــ دولـت)؛ [ج ۳] ۵٤۵، ۵٤۹،
۵۵٤، ۵۵٦، ۵۵۷، ۵۷۱، ۵۸۲، ۵۸٤،
۵۸٦، ۵۸۸، ۵۹۸، ٦۰۵، ٦۰۸، ٦۰۹،
٦۱۰، ٦۱۲، ٦۱٤، ٦۲۰، ٦۲۲ — ٦۲۵،
٦۲۷ — ٦۳۳، ٦۳٦ — ٦۳۸، ٦٤۳، ٦٤۵،
٦٤۹، ٦۵۱— ٦۵٤، ٦۵٦، ٦۵۹، ٦٦۳ —
٦٦٦، ٦٦۹، ٦۸۵، ٦۸۹— ٦۹۳، ٦۹۵ —
٦۹۹، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۵،

۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۲۲ — ۷۲۸، ۷۳۰، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴؛ [ج ۶] ۱۲۵۰، ۱۲۵۳،
۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۷ — ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۴، ۱۲۵۵ — ۱۲۶۹، ۱۲۷۲ — ۱۲۷۶،
۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۰، ۷۵۲ — ۷۵۴، ۱۲۷۸ — ۱۲۸۲، ۱۲۸۴، ۱۲۸۶، ۱۲۸۸،
۷۵۷، ۷۵۹، ۷۶۶، ۷۶۷: [ج ۴] ۱۲۸۹، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۴، ۱۲۹۶،
۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۷، ۷۸۰، ۷۹۱، ۷۹۶، ۱۲۹۸ — ۱۳۱۰، ۱۳۱۲ — ۱۳۲۵،
۸۰۱ — ۸۰۳، ۸۰۵ — ۸۰۷، ۸۱۰، ۱۳۲۷ — ۱۳۲۹، ۱۳۳۱، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴،
۸۱۳ — ۸۱۵، ۸۱۷ — ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۲۵، ۱۳۳۷، ۱۳۴۰ — ۱۳۵۱، ۱۳۵۳ — ۱۳۶۴،
۸۲۸ — ۸۳۳، ۸۳۸ — ۸۴۲، ۸۴۴، ۱۳۶۶ — ۱۳۸۷، ۱۳۹۱، ۱۳۹۳ — ۱۳۹۵،
۸۴۷ — ۸۵۱، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۸ — ۸۶۰، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۴۰۰ — ۱۴۰۸، ۱۴۱۲ —
۸۶۲ — ۸۶۴، ۸۶۷، ۸۷۳، ۸۷۶ — ۸۸۰، ۱۴۲۴، ۱۴۲۶، ۱۴۲۸، ۱۴۳۱، ۱۴۳۸ —
۸۸۲، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۷ — ۸۸۹، ۸۹۲، ۱۴۴۰، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹،
۸۹۶، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۴، ۹۱۵، ۹۱۷، ۱۴۵۱ — ۱۴۶۱، ۱۴۶۶، ۱۴۶۸، ۱۴۷۱ —
۹۲۰، ۹۲۱ — ۹۲۳، ۹۲۶ — ۹۲۸، ۹۳۴، ۱۴۷۴، ۱۴۷۶، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۲،
۹۳۵، ۹۳۷، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۶ — ۹۴۸، ۱۴۸۳؛ [ج ۷] ۱۴۸۷، ۱۴۸۹، ۱۴۹۲،
۹۵۰ — ۹۵۵، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۳، ۹۶۴، ۱۴۹۳، ۱۴۹۶ — ۱۴۹۸، ۱۵۰۰ — ۱۵۰۲،
۹۶۶، ۹۶۷، ۹۷۲؛ [ج ۵] ۹۷۶، ۹۷۹، ۱۵۰۴ — ۱۵۰۸، ۱۵۱۳ — ۱۵۲۰،
۹۸۲ — ۹۹۳، ۹۹۶ — ۹۹۸، ۱۰۰۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۵ — ۱۵۲۷، ۱۵۳۰،
۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۵۳۷، ۱۵۴۰، ۱۵۴۲، ۱۵۴۵ — ۱۵۴۸،
۱۰۱۰ — ۱۰۱۲، ۱۰۱۴ — ۱۰۱۷، ۱۰۲۰، ۱۵۵۰ — ۱۵۵۵، ۱۵۵۷، ۱۵۵۹ — ۱۵۷۷،
۱۰۲۱، ۱۰۲۶، ۱۰۲۹ — ۱۰۳۲، ۱۰۳۵ — ۱۵۸۰ — ۱۵۸۹، ۱۵۹۱، ۱۵۹۳ — ۱۵۹۵،
۱۰۳۸، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۴ — ۱۰۴۶، ۱۵۹۸، ۱۶۰۰ — ۱۶۰۳، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸،
۱۰۴۸ — ۱۰۵۱، ۱۰۵۴، ۱۰۵۹، ۱۰۶۱، ۱۶۱۰ — ۱۶۲۱، ۱۶۲۷ — ۱۶۳۲،
۱۰۶۴، ۱۰۶۶ — ۱۰۷۴، ۱۰۷۸، ۱۰۸۰، ۱۶۳۴ — ۱۶۳۷، ۱۶۳۹ — ۱۶۴۱، ۱۶۴۵،
۱۰۸۵ — ۱۰۸۸، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۴، ۱۶۴۶، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۴ — ۱۶۶۰،
۱۰۹۷، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۳ — ۱۱۱۳، ۱۶۶۲ — ۱۶۶۵، ۱۶۶۹ — ۱۶۸۱، ۱۶۸۳،
۱۱۱۶، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۶۸۴؛ [ج ۸] ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۲،
۱۱۲۴—۱۱۲۸، ۱۱۳۰، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۶۹۵، ۱۶۹۷، ۱۶۹۹، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳،
۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۴۰ — ۱۱۴۴، ۱۱۵۱، ۱۷۰۶ — ۱۷۱۲، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۷ —
۱۱۵۶ — ۱۱۶۶، ۱۱۶۸ — ۱۱۸۵، ۱۷۱۹، ۱۷۲۱ — ۱۷۲۴، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸،
۱۱۸۷ — ۱۱۹۴، ۱۱۹۶، ۱۱۹۸، ۱۲۰۰، ۱۷۳۲، ۱۷۳۵ — ۱۷۳۸، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱،
۱۲۰۴ — ۱۲۰۶، ۱۲۱۲، ۱۲۱۵ — ۱۲۲۹، ۱۷۴۶، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰ — ۱۷۵۳، ۱۷۶۱،
۱۲۳۱، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۷، ۱۲۴۱، ۱۷۶۷، ۱۷۷۵، ۱۷۷۸، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲،

۱۷۹۵، ۱۷۹۹، ۱۸۱۰، ۱۸۱۱، ۱۸۱۳،
۱۸۱۸، ۱۸۲۲ — ۱۸۲٤، ۱۸۳۲، ۱۸۳۹،
۱۸٤۲، ۱۸٤۳، ۱۸٤۸ — ۱۸۵۰، ۱۸۵۸،
۱۸٦۰، ۱۸٦۲ — ۱۸٦٤، ۱۸٦۷، ۱۸٦۸،
۱۸۷۰، ۱۸۷٤، ۱۸۷٦ — ۱۸۸۰، ۱۸۸۲،
۱۸۸۳، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۱۹۰۲، ۱۹۰٦،
۱۹۱۲، ۱۹۱۳، ۱۹۱٦، ۱۹۲۰، ۱۹۲۲،
۱۹۲٤ — ۱۹۲٦، ۱۹۲۹ — ۱۹۳۵، ۱۹۳۷،
۱۹۳۹، ۱۹٤٦، ۱۹٤۸ — ۱۹۵۰، ۱۹۵۷ —
۱۹٦۲، ۱۹٦۵أ، ۱۹٦۸، ۱۹۷۰، ۱۹۷۲،
۱۹۷۵، ۱۹۷۹، ۱۹۸۰، ۱۹۸۲، ۱۹۸٦،
۱۹۹٤، ۱۹۹۸، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳ — ۲۰۰٦،
۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵ — ۲۰۱۹،
۲۰۲۱، ۲۰۲۳، ۲۰۲٤، ۲۰۲۷ — ۲۰۳۲،
۲۰۳٤، ۲۰۳۵، ۲۰۳۷، ۲۰٤۱ — ۲۰٤٤،
۲۰۵۰، ۲۰۵۳، ۲۰۵۵، ۲۰٦۰، ۲۰٦۲،
۲۰٦۳، ۲۰٦۸—۲۰۷۱، ۲۰۷٤، ۲۰۷۵،
۲۰۷۸، ۲۰۸۱، ۲۰۸۹ — ۲۰۹۲، ۲۰۹۷،
۲۱۰۱، ۲۱۰۲، ۲۱۰٤، ۲۱۰۷، ۲۱۰۸،
۲۱۱۰، ۲۱۱۲، ۲۱۱۳، ۲۱۱۵، ۲۱۱٦،
۲۱۲۱، ۲۱۲۸، ۲۱۳۰، ۲۱۳۲ — ۲۱٤٤،
۲۱٤۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۳ — ۲۱۵۸
ایزدخواست نک: یزدخواست
ایلوآلوا (بندر)؛ [ج ۵] ۱۰۰٤، ۱۰۱۷
ایوان کی (ایوانکیف)؛ [ج ٦] ۱٤۳٦

بابعالی؛ [ج ۲] ٤۷۰
باجگیران؛ [ج ۵] ۹۸۰
باخرز؛ [ج ۳] ٦۷٦
بادامک؛ [ج ۳] ٦۸٦
بادکوبه؛ [ج ۲] ٤٦۱؛ [ج ۳] ۵٤۵، ۵۸٤، ۵۸۷، ٦۰۷، ۷٤٤؛ [ج ۵] ۹۹٦، ۱۱۰٦، ۱۱۱۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲٤، ۱۱۲۷، ۱۱۳۵، ۱۱٤۳، ۱۱٦٤، ۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۱۹٦، ۱۲۱۲؛ [ج ۷] ۱٦۵۷، ۱٦٦۳؛ [ج ۸] ۱۷٦۸، ۱۷۹۳، ۱۸۵٦، ۱۹٤۰
بارفروش؛ [ج ۱] ۲٤۸؛ [ج ۳]، ٦۸۰؛ [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۷۳، ۱۱۸۷، ۱۲۱٤؛ [ج ٦] ۱۲۸۹، ۱٤۳۷؛ [ج ۷] ۱۵۹۲، ۱٦۵۷
بارنگ ــ بارنج؛ [ج ۱] ۱٦۷؛ [ج ۳] ۵۹۱
بازار (محلهٔ)؛ [ج ۳] ٦۷۵
باسمنج ــ باسمج؛ [ج ۲] ۳۵۱، ۳۸٦، ۳۸۸، ۳۹۰، ٤۱۹، ٤۲۳، ٤۳٤، ٤۵۳، ٤٦۱—٤٦٤، ٤۸۰، ٤۸۲، ٤۸٦، ٤۸۸، ٤۹۷، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۳، ۵۲۵، ٦۲٦؛ [ج ۳] ۵۹۲—۵۹٤، ٦٤٦، ۷٤۹؛ [ج ٤] ۸۲۷؛ [ج ۵] ۱۲۱۲؛ [ج ٦] ۱۲۸۷، ۱٤٤۱؛ [ج ۸] ۱۸۸٤
باطوم؛ [ج ۱] ۳۱۸؛ [ج ۳] ٦۰۸
باغ اتابک؛ [ج ٤] ۸۹۷
باغ خان؛ [ج ۷] ۱۵۷۷، ۱٦۷۰
باغ سید محمد ــ سید؛ [ج ۸] ۲۱۲٤، ۲۱۲٦
باغشاه (اصفهان)؛ [ج ۷] ۱۵٤۵
باغ شاه (تبریز)؛ [ج ۲] ٤۳۳، ٤٦۱، ۵۰۲؛ [ج ۳] ٦٤٦
باغشاه (تهران)؛ [ج ۱] ۳۱۸، ۳۲۱؛ [ج ۲] ۳۳۸، ۳٤۱، ۳٤۵، ۳۵٤، ۳۵٦، ۳۸۰، ۳۸۱، ٤۲۹؛ [ج ۳] ۵۵۱، ۵۵۹، ۵٦۳، ۵٦۵، ۷۰۷؛ [ج ۸] ۲۰۰۷، ۲۰۵۰
باغ شاه (روستا)؛ [ج ٦] ۲۸۷
باغ شمال؛ [ج ۳] ۵۷۸
باغ شیخ حاجی؛ [ج ۸] ۲۱۲٤
باغ مدیریه؛ [ج ۲] ٤۲٤ ــ مدیریه؛ [ج ۲] ٤٦۰

باغو؛ [ج ۱] ۱۸۰
باغ هزار؛ [ج ۸] ۲۱۲۷
باغین؛ [ج ۸] ۱۸۱۶، ۱۸۳۲، ۱۸۳۳، ۱۸۵۹
بافت ــ بفت؛ [ج ۱] ۱۶۷؛ [ج ۲] ۴۷۰؛ [ج ۶] ۱۲۸۴، ۱۲۸۵؛ [ج ۸] ۱۸۲۹
بافق؛ [ج ۲] ۳۵۲؛ [ج ۴] ۸۵۶
باقر آباد؛ [ج ۵] ۱۰۳۹
باکو؛ [ج ۱] ۳۷، ۴۱، ۴۲، ۱۴۱؛ [ج ۲] ۴۲۱، ۴۲۳، (نیز نک: بادکوبه)
بالکان؛ [ج ۵] ۱۰۳۵
بال مرال؛ [ج ۸] ۱۹۴۹، ۱۹۵۱
بام‌پور (نک: بمپور)
باند؛ [ج ۱] ۲۳، ۲۸
بانکی (روستا)؛ [ج ۸] ۲۱۲۲، ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
بانه؛ [ج ۳] ۶۷۹
بایزید؛ [ج ۳] ۶۶۳
بجنورد؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۳] ۶۷۶؛ [ج ۴] ۹۰۸؛ [ج ۵] ۱۱۴۲؛ [ج ۶] ۱۲۷۸، ۱۴۳۶؛ [ج ۸] ۱۹۷۱
بحر خزر؛ [ج ۱] ۵۴؛ [ج ۲] ۴۱۰؛ [ج ۳] ۵۴۵، ۷۴۴؛ [ج ۴] ۸۷۴؛ [ج ۵] ۱۰۶۰، ۱۱۳۸، ۱۱۹۳، ۱۲۱۷؛ [ج ۶] ۱۲۸۱، ۱۲۹۸؛ [ج ۸] ۱۸۱۵، ۱۸۵۶، ۱۹۷۹، ۱۹۸۲، ۲۰۳۲
بختیاری؛ [ج ۱] ۵۴، ۲۸۳
برازجان؛ [ج ۱] ۱۳۹، ۱۵۸؛ [ج ۳] ۶۵۷، ۶۶۱، ۶۷۷؛ [ج ۴] ۷۸۷، ۷۸۹، ۸۰۰، ۸۰۷، ۸۳۵؛ [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵؛ [ج ۶] ۱۴۲۵؛ [ج ۷] ۱۵۵۱، ۱۵۶۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۷؛ [ج ۸] ۱۶۹۳، ۱۷۷۰، ۱۹۱۵، ۱۹۱۷—۱۹۱۹، ۲۱۲۲، ۲۱۲۵، ۲۱۲۷، ۲۱۲۹
برج تنوی؛ [ج ۸] ۲۰۴۵
برج سینه‌سفید؛ [ج ۸] ۲۰۹۵، ۲۱۳۴
برج کازرون؛ [ج ۸] ۲۱۲۶
برج کمان کشی؛ [ج ۸] ۲۱۲۴
برج ماسیرم؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
برج نمازگاه؛ [ج ۳] ۶۶۱
بردسیر؛ [ج ۱] ۱۶۷؛ [ج ۸] ۱۸۱۶، ۱۸۲۹، ۱۸۵۹
بردون ــ برودون؛ [ج ۸] ۱۸۰۷، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۴۴
بردی؛ [ج ۸] ۲۱۲۷
برلن؛ [ج ۱] ۲۰۶؛ [ج ۳] ۷۰۱؛ [ج ۵] ۹۸۵
بروجرد؛ [ج ۲] ۴۶۸؛ [ج ۳] ۶۷۸، ۷۳۰؛ [ج ۴] ۸۱۲، ۸۹۵، ۹۱۱، ۹۳۲، ۹۳۶، ۹۴۰، ۹۵۹؛ [ج ۵] ۱۰۷۰، ۱۲۰۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۳۳—۱۲۳۵؛ [ج ۶] ۱۲۵۸، ۱۳۲۹، ۱۴۳۳، ۱۴۳۵، ۱۴۴۲؛ [ج ۸] ۱۷۰۹، ۱۸۵۲، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰
بروکسل؛ [ج ۵] ۹۸۵
بریتانیای عظمی؛ [ج ۸] ۱۸۵۰، ۱۸۶۵، ۲۱۱۰، ۲۱۵۵ (نیز نک: انگلستان و انگلیس)
بزآ؛ [ج ۶] ۱۴۷۲
بزازخانه؛ [ج ۸] ۱۷۰۵
بزچلو؛ [ج ۲] ۳۵۳
بزر؛ [ج ۸] ۲۰۶۱
بستک؛ [ج ۳] ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۶۴؛ [ج ۴] ۷۸۹، ۹۶۲
بسطام؛ [ج ۳] ۶۷۸
بشاگرد (با شاگرد)؛ [ج ۶] ۱۲۸۴، ۱۲۸۵
بصره؛ [ج ۳] ۶۵۶، ۷۱۶
بطوند (بت‌وند)؛ [ج ۱] ۱۱۳، ۱۳۹

بغداد؛ [ج ۱] ۱۵۸، ۳۲۲؛ [ج ۳] ۵۴۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۷۳۲؛ [ج ۴] ۷۹۸، ۹۴۵، ۹۶۱، ۹۷۱؛ [ج ۶] ۱۳۴۰، ۱۳۹۹، ۱۴۵۳، ۱۴۵۵؛ [ج ۷] ۱۵۲۰، ۱۵۴۰، ۱۵۵۵، ۱۵۶۲، ۱۶۶۱؛ [ج ۸] ۲۰۶۲، ۲۱۰۶، ۲۱۵۱
بلجیک نک: بلژیک
بلده؛ [ج ۵] ۱۲۰۸
بلدهٔ نور؛ [ج ۳] ۶۸۰
بلژیک؛ [ج ۲] ۴۶۵، ۴۷۷، ۵۳۶؛ [ج ۴] ۷۷۹؛ [ج ۵] ۱۰۶۳، ۱۱۱۱، ۱۱۲۰، ۱۱۳۰، ۱۱۴۰، ۱۱۴۷؛ [ج ۷] ۱۵۶۹؛ [ج ۸] ۱۶۹۵
بلغار؛ [ج ۸] ۲۰۶۹
بلوچستان؛ [ج ۱] ۲۶۹؛ [ج ۳] ۶۷۷؛ [ج ۴] ۸۲۳، ۹۱۲، ۹۳۲، ۹۴۱، ۹۴۵؛ [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۳۹، ۱۰۹۵، ۱۰۹۷، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴؛ [ج ۶] ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۴۳۰، ۱۴۳۷؛ [ج ۸] ۱۸۲۶، ۱۸۳۲، ۱۸۹۶، ۲۱۵۰
بلوط بلند؛ [ج ۸] ۱۸۵۲
بم؛ [ج ۱] ۱۶۷، ۱۷۴، ۲۸۹؛ [ج ۳] ۶۴۹، ۶۷۷، ۷۴۶، ۷۶۳؛ [ج ۴] ۸۱۲، ۸۳۵، ۹۳۲، ۹۶۰، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۲۱۶، ۱۲۴۲؛ [ج ۶] ۱۲۶۰، ۱۲۹۵، ۱۴۳۷، ۱۴۴۹؛ [ج ۷] ۱۵۴۰؛ [ج ۸] ۱۷۰۰، ۱۷۶۹، ۱۸۲۷، ۲۱۰۶
بمبئی؛ [ج ۴] ۷۸۹؛ [ج ۶] ۱۲۵۳، ۱۲۷۷، ۱۲۹۳، ۱۴۷۳؛ [ج ۷] ۱۵۴۲، ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ۱۷۴۱
بمپور ــ بامپور؛ [ج ۴] ۷۸۷، ۸۹۲؛ [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۰۷۶؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
بناب؛ [ج ۲] ۳۵۱، ۳۹۰؛ [ج ۳] ۶۷۵
بنادر و جزایر؛ [ج ۳] ۶۷۷
بنادر خلیج فارس ــ خلیج؛ [ج ۳] ۶۵۰، ۶۵۵؛ [ج ۴] ۹۰۸؛ [ج ۵] ۹۹۲، ۱۰۰۰، ۱۰۷۰، ۱۱۷۲؛ [ج ۶] ۱۲۶۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲؛ [ج ۷] ۱۵۰۴؛ [ج ۸] ۱۷۴۲، ۱۷۷۰، ۲۱۲۳ (نیز نک: خلیج فارس)
بند امیر؛ [ج ۸] ۲۰۷۴
بندان؛ [ج ۵] ۹۸۱
بندر جز (بندرگز)؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۳] ۵۳۰؛ [ج ۵] ۱۲۱۸، ۱۲۴۵؛ [ج ۶] ۱۲۹۸، ۱۳۰۲، ۱۳۳۳، ۱۴۴۱
بندر خمیر؛ [ج ۳] ۶۷۷
بندر دیلم؛ [ج ۱] ۳۸
بندر ریگ؛ [ج ۱] ۳۸؛ [ج ۳] ۷۱۶
بندرعباس؛ [ج ۱] ۴۵، ۷۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰، ۲۸۲؛ [ج ۲] ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۳۶—۴۳۸، ۴۴۰، ۴۶۴—۴۶۶، ۴۶۹؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۹۶، ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۱۱، ۶۲۱، ۶۵۱، ۶۵۷، ۶۷۷، ۷۱۳، ۷۱۷، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۶۴؛ [ج ۴] ۷۸۹، ۸۳۵، ۸۹۴، ۹۳۳، ۹۴۵، ۹۵۵، ۹۶۱، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۸۲، ۹۹۵، ۱۰۱۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۹، ۱۰۷۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۵۵، ۱۲۰۹—۱۲۱۱، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۶، ۱۲۳۲، ۱۲۴۱؛ [ج ۶] ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۸، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۸، ۱۲۹۰، ۱۲۹۵، ۱۳۳۴، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۴۵۰؛ [ج ۷] ۱۵۴۱، ۱۵۵۱، ۱۶۴۴، ۱۶۶۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۷، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳؛ [ج ۸]

۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۷۰۱، ۱۷۰۳، ۱۷٤۱،
۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۵، ۱۷۷۰، ۱۷۷۶،
۱۸۱۷، ۱۸۶۶، ۱۹٤۲، ۱۹٤۹، ۱۹۵۰،
۲۰۸۶، ۲۱۵۰
بندر لنگه؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۶۱۱، ۶۲۱؛ [ج ٤]
۷۹۹ (نیز نک: لنگه)
بنه گز؛ [ج ۳] ۷۱۶
بنی طرف؛ [ج ۶] ۱٤۳۶
بوالورد؛ [ج ۵] ۱۲۰۷
بوشهر؛ [ج ۱] ۳۸، ٤۵، ۷۳، ۸۳، ۸٤، ۹۵،
۱۱۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۷،
۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۰، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۸۲،
۲۸۶، ۲۸۹، ۳۲۳؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۶،
٤۰۰، ٤۱٤، ٤۳۱، ٤۳۶—٤۳۹، ٤٤۱،
٤٤٤، ٤٤۶، ٤٤۷، ٤۵۱ — ٤۵٤، ٤۶٤ —
٤۶۶، ٤۶۹، ٤۷۲، ٤۷۶، ٤۷۸، ٤۷۹،
۵۰۵، ۵۳٤ — ۵۳۶؛ [ج ۳] ۵٤۳، ۵٤۵،
۵٤۶، ۵٤۸، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۷۵؛
۵۷۸، ۵۷۹، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۰٤، ۶۱۱ —
۶۱٤، ۶۱۶، ۶۱۹ — ۶۲۱، ۶۲۶، ۶۳۰،
۶۳٤، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۳، ۶۵۵ — ۶۶۱،
۶۷۷، ۶۹۳، ۷۱٤ — ۷۱۶، ۷۲۱، ۷۳۲ —
۷۳٤، ۷٤۰، ۷٤۶، ۷٤۷، ۷۵۸، ۷۶٤،
۷۶۵؛ [ج ٤] ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۸۱، ۷۸۸ —
۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۹ — ۸۰۱، ۸۰٤، ۸۰۵،
۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۲، ۸۲۰، ۸۲٤، ۸۳۲،
۸۳۵، ۸۳۷، ۸۶۶، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۶،
۸۸۲، ۸۹٤، ۹۱۳، ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۳۵،
۹٤۱، ۹٤۲، ۹٤٤ — ۹٤۸، ۹۵۵، ۹۶۱،
۹۶۳، ۹۶٤، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۷۱، ۹۷۲؛
[ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۸۳ — ۹۸۵،
۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۰۰،
۱۰۰۹، ۱۰۱٤، ۱۰۱۵، ۱۰۳۰، ۱۰٤۰،
۱۰٤۲، ۱۰۵۲، ۱۰۵٤، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶،
۱۰۶۹، ۱۰۷۲، ۱۰۷۸ — ۱۰۸۱، ۱۰۸۹،
۱۰۹۰، ۱۱۰۰، ۱۱۱۷، ۱۱۵۰، ۱۱۸۶،
۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۲۰۸،
۱۲۰۹، ۱۲۱٤، ۱۲۱۶، ۱۲۳۲، ۱۲٤۱،
۱۲٤۲، ۱۲٤٤ — ۱۲٤۶؛ [ج ۶] ۱۲۵۵،
۱۲۵۸، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶٤، ۱۲۶۵،
۱۲۶۷ — ۱۲۶۹، ۱۲۷٤، ۱۲۷۵، ۱۲۸۲،
۱۲۸۸، ۱۲۹۱ — ۱۲۹۶، ۱۲۹۸، ۱۳۱۰،
۱۳۱۶، ۱۳۳٤، ۱۳۳۵، ۱۳۳۹، ۱۳٤۱ —
۱۳٤۳، ۱٤۲۵، ۱٤۲۹، ۱٤۳۶، ۱٤٤۲،
۱٤۵۰، ۱٤۷۳، ۱٤۷۵، ۱٤۷۶، ۱٤۷۸،
۱٤۸۰؛ [ج ۷] ۱٤۹۰، ۱٤۹۷، ۱٤۹۹،
۱۵۰۲ — ۱۵۰۵، ۱۵٤۱، ۱۵۵۱، ۱۵۶۱،
۱۵۷۷، ۱۶۰٤، ۱۶۰۶، ۱۶۲۷، ۱۶۳۷،
۱۶٤۳، ۱۶٤۷، ۱۶٤۸، ۱۶۷۰ — ۱۶۷۲،
۱۶۷۷، ۱۶۸۱ — ۱۶۸٤؛ [ج ۸] ۱۶۹۲،
۱۶۹۳، ۱۷۰۰، ۱۷۰۳، ۱۷۱۵، ۱۷۱۷،
۱۷۱۸، ۱۷۲۶، ۱۷٤۱، ۱۷۵۲، ۱۷۷۰،
۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۸۰۰، ۱۸۰۳ — ۱۸۰۷،
۱۸۱۳، ۱۸۱۷ — ۱۸۱۹، ۱۸۲۶، ۱۸٤۶،
۱۸۶۰، ۱۸۶۳، ۱۸۶۵، ۱۸۷۳، ۱۸۸۹،
۱۸۹۸، ۱۹۰۲ — ۱۹۰٤، ۱۹۰۷ — ۱۹۱۱،
۱۹۱٤، ۱۹۱۶، ۱۹۱۸، ۱۹۲۰، ۱۹۳۰،
۱۹٤۱، ۱۹٤۳، ۱۹٤٤، ۱۹٤۵، ۱۹٤۸،
۱۹۶۱، ۱۹۶۸، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷، ۱۹۸٤،
۲۰۰۸، ۲۰۱۶، ۲۰۲۶، ۲۰۵۱، ۲۰۶٤،
۲۰۷٤، ۲۰۷۶، ۲۰۸۰، ۲۰۸۶، ۲۰۸۹،
۲۰۹۱، ۲۰۹۳، ۲۰۹۹، ۲۱۱۵ — ۲۱۱۹،
۲۱۲۱ — ۲۱۲۳، ۲۱۲۵، ۲۱۲۷، ۲۱۲۹،
۲۱۳۰، ۲۱۳۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۷

بول بردکار (بوالوردد؟)؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
بن کردی؛ [ج ۸] ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
بویر احمدی؛ [ج ۳] ۷۶۵؛ [ج ٤] ۷۷۵، ۷۸۷—۷۹۰، ۷۹۲، ۸۰۳، ۸۰٤، ۸۰۷، ۸۰۸، ۹۶۱، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۷۷، ۹۷۸، ۱۰۰۷، ۱۰٤۲، ۱۰۵٤، ۱۰۷۲، ۱۰۹۸؛ [ج ۸] ۱۸۵۳، ۱۹۱۰، ۱۹۵۳، ۱۹۶۸، ۱۹۷۱، ۲۰۰۸، ۲۰٤۶، ۲۰۵۳، ۲۰۶٤ — ۲۰۶۶، ۲۰۷۱، ۲۰۷۳، ۲۰۹۳ — ۲۰۹۵، ۲۱۰۵، ۲۱۵۰
بوینک؛ [ج ٤] ۸۷۶
بهارستان؛ [ج ۳] ۶۱۵، ۶۲۱—۶۲٤، ۶۲۶، ۶۸۲—۶۸٤، ۶۸۶—۶۹۰، ۷۰۵، ۷۰۶
بهبهان؛ [ج ۳] ۶۷۶؛ [ج ٤] ۷۸۸، ۸۰۷، ۸۰۸، ۹۱۳؛ [ج ۵] ۱۰٤۷، ۱۰۶۵، ۱۱۰۷، ۱۱۲۹؛ [ج ۶] ۱۲۷۷، ۱۲۸٤، ۱٤۳۶؛ [ج ۷] ۱۶۰۵، ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ۱۸۰۲، ۱۸۳۹، ۱۸۶۲، ۱۸۸۸، ۱۸۹۶، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۲۰۰۹، ۲۰۵۳، ۲۰۶۲، ۲۰۷۱، ۲۰۷٤، ۲۰۹۳، ۲۰۹٤، ۲۱۰۷، ۲۱۵۱
بهرام آباد؛ [ج ۵] ۹۹۵؛ [ج ۸] ۱۸۸۷
بیابانک؛ [ج ۷] ۱۶۰٤
بیاض؛ [ج ۵] ۹۹۵
بیت المقدس؛ [ج ۱] ۳۸
بیجار؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۶] ۱٤۳۶
بیرجند؛ [ج ۱] ۷۵، ۱۷۰؛ [ج ۳] ۶۰۱، ۶٤۸، ۶۷۶، ۷۲۹؛ [ج ٤] ۸۹۲، ۹۰۸؛ [ج ۵] ۹۸۱، ۱۰۳۸، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۲۰۷؛ [ج ۸] ۱۷٤۱، ۲۱٤۹
بیستون (کوه)؛ [ج ۷] ۱۶۶۵؛ [ج ۸] ۱۷٤۹، ۱۷۹۸، ۱۹۰۱، ۱۹۷۳، ۲۱۵۱
بیضاء؛ [ج ۳] ۷۱٤؛ [ج ۸] ۱۷۷۸، ۱۸۰۸، ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۲۰۸۳ — ۲۰۸۵
بیلیق؛ [ج ۸] ۲۰٤۹
پارک ــ پارک اتابک؛ [ج ٤] ۸۹۹، ۹۰۶، ۹۱۶—۹۱۹
پاریس؛ [ج ۲] ۳۵۲، ۳۹۹، ٤۳۹، ۵٤۱؛ [ج ۳] ۷۲۸؛ [ج ٤] ۹۶۳؛ [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۵، ۹۹۸، ۱۰۰۰، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰٤٤؛ [ج ۶] ۱۲۷۳، ۱٤۰٤؛ [ج ۸] ۱۷۳۲، ۱۷۳۶، ۱۷۵۳، ۱۹۶۰، ۲۰۱۹، ۲۰۲۳، ۲۰۲۸، ۲۱۳۳، ۲۱۳٤، ۲۱٤۰، ۲۱۵۵
پاسنگان؛ [ج ۸] ۱۹۷۷
پاش پورخه (محله)؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
پرتغال؛ [ج ۱] ۱۶۵
پروسک؛ [ج ۱] ۱۷۷
پشت کوه؛ [ج ۲] ۳۸٤؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۵] ۹۸۲، ۱۰۹۹، ۱۱۱۶، ۱۱۵۵؛ [ج ۸] ۱۷۰۷، ۱۷۳۲، ۱۷۶۲، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۹۵، ۱۸٤۷
پشت مشهد؛ [ج ٤] ۹۵۸
پطرزبورغ ــ سنت پطرزبورغ؛ [ج ۱] ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱٤۹، ۱۵۰، ۱۸۳، ۱۹۱—۱۹٤، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۷۳—۲۷۷، ۲۷۹، ۲۹٤، ۲۹۵، ۲۹۷ — ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰ — ۳۱٤، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲٤—۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۱؛ [ج ۳] ۶٤۱، ۶۵۱، ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۹۳، ۶۹۷، ۷۱۸، ۷۲۲، ۷۳۵، ۷۳۷، ۷٤۷، ۷۵۰—۷۵۳،

۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۶؛ [ج ٤] ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۱٤، ۸۱٦، ۸۱۷، ۸۲٤، ۸۲۵، ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۵۲، ۸٦۰، ۸٦۱ — ۸٦۳، ۸۸۰ — ۸۸۲، ۸۹٦، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۲۰ — ۹۲۲، ۹۳٤ (نیز نک: سنت پطرزبورغ)
پطروس؛ [ج ۱] ۱٤۱
پطروسک؛ [ج ۳] ٦٦۵، ۷٤٤؛ [ج ۵] ۱۱۹۳، ۱۲۰۰
پل آبگینه؛ [ج ۷] ۱٦۲٤؛ [ج ۸] ۲۱۲٤، ۲۱۲٦
پل آجی؛ [ج ۱] ۹۲، ۳۲۳، ۳۲٤؛ [ج ۲] ۳۹۰، ۵۱٦؛ [ج ۳] ۵۹۱
پل بردی؛ [ج ۸] ۲۱۲۷
پل خان؛ [ج ۷] ۱٦۲۳
پل دالکی؛ [ج ۳] ٦٦۱؛ [ج ۸] ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
پل ذهاب؛ [ج ۸] ۲۱۱٤
پل زمانخان؛ [ج ۵] ۱۰۹۸
پل زنیان؛ [ج ٤] ۸۰۸
پل سیوند؛ [ج ۵] ۱۰۸۳، ۱۱۵۰
پل فسا؛ [ج ۵] ۱۲٤٤؛ [ج ٦] ۱٤۷۳؛ [ج ۷] ۱٦۲٤
پل قراسو؛ (قره‌سو)؛ [ج ۸] ۲۱۱٤
پل قره آقاچ؛ [ج ۸] ۲۰٤۵
پل قره گج؛ [ج ۷] ۱٦۲٤
پل گدار؛ [ج ۸] ۱۷۷۹، ۱۸۱۹
گدار بلوطک ۱۸۵۲
پوزه کوشان؛ [ج ۸] ۱۸۰۸
پیرانوند ــ پیرانه‌وند؛ [ج ۵] ۱۲۳٤
پیربازار؛ [ج ۸] ۲۰٦۱

تاشکند ــ تاشقند؛ [ج ٦] ۱۲۸۱، ۱۳۳۳
تالش ــ تالش دولاب (نک: طالش)
تبریز؛ [ج ۱] ۳۳، ۳۷، ٤۲، ۵۱—۵٤، ٦٦، ۷۲، ۸۱، ۹٤، ۱۰۸—۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳٦، ۱۳۷، ۱٤۸، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷٤، ۱۷۸، ۱۹٦، ۲۱۸، ۲۳۵، ۲٤۹، ۲۵۷، ۲٦٦، ۲۷۱—۲۷٤، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸٤، ۲۸۵، ۲۸۸—۳۰۰، ۳۰۷—۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۲٤، ۳۲۷—۳۲۹، ۳۳۱؛ [ج ۲] ۳۳۷، ۳٤۱، ۳٤٤، ۳٤۷، ۳۵۱، ۳۵۵، ۳٦٤، ۳٦٦، ۳٦۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸٦، ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۹—۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰٤، ۴۰۹—۴۱۱، ۴۱۳—۴۱۵، ۴۱۷—۴۱۹، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳٤، ۴۳۹، ۴٤۰، ۴٤۲، ۴٤٤، ۴٤٦—۴٤۹، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۷، ۴٦۱—۴٦٤، ۴٦۹، ۴۷۹—۴۸۵، ۴۸۷—۵۰۲، ۵۰٤—۵۱٦، ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۲٤—۵۲۸، ۵۳٤؛ [ج ۳] ۵٤۲—۵٤٤، ۵٤٦، ۵٤۷، ۵۵٤—۵۵۹، ۵٦۵، ۵٦٦، ۵٦۹—۵۷۱، ۵۷۳—۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۸، ۵۹۰—۵۹۲، ۵۹٤—۵۹۹، ۶۰۸، ۶۱۲، ۶۲۱، ۶۲۷—۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶٤۱، ۶٤٦، ۶٤۷، ۶۵۰—۶۵۲، ۶۵٤، ۶٦۳، ۶٦٤، ۶۷۵، ۶۷٦، ۶۸۲، ۶۹٤—۶۹۷، ۷۰۱—۶۹۹، ۷۰۷—۷۰۹، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۲۸، ۷۳۵—۷۳۹، ۷٤۱، ۷٤۳، ۷٤۸، ۷٤۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵٤، ۷۵۵، ۷۵۸، ۷٦۰، ۷٦۱، ۷٦۵، ۷٦٦؛ [ج ٤] ۷۷٦، ۷۷۷، ۷۷۹—۷۸۱، ۷۸٤، ۷۸۵، ۷۹۷، ۸۰۲، ۸۱۰، ۸۱٤، ۸۱٦، ۸۱۷، ۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲٤—۸۲۷، ۸۳۳، ۸٤۵، ۸۵۵،

۸۶۸، ۸۶۹، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۹۱، ۹۰۷، ۲۱۰۳، ۲۱۱۵، ۲۱۳۲، ۲۱۳۸، ۲۱۳۹، ۹۱۶، ۹۳۰، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۳۸، ۹۴۳، ۲۱۵۲
۹۵۶؛ [ج ۵] ۹۹۸، ۱۰۱۱، ۱۰۳۷، ۱۰۶۶، تخانی؛ [ج ۷] ۱۶۸۱
۱۰۷۴، ۱۰۹۶، ۱۱۰۴، ۱۱۰۶، ۱۱۲۱، تخت جمشید؛ [ج ۸] ۲۰۷۴، ۲۰۸۵
۱۱۵۲، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۹۰، ۱۱۹۷، تخت کی؛ [ج ۳] ۶۶۲؛ [ج ۸] ۲۱۲۴، ۲۱۲۶، ۲۱۲۷
۱۲۰۶، ۱۲۱۲—۱۲۱۴، ۱۲۱۸، ۱۲۲۹؛ [ج ۶] ۱۲۸۷—۱۲۸۹، ۱۲۹۲، ۱۳۰۱، ترافلگار؛ [ج ۳] ۶۴۱
۱۳۰۴، ۱۳۰۷، ۱۳۱۵، ۱۳۲۰، ۱۳۲۴، تراکمه؛ [ج ۳] ۶۰۰، ۷۲۹؛ [ج ۷] ۱۶۴۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۱
۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۷، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، تربت؛ [ج ۲] ۴۶۹، ۵۳۱؛ [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۱، ۶۲۹، ۷۴۵؛ [ج ۴] ۹۰۷، ۹۳۰، ۹۵۶، ۹۶۸؛ [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۲۰۷؛ [ج ۶] ۱۴۳۵؛ [ج ۸] ۲۱۰۵
۱۴۰۵، ۱۴۰۸، ۱۴۱۰، ۱۴۱۹، ۱۴۳۵، تربت حیدری، تربت حیدریه؛ [ج ۱] ۱۲۴، ۱۵۷، ۱۸۷، ۲۶۶؛ [ج ۲] ۴۶۸، ۵۳۱؛ [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۰، ۶۷۶، ۷۲۹، ۷۴۵؛ [ج ۴] ۸۲۲؛ [ج ۶] ۱۳۳۵
۱۴۴۱، ۱۴۴۵، ۱۴۵۵، ۱۴۵۷—۱۴۶۰؛ [ج ۷] ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۱—۱۵۰۱، ترشیز؛ [ج ۳] ۶۷۶، ۷۲۹؛ [ج ۶] ۱۴۳۵
۱۵۰۷، ۱۵۱۰—۱۵۱۲، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ترکستان؛ [ج ۸] ۱۸۵۶، ۱۸۶۸، ۱۸۷۹
۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۲۰، ۱۵۲۴، ۱۵۲۶، ترکمن (خاک)؛ [ج ۸] ۲۰۰۰
۱۵۳۱، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۴۵—۱۵۴۹، تزرک؛ [ج ۶] ۱۲۸۴
۱۵۵۲، ۱۵۵۴، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۶۳، تفت؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۴۳۰، ۴۳۱؛ [ج ۳] ۶۴۹؛ [ج ۴] ۸۷۱؛ [ج ۶] ۱۴۴۹؛ [ج ۷] ۱۶۰۴
۱۵۶۴، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۷۰، تفرش؛ [ج ۳] ۶۷۸
۱۵۷۲—۱۵۷۴، ۱۵۷۶، ۱۵۷۹، ۱۵۸۸، تفلیس؛ [ج ۱] ۶۳؛ [ج ۳] ۵۷۴
۱۵۹۴، ۱۵۹۸، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۸، تفنگچی (محل)؛ [ج ۸] ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
۱۶۱۰، ۱۶۱۳، ۱۶۲۰، ۱۶۲۹—۱۶۳۱، تکیهٔ دولت؛ [ج ۲] ۴۲۹
۱۶۴۲، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۵۰، ۱۶۵۲، تل برازجان؛ [ج ۳] ۶۶۱
۱۶۵۳، ۱۶۵۶، ۱۶۵۸، ۱۶۶۱، ۱۶۶۳؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۶۹۹، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، تل ذیریس؛ [ج ۸] ۲۱۲۶
۱۷۱۸، ۱۷۲۰، ۱۷۲۲، ۱۷۲۴، ۱۷۶۷، تل سیاه؛ [ج ۸] ۱۹۱۹
۱۷۹۲، ۱۸۲۲، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۳۹ — تنکابن؛ [ج ۳] ۶۸۰
۱۸۴۴، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷، ۱۸۴۹، ۱۸۵۸، تنگ بولاکی (بولاغی؟)؛ [ج ۷] ۱۶۵۹
۱۸۶۶، ۱۸۶۸ — ۱۸۷۳، ۱۸۸۴، ۱۸۸۶، ۱۹۰۳، ۱۹۰۵، ۱۹۲۱، ۱۹۲۳، ۱۹۲۶، ۱۹۲۸، ۱۹۴۰، ۱۹۴۷، ۱۹۵۵، ۱۹۶۳، ۱۹۷۰، ۱۹۹۳، ۲۰۰۷، ۲۰۱۴، ۲۰۳۵ — ۲۰۳۸، ۲۰۴۰ — ۲۰۴۲، ۲۰۵۰، ۲۰۶۱، ۲۰۶۷، ۲۰۹۰، ۲۰۹۶ — ۲۰۹۸، ۲۱۰۱،

تنگ ترکان ــ تنگهٔ ترکان؛ [ج ۳] ۶۶۲؛ [ج ۵] ۱۱۱۳؛ [ج ۷] ۱۴۹۰، ۱۶۲۲، ۱۶۲۴، ۱۶۵۹؛ [ج ۸] ۱۸۰۵، ۱۸۱۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۴۴، ۲۱۲۱، ۲۱۲۴، ۲۱۲۶، ۲۱۵۰
تنگ خرجال؛ [ج ۷] ۱۶۴۷
تنگستان؛ [ج ۱] ۲۵۵؛ [ج ۲] ۴۴۱، ۴۷۸؛ [ج ۳] ۶۵۸، ۷۱۶، ۷۳۳؛ [ج ۴] ۸۰۰، ۸۳۵، ۸۹۴؛ [ج ۶] ۱۴۵۰؛ [ج ۸] ۲۱۲۲، ۲۱۲۳
تنگ سرخ؛ [ج ۸] ۲۰۸۲، ۲۱۲۴
تنگهٔ انجیره؛ [ج ۴] ۹۳۸
تنگهٔ سینه سفید؛ [ج ۸] ۲۱۴۶
تنوی نک: برج تنوری
توپخانه؛ [ج ۳] ۶۱۶ (نیز نک: میدان توپخانه)
توتاکی؛ [ج ۵] ۱۰۷۶
تون؛ [ج ۳] ۶۷۶؛ [ج ۶] ۱۴۳۶
تویسرکان؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۶] ۱۳۴۰
تهران؛ [ج ۲] ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۵۳، ۳۵۸، ۳۶۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۳، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۲، ۳۹۸، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۲۵—۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۴۲، ۴۴۷، ۴۵۱، ۴۵۶، ۴۵۹، ۴۶۱، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۳—۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۹، ۵۲۱—۵۲۴، ۵۲۹؛ [ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۳، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۲—۵۷۴، ۵۷۸—۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۴—۵۸۹، ۵۹۴، ۵۹۷—۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸—۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۷—۶۲۳، ۶۲۵—۶۲۷، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۳۵، ۶۳۶—۶۳۸، ۶۴۱—۶۴۶، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۷۰، ۶۷۳، ۶۷۵، ۶۸۱—۶۸۳، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۵، ۶۹۸، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۰۹—۷۱۳، ۷۱۷—۷۱۹، ۷۲۱، ۷۲۶—۷۳۰، ۷۳۳، ۷۳۵، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۴۷، ۷۴۹، ۷۵۴ — ۷۶۴؛ [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۰ — ۷۸۳، ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۲، ۷۹۶، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۳، ۸۰۹، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۲، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۵، ۸۳۹، ۸۴۱، ۸۵۱، ۸۵۴، ۸۶۱، ۸۶۷، ۸۶۹، ۸۷۱، ۸۷۶، ۸۸۰—۸۸۲، ۸۸۹، ۸۹۱، ۸۹۳—۸۹۵، ۸۹۷، ۸۹۸، ۹۰۳، ۹۰۵—۹۰۹، ۹۱۱، ۹۱۳—۹۱۷، ۹۲۰—۹۲۲، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۸—۹۳۴، ۹۳۶ — ۹۴۲، ۹۴۵، ۹۴۹، ۹۵۵، ۹۵۷—۹۵۹، ۹۶۵ — ۹۶۷، ۹۶۹؛ [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۸—۹۸۱، ۹۸۳، ۹۸۵، ۹۸۹، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۴، ۱۰۰۶، ۱۰۱۰، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۵، ۱۰۱۸، ۱۰۲۷، ۱۰۳۰، ۱۰۳۴، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۵، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۳، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۶۲، ۱۰۷۲—۱۰۷۴، ۱۰۷۷، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۵، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۴، ۱۰۹۷—۱۰۹۹، ۱۱۰۱، ۱۱۰۴، ۱۱۰۸، ۱۱۱۶، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۲، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۲، ۱۱۴۹، ۱۱۵۱ — ۱۱۵۶، ۱۱۶۳ — ۱۱۶۶، ۱۱۶۸—۱۱۷۰، ۱۱۷۳—۱۱۷۵، ۱۱۷۸—۱۱۸۰، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۵،

۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۲۰۲، ۱۲۰۴—۱۲۰۶،
۱۲۰۸، ۱۲۱۸، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۵،
۱۲۲۸—۱۲۳۱، ۱۲۳۳—۱۲۳۵، ۱۲۳۷،
۱۲۴۱، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵؛ [ج ۶] ۱۲۵۰،
۱۲۵۳—۱۲۵۷، ۱۲۶۱، ۱۲۶۶، ۱۲۸۵،
۱۲۸۷—۱۲۹۱، ۱۲۹۶، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰،
۱۳۰۵، ۱۳۱۰—۱۳۱۳، ۱۳۱۵، ۱۳۲۰،
۱۳۲۲، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹،
۱۳۳۰، ۱۳۳۳، ۱۳۳۵ — ۱۳۳۹، ۱۳۴۹ —
۱۳۵۳، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۱ — ۱۳۶۳،
۱۳۶۵ — ۱۳۶۸، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۷،
۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۹ —
۱۳۹۵، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹، ۱۴۰۳، ۱۴۰۶ —
۱۴۰۸، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۴، ۱۴۱۸،
۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۴،
۱۴۳۶، ۱۴۳۸، ۱۴۴۱، ۱۴۴۴ — ۱۴۴۶،
۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۵، ۱۴۶۲، ۱۴۷۰،
۱۴۷۹؛ [ج ۷] ۱۴۸۷، ۱۵۱۱ — ۱۵۱۳،
۱۵۱۹، ۱۵۲۴، ۱۵۲۶ — ۱۵۲۸، ۱۵۳۱،
۱۵۳۲، ۱۵۳۴ — ۱۵۳۶، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹،
۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۸، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲،
۱۵۵۴، ۱۵۵۷، ۱۵۵۹، ۱۵۶۲ — ۱۵۶۷،
۱۵۷۲ — ۱۵۷۸، ۱۵۸۰، ۱۵۸۲ — ۱۵۸۵،
۱۵۸۷، ۱۵۹۳، ۱۵۹۸، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱،
۱۶۰۴ — ۱۶۰۶، ۱۶۱۰ — ۱۶۱۲،
۱۶۱۷ — ۱۶۱۹، ۱۶۲۹، ۱۶۳۱، ۱۶۳۴،
۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۴۶، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳،
۱۶۵۵ — ۱۶۵۷، ۱۶۶۱، ۱۶۶۳، ۱۶۶۷،
۱۶۶۹ — ۱۶۷۱، ۱۶۷۹؛ [ج ۸] ۱۶۸۸،
۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۷ —
۱۷۰۰، ۱۷۰۳، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۱۱،
۱۷۱۳، ۱۷۱۵ — ۱۷۱۹، ۱۷۲۲ — ۱۷۲۴،
۱۷۲۷، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳،
۱۷۳۵ — ۱۷۴۰، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۷ —
۱۷۵۰، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۷، ۱۷۶۰،
۱۷۶۴، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۷۱ — ۱۷۸۴،
۱۷۸۶ — ۱۷۸۹، ۱۷۹۱ — ۱۷۹۳، ۱۷۹۵،
۱۷۹۸، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۰۳، ۱۸۰۸ —
۱۸۱۵، ۱۸۱۷، ۱۸۲۰ — ۱۸۲۲، ۱۸۲۴،
۱۸۲۶، ۱۸۲۹، ۱۸۳۴، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸،
۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ۱۸۴۳، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷،
۱۸۴۹، ۱۸۵۱، ۱۸۵۳، ۱۸۵۵، ۱۸۵۷،
۱۸۶۰، ۱۸۶۵ — ۱۸۷۱، ۱۸۷۳، ۱۸۷۹،
۱۸۸۱، ۱۸۸۳ — ۱۸۸۶، ۱۸۸۸، ۱۸۹۵،
۱۹۰۰، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶،
۱۹۱۳، ۱۹۱۴، ۱۹۱۶، ۱۹۲۱ — ۱۹۲۵،
۱۹۲۸، ۱۹۳۲ — ۱۹۳۵، ۱۹۴۰، ۱۹۴۲،
۱۹۴۸، ۱۹۵۰ — ۱۹۵۳، ۱۹۵۵، ۱۹۵۷ —
۱۹۶۵، ۱۹۶۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۲، ۱۹۷۴ —
۱۹۷۷، ۱۹۷۹، ۱۹۸۴، ۱۹۸۵، ۱۹۸۸،
۱۹۹۱، ۱۹۹۸ — ۲۰۱۰، ۲۰۱۷ — ۲۰۲۳،
۲۰۲۵، ۲۰۲۷ — ۲۰۳۰، ۲۰۳۲، ۲۰۳۶،
۲۰۴۲، ۲۰۴۳، ۲۰۴۵ — ۲۰۴۸، ۲۰۵۰،
۲۰۵۲، ۲۰۶۱ — ۲۰۶۳، ۲۰۶۵—۲۰۶۹،
۲۰۷۱، ۲۰۷۵—۲۰۷۷، ۲۰۷۹، ۲۰۸۷،
۲۰۸۹ — ۲۰۹۱، ۲۰۹۴، ۲۰۹۹، ۲۱۰۱ —
۲۱۰۸، ۲۱۱۰، ۲۱۱۲، ۲۱۱۵، ۲۱۲۱،
۲۱۲۸، ۲۱۳۰، ۲۱۳۴، ۲۱۳۶ — ۲۱۴۱،
۲۱۴۹ — ۲۱۵۳، ۲۱۵۵

تهرود؛ [ج ۵] ۱۰۱۴
تیران؛ [ج ۸] ۱۸۵۴

جاتا — جته (جطوط؟)؛ [ج ۳] ۶۶۱؛ [ج ۸]

۲۱۲۵، ۲۱۲۷
جاجرم؛ [ج ۱] ۲۸۹
جادیس؛ [ج ۸] ۲۱۲۶
جاسک؛ [ج ۵] ۱۲۱۳، ۱۲۱۴؛ [ج ۷] ۱۶۴۸
جاشک؛ [ج ۷] ۱۴۹۰، ۱۴۹۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۱، ۱۷۲۴
جاف؛ [ج ۳] ۷۸۶
جام؛ [ج ۳] ۶۷۶
جبل بارز؛ [ج ۸] ۱۸۲۸، ۱۸۳۴
جبل ترنجه؛ [ج ۴] ۹۶۲
جته نک: جاتا
جره؛ [ج ۴] ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۹، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۶۶، ۸۹۵؛ [ج ۵] ۹۷۷، ۹۷۸؛ [ج ۶] ۱۳۳۹، ۱۴۸۷؛ [ج ۸] ۱۹۱۷، ۱۹۱۹
جعفر جن؛ [ج ۳] ۶۶۲؛ [ج ۸] ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۱۹۲۱، ۱۹۴۴، ۲۱۲۲، ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
جگند؛ [ج ۵] ۱۲۳۰
جلفا؛ [ج ۱] ۸۳، ۱۵۰، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۷—۳۱۰، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۱؛ [ج ۲] ۳۳۷، ۳۷۰، ۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۱، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱—۴۲۴، ۴۳۳—۴۳۶، ۴۴۰، ۴۶۲—۴۶۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۸—۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۲؛ [ج ۳] ۵۷۱، ۶۰۸، ۷۰۱، ۷۱۰، ۷۲۸؛ [ج ۴] ۷۱۹؛ [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۲۱۴؛ [ج ۶] ۱۲۸۷—۱۲۸۹، ۱۴۵۹؛ [ج ۷] ۱۴۹۵، ۱۵۰۱، ۱۶۵۰؛ [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۸۶۸، ۱۸۷۰، ۱۸۷۳، ۱۸۷۶، ۱۸۸۳، ۱۹۰۳، ۱۹۲۶، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۴۱، ۲۱۵۲، ۲۱۵۳
جوشقان؛ [ج ۳] ۶۷۹
جوین؛ [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۶
جهرم؛ [ج ۳] ۶۷۶، ۷۱۴؛ [ج ۶] ۱۴۳۶؛ [ج ۷] ۱۶۷۸
جیرفت؛ [ج ۱] ۱۶۷، ۲۸۲؛ [ج ۵] ۹۹۴، ۱۰۱۴، ۱۱۰۰، ۱۲۰۹؛ [ج ۶] ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۴۳۷؛ [ج ۸] ۱۷۲۵، ۱۷۷۵، ۱۸۲۷—۱۸۲۹، ۱۸۳۴، ۱۸۶۰
جیرم (چیرم؟)؛ [ج ۸] ۲۰۸۶
جیزغه؛ [ج ۴] ۹۶۲
جیل؛ [ج ۳] ۷۳۰

چارک؛ [ج ۷] ۱۶۴۸
چالمیدان (محلهٔ)؛ [ج ۳] ۶۷۵
چاه بهار؛ [ج ۱] ۱۵۹؛ [ج ۴] ۹۴۵
چاه خانه ــ چاه خونی؛ [ج ۸] ۲۱۲۵
چاه خانی؛ [ج ۳] ۶۶۱
چاه کوتاه؛ [ج ۴] ۸۳۵
چاه داشتی (چاه دشتی؟)؛ [ج ۵] ۱۰۹۶
چرون (چروم)؛ [ج ۳] ۶۶۲
چرکر؛ [ج ۴] ۸۸۳
چشمه مروارید؛ [ج ۴] ۸۰۸
چغاخور؛ [ج ۸] ۱۹۹۰، ۱۹۹۱
چغادک ــ چغاده؛ [ج ۳] ۶۶۱؛ [ج ۸] ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
چلپانلو (چلپیانلو)؛ [ج ۱] ۲۲
چنار راهدار؛ [ج ۶] ۱۳۰۸؛ [ج ۷] ۱۵۴۲، ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ۱۸۷۴، ۱۸۸۷، ۱۸۹۸، ۱۹۰۰، ۱۹۴۳، ۱۹۶۷، ۲۰۸۲ — ۲۰۸۶، ۲۱۲۱، ۲۱۲۳
چهارراهی؛ [ج ۵] ۱۰۷۶

چهارمحال ــ چهارمحل؛ [ج ۱] ۱۸۱، ۲۶۸، ۳۲۳؛ [ج ۳] ۶۰۴؛ [ج ۴] ۹۰۸؛ [ج ۷] ۱۶۰۴؛ [ج ۸] ۱۸۵۶، ۱۸۸۹، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳، ۱۸۹۶
چیاسرخ ــ چیه سرخ؛ [ج ۸] ۱۷۰۴، ۱۹۹۷
چیرم؛ [ج ۸] ۲۱۲۱، ۲۱۲۴، ۲۱۲۶
چیرو ــ چیرون (روستا)؛ [ج ۷] ۱۶۴۸

حاجی آقا؛ [ج ۳] ۷۰۱
حاجی طرخان (بندر)؛ [ج ۳] ۷۵۴
حبیب آباد؛ [ج ۵] ۱۰۳۹
حسن آباد؛ [ج ۳] ۶۴۴؛ [ج ۸] ۱۶۹۹
حسین آباد؛ [ج ۸] ۲۰۴۸
حصارک؛ [ج ۸] ۱۹۹۹
حضرت عبدالعظیم؛ [ج ۲] ۲۷؛ [ج ۳] ۵۷۳، ۶۳۶؛ [ج ۴] ۹۱۷؛ [ج ۶] ۱۴۳۶ (نیز نک: شاهزاده عبدالعظیم)
حکم آباد؛ [ج ۲] ۴۶۲؛ [ج ۳] ۵۵۶، ۵۷۶
حلوان؛ [ج ۵] ۱۰۷۵

خالدآباد؛ [ج ۳] ۵۷۲؛ [ج ۴] ۹۶۹؛ [ج ۵] ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۲۳۰
خان خوره (نک: خون خوره)
خان زنیان ــ خانه زنیان؛ [ج ۲] ۵۳۵؛ [ج ۳] ۷۶۵؛ [ج ۴] ۷۸۸؛ [ج ۵] ۱۱۱۴، ۱۱۱۵؛ [ج ۶] ۱۳۴۵؛ [ج ۷] ۱۴۹۰، ۱۵۴۲، ۱۶۴۳؛ [ج ۸] ۹۰۴، ۱۹۴۴، ۱۹۶۷، ۲۰۳۵، ۲۰۴۶، ۲۰۷۳، ۲۰۷۵، ۲۰۷۶، ۲۰۸۲، ۲۰۸۵، ۲۰۸۶، ۲۰۹۱، ۲۰۹۵، ۲۱۰۷، ۲۱۲۱، ۲۱۴۳، ۲۱۴۴، ۲۱۴۷
خانقین؛ [ج ۷] ۱۶۶۱
خان کرکن ــ خوان گرگان؛ [ج ۱] ۱۵۸؛ [ج ۴] ۷۸۷ (نیز نک: خانه گرگان)
خان کشی ــ خانم کشی؛ [ج ۸] ۲۱۲۷
خانه؛ [ج ۵] ۱۰۹۷
خانه گرگان؛ [ج ۵] ۱۰۰۰؛ [ج ۷] ۱۶۲۳، ۱۶۲۴ (نیز نک: خان کرکن)
خبیص ــ خوان خبیص؛ [ج ۳] ۶۷۷؛ [ج ۴] ۸۶۶، ۹۷۱
خجند؛ [ج ۱] ۳۲۸
خجه (محل)؛ [ج ۸] ۲۰۸۲
خچه نجف نک: خواجه نجف
خراسان؛ [ج ۱] ۶۶، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۷؛ [ج ۲] ۳۵۲، ۳۶۷؛ [ج ۳] ۶۷۶، ۷۴۴؛ [ج ۴] ۷۹۶، ۸۲۲، ۸۳۳، ۸۷۰، ۹۰۷، ۹۳۰؛ [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۳۸، ۱۱۴۵، ۱۱۵۲، ۱۲۰۶، ۱۲۳۰؛ [ج ۶] ۱۲۸۹، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۴۳۰، ۱۴۳۵، ۱۴۴۸؛ [ج ۷] ۱۵۳۸، ۱۵۴۷، ۱۶۰۳، ۱۶۵۷؛ [ج ۸] ۱۷۴۳، ۱۸۱۵، ۱۸۲۴، ۱۸۸۲، ۱۹۳۶، ۱۹۷۱، ۲۰۰۷
خرقان؛ [ج ۳] ۶۷۸
خرم آباد؛ [ج ۱] ۱۷۰، ۱۷۵؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۵] ۱۱۹۲؛ [ج ۶] ۱۴۳۵؛ [ج ۸] ۱۹۴۹، ۱۹۵۴، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶، ۱۹۸۹، ۲۰۰۵، ۲۰۳۰، ۲۱۳۹
خزر (دریا) (نک: بحرخزر)
خسروشیرین؛ [ج ۵] ۱۲۰۳؛ [ج ۷] ۱۶۲۴
خشت؛ [ج ۶] ۱۴۷۸؛ [ج ۸] ۱۹۲۰، ۲۱۲۴
خضر؛ [ج ۵] ۱۰۶۲، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۱۵۳، ۱۲۳۰
خطیب؛ [ج ۱] ۲۹۲؛ [ج ۲] ۴۶۲—۴۶۴،

۵۰۰، ۵۰۲؛ [ج ۳] ۵۹٤
خفر؛ [ج ٤] ۸۹۳
خلج؛ [ج ۱] ۲٤٤؛ [ج ٤] ۸۲۱
خلخال؛ [ج ۳] ۶۷۵؛ [ج ٤] ۷۷۹؛ [ج ۸] ۱۷۲۷
خلیج؛ [ج ۲] ٤۳۸، ٤۷۲؛ [ج ۸] ۲۱۱۹
خلیج فارس؛ [ج ۱] ۹۶، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۶، ۲۵۰، ۲۸۲؛ [ج ۲] ۳۸۶، ٤۱٤، ٤۳۱، ٤۶٤، ٤۷۲؛ [ج ۳] ۵۵۵، ۶۵۶، ۷۱۶، ۷٤۷، ۷۶٤؛ [ج ٤] ۷۸۸، ۷۹۹، ۸۷۳، ۸۹٤، ۹۱۳، ۹۳۳، ۹٤۱، ۹۶۱، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۱۰۶۹، ۱۰۷۹، ۱۱۰۰، ۱۱۵۵، ۱۱۹۲؛ [ج ۶] ۱۳۳۳؛ [ج ۷] ۱۵۶۲، ۱۶۷۲، ۱۶۷۸؛ [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۷٤۲، ۱۸۳۸، ۱۹۱۵، ۱۹۲۱، ۱۹۷۹، ۲۱۱۶، ۲۱۱۹ (نیز نک: بنادر خلیج فارس)
خمام؛ [ج ۵] ۱۰۹۶
خمسه؛ [ج ۶] ۱٤۳۶، ۱٤۳۷؛ [ج ۸] ۱۷۵۷، ۱۹۰۳، ۱۹٤۳، ۱۹٤٤ (نیز نک: ایلات خمسه)
خمین ــ خمی؛ [ج ۸] ۱۸۵٤
خواجه نجف ــ خچه نجف؛ [ج ۸] ۲۰۰۲، ۲۱۰۵، ۲۱٤۹
خواجه نفس؛ [ج ۵] ۱۲۰۱؛ [ج ۶] ۱۳۳۷، ۱٤٤۸؛ [ج ۷] ۱۵۳۱، ۱۵۳۷، ۱۶۰۳
خوار؛ [ج ۵] ۱۱۲۳، ۱۲۱۱؛ [ج ۶] ۱٤۳۶
خواف؛ [ج ۳] ۶۷۶
خوانسار؛ [ج ۶] ۱۲۸۳؛ [ج ۸] ۱۷۰۹
خور؛ [ج ۵] ۱۰۳۸
خورموسی؛ [ج ۸] ۱۹٤۹
خوزستان؛ [ج ۸] ۱۷۲۹، ۱۷٤۳، ۱۷۷۱
خوشاب (خوش آب)؛ [ج ۳] ۶۶۱؛ [ج ۸] ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
خوشکوه (خوش کوه)؛ [ج ۳] ۵۶۷
خون خوره ــ خان خره ــ خان خوره؛ [ج ۵] ۱۰۳۹؛ [ج ۶] ۱٤٤۹؛ [ج ۷] ۱۶۲۲، ۱۶۲٤، [ج ۸] ۱۹۶۸
خوی؛ [ج ۱] ۱۱۰، ۱۲۵؛ [ج ۲] ۳۷۰، ۳۸۸؛ [ج ۳] ۶۷۵؛ [ج ۶] ۱٤۳۵؛ [ج ۷] ۱۶۳۰، ۱۶٤۲؛ [ج ۸] ۱۷۲۰، ۱۷۶۷
خیابان؛ [ج ۲] ٤۶۲، ٤۶۳
خیابان علاءالدوله؛ [ج ۳] ۷۰۶
خیوه؛ [ج ۱] ۳۲۸

داراب؛ [ج ۳] ۷۱۳؛ [ج ٤] ۹٤۱؛ [ج ۶] ۱٤۶۵
دالکی؛ [ج ۱] ۱۵۸، ۱۶۷، ۲۶۸؛ [ج ۳] ۶۵۷، ۶۶۱؛ [ج ٤] ۷۸۹، ۸۰۷، ۸۳۵؛ [ج ۵] ۱۰۰۰؛ [ج ۶] ۱۳۳۹؛ [ج ۷] ۱۶۲۲، ۱۶۷۲، ۱۶۷۷؛ [ج ۸] ۱۹۱۹، ۱۹٤٤، ۲۰۸۶، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
دامغان؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۱۵۲، ۱۱۷۰، ۱۲۰۲، ۱۲۲۸؛ [ج ۶] ۱٤۲۲، ۱٤۳۶؛ [ج ۷] ۱۵۳۱، ۱۵۳۸، ۱۶۰۳
دخمهٔ کیخسرو؛ [ج ۱] ۱۵۹
دربانو؛ [ج ۸] ۲۱۲٤، ۲۱۲۶
دربند؛ [ج ۷] ۱۶۶۶
در رود؛ [ج ٤] ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۳۰
درجز ــ درگز؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۳] ۶۷۶، ۷٤٤؛ [ج ۵] ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۱۲، ۱۰۳۸؛ [ج ۶] ۱٤۳۵
در خلیل ــ دز خلیل؛ [ج ۱] ۲۶۳؛ [ج ۲] ٤٤۹

درنگان؛ [ج ۸] ۲۰۸۲، ۲۰۸۳
درهٔ شیراز؛ [ج ۸] ۱۹۴۵، ۲۰۸۲، ۲۰۸۳، ۲۰۸۵، ۲۰۸۸
درهٔ کمارج؛ [ج ۸] ۱۹۰۹
دریاچه ارومی؛ [ج ۸] ۲۱۵۳
دریا قلی؛ [ج ۳] ۶۶۱
دریسی ــ دیریس ــ دیریسن؛ [ج ۸] ۱۸۰۵، ۱۹۲۰، ۲۱۲۴، ۲۱۲۶
دزفول؛ [ج ۳] ۶۷۸، ۷۶۵؛ [ج ۴] ۹۳۳، ۹۶۲؛ [ج ۶] ۱۴۳۶؛ [ج ۸] ۱۷۶۲، ۱۸۰۱، ۱۸۹۰، ۲۰۴۸
در کرد؛ [ج ۸] ۱۸۰۸ (نیز نک: ده کرد)
دشت ارجن ــ دشت ارژن؛ [ج ۳] ۷۳۲، ۷۶۵؛ [ج ۴] ۷۷۵، ۷۸۷، ۷۸۸، ۸۰۴، ۸۰۸، ۸۶۶، ۹۴۴، ۹۶۱؛ [ج ۵] ۱۰۵۴، ۱۰۷۲، ۱۱۱۳؛ [ج ۶] ۱۳۴۵؛ [ج ۷] ۱۴۹۱، ۱۵۴۲، ۱۶۰۵، ۱۶۲۴، ۱۶۸۱؛ [ج ۸] ۱۸۰۸، ۱۸۹۸، ۱۹۲۰، ۱۹۶۸، ۲۰۲۶، ۲۰۳۵، ۲۰۴۵، ۲۰۴۷، ۲۰۶۹، ۲۰۷۱—۲۰۷۳، ۲۰۷۵—۲۰۷۷، ۲۱۰۷، ۲۱۰۸، ۲۱۱۷، ۲۱۱۸، ۲۱۲۴، ۲۱۲۶، ۲۱۲۹، ۲۱۳۰، ۲۱۴۴، ۲۱۵۷
دشت برم؛ [ج ۸] ۲۱۲۴
دشت خشت؛ [ج ۸] ۱۹۲۰
دشتستان؛ [ج ۳] ۶۵۸، ۶۷۷؛ [ج ۴] ۷۸۷
دشت کازرون؛ [ج ۸] ۱۹۲۱، ۲۱۲۲
دشت کمارج؛ [ج ۸] ۱۹۲۰، ۱۹۲۱
دشت گرگان؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
دشتی؛ [ج ۲] ۴۷۸؛ [ج ۳] ۷۸۷
دلبند؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
دلوار ــ دیلوار؛ [ج ۳] ۷۱۶؛ [ج ۴] ۸۹۴، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۶۱
دماوند؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷؛ [ج ۶] ۱۴۳۶
دواگونی؛ [ج ۸] ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
دوبی (دبای)؛ [ج ۷] ۱۶۰۶
دوپلان؛ [ج ۸] ۱۹۸۸، ۲۰۵۶، ۲۰۵۷، ۲۰۵۹
دوج؛ [ج ۱] ۱۶۶
دوراه خشت؛ [ج ۸] ۲۱۲۴، ۲۱۲۶
دوشان تپه؛ [ج ۱] ۱۶۸؛ [ج ۳] ۶۸۷، ۷۰۶
دولت (محلهٔ)؛ [ج ۳] ۶۷۵
دولت‌آباد؛ [ج ۱] ۱۶۷؛ [ج ۲] ۴۱۳؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۴] ۸۵۹؛ [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۴۳۷
دوه‌چی (محلهٔ)؛ [ج ۱] ۳۲۴
دهانه؛ [ج ۴] ۸۹۲
ده بزرگ؛ [ج ۶] ۱۴۷۷
ده بید؛ [ج ۱] ۱۵۸، ۱۸۸؛ [ج ۲] ۵۲۴، ۵۳۵؛ [ج ۳] ۷۱۴؛ [ج ۴] ۷۸۸، ۸۶۶؛ [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۱۶، ۱۰۲۹؛ [ج ۷] ۱۵۴۱، ۱۵۴۴، ۱۶۵۹، ۱۶۶۱؛ [ج ۸] ۱۸۰۶، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۴۲، ۱۹۷۱
دهج؛ [ج ۴] ۹۷۰
دهخوارقان؛ [ج ۳] ۶۷۵
ده رستم‌بیک؛ [ج ۵] ۱۰۹۹
ده سلام؛ [ج ۵] ۱۰۳۸
ده شیخ؛ [ج ۷] ۱۶۲۳، ۱۶۲۴
ده کرد؛ [ج ۵] ۱۰۸۳، ۱۰۹۸؛ [ج ۸] ۱۹۹۰، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹ (نیز نک: دز کرد)
ده کو؛ [ج ۵] ۹۹۹
ده کهنه؛ [ج ۸] ۲۱۲۶
ده نامه؛ [ج ۵] ۱۲۳۲
دیر (بندر)؛ [ج ۵] ۱۰۰۷
دیرنجان؛ [ج ۸] ۱۸۹۸ (نیز نک: درنگان)

دیزآباد؛ [ج ٤] ۷۹۵؛ [ج ۵] ۱۰۷۶
دیلمان؛ [ج ۳] ۶۷۹
دیلمقان؛ [ج ۳] ۶۷۵
دیناور (نک: دینور)
دینور؛ [ج ۸] ۱۷۰٤، ۱۷۰۶
دیوانکی؛ [ج ۸] ۲۱۲۷
دیوانی: [ج ۸] ۲۱۲۵
دیو سفید (قلعه)؛ [ج ۵] ۱۲۳۳

ذهاب؛ [ج ۸] ۲۱۱٤

رائین — راین؛ [ج ۶] ۱٤۳۷؛ [ج ۸] ۱۷۳۱
رام هرمز؛ [ج ۱] ۲۸۳؛ [ج ۲] ٤۷۲؛ [ج ۸] ۲۰٤۹
رانکی؛ [ج ۵] ۱۰۳۷
راور؛ [ج ۳] ۶۷۷؛ [ج ٤] ۹۷۱
راونج؛ [ج ٤] ۷۹۸
راه بوشهر — شیراز؛ [ج ۸] ۲۱۵۷
راهدار؛ [ج ۷] ۱۶۰٤، ۱۶۵۹؛ [ج ۸] ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۱۸، ۱۹۰۹—۱۹۱۱، ۲۱۲۶
راه کازرون — شیراز؛ [ج ۸] ۲۱۵۷
راه لینگ؛ [ج ۸] ۱۷۹۰، ۱۸۰۲، ۱۸۵۶، ۱۸۸۶، ۱۹٤۸، ۱۹۸۹—۱۹۹۱
رباط؛ [ج ٤] ۸۷۶، ۸۸۲؛ [ج ۵] ۱۰۹۶
رباط کریم؛ [ج ۳] ۶٤۱، ۶٤٤، ۶۸۶، ۷۰۵
رحمت‌آباد؛ [ج ۳] ۷٤٤
رشت؛ [ج ۱] ۳۷، ٤۳، ٤٤، ۵۳، ۶۶، ۷۳، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱٤٤، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷٤، ۲۱۸، ۲٤۸، ۲٤۹، ۳۰۵؛ [ج ۲] ۳۵۲، ۳۸۱، ٤۰۳، ٤۱۳، ٤۱۵—٤۱۷، ٤۲۱—٤۲۶، ٤۲۹، ٤۳۱، ٤٤۰، ٤٤۸، ٤۵۹—٤۶۱، ٤۶۹، ٤۷٤، ٤۸۶، ٤۸۷، ۵۲۰—۵۲۲، ۵۲۹؛ [ج ۳] ۵٤۳، ۵٤۵—۵٤۸، ۵۶٤، ۵۶۶، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۷، ۶۳۶، ۶٤۱، ۶٤۶، ۶۵۵، ۶۵۸، ۶۶٤، ۶۷۹، ۶۹۲، ۶۹۶، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۷، ۷۲۸، ۷۴۳، ۷٤٤، ۷۵۳، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۱؛ [ج ٤] ۷۷۹، ۷۸۵، ۸۲۱، ۸۳۳، ۸۵۵، ۸۶٤، ۸۶۹، ۸۷۶، ۹۳۱، ۹۶۷؛ [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۷٤، ۱۰۸٤، ۱۰۸۶، ۱۰۹۶، ۱۱۰۱، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶، ۱۱۹٤، ۱۲۰۰، ۱۲۰۶، ۱۲۲۹؛ [ج ۶] ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۳۳٤، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۷، ۱۳۶۰، ۱۳۶۳، ۱۳۶٤، ۱۳۶۷—۱۳۶۹، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۳، ۱۳۹۸، ۱٤۳۷، ۱٤٤۵، ۱٤٤۸، ۱٤۵۸، ۱٤۵۹، ۱٤۶۲؛ [ج ۷] ۱٤۸۹، ۱٤۹۲، ۱٤۹٤، ۱٤۹۸، ۱۵۰۱، ۱۵۰۸، ۱۵۱۳—۱۵۱۵، ۱۵۱۷، ۱۵۲٤، ۱۵۳۱—۱۵۳۲، ۱۵۳۶—۱۵۳۸، ۱۵٤۵—۱۵٤۸، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۶۶، ۱۵۶۸، ۱۵۷۶، ۱۵۸۵، ۱۵۹۰، ۱۵۹۳، ۱۵۹۸، ۱۶۰۳، ۱۶۰۷، ۱۶۱۰، ۱۶۳۱، ۱۶٤۷، ۱۶۵۶، ۱۶۶۳؛ [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۷۰۸، ۱۷۲۳، ۱۷۲٤، ۱۷۳۰، ۱۷٤۰، ۱۷۶۸، ۱۷۸۷، ۱۷۸۹، ۱۸۱۵، ۱۸٤۷، ۱۸۷۹، ۱۹۲۸، ۱۹٤۰، ۲۰۳۲، ۲۰۵۰، ۲۰۶۱، ۲۱۲۰، ۲۱۲۱، ۲۱٤۹، ۲۱۵۲
رفسنجان؛ [ج ۱] ۱۶۷، ۱۷٤؛ [ج ۲] ٤۱۳؛ [ج ۳] ۵۶۷، ۶٤۹، ۶۷۷، ۷۳۱، ۷۳۲؛

[ج ٤] ۸۷۵، ۸۹۳، ۸۹٤، ۹٤۹؛ [ج ۵] ۱۲۳۰؛ [ج ٦] ۱۲۸۵، ۱٤۳۷؛ [ج ۸] ۱۹۷۲
رملکی؛ [ج ۸] ۲۱۲٦
رنه (رینه)؛ [ج ٤] ۹۳۷
روبار؛ [ج ۱] ۲۸۲
رودبـــــار؛ [ج ۱] ۲۸۲؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۵] ۹۹٤؛ [ج ٦] ۱۲۸٤، ۱۲۸۵؛ [ج ۸] ۱۷۲۵، ۱۷۷۵، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸
رودخانهٔ شوشتر؛ [ج ۸] ۲۰٤۹
رودخانهٔ قره آقاچ؛ [ج ۸] ۲۱٤٤
رود هله؛ [ج ٤] ۸۷۳
روسیه؛ [ج ۱] ۳۰۹، ۳۱٤، ۳۱٦، ۳۲۷، ۳۳۱؛ [ج ۲] ۳۸۹، ٤۳۵؛ [ج ۳] ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۵، ۵۷۷ — ۵۷۹، ۵۸۱، ۵۸۳—۵۸۷، ۵۸۹، ٦۰۷—٦۰۹، ٦۱۱، ٦۱۹، ٦۲۰، ٦۲۳، ٦۲۷، ٦۲۸، ٦۳۰، ٦۳۲، ٦۳٤، ٦٤٦، ٦۵۱—٦۵٤، ٦۶۳—٦۶۵، ٦۹۱، ٦۹۲، ٦۹٤، ٦۹۷، ٦۹۹، ۷۰۲، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲٦، ۷۳٤—۷۳٦، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷٤۱، ۷٤۳، ۷٤٤، ۷٤۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵٦، ۷۵۷، ۷٦۱، ۷٦٦، ۷٦۷؛ [ج ٤] ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۲۱، ۸۲۸، ۸٤۲، ۸۷۵؛ [ج ۵] ۹۸۵ — ۹۸۸، ۹۹۰، ۹۹۱، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۰٤، ۱۰۰۸، ۱۰۱۳ — ۱۰۱۵، ۱۰۱۸، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۵۹، ۱۰٦٦، ۱۱۰۰، ۱۱۰٦، ۱۱۲۳، ۱۱۲۷، ۱۱٤۱، ۱۱٤٤، ۱۱۵۷، ۱۱٦۰، ۱۱٦۱، ۱۱٦۳، ۱۱٦٤، ۱۱٦۹، ۱۲۰٦، ۱۲۱۵، ۱۲۱٦، ۱۲۲۰، ۱۲۲۲ — ۱۲۲٤؛ [ج ٦] ۱۲۵٦، ۱۲٦٤، ۱۳۰۱، ۱۳۳۵، ۱۳٦٤، ۱۳۷۵، ۱۳۹٦؛ [ج ۷] ۱۵۳۰، ۱۵۳٤، ۱۵۵٤، ۱۵٦۲، ۱۵۸۳، ۱۵۹۳، ۱٦۰۳، ۱٦۱۱، ۱٦۲۰، ۱٦۲۷، ۱٦۳۱، ۱٦٦۱، ۱٦٦۳؛ [ج ۸] ۱٦۹۱، ۱۷۱۵، ۱۷۳٦، ۱۷٤۰، ۱۷٦۸، ۱۸۳۹، ۱۸٤۱، ۱۸٤۷، ۱۸۵۸، ۱۸۸٦، ۱۹۲۸، ۱۹۷۱، ۲۰۰۷، ۲۰٦۱، ۲۱۵۲
ریحان؛ [ج ۱] ۲۲۰
ریوال؛ [ج ۱] ۱۹۱
زاوه؛ [ج ۳] ۷۲۹، ۷٤۵
زرقان ــ زرقون ــ زرکان؛ [ج ۱] ۱۸۰؛ [ج ۲] ٤۷۲؛ [ج ۷] ۱٦۲۲؛ [ج ۸] ۱۹٤۳، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳، ۲۰۵۲
زرگـــنـــده؛ [ج ۱] ۲۳۷، ۲٤٦؛ [ج ۲] ٦۲۲، ٦۸۳، ۷۰٤، ۷۲٦، ۷۵۵؛ [ج ٤] ۹۱٦، ۹۱۷؛ [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۱۳۹، ۱۱۹۳، ۱۱۹۷؛ [ج ٦] ۱۳۳۲؛ [ج ۸] ۱۹٦۲
زرنـــــد؛ [ج ۱] ۲٤٤؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۵] ۱۲۲۵؛ [ج ٦] ۱۲۸۷، ۱٤۳٦
زنجان؛ [ج ۱] ٦٦؛ [ج ۲] ٤٦٦؛ [ج ۳] ۵٦٦، ۶۷۸، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷٤٤، ۷٤۹، ۷٦۱؛ [ج ٤] ۷۸۲، ۷۸۵، ۸۵۲، ۹۵۰؛ [ج ۵] ۱۲۳۵؛ [ج ٦] ۱٤۳٦؛ [ج ۷] ۱۵٦۷، ۱۵۷۷؛ [ج ۸] ۱٦۹۷، ۱۷۰۰، ۱۷۰۹، ۱۷۱٦، ۱۷٤۱، ۱۷٤٦، ۱۷٤۹، ۱۷٦۳، ۱۷۹۳، ۱۸۲٤، ۱۸۷۱، ۱۸۸۵، ۱۸۸٦، ۱۹۵۵، ۱۹۷۵، ۱۹۹۳، ۱۹۹٤، ۱۹۹۹
زینان ــ زینان؛ [ج ۷] ۱٦۲۳؛ [ج ۸] ۱۸۰٦، ۱۹٤۳

زنیان کهنه؛ [ج ۸] ۲۱۲٤
زنیان نو؛ [ج ۸] ۲۱۲٤
زواره؛ [ج ٤] ۹۱۰، ۹۳۹، ۹٦۹
زیر کتل دختر؛ [ج ۸] ۲۱۲٤ (نیز نک: کتل دختر)

ژاپن؛ [ج ٦] ۱۳٤٥

سابوخ؛ [ج ۳] ٥٦۷
ساری؛ [ج ۳] ٦۸۰؛ [ج ٥] ۱۰۷٤، ۱۱٦۷، ۱۱۷۰، ۱۲۰۲؛ [ج ٦] ۱٤۳۷؛ [ج ۷] ۱٥۹۲
ساوجبلاغ؛ [ج ۱] ۳۳، ۱۲٥؛ [ج ۳] ٥٤۷، ٦۷٥؛ [ج ٦] ۱٤۳٥؛ [ج ۸] ۱۹٦٥، ۱۹۷۰
ساوه؛ [ج ۱] ٦۳؛ [ج ۳] ٦۷۸؛ [ج ٥] ۱۲۲۱، ۱۲۲٥؛ [ج ٦] ۱۲۸۷، ۱٤۳٦
سبزآباد؛ [ج ۳] ۷۳۳
سبزوار؛ [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲٤، ۱۳۷؛ [ج ۳] ٥٦۷، ٦۷٦؛ [ج ٥] ۱۱٥۲، ۱۲۰٦؛ [ج ٦] ۱٤۳٥؛ [ج ۸] ۲۱٥۲
سبزه میدان (رشت)؛ [ج ٦] ۱٤٥۹
سراب؛ [ج ۳] ٦٤۷، ٦۷٥، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷٤۹، ۷٥۰، ۷٥٤، ۷٥٦، ۷٦۰؛ [ج ٤] ۷۷۷، ۷۷۹، ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۷٦، ۸۹۲، ۸۹٥، ۹۰۸، ۹۳۱؛ [ج ٥] ۱۱۹۰؛ [ج ٦] ۱٤۳٥؛ [ج ۸] ۱۷۸۹
سربند؛ [ج ۳] ۷۳۰؛ [ج ٤] ۹٥۹
سرپل؛ [ج ۲] ۳٥۳؛ [ج ٤] ۹۷۰؛ [ج ٥] ۱۱۹۰
سر پل قره آقاچ ــ قره‌قاچ؛ [ج ۸] ۲۱۲٤
سرچنگک؛ [ج ۸] ۲۱۲٤، ۲۱۲٦
سرخابه؛ [ج ٤] ۸۹٥
سرخس؛ [ج ٤] ۹۰۸
سرخون؛ [ج ٥] ۱۱۸٤
سرخه ــ سرخی؛ [ج ٦] ۱٤٦٥؛ [ج ۷] ۱٥٤۲؛ [ج ۸] ۲۰۱۷، ۲۰۲٦، ۲۰۸۱
سردآب؛ [ج ۸] ۲۰٥٥، ۲۰٥٦، ۲۰٥۸، ۲۰٥۹
سردرود؛ [ج ۲] ۳٦۸، ٤۳٤، ٤٦۲؛ [ج ٤] ۹۳۲
سرراک؛ [ج ۸] ۱۸٥۲
سرسنگ؛ [ج ۲] ۳۸۲، ۳۸۳
سرکتل؛ [ج ۸] ۲۱۲٦، ۲۱۲۷
سرکتل دختر؛ [ج ۸] ۲۱۲٤ (نیز نک: کتل دختر)
سرکتل ملو؛ [ج ۸] ۲۱۲٥ (نیز نک: کتل ملو)
سروستان؛ [ج ٦] ۱٤٦٥
سرهند؛ [ج ۷] ۱٥۷۷
سرهنگ آباد؛ [ج ۸] ۱۹٤۱
سعدی (دروازه)؛ [ج ٦] ۱٤٦۳
سعید آباد؛ [ج ۳] ٦۷۷
سقز؛ [ج ۳] ٦۷۹؛ [ج ٦] ۱٤۳٦؛ [ج ۸] ۱۸۲٤
سلطان آباد؛ [ج ۱] ۳۹، ٥٥، ۸۲، ۱۷۹، ۲۱۸، ۲٦۷؛ [ج ۳] ٦٤۸، ٦٤۹، ٦۷۸، ۷۲۱، ۷۳۰، ۷٤۱، ۷٦۲؛ [ج ٤] ۷۸٥، ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۷٦، ۸۹۲، ۸۹٥، ۹۰۸، ۹۳۱، ۹٥۹، ۹٦۹؛ [ج ٥] ۱۰۳۹، ۱۰۸٥، ۱۱٥۳، ۱۱٥٥، ۱۱۹۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۳، ۱۲۱۸، ۱۲۳۲، ۱۲۳٤؛ [ج ٦] ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۷، ۱۳۳۹، ۱٤۳٥، ۱٤۳٦، ۱٤٤٥؛ [ج ۷] ۱٦۳۸، ۱٦۳۹، ۱٦۷۱، ۱٦۷٤؛ [ج ۸] ۱٦۹۹، ۱۷۰۹، ۱۷۳۲، ۱۷٤۸،

۱۷۶۳، ۱۸۱۵، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۹۱۳،
۱۹۴۱، ۱۹۷۱، ۱۹۷۴
سلطان سری راک؛ [ج ۴] ۹۶۹
سلطنت آباد؛ [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۳، ۵۹۸، ۶۱۷،
۶۲۴، ۶۲۵، ۶۳۸، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵،
۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۱، ۷۰۵، ۷۰۶
سلماس؛ [ج ۱] ۱۲۵؛ [ج ۲] ۳۵۱، ۳۷۰،
۳۸۹، ۳۹۰، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۵، ۵۲۸؛
[ج ۳] ۵۹۹؛ [ج ۷] ۱۶۳۰
سمنان؛ [ج ۱] ۱۶۵؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۵]
۱۱۷۳، ۱۱۸۷، ۱۲۲۸؛ [ج ۶] ۱۴۳۶؛
[ج ۷] ۱۵۳۱، ۱۵۹۷
سمیلا؛ [ج ۶] ۱۳۱۱
سنت پطرزبورغ؛ [ج ۲] ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۵۲،
۳۷۹، ۴۰۱، ۵۳۸؛ [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۵،
۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۸، ۵۷۰، ۵۷۵،
۵۷۹، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۷ — ۵۸۹،
۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰،
۶۳۲، ۶۳۴، ۶۶۵؛ [ج ۴] ۷۹۰؛ [ج ۵]
۹۸۷، ۹۹۰، ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۴۱،
۱۱۰۵، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۳،
۱۱۲۴، ۱۱۲۶، ۱۱۳۷، ۱۱۴۰، ۱۱۶۹،
۱۱۷۲، ۱۱۷۶، ۱۱۸۲—۱۱۸۴، ۱۱۸۸،
۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳؛ [ج ۶]
۱۲۵۶، ۱۲۶۰، ۱۲۷۹، ۱۲۹۲، ۱۲۹۷،
۱۲۹۸، ۱۳۰۰، ۱۳۰۴، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷،
۱۳۰۹، ۱۳۱۲، ۱۳۱۴، ۱۳۱۷، ۱۳۱۹ —
۱۳۲۳، ۱۳۲۶، ۱۳۲۸، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷،
۱۳۴۹، ۱۳۵۲، ۱۳۵۴، ۱۳۵۷، ۱۳۶۰،
۱۳۶۱، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۷۱، ۱۳۷۴،
۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۸۱، ۱۳۸۴، ۱۳۹۴،
۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۳ — ۱۴۰۵، ۱۴۰۷ —
۱۴۱۱، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴،
۱۴۲۶، ۱۴۳۸، ۱۴۵۱، ۱۴۵۳، ۱۴۵۹،
۱۴۶۱؛ [ج ۷] ۱۴۸۹، ۱۴۹۲، ۱۵۱۲،
۱۵۲۲، ۱۵۵۰ — ۱۵۵۲، ۱۵۵۵، ۱۵۶۳،
۱۵۶۴، ۱۵۶۷، ۱۵۷۲، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶،
۱۵۷۹، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۶، ۱۵۹۴،
۱۵۹۶، ۱۵۹۸، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۷،
۱۶۱۹، ۱۶۲۹، ۱۶۳۴، ۱۶۳۸، ۱۶۵۷،
۱۶۶۹؛ [ج ۸] ۱۶۹۳، ۱۶۹۸، ۱۷۱۲،
۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۷،
۱۷۳۲، ۱۷۳۶، ۱۷۳۹، ۱۷۸۵، ۱۷۹۲،
۱۸۴۱، ۱۸۴۳ — ۱۸۵۰، ۱۸۵۸، ۱۸۶۸ —
۱۸۷۲، ۱۸۷۶، ۱۸۷۹، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲،
۱۹۰۶، ۱۹۱۲، ۱۹۲۲، ۱۹۲۶، ۱۹۲۹،
۱۹۳۰، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۸۲، ۲۰۰۱،
۲۰۰۳، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۲۰، ۲۰۲۳،
۲۰۲۴، ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۰۳۴، ۲۰۴۰،
۲۰۹۷، ۲۱۰۱، ۲۱۳۵، ۲۱۳۶، ۲۱۵۴ —
۲۱۵۶
سنجاب؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
سنقر؛ [ج ۳] ۶۷۹
سنگلج (محلهٔ)؛ [ج ۳] ۶۷۵
سنندج؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۴] ۹۱۱؛ [ج ۵]
۱۱۲۱؛ [ج ۸] ۱۷۹۷، ۱۹۲۹، ۱۹۴۲،
۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۷۲—۱۹۷۴
سنه (سنندج)؛ [ج ۶] ۱۴۳۶
سوء؛ [ج ۱] ۷۴
سوئد؛ [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۹۸، ۱۰۱۰،
۱۰۴۲، ۱۰۴۴، ۱۰۶۳، ۱۰۸۰، ۱۰۸۵،
۱۰۹۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۷—۱۱۱۰، ۱۱۷۷،
۱۱۸۳، ۱۱۸۷ — ۱۱۹۰، ۱۱۹۲، ۱۱۹۸،
۱۲۲۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۹؛ [ج ۶] ۱۲۵۶،

۱۲۶۶، ۱۲۷۰، ۱۲۷۲ — ۱۲۷۴، ۱۲۷۷،
۱۲۸۸، ۱۳۴۸؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۶۹۳،
۱۷۱۸، ۱۷۲۸، ۱۷۳۶، ۱۷۶۸، ۱۷۹۲،
۱۸۱۳، ۱۸۶۳، ۱۸۷۵، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹،
۱۸۸۲، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷، ۱۹۸۱، ۱۹۸۴،
۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۲۰۱۱، ۲۰۴۲، ۲۰۹۵،
۲۱۰۰، ۲۱۱۴، ۲۱۱۸، ۲۱۵۳
سوادکوه؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۵] ۱۱۸۷، ۱۲۱۵،
۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۷
سورمق؛ [ج ۷] ۱۶۲۴؛ [ج ۸] ۱۹۰۸، ۱۹۶۸
سـویس؛ [ج ۴] ۹۲۹؛ [ج ۵] ۱۱۴۰؛ [ج ۸]
۲۰۳۲
سیاخ: [ج ۷] ۱۶۲۳: [ج ۸] ۱۸۹۸، ۱۸۹۹،
۱۹۴۳، ۱۹۴۵ — ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۲۰۱۴،
۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۸۲، ۲۰۸۳، ۲۰۸۵،
۲۰۸۶
سیدان؛ [ج ۱] ۲۴۹
سیراب؛ [ج ۸] ۱۹۹۹
سیرجان؛ [ج ۳] ۶۷۷؛ [ج ۴] ۸۹۴؛ [ج ۶]
۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۴۳۷؛ [ج ۸] ۱۸۲۷،
۲۰۵۱، ۲۱۰۶، ۲۱۴۹
سیستان؛ [ج ۱] ۳۵، ۷۳، ۱۱۲، ۱۶۷، ۲۶۹؛
[ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۱، ۶۴۸، ۶۷۶، ۶۸۵،
۷۲۹، ۷۳۰، ۷۴۵؛ [ج ۴] ۷۸۷، ۸۳۴،
۸۷۰، ۸۸۲، ۸۹۲، ۹۳۸، ۹۵۶، ۹۶۸؛
[ج ۵] ۹۸۱، ۱۰۳۸، ۱۰۷۵، ۱۰۹۶،
۱۱۵۲، ۱۲۰۷، ۱۲۳۱؛ [ج ۶] ۱۲۹۰،
۱۳۳۵، ۱۳۴۰، ۱۴۳۶، ۱۴۴۹؛ [ج ۷]
۱۵۴۰، ۱۶۰۵، ۱۶۵۸؛ [ج ۸] ۱۷۰۰،
۱۷۴۱، ۲۱۰۶، ۲۱۴۹
سینه سفید (گدار ــ گردنه ــ برج)؛ [ج ۴]
۷۸۷، ۸۰۸؛ [ج ۵] ۹۹۹؛ [ج ۷] ۱۶۲۳؛
[ج ۸] ۲۰۴۵، ۲۱۴۴
سیوند؛ [ج ۱] ۱۸۸، ۳۰۵؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۴۷۲،
۵۲۴؛ [ج ۴] ۸۳۵، ۸۷۳؛ [ج ۵] ۱۰۰۰،
۱۰۱۹، ۱۰۸۳، ۱۱۵۰؛ [ج ۶] ۱۴۳۶؛
[ج ۷] ۱۶۲۲، ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ۱۹۶۸

شاه‌آباد؛ [ج ۳] ۵۸۹، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۸۶، ۷۰۵
شاهپور؛ [ج ۷] ۱۵۰۹، ۱۵۲۷، ۱۶۰۴، ۱۶۸۱؛
[ج ۸] ۱۸۰۷، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۲۰،
۱۹۴۴
شاه‌چراغ: [ج ۳] ۷۱۳، ۷۱۴
شاهرود: [ج ۳] ۶۰۰، ۶۷۸: [ج ۵] ۱۰۷۰،
۱۱۴۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۸، ۱۱۷۰، ۱۱۹۷،
۱۲۲۸، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲: [ج ۶] ۱۴۳۶:
[ج ۷] ۱۵۳۱، ۱۵۳۸، ۱۵۸۱، ۱۵۹۷،
۱۶۰۳، ۱۶۵۳: [ج ۸] ۱۹۷۰، ۱۹۷۱،
۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷، ۲۰۳۲
شاه عبدالعظیم ــ شاهزاده عبدالعظیم (نک:
حضرت عبدالعظیم)
شاه‌نو؛ [ج ۱] ۱۶۶
شبانکاره؛ [ج ۸] ۱۹۴۴، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲
شبلی؛ [ج ۴] ۹۳۸
شفیع‌آباد؛ [ج ۱] ۱۲۳
شلا (؟)؛ [ج ۵] ۱۰۹۶
شلگستان؛ [ج ۷] ۱۶۲۲—۱۶۲۴؛ [ج ۸]
۱۸۵۲، ۲۰۵۶
شلمزار؛ [ج ۸] ۲۰۵۹
شلیل؛ [ج ۸] ۱۸۵۲، ۲۰۵۶
شمس؛ [ج ۱] ۱۶۷
شمس‌آباد؛ [ج ۸] ۱۹۹۰
شمشیری؛ [ج ۳] ۷۱۶

شمیرانات ــ شمیران؛ [ج ۳] ۵۹۸؛ [ج ٤] ۹۰۷
شورین؛ [ج ٦] ۱۳٤۰
شوشتر؛ [ج ۳] ٦۷۸، ۷٦۵؛ [ج ٤] ۷۹۹، ۹۳۳، ۹٤۲، ۹٦۲؛ [ج ٦] ۱٤۳٦؛ [ج ۸] ۱۷۲٦، ۱۷۲۷، ۱۷۲۹، ۱۷۳۱، ۱۷٤۲، ۱۷٤۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۹۹—۱۸۰۱، ۱۸٤۰، ۱۸۹۰، ۲۰٤۸، ۲۰٤۹
شوکتیه (مدرسه)؛ [ج ٦] ۱۳۵۱
شهراب؛ [ج ٤] ۹٦۹
شهربابک؛ [ج ۳] ٦۸۰؛ [ج ۸] ۱۷٦۸، ۱۸۱٦، ۲۰۵۱
شهرستانک؛ [ج ۸] ۲۰۰٦
شهریار؛ [ج ۳] ٦۳۹؛ [ج ٦] ۱٤۳٦
شیبکوه؛ [ج ۷] ۱٦٤۸
شیخ نصرالدین؛ [ج ۸] ۱۷۹۷
شیراز؛ [ج ۱] ۳٦، ۳۸، ٤٤، ٤۵، ۵۵، ٦۷، ۸۲، ۸۳، ۹۵، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱٦، ۱۲۲، ۱۲۷ — ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱٤٤، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱٦۲، ۱٦۳، ۱٦۷، ۱٦۹، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۵ — ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۱۸، ۲٤۹، ۲۵۰، ۲٦۸، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸٦، ۲۸۹، ۳۰۵، ۳۲۲؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۳٦۷، ۳۸۵، ۳۸٦، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱٤، ۴۳۲، ۴٦۸، ۴٦۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۰، ۵۲٤، ۵۳۳، ۵۳۵؛ [ج ۳] ۵٦۸، ۵٦۹، ۵۷۲، ۵۷۸، ۵۹٦، ٦۰۲ — ٦۰٤، ٦۱۰، ٦۱۳ — ٦۱۹، ٦۲٦، ٦۲۷، ٦۲۹ — ٦۳۱، ٦۳٤، ٦۳۵، ٦۵۰، ٦۵۳، ٦۵۵ — ٦۵۹، ۷۱۳ — ۷۱۵، ۷۲۸، ۷۳۰ — ۷۳٤، ۷٤۰، ۷٤٦ — ۷٤۸، ۷۵۸، ۷٦۲—۷٦۵، ۷٦۷؛ [ج ٤] ۷۷۵، ۷۸۱، ۷۸٦ — ۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۹ — ۸۰۱، ۸۰۳ — ۸۰۵، ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۲٤، ۸۳۲، ۸۳٤، ۸۳۵، ۸۳۷، ۸٤٦، ۸۵٦ — ۸۵۸، ۸٦۵ — ۸٦۷، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷٦، ۸۸٦، ۸۹٤، ۹۰٤، ۹۱۲، ۹۲۵، ۹۳۲ — ۹۳٤، ۹۳٦، ۹۳۷، ۹٤۱، ۹٤٤ — ۹٤٦، ۹٤۸، ۹٤۹، ۹۵۵، ۹۵۷، ۹۵۹، ۹٦۰، ۹٦٤، ۹٦٦، ۹٦۷، ۹٦۹، ۹۷۱، ۹۷۲؛ [ج ۵] ۹۷۷ — ۹۷۹، ۹۸۱ — ۹۸۳، ۹۸۸، ۹۹۵، ۹۹٦، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۲، ۱۰۰۵ — ۱۰۰۷، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱٤، ۱۰۱٦، ۱۰۱۹، ۱۰۲۹ — ۱۰۳۲، ۱۰٤۰ — ۱۰٤۳، ۱۰٤۵، ۱۰٤۸، ۱۰٤۹، ۱۰۵۱ — ۱۰۵٤، ۱۰۵٦ — ۱۰٦۳، ۱۰٦۵، ۱۰۷۲، ۱۰۷٦ — ۱۰۷۸، ۱۰۸۱ — ۱۰۸٤، ۱۰۸٦، ۱۰۸۹، ۱۰۹۷، ۱۰۹۹، ۱۱۰۳، ۱۱۰٤، ۱۱۰٦، ۱۱۱۲، ۱۱۱٤ — ۱۱۱٦، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۳، ۱۱۲۵، ۱۱۲۸، ۱۱۳۷، ۱۱٤٤، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۵، ۱۱۵۹، ۱۱٦٦، ۱۱٦۷، ۱۱۷۱، ۱۱۸٦ — ۱۱۸۸، ۱۱۹۰ — ۱۱۹۲، ۱۱۹٦، ۱۱۹۸، ۱۲۰۳، ۱۲۰۷، ۱۲۱۲، ۱۲۱۵، ۱۲۱٦، ۱۲۱۸، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۳، ۱۲۲٤، ۱۲۳۱، ۱۲٤۰ — ۱۲٤۲، ۱۲٤٤ — ۱۲٤٦؛ [ج ٦] ۱۲۵۳ — ۱۲٦۹، ۱۲۷۲ — ۱۲۷۷، ۱۲۷۹، ۱۲۸۲، ۱۲۸٤، ۱۲۹۱ — ۱۲۹۳، ۱۲۹۵ — ۱۲۹۸، ۱۳۰٤ — ۱۳۰٦، ۱۳۰۸، ۱۳۱٦، ۱۳۱۹، ۱۳۳۸ — ۱۳٤۲، ۱۳٤۵، ۱۳٦٤، ۱٤۲۲، ۱٤۲۳، ۱٤۲۵، ۱٤۲۷، ۱٤۲۹، ۱٤۳٦، ۱٤٤۲، ۱٤٤۳، ۱٤٤۹، ۱٤۵۱، ۱٤۵۲، ۱٤۵۵، ۱٤۵٦، ۱٤٦۲ — ۱٤٦۵، ۱٤٦۸ —

۱۴۷۹، ۱۴۸۲؛ [ج ۷] ۱۴۸۷ — ۱۴۹۳، ۲۱۵۶، ۲۱۵۷
۱۴۹۹، ۱۵۰۳، ۱۵۰۵، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۴، ۱۵۱۸، ۱۵۲۶، ۱۵۲۸، ۱۵۳۹ —
۱۵۴۴، ۱۵۵۱، ۱۵۵۳، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۵، ۱۵۶۸، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۸۲،
۱۵۸۸، ۱۶۰۴ — ۱۶۰۶، ۱۶۲۴، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۵۹، ۱۶۶۱،
۱۶۶۹ — ۱۶۷۲، ۱۶۷۷، ۱۶۸۰ — ۱۶۸۴؛ [ج ۸] ۱۶۹۱ — ۱۶۹۳، ۱۶۹۹ — ۱۷۰۱،
۱۷۰۳، ۱۷۱۱، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۵، ۱۷۴۷، ۱۷۵۷، ۱۷۵۹،
۱۷۶۸ — ۱۷۷۰، ۱۷۷۷، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳، ۱۷۸۸ — ۱۷۹۱، ۱۸۰۳ — ۱۸۰۶، ۱۸۰۸،
۱۸۱۳، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۳۸، ۱۸۴۵، ۱۸۵۱ — ۱۸۵۳، ۱۸۵۶،
۱۸۶۰، ۱۸۶۲ — ۱۸۶۵، ۱۸۷۱، ۱۸۷۳ —
۱۸۷۶، ۱۸۷۸، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۷،
۱۸۸۹، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۹۰۰، ۱۹۰۲،
۱۹۰۳، ۱۹۰۶ — ۱۹۰۹، ۱۹۱۱، ۱۹۱۴،
۱۹۱۶، ۱۹۱۸ — ۱۹۲۲، ۱۹۲۴ — ۱۹۲۸،
۱۹۳۱، ۱۹۴۱ — ۱۹۴۵، ۱۹۴۹، ۱۹۵۳،
۱۹۵۸، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲، ۱۹۶۴ — ۱۹۶۸،
۱۹۷۱، ۱۹۷۷ — ۱۹۷۹، ۱۹۸۳ — ۱۹۸۹،
۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸،
۲۰۱۰ — ۲۰۱۴، ۲۰۱۷، ۲۰۲۵، ۲۰۳۴،
۲۰۳۵، ۲۰۴۳، ۲۰۴۷، ۲۰۵۱ — ۲۰۵۴،
۲۰۶۲ — ۲۰۶۴، ۲۰۶۶، ۲۰۷۰، ۲۰۷۱،
۲۰۷۴ — ۲۰۸۹، ۲۰۹۱، ۲۰۹۳، ۲۰۹۵،
۲۰۹۹، ۲۱۰۰، ۲۱۰۵ — ۲۱۰۹، ۲۱۱۱،
۲۱۱۵ — ۲۱۱۹، ۲۱۲۱، ۲۱۲۳، ۲۱۲۶،
۲۱۲۹، ۲۱۳۰، ۲۱۳۲، ۲۱۳۳، ۲۱۳۷،
۲۱۳۸، ۲۱۴۷، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۴،

صاحب الامر؛ [ج ۳] ۵۹۳
صائین قلعه؛ [ج ۳] ۶۷۵
صحنه؛ [ج ۵] ۱۱۴۴؛ [ج ۸] ۱۷۶۱، ۱۷۸۵، ۱۹۰۱
ضرابخانه؛ [ج ۸] ۱۹۳۸
طارم؛ [ج ۳] ۶۷۸
طارم سفلی؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۸] ۱۷۰۹
طارم علیا؛ [ج ۸] ۱۷۰۹
طالش ــ طالش دولاب ــ طوالش؛ [ج ۱] ۵۴، ۶۶، ۳۰۵؛ [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳؛ [ج ۳] ۶۷۹، ۷۲۸؛ [ج ۴] ۸۳۳؛ [ج ۵] ۱۰۷۴، ۱۱۵۲؛ [ج ۶] ۱۴۵۸؛ [ج ۸] ۱۷۲۳، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۶۸، ۱۸۱۵، ۱۸۷۹، ۱۹۴۰، ۲۰۵۰، ۲۰۶۱، ۲۱۴۹
طالقان؛ [ج ۳] ۶۷۸
طاهرون؛ [ج ۳] ۷۱۳
طبس؛ [ج ۱] ۱۵۷، ۱۸۷؛ [ج ۲] ۴۳۰؛ [ج ۳] ۶۷۶، ۷۴۴، ۷۴۵؛ [ج ۴] ۸۷۱، ۸۷۶، ۹۳۸، ۹۵۶، ۹۶۸؛ [ج ۵] ۹۸۸، ۱۰۳۸، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵؛ [ج ۶] ۱۴۳۶
طرابوزان؛ [ج ۱] ۱۱۰، ۱۲۵
طــرق؛ [ج ۱] ۸۱؛ [ج ۲] ۴۷۱، ۴۹۵؛ [ج ۵]

شیف؛ [ج ۸] ۱۸۰۶، ۱۹۱۸، ۱۹۱۹
شیفت (شیف؟)؛ [ج ۳] ۶۵۷
شیورع (شیوع؟)؛ [ج ۴] ۹۶۲

۱۱۵۳؛ [ج ۸] ۱۸۱۵
طون (نک: تون)

عاشوراده (نک: آشوراده)
عباس آباد؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۷] ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ۱۸۵۶
عباسی؛ [ج ٦] ۱٤۳٦
عبدوئی؛ [ج ۷] ۱٦۲۳؛ [ج ۸] ۲۱۲٤
عثمانی؛ [ج ۳] ٥٤٤، ٥٥٦، ٥٥۷، ٦۰۸، ٦۲۸، ٦٤٦، ٦٥۲، ۷۰۱، ۷۱۸، ۷٤٦؛ [ج ٤] ۷۸۳، ۸۰۹، ۸۱۱، ۹۰۷، ۹۱۷، ۹٤۲؛ [ج ۷] ۱٥٦۲؛ [ج ۸] ۱٦۸۸، ۱۷۰٥، ۱۷۱۰، ۱۷۱۸، ۱۷٤۰، ۱۹۲۹، ۱۹۷۰، ۲۰۳٥، ۲۰٦۹، ۲۱۱۲
عراق (اراک)؛ [ج ۳] ٦٤۸، ۷۳۰، ۸٦۲؛ [ج ٤] ۷۷۸، ۷۸٦؛ [ج ٥] ۱۲۳۲؛ [ج ٦] ۱۳۳۹، ۱٤۳٦؛ [ج ۸] ۱۷۰۹
عراق (عرب)؛ [ج ۳] ٦۷۸
عربستان (خوزستان)؛ [ج ۳] ٦۷۸، ۷٦٥؛ [ج ٤] ۹٥۳؛ [ج ٥] ۱۰۷۰، ۱۰۹۸؛ [ج ٦] ۱٤۳۰، ۱٤۳٦، ۱٤۸۰؛ [ج ۸] ۱۷۰۹، ۱۷۲۹، ۱۷٤۳، ۱۷٤٤، ۱۷۷۱، ۱۸۰۰، ۲۰٤۹، ۲۱٥۱
عزیزآباد؛ [ج ۸] ۱۹۹۰
عشرت آباد؛ [ج ۸] ۱۷۰۷
عشق آباد؛ [ج ٥] ۱۱٤۳، ۱۱۹۱؛ [ج ٦] ۱۳۳۳؛ [ج ۷] ۱٥٥۳، ۱٥۹۸، ۱٦۰۳؛ [ج ۸] ۲۰۰۷
عقدا؛ [ج ۳] ٦۸۰
عفیف آباد؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
عقیلی؛ [ج ۸] ۱۷۷۱، ۱۷۹۹، ۲۰٤۸، ۲۰٤۹
علآفی؛ [ج ۸] ۲۱۲٤، ۲۱۲٥، ۲۱۲۷
علی آباد؛ [ج ٥] ۹۸۱
عودلاجان (محلهٔ)؛ [ج ۳] ٦۷٥
عیساوند ــ عیساوندی (عیسوندی)؛ [ج ۳] ٦٦۱؛ [ج ۸] ۲۱۲۷

غار؛ [ج ٦] ۱٤۳٦
غازیک؛ [ج ۱] ۷٥
غدان؛ [ج ٥] ۹۸۰

فارس؛ [ج ۱] ۳٥، ٤٤، ٦۷، ۹٥، ۹٦، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱٦٥، ۱٦۸، ۱٦۹، ۱۷۳، ۱۷٥—۱۷۷، ۱۷۹، ۲۱۸، ۲٤۹، ۲٥۰، ۲٦۸، ۲۸۲، ۳۰٥، ۳۲۲؛ [ج ۲] ۳۸۳، ۳۸٥، ٤۳۰، ٤۳۱، ٤۷۱، ٥۳٤؛ [ج ۳] ٥٤۸، ٥٦۸، ٥۸۱، ٥۹۷، ٥۹۹، ٦۰٤، ٦۱۲، ٦۱٥، ٦۱۹، ٦۲٦، ٦۲۹، ٦۳۳، ٦٤٥، ٦٥٦، ٦٥۷، ٦٥۹، ٦٦۰، ٦٦٤، ٦٦٥، ٦۷۰، ٦۷٦، ٦۹۹، ۷۰۷، ۷۱۳، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷٤۱، ۷٤۸، ۷٥۸، ۷٦٤؛ [ج ٤] ۷۷٤، ۷۷٦، ۷۷۸، ۷۸۲، ۷۸۸، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۳ — ۸۰٦، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲٤، ۸۳۲، ۸۳٦، ۸٤٦، ۸٥۰، ۸٦٥، ۸٦٦، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۳، ۸۷٤، ۸۷٦، ۸۷۸، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹٤، ۹۰۰، ۹۰٤، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۲٥، ۹۳۲ — ۹۳٤، ۹۳٦، ۹۳۷، ۹٤۱، ۹٤۷، ۹٤۸، ۹٦۰، ۹٦۱، ۹٦٤، ۹٦٦؛ [ج ٥] ۹۷٦، ۹۷۷، ۹۷۹، ۹۸۳، ۹۸٥ — ۹۸۷، ۹۹۲، ۹۹٤ —

۹۹۹، ۱۰۰۷، ۱۰۱۴، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰ — فارسستان؛ [ج ۵] ۱۰۷۰
۱۰۳۲، ۱۰۳۸، ۱۰۴۰ — ۱۰۴۵، ۱۰۴۷، فتح‌آباد؛ [ج ۸] ۱۸۵۹
۱۰۴۹، ۱۰۵۱ — ۱۰۵۳، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، فراقه؛ [ج ۲] ۴۷۱
۱۰۶۳، ۱۰۷۳، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۹۰، فرامین؛ [ج ۱] ۱۲۳
۱۱۱۳، ۱۱۱۶، ۱۱۱۹، ۱۱۲۸، ۱۱۵۴، فرانسه؛ [ج ۱] ۴۴، ۱۸۸؛ [ج ۲] ۳۹۹، ۴۵۵؛
۱۱۹۸، ۱۲۰۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۲، ۱۲۲۵، [ج ۴] ۷۷۹، ۸۱۹، ۸۲۵، ۹۰۶، ۹۴۹؛
۱۲۴۲: [ج ۶] ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۶، [ج ۵] ۹۹۳، ۱۰۱۱، ۱۰۳۵، ۱۰۶۳،
۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۸۹، ۱۰۹۴، ۱۱۰۹؛ [ج ۶] ۱۳۰۱، ۱۳۷۱،
۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۳۰۵، ۱۳۳۹، ۱۳۴۱، ۱۳۷۳؛ [ج ۸] ۱۷۳۶، ۱۸۳۲، ۱۹۶۰
۱۳۴۳، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۶، ۱۴۴۹، فراهان؛ [ج ۳] ۷۳۰
۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۶ — ۱۴۷۰، ۱۴۷۲، فریدن: [ج ۶] ۱۴۳۵؛ [ج ۸] ۱۸۹۲، ۱۹۷۱
۱۴۷۸ — ۱۴۸۲؛ [ج ۷] ۱۵۴۰، ۱۵۴۳، فریمان؛ [ج ۸] ۱۸۱۵
۱۵۴۴، ۱۵۶۰، ۱۵۶۲، ۱۵۶۹، ۱۵۷۷، فسا؛ [ج ۲] ۴۷۲؛ [ج ۳] ۶۷۶؛ [ج ۵] ۱۲۴۴؛
۱۵۷۸، ۱۶۰۵، ۱۶۶۲، ۱۶۶۹، ۱۶۷۱، [ج ۶] ۱۴۳۶، ۱۴۶۵؛ [ج ۷] ۱۵۵۱،
۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۴: ۱۶۸۱ (نیز نک: پل فسا)
[ج ۸] ۱۷۰۰، ۱۷۱۸، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲، فومن؛ [ج ۱] ۱۶۶؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۶] ۱۴۳۷
۱۸۰۴، ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۱۳، ۱۸۱۸، فهرج؛ [ج ۱] ۲۸۹؛ [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲، ۹۶۰؛
۱۸۲۶، ۱۸۳۸، ۱۸۵۲، ۱۸۵۵، ۱۸۵۶، [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹،
۱۸۶۲، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۷۲، ۱۸۸۰، ۱۱۵۴؛ [ج ۶] ۱۴۳۷
۱۸۸۱، ۱۸۸۳، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۹۰۳، فیروزآباد؛ [ج ۲] ۵۳۴؛ [ج ۳] ۶۰۴، ۶۵۸،
۱۹۰۵ — ۱۹۰۸، ۱۹۱۲، ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۷۳۴، ۷۴۷؛ [ج ۴] ۷۸۸، ۷۸۹، ۸۶۶،
۱۹۱۸، ۱۹۲۶، ۱۹۳۰، ۱۹۳۶، ۱۹۴۲، ۸۹۴، ۹۱۳، ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۴۱؛ [ج ۵]
۱۹۵۸، ۱۹۶۱، ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۱۹۶۸، ۹۷۷؛ [ج ۶] ۱۴۷۱، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸؛
۱۹۷۱، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۸۴، ۱۹۸۸، [ج ۸] ۱۸۰۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹،
۱۹۸۹، ۱۹۹۹ — ۲۰۰۱، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۱۹۱۷ — ۱۹۱۹، ۱۹۴۱، ۱۹۴۴، ۱۹۴۵،
۲۰۰۸، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵، ۱۹۶۱، ۲۰۸۰، ۲۰۸۲، ۲۰۸۴
۲۰۱۹، ۲۰۲۹، ۲۰۳۲، ۲۰۴۴، ۲۰۶۲، فیروزکوه؛ [ج ۲] ۳۸۰؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۵]
۲۰۶۶، ۲۰۷۰، ۲۰۷۸، ۲۰۷۹، ۲۰۸۶، ۱۱۷۳، ۱۱۷۶، ۱۱۸۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۸،
۲۰۸۷، ۲۰۹۱، ۲۰۹۲، ۲۰۹۴، ۲۱۰۰، ۱۲۱۵، ۱۲۲۹، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳
۲۱۰۷، ۲۱۰۹، ۲۱۱۰، ۲۱۱۲، ۲۱۳۰، فیلیپین؛ [ج ۵] ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۱۷؛ [ج ۷]
۲۱۳۲، ۲۱۳۳، ۲۱۳۵، ۲۱۳۷—۲۱۳۹، ۱۶۵۲
۲۱۵۴
فین؛ [ج ۴] ۸۷۰

قائن؛ [ج ۷] ۱۶۰۵
قادرآباد؛ [ج ۷] ۱۶۲۳
قادون (درّه) ۱۸۰۶
قاسم آباد؛ [ج ۳] ۷۶۲
قایـنـات؛ [ج ۳] ۶۷۶؛ [ج ٤] ۷۹٤؛ [ج ٥] ۱۰۳۸، ۱۰۷۵، ۱۰۹۶، ۱۱۰۶، ۱۱۵۲، ۱۲۳۳، [ج ٦] ۱۲۹۰، ۱۳٤۰، ۱٤۳۶، ۱٤۳۹؛ [ج ۸] ۱۷۰۰
قجه؛ [ج ۸] ۱۹۸۲
قجه نجف؛ [ج ۸] ۲۰۰۲ (نیز نک: خواجه نجف)
قراجه داغ ــ قرجه داغ ــ قراچه داغ ــ قراداغ ــ قـــره داغ؛ [ج ۱] ۵۱، ۵۲، ۱۲۵، ۲۲۷، ۲۳۵؛ [ج ۳] ٦٤٦، ٦۹٤، ۷۰۱، ۷۳٦، ۷۳۸، ۷٦۷؛ [ج ٤] ۷۷۹—۷۸۱، ۷۸۵، ۸۱۰، ۸۱٤، ۸۲۱، ۸۳۳، ۹۳۸، ۹٤۳، ۹۵۰، ۹۵۵، ۹۵٦؛ [ج ۵] ۱۰۷۰؛ [ج ٦] ۱٤۳۵؛ [ج ۸] ۱۹۱۳، ۱۹۷۵
قراملک ــ قره ملک (روستا)؛ [ج ۲] ٤٦۱، ٤٦۲؛ [ج ۳] ۵۹۳؛ [ج ٦] ۱۲۸۷، ۱۳۳۷
قراولخانه؛ [ج ۳] ٦٦۱؛ [ج ۸] ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
قرنتین؛ [ج ٤] ۹٤۵، ۹۷۱
قره آقاچ ــ قره قاچ؛ [ج ۵] ۹۷۸؛ [ج ۸] ۲۱۲۳، ۲۱٤٤ (نیز نک: پل رودخانه قره آقاچ)
قره باغ؛ [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۹۰٤، ۱۹٤۳
قره تپه؛ [ج ۵] ۱۲۱۵؛ [ج ٦] ۱۲۸۷
قره سو ــ پل قره سو؛ [ج ۷] ۱٦٦۵؛ [ج ۸] ۱۹۷۰، ۲۱۰۵، ۲۱۱٤
قره گچ؛ [ج ٤] ۷۸۸
قزوین؛ [ج ۱] ۱٤٤، ۲۱۸؛ [ج ۲] ٤۰٤، ٤۱۰، ٤۱۷، ٤۲۵، ٤۲٦، ٤۳۳، ٤۵۰، ٤۷٤، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲؛ [ج ۳] ۵٤۱، ۵٤۲، ۵٤٦، ۵٤۷، ۵٤۹، ۵۵۹، ۵٦٤، ۵٦٦، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸٤—۵۸۷، ۵۸۹، ۵۹۵، ۵۹٦، ۵۹۹، ٦۰۲، ٦۰۷، ٦۱۰، ٦۲۰، ٦۲۵، ٦۳۰، ٦۳٦—٦۳۸، ٦٤٦، ٦۵۱، ٦۵٤، ٦۷۸، ٦۹۲، ۷۰٤، ۷۰۵، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۱۸، ۷۳٦، ۷۳۸، ۷٤۸، ۷٤۹، ۷۵۳، ۷۵۵—۷۵۹، ۷٦۱؛ [ج ٤] ۷۷۸، ۸۵۲، ۸۷٦، ۸۸۰، ۸۸۱، ۹۱۵، ۹۳۲، ۹۳٦؛ [ج ۵] ۹۹۰، ۱۰۰۳، ۱۰۰٤ — ۱۰۱۵، ۱۰۳۸، ۱۱٦۹، ۱۱۷۸، ۱۲۰۹، ۱۲۲۹؛ [ج ٦] ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۳۱۰، ۱۳۱۵، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۲۰، ۱۳۲۳ — ۱۳۲۹، ۱۳۳٤، ۱۳۵۲، ۱۳٦۳ — ۱۳٦۵، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۹، ۱۳۹۵، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱٤۰۱، ۱٤۰۹، ۱٤۱۱ — ۱٤۱۳، ۱٤۱۵، ۱٤۲۱، ۱٤۲٦، ۱٤۳٦، ۱٤۳۸، ۱٤۵۱، ۱٤۵۳، ۱٤۵۹؛ [ج ۷] ۱٤۹٤، ۱٤۹۸، ۱۵۰۱، ۱۵۰۸، ۱۵۱۳، ۱۵۱٤، ۱۵۲٤، ۱۵۳۲، ۱۵۳۸، ۱۵٤۷ — ۱۵٤۹، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۹، ۱۵۷۷، ۱۵۹۰، ۱۵۹۳، ۱٦۰۷ — ۱٦۰۹، ۱٦۵۱؛ [ج ۸] ۱٦۹۲ — ۱٦۹٤، ۱٦۹۹، ۱۷۰۲، ۱۷۱۲، ۱۷۱٤، ۱۷٤۰، ۱۷٦۸، ۱۸٤٦، ۱۸۵٦، ۱۸۵۷، ۱۸٦۷، ۱۸۷۱، ۱۸۸۵، ۱۸۸٦، ۱۹۲۲، ۱۹۲۸، ۱۹٤۰، ۱۹٦۲، ۱۹٦۳، ۱۹٦۵، ۱۹۷٦ — ۱۹۷۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۵۰، ۲۰٦۱، ۲۱۰۵، ۲۱۲۰، ۲۱۲۱،

۲۱۵۲، ۲۱۵۳
قسطنطنیه؛ [ج ٦] ۱٤٥۳؛ [ج ۸] ۲۰٤۱، ۲۰٤۲
قصار؛ [ج ۸] ۲۱۲٥
قصر ــ قصرشیرین؛ [ج ۱] ۷٥؛ [ج ۲] ۳٥۳، ۳۸٤، ٥۳۳؛ [ج ۳] ۷۰۲، ۷۳۲؛ [ج ٤] ۷۸٦، ۸۳۲، ۹٦۰، ۹۷۰؛ [ج ٥] ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۱٥٤؛ [ج ٦] ۱۲۹۰؛ [ج ۷] ۱٦۱۸، ۱٦۲۷؛ [ج ۸] ۱۷٦٥، ۲۱۰٦
قصر قجر؛ [ج ۳] ٦۸۲، ٦۸۳، ٦۸۷، ۷۰٦
قطور؛ [ج ۸] ۱۷۱۰
قفقاز (قفقازیه)؛ [ج ۱] ٤۱، ۳۲٦، ۳۲۸؛ [ج ۲] ۳٤۱، ۳٦۱، ٤٦۰، ٥۰۷، ٥۰۸؛ [ج ۳] ٥۷٤، ٥۸۷، ٦٥٤، ۷۰٤، ۷۰۷، ۷٥٤، ۷٥٥؛ [ج ٤] ۷۸۳، ۸۰۲؛ [ج ٥] ۱۰۰۳، ۱۰۷۱؛ [ج ٦] ۱۳۲٦، ۱٤۳۸؛ [ج ۷] ۱٤۹۳، ۱٥۱٥، ۱٥۳۸، ۱٥٤۹؛ [ج ۸] ۱٦۹٦، ۱۷۱۹، ۱۷٤۰، ۱۷۸۹، ۲۰۳۸، ۲۰٦۱
قلادر (قلاور؟)؛ [ج ٤] ۹٦۲
قلعهٔ احمدآباد؛ [ج ۸] ۱۸٥۲، ۱۸٥۳
قلعهٔ افلاک؛ [ج ۱] ۱۷۰
قلعهٔ شعاع السلطنه؛ [ج ۸] ۲۱۲٤، ۲۱۲٦
قلعه مدرسه؛ [ج ۸] ۱۸٥۲
قلعهٔ مشیری؛ [ج ۸] ۲۱۲٤
قلعه نو؛ [ج ۸] ۲۱۲٤
قلهک؛ [ج ٥] ۱۱۳۱
قم؛ [ج ۱] ۷۹، ۱٤۱، ۱٦٦، ۱۷۹، ۱۸٦؛ [ج ۲] ٤۱۰، ٤۳۰، ٤۳۲، ٥۲۳؛ [ج ۳] ٥۷۹، ٥۸۲—٥۸٤، ٥۸٦، ٦۳۱، ٦۳۷، ٦۳۸، ٦٤۰، ٦٤۱، ٦٤٤، ٦٤۸، ٦۷۸، ۷۰٤، ۷۰٥؛ [ج ٤] ۷۹۸، ۸۳۲، ۸۷۱، ۸۷٦، ۸۸۲، ۸۹٥، ۸۹۷، ۹٥۸، ۹٥۹؛ [ج ٥] ۹۸۳، ۱۰۳۹، ۱۰٦٥، ۱۱٥۳، ۱۲۱۸، ۱۲۲۱، ۱۲۳۰؛ [ج ٦] ۱۲٦٦، ۱۲۸۳، ۱۲۸۷، ۱۳۳۸؛ [ج ۷] ۱٥۷۷؛ [ج ۸] ۱۸٥٤، ۱۸۸٦، ۱۸۸۷، ۱۹٤۱، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۲۰۰۸
قمپایه؛ [ج ۳] ٦۷۷
قمشه؛ [ج ۳] ٦۷۷؛ [ج ٤] ۷۹۷، ۸۲۸، ۸۳۲، ۸۳٤، ۸۳٦، ۸۳۷، ۸٤٥، ۸٤٦، ۸۷٤، ۸۹۲، ۸۹٤، ۹۰۸، ۹۳۱؛ [ج ٥] ۱۰۰۹، ۱۰۱۲، ۱۰٦٥، ۱۰۷۲، ۱۰۸۹، ۱۱٥۱، ۱۲٤۱؛ [ج ٦] ۱۳۳۸، ۱٤۳٥، ۱٤٤۳؛ [ج ۷] ۱٦٦۱؛ [ج ۸] ۱۸٥۳، ۱۹٥۳، ۱۹۷۱
قنسولخانه ــ قنسولگری انگلیس؛ [ج ۸] ۲۰٤۹، ۲۰۹۷
قنسولخانه ــ قنسولگری روس؛ [ج ۸] ۱۷۹۲، ۱۸۲٤، ۱۹۰۱، ۱۹٦۲، ۱۹۹۹، ۲۰٤۲، ۲۱۰۳
قنسولخانهٔ عثمانی؛ [ج ۸] ۱۹۲۹
قنسولخانه فارس؛ [ج ۸] ۲۰۸۷
قوچان؛ [ج ۱] ۱۲۹، ۱۳۷؛ [ج ۳] ٥٦۷، ٦۷٦؛ [ج ٤] ۹۰۸؛ [ج ٥] ۹۸۰، ۱۰۱۲؛ [ج ٦] ۱٤۲۰، ۱٤۳٥؛ [ج ۷] ۱٥۱۹؛ [ج ۸] ۱۸٥٦، ۱۸٦۸، ۱۹٤۰
قهرود ؛ [ج ٥] ۱۱٥۳
قهوه‌خانه؛ [ج ۳] ٦٦۲؛ [ج ۸] ۲۱۲۳—۲۱۲٦
قیر (بندر)؛ [ج ٤] ٤۹۲
قیوم؛ [ج ۸] ۱۷۷۸، ۱۹٦٦، ۲۰۸٤

کارلس باد؛ [ج ٥] ۱۱۱۰، ۱۱٤۱
کاروانسرا؛ [ج ۳] ٦٦۲؛ [ج ۸] ۲۱۲٦
کاروانسرای اردکان؛ [ج ۸] ۱۸۸۷

کاروانسرای جعفر جن؛ [ج ۸] ۱۹۶۲
کاروانسرای حکیم باشی؛ [ج ۸] ۲۱۲٤
کاروانسرای خان‌زنیان؛ [ج ۸] ۲۱٤۷
کاروانسرای خواجه ابراهیم؛ [ج ۸] ۱۸۰۵، ۱۹۲۰، ۱۹۲۱
کاروانسرای راهدار؛ [ج ۸] ۱۹۰۹، ۲۱۲٤
کاروانسرای مالمیر؛ [ج ۸] ۱۸۸٦
کاروانسرای میان کتل؛ [ج ۸] ۲۱۲٤
کاروانسرای وکیل‌الدوله؛ [ج ۸] ۱۷۰۵
کازر؛ [ج ۸] ۱۸۵٦
کاریز؛ [ج ۳] ۷٤۵
کازرون؛ [ج ۱] ۲٦۸، ۲۸۲، ۳۰۵؛ [ج ۲] ٤۱٤، ۵۳٤، ۵۳۵؛ [ج ۳] ٦۵۷، ٦٦۱—٦٦۳، ٦۷٦، ۷٤۰، ۷۵۸، ۷٦٤؛ [ج ٤] ۷۸۱، ۷۸۷، ۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۸، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲٤، ۸۳۵، ۸۷۲، ۹۱۳، ۹۳۳، ۹٤۱، ۹٦۱، ۹٦۷، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۷۷—۹۷۹، ۹۸۳، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۱٤، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰٤۰، ۱۰۸۳، ۱۱۱۳، ۱۱۵۰، ۱۲٤۱؛ [ج ٦] ۱۲٦۸، ۱۳۱٦، ۱٤۲۳، ۱٤٤۲؛ [ج ۷] ۱٤۸۷—۱٤۹۲، ۱٤۹۹، ۱۵۰۲—۱۵۰٤، ۱۵۰۸، ۱۵۱۰، ۱۵۱٤، ۱۵۲۱، ۱۵٤۰ — ۱۵٤۳، ۱۵۵۱، ۱۵٦۸، ۱۵۷۷، ۱٦۰٤، ۱٦۰٦، ۱٦۲۲، ۱٦۲٤، ۱٦۳۷، ۱٦٤۲، ۱٦٤۳، ۱٦۵۹، ۱٦۸۱؛ [ج ۸] ۱۷۷۰، ۱۸۰۷، ۱۹۰۹—۱۹۱۱، ۱۹۱۷—۱۹۲۱، ۱۹٤٤، ۱۹۸۳، ۱۹۸٤، ۱۹۸٦، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳، ۲۰٤٦، ۲۰۵۲، ۲۰٦۲، ۲۰٦۳، ۲۰٦٦، ۲۰۷۱، ۲۰۷۳، ۲۰۷۵، ۲۰۸٦، ۲۰۹۳، ۲۱۱۸، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲٤، ۲۱۲۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۷
کاشان؛ [ج ۱] ۳۸، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱٦٦، ۱۷۰؛ [ج ۲] ٤۵۱، ٤۵۳، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۳؛ [ج ۳] ۵۷۲، ۵۸۰—۵۸۲، ۵۸٤، ۵۹۵، ٦۰۱، ٦٤۰، ٦۷۹، ۷٤۵، ۷٦۲؛ [ج ٤] ۸۷۰، ۸۷۲، ۹۳۵، ۹٤٤، ۹٤۷، ۹۵۵، ۹۵۷ — ۹۵۹، ۹٦۷، ۹٦۹؛ [ج ۵] ۱۰۱۰، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۵٦، ۱۰٦۵، ۱۰۷٦، ۱۰۹۸، ۱۱۵۳، ۱۱۹٤، ۱۲۲۵، ۱۲۳۰، ۱۲٤۱، ۱۲٤۳؛ [ج ٦] ۱۲٦٦، ۱۲٦۷، ۱۲۷٤، ۱۲۷۷، ۱۲۹۰، ۱۳۳۸، ۱۳٤۰، ۱٤۳٦؛ [ج ۸] ۱٦۹۹، ۱۸۵٤، ۱۸۵۹، ۱۸٦۰، ۲۰۰۸، ۲۰۵۱، ۲۱۰۵
کاظم‌آباد؛ [ج ٤] ۷۹۵
کافشگر؛ [ج ۲] ٤٦۹
کاما؛ [ج ۱] ۱۲٦
کانگوفری استیت؛ [ج ٦] ۱۳٤۷
کاوان؛ [ج ۱] ۲۹
کبوترخان؛ [ج ۱] ۱۷٤؛ [ج ٤] ۹٤۹، ۹۷۰
کتل دختر؛ [ج ۷] ۱٤۸۷، ۱٤۹۷، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۲۱، ۱۵٤۲، ۱٦۰٤، ۱٦۰۵، ۱٦۲٤؛ [ج ۸] ۲۱۲٤، ۲۱۲٦
کتل کمارج؛ [ج ۳] ٦٦۲؛ [ج ۸] ۲۱۲٤
کتل ملو؛ [ج ۳] ٦٦۱؛ [ج ۷] ۱٦۲۲، ۱٦۷۲؛ [ج ۸] ۲۱۲۵
کتول؛ [ج ۳] ۷۲۹
کرانودسک (کراسنودسک؟)؛ [ج ۷] ۱٦۰۳
کربلاء ــ کربلای معلی؛ [ج ۱] ٤۰، ٤۲، ۵۸، ۱۷۵، ۲٦۷، ۲۸۲؛ [ج ۲] ۳۵۲، ۳۸۱، ٤۱۳، ٤۳۱، ٤٦۸؛ [ج ۳] ۵٤۹، ۵۷٤، ٦۲۱، ۷۱۲، ۷۱۵؛ [ج ٤] ۷۸٦، ۷۹٤، ۸۲۲، ۸۳۰، ۹۵۷؛ [ج ۵] ۱۲۳۵؛

[ج ٦] ۱۳۳۳؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۸۶۲
کـرج؛ [ج ۳] ٥٦٤، ٥٨٩، ٦٣٩، ٦٤١، ٦٨٦، ٧٠٥
کردان؛ [ج ٦] ١٤٣٦
کـردسـتان؛ [ج ۱] ۱۳۳؛ [ج ۳] ٦٧٩؛ [ج ٤] ٧٨٦، ٨٧٢؛ [ج ٥] ١١٥٦، ١٢٠٨، ١٢٣٤؛ [ج ٦] ١٤٣٦؛ [ج ٧] ١٦٦٦؛ [ج ٨] ١٧٠٩، ١٧٣٢، ١٧٩٥—١٧٩٧، ١٨٢٤، ١٩٠٢، ١٩٢٩، ١٩٤١، ١٩٥٣، ١٩٧٢، ١٩٧٣، ١٩٩٩، ٢١٥١
کرگانرود؛ [ج ۸] ۱۷۲۳
کـرمـان؛ [ج ۱] ٤٤، ٦٧، ٧٥، ٨٣، ٩٥، ١١١، ١١٢، ١٢٨، ١٣٢، ١٣٨، ١٤٤، ١٥٨، ١٦٧، ١٧٠، ١٧٣، ١٧٤، ١٨٠، ١٨٧، ١٩٠، ٢١٨، ٢١٩، ٢٨١، ٢٨٢، ٣٠٥، ٣٢٢؛ [ج ۲] ٣٨٣، ٣٨٤، ٤١٣، ٤٣٠، ٤٧٠، ٤٧١، ٤٧٨، ٥٣١، ٥٣٢؛ [ج ۳] ٥٩٦، ٦٠٢، ٦٤٩، ٦٥٧، ٦٧٧، ٧١٠، ٧١٧، ٧٢١، ٧٣١، ٧٤١، ٧٤٥، ٧٤٦، ٧٥٨، ٧٦٣؛ [ج ٤] ٧٨٢، ٧٨٧، ٧٩٨، ٧٩٩، ٨١٢، ٨٢٣، ٨٢٤، ٨٣٤، ٨٣٥، ٨٤٦، ٨٥٧، ٨٧١، ٨٧٢، ٨٩٣، ٩٠٩، ٩١٢، ٩٣١، ٩٣٢، ٩٤٠، ٩٤١، ٩٤٥، ٩٤٩، ٩٥٩، ٩٦٠، ٩٧٠، ٩٧١؛ [ج ٥] ٩٨٢، ٩٩٤، ٩٩٥، ٩٩٩، ١٠١٣، ١٠١٤، ١٠٣٩، ١٠٥٧، ١٠٦٥، ١٠٧٦، ١٠٧٩، ١٠٩٥، ١٠٩٨، ١٠٩٩، ١١٠٧، ١١٥٤، ١١٥٥، ١٢٠٧، ١٢٠٩—١٢١١، ١٢١٦، ١٢٣١، ١٢٤١؛ [ج ٦] ١٢٦٠، ١٢٦١، ١٢٦٨، ١٢٨٣—١٢٨٦، ١٢٩٠، ١٢٩٥، ١٣٣٤، ١٣٣٥، ١٣٣٨، ١٣٤٠، ١٣٤١، ١٤٣٠، ١٤٣٧، ١٤٤٩، ١٤٥٠؛ [ج ۷] ١٥٤٠، ١٦٠٤، ١٦٠٥، ١٦٥٨، ١٦٧٢، ١٦٧٧، ١٦٨٢، ١٦٨٣؛ [ج ۸] ١٦٩٢، ١٦٩٣، ١٧٠٠، ١٧٠١، ١٧٠٣، ١٧٣٠، ١٧٣١، ١٧٣٣، ١٧٣٤، ١٧٤٦، ١٧٤٨، ١٧٥٣—١٧٥٦، ١٧٦١، ١٧٦٩، ١٧٧٥، ١٧٧٦، ١٧٧٨، ١٧٧٩، ١٧٨٩، ١٨١٦، ١٨٢٠، ١٨٢٦ — ١٨٢٨، ١٨٣٠، ١٨٣٢، ١٨٦٢، ١٨٦٦، ١٨٨٥، ١٨٨٧، ١٨٩٦، ١٩٠٤، ١٩٤١، ١٩٤٩، ١٩٧١، ١٩٧٢، ٢٠٠٨، ٢١٠٦، ٢١٤٩
کرمانشاه ــ کرمانشاهان؛ [ج ۱] ٣٦، ٣٩، ٤٨، ٤٩، ٥٦، ٦٧، ٧٣، ٧٩، ٨٤، ٩٥، ٩٧، ٩٨، ١٠٨، ١٢٥، ١٧٣، ١٧٤، ١٧٩، ١٨٨، ٢١٨، ٢٢١، ٢٦٩؛ [ج ۲] ٣٥٣، ٣٦٧، ٣٨٤، ٤٠٠، ٤٠٩، ٤١٠، ٤٣٠، ٤٣١، ٤٤٦، ٤٦٨، ٤٧٠، ٥٣٣؛ [ج ۳] ٥٦٧، ٦٠٢، ٦٥٠، ٦٥٨، ٦٧٩، ٧١١، ٧١٢، ٧٣١، ٧٣٢، ٧٤٦، ٧٦٣؛ [ج ٤] ٧٨٢، ٧٨٦، ٧٩٢، ٧٩٨، ٨١٢، ٨٢٣، ٨٣٤، ٨٤٦، ٨٥٧، ٨٦٣، ٨٧٢، ٨٧٦، ٨٨١—٨٨٣، ٨٨٥، ٨٨٦، ٨٨٩، ٨٩٥، ٩٠١، ٩٠٢؛ ٩١٠، ٩١١، ٩٣١، ٩٣٢، ٩٤٠، ٩٥٧، ٩٥٩، ٩٦٠، ٩٦٦، ٩٧٠، ٩٧١؛ [ج ٥] ٩٨١، ٩٨٢، ١٠١٣، ١٠١٧، ١٠١٨، ١٠٣٩، ١٠٥٧، ١٠٥٩، ١٠٧٦، ١٠٧٧، ١٠٩٩، ١١٢١، ١١٢٩، ١١٣٠، ١١٣٩، ١١٤٤، ١١٤٥، ١١٥٤، ١١٥٩، ١١٧٣، ١١٨٥، ١١٩٢، ١١٩٣، ١٢٠٢، ١٢٠٣، ١٢٠٨، ١٢١٠، ١٢١٨، ١٢٣١، ١٢٣٣، ١٢٣٤؛ [ج ٦] ١٢٩٠، ١٣٢٦، ١٣٣٣، ١٣٣٥، ١٣٤٠، ١٣٤١، ١٣٩٩، ١٤١٦، ١٤١٧، ١٤٣٠، ١٤٣٧، ١٤٥٠،

۱٤٥٦؛ [ج ۷] ۱۵۳۱، ۱۵٤۰، ۱۵۷۱، ۱۱۵۰، ۱۲٤۱؛ [ج ٦] ۱۲۸۲، ۱۲۹۵؛ [ج ۷] ۱٦۲٤، ۱٦۸۱؛ [ج ۸] ۱۹۰۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۳، ۱۵۹۷، ۱٦۰۵، ۱٦۰۸، ۱٦۲۸، ۱٦۳۳، ۱٦٤٤، ۱٦٤۵، ۱٦۵۳، ۱۹۰۹، ۱۹۱۱، ۱۹۱۸—۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱٦۵۸، ۱٦٦۲، ۱٦٦۵—۱٦٦۸؛ [ج ۸] ۱۹٤٤، ۱۹٦۲، ۲۰٦۳، ۲۰۸۵، ۲۰۸٦، ۱٦۹٤—۱٦۹۷، ۱۷۰۰، ۱۷۰۲—۱۷۰۷، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲٤، ۲۱۲٦، ۲۱۲۹
۱۷۰۹، ۱۷۱۱—۱۷۱۳، ۱۷۲۲، ۱۷۳۲، کمال آباد: [ج ۳] ۷۳۱؛ [ج ۵] ۹۸۲
۱۷٤۱، ۱۷٤۳، ۱۷٤۹، ۱۷۵۰، کمان کشی: [ج ۸] ۲۱۲٤، ۲۱۲۵
۱۷٦۱—۱۷٦٦، ۱۷٦۹، ۱۷۸۲—۱۷۸۵، کمره: [ج ۲] ۳۵۳؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ٦] ۱٤۳۷: [ج ۸] ۱۷۰۹، ۱۸۸۵، ۲۰۸۲
۱۷۹۲—۱۷۹۸، ۱۸۱٦، ۱۸۱۷، ۱۸٤۳، کمیش تپه نک: گمش تپه
۱۸٤۷، ۱۸٤۹، ۱۸۵٤، ۱۸۵۵، ۱۸٦۸، کنار تخت، کنار تخته: [ج ۱] ۱٦۷، ۲۸۲: [ج ۳] ۶۰٤، ۶۵۷، ٦٦۲، ۷۳٤، ۷٦٤: [ج ٤] ۸۰۸، ۸۲٤؛ [ج ٦] ۱۳۳۹؛ [ج ۷] ۱۵۷۷، ۱٦۲۳، ۱٦۲٤، ۱٦٦۹—۱٦۷۲، ۱٦۷۷؛ [ج ۸] ۱۸۰۵، ۱۹۱۸، ۱۹۲۰، ۱۸۸۵، ۱۸۸۸، ۱۹۰۱، ۱۹۱۲، ۱۹۱۳، ۱۹٤٤، ۲۰۸٦، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲
۱۹۲۳، ۱۹۲۹، ۱۹٤۲، ۱۹٤۷، ۱۹۵۲، کندوله: [ج ۸] ۱۷۰٦
۱۹۵۳، ۱۹۵۵، ۱۹۵۸، ۱۹۷۲—۱۹۷٤، کنگاور: [ج ۳] ۶۷۹، ۸۲۳؛ [ج ٤] ۹٤۰؛ [ج ۸] ۱۷۰٤، ۱۷۰۹، ۱۷۹۷، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۷٤
۱۹۹٤—۱۹۹۷، ۱۹۹۹، ۲۰۰۹، ۲۰۵۰، کوار: [ج ۸] ۱۷۵۸، ۲۰۸۱
۲۰٦۱، ۲۰٦۲، ۲۰۸۹، ۲۱۰٦، ۲۱۱۲، کوبا: [ج ۵] ۱۰۰۲
۲۱۱۳، ۲۱۵۰ کولی کش: [ج ۵] ۱۰۳۹
کرند ــ کرنده: [ج ۲] ۵۲۲؛ [ج ٤] کوند: [ج ۳] ۵۵۹
۹۰۱—۹۰٤، ۹٦۰ کوه سیاه: [ج ۸] ۱۹۲۰
کروشول: [ج ۷] ۱٦۲۳، ۱٦۲٤ کهگیلویه: [ج ۲] ۴۸۰؛ [ج ۸] ۱۷۷۲، ۱۷۷۹، ۱۸۰۲، ۱۸۰٦، ۱۸۱۹—۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۱۸٦۲، ۱۸٦۵، ۱۸۸٦، ۱۸۸۸، ۱۸۹۱، ۱۸۹٦، ۱۹۰۸، ۱۹۲۷، ۱۹٦۹، ۱۹۹۰—۱۹۹۲، ۲۰۵۱، ۲۰۵۹، ۲۱۰۵، ۲۱۰۷، ۲۱۵۱
کریم آباد: [ج ٤] ۹۳۲
کریمه: [ج ۳] ٦۷۲
کزاز: [ج ۳] ۷۳۰، ۷٦۲
کسماء: [ج ۱] ۱٦۵
کشید (کشیت): [ج ٤] ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۹۵
کل انجیره: [ج ۵] ۱۰۱٤
کلات: [ج ٤] ۹۷۱؛ [ج ٦] ۱٤۳۵
کلانتر محله: [ج ۳] ٦۰۰
کلکته: [ج ۸] ۲۰۹٤
کلوبی: [ج ۸] ۲۱۲٦
کمارج: [ج ۱] ۲٦۸، ۲۸۲؛ [ج ۳] ٦۵۷؛ [ج ٤] ۸۰۸؛ [ج ۵] ۹۷۸، ۱۰۱۹، ۱۰٤۲، ۱۰۵٤، ۱۰۷۲، ۱۰۸۹، ۱۱۱۳، ۱۱۱۷،

گالش؛ [ج ۵] ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۰۶
گاوپیسه ــ گاوپیشه؛ [ج ۶] ۱۴۴۳؛ [ج ۸] ۱۸۵۲
گدار جگند ــ پل گدار؛ [ج ۵] ۱۲۳۰؛ [ج ۸] ۱۸۱۹، ۱۸۵۲
گدار سرخ؛ [ج ۵] ۱۰۷۹؛ [ج ۶] ۱۲۸۵
گردنهٔ آرچینی؛ [ج ۸] ۱۸۵۳
گردنهٔ امامزاده اسماعیل؛ [ج ۷] ۱۶۲۳
گردنهٔ پیرزن؛ [ج ۷] ۱۵۴۲
گردنهٔ سینه سفید؛ [ج ۸] ۲۰۴۵، ۲۱۴۴
گرده چاه ــ گردی چاه؛ [ج ۴] ۸۹۲، ۹۳۸
گرگان؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
گرگانرود؛ [ج ۲] ۳۵۲؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۶] ۱۴۳۷
گروس؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۵] ۱۲۳۵؛ [ج ۶] ۱۴۳۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۹، ۱۸۵۵
گلپایگان؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۶] ۱۲۸۳، ۱۴۳۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۹، ۱۸۵۵
گله دار؛ [ج ۳] ۶۷۶، ۶۷۹
گمش تپه ــ گموش تپه ــ گومیش تپه ــ کومش تپه ــ کمش تپه؛ [ج ۳] ۷۲۹؛ [ج ۴] ۸۷۵؛ [ج ۵] ۱۱۲۲، ۱۱۲۴، ۱۱۵۷، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۹، ۱۲۲۲؛ [ج ۶] ۱۲۸۱، ۱۲۸۷، ۱۳۳۳، ۱۳۳۷؛ [ج ۷] ۱۵۳۱
گناباد (گون آباد)؛ [ج ۴] ۹۶۸؛ [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۹۷
گنبد قابوس؛ [ج ۲] ۳۸۴؛ [ج ۶] ۱۳۳۴
گندم کار؛ [ج ۴] ۹۶۹. [ج ۸] ۲۰۵۷، ۲۰۵۸
گندیاباد؛ [ج ۸] ۱۸۵۴
گواتر؛ [ج ۱] ۱۵۹
گود نرم؛ [ج ۷] ۱۶۲۴
گوران؛ [ج ۱] ۱۷۵
گوشه؛ [ج ۵] ۱۰۱۳
گوهرشاد ــ گوهرشاه (مسجد)؛ [ج ۸] ۱۸۱۵
گیلان ــ گیلانات؛ [ج ۱] ۳۷، ۴۳، ۱۱۰، ۱۵۷، ۳۰۵؛ [ج ۲] ۳۹۵، ۴۲۱، ۴۵۹؛ [ج ۳] ۵۷۷، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰۷، ۶۷۹، ۷۲۸، ۷۲۹؛ [ج ۴] ۷۷۸، ۸۳۳، ۸۵۵؛ [ج ۵] ۱۰۳۷، ۱۰۵۶، ۱۰۷۴، ۱۰۹۶، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۲۰۶، ۱۲۲۹؛ [ج ۶] ۱۲۸۹، ۱۳۳۷، ۱۴۳۰، ۱۴۳۷، ۱۴۴۸؛ [ج ۷] ۱۵۳۷، ۱۶۰۳، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷؛ [ج ۸] ۱۷۴۰، ۱۷۴۳، ۱۷۵۷، ۱۷۶۶، ۱۷۶۸، ۱۸۲۴، ۱۹۷۰، ۱۹۷۵، ۲۱۵۲
لار ــ لارستان؛ [ج ۱] ۱۶۷؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۷۱، ۵۴۳؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۶۰۳—۶۰۵، ۶۵۱، ۶۷۶، ۷۳۳؛ [ج ۴] ۹۴۵، ۹۶۱؛ [ج ۵] ۱۱۵۵؛ [ج ۶] ۱۴۳۶، ۱۴۵۰؛ [ج ۷] ۱۶۰۶، ۱۶۷۸
لاریجان؛ [ج ۴] ۹۳۷
لاله زار (بافت)؛ [ج ۸] ۱۸۲۹
لاله زار (خیابان)؛ [ج ۵] ۱۲۴۷
لاهیجان؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۶] ۱۴۳۷
لرستان؛ [ج ۱] ۱۷۵؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۴] ۸۱۲، ۸۸۵، ۹۳۶؛ [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۰۷۰، ۱۱۵۴، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۲۰۹، ۱۲۳۲، ۱۲۳۴؛ [ج ۶] ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۴۳۵، ۱۴۴۲، ۱۴۵۰؛ [ج ۷] ۱۵۶۲؛ [ج ۸]

۱۷۰۹، ۱۷۸۲، ۱۷۸۵، ۱۸۱۷، ۱۸۴۳، ۱۹۷۲
لقم گیر؛ [ج ۸] ۱۸۵۲
لنج (راه)؛ [ج ۵] ۱۰۷۹
لـنـدن؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۴، ۴۰۹، ۴۷۶، ۵۳۸؛ [ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۶، ۵۸۷، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۶، ۶۲۳، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۴۱، ۶۶۴، ۶۹۲، ۶۹۴، ۷۱۷، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۴۴، ۷۴۸؛ [ج ۴] ۸۴۸، ۹۰۰؛ [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۶۷—۱۰۷۰، ۱۰۷۹، ۱۱۶۱، ۱۱۷۷، ۱۱۷۹، ۱۱۸۵، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰؛ [ج ۶] ۱۲۵۹—۱۲۶۱، ۱۲۷۵، ۱۳۱۷، ۱۳۲۴، ۱۳۲۷، ۱۳۳۰، ۱۳۴۸، ۱۴۱۱؛ [ج ۷] ۱۵۳۶، ۱۵۴۹، ۱۶۲۲؛ [ج ۸] ۱۷۰۷، ۱۷۷۹، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۹۳۴، ۱۹۶۴، ۲۰۱۲، ۲۰۲۸، ۲۰۳۵، ۲۰۶۹، ۲۰۹۲، ۲۰۹۴، ۲۱۴۰
لنگرود؛ [ج ۲] ۴۱۳
لنگه؛ [ج ۱] ۱۱۲، ۱۶۷؛ [ج ۳] ۶۰۵، ۶۵۱، ۶۷۷، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۴؛ [ج ۴] ۷۸۹، ۹۳۳، ۹۵۵، ۹۶۲؛ [ج ۵] ۱۰۶۹؛ [ج ۷] ۱۶۰۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۵۱، ۱۶۶۴، ۱۶۷۸، ۱۶۹۱، ۱۷۰۱، ۱۷۲۴ (نیز نک: بندر لنگه)
لیراوی؛ [ج ۸] ۲۱۵۱

مادرشاه؛ [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۹۸
مارسن باد؛ [ج ۵] ۱۰۸۵
مـازنـدران؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۳] ۵۷۷، ۵۹۵، ۶۳۶، ۶۸۰؛ [ج ۴] ۹۳۶، ۹۵۵؛ [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۵۶، ۱۰۷۴، ۱۱۴۲، ۱۱۵۳، ۱۱۶۷، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۰۸، ۱۲۱۴، ۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۷، ۱۲۸۹، ۱۳۳۷، ۱۴۳۰، ۱۴۳۷، ۱۴۴۸؛ [ج ۷] ۱۵۳۷، ۱۵۹۲، ۱۵۹۵، ۱۶۰۳، ۱۶۵۲، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷؛ [ج ۸] ۱۷۳۰، ۱۷۴۰، ۱۷۴۳، ۱۷۶۸، ۱۷۷۲، ۱۸۲۴، ۱۸۶۷، ۱۹۶۵، ۱۹۷۰، ۱۹۷۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۶، ۲۰۸۹، ۲۱۰۴
ماسیرم؛ [ج ۷] ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
ماشک؛ [ج ۱] ۱۶۷
مـاکـو؛ [ج ۱] ۵۳، ۱۲۵، ۲۷۸، ۲۸۱، ۳۰۳، ۳۲۳، ۳۲۴؛ [ج ۲] ۳۸۹؛ [ج ۳] ۶۶۳، ۶۷۵
مال امیر؛ [ج ۶] ۱۴۴۳
مالامین (مال امین ــ مال امیر؟)؛ [ج ۱] ۲۹
مالوم؛ [ج ۱] ۱۷۴
ماماتن؛ [ج ۱] ۱۳۹
مـاهـی دشـت؛ [ج ۴] ۸۸۵، ۹۱۰؛ [ج ۵] ۱۱۵۵؛ [ج ۷] ۱۶۶۵، ۱۶۶۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۴، ۱۹۹۸
مجامبار؛ [ج ۲] ۳۵۱
محمدآباد؛ [ج ۵] ۱۰۹۷
مـحـمـره؛ [ج ۱] ۱۶۹، ۲۸۲؛ [ج ۲] ۴۷۲؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۶۷۸، ۷۶۵؛ [ج ۴] ۷۹۹، ۹۴۲؛ [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۶؛ [ج ۶] ۱۴۳۶، ۱۴۵۰، ۱۴۷۳؛ [ج ۷] ۱۵۲۰، ۱۵۲۶، ۱۵۴۰؛ [ج ۸] ۱۷۲۶، ۱۷۴۹، ۱۷۶۲، ۱۷۶۶، ۱۷۷۰، ۱۷۷۸، ۱۸۴۰، ۱۸۸۳، ۱۸۸۹، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰، ۱۹۵۴، ۱۹۶۹، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶، ۱۹۸۹، ۲۰۰۵، ۲۰۳۰، ۲۰۴۸، ۲۱۰۷،

۲۱۳۹، ۲۱۵۱
محلات: [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ٦] ۱۴۳۷
محنی (محسنی؟): [ج ٤] ۹۱۲
مراغه: [ج ۲] ۳۵۱، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸٦، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ٤۰٤، ٤۰۹، ٤۱۹، ٤۲۳، ٤۳۳، ٤٦۱، ٤٦۲؛ [ج ۳] ٦۷۵، ۷۰۸، ۷٤۹، ۷٦۰؛ [ج ٤] ۹۰۷؛ [ج ۵] ۱۰۹٦، ۱۱۹۰، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳؛ [ج ٦] ۱۳۳۷، ۱٤۳۵؛ [ج ۷] ۱٦۳۲؛ [ج ۸] ۱۷۱۹
مردآباد: [ج ۸] ۱۷۰۷
مرغاب: [ج ۵] ۱۰۱٤، ۱۰۱٦؛ [ج ۷] ۱٦۲٤؛ [ج ۸] ۱۹٤٤، ۲۰۸۳
مرنج: [ج ٤] ۹٦۲
مرند: [ج ۱] ۳۲٤؛ [ج ۲] ۳۸۸—۳۹۰، ٤۱۸، ٤۲٤، ٤۳۳، ٤٦۲، ٤٦٤: [ج ۳] ٦۷۵، ۷۲۱: [ج ۷] ۱٦۰۲
مرواری: [ج ٤] ۹٦۹
مرودشت: [ج ۵] ۱۰۰۰؛ [ج ۷] ۱۵٤۳
مروس — مروست: [ج ۸] ۲۱۰۵، ۲۱۵۰
مریوان: [ج ۳] ٦۷۹
مزینان: [ج ۱] ۱۲۳
مسجدشاه: [ج ۲] ٤۰٦
مسقط: [ج ۸] ۱۷۵٤، ۱۷۵۵
مسکون: [ج ۵] ۱۰۱٤
مسیله: [ج ۸] ۲۱۲۳
مشرق‌زمین: [ج ۸] ۲۱۳٦
مشکین: [ج ۳] ٦۷۵
مشهد: [ج ۱] ۳۳، ۳٤، ٦٦، ۸۳، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲٤، ۱۲٦، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱٤٤، ۱٦٦، ۱٦۷، ۱۷۹، ۱۸٦، ۲٤۸، ۲٦٦، ۲۸۹، ۳۲۲؛ [ج ۲] ۳٤۲، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۸۱، ۳۹۵، ٤۱۳، ٤۲٤، ٤۳۰، ٤٤۸، ٤۵۰، ٤٦۷—٤٦۹، ٤۷۸، ۵۱۳، ۵۳۰، ۵۳۱: [ج ۳] ۵٦٦، ۵٦۷، ۵۷٦—۵۸۰، ۵۸۳، ۵۹٦، ٦۰۰، ٦۰۱، ٦٤۱، ٦٤٦، ٦٤۷، ٦۷٦، ۷۲٦، ۷٤٤، ۷٦۱؛ [ج ٤] ۷۹۲، ۷۹٤ — ۷۹٦، ۸۱۱، ۸۲۲، ۸۳۳، ۸۵٦، ۸۷۰، ۸۷٦، ۸۸۱، ۸۹۱، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۳۰، ۹۳۸، ۹۵٦، ۹۵۹، ۹٦۸، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۳۸، ۱۰۵٦، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۱٤۲، ۱۱۵۲، ۱۱۵٤، ۱۱۵۸، ۱۱٦۷، ۱۱۷٦، ۱۱۹٤، ۱۲۰۲، ۱۲۰٦، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳؛ [ج ٦] ۱۲۷۸، ۱۲۸۱، ۱۲۸۹، ۱۳۳۳، ۱۳۳٤، ۱۳۳۷، ۱٤۲۰، ۱٤۲۲، ۱٤۳۵، ۱٤٤۵، ۱٤٤۸: [ج ۷] ۱۵۱۹، ۱۵۳۸، ۱۵۵۳، ۱۵۸۱، ۱۵۸۵، ۱۵۹۱، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱٦۰۳، ۱٦۱٤، ۱٦۱٦—۱٦۱۸، ۱٦۲۷، ۱٦۳۳، ۱٦۵۳، ۱٦۵۷، ۱٦٦۱، ۱٦۷۵؛ [ج ۸] ۱٦۹٦، ۱۷۳۰، ۱۷۷۲، ۱۸۱۵، ۱۸۵٦، ۱۸٦۸، ۱۸۷۹، ۱۸۸۲، ۱۸۸٦، ۱۹٤۰، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱، ۲۰۰۷، ۲۰۳۲، ۲۰۵۰، ۲۰٦۱، ۲۱۰٤، ۲۱۰۵، ۲۱۵۲
مشهد سر: [ج ۳] ٦۸۰؛ [ج ۵] ۱۰۱۲؛ [ج ٦] ۱۲۸۸؛ [ج ۷] ۱۵۹۲، ۱٦۵۷
مصر: [ج ۲] ۳٦۲
معیار (مهیار؟): [ج ۵] ۱۲٤۰
مغان: [ج ۳] ۷٦۷؛ [ج ٤] ۷۸۵؛ [ج ۸] ۱۸٤۷
مکران: [ج ۵] ۱۱۵٤؛ [ج ۷] ۱۵٦۱
موگام (مقام): [ج ۳] ۷۱٦
ملایر: [ج ۲] ٤۰۷؛ [ج ۳] ٦۸۰؛ [ج ۵] ۱۲۱۰؛ [ج ٦] ۱۲۸۷، ۱۳۳۹، ۱٤۳۷؛ [ج ۷] ۱٦۸۱؛ [ج ۸] ۱۷۰۹

مل خرنه ــ مل خرّه؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
ملک سیاه (کوه)؛ [ج ٤] ۸۷٦، ۸۹۲، ۹۳۸؛ [ج ٥] ۱۰۷٥، ۱۰۹٦، ۱۱٥۳؛ [ج ۸] ۲۱۰٦
ممالک متحده؛ [ج ٥] ۹۸٦، ۱۰۰۲، ۱۰۰۹ (نیز نک: امریکا)
ممسنی؛ [ج ٥] ۹۷۸، ۹۹۹؛ [ج ۸] ۲۰٤٦، ۲۰٦٤، ۲۰٦٦
منجیل؛ [ج ۲] ٤۲۱، ٤٦۱، ٤۷٤؛ [ج ۳] ٦٦٤، ۷۲۸
منچستر؛ [ج ۳] ٦٥۷، ٦٦۰؛ [ج ٥] ۱۰۱٦، ۱۰٦٤، ۱۰٦٥، ۱۱۷۲؛ [ج ٦] ۱۲٥۳، ۱٤٥٥، ۱٤۷۳؛ [ج ۷] ۱٦۷۷؛ [ج ۸] ۱۷۰٥
مورچه‌خوار ــ مورچه خورد؛ [ج ۲] ۳۹۲، ٤٥۱؛ [ج ۳] ۷۳۰
موصل؛ [ج ۱] ۸۰
میامه ــ میامی ــ مینمه؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۳] ٦۰۰؛ [ج ۸] ۲۰۳۲، ۲۱۰٥
میانج ــ میانه؛ [ج ۳] ٦۷٥، ۷۰۱؛ [ج ٤] ۹۳۸؛ [ج ٥] ۱۱۰٤، ۱۱٥۲؛ [ج ۷] ۱٥٦۷، ۱٦۱۰، ۱٦٥۲، ۱٦٥۳؛ [ج ۸] ۱۸۷۱، ۱۹۲۲
میان دشت؛ [ج ۱] ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲٦، ۲۸۹؛ [ج ۳] ٥٦۷؛ [ج ۸] ۲۱۰٥
میاندوآب؛ [ج ۳] ٦۷٥؛ [ج ٥] ۱۰۹٦
میان کانجی (میان کنگی؟)؛ [ج ٥] ۱۰۹٦
میان کتل؛ [ج ٤] ۹۱۳؛ [ج ۷] ۱٤۸۸، ۱٥٤۲، ۱٦۲۲؛ [ج ۸] ۱۸۰۷، ۱۹۱۰، ۱۹٦۸، ۲۰۰۹، ۲۰۲٦، ۲۱۲٤، ۲۱۲٦
میدان توپخانه؛ [ج ۳] ٦۱٦، ٦۷۸، ۷۰٦، ۷۲۰ (نیز نک: توپخانه)
میدان شاه (اصفهان)؛ [ج ٥] ۱۰۷٦
میرآباد؛ [ج ٤] ۹۳۸
میربند؛ [ج ۳] ٦٤۹
میزهیدان؛ [ج ۱] ۱۲۳
میسیکین (مشکین؟)؛ [ج ٥] ۱۰۹٦
میشون؛ [ج ۸] ۱۷٥۸
میناب؛ [ج ۳] ٦۰٥؛ [ج ٤] ۹۷۱؛ [ج ٥] ۱۱۰۰
نائین؛ [ج ۱] ۱٦٦، ۱۷۰، ۱۸۷، ۲٦۷؛ [ج ۲] ۳۸۳، ٤۷۱، ٥۳۱؛ [ج ۳] ٦٤۹، ٦۸۰؛ [ج ٤] ۷۹۸، ۸۷۱، ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۳۱، ۹۳۹، ۹٥۹، ۹٦۹؛ [ج ٥] ۹۸۰، ۱۰۱۳، ۱۰۳۹، ۱۱٥٤؛ [ج ٤] ۱٤۳۷؛ [ج ۸] ۱۸٥٤، ۲۰۰۸
نار؛ [ج ٥] ۱۱٥۳
ناردین؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۸] ۲۱٤۰
نارنج باغ؛ [ج ٥] ۱۰۷٤
ناصری (بندر)؛ [ج ۳] ٦۷۸؛ [ج ٤] ۹٤۲، ۹٥۷
ناصریه؛ [ج ۳] ۷۳۱
ناندان؛ [ج ۷] ۱٦۸۱
نجف ــ نجف اشرف؛ [ج ۱] ۱۸۸، ۲٦٦، ۲٦۷، ۲۸۲، ۲۸۹، ۳۲۱؛ [ج ۲] ۳۷۷، ۳۹٥؛ ٤۳۱، ٤۳٦، ٤٦٥، ٤۷۸، ٥۳٤؛ [ج ۳] ٥٤٤، ٥٤۸، ٥٤۹، ٥۷٤، ٦۱۱، ٦٥۰، ۷۱٦، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷٤۷؛ [ج ٤] ۷۹٤، ۸۳۰، ۸۹۰، ۹۲٥، ۹٦٦؛ [ج ٥] ۹۸۰، ۱۰٥٥؛ [ج ٦] ۱۳۳۷، ۱٤۲٦؛ [ج ۷] ۱٥۲۰؛ [ج ۸] ۱٦۹۲، ۱۸۲٥، ۱۸٦۲
نجف آباد؛ [ج ۳] ٦۷۷، ؛ [ج ٦] ۱٤۳٥؛ [ج ۸] ۱۸٥٤، ۱۹۹۰

نخیله: [ج ٤] ٩٦٢
نران (ناران)؛ [ج ٥] ١٠٨٥
نرماشیر ــ نرمشیر ــ نرماشی؛ [ج ٣] ٦٤٩، ٦٧٧، ٧٤٦؛ [ج ٤] ٧٨٢، ٧٨٧، ٧٩٩، ٩٣٢، ٩٤٥، ٩٥٥، ٩٦٠، ٩٦٨؛ [ج ٥] ١٢٠٩؛ [ج ٨] ١٨٢٧، ١٨٢٨
نزقور: [ج ٤] ٩٦٢
نصرت‌آباد: [ج ١] ١٦٧، ١٧٠؛ [ج ٣] ٦٧٦
نطنز: [ج ٣] ٦٧٩؛ [ج ٤] ٩١٠؛ [ج ٥] ١٠٣٩، ١١٥٣، ١٢٣٠؛ [ج ٨] ١٦٩٩، ١٨٥٤
نظام‌آباد: [ج ١] ٧٤، ٨١
نعمت‌آباد: [ج ٨] ١٨٢٤، ١٨٣٩، ١٨٤١، ١٨٥٨
نعیم‌آباد: [ج ٤] ٩١٢
نمازگاه: [ج ٨] ٢١٢٧
نوبران: [ج ٥] ١٢٢١، ١٢٣٥؛ [ج ٦] ١٢٨٧
نودان: [ج ٨] ١٨٠٧، ١٩١٠، ١٩١١
نوگنبد ــ نه گنبد: [ج ١] ١٦٦؛ [ج ٤] ٧٨٦، ٩٦٩؛ [ج ٨] ١٨٥٤
نور: [ج ٣] ٦٨٠
نه: [ج ٥] ١٠٣٨
نهاوند: [ج ٣] ٦٨٠؛ [ج ٦] ١٣٣٩
نیاوران: [ج ١] ٢٥٣
نی‌بند: [ج ٨] ١٩٤٢
نیریز: [ج ٣] ٥٦٨
نیس: [ج ٥] ٩٨٥
نیشابور: [ج ٣] ٥٣٠، ٥٦٧، ٦٠٠، ٦٧٦؛ [ج ٤] ٧٩٣—٧٩٦، ٨٠٣، ٨٣٠، ٨٥٥؛ [ج ٥] ١٠٣٨؛ [ج ٦] ١٣٣٨، ١٤٣٥، ١٤٤٨؛ [ج ٧] ١٥٣٨
نیومارک: [ج ٥] ١٠٠٥
نیویورک؛ [ج ٥] ١٠٠٥، ١٠١٧
واشینگتن؛ [ج ٥] ٩٨٦، ١٠٠٢، ١٠٠٤، ١٠١٧، ١١١٢
ورامین؛ [ج ١] ١٤٢، ١٤٣، ١٦٩؛ [ج ٤] ٩٥٠؛ [ج ٦] ١٢٨٦؛ [ج ٨] ١٩٧٧
وراوی؛ [ج ٤] ٩٦٢
ورنگان؛ [ج ٤] ٩٣٢
وست منسترابی؛ [ج ٣] ٦٤١
ویرنجان (= ورنگان؟)؛ [ج ٨] ١٨٧٤
ویس؛ [ج ٨] ٢٠٤٩
وین؛ [ج ٦] ١٣٢٣
وینه؛ [ج ١] ١٤١؛ [ج ٣] ٦١٩، ٦٣٣، ٦٣٥؛ [ج ٥] ٩٨٥، ٩٩٦، ١١٠٦، ١١٠٧، ١١١٠، ١١٤١، ١١٩٦، ١٢٠٠؛ [ج ٨] ١٨٤١
هارون‌آباد: [ج ٤] ٩١٠؛ [ج ٨] ١٧٦٤
هامون؛ [ج ٥] ١٠٩٦
هرسین؛ [ج ٤] ٩٤٠
هرمز (جزیره)؛ [ج ٨] ١٩٣٨
هفت برمخودیان؛ [ج ٣] ٨٠٨
هفت لنگ؛ [ج ٥] ١٠٩٨، ١١٥٣
هفت ملا: [ج ٧] ١٦٢٣
هلند: [ج ١] ١٤٥، ١٤٦، ١٦٥؛ [ج ٨] ١٧٩٢، ١٨٣٨، ١٨٤٠، ١٨٤٢، ١٨٤٥، ١٨٤٩، ١٨٥٠، ١٨٥٥، ١٨٧٤، ١٨٨٠
همدان: [ج ١] ٤٨، ٦٧، ١٥٨، ٢٤٩؛ [ج ٢] ٣٨٥، ٤٠٠، ٤١٠، ٤٣٠، ٤٣١، ٤٣٣، ٤٣٤، ٤٦٨—٤٧٠، ٥٣٣؛ [ج ٣] ٥٦٨، ٦٠٢، ٦٨٠، ٧١٢، ٧١٣؛ [ج ٤] ٧٨٧، ٧٩٢،

۷۹۸، ۸۲۳، ۸۵۷، ۸۷۲، ۸۷۹،
۸۸۵، ۸۹۵، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۴۰؛
[ج ۵] ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۹۹، ۱۰۳۷، ۱۰۷۷،
۱۰۸۵، ۱۱۸۵، ۱۱۹۲، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹،
۱۲۳۱، ۱۲۳۴؛ [ج ۶] ۱۲۵۸، ۱۲۸۷،
۱۳۳۳، ۱۳۳۶، ۱۳۳۸، ۱۳۴۰، ۱۳۹۹،
۱۴۲۸، ۱۴۳۷، ۱۴۴۲، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱؛
[ج ۷] ۱۶۴۵، ۱۶۴۸، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸؛
[ج ۸] ۱۶۹۴، ۱۶۹۶، ۱۷۰۲، ۱۷۰۵،
۱۷۰۶، ۱۷۰۹، ۱۷۱۴، ۱۷۲۶، ۱۷۳۲،
۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۵، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰،
۱۷۵۵، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۵ — ۱۷۶۷،
۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۴، ۱۷۹۳، ۱۸۱۵،
۱۸۱۶، ۱۸۵۱، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۹۰۲،
۱۹۴۰، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۷۰، ۱۹۷۲،
۱۹۷۴، ۱۹۷۷، ۱۹۸۶، ۱۹۹۵، ۱۹۹۹،
۲۱۰۵، ۲۱۱۳، ۲۱۱۴، ۲۱۵۱
هنجام (هنگام)؛ [ج ۲] ۴۴۷
هند ــ هندوستان؛ [ج ۲] ۳۶۱؛ [ج ۳] ۶۹۵،
۶۹۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۴۶؛ [ج ۴] ۷۷۶،
۸۱۵، ۸۶۲، ۸۹۶، ۸۹۸، ۹۰۹، ۹۲۱،
۹۳۵، ۹۴۸، ۹۵۲، ۹۵۴، ۹۶۴؛ [ج ۵]
۱۱۸۵، ۱۱۸۷-، ۱۲۱۳؛ [ج ۶] ۱۲۵۶،
۱۲۵۷، ۱۲۵۹، ۱۲۶۹، ۱۲۹۵، ۱۳۱۰،
۱۳۱۱، ۱۳۲۲، ۱۳۴۱، ۱۳۴۸، ۱۳۸۲،
۱۳۸۵، ۱۳۸۸؛ [ج ۷] ۱۶۲۷، ۱۶۴۴،
۱۶۷۹، ۱۶۸۰؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۶۹۳،
۱۶۹۹، ۱۷۱۳، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۴،
۱۷۵۵، ۱۷۸۵، ۱۸۱۱، ۱۸۱۸، ۱۸۲۲،
۱۸۲۶، ۱۸۶۵، ۱۸۷۴، ۱۸۷۸، ۱۹۲۱،
۱۹۲۴، ۱۹۲۶، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸، ۱۹۴۷،
۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۳۲، ۲۱۲۲، ۲۱۳۹
یزدخواست؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۴۷۲، ۴۸۰، ۵۲۴؛
هویزه؛ [ج ۱] ۲۸۲
هیرمند؛ [ج ۵] ۱۰۷۵
هیندارابی (جزیره)؛ [ج ۷] ۱۶۴۸
یافت‌آباد؛ [ج ۳] ۶۸۶
یزد؛ [ج ۱] ۳۵، ۶۶، ۷۵، ۸۲، ۸۳، ۹۵، ۱۲۷،
۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۵،
۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰،
۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱،
۲۴۹، ۲۶۷، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۹، ۳۰۵،
۳۲۲؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۱۳،
۴۳۰، ۴۷۰، ۴۷۱، ۵۳۱؛ [ج ۳] ۵۶۷،
۵۹۶، ۶۰۱، ۶۴۹، ۶۵۸، ۶۸۰، ۷۱۰، ۷۲۱،
۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۸،
۷۶۲؛ [ج ۴] ۷۸۶، ۷۹۸، ۸۰۷، ۸۱۱،
۸۲۳، ۸۲۴، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۴۶، ۸۵۶،
۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۱، ۸۹۳، ۹۰۸،
۹۱۰، ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۵۷، ۹۵۹،
۹۷۰، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۴،
۹۸۵، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۱۳، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹،
۱۰۵۷، ۱۰۶۵، ۱۰۷۶، ۱۰۹۰، ۱۰۹۸،
۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۲۰۳، ۱۲۰۷، ۱۲۳۰،
۱۲۴۳؛ [ج ۶] ۱۲۹۰، ۱۳۳۸، ۱۳۴۰،
۱۴۳۰، ۱۴۳۷، ۱۴۵۴، ۱۴۶۰؛ [ج ۷]
۱۵۳۹، ۱۶۰۴، ۱۶۵۷؛ [ج ۸] ۱۷۳۰،
۱۷۴۰، ۱۷۶۸، ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۱۸۱۶،
۱۸۵۱، ۱۸۵۴، ۱۸۵۶، ۱۸۸۷، ۱۹۰۴،
۱۹۰۷، ۱۹۲۱، ۱۹۴۱، ۱۹۷۱، ۱۹۸۷،
۱۹۹۱، ۲۰۰۸—۲۰۱۰، ۲۰۵۱، ۲۰۷۱،
۲۱۰۵، ۲۱۵۰

[ج ۳] ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۲؛ [ج ٤] ۷۸٦،
۷۸۷، ۷۹۲، ۹٦۹؛ [ج ۵] ۱۰۷۲؛ [ج ٦]
۱۲۸۲، ۱۲۹۵، ۱۳۸۸؛ [ج ۷] ۱۵٤۱،
۱۵٤۳، ۱۵٤٤، ۱۵۷۷، ۱٦۳۷، ۱٦۷۰؛
[ج ۸] ۱۸۵۲ (نیز نک: ایزدخواست)
یم؛ [ج ۲] ۳۹۰
یموت؛ [ج ۱] ۱۲٦؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
یوزباشی چای؛ [ج ۲] ٤٦۱
یوسف آباد؛ [ج ۳] ٦۸٦، ۷۰۵؛ [ج ۸] ۱۸۵۷
ینگی امام؛ [ج ۳] ۷۰٤
یونان؛ [ج ۲] ٤٦٤
یهودیان (محلهٔ)؛ [ج ٦] ۱٤۷۷

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

فهرست نامهای گوناگون پراکنده

آژانس انگلیس؛ [ج ۸] ۲۰۰۲
آژانس روس؛ [ج ۸] ۲۰۰۹
آفتاب (روزنامهٔ)؛ [ج ۷] ۱۶۰۲، ۱۶۵۶
آقابای (ایل)؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
آلرت (کشتی)؛ [ج ۸] ۱۷۵۲
آلفا (کتابخانه)؛ [ج ۵] ۱۲۴۷
آلمان ــ آلمانی (مردم)؛ [ج ۱] ۱۱۲؛ [ج ۲] ۴۵۲؛ [ج ۵] ۱۱۸۲، ۱۱۸۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۶؛ [ج ۸] ۱۸۰۵، ۱۹۲۰، ۲۱۴۹
آلیانس (مدرسه)؛ [ج ۴] ۸۳۵

اتاشه میلیتر؛ [ج ۸] ۱۹۷۶
اتاماژور؛ [ج ۳] ۶۹۴
اتریشی (مردم)؛ [ج ۳] ۶۸۱
احمدوند چلبی (ایل)؛ [ج ۴] ۷۸۶
ادارهٔ بحریهٔ انگلیس؛ [ج ۷] ۱۶۶۴، ۱۶۷۸؛ [ج ۸] ۱۶۹۰، ۱۷۲۴
ادارهٔ تلگراف انگلیس و هند؛ [ج ۸] ۱۸۰۶، ۱۸۳۴ (نیز نک: تلگرافخانه انگلیس)
ادارهٔ تلگرافخانهٔ، تلگرافی هند و اروپا؛ [ج ۸] ۱۹۳۳، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۳۲، ۲۰۸۶، ۲۰۸۸، ۲۰۸۹، ۲۱۰۵
ادارهٔ گبرهای بمبئی؛ [ج ۷] ۱۶۲۲
ادارهٔ لیینچ؛ [ج ۸] ۱۷۹۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۵۲
ادارهٔ هند؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۷۰۱، ۱۷۴۷، ۱۷۵۰، ۱۷۸۵، ۱۸۷۴، ۱۸۷۷، ۱۹۲۴، ۲۰۱۷، ۲۰۱۹، ۲۰۲۴، ۲۱۳۷، ۲۱۴۰، ۲۱۵۵
ارتجاعیون؛ [ج ۸] ۱۷۳۰
ارچینی (مردم)؛ [ج ۴] ۷۹۷، ۸۲۲
ارسی (کفش)؛ [ج ۸] ۲۰۵۶
ارمنی ــ ارامنه (مردم)؛ [ج ۱] ۴۲؛ [ج ۲] ۳۵۱، ۳۶۳، ۳۸۴، ۵۰۷؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۵۹۷، ۶۱۹، ۶۸۰، ۶۸۸، ۷۱۰، ۷۵۷؛ [ج ۴] ۷۸۰، ۷۸۵، ۹۱۲، ۹۱۷؛ [ج ۵] ۱۰۹۶، ۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۹۷، ۱۳۳۳، ۱۴۳۷؛ [ج ۷] ۱۶۰۲، ۱۶۲۰، ۱۶۴۳؛ [ج ۸] ۱۷۴۸، ۱۷۶۷، ۱۷۹۳، ۱۸۱۵، ۱۸۳۲، ۱۸۸۱، ۱۹۲۳، ۱۹۵۲، ۱۹۷۱، ۱۹۷۳، ۱۹۹۹، ۲۰۴۰،

۲۱۰۵
اروپائی (مردم)؛ [ج ۲] ۴۰۶، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۴۵، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۶۹، ۴۸۵، ۵۱۲، ۵۳۰؛ [ج ۳] ۵۷۶، ۵۹۱، ۶۱۰، ۶۱۶، ۷۴۵؛ [ج ۴] ۸۰۰، ۸۱۹، ۸۳۸، ۸۴۱، ۸۵۳، ۸۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۶۳؛ [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۵۹، ۱۰۶۱، ۱۰۷۱، ۱۱۱۴، ۱۱۱۶، ۱۱۱۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۲، ۱۱۶۸، ۱۱۸۶، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۲۰۹، ۱۲۱۱، ۱۲۲۰، ۱۲۲۸، ۱۲۳۹؛ [ج ۷] ۱۵۰۰، ۱۵۴۵، ۱۵۴۹، ۱۵۶۵، ۱۶۴۳، ۱۶۶۱؛ [ج ۸] ۱۶۹۵، ۱۷۲۵، ۱۷۳۱، ۱۷۴۸، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۳۰، ۱۸۳۱، ۱۸۳۳، ۱۸۵۸، ۱۸۶۴، ۱۸۸۳، ۱۹۲۰، ۱۹۳۵، ۱۹۸۱، ۱۹۸۹، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳، ۲۰۳۷، ۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۵۱، ۲۰۸۶، ۲۱۱۴، ۲۱۱۹، ۲۱۲۲
اسپیکل (کشتی)؛ [ج ۵] ۱۲۱۴
استاکو؛ [ج ۵] ۱۱۳۰
استقراض بزرگ ایران؛ [ج ۸] ۲۱۵۵
استقلال ایران (روزنامه)؛ [ج ۵] ۱۲۲۹
اسحقیان (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۲
اسفینکس (کشتی)؛ [ج ۳] ۶۱۶
اسکادران (اصفهان، انگلیس)؛ [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۹۲۱، ۱۹۲۵، ۱۹۳۱، ۱۹۵۲، ۱۹۵۸، ۱۹۸۵، ۲۱۴۴
اسکانیا (واحد نظامی)؛ [ج ۶] ۱۳۴۷، ۱۳۴۸
اسلام (دین)؛ [ج ۳] ۶۶۷، ۶۶۸؛ [ج ۵] ۱۰۲۶؛ [ج ۶] ۱۴۳۲، ۱۴۳۳
اسماعیلی (گروه مذهبی)؛ [ج ۴] ۷۹۳—۸۰۳، ۸۳۰؛ [ج ۵] ۱۰۳۸
اسموند (طایفه)؛ [ج ۸] ۱۹۹۱
اسویت (روزنامه) ۱۱۲۷
اشنیدر ــ اشنیدر پاریس (کمپانی)؛ [ج ۸] ۱۶۸۸، ۱۶۹۰، ۱۹۳۹
اعتدالی ها (گروه مجلس)؛ [ج ۴] ۸۴۴، ۸۴۵؛ [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۱۵۶، ۱۱۹۸، ۱۲۰۵
اعراب (ایل)؛ [ج ۷] ۱۶۲۲—۱۶۲۴، ۱۶۴۷، ۱۶۸۱؛ [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۷۴۱، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۱۶، ۱۸۸۷، ۱۸۹۹، ۱۹۰۰، ۱۹۰۳، ۱۹۰۴، ۱۹۴۱، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۶۸، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹، ۲۰۵۶، ۲۰۸۳
اعراب جباره؛ [ج ۸] ۱۹۴۴، ۲۰۸۱، ۲۰۸۳
اعراب شیبانی؛ [ج ۸] ۱۹۴۴، ۲۰۸۳، ۲۰۸۷
افشار (ایل)؛ [ج ۲] ۴۷۰؛ [ج ۳] ۶۴۹؛ [ج ۶] ۱۲۸۵؛ [ج ۸] ۱۷۲۵، ۱۷۲۷، ۱۷۲۹، ۱۷۳۴، ۱۷۳۶
افشار (گروه سوار)؛ [ج ۴] ۹۱۲
افغان ــ افغانی (مردم)؛ [ج ۴] ۸۷۱، ۸۷۶، ۸۹۲، ۹۰۷؛ [ج ۸] ۱۸۱۵
افیشیال مسنجر (روزنامه)؛ [ج ۳] ۵۰۷؛ [ج ۷] ۱۵۹۲
الوار؛ [ج ۷] ۱۶۲۳، ۱۶۶۷؛ [ج ۸] ۱۹۷۱
امتیاز راه‌آهن؛ [ج ۸] ۲۱۳۸
امریکائی ــ امریکی (مردم)؛ [ج ۳] ۵۹۳؛ [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۴، ۱۰۰۹، ۱۰۷۳، ۱۰۸۷، ۱۰۹۲، ۱۰۹۴، ۱۱۱۲، ۱۱۲۰، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۵۱، ۱۱۵۵، ۱۱۷۴، ۱۲۲۸؛ [ج ۶] ۱۳۰۵، ۱۳۱۲؛ [ج ۷] ۱۴۹۲، ۱۵۶۵، ۱۵۷۲، ۱۵۹۱، ۱۵۹۷، ۱۶۰۱، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۵
امیرال؛ [ج ۳] ۶۱۶
انجمن؛ [ج ۲] ۴۰۳

انجمن اتحاد اسلامی؛ [ج ۵] ۱۱۵۶
انجمن استراباد؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
انجمن اصفهان؛ [ج ۳] ۷۱۰؛ [ج ٤] ۸۲۲
انجمن ایالتی؛ [ج ۲] ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۱۶، ۵۲۵، ۵۳۰، ۵۳٤
انجمن ایالتی آذربایجان؛ [ج ۲] ٤۳۱
انجمن ایالتی تبریز؛ [ج ۲] ٤۳۳؛ [ج ۵] ۱۰۱۱
انجمن ایالتی شیراز؛ [ج ۳] ۵۶۸
انجمن ایالتی فارس؛ [ج ۲] ۵۳٤
انجمن ایالتی کرمان؛ [ج ٤] ۹۱۲، ۹۳۲
انجمن ایالتی مشهد؛ [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۰؛ [ج ٤] ۸۹۱؛ [ج ۵] ۹۸۰
انجمن ایالتی یزد؛ [ج ۳] ۷٤۵؛ [ج ۵] ۱۰۳۹
انجمن بوشهر؛ [ج ۳] ۶۲۰، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۱۶، ۷۳۳، ۷٤۷، ۷۶٤
انجمن تبریز؛ [ج ۳] ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۹۱ — ۵۹٤، ۶۱۲، ۶٤۸، ۷۰۱، ۷۰۸؛ [ج ۷] ۱۵۳۱
انجمن سری رشت؛ [ج ۳] ۷٤٤
انجمن شیراز؛ [ج ۵] ۱۰۶۰، ۱۰۶۲
انجمن عباسی؛ [ج ۱] ۱۲۶
انجمن محلی اصفهان؛ [ج ۲] ٤۰٤
انجمن ملی بافت؛ [ج ۸] ۱۸۳۰
انجمن محلی بوشهر؛ [ج ۳] ۶۱۱
انجمن محلی تبریز؛ [ج ۲] ۳۹۵
انجمن محلی رشت؛ [ج ۵] ۱۰۸۶
انجمن محلی سلطان‌آباد؛ [ج ۳] ۶٤۸
انجمن محلی شیراز؛ [ج ۳] ۶۰۲
انجمن محلی کرمانشاه؛ [ج ۵] ۱۰۷۷
انجمن محلی یزد؛ [ج ۵] ۱۰۷۶
انجمن مشهد؛ [ج ۳] ۶٤۷، ۶٤۸، ۷٤٤
انجمن ولایتی اصفهان؛ [ج ٤] ۸۹۲، ۹۲۵؛ [ج ۵] ۹۸۱
انجمن ولایتی بوشهر؛ [ج ٤] ۸۹٤
انجمن ولایتی رشت؛ [ج ٤] ۸۶۹
انجمن ولایتی کرمان؛ [ج ٤] ۹۱۲
انجمن ولایتی کرمانشاه؛ [ج ٤] ۸۳۵، ۱۰۳۹
انجمن ولایتی یزد؛ [ج ٤] ۸۱۲، ۸۳٤، ۹۵۹
اندرو ویر (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۳، ۱۶۲٤
انگلیسی (مردم)؛ [ج ۱] ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰٤، ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶؛ [ج ۳] ۶۱۸، ۶٤۱، ۶۵۶، ۶۵۸، ۶۶۰، ۶۸۱؛ [ج ۷] ۱۵۰۵، ۱۵۱۹، ۱۵۲۵، ۱۵۳۹، ۱۵۶۱، ۱۶۰۶، ۱۶٤٤، ۱۶۵۹
اوصانلو ــ عصانلو (ایل)؛ [ج ۸] ۲۰۰۶
اهالی هلند؛ [ج ۸] ۱۷۹۲
ایتالیائی (مردم)؛ [ج ٤] ۹۲۸؛ [ج ۵] ۱۱۸۲، ۱۱۸۳
ایران (روزنامه)؛ [ج ۲] ۳۸۰
ایران نو (روزنامه)؛ [ج ۳] ۷۲۸؛ [ج ۵] ۱۲۰۶، ۱۲۲۹
ایرانی (مردم)؛ [ج ۳] ۵۶۶، ۵۶۷، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۷، ۷۰٤، ۷۲۰، ۷۶۵، ۷۶۶؛ [ج ٤] ۸۰٤؛ [ج ۷] ۱۶٤۳
ایست ایندیز؛ [ج ۷] ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶٤، ۱۵۷۸؛ [ج ۸] ۱۷۲٤
ایلات خمسه؛ [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۷۶۸، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۸۰۶، ۱۸۰۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۷، ۱۹۱۳، ۱۹۲۳، ۱۹٤٤، ۲۰۸۰، ۲۰۸۱، ۲۰۸۵، ۲۰۸۷
ایلات سنجابی؛ [ج ۸] ۱۷۷۰
ایلات عرب؛ [ج ۸] ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۹۰۷، ۱۹٤۲، ۲۰۸۷ (نیز نک: اعراب)
ایلات قشقائی؛ [ج ۸] ۱۷۷۸، ۲۰۱۶
ایلات کلهر؛ [ج ۸] ۱۷۹٤

اینانلو (ایل)؛ [ج ۳] ۷۳۹، ۷۴۹، ۷۶۱: [ج ٤] ۷۸۰: [ج ۵] ۱۲۳۱: [ج ٦] ۱۲۸۵

باب؛ [ج ۳] ۵۳۳
بابی (مردم)؛ [ج ۲] ٤٦٤، ۵۳۳
باتالیان فارس؛ [ج ۸] ۱۷۰۰
باجلان (ایل) ۱۷۹۷
باروغ و ولکم کمپانی (بوروز و لکم)؛ [ج ۵] ۱۰٦۲، ۱۰۷۲، ۱۰۷٦، ۱۰۸۱
باصری (ایل ــ مردم)؛ [ج ۷] ۱٦۲۲: [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۸۵۳، ۱۸۵٤، ۱۹۰۳، ۱۹۰٤، ۱۹٤۲، ۱۹٦۸، ۲۰۸۲
بانک استقراضی (نک: بانک روس)
بانک استقراضی ایران؛ [ج ۳] ۷۲۵
بانک پاریس؛ [ج ۷] ۱۵۸۳: [ج ۸] ۱۷۵۳
بانک تهران ــ روس؛ [ج ۸] ۱۷٤٦
بانک دسکونت ایران؛ [ج ۸] ۱٦۸۹، ۱٦۹۰، ۱۷۰۷، ۱۹۳۹
بانک دوپره (روس)؛ [ج ۸] ۱۸۵٤
بانک روس ــ بانک روسی؛ [ج ۳] ٦۵٤، ٦۵۵، ٦۹۱، ٦۹۳، ٦۹۵، ۷۰۳، ۷۲۳، ۷۲۷، ۷۳۹: [ج ٤] ۸۷۷، ۸۹۵: [ج ۵] ۹۹۰، ۹۹۱—۹۹۳، ۹۹۷، ۱۱۲۰، ۱۱٤۷: ۱۱٤۸: [ج ٦] ۱۳۰۰، ۱۳۰٤، ۱۳۱۲، ۱۳٦۰، ۱٤۵۰، ۱٤۵۳: [ج ۷] ۱۵۲۳، ۱۵۸۲، ۱٦۱۵، ۱٦۳٤، ۱٦۳۵، ۱٦۳۹—۱٦٤۱، ۱٦٤۵: [ج ۸] ۱٦۸۸، ۱۷۲۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۵۱، ۱۷۵۳، ۱۸۲۱، ۱۸٤۷، ۱۹۳۹، ۲۰۸۹، ۲۱۱۳، ۲۱۲۰
بانک شاهی ــ بانک شاهنشاهی؛ [ج ۳] ٦۵۰، ٦٦۰، ٦۸٤، ٦۸۷، ٦۸۸، ۷۰۳، ۷۰٦، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳٤، ۷٤۳، ۷٤٤: [ج ٤] ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۵۳، ۸٦٤، ۸٦۸، ۸۹۱، ۸۹۳، ۸۹٦، ۹۰۹، ۹۱۱، ۹۵۲، ۹٦۳، ۹٦٦: [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۱، ۹۹٦، ۱۰۰۲، ۱۰۰٤، ۱۰۰۷، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱٤، ۱۰۱۵، ۱۰۳۰، ۱۰۳۳، ۱۰۳۹، ۱۰٤۱، ۱۰٤۷، ۱۰۵۰، ۱۰۵٦ — ۱۰۵۸، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۳، ۱۰۸۰، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۱۰۰ — ۱۱۰۲، ۱۱۲۰، ۱۱٤۷: [ج ٦] ۱۲۵٤، ۱۳۰۱، ۱۳۳۹، ۱٤۲۲، ۱٤۲۵، ۱٤۲۸، ۱٤۲۹، ۱٤٤۲، ۱٤۵۱، ۱٤۷٦، ۱٤۸۱: [ج ۷] ۱۵۹۱، ۱۵۹۵، ۱٦۰٤، ۱٦۱۵، ۱٦۲۲، ۱٦۲٤، ۱٦۳۳ — ۱٦۳٦، ۱٦۳۹، ۱٦٤۰، ۱٦٤۵، ۱٦٦۲، ۱٦٦۸، ۱٦۷۳، ۱٦۸۰: [ج ۸] ۱٦۹۰، ۱۷۲۱، ۱۷٤٦، ۱۷٤۷، ۱۷٦۵، ۱۸۱۰ — ۱۸۱۲، ۱۸۲۱، ۱۸۳۰، ۱۸۳٦، ۱۸۳۹، ۱۸۵٦، ۱۸٦۵، ۱۸۷۸، ۱۸۸۸، ۱۸۹۲ — ۱۸۹٤، ۱۸۹۷، ۱۹۲۰، ۱۹۳۸، ۱۹٦۷، ۱۹۸۸، ۲۰۰۲، ۲۰۰۵، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۷، ۲۰۲۰، ۲۰۲٤، ۲۰۳۲، ۲۰۳٤، ۲۰٦۱، ۲۱۰۰، ۲۱۰۷ — ۲۱۱۰، ۲۱۳٦
بانک لندن؛ [ج ۷] ۱٦۸۰
بانک هلند؛ [ج ۷] ۱۵۸۳
بحر خزر (روزنامه)؛ [ج ۵] ۱۱۹۳
بختیاری (ایل)؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۳٦۱، ۳٦۳—۳٦۸، ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۵، ٤۰٦—٤۱۰، ٤۱۳، ٤۳۰، ٤۳۲، ٤۵۱، ٤۷۱، ٤۷۲، ۵۲۳، ۵۳۱: [ج ۳] ۵٤۹، ۵۵۹، ۵۷۲، ۵۸۰—۵۸۷، ۵۹٦،

۵۹۷، ۶۰۱، ۶۰۷، ۶۱۴، ۶۱۹،
۶۳۶—۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۴۹،
۶۵۱، ۶۷۰، ۶۷۷، ۶۸۴، ۶۸۶—۶۸۸،
۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۸—۷۱۰، ۷۲۸، ۷۳۰،
۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۵۸، ۷۶۲؛
[ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۸، ۷۹۰، ۷۹۹، ۸۰۴،
۸۰۷، ۸۰۸، ۸۱۱، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۳۴،
۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۰،
۸۷۲، ۸۷۴، ۸۸۸، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۷،
۸۹۹، ۹۰۶، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۱۶، ۹۱۸،
۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۵—۹۳۷،
۹۳۹، ۹۴۴، ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷—۹۵۹،
۹۶۷، ۹۶۹، ۹۷۰؛ [ج ۵] ۹۷۹، ۹۸۱،
۹۹۹، ۱۰۱۲، ۱۰۳۹، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷،
۱۰۴۹، ۱۰۵۱، ۱۰۵۶، ۱۰۶۵، ۱۰۸۳،
۱۰۹۰، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۱۰۷، ۱۱۱۳،
۱۱۲۱—۱۱۲۳، ۱۱۲۸، ۱۱۵۰، ۱۱۵۳،
۱۱۵۴، ۱۱۵۸، ۱۱۸۴، ۱۱۹۲، ۱۱۹۷،
۱۲۰۳—۱۲۰۶، ۱۲۰۹، ۱۲۱۱، ۱۲۱۳،
۱۲۱۸، ۱۲۲۰، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰،
۱۲۳۲—۱۲۳۵، ۱۲۴۱؛ [ج ۶] ۱۲۸۳،
۱۲۸۴، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۹۰، ۱۳۳۳،
۱۳۳۴، ۱۳۳۸، ۱۳۴۰، ۱۳۹۰، ۱۳۹۴،
۱۳۹۸، ۱۴۰۰، ۱۴۳۷، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳،
۱۴۴۸، ۱۴۵۰، ۱۴۶۱، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱؛
[ج ۷] ۱۵۹۳، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۷۱،
۱۶۷۴؛ [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷،
۱۷۲۹، ۱۷۳۷، ۱۷۴۰ — ۱۷۴۲، ۱۷۴۶،
۱۷۴۹، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۷، ۱۷۶۲،
۱۷۶۳، ۱۷۷۰ —۱۷۷۲، ۱۷۷۹، ۱۷۸۴،
۱۷۸۶، ۱۷۹۰، ۱۷۹۳، ۱۷۹۵، ۱۷۹۸ —
۱۸۰۳، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴، ۱۸۱۹، ۱۸۳۹،
۱۸۴۰، ۱۸۴۲، ۱۸۴۷، ۱۸۵۳، ۱۸۵۵،
۱۸۶۲، ۱۸۶۶، ۱۸۸۶، ۱۸۸۸ — ۱۸۹۳،
۱۸۹۵ — ۱۸۹۷، ۱۹۰۰، ۱۹۱۰، ۱۹۱۳،
۱۹۲۷، ۱۹۴۱، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۶۳،
۱۹۶۵، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱ — ۱۹۷۴، ۱۹۸۳،
۱۹۸۹ — ۱۹۹۲، ۱۹۹۵، ۱۹۹۷ — ۱۹۹۹،
۲۰۰۴، ۲۰۰۹، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹، ۲۰۵۱،
۲۰۵۳، ۲۰۵۵، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹، ۲۰۶۲،
۲۰۶۷، ۲۰۶۸، ۲۰۷۱، ۲۰۸۲، ۲۰۸۹،
۲۰۹۱، ۲۰۹۶، ۲۰۹۸، ۲۱۰۱، ۲۱۰۳،
۲۱۰۵، ۲۱۰۷، ۲۱۴۹ (نیز نک: بختیاری بخش ۲)
۹۳۵—۹۳۷،
۹۵۵، ۹۵۷—۹۵۹،
بختیاری (محل)؛ ۱۸۱۹، ۱۸۵۵، ۱۸۶۶،
۱۸۸۹، ۱۸۹۰، ۱۸۹۳، ۱۸۹۵، **۱۹۶۶**،
۱۸۹۷، ۱۹۲۷، ۱۹۵۲، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱،
۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۲۰۵۵، ۲۰۵۹ (**نیز نک:** بختیاری بخش ۳)
بربر — بربری (مردم)؛ [ج ۵] ۱۹۰۷؛ [ج ۸] ۱۸۱۵
بریگاد تهران؛ [ج ۸] ۱۸۲۲
بریگاد قزاق؛ [ج ۳] ۶۸۳، ۶۸۴، ۷۵۴؛ [ج ۴] ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۰، ۹۱۵، ۹۲۰، ۹۲۱؛ [ج ۵] ۹۹۱، ۱۱۹۱، ۱۱۹۳؛ [ج ۷] ۱۵۷۴، ۱۵۸۰، ۱۵۸۵، ۱۶۰۹، ۱۶۶۴، ۱۶۶۹؛ [ج ۸] ۱۶۹۸، ۱۸۴۰، ۱۸۶۹، ۱۹۱۲، ۱۹۲۳، ۱۹۴۷، ۱۹۹۹، ۲۱۱۲
بلجیکی — بلژیکی (مأمورین — مردم)؛ [ج ۶] ۱۲۸۸، ۱۳۶۰؛ [ج ۷] ۱۵۶۵، ۱۵۹۱، ۱۶۰۰، ۱۶۰۶؛ [ج ۸] ۱۷۴۲، ۱۷۸۷، ۱۸۶۷، ۱۸۶۹، ۱۹۳۳، ۲۰۱۲، ۲۰۳۵، ۲۰۶۹، ۲۰۹۷، ۲۰۹۹، ۲۱۳۳،
بلوچ — بلوچی (مردم)؛ [ج ۲] ۵۳۱؛ [ج ۳]

۶۰۵، ۶۴۹، ۷۴۳؛ [ج ۴] ۷۸۲، ۷۸۷، ۷۹۹، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۹۲، ۹۱۲، ۹۳۰، ۹۳۲، ۹۳۸، ۹۴۵، ۹۶۰، ۹۶۸، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۸۲، ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۱۴، ۱۰۳۸، ۱۰۷۵، ۱۱۵۳، ۱۲۰۷، ۱۲۰۹؛ [ج ۶] ۱۳۴۰، ۱۴۴۹؛ [ج ۷] ۱۵۴۰؛ [ج ۸] ۱۷۰۰، ۱۷۲۵، ۱۷۴۱، ۱۸۰۵، ۱۸۲۹، ۱۹۲۱، ۲۱۵۰

بلوند (نک: بوالوند)

بوالوردی (بولوردی؟) (مردم): [ج ۵] ۱۲۰۷؛ [ج ۶] ۱۴۶۳، ۱۴۶۴

بوالوند (ایل): [ج ۸] ۲۱۰۶

بورس گازت (مجله): [ج ۱] ۳۲۸

بویراحمدی (مردم): [ج ۶] ۱۳۳۸، ۱۳۴۵، ۱۴۸۱؛ [ج ۷] ۱۶۲۲—۱۶۲۴

بهار (ایل): [ج ۱] ۱۳۹

بهارلو (ایل): [ج ۱] ۱۳۳؛ [ج ۲] ۷۳۱؛ [ج ۴] ۹۴۱، ۹۷۰؛ [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۵، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲؛ [ج ۸] ۱۷۶۸، ۱۸۱۶، ۱۸۸۷، ۱۹۰۳، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳، ۲۱۰۶

بهبهانی (ایل): [ج ۵] ۱۰۰۷

بهمه (ایل ــ طایفه): [ج ۵] ۱۲۰۳؛ [ج ۸] ۲۱۰۶

پارسی ــ پارسیان (مردم): [ج ۱] ۴۰، ۴۲؛ [ج ۲] ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۳، ۴۳۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۳۱؛ [ج ۳] ۶۰۱، ۶۴۹، ۷۱۰، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۶۲؛ [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۱۰۷

پارلمان: [ج ۸] ۱۸۸۵، ۱۹۷۵، ۱۹۸۲

پاقلعه (گروه): [ج ۴] ۸۲۳

پرسپولیس (کشتی): [ج ۳] ۷۱۶، ۷۴۷، ۷۶۴؛ [ج ۸] ۱۷۷۰

پرسیس (کشتی): [ج ۵] ۱۲۰۹، ۱۲۳۲؛ [ج ۸] ۱۷۵۲

پرسی یوس (کشتی): [ج ۱] ۱۵۹؛ [ج ۲] ۴۶۵

پلیس تهران: [ج ۸] ۱۷۲۱

تاتار (مردم): [ج ۱] ۳۲۸

تایمز ــ تایمس (روزنامه): [ج ۳] ۷۲۲؛ [ج ۵] ۱۱۳۸؛ [ج ۶] ۱۲۶۲، ۱۲۹۹، ۱۳۲۳، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۴۴۶

تجار زنجان: [ج ۸] ۱۹۵۵

تخت طاووس: [ج ۱] ۲۰

تراکمه ــ ترکمان ــ ترکمانیه ــ ترکمن (مردم): [ج ۱] ۳۲۸؛ [ج ۲] ۳۸۳، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۱۳، ۵۲۹، ۵۳۰؛ [ج ۳] ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۷۰، ۶۷۷، ۷۲۹؛ [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۵۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۸، ۱۱۹۴، ۱۱۹۷، ۱۲۰۰—۱۲۰۲، ۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۷، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۲۱، ۱۳۳۷، ۱۴۲۲، ۱۴۳۷، ۱۴۴۱، ۱۴۴۸

تربیت (کتابخانه): [ج ۵] ۱۲۴۷

ترکمن: [ج ۷] ۱۵۲۹، ۱۵۳۱، ۱۵۸۱، ۱۵۸۶، ۱۵۹۲، ۱۶۱۶، ۱۶۱۹، ۱۶۲۹، ۱۶۳۲، ۱۶۳۵، ۱۶۳۸، ۱۶۵۴، ۱۶۵۷؛ [ج ۸] ۱۹۷۱، ۲۰۰۷، ۲۰۳۲، ۲۰۶۵، ۲۱۰۵، ۲۱۴۰

تفتی (مردم): [ج ۳] ۷۴۶، ۷۶۲، ۷۶۳؛ [ج ۴] ۷۸۶

تمدن (روزنامه): [ج ۱] ۹۳

تنباکوی رژی: [ج ۸] ۱۹۳۷، ۱۹۳۸

تنگستانی (مردم): [ج ۲] ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۶۶،

٤٧٨؛ [ج ٣] ٦٠٥؛ [ج ٤] ٩٤٢، ٩٤٥، ٩٦١، ٩٦٤؛ [ج ٥] ١٠٠٠، ١٠٠٧؛ [ج ٦] ١٢٦٨
تفنگچی های تنگستانی؛ [ج ٨] ٢١٢٣
تولکی (گروه)؛ [ج ٤] ٨٢٣
تهران (قایق)؛ [ج ٤] ٩٧١

جاف ــ جف (ایل)؛ [ج ٥] ١٢٣٣؛ [ج ٨] ١٧٠٤
جباره (نک: اعراب جباره)
جعفربای (ایل)؛ [ج ٢] ٥٢٩، ٥٣٠؛ [ج ٣] ٧٢٩؛ [ج ٥] ١٢٠١
جلالی (فوج نظامی)؛ [ج ٥] ٩٨٣، ٩٩٩
جمشیدی (گروه)؛ [ج ٤] ٩٠٧
جنرال قنسول اصفهان؛ [ج ٨] ١٩٨٨، ٢٠٥٤، ٢١٢٠
جنرال قنسول بوشهر؛ [ج ٨] ١٧٩٠، ١٧٩١، ٢١١٦، ٢١٢٣
جنرال قنسول خلیج فارس؛ [ج ٨] ٢١١٦
جنرال قنسول روس؛ [ج ٨] ١٨٦٦
جنوب اقصی؛ [ج ٨] ١٧٤٣
جنوب ایران؛ [ج ٨] ١٧٩٢، ٢١٥٨
جنگ پینگ (فوج نظامی)؛ [ج ٦] ١٣٤٨
جوانرود (ایل)؛ [ج ٨] ١٧٠٤، ١٩٩٧
جواهرات دولتی ایران؛ [ج ٨] ١٩٠٦

چقائی (طایفه)؛ [ج ٥] ٩٨١
چلبی (مردم) ٧٨٦ (نک: احمدوند چلبی)
چهاردوالی (ایل)؛ [ج ٢] ٣٥١، ٣٨٨، ٣٩٠، ٤٦٣
چهارراهی (ایل)؛ [ج ٤] ٨٢٣؛ [ج ٨] ١٩٠٨
چهارلنگ (طایفه)؛ [ج ٥] ١٠٩٨، ١١٥٣

حاجی زاده (طایفه)؛ [ج ٨] ١٧٦٥
حبل المتین (روزنامه)؛ [ج ١] ٢٩، ٩٣؛ [ج ٣] ٧٢٨
حزب اعتدالیون؛ [ج ٦] ١٤٤٤
حزب اکثریت؛ [ج ٥] ١١٥٦
حزب دموکرات؛ [ج ٥] ١٠٦٧، ١٠٧٤، ١٠٨٠، ١١٤٠؛ [ج ٦] ١٤٤٤؛ [ج ٧] ١٥٣٢، ١٥٣٣، ١٥٣٦، ١٥٤٥، ١٥٤٦، ١٦٥٦ (نیز نک: دموکرات)
حکمران بنادر خلیج؛ [ج ٨] ٢١٢٣
حکمران بوشهر؛ [ج ٨] ٢١١٧
حکمران قزوین؛ [ج ٨] ١٩٧٨
حکمران کازرون؛ [ج ٨] ٢٠٧٣
حکومت هندوستان؛ [ج ٨] ١٨٧٨، ١٩٢٥، ٢١١٦، ٢١٣٧، ٢١٣٩، ٢١٤٠

خان یخماز (طایفه)؛ [ج ٥] ١٢٠١
خدابنده لو (ایل)؛ [ج ٢] ٤٧٠
خزانه دار کل؛ [ج ٨] ١٦٩٥، ١٧٦٠، ١٧٨٠، ١٨٦٢، ١٨٨٤، ١١١٣، ٢٠٠٣، ٢١٠٠، ٢١٤٩
خزانه داری ــ خزانه داری کل؛ [ج ٨] ١٧١٤، ١٧٣٦، ١٧٤٠، ١٧٥١، ١٧٦٠، ١٧٨٠ــ ١٧٨٢، ١٩٨٤، ١٧٨٦ــ١٧٨٨، ١٧٩١،

۱۸۰۹، ۱۸۱۲، ۱۸۱۴، ۱۸۱۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۸، ۱۸۸۳، ۱۸۸۶، ۱۹۱۴، ۱۹۳۳—۱۹۳۷، ۲۰۰۲، ۲۰۰۵، ۲۰۱۰، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۸، ۲۰۲۱، ۲۰۲۹، ۲۰۳۴، ۲۰۵۰، ۲۱۰۷، ۲۱۰۹، ۲۱۳۱، ۲۱۳۴
خزل (خزعل؟ ــ ایل)؛ [ج ۴] ۹۴۰
خسفی (گروه)؛ [ج ۵] ۱۰۷۵
خط آهن ــ خطوط آهن؛ [ج ۸] ۲۰۳۳، ۲۱۳۴، ۲۱۴۰، ۲۱۴۳
خط آهن انگلیس در ایران؛ [ج ۸] ۱۹۴۹
خط آهن جلفا ــ تبریز؛ [ج ۸] ۱۸۶۸، ۱۸۷۰، ۱۸۷۳، ۱۸۷۶، ۱۸۸۳، ۱۹۰۳، ۱۹۰۶، ۱۹۲۶، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۱۹۸۶، ۲۰۰۴، ۲۰۱۲، ۲۰۱۸ — ۲۰۲۰، ۲۰۲۳، ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۱۴۲، ۲۱۴۳، ۲۱۵۲، ۲۱۵۳
خط آهن جنوب ایران؛ [ج ۸] ۱۹۴۹
خط آهن روس؛ [ج ۸] ۱۸۸۴
خط آهن سراسر ایران؛ [ج ۸] ۱۹۴۹، ۱۹۵۰، ۱۹۵۴، ۱۹۵۶، ۱۹۶۰، ۱۹۸۰، ۲۰۲۸
خط آهن ماوراءِ بحرخزر؛ [ج ۸] ۲۰۳۲
خط آهن محمره، محمره ــ خرم‌آباد؛ [ج ۸] ۱۸۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶، ۱۹۸۹، ۲۰۰۵، ۲۰۳۰، ۲۰۶۸، ۲۱۳۹، ۲۱۴۱—۲۱۴۳
خلج (فوج نظامی)؛ [ج ۴] ۸۲۱
خمسه (ایل)؛ [ج ۲] ۵۳۵؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۵۹۷، ۶۷۰، ۶۷۶، ۶۷۸؛ [ج ۴] ۷۷۶، ۸۰۴، ۸۳۶؛ [ج ۵] ۱۲۱۵
خواجوئی (طایفه)؛ [ج ۵] ۱۰۹۸
خوانین بختیاری؛ [ج ۸] ۲۰۵۸
خوانین کشکولی؛ [ج ۸] ۱۹۰۹
دارالفنون؛ [ج ۸] ۱۷۱۰
داشناکسیون (حزب ــ انجمن)؛ [ج ۸] ۱۹۷۵، ۲۱۰۵
داود ساسون (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۲—۱۶۲۴
دراشولی (دره شوری؟) (طایفه)؛ [ج ۵] ۱۱۱۶
دره شوری ــ دره شولی (طایفه)؛ [ج ۴] ۸۶۶؛ [ج ۷] ۱۶۸۱؛ [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۷۷۸، ۱۸۰۸، ۲۰۸۰
دشتستانی (مردم)؛ [ج ۶] ۱۴۶۸
دشتیاری (ایل)؛ [ج ۴] ۹۴۵
دشمن زایری ــ زیاری (ایل)؛ [ج ۸] ۱۹۲۰، ۲۰۴۶، ۲۰۹۴
دقوز (طایفه)؛ [ج ۳] ۷۲۹
دموکرات ــ دموکراتها؛ [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۶، ۱۰۵۰، ۱۱۵۶، ۱۱۹۸، ۱۲۰۵؛ [ج ۶] ۱۴۴۳، ۱۴۵۲؛ [ج ۷] ۱۵۴۹، ۱۶۰۲؛ [ج ۸] ۱۷۳۰، ۱۷۳۳، ۱۷۴۸، ۱۷۶۷، ۱۷۷۲، ۱۸۱۴، ۱۸۳۰، ۱۹۶۲، ۱۹۹۷، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰ (نیز نک: حزب دموکرات)
دنیارنی (دینارلی؟) (طایفه)؛ [ج ۸] ۱۹۹۱
دولت امپراتوری (انگلیس)؛ [ج ۸] ۱۸۷۰، ۱۹۹۴
دولت امپراتوری (روس)؛ [ج ۸] ۱۹۵۱
دوما (مجلس)؛ [ج ۸] ۱۷۳۲
دی (طایفه)؛ [ج ۳] ۷۲۹
دیکسن (کمپانی)؛ [ج ۱] ۱۲۶؛ [ج ۴] ۸۲۴؛ [ج ۵] ۱۱۵۰؛ [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۲۹۵؛ [ج ۷] ۱۶۲۲—۱۶۲۴، ۱۶۴۳
دیلی نیوز (روزنامه)؛ [ج ۳] ۵۹۳

www.adabestanekave.com

رئیس ایل سنجانی؛ [ج ۸] ۱۷۹۷
رئیس بانک شاهنشاهی؛ [ج ۸] ۲۱۰۰
رئیس بانک شاهنشاهی قزوین؛ [ج ۸] ۲۰۶۱
رئیس کشکولیها؛ [ج ۸] ۱۸۹۸
رئیس کل جهازات جنگی (انگلیس)؛ [ج ۷] ۱۵۶۱، ۱۵۶۲
رئیس نظمیه ــ رئیس کل نظمیهٔ تهران؛ [ج ۸] ۱۷۸۶—۱۷۸۸، ۱۷۹۲، ۱۸۳۸، ۱۸۴۲، ۱۸۴۹، ۱۸۷۴، ۱۸۸۰
رؤساءِ بختیاری؛ [ج ۸] ۱۷۷۲
رؤساءِ کشکولی؛ [ج ۸] ۱۹۱۹
راجپوت (نفرات هندی)؛ [ج ۵] ۱۲۴۶؛ [ج ۸] ۱۷۰۱، ۱۸۱۷
راه‌آهن ــ راه‌آهن ایران؛ [ج ۸] ۱۷۴۶، ۱۸۶۸، ۲۰۳۱، ۲۱۰۲، ۲۱۰۳، ۲۱۲۰، ۲۱۳۱، ۲۱۳۲، ۲۱۳۸، ۲۱۴۲ (نیز نک: خط آهن ــ بخش ۳)
راه‌آهن جلفا؛ [ج ۸] ۱۹۰۶، ۲۰۰۵ (نیز نک: راه‌آهن جلفا ــ تبریز بخش ۳)
راه‌آهن بزرگ روس؛ [ج ۸] ۱۹۵۰، ۲۱۴۱
راه‌آهن ماوراءِ قفقاز؛ [ج ۸] ۱۹۵۰
ردبرست (کشتی)؛ [ج ۲] ۴۴۵
رژی؛ [ج ۸] ۱۹۳۷، ۱۹۳۸
رژیمان؛ [ج ۸] ۱۹۷۷، ۲۰۳۵
رژیمان اصفهان؛ [ج ۸] ۱۹۷۷، ۱۹۷۸
رژیمان سالیانسکی؛ [ج ۸] ۱۷۴۰
رژیمان شماسلینسکی؛ [ج ۸] ۲۱۵۲
رژیمان ملایر؛ [ج ۸] ۲۰۷۳
روزنامهٔ رسمی ایران؛ [ج ۲] ۳۴۲؛ [ج ۵] ۱۱۰۰
روس (مردم)؛ [ج ۱] ۲۸۹، ۲۹۳—۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۸—۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۹؛ [ج ۲] ۳۳۷—۳۳۹، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۸، ۳۵۲، ۳۵۴—۳۵۶، ۳۶۰—۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۷، ۳۹۱—۳۹۳، ۳۹۵—۳۹۸، ۴۰۰—۴۰۳، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۲۱—۴۲۵، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۷—۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۸—۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۳، ۴۷۵—۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۳—۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۰—۴۹۸، ۵۰۱، ۵۰۳—۵۰۵، ۵۰۷—۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۰—۵۳۲، ۵۳۷، ۵۳۹؛ [ج ۳] ۵۴۴، ۵۴۵—۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۸—۵۶۰، ۵۶۳—۵۷۱، ۵۷۳—۵۷۸، ۵۸۱—۵۸۵، ۵۸۷—۵۸۹، ۵۹۲—۵۹۴، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۴، ۶۰۶—۶۱۱، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۹—۶۲۷، ۶۲۹—۶۳۵، ۶۳۷—۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۶—۶۴۸، ۶۵۰—۶۵۴، ۶۵۷، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۸۲—۶۸۵، ۶۸۷، ۶۸۹—۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۷، ۶۹۹، ۷۰۱—۷۰۶، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۳، ۷۱۵، ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۳ — ۷۲۷، ۷۲۹ — ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۳۶—۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۶—۷۶۱، ۷۶۵؛ [ج ۴] ۷۷۶، ۷۷۹، ۷۸۲، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۰—۷۹۲، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۹، ۸۰۲—۸۰۶، ۸۰۹، ۸۱۱، ۸۱۳، ۸۱۴—۸۲۱، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۱—۸۳۳، ۸۳۸، ۸۴۰، ۸۴۲،

۸٤۳، ۸٤٦—۸۵۲، ۸۵٤، ۸۵۸—۸٦۰،
۸٦۲—۸٦۵، ۸۷۳—۸۷٦، ۸۷۸—۸۸۵،
۸۸۸، ۸۹۰، ۸۹۸—۹۰٤، ۹۰۷، ۹۱۱،
۹۱٤—۹۱٦، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۳، ۹۲٤،
۹۲٦، ۹۳٤، ۹۳۸، ۹٤۲، ۹٤۹، ۹۵٤،
۹۵۵، ۹٦۵، ۹٦٦، ۹۷۰؛ [ج ۵] ۹۸۰،
۹۸٦—۹۸۸، ۹۹۰، ۹۹۳، ۹۹۷، ۱۰۰۱،
۱۰۰۳—۱۰۰۸، ۱۰۱۰، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳،
۱۰۱۵، ۱۰۱۸، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰٤۱،
۱۰۵٦، ۱۰۵۹، ۱۰٦٦، ۱۰۸۰، ۱۱۰٤ —
۱۱۰۸، ۱۱۱۰، ۱۱۱۵، ۱۱۲۲ — ۱۱۲۵،
۱۱۲۷، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳٤ — ۱۱۳۹،
۱۱٤۲ — ۱۱٤۵، ۱۱٤۹، ۱۱۵۲، ۱۱۵۷،
۱۱۵۸، ۱۱٦۰ — ۱۱٦٦، ۱۱٦۸ — ۱۱۷۱،
۱۱۷۳ — ۱۱۸۹، ۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۱۹٦،
۱۱۹۷، ۱۱۹۹، ۱۲۰۱، ۱۲۱۰، ۱۲۱۲ —
۱۲۲۰، ۱۲۲۲ — ۱۲۲٤، ۱۲۲٦، ۱۲۲۷،
۱۲۳٤، ۱۲۳۷، ۱۲٤۲ — ۱۲٤۵؛ [ج ٦]
۱۲۵٦، ۱۲٦۰، ۱۲٦۲ — ۱۲٦٤، ۱۲٦۷،
۱۲٦۹، ۱۲۷۳، ۱۲۷٤، ۱۲۷۸ — ۱۲۸۲،
۱۲۸۹ — ۱۲۹۲، ۱۲۹۵ — ۱۳۱۲، ۱۳۱٤
— ۱۳۳۷، ۱۳٤٤ — ۱۳٤۷، ۱۳٤۹ —
۱۳۸۹، ۱۳۹۲ — ۱٤۲٤، ۱٤۲٦ — ۱٤۲۹،
۱٤۳۸ — ۱٤٤۱، ۱٤٤٤، ۱٤٤۵، ۱٤٤۷،
۱٤٤۸، ۱٤۵۰ — ۱٤۵٤، ۱٤۵٦ — ۱٤٦۲؛
[ج ۷] ۱٤۸۷، ۱٤۹۱، ۱٤۹۲، ۱٤۹٤ —
۱٤۹٦، ۱٤۹۸، ۱٤۹۹، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲،
۱۵۰٦ — ۱۵۰۹، ۱۵۱۱ — ۱۵۲۰، ۱۵۲۲
— ۱۵۲۷، ۱۵۲۹ — ۱۵۳۹، ۱۵٤۵ —
۱۵۵۵، ۱۵۵۷ — ۱۵۵۹، ۱۵٦۳ — ۱۵٦۷،
۱۵۷۰ — ۱۵۷۵، ۱۵۷۷، ۱۵۷۹ — ۱۵۹۸،
۱٦۰۱ — ۱٦۰۳، ۱٦۰۷ — ۱٦۱۳،
۱٦۱۵—۱٦۲۱، ۱٦۲۹ — ۱٦٤۱، ۱٦٤۳ —
۱٦٤۷، ۱٦٤۹ — ۱٦۵۸، ۱٦٦۰ — ۱٦٦٦،
۱٦٦۹، ۱٦۷۲ — ۱٦۷٦، ۱٦۷۹، ۱٦۸۰؛
[ج ۸] ۱٦۹۰ — ۱٦۹۸، ۱۷۰۲، ۱۷۰٤،
۱۷۰۵، ۱۷۱۱، ۱۷۱۳، ۱۷۱۵ — ۱۷۱۷،
۱۷۱۹ — ۱۷۲۳، ۱۷۲۵، ۱۷۳۱ — ۱۷۳۳،
۱۷۳٦ — ۱۷٤۱، ۱۷٤٦، ۱۷٤۷، ۱۷۵۱،
۱۷٦٤، ۱۷٦٦ — ۱۷٦۸، ۱۷۹۲، ۱۷۹۵،
۱۸۱٤، ۱۸۱۵، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۵،
۱۸۳۹، ۱۸٤۱، ۱۸٤۳، ۱۸٤٤، ۱۸٤٦،
۱۸٤۸، ۱۸۵۰، ۱۸۵۳، ۱۸۵٦، ۱۸۵۸،
۱۸٦۲، ۱۸٦٦ — ۱۸٦۸، ۱۸۷۰ — ۱۸۷۲،
۱۸۷۵، ۱۸۷۸، ۱۸۸۰، ۱۸۸۳، ۱۸۸٦،
۱۹۰۳، ۱۹۰۵، ۱۹۱۲، ۱۹۲۲، ۱۹۲۳،
۱۹۲٦، ۱۹۳۰، ۱۹۳۲، ۱۹۳٤، ۱۹۳۷،
۱۹۳۸، ۱۹٤٦، ۱۹٤۷، ۱۹٤۹ — ۱۹۵۱،
۱۹۵۵، ۱۹۵۷، ۱۹۵۹، ۱۹٦۳، ۱۹۸۰،
۱۹۸٦، ۱۹۹۵، ۲۰۰۲ — ۲۰۰٤، ۲۰۰۷،
۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۸ — ۲۰۲٤، ۲۰۲۷،
۲۰۲۸، ۲۰۳۱ — ۲۰۳۳، ۲۰۳۷، ۲۰۳۹،
۲۰٤۰، ۲۰۵۰، ۲۰٦۱، ۲۰۸۹، ۲۱۰۱،
۲۱۱۲، ۲۱۱۵، ۲۱۱۹ — ۲۱۲۱، ۲۱۳۱ —
۲۱۳٦، ۲۱٤۰، ۲۱٤۱، ۲۱۵۲، ۲۱۵۳،
۲۱۵۵، ۲۱۵٦

روسیه (روزنامه)؛ [ج ۵] ۱۱٤۰؛ [ج ۷]
۱۵٤۹؛ [ج ۸] ۱٦۹۱، ۱۷۱۵، ۱۷۳٦،
۱۷٤۰، ۱۷٦۸، ۱۸۳۹، ۱۸٤۱، ۱۸٤۷،
۱۸۵۸، ۱۸۸٦، ۱۹۲۸، ۱۹۷۱، ۲۰۰۷،
۲۰٦۱، ۲۱۵۲

رویتر ــ روتر (روزنامه ــ خبرگزاری)؛ [ج ۳]
٦۲۲، ٦۸۸؛ [ج ۵] ۱۱۸۲؛ [ج ٦] ۱۳۳۰؛
[ج ۸] ۱۸۸۱

رولور (سلاح)؛ [ج ۸] ۲۱۴۵
رووِلوسیون ــ رووِلوسیونر؛ [ج ۸] ۱۷۱۹، ۱۸۷۱، ۱۹۷۵، ۲۰۳۸ ــ ۲۰۴۰، ۲۱۰۵

زردشتی ــ زردشتیه (مردم)؛ [ج ۳] ۵۹۷، ۶۰۱، ۶۴۹، ۶۶۸، ۶۸۰؛ [ج ۴] ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۳۴، ۸۷۱، ۸۹۳؛ [ج ۶] ۱۴۳۲، ۱۴۳۷، ۱۴۴۹، ۱۴۵۴
زنگینه (زنگنه؟) (رژیمان قزاق)؛ [ج ۷] ۱۶۶۷
زیتون (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۲
زیتون و خلیل (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۳
زیقلر ــ زیگلر (کمپانی)؛ [ج ۱] ۱۲۶، ۲۱۸؛ [ج ۲] ۴۷۲، ۵۲۴، ۵۳۵؛ [ج ۴] ۷۹۸، ۸۰۰، ۸۰۵؛ [ج ۵] ۱۰۰۷، ۱۰۰۹، ۱۰۱۴، ۱۰۲۹، ۱۰۸۹، ۱۱۲۵، ۱۱۳۷، ۱۱۶۷، ۱۱۸۴، ۱۲۰۴، ۱۲۲۴، ۱۲۴۰؛ [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۲۹۵، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۶۵؛ [ج ۷] ۱۶۲۲—۱۶۲۴، ۱۶۶۱، ۱۶۶۷؛ [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۷۰۵، ۱۹۶۷
زینگر؛ [ج ۴] ۸۰۰

ژاپونی (مردم)؛ [ج ۶] ۱۴۴۲
ژاندارمری: دولتی، ملّی؛ [ج ۶] ۱۲۵۶، ۱۲۵۹، ۱۲۶۴، ۱۲۶۶، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۴، ۱۲۷۷، ۱۲۸۹، ۱۳۳۰، ۱۳۴۷، ۱۴۳۲؛ [ج ۸] ۱۶۹۲—۱۶۹۴، ۱۷۰۱، ۱۷۰۹، ۱۷۱۴، ۱۷۱۸، ۱۷۲۱، ۱۷۲۸، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۱، ۱۷۵۷، ۱۷۶۸، ۱۷۸۸، ۱۷۹۲، ۱۸۱۶، ۱۸۲۳، ۱۸۲۶، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷، ۱۸۶۳ ــ ۱۸۶۵، ۱۸۷۳ ــ ۱۸۷۸، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۸۷، ۱۸۹۷، ۱۹۰۰، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۵، ۱۹۰۷، ۱۹۱۲، ۱۹۱۵، ۱۹۲۳، ۱۹۳۰، ۱۹۳۲، ۱۹۴۰، ۱۹۴۶، ۱۹۴۷، ۱۹۷۰، ۱۹۷۶—۱۹۷۹، ۱۹۸۱، ۲۰۰۳، ۲۱۰۱، ۲۱۰۵، ۲۱۰۶، ۲۱۱۱، ۲۱۱۳، ۲۱۱۶، ۲۱۱۸، ۲۱۲۵، ۲۱۳۵، ۲۱۴۳، ۲۱۵۲، ۲۱۶۴، ۲۱۷۲، ۲۱۷۵—۲۱۷۷، ۲۱۹۳، ۲۱۹۹، ۲۱۰۰، ۲۱۰۳، ۲۱۰۵، ۲۱۱۲، ۲۱۱۴، ۲۱۱۸، ۲۱۲۹، ۲۱۳۱، ۲۱۳۵، ۲۱۳۶، ۲۱۳۸، ۲۱۴۴، ۲۱۴۷، ۲۱۴۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۳، ۲۱۵۴، ۲۱۵۷
ژاندارمری سوئد ــ سوئدی؛ [ج ۸] ۱۸۷۸، ۱۸۸۱، ۱۹۷۶
ژاندارمری فارس ــ جنوب؛ [ج ۸] ۱۹۷۷، ۲۰۰۳، ۲۱۰۰، ۲۱۳۸، ۲۱۳۹

سائیس؛ [ج ۸] ۲۱۴۶—۲۱۴۸
ساخلوی تهران؛ [ج ۸] ۱۹۴۷
ساسون (کمپانی)؛ [ج ۸] ۲۰۲۶
سالیانسکی (نک: رژیمان سالیانسکی، بخش ۳)
سربازهای دسته ۱۸ ترکستان؛ [ج ۸] ۱۸۶۸
سرخه‌ای (مردم)؛ [ج ۶] ۱۳۰۸؛ [ج ۸] ۲۰۱۷، ۲۰۲۶، ۲۰۸۲
سرخسی؛ [ج ۷] ۱۶۲۳
سرویس ریو (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۳
سفیر انگلیس؛ [ج ۸] ۱۸۱۲، ۱۹۳۲، ۲۰۳۱، ۲۰۷۵، ۲۰۷۶
سفیر ایران؛ [ج ۸] ۱۹۳۴
سفیر روس؛ [ج ۸] ۱۷۶۲، ۱۷۸۴، ۱۷۸۹،

۱۸۷۰، ۱۸۷۵، ۱۸۸۰، ۱۹۲۲، ۱۹۶۰،
۱۹۸۲، ۲۰۲۹، ۲۰۳۱، ۲۰۹۷، ۲۱۴۰
سفیر هلند؛ [ج ۸] ۱۸۳۸، ۱۸۸۰، ۱۹۳۲
سگوند (سگ‌وند ــ ایل)؛ [ج ۳] ۷۶۵؛ [ج ٤]
۹۶۲؛ [ج ۸] ۲۰۷۳
سلیگمان: مسترز، مرنر (شرکت)؛ [ج ۸]
۱۹٤۹، ۱۹۵۵
سنترال ایندیا (دستهٔ نظامی)؛ [ج ۷] ۱۵٤۱
سنجاب؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
سنجابی (ایل)؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۵۳۳؛ [ج ۳]
۵۶۷؛ [ج ٤] ۷۸۶، ۷۸۷، ۸۲۳، ۸۸۵،
۹۶۰؛ [ج ۵] ۱۲۳۳؛ [ج ۸] ۱۷۱۱،
۱۷۶۵، ۱۷۹۶، ۱۹۹۷، ۲۰۰۱، ۲۰۵۵،
۲۱۵۰، ۲۱۵۱
سندیکای بین‌المللی؛ [ج ٤] ۸۳۰، ۸۳۱، ۹۵۲
سندیکای انگلیس؛ [ج ۸] ۱۹۵۵، ۲۱٤۱
سندیکای راه‌آهن‌های ایران؛ [ج ۸] ۱۹۵۵،
۲۰۶۸، ۲۱۳۹
سنی (مردم ــ گروه دینی)؛ [ج ۳] ۵۶۸؛
[ج ۵] ۱۰۲۱، ۱۰۹۷
سوئدی (مردم)؛ [ج ٤] ۹۲۸، ۹۵٤؛ [ج ۵]
۱۲٤٤؛ [ج ۷] ۱٤۹٤، ۱٤۹۶، ۱٤۹۷،
۱۵۰۸، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳،
۱۵۲۶، ۱۵۵۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۸، ۱۵۷۳،
۱۵۷۷، ۱۵۸۶، ۱۵۸۸، ۱۶۰۱، ۱۶۱۵،
۱۶۲۸، ۱۶۳۷، ۱۶٤۱، ۱۶٤۳، ۱۶٤٤،
۱۶۵۲، ۱۶۵۹، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۷،
۱۶۷۹، ۱۶۸۲—۱۶۸٤
سوارهای بختیاری؛ [ج ۸] ۲۰۵۸
سواره‌های هندمرکزی ــ هندی ــ اسکادران ــ
دسته هند مرکزی؛ [ج ۸] ۱۸۰۵، ۱۸۱۸،
۱۸۱۹، ۱۹۲۱، ۱۹٤۱، ۱۹٤٤، ۲۰۰۷،
۲۰۱٤، ۲۰۳۵، ۲۰۵۱، ۲۰۷۱، ۲۰۷۳،
۲۰۷۵—۲۰۷۷، ۲۰۸۶، ۲۱۰۷، ۲۱۱۹،
۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱٤۳، ۲۱٤٤
سوسیالیزم (سسیالیزم)؛ [ج ۵] ۱۲۰۲
سوسیته دِتود؛ [ج ۸] ۱۷٤۶، ۱۹۵۰، ۱۹۵۱،
۱۹۵٤، ۱۹۵۷، ۱۹۸۰، ۲۰۲۸، ۲۱٤۰
سویسی (مردم)؛ [ج ۲] ٤۶٤
سیخ (سیک)؛ [ج ۷] ۱۵٤۲، ۱۵٤٤
سیلاخوری (فوج نظامی)؛ [ج ۳] ۵۶٤، ۵۹۸،
۶٤۵، ۷۰۸؛ **[ج ٤] ۹٤۰**

شاهسون (ایل)؛ [ج ۲] ٤۸۶، ٤۸۷؛ [ج ۳]
۵۶۶، ۵۷۹، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۲۸، ۶۳۲،
۶٤۶، ۶۵۲، ۶۷۰، ۶۷۵، ۷۰۱، ۷۳۶،
۷۳۸، ۷٤۷—۷٤۹، ۷۵۱، ۷۵۲،
۷۵٤—۷۵۶، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۶؛ [ج ٤]
۷۷۶، ۷۷۹—۷۸۱، ۷۸٤، ۷۸۵، ۷۹۸،
۸۰۱، ۸۱٤، ۸۱۵، ۸۱۹، ۸۲۱، ۸۳۸.
۸٤۵، ۸۵۵، ۹۲٤، ۹۳٤، ۹۳۶، ۹۳۸،
۹۵۵؛ [ج ۵] ۱۰۶۶، ۱۰۹۶، ۱۱۰٤،
۱۱۰۶، ۱۱۱۰، ۱۱۱٤، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶،
۱۱۸۷، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵؛
[ج ۶] ۱۲۷۹، ۱٤۳۷؛ [ج ۷] ۱۵۵۰،
۱۵۵۱، ۱۵۶۷، ۱۵۹۸، ۱۶۰۳؛ [ج ۸]
۱۷۲۷، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۸۱۵، ۱۸۲۳۰،
۱۸۲۵، ۱۸٤۷، ۱۸٤۸، ۱۸۵۶، ۱۸۶۶،
۱۸۶۹، ۱۸۸۶، ۱۹۰۵، ۱۹۱۳، ۱۹۲۲،
۱۹۷۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۲۰۰۷
شاهسون‌های قوجه بیگلو؛ [ج ۸] ۱۹۱۳
شرکت دتود راه‌آهن سرتاسر ایران؛ [ج ۸]
۲۱۵۵، ۲۱۵۶ (نیز نک: سوسیته دتود،

بخش ۳)
شرکت راه تبریزی و جلفا؛ [ج ٤] ۸۱۹
شش بلوکی؛ [ج ۷] ۱٦٤۲، ۱٦۸۱؛ [ج ۸] ۲۰۸۰
شماخلیسکی (فوج)؛ [ج ۷] ۱۵۳۸
شه‌بندری؛ [ج ۲] ۵۳۳
شورای دولتی؛ [ج ۸] ۲۰۰٤
شیبانی (ایل ــ اعراب)؛ [ج ۸] ۱۷٤۱، ۱۹٤٤، ۲۰۸۱، ۲۰۸۲
شیعه (مردم ــ گروه مذهبی)؛ [ج ۳] ۵٦۸؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
شیمک ــ سمک (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱٦۲۲—۱٦۲٤
صاحب‌منصبان اروپائی؛ [ج ۸] ۱۹۱۲، ۱۹۸۱
صاحب منصبان امریکائی؛ [ج ۸] ۱٦۹۳
صاحب منصبان انگلیسی؛ [ج ۸] ۲۰۹۳، ۲۱۲۲، ۲۱۳۷
صاحب منصبان رؤس؛ [ج ۸] ۲۰٤۰، ۲۱۱۲
صاحب منصبان سوئدی؛ [ج ۸] ۱٦۹۲، ۱٦۹٤، ۱۷۰۰، ۱۷۰۳، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۸۱۳، ۱۸۲۳، ۱۸۵۸، ۱۸٦۳، ۱۸٦٤، ۱۸۷٤، ۱۸۹۸، ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰٦، ۱۹۰۷، ۱۹٤۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۷، ۱۹۹۹، ۲۱۰۵، ۲۱۱۷، ۲۱۲۹، ۲۱۳۱، ۲۱۵۳، ۲۱۵٤، ۲۱۵٦
صاحب منصبان هندی؛ [ج ۸] ۲۰٤۵
صدراعظم روس؛ [ج ۸] ۱۷۸۹
صدوند (= سگوند؟)؛ [ج ۸] ۲۰۷۳
صفی خان (طایفه)؛ [ج ۷] ۱٦۸۱
صوراسرافیل (روزنامه)؛ [ج ۱] ۲٤۵
ضریح حضرت رضوی؛ [ج ۸] ۱۷۳۰
طاعون (بیماری)؛ [ج ۸] ۱۸۱۷
طاهری (ایل)؛ [ج ۵] ۱۰۹۷
طهمورثی (گروه)؛ [ج ٤] ۸۰۸
عاشورا؛ [ج ۷] ۱۵۹۸
عثمانی (مردم ــ دولت)؛ [ج ۲] ۳۵۷—۳۵۹، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۱، ٤۲۹، ٤٤۲، ٤۵۲، ٤۵۵، ٤۵٦، ٤٦۰، ٤٦۹، ٤۷۰، ۵۲۵، ۵۳۳؛ [ج ٤] ۷۸۳، ۸۰۹، ۸۱۱، ۹۰۷، ۹۱۷، ۹٤۲؛ [ج ۵] ۹۷٦، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۷٤، ۱۰۷۹؛ [ج ٦] ۱۳۰۰، ۱۳۱۳، ۱۳۳۱ — ۱۳۳۳، ۱۳٤۰؛ [ج ۸] ۱۷٤۸، ۱۸۲۲، ۲۱۱۲، ۲۱۱۳ (نیز نک: عثمانی بخش ۲)
عرب (ایل)؛ [ج ۳] ٦۵٦، ۷۱۳، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷٤٦، ۷٤۷؛ [ج ٤] ۹٤۱، ۹٦۱؛ [ج ۵] ۱۰٤۰، ۱۱۱٤، ۱۱۱۵، ۱۲۰۷، ۱۲۱۲، ۱۲۱۵، ۱۲۳۰؛ [ج ٦] ۱۲۵۳—۱۲۵۸، ۱۲٦۳، ۱۲۷۹، ۱۳۳۹، ۱٤۷۰، ۱٤۷۱، ۱٤۷٤، ۱٤۷۷؛ [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۸۵٦، ۱۸۹۸، ۱۹۰٤
عساکر اصفهان؛ [ج ۸] ۱۹۳۱
عساکر انگلیس؛ [ج ۸] ۱۷۹۰، ۱۹۵۹، ۲۰۷۰، ۲۰۹۱
عساکر بوشهر؛ [ج ۸] ۲۰۸۹
عساکر خراسان؛ [ج ۸] ۱۹۷۱

عساکر روس ؛ [ج ۸] ۱۷۶۷، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۸۴۳، ۱۸۴۸، ۱۸۵۶، ۱۸۸۲، ۱۹۶۳، ۱۹۷۰، ۲۰۶۰، ۲۱۰۵، ۲۱۴۹، ۲۱۵۲
عساکر شیراز؛ [ج ۸] ۱۹۲۴، ۱۹۶۱، ۱۹۸۳
عساکر کرمانشاه؛ [ج ۸] ۱۸۶۸
عساکر مشرق‌زمین؛ [ج ۸] ۲۱۳۶
عساکر هندی؛ [ج ۸] ۱۸۸۹
عشایر؛ [ج ۳] ۶۷۸
علماءِ بزرگ؛ [ج ۸] ۲۰۹۰
علماءِ زنجان؛ [ج ۸] ۱۹۵۵، ۱۹۹۲
علماءِ شیراز؛ [ج ۸] ۱۸۴۵
علماءِ فارس؛ [ج ۸] ۱۸۶۲، ۱۸۶۴
علماءِ کربلاءِ؛ [ج ۳] ۷۱۵، ۷۴۷
علماءِ کردستان؛ [ج ۸] ۱۷۹۵، ۱۸۴۵
علماءِ نجف؛ [ج ۳] ۷۱۶؛ [ج ۶] ۱۴۲۶؛ [ج ۷] ۱۵۲۰، ۱۶۰۲ (نیز نک: مجتهدین بزرگ نجف)
علماءِ نجف و کربلاءِ؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۷۱۸، ۱۷۳۴، ۱۷۹۱، ۱۸۲۵، ۱۸۴۵، ۱۸۶۲ (نیز نک: علماءِ کربلاءِ، نجف ــ بخش ۳)
عیسوی (مردم)؛ [ج ۲] ۵۳۲، ۵۳۳؛ [ج ۶] ۱۴۳۲

فارسی (ایل ــ مردم)؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
فارسی مدان (طایفه)؛ [ج ۵] ۹۷۸، ۹۹۹؛ [ج ۷] ۱۶۴۲، ۱۶۸۱؛ [ج ۸] ۱۸۰۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۷ــ۱۹۱۹، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۶۸، ۲۰۸۰ــ۲۰۸۲، ۲۰۸۵
فاکس ــ فکس (کشتی جنگی)؛ [ج ۲] ۴۴۷، ۴۵۲، ۵۳۶؛ [ج ۴] ۹۶۲
فدائی ــ فدائیان (گروه)؛ [ج ۳] ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۷، ۶۳۶ــ۶۴۰، ۶۸۴، ۶۸۶ــ۶۸۸، ۷۰۱، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۲۱، ۷۲۸، ۷۵۸؛ [ج ۴] ۷۸۰، ۸۱۶، ۸۴۵، ۹۱۴، ۹۱۶؛ [ج ۶] ۱۴۵۷، ۱۴۵۹؛ [ج ۷] ۱۴۹۳، ۱۵۰۱، ۱۵۱۱، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۳۷، ۱۵۴۹، ۱۵۷۴، ۱۵۸۰، ۱۵۹۶، ۱۶۰۲، ۱۶۰۷، ۱۶۱۶، ۱۶۲۰، ۱۶۳۱، ۱۶۷۹؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۶۹۴، ۱۷۱۴، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۶۳، ۱۷۷۴، ۱۷۸۶، ۱۷۹۳، ۱۷۹۵، ۲۰۳۶ــ۲۰۴۰
فدائیان ارامنه؛ [ج ۸] ۱۷۹۳
فدائیان همدان؛ [ج ۸] ۱۹۰۱
فراشباشی؛ [ج ۸] ۱۷۷۶، ۱۷۷۷
فرانسوی (مردم)؛ [ج ۲] ۳۹۸ــ۴۰۰؛ [ج ۴] ۹۲۸، ۹۲۹؛ [ج ۵] ۱۰۶۳، ۱۲۲۸، ۱۲۳۷؛ [ج ۸] ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۲۱۴۰
فرست اکپلایتی شن (= اکسپلایتی شن) (کمپانی)؛ [ج ۸] ۱۸۹۷
فرقهٔ احرار ملیون؛ [ج ۴] ۸۸۰، ۸۸۱
فرقهٔ دموکرات؛ [ج ۶] ۱۳۳۶، ۱۴۰۱
فرقهٔ ملیون؛ [ج ۴] ۸۷۴، ۹۶۵
فرقهٔ ملیون تهران؛ [ج ۲] ۴۲۷، ۴۳۷
فرمانفرمای شیراز؛ [ج ۸] ۲۰۰۲، ۲۰۰۳
فرمانفرمای فارس؛ [ج ۸] ۱۸۷۷، ۲۰۰۱
فرمانفرمای قفقاز؛ [ج ۸] ۱۸۷۱
فرمانفرمای هند، هندوستان؛ [ج ۸] ۱۹۲۴، ۱۹۲۶
فوج کرند (گروه نظامی)؛ [ج ۴] ۹۰۱ــ۹۰۳

قاجار (ایل)؛ [ج ۳] ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۷
قاجاریه (پادشاهی)؛ [ج ۲] ۳۹۵؛ [ج ۳]

۶۲۴، ۶۸۵، ۷۳۱؛ [ج ۵] ۱۲۳۴؛ [ج ۸] ۱۷۰۹، ۱۸۲۴، ۲۰۸۹
قانون اساسی؛ [ج ۸] ۱۷۷۳
قانون انتخابات؛ [ج ۸] ۲۰۰۷
قراجه‌داغی (مردم)؛ [ج ٤] ۷۷٦، ۸۱۰، ۸۱٤
قرضه اشنیدر پاریس؛ [ج ۸] ۱۹۳۹
قرضه انگلیس و هند؛ [ج ۸] ۱۸۱۱
قرضه به ایران؛ [ج ۸] ۱۹٦۰
قرضه روس به ایران؛ [ج ۸] ۱۹۳۰
قره (قرائی؟) (فوج)؛ [ج ۱] ۱۲٤
قره‌باغی (مردم)؛ [ج ۲] ۳۸۸
قره‌داغی (مردم)؛ [ج ۲] ٤۰٤، ٤۱۷—٤۱۹، ٤۳۳، ٤۳٤، ٤٦۲، ٤٦٤؛ [ج ۳] ۷٤۷، ۷٤۸، ۷۵۱، ۷۵٤—۷۵٦؛ [ج ۵] ۱۰٦٦، ۱۰۹٦، ۱۱۰٦، ۱۱۵۲، ۱۲۳۳
قره‌سوران (مأمور انتظامات جاده‌ها)؛ [ج ۲] ۵۳۵؛ [ج ۳] ٦۰۱، ۷۳۲؛ [ج ٤] ۹۰۹؛ [ج ۵] ۱۰۸۰؛ [ج ٦] ۱۲٦۱، ۱۲۹۱، ۱۳۳٤، ۱۳٤۲، ۱٤٤۸
قره‌سورانی؛ [ج ۸] ۲۱۱۳
قزاق؛ [ج ۳] ٦۳۸—٦٤۰، ٦٤۳، ٦٤٤، ٦٤٦، ٦۵۷، ٦۸۲، ٦۸٤، ٦۸٦—٦۸۸، ٦۹۰، ٦۹۷، ۷۰۱، ۷۰۵—۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۵، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷٤۸—۷۵۵، ۷۵۸، ۷٦۰—۷٦۲، ۷٦۵؛ [ج ٤] ۷۷٦، ۷۷۷، ۷۸۰، ۷۸۳—۷۸۵، ۷۸۷، ۸۰٤، ۸۱٤، ۸۲۷، ۸٦٤، ۸۷۲، ۸۷۵، ۸۸۱، ۸۸۳، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۰، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۱۱، ۹٤۹، ۹۵٤، ۹٦۰، ۹٦۱؛ [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۱۳، ۱۰۳۱، ۱۰۳۸، ۱۰۷۷، ۱۱۱٤، ۱۱۲٦، ۱۱٦۲، ۱۱٦۹، ۱۱۷۸، ۱۱۸۵، ۱۱۹۳، ۱۲۰۷، ۱۲۱۹، ۱۲٤۳؛ [ج ٦] ۱۲٦۷، ۱۲۷٤، ۱۲۷۷، ۱۲۹۰، ۱۳۰۰، ۱۳۰٤، ۱۳۰۹—۱۳۱۱، ۱۳۱۳، ۱۳۱٤، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۵، ۱۳۲۸، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳٤۰، ۱۳٤٦، ۱۳٤۹، ۱۳۵۳، ۱۳۵٦، ۱۳٦٤، ۱۳۷۱، ۱۳۸۹، ۱۳۹۱، ۱۳۹۳، ۱۳۹۵، ۱٤۲۰، ۱٤۲۷، ۱٤۳۸ — ۱٤٤۱، ۱٤٤۸، ۱٤۵۱، ۱٤۵۸ — ۱٤٦۰؛ [ج ۷] ۱٤۹۱، ۱٤۹۵، ۱۵۰۷، ۱۵۲٤، ۱۵۳۷ — ۱۵۳۹، ۱۵۹۲، ۱٦۳۱، ۱٦۵۰، ۱٦٦۰، ۱٦٦٦، ۱٦٦۸؛ [ج ۸] ۱٦۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۱٦، ۱۷۲۳، ۱۷۲۷، ۱۷۳۱، ۱۷٤۱، ۱۷٦۸، ۱۷۸۷، ۱۸۲۲، ۱۸۷۹، ۱۹٤۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰٦، ۲۰٦۱، ۲۱۰٦، ۲۱۲۱
قزاقهای قفقازیه؛ [ج ۸] ۱۸٦۸
قشقائی (ایل)؛ [ج ۲] ۳٦۷، ۳۸۵، ٤۰۹، ٤۱۰، ٤۱٤، ٤۳۲؛ [ج ۳] ۵۹۷، ٦۰٤، ٦۱۵، ٦۵۰، ٦۵٦—٦۵۸، ٦۷۰، ٦۷٦، ٦۹۹، ۷۱۳—۷۱۵، ۷۳۲، ۷۵۸، ۷٦٤؛ [ج ٤] ۷۸۷—۷۹۰، ۸۰۰، ۸۰٤، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۲۰، ۸۳٦، ۸۵٦، ۸۵۷، ۸٦٦، ۸٦۷، ۸۷۲—۸۷٤، ۸۸٦—۸۸۸، ۸۹۲، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۳، ۹۲۵، ۹۳۰، ۹۳۳، ۹۳٦، ۹۳۷، ۹٤۱، ۹٤٤—۹٤٦، ۹٦۰، ۹۷۰؛ [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۸، ۹۸۱، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰٤۵، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۸، ۱۱۱۳—۱۱۱۵، ۱۱۲۸، ۱۱۳۷، ۱۱٤٤، ۱۱۵۰، ۱۱۵۹، ۱۱۹۱، ۱۱۹۷، ۱۲۰۷، ۱۲۱۲، ۱۲۲۰، ۱۲۲۳، ۱۲۲٤، ۱۲۳۱، ۱۲٤۱، ۱۲٤۲، ۱۲٤٤، ۱۲٤٦؛ [ج ٦] ۱۲۵۷، ۱۲٦٤، ۱۲٦۸،

۱۲۶۹، ۱۲۷۴، ۱۲۷۹، ۱۳۳۴، ۱۳۳۹،
۱۴۳۷، ۱۴۴۲، ۱۴۶۳ — ۱۴۶۵، ۱۴۶۷ —
۱۴۷۶، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱؛ [ج ۷] ۱۵۲۱،
۱۵۲۷، ۱۵۴۲، ۱۶۲۲ — ۱۶۲۴، ۱۶۴۲،
۱۶۵۹، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲؛ [ج ۸] ۱۶۹۳،
۱۷۳۴، ۱۷۵۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۸، ۱۸۰۴،
۱۸۰۶، ۱۸۰۸، ۱۸۱۲، ۱۸۱۶، ۱۸۲۵،
۱۸۹۸، ۱۹۰۰، ۱۹۰۴، ۱۹۰۷ — ۱۹۱۱،
۱۹۱۸، ۱۹۱۹، ۱۹۴۱، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴،
۱۹۵۳، ۱۹۶۵ — ۱۹۶۸، ۲۰۰۸، ۲۰۱۶،
۲۰۶۴، ۲۰۸۰، ۲۰۸۲ — ۲۰۸۷، ۲۰۹۴،
۲۱۰۷، ۲۱۲۲
قشون ایران؛ [ج ۸] ۱۸۸۲
قشون روس؛ [ج ۸] ۱۷۲۷، ۱۹۴۰
قشون شیراز؛ [ج ۸] ۲۱۰۰
قشون قزاق؛ [ج ۸] ۲۱۰۵
قشون کرمانشاه؛ [ج ۸] ۱۹۴۷
قشون ملتیان ــ قشون ملی؛ [ج ۳] ۷۰۴، ۷۰۵،
۷۰۹
قشون هندی؛ [ج ۸] ۲۱۵۶
قفقازی (مردم)؛ [ج ۲] ۳۸۷، ۴۴۹، ۴۵۹ —
۴۶۱، ۴۷۴، ۴۸۷، ۵۲۲؛ [ج ۳] ۵۴۷،
۵۴۸، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۷۵، ۵۸۲، ۵۹۱،
۶۰۷، ۶۸۶، ۷۵۴، ۷۶۱؛ [ج ۴] ۸۱۶؛
[ج ۵] ۹۸۷، ۱۰۰۳؛ [ج ۶] ۱۳۳۸؛ [ج ۷]
۱۵۳۷، ۱۵۸۱، ۱۵۸۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۹،
۱۶۳۲، ۱۶۳۸، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۶۰؛
[ج ۸] ۱۶۹۶
قلخانی ــ کلخانی (ایل)؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
قلهک؛ [ج ۳] ۷۲۰
قنسول انگلیس؛ [ج ۸] ۱۹۵۵، ۲۰۲۹، ۲۰۳۴،
۲۰۴۳، ۲۱۰۹، ۲۱۳۴، ۲۱۳۸
قنسول بوشهر؛ [ج ۸] ۲۱۳۹
قنسول تبریز؛ [ج ۸] ۱۹۱۳
قنسول روس؛ [ج ۸] ۱۷۶۶، ۱۸۲۴، ۲۰۹۸
قنسول شیراز؛ [ج ۸] ۱۹۶۴، ۱۹۹۹، ۲۰۶۳،
۲۰۶۴، ۲۰۶۶، ۲۱۳۸، ۲۱۵۶
قنسول عثمانی؛ [ج ۸] ۱۷۶۶
قنسول فرانسه؛ [ج ۸] ۱۸۷۱
قوامی (گروه)؛ [ج ۳] ۶۰۲، ۶۱۵، ۶۵۰؛
[ج ۴] ۸۰۴، ۸۳۶، ۸۹۴، ۹۱۳، ۹۶۱؛
[ج ۵] ۹۹۹؛ [ج ۶] ۱۲۷۴، ۱۴۶۲، ۱۴۶۴
قوجبگلو (قوجه بگلو ــ طایفه)؛ [ج ۴] ۷۸۰

کارگزار (بافت)؛ [ج ۸] ۱۸۲۹، ۱۸۳۰،
۱۸۳۲، ۱۸۳۵—۱۸۳۷
کاستلی ــ نیرکو کاستلی و برادران (کمپانی)؛
[ج ۶] ۱۲۸۳، ۱۲۸۴
کاکاری (گروه)؛ [ج ۴] ۹۰۷
کاکاوند (ایل)؛ [ج ۱] ۱۹۰؛ [ج ۴] ۷۹۸،
۹۴۰؛ [ج ۸] ۱۷۰۴، ۱۷۰۵
کالونی (طایفه)؛ [ج ۷] ۱۶۲۲
کدخدای دشت ارمن (ارژن؟)؛ [ج ۸] ۱۸۹۸
کرد؛ [ج ۷] ۱۶۵۷، ۱۶۶۷
کردستانی (مردم)؛ [ج ۸] ۱۷۰۴
کردی لیونه (بانک)؛ [ج ۳] ۷۲۸
کرشوئی (گروه)؛ [ج ۵] ۱۰۰۰
کروز (مسلسل)؛ [ج ۴] ۹۱۹
کشکولی (طایفه)؛ [ج ۴] ۸۲۴، ۸۳۶؛ [ج ۵]
۱۱۱۴، ۱۱۱۵؛ [ج ۷] ۱۵۴۲، ۱۵۵۱،
۱۶۲۴، ۱۶۴۲؛ [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۸۰۵ —
۱۸۰۸، ۱۸۲۶، ۱۹۰۴، ۱۹۰۹ — ۱۹۱۱،
۱۹۱۹، ۱۹۲۰، ۱۹۴۳، ۱۹۶۶، ۲۰۷۷،
۲۰۸۱، ۲۰۸۲، ۲۰۸۴، ۲۰۸۵، ۲۱۲۱، ۲۱۲۳

کلانتر فارسی مدان (طایفه)؛ [ج ۸] ۱۹۱۹
کلانتر کازرون؛ [ج ۸] ۱۸۰۷، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲
کلخانی (نک: قلخانی)
کلدانی (مردم)؛ [ج ۳] ۵۹۷، ۶۸۰؛ [ج ۶] ۱۴۳۷
کلنل ژاندارمری؛ [ج ۸] ۱۹۸۶، ۲۰۰۳، ۲۰۷۱ (نیز نک: یالمارسن ــ بخش ۱)
کلنل ــ کلنل سوئدی؛ [ج ۸] ۱۷۲۸، ۲۱۳۰، ۲۱۳۱ (نیز نک: یا لمارسن ــ بخش ۱)
کلوب انگلیس؛ [ج ۷] ۱۶۲۲
کلهر (ایل)؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۴، ۴۰۹، ۴۱۰، ۵۳۳؛ [ج ۳] ۷۶۳؛ [ج ۴] ۷۸۲، ۸۲۳، ۸۶۳، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۲، ۸۸۵، ۹۱۰، ۹۶۰، ۹۷۰؛ [ج ۵] ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۱۳۹، ۱۱۹۷، ۱۲۰۹، ۱۲۳۱، ۱۲۳۳؛ [ج ۷] ۱۶۶۵، ۱۶۶۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۱۱، ۱۷۴۱، ۱۷۴۹، ۱۷۷۰، ۱۷۸۳، ۱۷۹۴، ۱۷۹۷، ۱۷۹۸، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۲۱۵۱
کلیائی (ایل)؛ [ج ۵] ۹۸۲
کلیمی (مردم)؛ [ج ۳] ۶۸۰
کمارجی (مردم؛ [ج ۵] ۱۲۴۱؛ [ج ۷] ۱۶۲۴
کمپانی حمل و نقل ایران؛ [ج ۸] ۱۷۵۶، ۱۷۷۹، ۱۷۸۴
کمپانی راه شوسه؛ [ج ۳] ۵۷۶
کمپانی نفت انگلیس و ایران؛ [ج ۸] ۱۸۸۸، ۱۸۹۴
کمپانی نفت بختیاری؛ [ج ۸] ۱۸۶۵، ۱۸۸۸، ۱۸۹۲، ۱۸۹۴، ۱۸۹۷
کمپانی نفت قصرشیرین؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
کمیته اتحاد اسرائیلی؛ [ج ۴] ۸۳۵ کمیته؛ [ج ۴] ۹۴۵ مجمع؛ [ج ۴] ۹۴۹
کمیتهٔ ایالتی گیلان؛ [ج ۵] ۱۱۶۲
کمیته دتود؛ [ج ۸] ۱۹۶۰، ۲۰۲۳، ۲۰۲۷، ۲۱۰۲
کمیتهٔ زنان آزادی طلب لندن؛ [ج ۷] ۱۵۳۶
کمیتهٔ مرکزی اتحادیهٔ ایرانیها؛ [ج ۸] ۱۹۷۵
کمیتهٔ مرکزی ارامنه؛ [ج ۸] ۱۷۴۸
کمیتهٔ ملتیان؛ [ج ۳] ۶۴۲، ۶۵۳، ۷۰۸
کمیتهٔ ملی؛ [ج ۳] ۵۹۶، ۷۲۷، ۷۲۸
کنسی دتا؛ [ج ۸] ۲۰۰۴
کوار (ایل)؛ [ج ۸] ۱۷۵۸
کهگیلویه (ایل)؛ [ج ۳] ۵۷۲، ۶۰۱، ۷۴۸، ۷۵۸، ۷۶۲، ۷۶۵
کهکلوئی ــ کهگیلویه‌ای (مردم)؛ [ج ۴] ۷۷۵، ۷۸۱، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۷، ۸۱۱، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۳۶، ۸۴۶، ۸۶۶، ۹۵۵، ۹۶۱؛ [ج ۵] ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۶۵، ۱۰۷۲، ۱۰۸۹، ۱۰۹۸، ۱۱۲۹، ۱۲۰۳؛ [ج ۶] ۱۲۶۵، ۱۲۸۲، ۱۲۹۵، ۱۳۳۴، ۱۳۳۸، ۱۴۴۳، ۱۴۴۸، ۱۴۷۸؛ [ج ۷] ۱۶۲۴، ۱۶۶۱؛ [ج ۸] ۱۷۷۲، ۱۷۷۹، ۱۸۰۲، ۱۸۰۶، ۱۸۱۹، ۱۸۵۲، ۱۸۶۲، ۱۸۶۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۸، ۱۸۹۱، ۱۸۹۶، ۱۹۰۸، ۱۹۲۷، ۱۹۶۹، ۱۹۹۰ — ۱۹۹۲، ۲۰۵۱، ۲۰۵۹، ۲۱۰۵، ۲۱۰۷، ۲۱۵۱
گارد افتخار؛ [ج ۳] ۷۲۹
گبر (مردم)؛ [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸؛ [ج ۷] ۱۵۳۹؛ [ج ۸] ۱۷۴۰، ۱۷۴۶، ۱۷۴۸، ۲۰۰۹
گتا (واحد نظامی)؛ [ج ۶] ۱۳۴۸

گتلند (واحد نظامی)؛ [ج ٦] ١٣٤٨
گتومد ــ گتوند (ایل)؛ [ج ٨] ٢١٥١
گرینوی (شرکت)؛ [ج ٨] ١٩٤٩
گلباغی (گروه)؛ [ج ٧] ١٦٦٧
گمرکات شمال ایران؛ [ج ٨] ٢٠٨٩
گوران (ایل)؛ [ج ٢] ٣٥٣، ٣٨٤؛ [ج ٣] ٥٦٧؛ [ج ٤] ٨٢٣؛ [ج ٨] ١٩٩٦، ٢١٠٦

لابینسکی (فوج)؛ [ج ٧] ١٥٣٨
لاپینگ (کشتی)؛ [ج ١] ١٢٩، ١٥٩
لاری (مردم)؛ [ج ٢] ٤٧١؛ [ج ٣] ٥٦٩
لاید (کمپانی)؛ [ج ٥] ١١٧٢؛ [ج ٧] ١٦٢٤
لبل (تفنگ)؛ [ج ٨] ١٨١٦
لر (مردم)؛ [ج ٣] ٦٥٦، ٧٦٢؛ [ج ٥] ٩٧٨؛ [ج ٦] ١٢٨٧
لرد کمیسیونر (انگلیس)؛ [ج ٨] ١٦٩٠، ١٧٢٤، ٢١٥٦
لزگی (مردم)؛ [ج ٣] ٧٤٤
لشنی (ایل)؛ [ج ٢] ٣٨٣، ٤٧٢، ٥٢٤؛ [ج ٣] ٧٤٤؛ [ج ٤] ٨٢٣، ٩٦١؛ [ج ٧] ١٦٢٣؛ [ج ٨] ١٩٠٨
لنج؛ [ج ٥] ١٠٤٦، ١٠٤٧، ١٠٤٩، ١١٨٤، ١٢٠٣
لی انفیلد ــ انفلیلد (تفنگ)؛ [ج ٨] ٢١٣٨
لینج ــ لینچ (کمپانی)؛ [ج ١] ١٧٩؛ [ج ٤] ٨٥٦؛ [ج ٥] ٩٩٩، ١١٩٢، ١١٩٣، ١٢٠٣، ١٢٠٤، ١٢٠٦؛ [ج ٦] ١٤٤٣؛ [ج ٨] ١٧٥٤، ١٧٥٥، ١٧٥٧، ١٧٧٢، ١٧٩٠، ١٨٠٢، ١٨١٩، ١٩٤٩، ٢١١٩

لیوینگستن (کمپانی)؛ [ج ٧] ١٦٢٤

مارتین (تفنگ)؛ [ج ٤] ٨٠٨؛ [ج ٨] ٢٠٥٦
ماکزیم ــ ماکسیم ــ مکزین (توپ ــ تفنگ)؛ [ج ٣] ٦١٦، ٦١٧، ٦٤٧؛ [ج ٤] ٨٠٥، ٩١٩؛ [ج ٧] ١٥٠٠؛ [ج ٨] ١٧٩٨، ١٨١٧، ١٩٠١، ١٩٩١، ١٩٩٧، ٢١٢٩
ماکوئی (مردم)؛ [ج ٢] ٣٨٨—٣٩٠، ٤٠٩، ٤٦٢
مال سبزعلی (طایفه)؛ [ج ٤] ٩٤٠
متولّی باشی حضرت رضا؛ [ج ٨] (نک: صدرالممالک)
متولّی باشی مسجد گوهرشاد؛ [ج ٨] ١٨١٥
مجاهد ــ مجاهدین؛ [ج ٣] ٦٤٣، ٦٤٧، ٧٠٦، ٧٠٩، ٧٢٨، ٧٥٠، ٧٥٤، ٧٥٨، ٧٦١؛ [ج ٤] ٨٩٥—٨٩٨، ٩٠٦، ٩٠٧، ٩١٤—٩١٦، ٩١٨، ٩١٩؛ [ج ٦] ١٤٦٠؛ [ج ٧] ١٦٦٦، ١٦٦٧؛ [ج ٨] ١٧٠٤، ١٧٠٦، ١٨٤٧، ١٨٨٥، ١٩٠٠، ١٩١٣، ١٩٢٣، ١٩٤٢، ١٩٥٢، ١٩٦٢، ١٩٧٢—١٩٧٤، ١٩٩٧ — ٢٠٠٠، ٢٠٠٩
مجاهدین ارامنه؛ [ج ٨] ١٩٥٢
مجاهدین مسلمان؛ [ج ٨] ١٨٨٥
مجتهدین بزرگ نجف؛ [ج ٧] ١٥٢٠ (نیز نک: علماء نجف)
مجلس (روزنامه)؛ [ج ١] ٢٩؛ [ج ٥] ١٢٢٩؛ [ج ٦] ١٢٨٩؛ [ج ٧] ١٦٠٢
مجلس؛ [ج ٦] ١٢٥٦، ١٢٨١، ١٢٨٢، ١٣١٢، ١٣٣٦، ١٣٣٧، ١٣٤٥، ١٣٤٩، ١٣٥٠، ١٣٥٢، ١٣٦٤، ١٣٦٥، ١٣٧٤، ١٣٧٦، ١٣٧٧، ١٣٧٩، ١٣٨٥، ١٣٨٧، ١٣٨٩،

۱۳۹۰، ۱۳۹۳، ۱۳۹۹، ۱۴۰۱، ۱۴۰۳،
۱۴۰۹، ۱۴۱۲، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۲۰،
۱۴۲۱، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۹، ۱۴۴۳،
۱۴۴۵—۱۴۴۷، ۱۴۵۲، ۱۴۵۴—۱۴۵۶؛
[ج ۷] ۱۵۳۱—۱۵۳۳، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶،
۱۵۴۵—۱۵۴۷، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۷۴،
۱۵۹۸، ۱۶۰۲؛ [ج ۸] ۱۸۱۴، ۱۸۸۳،
۱۸۸۶، ۱۹۴۰، ۱۹۴۲، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳،
۲۰۰۴، ۲۰۰۷، ۲۰۱۹، ۲۰۵۰، ۲۱۰۲ (نیز
نک: مجلس شورای ملی)
مجلس تجارت بوشهر؛ [ج ۳] ۵۷۹
مجلس دارالشورای ملی؛ [ج ۷] ۱۵۵۶
مجلس سنا؛ [ج ۶] ۱۳۴۹، ۱۳۵۸؛ [ج ۷]
۱۵۷۴، ۱۵۸۰، ۱۵۸۵، ۱۶۰۹؛ [ج ۸]
۱۷۷۳، ۱۷۷۴
مجلس شورای ملی؛ [ج ۳] ۶۶۶؛ [ج ۵]
۱۰۲۰—۱۰۲۳، ۱۰۲۵، ۱۰۷۷، ۱۲۳۷،
۱۲۳۸؛ [ج ۶] ۱۲۷۰، ۱۳۸۸، ۱۴۳۱،
۱۴۳۳، ۱۴۴۶؛ [ج ۸] ۱۷۷۳، ۱۷۷۴ (نیز
نک: مجلس و مجلس ملی)
مجلس عالی فوق‌العاده ← مجلس فوق‌العاده
عالی؛ [ج ۳] ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۹—۶۹۱،
۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۴
مجلس مبعوثان (انگلیس)؛ [ج ۸] ۱۹۳۴،
۱۹۳۵
مجلس ملی؛ [ج ۴] ۷۸۳؛ [ج ۸] ۱۷۷۴
مجلس ملی انگلیس؛ [ج ۶] ۱۲۸۴، ۱۴۰۹
محاکمات (روزنامه)؛ [ج ۱] ۱۷۸
محکمهٔ نظامی؛ [ج ۸] ۱۷۰۴
محکمهٔ نظامی روس؛ [ج ۷] ۱۵۴۹؛ [ج ۸]
۲۰۴۰
محمدی (اسکادران نظامی)؛ [ج ۷] ۱۵۴۴
مدرسهٔ امریکائی؛ [ج ۳] ۶۱۷
مدرسهٔ ژاندارمری؛ [ج ۸] ۱۸۵۷
مدرسهٔ عالی امریکایی؛ [ج ۷] ۱۴۸۶؛ [ج ۸]
۱۶۸۵
مدرسهٔ عالی نظامی؛ [ج ۶] ۱۲۷۰
مریضخانهٔ اصفهان (نک: مریضخانهٔ دعاة
مسیحی)
مریضخانهٔ انگلیس؛ [ج ۸] ۲۰۰۷
مریضخانهٔ دعاة مسیحی؛ [ج ۱] ۲۰۵۵، ۲۰۵۷،
۲۰۶۰
مزیدی (طایفه)؛ [ج ۶] ۱۴۶۵
مسلمان ← مسلمانها (گروه دینی)؛ [ج ۳]
۷۱۰؛ [ج ۸] ۱۷۶۴، ۱۸۲۲
مسیحی ← مسیحیان (مردم)؛ [ج ۲] ۳۸۷؛
[ج ۳] ۶۶۸
شرق زمین؛ [ج ۸] ۲۱۳۶
مشروطه ← مشروطیت؛ [ج ۲] ۳۳۳، ۳۳۵،
۳۳۸—۳۴۲، ۳۴۴—۳۴۸، ۳۵۳، ۳۵۸،
۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۹ — ۳۷۱،
۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹ — ۳۸۳، ۳۸۹ — ۳۹۲،
۳۹۶، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۰۸، ۴۱۱،
۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۵،
۴۳۶، ۴۴۱، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۶۰، ۴۶۸،
۴۷۰، ۴۷۲، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۶،
۴۸۸، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۰، ۵۲۱،
۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۳—۵۳۵، ۵۴۰؛ [ج ۳] ۵۴۵،
۵۴۹، ۵۵۲، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۴،
۵۶۵، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۹،
۵۸۰، ۵۸۳، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۱،
۵۹۲، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰—۶۰۳،
۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۲—۶۱۴، ۶۲۱،
۶۳۷—۶۴۳، ۶۴۵، ۶۵۰، ۶۵۷، ۶۸۲،

۶۸۳، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۱۰،
۷۱۲، ۷۲۹، ۷۳۲، ۷۵٤، ۷۶٤؛ [ج ٤]
۷۸۰، ۷۸۱، ۷۹۵، ۸۶۸، ۹۰۸، ۹۳۹؛
[ج ۵] ۱۰۰۱، ۱۰۲۰، ۱۰۲۲، ۱۰۲٤
۱۰۲۷، ۱۰۳٤، ۱۰۳۵، ۱۰۹۷، ۱۱۳۱،
۱۱۳۲، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۹۷، ۱۲۳۷،
۱۲٤۷؛ [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۳٤۹، ۱۳۷۷،
۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱٤۳۲، ۱٤۳۳، ۱٤٤۷،
۱٤۶۸، ۱٤۸۱؛ [ج ۷] ۱۵۲۰؛ [ج ۸]
۱۷۸۹، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۸۶، ۱۹٤۰،
۱۹۵۲، ۱۹۶۵، ۱۹۷٤، ۱۹۷۵، ۱۹۹۳،
۱۹۹٤، ۲۰۲۶، ۲۰۳۶
مصری (مردم)؛ [ج ٤] ۹۲۸؛ [ج ۷] ۱۶۲۲
مضغل؛ [ج ٤] ۹۱۹
مظفر (روزنامه)؛ [ج ۱] ۲۹
مظفری (کشتی)؛ [ج ۳] ۵۶۹
معدن نفت بختیاری؛ [ج ۸] ۱۸۹٤
مکنز (تفنگ)؛ [ج ٤] ۸۰۸
ملّیون تندرو؛ [ج ۸] ۱۷۳۰
موزر (سلاح)؛ [ج ۳] ۶۸۷، ۷۰۶؛ [ج ٤]
۸۹۰، ۹۱٤، ۹۱۸؛ [ج ۸] ۱۸۳۸، ۲۱۳۸
مولا (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۳
میترایوز (توپ)؛ [ج ۸] ۱۸۸۱

نانکلی ــ نانه کلی (ایل)؛ [ج ٤] ۸۲۳
نایب الایالهٔ شیراز؛ [ج ۸] ۱۸۱۲
نایب الحکومهٔ اردستان؛ [ج ۸] ۱۹٤۱
ندای وطن (روزنامه)؛ [ج ۱] ۲۹
نفر (ایل)؛ [ج ۸] ۱۸۵۳
نمدی ها (طایفه)؛ [ج ۷] ۱۶۸۱
نویه ورمیا ــ نوورمیا (روزنامه)؛ [ج ۱] ۳۲۸؛
[ج ۵] ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۶٤، ۱۱۶۵،
۱۱۶۹، ۱۱۷۶ــ۱۱۷۸، ۱۱۸۲؛ [ج ۷]
۱٤۸۹
وارم لاند (فوج نظامی)؛ [ج ۶] ۱۳٤۷
وزیر امورخارجهٔ روس؛ [ج ۸] ۱۹۵۰، ۱۹۵۶،
۱۹۸۶، ۲۱۵۶
وزیر مالیهٔ روس؛ [ج ۸] ۱۷۳۲
وزیر مختار روس؛ [ج ۸] ۲۱۳۳
وزیر هند ــ هندوستان؛ [ج ۸] ۱۷۰۱، ۱۸۸۷،
۲۰۱۹، ۲۱۳۷، ۲۱۵۶
وکیل خزانه داری؛ [ج ۸] ۲۱۳٤
ویس قنسول انگلیس؛ [ج ۸] ۲۰۰۹، ۲۰۱۰
ویس قنسول یزد؛ [ج ۸] ۱۹۸۷
ویر (کمپانی)؛ [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۲۹۵
ویکسن (تجارتخانه)؛ [ج ۵] ۱۰۱۹، ۱۰۳۰؛
[ج ۸] ۱۸۰۵

همدان (فوج)؛ [ج ۶] ۱۲۸۲
همدانی (مردم)؛ [ج ۶] ۱۲۹۵
هند (ادارهٔ)؛ [ج ۷] ۱۵۸۲، ۱۶۱۳، ۱۶۲۸،
۱۶۳٤، ۱۶٤٤، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸
هند (دولت)؛ [ج ۵] ۱۲۱۳، ۱۲٤۵
هند (قشون)؛ [ج ۷] ۱۶۰٤، ۱۶۳۸
هندو (مردم)؛ [ج ٤] ۹۰۹؛ [ج ۶] ۱۳٤۰؛
[ج ۷] ۱۶۶۱
هند و اروپ ــ هند و اروپا (کمپانی)؛ [ج ۲]
۵۲۳، ۵۲٤؛ [ج ۳] ۶۰٤، ۶۸۵، ۶۸۸،
۷۱۹، ۷۳۱؛ [ج ٤] ۸۰۶، ۸۷۶، ۸۷۸،
۸۸۱، ۸۸۲، ۹٤٤، ۹٤۵، ۹۵۸؛ [ج ۵]

۱۰۹۸، ۱۲۰۳؛ [ج ٦] ۱۲۸۹، ۱۳۳۷، ۱٤٦۹، ۱٤۸۳؛ [ج ۷] ۱۵۲۸، ۱۵٤۱، ۱۵٤۲، ۱٦۲۷
هند و انگلیس (ادارهٔ تلگراف)؛ [ج ۵] ۱۱۱۵؛ [ج ۷] ۱٦۲۲؛ [ج ۸] ۱۸۰٤
هندوستان (ادارهٔ) ــ ادارهٔ هند: [ج ۷] ۱۵۲۸، ۱۵٦۰
هندوستان (حکومت) ــ حکومت هند: [ج ۷] ۱۵٦۱، ۱۵٦٦، ۱٦٦۷، ۱٦۸۲
هندی (قشون): [ج ۵] ۱۱٤٦، ۱۱٦۹، ۱۱۹۹؛ [ج ٦] ۱۲٦۱، ۱۲٦۲، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۳۰۵، ۱۳۱٦، ۱۳٤۱، ۱۳٦٤، ۱۳۸۸، ۱۳۹۱، ۱٤٤۳، ۱٤٤۸، ۱٤٤۹؛ [ج ۸] ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۸٦۵، ۱۹۰٤
هندو ــ هندی (مردم): [ج ۳] ۶۰۵، ۶۳۵، ۶٤٤، ۶۹۰، ۷۱۵، ۷۱۸، ۷۵۵، ۷۶۵؛ [ج ٤] ۸۳٦، ۸۳۸، ۸٤٦، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۷٦، ۸۸۱، ۹۰۰، ۹۰۹، ۹۲۰، ۹۳۵، ۹٤۰؛ [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۱٤، ۱۰۱۸، ۱۰۳۸، ۱۰٤۰، ۱۰۵۷، ۱۰۷۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳٦، ۱۱٤۳، ۱۱٤۵، ۱۲۱۰، ۱۲۱۳؛ [ج ٦] ۱۲۸۳ — ۱۲۸۵؛ [ج ۷] ۱٤۹۱، ۱٤۹۲، ۱٤۹۹، ۱۵۰۳ — ۱۵۰٦، ۱۵۳۹، ۱۵٤۰، ۱۵٤۲، ۱۵٦۰، ۱٦۰٦، ۱٦۲۳، ۱٦۲٤، ۱٦۲۷، ۱٦٤۳؛ [ج ۸] ۱۷۰۱، ۱۷٤۸، ۱۸۰۵، ۱۹۲۱، ۲۰٤۵، ۲۱۵۱
هوتزر (توپ)؛ [ج ۳] ۵۷۸، ۵۸۱، ٦٤٦
هیأت مدیره؛ [ج ۳] ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۷، ۷٤۱، ۷٤۳
هیأت اتحادیهٔ ایرانیها ۱۹۷۵
یهود ــ یهودی (مردم)؛ [ج ۱] ۳۸، ٤۲؛ [ج ۲] ۵۳۲، ۵۳۳؛ [ج ۳] ۵۹۷، ٦٦۸، ۷۱۰؛ [ج ٤] ۸۷۱، ۹۱۲، ۹٤٦، ۹٦۰؛ [ج ٦] ۱٤۳۲، ۱٤۳۷؛ [ج ۸] ۱۸۵٦

www.adabestanekave.com

فهرست نکته‌ها و رویدادهای مهم که در ضمن اسناد از آنها یاد شده است

جلد اول

مرگ مظفرالدین شاه ٤

طرح قانون اساسی در مجلس ۱۷

زمزمهٔ مخالفت ایرانیان با دادن امتیاز به خارجی ها ۱۷

ترس دولت‌های انگلیس و روس از مداخله در امور ایران ۱۸

پادشاهی محمد علی شاه ــ باز یافتن سفراء خارجی بنزد شاه ۱۹

احترام مردم به جنازهٔ مظفرالدین شاه و جلوگیری آنها از برده‌شدن جنازه به کربلاء ۱۹

تاج گذاری محمدعلی شاه ــ ولیعهدی احمد شاه ۲۰

نخستین سلام رسمی که در حضور محمدعلی شاه برگزار شد ۲۱

تیرگی روابط مردم با محمدعلی شاه ۲۱

آشکار شدن احساسات ضد اروپائی در مردم ایران ۲۲

پناهندگی مردم اورمیه به کنسول خانه و تلگرافخانهٔ انگلیس ۲۲ ــ ۲۸

مقاومت مردم تبریز در برابر شرکت راهسازی روسی ۲۳

فدائیان رشت از قفقاز دستور می‌گرفتند ۲۳

مردم رشت از گرفتن جشن پادشاهی محمدعلی شاه خودداری کردند ۲٤

طرح مسألهٔ نوز بلژیکی در مجلس ایران ــ مقاومت نوز در برابر مجلس ۲۵

تشکیل گروه فدائیان در ایران ۲٦

قتل پرویز شاه جهانیان در یزد ــ نگرانی زرتشتی ها بر جان خودشان ۲۷

تحصن وعاظ و مردم عادی در شاه ــ عبدالعظیم ۲۷

مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای بیگانه ۳۰

عزل مشیرالدوله از صدارت عظمی ۳۱

آدم کشی و آدم سوزی در سبزوار ۳۳

مردم برای اجراء قول شاه ایران از دولت‌های

خارجی تضمین می‌خواستند! ۳۳
نامهٔ سرزنش‌بار زنان تبریز به مردان شیراز ۳۸
اغتشاش در کرمانشاه ــ تحصن همگانی مردم ــ بر پا کردن چادر بر بام خانه‌ها ۳۹
آدم کشان مزدور شاه در اندیشهٔ شکار آزادیخواهان ۵۱
بازداشت رحیم خان قراجه داغی ضد مشروطهٔ معروف ۵۱ ــ ۵۳
تعطیل همگانی مردم تهران و جلوگیری از چراغانی برای تاج گذاری شاه ۵۱
جلوگیری مردم بندر انزلی از خارج شدن نوز بلژیکی ۵۲
قتل رجب افندی در تهران ۵۲
توطئهٔ اکرم السلطان برای کشتن اعضای انجمن ایالتی تبریز ۵۲
کمیابی نان و شورش مردم در تبریز ۵۳
کشته شدن یک محتکر در تبریز ۵۳
وضع بد مالی ایران و فرستادن هیأت‌های تبلیغاتی به خارج ۵۹
بریگاد قزاق، زنجیری برای بردگی ایران ۶۳
گارد شاهی با فرمانده روسی! ۶۴
شورش در زنجان و اردبیل ۶۶
شرایط برده‌وار و استعماری روس و انگلیس برای دریافت اقساط وام خود از ایران ۶۸
کشته شدن اتابک اعظم ۶۸
کاپیتولاسیون انگلیس در ایران ۶۹
اظهار نظر شگفتی انگیز سفیر انگلیس دربارهٔ شاه ایران ۷۱
دولت ایران فقط می‌تواند از روس و انگلیس وام بگیرد! ۷۶
احساسات میهن‌پرستانهٔ ایرانیان از نظر سفیر انگلیس ۷۹
رئیس دزدها محافظ راه کاروانی مشهد شد ۸۳
طرح قرارداد ۱۹۰۷ در مجلس ایران ۸۹
مرگ ناگهانی و مرموز مشیرالدوله ۸۹
اخطار درباریان به محمدعلی شاه و منزوی گردانیدن او ۹۰
مقالات روزنامهٔ حبل المتین دربارهٔ قرارداد ۱۹۰۷ ۹۳
قانون اساسی ایران ۹۹
فروش دختران و زنان ایرانی بوسیلهٔ صنیع الدوله ۱۱۰
زندانی شدن علاءالدوله ــ تبعید و زندانی شدن ناصرالملک و وزیران دولت او ۱۱۷
چاقوکشان مزدور محمدعلی شاه و پذیرائی شاهانه (!) از آنها ۱۱۹
سوء استفاده آصف الدوله و مظفرنظام از انبار مهمات خراسان ۱۲۴
تبعید علاء الدوله ــ زندانی شدن ناصرالملک ۱۴۰
اتحاد ظل السلطان با مشروطه خواهان ۱۴۴
شاه ایران از سفراء انگلیس و روس دستور کار می‌گرفت! ۱۴۶
از نظر سفیر انگلیس ملت ایران تا دو نسل دیگر هم شایستهٔ حکومت مشروطه نیست ۱۴۹
زرتشتیان ایرانی برای تأمین جان خودشان از سفارت انگلیس کمک می‌خواستند ۱۶۲
سوءقصد بجان محمدعلی شاه ۱۶۸
تدارک محمدعلی شاه برای سرکوبی مردم ۱۶۹
گزارش سفیر انگلیس دربارهٔ سوءقصد به محمدعلی شاه ۱۷۰
غارت مردم بوسیلهٔ گارد امیربهادر ۱۷۱
تحصن امیربهادر در سفارت روس ۱۸۴
فرار نظام السلطنه به قم ۱۸۶

روس و انگلیس در فکر تغییر سلطنت در ایران ۱۹۱
تحصن تقی زاده و روزنامه‌نگاران در سفارت انگلیس ۱۹۶
دستگیری روزنامه نویسان و آزادیخواهان دیگر بدستور محمدعلی شاه ۱۹۶
پناهندگی رئیس مجلس به سفارت فرانسه ۲۰۰
پناهندگی وزیر مالیه و خانواده‌اش به سفارت ایتالیا ۲۰۰
شورش در تبریز ۲۰۰
انحلال مجلس بدستور محمدعلی شاه ۲۰۰
حمایت سفارت انگلیس از ظل السلطان ۲۰۲
تلگراف شاه ایران به پادشاه انگلیس ۲۰۴
جواب پادشاه انگلیس به شاه ایران ۲۰۵
پناهندگی ایرانیان به سفارت روس ۲۳۵
کودتا در تهران و غارت خانه‌های مردم بدست قوای دولتی ۲۳۶
دستگیری ملک المتکلمین و جهانگیرخان صوراسرافیل ۲۳۹
حکومت نظامی به فرمان لیاخوف ۲۴۳
ایرانیان مصمم شدند سلطان عثمانی را به پادشاهی خود برگزینند ۲۷۲
فرمانفرمای آذربایجان از ورود آذوقه به شهر تبریز جلوگیری کرد ۲۹۱
قزاقان روسی در تبریز و ادعای بیطرفی دولت روسیه ۲۹۵
روزهای تلخ تبریز ۲۹۷
دستخط محمدعلی شاه دربارهٔ انتخابات مجلس ۳۰۶
انتخابات مجلس و بدقولی های محمدعلی شاه ۳۰۹
تظاهرات مزدوران شاه علیه مشروطه ۳۱۳
تلگراف شدیداللحن علماء نجف به محمدعلی شاه ۳۲۱

جلد دوم

به عقیدهٔ سفیر انگلیس، اعضای مجلس ایران عاری از کار و نادان و ارتجاعی هستند! ۳۳۷
دستخط ساختگی محمدعلی شاه بر دیوارهای تهران ـ تظاهرات طرفداران محمدعلی شاه علیه برقراری مشروطه در ایران ۳۳۹
بی تکلیفی زندانیان سیاسی؛ مشروطهٔ نوع محمدعلی شاهی! ۳۴۰
محمدعلی شاه اعطاءِ مشروطه به ایران را با چهارصد هزار لیره وام تاخت می‌زند ۳۴۴
به عقیدهٔ محمدعلی شاه، مشروطه و تشکیل مجلس مخالف با اسلام است ۳۴۶ ـ ۳۴۸
به عقیدهٔ علاءالسلطنه ایران برای تشکیل مجلس مستعد نیست ۳۴۷
شورش در مشهد؛ نامهٔ علماء کربلاء به مردم خراسان و تحریک آنان به شورش ۳۵۲
حکومت نظامی در اصفهان ۳۵۲
انگلیس و روس با شاه ایران وحدت نظر دارند ۳۵۵
عقب‌نشینی محمدعلی شاه در برابر تهدیدهای انگلیس و روس ۳۵۵
تحصن محمدعلی شاه در باغشاه ۳۵۶
سفرای انگلیس و روس می‌خواستند محمدعلی ـ

شاه را با دادن رشوه مشروطه‌خواه کنند! ۳۵۶
هرج و مرج و شورش در اصفهان؛ غارت بازار بوسیلهٔ سربازان دولتی ۳۶۰
یک داوری عجیب دربارهٔ ستارخان و هم‌رزمان او ۳۶۱
غارت دیوانخانهٔ حکومت اصفهان بوسیلهٔ مردم ۳۶۳
اصفهان در تصرف انقلابیون ۳۶۴
انتصاب سعدالدوله به وزارت خارجه ۳۶۵
مقاومت محمدعلی شاه در برابر فشارهای انگلیس و روس ۳۶۶
ترس انگلیس از تجزیهٔ ایران! ترس روسها از استقلال شهرهای تبریز و اصفهان ۳۶۷
انفصال صمصام‌السلطنه از ایلخانی بختیاری ۳۶۸
به عقیدهٔ صدراعظم ایران هیچگونه حکومت شورائی با شریعت اسلام موافق نیست ۳۷۹
پناهندگی ملیون به کنسولگری عثمانی در رشت ۳۸۱
رفتار ستمگرانه با پارسیان و ارامنهٔ ایرانی ۳۸۴
برقراری نظم در تبریز بوسیلهٔ ستارخان و باقرخان ۳۸۷
نامهٔ انجمن تبریز دربارهٔ رفتار ناروای دولت با مردم آن شهر ۳۸۹
اعتراض انجمن ملی تبریز به استقراض دولت ایران از خارج ۳۹۹
شورش در رشت و کشته شدن حاکم آن شهر ۴۰۳، ۴۲۶
تشکیل حکومت موقت در رشت بوسیلهٔ شورشیان ۴۰۳ — ۴۲۶
پیشنهاد صلح عین‌الدوله به مردم تبریز ۴۰۳، ۴۰۴
مخالفت ملیون تهران با استقراض دولت ایران از دولتهای خارجی ۴۰۴
به عقیدهٔ مستشار مالیهٔ ایران شرط استقلال مالیهٔ ایران استخدام کارمندان خارجی است ۴۰۵
آشوب و غارت در اصفهان، پناهندگی مردم به سفارتخانه‌های انگلیس و روس ۴۰۶ — ۴۰۷
زمزمهٔ تشکیل یک کشور مستقل در شمال ایران ۴۱۰
یاغیگری سید حسن لاری در لار ۴۱۰
انگلیس از مساعدت مالی به محمدعلی شاه برای حفظ موقعیت او ناامید است ۴۱۱
تغییرات در کابینهٔ دولت ۴۱۲
تیراندازی به شیخ فضل‌الله نوری ۴۱۲ — ۴۱۳
علماءِ کربلاء مردم ایران را از پرداخت مالیات به دولت منع کردند ۴۱۳
تشکیل دیوان عدالت در بوشهر ۴۱۴
شورشیان رشت شعاع‌السلطنه برادر شاه را گروگان گرفتند ۴۱۷
محاکمهٔ متهمان به بمب‌اندازی بسوی شاه ۴۱۸، ۴۲۹
کشف و توقیف مهمات انقلابیون ایرانی در باکو ۴۲۳
بروز آثار انقلاب در مشهد ۴۲۴
متن بیان‌نامهٔ جماعت ملیون تهران به سفیر انگلیس ۴۲۷
تشکیل کابینهٔ مشیرالسلطنه ۴۲۸
تعطیل بازار تهران و چوب‌خوردن تجار بازار ۴۲۹
آزاد شدن ضاربین شیخ فضل‌الله نوری ۴۲۹
مخالفت علماء نجف و همدان با استقراض

محمدعلی شاه از خارجه ۴۳۱
انجمن ایالتی آذربایجان جانشین مجلس ملی ایران ۴۳۱
جنگ ملیون و شاه‌پرستان در تبریز ۴۳۳
سادات لارستان به توصیهٔ علماء نجف گمرک بوشهر را متصرف شدند ۴۳۶
تصرف بوشهر بوسیلهٔ سید مرتضی اهرمی ۴۴۱
کشته شدن چهار نفر بدست اوباش در شاه‌عبدالعظیم ۴۴۱
غارتگری‌های رحیم خان ۴۴۲
آشوب در کرمانشاه؛ کشتار یهودیان آن شهر بدست آشوبگران ۴۴۶
قحطی و گرسنگی و مرگ در تبریز ۴۴۶
جنبش ملیون در اورمیه ۴۴۸
شورش در استراباد ۴۴۸
بمباران تبریز بوسیلهٔ شاه‌پرستان ۴۴۹
هرج و مرج در بوشهر ۴۵۲
زمینه‌سازی قفقازیها در شورش رشت ۴۶۰
پرچم روس و انگلیس و عثمانی برفراز خانه‌های مردم رشت ۴۶۰
یورش قوای دولتی به تبریز ۴۶۱
یورش جنایتکارانهٔ رحیم‌خان به جلفا ۴۶۲
نظر کنسول انگلیس دربارهٔ رشادت و جنگاوری ستارخان و جنگیدن روحانیون ۴۶۳
کشته شدن یک نانوای گرانفروش در تبریز ۴۶۴
بنادر خلیج فارس زیر فرمان ملیون ۴۶۴
در بوشهر به‌جای پرچم سلطنتی پرچم ملی برافراشته شد ۴۶۷
شروع انقلاب در مشهد ۴۶۷
شیراز و همدان در مسیر انقلاب ۴۶۸
شورش افشاریها و غارت اموال حاکم کرمان ۴۷۰
رفتار ضدانسانی پارسیان در شیراز ۴۷۲
کشتار پناهندگان شاه‌عبدالعظیم به دستور مفاخرالملک حاکم تهران ۴۷۳
اعتراض آمرانهٔ انگلیس و روس به کشتار شاه‌عبدالعظیم ۴۷۴
مداخلهٔ انگلیس و روس در ترکیب کابینهٔ ایران ۴۷۵
تهدید انگلیس و روس به تنبیه اقتصادی ایران ۴۷۵
قحطی و غارت نانواییها در کرمان ۴۷۸
سید مرتضی در لباس ملی گری و با قصد غارتگری ۴۷۸
تغییرات سیاسی در اسلامبول و تأثیر آن در اوضاع سیاسی ایران ۴۸۷
قحطی نان در تبریز؛ فراهم شدن زمینه‌های شورش مردم ۴۸۸
متارکهٔ جنگ تبریز از طرف ملیون ۴۹۶
مخالفت شاه و عین‌الدوله با متارکهٔ جنگ ۴۹۷ ــ ۴۹۹
نیروهای روسی آمادهٔ اشغال تبریز ۵۰۱
دستور شاه برای متارکهٔ جنگ و ورود آذوقه به تبریز ۵۰۷
ورود نیروهای روسی به خاک ایران ۵۱۳
عفو عمومی شاه ۵۱۳
الگوی محمدعلی شاه برای اعطای مشروطه و قانون انتخابات ۵۱۳
نایب السلطنهٔ مرتجع بر مسند ریاست وزراء ۵۱۵
ورود نیروهای روسی به تبریز ۵۱۵
نجات نسبی تبریز از قحطی و مرگ ۵۱۶
سپاسگزاری ستارخان از کمکهای انگلیس و

روس به مردم تبریز ۵۱۵ ــ ۵۱۶
لجاج و خودسری محمدعلی شاه ۵۱۷
پافشاری انگلیس و روس برای نشاندن سعدالدوله به‌جای نایب السلطنه ۵۱۷
شکایت وزیر ایرانی به سفراء انگلیس و روس ۵۱۹
تعیین وزیر خارجهٔ ایران با تصویب وزیر خارجهٔ انگلیس! ۵۱۹
نظر وزارت خارجهٔ انگلیس دربارهٔ کابینه‌های ایران ۵۱۹
تحصن صنیع الدوله و اعتمادالذاکرین در سفارت انگلیس ۵۲۹
کشته شدن فرستادهٔ ملیون بدست ترکمانان ۵۳۰
تظاهرات مردم بندرگز به طرفداری از مشروطه ۵۳۰
کمیابی نان در کرمان ۵۳۱
آشوب در کرمان و غارت محلهٔ یهودیان آن شهر ۵۳۲
تشکیل انجمن ایالتی فارس ۵۳٤
توصیه‌های تحقیرآمیز دولتین انگلیس و روس به شاه ایران ۵۳۸

جلد سوم

سعدالدوله مهرهٔ سیاسی مورد حمایت استعمارگران ۵۵۱
اخطار اهانت‌آمیز انگلیس و روس به شاه ایران در پوشش نصیحت دوستانه! ۵۵۲
آبروی سیاسی ایران در گرو دریافت وام از بیگانگان ۵۵۳
پناهندگی ستارخان و باقرخان به سفارت عثمانی ۵۵٦
دستخط محمدعلی شاه دربارهٔ برقراری مشروطه ۵٦۲
فرمان عفو عمومی از طرف محمدعلی شاه ۵٦۳
دستگیر شدن انقلابیون قزوین و رشت ــ انتشار دستخط مجعول محمدعلی شاه دربارهٔ مشروطه و عفوعمومی ۵٦۵
تیرباران شدن قاسم‌آقا (سرتیپ) بدست ملیون ۵٦٦
ورود ارتش روس به مشهد ۵٦٦
خودداری مردم مشهد از دادن مالیات به حکومت ایران ۵٦۷
ناآرامی و کشتار در لار ۵٦۹
تبریز در اشغال قشون روس ۵٦۹ ــ ۵۷۰
محاصرهٔ تبریز بوسیلهٔ محمدعلی شاه ۵۷۰
قطعنامهٔ انقلابیون و فهرست درخواست‌های آنان از شاه ۵۷۳
تلاش انگلیس برای جلوگیری از رسیدن انقلابیون به تهران ۵۸۲، ۵۸۵، ۵۸۷
امضاءِ قانون انتخابات مجلس شورای ملی بدست محمدعلی شاه ۵۸۲
چاره‌جوئی محمدعلی شاه از سفراءِ روس و انگلیس برای آرام گردانیدن مردم انقلابی ۵۸۸
دستخط محمدعلی شاه دربارهٔ تفسیر فرمان مشروطه ۵۹۰
کمیابی نان در تبریز ۵۹۲
متن قرارداد استقراض ایران از روسیه ٦۰٦
اعتراض سفیر روس به خاموش نشدن فریاد

انقلابیون ۶۰۷
لحن اهانت‌بار سفیر روسیه نسبت به انقلابیون ایران ۶۰۷
اخطارنامهٔ سپهدار به سفراءِ انگلیس و روس و تعیین شرایط ترک مخاصمه ۶۰۹
تلاش سفیران انگلیس و روس برای متارکهٔ جنگ بین شاه و مردم ایران ۶۱۷
متارکهٔ جنگ قزاقها با مردم به دستور لیاخف ۶۱۹
همدستی انگلیس و روس در مورد حوادث ایران ۶۲۰
پناهندگی محمدعلی شاه در سفارت روس ۶۲۳، ۶۳۴، ۶۸۳
خودداری محمدعلی شاه از پذیرفتن هیأت برگزیدهٔ مجلس شورایملی ۶۲۴
سلطان احمدمیرزا، سلطان احمدشاه شد ۶۲۶
صلاح اندیشی برای اخراج ستارخان و باقرخان از ایران! ۶۲۸
درخواست سفراء انگلیس و روس از سردار اسعد و دعوت او به آرامش ۶۴۰
فهرست درخواست‌های انقلابیون از دولت ایران بوسیلهٔ سفارتین انگلیس و روس ۶۴۳
خودداری سردار اسعد از قبول ضمانت سفارتین انگلیس و روس برای اجراءِ قول شاه ۶۴۴
ناآرامی و شورش در سلطان‌آباد (اراک) ۶۴۸
اظهار نظر سفیر انگلیس دربارهٔ مردم دشتستان و تنگستان ۶۵۸
توصیف بی‌نظمی راه بوشهر و شیراز از نظر سفیر انگلیس ۶۶۰
انتشار قانون انتخابات مجلس شورایملی ۶۶۶
اشغال تهران بوسیلهٔ نیروهای انقلابی ۶۸۱
چاره‌اندیشی شاه و سفارتین برای جلوگیری از پیشرفت انقلابیون ۶۸۲
تسلیم کلنل لیاخف به نیروهای انقلابی ۶۸۴
خلع محمدعلی شاه از سلطنت و پادشاهی احمدشاه قاجار ۶۸۴
تلاش برای جلوگیری از سلطنت احمدشاه ۶۸۴
گزارش تفصیلی پیروزی انقلابیون به نوشتهٔ مأمور سفارت انگلیس ۶۸۶
اعلامیهٔ شورای انقلاب دربارهٔ تغییر پادشاه ایران ۶۸۹
پذیرائی احمدشاه قاجار از سران قاجاریه و درباریان ۶۹۰
رهائی ظل‌السلطان از بند انقلابیون رشت ۶۹۶
کشمکش روس و انگلیس با شورای انقلاب برای تعیین حقوق مستمری محمدعلی میرزا ۶۹۵ ــ ۶۹۷
پذیرائی احمدشاه از سفراءِ دولتهای بیگانه ۶۹۷
داوری سفیر انگلیس دربارهٔ آداب‌دانی عضدالملک ۶۹۸
نظر سفیر انگلیس دربارهٔ مدیریت دولت انقلابی ایران ۶۹۹
قرارنامهٔ خروج محمدعلی میرزا از ایران ۷۰۳
بهانه‌جوئی روسها برای اشغال خاک ایران ۷۰۵
تشکیل نخستین دولت در پادشاهی احمدشاه ۷۰۷
پناهندگی سعدالدوله و مخبرالدوله به سفارت انگلیس ۷۰۷
آغاز اعدام مخالفان در حکومت جدید ۷۰۷
دشواری‌های زندگی پارسیان و یهودیان یزد ۷۱۰
عفو عمومی زندانیان و پناهندگان سیاسی ۷۱۸
حرکت محمدعلی میرزا و همراهان بسوی بندر

انزلی ۷۱۸
اعزام ستارخان از تبریز به اردبیل ۷۱۹
اغتشاشات مهم در کرمان ۷۲۱
حرکت محمدعلی میرزا از بندر انزلی بسوی روسیه ۷۳٤
بازگشت بخشی از قشون روسیه از تبریز ۷۳۸
اخطار سفارت انگلیس به دولت ایران دربارهٔ ناامنی راههای جنوب کشور ۷٤۰
آمار نیروهای نظامی روسیه در قزوین و تبریز ۷٤۹
ناآرامی در اردبیل ــ پناهندگی اعضاءِ حکومت و انجمن محلی و علماء به کنسولگری روس ۷۵۱
کار زشتی که از ستارخان سر زد ــ مطالب روزنامهٔ رسمی ایران دربارهٔ وقایع اردبیل ۷۵٤
افتتاح مجلس شورایملی بوسیلهٔ احمدشاه ۷۵۷
اظهار وابستگی رحیم‌خان به دولت روس ۷۵۷
پناهندگی مردم یزد به قنسولگری انگلیس ۷٦۲
اشغال شهر اردبیل بوسیلهٔ قشون روس ۷٦۵
کشتار کاروانیان در راه بوشهر ۷٦۵
تصویب نیابت سلطنت عضدالملک در مجلس شورای ملی ۷٦٦

جلد چهارم

رقابت انگلیس و روس برای دادن وام به ایران ۷۷۷
گزارش تفصیلی سفیر انگلیس دربارهٔ تلگرافات رحیم‌خان قراجه‌داغی و رؤسای ایل شاهسون به حمایت از محمدعلی شاه مخلوع ۷۸۰
افتتاح مجلس شورایملی بوسیلهٔ احمدشاه ۷۷۷
وکلائی که بهنگام افتتاح مجلس حضور داشتند ۷۷۸
ناآرامی در زنجان ــ جنگ بین قوای محلی و نیروهای دولتی ۷۸۲
ترکیب نخستین دولت به ریاست سپهدار ۷۸۳
درگذشت ام‌الخاقان مادر محمدعلی شاه مخلوع در راه سفر کربلاء ۷۸٦
شورش مردم بستک (لنگه) و اخراج حاکم از شهر ۷۸۹
قتل فجیع دو نفر اسماعیلی مذهب در نیشابور ۷۹۳
شکست یافتن نیروهای رحیم‌خان قراجه‌داغی از قوای دولتی و فرار رحیم‌خان به سرحد روسیه ۸۰۱
درخواست دولت ایران از دولت روس برای استرداد رحیم‌خان به ایران ۸۰۲
استعفاء و انصراف سپهدار از ریاست وزراء ۸۰۲
نظر سفیر انگلیس دربارهٔ دلاوری ایل بویر-احمد ۸۰٤
زمینه‌های مخالفت با دریافت وام از انگلیس و روس ۸۱٤
شرایط استثماری برای دادن وام به ایران ۸۱۵، ۸۱۸
حرکت ستارخان و باقرخان از تبریز بسوی تهران ۸۲۷
مکاتبات بین دولتهای ایران و انگلیس دربارهٔ وام پیشنهادی انگلیس به ایران ۸۳۱

چاره اندیشی مزورانهٔ سفیر انگلیس برای تحمیل وام به ایران ۷۳۷
مقاومت دولت ایران در برابر امتیازات و وثیقه های درخواستی انگلیس و روس برای دادن وام ۸٤۱
محدودیت و ممنوعیت ایران برای درخواست وام از دولتهای دیگر بجز انگلیس و روس ۸٤۲
دسته بندی وکلاء و پدید آمدن گروههای سیاسی در مجلس ۸٤٤
پاسخ دولت ایران به تحمیلات انگلیس و روس برای دادن وام ۸٤۷
موضوع استخدام مشاوران مالیه از کشورهای خارجی ۸٤۹
قیام داراب میرزا صاحب منصب ایرانی الاصل قشون روس به هواخواهی محمدعلی شاه مخلوع ۸۵۲
شرایط انگلیس برای هزینهٔ وام بوسیلهٔ دولت ایران ۸۵۳
تغییر کابینهٔ دولت سپهدار ۸۵٤
کمیابی نان در پایتخت ۸۵۵
سنگسار کردن یک زن قاتل در تهران ۸۵٦
ناآرامی در کرمانشاه ۸٦۳
قتل سید عبدالله مجتهد (بهبهانی) ۸۷۵
قتل مستحفظ کشتی روسی در استراباد (گرگان) ۸۷۵
شیوع و سرایت ناامنی و گردن کشی تا دروازه های پایتخت ۸۷٦
بروز اغتشاش در همدان ۸۷۹
دام های استعمارگران برای تحمیل وام به ایران ۸۷۹
تشکیل کابینهٔ مستوفی الممالک ۸۸۰
تیراندازی سربازان ایرانی به خانهٔ نایب قنسول روس ۸۸۱
بروز ناآرامی در نقاط مختلف کشور ۸۸۱
تیراندازی قزاق روسی به سرباز ایرانی ۸۸۳
ناخشنودی سفیر انگلیس از بی اعتنائی دولت ایران به سفیر روس! ۸۸٤
استعفاءِ کابینهٔ مستوفی الممالک ۸۸۷
اعتراض سفیر انگلیس به ناامنی های ایران و تعطیل تجارت انگلیس ۸۸۸
طرح وام یک میلیون لیره ئی انگلیس در مجلس ایران ۸۸۹
درخواست علماءِ نجف برای اخراج تقی زاده از ایران ۸۹۰
استعفاءِ مستشارالدوله از ریاست مجلس و ریاست ذکاءالملک ۸۹۱
اعتراض مردم یزد به مالیات تریاک و هیزم ۸۹۳
رفتار ناشایستهٔ مردم یزد با زرتشتی ها ۸۹۳
اعتراض بازاریان همدان به مالیاتها و عوارض جدید دولتی ۸۹۵، ۹۱۱
پیشنهاد موذیانه برای پرداخت وام به ایران ۸۹٦
تصمیم دولت برای خلع سلاح عمومی ۸۹۷
سنگرگیری ستارخان و مجاهدین او در پارک اتابک ۸۹۷
حملهٔ قوای دولتی به پارک اتابک ـ تسلیم مجاهدین و زخمی شدن ستارخان ۸۹۸، ۹۱۹
علاقه مندی انگلیس برای برقراری نظم در ایران ۸۹۸، ۸۹۹
آمار تلفات پارک اتابک ۸۹۹
کشته شدن سرباز ایرانی بدست نگهبانان کنسولگری کرمانشاه ۹۰۱
هجوم سربازان ایرانی به کنسولگری روس و

ناسزاگوئی به کنسول آن دولت ۹۰۲
نمایش خشم آلود سفراءِ دولتین استعماری دربرابر اشارهٔ کتبی دولت ایران به استقلال ملی خود ۹۲۲
درگذشت عضدالملک نایب‌السلطنهٔ ایران و تعیین ناصرالملک بجای او ۹۲٤
گزارش وقیحانهٔ سفیر انگلیس در برخورد با پاسخ دولت ایران برای اعلام حفظ استقلال ملی خود ۹۲۵
بازگشت محمدعلی میرزا و ظل‌السلطان و ورود آندو به شهر رشت ۹۳۱
محاصرهٔ شهر کاشان بوسیلهٔ نایب حسین کاشی ۹۳۵
ناآرامی و زدوخورد در اردبیل ۹۳۸
گم شدن تاجرباشی روس ۹۳۸
ناآرامی در بوشهر و شیراز ۹٤۵، ۹٤٦
اخطار شدید سفیر انگلیس به دولت ایران دربارهٔ ناامنی های جنوب کشور ۹٤۸
پاسخ دولت ایران به اخطاریهٔ سفیر انگلیس ۹۵۰
درگیری و زدوخورد بختیاریها وقوای نایب حسین کاشی ۹۵۸
تحصن رئیس نظمیهٔ یزد از ستم حاکم شهر به تلگرافخانهٔ انگلیس ۹۵۹
شیوع بیماری وبا در کرمانشاه ۹۵۹
غارت و کشتار در محلهٔ یهودیان شیراز ۹٦۰
تظاهرات مردم ایران در اعتراض به حضور قوای روس و مداخلهٔ انگلیس در ایران ۹٦۵
استعفاءِ حسینقلی خان نواب از وزارت امور خارجه ۹۷۲

جلد پنجم

مقدمات استخدام سوئدی‌ها برای ژاندارمری ایران ۹۷۵
تصویب استخدام مستشاران امریکایی برای مالیهٔ ایران در مجلس ۹۸۷
کشته شدن صنیع‌الدوله وزیر مالیه بدست تروریست‌های روسی ۹۸۸، ۱۰۱۱
ناآرامی در بلوچستان و کرمان و زمزمهٔ استقلال بلوچستان ۹۹٤
تحریکات محمدعلی شاه مخلوع در داخل کشور ۱۰۰۰
بمباران روستای ایرانی با دست قزاقان روسی ۱۰۰۳
تشکیل دولت سپهدار ۱۰۰۳
اسامی مستشاران مالیاتی امریکائی در ایران ۱۰۰٤
سوگند خوردن ناصرالملک نایب السلطنه در مجلس شورایملی ۱۰۰٦
تصویب حقوق مستشاران امریکائی در مجلس شورایملی ۱۰۰۹
سپاسگزاری وزیر خارجهٔ انگلستان از برقراری امنیت در جنوب ایران ۱۰۱٦
ناآرامی در کرمانشاه و حمله به کنسولگری انگلیس ۱۰۱۸
محاکمهٔ قاتلان رجال ایرانی در دادگاههای روسیه! ۱۰۱۸، ۱۱۰۰
کشتار شگفت در بوشهر ۱۰۱۹
سخنرانی ناصرالملک نایب السلطنه در مجلس شورایملی ۱۰۲۰

برنامهٔ دولت سپهدار برای ادارهٔ کشور ۱۰۳۳
ترکیب دولت سپهدار ۱۰۳۵
برکناری ممتازالدوله از ریاست مجلس شورایملی و ریاست مؤتمن الملک ۱۰۳۶
ناآرامی و زد و خورد و کشتار در راه تبریز ــ آستارا ۱۰۳۷
فرار ججو سردار، شورشی خراسانی به خاک روسیه ۱۰۳۸
بازداشت و محاکمهٔ پسران قوام الملک شیرازی ۱۰۴۳
استخدام صاحب‌منصبان سوئدی برای ژاندارمری ایران ۱۰۴۴
طرح لایحهٔ وام‌خواهی از بانک شاهی در مجلس شورایملی ۱۰۴۷
سرنوشت قوام الملک مسألهٔ روز دولتین ایران و انگلیس! ۱۰۵۱
کشته شدن نصرالدوله برادر قوام الملک شیرازی در راه شیراز ــ بوشهر ۱۰۵۲
تلگراف علماءِ نجف به نایب السلطنه ــ انتخاب هیأت رئیسهٔ مجلس شورایملی ۱۰۵۵
ناآرامی در شیراز بعلت پناهنده شدن قوام الملک به سفارت انگلیس ۱۰۶۲
تصویب لایحهٔ دریافت وام از بانک شاهی در مجلس شورایملی ــ قرارداد اسارت‌بار وام ۱۰۶۷
برنامهٔ هزینه گردانیدن وام دریافتی ۱۰۷۰
ورود مستشاران امریکائی به تهران ۱۰۷۳
به رسمیت شناخته‌شدن ولیعهدی محمدحسن میرزا از طرف دولت انگلیس ۱۰۷۴
کمیابی نان در اصفهان و شورش بانوان و مردم آن شهر و کشته و دارآویز شدن رئیس بلدیه ۱۰۷۵
ناآرامی در بوشهر و کشته‌شدن نایب رئیس نظمیه بدست تفنگچیان ۱۰۷۹
تیراندازی سربازان ایرانی و نگهبانان کنسولگری انگلیس بسوی یکدیگر و کشته‌شدن چند تن ۱۰۸۱
تصویب لایحهٔ کنترل هزینهٔ وام دریافتی از بانک شاهی در مجلس شورایملی ۱۰۸۷
تصویب لایحهٔ تأسیس و اختیارات خزانه‌داری کل در مجلس شورایملی ۱۰۹۲
تصویب حقوق دربار سلطنتی در مجلس شورایملی ۱۰۹۵
طغیان رودخانهٔ هامون و کشته‌شدن ۴۶ نفر دراثر سیل ۱۰۹۶
قانون اجازهٔ دریافت وام از بانک شاهنشاهی ۱۱۰۱
نامهٔ مورگان شوستر به سفیر انگلیس در ایران ۱۱۰۹
گزارش تفصیلی توطئه علیه جان قوام الملک شیرازی و نصرالدوله برادر او ۱۱۱۴
سفیر انگلیس جوانمردی و بزرگ منشی یک ایرانی را «یک نوع حس مغرب‌زمینی» می‌دانست! ۱۱۱۶
برخورد دشمنانه میان شوستر خزانه‌دار کل و مرنارد مدیر کل گمرکات ایران ۱۱۱۹
ورود محمدعلی شاه مخلوع به کومش‌تپه ۱۱۲۲
دودوزه‌بازی دولت روسیه برای بازگرداندن محمدعلی میرزا به سلطنت ایران ۱۱۲۴
تصویب قانون حکومت نظامی تهران در مجلس شورایملی ۱۱۲۸
آثار اجرائی قانون حکومت نظامی و پناهندگی گروهی به سفارتخانه‌های انگلیس و روس ۱۱۳۱

متن قانون حکومت نظامی ۱۱۳۲
بروز احساسات مردم شهرستانها به طرفداری از محمدعلی شاه مخلوع ۱۱۳۶
استعفاءِ صدراعظم (سپهدار) ۱۱۳۶
تشکیل دولت صمصام‌السلطنهٔ بختیاری ۱۱۴۰
ناآرامی و زمینه‌سازی شورش در مشهد به طرفداری از محمدعلی شاه مخلوع ۱۱۴۲
اشغال شهر نیشابور بوسیلهٔ محمدعلی شاه مخلوع و یاران او ۱۱۴۲
آشوبگری سالارالدوله در کرمانشاه ۱۱۴۴
شورش بسیار سخت در خراسان ۱۱۴۵
زمزمهٔ مخالفت انگلیس با مورگان شوستر ۱۱۴۹
شورش مردم تالش و کشته شدن حاکم آن شهر بدست مردم ۱۱۵۲
کشته شدن محمدعلی، شورشی نیشابوری ۱۱۵۲
ناآرامی و قتل و غارت در کرمانشاه ۱۱۵۴
کشف انجمن مخفی اتحاد اسلامی در تهران ۱۱۵۶
پیشرفت محمدعلی شاه مخلوع در داخل خاک ایران و اعتراض دولت ایران به دولتین انگلیس و روس و قطع مقرری او ۱۱۵۸
دفع دخل دولت انگلیس از اقدامات محمدعلی شاه مخلوع ۱۱۵۸
اعتراض‌نامهٔ سفیر ایران در لندن به دولت انگلیس دربارهٔ مداخلات ناروای دولت روسیه در ایران ۱۱۶۰
هجوم سربازان و قزاقهای روسی به مقر ایالت آذربایجان و تهدید حاکم و رهانیدن رشیدالملک مهرهٔ سیاسی روس از زندان حکومتی ۱۱۶۲
مزاحمت نیروهای روسیه در تبریز و گیلان نسبت بمردم و معنی بیطرفی دولت روسیه در امور ایران! ۱۱۶۲
ورود محمدعلی شاه مخلوع به ساری ۱۱۶۷
قیام سالارالدوله از کرمانشاه ۱۱۷۳
آغاز شکست نیروهای محمدعلی شاه مخلوع در فیروزکوه و دستگیری رشیدالسلطان ۱۱۷۶
لحن بی ادبانهٔ یک روزنامه‌نگار روسی دربارهٔ گردانندگان کشور ایران ۱۱۸۲
تصرف شهر دامغان بوسیلهٔ نیروهای محمدعلی شاه مخلوع ۱۲۰۲
تشکیل دولت پنج روزهٔ سپهدار و اسامی وزیران او ۱۲۰۴
دولت صمصام‌السلطنهٔ بختیاری و نام وزیران او ۱۲۰۵
تصویب جایزه برای دستگیری یا کشتن محمدعلی شاه مخلوع و برادران او در مجلس شورایملی ۱۲۰۵
پناهنده‌شدن زرتشتیان کرمان به کنسولگری انگلیس و کشته‌شدن یکی از آنان ۱۲۰۷
ناآرامی و قتل و غارت در همدان ۱۲۰۸
شکست سنگین نیروهای محمدعلی شاه مخلوع از نیروهای دولتی ۱۲۰۸
شکست نیروهای ارشدالدوله بدست بختیاریها ۱۲۱۱
بیکاری و گرانی و کمیابی در کرمان ۱۲۱۱
شکست کامل نیروهای محمدعلی شاه مخلوع در فیروزکوه و سوادکوه و فرار خود او ۱۲۱۵
وعده‌دادنهای محمدعلی شاه مخلوع به مردم مشهد ۱۲۳۰
تلگراف سالارالدوله به مجلس شورایملی ۱۲۳۴
نامهٔ نایب‌السلطنه به مجلس شورایملی ۱۲۳۷
تنظیم برنامهٔ اساسی برای ادارهٔ کشور ۱۲۳۹

جلد ششم

فرار سالارالدوله از همدان به بروجرد ۱۲۵۸
تیراندازی بسوی قوام الملک و کشته شدن همراهان او ۱۲۵۹
افزایش نیروهای نظامی انگلیس در شهرهای ایران ۱۲۶۱
اعتراض دولت ایران به افزایش نیروهای نظامی انگلیس در ایران ۱۲۶۶ ـ ۱۲۷۷
آشتی کردن و سوگند خوردن قوام الملک و صولت الدوله ۱۲۶۶ ـ ۱۲۶۷
نامهٔ میرزا مهدی‌خان وزیر مختار ایران در لندن به وزیر خارجهٔ انگلیس دربارهٔ افزایش نیروی نظامی انگلیس در ایران ۱۲۷۳
حرکت محمدعلی میرزا (محمدعلی شاه) بسوی بجنورد ۱۲۷۸
عقیدهٔ مهم سفیر روسیه دربارهٔ چگونگی اصلاحات در ایران و اختیارات مرگان شوستر ۱۲۸۰
محمدعلی میرزا در کومش‌تپه ۱۲۸۱
تیرگی روابط مورگان شوستر و دولت ایران ۱۲۸۱
تصرف سلطان‌آباد به دست دوستداران محمدعلی شاه ۱۲۸۲
ناامنی شدید در راههای بندرعباس و کرمان ۱۲۸۴
ارزشیابی نایب‌الحکومهٔ کرمان (سردار نصرت) از نظر سفیر انگلیس ۱۲۸۵
شکست کامل و تیرباران شدن ارشدالدوله و از هم پاشیده شدن قوای سالارالدوله ۱۲۸۶
فرار محمدعلی میرزا از مازندران ۱۲۸۷
لشکرکشی سالارالدوله برای تصرف تهران ۱۲۸۷
شکست سنگین سالارالدوله از قوای دولتی و فرار او به همدان ۱۲۸۷ ـ ۱۲۹۱
تصویب مقرری دائمی برای پیرم‌خان در مجلس شورای ملی ۱۲۸۹
تصرف کاشان به دست نایب حسین کاشی ۱۲۹۰
انحصارطلبی سفیر دولت روس دربارهٔ ایران ۱۲۹۱
پاسخ وزیر خارجهٔ انگلیس به نامهٔ میرزا مهدی‌خان دربارهٔ اعزام نیروی انگلیسی به ایران ۱۲۹۴
جلوگیری جنرال قنسول روس از اقدامات مأموران دولت ایران در مورد اموال شعاع‌السلطنه ۱۳۰۰
عقیدهٔ مورگان شوستر دربارهٔ روابط دولتین ایران و روس ۱۳۰۷
اخطار سفیر روس به دولت ایران و تهدید به قطع رابطهٔ سیاسی ۱۳۰۷
مقالهٔ یک روزنامهٔ روسی دربارهٔ تیرگی روابط ایران و روس ۱۳۱۲
استعفاء نایب‌السلطنه و کابینهٔ ایران در اعتراض به اخطار دولت روسیه ۱۳۱۵ ـ ۱۳۱۷
توضیحات سفیر روسیه در لندن به وزارت خارجهٔ انگلیس دربارهٔ رفتار دولت روس با ایران ۱۳۲۴
قطع رابطهٔ سیاسی با ایران ۱۳۲۷ ـ ۱۳۴۴
پافشاری روسها برای اخراج مورگان شوستر از ایران ۱۳۲۹

سیاههٔ تعداد نیروی نظامی روسیه در ایران ۱۳۳٤
نامهٔ مورگان شوستر و بروز بحران در کابینهٔ ایران ۱۳۳۵
تصویب قانون انتخابات در مجلس شورای ملی ۱۳۳٦
تلگراف ملاکاظم خراسانی به نایب السلطنه ۱۳۳۷
کشته شدن رحیم خان چلپیانلو در زندان تبریز ۱۳۳۷
آشفتگی اوضاع در کرمان ۱۳٤۰
یادداشت سفیر انگلیس به وزیر امور خارجهٔ ایران دربارهٔ مخالفت مردم با ورود قوای انگلیسی به ایران ۱۳٤۲
پایداری مجلس شورای ملی در برابر درخواستهای دولت روسیه ۱۳٤۵
اعادهٔ یادداشت اعتراضیهٔ دولت ایران به دولت روسیه ۱۳۵٤
پاسخ دولت ایران به درخواست‌های دولت روسیه و اعتراض به پس فرستادن یادداشت دولت ایران ۱۳۵۵
پوزشخواهی دولت ایران از دولت روسیه و تجدید روابط سیاسی دو کشور ۱۳۵٦ ـ ۱٤۳۹
حیلهٔ استعماری جدید برای تحکیم قرارداد انگلیس و روس دربارهٔ تقسیم ایران ۱۳۵۷
خسارت جسارت ورزی ایران به امپراطوری روسیه! ۱۳٦۰
نامهٔ وزارت خارجهٔ روسیه به وزارت خارجهٔ انگلیس دربارهٔ تیرگی روابط سیاسی ایران و روس و توجیه منطق قدیمی گرگ و بره! ۱۳٦۱
سیاههٔ تعداد قوای نظامی روسیه در رشت ۱۳٦۳
اعلام بهانه‌های تازهٔ دولت روس به دولت ایران و تحمیل شرایط جدید ۱۳٦۹
خودخواهی جهانگشایانهٔ روسها و سازشکاری تاجرانهٔ انگلیس‌ها و زبونی ناگزیرانهٔ ایران ۱۳۷۰
شرایط روسیه برای بیرون بردن قوای نظامیش از شهرهای ایران ۱۳۷٤
کشته شدن علاءالدوله ۱۳۷٦
ردشدن تقاضاها و شرایط پیشنهادی روسیه در مجلس شورایملی ۱۳۷٦
تظاهرات مردم برضد روسیه و تحریم کالاهای روسی در ایران ۱۳۸٤
نامهٔ وثوق‌الدوله به سفیر روسیه دربارهٔ روابط سیاسی ایران و روس ۱۳۸۵
مذاکرات و تصمیم گیری مجلس شورای ملی دربارهٔ شرایط تحمیلی دولت روسیه ۱۳۸۸
تمدید دورهٔ مجلس شورای ملی با تصویب نمایندگان مجلس! ۱۳۹۰
حرکت قشون روسیه برای تصرف تهران ۱۳۹۱
آغاز برکناری کارکنان امریکائی در ایران و نخستین پیروزی سیاسی روسها در این زمینه ۱۳۹۲
بیان‌نامهٔ دولت روسیه دربارهٔ محمدعلی شاه مخلوع ۱٤۱۲
مسلح شدن مردم مشهد و قوچان برای مقابله با قوای روسیه ۱٤۲۰
پایداری مجلس شورای ملی در برابر درخواستهای دولت روسیه و چاره‌جوئی دولت ایران برای انحلال مجلس ۱٤۲۱
استعفاءِ گروهی نمایندگان مجلس شورای ملی

۱٤۲۱
تحریم کالاهای انگلیسی و معامله و معاشرت با انگلیسی ها در شیراز ۱٤۲۲، ۱٤۵۲، ۱٤۵۵
شکست قوای دولتی از ترکمانان طرفدار محمدعلی شاه مخلوع در دامغان ۱٤۲۲
ناآرامی در کرمانشاه ـ جنگ طرفداران سالارالدوله با قوای دولتی ۱٤۲۸
مقدمهٔ تحریم کالاهای روسی در ایران ۱٤۳۰
توشیح قانون انتخابات به دست نایب السلطنه ۱٤۳۰
متن کامل قانون انتخابات سال ۱۲۹۰ خورشیدی ۱٤۳۱
استعفاءِ جمعی اعضاءِ دولت ایران ۱٤۳۸
پیروزی شعاع السلطنه بر قوای دولتی و تصرف استراباد ۱٤٤۱
تشکیل کابینهٔ صمصام السلطنهٔ بختیاری ۱٤٤٤
دستخط نایب السلطنه (ناصرالملک) به مجلس شورای ملی ۱٤٤٦
تصویب اعطاءِ اختیارات به دولت در مجلس شورای ملی برای حل بحران روابط سیاسی ایران و روس ۱٤۵۵
ورود سالارالدوله به کرمانشاه و پناهندگی کفیل حکومت آنجا به قنسولگری انگلیس ۱٤۵٦
جنگ سپاهیان روسیه با فدائیان تبریز و کشته شدن گروهی از ایرانیان ۱٤۵۷، ۱٤٦۰
پذیرش شرایط روسیه برای تخلیهٔ قوای روسی از ایران ۱٤۵۸، ۱٤٦۱
زد و خورد ایرانیان و روسها در رشت و انزلی و کشته شدن ده‌تن ایرانی ۱٤۵۹
انفصال مورگان شوستر و همکاران او از خدمت دولت ایران ۱٤٦۱
انحلال و تعطیل مجلس شورای ملی به پیشنهاد نایب السلطنه و دستور دولت ایران ۱٤٦۱
اعتراض مردم و بازاریان علیه اقدامات دولت ۱٤٦۲
شورش و ناامنی در فارس ۱٤٦۳
اعتراض خوانین قشقائی به صولت الدوله ۱٤٦۷
اوضاع بحرانی در شیراز ۱٤۷۱
زد و خورد و کشتار و آشوب در شیراز ۱٤۷۷

جلد هفتم

شایعهٔ کشته شدن پانصد تن زن و کودک تبریزی به دست قوای روسی ۱٤۸۸
یورشهای وحشیانهٔ قزاقان روسی و همدستان ایرانی آنان به مردم تبریز، رشت، انزلی، و کشته و زخمی شدن بسیاری از مردم آن نقاط ۱٤۹۲
تصمیم روسها برای انتقام گیری از مردم تبریز به گناه دفاع از خودشان ۱٤۹۳
نظر سفیر انگلیس دربارهٔ وقایع تبریز و اتهام روسها ۱٤۹۵
ورود قوای روسی به تبریز؛ تصرف ارک تبریز به دست قزاقان روسی و ایرانی ۱٤۹۵
تفویض اختیارات مستر شوستر به کمیتهٔ اجرائی موقت ۱۵۰۲
دستگیری شیخ سلیم مشروطه‌خواه تبریزی با دست روس‌خواهان تبریز ۱۵۰۷

پیدا شدن جسد تکه‌پاره شدهٔ چهارده سرباز روسی در تبریز ۱۵۰۸
سیاههٔ تلفات جنگ «کتل دختر» کازرون ۱۵۰۸ ، ۱۵۲۱
کشته شدن ثقة‌الاسلام و شیخ سلیم و گروهی دیگر از آزادیخواهان به دست روسها ۱۵۱۰
نظریهٔ وزارت خارجهٔ انگلیس دربارهٔ قتل عام تبریز و طرفداری از جنایات روسها ۱۵۱۱
خونسردی مردم تبریز در برابر کشته شدن ثقة‌الاسلام ۱۵۱۶
تلگراف مجتهدین بزرگ نجف به روحانیون ایران و جلوگیری آنان از دادن اعلان جهاد علیه روس و انگلیس ۱۵۲۰
نظریهٔ وزیر امور خارجهٔ روسیه دربارهٔ ثقة‌الاسلام ۱۵۲۴
حرکت مورگان شوستر از ایران ۱۵۲۵
تلفات روسها در آشوب تبریز ۱۵۲۶
دودوزه‌بازی وزیر خارجهٔ روسیه دربارهٔ موقعیت محمدعلی شاه مخلوع ۱۵۲۹
دست‌یابی محمدعلی شاه مخلوع بر شاهرود و دامغان و افتادن کرمانشاه به دست سالارالدوله ۱۵۳۱
تظاهرات مردم و دانش‌آموزان تهران در اعتراض به تحمیلات روسها و دادن شعار «یا مرگ یا استقلال» ۱۵۳۶
جنگ فدائیان با قوای روسی در تبریز ۱۵۳۷
پدیدار شدن محمدعلی شاه مخلوع در استراباد و بروز ناآرامی در آن سامان ۱۵۳۷
آمار نیروی نظامی روسیه در بندر انزلی ۱۵۳۷
شمار نیروهای روسی گسیل شده به قزوین ۱۵۳۸
ناآرامی و ناامنی در شهر و راههای اصفهان ۱۵۳۹
ناآرامی در یزد و بدرفتاری با زرتشتیان آن شهر ۱۵۳۹
گزارش تفصیلی ویلسن مأمور انگلیسی از حوادث راه شیراز به اصفهان ۱۵۴۱
متن نامهٔ هیأت دولت ایران به نایب‌السلطنه و درخواست انحلال مجلس شورایملی ۱۵۴۶
دستور نایب‌السلطنه برای بستن مجلس شورای ملی ۱۵۴۸
مقالهٔ روزنامهٔ «روسیه» و دفاع از ستمگری روسها در ایران و کشتن ثقة‌الاسلام و دیگران ۱۵۴۹
متن فرمان احمدشاه قاجار برای انتخابات مجلس شورای ملی ۱۵۵۶
حرکت قوای محمدعلی شاه مخلوع بسوی میانه و زنجان ۱۵۶۷
کشمکش انگلیس و روس بر سر سلطنت محمدعلی شاه مخلوع و اعطاءِ «مساعده» به دولت ایران ۴ ــ ۱۵۷۳، ۱۵۸۱
دار زده شدن رئیس نظمیهٔ رشت و دیگران ۱۵۷۶
ورود چهارصد تن پیاده نظام روسی به رشت ۱۵۷۶
پیشنهادهای کلنل یالمارسن فرمانده کل ژاندارمری برای هزینهٔ مساعدهٔ انگلیس و روس ۱۵۷۷
طرح پیشنهادی کلنل یالمارسن برای تأسیس سازمان ژاندارمری در ایران ۱۵۷۸
ناآرامی در خراسان به هواداری از محمدعلی شاه مخلوع ۱۵۸۱
پادشاهی محمدعلی شاه مخلوع، استخوان لای زخم روسیهٔ تزاری! ۱۵۸۴

گروکشی های انگلیس و روس برای دادن مساعدهٔ مالی به ایران ۱۵۸٤
کشته شدن (خودکشی) ضیاءالدوله در قنسولگری انگلیس در تبریز ۱۵۸۸
تعیین مقرری سالانه برای محمدعلی شاه مخلوع و سالارالدوله ۱۵۸۹
متن حکم انتصاب مرنارد به کفالت خزانه داری کل ایران ۱۵۹۹
نامهٔ مدیر کل گمرکات به وزیر دارائی ۱٦۰۰
آمار قوای نظامی روسها در آذربایجان ۱٦۰۲
فرار سالارالدوله از برابر قوای دولتی ایران در کرمانشاه ۱٦۰۸
قبول قرارداد استعماری روس و انگلیس، شرط اصلی پرداخت مساعدهٔ مالی به دولت ایران ۱٦۰۹
نامهٔ سفیران انگلیس و روس به دولت ایران دربارهٔ شرایط پرداخت وام به ایران ۱٦۱۵
شورش در مشهد و بازشناخته شدن محمدعلی شاه به پادشاهی از سوی شورشیان ۱٦۱٦
شرایط پیشنهادی محمدعلی میرزا برای بیرون رفتن از ایران ۱٦۱۷
شمار صاحب منصبان سوئدی در ژاندارمری ایران ۱٦٤۱
آمار درآمد سالانهٔ ایران ۱٦٤۱
رفتن مورگان شوستر از ایران ۱٦۵۱
راه‌یافتن محمدعلی شاه مخلوع به ولایات استراباد و مازندران با کمک اردوی قفقازی ۱٦۵۲
فرار سالارالدوله از برابر قوای یار محمدخان در کرمانشاه ۱٦۵۳
متن یادداشت دولتین انگلیس و روس به دولت ایران دربارهٔ محمدعلی میرزا ۱٦۵٤
تشکیل انجمن‌های سری با شرکت رجال و علماءِ سرشناس برای بازگردانیدن محمدعلی میرزا به سلطنت ۱٦۵٦
کشته شدن ایرانیان تبعید شده به روسیه ۱٦۵٦
ادعای سفیر انگلیس دربارهٔ دوستی علماء بزرگ با دولت متبوع او ۱٦۵۸
افزایش طرفداران محمدعلی میرزا در مشهد ۱٦٦۱
حرکت محمدعلی میرزا از ایران به سوی بادکوبه ۱٦٦۳
پیاده شدن قوای بحری انگلیس در بندر لنگه ۱٦٦٤
جنگ سخت یار محمدخان کرمانشاهی با سالارالدوله ۱٦٦۵
کشته شدن شرف الملک کردستانی بدست مجاهدین ۱٦٦٦
دستگیر شدن جمعی از علماء کرمانشاه به گناه طرفداری از سالارالدوله ۱٦٦۷
کشته شدن یک مجتهد کرمانشاهی به دستور یار محمدخان ۱٦٦۷
متن پاسخ دولت ایران به یادداشت دولتین انگلیس و روس دربارهٔ محمدعلی میرزا ۱٦۷۲
پافشاری سالارالدوله برای ماندن در خاک ایران ۱٦۷٦
جنگ مذهبی در لارستان ۱۹۷۸
درآمد گمرکات شمال و جنوب در گرو پرداخت وام انگلیس و روس به ایران ۱٦۸۰
جنگ مردم کازرون با قشقائیها و ناامنی راه بوشهر ۱٦۸۱
کشته و زخمی شدن مأموران سیاسی انگلیس

در راه شیراز ـ بوشهر و تاوان خواهی انگلیس از ایران ۱۶۸۳

جلد هشتم

اوضاع مالی ایران در آغاز سال ۱۲۹۱ خورشیدی ۹۰ ـ ۱۶۸۹
ورود قوای تازه نفس روسیه به رشت ۱۶۹۱
مخالفت‌های خان برازجان با تأسیس ژاندارمری ۱۶۹۳
سالارالدوله در همدان ۱۶۹۴
شرایط محمدعلی شاه برای ترک ایران ۱۶۹۵
شرایط دولت ایران برای بیرون رفتن سالارالدوله از کشور ۱۶۹۷
انعکاس مطلوب خارج شدن محمدعلی شاه مخلوع از ایران ۱۶۹۹
طرفداری مردم تبریز از محمدعلی شاه مخلوع ۱۶۹۹
نامهٔ مهم سالارالدوله به قنسول انگلیس ۱۱ ـ ۱۷۰۷
سالارالدوله در اندیشهٔ پادشاه ایران گردیدن ۱۲ ـ ۱۷۱۱
ورود قوای قزاق و پیادهٔ ارتش روسیه به تبریز ۱۷۱۶
بلا تکلیفی مأموران سیاسی انگلیس و روس در برابر اعلام پادشاهی سالارالدوله ۲۲ ـ ۱۷۲۱
وقوع جنگ بین قزاقهای روسی و مردم کرگان‌رود ۱۷۲۲
بمباران بازار تالش بوسیلهٔ کشتی جنگی روس ۱۷۲۲
کشتار فجیع شاهسونهای خلخالی بدست قوای نظامی روس ۱۷۲۷
مسلح شدن شیخ محمّره برای مقابله با بختیاریها ۱۷۲۹
انعکاس بمباران ضریح امام رضا در افکار عمومی ۱۷۳۰
انتشار آگهی افتتاح مجلس و رابطهٔ آن با دستگیری و تبعید اعضاءِ حزب دموکرات ۱۷۳۳
تشکیل قشون و استخدام معلمین قشونی برای ایران ۱۷۳۷
مساعدهٔ اعطائی انگلیس و روس به ایران و فهرست هزینهٔ آن ۱۷۳۷
تعیین حقوق برای محمدعلی شاه مخلوع و خانوادهٔ او ۱۷۳۷
کشته‌شدن رضاقلی خان شیبانی به دستور نصرالدوله ۱۷۴۱
تصرف زنجان و کشته‌شدن محمدخان زنجانی بوسیلهٔ بختیاریها ۱۷۴۱
فهرست بودجهٔ سه سالهٔ اداره کل گمرکات ایران ۱۷۴۲
نخستین اقدامات برای تأسیس راه‌آهن در ایران ۱۷۴۶
ورود سالارالدوله به کرمانشاه و پیشنهاد جنگی او ۱۷۴۹
گمرکات جنوب ایران و پرداخت اقساط وامهای خارجی ۱۷۵۱
کشته‌شدن پیرم‌خان در جنگهای داخلی کشور ۱۷۵۵
شایعهٔ دستگیری مجلل السلطان و قتل سالارالدوله ۱۷۶۱

جمعیت مسلمین جهان در دوران انقلاب مشروطهٔ ایران ۱۷٦٤
مخالفت ارامنهٔ تهران با استخدام مسیحیان در ارتش ایران ۱۷٦۷
مخالفت مردم رشت با حاکم تحمیلی روسیه ۱۷٦۸
مقدمات تشکیل مجلس سنا در ایران ۱۷۷۳
دستخط نایب السلطنه (ناصرالملک) دربارهٔ انتخابات ۱۷۷٤
فرمان نایب السلطنه برای رفع کمبود غلّه در پایتخت ۱۷۸۱
پناهندگی سالارالدوله نزد والی پشتکوه ۱۷۸٤
کشته شدن داودخان کلهر و پسرش ۱۷۸٤
گزارش کامل شکست سالارالدوله و مجلل السلطان در کرمانشاه ۱۷۹۲
گزارش تفصیلی کشته شدن پیرم خان ۱۷۹٤
تیرباران شدن فراریان جنگی به دستور کرّی خان ۱۷۹٤
اختلافات شدید بین شیخ محمرّه و بختیاریها ۱۷۷۸
گزارش‌های جالب توجه دربارهٔ امنیت راههای فارس ۸ ـ ۱۸۰۳
فرمان انتصاب ژوزف مرنارد به خزانه داری کل ایران ۱۸۰۹
ترکیب دولت صمصام السلطنه ۱۸۱٤
ناآرامی در کرمان و پناهنده شدن ایالت آنجا در قنسولگری انگلیس ۱۸۲۰
گزارش کامل ناآرامی های کرمان به قلم قنسول انگلیس ۳۷ ـ ۱۸۲٦
تشکیل بریگاد قزاق در تبریز ۱۸٤۰
دو گزارش قابل توجه از اوضاع تجارتی اصفهان و شیراز ۳ ـ ۱۸۵۱
اخباری دربارهٔ نایب حسین کاشی و روابط او با دولت ایران ۱۸۵۳
امیراعظم ایالت کرمان و یاغیان آن ناحیه ۱۸۵۹
اندیشهٔ اشغال جنوب ایران به توسط انگلیس‌ها ۱۸٦۳
ناآرامی در تبریز و مخالفت مردم آنجا با ایالت سپهدار ۱۸٦۷
امتیاز احداث خط آهن جلفا ـ تبریز ـ اورمیه، شرط اعطاءِ وام روسیه به ایران ۱۸٦۸
اقدامات تجار و سرجنبانان تبریز دربارهٔ ایالت سپهدار و شجاع الدوله ۱۸۷۱
فروش جواهرات دولتی ایران و جنب و جوش دلآلان خارجی ۱۸۷٦
اعطاءِ مساعده به دولت ایران برای تنظیم اوضاع فارس ۱۸۷۷
احداث خطوط آهن در جلفا و محمّره و رقابت انگلیس و روس در این باره ۱۸۸۳
خوانین بختیاری و شیخ محمّره و اختلافات فیمابین آنان ۱۸۹۰
متن قرارداد خوانین بختیاری برای تعیین سردار جنگ به حکومت کل بختیاری ۱۸۹۱
متن قرارداد وام دریافتی دولت ایران از بانک شاهنشاهی ۱۸۹۳
متن قرارداد واگذاری سهام معدن نفت بختیاری به بانک شاهنشاهی ۱۸۹٤
نامهٔ قنسول انگلیس در تأیید سردار جنگ ۱۸۹٦
جنگ قشقائی ها با قوای ژاندارمری ۱۹۰۰
گروکشی انگلیس و روس برای دادن وام به ایران ۱۹۰٦
گزارش کامل و جالبی دربارهٔ اهمیت تشکیل

سازمان ژاندارمری و ناامنی راههای فارس ۱۲ ـ ۱۹۰۶
نابسامانی عجیب در اوضاع کرمانشاه ۱۹۱۳
یک گزارش مهم اقتصادی دربارهٔ موضوع راهداری در جنوب ایران ۲۱ ـ ۱۹۱۵
ملاقات سالارالدوله و یارمحمدخان در کرمانشاه ۱۹۲۳
اجتماع یاران و همراهان محمدعلی شاه مخلوع در تبریز ۱۹۲۸
حملهٔ سالارالدوله و یارمحمدخان به کردستان و پناهنده شدن حاکم آنجا به قنسولخانهٔ عثمانی ۱۹۲۹
وام روسیه به ایران در گرو اعطاءِ امتیاز خط آهن به روسیه ۱۹۳۰
تذکاریهٔ تأسف‌آور سفرای انگلیس و روس به وزیر خارجهٔ ایران دربارهٔ ژاندارمری ۱۹۳۲
اوضاع نان در تهران و تصمیمات دولت دراین باره ۱۹۳۳
گزارشی از اوضاع خزانه‌داری کل و مالیهٔ ایران و پشتوانهٔ وامهای اعطائی انگلیس و روس به ایران ۱۹۳٤
فهرست مهم درآمدهای مالی کشور ایران در سال ۱۲۹۱ خورشیدی ۱۹۳۷
گزارش قابل ملاحظه دربارهٔ اوضاع منطقهٔ فارس و بنادر ٤٦ ـ ۱۹٤۲
گزارش اقتصادی دربارهٔ نیازمندی‌های مالی ایران ٤۸ ـ ۱۹٤٦
درخواست امام جمعه و معاریف تبریز از قنسول انگلیس برای بازگشت محمدعلی شاه مخلوع ۱۹٤۸
تأسیس راه‌آهن محمّره ـ خرّم‌آباد و اهمیت آن برای دولت انگلیس ۱۹٤۹
پیشنهاد یک سندیکای انگلیسی برای تأسیس خطوط آهن در ایران ۵۰ ـ ۱۹٤۹
تأسیس راه‌آهن سراسری ایران و اقدامات مربوط به آن ۱۹۵۰
مذاکرات وزرای خارجهٔ انگلیس و روس دربارهٔ مناطق نفوذ خودشان در ایران ۱۹۵۱
تأثیر تعطیل مجلس در جنگهای داخلی کشور ۱۹۵۳
درخواست علماء و تجار زنجان برای بازگشت محمدعلی شاه مخلوع به ایران ۱۹۵۵
راه‌آهن سراسری ایران از نگاه وزرای خارجهٔ انگلیس و روس ۱۹۵٦
کشته‌شدن یارمحمدخان کرمانشاهی و شکست یافتن قوای سالارالدوله ۱۹۵۸
آماری از سرقتهای مختلف در راههای فارس ۱۹٦۱
حرکت سالارالدوله بسوی تهران ۱۹٦۲
تشکیل کمیسیون انتخابات مجلس شورایملی به ریاست سعدالدوله ۱۹٦۵
اغتشاشات فارس و اختلافات میان سران عشایر ٦۸ ـ ۱۹٦۵
نابسامانی در کرمانشاه و ضعف دولت مرکزی برای چاره‌گری آن ۷٤ ـ ۱۹۷۲
اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی اتحاد ایرانیها دربارهٔ بازگشت محمدعلی شاه مخلوع ۱۹۷۵
اعلامیهٔ هیأت اتحادیهٔ ایرانیها دربارهٔ تأخیر افتتاح مجلس ۱۹۷۵
متن طرح تأسیس تشکیلات ژاندارمری کل ایران ۷۹ ـ۱۹۷٦
گزارش سفیر انگلیس دربارهٔ وام اعطائی به ایران ۸۱ ـ ۱۹۷۹
متن برنامهٔ پیشنهادی دولت ایران برای هزینهٔ

م دریافتی ۸۲ ـ ۱۹۸۱
عین الدوله و نظریهٔ جالب سفیر انگلیس دربارهٔ او ۱۹۸۳
ماشاءالله خان کاشی و تصرف شهر یزد ۱۹۸۷
سردار جنگ و گزارش ویس قنسول انگلیس دربارهٔ او ۱۹۹۰
گزارش کفیل قنسولگری زنجان دربارهٔ تلگرام تجار و علماءِ زنجان ۱۹۹۳
متن تلگرام علماء و تجار زنجان دربارهٔ بازگردانیدن محمدعلی شاه مخلوع ۱۹۹۴
سالارالدوله و اوضاع بهم ریختهٔ کرمانشاه ۱۹۹۵
عریضهٔ پناهندگان کرمانشاهی دربارهٔ سالارالدوله ۱۹۹۶
گزارش قنسول انگلیس دربارهٔ کشته شدن یارمحمد خان کرمانشاهی ۱۹۹۷
گزارش قنسول انگلیس دربارهٔ شکست یافتن سالارالدوله ۱۹۹۹
دستگیری سلیمان‌میرزا و دیگر فعالین سیاسی و بازداشت آنان در باغشاه ۲۰۰۷
تهدید مهم نایب حسین خان و ماشاءالله خان کاشی نسبت به مأموران سیاسی خارجی در ایران ۲۰۰۹
گزارش قنسولگری فارس دربارهٔ اوضاع مالی آن سامان ۱۳ ـ ۲۰۱۰
نامه‌های صولت‌الدوله به قنسول انگلیس دربارهٔ اوضاع فارس ۱۶ ـ ۲۰۱۵
پاسخ قنسول انگلیس به صولت‌الدوله ۲۰۱۶
شرایط لازم برای بازگشت محمدعلی شاه مخلوع به سلطنت ۲۰۱۸
تأسیس خط آهن، گره کور معماهای مالی ایران! ۲۰۱۹
اعلام انصراف قطعی محمدعلی شاه مخلوع از بازگشت به ایران ۲۰۲۴
یورش ترکمن‌ها و بسته‌شدن راه مشهد ـ تهران ۲۰۳۲
اشغال شمال ایران به وسیلهٔ قوای نظامی روسیه و شرط خروج آنها ۲۰۳۳
حملهٔ عشایر فارس به ژاندارمها و مأموران سیاسی انگلیس و قتل و جرح آنها ۲۰۳۳
گزارش کامل وقایع تبریز و اعدام ثقة‌الاسلام و دیگران ۴۱ ـ ۲۰۳۵
ستارخان ـ باقرخان و فدائیان، خار چشم سفیر انگلیس! ۲۰۳۷
طرز رفتار مردم تبریز با اجساد ثقة‌الاسلام و یاران او ۲۰۳۹
نزاع بین قراولان سیار روسی و مأموران نظمیهٔ تبریز ۲۰۴۲
تعیین وزدال سوئدی به ریاست نظمیهٔ ایران ۲۰۴۲
گزارشی دربارهٔ قتل صاحب منصب انگلیسی در فارس ۲۰۴۵
گزارشی دربارهٔ توافق میان سران ایل بختیاری با شیخ محمّره ۲۰۴۸
آزاد شدن زندانیان سیاسی از زندان باغشاه ۲۰۵۰
گزارش تکمیلی دربارهٔ حادثهٔ دشت ارژن فارس ۲۰۵۳
گزارشی دربارهٔ حملهٔ راهزنان فارس به مأموران انگلیسی ۵۷ ـ ۲۰۵۶
مکاتبات متقابل سردار جنگ و جنرال قنسول انگلیس ۶۰ ـ ۲۰۵۸
برداشته شدن دارهای روسی از میدان ارک تبریز ۲۰۶۱
اخطار دولت روسیه به سالارالدوله ۲۰۶۵

اعتراض و تهدید بختیاریها نسبت به مرنارد خزانه دار کل ۲۰۶۸
گزارش سفیر انگلیس به وزیر امور خارجهٔ آن کشور دربارهٔ حادثهٔ دشت ارژن ۲۰۶۹
نامهٔ سفیر انگلیس به وزیر امور خارجهٔ ایران دربارهٔ واقعهٔ دشت ارژن ۲۰۷۰
گزارش تلگرافی مخبرالسلطنه ایالت فارس دربارهٔ رویداد دشت ارژن ۲۰۷۲
متن نامهٔ وزیر امور خارجهٔ ایران به سفیر انگلیس دربارهٔ سانحهٔ دشت ارژن ۲۰۷٤
گزارش کامل قنسول فارس دربارهٔ اوضاع ششماههٔ ایالت فارس به سفیر انگلیس ۸۷ ـ ۲۰۷۹
پاسخ سالارالدوله به سفیر انگلیس و نظر او دربارهٔ بختیاریها ۲۰۸۹
نامهٔ علماءِ تبریز به قنسول انگلیس دربارهٔ سعدالدوله ۲۰۹۰
چند نامه و گزارش دربارهٔ حادثهٔ دشت ارژن ۹٦ ـ ۲۰۹۱
«انقلاب برای نان» و شکست یافتن آن! ۲۰۹۸
زمزمه های تغییر حکومت در ایران ۲۱۰۱
مؤتمن الملک و رفورم‌های استعماری او ۲۱۰۲
تحریکات سعدالدوله و تمهید مقدمات برای بازگردانیدن محمدعلی شاه مخلوع ۲۱۰۳
مذاکرات برای انقیاد سالارالدوله ۲۱۰٤
گرانی بهای نان و همدستی متین السلطنه با نانوایان ۲۱۰٤
حملهٔ ترکمن ها به تلگرافچی انگلیسی ۲۱۰۵
باج گیری جهانگیر راهزن از مسافران راه مشهد ۲۱۰۵
قشون کشی سعیدخان بمی بر ایلات کرمان ۲۱۰٦
نظریهٔ قنسول انگلیس دربارهٔ ادارهٔ امور فارس ۲۱۱۱
یک آمار جالب اقتصادی دربارهٔ کرمانشاه ۲۱۱۳
آمار اقتصادی مهم دربارهٔ راهداری، مشکل بزرگ اقتصادی ایران ۲۷ ـ ۲۱۱٦
بهای نفت در بازار ایران ۲۳ ـ ۲۱۱۹
آماری از توقف بازار تجارتی انگلیس و رونق بازار روسها در ایران ۲۱۲۰
معنی کابینهٔ خوب و قوی از دیدگاه وزیر مختار انگلیس! ۲۱۲۸
ارزش استقلال ایران از نظر دولت انگلیس ۲۱۲۸
توضیح دولت روس دربارهٔ اشغال شمال ایران ۲۱۳۱
ادامهٔ ماجرای سالارالدوله ۲۱۳٦
سندیکای راه‌آهن ایران و خط آهن محمّره ـ خرّم آباد ۲۱۳۹
امضاءِ امتیاز نامهٔ راه‌آهن روس در ایران (جلفا) ۲۱٤۱
مخالفت دولت ایران با اعطاءِ امتیاز تأسیس راه‌آهن توسط انگلیس ۲۱٤۲
وثوق الدوله و امتیاز خط آهن انگلیس در ایران ۲۱٤۳
گزارش تازه‌ئی از حادثهٔ دشت ارژن ٤۸ ـ ۲۱٤٤
ترکیب دولت علاء السلطنه ۲۱٤۸
ترکیب دولت علاء السلطنه ۲۱٤۸
تأسیس نخستین خط اتومبیل رانی در ایران ۲۱٤۹
دستگیری کلانتر بوشهر بعلت مخالفت با انگلیس ها ۲۱۵۱

شرایط استفادهٔ ایران از خط آهن جدید التأسیس جلفا ـ تبریز ۲۱۵۳
شرایط پرداخت وام انگلیس برای استقرار نظم در فارس ۲۱۵٤
تأمین اعتبار برای راه اندازی سازمان راه‌آهن ایران ۲۱۵٦
ترس دولت انگلیس از تقسیم ایران؟! ۲۱۵٦
موافقت دولت انگلیس با اعطاءِ وام به ایران ۲۱۵۷

www.adabestanekave.com